

سلسله انتشارات انجمن آثار ملی
«۷۷»

نظری به تاریخ آذربایجان
و
آثار باستانی و جمعیت شناسی آن

تألیف:
دکتر محمد جواد مشکور

اهداء کتاب

به پیشگاه شهبانوی دانش پرور نیکونهاد، علیا حضرت فرح پهلوی که خود و دودمان والاتبارشان از سادات طباطبائی علوی آذربایجان هستند.



سلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی

«۷۷»

نظری به تاریخ آذربایجان

و

آثار باستانی و جمعیّت شناسی آن

تألیف:

دکتر محمّد جواد مشکور

تهران بهمن ماه ۱۳۴۹

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۰۲۹ مورخ ۴۹/۱۲/۲

تعداد چاپ یکهزار نسخه بهمن ماه ۱۳۴۹

چاپ : چاپخانه بهمن

صحافی : شرکت چاپ افست

بنام پروردگار بزرگ مهربان و بخشاینده

پس از عرض سپاس بدرگاه خدای تعالی و درود فراوان بر پیمبر اسلام (ص)، در پرتو عنایات همیشگی **اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر** کتاب حاضر درباره تاریخ آذربایجان و زبان فرهنگ و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن سامان بمعرض انتشار و استفاده علاقه مندان گذارده میشود.

از چند سال پیش که انجمن آثار ملی درصدد برآمد بمنظور معرفی آثار باستانی و ابنیه تاریخی استانها و نواحی مختلف کشور کتبی درخور چنین خدمت بوسیله محققین و دانشمند تدوین نماید طبعاً تألیف کتابهائی چند درباره آثار تاریخی و یادگارهای فرهنگی سرزمین گرامی آذربایجان هم مورد کمال علاقه بود و در راه نیل باین منظور کوششهائی بعمل آمد و از چند نفر دانشمندان دعوت بهمکاری شد.

خوشبختانه استاد ارجمند آقای محمد جواد مشکور استاد دانشگاه که تحصیلات قدیمی اسلامی خود را در تهران نزد علماء روحانی برجسته گذرانده اند و در عین حال دکتر در رشته تاریخ از دانشگاه سوربن هستند و مدت هشت سال (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۵ شمسی) در دانشگاه تبریز بسمت استادی تاریخ و زبانهای باستانی عهده دار بوده اند آمادگی خویش را برای تدوین کتاب تاریخ تبریز اعلام داشتند و چنانکه در مقدمه کتاب نوشته اند آنچه فعلا طی صفحات مجلد کنونی از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد (و مشتمل بر دوازده فصل حاوی

اطلاعات تاریخی گوناگون و مفید مربوط به آذربایجان است) زمینه‌ای برای تاریخ تبریز بشمار میرود که امیدوار است چاپ آنهم زودتر پایان پذیرد و با استقبال خوانندگان ارجمند قرار گیرد.

و نیز دانشمند فرزانه و فرزند برومند آذربایجان آقای عبدالعلی کارنگ (صاحب تألیفات متعدد در زمینهٔ فرهنگ و ادب فارسی و تاریخ آذربایجان) کتاب آثار و ابنیهٔ تاریخی شهرستان تبریز را بسفارش انجمن آثار ملی تألیف نموده اند که در شهر تبریز بچاپ میرسد و بدینوسیله بخشی از منظور کلی مورد اشاره درباره آثار گرانقدر آذربایجان انجام خواهد پذیرفت.

برای سرزمین پهناور و آباد و پر استعداد آذربایجان که پیشینهٔ تمدن آن به هزاران سال میرسد و در طول سراسر تاریخ ایران جایگاه سرگذشتها و دلاوریها و سرنوشتها و مردانگیها در راه اعتلای کشور بوده است تدوین و چاپ کتابهائی خصوصاً دربارهٔ یادگارهای فرهنگی و ملی آنجا خدمتی بس ضروری بدان خطه است و انجمن آثار ملی نهایت خرسندی را دارد که در راه این هدف اساسی بفراخور امکانات خود فشاخدمتی باشد و اینک نخستین کتاب مربوط بدین امر را به محضر ارباب بصیرت عرضه میدارد و ضمن امیدواری بانجام دنبالهٔ هدف خود در این راه با استفاده از کوشش و پایمردی محققان علاقه‌مند و دانشمندان شیفته به چنین منظور اساسی مقدمه را پایان بخشیده خاطر خوانندگان گرامی را به مطالب کتاب جلب میکند.

بمنه وکرمه - انجمن آثار ملی

باسمه تبارك و تعالی

مقدّمه

قصدنگارنده از نوشتن این اوراق که ازمجموع آنها کتابی فراهم آمده ، نگارش تاریخ آذربایجان نبوده ، بلکه این کتاب باهمه سطبری آن مقدمه‌ای است بر **تاریخ تبریز** که راقم این سطور مدتی است بامر انجمن محترم آثار ملی مأمور تألیف آنست و اکنون بحمدالله باتمام رسیده وتحت طبع میباشد.

چون شهر تبریز از قرن چهارم هجری که شهرتی بهم رسانیده ، عاصمه وامّ البلاد آذربایجان بوده ، وفرمانروایان آن برآذربایجان و ارّان حکومت داشتند، از اینرو تدوین تاریخ چنین شهری بدون نظر باوضاع آذربایجان و حوادثی که درآن خطّه پهناور روی داده نارسا و مجمل مینمود ، ناچار می‌بایستی بر آن کتاب مقدمه‌ای که مشتمل بر اطلاعاتی کلی دربارهٔ آن استان وبلاد ماوراء ارس باشد نوشته شود. این این مقدمه بسبب اهمیت موضوع وکثرت مسائلی که ناگزیر بایستی بدانها اشاره میشد آن قدر توسعه یافت که دیگر در نامهٔ تبریز نمیگنجید و می‌بایستی جامهٔ دیگری برقامت آن دوخته آید . لهذا آنچه در این کتاب آمده بیشتر جنبهٔ عمومی وکلی دارد و از مسائلی در آن صحبت شده که پیش ازخواندن تاریخ تبریز دانستن آنها ضروری است.

اگر بایستی تاریخ مستقلی دربارهٔ آذربایجان نوشته میشدهرگز این مختصر کافی نمی‌بود . بعلاوه نوشتن چنین تاریخ جامعی بمعنای واقعی خودش‌کاریك تن‌نیست، بلکه دربارهٔ هرفصلی‌از آن محققی باید تحقیق‌کند ، تاازمجموع آن تحقیقات یکدوره تاریخ مفصل‌آذربایجان فراهم‌آید .

گربگویم شرح‌آن بیحدشود مثنوی هفتاد من کاغذ شود

زیرا گذشته از کثرت حوادث تاریخی خود آذربایجان ، کمتر واقعه‌ای را میتوان‌یافت که درآن سرزمین روی داده وباندك مناسبتی به تاریخ‌کهن ایران ارتباط نداشته باشد .

بنابراین نگارش تاریخ جامع آذربایجان مانند نوشتن تاریخ مفصل ایران مشکل است ، و همانطور که گفتیم تنهاکار یك محقق و مورخ نیست .

در تألیف تاریخ مفصل آذربایجان پیش ازدیگران بایدگروهی ازفضلا ودانشمندان‌آن استان‌که به زبان وآداب ورسوم مردم‌آن سر زمین بخوبی‌آگاه باشند پیشقدم شوند. آن‌محققان باید مجهز به‌وسایل علمی‌جدیدبوده‌گام بگام‌کوه ودشت‌آن‌اقلیم رابه پیمایند، وشهر به‌شهر وده به‌ده سفرکنند، و در آداب و رسوم اهالی و لهجه های گوناگون ساکنان‌آن‌تحقیق نمایند، وهمه آثارباستانی‌را از پیش‌چشم‌بگذرانند واز هرطاق شکسته وپل‌گسسته عکس‌برداری‌نمایند، و سنگ‌گورهای کهنه را بدقت بخوانند. آنگاه مجموعهٔ این مطالعات رادر دفترهای جداگانه فراهم‌آورند، وسپس‌هریك راباصبر وحوصله بااسناد مکتوب ومآخذتاریخی‌سنجیده، دربارهٔ هرموضوعی مستقلاً کتابی تألیف‌نمایند

و این تحقیقات سودمند را درسلسله‌ای ازکتب منتشرسازند(۱)

همان‌سان‌که ازعنوان‌این‌کتاب‌پیداست، مقصودنگارنده‌ازنوشتن آن: نظری‌اجمالی‌به تاریخ آذربایجان وزبان وفرهنگ وآثارباستانی وجمعیت شناسی آن‌بوده است.

این‌کتاب را مؤلّف بردوازده بخش تقسیم کرده ، و درهرفصلی دربارهٔ یکی از مسائل کلی که درتحت عنوان فوق قرار میگیرد بحث نموده ، ازشهرهای‌گمشده وبجای مانده آذربایجان جداگانه به تناسب مقام سخن‌گفته،جزام‌البلادتبریز که دربارهٔ آن‌به‌کتابی جداگانه‌حوالت داده است . در مورد فصول کتاب در اینجا شرح و توضیحی لازم نیست زیر با مراجعه به فهرست مندرجات ، عنوان و غرض از انشاء هرفصل معلوم میگردد .

برای‌آنکه کارمحققانی راکه بخواهندبعداً درتاریخ‌آذربایجان تحقیق کنند آسان کرده باشد ، مؤلّف آخرین بخش این کتاب را به کتابشناسی آذربایجان اختصاص داد و به قدر مقدور فهرستی از کتابها ومقالات بزبانهای: پارسی وعربی وترکی وفرانسه وانگلیسی وآلمانی و روسی درآن‌زمینه فراهم‌آورد و دردسترس پژوهندگان گذاشت .

امیدوارم‌این‌کتاب‌که نخستین‌تحقیق درتاریخ اجمالی‌آذربایجان و زبان وفرهنگ وآثار باستانی وجمعیت‌شناسی آن‌است باهمه‌نقائص و اشتباهاتی که ممکن است داشته باشد طالبان آگاهی ازتاریخ این

---

۱ ــ خوشبختانه دوست دیرین و دانشمندم آقای عبدالعلی کارنگ که ازفضلای بنام آذربایجان و از مدرسان دانشگاه تبریزهستند، از طرف انجمن آثار ملی مأمور نوشتن‌کتابی درباره آثار تاریخی شهرستان تبریز شده‌اندکه بمصداق:اهل البیت ادری بمافی‌البیت ، اثری بدیع وممتع خواهد شد.

استان وبویژه اهل تحقیق را بکار آید .

در پایان وظیفهٔ اخلاقی خود میدانم که از تیمسار معظم سپهبد آق‌اولی رئیس محترم هیأت مدیره انجمن آثار ملی‌که مشوق محققان در تألیف کتابهایی درباره شهرها و ولایات ایران هستند سپاسگزاری کنم ، و توفیق بیشتر ایشان و همکارانشان را در احیای آثارباستانی و تمدن دیرین این‌کشور کهنسال از خداوند بزرگ بخواهم .

از فاضل‌ارجمند آقای محمدحسین تسبیحی‌که درتهیه فهرست اعلام این کتاب منّتی برمن نهاده است نیز سپاسگزارم .

همچنین از دوست ارجمندم آقای محمود مطیّر مدیر محترم چاپخانه بهمن که‌مرا با نداشتن وسیله از رفت‌وآمدبه مطبعه‌دوردست خودشان معاف داشته ، از روی لطف ، خود و یا کسانشان نمونه های چاپی را برای تصحیح به خانهٔ من می‌آوردند تشکر میکنم .

تهران –۲۱ آذرماه ۱۳۴۹

محمدجواد مشکور

نظری به تاریخ آذربایجان
و
آثار باستانی و جمعیت شناسی آن

فصل اول

جغرافیای تاریخی آذربایجان

حدود آذربایجان

آذربایجان ازایالات معروف ایران است یاقوت حموی آن ولایت راازاقلیم پنجم شمرده و طولش را ۷۳ و عرضش را ۴۰ درجه دانسته است وگـوید ، حد آذربایجان ازمشرق برذعه واز مغرب ارزنجان ، و ازشمال بلاد دیلم وگیلان و طارم‌است [۱] . این‌عبارت خالی‌ازتشویش نیست بایدگفت‌که بایستی‌عبارت صحیح یاقوت چنین بوده باشد : حد آذربایجان ازشمال برذعه و ازمشرق بلاد دیلم و گیلان ، وازمغرب ارزنجان وازجنوب طارم (وزنجان) است .

دیگرجغرافی‌نویسان عرب حدآذربایجان را ازجنوب شرقی ایالت جبال (ماد قدیم) و ازجنوب غربی ، قسمت شرقی ولایت جزیره (آشورقدیم) ، واز مغرب ارمنستان ، وازشمال ولایت‌آران (بلادقفقاز) ، وازمشرق ، موقان و ـ

۱ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص ۱۷۲.

گیلان‌که برکناربحرقزوین (دریای‌کاسپین‌یاخزر)واقعند دانسته‌اند [۱] . حمدالله مستوفی مینویسد : حدودش با ولایت عراق عجم و موغان وگرجستان وارمن و کردستان‌پیوسته‌است [۲] . ابن‌الفقیه حد آذربایجان‌را از برذعه (قراباغ ولایات آنطرف ارس) تازنجان نوشته‌است [۳] .

ابوالفداء مینویسد که حدآذربایجان ازنخجوان درکنار رود ارس است تا مرز زنجان [۴] .

بنابراین حدودآذربایجان کم وبیش همان حدودفعلی‌آنست‌که ازشمال به رود ارس وازمغرب به‌ترکیه وازمشرق به گیلان وطالش‌وازجنوب به‌کردستان وخمسه (زنجان) باشد .

آذربایجان شوروی ـ اکنون یك جمهوری سوسیالیستی در ماوراء ارس وقسمت شرقی‌ولایات ماوراء قفقازاست ، ودربین رشته‌های‌جنوب شرقی‌کوههای قفقاز وساحل دریای‌خزر، و رود ارس قرار گرفته .

از شمال شرقی به جمهوری سوسیالیستی داغستان ، و از شمال غـربی به جمهوری سوسیالیستی‌گرجستان ، وازمغرب به‌جمهوری‌سوسیالیستی‌ارمنستان، وازجنوب غربی‌به‌جمهوری مستقل‌نخجوان وازجنوب به‌رود ارس وآذربایجان ایران محدود است .

این ناحیه که تا نیم قـرن پیش قراباغ (باغ‌سیاه) نام داشت و در دست امپراطوری روس بود . پس از شکست قشون امپراطـوری از طرف متفقین اشغال شد و بنام محافظ ازطرف ژنرال دنسترویل Dunsterville از هفدهم اوت تا چهاردهم سپتامبر ۱۹۱۸ بنفع روسیه اداره شد . سپس قشون ترك بسرداری

۱ـ دائرةالمعارف اسلامی طبع اول ماده ، آذربایجان .
۲ـ نزهةالقلوب ص ۸۵ طبع دبیرسیاقی .
۳ـ مختصرکتاب البلدان ، ص ۲۸۵ .
۴ـ تقویم البلدان ص ۳۸۶ .

نوری پاشا ، باکو را در پانزدهم سپتامبر ۱۹۱۸ تسخیر کرده حکومتی بنام آذربایجان ، تحت ادارهٔ دولت عثمانی تشکیل دادند ، و باطناً غرض ترکان عثمانی از این عمل آن بود که ازضعف دولت مرکزی ایران در اواخر قاجاریه استفاده کرده آذربایجان ایران را که مردم آن مانند اهالی قراباغ بزبان ترکی سخن میگفتند به آن آذربایجان پیوسته ، درنواحی دوطرف ارس حکومتی تحت نفوذ دولت عثمانی تشکیل دهند . بعد ازاعلام ترك مخاصمه ترکان ومتفقین درجنگ بین‌المللی اول درسی‌ام اکتبر ۱۹۱۸ درمود روس Mudros ،قشون متفقین بسرداری ژنرال تامسن Thomson باردیگر دراکتبر ۱۹۱۸ شهر باکو را اشغال کرد وقشون ترك را عقب نشانید وحکومت مستقل آذربایجان راکه در آنگاه بدست حزب « مساوات » اداره میشد برسمیت شناخت . بعد از تخلیه باکو از قوای متفقین رژیم جدید شوروی که ادعای الحاق آن شهررا بخود داشت بدون جنگ در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ باکورا اشغال کرده آذربایجان (قراباغ) یکی ازسه جمهوری متعاهد ماوراء قفقاز گردید . در ۱۹۳۶ ودرحکومت استالین این اتحادیه منحل شد ودرپنجم دسامبر ۱۹۳۶ آذربایجان درشمار شانزده جمهوری اتحاد جماهیر شوروی درآمد و باکو پایتخت آن گردید. وسعت این جمهوری ۸۵/۷۰۰ کیلومتر مربع وجمعیت آن سه میلیون ودویست هزاراست. که ۲۸ درصد آنان درشهرها زندگی میکنند. ازاین تعداد سه‌ثلث ونیم اکثریت، ترکان محلی، ودوازده درصد ارامنه ، وده درصد روس هستند .

پایتخت آن باکواست که دارای ۸۰۹۰۰۰ جمعیت میباشد.

از شهرهای آن گنجه است که قبل ازانقلاب، الیزابت پول Elizabetpol و اکنون کیروآباد Kirovabad نامدارد ومقبره شاعرمعروف ایرانی نظامی گنجوی درآنجاست و جمعیت آن ۹۹/۰۰۰ است . دیگر شهرهای بزرگ آن شماخی ، قوبا ، سالیان ، نوخی ، مین‌گه چا اور Mingechaur میباشد نواحی دیگر آن لنکران وشبه جزیره آبشوران است .

باید دانست که نویسندگان کلاسیك یونان وروم چون استرابن Strabon (کتاب دهم بند ۴) وبطلمیوس Ptolémée (کتاب پنجم بند۲) این‌ناحیه راآلبانیا Albania خوانده ودرادبیات ارمنی‌نام‌آن الوان‌ـکا Alvan_Kaو در زبان عربی الرّان (اران) وبرذعه‌آمده ، وآن قسمتی‌راکه درشمال رودکوراست، شروان ، نامیده‌اند ، وچنانکه‌گفتیم درقرن اخیرهمهٔ‌آن ناحیه، قراباغ ، خوانده میشده است [۱] . پس‌نام‌آذربایجان شوروی اسمی‌تاریخی نیست بلکه اصطلاحی سیاسی وتازه است. این ناحیه تازمان هخامنشی ها مسکن‌سکاها بود بعد بتصرف ایران درآمد ودرزمان اشکانیان بدست رومیان ودراوائل قرن سوم میلادی‌قسمت‌اعظم آن بدست ساسانیان افتاد . دراواخرقرن هفتم‌بتصرف لشکرعرب درآمد ، ودر قرون هفده وهیجده میلادی دردست ایران بود .

پس‌ازشکست ایران درزمان‌فتحعلی‌شاه قاجارازروسیه برطبق‌عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳م) وترکمان‌چای (۱۸۲۸م) آن نواحی بروسیه واگذارشد [۲] .

درفرهنگهای جغرافیائی قرن نوزده حدود قراباغ چنین‌آمده‌است [۳] :

«قراباغ» (باغ‌سیاه) خطّه‌ای‌است ازروسیهٔ‌آسیاکه مشتمل برحکومت‌باکو است .

این ناحیه بین رود کور ازشمال ، وارس ازمشرق ، وارمنستان از جنوب ، و گرجستان از مغرب قرار گرفته و اهالی‌آن مسلمان وشهر عمدهٔ آن شوشا است . [۴]

۱ــ دائرةالمعارف اسلامی طبع فرانسوی ص۱۹۷ ماده آذربایجان .

۲ــ دائرةالمعارف فارسی ج۱ ص ۷۹ .

3— Darsy, M. E. Dictionnaire Géneral Biographie et D'Histoir Paris 1889, P. 1550.

۴ــ درتداول عوام‌کنونی‌آذربایجان ایران ، آن سوی رود ارس را Otay اوتای مرکب از او O (آن) و تای Tay (طرف) میگویند و منسوب به‌آن را اوتایلی Otayli یعنی ماوراء ارسی میخوانند .

اران Arân یا ران Ran که بزبان عربی با حرف تعریف ، الرّان شده و ارّان خوانده میشود . شکل فارسی نام الوانك Alvânak است که بیونانی آلبانی Abanoi و به سریانی «ارن» و بزبان ایبری رانی Rani گردیده است . این ایالت درمثلث بزرگی درمغرب ملتقای دورودکور (کُر) Cyros وارس واقع شده و بهمین مناسبت حمدالله مستوفی اراضی بین ایـن دورود را «بین النهرین» نامیده است. ارّان ازشمال به رودکور وکوههای قفقاز وازمغرب به آلازان Alazan وازمشرق بدریای خزر وازجنوب به رود ارس محدود بوده است.

در زمان تئوفانس می تی لن Theophanes, Mitylene تاریخ نگار یونانی معاصر پومپه ۴۸ـ۱۰۶ ق.م بیش از بیست وشش زبان ولهجه در آن ایالت وجود داشت، حتی درقرن پنجم میلادی آلبانی ها زبان مخصوص بخود داشتند کـه برای آن ماشتك Mashtoc یك الفبای مخصوص اختراع کرد . موسی خورن تصور کرده که زبان گارگاراچیك Gargarachik های اطراف برذعه بوده کـه ماشتك الفبای مزبوررا برای آن اختراع کرده وآن زبانی حلقی وخشن وزمخت بوده است .

جغرافی نویسان عرب در قرن چهارم هجری به یك زبانی مخصوص در آن ناحیه بنام الّرانی اشاره کرده واصطخری آنرا زبان ملایمی توصیف میکند . آرانیها یامردم آلبانی را نباید نظر به اسم یونانی آن ، باآلبانی های شبه جزیرهٔ بالکان اشتباه کرد .

آلبانی یاآران ، از قدیم کشوری غیرآریایی بوده بنابراین فرضیه گلدنر Geldner درکتاب اساس فقه اللغه ایرانی که ایران ویج اوستایی را درآن سرزمین پنداشته درست نیست . اران یاآلبانی اصلی که بین رودکور و قفقـاز واقع شده شامل مناطق ذیل بود:

اخنی Exni درنزدیکی ایبری درکنار رود الوان Alvan یاآلبانس Albanos، کامبیچان Kambechan درکنار رودکور، وشهرگوکاو Gevgav درکنار رودالوان، ومنطقهٔ بیخ Bix درنزدیك قفقاز ودرمشرق مناطق شکه Shakê (شکی) ، ودگارو

Dêgaru در کنار رودی بهمین‌نام ودرمشرق پایتخت قدیمی کوك Kawalak ، یا بقول پلینوس Plinos کبلکا Cabalaca و بقول بطلمیوس : کبله Chabala که به عربی،قبله ، شده‌است.سرزمین‌کامبیچان که بیونانی‌کامبیزن Kambysene میشود، بنا بنوشتهٔ استرابن سابقاً از مستملکات تیگران جزء دولت ارمنستان بزرگ بود .

سرزمین‌کاسپیانهٔ Kaspiane که در قرون بعدآن را پالتاکاران Paltakaran میخواندند نخست جزءآتروپاتن (آذربایجان) بود وتوسط آرتاکسیاس ازآن منتزع شد ودر زمان تئوفانس از ولایت‌آلبانی بشمارمیرفت .

آلبانی‌ها بعنوان متحـد شاهپور دوم ساسانی (۳۱۰ـ۳۷۹ م) بسیاری از نواحی‌ارمنستان‌مانندواوتی‌Utiوشکشن Shakashen وگاردماناژورGardmanažor وکلت Kolt را متصرف شدندکه موشل Mushel دوباره‌آنهارا پس‌گرفت .

پس ازتقسیم دولت ارمنستان،آلبانی‌ها دوازده‌ناحیهٔ آرکاکس Arcax را در قره باغ امروزی وهشت ناحیه Uti را درمشرق گوگارك وشمال آرکاکس‌متصرف شدند .

پادشاه‌آلبانی‌ها درسال۳۵۹م درهنگامیکه شاهپور دوم شهرآمدرامحاصره کرده بود بعنوان متحدآن شاهنشاه درآن جنگ حضورداشت .

بعدهم بحمایت‌آن شاهنشاه بر ضد پاپ Pap پادشاه ارمنستان بجنگید اما نقشه های شاهپور را بر موشل Mushel سردار ارمنی فاش کرد و به شاهپور خیانت نمود .

آلبانی‌ها موظف بودند که درجنگ‌های ایران برضد ارمنستان به ایران کمك لشکری‌کنند . درپنجمین سال سلطنت پیروزساسانی ۴۶۱م پادشاه آلبانی که واچه Wache نام داشت پس ازشورش چندساله علیه ایران ناچار به‌تسلیم شد وکشورآلبانی را تحویل به ایران داد وخود رهبانیّت اختیارکـرد . ازآن پس دیگراثری ازپادشاهان‌آلبانی‌نیست .

قباد پسر فیروزساسانی (درسال۵۰۷م) شهر پرتو Partav که اعراب آنرا معرّب‌کرده وبرذعه،گفته‌اند تبدیل به‌دژی مستحکم دربرابرهونهاکرد ، نام‌آن را ، پیروزکواذ ، نامید . این‌شهر بتدریج‌کاوالاك Kavalak را که پایتخت قدیم بود تحت الشعاع قرارداد .

زاخاریاس رتور Zachariasrhetor درسال۵۵۴ میلادی از امیری درآلبانی یاد میکندکه تابع پادشاه ایران بوده‌است. پس ازانقراض سلسلهٔ قدیمی اراّن بنظرمیرسد که دراواخر قرن ششم میلادی ، مهران ، نامی از خاندان برادران بندو Bando ووستام Westam (ویستهم)ازقتل‌عام آن‌خانواده‌بدست خسروپرویز گریخته سلسلهٔ جدیدی دراران تأسیس‌کرد .

ازجمله شاهانی‌که خسروانوشیروان‌ازطرف خود درقفقاز بسلطنت‌گماشت شاه **لیران** با لقب **لیرانشاه** بود . این نام درکتب جغرافیاهـای قـدیم باختلاف قرائت : ایرانشاه ، اللیران ، والیزان ، والبرانشاه،آمده است، وظاهراًبایستی همان ارانشاه‌بوده باشد. کشوراین امیربین شروان ومغان قرارداشت وباکشور، الرّان، اصلی‌تطبیق میکند .

الرّان بمفهوم وسیع‌تری باآلبانی‌قدیم مطابقت داردکه در شمال تا گردنه چور Chor (دربند) میرسید. ولی‌اراّن‌بمفهوم محدودخودعبارت است ازامارت ارانشاه Erânshâh پس ازانتزاع امارتهای شروان وقبله ، وشکّی ، ومغان‌یعنی مناطق بین رودکور وارس،که سرزمین آرکاکس Arax واوتی Uti وبا پایتخت‌آن پرتو Partav یعنی‌برذعه باشد . درزمان مسعودی صاحب مروج‌الذهب ، ارانشاه محمدبن یزید پس ازمرگ شروانشاه علی‌بن‌جشم ، کشورشروان را تصرف‌کرد.

این‌محمد افتخارمیکردکه ازنسل بهرام چوبین‌است .

بلاسجان ــ دشت بلاساکان Balâsakân که معرّب آن ، بلاسجان است ، در بین راه برزند و اردبیل در اطراف رودخانه وسطی‌که سه رودند وسرچشمه بُلگاروچای را تشکیل‌میدهند قرارداشته، ودرچهارده فرسنگی‌اردبیل بطرف

ورثان بوده است. بقول کوریون Koriun بلاسکان جزء پادشاهی آلبانی بود و در زمان واردانیها ، مردی هونی‌نژاد بنام هران Herân پادشاه آن ناحیه بوده است [۱] . پس‌لقب، «براشکان‌شاه» ، راکه ابن‌خرداذبه درکتاب‌المسالك والممالك پس ازاللان‌شاه درشمار شاهان‌آذربایجان آورده بایستی اشاره به‌امیربلاسجان باشد [۲] . بلاسجان یا بلاشجان معرب ، بلاشگان ، است که ظاهراً بمعنی شهر بلاش‌میباشد . نظیراین‌اسم منتهی‌بصورت ممالله به‌شکل‌بلاسجین، درآذربایجان وجود دارد که جزء دهستان **نیگجه** بخش مرکزی شهرستان سراب بشمار می‌رود [۳] .

اران دردورهٔاسلامی- مقدسی در قرن چهارم‌هجری شهرهای ذیل را از بلاد اران شمرده است:

برذعه ، تفلیس، خنان ، شمکور، جنزه(گنجه) ، بردیج ، شماخیه، شروان باکو، شابران ، باب‌الابواب (دربند) ، شکی ملازکرد، تیلا (تبلا) [۴] . حمدالله مستوفی: بیلقان وبردع (برذعه) وگنجه وهیرك(سیرك) را ازبلاداران، وباکویه وشماخی، ودربند وشکی، وشابران را ازبلاد شروان وتفلیس وخنان، را از بلاد ابخاز وگرجستان شمرده‌است [۵] .

کرسی‌ایالت‌اران درقرن‌چهارم‌برذعه‌بودکه خرابه‌هایش تاکنون‌برجاست- ابن‌حوقل درقرن چهارم مینویسدکه طول‌آن یك فرسنگ وعرض‌آن کمتر از یك فرسنگ است، ومربع شکل، ودارای قلعه‌ای است درسه فرسنگی رود کر (کورا) برساحل یکی ازشاخه‌های‌آن رودکه «ثرثور» نام دارد .

نزدیك برذعه بمساحت‌کمترازیك فرسنگ محلی‌بود معروف به،اندراب،

۱ - مارکوارت . ایرانشهر J. Marquart, Érânshahr. Berlin, 1901, 108-14.
۲- المسالك والممالك ص ۱۷
۳- فرهنگ جغرافیایی ایران ج۴ ص ۹۳
۴- احسن‌التقاسم فی‌معرفة الاقالیم ص۳۷۴
۵ - نزهةالقلوب ۱۰۵ - ۱۰۸

با باغستان وسیعی که طول آن ازهرطرف یك‌روز راه بود وعلاوه برمیوه‌فراوان تربیت‌کرم ابریشم نیزدرآنجا معمول‌بود. بیرون شهربرذعه جلو دروازه‌کردان (باب‌الاکراد) هرروز یکشنبه بازار بزرگی دائر می‌گردید که طول آن به یك فرسنگ می‌رسید و معروف به بازار **کرکی** مأخوذ از لفظ یونانی کوریاکوس Kuriakos بمعنی روز خداوند بود. زیرا درآن روزگار درآنجا روز یکشنبه را بنام «کرکی‌روز» می‌خواندند. ونیز بقول ابن حوقل: برذعه مسجد جامع‌زیبایی ازآجر داشت ودارای حمامهای بسیار بود. یاقوت می‌نویسدکه: برذعه شهری است در انتهای خاك آذربایجان. حمزه اصفهانی در وجه تسمیه برذعه‌گویدکه آن معرب «برده‌دار» است، زیرا بعضی از پادشاهان ایران ولایات بالادست ارمنستان را غارت‌کرده اسیرانی ازآنجاآورده در این محل ساکن کردند و از اینجهت‌آن را برده‌دارگفتند؟ در زمان یاقوت این شهر از عظمت پیشین خود افتاده و بخرابی گرائیده بوده‌است[۱].

حمدالله مستوفی می‌نویسد: «بردع» از اقلیم پنجم است اسکندر رومی ساخت قباد بن فیروزساسانی تجدید عمارت‌آن‌کرد. شهری بزرگ بوده‌وکثرت عظیم داشته ...آبش از رودی است‌که به ترتر (ثرثور) مشهوراست[۲].

اعتمادالسلطنه می‌نویسدکه: بردعه‌که باصطلاح این ایام قراباغ باشد اسم ناحیه‌ای است، شوشه قلعه وشهر اوست. شوشه ازسایر بلاد قفقازکه ایروان‌و نخجوان وگنجه وغیره باشد بهتر وآبادتر است. امیرتیمورگورکان زیاد مایل هواوصفای قراباغ‌بود قلعه‌کاخ‌که محبس اسماعیل‌میرزا پسرشاه‌طهماسب‌صفوی

۱ـ معجم‌البلدان ج۱ ص ۵۵۸.

۲ـ نزهة‌القلوب ص ۱۰۵

بوده همین قلعه شوشه است.[۱]

شهر بیلقان ـ این شهرکـه بزبان ارمنی آن را فیداگران Phaidagaran می‌گفتند پس ازخراب‌شدن برذعه مرکز ایالت اران‌گشت.

یاقوت می‌نویسدکه: بیلقان به‌فتح باء و لام شهری است نزدیك شهردربند یا باب‌الابواب و از ولایات ارمنستان بـزرگ شمرده می‌شود. گـویند نخستین کسی‌که‌آن را احداث‌کرد قباد بود. ایـن شهر را مغولان در سال ۶۱۷ تسخیر کرده ومردم‌آن‌راکشته اموالشان را غارت‌کردند.[۲]

حمدالله مستوفی می‌نـویسد: «بیلقان» از اقلیم پنجم است قباد بن فیروز ساسانی ساخت، واکنون خراب است وبیشتر عمارات‌آن ازآجر است. هوایش گرم است[۳].

در اواخرقرن هشتم بیلقان در محاصرهٔ امیرتیمور قرارگرفت وی پس از تصرف‌آن شهر امرکرد عمارات خراب‌آنرا ازنو ساختند ونهـری از رود ارس جداکرده بشهرآوردند که شش‌فرسنگ طول وپانزده ذراع عرض‌داشت وآنرا بنام، برلاس، عشیره تیمور، نهربرلاس نامید.

گنجه ـ دیگرازشهرهای اران‌گنجه است.

جغرافی‌نویسان عرب‌آن را جنزه نوشته‌اند روسهای تزاری آنرا الیزابت پل Elizabetpol نام‌نهاده وبعد ازانقلاب شوروی نام‌آن به‌کیروآباد Kirovabad تغییرکرد یاقوت مینویسد که جنزه به‌فتح جیم اسم شهربزرگی در اران استو آن بین شیروان وآذربایجان واقع است ومردم‌آنرا، گنجه، خوانند وبین‌آن و برذعه شانزده‌فرسنگ‌است[۴]. حمدالله مستوفی‌مینویسد، گنجه ازاقلیم پنجم‌است

۱ـ مرآت البلدان طبع سال۱۲۹۴ قمری ج ۱ ص۱۹۴
۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۷۹۷
۳ـ نزهةالقلوب ص ۱۰۵
۴ ـ معجم‌البلدان ج۲ ص۱۳۲

شهر اسلامی است درسنه تسع وثلاثین هجری (۳۹ هـ.) ساخته‌شد. شهری خوش ومرتفع بود ودراین معنی گفته‌اند:

چند شهرست اندر ایران مرتفع‌تر از همه بهتر و سازنده‌تر از خوشی آب و هوا
گنجه پر گنج دراران، صفاهان در عراق درخراسان مرو وطوس، درروم باشداقسرا[۱]

باژگاه ـ نام این شهر در کتاب حدود العالم آمده و مینویسد: ، باژگاه شهرکیست برلب رود ارس نهاده و از وی ماهی خیزد [۲].

مینورسکی مینویسد این شهرممکن است، «جواد» باشدکه در پائین‌تر از نقطهٔ الحاق رودکور وارس واقع شده‌است دراینجا مسافران ازرود عبورکرده و از آنان باج یاعوارض عبور ازپل میگرفتند [۳].

شمکورـ درشمال‌غربی گنجه بوده که خرابه‌های آن هنوز باقی‌است، یاقوت می‌نویسدکه. «شمکور به‌فتح شین‌قلعه‌ای است درنواحی اران وبین آن وگنجه یك روز راه وده فرسنگ است. این شهر را بغا غلام معتصم خلیفه که والی ارمنستان وآذربایجان بود درسال ۲۴۰ هجری آبادکرد وآنرا متوکلیه نامید»[۴].

شروانـ آن طرف رودکر (کور) درساحل‌دریای خزرجاییکه سلسله‌جبال قفقاز به‌دریا فرو میرود ایالت شروان واقع شده‌است. کرسی این‌ایالت شماخی (شماخا) خوانده میشود. امیران این ایالت را، شروانشاه، میخواندند. مؤلفان قدیم دوشهردیگررا درشروان نام برده‌اندکه محل آن‌ها معلوم نیست:

یکی شابران‌که دربیست فرسنگی‌دربند جای داشته، ودیگرشروان‌که در جلگه‌ای واقع بوده وازجاده در بند سه روز راه تا شماخی فاصله داشته است.

---

۱ ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۵

۲ ـ حدودالعالم من‌المشرق الی المغرب، به تصحیح دکترستوده ص ۱۶۱

۳ـ Minorsky, Hudud al-âlam, p. 398

۴ـ معجم البلدان ج۳ ص ۳۲۲

در آخرین نقطهٔ شمالی ایالت شروان شهر **باب‌الابواب یادربند** واقع بوده‌که از بنادرمهم دریای خزر بشمارمیرفته است.

ابن‌حوقل‌گوید : دروسط این‌بندرلنگرگاه سفاین‌است ودراین لنگرگاه‌که ازدریا بداخل شهرپیش‌رفته بنائی‌است‌مانند سدی بین‌دوکوه مشرف برلنگرگاه ودر دهانه لنگرگاه جایی‌که کشتی‌ها بدان داخل میشوند، زنجیری‌کشیده شده وبراین زنجیرقفلی زده‌اند چنانکه هیچ‌کشتی‌نمیتواند ازآنجا خارج و داخل شود مگر با اجازهٔ رئیس‌بندرگاه . سدازسنگ وسرب ساخته‌شده ، وگرد خود شهر،باروی‌مرتفعی ازسنگ ساخته‌اند [1].

اصطخری مینویسد:که باب‌الابواب(دربند) قریب دومیل ازاردبیل‌بزرگتر است. یاقوت شرح مفصلی‌راجع به دربند باب‌الابواب نوشته واز باروی عظیمی که‌گردآن شهر بوده واز دربند بسوی مغرب برای جلوگیری ازاقوام وحشی کشیده شده بوده یادکرده مینویسد:

این‌سد یادگارانوشیروان‌پادشاه‌ساسانی‌است‌که‌آنرابرای‌جلوگیری‌ازهجوم قوم خزر بایران بناکرده ودری‌آهنی برآن تعبیه نموده‌بود [2] .

تا پیش‌ازانوشیروان‌کشور ایران را چهارمرزبان بزرگ اداره میکردند که یکی ازآنها مرزبان خزر وآران بود . بهمهٔ مرزبانها اجازهٔ نشستن برتخت نقره میدادند جز مرزبان اران وخزرکه بعلت اهمیت مقام حق‌داشت برتختی از زر بنشیند [3].

در داستانی اساطیری ازکتاب تیجان‌آمده چون ذوالقرنین‌یمانی به باب ـ الابواب‌آمدگروهی ازیأجوج ومأجوج‌را بکشت وبرگروهی از ایشان‌ببخشود و

۱ـ ابن‌حوقل : صورةالارض ص۳۳۹
۲ـ یاقوت : معجم‌البلدان ج۱ ص ۴۳۷-۴۴۲
۳ ـ ایران در عهد باستان ص۱۷

آنان را در جزیرهٔ ارمینیه در ناحیهٔ جابرصا رها کرد و آنان را ترك نامید زیرا ایشان را ترك کرده و نکشته بود [۱].

یکی از افسران روس تزاری بنام مارلنسکی که در ۱۸۳۲ میلادی خرابه‌های این سد عظیم را دیده چنین مینویسد: «آنچه معلوم میشود این دیوار عجیب از نارنج قلعه شروع شده و بسمت مغرب ممتد گشته چه از قلل جبال و چه در عمق دره‌ها بر جهای کوچك باین دیوار استوار است که در فاصلهٔ غیر معین بدون ترتیب و قاعده بناشده است.

اما آنچه حدس زدیم در این برجها آذوقه و اسلحه انبار میکرده‌اند و در وقت لزوم مستحفظین دیوار آنچه لازمه حرب و دفاع بود حاضر داشتند. هر کجاکه سر از یر است از بالا که شخص ملاحظه میکند این دیوار بطور پله مرتبه بمرتبه ساخته شده ارتفاع بروج بالنسبه بدیوار زیاده از یکذرع نیست هرقدر که از دیوار باقی بود ما سیر کردیم پیشتر نرفتیم شاید اگر پی میکردیم بانتهای دیوار میرسیدیم» [۲].

بندر باکو (باکویه) ـ در جنوب دربند است اصطخری به نفت آن اشاره کرده است یاقوت گوید: در آن جا چشمهٔ نفت بزرگی است که بهای محصول روزانهٔ آن بهزار درهم میرسد. درکنار آن چشمهٔ دیگری است که نفت سفید از آن بیرون می آید که مانند روغن جیوه است و شب و روز قطع نمیشود. در آنجا زمینی است که همیشه آتش از آن برمیخیزد [۳].

باکویه را بادکوبه نیز گویند و اعتمادالسلطنه تحت ماده بادکوبه مینویسد که: «بادکوبه شهری است درشروان واقع درکنار دریای خزر نزدیك به شبه

۱ ـ عبدالملك بن هشام: کتاب التیجان فی ملوك حمیر، طبع حیدرآباد دکن ۱۳۴۷ هجری ص ۱۰۰.

۲ ـ مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۲۲-۱۲۴

۳ ـ معجم البلدان ج ۱ ص ۴۷۷

جزیره آب شرون . دورشهر قدیم دیواری محکم بابروج مشیّده بناکرده بودند درشهر قدیم وقلعه وسط آن‌که بمنزله ارك بوده الحال آبادی نیست .

معادن نفت دربادکوبه بحدی است‌که اگرشخصی‌عصایی درزمین فروبردبعد بواسطه‌کبریت هوایی‌راکه از روزنه زمین‌خارج میشود آتش‌زند مشتعل میشود. معبد پارسیان وآتش‌پرستان هندی درجایی‌بنام صوری‌خانه است، وعمارتی‌است مربع دروسط آن عمارت طاقی بناشده‌که چهارطرف آن باز است وسط گودالی است که‌آتش از میان آن بیرون می‌آید . اطراف حجرات است ازهـر حجره منفذی تعبیه نموده‌اند که آتش بیرون می‌آید یعنی هـر وقت بخواهند کبریتی روشن کـرده درمحاذی آن منفذ میگیرنـد هوایی کـه خـارج میشود مشتعل میگردد. درصحرای اطراف صوری‌خانه بمساحت‌چهارهزارذرع‌تقریبا تمام‌زمین مشتعل‌است. یك هندی گجراتی دراین معبد بودبطرز آتش‌پرستان نماز خواند او میگفت از گجرات آمده‌ومتولی معبد است. معبدی‌هم به‌همین طرزدربمبئی داریم ازبعد ازغلبه اسلام به مملکت ـ ایران معبد بزرگ ایشان همین بادکوبه است »[۱] .

از این بیان معلوم می‌شود که پارسیان زرتشتی هند آتشکده‌ای در بـاکو داشته وبزیارت آن میرفته‌اند .

درجنوب باکویه **ولایت گشتاسفی** نزدیك‌دهانه رودکر واقع‌است‌وازنهری که ازآن رود جدا شده مشروب میگردد .

درکوههای نزدیك دربند قلعه‌ای بود موسوم به **قبله** که سابقا در باره آن بحث کردیم .

---

۱ ـ مرآت البلدان ج ۱ ص۱۵۰-۱۵۴

نام قبله در دوره اسلامی درجنگهای تیمور مکرر ذکر شده است [۱] .

امروز باکو پایتخت جمهوری آذربایجان شوروی است و برکنار دریای ـ خزر در شبه‌جزیره آپشوران Apshéron واقع است .

عشایر آذربایجان شوروی

طبق آمار سال ۱۹۲۶ در آذربایجان شوروی ۲۲٫۰۰۰ روس و ۲۸٫۰۰۰ ارمنی، و ۷۷٫۰۰۰ از اقوام ایرانی و ۴۱٫۰۰۰ طالش و ۳۷٫۰۰۰ کرد، و ۲۸٫۰۰۰ لزکی‌وتات مسکن داشتند .

در آذربایجان شوروی این ایلات وقبائل ترک‌نژاد زندگی میکنند :

قرا باغ ، کنگلی Kangaly ، کومانلو Kumanlu ، جگیرلی Jegirly ، جوانشیر، خلج ، شاملو، قرامانلو Karamanlu ، آیدین Aydin ، یوا Yauâ ، ایمرلی Imarly ، دگر Dogar ، بیات Bayât ، قاجار، بهارلو،ذوالقدر، استاجلو، پادر pâdar ،که بیشتر این قبایل درشمال غربی شماخی مسکن دارند .

قبایل ترکمن زاکاتالا Zakâtalâ ، و نوحا Nuhâ در نزدیکی کوردمیر Kurdamir ، در شمال واطراف دربند در دهات بسیاری اسکان گزیده‌اند .

شماخی ، کوبا Kuba ،گوگجای ، جواد ،آق‌داش ،نخجوان ،تسکین بخش، خلیل لورا که قبیله‌ای ترک بهمین نام در آن جا میزیسته‌اندتشکیل‌میدهد .

در ۱۸۵۶ میلادی طبق سالنامه‌ای‌که درآذربایجان روسیه منتشر شد قبایل ذیل‌درآن سرزمین میزیسته‌اند: خلج، آلپاووت Alpâvut ،کارابروك Kârâbruk ، چپینی Chapini ، کارادکین Kârâdakyn (قراتکین) ، دیزهلو Dizahlu ،بایندر Bâyunder ، کارایوند Kârâyund ، قزاق Kâzâgh ، کومان Kumän ، ترکان Turkân .

کردانی که درآران بوده‌اند اکنون ترك‌زبان شده‌اند ، وتنهااز بین‌ایشان:

---

۱ ـ حمدالله مستوفی ص ۱۰۶-۱۰۷ ، لسترنج جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۹۲-۱۹۵ .

زنگه زور Zangazur ، جلالی، قبایل‌کرد مغروز Magruz ، عشایر شیلانلو، که در حدود هزار خانوار هستند بزبان کردی سخن میگویند .

اقوام کوچ‌نشین ترك که اصلا ازخارج به‌آنجا مهاجرت کرده‌اند امروزه ده‌نشین شده ونام قبایل خود را برآن دیها نهاده‌اند .

اولیاچلبی قراباغ را آذربایجان کوچك خوانده است .

چنانکه دربالا گفتیم براثر جنگهای ایـران‌و روس در زمان فتحعلی شاه قاجار که منتهی به‌دو معاهدهٔ گلستان وترکمانچای شد شهرهـای ماوراء ارس و قراباغ (اران) ضمیمه کشور روس گردید .

درسال ۱۸۰۵ شهر گنجه،ودر ۱۸۰۶ بـاکو،ودر ۱۸۱۵ شکی ، و در۱۸۲۰ شروان ، ودر ۱۸۲۲ قراباغ زیر تسلط روس درآمد .

ایلات قاجار و کنگرلو بین سالهای ۱۸۰۳ و۱۸۰۶ بطرف قارص مهاجرت کردند ولی دیگر باره به ایروان انتقال داده شدند .

از قراباغ خانوادهٔ امیرلو بطرف آذربایجان ایران کوچ کردند . ازمیان قبایل قراباغ که بطرف ایران رفتند گروهی از چلبیانـلوها ، و یـوسفانلوهـا بودندکه بکمك‌کنگرلوها بجانب ارس‌کوچ‌کردند، ولی پس‌از چندی عدهٔ زیادی ازآنان بازگشته مورد عنایت روسها قرارگرفتند . ایلات مهاجر بیشتر به مناطق ماکو و اردبیل وتبریز رفته سکنی‌میگزیند- هنوز درتبریز ودیگر بلاد خانواده هایی‌ازمهاجران ماوراء ارس وجود دارندکه بنامهایی از قبیل: قراباغی‌وشیروانی واردو بادی و غیره خوانده میشوند .[1]

نام شهر های قدیم آذربایجان ـ درکتابهای مسالك و ممالك و بلدان این بلاد و قصبات آذربایجان شمرده شده است :

1- A. Zekivelidi Togan, Islâm Ansiklopedisi. 2-Çilt, Istanbul, 1946 (AzerbayÇan, p. 91-119).

اردوبیل (اردبیل) ، مراغه ، تبریز ، خوی ، ارمیه ، مرند . میانج(میانه) طوج، سلماس ، موقان (مغان) ، اهر، سراو (سراب) گرمرود ، خیاو ، داخرقان (دهخوارقان) ، خسروشاه (نزدیك تبریز) ، اشنویه (اشنو ، اشنه،اسنو) خلخال ، زنوز، این شهرها همه معروف است وامروز هم بهمین نـامها وجود دارد ولـی جغرافی‌نویسان قدیم غیرازاینها از شهرهاو قصباتی نام برده‌اند که امروزدرست شناخته نیست و نام آنها از اینقرار است :

اجن، ارچاق ، ارنار ، اندر آب ، اوجان بلخاب ، بلاسجان ، بذ ، برزند ، برزه، باجروان ، توی ، تکلفه.

جابروان (جابروقان) جنزه .

خلیاثا ، خرقان ، خونج (خونه)

دارمرزین ، دیرخرقان ، دوین،درآورد،

دزمار

زرآوند ، زنگیان

ساترودان ، سابرخاست (شابورخاست)

شیز ، شاهرود

قلعه‌کهران ، کولسره ، گرگر، گیلان فضلون، مایبهرج ، میمند ، مشگین مردان قم، موسی‌آباد ، نورین - ، نریر ، نوذر ، نیلان ، نشوی ، ورثان [۱]

---

۱ – رجوع شود به : ابن‌الفقیه : مختصر کتاب البلدان ص۲۸۵ تا ۲۸۶
: ابن‌خرداذبه: المسالك والممالك ص۱۱۹–۱۲۲
: الیعقوبی : بلدان طبع نجف ص ۳۸
: ابن حوقل : صورةالارض ص۳۳۴–۳۳۷
: مقدسی: احسن‌التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم ص۳۷۴–۳۸۴
: ابودلف سعربن مهلهل: الرسالة الثانیه بتصحیح مینورسکی‌ص۶–۱۰
: الاصطخری : مسالك والممالك ص۱۸۰– ۱۸۲–۱۹۲

بقیه در صفحه بعد

ابن‌خرداذبه[1] شهرهای کوره (ایالت) آذربایجان را چنین برمیشمارد که بیشتر آنها شهرهای دوره ساسانی است :

۱ـ مراغه ، ۲ ـ میانج ، ۳ـ اردبیل ، ۴ـ ورثان ، ۵ ـ سیسر ، ۶ ـ برزه، ۷ـ سابرخاست ۸ ـ تبریز ، ۹ ـ مرند ، ۱۰ ـ خوی ، ۱۱ ـ کولسره ، ۱۲ ـ موقان ، ۱۳ـ لشکله ، ۱۴ ـ برزند ، ۱۵ ـ جنزه ، ۱۶ ـ جابروان ، ۱۷ ـ نریز، ۱۸ ـ اورمیه ، ۱۹ـ سلماس ۲۰ ـ شیز، ۲۱ ـ ماشیا، ۲۲ ـ باجروان، ۲۳ـ رستاق‌السلق ۲۴ ـ رستاق ـ سندبایا(سندپایه)، ۲۵ـ البذّ(بذّ)، ۲۶ـ رستاق ارم، ۲۷ ـ بلوانکرج (قرجه‌داغ ؟) ۲۸ ـ رستاق سراة ، ۲۹ ـ دسکیاور، ۳۰ ـ رستاق مایبهرج .[1]

از این ولایات ، سیسر (سنه) ، و برزه، وسابرخاست (شاپورخاست)،جنزه (گنزك) ، جابروان، نریز ،شیز، رستاق‌السلق ، رستاق‌مایبهرج ، درجنوب ـ دریاچه اورمیه، درجهت دینور واقع بودند. و شهرهای ، تبریز ، مرند، خوی، اورمیه، و سلماس در زاویه شمال غربی‌آن دریاچه ، و شهرهای مراغه ، میانج اردبیل ،کولسره، موقان، برزند ، البذّ، ارم،بلوانکرج ، ورستاق سراة(سراب) در شرق نصف‌النهاری تبریز ، و شهرهای : رستاق سندبایا ، و دستکیاور معلوم نیست در کجا بوده است .

ولایت مایبهرج راکه مینورسکی ، مایپهرج ، خوانده و آن‌را بمعنی ، نگهبان ماد ، دانسته در مرز جنوبی آذربایجان و احتمالا با ، سنقر، یکی میداند .

→

: بلاذری : فتوح‌البلدان ص۳۳۳ـ۳۳۹

: الاصطخری : کتاب الاقالیم طبع عکسی ۷۹ـ۸۲

: ابوالفداء : تقویم‌البلدان ص۳۸۶ـ۴۰۷

: حدودالعالم : تصحیح دکترستوده ص ۱۵۸ ـ ۱۶۱

نزهة‌القلوب :تصحیح‌دبیرسیاقی ص۸۵ـ۱۰۲

۱ـ المسالك والممالك ص۱۱۹ـ۱۲۰

ورثان درشمال شرقی آذربایجان وبجای آلتان Alatan فعلی درکنارجنوبی رود ارس واقع بود و آخرین حد شمالی آذربایجان بشمار میرفته است .

چون آذربایجان غالبا با دو ایالت همسایه خود ارمنستان ، وارّان که مقدسی مجموعا آنها را ، اقلیم‌الرّحاب ، خوانده [۱] تحت یك حکومت بود . بالطبع سرحداتی متغیّر داشت چنانکه بقول مقدسی: خوی، اورمیه، دهخوارقان از ایالت ارمنستان بشمارمیرفت . ولی درزمان یاقوت (قرن هفتم هجری) حد شمال آذربایجان تا برذعه امتداد داشت در حالیکه حمدالله مستوفی نخجوان واردوباد را درساحل‌چپ ارس حد شمالی آذربایجان دانسته است.[۲]

اینك بشرح شهرهای قدیم آذربایجان میپردازیم. در زمان قدیم و دورهٔ خلافت، آذربایجان ازشاهراه بزرگ‌خراسان که ازایالت جبال(ماد) میگذشت برکنارافتاده بود، این‌برکناری ازاین‌جهت نیزتشدید شده‌بودکه بنابقول‌مقدسی درکوهها ودشتهای آن بیش ازهفتاد زبان ولهجهٔ گوناگون تکلم میشد ، درحالی که هیچکدام ازشهرهای آن ناحیه وسعت قابل‌توجی نداشت .

دراوایل خلافت عباسیان مراغه وسپس اردبیل واز اواخر دورهٔ خلافت تا کنون تبریز درمیان شهرهای آذربایجان مقام اول را پیدا کرده است.

مراغه

جغرافی‌نویسان عرب دراوائل‌دوره اسلامی‌فقط شهرمراغه راکه درجنوب کوه سهند ودر کناررودی بنام ، صافی، بوده‌که ازآن‌کوه‌جاری‌میشده وبدریاچه اورمیه میریخته پایتخت آذربایجان‌ذکرکرده‌اند .لشگرگاه‌اسلام درآذربایجان درمراغه بوده‌است وچون‌آنجا چراگاه لشگرعرب بوده‌آنرا بزبان عربی ،

۱ــ احسن‌التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم ص۳۷۳

۲ــ مقالهٔ مینورسکی در دائرةالمعارف اسلامی طبع دوم‌ج اول رساله۴ مادةآذربایجان طبع فرانسه ص۱۹۴

مراغه ، که دراصل (قریةالمراغه) یعنی ده چراگاه بوده خوانده‌اند .[1] یاقوت مینویسدکه نام قدیم این‌شهر، **افرازه رود**، بوده وسپس‌بسبب چراگاه واردوگاه شدن لشگرعرب مراغه نامیده شده‌است .

درقرن چهارم هجری ابن‌حوقل مراغه را شهری باندازه اردبیل شمرده و گوید مراغه مدت زمانی کرسی ایالت آذربایجان بود وسپس مرکز اداری آن ایالت به اردبیل‌منتقل‌شد .

یاقوت مینویسدکه استحکامات و باروی آن شهر درزمان هارون‌الرشید ساخته شد ودر زمان مامون ترمیم‌گشت.[2] حمدالله مستوفی مینویسدکه . مراغه شهری بزرگ است و پیشتر دارالملك آذربایجان‌بود . هوایش معتدل است وبه عفونت مایل جهت آنکه کوه سهند از طرف شمال مانع رسیدن باد بدانجاست آبش ازرود صافی، است که ازسهند برمیخیزد وبدریاچه‌چی‌چست میریزد.(نام این رودخانه امروز صوفی‌چای است) .

قزوینی درآثارالبلاد ازقلعه‌ای بنام روئین دز درسه فرسنگی مراغه یاد کرده که ازهرطرف آن رودی روان بوده ودرداخل قلعه باغی معروف به‌عمید آباد با استخری برای آبیاری وجود داشته‌است . دریك فرسنگی آن قلعه ده ، جنبذق، قرارداشت ودرآن چشمه آب‌گرمی بود.

درنزدیك مراغه درموسم طغیان آب درتمام ساحل جنوبی دریاچه اورمیه باتلاق بزرگی‌تشکیل‌میشد ودرآنجا شهرکوچکی بنام ، لیلان ، بود که درزمان حمدالله مستوفی‌مغولها درآن سکنی‌داشتند .

(لیلان امروز دهی در۴۴ کیلومتری جنوب مراغه است) .

به مسافت‌کمی درجهت لیلان ، شهری بنام ، برزه ، وجود داشت ودرآنجا

۱— مرغ فی‌العشب : جای‌گرفت درگیاه و غلطید درآن مراغ و مراغه : غلطید نگاه ستور (منتهی‌الارب)

۲— معجم‌البلدان ج۴ ص۴۷۶

شاهراهی که ازسیسرواقع درایالت جبال می آمد دوشاخه میشد. راه‌دست‌راست‌در جهت‌شمال‌شرقی‌به مراغه میرفت، وراه دست‌چپ درامتداد غربی‌دریاچه به‌شهر اورمیه منتهی‌میشد [۱]. (برزه اکنون بصورت برزق از دهات شهرستان میانه بشمارمیرود[۲]. (مراغه امروز یکی ازشهرستانهای آذربایجان شرقی است واز شمال به‌شهرستان تبریز وازجنوب به سقز و ازمشرق به شهرستان میانه واز مغرب به‌دریاچه رضائیه وشهرستان‌مهاباد محدوداست وطول وعرض‌جغرافیایی آن۴۶ درجه و۱۶ دقیقه در۳۷ درجه و ۲۴ دقیقه است[۳].

اردبیل- شهراردبیل درقسمت علیای رودخانه‌ای که حمدالله مستوفی آن را « اندرآباد ، نامیده واقع‌است این رودخانه کمی پائین‌تر بارود اهرکه از سمت چپ به رودخانه اردبیل می‌پیوندد ملحق‌شده ، اندکی پائین تر از پل خداآفرین به رود ارس میریزد . رودخانه اردبیل و رود اهر یکی از دامنه شرقی ودیگری از دامنه‌غربی‌کوه سبلان‌که مشرف براردبیل است سرچشمه میگیرند .

ابن‌حوقل در قرن چهارم اشتباهاً کوه سبلان را ازکوه دماوندکه درچند فرسنگی شمال تهران است بلندتر شمرده است .

حمدالله مستوفی‌مینویسدکه‌کوه سبلان ازپنجاه فرسنگی دیده میشود و تابستان وزمستان برف دارد . نزدیك قله‌آن چشمه‌ای است‌که همیشه سطح‌آن یخ بسته‌است. درحوالی کوه سبلان دوقله است‌که یکی کوه **سراهند** درشمال اهر،ودیگری سیاه‌کوه‌که مشرف برکلانتراست .کلانترشهری‌کوچك است واقع درمیان درختان ورودخانه‌ای‌کشتزارهای‌آن را مشروب میکند. اردبیل‌درقرن چهارم ودوره جغرافی‌نویسان عرب مرکزلشکری وکشوری‌آذربایجان بود.

۱- لسترنج ص۱۷۶ وبارتلد (تذکره جغرافیای تاریخی) ص۲۶۷-۲۶۸
۲- فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۸۶
۳- فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۸۹-۴۹۰

اصطخری گوید گرد شهر بارویی است که طول هر جانب آن دو سوم فرسخ است.

خانه‌ها بیشتر از آجر و گل ساخته شده و پادگانی نیز در آن شهر مستقر است. اطراف آن بسیار حاصلخیز و عسل آن مشهور است. بازار اردبیل بشکل صلیب در چهار راسته است و مسجد در وسط چهار بازار واقع شده است [۱].

در سال ۶۱۷ هجری اردبیل بباد غارت مغولها رفت و ویران شد. یاقوت که قدری پیش از این تاریخ اردبیل را دیده از آبادی و پرجمعیتی آن تعریف کرده گوید اردبیل را ایرانیان در قدیم، باذان فیروز، میگفتند و آنرا فیروز ساسانی احداث کرد [۲]، در قرن هشتم اردبیل دیگر شهر مهم آذربایجان نبود.

در قرن دهم در آغاز سلسله صفویه پیش از تبریز و قزوین و اصفهان مدت کوتاهی پایتخت ایران بود.

سیاحان قرن هفدهم میلادی اردبیل را بواسطه و فور آب به و نیز تشبیه می‌کنند ولی بهمان علت کثافت کوچه‌های اردبیل در قرن دهم ضرب المثل شده بود.

در زمان حمدالله مستوفی و قرن هشتم هجری اهالی اردبیل شافعی مذهب بودند، ولی در قرن نهم هجری نهضت تشیّع از اردبیل بروز نمود و همین نهضت موجب تشکیل دولت جدید ایران یعنی سلسله صفویه گردید. شیخ صفی الدین جد سلاطین صفویه اردبیلی بود. حمدالله مستوفی مردم اردبیل را شافعی مذهب و پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی نوشته است.

اکنون قبر شیخ صفی الدین و شاه اسماعیل در آن شهر است. شاه عباس کتابخانه معتبری وقف مقبره شیخ صفی الدین کرد. این کتابخانه نفیس در سال ۱۸۲۸ میلادی بتصرف ژنرال پاسکویچ فرمانده قوای مهاجم روس در ایران درآمد و قسمت

۱ــ لسترنج ص ۱۸۰ــ۱۸۱

۲ــ معجم البلدان ج ۱ ص ۱۹۷ــ۱۹۸

بزرگی از آن بعنوان غنیمت جنگ به پطرسبورغ (لنین‌گراد) ارسال‌شد وتا به امروز درکتابخانه عمومی آنشهر محفوظ است[۱]. بنای‌این‌شهررا به‌فیروزساسانی (۴۸۹-۴۵۷م) نسبت داده اند.

طبری مینویسدکه در زمان هشام بن‌عبدالملك خلیفهٔ اموی، خزرها ازراه اردبیل تمام‌آذربایجان راگرفته غارت‌کردند. درآن زمان سه هزارتن مسلمان درآن شهرسکونت داشتند.

خزرها همه مردان بالغ شهرراکشته وزن وفرزندآنان را باسیری‌بردند. درزمان شاه‌طهماسب صفوی، آنتونی‌جنکینسن،که‌ازطریق اردبیل به‌قزوین‌رفته درسفرنامه خودآبادی این‌شهررا ستوده‌است[۲]. اردبیل‌امروزیکی ازشهرستان‌های استان سوم یعنی‌آذربایجان شرقی‌است. ازشمال به‌خاك شوروی وازمشرق به‌کوههای طالش ودریای خزر، وازمغرب برشته‌کوههای سبلان و رودخانه قره سو وازجنوب به‌شهرستان خلخال محدوداست.

شهراردبیل در۲۱۰کیلومتری شمال‌شرقی‌شهرتبریز بطول‌وعرض‌جغرافیایی ۴۸ درجه و۱۷ دقیقه در۳۸ درجه و۱۵ دقیقه واقع شده و ارتفاع‌آن ازسطح دریا ۱۱۰۰ متراست شهرستان اردبیل دارای چهاربخش‌است بدین‌قرار:

۱ـ بخش‌مرکزی ۲ـ بخش‌نمین ۳ـ بخش‌آستارا ۴ـ بخش‌کرمی[۳].

سراب ـ شهرسراو (سراب) که رود سراو منسوب به‌آنست درراه‌اردبیل به تبریز قرار دارد.

حمدالله مستوفی مینویسدکه: سراو شهریست ازشرقی‌کوه سبلان مایل به قبله افتاده، هوایش‌سرد است وآب‌آن ازرودی‌که بدان شهرمنسوب است از کوه سبلان برخیزد ودر دریاچه چیچست رود.

۱ــ بارتلد تذکره جغرافیای تاریخی ایران ص۲۶۹
۲ــ لارنس لاکهارت شهرهای نامی‌ایران ص۱۳۸ــ۱۴۰
۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۱ــ۱۳

مردمش سفید چهره‌اند وسنی‌مذهب واکول باشند[1].

جغرافی نویسان عرب بجای سراب ، سراة ، ضبط کرده‌اند . ابن حوقل مینویسد این‌شهر مهمانخانه‌های پاکیزه و بازارهای خوب دارد .

یاقوت این شهررا سراو، یا ، سرو، ضبط‌کرده‌گوید درسال۶۱۷که مغولان به‌آن شهر حمله‌کردند آن شهرخراب شد وبیشتراهالی آن‌کشته شدند[2].

بنوشته حمدالله مستوفی سراب تا تبریزسه روز وتا اردبیل دو روز فاصله داشته‌است .

سراب امروز یکی ازشهرستانهای استان سوم یعنی آذربایجان‌شرقی‌است. این‌ناحیه درمغرب تبریز واقع است وجلگه‌ای است‌که دربین دورشته جبال سبلان ازشمال وبزگوش (بزغوش) ازجنوب قراردارد . ازشمال بارتفاعات‌سبلان وازجنوب به‌کوه برغوش وازمشرق به‌شهرستان اردبیل واز مغرب به شهرستان تبریزمحدود است.

این‌شهر بطول‌وعرض‌جغرافیائی۴۷ درجه و۳۴ دقیقه و۲۳ثانیه در۳۷درجه و۵۷دقیقه‌و۵۹ثانیه می‌باشدودر۱۲۴کیلومتری شهر تبریزواقع‌است‌وازسطح‌دریا ۱۷۰۰ مترارتفاع دارد[3].

بذ ـ ناحیه‌ای بین‌آذربایجان و اران بوده‌که بابك خرمی درآن میزیسته است .

یاقوت مینویسدکه رود ارس ازپهلوی‌آن می‌گذرد دراین‌ناحیه همیشه ابر است وآفتاب‌کمترمی‌تابد [4]

اوجان ـ حمدالله مستوفی مینویسد : اوجان را در دفاتر قدیم از توابع

۱ـ نزهةالقلوب ص ۹۸
۲ـ معجم‌البلدان ج۳ ص۶۴
۳ـ فرهنگ جغرافیایی ایران ج۴ ص۲۶۴ـ۲۶۳
۴ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۵۲۹ـ۵۳۰

ناحیت مهرانرود شمرده‌اند . غزان خان (غازان خان) تجدید عمارتش کرد واز سنگ و گچ باروکشید وشهراسلام خواند و دارالملك ساخت، دورباروی غزانی (غازانی) سه هزارگام بود . هوایش سرداست وآبش ازکوه سهند . مردمش سفید چهره وشافعی‌مذهب‌اند ، دراو ازعیسویان جمع باشند[۱].

درمعجم‌البلدان یاقوت نام این‌شهر بدون‌واو بصورت، «اجان، آمده‌مینویسد: اوجان شهری کوچك درآذربایجان است بین‌آن وتبریز درراه ری ده فرسنگ است و من‌آنرا دیده‌ام . دیواری برگـردآن است و بـازاری دارد و بیشترآن خراب است[۲].

بسیاراحتمال میرودکه این شهرهمان «آجن» باشدکه نام‌آن درمسالك‌الممالك اصطخری‌آمده وبین خونج و داخرقان (دهخوارقان) قرار داشته است[۳] .

لسترنج می‌نویسد : اوجان درساحل یکی ازشاخه‌های سمت چپ (جنوب) رودخانه سرا و شهر واقع است این شهر در زمان مغولها خراب شد . در زمان ایلخانان بقول حمدالله مستوفی غازان‌خان بتجدید عمـارت آن همت گماشت . رودخانه‌آن‌آب اوجان‌گفته میشد و ازقله شرقی‌کوه سهند سرچشمه میگرفت.[۴]

اعتمادالسلطنه می‌نویسد که : اوجان الحال چمنی راگویند که محل اردو و مشق افواج‌آذربایجان است این چمن بسیار خوش‌آب وهوا و هوایش سرد و بی‌نهایت سبز و خرم می‌باشد ، خاقان مغفورفتحعلی‌شاه عمارتی‌آنجا بنا نمود که الان باقی است واین چمن‌آبادی بزرگی هم دارد[۵] .

۱ــ نزهة القلوب ص۹۱

۲ــ معجم‌البلدان ج۱ ص۱۳۱

۳ــ مسالك الممالك ص۸۱

۴ــ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۷۵

۵ــ مرآت‌البلدان ج۱ ماده اجان

اوجان پس‌از دوره ایلخانان مغول بتدریج از رونق افتاد واکنون نام یکی از دهستانهای چهارگانه بخش بستان‌آباد شهرستان تبریزاست.[۱]

میانه ـ شهر میانج (میانه)که درملتقای رودخانه قزل اوزن و دو رودخانه توأم ، سنجبده ، وگدیو، و رود شال و رود میانج و هشترود ، واقع‌است ، ازقدیم شهرمهمی بوده وبمناسبت‌آنکه درمیان اردبیل وزنجان قرارداشته‌آن‌را بفارسی میانه وبه عربی «میانج»گفته‌اند .

ابن‌حوقل در قرن چهارم آنرا شهری پرجمعیت ذکرکرده و ناحیه‌ای که میانه درآنجاواقع‌بود،وبعدها به‌نام‌گرمرود معروف‌شده میوه زاربزرگی‌بوده‌است

حمدالله مستوفی درباره گرمرود می‌نویسد کـه : ولایتی است در او صد پارچه دیه بود وهوایش خوشتر از میانج بود .

یاقوت‌که میانه را دیده‌آن شهر را ستوده است حمدالله مستوفی مینویسد: «میانج شهری بوده است و اکنون بقدر دیهی مانده و هوای گرم و عفنی دارد» . ساس‌وحشره‌مسموم‌کننده‌ای‌بنام‌ملـه‌که‌مخصوص‌میانه‌بوده‌تاکنون نیزموجب‌وحشت مسافران است[۲]. اکنون میانه نام یکی‌از شهرستانهای‌آذربایجان شرقی‌وازاستان سوم است و در جنوب شرقی شهرستان تبریزواقع است . از شمال به شهرستان سراب ، ازجنوب به شهرستان زنجان ، ازمشرق به‌شهرستان هروآباد وازمغرب به شهرستان مراغه محدود است .

این شهر در ۱۷۵کیلومتری جنوب شرقی تبریز و۲۱کیلومتری شمال پل معروف دختر بر قزل اوزن قرارگرفته، وطول وعرض جغرافیایی‌آن ۴۷درجه و ۴۲ دقیقه و۴۵ ثانیه در۳۷درجه و۲۰دقیقه است . ارتفاع‌آن ازسطح دریا ۱۱۰۰ متر می‌باشد[۳] .

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۵۴

۲ــ لسترنج ص۱۸۳

۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۵۱۵ــ۵۱۶ وبارتلد ص۲۷۵

درراه میانه قریه ترکمان‌چای واقـع شده کـه عهدنامهٔ معروف ۱۸۲۸ بین ایران و روسیه درآنجا منعقدگردید . درقرن نهم هجری در محل ترکمان‌چای قریه ده ترکمانان درشش‌فرسنگی میانه واقع‌بود ،کلاویخوآن قریه را«توزلار» خوانده است. امروز این‌قریه، ترکمان خوانده می‌شود ویکی ازبخشهای‌سه‌گانه شهرستان میانه است.[۱]

دهخوارقان ـ این شهر درجنوب غربی کوه سهند و شصت میلی تبریز و چهارفرسنگی مشرق دریاچه اورمیه قرار دارد . نام‌آن دربعضی ازکتب جغرافی قـدیم عرب، داخرقان و دخارقان‌آمده‌است . یاقوت آنرا ، ده‌نخیرجان ، ضبط کرده وگوید: شهری بزرگ است وبین‌آن و تبریز ونیز بین‌آن و مراغه دو روز راه است. نخیرجان (نخوارگان)گنجورخسروبود واین شهرمنسوب به‌وی است[۲].

حمدالله مستوفی‌گوید : «دهخوارقان شهری کوچك است هوای معتدل‌دارد وآبش ازکوه سهند است وباغستان فراوان دارد و انگورش بی‌قیاس بود » . نام این شهررا چند سال پیش از روی نادانی بگمان‌آنکه‌آن نامی ترکی است‌تغییر داده وبه‌**آذرشهر** بدل‌کردند اخیراً باشتباه خود پی برده مجدداً نام دهخوارقان را زنده کردند .

اکنون دهخوارقان یکی از بخشهای چهارگانه شهرستان تبریز است و در جنوب غربی‌تبریزومشرق دریاچه رضائیه واقع شده وطول وعرض جغرافیائی‌آن ۴۵ درجه و۸۵ دقیقه و۳۹ ثانیه در۳۷ درجه و۴۶ دقیقه و۱۵ ثانیه است وارتفاع آن ازسطح دریا ۱۳۶۸ متر میباشد .[۳]

خلخال ـ سه رودخانه سنجبده وگدیو (کدپو) و شال‌که از طرف شمال به

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ص۱۳۰

۲ــ معجم‌البلدان یاقوت ج۲ ص۶۳۶

۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۲۲۶

سفیدرود می‌ریزند از ناحیه خلخال سرچشمه می‌گیرند.

خلخال شهر عمده آن ناحیه بود و بگفتهٔ جغرافی‌نویسان قدیم در دوازده فرسنگی اردبیل قرار داشت.

شهر فیروزآباد در قله گردنه‌ای که در آنجا چشمه آب گرمی در میان کوههای پر از برف می‌جوشید در آن دیار واقع بود. بقول حمدالله مستوفی: فیروزآباد سابقاً حاکم‌نشین آن بوده واکنون نیز خراب شده است. حکامش را آقاجریان (تاجرمان، ارقاجرانان؟) می‌گفتند[1]. امروز خلخال یکی از شهرستانهای هشتگانه آذربایجان شرقی (استان سوم) است. این شهرستان ازشمال به‌اردبیل و ازجنوب به شهرستان زنجان وازمشرق به‌کوههای طالش وازمغرب به‌شهرستان سراب ومیانه محدود است. مرکز این ناحیه شهرکوچك **هروآباد** است که در ۱۹۸ کیلومتری شرقی تبریز و۵۶کیلومتری جنوب شهرستان اردبیل واقع شده وطول وعرض جغرافیایی آن ۴۸ درجه و۳۱ دقیقه و۴۰ ثانیه در ۳۷ درجه و۳۸ دقیقه و۵۰ثانیه است. هروآباد شهری قدیم نیست وتا سیصد سال پیش دهی‌بشمار می‌رفته‌که درتحت مالکیت خوانین سعادلو بوده‌است. دردوره فتحعلی‌شاه‌ساکنان هروآباد (خلخال) خود را از زیر بارآن خوانین خارج‌کردند و ازآن تاریخ هروآباد حکومت‌نشین ناحیه خلخال شد[2].

جلفا ـ این شهرکه درکتب قدیم بصورت «جولاهه» نیز نوشته می‌شود در کنار رود ارس قرار دارد این محل را شاه‌عباس اول درسال ۱۱۰۴ هجری خراب کرد وارمنیان ساکن‌آنجا را به‌محل دیگری که خود درجنوب اصفهان بناکرده بود کوچانید،وبمناسبت نام مسکن‌قدیم‌آنها،نام محل‌جدیدرا نیزجلفاگذارد[3].

۱ـ نزهة‌القلوب ص۹۳
۲ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۹۳ و۵۴۶
۳ـ لسترنج ص۱۸۰

این شهر امروز یکی از بخشهای تابعه شهرستان مرند در ۶۷ کیلومتری شمال آن شهر است و از شمال به رود ارس که مرز ایران و شوروی است و از جنوب به بخش زنوز و از مشرق به دهستان دیزمار و از مغرب به دهستان اواوغلی محدود است. طول و عرض جغرافیایی آن ۴۵ درجه و ۳۸ دقیقه ۳۸ درجه و ۵۶ دقیقه است و از سطح دریا ۸۲۰ متر ارتفاع دارد[۱].

از جمله شهرهای واقع بر ساحل رود ارس، حمدالله مستوفی **اردوباد** را نام میبرد این شهر در ملتقای رودخانه‌ای که از سمت جنوب به رود ارس می‌ریزد و قلعه دزمار در ساحل آن بوده قرار دارد قلعه دزمار را یاقوت هم نام برده است[۲].

امادیزمار امروز به دو قسمت باختری و خاوری تقسیم میشود و هردو نام دو دهستان از بخش ورزقان شهرستان اهر است[۳]. پائین‌تر از اردوباد در کنار رود ارس شهر **زنگیان** در ناحیه «مردان نعیم» واقع بود، و در آنجا پل دیگری برای عبور از رود ارس که هنوز برجاست وجود داشت و نام آن، پل خدا آفرین، است.

حمدالله مستوفی می‌نویسد که، زنگیان چند پاره دیه است و اکنون داخل مرادان نعیم (مردانقم) پل خدا آفرین بر آب ارس در آن حدود است بکربن عبدالله صاحب رسول‌الله (ص) ساخت در سنه ۱۵ هجری[۴].

مردانقم اکنون وجود دارد و آن دهی جزء دهستان دیزمار خاوری از بخش شهرستان اهر است[۵].

خدا آفرین ـ امروز نام یکی از بخشهای ششگانه شهرستان تبریز است و در قسمت شمال شهرستان اهر و کنار رودخانه ارس در مرز ایران و شوروی واقع است.

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۴۷
۲ــ لسترنج ص۱۸۰
۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۲۳۱
۴ــ نزهة القلوب ص۱۰۱
۵ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۹۱

ازشمال به‌رود ارس وازجنوب ومشرق به‌بخش‌کلیبر وازمغرب به ورزقان محدود می‌باشد . این ناحیه دارای پل قدیمی روی رودخانه ارس است‌که برای استفاده مرزبانان مورد استفاده قرارمی‌گیرد[۱] .

اهر ـ در یکصدوپنجاه میلی مغرب اردبیل برکنار رود اهر واقع است . نام‌آن درکتابهای‌جغرافیاهای‌قدیم‌آمده‌و یاقوت‌آنرا شهری‌آباد وکوچك‌وپرنعمت وصف‌کرده‌گوید: امیرآنرا، ابن‌پیشکین مشکین: گویند بین‌آن وبین، «وراوی»، که شهری‌کوچك است دو روز راه می‌باشد.[۲] ظاهراً ناحیه‌ای‌که اهردرآن واقع بود پیشکین‌نام داشت وازنام خاندانی‌که درقرن هشتم درآنجا حکومت داشته‌اند مأخوذ بود . شـهر پیشکـین در یك منزل اهر واقع بود و اصلاً ، وراوی ، نام داشت[۳] .

یاقوت مینویسدکه **وراوی** شهرکوچك خوش‌آب وهوا وپرنعمت وپرآب است‌که درکوههای آذربایجان بین اردبیل و تبریز واقع است و آن ولایت ابن پیشکین ، یکی از امیران‌آن ناحیه است وبین‌آن واهر یك منزل می‌باشد[۴].

روی رودخانه اندراب درست بالای نقطه‌ای‌که رود اهر به آن ملحق می‌گردد چنانکه حمدالله مستوفی‌مینویسد پل زیبائی ازبناهای تاج‌الدیـن علیشاه جیلانی وجود داشته است .

اهر امـروز یکی‌ازشهرستانهای هشت‌گانهٔ‌آذربایجان شرقی‌است. ازطرف شمال برود ارس ، وازجنوب به شهرستان تبریز وازمشرق به‌شهرستانهای سراب ومشکین‌شهر ودشت مغان وازمغرب به‌شهرستان مرند محدود است .

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۸۸

۲ــ معجم‌البلدان ج۱ ص۴۰۹

۳ــ لسترنج ص۱۸۱

۴ــ معجم‌البلدان ج۴ ص ۹۱۸

این شهر در۹۵ کیلومتری شهر تبریز واقع و طول و عرض جغرافیایی آن ۴۷ درجه و۶ دقیقه و۱۳ ثانیه در۳۸ درجه و۲۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه ، و ارتفاع آن ازسطح دریا قریب ۱۵۰۰ متراست[۱].

مشکین ـ حمدالله مستوفی‌شهر **وراوی** را بجای‌پیشکین، مشکین‌ذکرکرده مینویسد :

« مشکین را در اول ، وراوی ، می‌خواندند چون مشکین (پیشکین) گرجی حاکم‌آنجا شد بدو معروف‌گشت هوایش معتدل است بعفونت مایل . جهت آنکه شمالش را کوه سبلان مانع است وآبش ازکوه سبلان می‌آید وغله، ومیوه بسیار باشد .

اهل‌آنجا شافعی‌مذهب‌اند ، وبعضی‌حنفی باشند وبعضی شیعه . دراین تومان هفت شهراست : مشکین وخیاو، وانار ، وارجاق ، واهر، وتکلفه ، کلیبر[۲]».

چون درزبان‌آذری با ، به، میم ، تبدیل میشده چنانکه ، بیشه ، را میشه ، می‌گفته‌اند ازاین رو پیشکین‌که مأخوذ ازنام امیر پیشکین‌گرجی است تبدیل به مشکین ، شده‌است [۳].

امروز مشکین نام یکی ازدهستانهای سه گانهٔ بخش‌مرکزی خیاو (مشکین شهر) است وبه دوقسمت مشکین باختری ومشکین خاوری قسمت می‌شود [۴] .

خیاو ـ حمدالله مستوفی‌مینویسد : « خیاوقصبه‌ای است درقبلی‌کوه سبلان افتاده وچون سبلان در شمال اوست هوایش بگرمی‌مایل است وآبش ازآن‌کوه جاری است .

باغستان اندك دارد حاصلش غلـه بیشتربود ، و مردمش اکثر موزه دوز و

۱ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۶۰ــ۶۱
۲ــ نزهة‌القلوب ص۹۴
۳ــ شهریاران‌گمنام ج۲ ص۱۱۸
۴ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۹۸

چوخاگر باشد[1].» نام خیاورا در چند سال پیش بی‌دلیل تغییرداده و مشگین شهر نامیده‌اند ، این‌ناحیه یکی ازشهرستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی) است وازطرف شمال به‌بخش‌گرمی (شهرستان اردبیل)، وازجنوب به مقسم‌المیاه رشته جبال سبلان ، واز مشرق به شهرستان اردبیل (محال ولیگج)، ازمغرب به اهر. شهرخیاو از راه اردبیل در۲۹۵کیلومتری شمال شرقی تبریز وازراه اهر در۱۶۸ کیلومتری شمال‌شرقی شهرتبریز واقع است .

طول وعرض‌جغرافیایی‌آن ۴۷ درجه ویك دقیقه و۷ ثانیه ، در۳۸ درجه و ۲۳ دقیقه و۳۴ ثانیه است. ارتفاع‌آن ازسطح دریا ۱۸۳۰ مترمی‌باشد [2].

تکلفه ـ حمدالله مستوفی مینویسد . تکلفه قصبه بوده‌است واکنون خراب است. حاصلش‌غله وزمینی‌مرتفع باشد [3].

ارجاق ـ ارنار ـ این دو نام در نزهة القلوب حمدالله مستوفی آمده و می‌نویسد: ارنار ، وارجاق دوقصبه است درقبلهٔ کوه سبلان افتاده ، قصبهٔ ارنار رافیروزبن یزدگردبن بهرام‌گورساسانی ساخت ودر اول‌شادار ، وبعضی شادفیروز خواندندی ، وارجاق‌را پسرش‌قبادبن فیروزساخت. هوای هردومعتدل‌است وآب ازکوه سبلان جاری است باغستان نیکو وفراوان دارد ، میوه و انگور و خربزه وجوز(گردو) بسیاربود، وقریب بیست موضع ازتوابع آنجاست، حقوق دیوانیش هزار دینارمقرر است [4].

درفرهنگ‌آبادی‌های ایران ، جایی درآذربایجان از محال مشکین شهر بنام ارجق ،آمده‌که طول وعرض جغرافیایی‌آن ۵۵ـ۴۷ × ۳۴ـ۳۸ است ومرکز دهستان مشگین‌خاوری است [5].

۱ــ نزهة‌القلوب ص۹۵

۲ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۲۰۲ــ۲۰۳

۳ــ نزهة‌القلوب ص ۹۵

۴ــ نزهة‌القلوب ص ۹۵

۵ــ فرهنگ‌آبادیهای ایران ص۲۱ وفرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۱۱

کلیبر ـ قصبه‌ای است در میان بیشه افتاده وکوهستان بزرگ و قلعه نیکو دارد ، درپای‌آن قلعه رودی روان است هوایش‌معتدل است وآبش ازرود مذکور وحاصلش‌غله وانگور و میوه باشد . مردمش ازترك وطالش ممزوج اند وشافعی مذهب [۱] .

این‌ناحیه امروز یکی ازبخشهای پنجگانهٔ شهرستان اهر است و درقسمت شمال قره‌داغ وکنارمرز ایران وشوروی واقع است . ازشمال برود ارس و بخش خداآفرین، وازجنوب به‌بخش مرکزی‌اهر، وازمشرق به‌بخش‌هوراند ورودخانه درآورد وازمغرب به‌بخش ورزقان محدود است [۲].

طسوج ـ درکنارشرقی دریاچهٔ‌اورمیه شهرطروج‌یاطسوج وجودداشته‌است حمدالله مستوفی‌مکررازدریاچهٔ شورطسوج یاطروج سخن‌گفته وبنظرمیرسدکه شهر طروج یا طوج نام خود را بدریاچهٔ مجاور خودکه امروز رضائیه خـوانده می‌شود بخشیده‌است. درقرن هشتم طروج یاطسوج نقطهٔ مهمی بشمار می‌آمد و ازتبریزکرمتر و مرطـوبتر بود و درمیان باغستانها جای داشت وبجهت قرب به دریاچهٔ چیچست (اورمیه) هوای‌آن مایل بعفونت بود [۳] امروز تسوج (طسوج) یکی ازدهستانهای پنج‌گانهٔ بخش‌شبستراست . ازشمال بشهرمرند و از جنوب به دریاچهٔ رضائیه وازمشرق به شرفخانه وازمغرب به ولدیان محدوداست [۴].

سَلماس ـ یاقوت می‌نویسدکه سلماس از شهرهای مشهورآذربایجان است وبین‌آن واورمیه دو روز وبین‌آن و تبریز سه روز راه است . وهمـهٔ‌آن امروز خرابست [۵] .

۱ــ نزهة‌القلوب ص۹۶
۲ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۲۵
۳ــ نزهة‌القلوب ص۹۲
۴ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۳۲
۵ــ معجم‌البلدان ج۳ ص۱۲۰

حمدالله مستوفی مینویسدکه . سلماس شهری است بزرگ و بارویش خرابی یافته وزیر تاج‌الدین علیشاه آنرا عمارت کرد ، دورش هزارگام است ، هوایش بسردی مایل وآبش از اودیه جبال کردستان وبه بحیره چیچست ریزد مردمش سنّی پاك دین‌اند وپیوسته با اکراد در محاربه باشند . باغستان بسیار دارد میوه و انگورش نیکوباشد [۱].

در سلماس دو نقش تاریخی یافت شده کـه یکی از آن حجاری‌ها مربوط بزمان اردشیر بابکان که سوار براسب است ودرمقابل او ارمنیان با حالت تمکین و اطاعت ایستاده‌اند دیگری از شاهپور اول ساسانی است که از نقش اول تقلید شده وهیکل شاپور را بجای اردشیرحجاری نموده‌اند[۲] .

بر اثر زلزله‌ای که درسال (۱۳۰۹ ش) ودرزمان پادشاهی رضاشاه روی داد وآن شهررا ویران ساخت نام سلماس‌را تغییرداده ودرکنار ویرانه‌های آن‌شهری دیگربنام، شاهپور، بنا کردند . وامروز بهمین نام خوانده می‌شود .

این شهر امـروز ازبخشهای سه‌گانه شهرستان خوی است سلماس از شمال به حومه خوی و ازجنوب به دهستان انزل و صومای وازمشرق بدریاچه رضائیه و ازمغرب به مرز ایران وترکیه محدود است .

این شهر در۴۶کیلومتری مغرب رضائیه واقع‌است طول وعرض جغرافیایی آن ۴۴ درجه و۴۶ دقیقه و ۴۰ ثانیه در۳۸ درجه و۱۱ دقیقه است و ۱۴۳۰ متر ازسطح دریا ارتفاع دارد[۳] .

خوی ـ در شمال شرقی سلماس شهر«خوی» برکنار رودخانه‌ای که بسمت شمال جاری شده به‌رود ارس می‌پیوندد واقع است .

۱ــ نزهة‌القلوب ص۹۷

۲ــ جغرافیای مفصل‌تاریخی غرب ایران ص۲۳۸

۳ــ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص ۲۹۱ــ۲۹۲

یاقوت مینویسدکه خوی ازبلاد مشهور آذربایجانست وآنرا باروی بزرگی است ومیوه درآن فراوان است وپارچه خوبی منسوب به‌آن است[۱]

حمدالله مستوفی مینویسد که : خوی شهری وسط است دورش شش‌هزار و پانصدگام است. هوایش به‌گرمی مایل وآبش ازجبال سلماس‌آید وبه ارس ریزد.

از میوه‌هاش انگور وامرود پیغمبری‌مانندش جای دیگر نیست بشیرینی و بزرگی وآبداری ، مردمش سفیدچهره وختائی‌نژاد وخوب‌صورت‌اند وبدینجهت خوی را ترکستان ایران خوانند ، وقریب هشتاد پاره دیه از توابع آنست[۲] .

اکنون خوی نام یکی ازشهرستانهای استان سوم آذربایجان است از شمال به شهرستان ماکو وازجنوب به رضائیه و ازمشرق به مرند واز مغرب به‌مرز بین ایران وترکیه محدود است .

جلگه خوی دردامنهٔ جنوب خاوری ارمنستان واقع شده و ارتفاع‌آن در حدود ۱۰۴۰ متر است که از تمام جلگه‌های مجاور حتی از دریاچهٔ رضائیه نیز پست‌تر است بهمین مناسبت دراصطلاح مردم خوی‌آنرا ، خوی چوخوری، یعنی گودال خوی مینامند .

شهر خوی در۷۷۷ کیلومتری شمال غربی تهران و۱۴۹کیلومتری تبریز و ۱۹۴کیلومتری رضائیه واقع است. طول‌وعرض جغرافیائی‌آن ۴۴ درجه ۵۸دقیقه در۳۸ درجه و۳۳ دقیقه است[۳] .

مرندـ مقدسی‌گوید: مرند درمشرق خوی، برساحل رودی است‌که‌ازشعب سمت راست رودخانه خوی میباشد. وآن شهری مستحکم ودارای حومه‌ای‌آباد ومسجدی دربازار است وباغستانی‌گرداگردآن قرار دارد .[۴]

۱ـ معجم‌البلدان ج ۲ ص۵۰۲
۲ـ نزهة‌القلوب ص۹۷
۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۰۰-۲۰۱
۴ـ مقدسی : احسن‌التقاسیم ص۳۷۷

یاقوت مینویسدبین آن وتبریز دوروز راه است وازآن روزگاری که گرجیان آنرا خراب کرده‌اند وغارت نموده اهالی‌را باخود برده‌اند روی‌به‌ویرانی‌است [۱] .

حمدالله مستوفی می‌نویسد: مرند شهری بزرگ بوده‌است دورباروبش‌هشت هزارگام است ، اکنون‌کمابیش نیمه او برجاست وهوایش معتدل است وآبش از رود زنوز، حاصلش غله وپنبه ودیگرحبوبات وانگور ومیوه باشد . در صحرای مرند بجانب‌قبله‌کرم قرمزپیدا شده‌است ودریك هفته بموسم تابستان‌آنرامیتوان گرفت واگر نگیرند قرمزرا سوراخ‌کند وبپرد [۲]

امروزشهرستان مرند ازشهرستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی)است. ازشمال به رود ارس ازجنوب به‌بخش شبستر ومیشوداع وکوه علمدار واز مشرق به بخش ورزقان وازمغرب ایواوغلی، وولدیان محدود است .

آن شهر در۷۲کیلومتری شمال غربی تبریز و۷۶کیلومتری مرز ایران و شوروی واقع وارتفاع‌آن ۱۴۳۰متر وطول وعرض جغرافیائی‌آن ۳۵درجه و۴۶ دقیقه و۳۵ ثانیه در۳۸ درجه و۲۶ دقیقه و ۲۲ ثانیه‌است [۳] .

نخجوان ـیا نخچوان درشمال‌رود ارس معمولاازجمله شهرهای‌آذربایجان بشمارمیآمد وهمان ، نشوی ، قدیم درنزد جغرافی‌نویسان اسلامی است.

این شهر دردوره مغولان اهمیت بسیار پیدا کرد. یاقوت مینویسد:«نشوی» شهری است ازآذربایجان وبعضی‌آن‌را از اران دانسته‌اند و بارمنستان پیوسته و بین عامه به نخجوان ویا «نقجوان» معروف است .

بلاذری مینویسد :که نشوی مرکز ولایت «بسفرجان» (وسفورگان) بود که آن‌را حبیب‌بن‌مسلمه فهری در روزگاراسلام فتح کرد [۴] . درجای دیگر یاقوت

۱ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص ۵۰۳
۲ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۰
۳ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۴۹۳
۴ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۷۸۴

مینویسد کـه نسبت به نخجوان برخـلاف اصل « نشوی » است وآن در اقصای آذربایجان واقع شده‌است [۱] .

حمدالله مستوفی مینویسد: نخجوان شهری خوش‌است و آنرا «نقش‌جهان» خوانند. اکثرعمارت‌آن از آجرست . حاصلش غله و پنبه وانگور و اندکی میوه باشد مردمش سفیدچهره وشافعی‌مذهبند . ولایت بسیار دارد وچند قلعه محکم‌از توابع‌آن مانند «النجق» و«سوماری» و«تغمر» و«فغان»[۲]

لسترنج مینویسد: «حوالی‌آن درسمت مشرق قلعهٔ النجق ودرشمال‌آن‌کوه پر از برف « ماست‌کوه » قرار دارد ، ونیز در نخجوان گنبدی است از بناهای ضیاءالملك وزیرمعروف سلجوقیان. شرف‌الدین‌علی‌یزدی صاحب‌ظفرنامهٔ‌تیموری پل معروف ضیاءالملك را وصف کرده ، این پل نزدیك قلعهٔ کرکر سر راه مرند پانزده میلی نخجوان برروی رود ارس ساخته شده بود » [۳] . نخجوان امروز از متصرفات شوروی است .

موغان ـ یا موقان یا مغان ـ نام دشت باتلاقی بزرگی است که ازدامنه‌کوه سبلان تاکناره خاوری دریای خزرکشیده شده ودرجنوب مصب رود ارس و شمال کوههای طالش قراردارد. این ایالت دردوره اسلامی‌گاهی جزءآذربایجان شمرده میشد ولی غالباً ناحیه‌ای جداگانه ومستقل را تشکیل‌میداد[۴] .

یاقوت ایـن ناحیه را جزء آذربایجان شمرده و می‌نویسد درآن دیه‌ها و چراگاههای بسیاراست‌اکنون ترکمانان‌آن اراضی را برای چرا اشغال‌کرده‌واکثر اهل‌آن ناحیه‌را تشکیل‌می‌دهند [۵] .کرسی موغان درقرن‌چهارم شهری بودبهمان

۱ـ معجم‌البلدان ج۴ ص ۷۶۷

۲ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۲

۳ـ لسترنج : جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی ص۱۷۹

۴ـ لسترنج ص۱۸۸

۵ـ معجم‌البلدان ج ۴ ص۶۸۶

نام‌که اکنون تعیین محل آن دشوار است .

مقدسی گوید موغان شهری‌است برساحل دورودخانه ودراطراف آن باغهای زیباست [۱] .

ازگفتهٔ او استنباط می‌شود که محتمل است آن شهرهمان «باجروان» باشد که حمدالله مستوفی آنراکرسی آن ناحیه شمرده است .

حمدالله مستوفی مینویسد : « ازگریوه سنگ برسنگ که محاذی تومان مشگین‌است تاکنارآب ارس از ولایت موغان‌است ودراین مساحت چندانکه‌کوه سبلان ناپیدا باشد . گیاه درمنه (علف جاروب) درپائیز زهردار بود ، خوردنش چهارپایانرا هلاك کند ودربهار زهرش‌کمتربود ودابه (چهارپای)گرسنه را مضرتر ازآنکه علفی دیگرخورده باشند، وچون‌کوه سبلان پیدا شود این مضرت درآن درمنه نماند .

باجروان ـ حمدالله مستوفی مینویسد : «باجروان در اول شهرستان‌موغان باشد واکنون خرابست وبقدر دیهی معمور» هوای باجروان بگرمی مایل‌است و آبش‌ازجبالی‌که درحدودآنست برمیخیزدحاصلش‌غیرازغله‌چیزدیگرنمی‌باشد [۲]. وی موضع باجروان‌را درچهارفرسنگی‌شمال برزند که هنوز نام‌آن درنقشه‌دیده میشود معین‌کرده است . در جنوب باجروان برزند واقع است که ابن‌حوقل آنرا شهری بزرگ شمرده ومقدسی بازارآنرا به‌وفورکالا توصیف‌کرده‌است [۳] .

برزند ـ حمدالله مستوفی مینویسد : برزند شهری وسط بوده است بعداز خرابیش افشین غلام معتصم خلیفهٔ عباسی آبادان‌کرد ونشست خود ساخت. اکنون بازخرابست وبقدردیهی معمورمانده ، هوایش بگرمی مایل است وآبش‌ازعیون،

۱ـ احسن‌التقاسیم ص۳۷۸
۲ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۳
۳ـ لسترنج ص۱۸۹

زمینی مرتفع دارد حاصلش غله باشد.[۱]

یاقوت مینویسد: «برزند از نواحی تفلیس و ازولایات گرجستان است. نخستین کسی که آنرا آبادان کرد و اردوگاه ساخت افشین بود» اصطخری مینویسد: که بین برزند واردبیل پانزده فرسنگ است. ابوسعد برزندرا ازنواحی آذربایجان دانسته ولی چنانکه یاد کردیم ازولایات تفلیس است وگمان میکنم جایی را که افشین آباد کرده «برزنج» یا جای دیگربهمین نام باشد»[۲].

یاقوت درباره برزنج چنین می‌نویسد:

برزنج- شهری‌است ازنواحی اران بین آن وبرذعه درراه باب‌الابواب‌هجده فرسنگ است ودربرزنج برروی رود کر معبری‌است که ازآن گذشته به‌شماخی شهر شروان میروند[۳].

دردشت مغان حمدالله مستوفی سه شهر. پیلسوار ومحمودآباد، و همشهره را نام میبرد ومینویسد: پیلسوار را امیری پیله‌سوار نام، یعنی سوار بزرگ از امرای آل بویه ساخت واکنون بقدردیهی مانده‌است وآبش از رود باجروان‌است وحاصلش غله. امروز پیلسواررا «بیله‌سوار»گویند وآن دهستانی‌است از بخش گرمی شهرستان اردبیل[۴]. این‌شهردرهشت‌فرسنگی باجروان وبرکنارنهری‌بود که ازباجروان می‌آمد[۵]

محمودآباد ـ حمدالله مستوفی مینویسد که: محمودآباد در صحرای گاوباری برکنار دریاست وآنرا غازان‌خان مغول (که سلطان محمود نام داشت)

۱ـ نزهةالقلوب ص۱۰۴
۲ـ معجم‌البلدان ج۱ ص۵۶۲
۳ـ نزهةالقلوب ص۱۰۴
۴ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۱۰۴
۵ـ نزهةالقلوب ص۱۰۴

ساخت[۱] » این محمودآباد امروز دهی است از بخش نمین ازشهرستان اردبیل و در دوازده‌کیلومتری راه شوسه‌آستارا ـ اردبیل قراردارد[۲] .

همشهره ـ حمدالله مستوفی مینویسد : همشهره بساحل دریای‌گیلان است وتا دربادوفرسنگ‌واصله دارد ودراول آنرا «ابرشهره» میخواندند وجای نشست فرهادبن‌گودرز بوده که اورا بخت نصر شمارند[۳] .

درشمال‌باجروان درزمان‌قدیم‌قریه بلخاب واقع‌بودکه دهکده‌ای‌پرجمعیت داشت با کاروانسراهایی برای ورودکاروانان ، وآنطرف این منزلگاه در شاهراه شمالی و در ساحل جنوبی ارس شهر ورثان در معبری که ازآنجا به ایالت اران میرفتند واقع بود.

ورثان ـ درقرن چهارم بقول ابن حوقل ومقدسی شهری پرجمعیت بود و بارویی و بازارهای پرمتاع داشت ولی بدون دروازه بود ، و در دوفرسنگی‌آن رودخانه‌ای روان بود ومسجد جامعی درحومهٔ‌آن واقع بود[۴] . یاقوت مینویسد که : ورثان‌آخرحدودآذربایجان است وبین‌آن و رود ارس دوفرسنگ و بین‌آن و بیلقان هفت فرسنگ است . این ولایت را مروان‌بن محمدبن مروان‌بن‌الحکم آبادان‌کرد و ملك اوبود، پس‌ازآن این املاك به ام‌جعفر زبیده دخت جعفربن منصور رسید ونمایندگان او باروی‌آن شهررا بساختند[۵] .

ارمیه ـ که آنرا ارومیه و اورمیه نیزخوانده‌اند نام این شهر بر دریاچه بزرگی‌که درمشرق‌آنست نیز اطلاق شده . در بعضی از نوشته‌های مورخان قدیم اسلامی‌آمده‌که آن شهر زادگاه زردشت بوده است . بقول ابن‌حوقل ارمیه در

۱ـ نزهة‌القلوب ص ۱۰۴
۲ـ فرهنگ جغرافیائی ص۴۸۷
۳ـ نزهة‌القلوب ص۱۰۴
۴ـ لسترنج ص ۱۸۹
۵ـ معجم‌البلدان ج۴ ص۹۱۹

قرن چهارم شهری خرم وآباد وباندازه مراغه بوده و رزستانهای بسیار و تجارت پررونقی داشته است و مسجد جامعی دربازار بزازان آن بوده و قلعه و باروی محکمی‌داشته ورودخانه‌ای درآن روان‌بوده‌که به‌دریاچه مزبورمیریخته‌است[۱] .

یاقوت دربارهٔ آن مینویسد: «ارمیه شهری بزرگ وقدیم‌است به‌آذربایجان، بین‌آن ودریاچه قریب سه میل یا چهارمیل است و پندارند کـه‌آن شهرزردشت بوده است ، من‌آن شهر را در سال ۶۱۷ دیـدم ، شهری زیبا و پرنعمت ودارای باغستانهای بسیار وآب فراوان وهوائی سالم‌است. بین‌آن وتبریزسه روزراه‌است ونسبت به ارمیه را ارموی‌دار می‌گویند »[۲] .

حمدالله مستوفی مینویسد : «ارمیه شهری بزرگ است . دورش ده‌هزارگام باشد برکنار بحیره چیچست افتاده ، هوایش گرم است بعفونت مایل وآبش از عیون آن جبال برمیخیزد و به بحیره چیچست ریزد . باغستان فـراوان دارد . مردمش اکثر سنی‌اند و صدوبیست پاره ده ازتوابع آنست و ضیاعش مرتفع تمام بود»[۳] . نام‌این شهرظاهراً سریانی‌است . سریانیان‌آنرا ارمیا Ormiâ و ارمنی‌ها ارم Ormé و عـرب ارمیه ، وایرانیان ارومی ، ترکان ارومیه ، یارومیه (منسوب به‌روم شرقی) نوشته‌اند . درتداول‌آذربایجانیان اورمی Ormi گفته میشود.

درمنابع سریانی اسم مکانی بنام «ارمیت» درکناردریاچه رضائیه‌آمده‌است. ارمیه ازلحاظ یك مرکزمسیحی نسطوری بسیارقابل اهمیت ومطالعه است و بالغ بر۳۷ ده مسیحی در ارومیه وجود داردکه در۵۹ قریهٔ دیگر با مسلمانان مخلوط هستند . مسیحیان‌آرامی‌نژاد ارمیه خودرا «آشوری» میخوانند .

تا سال ۱۸۳۵ ، شهر ارومیه بزرگترین مرکزمذهب نسطوری بود . دراین

۱ــ لسترنج ص۱۷۸

۲ــ معجم‌البلدان ج ۱ ص ۲۱۹

۳ــ نزهة‌القلوب ص۹۸

سال‌مبشران پرتستان آمریکائی به‌این‌شهر آمده وبدعوت مسیحان نسطوری آن‌شهر به‌مذهب پروتستان پرداختند . پس ازمبشران آمریکائی راهبان لازاری که‌نظامی شبیه به مسیحیان یسوعی(ژزوئیت) داشتند ومقرشان درپاریس بود ، برای‌تبشیر به‌این شهرروی آوردند آشوریان نسطوری را به‌مذهب‌کاتولیك خواندند .

درسال ۱۸۵۹ آمریکائیان دارای تشکیلات مجهزی بنام جمعیت انجیلی در آن شهر بودند. درپایان قرن نوزدهم میلادی‌رئیس‌اسقفان‌کنتربری Canter Bury مبلغانی ازانگلستان به اورمیه فرستاد .

درسال ۱۹۰۰ میلادی‌گروهی‌ازمبشرین مسیحی ازطرف تشکیلات مذهب ارتودکس در روسیه به ارومیه آمد وگروه بسیاری‌ازنسطوریان این‌شهر به‌کلیسای ارتودکس‌پیوستند ولی بموجب پیمانی که بین‌ایران وشوروی در۲۸ فوریه ۱۹۲۱ منعقد گردید باین روابط وتبلیغات مذهبی خاتمه داده شد[۱] .

نام اورمیه بمناسبت خدماتی‌که رضا شاه‌کبیر در استقرارامنیت درآن شهر کرد ازاوایل سلطنت آن شاهنشاه تبدیل به«رضائیه»گردید. این شهرستان امروز ازشمال به شهرستان خوی ، وازجنوب به مهاباد ، وازمشرق بدریاچهٔ رضائیه و وازمغرب به‌کشور ترکیه وعراق محدود است . این شهر در۹۲۱کیلومتری شمال غربی‌تهران و۲۹۳کیلومتری‌جنوب غربی تبریزقراردارد. طول وعرض‌جغرافیائی آن ۴۵ درجه و۴دقیقه در۳۷ درجه و۳۲ دقیقه و۴۰ ثانیه است . و ۱۳۴۲متر از سطح دریا ارتفاع دارد ومرکز آذربایجان غربی‌است[۲] .

بسوی (پسوا) ـ یاقوت مینویسد که بسوا شهرکوچکی است درآذربایجان بین‌اشنوومراغه نزدیك خان‌خاصبك، من آنرادیده‌ام وبیشترمردم‌آن راهزنند[۳] .

۱ـ دائرةالمعارف اسلامی ماده اورمیه

۲ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۳۷-۲۴۰

۳ـ معجم‌البلدان ج۱ ص ۶۲۶

حمدالله مستوفی مینویسد که : «بسوی شهری کوچك است و آبش از کوههای آن برمیخیزد و در بحیره چیچست میریزد حاصلش غله و انگور و اندك میوه باشد»[۱].

اشنو، اشنه، اشنویه ـ درشمال غربی پسوا شهر، اشنه ، واقع بود که در زمان ابن‌حوقل کردها در آنجا مسکن داشتند ، و درقرن چهارم از آن شهر واز آبادیهای اطراف آن چارپایان ومواشی به‌موصل و بلاد بین‌النهرین صادر میگردید خاك آن به‌حاصلخیزی ومراتع آن به‌خرمی شهرت داشت[۲] .

یاقوت مینویسد: که «اشنه شهری است با استحکام از آذربایجان که من آنرا دیده‌ام بین آن و اورمیه دو روز و بین آن و اربل پنج روز راه است . ودر آنجا خیاری میروید که از دیگرجاها بهتر است آن شهر اکنون روی بخرابی نهاده و درسال ۶۱۷ ازطریق تبریز به‌آن شهر آمدم» [۳] .حمدالله مستوفی مینویسد :

«اشنویه شهری وسطست درمیان کوه افتاده بریك مرحله ارمیه درغرب مایل به‌قبله هوایش خوشتر از ارمیه بود و آبش از اودیه‌ئی که از آن جبال برمیخیزد حاصلش غله ودیگرحبوبات وانگور بود ومردمش بیشترسنی‌اند . و صدوبیست پاره دیه از توابع اوست[۴] .

امروز اشنویه نام یکی‌ازبخشهای شهرستان رضائیه‌است وازشمال به‌دهستان باراندوزچای، وازجنوب ومشرق به‌بخش سلدوز، وازمغرب به‌خاك عراق محدود است . این قصبه دریکصدوده کیلومتری جنوب رضائیه واقع شده‌است[۵]

ماکویه ـ ماکوـ حمدالله مستوفی مینویسد: «ماکویه قلعه‌ای است برشکاف

۱ـ نزهة‌القلوب ص ۱۰۰
۲ـ لسترنج ص ۱۷۷
۳ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص ۲۸۵
۴ـ نزهة‌القلوب ص ۹۸
۵ـ فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴ ص ۲۴

سنگی ، دیهی در پای آن قلعه ، چنانکه آن کوه تا نیمروز سایه‌بان آن دیه شده است ، ومرجانیثا که بزرگ کشیشان است آنجا ساکن می‌باشد[۱] .

این شهر درگوشهٔ شمال غربی آذربایجان غربی واقع شده وموقعیت آن بجهت آنکه دردامنهٔ کوه آرارات کوچك، وازطرفی درسرحد سه‌کشورشوروی ،وترکیه و ایـران واقع شده خیلی مهم است: چای‌پاره ، قراقویونلو ، چالدران ، زنگه سگمن آباد. ازمحال این شهراست[۲] . شهرستان‌ماکو، ازشمال به رودخانه قرسو وکشورترکیه و ازجنوب به‌شهرستان خوی ، و از مشرق برودخانه ارس وکشور جماهیرشوروی وازمغرب به کشورترکیه محدود است .

شهر ماکو در۹۰۹کیلومتری شمال باختری تهران و ۲۷۵کیلومتری شمال غربی رضائیه واقع شده ، طول وعرض جغرافیائی آن ۴۴درجه و۳۰ ثانیه در ۳۹ درجه و۱۸ دقیقه است وازسطح دریا ۱۲۹۴ متر ارتفاع دارد[۳] .

رودهای قره‌سوی سفلی ، و رود نبات ، و رود ساری چای ازکوههای ماکو سرچشمه‌گرفته ودرتنگه ماکو بیکدیگرمی‌پیوندند وتشکیل رودخانه زنگه‌مار (ماکوچای) را داده وسپس به رود ارس میریزند .

شهر ماکو درتنگه رودخانه زنگه‌مار واقع شده ودر سمت مشرق رودخانه به خط مستقیم بشکل دیواری پایین آمده ، درطرف مغرب ارتفاع کوه تا دویست متر ازسطح رودخانه میرسد . در اینجا قسمی ازکوه مانند چتری در بالای شهر قرارگرفته وشهربطور نیم‌دایره درزیرآن واقع شده‌است[۴] .

دراین ناحیه در زمان صفویه قلعه‌ای بوده که «قاپان» نام داشت که بمعنی

۱- نزهة‌القلوب ص۱۰۲

۲- بهمن کریمی ، جغرافیای مفصل تاریخی غرب ایران ص۶۴

۳- فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۴۸۲

۴- کتاب اسامی دهات کشور ج۱ ص۴۷۹-۴۸۱

کرکس بزرگ و یغماگر است.[۱] این قلعه که مأمن دزدان و راهزنان شده بود در سال ۱۰۵۲ پس از دستگیری راهزنان بامر شاه‌عباس‌دوم ویران گشت و بهمین‌مناسبت تاریخ خرابی آن قلعه‌را درشعری که بردل کوه برسنگ نوشته شده یادکرده‌اند. و آن اشعار اینست :

این قلعه‌که قلعه قابان بود — ضرب‌المثل همه جهان بود
عباس شه‌آنکه دولت و فر — هرروز ز روز درفزان بود
فرمود خرابی مکان را — چون‌خانه‌مکرمفسدان بود
باغات و قلاع وکوه سازند — درعرض دوماه بی‌نشان بود
از ضربت تیشه‌دارگردون — سنگش‌بهمه‌طرف روان‌بود
هرکار که کرد از ره صدق — چون‌نقش‌بسنگ‌درجهان‌بود
از پیر خرد سئوال کردم — تاریخ«غنب»برای‌آن بود[۲]

مهاباد ـ نام قدیم این شهرساوجبلاغ بوده که بمعنی چشمه سرد است و آنرا ساوجبلاغ مکری نیز میگفتند.

مهاباد ازشهرستانهای‌آذربایجان غربی‌است وازشمال به‌دریاچه رضائیه، از شمال غربی به بخش سلدوز و اشنو، و از مغرب به‌کوههای قندیل و از جنوب به‌کوههای بین بانه و شیلر وازمشرق به‌حوضه رودهای تاتائو و جغتو و از شمال شرقی به رود تاتائو محدود است . زاب صغیرکه در این ناحیه کالوKâlu یا کیالو خوانده میشود ، زیرسردشت بجانب مغرب منحرف میگردد وبطرف دجله‌روان میشود. دراین شهردودسته ازکردان مکری، و دبکری Debokri زندگی‌میکنند.

طول وعرض جغرافیایی‌آن ۴۵درجه و۴۳ دقیقه و۳۰ ثانیه در۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه و۳۰ثانیه است وازسطح دریا ۱۳۲۰ مترارتفاع دارد .

۱ـ شمس‌الدین سامی: قاموس ترکی
۲ـ موادالتواریخ ص۶۵۸

در زمانهای قدیم ایـن ناحیه تحت تسلط قوم اورارتو بود . در ۱۸۹۰م در داش‌تپه برمسیرسفلای رود تاتائو سنگنبشته‌ای به‌خط میخی اورارتویی پیدا شد که‌آنرا مربوط به‌عصر منوا Menuâ پادشاه اورارتو دانسته‌اند .

راولینسون آثاری ازدوره تسلط اورارتو برساحل چپ رود ساوجبلاغ‌یافته است . اثر تاریخی دیگر قبری سنگی از عصر هخامنشی در اندرقاش پیدا شده که هرتسفلدآنرا بدوره مادها نسبت داده‌است. هراکلیوس‌امپراطور روم‌درسال ۶۲۴ درتعقیب خسروپرویز ازاین ناحیه گذشت . درغارکرفتونیز کتیبه‌ای بخط وزبان یونانی‌بدست‌آمده است .

در پـائیز سال ۱۲۹۷ هجری قمری شیخ عبیدالله شمدینان بتحریك دولت عثمانی به‌این ناحیه حمله‌آورد و سرزمین مکری‌را میدان تاخت وتاز قرارداد. ازطرف‌ناصرالدین‌شاه حمزه‌میرزا حشمت‌الدوله بدفع اومأمورشد وچون وی‌در ایـن حین بمرگ طبیعی مرد ، حاج میرزا حسینخان سپهسالار و حسنعلی‌خان امیرنظام گروسی بدفع اومأمورشده واوراشکست دادند. عبیدالله‌پناهنده به‌دولت عثمانی‌شد واین فتنه خاموش‌گشت. در۱۹۰۵میلادی‌عثمانیهااختلافات سرحدی‌را بهانه‌کرده لاهیجان را اشغال نمـودند . درجنگ اول جهـانی این ناحیه میدان جنگ روس وعثمانی شد ومتعاقب‌آن دستخوش ناامنی‌وطغیان اسمعیل‌آقاسمیتقو گردید تا اینکه در اوایل سلطنت رضاشاه پهلوی به همهٔ ایـن ناامنی‌ها خـاتمه داده شد[1] .

۱ـ دائرةالمعارف فارسی ج۱ ص۱۲۵۳ ؛ فرهنگ جغرافیائی ایران ج۴ ص۵۱۱-۵۱۲.

فصل دوم

جغرافیای آذربایجان

الف- زمین شناسی

در آذربایجان و نواحی مجاور ترکیه و شوروی سلسله‌جبال پونتیك Pontic و توروس Taurus در ترکیه، و کوههای زاگرس و البرز در ایران، و سلسله جبال قفقاز در شوروی مجتمعاً ساختمانهای پیچیده و درهمی بوجود آورده‌اند که بیشتر آنها نتیجهٔ شکستگی‌ها و بریدگی‌های سطح زمین بوده که آثار آن در گودالهای گرابنی Graben [1] و کوههای هورستی Horst [2] بخوبی هویدا می‌باشد.

جهت بریدگیها و شکستگی‌ها عموماً موازی جهت کوههای زاگرس یعنی از جانب شمال غربی بسوی جنوب شرقی می‌باشد و تنها در قسمت شمال شرقی یعنی دشت مغان است که خط بریدگی در امتداد شرق به غرب قرار دارد. بعلاوه این ناحیه در دورانهای اخیر معرفة‌الارض در معرض آتشفشانی‌های شدید قرار داشته

۱ ـ قسمتهای گود وفرورفته درمیان دوشکاف از زمین

۲ ـ قسمتهای برجسته و بلند در میان دوشکاف از زمین

که درنتیجه آن قلل آرارات[۱] (بارتفاع ۵۱۵۶ ازسطح دریا) و سبلان (بارتفاع ۴۸۱۱متر) وسهند (بارتفاع ۳۷۱۰ متر) بوجودآمده که بیشترقسمتهای کوهستانی آنها ازگدازه‌های آتشفشانی پوشیده شده است .

در این ناحیه رسوبات دوران سوم بشدت چین‌خوردگی پیدا کرده و حدود شمال غربی گودالهای مربوط به دوره الیگومیوسن Oligo ـ Miocene به‌اردبیل می‌رسد .

در منطقه دریاچه رضائیه رسوبات ایـن دوره شبیه رسوبات قسمت جنوب ایران بوده و از مواد تبخیری قـرمزرنگ تشکیل شده است . درنواحی شمال غربی رضائیه ومشرق تبریز و جنوب میانه‌گنبدهـای نمکی بوجودآمده ، و بین میانه و تبریز دراطراف کوه سهند به‌عمق بیش از یکهزارمتر سنگهای رستی و لینیت Lignite وسنگهای آهکی وجود دارد. دراین‌منطقه‌که دستخوش دگرگونی (متامورفیك) Métamosphique های فراوان واقع‌شده ، سنگهای آتشفشانی بسیار نیزدیده میشود، وفرسایش‌شدید طبقات‌دگرگون‌شده راکه‌معرف‌کلیه دورانهااست ظاهر ساخته است.[۲]

ب ـ جغرافیای طبیعی

آذربایجان ازنظرطبیعی قسمتی ازفلات بزرگ ارمنستان بشمار می‌آیدکه بشکل مثلثی منطقه واقع درمیان بین‌النهرین ودریای خزر و دریای سیاه را فرا گرفته است .

این‌فلات‌که دسترسی‌بدان فوق‌العاده مشکل وخود فاقدمرکزیت‌جغرافیایی

۱ـ این‌کوه را که مشتمل به یك‌کوه بزرگتر ویك‌کوه کوچکتر است جغرافی‌نویسان عرب به «الحارث» و«الحویرث» (حارت و حویرت) تعریب‌کرده وازآن دونام :آرارات بزرگ وآرارات‌کوچك را اراده کرده‌اند راجع به‌کیفیت تعریب این اسم رك : یادداشتهای قزوینی ج۴ ص۱۳۴

۲ـ ایرانشهر ج۱ ص۲۷و۲۸


اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
جمهوری شوروی آذربایجان
نخجوان
دریای خزر
آستارا
تبریز
آذربایجان
اردبیل
زنجان
قزوین
همدان
ارومیه
رضائیه
مراغه
میانه
سراسکند
مهاباد
بوکان
سقز
بانه
سنندج
کامیاران
پاوه
سلیمانیه
عراق
ترکیه
ایران

بوده‌است، درطول تاریخ منطقه مرزی مهمی را بوجودآورده وهم‌اکنون نیز بین ترکیه وشوروی وایران قسمت شده است . باوجود اینکه مرز شمال‌غربی ایران درطی تاریخ گذشته بگرات تغییرمحل داده ، سرحدات فعلی آذربایجان تاحدی طبیعی بوده ومرزهای انسانی مشخص را نیزبوجود می‌آورد . باین‌ترتیب‌که‌مرز غربی آذربایجان‌باخط‌الرأس‌عمده‌مابین‌حوضه‌دریاچه‌اورمیه‌ازطرفی، وحوضه رود دجله ازطرف دیگرمطابقت داشته ومرزشمالی‌آن ازدره عمیق‌رود ارس‌میگذرد. ازنظرطبیعی‌آذربایجان ازبقایای‌کوههای فرسوده‌ای بوجودآمده‌که براثر بالا آمدن قشرجامد زمین برارتفاع آنها افزوده شده است .

رودهای آذربایجان

دراین منطقه سه حوضه رودهای روان وجود دارد :

۱ـ حوضهٔ دریاچهٔ اورمیه (رضائیه)

۲ـ حوضهٔ رود ارس

۳ـ حوضهٔ سفیدرود (قزل اوزن)

ازنظریك تقسیم‌بندی بزرگتری منطقه‌آذربایجان را مربوط به سه حوضهٔ دریـای خزر، دریاچهٔ اورمیه ، و رود دجله دانسته‌اند . چنانکه سفیدرود (قزل اوزن) و رود ارس‌ومتفرعات‌آن (رود اردبیل، قره‌سو، رودهای قرجه‌داغ‌وخوی، رود ماکویا زنگه‌مار) بدریای خزر میریزد .

رودماکو یا زنگه‌مارازبایزیدترکیه سرچشمه‌گرفته پس‌ازمشروب‌نمودن اراضی ماکو درشمال غربی نخجوان وارد ارس میشود .

رودآق‌چای کـه از دو شعبه قطورچای که ازخوی میگذرد ، ورود مرند تشکیل‌شده وشعبهٔ اصلی‌آن ازجنوب چالدران میگذرد و درماری‌کند به‌دوشعبه دیگرپیوسته ودرمغرب جلفا به ارس میریزد .

رودگوگ‌گنبد از قراداغ سرچشمه گرفته بارس میریزد .

رودانداب که دارای دوشعبهٔ اهر و اردبیل‌است اولی ازکوههای قراداغ و دومی از سبلان سرچشمه‌گرفته وارد ارس میشود .

رودآستارا ازمیان ناحیهٔ آستاراگذشته وآن‌را بدو قسمت شمالی‌وجنوبی تقسیم میکند وبدریای خزر میریزد .

رود قرانقو که ازآبهای میانه و هشترود و سهند و بزقوش تشکیل میشود به سفیدرود میریزد وآن سرانجام وارد دریای خزر میگردد .

اما رودهایی‌که بدریاچهٔ رضائیه میریزند ازاینقرارند :

آجی چای یا تلخه رودکه از کوههای سبلان سرچشمه میگیرد و از شهر تبریز میگذرد ودرنزدیك قصبهٔ‌گوگان به دریاچهٔ رضائیه میریزد .

رودهخوارقانکه از سهند سرچشمه‌گرفته و ازجنوب دهخوارقان عبور می‌نماید وارد دریاچهٔ مزبورمیشود .

صافی‌رودیا صوفی چای‌کـه ازکوه سهند سرچشمه‌گرفته پس از مشروب‌کردن مراغه به‌آن دریاچه میریزد .

مردی‌رودازکوههای سهند سرچشمه‌گرفته پس از مشروب‌کردن زمینهای مراغه به‌آن دریاچه میریزد .

جغتو یا زرینه‌رود ازکوههای‌چهل‌چشمه‌کردستان سرچشمه‌گرفته‌وبجنوب دریاچهٔ رضائیه میریزد . طول این رود درحدود ۲۴۰کیلومتر است .

رود تاتائوـ ازکوههای سقز و بانه سرچشمه‌گرفته پس ازعبـور از مهاباد بدریاچهٔ رضائیه میریزد. ناحیهٔ مابین زرینه‌رود تاتائو را میاندوآب‌گویند .

قادر رود(قادرچای)ازکوه سرحدی‌گروه داغ سرچشمه‌گرفنه وارد دریاچهٔ رضائیه میشود .

باراندوزچای ـ ازکوه سرحدی جمال‌الدین‌سرچشمه‌گرفته پس‌ازمشروب

کردن اراضی رضائیه وگذشتن از دهستان باراندوز وارد آن دریاچه میشود.

اورمیه رود ـ ازکوههای‌کون‌کبوتر سرچشمه گرفته پس ازعبورکوههای بردسیر بنام شهرچای ازدشت رضائیه عبورکرده و درجنوب دماغه حصاربدریاچه رضائیه میریزد. آب مصرفی شهر رضائیه از آن رود است.

نازلورودـ ازکوههای کردستان سرچشمه‌گرفته و درشمال رباط قسمتی‌از خط مرزی راتشکیل میدهد وسپس وارد دریاچهٔ رضائیه میشود.

زولورودـ ازکوههای کردستان در ترکیه سرچشمه‌گرفته و ازقلعه حاجی وارد ایران شده پس‌ازگذشتن ازجنوب دیلمقان بدریاچه رضائیه میریزد.

زاب صغیر ـ که از ریزابه‌های چپ دجله است از بهم پیوستن رودهای کوچکی که در ارتفاعات بین کوههای لاهیجان (جنوب دریاچه رضائیه) و ناحیه اورامان‌آذربایجان سرچشمه میگیرند تشکیل می‌یابد وبجانب جنوب روان‌شده درسی کیلومتری جنوب شرقاط درخاك عراق به دجله میریزد[1].

کوههای آذربایجان

درفلات‌آذربایجان دردوره‌های‌اخیرزمین‌شناسی‌آتشفشانی‌های‌فراوان‌بروز کرده بطوریکه قلل عمده این منطقه مانندآرارات (ارتفاع ۳۹۱۳ متر) وسبلان (ارتفاع۴۸۰۰ متر)، وسهند (ارتفاعات ۳۶۵۷ متر)، تماماً مخروطهای آتشفشانی مربوط بدوره پلیستوسن Pliestocene هستند. این‌سه قله ازاین‌نظر اهمیت دارند که ارتفاعات میان آنها حوضه های سه‌گانه آبهای آذربایجان را ازیکدیگرجدا کرده‌است. باین‌ترتیب‌که کوههای بین‌آرارات وسبلان‌حوضه اورمیه راازحوضه ارس، و کوههای بین سهند و سبلان حوضه سفیدرود را از حوضه های فوق جدا میسازد.

۱ـ کتاب اسامی دهات‌کشوری ص۳۳۴-۳۳۶ ، دائرةالمعارف اسلامی چاپ جدید (طبع فرانسه) ماده آذربایجان ج ۱ رساله ۴ از مینورسکی

جبال آذربایجان را میتوان به پنج رشته بشرح زیر تقسیم‌کرد :

۱ ـ رشته های متفرق شمالی قراداغ که از آرارات بزرك شروع شده و به کوههای طالش می‌پیوندد و دوقله آرارات‌که ۵۱۵۶ مترو آرارت‌کوچك‌که۳۹۱۶ واولی را بعربی الحارث ودومی را الحویرث گویند ازاین رشته بشمار میروند . قلل مرتفع‌قره‌داغ ازمشرق‌به مغرف عبارت‌است‌از نشان‌کوه بارتفاع ۳۳۷۰مترو قله خانه داغ بارتفاع ۱۶۴۶ متر در شمال ماکو.

۲ ـ کوههای بین دره ارس و دیاله این کوهها بین‌آرارات وگردنه کله‌شین واقع شده ودامنه فلات ارمنستان است وآبهای طرف مغرب‌آن بدریاچه وان و طرف مشرق آن بدریاچه رضائیه میریزد و کوههای این رشته از شمال بجنوب عبارتند از : کوههای ماکو وخوی ، آلاداغ و قطور، شملیك داغ بارتفاع ۳۰۰۰ متر، مورشهیدان ۳۶۱۴متر نزدیك شهرچای دررضائیه، بنیارداغ، دلامیر، قندیل داغ، این‌جبال نموداری ازپیشرفتگیهای‌فلات ارمنستان درخاك‌آذربایجان است.

۳ ـ رشته قوشه داغ و سبلان که از شمال شرقی تبریز تا اردبیل امتداد دارد .

۴ ـ کوههای مرکزی‌که ازسهند آغاز میشود ودرمشرق بنام بزقوش‌امتداد می‌یابد .

۵ ـ رشته جنوبی، موسوم به قافلانکوه قسمت‌مرتفع‌آن[1] بنام‌تخت‌سلیمان خوانده میشود و درمغرب آن کوههای مرمرداغ است .

قسمت مرکزی آذربایجان مرکب ازدشتها (نواحی . تبریز، مرند، خوی، سلماس) وفلاتهای مرتفع است پست‌ترین نقاط‌آن دریاچه رضائیه است‌که ارتفاع آن ۱۳۰۰ر متر می‌باشد .

دریاچه رضائیه ـ این دریاچه در قدیم کبودان یعنی دریاچه کبود نام

۱ـ کتاب اسامی دهات‌کشور ج ۱ ـ ص۳۳۱ـ۳۳۳

داشته است. استرابن جغرافی‌دان قدیم یونانی‌نام‌آنرا زپه‌اوتن Zpautan آورده، که سنت‌مارتن St.martin آنرا بصورت کپه اوتن Kapautan تصحیح کرده‌وبقول مارکوارت اصل آن درپارسی باستان کپه اوته Kapauta بوده که بمعنی ، کبود است[1] . بطلمیوس‌جغرافی‌دان معروف‌آنرامارگیانه Margiané خوانده‌که میتوان آنرا بصورت‌مان تنه Mantané تصحیح‌کردمنسوب‌به، مان‌ناها، قومی‌که درحوالی این دریاچه بوده‌است دانست.

نام چیچست دراوستا بقول مفسران دوره ساسانی ازاین دریاچه اراده شده وبارتولمه آنرا بمعنای سفید خالص دانسته است، وهمین نام چیچست است‌که در زبان عـربی تبدیل به ، شیز ، شده و اطلاق به شهر و آتشکده‌ای در آن ناحیه شده است .

اصطخری (ص۱۸۱) این‌دریاچه رابنام، شراة، یعنی‌دریاچه خوارج‌خوانده وظاهراً این‌تسمیه بنابه شرحی‌که یاقوت‌درمعجم‌البلدان تحت‌ماده« بحیره‌ارمیه» آورده بعلت وجود راهزنان و دزدان دریایی درجزیره و میان آن دریاچه بوده که ازقلعه‌خودبیرون‌آمده وسرراه برکشتیهای‌بازرگانی‌میگرفتند[2] . این‌دریاچه را غالباً بنام بلاد مجاورآن اورمیه. وشاهی، وطسوج خوانده‌اند. چنانکه یاقوت آنرا، بحیره اورمیه. وحمدالله مستوفی‌آنرا بحیره چیچست، وطروج، وطسوج، ودریای شورخوانده‌است .

این دریاچه رابمناسبت جزیره‌شاهی (شها، شاهو)که دروسط آنست‌دریاچه شاهی(شها) خوانده‌اندکه تسمیه‌ای متأخراست. این‌جزیره مدفن هولاگو واباقا وبعضی دیگر از ایلخانان و شاهزادگان مغول بوده است .

ابوالفداء درکتاب تقویم‌البلدان نام این دریاچه را «بحیره‌تلا» نوشته وآن

1- Mlnorsry , hudud , al - alam, p. 192

۲ـ معجم‌البلدان ج ۱ ص۵۱۳

منسوب به قلعه طلا (تلا) در آذربایجان است مینورسکی آنرا با ، گورچین‌قلعه، (گوگرچین؟) جایی در ۶۲کیلومتری شرقی رضائیه بر کنار دریاچه اورمیه تطبیق کرده است. این قلعه برصخره‌ای در مقابل سلماس مشرف بردریاچه قرار دارد. مینورسکی طول این‌دریاچه راازشمال به جنوب نودمیل وعرض آنرا از شرق‌به غرب سی‌وپنج ومساحت آن را ۲۲۳۰ میل نوشته است[۱] .

امروز درازای این دریاچه ۱۴۰ کیلومتر ومنتهای عرض آن۴۰ ومساحت متوسط‌آن۵۰۰۰ کیلومتراست، ولی‌بعلت تغییرسطح‌آب درفصول‌مختلف‌مساحتش متغیر می‌باشد . فرازی آن ۱٫۳۰۰ متر وژرفایش در قسمت‌های شمالی ۶متر و در قسمتهای جنوبی از ۱۲ تا ۱۵ متراست .

مواد خارجی محلول در آب دریاچه به ۱۸۸ گرم درلیتر میرسد . آب‌آن بقدری شوراست‌که هیچ نوع ماهی درآن قادر بزندگی نیست .

آب دریاچه رضائیه بی‌نهایت شور و بطورمتوسط ۲۳ درصد املاح در آن وجود دارد . املاح مخلوط در آن طبق آزمایشهایی‌که بعمل‌آماده به قرار زیر است :

طبق آزمایش آبیش Abich		**طبق آزمایش مانلی** Manleie
کلرور دو سدیم ۸۶٫۳۷	گرم درصد	کلرور دو سدیم ۸۶٫۲۰۳
کلرور دو منیزیم ۶٫۹۳	گرم درصد	کلرور دو منیزیوم ۶٫۸۱۶
سولفات دوسود ۰٫۳۴	«	سولفات دومنیزی ۱٫۹۱۵
سولفات دومنیزی ۶٫۰۸		سولفات دوکلسیم ۱٫۱۵۱
کلرور دوکلسیم ۰٫۲۷		سولفات دوپتاسیم ۱٫۷۴۱
جمع		جمع
۱۰۰٫۰۰۰		۹۹٫۸۲۶

۱ــ دائرةالمعارف اسلامی چاپ قدیم ماده «بحیرةارمیه» ترجمه عربی ج ۱ ص۶۸۳

وزن مخصوص آب آن ۱٫۱۵۵ لیتر است از اینرو در طول فصل خشك هر مترمکعب آن محتوی ۱۵۵ کیلوگرم نمك است ، در صورتیکه در هنگام پرآبی تا ۱۱۱٫۳ کیلوگرم نمك تقلیل پیدا میکند.

آبریزدریاچه رضائیه بسته و ۵۰٫۰۰۰ کیلومتر مساحت دارد. آبهای جاری ازسهند از مشرق و آبهای کردستان ازجنوب، و آبهای کوههای قراداغ از شمال به دریاچه وارد میشوند. رودهای عمده‌ای که به این دریاچه میریزند ـ عبارتنداز: آجی‌چای(تلخه‌رود) ازمشرق، صوفی‌چای وموردی چای که ازجبههٔ جنوب غربی کوههای سهند می‌آیند، رودجفتو وتاتائووساوجبلاغ ازجنوب غربی، برده سور و باراندوزچای از مغرب به این دریاچه میریزند .[۱]

این دریاچه در دوره پلیستوسن Pliestocene

پهناورتر از امروز بوده ، و از سوی شمال به دیلمقان واز سمت مشرق به تبریز و مراغه ، وازجنوب تا مرحمت‌آباد از قراء مراغه امتداد داشته است .

جلگه های حاصلخیز مراغه ومهاباد وتبریز همه در ادوارگذشته جزء این دریاچه بوده‌اندولی بعدازدوره مزبورآب دریاچه عقب نشینی کرده وجلگه‌های مزبور خشك شده وبتدریج بصورت امروزی درآمده‌اند.[۲]

جزیره کوهستانی‌شاهی بطول ۹ و عرض ۳ کیلومتر در این‌دریاچه واقع وارتفاع آن ۲۱۸۰ متراست. قلعه هولاگوخان‌درقله‌کوه مزبورکه بااسم داغ‌دوین مشهوراست قرارگرفته ومدفن پادشاهان مغول بوده‌است . ابن مسکویه در تاریخ خود مینویسدکه: «شاها» و «یکدور» دوقلعه بود در تصرف سرکردگان یاغی آن نواحی که شراة خوانده میشدند .

درقرن‌هفتم هجری هولاگو بتجدیدبنای قلعه شاها که حافظ ابرو آنرا قلعه تلای دریاچه ارمیه نامیده فرمان‌داد، وخزائن و غنائمی که ازغارت‌بغداد ودیگر

۱ـ دائرةالمعارف فارسی ج ۱ ص۱۵۸۷
۲ـ ایرانشهر ج ۱ ـ ص۶۹ ـ ۶۸

بلاداسلامی بدست آورده بود در آنجا نهاد. بعدها این قلعه مدفن اوشد ، ازاین جهت درزبان فارسی به «گورقلعه» معروف گشت . زمانیکه حافظ ابروجغرافیای تاریخی خود رامی‌نوشت یعنی‌درزمان امیرتیمور این‌جزیره خالی‌ازسکنه‌بود[۱] .

این‌جزیره درتابستان بواسطه خشك شدن آب دریاچه از طرف بندردانالو باخشکی‌مربوط میشودچندین‌جزیره منفردبنام قویون‌آده‌سی (جزیره‌گوسفند)، جزیره ایشك (خر) یاایشك آده‌سی ، و جزیره اسپیر، و جزیره آرزو، که غیر معمور وجز درهنگام قشلاق خالی ازسکنه است درآن دریاچه نیز وجود دارد . سنگ بزرگی که ازآب برآمده نیزدراین دریاچه‌هست که ، **کاظم داشی** ، یعنی سنگ کاظم خوانده میشود. کاظم راهزنی بوده‌که در روزگار پیشین به‌کشتن‌مردم وبردن مال‌ایشان میرفته وبراین سنگ پناه می‌جسته تاسرانجام بدست‌خادم‌خود کشته شده است[۲] .

حیوانات جزیره شاهی عبارت ازگاوها و اسبها وخران وحشی واهلی، واز پرنده‌کبك وعقاب وکرکس می‌باشند .

جزیره ایشیك آده‌سی ، دوبار از جزیره قویون‌آده‌سی بزرگتراست وآب شیرین ومرتع داردودرزمستان ازرضائیه‌گله‌های گوسفندبرای چرابه این‌جزیره می‌آورند[۳]

دریاچه رضائیه ازجهت حمل‌و نقل‌احمیت خاصی دارد وسابقاً از این‌جهت اهمیت بین‌المللی نیز داشت .

درجنگ اول‌جهانی‌کشتی‌های حمل‌ونقل‌دریاچه رضائیه بنابه مصالح‌سیاسی وسوق‌الجیشی بدست قوای‌دولت‌عثمانی‌که قسمتی ازآذربایجان رادراشغال‌داشتند منهدم وغرق شدند .

۱- لسترنج ص۱۷۲

۲- فرهنك جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۴۰

۳- نادرمیرزا : تاریخ تبریز ص۱۹۸ - ۱۹۹

بعداز جنگ کشتی‌رانی در آن دریاچه ازسرگرفته شدواکنون نیزرفت‌وآمد سفاین تجاری وحمل و نقل تحت‌نظر وزارت راه درآن دریاچه ادامه دارد .

بندرهای مهم این دریاچه . بندر شرفخانه درشمال شرقی، برای‌استفاده مردم تبریزومرند، وبندرگلمانخانه درمغرب‌نزدیك شهررضائیه، وبندرحیدرآباد درجنوب‌برای استفاده‌شهرستانها مهاباد وشاهین‌دژ، وبندردانالو درمشرق دریاچه برای استفاده شهرستانهای مراغه و میاندوآب، و بندرخان تختی درشمال غربی برای استفاده مردم‌نواحی خوی وشاهپور، وبندآق‌گنبد درجزیره شاهی‌دراطراف دریاچه‌رضائیه دائر است[۱] .

تقسیم آذربایجان بدو استان ـ پس‌ازبرقراری‌حکومت‌مشروطه‌درایران طبق قانون مخصوصی‌که درسال ۱۳۲۵ قمری بنام قانون تشکیل ایالات و ولایات بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید آذربایجان یکی از ایالات چهار گانه کشور : آذربایجان، خراسان ،کرمان و بلوچستان، وفارس محسوب شد ، که برای هریك ازآنها یك والی یافرمانفرما ازطرف پادشاه تعیین میگردید. این‌رسم تاسال۱۳۱۶ شمسی برقراربود .

طبق قانون تقسیمات کشور که در سال مزبور بتصویب مجلس رسید کشور ایران مرکب از ده استان‌گردید وآذربایجان‌شرقی وغربی‌به‌دواستان ۳و۴ تقسیم شد. درقانونی‌دیگری که درسال۱۳۳۹ شمسی بتصویب مجلسین رسید وکشورایران به چهارده استان تقسیم گردید ، آذربایجان شرقی و غربی بهمان صورت استان ۳ و ۴ باقی ماند ، و تبریز مرکز آذربایجان شرقی و رضائیه مرکز آذربایجان غربی شد[۲] .

۱ـ فرهنك جغرافیائی ایران ج ۴ ص۲۴۰

۲ـ ایرانشهر ج ۲ ص۱۰۴۳ و ۱۰۴۸

جدول شهرستانها و بخشها و دهستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی)

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان مرکز	اسکو	سر درود ، خسرو شاه
	بستان‌آباد	سهندآباد (اشکه درق) ، اوجان ، مهرانرود باسمنج
		عباسی (قره چمن)
	خداآفرین	منجوان (ونیق) ، کیوان (خمارلو)
	دهخوارقان	(آذرشهر) . ممقان ، گاوگان ، شیرامین
	شبستر	صوفیان ، شرفخانه ، سیس ، تسوج ، خامنه
شهرستان سراب	آلان برآغوش	مهربان
	بخش مرکزی	ینگجه ، هریس ، ملا یعقوب ، رازلیق ، آغمیون ، ابرغان
شهرستان هشترود سراکند	سراکند	آنش‌بیك ، چاراویماق
شهرستان اردبیل	گرمی	خروسلو(سلوات) ، قلعه برزند ، اجارود (میلداشی)
	نمین	نمین ، انگوت (تازه‌کندانگوت)
	بخش مرکزی	کورائیم ، کلخوران ، دیجویجین ،
	اردبیل	ایر (سوسی) ، هیر ، نیر.
شهرستان اهر (ارسباران)	کلیبر	حسن‌آباد (حسن بیگلو) گرمادوز (ابش‌احمد)
		میشه پاره (مرز رود)
	ورزقان	دیزمار باختری ، دیزمار خاوری (اشتوبین)
		اوزومدل ، مواضع‌خان (خواجه)
	هریس.	بدوستان (سرای) خانمرود
	هوراند	دیکله (چناب) دودانگه ، یافت (گنجونه)
		چهار دانگه ، ورگهان

۱ ــ ایرانشهر ج ۲ ص ۱۰۴۳ و ۱۰۴۸

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان مراغه	بناب قره آغاج عجب شیر بخش مرکزی	بناجو قوری چای (پاره‌لار) دیزجرود آجرلو (کشاور) ، سراجو (گل‌تپه) چهاردولی (محمود جیق) گاو دول (ملك کندی)
شهرستان مرند	جلفا زنوز بخش مرکزی	علمدار (گرگر) زنوز ، هرزندات (هرزندجدید) رودقات (امند) یکانات (یکان‌کهریز بالا) یامچی
شهرستان میانه	ترك بخش مرکزی ترکمان	گرم (چشمه‌کش) کندوان، کله‌بوز (شیخدرآباد) بروانان (ورنکش) اوچ تپه (خاتون‌آباد) تیرجائی (ایشلیق)
شهرستان خلخال (هروآباد)	سنجبد شاهرود کاغذ کنان	کیوی پایین ، کنجگاه کلور ، خورش رستم (هشجین) آغ‌کند (هروآباد) . خان اندبیل (اندبیل)
شهرستان خیاو(مشکین شهر)	بخش مرکزی	ارشق (رضی) مشکین خاوری (ارجق) مشگین باختری (قصابیه)
شهرستان خوی	حومه خوی قره ضیاءالدین	الند (دیزه) اواوغلی (رهال) سکمن‌آباد (زورآباد) فرورق (پره) قطور ، ولدیان چاپپاره

شهرستان	نام بخش	دهستان و مرکز آن
شهرستان رضائیه	اشنویه	(اشنویه) دشت‌بیل (آغبلاغ)
	حومه رضائیه	انزل (قره‌باغ)، نازلو، روضه‌چای(زینالو)،دول(دیزج دول) ، برگشلو (امام‌زاده) باراندروزچای (باراندوز)
	سلدوز	نقده
	سلوانا	ترگور (موانا) ، دشت ، مرگور (هاشم‌آباد) برادوست (ایشکه‌سو)
	سومای	هشتیان . قصریك ، کنار بروژ
شهرستان ماکو	پلدشت	ارسکنار ، چای‌باسار (شوط) ساری سوباسار (قره‌تپه) گجلرات (نازك)
	حومه ماکو	آواجیق(کلیساکندی) ، قره‌قون (تازه‌کند)قلعه‌دره‌سی (دانالوی بزرگ)
	سیه چشمه	به‌به‌جیگ (محمد صلاح) ، چالدران
شهرستان مهاباد	بوکان	آفتاچی لوکان ، بهی (تکان‌تپه) ترجان (تورخان)
	حومه مهاباد	آفتاچی (اطمیش) ، ایل تیمور (اسکی بغداد) پیران (شین‌آوا) شهر ویران (لج) گورگ (کلولان خوارو) منگور (ترکش) لاهیجان (قلعه پسوه)
	سردشت	آلان (بیتوش) باسك (قلطه) بریاجی (بزیلا) کلاس (بنادیله‌بزرگ) گورگ سردشت (پرستان) مکاری (ملاشیخ) نعلین (قلعه تاسیان)

شهرستان	بخش	دهستان و مرکز آن
میاندوآب	تکاب	شاهین دژ ، گوی‌آغاج ، قره‌لر (داش‌کن) مرحمت آباد، احمدآباد
شهرستان نقده	اشنویه خانه	دشت‌بیل (آغبلاغ)
شهرستان شاهپور (سلماس)	جهریق	لکستان (صدقیان) ، گردیان ، کره‌سی (سیلاب) شینطال (شینطال بالا) شپیران (دیلزی) (۱)

۱ ـ رجوع شود به فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴ ص ۵۶۷ ـ ۵۹۳

فصل سوم

بـاستانشناسی آذربایجان

ازعصر دیرینه سنگی مردمی در آذربایجان میزیستند که بعضی از آثار ایشان درجنوب شرقی آذربایجان بدست آمده است.

درمیان این ایالت گودال بزرگی است کـه دریاچهٔ رضائیه را تشکیل داده بیشتر مهاجماتی که درطی قرنها ازشرق به‌غرب رفته‌اند از این ناحیه گذشته‌اند بطوریکه میتوان آن ناحیه راچهارراهی برای عبور ملل و مرکزی برای تجارت دانست. مرحوم اورل اشین درسال ۱۹۳۲ درناحیه اشنویه درجنوب غربی دریاچه رضائیه چندین جای پیش ازتاریخ یافت. وی در دینخینه (دینخواه) درهشت کیلو جنوب شرقی اشنویه سفال منقوشی متعلق به‌اواخر هزاره سوم واوایل هزاره دوم پیش از میلاد بدست آورد وبه قبرهای اواخر هزاره دوم برخورد. درگرد حسن علی سفال رنگین عهد کالکولیتیك Chalcolithipue اواخر عصر حجرکه استعمال مس هم معمول شد پیداکرد که بعضی از آن آثار نظیر سفال طبقه پنج تپه گیان

نهاوند است بالاخره در حسنلو قبرهایی پیداکردکه پراز سفال از نوع سفالهای گورستان شماره ب B درسیالك کاشان است .

حسنلو ـ حسنلو درناحیه سلدوز درپنجاه کیلومتری جنوب غربی رضائیه واقع است.

اداره‌کل باستانشناسی ایران درسال ۱۹۴۷ برروی تپه حسنلو کاوشهایی بعمل آورد . قبرهای‌گورستان مکشوفه باسنگ ساخته شده بود وروی‌آنها یك تخته سنگ‌بزرگ قرار داشت . مردگان رامعمولا بحال چمباتمه بخاك سپرده بودند . این ناحیه در اوائل‌هزاره اول پیش ازمیلاد مرکز حکومت‌کشور مقتدر «مانا» بوده‌است .

صنعت حسنلوشباهت زیادی به‌صنایع فلزی وسفالین تمدن خوروین (درراه تهران به قزوین‌بین‌کیلومتر ۶۶و۶۷) دارد ، ولی‌زیورآلات حسنلو از نظایرشان درخوروین‌پر بهاتروبزرگ‌تراند، خصوصاگوشواره‌هایی‌که بشکل‌خوشه‌انگوراند. یکی‌ازخصوصیات‌قبرهای حسنلوقبری‌است‌که‌برای نخستین باردرایران‌نمونه‌ای ازقربانی اسب‌را هنگام تدفین مرده نشان میدهد. این سنت قربانی‌کردن اسبها هنگام به‌خاك‌سپردن مردگان،از سنت‌های ویژه‌سکایی‌است . ازاین‌جهت بعضی‌از دانشمندان تصور میکنند که‌سکاها درحدود قرن هشتم قبل از میلاد ، حتی در درقرن نهم ق.م ازگذرگاه قفقازگذشته وارد شمال غرب ایران شده باشند. وجود تزیینات مربوط به‌زین و برگ اسبها ارتباط مانناهارا باسکاها تائید میکند . از ازآثار معروف حسنلو جام زرینی است‌که در ویرانهٔ کاخی درقلعهٔ‌تپه‌ای پیداشده است . این‌جام مربوط به‌تشریفات مذهبی بوده‌وچند موضوع مذهبی واساطیری برروی‌آن نقش شده است این‌جام متعلق به‌اواخرهزارهٔ دوم تا اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد است وظاهراً متعلق به‌یکی ازامرای مانا بوده است. ظرف های فلزی نیزپیداشده‌وجالبترین‌آنهاعبارت ازقوری‌های مفرغی نوك‌دار ویك‌مجسمه

شیر است که بدن آن از مفرغ و دم آن از آهن است . مجسمه‌های کوچك حیوانات و یك صفحه دایره شکل مزین به نقش یك اسب بالدار ، و چند خنجر و گرز و نیزه دسته‌دار و پیکان و زنگوله ، و زینت آلاتی از مفرغ ، و جواهراتی از طلا ، و مهره‌هایی به تقلید نقوش بین‌النهرین پیدا شده است . آثار حسنلو از یك سو به اشیاء مکشوف در گورستان A در سیالك کاشان ، و طبقه اول تپه گیان نهاوند و گورستان B در سیالك ، و از سوی دیگر به آثار مکشوف از نقاط مختلف آسیای صغیر در الیشتر Alishar شبیه است .

آقای رابرت دایسون R.H.Dyson که از سال ۱۹۵۶ از طرف دانشگاه پنسیلوانیا در حسنلو مشغول حفاری است ، عقیده دارد که تپه مزبور یکی از دژهای مقدم کشور مانا بوده است . نقش قرص بالدار که روی خورشید یا ربةالنوع جام حسنلو سایه انداخته شبیه شعار خدایان مصری یا آشوری است ، و شکل دو شیر بر روی جام شبیه ربنوع هیتیها و هوری‌ها است. منظور از دیوسه سری که بر ظروف طلایی حسنلو نقش شده و بالا تنه زنی را از ناحیه شکم ظاهر میسازد و پهلوانی با آن دیو در جنگ است و زنی که بنظر می‌آید بر قوچی سوار است و حجاب از خود بر میگیرد ، و عقابی که در حال پرواز انسانی را با خود میبرد و نقشهای دیگر از این قبیل معلوم نیست .[۱]

گوی تپه ـ گوی تپه در دهستان برکشلو بخش حومه شهرستان رضائیه در شش کیلومتری جنوب شرقی آن شهر واقع است در اینجا آثاری از اقوام ماقبل تاریخ آذربایجان یافت شده است .

کاوش علمی در این ناحیه از سال ۱۹۴۸ م بسرپرستی آقای بورتون برون Burton.Brown

۱ ـ رك گزارشهای باستانشناسی ج ۳ و ۴ : کاوش‌های علمی حسنلو ؛ لوئی واندنبرگ ، باستانشناسی ایران ص ۱۱۴ ؛ آندره گدار . هنر ایران ص ۱۰۴ ؛ دکتر مشکور : ایران در عهد باستان ص ۳۶ ؛ گیرشمن : هنر ایران در ماد و هخامنشی ص ۲۴ ـ ۳۰

نماینده موسسه باستانشناسی انگلیسی در عراق آغازشده است . سابقاهم در سال ۱۹۴۳ ضمن حفاری‌های تجارتی یك‌صفحه مفرغی باتصویـر گیلگامش درآنجـا کشف شده بود. دراین نقش‌گیلگامش درمیان دایره‌ای‌ایستاده پاهایش‌را بافاصله روی زمین قرارداده ، ودوگاو وحشی راازپاهایشان گرفته بلندمیکند .

درکناراین‌صفحه مفرغی‌یك‌دهانه اسب ازمفرغ‌ویك‌دسته مربوط به‌آلتی‌که کاملا مشخص نشده قرارداشته است.آقای بورتون برون معتقد است‌که تمام این اشیاء متعلق‌به قرن هشتم پیش ازمیلاد است و رابطه هنری با آسیای صغیر را را تائیدمیکند .آقای بورتون‌برون، روی‌این‌تپه هشت‌گمانه زد ولی‌هیچکدام از آنها برزمین‌بکر نرسید .

وی‌هفت طبقه متمایز برای تمدن قدیم‌آن تپه‌تعیین‌کرده است. طبقه دوم‌را باآثار«تلّ‌العبید»درعراق‌وطبقه دوم‌تپه‌سیالك،وطبقه سوم‌را باسفال‌تریالتی Trialeti درقفقاز وطبقه دوم‌الیشر Alishar درآسیای صغیر، همدوره دانسته‌است.

وی معتقد است‌که درطبقه پنجم‌آن تمدن چند بارآتش‌سوزی روی داده و مجدداساخته‌شده است وقبرهای‌آن مربوط به‌دوهزارپیش‌ازمیلاد است ودرآنها جمجمه‌های انسانهای نوع شمالی Nordic type دیده شده‌است .

بورتون برون‌تصور میکندکه این‌قبور ازنخستین‌آریا نژاد هائی‌بوده است که ازراه‌آذربایجان بفلات ایران‌وارد شده‌اند درطبقه پنجم‌مردگان‌را درقبرهای سنگی خوابانیده وروی قبرها تخته‌سنگهایی‌قرار داده‌اند.

سفالهای این‌قبور بدون نقش وشبیه سفالهای طبقه‌دوم الیشر آسیای صغیر است .

عهد طبقه ششم مربوط به ۱۵۰۰ تا ۱۲۰۰ ق. م است و سفالهای آن بدون نقش وصیقلی‌شده سیاه‌یاخاکستری‌است وبه‌سفالهای‌هیتی درآسیای صغیرشباهت دارد. درطبقه هفتم‌ظروف‌سفالین‌صیقلی‌وقرمزرنگ یاخاکستری‌یافت‌شده‌که‌شباهت

به ظروف حسنلو وسفالهای طبقه اول تپه گیان درنهاوند دارد .

درهمین نقطه برروی تپه سنگ های تراشیده‌ای بانقش حیوانات پیداشده که مربوط به‌هزارسال پیش ازمیلاد است . درمیان آنها نقش دوقوچ ویك‌پلنگ دیده میشودکه ازلحاظ حجاری با سنگ های تراش خورده بعد از دوره هیتی Post hihite درآسیای صغیر شبیه است . روی بدن یکی از قوچها نقشی مرکب ازچهار علامت وجود داردکه آن علامت‌ها روی صدها تخته سنگ قبر نیزدیده میشود . این آثار نشان میدهدکه آذربایجان ازیکسو با قفقاز وآسیای صغیر، وازسوی دیگر باایران مرکزی روابطدائمی داشته است.(۱) دیاکونف‌مینویسد که تمدن گوی تپه محتملا مربوط به‌کوتی‌ها است . (۲)

آثارماکو : در سال ۱۹۲۴ درناحیه ماکو ظرفی بشکل یك اسب پیدا شد که پاهای آن شکسته بود این ظروف از گل پخته وبرنگ زرد مایل به‌قهوه‌ای بود ونقوش آن نیز برنگ زرد بود . روی گردن اسب تزئینات زین‌وبرگ دیده میشد . برروی دهانه‌آن یك‌گل سه پر نقش شده بود . روی پشت‌گردن حیوان ظرفی قرار داده شده بود واطراف‌آن روپوش اسب بصورت نمدی بانقوش متعدد با نهایت دقت مجسم گردیده بود . موضوع نقش روپوش ، مجلس شکاری است‌که اسبی بدنبال گوزنی روان است وپرندگانی درمیان گل‌هائیکه بصورت مصنوعی نقش شده در پروازند . این ظرف که ازیکسو به هنرهیتی وازسوی دیگر شبیه ظروف مکشوف درشوش است متعلق به‌هزارهٔ دوم پیش ازمیلاد است . یك‌شیئی عجیب دیگر که درآذربایجان پیدا شده چیزی است شبیه به‌کیف جدید بانوان که ازسنگ سیاه است ودسته‌دارد واحتمالاآنرا هنگام ادای تشریفات مذهبی بدست میگرفته‌اند . دریك‌طرف‌آن‌شیئی، عقابی‌دیده میشودکه بالهایش را باز کرده درمیان سروبالهای او دوسرماراست ، ودرپشت‌آن نقشی شبیه به‌چهارچوب

۱ــ واندنبرگ. باستانشناسی ایران ص ۱۱۵ــ۱۱۷
۲ـ دیاکونف . تاریخ ماد ص۶۱

درهشت بارتکرارشده، این شیئی متعلق به‌نیمه اول‌هزارهٔ سوم پیش‌ازمیلاداست شیئی قابل توجه دیگربز کوهی مفرغی است‌که ازقرون اولیه هزاره اول‌پیش‌از میلاد است .

اثرجالب‌توجه‌دیگری که‌درماکوپیداشده«ریتون»Rhyton(جام‌فلزی‌یاسفالی که به‌شکل شاخ حیوان‌بوده ودرآن شراب مینوشیده‌اند) زیبائی بشکل‌سراسب است . این‌جام از گل بسیار ظریفی ساخته‌شده ولعاب روی‌آن برنگ پشم‌شتر است . روی‌آن نقش زین‌وبرگ اسب بادقت نشان داده شده است . این ریتون مربوط به اواخرقرن هشتم پیش ازمیلاد است .

گورهای طالشـ ازکاوشهایی که‌توسط دومورگان و کسان‌دیگردرطالش آذربایجان شده درنواحی : خواجه داودکپرو، نمین ، قیلاخانه ، لرداغی ،شکولا دره ، وجالیك، تاش‌کپرو، حسن‌زمینی، شیرشیر، آقا ـ اولر، دوخالیان، گورهایی با تخته سنگهای بزرگی بصورت افقی بشکل طاق پیدا شده‌که دراصطلاح علمی دالمن Dolman نام دارد . روی این‌گورها خاك ریخته‌بودند تاآنجاکه‌بصورت‌تپه کوچکی درآمده‌بود . داخل این‌گورها اشیاء فراوانی وجود داشت‌که عبارت از ظروف‌سفالین‌درشت وسیاه‌رنگ یاقرمزخاکستری بدون‌نقش‌واشیاء مفرغی .آهن دراین‌گورها بندرت بدست‌آمده وآنچه پیداشده حلقه‌های انگشتری ودستبند و سنجاق ، وپیکان ، وزوبین وداس وخنجروشمشیروچاقووتبر ومجسمه‌های کوچك حیوانات است ، ونیزاشیاء شیشه‌ای وزرین‌بصورت زینت‌آلات‌درآن گورهابدست آمده است . تاریخ این‌آثارمکشوفه از دوران مفرغ در حدود ۲۱۰۰ ق . م آغاز میشود وبه ابتدای دوران‌آهن ختم‌میگردد (حدود ۱۰۰۰ ق.م) ولی‌بیشترآنها متعلق به دوران اخیرمفرغ است (۱۲۰۰ـ۱۵۵۰ ق‌ـم) (۱)

قره تپه ـ درسی‌کیلو متری جنوب غربی تبریز و پنج کیلو متری غربی

۱ـ واندنبرگ. باستانشناسی ایران ص ۱۱۹ـ۱۲۰؛ گیرشمن هنر ایران در دوران ماد وهخامنشی ص ۲۸۷ـ ۲۸۸

بخش‌خسروشاه ودرجنوب شرقی ده‌تازه‌کنند واقع‌است دراین‌ناحیه در مردادماه ۱۳۳۹ هیأتی انگلیسی بریاست مستر چارلز برنی Charles.Burny استاد دانشگاه منچستر کاوشهایی‌شد و آثاری در آنجا بدست‌آمده‌که ظاهرا مربوط به۲۵۰۰۰ق.م می‌باشد .

اقوام باستانی در آذربایجان

سرزمین آذربایجان یا مادآتروپاتن را ازنظرنشیمن اقوام باستانی به چند ناحیه بشرح زیرمیتوان تقسیم‌کرد :

۱ ـ ازرود ارس تاکوههـای‌آورین داغ وقراداغ . نواحی قطور و خوی و مرند که درزمان قدیم یك‌ناحیه‌را تشکیل میداد وآشوریان درکتیبه‌های خـود آنرا «سان‌گی‌بوتو» San-gi-butu خوانده‌اند از قرن نهم تا پایان قرن هشتم ق. م جزءکشور اورارتو بود سان‌گی‌بوتو جلگه‌ای سرسبز وحاصلخیز بشمارمیرفت . ودرعهد باستان‌کاملا پوشیده ازجنگلهای انبوه بود.

۲ـ دره رود قرسوکه شعبه جنوبی‌ارس‌است درابتدا معلوم نیست‌که دردست چه قومی بود ولی بعدها کادوسیان (اهالی قدیم‌طالش) درآنجاساکن شدند

۳ ـ حوضه دریاچه اورمیه بسه ناحیهٔ فرعی تقسیم میشد :

الف‌ـ کرانه غربی دریاچه اورمیه: این‌ناحیه درقدیم‌گیلزان نام‌داشت ودر قرن نهم پیش ازمیلاد بخش مستقلی بود وظاهرا بعد ها جزء اورارتو ، یا مانا شد ویابین‌آندو تقسیم‌گشت .

ب‌ـکرانه جنوبی دریاچهٔ اورمیه وحوضه‌رود جغتو: این‌ناحیه درقرن نهم ق.م بنام «زاموآ»ی داخلی موسوم بود و بچندین واحد مستقل سیاسی از قبیل حارنا Harrana ، مانا Manna ، مسی Messi و غیره تقسیم میشد ، بعدها در این ناحیه دولت مانا تشکیل شد .

ازقرن هفتم ق.م‌آن ناحیه رامیتوان مرکز اقتصادی ماد شمرد .

ج ـ کرانه شرقی دریاچه اورمیه نیزجزءکشور مانا بود.

د ـ کرانهٔ شمالی یعنی دره رودآجی چای وناحیه تبریز کنونی ، ظاهرا مستقل بود ، دراینجا قبیله‌ای بنام«دالیان» زندگی میکردند .

۴ ـ دره رود قزل اوزن (سفیدرود) بچند ناحیهٔ بشرح‌زیر تقسیم میشد :

الف ـ ازشمال غرب بسوی جنوب شرق‌میان‌کوههای آق‌داغ و آق‌کـدوك جائیکه دره سفیدرود قرار دارد درروزگار قدیم آندیا Andia خوانده میشد .

ب ـ دربخش شمال‌شرقی این دره رودی است‌که ازکوهستان سهندسرازیر میشود وشهرکنونی میانه بر کرانهٔ آن‌قراردارد وآن‌رودبه قزل‌اوزن میریزد دره وحوضه‌آن‌رود در روزگارکهن «زیکیرتو» Zikirtu نام داشت.

ج ـ بالاتر ازمحل تلاقی قزل‌اوزن بارودکوچك‌مزبورکه امروز قافلانکوه نام‌دارد درقدیم«گیزیل‌بوندا» Gizilbunda خوانده‌میشد واین‌قسمت آذربایجان را ازناحیهٔ مانا جدامیکرد. آشوریان این‌بخش قزل اوزن را مادای Maday (ماد) خوانده‌اند .

۵ ـ بخش‌علیای رود زاب‌کوچك : سرزمینهای‌واقع درجنوب غربی نواحی شماره ۳و۴ آنسوی جبال افقی بیشتربه‌آشور وبابل‌گرایش داشت، ایالت «زاموا» Zamua یا «اولو» Lulu از لحاظ جغرافیایی باآشورسخت مربوط بود . سراسر سرزمینهایی‌که ازدریاچه رضائیه تابخشهای‌علیای رود دیاله امتداد داشت زاموا خوانده میشد ، و بخش علیای دره زاب‌کوچك را تشکیل میداد .

۶ـ درسرزمینهای نزدیکتر بکرانه‌های دریای‌خزر ونیمه سفلای دره قزل اوزن ونقاط شمالی‌تر آن حکومتها وسلطنت‌های‌کوچکی وجودداشت وقبایلی‌در آنجا میزیستند که مورخان عهد باستان ایشان‌را :گلهـا ،کادوسیان ، کاسپیان ، و قبایل دیگرنامیده‌اند وبظن قوی آنان یا کوتیان(گوتی‌ها)وکاسیان قرابت‌داشتند گذشته ازاین، مردا–ها (آماردها) وساگارتیان‌که نامشان در تالیفات باستان آمده

نیز در آن‌نواحی ساکن بودند . اینان ساکنان«آندیا» و«زیکیرتو» وکشور دالی Dali ومحتملا ، «گیزیل بوندا» بودند[۱]

هوریان – این قوم‌در بین‌کوههای زاگروس ودریاچه رضائیه میزیستند . این قبایل درهزاره دوم پیش ازمیلاد دربین‌النهرین شمالی و سوریه ، و سراسر فلات ارمنستان ومغرب آذربایجان پراکنده بودند.

هوریها درحدود۱۷۰۰ پیش‌ازمیلاد درهمه ارمنستان، وازهزاره سوم‌ق.م‌در ناحیه وان حکومت داشتند . آنان در هزاره دوم بطرف سوریه و فلسطین رانده شده تحت فشار اقوام سامی‌قرارگرفتند . ایشان درهزاره‌اول پیش‌ازمیلاد فقط‌در مغرب وجنوب دریاچه وان‌مستقر بودند . ایشان براثرمجاورت بااورارتوهابسیار مخلوط شدند .

تحقیقات اخیر مشابهت زبان هوری‌ها را با قوم اورارتو ثابت کرده است . زبان هوری را مانند زبان اورارتو از ریشه ایبری و از خانواده زبانهای قفقازی یا آسیانی دانسته‌اند. هوریها معروف به پرورش اسب بودند و ارابه‌های جنگی داشتندکه صاحبان‌آنها را ماریانی Mariani میگفتند. خدایان اصلی در بین هوری‌ها : تشوب، ربنوع رعد وزن اوهیباربةالنوع خورشید بود. نام هوری ظاهراًمشتق‌از«هورا» یا، اورها، است‌که «اورفه» ازشهرهای جنوب ترکیه‌مأخوذ ازاین اسم است . هوری‌هانه‌ازنژاد سامی ونه‌ازنژادآریایی بودند بلکه ازنژاد مخصوصی‌که‌آسیانی خوانده میشوند بشمار میرفتند . ولی براثرآمیزش با اقوام آریایی نامهای‌آریایی را برای خود برگزیدند[۲]

نام‌قوم‌هوری درکتیبه بغازکوی‌که‌تاریخ‌آن مربوط بقرن‌پانزدهم‌قبل‌ازمیلاد میشود:هو–او–اور HU-U-UR ونام‌زبان‌آن‌قوم‌بخط‌هیتی‌هورلی Hurli آمده‌است[۳].

۱– تاریخ مادس۲۸۱

۲– دکترمشکور، تاریخ اوراتو ص۳-۵؛ فیلیپ حتی، تاریخ سوریه ج۱ص۱۶۱–۱۶۵

3- Hrozny, Histoire de L' Asie Antérieure. p. 161

لولوبیان ـ این قوم در بخش وسیعی از قسمت علیای رود دیاله گرفته تا دریاچه اورمیه حتی فراتر تا شمال غربی آنرا اشغال کرده بودند.

این اسم در زبان اورارتوئی لولو Lullu بمعنی بیگانه ودشمن ، ودر اکدی « لولوبوم » یا « لولویوم » آمده است . قوم لولوبی از اقوام آسیانی نژاد بوده است وباعیلامی‌ها قرابت داشتند از پادشاهان معروف این قوم آنوبانی‌نی Anubanini (۲۲۰۰ ق.م) بود که سنگنبشته‌ای از او بر صخره‌ای بر سر پل زهاب هنوز برجاست[1]. ناحیه تسلط این قوم در آذربایجان در کتیبه‌های آشوری بنام: زاموآ، یادشده که در جنوب غربی دریاچه اورمیه بوده است . [2]

ایشان ملتی کوهستانی در شمال کوههای زاگرس بودند. در زمان سلاطین اورارتو (قرن ۸و۷ ق.م) آنان را زاموآ مینامیدند .گویندگرجیها از نژاد لولوبی هستند. لولوبیان در هزارهٔ دوم قبل از میلاد کشور مقتدری راکه باآسوری‌ها دائم درجنگ بود تشکیل دادند. از قرن نهم پیش از میلاد دیگر نامی از آنان نیست وزاموآ جای لولوبی راگرفت . [3]

کوتیان – اصطلاح کوتی (گوتی) درهزاره سوم ودوم ق.م بیك گروه نژادی اطلاق میشده که درمشرق وشمال غربی لولوبیان ـ واحتمالادرآذربایجان کنونی ایران وکردستان زندگی میکردند . آنان درهزاره سوم ق.م درکوههای زاگرس اقامت داشتند . بعدها ممکن است این نام به اقوام گوناگونی که درشمال ومشرق بابل زندگی میکردند اطلاق گردیده وواحدارضی معینی راشامل نمیشده است .

درهزاره اول ق.م ، همهٔ اورارتوئیان ومردم مانا و مادرا کوتی مینامیدند فقط در کتیبه‌های سارگن دوم مادهای ایرانی زبان از، کوتیان ، مشخص وممتاز گشته‌اند .

۱ ـ دیاکونف (ا.م) : تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز ص ۱۳۴ - ۱۳۷
۲ ـ دیاکونف (م. م) : تاریخ ایران باستان (ترجمه روحی ارباب) ص ۶۲
۳ ـ هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی ص ۳۹۶

کوتیان در ۲۳۰۰ ق.م وزمان‌سلطنت «نارام . سین» Naram-Sin پادشاه‌اکد در صحنهٔ تاریخ پدید میآیند .

کوتی‌ها زبان‌مستقلی داشتندکه تااندازه‌ای باخانواده زبانهای‌عیلامی‌قرابت داشت وممکن‌است ازانواع‌زبانهای قفقازی‌قدیم وآلبانی (در سرزمین قفقاز) باشد. مسیو«هامی» یکی ازانسان‌شناسان فرانسوی درکتاب‌خود «چهرهٔ‌آدمی» در آثارکلده‌ای مینویسدکه : ازلحاظ نژادشناسی مردمی‌که درعصرحاضر دربعضی‌از نقاط آذربایجان زندگی‌میکنندباتصاویرومجسمه‌هائی‌ازلولوبیان وگوتیان بدست می‌آید شباهت بسیاری دارند .[۱]

ازمطالعه هنرمادی وهخامنشی باین نتیجه میتوان‌رسیدکه مادها پیش از آنکه تحت تأثیر بابل وآشور قرارگیرند تحت تأثیرعمیق دوقوم لولوبی وگوتی واقع شده‌اند دلیل‌آن پیداشدن دونقش برجسته ازدوقوم اخیرالذکردرسرزمین ماد، یعنی‌نقش‌آنوبانی‌نی پادشاه لولوبیان درسرپل‌زهاب، ونقش برجسته هورین شیخ خان در همانجاست.که معلوم میسازد قوم لولوبی وگوتی درنیمه هزارهٔ سوم (ق.م) در اقوام ایرانی تأثیر زیادی بجای‌گذاشته‌اند.[۲]

کوتی‌ها ازمغرب‌ایران‌به‌بین‌النهرین‌حمله‌برده ودرآن‌سرزمین‌سالها به‌قتل وغارت‌مشغول‌بودندوسرزمین‌سومرواکدرا اشغال‌کرده‌مدت‌یکصدوبیست‌وپنج‌سال باعنوان شاهی براین‌حدود حکومت کردند ودودمان شاهی‌اکد رادربین‌النهرین برانداختند . پایتخت‌ایشان درآراپها (کرکوك) درشمال سوبارتوبود. سرانجام مردم بین‌النهرین ازستمکاریهای ایشان بجان‌آمده برایشان‌قیام کرده وآنان را به‌کوههای زاموا Zamua درآذربایجان راندند .[۳]

1- E.T.Hamy, La Figure humaine dans les monuments Chaldéens مجله انجمن انسانشناسی پاریس شماره ۲۱ ـ ۲۳ سال ۱۹۰۷

۲ ـ رك: مقالهٔ آقای دکتر فرخ ملکزاده درمجله بررسیهای تاریخی (سال‌سوم‌شماره ۶) : «بررسی تاریخ و هنر کوتیان ولولوبیان»

۳- تاریخ ماد ص ۱۳۸-۵۱۴

بعد از نابود شدن کوتی‌ها (گوتی‌ها) ، این‌نام از میان نرفت ودر دوران بابل تمام فلات ایران را بنام همان اصطلاح قدیمی، گوتیوم، می‌نامیدند[۱] .

قوم‌مانّاـ بعداز لولوبیان وکوتیان، قوم‌دیگری بنام‌مانّا Manna درناحیه زاموادرجنوب‌دریاچه‌اورمیه‌مسکن‌گزیدندودولت بزرگی‌رادرمغرب‌ایران‌امروز تشکیل‌دادند . اینان‌گویا بالولوبی ها وهوری‌ها قرابت‌داشتند . ازقرن نهم تا هشتم ق.م نامهای‌ایرانی‌دربین اسامی مان‌ناهادیده‌میشود نخستین بار درقرن نهم ق.م ازایشان درسالنامه‌های‌آشوری نام‌برده میشود . پایتخت‌ایشان‌شهر ایزیرتو Izirtu در پنجاه کیلومتری شهر سقزکنونی بوده است . درقرن هشتم ق.م پس از کشور اورارتو مانّاها مقتدرترین حکومت این نواحی را تشکیل میدادند . درقرن هفتم ق.م سکاها باآنان متحدشدند وباآشور بانیپال جنگ کردند ولی مغلوب وضمیمه‌آشورگشتند وپس‌ازآن‌جزءایالات مادد رآمدند. ودرمیان‌آن‌قوم مستحیل شدند .

دولت مان‌نا ازقرن‌هشتم ق.م بارها باآشور واورارتو به‌ستیز برخاست ودر واقع‌مغلوب هیچیك ازدودولت مزبور نگشت . چون‌هنوز اکثرآثاروشهرهای‌قوم مانّا دردل خاك‌نهفته است لذا آن‌دولت تاکنون‌به‌شهرت عیلام واورارتونرسیده وممکن است بر اثرکشفیات باستانشناسی‌آینده درشهرت به‌پایه‌آنـدوقوم برسد وشاید هم‌فراتررود . منابع‌مورخان امروز درباره قوم‌مان نا همان سالنامه‌های آشوری واورارتوئی‌است دراین‌نوشته‌ها چون‌قلم درکف دشمن‌است همه‌جاسخن از فتوحات‌آشور و اورارتو است .

حکومت مانّا درآغازهزاره‌اول پیش‌ازمیلاد یکی‌از کوچکترین‌تشکیلات دولتی لولوبی وکوتی‌بود وجدا ازاتحادیه قبایلی که درقرن‌نهم پیش ازمیلاد در نواحی‌جنوب‌غربی پدیدآمده واتحادیه قبایل مادنامیده میشدند – وجود داشت.

۱ ـ دیاکونف (م . م) تاریخ ایران باستان ص ۵۱

۲ ـ تاریخ ماد ص ۱۸۷ ـ ۱۹۸

باید دانست زبان‌نواحی کنونی آذربایجان و کردستان ایران ازقرن نهم تـاهفتم ق.م زبانهایی غیرایرانی بود وساکنان آن نقاط بزبانهای لولوبی و کوتی ومنانی گفتگو میکردند.

سرزمین مانّا ازایالات نیرومند غرب ایران بودکه درقرن‌هشتم‌ق.م‌درشمال عیلام پادشاهانی‌داشت. این‌کشور گاهی مستقل و زمانی درتحت حکومت اورارتو یاآشورقرارداشت‌ونقطه‌کشمکش‌های دائمی‌بین‌آنان‌بود، بعضی‌ازایالات دیگرکه درناحیه شرقی تر از دریاچه اورمیه درکنارسفیدرود، و دره‌های واقع در جنوب وشرق‌اورمیه قرار گرفته بودند، مانند: زکریکورتو Zikkurtu (ساگارتی)، آندیا اوایشدیش Uishdish، در تحت اطاعت مانایی‌ها قرار داشتند. در زمانیکه مادها به‌پیشوایی‌دیااکوو پسرش‌فرااورتس‌دولت‌نیم‌مستقلی‌را تشکیل‌داده بودند یعنی‌در سالهای‌بین۷۲۵و۷۱۵ ق‌م، مان‌ها درشمال غرب ایران قصد داشتندکه یك‌حکومت عظیم مستقلی بوجود آورند ولی با مقاومت‌آشوریان‌وهجوم سکاها مصادف شدند.

مردم مانّابیشتر به‌دامداری وپرورش گوسفند وگاو واسب وخر وشترهای دوکوهانه میپرداختند. قوم مانّا دارای اراضی پرنعمت بودند چنانکه هنگام لشکرکشی‌سارگون دوم به‌اورارتو درسال۷۱۴ق.م، اهالی‌مانّاآردوشراب‌عساکر آشور را تامین کردند. درتورات ازنوعی‌گندم‌یاد شده بنام «مین نیت» که بعضی آنرا بمعنی مانّائی تعبیرکرده اند.

قوم‌مانّادرهنرهای‌دستی‌نیزاستادبودندچنانکه‌گنجینه‌ای‌که‌بتازگی‌درزیویه نزدیك سقزکشف شده از چیره دستی هنرمندان آن قوم درکنده کاری برروی آهن حکایت میکند. قوم‌مان ناازقبایل‌چند تشکیل‌میشدند نوشته‌های‌کتیبه‌های اورارتوئی نیزمؤیدآنست.

برخلاف دیگرکشورهای‌شرق‌باستان،مردم‌مان‌نادرحیات اجتماعی‌بافعالیت تمام‌شرکت میکردند وحتی به‌شورش‌های دستجمعی علیه امیران جابر خویش برمیخاستند. امیران مانّا غالباً عدالت پیشه بودند. بنا بنوشته سارگون دوم،

شاه مانا. شخصا باتفاق بزرگان و شیوخ و مشاوران و خویشاوندان کشور خود را اداره میکرد .

پادشاهان مانا دارای شورای شیوخ بودند و کشور را با نظر ایشان اداره می کردند. بزرگانی که در این شورا عضویت داشتند عبارت بودند از پیشوایان و سران محلی و خویشاوندان شاه و فرمانروایان .

کشور مانا به چند ناحیه تقسیم میشد که بزبان آشوری به آن ناژه Nagé میگفتند: سوریکاش (ناحیه سقز کنونی؟) مشی (بخش علیای رودجغتو)، اوئیدیش Uishdish کرانه شرقی دریاچه اورمیه، آرسیانشی Arsianshi ارشته یانا.

عنوان فرمانروایان یا حکام مانا در منابع آشوری شاکنو Shaknu آمده که هریك درراس ایالت یا ناژه‌ای قرارداشتند. کدخدایان یا دهبانان مانایی بنا به منابع آشوری، هازانو Hazanu خوانده میشدند. فرهنگ و تمدن مانا چنانکه از اشیاء گنجینه سقز برمی‌آید درهمان سطح تمدن اورارتو قرار داشت بردگی در آن جامعهٔ تکامل ورونق چندانی نیافته بود .

بظن قوی ازحدود بردگی پدرشاهی وخانگی تجاوز نمی کرد [۱]

آشوری‌ها در آذربایجان ـ دولت آشور بحکم مجاورت با آذربایجان از پایان قرن دهم پیش‌ازمیلاد شروع بدست اندازی به‌آن سرزمین‌کرد .

نخستین هدف تهاجم‌ایشان ایالت زاموا بودکه‌در آنزمان جزءکشور لولوبی بشمار میرفت. آدادنیراری Adadnerari پادشاه‌آشور (۹۱۱ تا۸۹۰ ق.م) در ضمن لشکرکشی‌های خودازطرف زاب‌سفلی تاناحیه زاموآرا درجنوب دریاچه‌اورمیه مورد حمله قرار داد ونواحی کوهستانی شمال غربی زاموآ را که درآن عهد خانجی‌میخواندند تسخیرکرده، واین تجاوزات درزمان دیگر پادشاهان آشوری ادامه یافت .

درزمان آشور نصیراپال Ashurnasirapal دوم مجدداً دولت آشور بـه آن

۱ـ تاریخ ماد ص ۲۱۹ ـ ۲۲۳

نواحی درسالهای ۸۸۳و۸۸۱و۸۸۰ ق.م لشکرکشی‌کرد از جمله ساکنان سرزمین گیلزان Gilzan درکرانه غربی دریاچه اورمیه به اطاعت درآمده هدایایی تقدیم داشتند .

لولوبیان که دراین‌زمان در ، زاموا ، سکونت داشتند مردم‌آنسر زمین را متحد کرده به پیشوایی سرداری بنام نورآداد ، Nur—Adad درسال «۸۸۱ ق م» علیه‌آشور قیام‌کردند ، ولی‌در مقابل لشکر نیرومند آشور نتوانستند مقاومت کنند، و نور_آداد شکست‌خورده به‌کوههای‌آذربایجان پناه‌برد. آشور نصیراپال تاکوه، نسیر، که بزبان‌لولوبی، کی‌نابا Kinaba ،خوانده‌میشد وآشوریان‌آنراقرار_ گاه‌کشتی نوح‌میدانستند پیش‌راندوسه‌ایالت‌کوچك زاموواراکه،داگارا، وموساسینا وکیرتیارا ، نام داشت تسخیر کرد ومردم‌آن‌را فرمانبردارخود ساخت و غنائمی فراوان ازاسب وسیم وزر بدست‌آورد.

درسال ۸۵۵ ق م‌بار لشکرآشور بفرماندهی‌پادشاه‌آن قوم‌که، سالمانسارسوم (شلم نصر) Shalmaneserنام داشت به زاموا حمله آورد نزدیك دریاچه اورمیه با «نیك دیارا»فرمانروای‌آن‌کشور پیکارکرد ولی ازاین جنگ طرفی برنبست .

سپس‌آشوریان به‌سرزمین مسی Messi وقسمت علیای رودجغتوحمله‌آورده واز آنجا به سوی‌ناحیه ،آرازیاش Arasiash وخارخار Xar Xar که درآن عهدبه اتحاد قبایل ماد تعلق داشت رهسپار شدند ، منابع‌آشوری برای باراول از این سرزمین‌بنام ، آمادای ، یاد می‌کنند.

سالمانا سارسوم درلشکرکشی‌های خود به‌کشور زاموا درجنوب‌آن مملکت به‌کشور ، پارسوا ، که درجنوب دریاچه اورمیه قرارداشت حمله‌آورد وازبیستو هفت پادشاه‌آن‌کشور کوچك خراج گرفت .

بایددانست‌که کلمه ، پارسوا Parsua در زبان‌اکدی بمعنی خط ومرزاست و درکتیبه‌های آشور نصیراپال محل‌کشور پارسوا درجنوب کشور زاموا یاد شده است . برخلاف عقیده رایج هیچ دلیلی جز مشابهت لفظی در دست نیست کـه

پارسوا ، ها از اواسط قرن نهم پیش از میلاد از آذربایجان مهاجرت کرده به سرزمین پارس‌که ۶۰۰کیلومتر با آن ناحیه فاصله داشته رفته باشند .

مضافا بر اینکه نام اماکن و اشخاص درکشور ، پارسوا ، که در آذربایجان بود ، به هیچوجه ایرانی نیست . مردم ایالت پارسواکه درجنوب غربی دریاچه رضائیه ومجاورت‌آشور قرار داشت بمرور زمان آشوری شدند ، حتی مدتها بعد بگفته بطلمیوس سرزمین مزبور را « سوری مادی » میخواندند . زیرا یونانیان غالبا آشوریان را سوری می‌نامیدند . در سال ۸۳۷ ق . م، دایان‌آشور از طرف سالمانا‌سار سوم بسرداری لشکری از آشوریان به آذربایجان و نواحی دریاچه اورمیه‌لشکر کشید وسرزمین‌گیلزان‌را درکرانه غربی‌آن دریاچه‌گرفته‌تاولایت، آندیا ، را برمسیر سفلای رود قزل اوزن تسخیرکرد. در بین راه دژکوهستانی، بوشتو ، را در مرز مانّا و پارسوا تصرف نمود و سرانجام به‌کشور زامـوا وارد شد .

درسال ۸۲۱ ق. م ، موتاریس‌آشور ، Mutarris - Ashur سردار، شامشی‌اداد پنجم‌به‌آذربایجان تاخت وتابه «دریای برآمدن خورشید»که معلوم نیست‌دریاچه اورمیه ، یا دریای خزر بوده رسید . درسال بعد (۸۲۰ ق . م) شامشی‌اداد‌پنجم‌به کشور ماد لشکر کشید و سرزمین ، پارسوا ، را تسخیرکرده به بخش علیای رود جغتو رفت .

پس‌ازآن آشوریان دژبزرگی‌را درکوهستان ، گیزیل بوندا ، (قافلانکوه) که ناحیه مجاور اورمیه را از سرزمین ماد جدا میکرد بتصرف درآوردند.

درزمان حکومت‌سامورامات Sammuramat (ملکه‌سیمیرامیس)که به‌نیابت ازکودك صغیرش‌آدادنراری سوم برآشور سلطنت میکرد، آشوریان از سال۸۰۵ ق. م نواحی مانّا و پارسوا وماد آذربایجان لشکر کشیدند .

درسال ۸۰۲نواحی مانّا و پارسوا وماد آذربایجان را مطیع خود ساختند.

تیگلات پالاسار سوم پادشاه آشور باز در ۷۴۴ ق . م به آذربایجان وماد لشکر کشید و زاموای جنوبی‌را اشغال‌کرد . قصد ازاین لشکرکشی بیشتربدست‌آوردن خیل انبوهی از اسبان مادی بود . زیرا سازمان ارتش آشور تجدید شده بود و برای‌عرابه‌های‌جنگی وسواره نظام‌خودکه سابقاازالاغ استفاده میکردنداحتیاج بسیاری به اسب داشتند ، و درآن‌عصر مرکز پرورش اسب آذربایجان و نقاط کوهستانی ماد بود .

درلشکر کشی‌های تیگلات پالاسار سوم‌که در ۷۳۷ به‌کشور ماد روی داد آشوریان مواظب بودند که به جلگه رود جغتو و متصرفات کشور مانا تخطی نکنند . ظاهراً سبب احتیاط ایشان آن بودکه اولا دولت مانا درآن‌تاریخ‌مقتدر بود وآشوریان نمی‌خواستند بایك دشمن خطرناك دیگردست وپنجه نرم کنند، دشمنی اورارتو و آرامی‌های دمشق را برای خویشتن‌کافی می‌دانستند. از طرف دیگر ممکن بود که درآن زمان میان آشوریان و مانا پیمانی وجود داشته که بنای‌آن اشتراك منافع موقتی ایشان درمبارزه با دولت اورارتو بوده‌است.

درطی دهه دوم قرن هشتم ق . م لشکر کشی‌های آشور بسوی مشرق موقتاً قطع‌شد.

درحدود سال ۷۲۰ ق . م وضع آذربایجان چنین بود:

اراضی ماوراء شمال دریاچه اورمیه درتحت تصرف اورارتو قرارداشت.

تقریبا دیگر قسمتهای آذربایجان‌کنونی ایران‌بطور مستقیم یاغیرمستقیم تحت حکومت ایرانزوا Iranzu پادشاه‌کشور مانا بود . ولی درمرزهای آن حکومت‌فرمانروایان‌نیمه مستقلی وجود داشتندکه‌برای موجودیت‌مانا خطرناك بشمارمیرفتند .

اینان عبارت بودند از حکومت: «اوئیش دیش» (تقریبا در ناحیه مراغه کنونی) ، و زیکیرتو، (دربین میانه واردبیل) ، آندیا ، دربخش سفلای دره‌قزل اوزن یاسفیدرود، سرزمین دیوك Deyok (درمسیر قزل اوزن- میان میانه‌وناحیه

شمالی همدان) .

درزمان سارگون دوم دولت آشور ظاهراً بدرخواست «ایرانزو» درسال۷۱۹ ق . م به‌کمك دولت مانا آمد . زیرا پادشاهان حکومت‌های اطراف مانا برضد آن دولت با اورارتو پیمان اتحاد بسته بودند . ایرانزو پیش ازسال ۷۱۶ ق. م در در گذشت . پس از وی پسرش آزا Aza به سلطنت رسید .

چیزی نگذشت که فرمانروایان اطـراف بگناه آنکه ، آزا ، با سارگون پادشاه آشور عقد اتحاد بسته علیه اوقیام‌کردند و او را دستگیرکرده کشتند نعش او را در کوه ، اوآئوش Uaush، که سهندکنونی باشد افکندند.

سارگون از شنیدن این‌خبر برآشفته بیدرنگ به‌آذربایجان لشکرکشیده کشندگان«آزا»را دستگیرکرده وآنانرابسزای‌خود رسانید وپسردیگر،ایرانزو، راکه «اولوسونو» Ullusunnu نام داشت برتخت شاهی مانا نشانید. ولی اولوسونو برخلاف برادر راه مخالفت باآشور راانتخاب‌کرد و باروسا پادشاه اورارتوبرضد آشورمتحد شد . سارگون که هنوز از آذربایجان خارج نشده بود « ایزیرتو » پایتخت‌مانا‌و دوقلعه‌مهم‌زیبیه Zibie وآرمانیت Armait را تصرف‌کرد.اولوسونو خویشتن را تسلیم نمود و مشمول رأفت سارگون واقع‌گردید.

درباره دوقلعه زیبیه وآرمائیت باید گفت‌که اکنون چنانکه در پیش گفتیم محل زیبیه (زیویه) معلوم شده وآثاری نیز ازآن بدست آمده است ، و آن در ۲۴کیلومتری جنوب سقز برسرراه سقز ـ سنندج قرار دارد . نزدیك‌نقطه‌مزبور دهکده‌ای بنام صاحب وجوددارد‌که مسیوگدارآن را باآرمائیت یکی‌میداندوتپه نزدیك«قپلانتو» را که در۵کیلومتری جنوب زیویه قرار دارد همان ، ایزیرتو، میشمارد .

سارگون سپس به‌تعقیب روسای اول پادشاه اورارتو پرداخته وزیکیرتوریا (بین اردبیل ومیانه) واوئیشدیش (درمحل‌مراغه)راکه‌ازطرف اورارتو اشغال شده

بود تسخیر کرد . سپس کرانه شرقی دریاچه اورمیه را بسوی شمال در نوردیده و اوشکایا «Ush kaya» اسکوی‌کنونی دردامنه سهند در نزدیکی تبریز را که قلعه مرزی‌اورارتو بود وظاهراً درعهد، ساردوری دوم ساخته شده‌بودبتصرف درآورد وفرمان داد دیوارهای‌آنراکه‌چهار متر ضخامت داشت خراب کنند و خانه‌های مردم راآتش‌زنند .

سپس آشوریان قلعه ،آنیاشتانیا Anyashtania و اصطبل‌های‌آنرا با اسبان ذخیره ارتش اورارتووهفده دهکده پیرامون‌آنراکه درگوشه شمال‌شرقی دریاچه اورمیه بود خراب‌کردند.

تسخیرقلعه تبریزـ آنگاه قلعه‌مضاعف«تاروئی تارماکیس Tarui-Tarmakis درسرزمین قبیله دالیان‌که تبریزکنونی باشد واحتمالا نام‌تبریز از جزء اول آن یعنی ، تاروئی ، آمده تسخیرکردند این‌قلعه راکه پایگاه اسبان ذخیره سواران اورارتو بود ویران ساختند . پس‌ازآن ازمرندوخوی گذشته و، سانگی‌بوتو، را نزدیك خوی‌گرفته بعد ازتسخیرشهر «اولخو» ازطریق‌گردنه، قوتور، (قطور» و واردخاك اصلی اورارتوشدند . بنابه یکی ازالواح‌آشوری، سارگون۲۲ قلعه‌ای‌را که درسال ۷۱۶ ق.م ازاورارتوپس‌گرفته بود به، اولوسونو، شاه‌مانا داد. بااینکه اولوسونو ، شاه مانا متحدآشور بود ولی دراین‌هنگام استقلال بیشتری یافته و ودولت مقتدری بشمار میرفت وازسال ۷۱۳ دیگر خراجی به‌آشورنمیداد وحتی گاهی‌را به اراضی سرحدی آشور دست اندازی میکرد [۱]

قوم اورارتو درآذربایجان ـ مردم اورارتو یاآرارات قومی بودندکه از سده نهم‌تاهفتم پیش‌ازمیلاد مسیح درارمنستان کنونی‌وقسمتی ازآناطولی(شرقی) وآذربایجان وقفقاز سلطنت داشتند . قلمرو دولت ایشان از مشرق به مغرب حوضه رودکور اوارس تا ملتقای دو شعبه از رود فرات و از شمال به جنوب سرزمینهای بین دریاچه‌گوگچه و اورمیه بود. ودریاچه‌وان‌درمیان‌کشور اورارتو

۱ـ تاریخ ماد ص ۱۹۸ ـ ۲۱۵ ، ۲۴۵ ـ ۲۷۳

قرارداشت مردم اورارتو برخلاف آشوریان قومی آبادگر و سازنده بودند و در احداث قنوات وحفر نهرها وکشاورزی، وتبدیل زمین‌های بایر بدایرسخت چیره دست بودند. بعلاوه آنان ازفلزکاران ماهر دنیای قدیم بشمارمیرفتند. نژادایشان معلوم نیست، زبان آنان نه سامی بود و نه هند واروپائی، بلکه ازانواع زبانهای آسیائی یعنی قفقازی بشمارمیرفت وخط آنان میخی وشبیه خطوط هیتی و آشوری است.[۱]

اورارتوها ازطرفی باقوم مانا وازسوی دیگر باآشوریان درجنگ وستیز بودند آرگیشتی Argishti پادشاه اورارتو درسال ۷۷۵ ق‌م شهر، بوشتو، و در ۷۷۱ ق.م نواحی چنبدی رادرمشرق دریاچه اورمیه ودر ۷۶۸ق.م «شهرشاهی» و «شمیری خادیری» راکه ازشهرهای مانا بود تسخیرکرد.

درسال ۷۴۴ق. م ساردوری Sarduri دوم پادشاه مقتدر اورارتو پس‌ازاشغال دژ «داربو» درکرانه دریاچه اورمیه آن‌سرزمین را به‌خاك خویش ضمیمه کرد.

درقرن هشتم ق.م مادهنوز برای مبارزه بادشمنی خطرناك چون آشور متحد وآماده نبود، تهاجم اورارتو منجر بایجادحایلی ـ که ازدریاچه اورمیه تادره دیاله وگاهی تاسرحد عیلام ممتد بود ـ میان آشور ومادگشت، وبدین‌سبب ماد ازاینکه تحت انقیاد آشوردرآید نجات یافت. چون خود اوراتوها ازلحاظ اقوام مادبصورت بزرگترین خطر درآمدند، مبارزه آزادی طلبانه مانا که قبایل مجاوردریاچه اورمیه را باخود متحدکرده بود این خطر جدید را ازقبایل جنوب و مشرق دور کرد. شکست ساردوری دوم پادشاه اوراتو بدست، تیگلات پالاسار، دولت مانا را که در آن زمان متحد آشور بود در رأس سرزمین کنونی آذربایجان ایران قرار داد.

درنتیجه در دهه سوم و دوم قرن هشتم ق. م کشور مانا شامل تمام خطه جنوبی دریاچه اورمیه و بخش مهمی از دره رود قزل اوزن و نواحی جنوب آن

۱ـ دکتر مشکور : تاریخ اورارتو ص ۶.

و کرانه شرقی اورمیه تاخط مقسم‌المیاه بین‌اورمیه وارس بود[۱] .

سارگون دوم پادشاه آشور در۷۱۳ ق م شکست‌سختی به روسای اول‌پادشاه اورارتو در آذربایجان داد ، بازمانندا دراین زمان باوج قدرت خود رسید.

ازمطالعه متن‌گزارش سارگون در الواح خود این نکته به‌چشم میخورد که مانندا و شایدنواحی شمالی‌تر مجاور اورمیه‌که بیشتر تحت حکومت اورارتو قرار داشتند یعنی آذربایجان‌کنونی‌ایران ، ازلحاظ پیشرفت اقتصادی ازبیشتراراضی ماد شرقی پیشتر بودند. باید دانست‌که سیطره‌نظامی دولت اورارتو در آذربایجان از رقیب خود آشور ملایم‌تر و انسانی‌تر بود . زیرا آشوریان درترقی تولیدات کشاورزی نواحی مسخر شده کمتر ذینفع بودند بلکه درخرابی آن اراضی میکوشیدند،بعکس‌حکومت اورارتو بعد ازتصرف‌سرزمینی به پیشرفت‌نیروهای تولیدی محل،کومك فوق‌العاده مبذول میداشتند.

بطوریکه‌الواح سارگون حکایت میکند دراین نواحی ازلحاظ‌کشاورزی و تأسیسات اقتصادی‌ثروت زیادی وجود داشت و دهکده‌های ناحیه «سانگی‌بوتو»در شمال دریاچه اورمیه سرسبز وپرنعمت بود[۲] .

آثار اورارتو در آذربایجان ـ تاکنون راجع به آثار اورارتوکاوش و تحقیقات منظمی درآذربایجان‌نشده و اتفاقاًسنگنبشته‌هایی چندازآن قوم‌بدست آمده که فهرست آنها بقرار زیر است:

۱ ـ سنگنبشته‌ای بخط اورارتی در ده سطر که نگارنده آنرا در ۱۳۳۰ شمسی درسقین دل‌ازمحال ازومدل درپنج‌کیلومتری‌شرقی قصبه ورزقان ازتوابع اهر برکوهی بنام زاغی‌کشف کرده است . این‌کتیبه بنا به‌قرائت ملیکشیویلی Melikshivili ازساردوری (سردوری)پسر آرگیشتی(۷۳۵ـ ۷۵۳ ق.م) است‌وترجمه

۱ـ تاریخ ماد ص ۲۱۵ ـ ۲۱۹

۲ـ تاریخ ماد ص ۲۷۴

آن ازاینقرار است :

۱ ـ عرابه جنگی (خدای) خالدی براه افتاد

۲ـ آن به‌کادیااونی Kadiauni پادشاه (کشور)پولوآدی puluadi حمله‌کرد.

۳ ـ (پولوآدی) ناحیه‌ای‌کوهستانی است بیاری خالدی توانا.

۴ ـ درعرابه جنگ نیرومند خالدی ، این لشکر کشی (توسط).

۵ ـ ساردوری پسرآرگیشتی صورت‌گرفت.

۶ ـ ساردوری گوید . من بیست‌ویك قلعه راگرفتم

۷ ـ من دریك روز چهل وپنج (یاچهل وچهار) شهر را تصرف کردم لیب‌ـ لی‌اونی Libliuni

۸ ـ شهر پادشاه (شهرشاهی) و شهرمستحکم را درجنگ‌گرفتم

۹ ـ ساردوری شاه مقتدر ، شاه بزرگ

۱۰ ـ شاه‌کشورها، شاه مملکت بیاای‌نی Biaini (اورارتو) و فرمانروای‌شهر توشپا Tushpa (کارمیر بلورکنونی نزدیك ایروان)[۱]

۲ ـ **سنگنبشته دیگر** در ده بسطام از دهستان چایپاربخش قره ضیاءالدین ازتوابع شهرخوی‌که در دوکیلومتری جاده شوسه خوی قره ضیاءالدین قراردارد بخط وزبان اورارتو در شانزده سطر پیدا شده که اکنون در موزه ایران باستان نگاهداری میشود. این سنگنبشته بفرمان روسای دوم‌پسرآرگیشتی‌دوم (۶۴۶ ـ ۶۸۰) نوشته شده و ترجمه آن از این قرار است :

روسا پسر آرگیشتی ابن معبد بلند را بـرای خـالدی خدای (اورارتو) برپاکرد .

به نیروی خالدی ، روسا پسرآرگیشتی سخن میگوید . این سرزمین‌خالی بود وچیزی دراینجا برپا نشده بود همانطورکه خالدی بمن فرمان داده است من دراینجا بناساختم، واین‌جای را شهرروسا نامیدم . روسا پسرآرگیشی‌گوید:کسی

۱ـ دکتر مشکور : تاریخ اورارتو ص ۵۴ ـ ۷۳

که این سنگنبشته را منهدم‌کند وبآن زیان رساند یاآنرا بشکند خالدی خدای (اورارتو) او را بوسیله خدای هوا و خدای آفتاب و خدایان دیگر برخواهد انداخت و در زیرآفتاب نامی ازخود نگاه نتواند داشت .

منم روسا پسرآرگیشتی شاه نیرومند ، شاه کشورها . شاه کشور بیا ای‌نی (اورارتو) شاه‌شاهان ، سرور شهر توشپا .[۱]

۳- **سنگنبشته رازلیق** ـ این سنگنبشته در کوه زاغان درحدود دوازده کیلومتری شمال سراب درناحیه رازلیق از دهستانهای ششگانه بخش سراب پیدا شده‌که ازشمال به‌کوه سبلان و ازجنوب‌به دهستان هریس و ازمشرق به‌آغمیون و از مغرب به ینگچه محدوداست، وآن بفرمان‌آرگیشتی دوم پسر روسا(۶۸۰-۷۱۳ ق . م) پادشاه اورارتو نوشته شده و دارای شانزده سطر است و ترجمه آن اینست :

به حول وقوه خالدی ،آرگیشتی روساهینی می‌گوید :

من به سرزمین «آرهو» لشکر کشیدم . من سرزمین اوشولو ، و سر زمین « بوقو » را تسخیر کردم .

من تا کناررودخانه « مونا » رسیدم وازآنجا بازگشتم. من‌سرزمین‌گیردو،و گیتوهانی، وتوایشدو ، را تسخیرکردم، شهر «روتومنی» را من‌گرفتم .

سرزمینهایی راکه من تسخیرکردم تحت باج خود قراردادم این قلعه‌ها را که من بزورگرفتم دوباره برقرارساختم. من‌آنرا ،آرگیشتی‌ایردو Argishti-irdu (یعنی رعیت آرگیشتی) نامیدم ، بخاطر تقویت بیا ای نی (اورارتو) ، برای مطیع ساختن سرزمین‌های دشمن ، به‌حول وعظمت خالدی و آرگیشتی سترگ ، شاه ، شاه جهان ، شاه‌شاهان ، خداوندگارشهرتوشپا .

آرگیشتی میگوید : هرکس نام مرا محوکند یا به این کتیبه خسارتی وارد بیاورد امیدوارم خدایان : خالدی ، ته ای شه با Te ishe ba شیوای نی

۱ ـ دکتر مشکور : تاریخ اورارتو ص ۷۴ ـ ۷۹

Shiuini او را از زیر خورشید براندازند .

۴ـ سنگنبشته نشتیبان نشتیبان Nashtiban که دردره‌قراکوه‌ازدامنه‌های کوه سبلان نزدیك به سراب پیدا شده دردوازده سطر ونیزمربوط به آرگیشتی پسر روسا است . ترجمه‌آن چنین است :

به‌حول وقوه خالدی ،آرگیشتی‌روساهینی می‌گوید. من‌سرزمینها راتسخیر کردم... من تاکنار رودخانه مونارسیدم وازآنجاباز گشتم. من‌سرزمینهای،گیردو، گیتوهانی ، توایشدو ، وشهر •••• را تسخیر کردم وزیرباج خود قرار دادم . آرگیشتی میگوید : هرآن‌کس این‌کتیبه را خراب‌کند •••• چندکلمه‌ای از آخر این سنگنبشته افاده است که بجای آن نقطه‌گذارده شد . [۱]

۵ـ سنگنبشته داش تپه ـ درجنوب دریاچه رضائیه نزدیك تاش‌تپه (داش تپه) در نوزده کیلومتری غربی میاندوآب سنگنبشته‌ای بزبان اورار توئی یافت شده‌است . دوقطعه بزرگ ازاین‌کتیبه را مستر فابر W . faber ازآن‌محل‌به‌موزه بریتانیا انتقال داده ودوقطعه دیگر هنوزدرجای خود باقی است این سنگنبشته را مربوط به‌عصرمنوا دانسته‌اند .

۶ ـ سنگنبشته کیلی‌شین Kilishin درمحلی بنام کیلی‌شین درجنوب غربی اشنویه در جاده رواندوزیك سنگ یادگار بارتفاع یکمتر وهفتاد سانت دیده میشود که نوشته‌ای به‌دوزبان آشوری واورارتوئی روی‌آن کنده شده ومتعلق‌به قرن هشتم پیش ازمیلاد است . درطرف مشرق این‌سنگ یك متن اورارتوئی به فرمان ایشپوایني Ishpuini « ۸۲۸ـ ۸۱۰ق‌م » نوشته شد که درطرف مغرب آن همان متن بزبان آشوری است .

این پادشاه برادرش منوا Menua را درسلطنت‌باخودشریك‌کرد ونام‌هردوی ایشان‌درآن‌کتیبه مسطوراست ونوشته‌شده، خدای‌خالدی‌که ربنوع‌خاص اورارتو

۱ ـ دکتر مشکور : دوسنگنبشته اورارتی از آذربایجان مجله راهنمای کتاب سال ۱۳۴۵ شماره ششم

بود ، هربار بیاری آندوآمده ودشمنان را مغلوب آنان ساخته است. این‌سنگ را شولتز Schultz پیداکرد ولی راولینسون نخستین بارگزارشی‌راجع بآن منتشر نمود . سپس در ۱۸۸۸ دمورگان از آن نسخه برداشت و در ۱۸۹۸ لمان هوپت Lehman - haupt وبلك W. Belck آنراتحت‌مطالعه قراردادند . بهترین‌ترجمه آن توسط مینورسکی V. Minorsky انجام‌گرفت واخیراً در ۱۹۵۱ اصل وترجمه آن توسط کامرون G. Cameron انتشار یافته است[۱] .

سرانجام اورارتو - پس از غلبه مادها بـرآشور درسال ۶۰۶ ق.م میلاد بتدریج ماناها ازعرصه‌تاریخ‌محوشده وبامادهاممزوج ومخلوط‌گردیدند. سرزمین اورارتو جزء استانهای ماد درآمد . ارمنی‌ها که ازآسیای صغیر بـه آن ناحیه مهاجرت کرده بودند بجای اورارتوها نشسته وبا آنان درآمیختند وازآن‌تاریخ ببعد سرزمین اورارتو بنام ارمنستان خوانده شد .

باید دانست‌که درپایان قرن نهم وآغاز قرن‌هشتم قبل از میـلاد اهالـی امپراطوری اورارتو تنها مشتمل برنژاد اورارتو نبوده‌اند بلکه لااقل از چهـار عنصر نژادی بدینقرار تشکیل میشده‌اند:

اوراتوها ، هوریان ، که با ایشان قرابت داشتند، ایبری‌ها (گرجیان) ، و ارمنان (ارمنیها) .

بقول هرودت اقوام فوق ،آلارودیان ، ماتیه نیان (میتانیان) ساسپیریان ، ارمنیان ، نامیده میشدند . محتمل است تادوسه‌قرن‌بعدهم ترکیب نژادی‌ساکنان آنجاهمین‌گونه بوده‌باشد[۲]

میتانیها - میتانیها قومی‌بودند که باهوریهای سابق‌الذکر قرابت‌داشته و در حوالی ۱۵۰۰ ق . م به تاسیس‌دولتی عظیم‌که ازدریای مدیترانه تـا کوههای غربی آذربایجان و زاگرس امتداد داشت توفیق یافتند ، آنان در ۱۲۰۰ ق . م

۱- لوئی واندنبرگ : باستانشناسی ایران ص ۱۱۸
۲- تاریخ ماد ۲۸۲

به‌شمال بین‌النهرین آمده ودر آنجا به‌تشکیل دولتی پرداختند . پایتخت اولیه ایشان شهر واشوگانی Vashuganni واقع درمحل رأس عین (در خابور) امروز بود . سپس مرکز مهم ایشان به‌شهرارپها Arrapha در کرکوك وکردستان عراق انتقال یافت . آثاری از ایشان درنوزو Nuzu در محل یلقان تپه Yalghan-tépé یایورغان تپه Yorghan-tépé درپنج میلی‌مشرق‌کرکوك پیداشده‌که ازلحاظ‌تاریخ قدیم خاور میانه بسیارقابل اهمیت‌است. هروزنی میتانی هارادر مقابل هوری ها که مردم غیر هند واروپائی بودند ، قبایل اشرافی آریایی دانسته که نام میتانو Mitannu داشتند. وی‌عقیده داردکه‌شکل‌اصلی‌نام‌این‌قوم درکتیبه‌ها اوم‌مان ماندا Ummân-Manda بوده‌که بمعنی ، مردم خانه‌بدوش، می‌باشد و کلمه ، مدا ، Mada یا مدایا، Madaya که بمعنی قوم ماداست نیز مشتق ازاین نام است ،که بمعنی، قوم خانه بدوش وصحراگرد ، میباشد . هروزنی معتقداست که نام اصلی آریایی میتانی‌ها، ماریان‌نی Mariyanni بوده‌کداز نام‌ودائی«ماریا» Maria بمعنی‌جوانمرد وپهلوان گرفته شده‌است . نام‌میتانیها درکتاب تورات بزبان عبری « میدیان » Midyân آمده که در قرآن «مدین» شده است .پادشاهان میتانی نامهای هند و ایرانی داشتند . نام‌خدایان این قوم درکتیبه‌ای‌که از قرن پانزدهم ق.م در بغاز کوی‌Boghazkeui درآسیای صغیر پیداشده و راجع به پیمانی بین‌آنان و هیتی‌ها می‌باشد هند وایرانی است . نام‌آن‌خدایان درآن کتیبه بزبان میتانی چنین‌آمده است . میتراش‌شیل Mitrashshil آروناش‌شیل Arunashshil ایندرا Indara نانشت تین‌نه، Nashatiyanna ، که میترا Mitra، وارونا Varuna، ایندرا،وناسیتا Nâsatiyta خدایان‌معروف‌ودائی‌باشند . چون میتانی‌ها قومی سواره گاربودنددراین‌معاهده موضوع تکثیر نسل اسب‌نیز مطرح شده است .

میتانی‌ها درنزد مصریان قدیم بنام«نهارین» معروف بودند . مشهور ترین پادشاهان میتانی توشراتا Tushrata نام‌داشت که نوشته‌هایی از او خطاب به آمن هوتپ Amenhotep سوم (درگذشته در ۱۳۷۵ ق.م) وآمن هوتپ چهارم (درگذشته

در ۱۳۵۸ ق. م) از پادشاهان مصر در تل‌العمارنه بدست‌آمده است.

این نوشته‌ها بزبان وخط اکدی است واین‌زبان در آن‌عصر زبان‌رسمی‌میتانی بوده‌است. سرانجام دولت میتانی بدست‌پادشاه آشوری ادادنیراری(۱۳۰۴-۱۳۷۳ ق.م) وجانشین اوشلمانصر اول منقرض شده ضمیمه‌آشورگشت[1].

سکائیان ـ در قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد عامل سیاسی جدیدی در آسیای مقدم پدیدآمدکه تعادل قوارادر آن‌ناحیه‌دیگرگون ساخت. این‌عامل نوین‌قبایل اسب سوار وصحرانشین‌کیمیریان وتروریان Trers وسکاها بودندکه از کرانه‌شمالی‌دریای سیاه‌کوچ‌کرده درآسیای‌غربی نفوذنمودند. این اقوام باآنکه هریك ازقبایل مختلف تشکیل میشدند ودر مناطق‌دورازهم زندگانی میکردند، ولی‌چون اصولاازنژادآریایی‌بودند، ایرانیان همه‌آنان‌را بنام‌سکائی‌میخواندند، ولی بابلیان‌آنان راه‌گیسی ری (کیمری) ویونانیان‌ایشان را«اسکیت»مینامیدند. بنا به بعضی مدارك‌آشوری‌کیمریان ازقرن هشتم ق.م درآذربایجان اقامت داشته واز سرزمین قفقاز بآن‌ناحیه هجوم‌آورده بودند.

مادها سرزمین اصلی‌سکاها را «ساکاسنا» یا «ساکا- شایانا» یعنی «سرزمین زیستن سکاها»میخواندند. دانشمندان این‌سرزمین رامیان رودکورا وناحیه‌شمالی گنجه (کیروف‌آباد) واراضی اطراف دریاچه‌اورمیه، ودرجنوب رود ارس‌جستجو میکنند باستانشناسان در«مینگه چائور» درجمهوری شوروی‌آذربایجان‌قبرستان وسیعی رایافته‌اند ودرآنجا پیکانها وتیرها وظروف سفالین زیادی درکناراسکلتها مردمی بلند قامت پیداکرده‌اند که حدس میزنندآن‌گورها و اشیاء درون آنها از سکاهاباشد.

در منابع‌آشوری مربوط بزمان‌آسارحادون، ازجنگ‌بین‌آشوریها وسکاها که نام ایشان درآنجا، ایشکوزا، آمده‌یادشده ومینویسد که، ایشپاکای (اسپاکا) پادشاه‌آن‌قوم‌که‌متحد بامانا بوده بقتل‌رسیده‌است. ازقرائن‌تاریخی معلوم‌میشود

1.B. Hrozny. Histoire De L'Asie Anterieure, Index. Mitanni P.339,paris1947.

که‌قتل وی در۶۷۳ ق.م روی‌داده است .

درمنابع آشوری صریحا محل سلطنت « ایشکوزاها » در آذربایجان آمده است. پس از ایشپاکا ، جانشین او «پارتاتوآ » باگرفتن دختر آسارحادون باآشور صلح میکند ومتحدآن دولت میشود . بنا به‌اشاراتی که درکتاب ارمیای نبی شده هنوز در دهه نهم قرن ششم ق.م دولت قوم سکایی درآذربایجان وجود داشته و این‌را نیزهرودت تأیید میکند ومینویسدکه بخاطر ایشان میان ماد ولیدی در ۵۹۰ ق.م جنگ درگرفت .[۱]

هرودت تاریخ‌حملات سکاییان‌را مرتبط بادورهٔ سلطنت‌کیاکزار(هوخ‌شتره) پادشاه بزرگ ماد میداند (۶۲۵ـ ۵۷۵ ق.م) و مینویسد هنگامیکه کیاکزار به محاصره نینوا پایتخت‌آشوراشتغال‌داشت لشکرانبوه‌سکاییان بسرکردگی مادیس Madyés پسرپارتاتوا Partataua که ذکراو درپیش‌گذشت بدنبال کیمریان که به وسیله خود آنان از اروپا رانده شده بودند به‌آسیا هجوم‌آوردند وبه‌آذربایجان درآمدند و۲۸ سال ماد را دراشغال‌داشتند . بقول‌هرودت پس‌از۲۸سال‌فرمانروایی سکاییان بر ماد،کیاکزار شبی پیشوایان آنان‌را به‌مجلس بزمی‌دعوت کرد وآنانرا مست‌کرده بکشت وسپس دیگر سکاها را قتل عام‌کرد ویامغلوب خود ساخت[۲] . ازاین تاریخ حکومت سکایی جزوکشور ماد شد ومادها ازدادن‌خراج بآنان‌نجات یافتند ، معهذا بخشی ازسکاییان و « اورتوکوریبانتی » Ortokoribant (یعنی تیز خودان) تا پایان قرن ششم وآغازقرن پنجم ق.م درحدود قلمروامپراطوری ماد باقی ماندند و سرانجام با دیگراهالی‌آذربایجان شمالی ممزوج‌گشتند[۳] .

گنجینهٔزیویه ـ درسال ۱۹۴۷ م درنزدیکی شهر سقز در محل ایزیرتو Izirtu پایتخت قدیم مردم‌مانا گنجینه‌ای پیدا شد که آنرا به‌هنر سکانی نسبت

۱ـ تاریخ ماد ص ۲۸۵ ـ ۳۶۱
۲ـ دیاکونف (م م) تاریخ ایرانیان باستان ص ۷۵ ـ ۷۹
۳ـ تاریخ ماد ص ۳۶۰ ـ ۳۶۱

میدهند . مانناها درحدود ۶۵۹ـ ۶۶۰ق م ازسکاهاشکست خوردند ودرکشورمانا استقرار یافتند . سپس درجنوب دریاچه اورمیه کشوری بوجود آوردند که گاهی متحد و زمانی تابع مادمی‌شد . این‌گنجینه قبری است ازیك‌شاه نیرومند سکایی که بنا بررسوم آن‌قوم بخاك سپرده شده است .

گیرشمن در کتاب هنرایران دردوران ماد وهخامنشی فصل مشبعی‌نگاشته است . سکائیان ابتدا جسدشاه را با ادویه انباشته ، و آنرا در گردونه ای قرار می‌داده ازقبیله‌ای به‌قبیلهٔ دیگر می‌برده‌اند . بالاخره آنرا در قبری که مانند اطاقی‌کوچك ساخته شده‌بود وسقفی داشت روی تختی می‌خوابانیدند . معمولادر چنین مواردی یکی از همـران‌شاه را خفه کرده درکنار او دفن میکردند و نیز حواشی وخدمه اورا باوی بخاك میسپردند . قطعاتی‌ازتابوت‌برنزی‌که همراه این گنجینه بوده نشان میدهدکه این‌محل آرامگاهی بوده است. اشیاء زرینی مانند سینه‌بند وغلاف مرصع‌شمشیری وبعض زیورآلات زنانه و طلا آلات فراوان و سلاحهای‌ازطلاونقره وسپرهای‌نقره وسنجاق‌های طلادرآن‌آرامگاه بدست‌آمده است . دراین اشیاء تأثیرهنر اورارتوئی نمایان است . دربین این اشیاء تعـداد زیادی ظروف‌فلزی یاسنگی‌وسفالین نیزبوده که فقط چندعددآن بدست‌مارسیده است . بعلاوه مقداری ازاشیاء ازعاج ونقره بدست‌آمده که در خمره‌های سفالین بخاك سپرده شده است بعضی ازاین اشیاء تحت‌تأثیرهنرآشور وبرخی‌تحت تأثیر صنعت مردم دره‌های زاگرس قرار گرفته است. [۱]

۱ ـ گیرشمن : هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی ص ۹۸ ـ ۱۲۵ ؛ گدار هنرایران ص ۸۶


دریای کاسپی
(خزر)
کویر نمک
ارامیان
ارامیان
ارامیان
ارامیان
مسیر اسکیتها
شهر
محل احتمالی شهر

فصل چهارم

آذربایجان در پیش از اسلام

آذربایجان در زمان پادشاهان ماد – مادها قومی بودند آریایی نژاد که در آغاز قرن‌هفتم تاپایان قرن هشتم ق.م دولت ماد راتأسیس کردند. کشور ماد رابه ماد بزرگ وماد کوچك قسمت‌کرده‌اند. مادبزرگ شامل ری وعراق عجم تا حدود کردستان وکوههای زاگرس میشد. مادکوچك شامل آذربایجان میگشت. بطوریکه درپیش به تفصیل شرح دادیم تا اواخر قرن هفتم پیش از میلاد در آذربایجان قدرت زیادی نداشتند بلکه حکومت آن‌ناحیه بیشتر در دست اقوام لولوبی، مانناپی، اورارتو وسکایی بود. از سال ۶۱۲ ق.م یعنی سال سقوط آشور بدست ماد است‌که مادها توانستند قدرت خودرا برتمام قسمتهای ایران و بویژه آذربایجان تا ماوراء رود ارس بسط دهند.

کشورماد دردوران‌باستان‌هرگزواحد استوار ولایتغیری نبوده‌است. درآغاز

اتحادیه‌ای بود از قبایل ، و سپس دستگاهی نظامی و اداری که قبایل و کشور های گوناگون را متحد میساخت و آنگاه موقتاً در مجموعه نظامی واداری و سازمانی که هخامنشیان پدیدآورده بودند مستحیل‌شده، درپایان قرن چهارم‌پیش ازمیلاد چنانکه گفتم به دو بخش تجزیه گشت ، یکی «مادآتروپاتن» (مادکوچك وآذربایجان) ودیگر«ماد سفلی» (مادبزرگ). این‌دوماد بااینکه‌تقریبا ازیك‌نژاد بودند ولی هریك سرنوشت دیگری داشتند وغالباً درطول تاریخ دو واحدمتمایز بشمار میرفتند .

درپیش ازتأسیس دولت‌ماد حتی تایك قرن بعد ازآن درماد آتروپاتن (آذربایجان) زبان واحدی وجود نداشت . زبان مادی ایرانی هنوز یك زبان قبیله‌ای بود ، وفقط‌یکی اززبانهای محلی ماد بخصوص مادشرقی بشمارمیرفت[1]. مرکز اقتصادی وفرهنگی امپراطوری ماد مانندای پیشین (آذربایجان قرون بعد) بود ، این ناحیه ازدیگرنواحی‌ازلحاظ اقتصادی پررونق‌تربود ودرآن بارورترین کشتزارها وتاکستانها وبیشه‌ها وجود داشت .[2]

شلمانصر ظاهراً نخستین پادشاه‌آشوری‌است‌که به‌کرانه‌های‌کشور ماد رسیده است (۸۳۴ق م). شمسی‌ادادپنجم(۸۲۱ـ۸۲۰) بدرون‌مادراه‌یافت. وپس‌ازاو ادادـ نیراری سوم(۸۱۰ـ۸۷۲ق.م) چندبار به‌مادلشکر کشید ولی‌این‌لشکر کشی‌هاغالباً به‌ماد بزرگ بوده ومادکوچك یعنی‌آذربایجان درآن زمان دردست قوم مانا و اقوام دیگر غیرآریایی‌بوده‌است .

درسال ۶۵۹ ق م مادها بفکر مقاومت در برابر آشور افتادند . در آنزمان آخسری پادشاه مانا باتکای‌آنان باآشور واردنبردشد ولی‌ازدولت‌آشور شکست خورد وآشوری‌هاشهر ایزیرتوپایتخت مانارا اشغال‌کردند .آشوربانی پال پادشاه

۱ـ تاریخ ماد ص۹۲

۲ـ تاریخ مادص۳۹۷

آشور قبایل مادی راشکست داده وهفتاد وپنج ده ایشان را ویران ساخت.

درسال‌های بین۷۱۵و۶۲۵ ق.م که مقارن باسلطنت دیااوکو(دیوکس) یا فره ورتیش است دولت ماد درحال توسعه بود، ومادها باپادشاهان کوچك ونیم‌مستقل مبارزاتی راآغازنموده بودند . قوم‌مانا درآذر بایجان و شمال غرب ایران قصد داشتند که‌یك‌حکومت عظیم ومستقلی بوجود آورند وآشور در برابر این امر مقاومت بخرج میداد وسکاییان هم به‌حملات خود به‌آذربایجان و ایران ادامه میدادند .

درزمان پادشاهی هوخ شتره (کیاکسار)۶۳۳ـ۵۵۸ ق.م‌سکاها به‌آذربایجان حمله‌کردند و۲۸ سال‌حکومت‌آن سرزمین در دست آنان بود. چنانکه در پیش گفتیم هوخ‌شتره پس ازاین مدت طولانی باتدبیری رؤسای‌آنان را مست کرده و بکشت‌وسکاها را ازآذربایجان‌براند.

پس‌ازاین موفقیت دولت مادباکمك نبوپولاس سارفرمانروای بابل توانست شهر نینوا پایتخت‌آشور راگرفته ،آن دولت عظیم را ازصفحه روزگار براندازد (۶۱۲ق.م). سپس‌هوخ شتره به‌کشور لیدی‌لشکرکشید . بقول‌هرودت جنگ وی بالیدی برسرسکاییانی بود که برای نجات‌خود از دست کیاکسار که آنان را در همه‌جاتعقیب‌میکرد وبه‌کشور لیدیه پناه‌برده‌بودند . در۲۸ ماه مه۵۸۵ق.م براثر پدیدآمدن کسوفی‌که باعث وحشت‌طرفین ازخشم خدایان شده بود این جنگ به میانجیگری پادشاهان بابل وکیلیکیه بصلح انجامید وچیزی نگذشت که پادشاه بزرگ مادنیزدر گذشت. چنانکه‌گفتیم قبل‌ازاین‌جنگ‌هوخ‌شتره تمام‌آذربایجان وحتی ارمنستان واوراتورا ضمیمه خاك‌خودساخته بود.

از این تاریخ ببعد درمنابع‌آشوری ویونانی‌خبری از اقدامات دولت‌ماد در آذربایجان‌نیامده، فی‌الجمله همینقدرمعلوم میشودکه تاپایان حکومت‌آن دولت

آذربایجان یا مادکوچك از ایالات مهم کشور ماد بوده‌است[1] . درجنوب دریاچه رضائیه نزدیك تاش‌تپه (داش‌تپه) در محلی موسوم به فخر آگاه دخمه‌ای دیده میشود . این دخمه یا آرامگـاه را راولینسون در ۱۸۳۸ م ، و هـوتوم شیندلر Houtum Schindler در ۱۸۸۲، و دمورگان در۱۸۹۶، اورل اشتین Aurel Stein و هرتسفلد بازدید کرده‌اند . دخمه مزبور شباهت زیادی به آرامگاه ، داو دختر، (درفهلیان فارس) دارد، دروازهٔاین بنا سردری‌است‌که درطرفین آن‌دوستون منفرد قرارگرفته‌که خوب حفظ‌شده‌است ، اطاق آرامگاه نیزسه‌ستون دارد و درآن سه طاقچه درسنگ کنده‌شده‌که بمنزله قبرهای‌دخمه‌ای‌است. هرتسفلد تصورمیکند که‌آن‌آرامگاه یك‌شاهزاده مادی ازکشور مانناییاست و تاریخ‌آن را بین ۸۴۰ و ۶۶۰ پیش‌ازمیلاد تعیین‌کرده‌است[2]

آذربایجان دردوره‌هخامنشی ـ از اوضاع آذربایجان در این‌دوره خبری نداریم همینقدرمیدانیم‌که‌آن جزء خشتره (ساترایی) مادبشمار میرفت‌ماد بزرك (عراق و کردستان) ، ومادکوچك(آذربایجان) یك‌خشتره‌پوان یعنی یك‌ساتراب داشت .

بنا بر کتیبه بیستون پس ازکشته شدن‌گئوماتای مغ‌بدست داریوش بزرگ یاغیان ازهرطرف سربرداشته ودعوی‌شاهی کردند . ازآنجمله فره ورتیش نامی مادی سربطغیان‌برداشت‌وگفت‌که‌من‌خشتریت(شاه‌ماد)هستم‌وازدودمان‌هوخشتره‌ام وخود راشاه مادخواند. داریوش‌لشکری بسرداری ویدارنا بسرکوبی او فرستاد وسرانجام اورا دستگیر ساخته پس ازمثله‌کردن درهمدان‌بدار زدند . ازاین دو مرد مادی‌که دعوی سلطنت داشتند یعنی‌گوماتای مغ که خودرا بردیا پسرکورش میخواند، ودیگری‌فره‌ورتیش که خویش‌را«خشتریت»یعنی‌شاه مادمعرفی‌میکرد،

۱ـ دکترمشکور : ایران درعهدباستان ص۱۴۹ـ۱۶۰ ؛
م . دیاکونوف : تاریخ ایران باستان صفحات ۶۳، ۶۶، ۶۷، ۷۲،۷۵،۸۲
۲ـ لوئی واندنبرگ: باستانشناسی ایران باستان ص۱۱۷

هیچکدام ازمادکوچك یعنی‌آذربایجان نبودند .بنابراین چنانکه گفتیم اطلاعی دراین‌عصر ازاوضاع‌آذربایجان نداریم.

مادآتروپاتن یا آتروپاتن Atropatene

درزمان داریوش سوم (۳۳۶ـ۳۳۰ ق.م)آتروپات Atropates خشتره‌پوان (ساتراپ) ماد بود . این سردار ایرانی‌که نام او بمعنی نگاهبان آتش(آذربد) است وبهمین مناسبت اورا ازخانواده‌ای روحانی و زردشتی شمرده‌اند ، درنبرد ، گوئوگامل‌که بین داریوش سوم واسکندر درنزدیکی اربل روی داد فرمانده‌مادیها بشمارمیرفت(۳۳۱ ق.م). پیش از این واقعه آتروپات فرماندهی سواره‌ای راکه داریوش برای اکتشاف گسیل داشته بود برعهده داشت . پس از شکست داریوش دراین‌جنگ که سرنوشت دولت عظیم هخامنشی‌را تعیین‌کرد، اسکندراکسودات Oksodat نامی راکه داریوش در ری به سیاه‌چال افکنده بود از زندان برآورده ساترابی ایالت ماد را بوی بخشود . این مرد چنانکه از نامش پیداست از مردم آسیای میانه بود و ظاهراً اسم او بمعنی داده اکسوس یعنی رود جیحون‌است. دیری نگذشت‌که اکسودات ازچشم اسکندر افتاد و ازطرف آن پادشاه‌آتروپات به‌حکومت ماد تعیین گردید(۳۲۸ق.م). باحتمال‌قوی‌آتروپات‌اسکندررا مطمئن ساخت‌که نسبت بوی از اکسودات وفادارتر است ، و برای نشان‌دادن لیاقت و شجاعت‌خود مردی‌راکه بنام باریاکس Bariaks خوانده میشد وسربطغیان‌برداشته لقب پادشاه ماد وپارس برخود نهاده بود دستگیرکرده به‌اسکندر تسلیم‌کرد.

سپس بنا به‌تمایل اسکندربهنگام جشنها وتشریفاتی‌که درشوش برپاگردید با مقدونیان عقد خویشاوندی منعقد کرد . سپس برای استحکام موقعیت خود ، دخترخویش را به پردیکاس Perdikas سردارمقتدر اسکندر داد .

پس ازآن اسکندر به ماد رفت و از دشتهای مشهور نیسای که چراگاه پنجاه‌هزار اسب متعلق به لشکریان شاهی بود بازدیدکرد . معلوم شد عده‌زیادی

از آن اسبان را سپاهیان مقدونی بغارت برده‌اند. آتروپات پس‌از آن برای تفریح و جلب نظر اسکندر صد زن برگزیده که سوارکارانی ماهر بودند در یکی از جشنها باسکندر تقدیم کرد.

این زنان ملبس به لباس مردان بودند و بجای نیزه تبرزین و بجای سپر سنگین سپر سبك داشتند. نوشته‌اند که این زنان از سرمت‌ها یعنی سکائیان تیزخود ماوراء قفقاز بودند که آتروپات درفاصلهٔ سالهای ۳۲۸ و ۳۲۴ با آنان جنگ کرده وگروهی ازایشان را باسارت گرفته بود.

پس ازمرگ اسکندر درسال ۳۲۳ ق.م آتروپات درمجلس مشاوره‌ای که از طرف سرداران آن پادشاه دربابل انعقاد یافت حاضر نبود.

ساتراب‌نشینی ماد سفلی به یك سردار مقدونی بنام «پیتون» واگذار شد، و آتروپات بمناسبت آنکه مردی لایق و پدرزن پردیکاس نایب‌السلطنه اسکندر بود درمقام خود درمادکوچك ابقاءگشت.

پس ازکشته‌شدن پردیکاس در سال ۳۲۱ ق.م، سرداران اسکندر در «تری پارادیس» گردآمده وبه تقسیم مجدد ساتراپ‌نشینها پرداختند. مادکوچك یعنی ساتراپ‌نشین آتروپات جزء این‌تقسیم نبود ازآن تاریخ مادکوچك یا آذربایجان را میتوان دولتی مستقل شمرد.

باید دانست که بخش‌شمال غربی مادیعنی‌مادکوچك ومادسفلی (ماد بزرگ) ازلحاظ اقتصادی وجغرافیایی با یکدیگر وجوه مشترك ناچیزی داشتند. اقتصاد مادکوچك واجد کشاورزی وصنعت نسبةً عالی بود و تکافوی احتیاجات آن را مینمود، ودرآن زمان که اقتصاد طبیعی بیشتر حکمفرما بود نیازی بالحاق و یا اتحاد با دیگر نواحی نداشت. مادکوچك برخلاف ماد سفلی بر جادهٔ اصلی بازرگانی و سوق‌الجیشی میان نواحی آسیای مقدم وآسیای میانه واقع نبود و باین علت هم توانست ازاتحاد با دیگر ساتراپی‌های سلوکی احترازکند.

دیگر آنکه علاوه برحسن‌تدبیر آتروپات‌براثروجود قبایلی جنگجو چون کادوسیان در مادکوچك ،آن ایالت را از سلطهٔ نظامی مقدونیهاکه دیگر ایالات ایران را تحت سیطرهٔ خودآورده بودند محفوظ داشت .

درآن زمان یعنی قرن چهارم ق.م دیگر: ماننائیان و لولوبیان و کاسپیان درآذربایجان وجود نداشتند ، بلکه کادوسیان ، و ماتینیان و مادی‌ها و دیگر اقوام ایرانی بجای ایشان نشسته وخود را مادی وآریایی میخواندند .

ادارهٔ امور مذهب بدست مغان بود و زبان ایرانی مادی در بین مردم آن رواج داشت . چون یونانیان درآن خطه رسوخی نداشتند ، آذربایجان ازلحاظ وجـود طایفهٔ مغان درآنجا پناهگاه‌آیین زردشت و تکیه‌گاه ایرانیت در برابر هلنیسم ویونان مآبی‌گردید.[۱]

وجه تسمیهٔ آذربایجان

نام این ایالت درپارسی میانه . آتورپاتاکان âturpâtâkân ودر پارسی ادبی . آذربادگان، آذربایگان، ودرپارسی جدید.آذربایجان ودر یونانی قدیم‌آتروپاتنه Atropaténé ودریونانی بیزانسی:آدرابیغاننAdrabighanôn ودرارمنی اتره‌پتکن Atrapatakan ودر سریانی‌آذربایغان Adhorbaighân آمده است .

گاهی عوام این استان همزه‌آذربایجان‌را به «ها» تبدیل‌کرده با دال‌بی‌نقطه «هادربایجان» تلفظ‌کنند[۲]

این کلمه مرکب از سه جزء است . اول‌آتورAturکه بمعنی آتش ، و دوم . پت Pat که بمعنی نگهبان ، وسوم. کان (گان) بمعنی محل و جا است . دو جزء اول‌همان اسم ترکیبی آتورپارت‌است‌که درفارسی «آذربد» میشود وبمعنی‌نگهبان

۱ـ تاریخ ماد ص۵۴۲-۵۵۶

۲ـ رك : روضات‌الجنان ص۶۸۴

آتش می‌باشد ، وچون صاحب آن‌که خود ازخاندان روحانی بود فرمانروایی ماد کوچك را داشت ، از اینرو ایـن سرزمین را بنام او آتورپاتکان یعنی جایی‌کـه آتورپات (آذربد) برآن حکومت میکند خـوانده‌اند .[۱] بعضی از خاورشناسان مانندکنودتزون J. A. Knudtzon بدون ذکر دلیل معتقدندکه ،آتورپات ،درآغاز نام شهری بوده وآن را بادژ«آندراپاتی[آنو]» که درکتیبه‌های آشوری(آندرا-پاتیانو) ازشهرهای ماد درحوالی قزوین یاد شده یکی دانسته‌اند .

کنود تزون بجای «آندراپاتیانو» آن‌کلمه راآنتارپاتی خوانده ومتوجه‌نشده که این نام در دیگرمتون آشوری نیز دیده میشود . درصورتیکه چنانکه در بالا یاد کردیم نام آذربایجان درزبانهای مختلف ایرانی ازقدیمترین زمان با مختصر اختلافی بهمین صورت آمده وآن از نام آتورپات (آذربد) مورد بحث گرفته‌شده وکان Kan هم پساوند مکان است‌که در زبان یونانی به شکل Éné به‌آن نام الحاق شده و Atropaténé گردیده است .

بنابراین امکان اینکه آترو Atro یا آتورAtur را ازآندارAndar یا آنتار Antarمشتق بدانیم ودرنتیجه نام آذربایجان آشوری‌شده «آندارپاتیانو» راکه نام شهری دورتر از مادکوچك بوده باآذربایجان یکی بدانیم معقول نیست[۲]

خاندان آتروپات

پس از مرگ آتروپات دودمان او درآذربایجان حکومت‌کردند و بمرور این‌کشور دولتی شدکه اسماً جزء دولت سلوکی بشمارمیرفت ولی درمعنی‌مستقل بود . این پادشاهان شهرگنزك یا شیز راکه بیونانی‌گزکا Gazaca خـوانده میشود پایتخت خود ساختند .

1- Minorsky, E. I. (N.E) T1, P. 194

۲- تاریخ ماد ص ۳۲۵ و ص ۶۹۰

پس‌از نیرومند شدن پارتیها، آذربایجان متحد دولت پارت بود ودرواقع از ازملوك‌الطوایفی‌های آن دولت بشمارمیرفت . در زمان بلاش اول (۵۱ـ۷۸ . م) اشکانی، برادربزرگ اوپاکر Pacorus ازطرف دولت اشکانی‌پادشاه این‌ایالت شد . حدود آذربایجان‌ظاهراً دردوره‌خاندان آتروپات‌وزمان‌اشکانیان‌ازشمال به‌ارمنستان بزرگ وکردون Korduene وآدیابن Adiabene وازطرف جنوب به مادبزرگ، و ازمشرق به دریای‌خزروکادوسیان (طالش) بوده است .

سرحدات آتروپاتن درطی‌قرون‌متمادی‌چند بارتغییر کرده وآن مملکت‌در درزمان‌ارته‌بازان Artabazanes که ازخانواده‌آتروپات ومعاصر آنتیوخوس‌سلوکی بود و در سال ۲۲۰ ق.م بر آن سرزمین سلطنت داشته بـه منتهای وسعت خود رسیده است .

درزمان این پادشاه حدودکشورآتروپاتن به اراضی پنت Ponte در اطراف فازیس Phasis یعنی‌تاگلخیددرماوراء قفقازمیرسیده است . وی‌درحین‌لشکر کشی آنتیوخوس‌کبیرسلو کی‌مجبورشدشرایط صلح‌اورا بپذیرد ودره‌ارس‌را با پایتخت آن از ماویر Armavir تخلیه کند و در آنجـا آرتـاخیـاس Artaxias را بعنوان استراتگ Strateg (فرمانده قشون) منصوب نماید .

ولی‌این‌سردار بقول‌استرابن‌بعدادعای‌استقلال کرد واراضی‌کسپین‌Kaspiene و فای نی‌تیس Faynitis و بـاسوروپدان Basoropedan را ازچنگـك ماد آتروپاتن بیرون‌آورد .

باید دانست‌کـه منظور استرابن ازکسپین ، همان ولایت ارمنی‌نشین پـائی تاکران Paitakran است که درمشرق Uti درکنارارس واقع بود و تا دریای خزر امتداد داشت وبعد دوباره جزءآذربایجان گردید .

اما فای‌نی‌تیس، ناحیه اپاهونیك Apahunik درایالت تاروبران Taruberan درمغرب دریاچه وان است‌که‌آرکانی Arkani (فرات جنوبی) ازآن میگذرد .

ولی باسوروپدان بایستی همان ولایت وسپورگان Vaspurakan باشد [۱] .

درسال ۶۷ ق . م پادشاهی بنام مهرداد Mithridates که داماد تیگران پادشاه ارمنستان بود بدون اتکاء به پدر زنش در آذربایجان سلطنت میکرد .

درسال ۶۵ ق.م داریوش پادشاه آذربایجان باگسیل داشتن سفیری نسبت به پومپه‌ئیوس Pompeius سردار معروف روم اظهار انقیاد نمود . این کشور بعدها با ارمنستان یك جا تحت نفوذ پارتها (اشکانیان) قرار گرفت سپس آریو برزن Ariobarzanes اول درحدود ۳۰ ق.م و پس از او پسرش ارته وازده Artavasdes دوم بسلطنت رسید . درسال ۳۶ ق.م آنتونیوس Antonius سرداررروم باشانزده فوج یعنی شصت هزارمردکه ازجمله مرکب ازبیست وچهارهزارقوای کمکی شرقی وده هزار تن اسپانیائی و گالی (فرانسوی) وشش هزارسوارارمنی بودند ، برای اشغال ایالت پارتی (اشکانی) آذربایجان به آن استان حمله آورد . ارته وازده شاه آذربایجان متحد فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی بود . پایتخت آذربایجان دراین زمان فرسپا Fraspa نام داشت اصل این نام درپارسی باستان ، فرادهاسپه Fradhaspa یعنی اسب پیروز بوده که درفارسی میانه (پهلوی) تبدیل به فراهاسپ Frahasp شده و در کنار دریاچهٔ اورمیه قرارداشته است .

آنتونیوس این پایتخت مستحکم را که زنان و فرزندان ارته وازده پادشاه ماد درآن جای داشتند به کمك آرتاواسدس پادشاه ارمنستان محاصره کرد (۳۶ق.م) فرهاد چهارم شاهنشاه اشکانی با چهل هزارسوار پارتی و ۴۰۰ آزاده که ازملازمان شخصی او بودند وده هزارسوارمادی برای مقابله با دشمن به آذربایجان شتافت این هردو پادشاه یعنی فرهادچهارم وارته وازده پیش از آنکه یکی از نایبان آنتونیوس بنام اوپیوس ستاتیانوس Oppius Statianus که با دو فوج ، اسباب و لوازم سنگین محاصره بنابود به آنتونیوس ملحق شود ، درمحل حاضر شدند . ناگاه ستاتیانوس

۱ــ مارکوارت: ایرانشهر J. Mârquart, Eranshahr, 1901, p. 108-14

ازطرف لشکریان پارتی به‌سر کردگی‌مونازس Monases غافلگیر شده‌اوو لشکریانش به تیرهای‌سواران پارتی گرفتار آمدند ویکباره هفت‌هزاروپانصد تن‌ازآنان‌بخاك هلاك افتادند .

به محض شنیدن این خبر آرتاوازدس پادشاه ارمنستان از اتحاد با رومیان پشیمان شده با لشکرخویش‌به‌کشورخود بازگشت وسرانجام درجنگ سهمگینی که بین قوای ایران وروم درنزدیکی‌تبریزفعلی‌واقع شد آنتونیوس شکست‌خورد وبفکر گریزافتاد . پارتیان‌با شیوه مخصوص‌خودایشان‌را تعقیب کردندودرظرف نوزده روز آنان را مورد حمله و تهدید خویش قراردادند و گروه بسیاری از آنان را بخاك هلاك افکندند . و بالاخره در کنار رود ارس از تعقیب آنان دست برداشتند .

رومیان‌دراین‌جنگ‌سی‌ودوهزارتن‌تلفات‌دادند پس‌ازاین‌فتح‌فرهاد پیروزی خودرا جشن‌گرفت،ونام‌خویش‌را برسکه‌هایی که تمثال آنتونیوس‌وملکه‌کلئوپاتر را داشت ودرمیان اشیاء غارت شده رومیان پیداشده بود ضرب‌کرد، ودربهارآینده مجدداً ارمنستان‌را تسخیر و پادشاه‌آن‌را مغلوب ساخت . پس‌ازخاتمه جنگ در هنگام تقسیم غنائم جنگی،آرته وازده پادشاه آذربایجان خودرا مغبون یافت وبا فرهادچهارم قطع رابطه کرد ودرسال۳۵ ق.م سفیری بنزد مارك آنتونیوس که در اسکندریه مصرمقرداشت‌فرستاد واورا به‌ایران‌دعوت کرد.آنتونیوس‌برای‌اینکه شکست خودرا جبران‌کرده باشد نخست به ارمنستان‌شتافت و ارتاواسدس پادشاه آنکشوررا به‌جرم‌خیانتش‌وفرارش‌ازجنگ بامکروحیله اسیر کرد وباارته‌وازده پادشاه ماد درسال۳۳ ق.م درکنار رودآراکسس Araxes (ارس) ملاقات کرد وبااو پیمان دوستی بست‌که برطبق آن‌قسمتی‌ازارمنستان یعنی‌ناحیه‌سوبمباکه Symbace راکه‌به‌مادتعلق‌داشت‌باوواگذاشت ، وقوای کمکی‌رومی‌را برای‌جنگ با پارتی‌ها دراختیاراوقرارداد. ودرعوض ازسربازان آذربایجانی‌برای‌مقابله با اوکتاویانوس

Octavianus استفاده کرد .

ارتاوازده چندان مجهز و آماده کارزار شده بود که توانست پارتی‌هارا که می‌خواستند ارتاکزس Artaxes دوم پسرارتاواسدس‌ارمنی‌راکه پس‌ازاسارت‌پدرش بدست‌آنتونیوس به نزدآنان‌گریخته بود برتخت سلطنت ارمنستان بنشاند وادار به عقب‌نشینی‌کند. اما به‌محض‌آنکه‌آنتونیوس‌قوای رومی‌را بنزدخود فراخواند بدون‌آنکه لشکرمادی‌را پس‌فرستدآرته‌وازده‌ازلشکر پارتی‌شکست‌خورد واسیر آنان‌شد وآذربایجان بدست اشکانیان افتاد و رومیانی‌که درارمنستان بودند همه بدست پارتیان نابود شدند وارتاکزس درسال ۲۰ ق.م بپادشاهی‌ارمنستان رسید.

اما چون اندکی‌بعد دردولت اشکانی قیامی برای تصرف تاج وتخت‌صورت گرفت ارته‌وازده پادشاه‌آذربایجان‌آزادی‌خود را بازیافت وباکلیه‌کسانش‌به‌دولت روم پناهنده‌شد. آنتونیوس‌خواهراوراکه «یوتاپا» نام داشت برای‌پسرش‌الکساندر که ازکلئوپاترملکه مصری‌داشت بزنی‌گرفت ارته‌وازده سرانجام در۳۸ سالگی درروم درگذشت[۱] .

پس از مرگ آرته‌وازده ، تیگران پادشاه ارمنستان برائرمنسوب شدن با سلسله اشکانی‌هفتاد ناحیهٔ‌کوهستانی‌راکه سابقاً برادرش‌آرتاکسیاس‌ازآذربایجان منتزع ساخته بود بدولت ایران مسترد داشت وآن نواحی بازجزءآذربایجان‌شد ازجمله‌آن ولایات وسپورکان است که درنواحی«باش‌قلعهٔ» فعلی‌واقع‌بوده‌است . تیگران درسال ۶ ق.م درگذشت .

احتمال‌داردکه درهمین‌زمان مادآتروپاتن (آذربایجان) از دولت اشکانی جدا شده ودربین‌سالهای ۲۰ ق.م تا ۲ میلادی ازروم تقاضای‌فرستادن‌پادشاهی‌برای خودکرده باشند .

رومیان‌آریوبرزن دوم Ariobarzanes پسر آرته وزده را برای پادشاهی به

۱ـ گوتشمید ص۱۴۹-۱۵۵ وایران درعهد باستان ص۳۱۳

آذربایجان فرستادند ، ووی مورد حمایت اگوستوس امپراطور روم قرار گرفت پادشاهی آریوبرزن دیری نپائیدودرزمان‌فرهاد پنجم(۲ـق.م ـ۴ م) از آذربایجان رانده شدکمی پس ازاین‌واقعـه خبری بعنوان پناهنده بی‌خانمان در نزد رومیان دردست‌است‌چنین‌بنظرمیرسدکه دراین‌زمان‌سلسله‌کهن آتروپاتن‌باخلع آریوبرزن دوم منقرض‌شده باشد .

احتمال‌دارد یکی‌ازشاخه‌های فرعی‌خاندان‌پارتی درآنجا بحکومت مشغول شده باشند .

آذربایجان تحت حکومت اشکانی

درزمان ونن Vonones اشکانی(۸ـ۱۷.م) اردوان Artabanus نامی که ازطرف مادر با سلسله اشکانیان‌بستگی‌داشت ودرمیان قبایل‌شرقی داهه‌ها رشدکرده بود درآذربایجان‌پادشاهی‌میکرد چون‌مردم ایران‌ازونن‌که تربیت‌رومی‌داشت‌ناراضی بودند ، اردوان را بپادشاهی دعوت‌کردند .

پس از چند جنگ ونن‌شکست خورده بـه سلوکیه‌گریخت و اردوان بنام اردوان‌سوم از آذربایجان رهسپارپایتخت شده شاهنشاه‌ایران گردید(۱۸ـ۴۰.م) . پس از شاهنشاه شدن اردوان ، برادراو که نیز ونن Vonones نام داشت ، ازطرف دولت مرکزی اشکانی بشاهی آذربایجان فرستاده شد .

پس ازاردوان سوم پسرش واردان (۴۰ـ۴۶ . م) شاهنشاه ایران شد و پس از وی برادرش‌گودرز(۴۶ـ۵۱ .م) بشاهی نشست .

بعدازمرگ‌گودرزبزرگان‌ایران‌ونن‌برادراردوان‌سوم‌راکه پادشاه آذربایجان بود از آن‌ایالت‌خواسته‌واورابنام ونن‌دوم برتخت‌شاهنشاهی‌ایران نشانیدند (۵۱ـ ۵۴م.)ـپس از او پسرش پارکوروس Pacorus به شاهی آذربایجان منصوب شد .[۲]

۱ـ کوتشمید ص۱۸۶ـ۱۷۸

۲ـ کوتشمید ص۱۹۳ ؛ ایران درعهد باستان ص ۳۴۹

در زمان بلاش سوم اشکانی (۱۴۹–۱۹۰) مارکوس وروس Marcus_Verus سردار رومی در سال ۱۶۵ م . بایران حمله کرد و آذربایجان را تسخیر نمود و بهمین مناسبت لقب مدیکوس Medicus (یعنی فاتح ماد و آذربایجان) گرفت . ازاین‌نکته میتوان دریافت کـه دراین زمان ماد آتروپاتن (آذربایجان) هنوز دولتی نیم مستقل بوده است .[۱]

مغان در آذربایجان

هرودت نوشته است‌که مغان یکی‌ازشش‌قبیله قوم ماد بودند. درعهدهرودت (قرن پنجم ق.م) وظیفه ادای مراسم دینی بعهده مغان بود ودرقربانیهاوتشریفات مذهبی حضوریکی ازایشان ضرورت داشت .

بقول استرابن مغان پرستندگان آتش‌مقدس بودند وهمواره مواظب بودند که‌آن‌آتش‌خاموش نشود . دیگرمنابع یونانی‌مغان را روحانیان زردشتی وعلمای دینی ایران شمرده‌اند [۲]

در ادبیات زردشتی نیز اصطلاح ، مغ ، بمعنی عـالم دینی و ملای زردشتی آمده است .

درایران قدیم چون اصول‌طبقاتی‌برجامعه انسانی‌مستولی واداره هرقسمت ازاموراجتماع‌بعهده طبقه‌ای محول‌بود، سربازی وجنگ‌آوری وظیفه‌ارتشتاران وکشاورزی وظیفه برزگران ، ونگاهبانی آتش وادای مراسم مذهبی بعهده طبقه آثروان (نگاهبان‌آتش) یا مغان واگذارشده بود .

آریایی‌های ایرانی درمهاجرت بزرگ خود ازشرق به غرب این‌وظایف را درمیان تیره‌هـای مختلف آریایی تقسیم کرده بودند وچون به ری وآذربایجان رسیدند مغان‌که طایفه‌ای ازقوم‌آریایی ماد بشمار میرفتند درمغرب ایران سکنی

۱– کوتشمید ص۲۲۵–۲۲۶ ؛ ایران درعهد باستان ص۳۵۵

۲– دکترمشکورتاریخ اجتماعی ایران درعهد باستان ص۹۰–۹۸

گزیدند . وبه تدوین اوستا وگسترش وتبلیغ دین زردشتی پرداختند .

ظاهراً تدوین نهائی قوانین واحکام اوستا تحت نظر مغان آتروپاتن (آذربایجان) صورت گرفته است .

بظن غالب در تمام مدت نفوذ وتسلط فرهنگ یونان یا هلنیسم ، آذربایجان تحت حکومت روحانی طرفدار کیش مغان وزردشتی بود وبقدری در تبلیغ وحمایت ازکیش زردشتی مبالغه شد کـه مفسران اوستا در قرون بعد ماد را اعم از ری یا آذربـایجان محل تولـد زردشت پنداشتند . حتماً وجود آتشکده عظیمی چون آذرگشنسپ درشهرشیز نزدیك دریاچه اورمیه ، ونیزوجود مرکزی زردشتی در دماوند نزدیك ری که مصمغان (بزرگ مغان) در آن می‌نشست ، به توّهم این خیال که زردشت ازمردم آذربایجان ویا ولایت ری بوده کمك کرده است .

چنانکه درپیش درشرح احوال مردم قبل از تاریخ ایران در آذربایجان گفتیم در آن ایالت ازقبل از نهصد پیش ازمیلاد خبری از اقوام آریایی در آذربایجان نبود ومردم آن سرزمین دارای زبانهایی غیر آریایی چون گوتی، ومانناییبودند.. بنابراین ظهور پیغمبر آریایی بزرگی چون زردشت در آن عصر در آذربایجان که کتاب اواوستا بزبان آریایی‌های ایرانی مشرق است بعید بنظر میرسد . باید همینطور که شواهدی ازاوستا وسرزمین جغرافیایی آن دردست است اورا ازاهل مشرق وخراسان دورویا خوارزم بدانیم .

اصولاماد وآذربایجان ازنظراعتقادات مذهبی بدودورهٔ متمایز تقسیم میشود یکی پیش ازقرن هفتم ق.م ودیگری ازآغاز آن قرن ببعد .

طبق منابع آشوری واورارتوئی دردوره اول مردم آذربایجان خدایان گوناگون را میپرستیدندکه بیشتر آن بتان، خدایان لولویی وقوم مانناوکاسپی‌ها بوده‌است،

۱ـ دکتر مشکور : تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان ص ۱۰۳ و ایران در عهد باستان ص ۶۴ـ۶۶

و آثار باستانشناسی نیزمؤیدآنست . رسم احترام به سگ و گذاشتن مردگان در هوای آزاد وطعمه پرندگان‌ساختن آنها که بعدها درمیان زردشتیان متداول‌گشت بقول استرابن درمیان‌کاسپی‌ها و آلبانی‌ها نیز رواج داشته است نام اهورا ـ مزدا در کتیبه‌های آشوری در ضمن اسامی مادی بصورت ائور Aur و مشدا Mashda آمده است .

این دونام که اولی بمعنی خداوند ، و دومی بمعنی بخرد وداناست‌چنانکه دراوستا نیزدیده میشود جدا بکارمیرفته است . ولی‌در کتیبه‌های‌هخامنشی‌همواره بصورت ترکیبی‌وپیوسته یعنی‌اهورامزدا Ahuramazda استعمال‌شده است،همچنین کلمه بغ (خدا) درکتیبه‌های‌آشوری بصورت بگ Bag آمده است .

دیگر اصطلاحات دینی از قبیل . آرتا Arta ورته Rta بمعنی راستی و ایمان وخشثره Xshathra بمعنی‌حکومت و قدرت ، وفرکه در اوستا خورنه Xvarenah ودرمادی‌فرنه Farna میشود . به ترتیب درکتیبه‌های‌آشوری ایرتا Irta وارتا Arta وستر Satar و کیشتر Kishtar و برنا Barna و پرنا Parna و پرنو Parnu بکار رفته است .

ذکراین‌نام‌ها در کتیبه‌های‌قرن نهم تا هفتم‌آشوری دلیل‌آنست‌که مادها در این دوره به مقدسات اوستایی اعتقاد داشته‌اند .

هرودت در تعریفی که از مغان میکند آنان را قبیله‌ای مخصوص از مادها میشمارد ومیگوید رسوم مذهبی‌وعادات مغان‌با پارسیان تفاوت‌دارد. ازسنگنبشته بیستون نیز استنباط میشودکه مغان صاحبان حرفه وطبقه یاقشری ازمردم‌نبوده، بلکه نژاد وقبیله خاصی بوده‌اند که بقول هرودت نژاد مادی باشد .

ازآن پس‌درزمان اسکندرمقدونی وبعد ازاواقوام باستانی بطورکلی کاهنان اقوام ایرانی زبان وروحانیان مردمی راکه دین‌ایشان منشأ ایرانی‌داشته مثلا در کاپادوکیه ، مغان یا مجوسان میخواندند .

دراواخردوره پارتها واوایل‌دوره ساسانیان یونانیان و رومیان‌کشیشان دین زردشتی‌وزروانی‌را ازمغان (مجوسان) نوشته‌اند . افلاطون‌نخستین‌کسی‌است از فلاسفه یونان‌که به تعلیمات مغان علاقه نشان داده است .

در اواخر دوره هلنیسم ، فلسفه‌های عرفانی و نو افلاطونی که غالباً با زرتشتیگری ارتباطی نداشته ،گاهی بنام ، تعلیمات مجوسان (مغان) و کلدانیان خوانده‌اند ازدوره اسلامی‌باینطرف‌مغ ومجوس‌درادبیات مشرق‌بمعنی آتش‌پرست بکاررفته است .

محتملا سرزمین قبیلهٔ مغان ناحیه رغه (ری) یکی از شهرهای بزرگ ماد بوده‌است. درترجمه پهلوی اوستا (یسنا فصل۱۹) آمده‌که زرتوشتوم‌یعنی‌کسیکه ازهمه شبیه‌تربه زرتشت است ولقب موبد بزرگ زردشتیان بوده درری‌حکومت روحانی داشته است . درمنابع‌عربی‌نام‌این‌شخص، مصمغان، (مس‌مغان)یعنی‌بزرگ مغان‌آمده‌که دررری میزیسته و در زمان عرب در ناحیه دماوند حکومت میکرده است . ظاهراً سرزمین بدوی قبیله مغان‌راکه نخستین پیروان‌کیش زرتشت بودند باید درهمان رغه (ری) جستجوکرد و بعداً نفوذآنان در نواحی دیگر بخصوص آذربایجان توسعه یافت[۱] . بازباید یادآورشد چنانکه درپیش‌گفتیم زبان‌ایرانی اوستا ولهجه خاص گاتاها زبان مادی‌نیست بلکه ازالسنه شرقی ایرانی است وبا زبان کتاب‌ریگودا ارتباط‌دارد . فقط درآغازقرن‌ششم ق.م است‌که مغان‌توانستند دردربارشاهان ماد بسمت نمایندگی دین زردشت امورمذهبی‌را دردست‌گیرند .

هرودت درباره مذهب پارسیان‌که ازلحاظ دین تحت رهبری مغان قرار داشتند چنین مینویسد : «برپاداشتن بتان وبنای معابد و قربانگاه‌ها نزد ایشان مجاز نیست .... ایشان خدای رادرمخیله خویش شبیه به‌آدمیان مصور نمیسازند درپیشگاه خورشید وماه وخاك وآب‌وآتش قربانی میکنند ، قاعده برآنست که

۱ــ تاریخ ماد ص ۴۵۵-۴۸۵

هیچ قربانی بدون حضور یکی ازمغان اهداء نمیشود» . «معروف است که جسد مردگان باید قبل ازدفن‌کردن‌بوسیله سگی یاپرندهٔ شکاری قطعه قطعه شود . در مورد مغان من اطمینان دارم که‌آنان بامردگان خود چنین میکنند زیرا آنان این‌عمل را درمنظر عام انجام میدهند . ولی پارس‌ها جسدمردگان خودرا قبل‌از مدفون‌کردن درخاك باموم‌اندود میکنند . مغان بادیگرمردم وبخصوص باکاهنان مصری بکلی اختلاف دارند .

کاهنان مصری کشتن‌هرنوع حیوان‌را عملی زشت وناپاك میدانند و ازآن اجتناب میکنند مگر در مواردی که برای‌خدایان قربانی میکنند ، درحالیکه مغان برعکس انواع موجودات را باستثنای سگ وآدمی بادست خود می‌کشند وباین‌کارعلاقه خاص دارند وبدون هیچ‌گونه امتیاز مورچگان را درردیف‌ماران ودیگر حیوانات وحشی زمینی وهوائی بقتل میرسانند»[1] . استرابن مینویسد : «پارسیان درجای پاك قربانی میکنند وقبلا دعاهایی میخوانند وحیوان قربانی‌را باریاحین‌می‌آرایند. مغی که مراسم قربانی‌را بجامی‌آورد،گوشت حیوان راقطعه قطعه‌کرده وبعد هرکس سهم خودراگرفته بخانه برمیگردد - برای خدا سهمی نمی‌دهندزیراپندارند که‌فقطروح‌حیوان‌قربانی‌شده مال‌خداست،باوجودآن‌تکه کوچکی ازگوشت روی آتش‌میگذارند آنان بین‌آب و آتش از حیث مراسم قربانی‌تفاوت قائلند.

برای‌آتش چوبهای خشکی که‌پوست‌آنراکنده‌اند استعمال می‌کنند وآنرا چرب میکنند . بعد ازپایین خرمن هیزم را روشن میکنند و روغن روی آن میریزند بی‌آنکه‌آتش را بدمند. اگرکسی آتش‌را بدمد یامرده ویافضله برروی آن بیندازداورا میکشند . بعد مغان‌گوشت رابروی مورد یاشاخه های درخت غار میگذارند وعصای خودرا به‌آن میرسانند وسرودهایی‌خوانده‌روغنی راکه باشیر

۱ - تاریخ هرودت ج۱ص۲۱۶و۲۲۱-۲۲۲

و عسل آمیخته‌اند بزمین میریزند . پس از مدتی باز سرود خوانده دراین حال دسته‌های ازترکه های درخت‌گز (بَرسَم) بدست دارند»

«درکاپا دوکیه مغان بسیارند وآنان راکاهنان و نگهبانان‌آتش می‌نامند . مغان هنگام قربانی کردن چاقوبکار نمیبرند بلکه حیوان راباهیزم یادسته هاون میکشند . مغان مواظبندکه‌آتش خاموش‌نشود .آنان روزها به‌آتشکده‌آمده هر ساعت یکبار دربرابرآتش سرود میخوانند. دراین حال دسته‌ای ازترکه (یعنی برسم)بدست دارندوکلاهی نمدی برسرکه اطراف‌آن از دو سمت دوگونه ایشان آویزان است‌بحدی که‌لب‌ها رامیپوشاند».

«پارسیان مردگان راپس ازآنکه . موم‌میمالند بخاك میسپارند ولی مغان مردگان خودرا دفن‌نمی‌کنند ، بلکه میگذارند تاجسد راپرندگان بدرند»

پلو تارك می‌نویسدکه : زرتشت مغی بود که پنجهزار سال پیش از جنگ تروا میزیست(۶۰۰۰ق.م) اوقائل به‌دو اصل‌نیکی وبدی‌بود.

گزنفون میگوید: «برای مراسم تاجگذاری اردشیر دوم مغان دعوت شده بودند. کنت کورث مینویسد: «در هنگام حرکت سپاه داریوش سوم‌ازبابل بقصد اسکندر، درپیشاپیش سپاه آتش مقدس‌را می‌بردندومغان دراطراف‌آن درحرکت بودند. پلوتارك می‌نویسد: اردشیراول‌هخامنشی به‌مغان‌امرکردتافلسفه خودرابه تمیستوکلس سرداریونانی که‌فاتح جنگ سالامیس‌بود وبدربار ایران پناه آورده بود بیاموزند».[۱]

میتوان‌گفت که‌پارسیان‌زمان هخامنشی‌ازنظر دین درتحت تأثیرشدیدمغان قرارداشتند ، ولی هنوزچنانکه بایدوشاید به‌کیش مزبور نگرویده بودند.تعالیم مغان ازقرن هشتم تاقرن ششم ق.م یك‌جریان معین دینی بود،ولی بااینحال مرز مشخصی میان مؤمن وغیرمؤمن یامعتقدان به‌ادیان دیگروجودنداشت . بهترین دلیل این مدعی‌آن‌بودکه پارسیان باآنکه رهبری دینی مغان را قبول داشتند ،

۱ ـ ایران باستان ج ۲ ص۱۵۲۰-۱۵۲۱و۱۵۲۶

درمواردی بسیار به تعلیمات آنان بی‌اعتنا بودند[۱] .

باری مغ‌ها خیلی زود تر ازدیگر ایرانیان کیش زردشت را پذیـرفتند و اصلاحاتی در آن کردند . تعالیمی را که مغان در مغرب ایران تبلیغ و ترویج میکردند قبلا در باختر «بلخ» ومشرق ایران رواج داشت .[۲]

بر اثر نفوذ مداوم مغان در کشور مادکوچك آن ایالت سنگرگاه و حصن حصین آن طایفه گردیدو آن نفوذ مذهبی آنقدر توسعه یافت که حتی درزمان شاپور دوم کشورمادوخصوصاً ایالت مادآتروپاتن (آذربایجان) را کشورمغان میخواندند. آنان در آن نواحی املاك حاصل خیز و ابنیه عالی داشتند که دیوار و حصاری حافظ آن نبود[۳] .

آتشکده آذرگشنسب- که بمعنی اسب نراست مخصوص پادشاهان و آرتشتاران وبزرگان ایران بود وبزرگترین آتشکده کشور بشمارمیرفت ودرشهر شیز قرار داشت[۴] این شهر را بزبان ارمنی گنزك Ganzak وبپارسی میانه گنجك Ganjak وبیونانی گتسکا Gatsaka میخواندند، وآن نزدیك تخت سلیمان امروزی واقع بودکه درحدود ۲۵۰ کیلومتری جنوبی دریاچه اورمیه وهفتادکیلو متری جنوب شرقی میاندوآب قرار دارد . شهرگنجك رابعربی شیز میگفتند و قلعه آن وره veraیافراسپا Fraaspa یافراسپا Faraspa یاپراسپا paraaspa نام داشت که در پارسی باستان فراذه اسپه Fradhah-spaیعنی اسب پیروزخوانده میشد ودرپارسی میانه : فراهاسپ Frâhâsp گردیده است . این قلعه چنانکه درشرح حال خاندان

۱ـ تاریخ ماد ص ۴۹۰-۴۹۱

۲ ـ م م دیاکونوف ـ ایران باستان ص۹۶-۹۵

۳ ـ کریستنس . ایران درزمان ساسانیان ص۱۳۸

۴ ـ راجع به آتشکده های دیگر بزرگ ایران رجوع شود به تاریخ اجتماعی ایران باستان. تألیف دکتر مشکور ص۱۳۱-۱۳۸

آتروپاتن‌گفتیم درزمان اشکانی پایتخت‌مادکوچك یاآذربایجان بوده است [۱] .این آتشکده راآذر خوش نیزمیگفتند وچون ظاهراً بر مخازن نفت قرار داشته از آتشکده‌های جاویدان بشمار میرفته‌است . درمحل تخت سلیمان برروی تپه ای ویرانه‌های ساختمانهای قدیم دراطراف دریاچه کوچك عمیقی دیده میشود . حصار قدیمی شهرکه دراین‌جاوجود داشته هنوز برجاست ومحیط‌آن۱۲۰۰ متر است . این‌دیوارها پنج متر ضخامت وچهارده متر ارتفاع داشته ودرپیرامون‌آن بیست‌وهفت برج‌برپای بوده که‌هرکدام دودروازه‌داشته است، درمرکز شهریك آتشگاه ومجموعه‌ای ازکاخ‌هاوسربازخانه‌ای بوده‌که‌اکنون ویران‌است ،مؤسسه آمریکائی‌هنر وباستانشناسی ایران ازاین ویرانه‌ها نقشه بسیار دقیقی برداشته که‌هنوز بچاپ‌نرسیده‌است .[۲]

موقعیت دقیق تخت‌سلیمان در دوکیلومتری شمال‌شرقی ده‌نصرت‌آباد و۴۲ کیلومتری شمال قصبه‌تکاب میباشد.طول وعرض‌جغرافیایی‌آن ۴۷درجه‌و۳۰دقیقه در۳۶ درجه و۴۰ دقیقه است و۲۴۰۰ متراز سطح‌دریا ارتفاع دارد. در وسط این قلعه ویران دریاچه‌زیبایی ازشمال شرقی‌به‌جنوب غربی بصورت بیضی نا منظمی کشیده شده‌که‌طول آن۱۲۰ وعرض‌آن۸۰ وعمق‌آن‌بین۴۵تا۶۵ متراست، وبرائر چشمه‌های جوشانی‌که درته‌آن قراردارد‌همیشه پرازآب‌میباشد وتوسط دوجوی روان دره پیرامون خودرا مشروب میسازد.

این دژ دودروازه اصلی بزرگ داشته‌که هنوزهم پایه‌ها ودیوارهای طرفین وطاق سنگی بالای‌آن‌ها باقی است . ازاین دو دروازه یکی درقسمت شمال قلعه به ارتفاع پنج متروعرض‌چهارمتر ونیم ودیگری درجنوب شرقی به ارتفاع‌سه‌متر وعرض‌سه متروچهل‌سانتیمترقرارگرفته است .

۱ــ مارکوارت : ایرانشهر
۲ــ لوئی واندنبرگ : باستانشناسی ایران‌ص۱۱۷

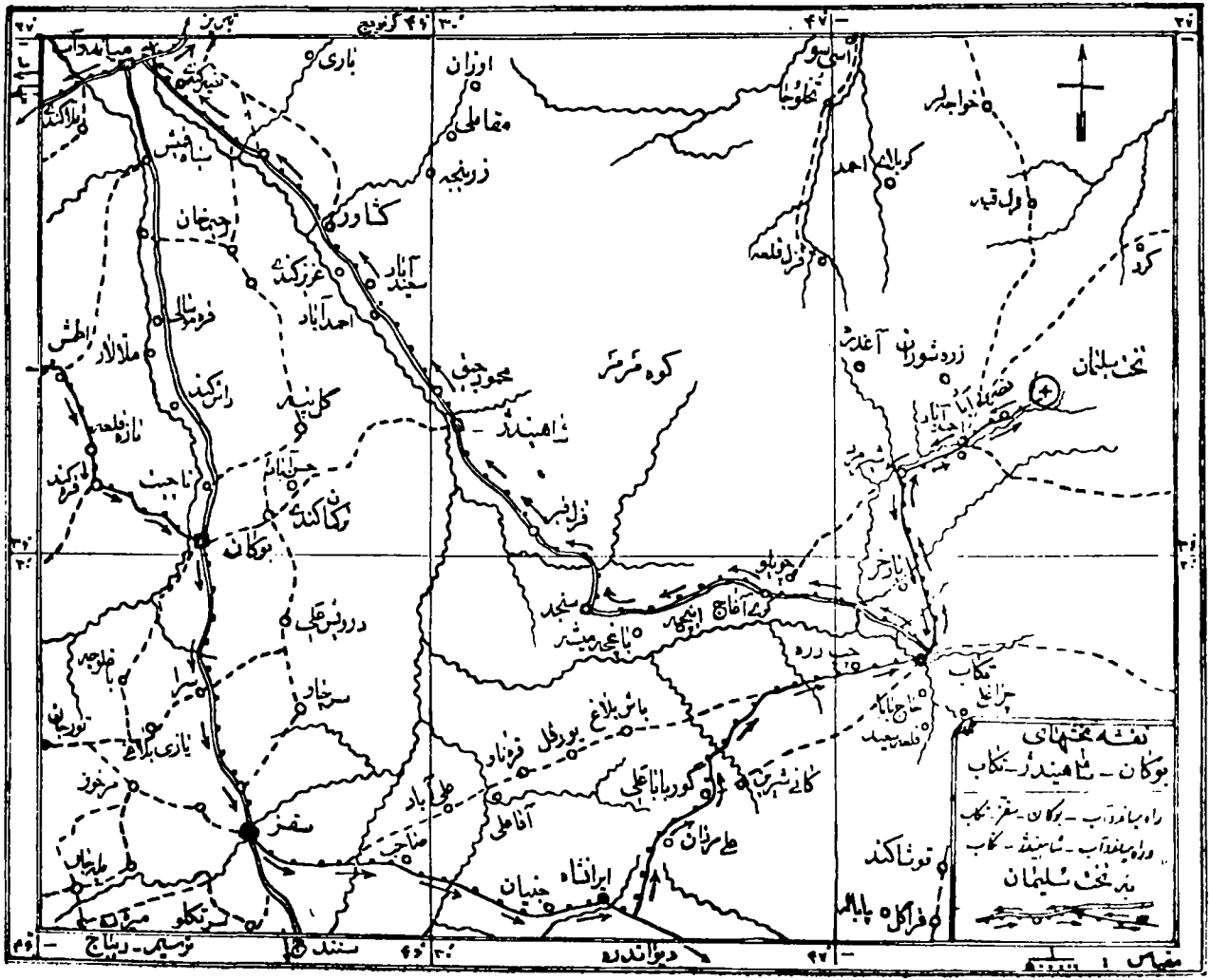
درقسمت شمالی محوطه باقیمانده ساختمانی که معروف به آتشگاه است دیده میشود . پایه‌های این بنا با سنگ ودیوارهای آن باآجرهای بزرگ شبیه به آجر بناهای دوره ساسانی ساخته شده است . در بعضی قسمتها باقیمانده طاقهای هلالی و آثار گچ کاری مشاهده میگردد [۱] . ابودلف مسعر بن المهلهل جهانگرد عرب در اوائل قرن چهارم هجری که درایران و آذربایجان سیاحت کرده درسفرنامه خود موسوم به ، الرسالة الثانیه ، درباره این آتشکده چنین مینویسد :

«شیزشهری است میان مراغه وزنجان وسهرورد ودینور... دیوار این شهر دریاچه‌ای را احاطه نموده است که وسط آن به ته نمی‌رسد . من وزنه‌ای با ریسمانی بطول چهارده هزار وکسری ذراع در آن انداختم ولی وزنه به ته دریاچه نرسید . محیط دائره این دریاچه درحدود یك جریب هاشمی است . چون خاك با آب آن خیس شود برفور بشکل سنگ سخت درمیآید ازاین دریاچه هفت نهر جاری است که هریك به آسیابی میریزد . سپس اززیردیوار بیرون میرود .

درشیز آتشکده مهمی وجود دارد که آتش مغان (مجوس) از آن بسوی مشرق ومغرب فروزان است . بربالای گنبد این آتشکده هلالی ازنقره نصب شده که طلسم آن بشمار میرود وگروهی ازامیران و فاتحان خواستند آنرا برچینند اما کوشش آنان بجایی نرسید . ازشگفتی‌های این آتشکده آنست که کانون آن ازهفتصدسال پیش فروزان است والبته خاکستر درآن وجود ندارد وشعله آن هیچگاه خاموش نمیگردد» [۲] این شهررا هرمز پسرخسروشیرپسر بهرام با سنگ وآهك بنانمود ... داستان بنای آن اینست که هرمز پادشاه ایران خبریافت نوزاد فرخنده‌ای دردیه بیت اللحم دربیت المقدس زاییده خواهد شد وقربانی بوی زروزیتون وکندراست

۱ــ آثار باستانی آذربایجان ص۱۱ــ۱۳

۲ــ الرسالة الثانیه طبع قاهره سال ۱۹۵۵ ص۲و۳ وترجمه آن : سفرنامه ابودلف ص۳۸ــ۴۰



مربوط به صفحه ۱۱۱

(وی این‌هدایارا باکسی بنزد مادراوفرستاد) فرستاده بنزد مادر اومریم رفت و هدایارا تقدیم‌کرد [۱] . مریم کیسه‌ای پرازخاك باوداد وگفت این خاك‌را خبری درپی است اوکیسه راگرفت و رفت وچون بمکان شیزکه در آن زمان بیابانی بود رسید مرگ اورا دریافت .

چون مرگ خویش را حس کرد کیسه خاك را در همانجا در زمین دفن‌کرد .

پارسیان برآنندکه وقتی خبر بپادشاه رسید یکی از معتمدان خود راگفت برو درهمانجاییکه آنمرد مرده برهمان‌کیسه خاك آتشکده‌ای بناکن .. ...

چون فرستاده بدانجا رسید شب شده بود ناگاه روشنایی بزرگی درنزدیکی آن‌مکان‌مشاهده نمود . دانست‌که‌آن‌همان‌جایی‌است‌که میجوید . سپس‌بدانسوی رفت‌وبدوررروشنایی‌خطی‌کشیده‌وبخوابید. ـ چون بامدادشددستورداد برروی‌آن خط ساختمانی‌ساختند وآن همان‌آتشکده شیزاست» .[۲]

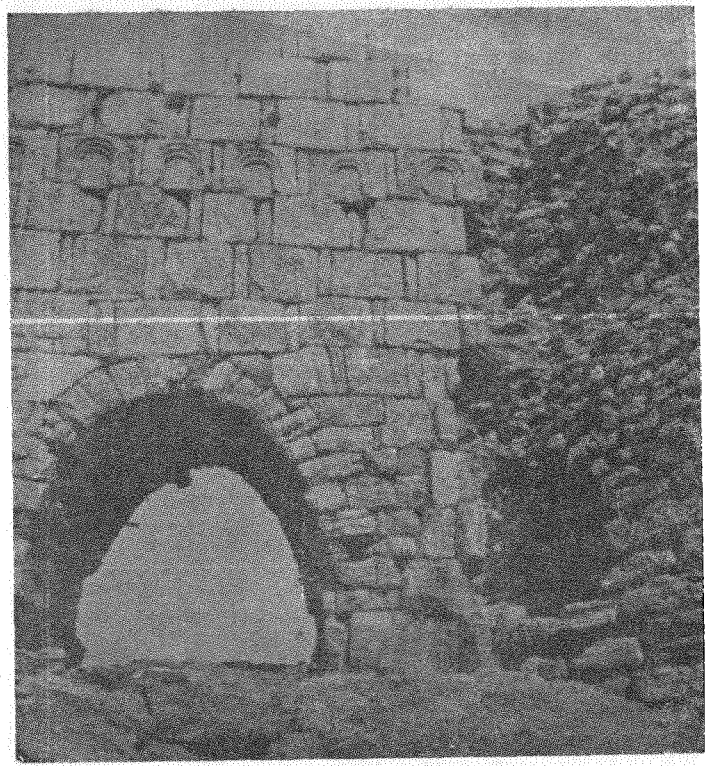
مرحوم ولادیمیرمینورسکی در حواشی رسالةالثانیه درباره این‌آتشکده و شهرشیز مینویسد :

تخت سلیمان بخط مستقیم در ۱۴۰ کیلومتری زاویه جنوب شرقی دریاچه اورمیه واقع است . چون دریاچه مزبورمعمولا دریاچه شیز (چیچست) خوانده میشدگمان میرودکه شهرشیز به دریاچه اورمیه نزدیك‌تر باشد .

بررسی منابع یونانی درباب شهربزرگ‌کنزکه Ganzaka (شیز) که‌آتشکده معروف درآن قرارداشته ، بطور قطع مکانی‌را واقع دریك دشت نشان میدهدکه باحتمال قوی‌بدشت لیلان Laylan واقع درچهارده‌کیلومتری زاویه جنوب شرقی دریاچه اورمیه شباهت دارد. درنتیجه «گنزکه» (شیز) باید مکانی‌بجز تخت‌سلیمان

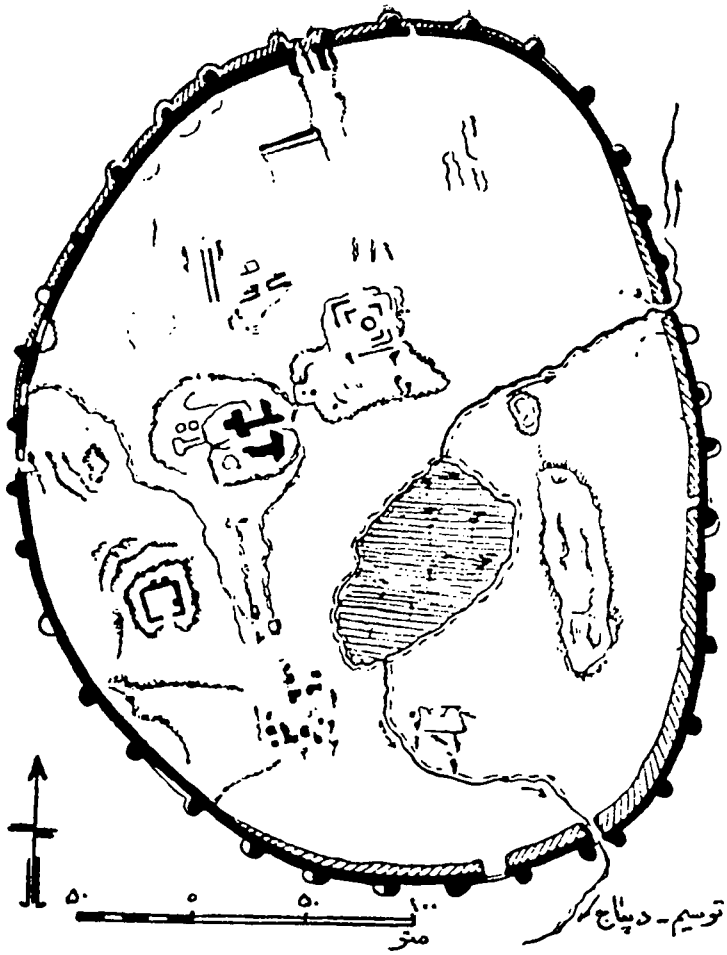
۱ـ دراینجا فکرآرامی مسیحی‌که تحت تأثیر انجیل واقع شده وایرانی زردشتی بهم‌آمیخته است . رك : انجیل متی باب دوم

۲ـ الرسالةالثانیه طبع قاهره سال ۱۹۵۵ ص ۲ـ۴



درب ورودی قلعه تخت سلیمان

مربوط به صفحه ۱۱۲



قلعهٔ تخت سلیمان

باشدکه ابودلف آن‌را بنام شیز بیان‌نموده‌است. مسعودی‌درمروج‌الذهب‌می‌نویسد: انوشیروان ،آتش‌را ازشیز و « ولران » به ، البرکة ، (استخر) انتقال داد یعنی به محل‌تازه‌ای‌که با تخت سلیمان‌کنونی تطبیق‌مینماید . سپس‌این‌مکان جدید در گفتگوهای عمومی می‌بایستی نام ، شیز، (لیلان)را بخودگرفته باشد .

یاقوت دراقتباس‌خود از ابودلف (معجم‌البلدان‌ج۲ ص۲۵۶) مطلب زیررا اضافه می کندوگوید : « شخصی دیگرمیگفت‌که‌آتش‌آذرخش (آذرخوش) در شیزواقع است وآن معبد معروف مجوس‌است هنگامیکه یکی ازپادشاهان‌ایشان برتخت می‌نشست با پای‌پیاده بزیارت‌آنجا میرفت » بلاذری.(ص۳۲۶) مینویسد:

«در زمان عمربن‌خطاب مرزبان اردبیل با عربهاپیمانی بست‌که بموجب‌آن مردم شیز نبایستی از رقص روی آتش که در آن روزگار مرسوم بوده وهمچنین از حفظ عادات ورسوم خود منع شوند». ازاین بیان بطورضمنی‌چنین برمیآیدکه آن‌آتشکده درحدودسالهای۱۳ـ۲۳هجری‌هنوزوجود داشته‌است. امااین‌امرمورد تردید است‌که آیاآن‌آتشکده درسه قرن پس ازآن تاریخ هنوز دایربوده باشد، وبیانات ابودلف دراین‌باب قانع‌کننده نیست .

مسعودی‌درالتنبیه‌والاشراف(ص۹۵)نوشته: «شخص‌میتواندهنوزتصویرهایی برنگهای مختلف ازآسمان وستارگان وجهان با زمینها و دریاهای‌آن وگیاهها و غیره درآن معبد مشاهده‌کند». اما هلالی‌راکه ابودلف دربالای‌گنبدآن‌دیده عین شکل‌آن درطاق بستان موجود است‌که نوك‌آن بسمت بالا برگشته .

همین‌شعار نیزدرمسکوکات ساسانی‌دیده میشود . این‌مطلب درمقاله بارتولد Barthold بروسی‌تحت عنوان «هلال شعاراسلام » درروزنامه‌ایزوستیا Isvestia نقل شده‌است‌درآنجاوی‌حدس‌میزندکه هلال‌پیش‌ازآنکه جنبه‌دینی‌بخودبگیرداصولا شعارخاندان سلطنتی (ایران دردوره ساسانی) بوده است . اما هرمزبن‌خسروشیر پسربهرام می‌بایستی نخستین پادشاه از سلاطین‌سه‌گانه مجوس باشدکه نامشان در

کتاب سریانی‌معروف به «غارگنجینه‌ها» چنین آمده است : « هرمزکار(هرمزداد) اهل«ماخوزده»پادشاه ایران که‌عنوان‌شاهنشاه داشت‌پایین آذرویگان(آذربایجان) اقامت داشته است».

مارکوارات این‌هرمز را با ارتبان Artaban (اردوان) دوم (۱۲ـ۳۸ م) که دراصل پادشاه‌آذربایجان بوده تطبیق کرده است وی‌چون‌فرزند شاهزاده خانمی پارتی‌بود سرانجام بمقام شاهنشاهی پارتی‌رسید .

ممکن است مقصود ازذکرنام خسرواشاره به بنیان‌گذارآتشکده باشد .

بنابراین‌بایستی‌بنای‌این‌آتشکده به‌توصیهٔ مغان‌وهمت پادشاهان‌آذربایجان از خانواده آتروپات در عصر اشکانی در محل تخت سلیمان فعلی پی افکنده شده باشد .

درفصل‌هفدهم بند هش بند ۷ درباره این‌آتشکده‌آمده که:«آتورگوشنسپ (آذرکشنسپ) تا هنگام پادشاهی کیخسروهمواره پناه جهان بود .چون‌کیخسرو بتکده دریاچه چیچست (دریاچه اورمیه) را ویران‌کردآن‌آتش به یال اسب او فرونشست سیاهی‌وتیرگی‌را برطرف‌ساخت‌وروشنایی‌بخشید، بطوریکه‌اوتوانست بتکده را ویران‌کند ودرهمان‌محل‌دربالای کوه «اسنوند» ، Asnavand دادگاهی (معبدی) ساخت وآذرکشنسپ را فرونشاند .»

ازاین‌بیان چنین برمی‌آید که اولاآن‌آتشکده را خسرونامی‌ازشاهزادگان آذربایجان در عصر اشکانی بنا کرده و چون هویت او بعدها از یادها رفته است در روزگار ساسانی بنای آن آتشکده را به کیخسرو شاهنشاه داستانی ایران نسبت داده‌اند .

ثانیاً نام این‌آتشکده به پهلوی‌آتورگوشنسپ âtur Gushnasp است که در پارسی‌آذرگشنسپ وآذرگشسپ شده ومرکب ازسه‌کلمه‌است.آذر+گشن+اسپ.

۱ـ سفرنامه ابودلف ص ۹۸-۱۰۰

گوشن (گشن) درزبان پهلوی وفارسی بمعنی، نر است .

بنابراین معنی نام این آتشکده چنانکه درداستان اسب کیخسرو دربند هش آمده ، آتش آویخته به اسب نراست ، که همان اسب کیخسرو در داستان پیش گفته باشد .

درتعریف کوه « اسنوند » بازدرفصل دوازدهم بند هش بند۲۶ آمده که:«کوه اسنوند درآتروپاتکان است:» درزاد اسپرم ازکتابهای پهلوی درفصل۶ بند۲۲ آمده که : «آذرگشسپ پیروزگر در کناردریاچه چیچست واقع است».

باز درهمان کتاب درفصل یازده بند ۹ آمده که «آذرگشنسپ درکوه اسنوند درآتروپاتکان است ». نام محل آتشکده درزبان پهلوی شیچکان Shêchikân آمده همان « شیزکان » و شیز می‌باشدکه نام دیگر آن گنجك است . درکتاب پهلوی دینکرد سفرسوم آمده که نسخه‌ای از بیست و یك نسك (کتاب) اوستارا درگنج شیچیکان (شپیگان) نهادند . بنا به‌شهادت آن کتاب میتوان گفت که یك نسخه از اوستای زردشت در آذربایجان درشهرشیز در آتشکده آذرکشنسب نگاهداری میشده است . نام این آتشکده درتاریخ قم « ماجشنسف » (ماه‌گشنسپ)آمده مینویسد : « چنین گوید همدانی درکتاب خودکه دردیهی ازدیه‌های قم نام آن مزدجان آتشکده کهنه ودیرینه بوده است و دراین آتشکده آتش آذرجشنسف بوده است مثل آتش آذرخره و آن آتش جمشید است واولین آتشها است ، دیگر آتش ماجشنسف که آن آتش کیخسرواست . مجوس درین هرسه آتش غلوکرده‌اند . اما آتش ماجشنسف که آن آتش کیخسرواست به موضع « برزه »آذربایجان بود .

انوشیروان ... آنرا به «شیز» که اولین موضعی است ازمواضع آن ناحیت نقل کرد زیرا آن آتش بنزدیك ایشان بغایت عظیم ومحترم بوده است .

درکتاب مجوس چنین یافته‌ام که برآتش آذرجشنسف فرشته‌ای موکل است وببرکه همچنین فرشته است، وبکوهی ازناحیت آن که آنرا سبلان گویند همچنین

ملکی است ، واین فرشتگان مأمورنـد بتقویت و تمشیت صواحب جیوش . پس انوشیروان‌گفت مرا دست نمیدهدکـه آتش‌آذرجشنسف وآتش برکه (استخر) به سبلان‌نقل‌کنم تا این‌هرسه‌آتش بیك‌جا جمع شوند . اما من‌آتش‌آذرجشنسف به‌آتش برکه نقل‌کنم تا هردوملك یکدیگررا معاونت میکنند .. وآن‌آتش که مجوس در آن غلوکرده‌اند آتش آذرجشنسف است که بـه مزدجان (فردجان) بوده است .

متوکلی‌گویدکه چون‌مزدك برقباد غلبه‌کرد ، قباد راگفت وظیفه‌چنان است که تواین‌آتش را بنزدیك نقل‌کنی .

همچنین مجوسی روایت‌کردکه‌آتش‌آذرجشنسف ازآتشکده بیرون آمد و به‌آتش‌ماجشنسف‌بآذربایجان‌متصل‌شدوبدان‌آمیخته‌شد،وچون‌اورا می‌افروختند آتش‌آذرجشنسف سرخ پیدا وظاهرمیگشت، وآتش‌ماجشنسف سفید ، واین‌گاهی می‌بود که پیه در آن می‌انداختند . راوی گویدکه چون مزدك را بکشتند دیگر باره مردم‌آتشهارا بجای‌خودنقل‌کردند ، وآتش‌آذرجشنسف به‌آذربایجان‌نیافتند وهمه اوقات تفحص‌حال‌آن مینمودند و برابر آن میرفتند تا معلوم‌کردندکه آن به « مزدجان » (یکی از دهـات قم) مراجعت‌کرده است . پس‌همه اوقات بدین قریه این‌آتشکده بوده است تاآنگاه‌که « بیرون » ترکی امیرقم بدین‌دیه رسید و بربارو‌های‌آن منجنیقها وعراده‌ها نصب‌کرد وآنرا درسنه ثمان و ثمانین ومأتین (۲۸۸ه) فتح‌کرد، باروی‌آن‌خراب‌کرد وآتشکده را زیروزبرگردانید وازآن‌روز آن‌آتش وآتشکده باطل‌گشت .[۱] »

منظورمؤلف تاریخ قم‌آنست‌که‌آتشکده‌آذرگشنسپ اصلا در «مزدجان» قم بوده وازآنجا به‌آذربایجان انتقال یافته است . چنین عقیده درایران قدیم رواج فراوان داشته ، ومردم ایران عادت داشتندکه ازسه‌آتشکده بزرگ‌که‌آذرگشنسب

۱ــ تاریخ قم بتصحیح آقای سید جلال‌الدین طهرانی ص ۸۸-۸۹

(در آذربایجان) و آذرفرنبغ (درفارس) ، و آذربرزین‌مهر (در خراسان) باشد وحکم سه مادر آتشکده را داشت به شهرهای خود آتش آورده وبنام یکی از آن سه آتش‌مقدس آتشکده‌ای بسازند .

لابد درزمان‌های قدیم‌هم آتشی از آتشکده آذرگشنسپ از آذربایجان آورده و در مزدجان قم بنای آن آتشکده‌ای بنا کرده بودند . باید دانست که امروز درحوالی‌قم دوده بنام « مزجان » و«مزدقان» وجود داردکه اولی از توابع محلات ودومی از توابع ساوه شمرده میشود .

حمدالله‌مستوفی‌محل آتشکده آذرگشنسپ‌رادرولایتی‌بنام ایجرود(آنجرود) نوشته‌که‌مغول آنراستوریق‌میخواندندگوید:«آن‌برسرپشته‌ای‌است،کیخسروکیانی ساخته است ودرآن‌قصبه سرایی‌است بزرگ ودرصحن‌سرای‌چشمه‌ای‌است بشکل حوضی بزرگ بلکه مانند دریاچه‌ای ملاحان بقعرش نمیتوانند رسید .

دوجوی‌آب هریك بمقدارآسیاگردانی دایم ازآنجا بیرون می‌آید و چون درمی‌بندندآب حوض زیادت نمیشود ، وچون میگشایند برقرارجاری است و در هیچ موسم‌کم وبیش نمی‌باشد و این ازنوادراست . ابقای مغول (۶۶۳ـ۶۸۰ ه) آن‌سرای‌را با حال‌عمارت آورد ودرآن حوالی علفزاری خوبست [۱] ».

امروزهم دربخش‌جنوبی‌تخت سلیمان‌درتکاب جویی‌بنام، سروق‌جاری‌است[۲] موسیو کلایس می‌نویسد : «حفاری‌های هیأت آلمانی نشان می‌دهد که در تخت سلیمان هیچگونه ساختمان مربوط به زمان اشکانیان پیدانشده وتخت سلیمان نمیتواند با قلعهٔ فرا آسپا قابل انطباق باشد ، برعکس نام «شیز»که طبق روایت ابودلف مسعربن مهلهل درقرن‌دهم‌میلادی به‌این‌محل‌اطلاق‌می‌شده، وهمچنین‌نام «ستوریق» برای‌کاخ اباتا خان مغول دراواخرقرن سیزدهم مطمئن بنظرمیرسد .

۱ـ نزهةالقلوب ص ۷ .

۲ـ رك : پورداود یشتها ج ۲ ص۲۳۹-۲۵۲ ؛آناهیتا ص ۳۲۹ـ۳۳۹

باین ترتیب تخت سلیمان دارای دودوره ساختمان اصلی بوده‌است یکی در زمان ساسانیان‌یعنی‌ازقرن‌سوم پس‌ازمیلاد تاهجوم‌عرب بایران‌درقرن هفتم، ودیگری درزمان مغول درپایان قرن سیزدهم میلادی .

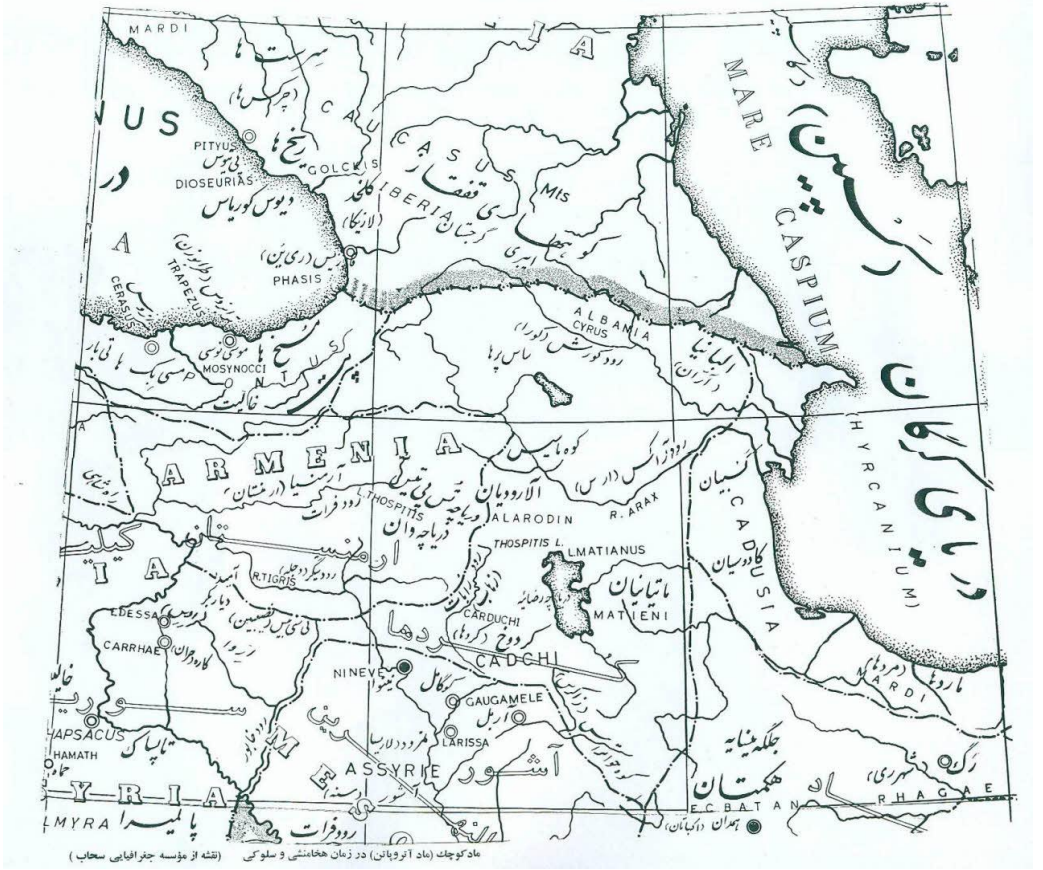
در نظر اول حصار زمان ساسانیان بادو دروازه ساسانی و۳۸برج نیم دایره ودرداخل آن‌دوساختمان مستطیل‌شکل،که‌دراصل‌مربع‌شکل بوده‌بچشم‌میخورد. یکی از این دوساختمان درگرد دریاچه‌ای به وسعت‌هشتاد تاصد متر واقع شده ، وساختمان دیگر که درشمال قراردارد بوسیله راهروهایی به ساختمان مرکزی پیوسته است . درزمان ساسانیان دودروازه یکی درشمال‌ودیگری درجنوب‌شرقی وجود داشته ودروازه شمالی این قلعه دروازه اصلی بوده است . از این دروازه چندین‌حیاط متوالی به‌یك‌حیاط ستون‌دار وازطریق‌یك تالار به آتشکده منتهی میگردد . کانون ومرکز تمام ساختمانهای تخت سلیمان آتشکده زمان ساسانیان می‌باشد . این‌آتشکده بسبك معروف چهار طاق که دور آنرا راهروهایی احاطه کرده ساخته شده‌است . محوطه مرکزی دارای یك سقف گنبدی شکل بوده که روی چهارطاق وچهارپایه درچهار گوشه استقرار داشته است- تمام‌این ساختمان از آجر ساخته شده ودیوارهای‌آن تقریباً بارتفاع هفت متر هنوز محفوظ مانده است . درکف محوطهٔ مربع شکل، یك فرورفتگی مربع شکل وجود دارد واین فرو رفتگی درست نقطه‌ای است که زیر تقاطع خطوط گنبد قرار دارد و آتش مقدس درآنجا می‌سوخته است . ظاهراً موبدان در راهروهای دور آتش مقدس می‌گشته‌اند و می‌توانسته‌اند چهار بار از روی دیوارهای کوتاه‌آتش را از میان چهارطاق بنگرند . در محوطه تخت‌سلیمان دو آتشدان کامل ویك‌آتشدان ناقص زمان ساسانی کشف‌گردیده‌که ازلحاظ شکل‌باآتشدانهای روی‌سکه‌های ساسانیان مطابقت دارد .

درسالهای۱۹۶۳و۱۹۶۵ بترتیب دوسرستون‌بیزانسی‌ازمرمر دراین‌آتشکده کشف‌شد که مربوط به قرن‌ششم‌میلادی است.

تقریباً درفاصله سه‌کیلومتری مغرب تخت سلیمان ، محلی بنام « زندان سلیمان» قراردارد و آن کوهی مخروطی‌شکل است‌که از اطراف خود یکصد متر مرتفع‌است .آب دریاچه بر اثرشکستن دیوارهای کوه بخارج راه یافته است . دهانه‌این‌دریاچه‌که اکنون خشك‌شده وشبیه یك‌کوه آتشفشان می‌باشد ۵۰ × ۶۰ متر وعمق‌آن یکصد متر است .

تقریبا دردوثلث ارتفاع این‌کوه درقرن هشتم(ق.م) یك ساختمان ایجاد گردیده بودندکه ظاهراً یك‌معبد بوده‌است. تقریباً درسه چهارم‌محیط این‌کوه‌یك حصار در یك ارتفاع مساوی دیده میشودکه از اطاقهای جنب یکدیگر تشکیل می‌شده ودر فواصل منظم یکی ازاین اطاقها بصورت برج وبارو وجلوتر ازدیگر اطاقهاساخته شده‌است. یك صفه در جلوی این حصار ادامه دارد و از سه دروازه می‌توان‌به داخل‌زندان واردشد ، درحالیکه دروازهٔ شرقی دروازهٔ اصلی بوده و راهمیانی از دره بسوی‌آن بالا میرفته‌است . تصور میرودکه زندان سلیمان یك معبد ، وصفه مقابل‌آن‌محل‌آتشکده بوده وباین ترتیب‌ارتباط دوعنصر آب‌وآتش که‌برای یك معبد وآتشکده ضروری بوده نزدیك یکدیگر وجود داشته است . بنظر بعضی ازمحققان، زندان سلیمان اصلا معبد مقدس قوم‌مان‌نا بوده و ظروف مکشوفه درآن‌محل‌شبیه به‌ظرفهای‌حسنلواست.احتمالادرقرن‌هفتم (ق.م) زندان سلیمان‌بصورت یك‌دژ مستحکم درآمده‌است وظاهراً تبدیل‌آن معبد به‌دژ برای دفاع ازحمله‌آشوریان واورارتویان بوده است. تمام‌زندان سلیمان بر اثرحریق در نتیجه یك‌جنگ نابود شده‌است.

۱ــ رك: تخت سلیمان وزندان سلیمان، مجله دانشکده ادبیات تهران (سال شانزدهم شماره۴ ؛ ونیز ازنظر زمین شناسی تخت سلیمان رجوع شود به‌کتاب‌آقای دکترمحمدجواد جنیدی تحت عنوان: چشمه‌های معدنی‌ایران ج۱(انتشارات دانشگاه تبریز) ص۲۸۷ــ۳۱۴



ماد کوچک (ماد آتروپاتن) در زمان هخامنشی و سلوکی (نقشه از مؤسسه جغرافیایی سحاب)

پس‌از این حریق دیگرزندان‌سلیمان موردسکونت قرارنگرفته واحتمالا مدت‌کوتاهی پس ازخاموش شدن حریق درنتیجه یك‌سانحه طبیعی آب دریاچـه نیز پایین رفته است[۱] .

آذر بایجان درعهد ساسانی ـ بقول طبری اردشیر (۲۲۶ـ ۲۴۱م) پس از شکست اردوان به‌همدان ونواحی دیگرماد وآذربایجان وارمنستان‌لشکر کشید ولی موفق به‌تسخیر ارمنستان نشد براثرنفوذ شدیدخسروپادشاه ارمنستان‌معلوم نیست‌که اردشیردرآغازکارتوانسته‌باشد تمام‌قسمت‌کوهستانی‌آذربایجان‌را مسخر کند یانه ؟

چنانکه‌درپیش‌اشاره کردیم نقش برجسته‌ای‌درکوهی‌نزدیك(سلماس‌شاپور) دیده میشودکه بعقیده اغلب محققان مربوط به‌عصر اردشیر است . درآنجا دو تن سوارمشاهده میشودکه‌هردو جامه پادشاهان‌ساسانی پوشیده‌اند. نوارهای‌لباسشان آویخته وگوئی بافته دربالای سرشان نمایان‌است و دست برشمشیر دارند. سوار دست‌چپ دارای‌ریش‌است‌وظاهراً ازسواردست راست‌که ریش ندارد. پیرتراست. درجلوهریك ازسواران‌یك نفر پیاده دیده میشود . لهمان‌هویت Lehman Haupt گمان‌می‌کندکه‌آن‌آثارمحوشده‌یك‌کتیبه پهلوی ساسانی‌باشدوبرروی جامه‌یکی‌از آن‌دوپیاده‌این‌کتیبه‌تشخیص داده میشود. بعقیده زاره‌این‌کتیبه‌محتمل‌است‌مربوط به‌اردشیراول وپسرش شاهپورباشد[۱] . شاپوراول(۲۴۱ ـ۲۷۳م) با روم درآغازکار صلح‌کرد وبموجب‌پیمانی‌که درسال۲۴۴م بین‌اووفیلیپ عرب L,arabe_philip قیصر روم امضاءشد ارمنستان بایران واگذارگردید . سپس‌شاپور بااقوام‌ماد کوهستانی که‌همان‌آذربایجان باشد جنگ‌کرد وآنان راباطاعت‌آورد . دراین زمان‌مرزبان آذربایجان لقب شهب shahab داشت . این‌لقب‌که‌ازعصر هخامنشی‌مانده بود در بعضی‌ازنواحی‌ایران قدیم‌رواج‌داشت مثلادر مرزهند بصورت ،کستریه Ksatrapa وچهتریه Chhtrapa وماه کستریهMah Ksatrapa دیده شده‌است .

۱ـ کریستنسن: ایران‌درزمان ساسانیان‌ص۱۱۳

که در اصل «خشتره پوان» یعنی ساتراپ وحاکم بوده است [۱] . در زمان شاهپور دوم ساسانی (۳۱۰ـ ۳۷۹) بازجنگ بین‌ایران وروم بر سر ارمنستان در گرفت دریکی ازاین جنگها یولیانوس امپراطور روم‌کشته شد(۶۳۶ م)،وژووین Jovian (یوویانوس) بجای او نشست . درزمان وی عقد صلحی بمدت سی‌سال بین ایران و روم بسته شد . ژووین‌سرحدات ارمنستان وآذربایجان راتغییر نمادولی ارشك پادشاه ارمن را درمقابل ایرانیان بی‌دفاع رهاکرد. بقول فوستوسFaustos بیزانطی در این زمان گنزگ(گنجك)که درسرحد ایران وارمنستان بود بدست «بدشخ» وحاکم‌های ارمنی‌ازطرف پادشاه ارمنستان‌اداره‌میشد . امابزرگان ارمنی بخصوص بدشخ‌های آلزانیك Alzanik و نور سیراکان Norsirakan و ماکرتون Makartun ونیهورکان Nihorakan وداسن Dasn و گوگارکGugark بتدریج از ارشك شاه ارمنستان‌بریده‌به شاپور دوم‌پیوستند . اگرچه‌سردارارمنی‌اسپاراپت موشل Sparapet-mushel موفق شدکه موقتاآنان رامطیع‌کند ولی‌دراولین تقسیم ارمنستان بین ایران وروم، بسیاری ازآن نواحی‌منتزع شدند، واین منشاء ایجاد ولایات ارمنستان پارس است که ازشمال غربی تاجنوب شرقی در ساحل غربی دریاچه اورمیه امتداد داشت و بعد جزءآذربایجان‌گردید .

ازاین ایالات ارمنی نشین بیش از همه دو ایالت هیر Hêr وزراوند Zaravand دروازه هجوم ایرانیان به ارمنستان بود وآن دو در تحت حکومت حاکم بزرگی به‌لقب شهب Shahap اداره میشدکه به‌آن لقب‌فقط درآذربایجان ودرشهاپیوان Shahapivan (خشتره‌پوان) که زمانی‌متعلق به‌آذربایجان بود بر- میخوریم و این‌نواحی سابقا جزءآذربایجان بوده‌است .

مثلا بقول فوستوس بیزانطی سلماس Salmâs قبلا جزء ارمنستان‌پارس بود که‌پیش‌ازتصرف‌آن بدست‌ایرانیان جزء ایالت‌کورچك Korchek محسوب‌میشد . در شمال شرقی‌آذربایجان بعدها پاتیتکاران Paitakaran (بیلقان و نواحی)آن به

آذربایجان پیوست .

در جنوب، آذربایجان تا ناحیه «سیسر» درمحل«سنه» امروزی که حـاکم نشین‌ولایت کردنشین اردلان است ادامه‌داشت .

دراین‌نقطه سرحدات‌ولایت‌همدان‌ودینوروآذربایجان‌باهم‌تلاقی‌میکردند،

در نزدیکی همین ناحیه روستای مایبهرج که درپهلوی، مای‌پهرك، بمعنی پاس وصیانت ولایت ماه(ماد) است قرارداشت .

درشمال شرقی وردان Vardan که به ارمنی و روانه‌کرت Vardanakart و بعربی «ورثان» شده درساحل شمالی ارس قبل ازتلاقی‌آن بارودکورا واقع بود و سرحدآذربایجان بشمارمیرفت[1] .ازحوادث‌زمان‌بهرام‌گورهجوم‌هیاطله‌یاهون‌های سفید از مشرق به ایران است این قوم در ۴۲۵ م از جیحون گذشته بایران حمله‌کردند . بهرام بظاهرچنین وانمود کرد که‌ازهجوم‌ایشان خود راباخته‌است وبا قوای‌کوچکی بقصد شکاربیرون شد و بطرف آذربایجان رفت وآتشکده آذر گشنسپ رازیارت‌کرده ازآنجاازراه اردبیل به‌آمل مازندران وگرگان‌رهسپارشد ودرخراسان بردشمن‌شبیخون‌آورده خاقان هیاطله را بکشت و زن خاقان اسیر شد[2] . بقول‌فردوسی وطبری بهرام پس ازاین‌فتح به‌آذربایجان آمد وآتشکده شیزرا زیارت نمود وتاج وشمشیر بسیاری از غنائم‌گرانبهای خاقان‌را به‌آتشکده آذرگشنسب درشهر شیز هدیه‌کردوآن تاج وگوهرهارادرآن‌آتشکده‌بیاویختند. سپس بفرمود که خاتون زن خاقان را به‌خدمتکاری‌آن‌آتشکده بگماشتند[3] .

درمنابع‌ارمنی‌نام هونهای سفیدکه درقرن‌چهارم میلادی‌به‌آذربایجان‌حمله کردند خایلندورك Xaylandurk یاد شده‌که در جنوب مغان اطراق‌کرده بودند . طبق‌منابع‌ارمنی‌سابرها Saberکه ازهون‌های سفید بودند درزمان‌قباداول ازدربند

۱- مارکوارت ایرانشهر J. Marquast, Eranshahr, Ber lin, 1901,108

۲- ایران درعهدباستان‌ص۴۱۸

۳- تاریخ طبری طبع اروپا ص۸۶۳-۸۶۵

داریال گذشته به آذربایجان حمله آوردند. آنان رقیب قبیله دیگری بنام سابیر Sabir ازهونها بودند که در منطقه‌کرج دستمان Taman میزیستند. رئیس سابیرها: امبازوك Ambasuk نام داشت ودرسال ۵۰۸ میلادی در اران باقباد ساسانی جنگ کرد. فرزندان اوباقباد پیمان دوستی بسته بادولت بیزانس جنگ کردند ودرسال ۵۱۵ و۵۱۶ همه ارمنستان رااشغال نموده بطرف آسیای صغیر سرازیر شدند، حتی کالانیا وکاپادوکیا وقونیه را نیزگرفتند. درسال ۵۲۲ میلادی رئیس قبیله سابیرهاکه زیگی‌لی Zigili نام داشت بر اران و شروان حکومت میکرد. جمعیت سابیرها درآن‌زمان تاصد هزار خانوار نوشته‌اند. در این‌زمان هونهای کوبان Kuban که میخواستند بطرف جنوب قفقاز مهاجرت کنداز طرف سابیرها جلوگیری شدند. درسال ۵۳۱ هونهای سابیر با بیزانس متحد شدند. درسال ۵۵۵ بطرف ایران حمله‌آوردند. در ۵۵۸ باآوارها (وارخونی) بجنگ‌پرداختند. در درهمین سال بجنوب در بند راه یافتند. تاآخر سلطنت قباد اران وگرجستان و واسپورکان Vaspurakan وسیسجان‌دردست‌قوم خزربود وشهرایشان‌کابالا Kâbala (قبله) نام‌داشت.

ممکن است نام شروان ماخوذ ازنام «سابیر» باشد. طبق‌سنگنبشته‌ای‌که‌در ۱۹۲۹ دردربند کشف‌شده‌درزمان‌انوشیروان شخصی‌بنام‌بارزیوس Barzius بعنوان مدیرمالی‌آن‌قلعه زیرفرمان دولت‌ایران بوده‌است [۱]. ظاهراً بمناسبت این‌قبیل ثروتها واشیاء نفیس‌که درشهرشیز جمع‌شده بود آنرا گنجك یعنی(گنج‌خانه) نام نهادند.

ازحوادث زمان انوشیروان (۵۳۱ ـ ۵۷۹م) هجوم اقوام ابخاز و خزر و

A. Zekivelidi Togan : Azerbaycan : Islam Ansiklopedisi , 2 cilt. Istanbul 1949, p. 91 - 119

بلنجر و آلان به‌ارمنستان ایران است . خسرو انوشیروان آنان راشکست‌سختی داد و اسیر بسیارگرفت وقریب ده‌هزارتن از اسیران رادرآذربایجان و نواحی آن اسکان‌داد.[۱]

درزمانیکه ویستهم ، ووندی (بندوی) سرداران هرمزبن انوشیروان آن پادشاه راکورکرده وازسلطنت خلع‌کردند پسرش خسروپرویزدرآذربایجان‌بود. بزرگان ایران‌ویرا ازآن‌ایالت‌خواسته بشاهی برداشتند(۵۹۰م)[۲] . پس‌ازآنکه خسرو پرویز بسلطنت نشست بهرام چوبین‌که درزمان پدرش هرمز سر بشورش برداشته بود حاضرنشد ازوی اطاعت‌کند وچون‌لشکری بزرگ در اختیار خود داشت ، خسرو ازپیش‌اوبگریخت‌وبروم رفت وبکمک‌موریکیوس امپراطورآن کشور بالشکری ازرومیان ازراه‌آذربایجان به‌ایران بازگشت.

درسال ۵۹۱خسرو به‌شهر شیزرفت وآتشکده‌آذرگشنسپ را زیارت‌کرد واز خداوند درپیروزی خود بربهرام چوبین یاری‌خواست . امابهرام‌چوبین درغیاب خسرو بپادشاهی ایران نشست ، وندوی (بندوی) دایی خسرو که زندانی بود اززندان گریخته بآذربایجان نزدبرادرش ویستهم رفت ودرآنجاعلم مخالفت‌علیه بهرام چوبین برافراشته مردم رابنفع خسرو گردخودفراهم می‌آورد .

سرانجام بهرام درحوالی گنزك (گنجك)آذربایجان‌شکست‌سختی‌ازخسرو خورد وبترکان ماوراءالنهر پناه برد وچندی بعد دربلخ به تحریك خسروپرویز کشته شد[۳] . خسروپرویزپس‌ازمدتهاسلطنت‌دراواخرعمرازهراکلیوس‌امپراطور روم شکست. خورد هراکلیوس در۶۲۴میلادی پس‌ازتسخیر آذربایجان شهرگنزك (گنجك) را اشغال‌کرده‌آتشکده‌آذرکشنسپ را ویران ساخت . خسرو درهنگام

۱ـتاریخ‌طبری طبع اروپا ج۲ ص۸۹۵

۲ ـ ایضاً تاریخ طبری ج۲ ص۹۹۳

۳ـ طبری ج ۲ ص ۲۹۳ـ۱۰۱

گریزقدری از این آتش مقدس بهمراه خود برد[۱] . بقول تئوفانس Theophanes (۷۵۰-۸۱۷م) مورخ بیزانسی، گنج وثروت این معبد راکه شبیه گنجهای کروزوس Krorus پادشاه قدیم لیدیه بود رومیان بغارت بردند[۲] .

درروزگار آذرمیدخت در ۶۳۰ م . یکی ازاسپهبدان ایران که طبری اورا اسپهبدآذربایجان نوشته مدعی سلطنت شد وملکه را بزنی خواست ، آذرمیدخت درنهان وسائل قتل اورا فراهم آورد . آنگاه پسرش فرخ هرمزد که رستهم فرخزاد (رستم فرخزاد) نام داشت با سپاهی به تیسفون آمد و آذرمیدخت را از سلطنت خلع وکورکرد . مورخان ارمنی این پدر و پسررا ایشخان Ishkhan آذربایجان خوانده اندکه درزبان ارمنی بمعنی امیر است .

رستم برادرش خورهزاد راکه منصب دریك پت Drik . Pat (رئیس دربار) داشت به دوین Dvin فرستاد تا اسپیت وارازتیروچ جاویدان خسرو Aspêt، Wâraz-Tiroch. Javitân. Xosro پسرسمباط خسروشنوم را که قباد دوم (شیرویه) مرزبان ارمنستان کرده بود دستگیر نماید .

هنگامیکه اعراب تیسفون را محاصره کردند لشکرماد و آذربایجان زیر فرمان قباد برادررستم بود. پس ازشکست ایرانیان درحیره بقایای لشکرآذربایجان خورهزاد را بفرماندهی خود برگزیدند . وی به تیسفون آمد وگنجهای آنشهر را با خود به آذربایجان برد . لقب خورهزاد دریك بذ ولقب دیگرش مردانشاه بود .

پس ازشکست نهاوند (۶۴۲ م) قیصرروم امیری بنام توما Tuma به ارمنستان فرستادوی چون نمی خواست قرارداد سا قرا با مادآذربایجان برهم بزند ایشخانهارا نزد خودگردآورده بنزد خورهزاد امیرآذربایجان رفت .

بقول سبئوس Sebeos هنگامیکه یزدگرد به طرف طالقان خراسان برای گرفتن

۱- ایران درزمان ساسانیان ص۴۶۹
۲- پورداود ؛ یشتها ج ۲ ص۲۴۴

کمك‌میرفت‌خوره‌زاد امیر آذربایجان ازپادشاه جداشده واز اسماعیلیان (اعراب) امان‌خواست وتسلیم به ایشان‌شد اعراب اورا مانند هرمزان به مدینه فرستادند.

درهنگامیکه اعراب آذربایجان را تصرف میکردند دوبرادر دیگر رستم، اسفندیار ودیگری بهرام درآنجا حکومت داشتند.

گنزك در۴۸۵ م اسقف نشین‌بود واسقفی‌نسطوری‌داشت. همچنین شهرپایی‌تاکران Paitakaran (بیلقان ؟) نیزاسقف‌نشین بوده است.[۱]

سنگنبشته‌ای از عهد شاپور دوم ساسانی

درتابستان‌سال۱۳۴۵ شمسی‌کتیبه‌ای بخط پهلوی‌اززمان شاهپوردوم‌ساسانی توسط آقای‌کامبخش‌فرد باستان‌شناس ایرانی درمشکین شهرکشف گردید. محل پیدا شدن این‌کتیبه دریکصدمتری‌شرق میدان اصلی مشکین‌شهر (خیاو)دردره‌ای است‌که معروف به باغ نوروزاست. درارتفاع شرقی این دره قلعه‌ای است که از سه‌طرف با شیب بسیارتندی‌برودخانه‌خیاومنتهی‌میشود. درکمرکش‌ارتفاع غربی دره یا باغ نوروزتخته سنگ بسیار عظیمی است‌که درست درمقابل‌آن قلعه قرار گرفته واین‌کتیبه بردل‌آن نوشته شده است.

آن قلعه مستطیل‌شکل است وبتقریب ۲۳۰ مترطول و۱۱۰ متر عرض‌دارد واکنون‌کاملاخراب ومتروك‌است چنانکه ازاین‌سنگنبشته برمی‌آیدبنظرمیرسد که‌آن‌قلعه بدست نرسه هرمزد نامی که شهرداریعنی‌فرمانروای‌آن نواحی بوده پی‌افکنده شده و درظرف شش سال بانجام رسیده است.

پس‌ازآن درادوار بعد مکررتعمیر وتکمیل‌گردیده ومورداستفاده‌آیندگان قرارگرفته است. درحال‌حاضراین‌قلعه دارای‌آخورها واصطبل‌های‌فراوانی‌است وبیك دژ جنگی‌بیشترشباهت دارد. این‌سنگنبشته بخط پهلوی ساسانی‌است ودر ماه هفتم‌بیست وهفتمین‌سال‌سلطنت شاپوردوم یعنی‌سال ۳۳۷ میلادی به امرنرسه

---

۱ ـ ایضاً مارکوارت : ایرانشهر

هرمزد نوشته شده و نخستین کتیبه پهلوی است که در آذربایجان بدست آمده است. این کتیبه دردو ردیف است، که یکی پانزده سطر و دیگری شش سطر در طرف راست آن است و مجموعاً بیست و یك سطر دارد و بر تخته‌سنگ مزبور کنده شده است. در جهت راست آن بطرف بالا دو علامت خانوادگی بصورت دو زاویه حادّهٔ که هر دو ضلع آن حلقه‌ای به رأس خود دارد و قاعده هریك بطور عمودی بر پایه دایره مانندی قرار گرفته است دیده میشود. [۱]

الف. تلفظ نگاری هزوارش و پا زند آن:

۱ـ بیرخ (پت ماه) متری قدم (اپر) شنت (سال)

۲ـ ۲۷ شهپوهری ملکان (شاهان)

۳ـ ملکا (شاه) زی (آنك) خوه (بوَت)

برا (پوس)ی هرمزد ملکا (شاه) امت (کا)

۴ـ لی (مِن) نرسخ‌ی هورمزدی لی (من)

۵ـ گوپت آپیغ (کو) زنه (این) دزی زی (آنك) فرخت

۶ـ دخوخلنی (؟) زی (آنك) فرکندم اپم (اوم)

۷ـ یعن (پت) شم (نام) زی (آنك) یزدان یدعتن (دانم)

۸ـ ملکان ملکا (شاهنشاه) یعن (پت) ۶ شنت (سال)

۹ـ یعن (پت) فرچامی کرتی کعن (چنین)

۱۰ـ شترداری ربا (وچورگ) آزات‌ی گبرا (مرت)

۱۱ـ منو (کیه) لصدر (تر) خوه (بوَت) رات‌ی بوات (یعن) پت

۱۲ـ زنه (این) دزی پسندات ادین (اذك)

۱۳ـ نوم ...چ..ل...دین..

۱۴ـ من (هچ) لی (من) ال (او) ربان آفرینی

۱ـ مجله هنر ومردم شماره ۶۱ و ۶۲ ص ۶-۹

دستنویس متن سنگنبشته پهلوی عهد شاپوردوم

۱۵ـ ... لعن (پیش)
۱۶ـ ایوعبیدون (کردم)
۱۷ـ منو(کیه)لا(نی) پسندات
۱۸ـ ادین (اذك) دزی‌ایو
۱۹ـ عبیدونای (کند) منو (کیه) من (هچ)
۲۰ـ زنه (این) شپیر (ویه)
۲۱ـ خوت (بوَت)

ب ـ ترجمه کتیبه :

۱ـ به ماه مهر برسال
۲ـ ۲۷ شاهپورشاهان
۳ـ شاه . آنکه بود پسرهرمزد شاه .آنگاه
۴ـ من نرسه هرمزد . من
۵ـ گفتم‌که این دژ فرخ
۶ـ دخوخلی (؟) آنکه من فرکندم (ساختم)
۷ـ بنام آنکه یزدان دانستم و
۸ـ شاهان شاه به ۶ سال
۹ـ به فرجام‌کردم چنین
۱۰ـ شهریار بزرگ‌آزاد مرد
۱۱ـ هرکه ازاین پس‌راد باشد
۱۲ـ این دژ پسند زدیگر
۱۳ـ .....
۱۴ـ ازمن بروان اوآفرین باد
۱۵ـ .... پیش

۱۶ـ یك‌کند

۱۷ـ هر که نپسندد

۱۸ـ یك دیگر دژ

۱۹ـکندکه ازاین

۲۰ـ بهتر

۲۱ـ بو َد

چنانکه ملاحظه میشود بعضی از سطرهای این سنگنبشته خوانا نیست و بجای آنها نقطه‌گذاشتیم ولی معنای‌کلی‌کتیبه مفهوم است . با وجود محو شدگی و ابهام بعضی ازکلمات هنوز بعد از ۱۶۳۱ سال قابل قرائت است .

ما این کتیبه‌را لفظ به لفظ به‌خط فارسی برگردانیدیم وهزوارش‌های آن‌را مشخص کرده با نهادن پازند آنها در میان دو کمان برای مطابقت با متن پهلوی بطور تحت‌اللفظی ترجمه‌کردیم .

فصل پنجم

آذربایجان پس از اسلام

فتح آذربایجان بدست عرب

فتح آذربایجان پس از آخرین جنگ ایران وعرب در واجروذکه در بین همدان وقزوین قرارداشت وسردارایرانی درآن‌جنگ موتا وسردارعرب نعیم‌بن مقرن بود (۱۸– ۲۲ ه) نوبت فتح آذربایجان رسید .

در جنگ واجروذ سردار سپاه آذربـایجان اسفندیاذ (اسفندیـار) برادر رستم فرخزاد ، وسرداری ری‌فرخان زیبندی به موتا پیوستند ولی‌دراین‌جنگ شکست سختی‌خوردند .

پس از این فتح بکیربن عبیدالله ، و سماك بن حزشه انصاری یکی پس از دیگری بامرعمرخلیفه دوم بآذربایجان رفته وآن سرزمین را تسخیرکردند .[۱]

۱– تاریخ طبری طبع اروپا ج ۵ ص ۳۶۵۰ و ۳۶۶۰–۳۶۶۲

اینك خلاصه این داستان‌را به قلم ابوعلی بلعمی درترجمه تاریخ طبری‌در این‌مختصرمی‌آوریم :

« وعمر به نعیم نامه‌کردکه سماك بن حزشه انصاری را بآذربایگان فرستد وآنجا عمر، عتبة بن فرقد وبکیربن عبدالله را فرستاده بود . پس‌این‌عتبة‌بن‌فرقد ازیك‌سو بآذربایگان رفت ، وبکیربن عبدالله ازدیگرسونخستین کس‌که به پیش بکیر آمد ، ملکی بود ازملوك آذربایگان نام اواسفندیار. بکیرچون‌خبراویافت که همی‌آید با سپاه ، بعمرنامه کرد ومدد خواست . پس‌پیش‌ازآنکه مددآمدی با اسفندیارحرب‌کرد .

بکیرحیلتی‌کرد واسفندیاررا اسیر گرفت .

اسفندیار بکیررا گفت‌که مرا مکش واسیرهمی‌دارکه اگرتومرا بکشی همه آذربایگان خون من ازتو بجویند وبا تو حرب‌کنند . بکیر اورا همچنان اسیر همی داشت و سماك بن حزشه بیامد از نزدیك نعیم بن مقرن بمدد بکیر ، و او اسفندیاررا اسیرکرده بودو آن‌شهرها که‌گرداگرد بود همه‌گشاده بود . پس‌بکیر نامه کرد به عمر که بآذربایگان‌حرب‌نماند واسفندیاراسیراست ومرا بیایدشدن بدربند وحرب‌آنجا باید ساختن. (پس) مردی ازدهقانان‌آذربایگان نام اوبهرام (بن‌فرخزاد) بشهرآذربایگان سپاه‌کرد وبه حرب بکیرآمد .

بکیر وعتبه وسماك ، هرسه بیك جای گرد آمدند و حرب کردند . بهرام به هزیمت رفت ، پس بکیرآن خمسهای غنیمت‌گردکرد وبه عمر فرستاد با نامه فتح ودستوری‌خواست بدربند شدن ، عمر ویرا دستوری‌داد . بکیرعتبه‌را برهمه آذربایگان خلیفت کرد وسماك را با همه سپاه بدوسپرد واسفندیاررا بدو سپرد وخود باسپاه خویش‌بدربند شد .[۱] «فتح‌آذربایجان بقول‌بلاذری بدست حذیفه‌بن الیمان روی‌داد». وی در امارت مغیرة بن شعبه برکوفه‌که فرمانروایی ایران نیز

۱ــ ترجمه تاریخ طبری نسخه عکسی طبع بنیاد فرهنگ ص ۵۱-۵۲

زیر نظر او بود و باشاره عمر ازجانب مغیره به حکومت آذربایجان فرستاده شد. در آنگاه اردبیل پایتخت آذربایجان بود. مرزبان آذربایجان که دراردبیل جای داشت سپاهی ازمردم باجروان ومیمند ونریزوسراة (سراب) و میانه گرد آورد بجنگ مسلمانان بیرون شد و شکست یافت و با پرداخت هشتصد هزار درهم با حذیفه صلح کرد.

درمقابل حذیفه ازطرف سپاه عرب تعهد نمود که کسی از آنان را نکشد و ازایشان اسیر نگیرد و آتشکده‌های‌شان‌را ویران‌نسازد، و آنان‌را دربرابر کردان بلاسجان وسبلان وساتروذان حمایت کند، وبخصوص‌مردم شهرشیزرا ازرقص‌در اعیاد و نمایشهای‌یشان منع ننماید.

پس ازآن عمر حذیفه را از فرمانروایی آذربایجان عزل‌کرد وعتبة‌بن‌فرقد سُلمی‌را که درموصل وبقولی در شهر زور بود حکومت داد. واقدی مینویسد که مغیرة بن شعبه آذربایجان را درسال۲۲ هجری‌ازکوفه‌بزور بگشاد و آن‌دراصطلاح فقها مفتوح‌العنوه است.

عثمان عتبة بن فرقدرا عزل‌کرده ولیدبن عقبة بن ابی‌معیط را فرمانروایی آذربایجان داد. چون مردم موقان‌نقض عهدکرده بودند ولید باآنان‌جنگ نمود وازآنان اسیر گرفت تا بصلحی دیگر راضی شدند. پس از ولید اشعث بن قیس بحکومت‌رسیدگویند اشعث بن‌قیس گروهی‌ازعرب را ازاهل‌عطاء ودیوان (یعنی کسانیکه ازبیت‌المال‌حقوق‌سالانه داشتند) درآذربایجان‌سکونت داد وبآنان امر کردکه مردم‌آن‌سامان‌را باسلام‌دعوت‌کنند. پس‌ازآن سعید بن العاصی‌بحکومت آذربایجان نشست وگروهی ازمردم ارمنستان و آذربایجان بروی شوریده در ارم (اورمیه) و بلوانکرج گردآمدند، سعیدبن العاصی، جریربن عبدالله بجلی را بسرکوبی‌ایشان‌فرستاد، وی‌آنان‌راشکست‌داده پیشوای‌ایشان‌رابردرقلعه‌باجروان بدارآویخت.

چون علی‌بن ابی‌طالب (ع) بخلافت نشست نخست سعیدبن ساریه خزاعی و سپس اشعث بن قیس‌را حکومت آذربایجان داد .

اشعث دراین بار بیشترمردم را مسلمان یافت‌که میتوانستند قرآن‌بخوانند پس‌گروهی ازاهل عطاء ودیوان‌را ازمردم عرب درشهر اردبیل نشیمن‌داد وآنرا پایتخت‌خود ساخت ومسجدی درآنجا بناکرد .

هنگامیکه لشکر عرب به‌آذربایجان فرودآمد ، عشایر عرب از مصروشام به‌آن سامان روی نهاده وهرچه توانستند برای‌خود زمین بدست‌آوردند و بعضی ازایشان زمینهای ایرانیان‌را خریدند ، ده نشینان زمینهای خویش را به ایشان واگذارکرده خود بناچار برزگری ایشان‌را پذیرفتند [۱] .»

طبری‌مینویسد:«همواره ششهزارتن‌ازجنگجویان‌عرب‌ازکوفه‌به‌آذربایجان گسیل میکردند وهرچهارسال یکبارعوض‌میشدند .»

ابوالفرج اصفهانی مینویسد«که تنها ازیك عشیره‌بنی‌تغلب دوهزارخانواده بیشتردرآذربایجان سکونت داشتند» [۲]

بابك خرم دین

آذربایجان همچنان بدست حکام عرب اداره میشد تا پس ازبنی‌امیه نوبت به عباسیان رسید . ازدورهٔ مأمون یك نهضت مذهبی واشتراکی که با احساسات ملی توأم بود درآذربایجان به پیشوایی‌مردی بنام جاویدان بن‌سهل پیدا شد که آنان‌را خرم دینان یا خرمیه میگفتند . این فرقه از بازماندگان فرق مزدکی درایران بوده و قائل‌به تناسخ‌بودند . درکتابهای اسلامی این‌فرقه را محمّره‌لقب داده‌وسرخ جامگان‌ترجمه‌کرده‌اند . بعضی‌خرمیه را ازپیروان شروین‌بن‌سرخاب

۱ــ فتوح‌البلدان طبع مصر ص۳۳۳-۳۳۷

۲ــ اغانی چاپ مصر ج ۱۱ ص۵۹

ازشاخهٔ کیوسیه از آل باوند شمرده‌اند [۱]

این نسبت نبایستی بی‌وجه باشد زیرا کیوس برادر انوشیروان و پسر قباد مزدکی مذهب بود و بهمین دلیل بدست برادرش خسروانوشیروان کشته شد.

بسیاری از مورخان اسلام خرمیه را فرقه‌ای اباحی ولذت‌پرست خوانده و وجه تسمیه ایشان را ازکلمه خرم بمعنی شادمانی‌وخوشگذرانی گرفته‌اند. ظاهراً با شهادت اصطخری درترجمه مسالك و ممالك‌که مینویسد:

«گویند مردمان آنجایگه دین‌خرم دینان دارند همان نوعی باشد ازگبرگی ودرمسجدها قرآن خوانند لکن به ظاهروالاطریق اباحت دارند [۲].»

نسبت ایشان به اباحه بایستی نوعی ازتبلیغات مبالغه‌آمیز طرفداران‌دولت عباسی دربارهٔ ایشان باشد.

بعضی وجه تسمیه ایشان را ازنام «خرمه» زن مزدك‌گرفته‌اند وگویندآن زن پس ازمرگ شوهرش بری گریخت ودین اورا رواج داد.

شاید همان طور که یاقوت در ماده خرم نوشته آنان بدهی بهمین نام‌که در نزدیکی اردبیل قرارداشته منسوب باشند. [۳]

طبری ودینوری آغازکارخرمیان را درآذربایجان از سال ۱۹۲ نوشته‌اند. اما بابك‌که بعضی پدر اورا مرداس نوشته‌اند، و برخی بدون ذکر نام پدر، اورا پسر روغن فروشی ازاهل مدائن‌خوانده‌اند درجوانی به سهل‌بن‌جاویدان‌پیوست وکیش اورا بپذیرفت پس ازمرگ او بیاری زن سهل‌که به ازدواج‌بابك درآمده بود به پیشوایی‌خرم دینان رسید.

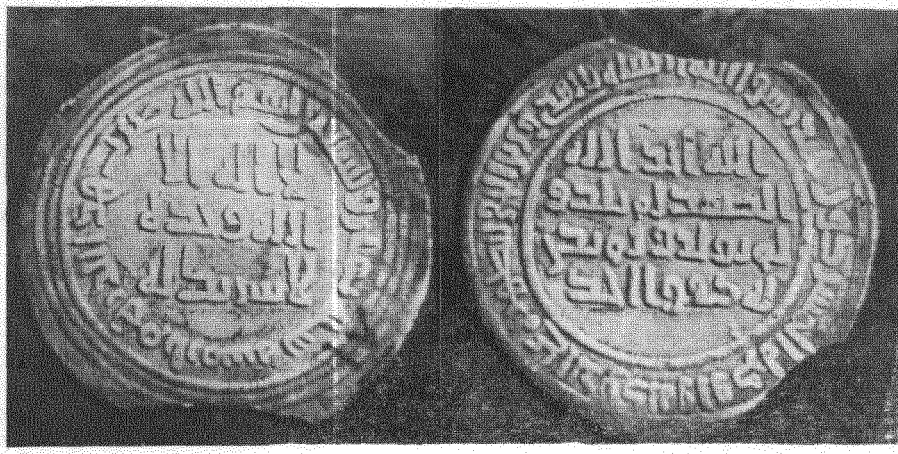
بابك در ۲۰۱ هجری‌بروزگارمأمون علیه دولت عباسی‌قیام‌کرد و برقلعه‌هاای

۱ــ دکتر مشکور ـ تاریخ مذاهب اسلام ص۱۹۲

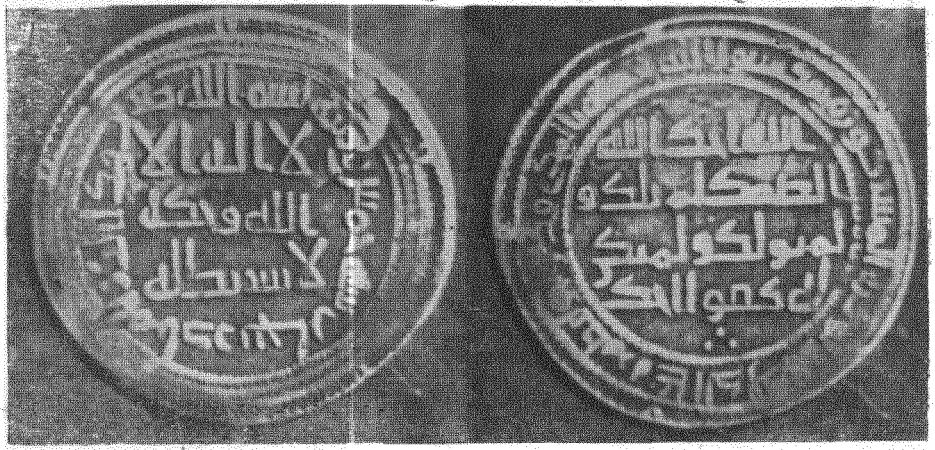
۲ــ مسالك وممالك، بنگاه ترجمه ونشرکتاب ص۱۶۷

۳ــ معجم‌البلدان ج ۲ ص۴۲۷

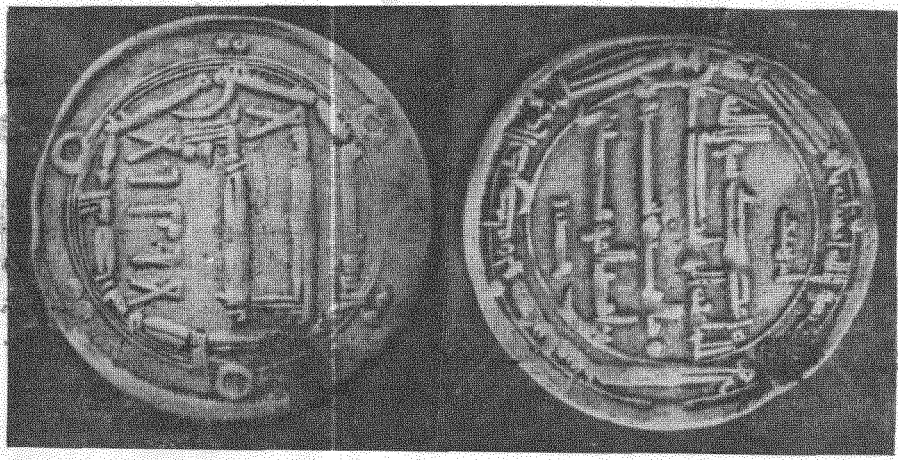
بعضی ازدراهم نقره امرای عرب درآذربایجان



سکه یکی از امرای عرب دراره‌مینیه آذربایجان درسال ۹۸ هجری



این درهم درسال ۱۰۵ هجری درآذربایجان ضرب شده



این درهم درسال ۱۹۷ هجری بارمینیه آذربایجان ضرب شده

چنددر آذربایجان من‌جمله قلعه بذ دست‌یافت. مدت بیست ودوسال فتنه اوبطول انجامید. وی دراثناء این مدت چندین لشکرخلیفه را شکست داد.

لشکر عرب بجهت تنگی راهها وسرمای سخت آن حدود از دفع وی و گرفتن قلعه بذ عاجز بودند. درزمان خلافت معتصم‌عباسی ، سردار وی افشین که خیذربن کاوس‌نام‌داشت مامور سرکوبی بابك شد. بابك در دفع لشکر خلیفه از امپراطور روم شرقی‌تئوفیل پسرمیخائیل یاری‌خواست. ولی‌پیش ازرسیدن‌کمك امپراطور افشین ، بابك را بفریفت وویرا شکست داد.

بابك بگریخت‌وبدست سهل بن‌سنباط بطریق ارمنستان گرفتار آمد. قلاع او بفرمان افشین ویران شد واورابه بغداد بردند ومعتصم او را بخواری تمام بکشت وپیکر اورا بدارآویخت (۲۲۳ه). دراین‌بیست ودوسال‌جنگ بین‌بابك و دولت عباسی بیش ازپانصد هزار تن ازلشکر اسلام‌کشته شدند.

بعضی این عده را به یك میلیون رسانیده‌اند. باید دانست‌که تختگاه بابك در قلعه بذ درنزدیك هشتاد سربود واین‌هشتاد سرکوهی‌است سخت بنام‌جیه یافت که در تداول مردم‌آنرا هشته سر گویند. یافت اکنون از دهستانهای پنجگانه بخش هوراند شهرستان اهراست که‌از مشرق محدودبه‌اردبیل است وشهربذ در نواحی قرجه‌داغ (ارسباران) درنزدیکی رود ارس‌بوده‌است [۱]

جدول فرمانروایان آذربایجان دردورهٔ تسلط عرب

شماره	نام فرمانروای عرب	آغاز حکومت
۱	حذیفة بن‌الیمان [۲]	سال ۲۲ هجری
۲	سماك بن الحارث	۲۳ ه

۱ـ کامل ابن‌اثیر حوادث‌سال ۲۰۱ ؛ مطهر بن‌طاهر المقدسی البدء والتاریخ ج ۶ ص۱۱۴-۱۱۸ ؛ نادر میرزا : تاریخ تبریز ص۱۸-۳۱ . تاریخ مذاهب اسلام ص۴۰۷-۴۰۸

۲ـ وی‌همان ابوعبدالله حذیفه‌بن یمان‌عبسی‌است . رجوع کنید به فهرست ابن‌اثیر ص۲۷۷

۳	عتیبة بن فرقد	۲۴ ه
۴	ولیدبن عقبة بن ابی معیط	۲۵ ه
۵	سعیدبن ساریه خزاعی (ازطرف حضرت علی) آذربایجان و ارمنستان راباهم داشت	۳۶ ه
۶	قیس بن سعدبن عباده دلیم بن حارثه انصاری	—
۸	عبیدالله بن العباس (ازطرف حضرت امام حسن)	۴۰ ه
۸	•••• ••••	••••
۹	محمدبن مروان (برادرعبدالملك مروان) آذربایجان وارمنستان راباهم داشت	۷۳ ه
۱۰	مسلمة بن عبدالملك (برادرولید اول اموی) آذربایجان وارمنستان راباهم داشت	۹۱
۱۱	ثابت النهروانی	۱۰۲
۱۲	جرّاح بن عبدالله الحکمی آذربایجان وارمنستان راباهم داشت	۱۰۴
۱۳	سعید بن عمرو بن اسود الحرشی	۱۰۶
۱۴	مسلمة بن عبدالملك (باردوم) آذربایجان وارمنستان را باهم داشت	۱۰۷
۱۵	مروان بن محمد (آخرین خلیفه اموی) بانضمام ارمنستان	۱۱۴
۱۶	•••••••	—
۱۷	ابوجعفر المنصور (خلیفه دوم عباسی)	۱۳۳ ه
۱۸	محمدبن صول (نایب ابوجعفر منصور)	۱۳۴
۱۹	یحیی بن خالدبرمکی	۱۵۸
۲۰	بسطام بن عمرو التغلبی[1]	۱۶۱

۱ـ رك : ابن اثیر ج ۵ ص ۵۲

۲۱	یزیدبن مزیدبن زائده شیبانی (ملقب به شروانشاه)	۱۷۱
۲۲	.....	—
۲۳	یزیدبن مزید (باردوم)	۱۸۳
۲۴	حاتم‌بن هرثمة‌بن اعین[1] درگذشته در۲۰۳هجری	۲۰۲
۲۵	عیسی‌بن محمدبن ابی‌خالد (آذربایجان وارمنستان)	۲۰۵
۲۶	علی‌بن‌صدقه، زریق[2] . آذربایجان‌وارمنستان	۲۰۹
۲۷	ابراهیم‌بن‌لیث‌بن‌الفضل	۲۰۹
۲۸	محمدبن حمیدالطوسی(آذربایجان وسرزمین‌جزیره)	۲۱۱
۲۹	علی‌بن هشام‌که درسال۲۱۷کشته شد	۲۱۴
۳۰	عجیف‌بن عنبسه[3]	۲۱۷
۳۱	منکجور، سردارافشین ، درگذشته۲۲۵	۲۲۴
۴۲	.....	۲۲۵
۳۳	محمدبن حاتم‌بن هرثمه	۲۳۳
۳۴	حمدویة‌بن علی‌بن الفضل‌السعدی	۲۳۴
۳۵	المعتزبن المتوکل (فرمانروای افتخاری آذربایجان وارمنستان)	۲۳۵
۳۶	ابوسعیدمحمدبن یوسف المروزی(نایب‌حاکم فوق)	۲۳۵
۳۷	یوسف بن محمد(پسر حاکم فوق)	۲۳۷
۳۸	ابوالحسن‌علی‌بن یحیی الارمنی درگذشته در۲۴۹ ... (فرمانروای آذربایجان وارمنستان)	۲۴۸
۳۹	علاءبن احمدالازدی	۲۶۰

۲ ـ رك: ابن‌اثیرج۶ ص۲۲۸

۳ـ رك: ابن‌اثیرج۶ ص۲۷۵

۴ـ رك ابن‌اثیرج۶ص۱۴۲

۴۰ محمدبن عمربن علی‌بن مرالطائی الموصلی[۱] ۲۶۱

محمدبن ابی‌الساج در۲۷۶ آذربایجان رافتح کرد، وسپس‌ابوسالم‌دیسم‌بن ابراهم‌کرد در۳۲۷ آذربایجان رافتح‌نمود(۲)

مرزبان اول‌پسر محمد درسال. ۳۳ آذربایجان رافتح‌کرد

ساجیان ـ جد این‌خانواده ، ابوالساج‌دیوداد بن یوسف‌دیودست ازامرای اسروشنه درماوراءالنهر بود.درفتنه بابك‌همراه‌همشهری‌خود افشین‌به‌آذربایجان آمد ودرسال ۲۴۲ هجری ازطرف متوکل خلیفه ببازرسی راه مکه مأمور شد. درعهد خلافت المعتز درسال۲۵۴ به‌فرمانروایی حلب‌وقنسرین وسپس‌در۲۶۱ ه به‌حکومت اهواز رسید. ولی بعلت استیلای یعقوب لیث بر خوزستان املاك او بدست آن‌پادشاه افتاد. پس ازشکست یعقوب درسال ۲۶۲ ه به بغداد رفت و در راه جندیشاپور درسال ۲۶۶ درگذشت. پس از او پسرش ابولمسافر (ابوعبیدالله) محمد الافشین بدستگاه خلافت‌عباسی‌راه یافت. درسال ۲۷۶ ازطرف‌موفق برادر معتمد خلیفه به‌فرمانروایی آذربایجان رسید واردبیل‌را تختگاه خود ساخت و مراغه را ازعبدالله بن‌حسن‌همدانی بگرفت(۲۸۰ه)، وباسمباط باگراتونی‌جنگ کرده قسمتی ازارمنستان را ضمیمه ملك خودساخت.

سر انجام دربیع الاول سال۲۸۸ ه به‌بیماری طاعون دربرذعه در گذشت. پس‌از او برادرش ابوالقاسم یوسف بن ابوالساج به‌فرمانروایی آذربایجان رسید. سر ازاطاعت المقتدربالله‌عباسی باز زدوسمباط پادشاه ارمنستان رابی‌اجازه خلیفه بکشت ، وری‌وقزوین وزنجان وابهررا ازمحمدبن علی سلوق بگرفت و لشکر خلیفه را در ۳۰۵ هجری شکست داد .خلیفه درسال ۳۰۵ مونس خادم را بجنگ وی‌فرستاد . یوسف‌به‌زنجان پناه‌برد وسپس ناچارشد به‌اردبیل بگریزد . درآنجا

۱. رك : ابن‌اثیرج ۷ص۱۹۹

۲ ـ رك : زمباور ، معجم‌الانساب و الاسرات الحاکمه فی‌التاریخ الاسلامی طبع قاهره ۱۹۵۱ ص ۲۷۲

اسیرشده اورا باحترام ببغداد آورده آزاد ساختند (۳۱۰ ه) سپس خلیفه دیگر باره فرمانروایی ری و آذربایجان را باوداد واورا به‌جنگ قرمطیان گسیل داشت باوجود دلیری بسیاردر نخستین نبرد گرفتارشدوبادیگر اسیران بدست ابوطاهر قرمطی ازقرامطه بحرین بقتل رسید(ذی‌حجه سال۳۱۵ه)

جدول خاندان بنی‌ساج(آذربایجان ، مراغه، اردبیل ، برذعه)

۱	ابوالساج دیوداد‌بن دیودست (در۲۶۶ درجندی شاپوردرگذشت)[۱]	
۲	ابولمسافر (ابوعبیدالله) محمد افشین‌بن دیوداد در ربیع‌الاول سال ۲۸۸ درگذشت)[۲]	۲۷۶ه
۳	دیوداد‌بن محمد	ربیع‌الاول ۲۸۸
۴	ابوالقاسم یوسف‌بن دیوداد [۳]	شعبان ۲۸۸
۵	ابوالمسافر فتح‌بن محمد [۴]	ذی‌الحجه ۳۱۵

بنی‌عباس درسال ۳۱۸ هجری این ایالت‌را ضمیمه‌دولت‌خودکردند.

چنانکه‌گفتیم ابوالمسافر فتح‌بن‌محمدالافشین‌که به‌فرمانروایی آذربایجان رسید بیش‌ازدو سال حکومت نکرد ودرشعبان سال۳۱۷ بدست مفلح الیوسفی در اردبیل مسموم گشت . پس ازمرگ اوآذربایجان باز بدست خلفای عباسی افتاد پسرش‌ابوالفرج‌بسرداری‌خلیفه دربغداد بماند وازدوستان وهمکاران‌امیرالامراء ابوبکر محمدبن رائق بود که یکبار درسال ۳۲۴ وبار دوم در ۳۲۹ هجری باین منصب رسید . ساجیان‌یکی از قدیمترین سلسله‌های ایرانی هستند که در برابر خلفا پرچم مخالفت افراشتند باآنکه استقلال کامل نداشتند بازمیتوان آنانرا در

۱ ـ وی ازسال۲۵۴ تا۲۵۸ والی‌حلب بود

۲ـ وی‌ازسال۲۶۳ تا۲۶۸ والی‌مکهٔ ودر۲۶۹ والی‌انبار بودودرسال۲۷۶ ولایت آذربایجان یافت

۳ـ از سال ۲۶۲ تا ۲۸۱ والی مکه بود و دوباریکی درسال۳۰۶ و دیگری در۳۱۱ بری مستولی شد واز سال۳۱۱ تا۳۱۴ برایالت جبال دست یافت وسرانجام در سال ۳۱۵ هجری ابوطاهر قرمطی او را بکشت .

۴ـ اورا مفلح‌الیوسفی درشعبان سال۳۱۷ بکشت

۵ـ زامباور ص۲۷۴

ردیف سلسله‌های طاهری وصفاری وسامانی بشمارآورد [۱]

دیسم کرد در آذربایجان ـ آذربایجان درسال۳۲۷ه بدست ابوسالم دیسم‌بن ابراهیم کردی افتاد ابن حوقل اورادیسم بن‌شاذلویه مینویسد[۲] . ظاهراً این اسم نام‌خاندان مادری اوست‌که پدردیسم ازایشان دخترگرفته‌بوده‌است .

ابن‌مسکویه مینویسد: پدر دیسم‌یکی‌ازخوارج وازهمراهان هارون‌خارجی معروف بود وپس ازکشته‌شدن هارون درنواحی‌موصل بآذربایجان آمد و دختر یکی ازبزرگان‌کردرابزنی‌گرفت ودیسم‌ازاین زن زائیده شد.

وی چون نیرومندگشت به‌یوسف‌بن ابی‌الساج پیوست‌ویکی ازسرکردگان سپاه‌اوشد . دیسم پس‌ازرفتن یوسف از آذربایجان وکشته‌شدن او بدست قرامطه علم طغیان برافراشته بیاری خویشان مادری‌خودکه ازکردان‌بودند برآذربایجان مسلط‌گشت درسال ۳۲۶ ه لشکری نامی‌که فرزندمردی گیلی‌بود ونخست از سرداران ماکان‌کاکی وسپس مرداویج بود پس‌ازکشته شدن مرداویج زیاری از طرف‌برادرش‌وشمگیر برهمدان‌حکومت داشت‌درآنجامالی‌اندوخته به‌آذربایجان لشکر کشید . وی‌دیسم راشکست‌داده وسراسرآذربایجان رابجز تختگاه آن‌که اردبیل بودتصرف‌کرد. سپس‌اردبیل رامحاصره نمودوباردبیلیان وعده داد که‌اگر شهررابگشایند بایشان‌پاداش‌نیکودهد . اردبیلیان چون از بدرفتاری لشکری با مردم‌همدان‌آگاه‌بودندتسلیم‌شدند، وکسی‌رابنزددیسم‌فرستاده ازاویاری‌خواستند.

دیسم دسته‌ای‌ازکردان وصعلوگان‌گردآورده پنهان به‌نزدیك اردبیل‌آمدو ناگهان به‌گیل‌ها حمله‌آورده وایشانرابسوی موغان‌گریزان ساخت .مردم موغان که ازآغاز اسلام استقلال خودرا ازدست نداده وهمواره‌اسپهبدی‌ازخود داشتند دراین زمان اسپهبد ایشان‌که«ابن‌دلوله» خوانده میشد باپسر خود لشکرستان و

۱ـ دائرةالمعارف الاسلامیه (ترجمه عربی) ج ۱۱ ص۳۶ ـ ۳۸؛ زامباور ، معجم‌الانساب شماره ۱۶۳ .

۲ـ ابن حوقل : صورةالارض ص ۳۳۴

و برادرزاده اش و چند هزار تن از جوانان جنگی گیلان بیاری لشکری شتافت . دیسم تاب مقاومت نیاورده اردبیل را گذاشته به آنسوی رودارس رفت و گذرگاهها را بگرفت .

پس از چندی لشکری و همراهانش بر لشکر دیسم شبیخون زدند و اورا گریزان ساختند . پس از شکست دیسم ، لشکری به فرمانروایی آذربایجان نشست. دیسم ناگزیر بری رفت و از وشمگیر یاری خواست وشمگیر از تسخیر آذربایجان بدست لشکری بی اجازه او ناخرسند بود . پس سپاهی به دیسم داد بشرط آنکه او بر منابر آذربایجان خطبه بنام وشمگیر خواند وسالانه صدهزار زر سرخ به خزانه او بپردازد وسپاه را پس از دفع لشکری بری بازگرداند. لشکری در برابر سپاه دیسم تاب مقاومت نیاورد و آذربایجان را گذاشته بارمنستان رفت. دیسم در آذربایجان دوباره قرار گرفت و بنام وشمگیر بر آنسرزمین فرمان میراند. چون در این هنگام کردان تحت فرمان اوسر بطغیان برداشته بودند ، دیسم بیاری دیلمانی که همراه آورد آنانرا گوشمالی سخت داد . وزیر دیسم ابوالقاسم علی بن جعفر که از مردم آذربایجان ومردی دبیر وزیرك بود ، بسببی از دیسم اندیشناك شده بنزد مرزبان پسر محمد بن مسافر از بنی سلار (سالار) فرمانروای تارم رفت.

چون اومانند مرزبان کیش باطنی داشت مرزبان او را بوزارت برگزید . ابوالقاسم مرزبان راوادار کرد که به آذربایجان لشکر بکشد . بر اثر توطئه او با سرداران دیسم که بعضی از ایشان باطنی مذهب بودند، سپاهیان کرد ودیلم دیسم به مرزبان پیوستند. دیسم ناچار بارمنستان گریخت پس از چندی بسبب سعایت سرداران مرزبان برجان خود بیمناك شده اجازه خواست که به تبریز برود . از تبریز نامه به دیسم نوشته واز خطاهای گذشته عذرخواست. دیسم پاسخ داد تا سپاهیان دیلمی را نکشی به وفاداری تو اطمینان حاصل نکنم .پس ابوالقاسم بیاری تبریزیان دیلمان را بکشت وسران ایشانرا دستگیر ساخت ودیسم به تبریز آمد . مرزبان با لشکر

خود به‌تبریزحمله‌کرد وآن‌شهررا محاصره‌نمود . دیسم وکردان ازشهر بیرون شده به‌اردبیل رفتند مرزبان به‌اردبیل‌آمد وآن‌شهررا محاصره‌کرد.

چون محاصره‌اردبیل بطول انجامید، دیسم براثراصرار بزرگان شهرناچار شدکه به‌مرزبان پیشنهاد صلح‌کند وازاوبخشایش‌طلبد.

مرزبان اورانواخته وامان داد وبه مردم اردبیل فرمان دادکه بدست خود باروی‌آنشهر را ویران‌سازند . ازآن پس مرزبان خـداوندآذربایجان واران و ارمنستان‌شد وتادربند باب‌الابواب وشروان زیرنفوذ خودآورد . امادیسم پس از مدتی‌که پیش‌مرزبان‌بود ازاودرخواست‌که با خاندان وکسان‌خویش بیکی‌ازقلاع تارم رود و بقیت عمر را درآنجا بگذراند . مرزبان خواهش اورا پذیرفته ویرا بدانجا روان‌ساخت .

پس‌ازگرفتاری‌مرزبان بدست‌رکن‌الدوله‌دیلمی‌درسال۳۳۷هجری‌وهسودان برادراو، دیسم راکه درقلعه‌ای‌ازتارم‌جای‌داشت برآورده روانه‌آذربایجان‌ساخت.

دیسم دیگرباره به‌آذربایجان‌آمد و دراردبیل بنشست . پس ازچندی ابن عبدالرزاق ازطرف رکن‌الدوله به‌آذربایجان لشکر کشید .

دیسم‌چون‌یارای‌مقاومت‌نداشت به‌ورثان‌گریخت،ابن‌عبدالرزاق،ابوجعفربن عبدالله راکه قبلاوزیر دیسم بود وباوخیانت کرده بود ، بنواخت ووزارت خویش داد. وزیرسابق‌اوکه ویرا باخود ازخراسان‌آورده ازوی‌رنجیده به دیسم‌پیوست. ابن عبدالرزاق ازشنیدن این‌خبرسخت دلتنگ شده و ازحکومت‌آذربایجان دل برکندودرسال۳۳۸ هجری‌بری‌بازگشت دیسم‌باردیگرباردبیل‌آمدوبامارت‌نشست ووزارت خود را به ابوعبدالله نعیمی‌سپرد ونخجوان و دبیل‌را بتصرف‌آورد . در این‌اثناء مرزبان به‌حیله اززندان‌خود در سیمرم گریخته به‌آذربایجان بازگشت . دیسم‌که ازرهایی مرزبان آگاهی نداشت برای‌جنگ با یکی ازمخالفان‌خود بنام علی‌بن‌میشکی به تارم‌آمد . ولی‌به خیانت‌وزیرش ابوعبدالله نعیمی‌شکست‌خورده

بسوی ارمنستان رفت . چون خبر یافت که مرزبان از بند آزاد شده و علی بن میشکی را با سپاهی بدنبال او فرستاده است بـه موصل بگریخت و از آنجا ببغداد بنزد معزّالدوله دیلمی بشتافت و از او خواست که بوی در برابر مرزبان یاری دهد. چون در سال ۳۴۳ ه رکن‌الدوله در ری با مرزبان پیمان صلح بسته دختر او را بزنی گرفت، دیسم از کمك معزالدوله نا امید شده بنزد سیف‌الدوله حمدانی رفت و با لشکری که از او گرفت به آذربایجان بازگشت ولی از مرزبان شکست خورده به دبرنیق آرجرونی حاکم ارمنستان پناه برد. مرزبان، دبرنیق را تهدید بجنگ کرده اورا مجبور ساخت که دیسم را باو بسپارد . مرزبان اورا گرفته و کورکرد و بزندان انداخت و سرانجام درسال ۳۴۶ ه برخی از کسان مرزبان دیسم را بکشتند و آن سر پرشور بخاك رفت .[۱]

روادیان

چنانکه درچند صفحه پیشتر گفتم پس از فتح آذربایجان قبایل عرب به آن سرزمین روی آوردند ، و آنچنان در آذربایجان بسیار شدند که دراواسط قرن چهارم زبان عربی یکی اززبانهای متداول مردم آنجا شد .

درقرن چهارم وپنجم هجری دوخاندان روادی در آذربایجان دست اندرکار بودند که یکی را رّوادیان ازدی یا عرب، ودیگری را روادیان کردی میخواندند .

روادیان ازدی درتبریز وسپس درهمه آذربایجان حکومت میکردند .

روادیان کردی یا شدادیان در اران وماوراء رود ارس حکومت داشتند . و تختگاه ایشان گنجه بود(۳۴۰_۴۶۸ ه).

روادیان ازدی

رواد پسرمثنای ازدی سرسلسله این خاندان است .

۱ـ ابن مسکویه : تجارب‌الامم ص ۱۱ و۶۴ و حوادث سالهای ۳۳۰ و۳۳۱ و۳۳۹ و۳۴۲ و ۳۴۶ ، شهریاران گمنام ج۱ ص۵۷_۹۸

ازد یکی ازقبایل‌معروف یمن‌بود که گروهی از ایشان به‌آذربایجان آمده نشیمن گرفتند .

رواد درزمان خلافت منصورعباسی (۱۳۶ـ۱۵۸) بدعوت یزیدبن حاتم والی آذربایجان به‌آن سرزمین آمد وبرشهر بذ که درارسباران کنونی بود و در کنار ارس وشمال شرقی اهر قرار داشت حکومت میکرد . این‌شهر بعدها بدست بابك خرم دین افتاد .

رواد سه پسر داشت : وجناء ، محمد ، یحیی ، پس از او پسرش وجناء که معاصرهارون‌الرشید (۱۷۰ـ۱۹۲ ه) بود . تبریزرا تختگاه‌خودساخت وبهمدستی صدقةبن علی فرمانروای ارومی سر بشورش برداشت و قصدگرفتن مراغه راکرد ولی پایان‌کار اومعلوم نیست .

پس از او محمدبن رواد درتبریز بحکومت نشست ابن ندیم مینویسد که : بابك خرّمی‌مدت دوسال‌ازچاکران محمدبن رواد بود وازتبریز درهجده سالگی بنزد مادرش بازگشت .[۱]

یعقوبی مینویسدکه مأمون درسال ۲۰۵ هجری عیسی‌بن‌محمدبن ابی‌خالد را بفرمانروایی ارمنستان وآذربایجان فرستاد . محمد بن رواد پیش او رفت در سال ۲۱۲ محمد بن‌حمیدطوسی بامرمأمون‌محمدبن رواد را دستگیرکرده ببغداد فرستادولی‌بازمحمدبازگشته‌درآذربایجان‌بامارت‌نشست‌وتاحدود۲۳۴درآذربایجان سلطنت داشت .

پس ازاویحیی‌بن رواد بحکومت رسیده اورا درسال ۲۳۵ هجری درخلافت متوکل‌عباسی‌گرفته ببغداد براند .[۲]

۱ـ الفهرست طبع اروپا ص ۳۴۳

۲ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص۲۲ـ۲۸

فرمانروایان مرند

جد این‌خانواده حلبس نامی عرب از قبیله عتبی بودکـه در زمان خلافت منصورعباسی (۱۳۶ـ۱۵۸) بایران آمد ودرآذربایجان‌قرارگرفت‌ومرندراکه‌دیهی کوچك بود برای‌نشیمن برگزید.

پس ازاوپسرش بغیث جانشین او شد و بـارویی‌گرداگرد مرند بکشید وآن دیه را به قلعه‌ای استوار تبدیل‌کرد.

بعد ازاومحمد فرزندش‌جای اوراگرفت و درآبادی مرند بکوشید و درآن قصرها وباغهای فراوان‌ساخت.

وی بردوقلعه درخارج ازمرند یکی قلعـه شاهی درجزیره شاهی در میان دریاچه اورمیه ، ودیگری‌برقلعه ، یك در، دربیرون‌دریاچه تسلط داشت. طبری مینویسدکه محمد قلعه شاهی‌را ازوجناء بن روادگرفته بود. بقول طبری محمد مردی‌شاعروادیب بود وبتازی وپارسی‌شعرمیگفت محمد از دوستان بابك خرمی بود ولی برای‌اینکه معتصم‌خلیفه را خشنودکرده باشد عصمت ازسرداران بابك‌را که به میهمانی‌بروی‌فرودآمده بودگرفته ونزد خلیفه ببغداد فرستاد.

سپس محمد سربطغیان برداشته واورا بامرمتوکل‌خلیفه ببغداد آورده در بندکردند. درسال۲۳۴ازآنشهربگریخت‌وبآذربایجان‌آمد پس‌ازهشت‌ماه‌محاصره مرند ازطرف لشکرخلیفه دوباره گرفتارشد ، اورا بسته ببغداد بردند. متوکل امربکشتن اوداد ولی بشفاعت معزپسرخلیفه مورد عفوقرارگرفت.[۱]

فرمانروایان اورمی

سرسلسله ایشان صدقه بن‌علی‌بن‌صدقه بودکه درزمان خلافت منصورعباسی برشهراورمی (رضائیه) دست یافت وی ازمردم موصل بود وظاهراً از کردان‌آن شهربشمارمیرفت درزمان هارون‌الرشید بهمدستی وجناء بن‌رواد برخلیفه طغیان

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۲۸ـ۳۲

کرد، وی‌چون‌نخست‌درتحت‌ولایت‌قبیله ازد بود، اورا صدقه مولی‌الازدمیگفتند صدقه را پسری بنام علی بود ، پسرعلی‌که نیزصدقه نام داشت وبه زریق معروف است‌برموصل‌وآذربایجان‌دست‌یافت‌ودر۲۰۹ هجری‌مأمون‌اورا ولایت‌آذربایجان وارمنستان داد .

صدقه ازطرف‌خوداحمدبن‌جنیدنامی‌را بجنگ بابك‌خرمی‌فرستادکه‌بدست بابك‌گرفتارگشت .

چون زریق بی‌اذن مأمون در۲۱۱ ه با سید ابن‌انس حاکم موصل بجنگ برخاست واورا بکشت، مأمون‌محمدبن‌حمید طوسی‌را به فرمانروایی‌آذربایجان فرستاده زریق دستگیرشده به بغدادگسیل‌گردید ودولت اوبپایان رسید .[۱]

دنباله خاندان روادیان

ازخاندان روادی پس ازگرفتاری یحیی‌بن رواد خبری دردست نیست ابن حوقل‌مینویسدکه ابوالهیجاء بن رواد در۳۴۴ هجری فرمانروایی اهروورزقان‌را داشته است .

ظاهراً نام این ابوالهیجا ، حسین ونام پدرش‌محمدبن رواد بوده است، وی نواحی‌ارمنستان واران را ضمیمه حکومت خود درآذربایجان‌کرد، و ابراهیم بن مرزبان‌آخرین‌خاندان دیلمیان‌را درسال۳۷۰ (۳۷۱ه) شکست‌داده بفرمانروایی سلاریان‌درآذربایجان خاتمه داد .

پسرابوالهیجاء مملان نام داشت‌که نـام او را تحریف شده لفظ « محمد » دانسته‌اند . مملان‌با ارمنیان‌وگرجیان وحتی‌دولت روم شرقی‌جنگ‌کردکه اغلب پیروزمیشد . ولی‌درجنگی‌که درسال ۳۸۸ با ارمنیان‌کرد شکست‌برلشکراوافتاد. دیگرجنگ او با ابودلف امیرگولتن ازممدوحان قطران شاعربودکه امیردوین وارمنستان بود وی درسال ۳۷۷ این‌نواحی‌را ازچنگ امیرمزبوربدرآورد .

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص۳۳

پس ازمملان و هسودان پسرش بر تخت نشست وی از بزرگترین پادشاهان روادی است . اوازممدوحان قطران‌تبریزی بود وابن‌الاثیر اورا در۴۲۰ هجری پادشاه‌آذربایجان خوانده است .[۱]

نخستگاه اودرشهر تبریز بود. ناصرخسروقبادیانی که درسال۴۳۸درتبریز بود مینویسد کـه این شاه پـادشاه ولایت آذربـایجان بود و او را در خطبه چنین ذکر میکردند :

« الامیرالاجلّ سیف‌الدوله و شرف‌المّله ابومنصوروهسودان بن‌محمدمولی امیرالمؤمنین .[۲] »

آمدن قبایل چادرنشین ترك به‌آذربایجان

ازحوادث مهم زمان وهسودان بن مملان مهاجرت‌گروهی از ترکان غز که نخستین هستهٔ ترك را درآذربایجان تشکیل میدهند به‌آن استان بود . این‌ترکان را درآغازکارسلطان محمود غزنوی درسفر بماوراءالنهر با خود بایران آورد و آنان‌راکه قریب پنجاه هزارتن‌بودنددرخراسان نشیمن داد.گردیزی‌درتاریخ‌خود (تالیف سال ۴۴۳ ه) درآغازحال ترکان مینویسد : « درسال۳۹۶ خبررسید امیر محمود راکه ترکان ازآب (جیحون) گذاره شدند . وبخراسان‌آمدند وپراکندند هنوزترکان قرارنگرفته بودند که خبرآمد امیرمحمود ازهندوستان بازآمد .

ترکان متحیر ماندند و بنواحی مرو رود وسرخس ونساوباورد همی گشتند ارسلان جاذب ازپس ایشان همی‌شد شهربشهروآنچه بدست آمدند همه‌گرفت و کشت .....»، سپس در ابتدای حال ترکان سلجوقی مینویسد: «اندرین وقت (۴۱۶ هجری) که امیر محمود به ماوراءالنهر بود فوجی مردم از سالاران و پیشروان ترکستان‌پیش‌اوآمدند وبنالیدند ازستم‌امراء ایشان برایشان،گفتند ما چهارهزار

۱ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۳۶-۵۶

۲ـ سفرنامه ناصرخسروطبع دکتر دبیر سیافی ص۶

خانه‌ایم اگر فرمان‌باشد، خداوند مارا بپذیرد که از آب‌گذاره شویم، واندرخراسان وطن‌سازیم اورا ازما راحت باشد ، وولایت اورا ازمافراخی باشد ،که مامردمان دشتی‌ایم ، و گوسفندان فراوان داریم واندرلشکر اوازما انبوهی باشد .

امیر محمود را رغبت افتاد ، پس دل ایشان گرم کرد و مثال داد تـا ازآب (جیحون)گذاره آیند،وایشان بحکم‌فرمان‌اوچهارهزارخانه‌ازآب‌گذاره آمدند ، و اندر بیابان سرخس و فراوه و باورد (ابیورد) فرود آمدند وخرگاهها بزدند .

چون امیرمحمود ازآب‌گذاره آمد ، امیرطوس ابوالحرث ارسلان جاذب پیش‌اوآمدگفت. این‌ترکمانان‌را اندرولایت چراآوردی، این‌خطا بودکه‌کردی . اکنون‌همه‌را بکش‌ویا بمن‌ده‌که تا انگشتهای‌ترایشان‌ببرم تا تیرنتوانندانداخت. امیرمحمود را عجب‌آمد و گفت: بی‌رحم مردی وسخت سطبردلی. پس‌امیرطوس گفت: اگر نکنی بسیارپشیمانی‌خوری. اوهمچنان بود وتا بدین‌غایت هنوزبصلاح نیامده است. (پس ازآن ترکان فسادکردند و امیر محمود) اندر سنه ۴۱۹ سوی طوس (لشکر)کشید وبفرمود تا فوجی‌انبوه ازلشکربا سالاری‌چند با امیر طوس برفتند بحرب ترکمانان ، چـون بنزدیك رباط فراوه رسیدند جنگ پیوستند و برایشان ظفریافتند ، وچهارهزارسوارمعروف ازترکمانان بکشتند و بسیاری را دستگیرکردند ، وباقی بهزیمت رفتند سوی بلخان ودهستان (درجرجان نزدیك خوارزم) وفساد ایشان‌اندرآن ولایت سهل‌ترگشت »[۱] .

پس‌ازچندی‌گروهی‌ازایشان‌سربطغیان‌برداشته ازراه کرمان‌رهسپاراصفهان شدند . سلطان محمود نامه به علاءالدوله فرمانروای اصفهان نوشت که آنان‌را بازگرداند یا بکشد وسرهایشان‌را بفرستند ، ترکان ازقصد علاءالدوله‌آگاه شده ازآن دام به‌جستند و از اصفهان بیرون‌آمـده و یغماکنان خود را به‌آذربایجان رسانیدند . بقول ابن‌اثیرشماره‌آنان درآنگاه قریب دوهزارچادربود که از قرار

۱ــ زین‌الاخبار گردیزی به تصحیح عبدالحی حبیبی‌طبع بنیاد فرهنگ ص۱۷۸-۱۸۹و۱۹۲

هرچادرهفت تن بالغ برچهارده هزار تن میشدند ، چون به آذربایجان رسیدند وهسودان مملان که غالباً بارومیان و ارمنیان وگرجیان وحکام اطراف درجنگ بودآمدن‌این‌گروه دلیروتازه نفس‌را مغتنم‌شمرده ایشان‌را درهمان‌اوایل‌سلطنت خویش درسپاه خود بپذیرفت .

این‌خرگاهیان یـا چادرنشینان ترك درشجاعت و تیراندازی درآن روزگار شهره‌آفاق بودند چنانکه قطران‌تبریزی که شاعردربار وهسودان بود درمدح‌آن پادشاه به این ترکان ودلیری ایشان اشارت‌کرده است :

نه با سپاه تو دارد درنگ هیچ حصار نه باسنان تو گیرد قرار هیچ سپاه .
بدین مبارز خرگاهیان سخت کمـان شگفت‌نیست‌که برآسمان‌زنی‌خرگاه.

این ترکان غز درآذربایجان‌آرام ننشسته و به بلاد اطراف تاخته به‌کشتار وغارت پرداختند . چامچیان مورخ معروف ارمنی درحوادث سال ۱۰۲۱ میلادی (۴۱۱ ه) مینویسد :

دراین‌سال‌ترکان که همچون‌تندسیلی‌به‌آذربایجان‌رسیده‌بودند به‌ارمنستان وبه ناحیه‌واسپورگان‌هجوم‌آوردند ودست‌تطاول‌بگشادند. شاپورسرداروواسپورگان با سپاه خود به وسطان بیاری « سنگریم » امیر آرجرونی رفت ، چون بدانجا رسیدند از دورگروهی انبوه از ترکان را دیدندکـه همگی‌همچون زنان‌گیسوان فروهشته وکمانهای‌ایشان‌بس‌سخت‌ومحکم‌بود،وارمنیان‌که تاآنگاه‌چنین‌مردمی‌را ندیده بودند سخت بترسیدند . ترکان‌که ازدورمیجنگیدندگروهی از ارمنیان را ازپا درآوردند .

بقول‌مورخان ارمنی‌هجوم این‌ترکان برآذربایجان وارمنستان چنان وحشت در دلها افکنده بود که سنکریم پادشاه سلسله آرجرونیان ارمنستان ، تختگاه خود واسپورگان‌را به واسیل امپراطورروم شرقی واگذارکرده خود با خانواده و سپاه ویك سوم ازمردم‌کشورش واسپورگان‌که به‌چهارصدهزارتن‌میرسیدند به‌شهر

سیواس درآناطولی پناه برد ودرآنجا اقامت‌گزید .

گروهی دیگر ازترکان غز پس از نهب و غارت خراسان و شکست سلطان مسعود غزنوی روی بری نهاده وآن شهررابگشادند ودر حوالی ۴۲۹ (ه) در ری دودسته شدند .

دسته‌ای ازایشان که بقول ابن‌الاثیرشماره‌آنان به هزاروپانصد تن میرسید درآنجا مانده ، ودسته‌ای دیگر بسرداری بوقا وکوکتاش و منصور دانا روانه آذربایجان شدند وبدیگر همنژادان خود در سپاه امیروهسودان پیوستند . ولی درآن سامان‌آرام نمی‌نشستند وفتنه‌ها برپا میکردند .

ابن اثیر مینویسد که وهسودان دختری از غزان بگرفت تا با این پیوند خویشاوندی آنان را رام خود سازد ، ولی ترکان دست از یغماگری و خرابکاری برنداشتند ودرهمان سال بمراغه تاخته ومردم بسیاری را بکشتند ومسجد جامع شهررا آتش زدند .

چون‌کاربیدادگری‌ترکان‌درآذربایجان بالاگرفت‌امیروهسوان‌در۴۳۰هجری بیاری خواهر زاده خود ابوالهیجاء بن ربیب‌الدوله‌که رئیس‌کردان هذبانی بود باگروهی از ایشان‌که سردار ایشان بوقا ومنصور وکوکتاش بودند جنگیده آن ترکان را ازآن سرزمین بیرون راند وآنان بری و همدان وقزوین رفتند .

دسته‌ای‌دیگرکه‌درآذربایجان‌مانده‌بودندبازسرکشی‌وبیدادگری‌آغازکردند. تااینکه بقول‌ابن‌اثیردرسال۴۳۲ امیروهسودان بن مملان بزرگان‌آنان‌رادرتبریز به میهمانی دعوت‌کرد وسی‌تن ازایشان را بگرفت وگروهی ازآنان را بشکست.

اماآن دسته ازترکان‌که ازآذربایجان بری‌رفته بودند با ترکان دیگرفراهم آمده قزل نامی را بامیری برداشتند پس از مرگ وی در (۴۳۲ ه) چون خبر حمله ابراهیم ینال برادر مادری طغرل سلجوقی را به آنشهر شنیدند از ترس او همگی آهنگ آذربایجان کردند ، و بقول ابن اثیر ، در سال (۴۳۳ ه) باز

به‌آن استان سرازیر شده واز آنجا ازراه ارمنستان به جزیره یعنی شمال‌عراق و دیار بکر رفتند .

اما این‌دسته‌نیزدردیاربکرآرام ننشستند به‌یغماگری‌وکشتن‌مردم‌پرداختند و بموصل دست یافته‌کشتار فراوان درآنجاکردند ، ولی دراین میان امیر قرواش عقیلی صاحب موصل‌که ازآن شهرگریخته بود سپاهی‌گرد آورده در سال ۴۳۵ ه ترکان را شکست‌داده بسیاری‌ازایشان را بکشت . اما غزانی که ازاین‌مهلکه‌جان بدر بردند برای بارچهارم به پناهگاه دیرین خود آذربایجان بازگشتند و همین ترکان بودندکه بادیگرهمنژادان خود درآذربایجان مانده بتدریج زبان خود را درآن استان رواج دادند [۱] .

جنگهای مسلمانان با رومیان

یکی از حوادث زمان امیر وهسودان جنگهای مسلمانان با رومیان برسر شهر برگری است . این شهر درشمال دریاچه وان قرارداشت وقلعه‌آن بدست ابوالهیجاء پسر ربیب‌الدوله خواهر زاده وهسودان بود . میانه وی با دائیش وهسودان بهم خورد وهسودان رومیان را بگرفتن‌آن شهر برانگیخت .

پادشاه روم برگری را بگرفت . این خبرچون بخلیفه‌القائم بامرالله عباسی رسیدکس فرستاد تا وهسودان و ابوالهیجارا با هم آشتی دادند . ایشان دست بهم داده خواستند برگری‌را بازگیرند موفق‌نشدند (۴۲۵ ه)

چون میان‌امیروهسودان ، با ابوالحسن علی لشکری‌شدّادی‌که ازسال۴۲۵ فرمانروای اران بود رنجشی‌پیدا شده بود ، امیر وهسودان به گنجه سفر کرد و باآن پادشاه بساط‌صلح وآشتی‌گسترد . قطران‌تبریزی‌داستان این سفرصلح‌آمیز را دریکی ازقصاید خودآورده است .

۱ـ کسروی: شهریاران گمنام ج۲ ص۶۱ـ۸۳ ؛ ابن‌اثیرحوادث سالهای ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۲ رجوع شود به فصل زبان ترکی آذری دراین کتاب .

دیگر از حوادث زمان وهسودان جنگ او با سپهبد مستقل موغان است که به فتح و فیروزی وهسودان انجامید. در سال ۴۴۶ ه طغرل بیك سلجوقی بدون جنگ به آذربایجان آمد و چون پادشاهی بزرگ بود وهسودان از در اطاعت در آمده مال وخواسته بخدمت او فرستاد.

بعد از وهسودان، طغرل سلجوقی پسر او ابو نصر مملان را بجای پدر بر آذربایجان امیر کرد. پس از وی از این خانواده پادشاهان نامبرداری روی کار نیامدند. برادر او ابوالهیجاء منوچهر ظاهراً مدتی کوتاه در آذربایجان حکومت داشته است.

ابودلف شاه نخجوان

این امیر از آنجا که ممدوح سه شاعر بزرگ ایرانی. قطران تبریزی، و اسدی طوسی. و نظامی گنجوی است، در تاریخ ادبیات ایران نامی نیکو دارد.

اسدی طوسی گرشاسب نامه، و نظامی بهرام نامه خود را بنام او کرده‌اند.

این پادشاه در اواخر روزگار امیر وهسودان، در نخجوان و اطراف آن شاهی داشته است [۱].

سلجوقیان و ترکان

در پیش نوشتیم که درسال ۴۴۶ هجری طغرل سلجوقی به آذربایجان آمد پس از تسلط سلجوقیان بر آذربایجان چون اقلیتی از مردم ترك نژاد در زمان غزنویان در آن استان وجود داشتند، با آمدن سلاجقه که خود از نژاد ترك بودند راه برای مهاجرت ترکان بآذربایجان هموارشد، و ترکان از ترکستان وماوراءالنهر چون سیل به ایران و آذربایجان روی آوردند و زبان خود را در آن استان گسترش دادند.

ابن اثیر در حوادث سال ۴۵۶ هجری مینویسد: چون آلب ارسلان سلجوقی بمرند رسید یکی از امیران ترکمان که طغتکین نام داشت باگروه انبوهی از ایل خود

۱ــ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۸۳-۱۰۶

به‌آذربایجان‌آمد ، قبایل نیم وحشی ترك درآذربایجان در همه‌جا پراکنده شده ازآزار واذیت مردم فروگذارنمیکردند .

قطران تبریزی در قصاید خود ازانبوهی ترکان و خرابیهای ایشان در آن سرزمین بنزد ممدوح خود ابوالخلیل که ازامرای‌آن روزگار بوده شکایت کرده درقصیده‌ای‌که مطلع‌آن این‌بیت است :

تا شد ازگل بوستان سیمگون بیجاده نام
بوی ورنگ ازگل‌ستاند باده وبیجاده وام

گوید :

گرچه امروزازتوترکان‌هرزمان‌خواهندباج
باز فردا نعمت ترکان ترا گردد مدام
اول اندر مصر یوسف هم چنین در بند بود
آخر اورا شد مسلم ملك مصروملك شام [۱]

درقصیده دیگرکه مطلع‌آن این‌بیت است :

ز نقش ابر نیسانی ز بوی باد آزاری
نه پندارم که با بستان بهشت عدن یاد آری

درمدح شاه ابوالخلیل‌جعفرگوید :

اگر چه داد ایران را بلای ترك ویرانی
شود ازعدلش‌آبادان چو یزدانش کند یاری
تو سالار دلیرانی تو شاهنشاه ایرانی
هم ازدل فضل‌بی‌عیبی‌هم ازتن‌فخر بیعاری [۲]

۱ــ دیوان قطران ص ۲۲۸

۲ــ دیوان قطران ص ۳۸۹-۳۹۱

درقصیده دیگرکه مطلع آن این‌بیت است :

مهرجانان چون روان اندر تن من شد روان
از تنم بیرون نیاید مهر او جز با روان

باز درمدح اوگوید :

گر نبودی آفت ترکان بگیتی در پدید
بستدی‌گیتی همه چون خسروان باستان [۱]

درقطعه‌ای‌که به این بیت آغازمیشود :

خدای داند کز غم چگونه رنجورم
غمان گیتی گنج است و من چو گنجورم

گوید :

شده چو خانه زنبور با غم ترکان
همی خلند به فرمانها چو زنبورم [۲]

ابن اثیر مینویسد که آلب ارسلان یا ملکشاه ، فرمانروایی آذربایجان را به امیرقطب‌الدین اسماعیل بن یاقوتی‌کـه نوه برادر طغرل بود سپردند و سپس مدتی‌هم پسر اومودود برآن سرزمین حکومت‌کرد [۳] .

احمد یلیان

پس از استیلای سلجوقیان برآذربایجان در (۵۰۱ هجری) ازامیری‌درآن سامان بنام امیراحمد یل یاد میشود کـه ابن اثیر اورا احمد یل بن ابراهیم بن وهسودان روادی‌کردی‌خوانده است

ظاهراً این‌خاندان ازبازماندگان روادیان‌بودندکه پس‌ازاستیلای‌سلجوقیان

۱ـ دیوان قطران ص۳۳۵
۲ـ دیوان قطران ص۴۹۰
۳ـ شهریاران‌گمنام ج ۲ ص۱۱۲

برخطه مراغه حکومت داشتند .

امیر احمد یل در(۵۰۱ هجری) درجنگی‌که ملکشاه سلجوقی با صدقةبن دبیس امیرحلّه کردازهمراهان اوبود . وی‌در(۵۰۵)هجری‌بیاری اتابك‌طغتکین صاحب شام به‌جنگ فرنگان صلیبی‌رفت .سرانجام‌در۵۱۰ هجری دربغدادبدست یکی ازفدائیان اسماعیلی کشته شد .

پس از امیراحمد پسرش آقسنقر جانشین اوشد ودر ۵۱۶ هجری از بغداد به‌آذربایجان‌آمد .

وی نخست ازنزدیکان سلطان محمود سلجوقی بود ولی در آذربایجان بـه برادر اوطغرل که سربشورش برداشته بودپیوست . محمودسپاهی به‌مراغه برای سرکوبی ایشان فرستاد . ایشان ترسیده وازوی پوزش‌طلبیدند و محمود از گناه آنان درگذشت. سلطان محمود راپسری بنام‌داودبود ، آقسنقر را اتابکی او داد. پس ازمرگ محمود در۵۲۵ هجری‌آقسنقر داودرا بجای اوبر تخت نشاند .

برادران دیگرداودکه‌طغرل‌ومسعودوسلجوق‌بودندزیر بارسلطنت‌اونرفتند، آقسنقر داود را ازهمدان‌برداشته بآذربایجان برد درتبریزجنگی میان مسعودو داودروی داد که سرانجام درآخر محرم ۵۲۶ میان دوبرادر صلح‌افتاد ومسعودبا سپاهی به‌همدان‌رفت ، وداود درتبریز بشاهی‌نشست.پس از آن‌طغرل برادردیگر درهمدان سربعصیان برداشت .

درجنگی که‌بین دوبرادر روی داد بسبب پیوستن‌بعضی ازسرداران داود به طغرل، داود وآقسنقر شکست‌سختی خورده ببغدادگریختند(۵۲۶ه). چون‌سلطان طغرل‌آهنگ‌آذربایجان کرد ،برادردیگرش‌مسعودکه‌امیر گنجه‌بود تاب‌مقاومت نیاورده ببغدادگریخت .آقسنقر وداود ومسعود در بغداد بهم پیوستند . بوساطت خلیفه المسترشد بالله قرارشدکه مسعود سلطان باشد وداودولیعهد او وخلیفه‌آن دو را دربرابرطغرل یاری‌کند .

در۵۲۷ مسعودوداود بالشکر خلیفه بسرداری آقسنقر به‌آذربایجان آمده واردبیل راتسخیرکردند ، ازکسان طغرل‌درآذربایجان ، قراسنقر وامیرپیشکین گرجی نژاد بودند . قراسنقر درنزدیك اردبیل شکست سختی خورد.

سپس طغرل‌نیزدر همدان مغلوب‌شد . وسلطان‌مسعودسلجوقی‌بشاهی‌رسید. آقسنقر نیزمانند پدرش‌احمد یل‌بدست‌فدائیان اسماعیلی‌بتحریك سلطان‌مسعود درهمدان کشته شد.بهاءالدین ابوطالب عموی‌عمادکاتب مورخ معروف‌سلجوقیان وزارت اورا‌داشت.

پس از اوپسرش نصرة الدین ارسلان‌آبه خاصبك بجای اونشست . ارسلان آبه که‌نام اصلی‌اوبوده بمعنی شکارشیر است .

وی ازفرمانروایان معروف احمد یلی استوچهل واند سال فرمانروایی داشته است ، با اتابك ایلدگزمتحدگشته ، هردو ازهوا خواهان سلطان محمدبن محمود سلجوقی بشمار میرفتند . سلطان محمد درسال ۵۴۹ همه آذربایجان را بجز اردبیل‌که بدست امیرآغوش‌نامی‌بود به ایلدگز وارسلان ابه بازگذاشت که هردوآنرا میان خود به‌دوبخش تقسیم کردند. سلطان محمودپیش ازمرگ خود (۵۵۴ه) پسرخویش رابه‌ارسلان‌آبه‌سپرد. سرانجام‌برسرسلطان خواندن‌این‌پسر بین‌ایلدگز و ارسلان‌آبه جنگی درکنار قزل‌اوزن روی داد و شکست برپهلوان محمد پسرایلدگزافتاد وبه‌همدان‌گریخت. در۵۶۳ ارسلان‌آبه پسرسلطان محمد راکه نزد خود داشت سلطان خواندوبازجنگی بین وی وایلدگزروی داد، دراین جنگ‌بخلاف جنگ اول شکست بر لشگر ارسلان آبه افتاد وبمراغه‌گریخت .

ابن‌اثیرمینویسد که: ارسلان‌آبه درسال ۵۷۰ درگذشت.

پس از اوپسرش‌فلك‌الدین بجای اوفرمانروایی یافت‌وکاروی بااتابك محمد پهلوان پسر ایلدگز بجنگ‌کشید سرانجام میان‌آنان صلح افتاد . از پادشاهان معروف این خاندان علاءالدین‌کرپا ارسلان فرزند ارسلان‌آبه است‌که اومعاصر

طغرل سوم و تختگاه وی درمراغه بود. این امیر در ادبیات فارسی بسبب آنکه ممدوح حکیم نظامی گنجوی بوده تا اندازه‌ای شناخته است .

آن شاعر بزرگ بهرام نامه خودرا بنام آن پادشاه کرده و آنرا در چهاردهم رمضان سال ۵۹۳ هجری بوی تقدیم داشته است.

کرپا ارسلان در ترکی بمعنی شیر کوچك است .

وی درسال ۵۸۴ ه بنزد طغرل سوم آمده اتابکی پسر او بر کیارق را گرفت. ازکارهای علاء الدین جنگ او با اتابك ابوبکر فرمانروای عراق و آذربایجان و سردار او ایتغمش بود که سرانجام به صلح انجامید و اتابك ابوبکر دوشهر اورمی و اشنورا بوی واگذاشت(۶۰۲ه) .

روانده در راحة الصدور ذکر قرآن سی پاره‌ای رامی کندکه سلطان طغرل سوم سلجوقی بدست خود نوشته و بسیارخوش خط و نفیس بوده است ومیگوید. آن مصحف بعضی پیش پادشاه عادل علاءالدین خداوند مراغه مانده است ، و بعضی پیش نقاشان .[۱]

علاءالدین درسال ۶۰۴ هجری درگذشت و یکی ازپسران او که نام او درست معلوم نیست بجای وی نشست آخرین امیر، احمدیلی زنی بود کـه او را نوادهٔ علاءالدین دانسته‌اند.

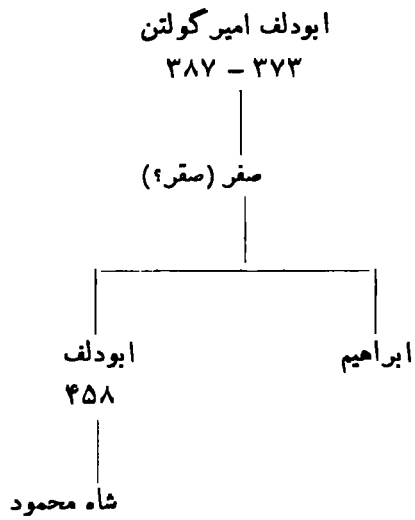
وی ازسال ۶۰۵ تا ۶۱۸ هجری که مغولان مراغه را غارت کردند سلطنت کرد وجایگاه او درروئین دژ بود.

بنابقول نسوی صاحب سیره جلال الدین این زن زوجه اتابك خاموش فرزند اتابك ازبك نوه اتابك ایلدگز بود و پس از مرگ شوهرش اتابك خاموش در در ۶۲۴ هجری، سلطان جلال الدین خوارزمشاه که در آنگاه در آذربایجان بود او رابه حرمسرای خود آورد و بدین ترتیب سلسله احمد یلیان منقرض گشت [۲] .

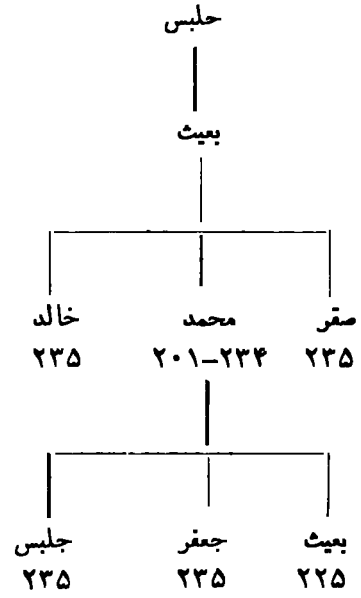
۱ــ راحة الصدور راوندی ص ۴۴

۲ــ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۱۰ــ۱۳۶

جدول خاندان امیران شیبانی(۱)



جدول خاندان امیران مرند(۲)



۱ ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۹
۲ ـ شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۹

جدول خاندان‌صدقه در ارومی(۱)

صدقة‌بن علی‌بن صدقه

علی

صدقه (زریق)

۲۰۹ - ۲۱۱

جدول امیران نریز (۲)

مربن علی

علی

۲۱۲-۲۳۰

عمر

۲۶۱

محمد

جدول‌خاندان‌بنی‌سلار (سالاریان)

الف - بنی مرزبان یابنی مسافرکه‌درآذربایجان‌واران وتارم‌حکومت‌داشتند وپایتخت ایشان اردبیل بود

۱	مرزبان‌بن محمد (درگذشته در۳۴۶)	۳۳۰
۲	جستان بن مرزبان (درگذشته در۳۴۹)	۳۴۶
۳	وهسودان‌بن محمد	۳۴۹
۴	ابراهیم‌بن‌مرزبان‌که‌باوهسودان‌بن‌محمد تا ۳۵۵همچشمی‌میکرد	۳۴۹

۱ - شهریاران گمنام تالیف مرحوم کسروی تبریزی ج ۲ ص۱۴۰

۲ - ایضاً شهریاران گمنام ج ۲ ص۱۴۰

۵ مرزبان بن‌اسماعیل ۳۵۵

۶ ابراهیم بن‌مرزبان (تاسال ۴۲۰ ، سلطان مسعود غزنوی اورا شکست‌داد) ۳۸۷

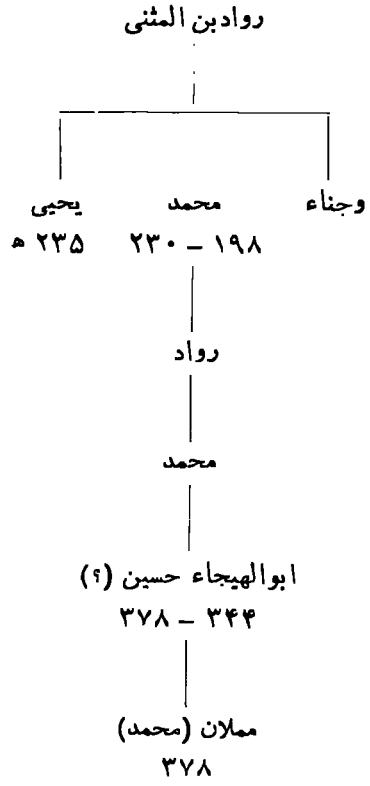
ب بنی‌رواد یا روادیان‌که درآذربایجان وجنزه(گنجه) حکومت‌داشتند:[1]

۱ وهسودان‌بن مملان ۴۲۰ ه

۲ مملان‌بن وهسودان (فرمانبردار سلجوقیان‌شد) ۴۵۰

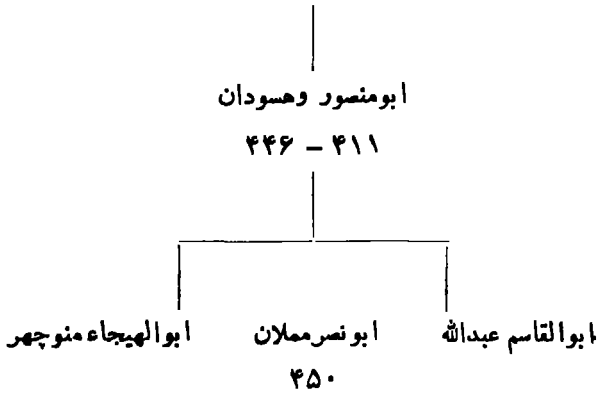
۴ ظهیرالدین سلار(سالار) بختیار[2] ۵۱۱

جدول خاندان روادیان تبریز(۲)

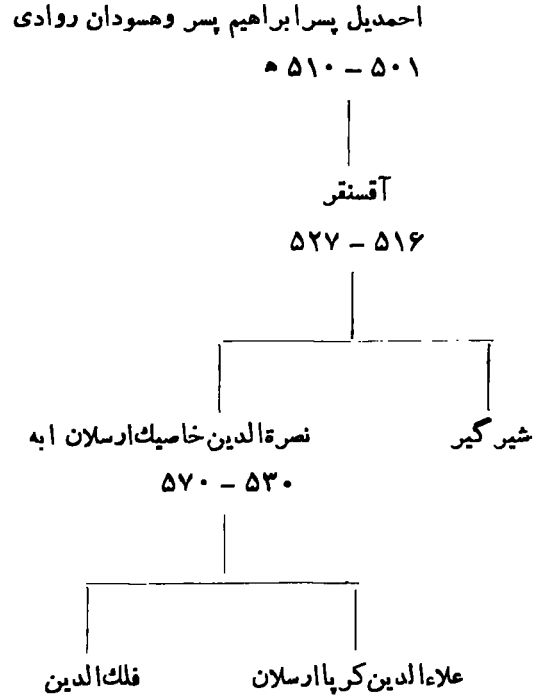


۱ ـ رك: زامباورالانساب ص۲۷۵

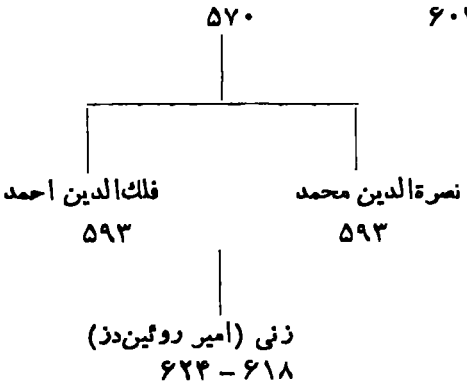
۲ ـ سید احمدکسروی : شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۲۷



جدول خاندان امیران احمدیلی (۱)



۱– شهریاران گمنام ج ۲ ص ۱۳۸



اتابکان آذربایجان

بعد از فتوحات سلجوقیان در ولایات ماوراءِ قفقازعدّه غلامان ترك قبچاقی وخزر درممالك‌اسلامی‌روی‌بافزایش‌گذاشت. ازاین‌جماعت گروهی‌بتدریج بسبب محبت والتفات مخدومان خویش یابراثر بروزلیاقت از مرتبه غلامی برتر رفته بمقامات لشکری رسیدند. چون عادت سلجوقیان براین‌بود که شاهزادگان خرد سال را برای‌تربیت ویادرهنگام‌اعزام بحکومت‌بسرپرستی ترك می‌سپردندجمعی ازاین‌غلامان مقام‌للگی راپیدا کرده‌وآنان رابترکی «آتابیك» میگفتند. اتابیك مرکب ازدوکلمه «اتا» بمعنی‌پدر وبابا ووالد وشخص‌محترم ، وبیك‌یا«بك» بمعنی بزرگ . وشخص بزرگ، ورئیس‌قبیله و امیر است[1] . دراواخر دوره‌سلجوقیان چون پادشاهان‌آن سلسله به‌ضعف‌گرائیده بودند ازاین‌جهت هریك‌از اتابکان‌که شاهزاده‌ای را درتحت‌تربیت خود داشتند حمایت اورا بهانه کرده ازطرف آن شاهزاده دعوی نیابت سلطنت‌میکردند.

اتابکان‌آذربایجان ازسال ۵۴۱ تا ۵۲۶ هجری برآن‌ایالت‌حکومت کردند وتختگاه ایشان دراردبیل بود سرسلسله ایشان‌غلامی قبچاقی بنام‌شمس‌الدین ایلدگز بودکه دردستگاه سلطان‌مسعود سلجوقی اعتباری یافت. مسعود زن‌برادر درگذشته خودطغرل دوم رابزوجیت باوداد واتابکی ارسلانشاه پسرصغیرطغرل را هم باوواگذشت .

۱ ـ قاموس لغات ترکی‌تالیف شمس‌الدین‌سامی ماده «اتا» و «بك» استانبول ۱۳۱۷هجری

ستاره اقبال ایلدگز همچنان بالامیگرفت تادرسال ۵۴۱ هجری از طرف سلطان مسعود بفرمانروایی آذربایجان واران رسید.

چون درسال ۵۵۵ هجری امرای سلجوقی سلطان غیاث الدین سلیمان شاه بن محمد رابعلت بی‌کفایتی ازسلطنت برداشتند، ایلدگز ارسلان شاه راباخود به همدان آورده بنام رکن الدین ابوالمظفر ارسلانشاه بن طغرل بر تخت سلطنت نشاند (۵۶ـ۵۷۱ه) وخودلقب اتابك اعظم یافت.

دو پسر او: برادران مادری ارسلان شاه یعنی نصرة الدین محمد جهان پهلوان، و مظفر الدین عثمان قزل ارسلان، یکی حکمران اران و آذربایجان و دیگری فرمانده لشکرشد. ایلدگز براثرشکستی که در ۵۵۷ به گرجیان دادقسمتی از آذربایجان شمالی واران راپس گرفت.

جهان پهلوان

پس از مرگ ایلدگز در ۵۵۸، پسر مهترش نصرة الدین ابوجعفر محمدجهان پهلوان بجای او نشست (۵۶۰ـ۶۸۱ ه) ازسال ۵۷۱ که سال جلوس طغرل سوم است تا ۵۸۱ تاریخ فوت اتابك، زمام سلطنت آخرین پادشاه سلجوقی عراق دردست جهان پهلوان بود.

جهان پهلوان ازقتیبه خاتون دختر اینانج شحنه‌ری دوپسر بنام. قتلغ اینانج ومیر میران داشت که هیچکدام به اتابکی نرسیدند. ولی دوپسر دیگری که ازکنیز تولد یافته بودند یعنی ابوبکر وازبك هردوبه اتابکی رسیدند.

قزل ارسلان

چون اتابك جهان پهلوان درسال ۵۸۱ درگذشت، برادرش مظفر الدین عثمان بن قزل ارسلان (۵۸۱ـ۵۸۷ ه) به تخت نشست وی در عهد برادر حکمران آذربایجان بود. اوقتیبه خاتون زن برادرخویش را بعقد خویشتن درآورد پس ازچندی میان او وسلطان طغرل برهم خورد، سلطان برای گرفتن کمك به قپچاق گریخت.

اتابك قزل ارسلان بیاری ناصر خلیفه عباسی براوضاع مسلط شدو سرانجام

سلطانرا که بیمار بود درهمدان‌شکست داد واورابا پسرش ملکشاه‌دستگیر ساخت ودر قلعه‌ای درآذربایجان بزندان‌انداخت وخودرا سلطان خواند . لیکن همان شبی‌که میخواست فردای‌آنروز جشن سلطنت بگیرد اورا دربسترش کشته یافتند وقتل ناگهانی اورا به‌فدائیان اسماعیلی نسبت‌دادند (شعبان ۵۸۷ه).

اتابك ابوبکر

پس از قتل قزل ارسلان‌پادشاهی آذربایجان واران به اتابك نصرة الدین ابوبکر بن محمدجهان پهلوان رسید (۵۸۷ـ۶۰۷ ه) وی‌عراق را به‌برادرش‌قتلغ اینانج سپرد .

پس ازچندی قتلغ اینانج برای تصرف آذربایجان بجنگ بـرادر خـود ابوبکر رفت و مغلوب شد .ابوبکر مردی خوشگذران ومیخواره بـود و بهمین جهت ازتدبیر امور مملکت غافل می‌ماند. برخلاف همسایه شمالی او گرجستان تحت اداره‌زنی‌لایق بنام‌تامارا(۵۸۰ـ۶۰۹) دخترگیورگی سوم‌بود . سپاهیان‌این زن لشکر اتابك رادرنزدیك شمکورشکست‌سختی دادند وشمکور ودوین وگنجه راگرفتند .

وبلاد ماوراء ارس ازدست مسلمانان خارج شد .

بی‌حالی اتابك ابوبکر دیگر سرکشان‌وزورآوران‌رابطمع تصرف بقیه‌بلاد اوانداخت درسال ۶۰۲ه امیراربل مظفرالدین‌کوکپیری بهمدستی باعلاءالدین‌که باارسلان احمد یلی مراغه ،بجنگ اوبیرون شدند . ابوبکرازناچاری به‌یکی‌از غلامان پدرش‌آی تغمش که فرمانروای ری وهمدان واصفهان‌بود متوسل‌گردید. آی‌تغمش بیاری مخدوم قدیم خودآمده‌آن دورامغلوب ساخت اتابك‌ابوبکرپس ازبیست‌سال سلطنت در۶۰۷ هجری درگذشت .

مظفرالدین اوزبكـ این اتابك که از حدود۶۰۰ هجری بمدد آی تغمش بداعیه‌سلطنت برخاسته‌بود برادراتابك ابوبکر وشوهر دخترطغرل سوم‌سلجوقی است .

مردی میخواره وسست‌رای بود . ازوقایع زمان اوهجوم پی‌درپی گرجیان بحدود مشکین‌واردبیل واستیلای لشکرمغول بر آذربایجان درسال۶۱۷هجری بود.

اتابك ابوبکرکه تاب‌برابری با مغول‌رانداشت‌بادادن پول‌وجامه وچهارپای بسیار با مغولان از درصلح درآمد و در یورش دوم ایشان به نخجوان گریخت ، بزرگان تبریز بادادن هدایایی به‌تدبیرلشگر مغول رادفع کردند. در سال ۶۲۲ جلال‌الدین خوارزمشاه به‌آذربایجان‌آمداتابك‌اوزبك زن‌خودرا درتبریزگذاشته وبگنجه گریخت. جلال‌الدین در۱۷ رجب سال۶۲۲ تبریز راگرفت و ملکه را با احترام بخوی فرستاد وخودبجنگ باگرجیان رفت . درمراجعت ازتفلیس ملکه زوجه اتابك رابه قباله‌نکاح خودآورد واتابك ازاین‌اندوه‌بمرد .

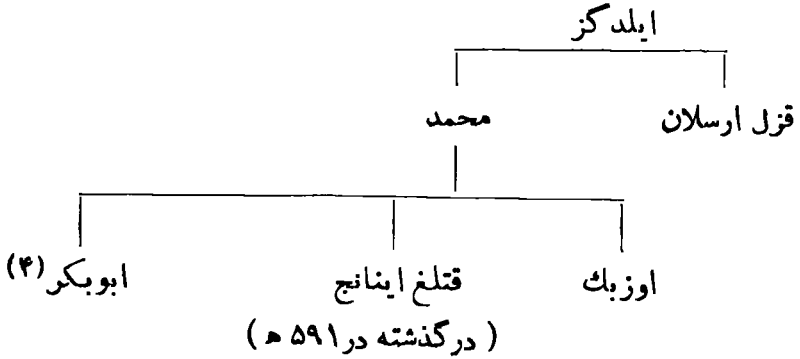
اتابك‌خاموشـ ازاتابك اوزبك فرزندی کرولال مادرزادبنام قزل‌ارسلان برجای ماندکه اورا اتابك خاموش‌لقب دادند اودختری راکه نواده علاءالدیـن گرپا ارسلان احمدیلی وخداوند روئین دژبود بعقدخـودآورد . درسال۶۲۲ کـه سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه درگنجه بوداتابك خاموش نزد اورفته‌زمین‌خدمت ببوسید سپس ازآنجا به‌الموت‌سفرکرد وپس ازیکماه در همانجا بمرد (۶۲۲ه). زوجه اوراهم سلطان جلال‌الدین بزنی‌گرفت وسلسله‌اتابکان پس‌از۸۵ سال‌سلطنت برافتاد .

اتابکان‌آذربایجان پادشاهانی ادب دوست بودند وبسیاری ازشاعران بزرگ ایران درمدح ایشان اشعاری سروده‌اندکه نامبردارترین‌آنان ظهیرالدین‌محمد فاریابی ، وافضل‌الدین خاقانی شروانی ، وشرف‌الدین شفروه اصفهانی ، و مجیر الدین بیلقانی ، واثیرالدین اخسیکتی وجمال‌الدین اشهری می‌باشند.[۱]

۱ـ تاریخ مفصل ایران تألیف اقبال آشتیانی ج ۱ص۳۸۰ـ۳۸۷ روضة‌الصفا ج ۵ص۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۵

جدول خاندان اتابکان آذربایجان یا بنی ایلدگز

۱ـ شمس‌الدین ایلدگز[۱]	۵۳۱ هجری
۲ـ شمس‌الدین ابوجعفر محمد جهان پهلوان‌بن ایلدگز (۲) (درگذشته در ذی‌حجهٔ سال ۵۸۱) (۲)	حوالی۵۶۸ه
۳ـ مظفرالدین قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز (درآذربایجان وعراق ، درگذشته درشعبان ۵۸۷)	ذی‌الحجه ۵۸۱
۴ـ نصرةالدین ابوبکربن محمد	شعبان ۵۸۷
۵ـ مظفرالدین اوربك بن محمد جهان پهلوان (۳) (جلال‌الدین‌خوارزمشاه اورا در۶۲۲ عزل کرد)	۶۰۷
۶ـ اتابك خاموش‌بن اوزبك	



(درگذشته در۵۹۱ ه)

خلاصه تاریخ آذربایجان ازمغول تاعصرحاضر – مابقیه‌تاریخ آذربایجان را تاعصر حاضر درتاریخ تبریز به‌تفصیل شرح داده‌ایم. چون‌از زمان‌مغول‌تبریز مرکز آن ایالت‌میشود حوادث آذربایجان درضمن تاریخ آن شهر گفته‌خواهدآمد

۱ ـ وی نخست غلام سمیرمی وزیر سلطان محمود بن محمد حاکم اردان بود ، وی بامؤمنه خاتون زن بیوهٔ سلطان طغرل بن محمد ازدواج کرد ودرسال ۵۶۰ هجری شخص اول‌دولت سلجوقی شد .

۲ ـ وی با مؤمنه خاتون دختر بکتیمور امیرخلاط ازدواج کرد .

۳ ـ وی با دختر طغرل بن ارسلان سلجوقی ازدواج‌کرد .

۴ ـ رك: : زامباور : معجم‌الانساب ص ۳۴۹ .

اینك برای آنکه دنباله مطلب گسسته نگردد خلاصه تاریخ آن ایالت‌را در زمان مغول تاعصرحاضر دراینجایاد میکنیم.

در سال۶۱۶ هجری اولین دسته‌مغول به‌آذربایجان آمده غرامت‌بسیاری از مردم تبریزگرفته رفتند پس ازعقب نشینی سلطان‌جلال‌الدین خـوارزمشاه از آذربایجان در۶۲۸ هجری‌لشکر مغول بسرداری جرماغون بر همه آن سرزمین تسلط یافتند .

از زمان سلطنت گیوگ خان پسراکتای قاآن (۶۳۹ـ۶۴۷) حکـومـت آذربایجان واران به‌ملك صدرالدین‌که بامغول هم‌پیمان بود رسید.

هلاگو پس از تسخیر بغداد در۶۵۶ هجری به‌آذربایجان رفت وشهرمراغه راتختگاه خود ساخت ودر۱۹ربیع‌الاول سال۶۶۳درکنار رودجیغاتودرآذربایجان جان‌سپرد و اورا درنزدیکی دهخوارقان بخاك سپردند .

از زمان اباقاجانشین هلاگو(۶۶۳–۶۸۰) آذربایجان درتاریخ ایران‌اهمیت بیشتری یافت وتبریز پایتخت ایلخانان مغول‌گردید . پس از او ایلخانان دیگر چون سلطان احمد تگـودار (۶۸۱–۶۸۳) وارغون‌خان (۶۸۳ـ۶۹۰) وگیخاتـو (۶۹۰ـ۶۹۴) وبایدو(۶۹۴) وسلطان محمودغازان (۶۹۴ ـ ۷۰۳) هر یك پس از دیگری درتبریز بپادشاهی نشستند . درزمان غازان تبریز ودیگربلادآذربایجان به‌منتهای رونق وترقی خودرسیدند.

سلطان‌محمدخدابنده اولجایتو(۷۰۳ـ۷۱۶)درسال۷۰۴هجری شهرسلطانیه را درپنج فرسنگی زنجان ونه‌فرسنگی ابهرآغاز بساختن کرد و در سال ۷۱۳ هجری باتمام رسانید وپایتخت خودرا ازتبریز به‌آن شهربرد.

آخرین‌پادشاه مقتدر ایلخانی مغول ابوسعید بهادرخان (۷۱۶ـ۷۳۶ه) در اران بیمار شده درسیزدهم ربیع‌الاخر ۷۳۶ درحدود شروان درگذشت و جسد اورا به‌سلطانیه‌آورده درگنبدی‌که درآن حوالی‌ساخته بودبخاك سپردند.

درزمان ایلخانان کوچك وضعیف مغول(۷۳۶ـ۷۵۶) آذربایجان میدان جنگ بین دوسلسله امرای ایلکانی یاآل جلایروچوپانیان گردید.

درسال ۷۸۷ تغتمش خان رئیس ایل ذهبی وپادشاه دشت قپچاق به آذربایجان لشکر کشیدوشهرهای آن سرزمین بخصوص تبریز راغارت کرد.

درسال ۷۰۵ هجری امیر تیمور گورگانی، آذربایجان وری وماورای رودارس وآسیای صغیر را به پسر خودمیرانشاه بخشید وتبریز پایتخت اوشد.

چون میرانشاه دیوانه شد تیمور در ۸۰۲ هجری به آذربایجان آمد، ومیرزا عمر پسر اورا بجای وی نشانید. پس از آن آذربایجان بدست پادشاهان ترکمانی نژاد قراقویونلو (۸۱۰ـ۸۷۲)، وآق قویونلو (۸۷۲ـ۹۰۸) افتاد.

درعهد این پادشاهان آذربایجان به منتهای آبادی خود رسید وبازار تجارت بین تبریز واروپا رونق یافت.

شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵ـ۹۳۰) که اصلا اردبیلی بود تبریز را پایتخت خود ساخت ومردم سنی مذهب آذربایجان رامجبور بترك کیش خودوقبول مذهب شیعه کرد وگروه بسیاری را ازمردم تبریز بجرم سنی بودن بخاك هلاك افکند. قبر شیخ صفی الدین اردبیلی جد خاندان صفوی دراردبیل به سبك زیباوباشکوهی ازنو بنا شدوزیارتگاه دوستداران آن خاندان گردید.

شکست شاه اسماعیل در چالدران درسال ۹۲۰ سلطان سلیم عثمانی، راه آذربایجان را بسوی ترکان بازکرده لشکرعثمانی به تبریز درآمد و خزاین پادشاهان ایرانرا بغارت برد.

درزمان سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰ـ۹۸۴) لشکر سلیمان اول بفرماندهی وزیر ابراهیم پاشا به آذربایجان حمله کردو تبریز را اشغال نمود. چون شهر تبریز ازنظر حملات ترکان عثمانی به آذربایجان دیگر جای امنی نبود ازاینرو شاه طهماسب پایتخت خودرا ازآن شهر به قزوین انتقال داد.

درزمان سلطان محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶) سلطان عثمانی‌مراد خان ثالث (۹۸۲-۱۰۰۳ه) پس ازخبر یافتن ازمرگ شاه اسماعیل دوم یکی از سرداران مشهور خودرا موسوم به‌اوزد میرزاده‌عثمان پاشا با سپاهی گران بـه‌آذربایجان فرستاد(۹۹۳ه) وتبریز را اشغال کردآذربایجان مدت هجده‌سال درتصرف دولت عثمانی بود.

شاه‌عباس‌کبیر(۹۹۶-۱۰۰۳)بالشکرکشی به‌نواحی‌شمال‌وغربی‌ایران‌آذربایجان را ازترکان عثمانی‌پس‌گرفت .

پس‌ازاستیلای‌افاغنه برایران(۱۱۳۵-۱۱۴۲)ترکان عثمانی‌بازبفکرتسخیر آذربایجان‌افتاده سرزمینهای‌مرزی بین ایروان وتبریزرااشغال کردند(۱۱۳۷ه) پیمانی‌که اشرف‌افغان در۱۱۴۰ هجری باترکان بست ، مالکیت دولت عثمانی را درسرزمینهای‌آذربایجان وشمال غربی‌ایران تاحدود سلطانیه‌وابهرتائیدکرد .پس از سه‌سال نادرشاه افشار قشون عثمانی را در نزدیك تبریز شکست سختی داد و آذربایجان رابه‌خاك ایران پیوست (۱۱۴۲ه). در اوایل سلطنت کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ه)آذربایجان بدست‌آزادخان افغان‌افتاد.

محمدحسن خان قاجار در۱۱۷۰ هجری آن‌ایالت‌را ازاوگرفت و در سال بعد یعنی سال ۱۱۷۱ آذربایجان درجزو متصرفات‌کریمخان درآمد.

پس از مرگ کریمخان زند(۱۱۹۳) براثرضعف سلسله زندیه آذربایجان بدست‌خاندان دنبلی که ابتدا درخوی مسکن داشتند افتاد یکی ازامرای مشهور این‌خانواده‌که نجفقلی‌خان نام‌داشت پس‌ازخرابی‌تبریزاززلزله، حصارآن‌شهررا ازنوساخت . آغامحمدخان قاجار دراواخرسال ۱۲۰۵ به‌آذربایجان‌لشکرکشید آمد و ازآن تاریخ‌آن استان بازتحت‌تسلط دولت مرکزی ایران درآمد .

اززمان فتحعلیشاه شهرتبریزمقر ولیعهد ایران‌گردید (۱۲۱۳ه) و تا آخر دوه قاجاریه‌آنشهر ولیعهد نشین ایران بود .

در جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۹ـ۱۲۴۳) آذربایجان اهمیت سیاسی و سوق‌الجیشی یافت پس از شکست ایران در۱۲۴۳هجری آذربایجان توسط قوای روس اشغال‌شد. بعد ازعقد قرار داد ترکمانچای (۱۲۳۴ هـ۱۸۲۸م) آن استان از نیروی روس تخلیه گشت.

پس ازاعطای فرمان مشروطیت در۱۳۲۴ هجری آذربایجان مرکز فعالیت مشروطه طلبان گردید ومردم آزادیخواه آن استان به‌پیشوایی ستارخان وباقرخان علیه دولت مستبد محمدعلی‌شاه قیام کردند.

دراین اثنا دولت روس که طرفدار محمدغلی‌شاه‌بود باموافقت‌دولت‌انگلیس براثرقرار دادتقسیم ایران بردومنطقه نفوذ درسال ۱۹۰۷ م ، به بهانـه حفـظ کنسولگریهای بیگانه در تبریز درسوم‌آوریل ۱۹۰۸ به‌آذربایجان آمده تبریز را گرفتند ،آنان به‌بهانه‌های مختلف ازجمله جلوگیری ازقشون عثمانی تا۱۹۱۷ یکسال‌پیش ازجنگ اول‌جهانی در آن‌استان باقی‌ماندند.

در دوره جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸ م) قوای عثمانی قسمت غربی آذربایجان را اشغال‌کردند ودرهشتم ژوئن ۱۹۱۷ به‌تبریز آمدند ویك حکومت طرفدار ترك درآنجا برقرار ساختند.

اعاده نظم وامنیت ازطلوع سلسله پهلوی (۱۳۰۰ش) در آذربایجان بدست توانای رضاشاه‌کبیر برقرارگردید و درتمام شئون اجتماعی و اقتصادی آن استان ترقیات شگرفی پدیدآمد.

درسوم شهریور ۱۳۲۰(۲۵اوت۱۹۴۱) با ورود قوای خارجی بـه ایران آذربایخان‌دیگرباره باشغال قوای‌روس‌درآمد. حکومت استالینی‌شوروی ازاین فرصت‌استفاده کرده بفکراتحاد دوآذربایجان‌شمالی‌وجنوبی‌افتاد.ازاینروباتقویت حزب مخالف حکومت‌مرکزی‌که‌دمکرات نام‌داشت دولتی‌پوشالی‌بنام«آذربایجان ملی حکومتی» (حکومت ملی آذربایجان) بریاست جعفر پیشه‌وری تشکیل داد ۲۱آذر۱۳۲۴ شمسی) روسها برخلاف موافقت نامه تهران‌که آنرا سران متفقین

روزولت وچرچیل واستالین‌درآذرماه ۱۳۲۲ امضاءکرده وتعهدکرده بودندکه‌حد اکثرتاشش ماه‌بعد ازخاتمه‌جنگ جهانی دوم ایرانرا ازقوای نظامی‌خود تخلیه نمایند، نه‌تنها تارأس موعداز ایران‌نرفتند بلکه به‌ایجاد یك‌نهضت مصنوعی در آذربایجان بنام‌فرقه دمکرات پرداختند. چون قوای روس‌ازبرقراری‌امنیت در آن‌استان مانع بود ، دردیماه۱۳۲۴ (ژانویه۱۹۴۶) ازطرف‌دولت ایران بشورای امنیت ملل‌متحد شکایتی‌تقدیم‌گردیدنماینده‌شوروی درآنشورا رسماً اعلام داشت که درظرف پنج یاشش‌هفته نیروی‌کشور شوروی خاك ایرانرا تخلیه خواهدکرد.

ازطرف دیگر قوام‌السلطنه نخست‌وزیر وقت دراسفندماه ۱۳۲۴ با هیأتی به مسکورفت‌ومورداستقبال‌گرم استالین وسران شوروی‌قرارگرفت. قوام‌بروسها وعده داد امتیاز استخراج نفت‌شمال راپس ازتصویب مجلس به‌ایشان بدهد، ولی بعد مجلس درجلسه سوم مهرماه ۱۳۲۶ باتفاق‌آراءآن موافقت‌نامه را ردکرد . روسها دریازدهم اردیبهشت ماه۱۳۲۵(ماه‌مه ۱۹۴۶)آذربایجان راتخلیه کردند ، شش‌ماه بعددولت باشاره‌شاهنشاه‌ایران‌برای‌اجرای‌انتخابات‌مجلس‌نمایندگان‌ملت وبرقراری نظم نیرویی به‌آذربایجان فرستاد . قوای فرقه دموکرات درپل‌دختر شکست خورده عقب‌نشست وسران فرقه‌شبانه‌گریخته به‌خاك شوروی‌پناه بردند . درروز ۲۱آذرماه۱۳۲۵ پیش ازورودنیروی دولتی‌حکومت دمکرات سقوط کرد وشهر تبریز بدست مردم‌غیرتمندآذربایجان‌افتاد.

پس ازرسیدن قوای اعزامی تهران ، که‌باشور وهیجان میهن‌پرستانه مردم تبریز مواجه شد ، بعد از یکسال تمام دوباره نظم و امنیت در استان آذربایجان برقرارگردید.[۱]

۱– رجوع‌شود به‌دائرةالمعارف اسلامی طبع‌فرانسه جلد اول‌رساله چهارم ص۱۹۴–۱۹۶ مقاله‌ولادیمیرمینورسکی.

مقارن همین اغتشاش و ناامنی در تبریز و آذربایجان شرقی بر اثر تحریك و تأیید همان عامل خارجی که ذکر آن در بالا گذشت ، درمنطقه آذربایجان غربی یعنی مهاباد واطراف آن عده‌ای ازمتجاسران کرد به‌پیشوایی قاضی محمد نامی برعلیه‌دولت مرکزی ایران سربطغیان برداشتند وحزبی اشتراکی بنام **کومله** تشکیل‌دادند. سرانجام حکومتی خود مختار تأسیس کردند و نواحی کرد نشین آذربایجان‌غربی را زیر لوای آن آوردند وشهر مهاباد را مرکزاین حکومت‌ساختند .

این‌حکومت مانند فرقه دمکرات آذربایجان نیز یکسال دوام کرد . تا بـا اعزام نیروی دولتی از تهران در آذرماه ۱۳۲۵ واعدام قاضی محمد ودوبرادر او سیف قاضی وصدر قاضی نظم وامنیت‌مجدداً در نواحی‌کردنشین آذربایجان برقرار گردید .

ما وقایع اخیر آذربایجان را درضمن‌تاریخ تبریز به‌تفصیل‌خواهیم نوشت و در اینجا به‌همین مختصر اکتفا میکردد .

جدول آمار جمعیت آذربایجان غربی

جمعیت کل استان آذربایجان غربی بتفکیک شهرها برحسب جنس وتعداد خانوار درسال ۱۳۴۷

نام شهرها	جمعیت در سال ۱۳۴۷			خانوار	
	مرد و زن	مرد	زن	تعداد	تعداد نفرات بر ای هرخانوار
جمعیت کل استان آذربایجان غربی	۱/۰۹۰/۶۵۴	۵۷۲/۷۶۹	۵۱۷/۸۸۵	۱۹۴/۷۸۲	۵/۶
جمعیت کل نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۸۳۸/۰۳۱	۴۳۹/۵۰۸	۳۹۸/۵۲۳	۱۴۵/۶۶۱	۵/۸
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نمر (شهرها)	۲۵۲/۶۲۳	۱۳۳/۲۶۱	۱۱۹/۳۶۲	۴۹/۱۲۱	۵/۲
شهر میاندوآب	۱۸/۸۸۵	۹/۷۶۲	۹/۱۲۳	۳/۷۳۸	۵/۱
شهر نقده	۱۰/۸۶۹	۵/۷۵۰	۵/۱۱۹	۱/۹۴۴	۵/۶
شهر سردشت	۵/۷۹۵	۳/۳۱۸	۲/۴۷۷	۹۲۵	۶/۳
شهر خوی	۴۷/۹۵۰	۲۴/۶۲۷	۲۳/۳۲۳	۹/۴۶۷	۵/۱
شهر رضائیه	۱۱۱/۴۴۹	۵۹/۲۱۱	۵۲/۲۳۸	۲۲/۵۷۰	۴/۹
شهر شاهپور (شاپور)	۲۱/۸۴۰	۱۱/۷۰۶	۱۰/۱۳۴	۳/۸۶۶	۵/۷
شهر ماکو	۷/۰۴۴	۳/۶۶۸	۳/۳۷۶	۱/۳۷۶	۵/۱
شهر مهاباد	۲۸/۷۹۱	۱۵/۲۱۹	۱۳/۵۷۲	۵/۲۳۵	۵/۵

نقاطیکه بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند شهر نامیده میشوند .

جدول آمار جمعیت آذربایجان شرقی

جمعیت کل آستان آذربایجان شرقی بتفکیک شهرها برحسب جنس وتعداد خانوار درسال ۱۳۴۷

نام شهرها	جمعیت در سال ۱۳۴۷			خانوار	
	مرد وزن	مرد	زن	تعداد	تعداد برای هر نفرات خانوار
جمعیت کل استان آذربایجان شرقی	۲/۶۰۴/۷۴۷	۱/۳۵۸/۹۲۳	۱/۲۴۵/۸۲۴	۴۸۷/۶۱۹	۵/۳
جمعیت کل نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۱/۹۵۰/۱۹۴	۱٫۰۱۷/۱۷۷	۹۳۳/۰۱۷	۳۶۴/۱۴۱	۵/۴
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر (شهرها)	۶۵۴/۵۵۳	۳۴۱/۷۴۶	۳۱۲/۸۰۷	۱۲۳/۴۷۸	۵/۳
شهر اردبیل	۸۴/۱۲۴	۴۳/۶۱۱	۴۰/۵۱۳	۱۴/۶۳۳	۵/۸
شهر ارسباران	۲۴/۲۱۵	۱۲/۳۶۸	۱۱/۸۴۷	۴/۸۰۳	۵/۱
شهر تبریز	۴۰۵/۹۶۰	۲۰۹/۸۹۴	۱۹۶/۰۶۶	۷۷/۳۰۸	۵/۳
شهر خلخال	۶/۹۹۸	۳/۶۶۶	۳/۳۳۲	۱/۳۹۱	۵/۰
شهر سراب	۱۷/۱۶۹	۹/۷۱۵	۷/۴۵۴	۲/۸۶۰	۶/۰
شهر مراغه	۵۴/۴۴۷	۲۹/۸۸۱	۲۴/۵۶۶	۱۰/۷۳۳	۵/۱
شهر مشگین شهر	۹/۰۴۶	۴/۷۱۱	۴/۳۳۵	۱/۶۶۱	۵/۴
شهر میانه	۲۸/۶۱۶	۱۴/۸۸۰	۱۳/۷۴۶	۵/۴۰۴	۵/۳
جمعیت کل استانهای آذربایجان شرقی وغربی	۳/۷۳۱/۴۰۱	۱/۹۳۱/۶۹۲	۱/۷۶۳/۷۰۹	۶۸۲/۴۰۱	۵/۸
جمعیت مناطق کمتر از ۵۰۰۰ نفر (دهات)	۲/۷۸۸/۲۲۵	۱/۴۵۶/۶۸۵	۱/۳۳۱/۵۴۰	۵۰۹/۸۰۲	۶/۱
جمعیت کل نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر (شهرها)	۹۰۷/۱۷۶	۴۷۵/۰۰۷	۴۳۲/۱۶۹	۱۷۲/۵۹۹	۶/۱

فصل ششم

طوایف و ایلات آذربایجان

درآذربایجان اززمانهای باستانی ایلات وعشایری چادرنشین زندگی میکردند که از جایی به‌جایی کوچ کرده و باصطلاح معروف ییلاق و قشلاق مینمودند و مسکن ثابتی نداشتند.

امروزاین وضع هنوز درآنسرزمین کم‌وبیش برجاست وآن اقوام درنقاط مختلف آذربایجان تحت‌ریاست مطلق ایلخانی‌ها وایل‌بیگی های خویش که‌سمت سروری وریاست را برآنان دارند به‌دامپروری وگاهی بکشاورزی میپردازند. ایلات آذربایجان مانند دیگر عشایر ایران ازقدیم‌غالباً درخدمت‌نظامی‌بودند و تا مقارن عهد مشروطیت‌قشون چریك ایران راتشکیل‌میدادند. چنانکه درتاریخ صفویه میخوانیم‌بعضی‌ازایلات‌همین‌سرزمین‌چون: شاملو، قاجار،خلج، استاجلو، تکلو ، ذوالقدر، بیات وافشار بودند که تحت عنوان قزلباش دورشاه اسماعیل را

گرفته و اورا بپادشاهی ایران رسانیدند .

ازمیان این قبایل، افشاریکی از نیرومندترین ایلات درسراسر ایران بخصوص درآذربایجان بودند، لایارد Layard میگوید: گندوزلوها یکی ازقبایل بختیاری از افشارهای ترك زبان می باشند[۱] . ازقبایل استاجلو و ذوالقدر عده بسیار کمی مانده که درآذربایجان سکونت دارند[۲] .

ایلات آذربایجان به‌گله‌داری وزراعت مشغولند غالبا مردمانی هستند قوی بنیه وبلند قد دارای چشم‌سیاه وموی مشکی. به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی گفتگو میکنند بهمین‌جهت آنانرا تاتارهای آذربایجانی‌خوانده‌اند، ولی‌باتاتارهای آسیایی شباهتی ندارند وآنان از هر حیث ایرانی می‌باشند ولو بزبان ترکی صحبت میکنند[۳]

کولی‌های آذربایجان را بزبان محلی **قردچی** گویند که ظاهرا بمعنی سیاه چادر است . اینان را درخراسان غرشمال خوانده‌اند.[۴]

ایلات آذربایجان شرقی ـ این ایلات به‌دومنطقه : ارسباران و شاهسون تقسیم میشوند.

۱ـ ایلات ارسباران همه شیعه‌مذهب‌وبالغ بر۶۶۸۷ خانوارند که‌به‌دوقسمت شرقی وغربی قسمت میشوند . ایلات ارسباران شرقی ازاینقرارند :

چلبیان‌لو، قره‌چورلو ، محمدخانلو ، حاجی‌علیلو، حسن‌بیگلو، حسن‌گلو.

بیشترعشایر ارسباران شرقی‌وغربی درزمان رضاشاه‌کبیر تخته‌قاپو واسکان شده وبرای خود املاکی خریده وبه‌کشاورزی میپردازند . تنهاگروه معدودی‌از ایشان که دارای اغنام و احشام هستند درتابستان به کوههای اطراف ارسباران وسبلان ودرزمستان به‌جنوب دشت مغان و اطراف رود قره سو و کنار رودارس

۱ ـ هنری فیلد : مردم‌شناسی ایران ص ۷۲۲
۲ ـ » » » ص ۱۳۲
۳ ـ ایضاء ص ۱۱۲ و ص ۱۳۵
۴ ـ ایضاء ص ۱۴۳

ییلاق و قشلاق مینمایند . ایلاتی که اسکان شده اند غالباً بزراعت گندم وجو و برنج و گله داری میپردازند .

ایلات ارسباران غربی اینان هستند: خلیفه لو ،اودلو، ساریجان بگلو، بیگلو عیسی لو ، مستعلی بگلو، علی بابالو، زرگرلو ،آلارو ، خامسلو، خلیفه لو مردان ، یکه لو، کله سر ، دل آغازدار، سادات ذارتچی، قوتلار ، قره چورلو. عرب لو، قوذاز شاهین ،آجرلو ، بیگلو دورسون، خواجه لو، یوتچی رضا بیگ لو ؛ حسینگلو . این ایلات در ارتفاعات اهرومشکین شهر واردبیل واطراف آن ییلاق ودرساحل رود ارس قشلاق مینمایند.

۲ـ ایل شاهسونـ این ایل نیز همه شیعه مذهب و بالغ بر ۷۹۶۳ خانوار ند ودر تابستان به دره های قره سودو درزمستان به مغان ییلان وقشلاق میکنند.

نامهای طوایف ایشان از اینقراراست: کلوش ، حسین خانلو ، جلو دارلو ساربانلار ، قوچه بیگلو، کیکلو ، دمیرچلو مغانلو ؛ طالش میکائیلو .کورعباسلو . آجرلو، بیکدیلو، همونلو، سیدلر، قلیلو، حاج خواجه لو، پرایونلو، جعفرلو، بیك باطو ، مرادلو، تکلبه، این ایلات درعمران دشت مغان با دولت همکاری میکنند وضع گله داری آنان نسبت به دیگر مناطق عشایر نشین بهتراست. ایشان در ارتفاعات اهرومشکین شهر ییلاق و به ساحل رود ارس قشلاق می نمایند. شاه عباس این ایل را برای درهم شکستن قدرت قزلباش تشکیل داد و بهمین جهت آنان را شاهسون یعنی دوستان شاه نامید . درقرن نوزدهم اینانلوها عمده ترین شعبه شاهسون بودند. دیگر ایلات شاهسون از اینقرارند : دلی کانلو ، تکله ، کوزانلو ، یوت چو ، پولاتلو، شیخلو . شاهسونهای مشکین شهر ازاینقرارند : کجا بیکلو ، یدی اویماق (هفت خانواده) ایلخچی ، ایناللو ، قرامان بگلو . درمیان ایلات مشکین آنهاکه زندگانی کوچ نشینی دارند ازاینقرارند: کجابیکلو ۱۵۰۰ خانوار ، ناسن لو Nasanlu که احتمالا همان کازاتلوها باشند ۱۵۰ خ ، طالیش میکائیلو وکجابیکلو ۱۰۰۰ خ، سیدلو ۱۰۰۰ خ

ساری‌جعفرلو۲۰۰ خ ، گیك‌لو Giyiklu ۵۰۰خ ، اینانلو وکجابیکلو۳۰۰ خ حاجی خواجه لو ۱۰۰۰ خ ، آجرلو ۳۰۰ خ ، کورابازلو Kurabazlu ۲۰۰ خ ، دمیر چیلو۱۰۰۰ خ ، یك‌کدلو yekkedlu۲۰۰ خ، گون پاپا۲۰۰ خ، زرگرلو ۵۰۰ خ ، ادات‌لو۲۰۰ چادر.درحال حاضر ازطوایف شاهسون ۳۲ طایفه‌درمغان هفده‌طایفه درقره‌داغ زندگی‌میکنند. بعضی از طوایف اسکان داده شد ، و دریك جا مستقر گردیده‌اند . هرطایفه ممکن‌است ازپنجاه تاهزارخانواده یابیشتر را شامل‌شود ، ونیزهرطایفه نیز ممکن است به دو تا۲۰ تیره تقسیم‌گردد.

آداب ورسوم ایلات آذربایجان‌شرقی ـ آنان‌همه‌جشنهای‌ملی‌ومذهبی ایران را محترم شمرده درمیدانها برقص‌وشادمانی می‌پردازند. درعید فطر وقربان پس‌از برگزاری نمازعید بدید و بازدید یکدیگرمیروند . درروز عید قربان‌در میدان عمومی ایل‌گردآمده وگوشت قربانی‌را بین فقرا قسمت‌میکنند ، عید نوروز را بزرگ شمرده بیکدیگرهدیه میدهند . درمراسم‌خواستگاری وعروسی چندتنی ازبزرگان و ریش سفیدان‌خانواده دامادبرای خواستگاری بخانه عروس میروند غالباً عروسی‌ها ازپنج تاده‌روز بطول می‌انجامد . درجشن عروسی میهمانان سرشناس باساز ودهل وارد مجلس‌میشوند ، ورقاصی دوره میچرخد ومدعوین برای کمك بزندگی‌آینده داماد ازده تاصد تومان‌در سینی اومیریزند . هدایای‌خانواده های‌نزدیك عروس وداماد غالباًشترویاگاوویاگوسفند است .درمراسم ختنه‌سوران قبلا شخصی راکه باید پسردر دامن وی برای ختنه قرارگیرد تعیین‌می‌نمایند . این‌شخص باید احترام بسیاری بین‌آن طایفه داشته باشد و غالباً بین وی و پدر طفل هدایایی ردو بدل میشود .

آنان به نوزاد پسربیش ازدختر اهمیت‌می‌دهند اگرپسری‌بدنیاآید برای اطلاع همسایگان درپشت بام، یاآلاچیق،بوته خاری میگذارندکه علامت سرور وشادمانی است در مجلس جشن تولد نوزاد پسر، میهمانان بالباس سرخ رنگ و پولکدوزی شده به‌خانه پدر نوزاد می‌آیند. درایلات شاهسون - مراسم عروسی

چنین است که دو تن ریش سفید از خانواده داماد بچادر عروس رفته و عهد و پیمان می بندند. پس از شیرینی خوران هیچگونه رابطه‌ای در زمان نامزدی بین عروس و داماد وجود ندارد. پس از خواستگاری خانواده داماد بچادر عروس رفته یك روسری کلاغی، گردن بند، آینه، پارچه و شیرینی همراه میبرند و پس از چند روز مردم را برای جشن عروسی دعوت مینمایند. میهمانان بهمراه خود هدایایی از قبیل تفنگ شکاری آینه و شیرینی می آورند. همه مهمانان در شب عروسی در منزل داماد خواهند ماند. در آخرین لحظه‌ای که عروس را از خانه خودش به خانه داماد می آورند، یکی از کودکان خانواده عروس کمر بند زیبای طلائی به کمر عروس می بندد و عروس بسوی خانه داماد برده میشود. در جلوی عروس آینه و در عقب او جهیزیه همراه است. همینکه عروس به داماد نزدیك شد، داماد سیب سرخ یا دسته گلی بسوی او پرتاب میکند و سوارکاران و کشتی گیران و رقاصان هریك بنوبت بکار خود و دادن نمایش مشغول میشوند.

۳ــ ایلات خلخالـ این ایلات تا سال ۱۹۲۰ میلادی متشکل از دو ایل: شطرانلو و قلق جانلو بودند، و قبیله دومی از یکصد و پنجاه خانوار تشکیل میشد. ایل شطرانلو که دو هزار خانوارند در زمین باریکی در چند میلی شمال قزل اوزن که در حدود ۷۵ میل از سنجاباد (سنجبد) بسمت مشرق بطرف تپه‌های ارپاچای و مصداقی امتداد دارد سکنی گزیده‌اند. زمانی از حدود خود خارج شده و در چهار ناحیه خلخال درشمال قزل اوزن پخش شدند. شطرانلوها اصلاکرد هستند ولی بترکی صحبت میکنند، اگرچه شاهسون نیستند ولی با شاهسون‌ها همسایه و متحدند[1]. دیگر ایل کلیشانلو (۲۰۰ خ) و دلیکانلو (۴۰۰ خ) هستند که بزبان کردی سخن میگویند،

۴ـ ایلات خمسهـ آنان همه ترکند و ظاهراً از اردبیل و دیگر نقاط آذربایجان آورده شده و با قبایل قزلباش که در خمسه بودند مخلوط شده‌اند.

۱ ــ هنری فیلد : مردم شناسی ایران ص ۲۰۶

تانیم‌قرن پیش چند ایل‌کوچك یعنی ذوالقعده ،وقره برگلو ، ورشوند ، در طارم(تارم)زندگی‌میکردند ولی‌ایلات‌عمده‌خمسه‌عبارت‌بودنداز: دویران‌وافشارکه افشار دویرانی خوانده میشدند ، تابا افشار صائین‌قلعه(شاهین‌دژ) در آذربایجان فرق‌داشته باشند.

ایلات **آذربایجان‌غربی** ایلات آذربایجان‌غربی‌بیش‌از آذربایجان شرقی‌هستند وبچند طایفه بشرح زیر منقسم میگردند.

۱ ـ ایل‌جلالی ـ این‌ایل‌سنی مذهب(شافعی)۱۱۳۵خانواراست ودربیلاق‌با ایلات مرز ترکیه ودرقشلاق با ایلات مرز شوروی مشترك میباشند. محل ییلاق آنان در مرز ترکیه حدود سیه چشمه. ودر مرز شوروی ساحل رود ارس است . این ایل‌پیش‌ازسال ۱۳۰۹ شمسی‌بفرمان رضاشاه‌کبیر بداخل ایران‌کوچ‌نموده‌بین روستاهای همدان تاتهران وورامین پراکنده شدند ، ولی پس‌ازشهریور ۱۳۲۰ و رفتن رضاشاه به‌محلهای‌اولیه‌خود مراجعت نمودند: واکنون‌بیشتردراطراف ماکو سکونت‌دارند. طوایف‌آن از این‌قرار است: خلیکانلو، حسوخلف ، علی محولو ، مصرکانلو ، طابلو، قزلباش، ساکان ، بلخکانلو ، جنی‌کانلو ،قندکانلو

گروه ایلات دویران که به‌پانزده شعبه تقسیم میشدند در دره قزل اوزن از گروس بالای نیگی کند تا پل قافلانکوه زندگی میکردند و بین ۱۵۰۰ و۳۰۰۰ خانوار بودند. دویرانها یکی‌ازقبایل‌نیرومند شاهسون بودندکه فتحعلیشاه‌قاجار آنان را از مغـان و اردبیل آورده و در نـاحیه مجاور خاك‌افشار آذربـایجان مستقر ساخت .

ایل افشار دویرانی بین ابهر رود وگروس زندگی میکنند وشامل طوایف: بدیرلو، جهانشاه‌لو، جمعه‌لو، قراسانلو هستند ، ودرحدود هزار خانوارند (۱)

رسوم و عادات ـ بزرگترین وباشکوه‌ترین عیدهای ایل‌خلیکانلو (جلالی) عید اضحی (قربان) است که هرکس به‌فراخور حال خود گاو وگوسفند قـربانی

۱ ـ هنری فیلد : مردم شناسی ایران ص۲۰۳

میکند. دراین عید لباس نو بتن میکنند و سه‌روز تعطیل عمومی است .

پس از عید قربان درمقام اهمیت روز عید فطراست، متاسفانه به‌عید نوروز چندان‌اهمیت نمیدهند، ولی‌برای چهارشنبه سوری بیش‌ازنوروز اهمیت قائلند، دراین شب لذیزترین خوراکهارا طبخ کرده وآتشبازی برپا میشود، وتانیمه شب ادامه دارد وزنان برقص و پای‌کوبی با دهل وسرنا مشغول میشوند .

عید دیگری که نسبتاً مهم است عید «خدرنبی» [خضرنبی] است که تاریخ جشن‌آن دراول اسفندماه است. برپاداشتن این جشن بمناسبت‌نزدیك شدن‌پایان زمستان است‌که معتقدند از تلف شدن احشام جلوگیری میکند . در این جشن زنان و دختران و جوانان ده برقص «چوبی» مشغول میشوند وشخصی خود را با لباسهای رنگارنگ آراسته دلقکی ومسخرگی میکند .

ازبرای خواستگاری یکی از ریش‌سفیدان خانه داماد ، بخانه عروس میرود. پس ازرضایت کامل بستگان دختر، بستگان پسر با کله قند بمنزل او رفته در مورد شیربها ، صحبت میکنند. شیربهانسبت بوضع خانواده دختر عبارت می‌باشد: از ۵۰ تا۲۰۰ گوسفند ، چند رأس اسب وگاو، چند عدد پول طلا، چند دست خلعت وغیره ، گوسفند هرچه بیشتر باشد ، طلا هم بهمان نسبت بیشتر است . حضور مدعوین درجشن عروسی‌اجباری‌است وهدایائی‌ازقبیل پول یاگوسفندیاچیزهای دیگر به‌داماد میدهند . جشن عروسی سه‌روز بطول می‌انجامد . پس ازسه روز عروس را بسوی خانه داماد باشکوه تمام سواره حرکت میدهند .

سوار کاران در جلو و سواری که زودتر بخانه داماد برسد ازداماد هدیه میگیرد. به‌محض نزدیك شدن عروس بخانه داماد، داماد بمنزل یکی‌ازخویشان رفته وآن شخص یکدست لباس برای داماد تهیه میکند. زن این شخص ینگه عروس میشود . شوهر وی داماد را بخانه خودش برده وینگه عروس را به‌حجله میبرد . هرکس بخواهد عروس‌را به‌بیند باید هدیه‌ای بدهد .

اگرعروس اتفاقاً دوشیزه نباشد ، روز بعداورا سوار الاغ کرده بخانه‌پدرش

برمیگردانند. اگر نوزاد اول پسر باشد جشن میگیرند ودرخانوادههای بیبضاعت برای دخترکه در معنی سرمایهآ نهاست اظهارخوشحالی و سرور مینمایند .

بهختنه سوران اهمیت خـاص میدهند . نخست پدر پسر ، شخصیکه مورد احترام است و میخواهد خودرا باومنسوب نمایدبنام «گروه» انتخاب مینماید. منظور از گروه اینست که خون این پسر بدامان اوریخته شده و بهآن خانواده نزدیك شدهاند. وقتی، گروه ، انتخاب شد، پدرتحفهای برای ویمیفرستد وپیغام میدهد شماگروه پسرمنهستید . گروهدرروزموعود با خانواده خودبهمجلس ختنه سوران آمدهوتحفهای برایخانواده پسربخصوص لباس برای پسرهمراه میآورد .

درخاتمه ختنهسوران، «گروه» باخانواده خود شب درمنزل پدرخانوادهمانده و روز بعد مراجعت مینمایند ، و پدر پسر بهگروه وخانوادهاش هدایایی ازقبیل گاو و گوسفند میدهد. ولی بیشتررسم است کهگوسفندان راگروه بهپسرپیشکش میکند ، گاو وچیزهای دیگررابا خود میبرد .

در هنگام طلاق دادن زن ، مرد درحضور سهنفر یا بیشترسهسنگ برداشته با انداختن یك یا دو یاهرسهسنگ ، زن را یك یا دوسهبار طلاق میدهد .

مرگ و سوگواری ـ خانواده شخص درگذشته اگرچه فقیرهم باشد باید گاو و یا اقلاً گوسفندی کشته وگوشتآنرا خیرات کند. پس از مرگ شخص ، همه بستگان اوبرای تسلیت بهخانوادهاش بهخانهٔ متوفی میآیند ولی حتماً باید از بیستروز پس ازمرگ اوتجاوز نکنند .

پس از مردن شوهر، زن یا مادر یا خواهر اومقداری ازموی زلف خودرا چیده با مرده بخاك میسپارند، مقداری ازآن موی را نیز بهجامه مرده دوخته و در مجلس سوگواری زنانه میگذارند تا باعث تحریك حاضرین برای گریه و شیون شود .

چنانچه مرده ، مردی جوان باشد اسب اورا زین وبرگ نهاده ، لباسهای

اورا روی اسب قرارمیدهند .

هنگـامیکه مردم برای تسلیت دادن می‌آیند، اسب را یکنفر جلوآنهـا میبرد تا گـریه وشیون آنان را تشدید کند . اگرزنی بمیرد بایدگردن بند او را بگردن او بندند تا مرده شوی آنرا برای خود بردارد .

چنانکه بخواهند قبرمرده را پابگیرند این عمل دست کم باید پس‌ازهفت روزاز روز بخاك سپردن اوانجام گیرد .

۲ـ ایل میلانـ عدهٔاین ایل۲۰۳۰خانوار ومردم‌آن سنی‌وشافعی‌مذهبند و در قشلاق با مرز روسیه ودریبلاق بامرز ترکیه مشترکند .

آنان سه ماه زمستان را درچادرهای خود درقشلاق درکنار ارس گذرانیده بقیه سال را درحوالی سیه چشمه که ییلاق آنهـاست بزراعت و دام‌داری مشغول میشوند واز راه کشت گندم وجو وذرت امرارمعاش مینمایند .

طوایف‌آنها از اینقرارند :

شیخکانلو ، دودکانلو، دلائی، بروکی، عـموئی، مندوله، کانلو، کـچلانلو، قردوئی، بروئی ،کلیکانلو، خزوئی، قلیکی.

رسوم وعـادات ایل‌میلان مانند طـایفه خلیکانلو در ایل جلالی است، جز اینکه مرد درطلاق رجعی‌بجای سه‌سنگ دویا یك سنگ پرتاب میکند .

دیگر در جزء مراسم عزاداری هفته وچله معمول‌نیست وفقط‌آخر ماه‌فقرا را اطعام میکنند .

۳ـ حیدرانلو ـ این ایل ۳۰۰۰ خانوار سنی وشافعی مـذهبند و در مرز تـرکیه سکنی دارند. ییلاق ایشان در«سیه چشمه» وقشلاقشان در «چوخورکند» است.آنان از راه حشم‌داری وکشاورزی امرارمعاش میکنند و غالباً اسکان وتخته قاپو شده‌اند و فقط عده‌ای‌که اغنام واحشام دارند ییلاق وقشلاق مینمایند .

رسوم وعادات ـ یکی ازرسوم ایشان درعروسی چنین‌است که اگرپسری دختری رابخواهد یالچك دختری‌را برداشته‌باشد، دیگرکسی به‌خواستگاری‌این دخترنمیرود . پدر یا مادر ویا ولّی‌پسرناگزیرند ازاین دخترخواستگاری‌نموده هرقدر وجه‌نقد یاگوسفند لازم‌باشد باوبدهند. سپس خانواده داماد برای‌خانواده عروس شیربنی وخلعت میبرند ولی مدعوین دیگرهدیه نمیبرند. برای عروسی اشخاص را با فرستادن نامه یاکله‌قند یا قوچ دعوت می‌نمایند و مدت یك‌هفته تشریفات عروسی برپاست ودرآن مدت بیشترمدعوین مهمان داماد هستند. حتی وسیله حرکت مدعوین هم بعهده داماد است .

خانواده داماد درجشن عروسی دستمالی‌بزرگ دروسط پهن‌کرده وحاضران به‌تناسب قدرت مالی‌خود مبلغی برروی دستمال میگذارند .

درتولد نوزاد فرقی‌بین پسرو دخترقائل نیستند. مراسم ختنه پسران‌مانند آن مراسم دربین ایل‌جلالی است .

درمراسم وفات ـ پس‌از بخاك سپردن میت برفور مجلس ترحیم برقرار میشود وخیراتی برای اوانجام میگیرد . پس‌از روز چهلم نزدیکان میت قوچ یا گوسفندی بخانه شخص درگذشته‌آورده به‌کسان اوسرسلامتی میگویند. مردان خانواده تا دوهفته ازتراشیدن ریش، وزنان تاشش‌ماه ازپوشیدن لباس‌نوخودداری میکنند.پس‌ازآن مدت‌ریش‌سفیدان طایفه درمیان‌افتاده‌آنان راازعزادرمی‌آورند

۴ـ ممکانلو ـ دویست وپنجاه خانوارند ودر مرزترکیه سکنی دارند و مذهب‌آنان سنی شافعی‌است . ییلاق ایشان در«الند» وقشلاقشان در«قطور» است این طایفه بکارکشاورزی دلبستگی بسیاری ندارند و بیشتر اوقات آنان صرف دامپروری میشود.آنان تخته قاپو شده‌اند .

درمراسم عروسی چابك‌سوارانی که ازکسان داماد هستند بخانه عروس‌رفته باشلیك چند تیراورا براسب نشانیده بخانه داماد میبرند ، به‌محض‌آنکه عروس

واردخانه داماد میشود بااو بنای رقص‌را میگذارد ومدعوین‌پولهای زیادی برسر آنان میریزند وزنان پولها را جمع میکنند .

۵- ایل کره سنی ـ آنان چهارصد خانوارند و درمرز ترکیه نشیمن‌دارند ومذهبشان سنی‌شافعی‌است ییلاقشان درسکمن‌آباد وقشلاقشان درقطور است .

این ایل تخته‌قاپو شده علاوه برگله‌داری به‌کشاورزی دلبستگی بسیاری دارند. مردمی ساده‌دل وزود باورند. درفنون سواری وتیراندازی مهارت دارند و زبانشان کردی است .

یکی از رسوم‌آنان دادن دختران بسیارجوان به‌مردان کلان‌سال‌است‌زیرا مردان مسن شیربهای‌بیشتری میدهند. مردان غالباً دارای چهارزن‌عقدی‌هستند. پدر وقتی دختررا شوهر میدهد که‌دست کم بتواند پنجاه سر گاو بعنوان شیربها از پدر داماد بگیرد .

۶- ایل شکاك ـ آنان ۴۴۰۰خانوارند ودرمرزترکیه نشیمن دارندوشافعی مذهبند. ییلاقشان درمرز ترکیه درچراگاههای خالصه: ترگور ، ودشت‌بیل ، و قشلاقشان دراطراف رضائیه وشاهپور است. زبانشان کردی است. ایل شکاك تخته قاپو شده هم کشاورزی وهم گله‌داری میکنند .

طوایف‌آنان ازاینقرارند :

شکاك، سمیتقو ، پس‌آقا عبدوی ، چرکوئی شپیرانی ، خلیفه‌زاده ، موقری گوریك ، شیکری ، ایوری ، نعمتی ، اطمانی ، هناره پاجیك، بوتان، فنك ، پس آتاکاردار ، مامدی .

گروهی ازایل شکاك بکیش مسیحی هستند(۱). گرفتن جشن نوروز درمیان آنان مرسوم نیست بلکه بجای‌آن عیدقربان وفطررا میگیرند .

درمراسم خواستگاری نخست‌باید پسرو دختر یکدیگررا دیده وبه‌پسندند

۱- هنری‌فیلد: مردم شناسی ایران ص۶۸۳

خانواده پسر، شیربهارا تعیین میکنند. پس ازدادن شیربها هدایایی ازقبیل اسب، ساعت به‌خانواده دختر داده میشود. روزعروسی غالباً پنجشنبه تعیین میگردد. در این روز میهمانان درخانه داماد حاضرشده پس از دوروز شادمانی با کاروان مجللی عقب عروس میروند. به‌محض نزدیك شدن این کاروان ، خانواده عروس به‌پیشواز آمده عروس را سوارمیکنند . ازخانواده عروس تنها یك‌تن بنام، ینگه ، همراه عروس‌است . همینکه عروس به‌خانه داماد رسید ازپشت‌بام قند و شیرینی و سیب برسرعروس میریزند. هنگامیکه عروس وارد خانه داماد شد نمی‌نشیند مگر آنکه پدرداماد اجازه دهد واین اجازه بادادن خلعت ازطرف‌اوهمراه‌است.

مردان شکاك کلاه بلندی از نمد که بشکل استوانه‌است برسرمیگذارند و به‌دورآن شال می‌پیچند . غالباً پیراهن و شلوار سواری و شال وکمربند استعمال میکنند. زبانشان ازلهجه‌های ایرانی قدیم است .

۷ـ ایل هرکی ـ اینان ۱۳۵۰ خانوارند ودرمرزترکیه وعراق نشیمن‌دارند واهل تسنن وشافعی مذهبند. ییلاق ایشان درمراتع خالصه ترگور و دشت‌بیل و قشلاق آنان درترگور، مرگور، ودشت‌بیل است .

شغل عمده‌این ایل، گله‌داری ودامپروری است وطوایفی ازآنان درموانا ، خانقاه ، وزگیر، آغ‌بولاغ تخته‌قاپو شده‌اند .

طوایف آن ازاینقرار است :

هرکی میدان، هرکی سیدان، هرکی سرهاتی. درایل هرکی مراسم عقدکنان وعروسی دریك روزاجرا میشودآنان به‌نوزاد پسراهمیت خاص قائلند و یك‌روز خویشان را به‌ناهار دعوت کرده وعمل ختنه انجام میگیرد .

۸ ـ ایل بیك‌زاده ـ اینان پانصد خانوارند ، و در مرز ترکیه و عراق نشیمن دارند ییلاق و قشلاق آنان در مراتع خالصه ترگور است و سنی شافعی مذهبند .

این ایل درمحل «آنبی» تخته‌قاپو گردیده واسکان داده شده‌اند .

۹ـ ایل سادات ـ اینان چهارصد خانوارند ودر مرزترکیه وعراق نشیمن دارند وسنی‌شافعی مذهبند محل ییلاق آنان دردیزج مرگور، وقشلاقشان درمحال مرگور، دشت‌بیل ، اشنویه ، قریه‌گورانه ، برادوست است. ایل سادات در محل دیزج مرگور، تخته‌قاپوگردیده به‌کشاورزی مشغولند وازاجاره خالصجات دولتی امرارمعاش مینمایند .

۱۰ـ ایل زرا ـ هفتصد وپنجاه خانوارند و درمنطقه اشنویه درمرز عراق نشیمن دارند وشافعی مذهبند ومحل ییلاقشان در روندولان ، بابوله ، شطره‌است امرارمعاش آنان ازکشاورزی و زراعت گندم وجو وبرنج است .

ایل زرا به‌گرفتن عید نوروز وچهارشنبه سوری وروز سیزده سال نو علاقه زیادی دارند، ونیز عید فطرو قربان و روز ولادت پیغمبراسلام‌راجشن‌میگیرند.

درمراسم ازدواج ، اگرپدر ومادر دخترحاضرنشوند دخترشان رابه‌پسری بدهند ، چنانچه پسرو دختریکدیگررا دوست داشته باشند خویشان شبانه پسر و دختررا بخانه یکی ازاقوام یا معتمدان محل میبرند ، سپس باصلح و سازش و تراضی خانواده عروس وداماد صیغه عقد جاری میشود .

اگرکسی از مردم‌آن ایل فوت کند مدت یکهفته معمولا برای اوعزاداری کرده وخرج میدهند .

۱۱ـ ایل قره پاپاق ـ پانصدوپنجاه خانوارند ودر سلدوز نشیمن دارند و ییلاق آنان منطقه ایل، مامش، است .

روسای این طایفه شیعه، ولی رعایا عموما سنی وشافعی مذهب هستند. این طایفه سابقا درحوالی ایروان میزیستند ودارای کلاهی سیاه بودند وبهمین‌جهت ایشان را قره‌پاپاق گویند .آنان درزمستان احشام خود را به‌ییلاق ایل مامش که در مغرب ایل نامبرده واقع است میفرستند . قره‌پاپاقها ازکشاورزی وگله‌داری

امرار معاش نموده وباغ ومیوه نیز دارند .

آنان به‌عید نوروز اهمیت فراوان میدهند وماه اسفند را ماه عید گویند . چهارشنبه اول اسفند را «دروغگو» ودوم را «راستگو» وسوم را «سیاه» وچهارم‌را «اجر» گویند .

روز چهارشنبه اول جوانان روی بام یا تپه می‌روند و آتش افروزنـد و تیراندازی‌می‌کنند، درچهارشنبه سوم مردمی که از کسان‌آنان اشخاصی درعرض سال درگذشته‌اند برسر قبورآنان‌رفته ومیوه وشیرینی برایشان خیرات میکنند

در چهارشنبه‌سوری یعنی چهارشنبه آخرسال ، مردم لباس‌نو برتن کرده و با هلهله وشادی به‌آتش‌افروزی میپردازند و به‌دید وبازدید میروند، صبح چهار شنبه‌آخرسال پیش‌از برآمدن‌آفتاب زن وبچه بکنار رودخانه ازآب چهارشنبه استفاده می‌کنند و کوزه خود پر ازآب کرده برای‌تبرك نگه میدارند .

۱۲ـ ایل مامش ـ نهصد وپنجاه خانوارند ودر مرز عراق سکنی دارند و سنی وشافعی مذهبند . ۹۵۰

ییلاق ایشان مراتع کوهستانی دامنه‌کوه‌بلاسی سید، و بازرین، وسام‌است ـ این ایل تخته‌قاپو واسکان شده‌اند، گروهی ازایشان دراشنویه ، گروهی دیگردر لاهیجان سکنی دارند واغنام واحشام خود را درتابستان بحدود مرزعراق میبرند زراعت‌آنان : گندم وجو، توتون ، چلتوك‌کاری وباغات میوه میباشد .

از طوایف ایشان دوطایفه: امیرعشایری وقادری معروفند. ازصنایع‌دستی ایشان شال‌بافی است. از مراسم‌آنان افروختن‌آتش فراوانی درجشن نوروزاست. اگرکسی ازایشان درگذرد ، عزاداری وی چهارهفته بطول می‌انجامد .

۱۳ـ ایل پیران ـ ششصد و۶۵۰ پنجاه خانوارند ودر مرزعراق نشیمن دارند و سنی وشافعی مذهبند ،آنان تخته‌قاپو شده ودرکهنه ، ولاهیجان ساکن می‌باشند درزمستان‌اغنام‌واحشام خودرابحدودکوه‌سران میبرند. وازطریق‌زراعت‌ودام‌داری

امرارمعاش مینمایند، ازصنایع دستی‌ایشان شال‌بافی است .

۱۴ـ ایل منگور ـ یکهزار وپانصد خانوارند و در جنوب مهاباد نشیمن دارند وسنی‌مذهب وشافعی هستند .

آنان تختەقاپو گردیده ودر جنوب مهاباد اسکان داده شده‌اند .

درتابستان احشام خود را به ییلاقات : کده، لاسیو، و کاکن میبرند ، امرار معاش‌آنان ازگله‌داری وزراعت وتوتون، گندم، وجو، چغندر، و حبوبات است .

طوایف‌آنان از اینقرارند: امان، شمع، زین، زرین، خدر، مروت .

۱۵ـ ایل دهبکری ـ چهارهزار وهفتصد خانوارند ودر«عمق»ساکن‌هستند وسنی شافعی مذهبند، و ییلاق‌آنان درپایین بلاغ است. تختەقاپو شده‌اند وامرار معاش از گله‌داری وکاشتن گندم وجو وتوتون وچغندر کنند .

از صنایع دستی‌ایشان: شال، گلیم، جاجیم، جانماز، وقالی‌بافی‌است طوایف آنان‌ازاینقرارند : ایلخانی‌زاده ، علیار، قهرمانی، عباسی .

مراسم عید نوروز درمیان‌ایشان‌معمول‌نیست‌واعیاد اسلامی‌راکه عیدقربان وفطر وروز ولادت حضرت رسول‌باشد جشن‌گیرند .

۱۶ـ گورك مهاباد ـ سه‌هزار وصد خانوارند و دردهستان‌عمق تختەقاپو و اسکان‌شده‌اند. ییلاق درمراتع ایل‌پیران گیرند. ازراه‌گله‌داری وکشاورزی‌امرار معاش کنند و باگور سردشت داد و ستد دارند ، صنایع دستی ایشان شال‌گلیم و جاجیم بافی است .

۱۷ـ ایل بریاجی ـ یکهزارو سیصد وپنجاه خانوارند ودرمنطقه سردشت درمرز عراق تختەقاپو واسکان شده‌اند وسنی وشافعی مذهبند، امرارمعاش‌آنان‌از گله‌داری وکشاورزی است، ازصنایع دستی ایشان موج، گلیم، وجاجیم‌بافی‌است .

۱۸ ـ ایل باسك کوله ـ ششصد خانوارند و در سردشت مرز عراق سکنی

دارند وسنی وشافعی مذهبند،آنان تخته‌قاپو شده‌اند وامرار معاش ایشان ازگله‌داری وکاشتن گندم وجو وذرت وتوتون است . صنـایع دستی‌آنان موج ، گلیم ، جاجیم‌بافی است .

۱۹- ایل ملکاری ـ یك‌هزار وصد خانوارند ودر منطقه سردشت در مرز عراق‌اسکان شده‌اند وسنی‌شافعی مذهبند. ازصنایع دستی‌ایشان موج : گلیم، وشال مخصوص کردی است .

۲۰- ایل باپیرآقائی ـ چهارصد و سی خانوارند و در منطقه سردشت در مرز عراق تخته‌قاپو واسکان شده‌اند. ییلاق ایشان مراتع کوههای هومل است و سنی وشافعی مذهبند. معـاش ایشان ازکشاورزی و دام داری و باغداری و فروش انگور وانار می‌باشد. ازصنایع دستی ایشان موج، وگلیم وجاجیم بافی‌است .

۲۱- ایل پشتدریها- پانصد خانوارند وسنی‌وشافعی مذهبند، و درسردشت مرزعراق اسکان شده‌اند ییلاق ایشان‌آبادیهای تروه، گومات، ارزنه، واشترل‌است

۲۲- ایل کلاسی ـ پانصد خانوارند و در عمق از نواحی سردشت زنـدگی میکنند وسنی وشافعی مذهبند .

ییلاق ایشان درمراتع زیرمران وصنایع دستی‌آنان موج، وگلیم، وجاجیم بافی‌است طایفه معروف ایشان کلاس نام دارد .

۲۳- ایل عثمان‌بیگی ـ چهارصد وپنجاه خانوارند ودرسردشت تخته قاپو واسکان شده‌اند . مذهب ایشان سنی‌شافعی است. (۱)

کردان‌آذربایجان - ایلات اخیری که درآذربایجان غربی از آنان یاد کردیم غالباً کردنژاد هستند ومرکز عمده‌آنان شهرستان مهاباد است وبیشتر بین کوههای لاهیجان و سردشت ساکن هستند غالب ایشان شافعی مذهبند واز حیث نژاد از دیگرعناصر کرد خالصتر مانده‌اند .

۱ـ رجوع شود به‌ایرانشهر جلد اول ص۱۱۷-۱۲۵و۲۲۸-۲۳۶

دهستانهای زیرکه از محال مهاباد بشمارمیرود محل سکونت ایشان است.

۱ـ آختاجی، دارای۱۰۹، قریه ۲ـ آلان، دارای ۱۵قریه ، ۳ـ ایل تیمور، درجنوب مهاباد دارای ۲۱قریه ، ۴ـ بریاجی، دارای ۳۳ قریه ، ۵ـ بهی، دارای ۶۱ قریه، ۶ـ باسك‌کوله، دارای ۱۷ قریه درمرزعراق ۷ـ پیران، دارای۳۱قریه در مرز عراق ۸ـ ترجان ، دارای ۲۸قریه ، ۹ـ شهرویران ، دارای ۹۱ قریه در مشرق مهاباد وجنوب میاندوآب ۱۰ـ کلاس ، دارای ۱۶قریه ، ۱۱ـ گورگ سر دشت، دارای ۳۵ قریه، ۱۲ـ گورگ‌نعلین، دارای ۱۲قریه ، ۱۳ـ لاهیجان دارای ۶۸ قریه درمرز عراق ۱۴ـ رحمت آباد ، دارای ۹۸ قریه بین جغتو و تاتائو ۱۵ـ منگور، دارای ۱۳۱قریه درمغرب مهاباد درمرزایران وعراق ۱۶ـ ملکاری دارای ۱۸قریه (۱)

بقول کلنل استوارت کردهای آذربایجان بالغ برپانصد هزارنفرند که غالباً دارای مووچشم مشکی وقیافه تیره و گرفته ورفتاری غرورآمیزهستند وطوایف وقبایل آنان ازاینقرارند :

شکاك، هرکی، ززا، اورامر، قره‌پاپاق، مکری، منکوری، مامش، حیدرانلو(۲)

اقلیت‌های مذهبی آذربایجان

درآذربایجان دو اقلیت مسیحی معروف هستند که ازپیش ازاسلام درآن سرزمین زندگی میکنندآن دویکی‌ارامنه ودیگری‌کلدانیان (آشوریان)هستند.

ارامنه ـ ارمنیان‌ایران درحدود یکصدوپنج هزارنفرند که درآذربایجان وتهران وخوزستان واصفهان پراکنده‌اند. در جنگ اول جهانی (۱۹۱۷م) ترکان عثمانی عده کثیری ازاقلیت ارمنی کشور خود را قتل‌عام کردند وگروهی‌ازآنان گریخته به‌ایران پناه آوردند و درآذربایجان و نقاط دیگر سکونت گزیدند. مذهب ملی‌ایشان گریگوری است که ازفرق قدیم مسیحی‌است.

۱ـ اسامی دهات‌کشور ج۱ص ۴۹۲ـ۴۹۶

۲ـ هنری‌فیلد: مردم‌شناسی ایران ص۷۹۰

ارمنیان از روزگاران باستان درایران زبان و وحدت ملی و کلیسای خود را حفظ نموده‌اند و همواره بابرادران ایرانی خود درصلح وصفا زیسته‌اند .

ارامنه ایران دونماینده درمجلس‌شورای‌ملی دارند که یکی ازبین ارمنیان شمال ودیگری از بین ارمنیان جنوب برگزیده میشود . در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ـ۱۹۱۸) بسیاری از دهات آباد ارمنی‌نشین سلماس واورمیه ویران گشت، باوجودآن،کلیساها وصومعه‌های بسیارقدیمی ارمنی‌که بعضی‌ازآنها مانند صومعه ماکو بیش از۱۲۰۰سال قدمت دارد تابحال برجاست .

ارمنیان آذربایجان غالباً دراطراف رضائیه و قراداغ زندگی میکنند .

بقول هنری‌فیلد: ارامنه اگر ازروی زبانشان که ایرانی‌است قضاوت شوند میتوان آنان را بین یونانی وایرانی قرارداد ولی درحقیقت از لحاظ خصوصیات جسمانی با ترکمنها نزدیکی بیشتری دارند تا اقوام‌آریایی‌زبان .(۱)

چشمان ارمنی‌ها بزرك وسیاه و فرورفته‌تر از ایرانیان است .

پیشانی ایشان کوتاه بینی برجسته وعقابی دراز دارند .

صورت بیضی شکل‌آنان درازتر از صورت ایرانیان است .

گردن‌آنان دراز وباریك است، ولی دهان ودست وگوش و پای‌آنان معمولا بزرك و به‌کوچکی ایرانیان نیست .

درآذربایجان تعداد ارامنه بالغ بر۲۸ هزارنفر است. (۲)

ژان‌دمرگان مینویسد. ورودارامنه بآذربایجان بدون تردید بزمان سلاطین هخامنشی باز میگردد . ارامنه بلندتر از ایرانیانند . آنان نیرومندتر ومستعد به‌فربهی‌وپیه‌آورندگی‌هستند. بهنگام جوانی‌بسیارمتناسب‌الاعضاء وخوش‌اندامند. کله‌آنان دولیکوسفال Dolichocéphale (مستطیل‌الراس) است. چشمانشان سیاه و درشت وگودتر ازچشمان مردم مجاوراست. پیشانی‌آنان تخت، بینی دراز، بسیار

۱ـ هنری‌فیلد مردمشناسی ایران ص۷۹۰

۲ ـ هنری‌فیلد : مردمشناسی ایران ص ۸۱۹

برگشته وعقابی‌وبرجسته است. بینی چهره ازنمونه ایرانی‌متفاوت نبوده‌کشیده‌تر ازآن نیست. گردن دراز گاهی بسیار قوی، دهان گشاد و پهن، گوشها برجسته و جلوآمده و بناگوش آنان قوی وزمخت است. پوست بدنشان درزنان و بچگان بسیار ظریف ولطیف است وبسرعت رنگین میشود .

ارامنه تبریز میگویند که لهجه‌آنان خالصترین لهجه‌هاست . تجار ارمنی در شهرهای ایران پراکنده‌اند اما تنها مرکز طبیعی این ملت‌آذربایجان است که دهات ارمنی‌آن پدید آمده یك مهاجرت خود بخود است، درحالیکه مهاجر نشین‌هایی مثل جلفای اصفهان مصنوعی‌اند . در میان سکنه‌آذربایجان اختلاط خیلی نادراست زیرا یك ارمنی با یك کلدانی و برعکس ازدواج نمی‌کنند . (۱)

آسوریان یاکلدانیان‌آذربایجان ـ ژاك دمورگان درباره این طایفه مینویسد: «سامی‌ها که امروز درآذربایجان بنام‌نسطوری‌وکلده‌ای‌ها معروفند از یك اصل و نژادندآنان جز از نظرمعتقدات مذهبی باهم تفاوتی‌ندارندسابقاً آنان جملگی پیروآیین نسطوری بوده ونسطوری نام داشتند ، لیکن شمار زیادی از ایشان بمذهب‌کاتولیك درآمدند. آنان بیك لهجه قدیمی‌سریانی‌تکلم میکنندکه شکل دستوری‌آن تغییر یافته وبراثردخول‌بسیاری‌ازلغات عربی وترکی وفارسی وکردی ضایع وخراب شده است. شکل جمجمه آنان کاملاسامی است‌مخصوصاً درمیان‌قبایل‌کلدانی:دز، جیلون(جلو)، بس،تهوب،وتیاری‌که‌ازدیگرسکنه‌جلگه متمایزند. امانفوذوتاثیراقلیم ایران‌بادرشت شدن‌چشم متظاهرشده‌است. این‌عضو درآنان نیمه‌بازعیناًمثل‌ایرانیان ، یعنی قطرعمودی‌آنها تقریباً نصف افقی‌است . لیکن‌چشمان‌آنان‌بافاصله‌ودورافتادگی‌که‌ازهم‌دارندچشم‌کردان‌رابخاطرمی‌آورند. چشم نسطوری‌ها شبیه بآنچه که نزد بخش عمده‌ای از سامی‌ها می‌بینیم عمیقاً در محفظه استخوانی جای داده شده و تقریباً همسطح سر و صورت می‌باشد . بینی

۱ ـ هیئت علمی فرانسه ج۱ ص۳۷۵-۳۷۷

معمولا مستقیم وبقدرکافی برجسته، لیکن کوتاه است. چهره بیضوی لیکن پهن‌تر ازایرانیان غربی‌است . حتی گفته‌اند که درمیان کوه‌نشینان افراد بور وحنائی‌نیز یافت میشوند . بقول دوخانیکف حملات مغول وتیمور آنان را به‌کوهستانهای کردستان کوچانیده است .

کلدانیان آذربایجان بزراعت مشغولند وبر حسب آنکه دهاتشان از مناطق آذربایجانی وکردی دورباشد لباس ایرانی میپوشند. (۱)

آسوریان ایران - اینان بقایای ملت قدیم کلده هستند کـه از دوهزار و پانصد سال پیش درایران زندگی میکنند .

سپس در دوره اشکانی وساسانی قبول دین مسیح کرده و به‌یکی از مذاهب قدیم آن که نسطوری‌باشد در آمدندکلیسای‌نسطوری یا«کلیسای مسیحیان‌ایران» دراواسط قرن پنجم میلادی (۴۳۰م) تشکیل شد وتاکنون باقی‌است. آنان رئیس مذهب خودرا «مارشمعون» گویندکه درتداول مردم «مارشیمون» شده‌است .

آسوریان تا پیش‌ازجنگ جهانی اول غالباً درحدود وان واورمیه سکونت داشتند .

بعدازجنگ براثرفشارترکان عثمانی مهاجرت کرده پراکنده شدند.اکنون گروه بسیاری ازایشان درآذربایجان غربی سکونت دارند (۲). زبان وخط آنان آرامی سریانی‌است که معروف‌بزبان کلدانی جدید میباشد .

آسوریان نسطوری هنوزکلیسای خودرا دراورمیه که «مات مریم» (مارت مریم) ، یعنی بانومریم خوانده میشود حفظ کرده‌اند .

از یك‌قرن پیش که مبشران مـذهب پروتستان ازامریکا و مبشران مـذهب کاتولیك ازفرانسه برای تبلیغ مذهب خود به‌آذربایجان و اورمیه‌آمدند تاحال

۱ــ ــ هیئت علمی فرانسه درایران ج۱ ص۳۷۴-۳۷۵

۲ــ بررسی دموگرافیك درباره اقلیتهای مذهبی . نشریه‌آمار عمومی ص۵

گروهی از مسیحیان نسطوری آسوری تغییر مذهب داده و بکیش‌های پروتستان وکاتولیك گرائیده‌اند .

بنا به‌نوشته‌های خصوصی آسوری، تاپیش ازجنگ جهانی‌اول دویست‌هزار آسوری‌نژاد درآذربایجان غربی بخصوص اورمیه وسلماس زندگی میکردند .

پس ازجنگ مزبور براثر هجوم لشکریان عثمانی ازآنجا کوچیده و به‌عراق ودیگر شهرهای ایران مهاجرت کردند اکنون فقط هفتادهزارآسوری در ایران بسر میبرند .

بیشترآسوریان دردهات رضائیه وشاپور کشاورز وخورده مالکند ، ودارای باغهای انگور می‌باشند شهر نشینان ایشان غالباً پیشه ور و بازرگان و معمار و مهندس وپزشك هستند . (۱)

کرزن،(۲) در۱۸۹۲ارقام زیررا درباره نسطوریان آذربایجان نشان‌میدهد .

سلماس (شاپور)	۷۰۰	خانوار
سومامی و چرا	۱۰۰	«
اورمیه (رضائیه)	۳۶۰۰	«
سلدوز	۴۰۰	«
بروت یا براندوز	۱۰۰	«
ترکاور	۵۰۰	«
مرگاور	۱۰۰	«
جمع	۵۵۰۰	خانوار

معمول بر اینست‌که تعداد افراد یك خانوار چهار یا پنج‌نفر حساب شوند ، بنابراین‌جمع‌کل‌افرادنسطوریان‌را بیست‌تابیست‌وپنجهزار نفرمیتوان بشمارآورد.

1 - Wigram, The Assyrians And Their Neighbours London, 1929. Dorothy I. Lazaar L'Histoire Assyrienns (Thèse) Tabriz 1958.

2 - Curzon G.N Persia and the Persian question 2 Vol, London 1892

سپس مینویسد که هیأت مبلغان مسیحی عقیده دارند که در زمان پادشاه فعلی (ناصرالدین‌شاه) که صلح برقرار است صحیح‌تر آنست‌که هر خانوار هشت نفر به‌شمار آید. اگر حد وسط راقبول کنیم جمع کل نسطوریان در آن زمان ۴۴۰۰۰ تن میشده است.

پس گوید:

نسطوریان ساکن دشت مردمانی قوی‌هیکل و چهارشانه با قیافه باز و رنك سفید ودارای ریش‌قرمز میباشند. نسطوریان ساکن کوهستان خشن و ناهموار هستند وغالبا باکردهاکه بین آنها دشمنی دائمی وجوددارد غیرقابل‌تشخیص‌هستند آسوریها دارای سری کوتاه وپهن هستند واز لحاظ‌کوتاهی سر به‌تاجیکها شباهت دارند. (۱)

آسوریان درناحیه اورمیه وسلماس وسرچشمه رود زاب زندگی میکنند و بدون شك از نژاد سامی‌هستند. نسطوری‌ها وآسوریها یك قوم واحد هستندکه به سه اسم خوانده شده‌اند. اصطلاح کلدانی نامی است که درقرن هجدهم ازطرف یسوعی‌ها (ژزوئیت‌ها) به‌نسطوریانی که قبول مذهب کاتولیك کرده‌اند اطلاق شده است. (۲)

شکل جمجمه‌آسوریان کاملا سامی‌است بخصوص درمیان قبایل دز، وجلو، و تخومه، و تیاری که همه آسوری نژادند. نفوذ نژاد ایرانی درآنان از چشم درشت وخوش شکل‌آنها پیداست، چشم‌آسوزیها تقریباً هم‌سطح پیشانی است، بینی معمولا راست ونسبتاً برجسته وکوتاه است. صورتشان بیضی‌شکل ولی‌بزرگتر از صورت ایرانیان غربی‌است.

گردن‌آنان دراز وگوش ودست وپایشان کوچك وظریف است. این مردم‌قد بلند واندام متناسب وعضلات قوی دارند وازراه رفتن خسته نمیشوند. رنك مو و

۱ــ هنری فیلد: مردمشناسی ایران ص۹۷ ــ ۹۶ و ص۷۱۷

۲ــ هنری‌فیلد: مردمشناسی ایران ص ۷۹۳

چشم آنان قهوه‌ای وروشنتر ازایرانیان است. درمیان آسوریان کوهستانی افراد مو بور ومو قرمز بسیاردیده میشود. شباهت بین آسوریان و ایرانیان از زمان کوتاهی نیست که پدیدآمده، بلکه پیش‌از حمله مغول‌صورت پذیرفته‌است (۱)

دررساله پلی‌کپی شده‌ای‌که ازطرف اداره کل آمار عمومی درباره‌اقلیت‌های مذهبی ایران براساس سرشماری سال۱۳۳۵ شمسی منتشرشده شماره مسیحیان آذربایجان غربی راکه اکثرآنهاآسوری و عده کمی ازآنان بایستی ارمنی‌باشند ۱۱۶۴۷ تن نوشته شده است. (۲)

اکنون دودوره است که‌آسوریان ایران یك‌نماینده در مجلس‌شورای‌ملی دارند.

یهودیان آذربایجان ـ یهودیان در آذربایجان اندکند و بیشتر به‌تجارت اشتغال دارند بنا به‌بررسی دموگرافیك درباره آمار اقلیت‌های مذهبی براساس سرشماری سال ۱۳۳۵خورشیدی شماره‌یهودیان‌آذربایجان‌غربی۴۹۱ وآذربایجان شرقی ۱۴۵تن است که تعدادکل جمعیت‌آنان ۶۴۰ تن‌می‌باشد.

تبریز از شهرهایی‌است که درآن یهودی بندرت دیده میشود. (۳)

ژاك دمورگان مینویسد. «یهودیان در تبریز، مراغه، اورمیه، وغیره پرشمار ومنحصراًازحاصل‌معاملات‌تجاری زندگی‌میکنندو به‌هیچ‌کاردیگر نمی‌پردازند. (۳)

ولی برخلاف این گفتار امروز عدهٔ یهودیان در تبریز بسیار اندك است.

۱ـ هنری‌فیلد. مردمشناسی ایران ص۸۰۸

۲ـ دکتر امانی بررسی دموگرافیك درباره اقلیتهای مذهبی ص ۵

۳ـ دکترامانی: بررسی‌های دموگرافیك درباره اقلیتهای مذهبی (نشریه‌آثارعمومی) ص۳۹

۴ـ هیئت علمی‌فرانسه درایران ج۱ص۳۷۴

فصل هفتم

زبان فهلوی آذری

مردم آذربایجان در دوره اسلامی زبان بخصوصی داشتند که نویسندگان بعد ازاسلام از آن تعبیر به«فهلوی آذری» کرده‌اند. فهلوی معرب پهلوی‌است‌که بمعنی «پارتی» و اشکانی، میباشد. بقول ایشان فهلوی منسوب به«پهله» بوده که شامل‌پنج‌ولایت بزرگ: اصفهان وری‌وهمدان‌وماه نهاوند (ودینور) و آذربایجان میشده است. درزمان اشکانیان وساسانیان دراین ولایات مردم به‌لهجه بخصوصی از پهلوی شمالی سخن میگفتند. چون دراین نواحی مادی‌ها سکونت داشتنداین نوع پهلوی را میتوان ماخوذ اززبان مادی قدیم که از روزگار پادشاهان ماد در نیمه شمالی ایران رواج داشت، دانست.

از لحاظ اینکه‌آذربایجان از ولایات پهله قدیم بشمار میرفته ازاین‌جهت زبان مردم‌آن ولایت را فهلوی‌آذری خوانده‌اند.

مارکوارت خاورشناس معروف‌آلمانی، درکتاب‌ایرانشهرمینویسد که «اصلا

زبان حقیقی پهلوی زبان آذربایجانی است که زبان کتبی اشکانیان بوده است.» (۱)

نام فهلوی آذری در کتب قدیم اسلامی ـ قدیمترین جایی که در کتب اسلامی اشاره به زبان آذربایجان شده از اینقرار است :

۱ـ کتاب فتوح البلدان بلاذری تألیف سال ۲۵۵ هجری است در جائیکه مینویسد . «قدم الولید بن عقبة اذربیجان ، ومعه الاشعث بن قیس فلما انصرف الولید ولّاه آذربیجان فتتبع الاشعث بن قیس حاناً حاناً، والحان الحائر فی کلام اهل اذربیجان ففتحها ... واسکنها ناساً من العرب » (۲)

یعنی: «ولید بن عقبه به آذربایجان آمد و با وی اشعث بن قیس بود ، وچون برفت اورا بجای خود بر آذربایجان ولایت داد» و «خان به خان» (دیه به دیه) .

همی آمد [خان در زبان مردم آذربایجان بمعنی حائرو جای است] تا آن ولایت را فتح کرد و گروهی ازعرب را در آنجا نشیمن داد». «خان» ، در زبان پهلوی بمعنی خانه، چشمه، چاه ،کاروانسرا ، آمده است (۳)

۲ـ ابن الواضح الیعقوبی که درحدود سال [۲۷۸ه] کتاب البلدان خود را تألیف کرده اصطلاح ، آذری، را برمردم آذربایجان اطلاق کرده و زبان آذری ظاهراً ماخوذ ازاین اصطلاح بوده است :

«واهل مدن اذربیجان وکورها اخلاط من العجم الاذریه والجاودانیة القدیم اصحاب مدینه البذ التی کان فیها بابك ثم نزلتها العرب لما افتتحت» (۴)

یعنی مردم شهرهای اذربایجان وبخشهای آن آمیخته‌ای از ایرانیان آذری وجاودانیان قدیم خداوندان شهر ، بذ ، هستند که بابك [خرمی] در آن جای داشت. پس از آن آنجا را فتح کرد در آنجا فرود آمدند »

۱ـ ایرانشهر مارکوارت ص۱۲۳
۲ـ فتوح البلدان، طبع مصر ص ۳۳۶
۳ـ فرهنگ پهلوی ص۴۸۳
۴ـ کتاب البلدان یعقوبی، طبع نجف ص ۳۸

۳- ابن‌حوقل از جغرافی‌نویسان عرب دراوایل قرن چهارم هجری درباره زبان آذربایجان درعصرخود چنین مینویسد: «فامالسان اهل‌اذربیجان واکثراهل ارمینیه فالفارسیةتجمعهم، والعربیة بینهم مستعملة وقلمن‌بها ممن‌یتکلم بالفارسیة لایفهم بالعربیة ویفصح بها من‌التجار وارباب‌الضیاع» (۱)

«اما زبان مردم آذربایجان‌وبیشترمردم ارمنستان عموماً فارسی‌است، وزبان عربی هم بین ایشان معمول می‌باشد ، وکم‌کسی از بازرگانان و زمینداران‌ی که بپارسی سخن میگویند یافت میشود که زبان عربی رانفهمد ویاآن زبـان را به شیوایی نداند»

۴- اصطخری از علمای قرن چهارم در کتاب مسالك‌الممالك می‌نویسد :

« و لسان اذربیجان وارمینیة والرّان الفارسیة والعربیة غیران اهل دبیل و حوالیها یتکّلمون بالارمینیة ، ونواحی برذعة لسانهم‌الرّانیة» (۲)

یعنی زبان آذربایجان وارمنستان و آران فـارسی وعربی است ، جزآنکه مردم دبیل وحوالی‌آن به‌ارمنی سخن‌گویند، وزبان نواحی برذعه (لهجه)آرانی است ،

۵- درترجمه فارسی‌مسالك وممالك اصطخری بین‌قرن پنجم وششم هجری درباره زبان آذربایجان چنین آمده است :

« این حدود همه زبان تازی وپارسی دارند ومردم دبیل زبان ارمنی دانند ونواحی بردع راکوهستانی هست ایشان را زبانهای مختلف باشد» (۳)

۶- محمدبن اسحق‌النّدیم درکتاب معروف خود الفهرست که‌آنرا در سال ۳۷۷ تألیف‌کرده درجائیکه زبانهای ایرانیان قدیم رااز قول‌ابن‌مقفع برمیشمارد، زبان آذربایجان را فهلوی میخواند وگوید .

۱ـ صورةالارض طبع اروپا ص ۳۴۸
۲ـ مسالك‌الممالك ص ۱۹۲طبع اروپا
۳ـ ترجمه مسالك‌الممالك طبع تهران ص۱۶۰

« قال عبدالله بن المقفع ....

فاماالفهلوية فمنسوب الى فهله، اسم يقع على خمسة بلدان وهى، اصفهان ، والرى، وهمدان، وماه نهاوند، و اذربيجان ،(۱)

يعنى، پهلوى منسوب است به‌پهله كه نام پنج شهراست :

اصفهان، رى، همدان، ماه نهاوند، وآذربايجان (۲)

۷- ابوعبدالله محمدبن احمد خوارزمى درگذشته در ۳۸۷ در كتاب مفاتيح- العلوم خود عين اين عبارت راتكرار كرده مينويسد : « ومن لغات الفرس الفهلويّة، وبها كان يجرى كلام الملوك فى مجالسهم وهى لغة منسوبة الى بَهلة، و بَهلة اسم يقع على خمسة بلدان: اصفهان، والرّى، وهمدان، وماه نهاوند، واذربيجان» (۳)

يعنى، از زبانهاى ايرانيان پهلوى است، وبآن زبان بود كه پادشاهان در مجالس خود سخن ميگفتند، وآن منسوب به‌پهله است، وپهله نامى‌است كه به پنج ولايت: اصفهان، رى، همدان، ماه نهاوند، وآذربايجان داده‌اند .

۸- شمس‌الدين ابوعبدالله البشّارى والمقدسى از علماى‌قرن چهارم، ايران زمين را برهشت اقليم تقسيم كرده وآذربايجان را ازاقاليم عجم (ايران) شمرده گويد :

« زبان اين اقاليم هشتگانه ايرانى است ، جزاينكه برخى ازآنها درى و بعضى لهجات پيچيده است وهمه‌آنها فارسى خوانده ميشود و اختلاف بين‌آنها آشكار است» (۴)

درجاى ديگرمينويسد كه‌گويند در آذربايجان هفتاد زبان (لهجه) وجود دارد (۵)

۱- الفهرست ابن‌نديم طبع مصر ۱۳۴۸ص ۱۹

۲- رضا تجدد، ترجمه‌الفهرست ابن‌نديم طبع دوم ص۲۲

۳- مفاتيح الوم، طبع اروپا ص۱۱۷

۴- احسن‌التقاسيم فى‌معرفة‌الاقاليم‌ص۲۵۹

۵- احسن‌التقاسيم ص ۳۷۵

در ذیل همان باب مینویسد که : زبان آن نـواحی زبان خوبی نیست ، در ارمنستان به‌ارمنی، ودر آران، به‌آرانی سخن‌گویند وفارسی ایشان مفهوم است و درحروف نزدیك به‌لهجه خراسانی (یامخالف‌لهجه خراسانی)(۱) است (۲)

۹- ابوالحسن علی‌بن‌الحسین معروف بـه‌المسعودی درگـذشته درسال ۳۴۵، هجری‌در کتاب‌خودالتنبیه‌والاشراف، آذربایجان‌راجزء بلاد ایران وزبان آنرااز زبانهای ایرانی شمرده گوید: همه شهرهای ایران دارای یك پادشاه و یك زبان بودند، جزاینکه دربعضی از لهجه‌ها اختلاف‌هایی وجود دارد. البته هنگامیکه حروف کتابت وتألیف لغات درچند لهجه یکی باشد، همه‌آنها داخل دریك زبان خواهد بود اگرچه اختلافی در پهلوی و دری وآذری و لهجات دیگر در میان باشد. (۳)

۱۰- شاعرمعروف حکیم ناصرخسرو قبادیانی درگذشته در (۴۸۱ ه) که در محرم سال ۴۳۸ درشهر تبریز بوده ودر سفرنامه خود اشاره‌ای بزبان‌آذربایجان کرده مینویسد: «در تبریز قطران نام شاعری را دیدم شعرنیك میگفت، اما زبان فارسی نیکو نمیدانست، پیش من‌آمد، دیوان منجیك ودیوان دقیقی‌بیاورد وپیش من بخواند وهر معنی که اورا مشکل بود ازمن بپرسید بااو بـگفتم وشرح آن بنوشت واشعارخود برمن بخواند.» (۴) ازاین حکایت چنین برمی‌آیدکه:

اولا- در تبریز وآذربایجان درزمان ناصرخسرو مردم بزبانی غیراز زبان پارسی سخن میگفتند. این زبان بنا به‌گواهی مورخان و جغرافی‌نویسان عرب‌که ذکرآنان درپیش گذشت زبانی جزفهلوی آذری نبوده‌است.

ثانیاً- قطران به‌فارسی دری نمیتوانسته خوب سخن گـوید یا اصطلاحات

۱- وفارسیتهم مفهومة، تقارب (نسخه بدل: تخالف) الخراسانیه
۲- احسن‌التقاسیم ص ۳۷۸
۳- التنبیةالاشراف، طبع بغداد سال ۱۹۳۸میلادی ص۶۷-۶۸
۴- سفرنامهٔ ناصرخسرو، طبع دبیرسیاقی ص ۶

محاوره‌ای آن زبان را خوب نمی‌فهمیده برای آنکه زبان مادری او فهلوی آذری بوده است نه دری .

ثالثاً ـ قطران فارسی دری را درمدرسه فرا گرفته بوده و بهمین‌جهت چون طبعی شاعرانه داشته میتوانسته است با خواندن اشعار شعرای فارسی‌زبان، بزبان پارسی دری نیك شعر بگوید .

رابعاً ـ همانطورکه مردم آذربایجان امروز به‌ترکی آذری سخن میگویند ولی تمام مکاتبات خود رابزبان پارسی می‌نویسند، درآنروزگار هم مردم آن ایالت بین خود بزبان فهلوی آذری گفتگو میکردندولی منویات ومقاصد خودرا بزبان فارسی می‌نوشتند .

خامساً ـ زبان فارسی دری نه‌تنها درآذربایجان بلکه دراکثر ولایات ایران چون گیلان ومازندران وگرگان وبلوچستان و کردستان، وخوزستان، سمنان و ری و زنجان وصدها دیه و روستای دیگر، زبان گفتگو ومحاوره بین مردم‌نبوده است وفقط لفظ قلم وزبان مکاتبات رسمی و دولتی بشمار میرفته، واین وضع تا شصت سال پیش‌یعنی مقارن انقلاب مشروطیت درایران زمین همچنان ادامه داشته است .

۱۱ـ یاقوت حموی درگذشته درسال ۶۲۶ ه مینویسد :

« قال ابن‌المقفّع اذربیجان مسماة باذرباذبن ایران‌بن‌الاسودبن سام‌بن‌نوح، وقیل آذرباذبن‌بیوراسف، وقیل بل‌آذر اسم‌النار بالفهلویة وبایکان معناه‌الحافظ و الخازن، فکان معناه بیت‌الناراوخازن‌النار، وهذا اشبه‌بالحق لان‌بیوت‌النار فی‌هذه الناحیة‌کانت کثیرة جداً .... واهلها صباح‌الوجوه حمرها رقاق‌البشره ، ولهم لغة یقال لها الاذریة لایفهماغیرهم .» (۱)

یعنی: ابن‌مقفع گفته است که آذربایجان بنام آذر باذبن ایران بن‌اسودبن سام‌بن نوح نامیده شده وبقولی بنام‌آذر باذبن بیوراسف خوانده شده‌است . بعضی

۱ـ معجم‌البلدان، چاپ اروپا ج ۱ص ۱۷۲

گفته‌اند که آذر بزبان پهلوی نام آتش است و بـایگان نگهدار آن که روی هم معنای آن آتشکده یانگاهدارنده آتش میشود، واین درست‌تر است زیرا آتشکده دراین ناحیه بسیار بوده است ... مردم آن نیکوروی‌اند وگونه‌های‌ایشان‌بسرخی مایل است وپوستی لطیف دارند. ایشان را زبان مخصوصی است‌که‌آذریه (آذری) گویند وجز خودشان کس آن را نمی‌فهمد.»

۱۲ـ یاقوت درکتاب معجم‌الادباء درحکایتی که از ابوالعلای معرّی وهوش و ذکاوت او ازقول سمعانی‌آورده به‌زبان‌آذری اشاره کرده است:

سمعانی درکتاب انساب ازقول خطیب تبریزی شاگرد ابوالعلاء معرّی‌آورده که: روزی‌درمسجد معرّه‌نزد اونشسته‌بودم ویکی ازکتابهایش‌را بر وی میخواندم ناگاه یکی‌ازهمشهریان‌خود راکه ازهمسایگان‌من‌بود به‌مسجد درآمد ومیخواست به‌نماز ایستد. درحال که اورا بدیدم بشناختم وازخوشحالی‌رنگ‌چهره‌ام‌تغییر کرد.

ابوالعلاء (باآنـکه کور بود) آن حال دریافت وگفت ترا چه میشود. گفتم پس از آنکـه دو سال است کسی از همشهریان خود را ندیده‌ام اکنون یکی از همسایگان خود را دراینجا می‌بینم. پس‌گفت‌برخیز وبا او گفتگوکن.گفتم اجازه بده تا درس تمام شود.گفت برخیزمن منتظر توخواهم ماند پس برخاستم وبزبان اذربیه(۱) (آذری) با وی‌گفتگوی بسیارکردم وهرچه را میخواستم ازاوپرسیدم، وچون بازگشتم وپیش استاد نشستم، مرا گفت این چه زبانی بود؟ گفتم این زبان مردم‌آذربایجان است.

گفت من این زبان را ندانستم و نفهمیدم ولی آنچه راکه شما بـهم گفتید بخاطر سپردم، سپس‌آنچه راکه من وهمسایه‌ام بهم گفته بودیم بی‌کم وکاست باز گفت. من ازحافظه اوسخت درشگفت شدم‌که چگونه چیزی رانفهمیده این‌چنین بخاطر سپرده است (۲)

۱ـ درکتاب ـ الانساب سمعانی بجای لفظ «الاذربیه، «الادربیجیده» آمده که شاید در اصل «الاذربیجیه» یعنی‌آذربایجانی بوده باشد.رجوع‌شود به‌کتاب‌الانساب طبع‌عکسی‌چاپ لیدن.
۲ـ معجم‌الادباء ج ۲ ص ۱۳۱طبع مصر

۱۳- حمدالله مستوفی درگذشته در ۷۴۰هجری دروصف مراغه‌گوید: مردمش سفید چهره وترك وش می‌باشند وبیشتر برمذهب حنفی هستند، وزبانشان پهلوی مغّیر است (۱)

ظاهراً مقصود از پهلوی مغّیر، پهلوی تغییر یافته ویا همان لهجه فهلوی آذری است.

در وصف‌گشتاسفی‌که ازبلاد طالش‌آذربایجان قدیم است مینویسد: مردمش سفید چهره‌اند برمذهب امام شافعی، زبانشان پهلوی به‌جیلانی‌بازبسته‌است» (۲) یعنی زبان پهلوی ایشان بزبان گیلانی (طالشی) نزدیك است.

۱۴- درچند سال پیش‌فرمانی به‌مهرسلطان ابوسعید بهادرخان(۷۱۶-۷۳۶) درآذربایجان بدست‌آمده که درآن خطاب به‌مردم اردبیل حکم اکید صادر شده که هیچیك از جماعت مغول وتاجیك حق تجاوز بـه‌املاك وموقوفات مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۶۵۰-۷۳۵) را ندارند وآن عبارات چنین است:

«متوطنان اردبیل وتوابع آن‌بدانندکی‌مریدان شیخ‌الاسلام سعیدصفّی‌الدین قدس‌الله سرّه‌العزیز بعد از تقدیم وظایف دعاء دولت روزافزون نمودند.... بدان‌سبب این مکتوب درقلم‌آمد تا برموجب احکام سابق مقرر دارند وهیچگونه تغییر وتبدیل بدان راه ندهند جماعت مغول وتاجیك بنابواجب دراملاك ایشان مدخل نشده وتصرف ننمایند.»

چون دراین‌فرمان صریحاً از دوجماعت مغول وتاجیك یعنی‌ایرانی وایرانی زبان سخن بمیان‌آمده واز ترکان سخنی نرفته است، خود دلیل اینست‌که درآن زمان هنوز ترکان درآذربایجان اکثریت نداشته وغلبه با تاجیکان بوده است.(۳)

۱- نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۰
۲- نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۷
۳- مقاله حاج حسین آقا نخجوانی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره اول سال ۱۳۳۲

چند نمونه از زبان آذری تا پیش از صفویه

۱ ـ در کتاب روضات‌الجنان و جنات‌الجنان تألیف حافظ حسین کربلائی تبریزی آمده که چون درسال ۸۳۲ هجری میرزا شاهرخ برای سرکوبی میرزا اسکندر پسر قرایوسف قراقویونلو به آذربایجان لشکرکشید در تبریز بزیارت حضرت پیرحاجی‌حسن زه‌تاب‌که ازاکابر صوفیه‌آن زمان بودآمد واز او دریوزه همت خواست. پس از بازگشت شاهرخ، اسکندر به‌تبریز بازآمد وبانتقام ملاقات پیرحاجی‌حسن با میرزا شاهرخ فرمان دادکه پسر او ابوبکر را بدارآویزند. دژخیمان فرمان اورا اجراکرده‌آن بیگناه را بدارآویختند وجسد اورا بخانقاه پدرش بردند. پیرحاجی حسن زه‌تاب راچون نظر برمرده پسرافتاده فرمود که:

«اسکندر، رودم را کشتی، رودت‌کشاد» یعنی ای اسکندرفرزندم را کشتی، فرزندت ترا بکشد، نفرین پیرکارگر آمد، اسکندررا پسرش قباد در قلعه‌النجق درحال مستی بکشت (۱)

۲ـ درجلد دوم این کتاب‌که در زیر چاپ است حکایتی درباره ماماعصمت تبریزی ازخاندان بابافقیه‌احمداسپستی ازبزرگان‌صوفیه زمان قراقویونلوآمده که درضمن‌آن یك جمله از زبان‌آذری یاد شده‌است ، ماماعصمت قدس‌الله سرها بسیار بسیار بزرگند، صاحب مقامات عجیب. جلالیت برمشرب ایشان غالب بوده روزی‌بزرگرایشان تخم می‌افکنده ، ماما رسیده وفرموده‌که تخم راخوب‌نمی‌پاشی برزگر گفته‌که شما عورتانید، بحال خود باشید، چه خبردارید، ماما ازروی‌جلال گفته که : «چکستانی میپسندیم»، یعنی‌ای‌بناگاه مرده‌نمی‌پسندی‌مرا، همان‌لحظه برزگر جان داده »

«چك» درلغت فارسی بمعنی معدوم و نابود هم‌آمده (۲)

شاید «چکستن» درآذری بمعنی معدوم شدن‌بناگاه مردن بوده است؟

اگرچنین باشد ترجمه متن درست است.

۱ـ روضات‌الجنان ص ۳۹۰

۲ـ برهان قاطع (طبع معین) ج ۲ ص ۶۴۹

لغتی دیگر درفارسی هست بصورت «چکسیدن» که بمعنی خجل وشرمنده شدن است. (۱) اگرفرض کنیم چکستانی ازاین مصدر است بایدآنرا چنین معنی کنیم. آیا شرم نداری مرا نمی‌پسندی ؟

آقای دکتر ماهیار نوابی این جمله راچنین معنی‌کرده است:

«ای بهشتی مرانمی‌پسندی» که بعیداست ودرشرح آن مینویسدکه، چك، در لهجه هرزنی بمعنی خوب ونیك وبداست، چکستان، را بنابراین میتوان بمعنی، بهستان، یا: بهشت، دانست .

اما بکاربردن چکستانی (بهشتی) درمقام خشم و تقریباً بجای دشنام ازآن جهت‌است‌که مردان خدا وپارسایان حتی درهنگام خشم هم دهان‌بدشنام وبدگویی نمی‌آلایند. وبجای سخنان زشت‌کلمات نیکوبکار میبرند. واین چنین استعمال درزبان فارسی هم رایج‌است چون‌استعمال پدرآمرزیده، پدر بیامرز، پدرصلواتی درهنگام خشم وبجای دشنام دراینجا چکستانی‌درهمین مقام ودرواقع‌بجای‌دوزخی ویا «ای بجهنم‌شو» بکاررفته است(۲)

۳ـ پس‌از مردن برزگر، ماماعصمت برسم تعزیت‌بخانه اورفته واین دوبیت را سروده است:

هنو مستی هنو مستی هنو مست — هنو وش باده بو آبی از دست
من بمستی خطائی بامر از دست — زوان‌تاوان‌دهان‌بیزوان(بیروان)وست
یعنی: هنوز و هنوز مست است — هنوزش باده‌ای بود ازدست شده
ازدست من‌بمستی خطائی برآمد — تاوان‌زبان‌دهان‌بی‌زبان‌رابست(۳)

۴ـ حمدالله مستوفی درگذشته در(۷۴۰ه) دروصف ارمیه شرحی نوشته و جمله‌ای را بزبان‌آذری آورده است:

۱ـ برهان قاطع ج ۲ص ۶۵۱

۲ـ نشریه دانشکده ادبیات تبریزسال هفتم شماره اول خرداد ۱۳۴۴شمسی

۳ـ برای شرح لغوی این دوبیت از نظرلهجه شناسی رجوع کنید به مقالهٔ آقای استاد ادیب طوسی درنشریه دانشکده ادبیات تبریز درسال ۱۳۳۵

«ارمیه... باغستان فراوان دارد وازمیوه‌هاش انگورخلوقی وامرودپیغمبری وآلوی زرد بغایت خوبست وبدین سبب تبارزه (تبریزیان) اگر صاحب حسنی را با لباس ناسزا یابند گویند: «انگورخلوقی بچه دردر سوه‌اندر» یعنی انگورخلوقی است در سبد دریده. (۱)

۵ـ همام تبریزی از شعرای معروف آذربایجان و از معاصران شیخ اجل سعدی که درسال ۷۱۳ یا۷۱۴ هجری پس از یك عمر دراز صد واند ساله درگذشته درمیان غزلیات خود دو ملمع دارد که درآنها بعضی از ابیات را بـزبان آذری سروده است :

یکی این غزل است که بیت آخر آن فهلوی آذری است :

خیالی بود و خوابی وصل یاران	شب مهتـاب و فصل نوبهاران
میان باغ ، یار سرو بالا	خرامان بر کنار جویباران
چمن میشد ز عکس عارض او	منّور چون دل پرهیزکاران
سر زلفش ز باد نوبهـاری	چو احوال پریشان روزگاران
برفت آن نوبهار حسن وبگذشت	دل و چشمم میان برف و باران
خداوندا هنوزم هست امید	بـده کام دل امیدواران
همام از نوبهار و سبزه و گل	نمی‌یابد صفـای روی یاران
«وهار و ول ودیم یار خوش بی	اوی یاران‌مه‌ول بی‌مه‌وهاران»(۲)

این بیت آخر فهلوی آذری است و معنای آن چنین است :

«بهار وگل با روی یار خوش‌است بی‌یاران نه‌گل باشد و نه‌بهاران»

۶- دیگر این غزل ملمع همام است :

«بدیدم چشم‌مستت‌رفتم ازدست «کوام آذر دلی بوگوبنی مست»

۱ـ نزهة‌القلوب ص ۹۸

۲ـ این غزل را مرحوم سعید نفیسی‌بنام همام برروی سفینه‌ای‌که در قرن هفتم‌کتابت شده و مرحوم خلخالی در مقدمه حافظ خویش‌ازآن یادکرده بخط خود نوشته است.

دلم خود رفت و میدانم که روزی «بمهرت هم‌بشی خوش‌گیانم از دست»
به آب زندگی ای خوش عبارت «لوانت لاوجمن دیل و گیان بست»
دمی بر عاشق خود مهربان باش «کزینسان مهر ورزی گست بی‌گست»
اگر روزی به‌بینم روی خوبت «نسان مشنهز آنرا سر زمان دست»
به مهرت گه همام از جان برآید «مواژش کان بمروو وارست»
«گرم خاواکنی لشنم بوینی ببویت خته بام ژاهنام سرمست» (۱)

معنی فهلویات آذری غزل فوق‌الذکر چنین است:

«کوام آذر دلی بوکوبنی مست» یعنی:
کدام آذر دل است که آنرا به‌بیند ومست نشود.
«به‌مهرت هم‌بشی خوش کیانم ازدست» یعنی:
به‌مهر تو جانم نیز ازدست برود
«لوانت لاوجمن دیل وگیان بست» یعنی:
فریب لبان تو ازمن دل وجان ببرد
«کزینسان مهر ورزی گست بی‌گست» یعنی:
که اینسان مهر ورزی زشت باشد زشت
«نسان مشنهز آنرا سرزمان دست» یعنی:
نه‌آسان می‌شناسد آنگاه سر از دستم
(مشکل است آنگاه که سر ازدست بشناسم)
«مواژش کان یوان بمرو و وارست» یعنی:
مگویش که‌آن جوان بمرد و اورست (آسوده شد)
«گرم خا واکنی لشنم بوینی ببویت خته بام ژاهنام سرمست»
یعنی. اگرخاك مرا بازکنی لاشه (جسد) مرا به‌بینی، به‌بوی تو درآرامگاه

۱ـ این غزل در نسخه‌ای خطی متعلق به کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج حسین‌آقا نخجوانی از معاریف تبریز آمده است.

خود سرمست خفته‌ام (۱)

۷- دو بیتی یعقوب اردبیلی

رشته دستت بلا گلگون کریته　　تو بدستان هزاران خون کریته
در آینه نظر کن تا بوینی　　که وینم زندگانی‌چون‌کریته (۲)

ترجمه‌آن چنین است:

بلا رشته دست ترا گلگون کرده　　تو بدستهایت هزاران خون کرده‌ای
در آینه نظر کنی تا به بینی　　که به بینم زندگانی چگونه‌کرده‌ای

۸ـ دریك سفینه خطی بتاریخ ۱۱۲۰هجری فهلویاتی از شاعری‌آذربایجانی بنام مهان کشفی از اهل نمین اردبیل‌آمده که ظاهراً دربین سالهای ۷۳۵ و ۷۹۴ هجری میزیسته است .

یرم اج مان برانی بان بایجی　　ورم یان رنجه دیرن آن بایجی
بهر ره چون بآیین ویم من　　همم کفر و همم ایمان بایجی

ترجمه :

اگرم از خانه برانی بام هیچ است　　وگرم‌جان(مرا)رنجه‌داری‌آن‌هیچ‌است
بهر ره (بهرحال) چون به‌آیین وی هستم
مرا هم کفر و هم ایمان هیچ است [۳]

۱ـ برای توضیح لغات ونکات دستوری این غزل رجوع‌کنید بمقاله‌آقای استاد ادیب‌طوسی تحت‌عنوان «نمونه‌ای ازفهلویات قزوین وزنجان وتبریز درقرن هفتم» ضمیمه نشریه‌دانشکده ادبیات تبریز ودو قصیده بدولهجهٔ نیمه‌آذری وهمان نشریه.

۲ـ دانشمندان‌آذربایجان ص ۴۰۱

۳ـ ازاین شاعر فهلویات بسیاری در دست است دراین مختصر ما بهمین‌نمونه اکتفاکردیم، برای تفصیل‌بیشتررجوع شده بمقاله‌آقای استاد ادیب طوسی (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال ۱۳۳۵ تحت‌عنوان فهلویات ماماعصمت وکشفی بزبان‌آذری) ونیز برساله‌آذری یازبان باستان‌آذربایگان تالیف‌کسروی تبریزی طبع تهران ۱۳۱۷ش‌ص۵۹-۶۵

در یك نسخه خطی که درفن موسیقی نوشته شده ومؤلف آن عبدالقادربن- الحافظ مراغه‌ای‌است وتاریخ‌کتابت‌آن مربوط به‌اوایل‌قرن‌نهم‌هجری‌میباشد ودر کتابخانه ملی بشماره ۱۳۰۴ضبط شده است دو قطعه دو بیتی فهلوی آذری دیده میشود که احتمالا مربوط به‌لهجه اصل مراغه‌است.

۹ـ ما برای نمونه هردوآنها را دراینجا می‌آوریم :

ایگهان یرخوری (خور) من سوی تەوس ورگهان پرگل من بوی تو وس

ار دوگیتی د دامانم وزنی چنگ من از هردوگهان واروی تووس»

یعنی: اگر جهان پرخور (خورشید) شود مرا روشنی وسوی توبس است.

واگرجهان پرگل باشد مرا بوی توبس است .

اگر دوگیتی بدامان من چنگ زنند مرااز هردو جهان روی تو بس است

۱۰– « شوان‌گردان و یاوانان برآمان خمار ببریده یا بدریده دامان

چسر چشمان خود میکیژنم (می‌کی ژنم) لاو

بوکه لاوم به‌بخ‌کیلی(کبلی) سامان (۱)

یعنی: شبها که به‌جستجوی منزل سرگردان بیابانها هستم

مقنعه بریده یا بدریده دامانم

از چشمان سرخودکی میزنم لاف

شاید که لافم بجهت‌آرزومندی سامان باشد

۱۲– فهلویات آذری مغربی – نام او محمدبن عزّالدین‌بن عادل‌بن یوسف تبریزی مشتهر به‌محمد شیرین است که درقریه امّنداز قراء بلوك رودقات‌تبریز تولد یافته وچون در دیار مغرب بیشتربسرمیبرده ازاین رو تخلص مغربی‌اختیار کرده است .

۱ـ رك : مقاله استاد ادیب طوسی، درنشریه دانشکده ادبیات تبریزسال ۱۳۳۵تحت عنوان «فهلویات زبان‌آذری درقرن هشتم ونهم»

وی باکمال‌الدین خجندی معاصرو معاشربوده ودرسال ۸۰۸ درشصت سالگی درگذشته ودرگورستان سرخاب اورا بخاك سپردند. نزهةالساسانیه، اسرار فاتحه درّ الفرائد فی‌معرفةالتوحید، وجام جهان‌نما از تألیفات اوست ودیوان او مکرر درایران وهند بچاپ رسیده است.

وی از عرفا وصوفیه بزرگ ایران در قرن نهم بوده است مغربی بفارسی و وعربی هردو اشعاری نغز ولطیف سروده است (۱). مغربی غزلیات و ترانه‌های بسیاری بزبان فهلوی‌آذری درلهجه تبریزی سروده است. بعضی ازاین اشعار که آنرا فهلویات مغربی‌میتوان نام‌نهاد دریك‌نسخه خطی ازدیوان اوکه تاریخ‌کتابت آن در۱۰۱۴پیدا شده‌است، واینك به‌نقل‌یك دونمونه ازآنها می‌پردازیم .

سحرگاهان کدیلم تاوه گیری　　چوآهم هفت چرخ آلاوه گیری
چدیلم آذرین آهی و راهی　　دوژ اژ تاو دیلم تاوه گیری

یعنی ـ سحرگاهان که دلم میگیرد (میسوزد)
ازآهم هفت چرخ الو وآتش می‌گیرد

از دلم آذرین آهی برمی‌آید　　دودش‌ازتاب[سوز،]دلم‌آتش‌میگیرد
سحرگاهان که چشمم آوه گیری　　گهان از آوه چشمم لاوه گیری
امند(امتد) خوناوه‌اژچشمان برآرم　　که گیتی سربسر خوناوه گیری

یعنی : سحرگاهان که چشمم‌آب میگرد (میگریم)
جهان ازآب چشمم سیل گیرد (پرسیل شود)

آنقدر خونابه از چشمان برآرم　　که گیتی سربسر خونابه گیرد (۲)

اینك به نقل چند نمونه دیگر از این فهلویات در کتاب صفوةالصفای درویش‌توکلی‌بن‌اسماعیل‌که‌ازتألیفات قرن هشتم هجری‌است دراینجا می‌پردازیم.

۱ـ درباره تذکره حال او رجوع‌کنید به‌دانشمندان آذربایجان ص ۳۵۱ـ۳۵۳ واز سعدی تا جامی چاپ دوم ص ۴۴۴ـ۴۵۴

۲ـ برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به‌مقاله‌آقای ادیب طوسی تحت عنوان «فهلویات مغربی تبریزی» ونشریه دانشکده ادبیات تبریزسال ۱۳۳۵

باید دانست که کتاب صفوة‌الصفا را ابن بزاز در مناقب واحوال و گفته‌های شیخ صفی‌الدین اردبیلی که خود معاصر با او بوده نوشته است .

۱۳ـ شیخ صدرالدین فرمود، از شیخ (صفّی‌الـدین) سئوال کردم وقتیکه بحضرت شیخ زاهد رسیدی از دل خبرداشتی؟ شیخ قدّس‌سره فرمود بزبان‌اردبیلی «کار بمانده کار تمام بری»

یعنی. «ای خانه‌آبادان کار تمام بود اما تنبیه مرشد وامانده بود» (۱)

۱۴ـ (شیخ صدرالدین) گفت که باری شیخ نشسته بود و جمعی درحضرتش نشسته، ناگاه علیشاه جوشکابی درآمد وشیخ اعزازفرمود وقیام نمود علیشاه چون درآمد گستاخ وار شیخ را درکنار گرفت و گفت حاضرباش بزبان تبریزی: «گو- «گوحریفرژاته» یعنی سخن بصرف بگو حریف رسید، (۲)

۱۵ـ مولانا محیی‌الدین‌گفت روزی‌جماعت‌الارقیان به‌حضرت شیخ میآمدند ازآن میان پیره نوشیروان درراه با جماعت‌الارقیـان کفت امسال زحمت بسیار کشیده‌ام از برای نان خریدن، ومحمودالارقی گفت که از دیه‌آلارق برخیزیم و بعرضستان برویم که دهی است درصفح کوه سبلان. چون بندگی شیخ قدّس سره رسیدند روی با پیره نوشیروان کرد گفت سی‌سال حقتعالی نان داد شکر نکردیم یکسال که کمترداد شکایت کنیم .

آنگاه روبه‌محمودکردگفت‌که«شروه‌مرزوان بمرزخود[بی]» این‌هردوکه ایشان درراه اندیشیده بودند گفت(۳)». معنی‌این عبارت معلوم نیست چون شروه بر وزن هرزه درلغت بمعنی نوعی خوانندگی باشد که آن را شهری گویند (۴) میتوان‌آن جمله را چنین معنی‌کرد که، مرزبان شهری بمرزخود باشد»؟

۱ـ صفوة‌الصفا ص ۲۵
۲ـ صفوة‌الصفا تا بلخیص عبارات ص۴۰
۳ـ صفوة‌الصفا ص ۱۰۷
۴ـ برهان قاطع (طبع معین) ص ۱۶۲۴

اینك بعضی از اشعار شیخ صفی‌الدین را بنا بـروایت کتاب سلسله‌النسب صفوبه تألیف شیخ‌حسین پیرزادة بن‌ابدال زاهدی متوفی‌در۱۰۵۶قمری(۱)دراین مختصر می‌آوریم .

۱۶-«صفیم‌صافیم‌گنجان‌نمایم بدل درده ژرم تن بی‌دوایم
کس بهستی نبرده ره باویان ازبه‌نیستی‌چویاران خاکپایم
یعنی: صفی صافی‌ام که‌گنجهای (حقیقت) رامی‌نمایم
به‌دل دردمند و به‌تن بی‌دوایم
کسی ازهستی (اظهار وجود) ره به‌او (خدا) نبرده من ازنیستی (بی‌تعیّنی) خاك پای یارانم

۱۷ـ «بمن‌جانی‌بده ازجانور بوم بمن نطقی بده تا دم آور بوم
بمن گوش بده آرجش نوا بوم هرآنکه وانگه بو ازآخبر بوم
یعنی بمن جانی‌بده تا حیّ ابدی باشم بمن نطقی بده تا سخنور باشم
بمن گوش بده تا شنوا باشم هرآنچه بانگ است ازآن خبردار باشم

۱۸ـ از شاعری که تخلّصش آدم بوده است :
خُسه‌بانان که غم‌جویان نشینند بدامان جهان پویان نشینند
خُسه‌بانان که اج خلوتگه راز زبان بسته سخن‌گویان نشینند
یعنی: خوشابحال آنان که جویای غم نشینند
بدامان جهان‌پویان نشینند
خوشابحال آنان که از خلوتگه راز
زبان بسته سخن گویان نشینند

از شاعری بنام خلیفه صادق خلیفه‌آستان صفوی :
دلا غافل مبش خوشتن زمانی قیمتین گوهریش گنجش چه‌کانی
مبش کرکس بهر مرداره منشین شاه باز بش چه اوج لامکانی

۱ـ این کتاب درسال ۱۳۰۳ شمسی با مقدمه کاظم‌زاده ایرانشهر با حروف سربی در برلین چاپ شده است .

یعنی: ای دل غافل مباش ترا خوش آن زمان
که گوهرش قیمتی و گنجش چوکانی باشد
مباش کر کس، برهر مردار منشین شاه بازباش براوج لامکانی

۲۰ـ از شاعری بنام معالی:

من از قالو بلا اندیشه دارم گُنه اج برگ داران بیشه دارم
اهرکه نامه خوانان نامه خوانند من از شرمندگی سرپیشه دارم»
یعنی: من از قالو بلا اندیشه دارم گنه از برگ داران (درختان پر برگ) بیش دارم
فردا که نامه خوانان نامه (عمل مرا) بخوانند
من از شرمندگی سر پیش دارم

۲۱– از شاعری بنام راجی .

«همایم من سر کوهان وطن بی کشتگاهم اوی صحرا چمن بی
استخوانی خورم سازم قناعت بوقت مردن پر و بالم کفن بی»

یعنی: من همایم سرکوهها وطن من است
کشتگاه (؟) من صحرا وچمن است
استخوانی میخورم وقناعت میکنم بوقت مردن پرو بالم مرا کفن است

دنیا خوانی و مردم کاروانی روز الالـه و روز خـزانی
سیاه چالی کند نامش کند کور بمن واجن ایم ایشتی فان مانی
خشکه دارم بکوهان سایه ام نی ببرمان مانده طفلیم دایه ام نی
بیازارم شری بـازار وانم ببازم شری هیچ پایه ام نی
کوهانم سر بلندی خور مصاحب ازم درده جری بلبل مصاحب
به پنج روز دیگر بایر بوینا نه خانه مانده نه خانه صاحب
دنیا داری بلای من نزانست مرگ من درصلای من نزانست

شهر و مردم همه بایر بوینا مایه‌ام پنج‌گز هلای من‌نزانست(۱)

رساله روحی انارجانی ـ دست روزگار باآنکه فهلوی‌آذری را از میان مردم‌آذربایجان برانداخته و ترکی‌آذری را جانشین‌آن ساخته است، برای نشان دادن هنرنمایی خودکه همه چیزرا ببازی‌گرفته است رساله‌ای را به‌فهلوی‌آذری ولهجه مردم تبریز بجای نهاده که چندی است از طاق نسیان بدامن زبان‌شناسان افتاده است. این رساله را نخست مـرحوم عباس اقبال‌آشتیانی در سال دوم مجله یادگار معرفی کرد، سپس در شماره ۱۰ایران کوده چهارده فصل‌آن بچاپ رسید. مرحوم سعید نفیسی همه‌آنرا از آغاز تاانجام درجلد دوم فرهنگ ایران زمین با شرح وتوضیح عالمانه منتشر ساخته است . سرانجام آقای دکتر ماهیار نوابی در بخش دوم‌آن‌که مشتمل برچهارده فصل بلهجه مردم تبریز است بانظری دقیق به‌تحقیق پرداخته وحق مطلب را ادا کرده است .

این رساله دارای دوبخش کاملا مستقل وجداگانه است :

یکی درباره رسم وآیین مردم‌تبریز، و دیگری درباره زبان مردم این شهر در پایان قرن دهم هجری .

تألیف این‌رساله درزمان پادشاهی شاه‌محمد خدابنده (۹۸۵ـ۹۹۵ه) پادشاه صفوی بدست شخصی بنام روحی انارجانی از مردم قریه انارجان درنزدیك‌تبریز انجام گرفته است .

تاریخ کتابت‌آن در اول شوال ۱۰۳۷ ه یعنی چهل وچند سال پس ازتالیف آن است .

۱ـ درباره دیگر فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی ، رجوع کنید به رساله آذری مرحوم کسروی ص۴۱ـ۵۱ ومقاله ادیب طوسی، فهلویات زبان‌آذری، نشریه دانشکده‌ادبیات تبریز سال ۱۳۳۵ .

«اهمیت رساله روحی انارجانی دربخش دوم‌آن یعنی چهارده فصلی‌است‌که به‌لهجه مردم تبریز نوشته شده‌است. این چند صفحه شاهدیست زنده و نمونه‌ای است موجود از طرز سخن‌گفتن مردم تبریز درپایان سده دهم و آغاز سده‌یازدهم هجری و نشان میدهد که تاآن زمان، حتی در تبریزکه می‌بایستی بیشتر درتحت نفوذ زبان ترکی واقع شده باشد، هنوز مردم، یعنی زبانی که گفت وشنود روزانه و درد دلها و شوخیهـای تبریزیان باآن برگزار میشده ، لهجه‌ای بوده است از لهجه‌های ایرانی، وزبان ترکی تااین زمان میان مردم رایج نبوده است .

اگرچه درباریان وسرداران صفوی از زبـان ترکی پشتیبانی میکردند ، و دانستن ترکی یا تظاهر بدانستن‌آن، برای تقرب بدربار باب روزه بوده است . ولی تاآن زمان مانند دوره قاجار میان همه مردم ریشه ندوانیده ورواج نداشته است .» (۱)

فهرست فصول چهارده‌گانه قسمت دوم‌آن رساله از اینقرار است :

۱ـ فصل اول در تواضعات اناث

۲ـ فصل دوم درتکلیفات وتکلفات اناث تبریز

۳ـ فصل سوم در ساز وسازنده

۴ـ فصل چهارم در ناز ونزاکت صحبت خاصّه

۵ـ فصل پنجم در تعریف خواهرکرو مذمت شوهر پیر

۶ـ فصل ششم درتعریف جوان

۷ـ فصل هفتم درمذمت مستوری

۸ـ فصل هشتم در بیماری و به‌حکیم رفتن

۹ـ فصل نهم درمناظره مادر عروس با مادر داماد

۱۰ـ فصل دهم درجواب مادر داماد با مادر عروس

۱ـ عین عبارت‌آقای دکتر نوابی درمقدمهٔ رسالهٔ زبان مردم تبریز در پایان سدهٔ دهم وآغاز سده یازدهم هجری، درنشریه دانشکده ادبیات تبریز

۱۱ـ فصل یازدهم در شاعریها

۱۲ـ فصل دوازدهم شوهر را بتقریب بر سرکار آوردن و شب‌جمعه بخاطر رساندن و با مخدوم کره مناقشه کردن .

۱۳ـ فصل سیزدهم دربیان عبارت اعیان تبریز که با عزیزی مناظره کرده باشند و با مثل خودی بیان

۱۴ـ فصل چهاردهم بقاضی‌رفتن پهلوان واظهار دعوی بامثل خودی‌نمودن.

اینك فصل اول این کتاب را که درتواضعات اناث است برای‌نمونه دراینجا یاد میکنیم :

« مزیوام، مرسام، ممانام، تی‌جانت از خدروام»

یعنی: نزیم (قربان شوم)، نرسم نمانم، برای جانت از خود روم.

«قداو بلا تاچینام، بگرد وروت‌گردام، بی‌تو غش‌کنام»

یعنی قضا و بلایت را چینم ، بگردرویت بگردم ، برای تو غش‌کنم.

«تی‌کله بورسه ورست میرام ، بی‌بیك چشمت جان دهام»

یعنی: برای کله ... ات بمیرم برای مردمك چشمت جان دهم،

«بی پا و پارمت افتام، برای هروند پات میرام»

یعنی : بروی پایت افتم ، برای هر بند پایت بمیرم .

«بی‌ترق‌ترق‌کوشت‌مزیوام، نذربکیسی‌خش‌آمدی‌خشت‌با، نورآوردی‌نورت‌با»

یعنی: برای ترق‌ترق کفشت نزیم ، نذر بیکسی خوش‌آمدی ، خوشت باد ، نورآوردی ، نورت باد.

شعر

« مزیوام‌آن کلارا آن قد وآن بالارا

یعنی : نزیم (قربان شوم)آن کلاه را ،آن قد وآن بالا را

« من مرسام‌آن رو را طبق شفتالو را»

یعنی : من نرسم‌آن روی را طبق شفتالو را

«هما نام آن بینی را	آن زنبق سیمین را»
یعنی : نمانم آن بینی را	آن زنبق سیمین را
«بمیرام آن دهانا	آن لب و آن دندانا »
یعنی : برای آن دهان بمیرم	و آن لب و دندان
«صدقه شوم چانه را	آن در یکدانه را»
یعنی . صدقه شوم آن چانه را	آن دّر یك‌دانه را
«جانم بجانت آلوده	همچون عسل و پالوده»
یعنی : جانم به‌جانت آلوده	همچون عسل و پالوده
«جانم بجانت ورزده	همچو قفل روی در زده»
جانم بجانت بر زده	همچو قفلی که روی در زده باشد

لهجه‌های آذری ـ لهجه‌های قدیم آذربایجان اعم از تبریزی و اردبیلی و نقاط دیگر که نمونه بعضی از آنها را در این مختصر آوردیم و برهمه آنها فهلویات آذری اطلاق میشود ، بطور مسلّم تا آغاز عصر صفوی هنوز در شهرهای آن سرزمین زنده بوده است . از اواسط عصر صفوی بدلایلی که در فصل بعد خواهیم گفت این لهجه‌ها بکلی از شهرها برافتاد وجای‌خود را به‌ترکی آذری داد ولی در بسیاری از دهات وقصبات همچنان معمول بود .

بنا بشهادت پیرمردان قدیم خیلی از این لهجات تا صد سال پیش که شهرها ودهات براثر نبودن جادّه‌های شوسه وجهات دیگر روابط مستمری نداشتند ، در بسیاری از روستاهای آذربایجان رواج داشت . براثر عامل ارتباط جزء وکل یعنی رابطه بین مردم روستا و شهر ، لهجات آذری محو زبان غالب یعنی ترکی شدند و بتدریج از روستاها نیز برافتادند . با وجود این هنوز لهجاتی هستند که درگوشه و کنار آذربایجان چون هرزند وگلین‌قیه ، و زنوز ، و حسنو ، وخلخال بحیات ضعیف خود ادامه میدهند ودیری نمیگذرد که آنها نیز محو زبان غالب شوند واز صفحه روزگار برافتند .

تاصدسال پیش بلکه کمتردرقریه اوشتبین، مرکزدهستان دیزمارخاوری‌که جزء بخش‌شهرستان اهراست به‌لهجه‌تاتی سخن میگفتند . قصیده اوشتبینیه سید ابوالقاسم ثباتی متوفی در ۱۲۶۲ هجری قمری به‌ترکی (۱) حاکی از این معنی است :

مطلع آن این بیت است .

صفحهٔ‌عالمده‌بیرد ّرنهاندراوشبتین وزنه‌گلمز،چمکك‌اولمازچوخ‌گراندراوشبین

در چند بیت بعدگوید :

خوش سلیقه هریری خلقی سراسر مهربان

دیللری تاتی ولی شیرین زباندر اوشبین

یعنی : هرجایش را مردمی خوش‌سلیقه ومهربان است

زبانشان تاتی‌است ولی زبان اوشبین شیرین است

لهجه تاتی ـ این لهجه ازلهجات فهلوی‌است که هنوز درآذربایجان زنده است و درچند ده مردم به‌آن تکلم میکنند . اصطلاح «تت» (تات) دردیوان‌لغات الترك محمودبن‌الحسین‌کاشغری‌که درسال ۴۶۶ ه تألیف‌آن‌بپایان رسیده ، بمعنی فارسی ایرانی‌آمده است : « تت ـ الفارسی‌عند عامّه‌الترك و فیه‌المثل : تتغ گوزر اتکانك تبرا ، معناه اضرب الفارسی علی‌العین واقطع‌الشوك من‌الاصل»

یعنی : تت را درنزد همهٔ ترکان پارسی وایرانی‌گویند و درمثل گفته‌اند : پارسی را برچشم بگذار وخاررا ازریشه برکن (۲)

در متن ترکی دده قورقود که درنهصد سال پیش بزبان غزی نوشته شده نیز بهمین معنی یاد شده‌است . دراشعار ترکی منسوب به مولانا نیز بهمین معنی‌بکار رفته است چنانکه فرماید :

۱ـ عبدالعلی‌کارنگ : تاتی و هرزنی ص ۲۹

۲ـ : ج ۲ طبع استانبول ۱۳۳۳ ص ۲۲۴

اگر تات‌ساك و گرورومساك و گرتورك زبان بی زبانی را بیاموز

یعنی : اگرایرانی هستی و اگر رومی واگر ترك زبان بی‌زبانی رابیاموز(۱)

شمس‌الدین سامی درلغت خود زیرعنوان «تات» مینویسد :

«ترکان قدیم ، ایرانیان وکردان پیشین راکه زیرفرمان خودداشتنددرمقام تحقیر«تات» میخواندند» (۲). مینورسکی مینویسد : «تات» یا«تت»،کلمه‌ای‌است ترکی‌که برعناصر بیگانه‌که دربلادترك میزیستند اطلاق میشد .

پیترودلاواله Pietro ; Della ; Valle که در اوائل صفویه درایران میزیسته در سفرنامه خود درباره قزلباش که ترك ، که ایرانی وفارسی بودند مینویسد : «قزلباش مردمی هستند ترك که همواره با شاه اسماعیل صوفی بسر میبرند ، اما «تاتها» طبقه پست اجتماع هستند که ازنژاد خالص ایرانی قدیم میباشند(۳) » .

سانسون P. Sınson که‌درزمان شاه سلیمان صفوی درایران اقامت داشته درکتاب «وضع ایران کنونی» Eta Présent. de la Perse درتوصیف‌یك مجلس‌میهمانی،از قزلباش (ترك) و تات (پارسی وایرانی) یادکرده گوید :

«مهماندار عرقچین بزرگی از قلابدوزی و زربفت که دارای نوکی بلند و قسمت پائین‌آن به‌ملیله‌دوزی احاطه شده وقسمت فوقانی‌آن پراز پرکلنگ‌بود برسرداشت.این‌کلاه وقف‌دوازده‌امام‌است‌ودرمواقع‌رسمی‌قزلباشهابرسرمیگذارند ومأموران رسمی‌که از نژاد «تات» هستند حق برسرگذاشتن‌آنرا ندارند »

اصطلاح‌تات‌درقفقازبرای‌اقوام‌ایرانی‌مسلمان‌که به‌لهجه تاتی‌گفتگومیکنند بکاربرده میشود همچنین به‌این لهجه عده‌ای ازیهود و ارامنه نیز تکلم‌مینمایند .

بعضی ازکلماتی که بکارمیبرند ازاینقرار است :

۱ـ : عبدالعلی‌کارنگ: تاتی و هرزنی تبریز ۱۳۳۳ ص ۳۰

۲ـ : قاموس ترکی طبع استانبول ۱۳۱۷ه ص۳۷۰

۳ـ : مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفویه‌ترجمه رجب مینا ص ۱۲۷

فارسی	تاتی‌قفقازی
بودن	برن
یار	یاد
بدان	دان
گل	گل
برف	ورف
خانه	خونه

تاتهای قفقاز بیشتردر نواحی باکو، قبه ، گوکچای ، گنجه ، جنوب‌داغستان فتیق ، تابسران، تمرخان شورا ، شبه جزیره آبشوران ، زندگی میکنند پیش از سال ۱۸۷۷شمار نفوس آنان درقفقاز به۶۴۶۵۶ تن میرسید .

درسال۱۸۸۶میلادی‌درناحیه باکو۵۸۶۲۱تن تات‌میزیستند. دردائرةالمعارف قدیم روسی (ج۳۲/۲)آمده که شماره تاتهای‌روسیه در۱۹۰۱میلادی‌به۱۳۵٫۰۰۰ تن میرسیده است .

طبق آمار دولت شوروی در۱۹۲۳میلادی شماره تاتها از نظرزبان۲۸۰۲۰ و از حیث‌نژاد ۲۸۷۰۵ تن‌بوده است .

مینورسکی گوید که عدد تاتهایی‌که درآذربایجان شوروی به فارسی سخن میگویند به‌یازده هزارتن میرسد وممکن‌است عدد همه تاتهایی که درهمه اقطار کشور شوروی هستند به‌نود هزار تن برسد .

شمار یهودیان کوهستانی که درترکی بنام چفتی داغ خوانده میشودوبزبان تاتی گفتگو میکنند در۱۸۸۶ به‌بیست و یك‌هزار تن میرسیده که ده‌هزار تن از ایشان دردهات ویازده هزار ایشان درشهرها هستند. بیش از همه در، قبه،مسکن دارند که شمار نفوس آنان درآن شهر به ۶۲۸۰ تن میرسد و بقیه در دربند ، و تمرخان شورا و گروزنی ، ونالچك زندگی میکنند .

از امتیازات زبان تاتی یهودیان بکاربردن حروف حلقی‌است که نمونه‌هایی از آن در ذیل یاد میشود :

فارسی	تاتی یهودی
هفت	حفد
اسب	عسب
تر	طر

سبب آن اینست که اولا این یهودیان سابقاً بزبان عربی صحبت میکردند، ثانیاً آنان همسایه با مردم داغستان هستند که تااین اواخر مکاتبات خودرابزبان عربی مینوشتند . لهجه تاتی ارمنی در شهر، مترسی ، وکلوال و جز آن دوگفتگو میشود .

سبب رواج زبان تاتی‌درقفقاز همانا میراث‌نفوذ نظامی وسیاسی اقوام‌ایرانی درآن نواحی‌است بلاذری (ص۱۹۴) مینویسدکه انوشیروان درسال ۵۳۱ تا ۵۷۹ مردم سسکان (السیاسیجین) رادرناحیه دربند شابران برکنارچپ رودارس یاناحیه نخجوان سکنی داد .

مردم سسکان باآنکه مسیحی بودند درسال ۵۷۱ از انوشیروان درخواست کردندکه ولایت ایشان رااز ارمنستان جدا کرده به‌آذربایجان به‌پیوندد .

درکتاب دربندنامه(**طبع کاظم‌بیك ۱۸۶۱**)آمده که انوشیروان درشهرهای جدیدی که در جوار دربند احداث کرد مردمی را ازآذربایجان وعراق وفارس آنها نشانید .

شهر«لاهیج» که در نزدیك سرچشمه رودکوکچای واقع است ودر تواریخ گرجی نام آن «لجشته‌اولیجك»آمده از نواحی تات زبان است . مردم این ناحیه میگویندکه ازلاهیجان به‌این ناحیه مهاجرت کرده‌اند (۱)

۱ ـ : دائرةالمعارف اسلامی ماده «تات» بقلم مرحوم مینورسکی

هنری فیلد از قول باچماکف مینویسدکه قریب هفتاد وچهار هزار تات در قفقاز هستند که بیك زبان هند و ایرانی تکلم میکنند (۱) . مرحوم محمدخان قزوینی مینویسد : «قریه‌ای است درنزدیکی‌مرند، هرزند نام‌که زبان مخصوصی دارندکه ظاهراً ازلهجه‌های‌قدیم‌ایرانی‌است. نمونه زبان‌ایشان این جمله‌است‌که آقای‌سیدمحمد علیخان(تربیت)ازقول‌یکی‌ازاهالی‌آنجا برای‌بنده نقل‌نموده‌اند:

« زین انجمنوی ایزی‌آمره برند امروشریندو» یعنی دیروزانجمنها اینجا آمده بودند امروز رفتند (۲)

لهجه تاتی قریه‌کرینگان Kringân که درمحال دیزمار خاوری برکمر کوهی واقع شده ونود خانوار درآن زندگی میکنند هنوز معمول است مردم‌این قریه بدون استثناء بزبان مادری خود یعنی تاتی‌حرف میزنند. قریه‌های دیگری که درآن حوالی‌کم وبیش بزبان تاتی‌آشنایی دارند ازاینقرارند :

چای‌کندی وملك درمحال دیزمار، ارزین ونیستان وخوی نرو، وکلاسور و دمیرچی‌ومرگر، درمحال‌حسنو، بین‌این‌لهجات‌اختلافات‌مختصری‌موجوداست. (۳)

هرزنی‌این‌لهجه هنوزدرقریه«هرزن»معمول‌است.

کهن هرزن یا هرزندعتیق یا داش هرزن، قریه‌ای‌است‌برکمره‌آفتابگیر کوهی درمحال هرزندات بین علمدار ومرند که راهی صعب وکوهستانی دارد.این قریه رو بویرانی گذارده واکنون جزچند خانواری درآن باقی‌نیست . بیشتر ساکنان‌آن به‌دهکده‌های مجاور بویژه به‌گلین قیه مهاجرت کرده‌اند .

و به‌لهجه ایرانی مخصوصی سخن میگویندکه بقول خودشان : «کوهورـ زانی‌لو» وبنا بمعروف «هرزندی» نامیده میشود. (۴)

۱ ـ : مردم‌شناسی ایران ص ۷۴۴

۲ـ : یادداشتهای قزوینی ج ۱ص ۳

۳ـ ایضاء . تاتی وهرزنی ص۲۷

۴ـ عبدالعلی‌کارنگ: تاتی وهرزنی، تبریز۱۳۳۳ص۳۰ـ۳۳

این لهجه باتاتی بسیارنزدیك است وتنها اختلافات مختصری درمیان آن‌دو وجود دارد .

اینك برای نشان دادن اختلاف آن دولهجه با زبان فارسی به‌مقایسه کردن بعضی از لغات آنها با یکدیگر میپردازیم .

فارسی	هرزنی	تاتی
آینه	اوینه	اودینه
آباد	ابد	ابود
آفتابه	افتفه	اوفته
آب	او	او
آتش	اوتش	اوتژ
آرد	اردە	اوردا
آرزو	آرزی	آرزی
آسان	اسون	اوسون
آستانه	اسدونه	اوستونا
خشت	هش	هشت
مرد	مرت	مرت
خون	وون	دون
زن	ین	ین
ژنده	جنده	جنده
دشنام	دژمون	دژنم
گل	ول	ول
گریختن	ورتی‌ین	ورته
سال	سور	سور

هسته	آستا	اوسدا
هیزم	ایزم	ایزم
هلو	هولی	هولی
آلو	الی	الی
آستر	اوسدور	اوسدورا
آسمان	اسمون	خئو
آمدن	آماره	اومی‌ین
اسب	اسپ	آسپ
استخوان	استا	آسته
امروز	امرو	امرو
انگور	انگیر	انقر
باران	ورون	وورون
ترسیدن	توروسنه	تارستن
برادر	برور	برو
برف	وهور	ور
بره	وره	ورا
بز	یز	یز
بلند	یلند	یلنت
بهار	آواسر	باهار
بیست	ویست	ویست
بینی	ونه	ونا
بیوه	ووه	ووه
پاچه	پچه	پوچا

پریروز	پری	پری
تاریك	تریك	توریك
تخم	توم	توم
تلخ	تل	تیل
تو	ته	ته
جو	یو	جو
چشمه	چشمه	چاشما
خدا	خدیو	خوی
خر	هر	هر
خوردن	هورده	هاردن
خورشید	روژ	هرشی
دروغ	درو	درو
دریا	دریو	دارا
دست	دست	داست
دندان	دوندن	دندون
دیروز	زیر	زیر
روده	روره	روره
زائو	زائی	زائی
زانو	زوهنا	زونا
زرد	زورد	زارد
زمین	زمی	زمی
سال	سر	سر
سگ	ایسبا	پا

سفید	اسپی	پی
سنگ	سغ	سخ
سیاه	سویو	سی یو
شب	شو	شو
شپش	اسپتر	پر
شخم	شوم	شوم
شهر	شهر	شار
صد	سه	سا
کار	کر	کر
گاو	گو	ق
گرگ	ورك	وارك
گل	ول	ول
لب	لو	لبوت
مار	مر	مور
مرد	مرد	مرت
نام	نوم	نوم
نماز	نمج	نموژ
هاون	هوگ	هوان
هیزم	ایزم	ایزم(۱)

لهجه خلخالیـ این لهجه درقریه کجل Kejal دربخش کاغذ کنان خلخال درکنار رود قزل‌اوزن متداول‌است . ساکنان این ده سابقاً قریب صدوپنجاه‌خانوار بودند ولی‌بعدها به‌دهات دیگرچون :آلادین، هشاوا Heshâvâ کوچیده‌انداکنون

۱ـ تاتی و هرنی ص ۳۴ـ۷۸

مردمی که در ده کجل بسرمیبرند درحدود یکصد خانوارند. این لهجه را کجلی یا خلخالی گویند. علاوه بر کجل هنوزهم درچند ده مجاور مانند: شمس آباد، گوسون، کرولار، باین لهجه آشنایی دارند و کم وبیش بآن سخن میگویند.

اینك برای نمونه ازاین لهجه کلماتی را درزیر می‌آوریم:

فارسی	خلخالی
اسب	آسب
آمدن	امین
امسال	ایمسال
برادر	برولیك
چشم	چش
خواهر	هولیك
خوردن	هاردن
زن	ژانك
شما	شمی
شنیدن	اشنبیستن(۱)

هنری‌فیلد مینویسد- تاتها درشمال‌غربی‌ایران(آذربایجان) زندگی‌میکنند.

پیترودولاواله (۱۶۴۳م) نخستین اروپایی بود که از تاتها ذکر کرده‌است.

دوخانیکف(ص۷۷) میگویدکه تاتهای‌قفقاز درزمان ساسانیان از آذربایجان آورده شدند وبعدها بیش از هرگروه دیگر تحت نفوذ ترکها واقع شدند ومدت پانزده قرن درمیان آنان زندگی کردند (؟)

وصف شمائل ایشان ازاینقرار است:

قد متوسط وصورت‌گرد وچاق وچشم سیاه وکوچکتراز چشم ایرانیان‌است. گردن ایشان کوتاه وکلفت وبدنشان فربه ومتمایل بچاقی ودست وپانسبتاً کوچك، قیافه تاریك، و مویشان تیره وتقریباً انبوه است. (۲)

۱-عبدالعلی کارنك: خلخالی یك لهجه آذری ص۱-۸ ۲- هنری‌فیلد: مردمشناسی ایران ص۷۴۳

فصل هشتم

زبان ترکی آذری

چنانکه در پیش درباره قبایل چادرنشین ترك گفتیم گروهی ازترکان غز از ماوراءالنهر دراواخرقرن‌چهارم ودرزمان‌سلطان‌محمودغزنوی‌به‌ایران‌آمدندودر حوالی‌سال ۴۱۰ هجری به‌آذربایجان‌راه یافتند و سپس‌به‌لشکر وهسودان‌مملان پادشاه رّوادی‌درآمدند وهسته‌کوچك‌ولی موثری را ازاقلیتی ترك درآذربایجان تشکیل دادندکه همان کانون ترك باعث جلب دیگر ترکان به‌آن استان شد(۱)

ترکان در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی

پس از شکست سلطان مسعود غزنوی از ترکان سلجوقی در۴۳۱ هجری و غلبه‌آن طایفه برایران یکباره راه مهاجرت ترکان بسوی ایران باز شد ودرهمه رشته‌کارها بدست ایشان افتاد .

چون‌آذربایجان چراگاههای فراوان داشت وترکان قومی چادرنشین و حشم دار بودند وخویشاوندانی نیز درآن استان داشتند که پیش ازایشان جای‌آنان‌را بازکرده بودند، بیش از دیگرجاها به‌آذربایجان روی‌آوردند .

۱ـ رجوع شود به صفحه ۱۵۲ تا ۱۴۶ همین‌کتاب

در دوره سلجوقیان ترکان مناسبترین نواحی گله‌داری را اشغال کـردند و نواحی بزرگی ازجانب شمال غرب ایران را ترك‌نشین ساختند.

هم ازاین زمان بودکه نام بعضی از آبادیها درآذربایجان ترکی شد وترکان در دهاتی‌که مسکن‌گزیدند نام‌آنرا تغییرداده ویااحیاناً بزبان خود ترجمه‌کردند مانند: اشگه‌سو، یالقوزآغاج، استی‌بولاغ، سکدی (سکدلو)، گردکانلو، قوزلو قزلجه‌که اصل آنها ظاهراً: آب باریك، یکه‌دار، گرمخانی، بیدك، گردکانك جوزدان، و سرخه بوده‌است (۱)

بقول منجم‌باشی، بقایای قوم خزر درسال ۴۵۸ هـ(۱۰۶۶ م)، از دربندهای قفقاز گذشته به‌آران‌آمدند ودر نزدیکی دربند درقصبه قحطان مسکن‌گزیدند.

درسال۴۶۸(۱۰۷۶م) این‌ترکان‌تماماً درآران وما ورای‌رودارس‌جای‌گرفتند

درهمین سال ملکشاه سلجوقی عده‌ای ازترکان‌را درتحت قیادت: شاوتگین Shavtigin درسرزمین اران اسکان داد. ازآن زمان‌گنجه بتدریج شهری ترك‌زبان گردید.

بقول‌ابن‌اثیردرقرن‌ششم هجری‌درگرداگر خوی واخلاط واربل ترکمانانی بنام «ایوا» Ivâ یا ییوا Yiva زندگی میکردند که در منابع اسلامی نام عشیره ایشان «ایوانیه»آمده است. عدهٔ این قبیله تا حدود ده‌هـزار تن میرسیده است. بین اردبیل وتبریز ترکمانانی ساکن بودندکه تابع رئیسی بنام ابن بشکین بشمار میرفتند (۲)

برقراری ترکان درآذربایجان و آناطولی از نظرسیاسی بیشتر برای دفاع ازحدود اسلام در برابرمسیحیان گرجی وبیزانس بوده است (۳)

۱ـ رساله‌آذری کسروی ص ۲۰

(2) Islam Ansiklopedisi, 2 - Cilt, P.91-119

۳ـ دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج ۵ ص۵۲

درزمان خوارزمشاهیان، براثرجمله مغول گروه بسیاری ازترکان خوارزم با سلطان جلال‌الدین به آذربایجان آمدند و پس از مرگ او در آذربایجان مانده و عده‌ای به‌آسیای صغیروسوریه ومصرپناه بردند. بقول ابن‌اثیر درحوادث (سال ۶۲۱ هجری) شش‌هزار تن ازترکان خوارزمی در تبریز بقتل رسیدند (۱)

ترکان در عصر مغول و تیمور

مغولان باآنکه از ترکان بشمار نمیرفتند وزبان ایشان هم ترکی نبود ولی چون ازآسیای وسطی از میان قبایل ترك زبان میگذشتند گروهی ازاقوام ترك‌زبان در قشون ایشان داخل شدند وجزء سپاهیان ایشان بشمار میرفتند .

درزمان ایلخانان مغول: اوجان ، مراغه ،آلاداغ (درشمال وان) و منطقه دریاچه گوگچه درقفقاز، دراطراف ارس وقراباغ ، ومغان ، سرزمینهایی بعنوان قشلاق ، مرکز اسکان ترکان بود .

درزمان ایلخانان زبان‌ترکی شرقی‌که در عصرسلجوقی درآذربایجان رواج داشت درزبان ترکی‌غزتاثیربسزایی کرد . عشایرآقاچری Aghachari و برچلی Borchali که از اوایل سلجوقیان درآذربایجان میزیستند . در قبایل ترکمن دیگرتحلیل رفتند .

درزمان تیمورگاهی قبایل‌ترکمان ازغرب درآذربایجان اسکان داده شدند و بالنتیجه عناصر غز درآن حوالی زیادتر شدند .

گفته‌اندکه قبایل ترك : شاملو(ترکان‌شامی) ، روملو(ترکان‌رومی)، موصللو (ترکان موصلی) ازطرف امیرتیمور به‌آذربایجان کوچ داده شده‌اند. قبایل ترك قاجارکه توسط ایلخانان مغول‌که ازحلب وشام بطرف‌آناطولی وآذربایجان‌رانده شده بودند، بدست تیمور وقراقویونلوها درآذربایجان اسکان داده شدند.گروهی از قرامانیان در جوار گنجه وبردعه درقصبه‌ای‌بنام «یاراحمد» ساکن گردیدند .

قراقویونلوها ازطرف شام وحلب به‌آذربایجان‌روی‌آوردند، آق‌قویونلوها

۱ــ مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفوی ص۲۳۷

ازحدود خوی والنجق فراتر رفته همه آذربایجان را فرا گرفتند. درزمان قدرت آق‌قویونلوها عشایر ترك وترکمان : روملو، شاملو، موصللو ، قوزانلو، کاوانلو، ذوالقدر، قـاجار که در مشرق آناطولی به‌آذربایجان آمده بودند درآذربایجان میزیستند . در میان ایشان طـوایف شیعه مذهب ذیل از طـرفداران سرسخت شاهزادگـان صفوی بشمار میرفتند ، وآنان را برای رسیدن به‌سلطنت و تشکیل دولت‌صفوی یاری‌میکردند.آنان قبایل: استاجلو، شاملو ، تکلو، بهارلو، ذوالقدر افشار، قاجار، وارساکها Varsaklar بودند که تشکیل‌گروه قزلباش را دادند (۱)

چنانکه گفتیم ایلخانان مغول درآذربـایجان مسکن گزیدند و تبریز را پایتخت خود ساختند ولی بخلاف مشهور چون ترکی زبـان آنان نبود هیچگاه بترویج آن زبان‌نکوشیدند، وبشهادت‌مورخان، زبان اکثرمردم‌آذربایجان درآن دوره فهلوی آذری وفارسی بوده است .گویندجمری قرامان اوغلی محمدبك از خاندان ترك بنی‌قرامان که از ۶۵۴ تا۸۷۴ هجری برلارنده و سیواس وقونیه و غیره درآسیای صغیرحکومت میکردند، چون بر قـونیه دست یافت دستور داد دواوین دولتی را ازفارسی بترکی برگردانند، وفرمان بکشتن عده‌ای از دبیران ومنشیان فارسی‌نویس داد .

ابن‌بیبی درسلجوقنامه مینویسد وی نه‌تنها استعمال زبان ترکی را درنوشتن نامه‌ها ومکاتبات اداری اجباری‌کرد بلکه دستورداد کسی درتمام شئون زندگی‌جز بترکی سخن نگوید (۲) واین واقعه درسال ۵۷۶ هجری بود(۳)

زکریای‌قزوینی که‌کتاب آثارالبلاد خودرا درسال ۶۷۴ هجری یعنی در زمان پادشاهی اباقاخان مغول تألیف کرده درباره تبریز مینویسد که :

«منجمان پنداشته‌اند که تبریز را از ترکان آفتی نخواهد رسید چه طالع

1_Islam Ansiklopedi 2 Cilt, Zekivelidi Togan; P. 91_119.

۲ـ دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج ۵ ص ۱۰۹ ۳ ـ تاریخ‌ابن‌بی‌بی‌ص۶۹۶ ومختصر سلجوقنامه ص۳۲۶

آن شهر عقرب‌است ومریخ صاحب‌آنست ، چنانکه گفته‌اند تاکنون از شهرهای آذربایجان هیچ شهری جز تبریز ازدستبرد ترکان محفوظ نمانده‌است (۱)

ابن بطوطه (۷۰۲_۷۸۰)که درزمان ابوسعید بهادرخان به‌تبریز سفرکرده در وصف بازار تبریز مینویسد که: « در بازارگوهریان بردگان زیبا با جامه‌های فاخر دستمالهای ابریشمین برکمر بسته در پیش خواجگان خود ایستاده بودندو جواهرات را بدست گرفته بزنان تـرك نشان میدادند وآن زنـان جواهر بسیار میخریدند و بریکدیگر سبقت میجستند» (۲)

ازگفته ابن‌بطوطه پیداست درآن زمان ترکهایی بوده‌اند که درآذربایجان وتبریز میزیستند ولی ترك وتاجیك از یکدیگرجدا بودند وهنوز باهم نیامیخته بودند واکثریت با فهلوی زبان‌ها بوده‌است .

این جدایی دربین ترك وتاجیك در ذکری که **حمدالله مستوفی** ازبعضی‌از شهرهای‌آذربایجان در۷۴۰ هجری میکند بخوبی پیداست، چنانکه دربارهٔ شهر خوی مینویسد :

«مردمش سفید چهره وختایی‌نژاد (یعنی ترك نـژاد) و خوب صورت‌اند و بدین‌سبب خوی را ترکستان ایران خوانند» (۳)

دربارهٔ لیلان می‌نویسد: «لیلان شهری کوچك‌است مردمش‌ترك‌اند وحنفی مذهب» (۴)

دربارهٔ مراغه مینویسد: «مردمش سفید چهره و ترك‌وش میباشند وبیشتربر مذهب حنفی میباشند وزبانشان پهلوی مغیّراست (۵)

درباره طسوج مینویسد :

طسوج قصبه‌ای‌است بردومرحله تبریز...سکانش‌ازترك وتاجیك ممزوج‌اند(۶)

۱_ آثارالبلاد طبع‌اروپاص۲۲۷ ۲_ رحلهٔابن‌بطوطه طبع مصرسال۱۳۲۲ ج۲ ص ۱۷۴
۳_ نزهةالقلوب ص۹۷ ۴_ ایضاً ص ۱۰۰ ۵_ ایضاً ص۱۰۰
۶_ نزهةالقلوب ص۹۲

درباره کلبیر مینویسد :

«کلیبر قصبه‌ای است درمیان بیشه افتاده ، مردمش از ترك وطالش ممزوج اند و شافعی مذهب» (۱)

درباره گرمرود مینویسد :

«گرمرود ولایتی‌است در و صد پاره دیه بود،.. مردمش سفید چهره وترك اخلاق‌اند (۲)

از نوشته‌های حمدالله مستوفی چند نکته مستفاد میشود :

اولاً ـ ترکان که تااین زمان چادرنشین ویا ده‌نشین بودند بداخل شهرهانیز راه یافتند .

ثانیاً ـ ترك وتاجیك از هم‌مشخص بوده وهرکدام بزبان خود سخن میگفتند

ثالثاً ـ بعضی شهرها چون خوی بکلی ترك شده بودند .

رابعاً ـ درمورد مراغه عنصرترك غلبه کرده و زبان فهلوی آذری ایشان را تغییر داده بترکی آمیخته بودند .

خامساً ـ مردم شهرهـای ایرانی زبان آذربایجان مانند : تبریز ، اردبیل ، شاهرود (نزدیك طوالش) ، مشکین ، اهر ، دهخوارقان ، نـخجوان ، که در آنروزگار هنوز زبانشان ترکی‌نشده بود شافعی‌مذهب بوده‌اند. برخلاف شهرهای ترك زبان مانند مراغه ولیلان ،که غالباً مذهب حنفی داشته‌اند .

سبب‌آن اینست: ترکانی که ازماوراءالنهروخراسان بداخل ایران‌مهاجرت کرده‌بودند .مذهب مردم مشرق‌ایران راکه غالباً حنفی بوده‌است باخودآورده ، علاوه بر زبان ترکی ، مذهب حنفی را نیز بر مردم آذربایجـان که اغلب شافعی مذهب بوده‌اند تحمیل کرده‌اند .

۱ـ ایضاً نزهةالقلوب‌ص ۹۶

۲ـ ایضاً ص ۹۹

باید دانست مغولان در زبان مردم ایران اثر قابل‌توجهی باقی نگذاشتند. درمغرب ایران تعداد کمی مغول خالص پیدا میشد که بسیاری از آنان درجنگها کشته شدند و بقیه هم بسرعت درگروه انبوه مردم ایران مستحیل گشتند. حتی ترکان اُزبك آسیای وسطی‌که بعلت قرابت نژادی با مغولان بایران‌آمده بودند ازلهجه جغتایی خود درزبان مردم هیچ اثری نگذاشتند.

از حکایاتی‌که ابن‌بزّاز در صفوة‌الصفا درباره شیخ صفی‌الدین اردبیلی و کرامات او (درگذشته در۷۳۵ه)آورده، پیداست که درآن زمان ترك وتاجیك با هم بوده‌اند ابن‌بزاز مکرر در کتاب خود نام ترکانی را میبرد که پیش شیخ می‌آمده‌اند ویا شیخ بدیدن ایشان میرفته است. نیز نام بعضی ازآبادیها چون: یلغوزآغاج، یوزآغاج، آقدام، دزلق، که اسم ترکی یافته بودند میبرد (۱)

پس ازایلخانان مغول آذربایجان میدان معرکه ایلکانیان وجلایریان‌گردید بعد بدست ترکان قراقویونلو و آق‌قویونلو افتاد. امیرتیمورگورگان نیز ایلات ترکی را درآذربایجان اسکان داد.

براثر رونق یافتن کار امرای ترك، ترکان از دهات به‌شهرها روی‌آوردندو زبان خود را در بلادآذربایجان رواج دادند. مردم تاتی زبان‌آذربایجان هم‌برای اینکه درعرض تظم وشکایت خود از عدالت خوانین ترك برخوردار باشند بناچار زبان قوم غالب را فرا میگرفتند.

ترکمانان قراقویونلووآق‌قویونلوکه ازسال۷۸۰تا۹۰۸هجری‌درآذربایجان‌و ایران‌سلطنت‌کردند جمع‌کثیری‌ازطوایف‌ترکمان راکه بدست‌سلجوقیان ازایران بطرف ارمنستان وشمال عراق وآناطولی رانده شده بودند ودرآن نواحی بوضع ایلیاتی زندگانی میکردند مجدداً بایران برگردانیدند. این‌امرباعث انباشته‌شدن بیشترآذربایجان ودیگر نواحی ایران بعناصرترکمان‌گردید.

۱ــ رساله آذری کسروی ص ۲۲

ترکان در عصر صفوی

ضربت قاطع‌ونهایی را صفویه بزبان قدیم‌آذربایجان زدند زیرا اکثرعمدهٔ طرفداران شاه‌اسماعیل بنیان‌گذارآن سلسله را، ایلات ترك آسیای صغیروسوریه وارمنستان تشکیل میدادند. این قبایل ترك قبلاً براثر تبلیغات شیخ جنید جد شاه‌اسماعیل وسلطان حیدر پدر او، بنام صوفیان روملو یااسامی دیگر بخاندان صفویه مـذهب شیعه اثنی‌عشری گرویده بودند . چنانکه هفت‌هزار نفری که در اوایل سال ۹۰۵هجری درناحیه ارزنجان ارمنستان اول بارگرد شاه‌اسماعیل‌جمع آمدند ازطوایف مختلف ترکمان یعنی ایلات: شاملو ، استاجلو ، قاجار ، تکلو ، ذوالقدر و افشار بودند. چون هریك ازایشان از عهد سلطان‌حیدر (۸۶۰-۸۹۳) تاجی دوازده ترك از سقرلاط یعنی چوخای قرمز بنام تاج حیدری برسرداشتند باسم قزلباش یعنی سرخ‌کلاه معروف گردیدند. (۱)

بقول شاردن این ترکان گله‌بانان وشبانانی بودند که با گله‌های خود ییلاق وقشلاق میکردند ، وبصورت قبایل دسته‌بندی شده ومطیع محض رؤسای مستقیم خود بودند وهیچگونه علاقه‌ای به‌سنن ملی ایران نداشتند .

باز شاردن مینویسدکه: «بوسیله همین اقوام است که زبان ترکی در قسمت شمال ایران وبویژه در دربارکه درآنجا از همه نقاط دیگر بیشتر ترکی صحبت میشود معمول وباب شده است».

سیاح‌آلمانی انگلبرت‌کمپفر Engelbert. Kampfer که درسال۱۶۸۴میلادی بایران‌آمده مینویسد :

«لشکریان پادشاه اقوامی ترك زبان هستند که اززمان شاه‌اسماعیل خاندان صفویه را بسلطنت رسانیده‌اند. درهمه‌جای ایران این‌لشکریان ترك فراوانند».

چون مردم ایران غـالباً سنی مذهب بودند ، شاه اسماعیل برای آنکه بر مخالفان خود غلبه کند ومذهب شیعه را درایران رواج دهد ، جزاینکه براتباع

۱ــ مجله یادگارسال‌دوم‌شماره‌سوم «زبان‌ترکی‌درآذربایجان» بقلم‌مرحوم‌عباس‌اقبال‌آشتیانی.

شیعی و صوفی ترکمان خود تکیه کند چاره‌ای نداشت . بهمین‌جهت تمام اعتماد او بایشان بود ، بزبان ایشان سخن میگفت ، حتی دیوان اشعار خودرا که درآن خطائی تخلص میکردبزبان ترکی سرود ، واز زمان سلطنت وی تا دورهٔ انقراض صفوی ترکی زبان معمول دربار بود(۱). علاوه براین قدیمترین سپاهیان صفوی یعنی افراد سوارهٔ ایلات که بایشان «قورچی» میگفتند بتوسط شاه اسماعیل از میان همین‌ترکمانان اختیارشدند. براثرنفوذ بسیارقورچیان وترکمانان قزلباشیه که تا مدتها زمام تمام‌کارهای لشکری و درباری صفویه دردست رؤسای ایشان‌بود زبان‌ترکی‌بتدریج در دربار سلاطین صفوی برفارسی‌غلبه پیداکرد، ودرآذربایجان هرجا که این طایفه نفوذ وقدرت داشتند ، زبان ترکی یعنی همان لغتی که شاه اسماعیل برای مصالح مذهبی وسیاسی وسیلهٔ تبلغ قرار داده ویك‌مشت ترکمانان بدوی وبی‌تمدن را بایران کشانیده بود معمول گردید .

با تمام این احوال نباید تصور کرد که این عمل شاه اسماعیل و تعقیب این نقشه ازطرف جانشینان او، زبان‌فهلوی‌آذری را یکسره‌ازآذربایجان‌برانداخت.

چنانکه درفصل پیش گفتیم شواهدی دردست است که زبان فهلوی آذری تا عهد شاه عباس‌بزرك همچنان درمیان عامه واهالی‌معمول بود. حتی مردم تبریز دراوایل عهد شاه‌عباس، بشهادت رسالهٔ روحی انارجانی‌که ذکرآن درپیش‌گذشت، چه‌علما وقضاةوچه عوام‌الناس، واجلاف بازاری، چه افرادخانواده‌ها بهمین زبان تکلم میکردند . (۲)

در دورهٔ صفویه قبایل جوانشیرکه بنام **اتوزایکی جوانشیر** یعنی (قبایل سی و دوگانه جوانشیر) خوانده میشدند در قراباغ میزیستند .

گروهی ازقبایل خمسلی ، موصللو، قرخ‌لو، بیات، ازطرف پادشاهان‌صفوی دراطراف دربند قفقاز اسکان داده شدند .

۱ــ مینورسکی- سازمان اداری حکومت صفوی ص۲۳۹.

۲ــ مجله یادگار سال دوشماره سوم: زبان ترکی درآذربجان .

قبایل اسپرلو Esperlu دراطراف اردبیل و سراب، ودرآخیسکا Ahiska : قزاق‌ها ، و در شیروان عشایرآلپاوت Alpavut ، مسکن گزیدند درقرن شانزدهم میلادی تغییرات نژادی زیادی درآذربایجان روی دادکه درزمان ایلخانان‌وجود نداشت و قبایل ترك در همه‌جا تسلط یافتند و این وضـع چیزی جز تأثیر دورهٔ تیموریان وآق‌قویونلوها نبود .

تیموریان قبایلی راکه مطیع‌ایشان نبودند وتمایل به‌جلایریان داشتند به اطراف راندند و بالنتیجه‌آنان به‌دیگرترکمانان پیوستند. گروه بسیاری ازایشان بنام رئیس قبیله خود وجایی که قبلاً ساکن‌آنجا بودند خوانده شدند. امروز هم بصورت پراکنده بنام این قبایل برمیخوریم .

اینك به‌ذکر بعضی ازاین قبایل ومحل سکونت‌آنان می‌پردازیم :

نام‌قبایل ترك بقول‌کارل‌ریتر Karl Ritter عشایرترك‌آذربایجان‌ازاینقرارند:

آق‌قویونلوها و قراقویونلوها (در حدود خوی و ایروان) قریب ۸۰۰۰ خانوار ، استاجلو Ustajlu و سری‌چالو Serichalu وکارا-هوبانلو Kara - hubanlu ۸۰۰۰ خانوار ، جوانشیر در دوآذربایجان ۱۲۰۰۰ خانوار ، شاهسون در جوار اردبیل ۸۰۰۰ خانوار ، و در هشترود وگرمرود ومیانه ۵۰۰۰۰ خانوار، درمراغه و اطراف‌آن ترکمانان مقدم۵۰۰۰ خانوار ، درشمال رود ارس درحدود ارمنستان کنگرلوها ۵۰۰۰ خانوار ، درقراباغ : قراچورلوها ۱۲۰۰۰خـانوار ، دراطراف ایروان : شاهدلوها ۸۰۰۰ خانوار ، بیکدلی‌ها در جایهای مختلف ۳۰۰ خانوار، در خلخال سیدلوها ۵۰۰۰ خانوار ، دراطراف قـزوین اموارلی Emvarli ۵۰۰۰ خانوار ، بقول کارل‌ریتر اکثر ایلات مزبور تا اوایل قرن نوزده چادرنشین بوده و ازآن پس ده‌نشین شده‌اند .

آنهائیکه ده‌نشین شده و نام قبیله خود را نگهداشته‌اند از اینقرارند :

سولدوزSulduz در اطراف اورمیه .

در قراباغ و مراغه سی و دو قبیله جوانشیرکه مدت درازی برآن نواحی

حکومت داشتند .

در اطراف ماکو : قراقویون ، درمنطقه قزوین وسلطانیه شاهسون واینانلو درمغرب قزوین: افشارها، اینانلوها، درجنوب قزوین‌کورت‌بگلوهاKurt –Beglu درخمسه : چکنی Chekni درجنوب‌زنجان: یلماچ Yilmach وتیرپانلو Tirpanlu و اوصانلوی مقدم Usanlu Mukaddam و بیات و خدابنده‌لو .

غیر از این طوایف درجایهای مختلف : قراقویونلوها ، آق قویونلوها ، ایلخانلوها ، قزل‌اياغ ، باش اوغوز Bashoguz ، کارادولاق‌لو Karadulaklu، کارا–باباخلو ، کالاچلوKalachlu ، قزل‌کچی‌لو Kizil-kechilu ، کاراداغلو ، اوصانلو، قرا چورلو ، ایلبك لو Ilbeklu ، چاریقلو ، پورسونلو Pursunlu و دولو Develu نام برد . (۱)

شاه عباس اول ، درآغاز سلطنت خودگروهی از ترکان موافق خود رامتشکل وعلیه مخالفان خود درمیان‌قزلباشها مجهزکرد وآنان‌را«شاهسون» یعنی‌دوستدار شاه نامید واز زمان‌آن پادشاه است‌که این عنوان‌درمیان طوایفی‌از ترکان ایران پیدا شده است .

باید دانست‌که طوایف شاهسون و قزلباش فقط در سه نام باهم وجه‌اشتراك داشتند وآن سه : تکلو، بیگدلو، اینانلو است .

تکلو ـ احتمالاً این طایفه با ترکمانهای « تکه » Tekeh در ماوراء خزر مربوط بوده وشاید از بقایای ایل تکه در پامفلیه ولاسیه باشند . از اواخر قرن نوزدهم نامی بنام تکیله Takileh درمیان شاهسونهای مغانی بنظرمیرسد که باتکلو بی‌ارتباط نباید باشند .

بیگدلو ـ طایفه‌ای از ترکان غز بودند کـه درقرن چهاردهم میلادی به‌سوریه مهاجرت کرده ودر قرن هفدهم بهترین چراگاهها را دربین حلب و دیار

(1) A. zekivelidi Togan, Islâm Ansiklopedisi 2 - cilt, Istanbul, 1949, Azer Baycan p. 91–119.

بکر دراختیار داشتند. یك شاخه ازاین قوم باشاملوهای قزلباش بایران‌آمدند.

اینانلو ـ احتمالاً ایشان‌ازغزانی هستندکه رئیس‌آنان ابراهیم ینال‌برادر مادری طغرل‌اول سلجوقی بود. درزمان شاه عباس‌اول اینانلوها طایفه‌ای ازقبایل افشار بشمار میرفتند وجزو طوایف شاهسون درآمدند.

فهرست طوایف قزلباش

روملو ـ (منسوب به‌روم) این‌طایفه احتمالاً درسال۱۴۰۴میلادی از آناطولی به‌ایران آمده‌اند.

شاملو ـ دراوایل حمله مغول درسرزمین‌سوریه(شام) مستقرشدند وچنانکه گفتیم‌تیمورآنان را بایران‌کوچ داد.

استاجلوUstajlu ـ بعقیده هینتس Hinz ممکن‌است این‌طایفه‌ازحوالی‌قارص آمده باشند.

قاجار ـ شاید از بازماندگان جلایریان مغول باشند.

قرامان‌لو ـ از منطقه قرامان درجنوب ترکیه‌آمده‌اند.

ذوالقدر ـ از جنوب دیار بکر مهاجرت کرده‌اند.

افشار ـ این ایل در اوایل صفویه درنزدیك دریاچه اورمیه و جنوب مراغه مستقر شدند.

بهارلو ـ طوایفی ازایل شاملوبودند واکنون درفارس وآذربایجان درحدود ۲۵۰۰ خانوار به‌این نام زندگی میکنند.

خلج ـ تا سال۱۴۰۴میلادی درنزدیك ساوه قومی‌باین نام زندگی میکردند

شقاقی ـ قبیله‌ای کرد بودند که بعدها ترك زبان شدند وآق‌قویونلوهاآنان را درنواحی مغان و سراب اسکان دادند. (۱)

۱ـ ریچاردتایبر : شاهسون (قره‌قویونلوها ـ آق‌قویونلوها) ترجمه مجید و هرام ، مجله بررسی‌های تاریخی سال سوم شماره ۵ و۶

فهرست ایلات ترك در عصر صفوی

کاملترین فهرستی‌که از ایلات ترك درآن عصر داده شده ، فهرستی است‌که دون‌ژوان ایرانی بدست داده است و درآن از سی‌دو خانوار وایل نام میبرد که حامی و پشتیبان صفویه بودند. مقایسه‌ای که دون‌ژوان از رؤسای‌آنان با مقامات اشرافی اسپانیا از قبیل دوك وکنت ومارکی کرده است از نظرعنوان ومقام ایلات و نسبت‌آنان بیکدیگر دارای اهمیت خاص است :

۱- استاجلو ، مهمترین ایلات

۲ـ شاملو

۳ـ افشار ، موکلان و اولیاء امور عدالت

٤ـ ترکمان ، فرماندهان نظامی که با خاندان سلطنت نسبت سببی دارند .

٥ـ بیات ، رئیس‌آن برابر با دوك‌ها است

٦ـ تکلو ، رئیس‌آن برابر با دوك‌ها است

۷ـ هرمندا Harmanda مارکی

۸ـ ذوالقدر ، دوك

۹ـ قاجار ، دوك

۱۰ـ قرمنلو ، دوك

۱۱ـ بیبورتلو	Bayburtlu	کنت
۱۲ـ اسپیرهلو	Ispyrrhlu	کنت
۱۳ـ ارپاد	oryad	کنت
۱۴ـ چئوشلو	chaushlo	دوك

۱۵ـ آسایشلو (عالم‌آرا : آسایشلواغلی)

۱٦ـ چمشگزك‌لو	chamihgzaku	کنت
۱۷ـ سروزولچلو	Sarozolachlo	کنت

۱۸ـ قره‌بجقلو، کنت

۱۹ـ برچلو Barachlu کنت

۲۰ـ قوینیوریلو، کنت

۲۱ـ قرغلو Girclu کنت

۲۲ـ بزچلو Bozchalu کنت

۲۳ـ اکبی فقولوئی‌لو Akbifaquluilu (عالم‌آرای عباسی : ماهی فقیهلو) ، کنت

۲۴ـ حمزه‌لو ،کنت

۲۵ـ سلچلو Solachlu (سلقلو؟) کنت

۲۶ـ محمودلو ، کنت

۲۷ـ قره چماق‌لو ، کنت

۲۸ـ قراقویونلو ، کنت

۲۹ـ کوسه بیزلو Cossi Boyezlu دوك

۳۰ـ پیکلو Peyclu دوك

۳۱ـ اینازلو ynazlu (اینانلو؟) دوك

۳۲ـ کوه گیلو coheqilu دوك

سرجان ملکم در تاریخ خود ایلات هفتگانه بزرگ ترك قزلباش را چنین برمیشمارد : استاجلو ، شاملو ، تکلو ، بهارلو ، ذوالقدر ، قاجار ، افشار ،

درجلد سوم‌کتاب منجم‌باشی (ص۱۸۲) ازهشت ایل نام‌برده شده‌که عبارتند از: استاجلو ، شاملو ، ورسق ، ذوالقدر ، افشار ، قاجار ،

نام طوایف اصلی فوق، یا ازاسامی طوایف‌قدیمی«غز» مأخوذند، یا ازاسامی امکنه گرفته شده‌اند که با پساوند ملکیت ترکی «لو» مشخص میگردید. معنی استاجلو ، متابعین و متعلقان استاد کوچك است و محتملاً اصلاً در ناحیه قارص میزیسته‌اند .

لفظ ذوالقدر لغتی عربی است که جای لفظ ترکی ذوالقدیر Dulghadir را گرفته ، قسمت اعظم آن ایل در البستان (درشمال مرعش) سکنی داشتند .

ولی احتمال قوی آنست که طوایف کوچکی از آنان درسراسر ارمنستان پراکنده بودند در اواخر دوران صفویه وپس از آن ذوالقدر بتدریج در اطراف گنجه متمرکز شدند .

نام بهارلو بایستی با بلوك «بهار» در نزدیك همدان مربوط باشد که طبق نوشتهٔ نزهةالقلوب مرکز ومحل استقرار ترکمانان «ایوه» یلی ازبیست وچهارایل اصلی غز بوده است. محتمل است که ایل مزبور دراتحادیه قره‌قویونلوها عضویت داشته و در قلمرو آنان بوده است .

اسامی طوایف وایلات کم اهمیت‌تر بطورکلی از نام امکنه وهمچنین اسم رؤسای آنان (حمزه ، وآسایش غلی) ، یا ازبعضی اسامی مستعار، قره‌بجقلو(سیاه‌رانان) و قره‌چماقلو(سیاه چماقان) اخذ شده است(۱).

در زمان شاه طهمسب اول صفوی، امراء برحسب ایل و قبیله‌ای که بدان منتسب بودند مشخص میگشتند. ایلات ترکمن که مقدم بردیگران بودند عبارت بودنداز: شاملو، استاجلو، ترکمن، روملو، ذوالقدر، افشار، قاجار، تکلو،حنسلو. (این ایل با خینیس (خنوس) مقیم ارمنستان مربوط است و بایستی از ترکمانان باشد). براین نه ایل، ایل جغتای را که ظاهراً از قبایل ترك مغول یا خاندانی‌از آسیای مرکزی که غالباً بخراسان اطلاق میشود باید افزود (۲)

در عالم آرای عباسی دربارهٔ فهرست ایلات مشهور ترکمان ازاین ایلات‌یاد شده است .

۱ـ شاملو (شامل طوایف: بگدلو، عبدلو، عرب گرلو، نلقاز)

۲ـ استاجلو(شامل طوایف: کنگرلو، شرفلو)

۱ـ مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفوی ص ۲۴۹-۲۵۲

۲ـ مینورسکی: سازمان اداری صفوی ص ۲۰

۳ـ ذوالقدر (شامل طوایف سوکلان وشمس‌الدین‌لو وحاجیلرلو و قرغلو)
٤ـ قاجار (شامل طایفه ایگرمی دُرت)
۵ـ افشار (شامل طوایف: اینانلو و آلپلو واصانلو)
٦ـ ترکمان (شامل طوایف: پرناك و اردك‌لو)
۷ـ ایسپیرلو
۸ـ روملو (شامل قویلار حصار)
۹ـ قاراداقلو
۱۰ـ بیات
۱۱ـ آلپائوت
۱۲ـ قزاق‌لو
۱۳ـ جاگیرلو
۱۴ـ بایبورت‌لو (۱)

نتیجه نفوذ قبایل ترك در عصر صفوی

چنانکه گفتیم در عصرصفوی کارها همه دردست ترکان بود و در دربارشان چه درتبریز وچه قزوین وچه اصفهان ترکی سخن‌گفته میشد ولقبها ونامهابیشتر ترکی بود. مانند : قرداش، یولداش، سرداش، عمواغلی، قاپوچی، ایشیك آغاسی، اسمعیل‌قلی، طهماسبقلی، شاهقلی، ایل بیکی ایلخانی، بیگلربیگی، خانلرخانی، قارنجه بیك ، قورخمس خان ، شیخ‌اغلی، حلواچی‌اغلی. دیگر اینکه در نتیجه اختلافات ایران و عثمانی آذربایجان و شهر تبریز چندین‌بارتوسط ترکان عثمانی اشغال شد یکی درسال۹۲۰ پس ازشکست شاه اسماعیل درچالدران، و سه‌بار در عهد شاه طهماسب (درسالهای۹۴۰ و۹۴۱ ۹۵۶) پس از آن درزمان شاه خدابنده که درسال ۹۹۳ بسرداری عثمان پاشا تبریزرا اشغال کردند ودولت صفوی براثر

۱ـ ایضاً مینورسکی ص۲۴

ضعف از ناچاری همه آذربایجان بجز اردبیل را بایشان واگذاشت . ترکان مدت بیست سال آن ایالت را درتحت تصرف خود داشتند تااینکه درسال ۱۰۱۲ شاه‌عباس آن ایالت رااز ایشان باز گرفت.

و نیزدرفتنه افغان عثمانیان بازفرصت یافته وقسمتی‌ازآذربایجان راتسخیر کردند تا نادرافشار برروی کارآمدوآنان را ازآن سرزمین بیرون‌کرد. همه این لشکرکشی‌ها علاوه از خسارات مالی وجانی بزیان زبان فهلوی آذری تمام شد و بسیاری ازمردم تاجیك‌آن استان‌که اهل جنگ وگریز نبودند پایمال سم‌ستوران سپاه ترك شدند (۱)

تا پیش ازصفویه زبان رسمی ودرباری زبان پارسی بود حتی امرای ترك‌که درآن سرزمین حکومت داشتند غالباً دردربار خود بفارسی سخن میگفتند.همین رواج ادبی درباری زبان فارسی که لفظ قلم محسوب میشد به‌لهجه‌های فهلوی نیزکمك میکرد وضامن بقای‌آنها بود. از زمانیکه صفویه برسرکارآمدند برای راضی‌کردن قبایل حامی ترك خود بزبان ایشان سخن گفتند ولغت ترکی‌را زبان درباری وحتی تبلیغات مذهبی‌خودساختند، وشاعران ترکی‌گوی را به‌گفتن اشعار ترکی‌تشویق‌کرده شعرای پارسی‌زبان را جزدرگفتن مراثی‌برای‌ائمه دین ازچشم انداختند و شعرشان را بچیزی نخریدند .

قاجاریه نیزدرترویج زبان ترکی درآذربایجان سهم‌بسزایی داشتند، وزبان دربار ولیعهدهای‌آنان کـه همیشه درآذربایجان مقیم بودند ترکـی بود. ازاین جهت زبان ترکی زبان اشرافی وطراز اول جلوه کرد وهمواره باب روز ومورد تقلید مردم‌آنروزگار بود. واین وضع تامقارن مشروطیت ایران دوام داشت(۲).

این علل باعث شدکه فهلویات آذری که تکلم کنندگان به‌آنها درهرجا به لهجه مخصوصی‌مغایر بالهجات دیگرسخن میگفتند وبایکدیگرارتباطی‌نداشتند،

۱ـ کسروی : رساله آذری ص ۲۷-۲۵

۲ـ دکترنوابی: زبان‌کنونی‌آذربایجان، نشریه دانشکده ادبیات تبریز دورهٔ پنجم شماره ۲

ومتکی به‌خط وکتابت هم نبود یکی پس‌از دیگری ازمیان برود وبا زبان غالب بیامیزد وجای خود را بزبانی دهدکه اززبان ترکی وغزی ولهجات فهلوی‌آذری ترکیب یافته وهنوز بنام ترکی‌آذری درآذربایجان متداول است .

اما لهجه‌های‌آذری بکلی از شهرها رخت بربست و در بعضی از نقاط دور دست درحال اضمحلال وانقراض باقی ماندکه برخی ازآنها هنوز بحیات ضعیف خود ادامه میدهد، وچند سالی نخواهد گذشت که این‌چند لهجه نیم‌مرده هم که اززبان قدیم فهلوی‌آذری مانده‌است از بین‌برود ومانند صدها لهجهٔ مردهٔ‌ایرانی بدست فراموشی سپرده شود. اکنون دیگرزمان احیای لهجات مرده‌آذری نیست بلکه وظیفه حتمی‌دولت وفریضهٔ ملی هردرس خوانده‌آذربایجانی‌است‌که بااشاعه آموزش همگانی درترویج وتعمیم زبان فارسی بکوشند وبیسوادی را از سراسر شهرها وقصبات ودهات‌آذربایجان ریشه‌کن کنند .

جمعیت شناسی ترك

زبانها ولهجات ترکی ازحیث تعداد بسیاراست وشامل چهل ویك طایفه و ۴۲۸هزار نفراست ایلات افشار وقاجار نیرومندترین این قبایلند هجوم قبایل ترك نوع ایرانی را تغییرداده است .

آذربایجانیان ایران و قفقازکه کم وبیش با ترکها مخلوط شده‌اند زیر گروه ایران و مدیترانه بشمار میروند. ترکها موی تاریك وانبوه دارند و سفید چهره و متمایل به‌زرد قهوه‌ای هستند قدشان متوسط است و تا بلندی یك‌مترو ۶۷ سانتیمتر میرسد .

آنان سری‌کوتاه وصورتی بیضی‌شکل وبینی‌راست ونسبتاً برجسته وچشمان مشکی غیرمغولی که غالباً حاشیه خارجی پلك‌ها تا شده‌است دارند .

استخوان گونه ایشان پهن و لبهایشان نسبتاً گلفت و هیکلشان متمایل به فربهی‌است (۱)

۱ــ هنری‌فیلد: مردمشناسی ایران ص ۷۵۲

زلوتارف در ۱۸۸۸میلادی تخمین زده که درایران قریب یك‌میلیون تاتار وجود دارد . ترکهای ایران شعبه‌ای از نـژاد ترکمن یا تاتار هستند. تاتارهای آذربایجانی اگرچه بزبان ترکی تکلم میکنند از هرحیث ایرانی میباشند.آنان مخلوطی هستند از ایرانیان خالص بارگه‌ای ازنژاد ترکمن یاتاتار(۱).

مردم آذربایجان قومی نیرومند ونسبتاً بلندقد، ودارای موی‌مشکی وچشم سیاه هستند که به‌لهجه ترکی‌آذری تکلم میکنند. میتوان گفت که‌آنان بیش از سایر اقوام ایرانی نوع خالص ومتحدالشکل خود را حفظ کرده‌اند .

خصوصیات نژادی‌آنان عبارت است از:

موی مجعد یا صاف، لب کلفت متوسط، دندان متوسط تا بزرگ ، میانگین قد ۱۶۵/۶ تا۱۶۹، شاخص‌سر۷۶/۹ ، ۷۶/۰(۸۰/۶)، حداکثر قطرپیشانی ۱۰۶، عرض‌گونه‌ها ۱۳۹ ، عرض‌فکین ۱۰۴/۲. درجدول دیگر شاخص‌سر ۷۸/۱ داده شده‌است. درقرن هفدهم ایرانیان دومیلیون نفرآذربایجانی داخل قفقازکرده و بدانجا مهـاجرت داده‌اند کـه از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکیها می‌باشند (۲) .

آثار ترکی آذری

ازآثار ترکی‌آذری پیش از صفویه جز یکی دوقطعه شعر دردست نیست . بعضی از طرفداران غلوکننده زبـان وادبیات ترکی، داستانی را بنام دده قورقود بزبان ترکی‌آذری نسبت داده‌اندکه دلیلی جزتعصب قومی دردست ندارند .

داستان دده قورقود

یگانه نسخهٔ خطی قدیم این کتاب درکتابخانه سلطنتی‌آلمان بودکه برای نخستین‌بار فلیشر fleischer دانشمندآلمانی ، هنگام تنظیم کاتالوگ کتابخانه مزبور باین‌کتاب برخورد. چون پشت صفحه اول این‌کتاب نوشته شده بود که‌این

۱ـ ایضاً هنری‌فیلد ص ۷۴۴
۲ـ ایضاً هنری‌فیلد ص ۷۱۳-۷۱۴

نسخه درقرن دهم هجری به‌کتابخانه احمدپاشا وارد شده‌است ، از اینرو فلیشر آنرا جزو آثار قرن شانزدهم میلادی به‌ثبت رسانید .

دراوایل قرن نوزده دیتس Diz دانشمند و زبانشناس آلمانی یك‌نسخه از این کتاب استنساخ کرد ودرآن به‌تحقیق پرداخت وداستان کشته شدن «دپه‌کوز بدست بساط » (بساط دپه‌کوزی اولدردکی) را به‌آلمانی ترجمه نموده بچاپ رسانید .

پس از دیتس دانشمند بزرگ آلمانی نلدکه Nöldeke درسال ۱۸۵۹ تمام نسخه دده قورقود را ازنو خوانده بآلمانی ترجمه کرد، ولی چون قسمت‌بسیاری ازآنرا نتوانست درست بخواند وبفهمد از انتشارآن خودداری نمود. بعد ازوی دانشمند شهیرروسی، بارتولد Bartold بااستفاده ازتحقیقات ویادداشتهای نلدکه دنبالهٔ کار اورا گرفت ودر سال ۱۸۹۴ دربارهٔ این کتاب مقاله‌ای منتشر نمود و قسمتهایی ازآن را نیز بروسی ترجمه کرد .

در اوائل قرن بیستم «انجمن تدقیق آثار اسلامی و ملی استانبول » درصدد انتشار این کتاب برآمد و (معلم رفعت) یکی از دانشمندان ترکیه زحمت این کاررا بعهده گرفت ونسخه عکس‌آنرا با بعضی ازحواشی وشروح در۱۹۱۵ بچاپ رسانید این کتاب باکاغذ اعلی وخط خوانا بقطع ۱۷×۲۵ و دارای ۱۸۶صفحه می‌باشد .

برروی صفحه نخستین آن‌عبارت«کتاب دده‌قورقود علی‌لسان‌طایفه‌اوغوزان» یعنی. «کتاب دده قورقود بزبان طایفه غز» نوشته شده‌است .

درصفحه سه مقدمه‌ای داردکه چنین‌آغاز میگردد. «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم رسول علیه‌السلام زمانده یقین بیات‌برندن (بویندن) قورقوت آتادیرلربرار قوپدی، اوغوزون اول‌کیشی تمام بیلجسیدی، نه‌دیرسه‌اولردی، غایبدن درلوخبر سویلردی، حق‌تعالی انك‌کوکلنه الهام ایدردی» یعنی:

بنام‌خداوند بخشنده مهربان، نزدیك‌رسول‌علیه‌السلام مردی‌بنام‌باباقورقوت برخاست‌آنمرد داناتر ازهمه غزها بود، هرچیزیکه میگفت میشد،غیبگوئی‌های درستی میکرد حقتعالی به‌قلب اوالهام مینمود.»

مقدمه کتاب بااین عبارت خاتمه می‌یابد :

«قورقوت ارغوزقومنك مشکلنی حل‌ایدردی» هرنه‌ایش اولسه قورقوت آتایه طانشمینجه ایشلمزلردی، هرنه که بیورسه قبول ایدرلردی سوزین طوتب تمام ایدرلردی، یعنی:

«باباباقورقوت‌مشکل‌قوم غزراحل‌میکردبدون‌مشورت‌بابا با قورقوت‌بکاری اقدام‌نمی کردندهرچه‌میفرمودمی‌پذیرفتندوبدستورش‌عمل‌کرد»بپایان‌میرسانیدند. پس‌ازاین مقدمه چهارمقاله حکیمانه: (دده‌قور قودك حکیمانه دورت مقاله‌سی) متضمن‌پند واندرز آمده‌است. آنگاه‌یك مقاله‌درباره تقسیم‌انواع زن‌برچهاردسته: «اوزان طرفندن قادینلرك دورت‌قسمه تقسیمی»ازقول دده‌قورقوت ذکرشده‌است.

سپس دوازده داستان جداگانه از صحنه‌هـای مختلف زندگی طـایفه غز بخصوص نمونه‌هایی ازقهرمانی امیران وبیك‌زادگان‌آنان نقل شده ومتن‌آخرین داستان «ایچ‌اوغوزه» «طاش‌اوغوزون عاصی‌اولمسی حکایه‌سی» یعنی، داستان‌عاصی شدن غزهای بیرونی برغزهای درونی» درصفحه ۱۷۲کتاب بپایان میرسد .

این کتاب چنانکه درمتن‌آن مکرر یاد شده مربوط به‌طایفه غزهاست‌یعنی همان غزهایی که در اواخر قرن چهارم واوایل قرن پنجم هجری به‌آذربایجان مهاجرت کردند وبعد درآنجا اقامت گزیدند. (۱)

اما معلوم نیست این داستان مربوط به‌پیش از مهاجرت ایشان است یا پس ازآن ممکن است این قصه از حماسه‌ها وداستانهای قدیمی‌آن قوم بوده که سینه به سینه حفظ‌کرده ودرآذربایجان‌آنرا برشته تحریر درآورده باشند .(۲)

۱ـ عبدالعلی‌کارنگ، تاتی و هرزنی ص ۱۸ـ۲۱

۲ـ رجوع‌کنید ایضاً به آخرین چاپ این‌کتاب :

Dr. Muharrem Bergin, Dedekorkut Kitabli, Ankara, 1958.

بنابراین هیچگونه ارتباطی بزبان پیشین آذربایجان نمیتواند داشته باشد ، بلکه مربوط به‌ادبیات قدیم ترکی است .

جعفراغلو از نویسندگان ترك دائرالمعارف جدید اسلامی معتقد نیست که این کتاب از قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) باشد، بلکه بر آنست که‌آن را بطور قاطع به‌قبل از قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) نمیتوان نسبت داد(۱)

عزّالدین پورحسن

ظاهراً نخستین شاعری که درایران بزبانی نزدیك به‌لـهجه ترکی‌آذری ، شعر سروده شیخ عزالدین پـورحسن اسفراینی درگـذشته درسال ۶۵۸ هجری معاصر شیخ اجلّ سعدی شیرازی است. دولتشاه سمرقندی درتذکره خود درباره وی چنین مینویسد: «مرد عارف وموحد بوده ومرید شیخ جمال‌الدین ذاکراست اما در شاعری نیزمکمّل بوده واشعـار ترکی وفارسی نیکو میگوید ، ودرترکی حسن‌اوغلی تخلص میکند ، ودیوان او درآذربایجان وروم (ترکیه حالیه)شهرتی عظیم دارد.» (۲)

مطلع یکی از غزلیات او بترکی این بیت است :

آییردی کوکلومی بیرخوش قمریوز جانفراد لبر

نه دلبر، دلبرشاهد ، نه شاهد، شاهد سرور (۳)

از بیان دولتشاه چنین برمی‌آید که اولاً عزالدین اسفراینی، اهل‌خراسان واسفراین بوده وآذربایجانی نیست. بنابراین شعر اورا جزءِ ادبیات ترکی‌آذری نمیتوان به‌حساب‌آورد .

ثانیاً ـ دولتشاه مینویسدکه دیوان او درآذربایجان و روم شهرتی عظیم دارد

۱ ـ جعفراوعلو: دائرةالمعارف اسلام طبع دوم ماده «آذری»

۲ـ تذکرةالشعرای دولتشاه ، طبع تهران (تصحیح محمد عباسی) ص ۲۴۴ـ۲۴۶

۳ـ عبدالعلی‌کارنگ: تاتی و هرزنی ص ۲۲

چون دولتشاه تذکره خود را در سال ۸۹۶ هجری نوشته ، معلوم میشودکه در دوقرن بعد از وفات شاعر مذکور یعنی دراواخر قرن نهم اگرچه ترکی هنوز درآذربایجان رواج عام نداشته ولی گروه بسیاری درآن سرزمین زبـان ترکی را می‌فهمیده وازاشعار ترکی لذت میبرده‌اند .

دده عمرـ درهمین زمان‌است‌که دده عمرالایدینی مشهورومتخلص‌به‌روشنی از اهل شهر بروسه (بورسا ، درمغرب آسیای صغیر) که از عرفا و اقطاب صوفیه بود به تبریز آمد و نزیل آن شهر شد ومورد حمایت و ارادت سلطان یعقوب‌آق قویونلو قرارگرفت ودرهمان‌شهر درسال ۸۹۲ هجری درگذشت . صوفیه‌روشنیان درمصر وممالك عثمانی باو منسوبند .کربلائی در روضات‌الجنان مینویسد :

« حضرت دده شعرمی‌گفته بیشتربزبان ترکی وروشنی تخلص میکرده»سپس غزلی به‌ترکی از وی نقل کرده که بیت‌آخرآن اینست :

بو روشنی ننك تیره دلن کونکلی چراغن

روشن‌ایدین کونکلی گورین ایله‌ین اویاغ

یعنی : چراغ قلب تیره این روشنی را روشن وپرنور فرموده چشم دلش‌را بیدار وآگاه ساز .

این‌عارف ترك‌زبان که ازترکان‌آسیای صغیر بود ، غالباً بترکی شعرمیگفته وظاهراً اشعار اورا قبایل‌ترکی‌که درآذربایجان مسکن‌گزیده‌بودند می‌فهمیده‌اند درعین حال خـود وی با مردم تبریز بفارسی سخن میگفته و اهل خـانه وی نیز به‌فارسی سخن میگفتند، چنانکه کربلائی روایت‌کرده‌که: وقتی اهل خانه او از کنیزی که خدمتکار خانه وی بوده شکایت کردند . دده عمر خواست او را ادب فرماید ، کنیز پای برهنه از پیش او بگریخت وچون باران باریده بود پاهایش گل‌آلوده گشته از غایت اضطراب فریاد برآورد که « بیکسم و درمانده » وگریه

براوغالب‌گشت حضرت دده از غایت رحم برپای‌گل‌آلود کنیز افتاده بعذرخواهی درآمدکه مرا به‌حل‌ساز وهمان لحظه اورا آزاد کرد.(۱)

دیگر **سید عمادالدین نسیمی حروفی** شاگرد وجانشین‌فضل‌الله‌استرآبادی است که‌گاهی حسینی تخلص میکرده است. وپس ازفرار به‌آناطولی برای‌تبلیغ بگتاشیهای ترك بمذهب حروفی‌اشعاری بزبان‌ترکی‌گفته است. وی معاصرشاهرخ تیموری (۸۰۷ـ۸۵۰) بوده ودیوان او مشتمل بر اشعار فارسی وترکی است.مستر گیب اورا اولین شاعر بزبان ترکی غربی شمرده است .

رابطه مذهبی اورا با فضل‌الله استرابادی حروفی از بعضی از اشعار وی از جمله این شعر میتوان استنباط‌کرد: (۲)

علم حکمتدن بلور سگ‌گل بروگل ای حکیم

سن نسیمی منطقندن د گله فضل‌الله گور

دیگر **حبیبی** : ازقصبه برگشاد (درگوی چای)آذربایجان ، اول درخدمت سلطان یعقوب‌آق قویونلو بود وآخربخدمت شاه اسماعیل صفوی رسید و او را منصب ملك‌الشعرائی داد وی درعهد سلطان بایزیدخان ثانی به‌کشورعثمانی رفت ودرعصرسلطان سلیم‌خان در(۹۲۶ـ۹۱۸) درگذشت.

این شعر بنا به‌تحفه سامی ازاوست :

سندن اوزکه یاریم‌اولسه‌ای پریوش سیمتن

کوروم اولسون او قبا آکنمده پیراهن کفن

۱ـ روضات‌الجنان کربلائی ص۴۷۲ـ۴۷۶ وص۶۰۱ـ۶۰۲

۲ـ از سعدی تا جامی (طبع دوم) ص ۵۱۳ـ۵۱۴

چخمیا سودای زلفونك ایمه کریوز ایل

استخوان کلم ایجره توته عقر بلروطن(۱)

خطائی ـ این خطائی معاصر پادشاهان آق قویونلو بوده ویوسف وزلیخائی بترکی بنام سلطان یعقوب (۸۸۳ـ۸۹۶ ه) بەرشته نظم کشیده که باین بیت آغاز میشود :

ابتدا قیلدم بنام اول کریم ای که بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ظاهراً این همان خطائی است که بقول فون‌هامر Von Hammer (در تاریخ شعرای عثمانی (ج۲ ص۱۸) در ۹۳۶ه درگذشته است(۲)

خطائی دیگر، وی همان شاه اسماعیل بن سلطان حیدر صفوی (متولد در ۸۹۲) هجری است که بخاطر ایلات هواخواه ترك خود بترکی سخن میگفت و بەترکی نیز شعر میسرود ودراشعار ترکی خود غالباً خطایی تخلص میکرد .

این بیت مطلع یکی ازغزلیات اوست :

ای جمالینك آیتی عنوان دیوان قدیم

قاشلا رینك طغرای بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

از اشعار فارسی او این دو بیت است :

دل کشته آن موی که برروی تو افتد جان کشته آن چین که بر ابروی تو افتد

بی‌خوابم از آن خواب که در چشم تو بینم بیتابم از آن تاب که بر موی توافتد(۳)

مسأله‌ای که قابل توجه است آنست که مکتوباتی که دراین عصر بین سلطان

۱ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۱۲

۲ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۳۷ ؛ دائرة المعارف اسلامی (ترجمه عربی) ج۸ ص۳۶۷

۳ـ دانشمندان آذربایجان ص۱۳۶ ؛ روضة السلاطین ص۶۸

یعقوب ودیگر سلاطین آق‌قویونلو، وشاه اسماعیل وپادشاهان عثمانی رد وبدل‌شده جز یکی دونامه بعربی ویکی دونامه به‌ترکی که ازطرف سلطان سلیم ارسال‌شده بقیه مکتوبات ترکان و ایرانیان بفارسی است ، و حتی سلطان سلیم پادشاه ترك عثمانی بفارسی شعرمیسروده درحالیکه رقیب او شاه اسماعیل‌به‌ترکی‌شعرمیگفته و خطائی تخلص میکرده است .(۱)

اززمان صفویه سرودن اشعارترکی درآذربایجان ودیگرنقاط ایران‌معمول گردید .

از شعرای قرن دهم ویازدهم و دوازدهم هجری درآذربایجان و اران که بترکی شعرگفته‌اند میتوان مسیحی(۲)،صائب تبریزی(۳)، قوسی(۴)، آقا مسیح شیروانی(۵)، نشاط(۶)، ودادی ، واقف ، رانام برد ، که سرآمد ایشان درقدرت شاعری‌قوسی و مسیحی هستند . و دادی شاعری غنائی و شاعر همعصر او ملا پناه واقف(۱۷۹۷ـ۱۸۱۷م) مؤسس مکتب جدید شعربترکی‌آذری است(۷)

زبان مردم‌تبریزدرعهد شاه صفیـ اولیا چلبی که‌درسال ۱۰۵۰هجری‌در

۱ـ تاریخ‌ادبیات ایران ازادوارد براون ج۴ (ترجمهٔ رشید یاسمی) ص۵۳-۵۵وص۵۹-۶۰؛ دائرةالمعارف اسلامی (ترجمه عربی ج۸ ص۳۶۶

۲ـ از شعرای عیسوی تبریز درقرن دهم، دانشمندان‌آذربایجان ص۳۴۳

۳ـ ازشعرای‌آذربایجان درقرن یازدهم‌که بفارسی وترکی شعر میگفته است ودر۱۰۸۱ه در شهر اصفهان وفات یافته است (دانشمندان ص۲۱۷ـ۲۲۶)

۴ـ بفارسی وترکی شعرمیگفت واهل تبریز بود . (دانشمندان ص۳۱۰)

۵ـ گویا ازمعاصرین شاه‌طهماسب بود بفارسی وترکی شعر میگفت (دانشمندان ص۳۴۳)

۶ـ از سخنوران فارسی وترکی‌گوی‌درقرن دوازدهم هجری ازاهل شیروان بود (دانشمندان ص۳۷۵)

۷ـ دائرةالمعارف اسلامی(طبع فرانسوی)مقاله جعفراوغلوتحت عنوان‌آذری ـج۱رساله(۴)

زمان شاه‌صفی تبریز را دیده در سیاحت‌نامه خود در باره زبان مردم تبریز چنین مینویسد : ارباب معارف درتبریز فارسی تکلم میکنند . لیکن‌دیگران لهجه‌های مخصوصی دارندکه چند جمله برای نمونه نوشته میشود :

هله تانم مشم : هنوز ندیده‌ام

منهمچون خاطر مانده اولوبدور: از من همچنان رنجیده‌خاطر شده

دارجنمشم : دلتنگ شده‌ام

پارونجشم : دشمن شده‌ام(۱)

از این امثله که اولیا چلبی آورده معلوم میشود که هنوز زبان ترکی کاملا درآذربایجان رواج نداشته وکلمات آذری با روابط ترکی بکار میرفته است .

مشخصات ترکی آذری ـ ژاك دمرگان مینویسد :

«زبان آذربایجانی با ترکی عثمانی تفاوتهای بزرگی درتلفظ دارد اما اصول قوانین دستوری هردو یکی است . در حالیکه در تکلم ترکی عثمانی حرفهای غ ، ع ، ح ، خ ه ، بزحمت حس میشود ، برعکس درآذربایجان این حروف سخت‌ترین اصوات را دارند .

افعالی‌که درترکی عثمانی درمصدر به«ق» یا «ك» ختم‌میشوند درآذربایجانی به «خ» یا «غ» تبدیل میشوند .

ترکی آذربایجانی حد فاصل بین لهجه ترکمن و زبان ادبی عثمانی است.

دستورزبان ترکی آذربایجانی خیلی ساده‌تر ازدستورزبان ترکی‌عثمانی‌است درحالیکه لغات ایرانی درترکی آذربایجانی بسیار یافت میشود لغات عربی درآن کمتر از زبان ترکی عثمانی است .»(۲) اینك به‌مشخصات آن زبان می‌پردازیم :

۱ـ این زبان آمیخته‌ای ازکلمات آذری ، فارسی عربی وترکی است .

۱ـ سیاحتنامه اولیاچلبی(قسمت آذربایجان وتبریز) ص۱۹ـ۲۰

۲ ـ هیئت علمی فرانسه درایران ج۱ ص۳۷۱

۲ـ لغات ترکی از بیست تا سی‌درصد لغات آنرا تشکیل میدهد و بیشتر آنها شامل افعال و روابط میشود .

۳ـکلمات عربی‌که درزبان عامیانه فارسی بکارمیرود همه دراین‌زبان‌معمول وقابل استعمال است .

۴ـ بکاربردن‌کلمات وترکیبات فارسی وعربی معمول درزبان فارسی در این زبان حد معینی ندارد، وهمه‌جا بسته بمیزان سواد وسطح فرهنگ متکلمان‌باین زبان است . این ترکیبات وکلمات بیشتر درزبان بازرگانان و مردم شهرها و اهل علم و سواد یافت میشود .

۵ـلغت‌ها واصطلاحات دیوانی‌همانهایی‌است‌که‌درزبان‌فارسی‌نیزمعمول‌است.

۶ـ بسیاری ازلغات عامیانه فارسی واین زبان یکی است .

اینها یا لغات مشترك میان زبان فارسی وآذری بوده و یا مستقیماً از زبان فارسی‌گرفته شده است .

۷ـ پاره‌ای از لغتهاکه در زبان فارسی جزءکلمات ادبی است ومورداستعمال بین مردم عامی نیست در این زبان میان عامه رواج دارد ، و این خـود استعمال آنها را در زبان‌آذری بعنوان‌کلمات عادی و روزانه میرساند . بکاررفتن بسیاری ازآنها در لهجه تاتی و هرزنی نیز این نظر را تأیید میکند .

مانند «باها» (بها) «تالواسا» (تلواسه ، بمعنی اندوه واضطراب)

۸ ـ برخی ازکلمات با آنکه از لغات ایرانی بشمارمیرود ولی برابری در فارسی ندارد وآنرا میتوان ازبقایای زبان فهلوی‌آذری دانست .

۹ـ لغتهایی نیز یافت میشود که ریشه‌آنها روشن نیست ولی نمیتوان آنها را از لغات ترکی بشمارآورد .

۱۰ـآذربایجانیان درسخن‌گفتن تلفظ خاصی دارند که هم ترکی‌آنانرا بین

ترك زبانان وهم فارسیشان‌را درمیان فارسی‌گویان مشخص میسازد . این‌طرز تلفظ و ادای مخارج مخصوص کـه برای پاره‌ای از حروف دارند همه عیناً در تاتی و هرزنی که بقایای آذری قدیم است موجود است، از اینرو میتوانیم بگوئیم این طرز تلفظ از زبان فهلوی‌آذری بزبان کنونی منتقل شده‌است، وباآنکه به‌ترکی سخن میگویند تلفظ قدیم ایرانی خودرا حفظ کرده‌اند.(۱)

آقای دکتر ماهیار نوابی در دنباله مقاله خود در نشریه دانشکده ادبیات تبریز که درباره زبان‌کنونی آذربایجان نوشته‌برای اولین‌بار چندصد لغت فهلوی آذری وفارسی را از لابلای زبان ترکی‌آذربایجانی بیرون‌کشیده وبراساس قواعد زبانشناسی ایرانی‌بودن‌آنهارا ثابت‌کرده است(۲). سپس‌آقای استاد ادیب‌طوسی که دارای‌تحقیقاتی ممتّع درلهجه‌های‌آذربایجان‌است تحت عنوان «نمونه‌ای‌چند ازلغت‌آذری» لغت‌نامه نسبتاً مفصلی ازکلمات موجودآذری در لهجه‌ها و در زبان ترکی، که قریب دوهزارکلمه درلهجه‌های‌آذری وزبان ترکی‌آذربایجانی میشود روی هم پیدا کرده است .

آقای ادیب طوسی لغات موجودآذری را بر سه دسته تقسیم کرده است .

دسته اول ـ اسامی قراء و قصبات وشهرها و امکنه‌آذربایجان است که از قدیم باقی‌مانده وهشتاد درصدآنها مأخوذ اززبان متروك‌آذری فهلوی‌است‌وشمار آنها به ۱۰۷۷کلمه میرسد .

دسته دوم ـ کلماتی‌اززبان‌آذری‌که‌درضمن محاوره فعلی‌مردم‌آذربایجان در تداول ترکی بصورت قدیمی خود باقی مانده‌است وشماره‌آنهابه۳۶۴کلمه میرسد.

۱ـ دکتر ماهیار نوابی : زبان‌کنونی آذربایجان نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره ۲ سال ۱۳۳۲ شمسی

۲ـ نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم سال ۱۳۳۳ شمسی تحت عنوان « زبان‌کنونی آذربایجان»

دسته سوم ـ آثارمکتوب زبان فهلوی آذری که در فرهنگها و سفینه‌ها و کتابها بصورت لغت یا ترانه و عبارتی بجای مانده است و شمار آنها به ۴۶۷ لغت میرسد(۱) .

بعضی از اختصاصات ترکی آذری ـ بنا بر تحقیقات اخیر رادلف ، ساموئیلویچ Samoilovich و Radloff زبان ترکی آذری از گروه زبانهای ترکی جنوبی بشمار میرود وبا ترکی آناطولی ، و ترکمنستان ، و شبه‌جزیره بالکان ، و سواحل کریمه در یك گروه قرارمیگیرد . مهم‌ترین لهجه‌های مشابه آذری که به‌این‌گروه مربوط است ازاین قرارمیباشد :

۱ـ باکو و شیروان

۲ـ گنجه و قراباغ

۳ـ تبریز

۴ـ اورمیه

بعضی از اختصاصات دستوری آن ازقرار ذیل است :

۱ـ در زبان آذری دونوع « E » وجود دارد یکی باز دیگری بسته . اولی فتحه‌های عربی وفارسی را تبدیل به‌کسره میکنند مانند : فقط ، وطن که : feget ، و veten تلفظ میشود (در تبریز فقط ووطن با فتح اول و دوم تلفظ شود) همچنین اگراین‌حرف فتحه‌دار درعربی«عین» باشد بازبکسره تبدیل‌گردد مانند . عطر، علی ، معدن ، یعنی، که در ترکی آذری ، etir ، eli ، و méden ، Yéni تلفظ شود (درتبریز به‌فتح تلفظ‌گردد)

۲ – دیفتونگ av ، ev در ترکی عثمانی ، درآذری تبدیل به ō شود مانند pilav (پلو) و devlet (دولت) که درآذری تبدیل به pilo و döylat شود .

۱ـ نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هشتم شماره ۴ ، وسال نهم شماره ۲و۳و۴

۳ـ حرف «ق» عربی غالباً به «گ» و «ق و گ» بدل گردد مانند . حقیقت که: hegigat (در تبریز hagigat) وعقیده : egide ، بقال baqgal وسقا Saqga .

۴ـ ق ، ترکی عثمانی ، در آذری گاهی تبدیل به «خ» گردد مانند باقماق : باخماخ ، چخماق : چخماخ .

۵ـ در لهجهٔ آذری قراباغ وگنجه گاهی «ك» وسط و آخر تبدیل به «خ» شود مانند بؤیوخ Böyux درایران بیوك (باتخفیف کاف) چکمك : چخمخ .

۶ـ ی (y) ابتدا در ترکی عثمانی ، در آذری حذف گردد مانند yil (سال) : il ، yuz : üz : (صورت) .

۷ـ گاهی «ت» و، «د» بدون قاعدهٔ کلی در زبان ترکی عثمانی و آذری بیکدیگر تبدیل شوند مانند: dut (توت)، düshmek (افتادن)، tartmak (آسیاکردن، وزن کردن) که در زبان آذری : tut ، Tushmek، dartmax شده است.

۸ـ در کلمات غیر ترکی تای آخر کلمه بعد از «خ» ، یا «س» غالباً می‌افتد ، مانند وقت : vax آبدست : evdes (در تبریز abdas)، دوست: dos . اما هنگامیکه بعد از آن حرف صدادار باشد باقی می‌ماند مانند : vaxtim ، abdaste و dosta.

۹ـ بای ابتداکه بعد از آن «ن» باشد غالباً به «م» بدل شود مانند. بن ben ، بونجوك Bonjuk که در آذری: man (من) و munjux (مونجوق) یعنی خرمهره میشود. باستثنای : boynuz (شاخ) و bende (بنده). که در ترکی آذری buynuz (شاخ) و bandeh (بنده) گویند .

۱۰ـ نون خیشومی در بسیاری از لهجات باقی مانده مانند : Donuz (در تبریزی: دوغوز، یعنی خوك)، mana: بمن(عثمانی bana). اما اگر بعد از آن حرف صداداری باشد می‌افتد مانند: mâna(عثمانی bana) ، (gôul) kòul : قلب (عثمانی gonul (عثمانی gonul) ، Gözua (عثمانی Gözune) (به‌چشمش)، در لهجه باکوو

ایران این «،ن» تبدیل به واو(W) شود .

مانند : Evüwe (عمانی Evinin) یعنی‌خانه ات .

۱۱ـ حرف «ر» غالباً درلهجه‌آذری ایران در دوم‌شخص مفرد وجمع وسوم شخص‌فعل‌حذف شود :

مانند Dir dir که حرف «ر» را ازدست داده didi (گفته) میشود .

۱۲ـ دربعضی‌ازلهجات ترکی‌آذری حرف «ر» تبدیل به«یا» شود ، مانند : مراغه : میاغه ، روانه : یوانه .

۱۳ـ حرف «را» در بعضی از کلمات مأخوذ ازفارسی تبدیل ، به «ل» شود . مانند . خنجر، انجیر، ضرر،که درترکی‌آذری: Xanchal و injil وZaral میشود.

۱۴ـ واو ویای معروف فارسی‌غالباً درآذری به واو ویای مجهول بدل شود مانند : دوست ، شور ، کور ، زور، ودیو، بیل، که درآذری : Dost ، Shor و Kor و Zor و Dêv ، bêl میشود (۱) .

دستور زبان ترکی‌آذری ـ1 زبان‌ترکی آذربایجـانی از لحاظ فونتیک دارای نه صدا بقرارذیل است :

۱ـ آ A مانند : آچار(کلید) ، آختار (جستجوکن) .

۲ـ اَ a مانند : اَل al (دست) اَك ak (بکار) .

۳ـ اِ é مانند : وِر Ver (بده) سِلSel (سیل) .

۴ـ اُ o ، مانند: أد od (آتش) (درتبریز ot).

۵ـ ئو (مانند e فرانسه) مانند: öli (أَلی) (مرده) .

۶ـ او u کوتاه) مانند : دوز duz (نمك) .

۷ـ او (ü کشیده) مانند ü درآلمانی : دوز düz (راست) .

۱ـ مقاله جعفر اوغلو A. Cafer Oglu در دائرة المعارف جدید اسلامی (طبع‌فرانسوی) ج۱ رسالهٔ ۴ ص ۱۰۷ـ۲۰۰ تحت عنوان «آذری» .

۸- ِای (کوتاه i) مانند : قیش qish (زمستان) .

۹- ِای (کشیده î) مانند: بیر bir . یك

2- بین حروف زبان ترکی آذری هماهنگی موجوداست بطوریکه اگر کلمه‌ای باحروف ثقیل آغازشده باشد به‌حروف ثقیل نیز انجام می‌پذیرد ویا بالعکس اگر بحرف خفیف آغاز گردیده باشد، به‌حرف خفیف نیز تمام میشود .

حروف ثقیل مانند : آدام ـ آداملار (آدم ـ آدمها) .

حروف خفیف مانند، ئورَدك ـ ئوردكلَر(اردك ـ اردكها) .

3- علامت جمع لار lâr و لَر lar است بنا برقاعدهٔ فوق اگر آخرین حرف با صدای اسم آ â و اُ o واو u واو ü باشد علامت جمع «لار» است .

مانند: آدام (آدم)،: آداملار(آدمها) ، آت (اسب) :

آت‌لار (اسبها) . یول yol (راه) : یول‌لار (راهها) .

دوز duz (نمك) : دوز لار (نمکها) .

سو(آب) : سولار Sulār آبها .

اگر آخرین‌حرف باصدای‌اسم . اَ â و اِ é وئو e وای i (خواه‌کوتاه وخواه بلند) باشد ، علامت جمع lar لَر آورده شود مانند :

سبت sabat (سبد): سبت لر (sabatlar) ، سبدها ، یل yel: یل‌لر(بادها) .

گز gez (geuz) چشم.گزلر (چشم‌ها) gezlar ، گج (گژ) gej . گج لر gejlār (گیجها)،درتبریز بجای گج وگژ(گیج وگیژ) میگویند که جمعش میشود:(گیژلر).

4- اسم درترکی آذری شش‌حالت دارد و بمقتضای حالات مختلف درحرف آخر آن تغییر پیداکردد :

۱- حالت فاعلی Nominative دراین‌حالت حرف آخراسم ساکن‌است مانند: احمدگلدی (احمدآمد) . آچارسیندی (کلید شکست) .

۲ـ حالت مفعول به ACcusative-e در این حالت آخر اسم صدای (ای «i») میدهد مانند :

احمدی و ُوردیلار : (احمد را زدند) ، بوشقابلاری سیندیردیلار (بشقابها را شکستند) ، سن کتابی آلدین (توکتاب را خریدی) .

۳ ـ حالت مفعول الیه dative که حرف آخر اسم صدای فتحه A میدهد مانند. مهمانخانَیه چوخ یول قالیر (به مهمانخانه خیلی راه مانده) .

۴ ـ مفعول فیه Locative دراین حالت در آخر اسم پس از حروف صدادار تقبل دا dâ و پس از حروف صدادار خفیف دَه da آید، مانند . بشقاب دا (در بشقاب)، کاسه دَه (درکاسه) .

۵ـ حالت مفعول عنه دراین حالت در آخر اسم پس از حروف صدادار ثقیل. دان dân و پس از حروف صدادار خفیف . دَن dan آید مانند : بازاردان گلدیم (از بازار آمدم) ، احمددن آلدیم (از احمد گرفتم) .

۶ ـ حالت اضافه genetive دراین حالت در آخر مضاف الیه «این» in افزوده شود و مضاف الیه برمضاف مقدم گردد . و در آخر مضاف یك «ی» i اضافه شود . مانند . احمدین کتابی (کتاب احمد) ، کاسنین سینیغی (شکسته کاسه)، باغین قاپی سی (در باغ) . اگر در آخر اسم حرف صدادار (Voyelle) ویا،های غیر ملفوظ بدل از حرکت باشد به آخر مضاف الیه «نین» و بآخر مضاف ، سی ، افزوده گردد . مانند . آتانین اداره سی (اداره پدر)، پنجره نین شیشه سی (شیشه پنجره) .گاهی از جهت اختصار حرف نون از آخر علامت اضافه حذف شده «ی» i، باقی ماند ، مانند : خیاوان چراغی (چراغ خیابان) .

جدول حالات اسم

نام حالت	مفرد	جمع
حالت فاعلی	احمدگلدی	احمدلَرگلدیلَر
حالت مفعول‌به	بوشقابی (بشقاب را)	بوشقاب لاری
مفعول‌الیه	مکتَبه (به‌مکتب)	مکتبلَرهَ
حالت مفعول‌فیه	توپراقدا (در خاك)	توپراقلاردا (درخاکها)
حالت مفعول‌عنه	توپراقدان (از خاك)	توپراقلاردان ازخاکها
حالت اضافه	توپراقین	توپراقلارین
	مکتبین	مکتبلَرین
	آتانین	آتالارین
	پنجره‌نین	پنجره‌لرین

5 – علامت تصغیر در ترکی آذری : خیردا (خرده) ،کیچیك (کوچك)بالا (کوچك) است که پیش از اسم آورده شودکه غالباً مأخوذ از پارسی است مانند: خیردا چورك (خرده نان) ، کیچیك حَیط(حیاط‌کوچك) ، بالاباغ (باغ‌کوچك). گذشته از اینها پساوند هایی مانند : جَه ، جا ، چَه ، چا ، بآخر اسم افزوده و آنرا مصغر سازند مانند : آز (اندك) : آزجه (اندکك) ، بالا (کوچك) : بالا جا (کوچکك) ، باغ : باغچا (باغچه) .

6 ـعلامت‌نسبت‌درترکی‌آذری«لی» li وگاهی‌لو lu است:مانندتبریز:تبریزلی (تبریزی) (تربیزلی)شام : شاملو(شامی)[۱]وآن غالباً معنی‌دارنده صفتی‌رامیدهد مانند:قوت:قوتلی(دارنده‌قوت)سوز(سخن): سوزلی(سخنور)، حیا:حیالی(باحیا).

۱ـ (لو) درترکی تبریزی بکار میرود

7 – صفت تفصیلی با افزودن ادات ، راخ (راق) بآخر صفت مطلق حـاصل آید مانند : سویوخراخ : سردتر .

هرگاه ادات لاپ و «آن» an را به اول صفت مطلق افزایند ، صفت عالـی حاصل آید و معنی خیلی دهد مـانند : لاپ سویوخ (خیلی سرد) ، ان بویوك : خیلی‌بزرگ (بزرگترین)(آن مربوط به ترکی عثمانی‌است).گاهی‌درعلامت‌صفت عالی «راخی» که به آخر صفت مطلق‌افزوده شده، موصوف بصورت جمع پیش‌از آن آورده میشود مانند : آدام‌لارین یاخشی راخی (راقی) (بهترین آدمها) .

امروز مردم تبریز صفت تفضیلی و عالی راکمتر بکار میبرند، و غالباً بجای آن صفت مطلق را استعمال میکنند، مثلا بجای صفت تفصیلی : بوقیزاوقیزدان گوزل راخدی (این دختر از آن دختر خوشگل‌تر است) گویند :

بوقیزُاندن ُاندن‌گوَزلدی ، (این دختر ازآن یکی زیباتر است) و بجای صفت عالی هم ترجیح میدهند که باول صفت مطلق لفظ ، هامی‌دان Hammidân (از همه) بیاورند مانند : بوقیزهامّیدان گوزلدی (این دختراز‌همه زیباتراست). در این زبان اصولا صفت پیش از موصوف آید مانند : بویوك‌آتا (پدر بزرگ) قرمزی‌کاغذ (کاغذ قرمز) .

8 ـ ضمایر منفصل‌از این قرارند وهمیشه پیش از اسم یا فعل‌آورده‌شوند:

	مفرد	جمع
اول شخص	مَن	بیز (ما)
دوم شخص	سَن (تو)	سیز (شما)
سوم شخص	ُا o (او)	اولارolâr(ایشان)

این‌ضمایر درحالت مفعولی‌با افزودن (ی i)بآخر آنها چنین صرف‌شوند:

منی (مرا)	بیزی (مارا)
سنی (ترا)	سیزی (شمارا)
اونی oni (اورا)	اولاری olâri ایشان را

درحالت اضافه پساوندهای ذیل به آخر ضمایر منفصل افزوده شده ومضاف الیه را طبق قاعده کلی پیش از مضاف آورند وافاده ملکیت کند :

منیم کتابیم (کتاب من)	بیزیم کتابیمیز (کتاب ما)
سنین کتابین (کتاب تو)	سیزین کتابیز (کتاب شما)
اونین کتابی onin (کتاب او)	اولارین کتابی (کتاب ایشان)
	اولارین کتاب لاری

اصولا ضمیر هم مانند اسم در حالات شش گانه همان پساوندها را پذیرد ، مانند: من (من) منی(مرا)، منه (بهمن)منده (درمن) مندن(ازمن) سنین(مال تو)

9 ـ ضمایر متصل همان «م» ین ، ی ، میز ، ایزی ، است که در مثال فوق به آخر کتاب افزوده شود .

10 ـ کلمه «ئوز» öuz (خود) ضمیر مشترك یانفس است و همواره با ضمایر متصل همراه است وپیش از فعل آورده شود : من ئوزوم ووردوم (من خودزدم) سن ئوزون ووردون(توخودت زدی)، اوئوزی ووردی (اوخودش زد)بیزوئوزوموز، و وردوخ(ماخودمان زدیم)، سیزئوزوز و وردوز(شماخودتان زدید)،اولارئوزلری و وردولار (ایشان خودشان زدند) .

11 ـ ضمایر اشاره از اینقرارند :

مفرد	جمع
بو (این)	بولار Bulâr اینها
او o (آن)	انلار onlâr (آنها)
ان on (آن)	اولار olâr (آنها)

12 ـ مبهمات در ترکی آذری از اینقرارند :

هَر: هر کیم (هرکه)، هربیری(هریك)کس ،کیمسه (کس) ، فلان، هامی (همه)، همین، بهمان ، بیریسی (یکی) ، اُبیریسی (دیگری)، اُوزکه (دیگری) هِچ (هیچ)که غالباً فارسی یا باقی‌مانده ازآذری‌قدیم‌است . گاهی بجای«هر»لفظ «دَه» به آخر کلمه بیفزایند مانند : گیجه‌ده (هرشب) بجای «هرگیجه»، گونده (هرروز) . بجای «هرگون»

13 ـ ادوات استفهام از اینقرار است و اغلب فارسی است : کیم (که ؟) ، نیجه (چطور ؟) ، هانی (کو ؟) نَه (چه ؟) ، هارا (کجا ؟) نَمنه (چه ؟) هاردادی (کجاست؟)، هانسی (کدام ؟) ، هابیری (کدام یك) نجه ، نجور (چگونه ؟) ، نه‌وقت (کی) هاچان ،هاچاق (کی)؟) میر mayar (مگر ؟)، نه‌قدر(نقَده) (چند؟) اولمیَه ، (مباد) یوخسا (مگر؟) .

14 ـ حرف موصول در ترکی آذربایجانی همان «که» موضول فارسی‌است مانندکه ، در این بیت‌صائب .

نه‌احتیاج که ساقی ویره شراب سَنه

که‌ئوزپیاله سینی ویردی‌آفتاب‌سنه

یعنی : احتیاجی نیست‌که ساقی بتوشراب دهد ، زیراکه آفتاب پیاله خود را بتو داده است :

15 ـ عدد برچهار نوع است :

اول : اصلی : بیر (یك)، ایکی (دو) ، اوچ (سه) ، دورت dort (چهار) ،بش Besh (پنج) آلتیAlti(شش)،یدیyeddi (هفت)،سکیز(هشت)،دقّوز doqquz (نه)، اُنon(ده)ایگیرمیigirmi (بیست)ان بیر(یازده)،ان ایکی(دوازده)ان اوچ(سیزده)،

اُن دورت (چهارده) ، اُون بِش (پانزده)، اُون آلتی(شانزده)، اُون یدّی، (هفده)، اُن سَکّیز(هجده)، اُن‌دوقّوز(نوزده)، ایگیرمیigirmi(بیست)، اُتوز otuz(سی)، قیرخ (چهل)، آللی Alli (پنجاه) ، آلتمیش Altmish (شصت)، یِتمیش yetmish (هفتاد) ، سَگسان Sagsân، هشتاد (هشتاد) ، دوقسان Doqsân ،دوخسان doxsân (نود) . یوز yuz (صد)، ایکی‌یوز (دویست) ، دوقوزیوز (نهصد)، مین (هزار) ، بیرمین (یکهزار)، ایکی‌مین(دوهزار) یوزمین(صدهزار)، مین‌مین(هزارهزار،یا میلیون) .

دوم اعداد ترتیبی‌یا وصفی که بآخر عدد اصلی اینجی inji افزایند مانند : بیر : بیرینجی (یکم) ، دورت : دورتینجی (چهارم) .

در تبریز در عدد ترتیبی بجای اینجی ، مینجی ، آورند مانند بیرمینجی - یوزمینجی .

سوم ـ اعداد کسری که اول صورت و سپس مخرج را تلفظکرده به آخر آن لفظ، دَن‌بیر، danbir افزایند مانند $\frac{۴}{۵}$ که «دورت بِش دَن بیر»خوانده شود.

چهارم ـ اعدادتوزیعی‌که عدد را تکرار نمایند ، مانند : بیربیر (یك‌یك)، اون اون on on (ده ده) بِش بِش (پنج پنج) .

عددبا معدود مطابقت‌نکند مانند : بِش‌اوشاخ (اشاق): (پنج بچه)،ایکنجی شاگرد (شاگرد دوم) .

16 ـ قید برسه نوع است

اول: قیدبسیط مانند: تز(زود) ،گج (دیر)، چوخ(بسیار)، دوز(راست)،لاپ (خیلی، حتماً، خالص)، یوخاری (بالا)، آشاقی(پایین)، ایندی (اکنون)، دوغری (راست) یُخ (نه) ، آنجاق (فقط)، ایچین (برای)، گرك garak (باید) .

دوم ـ قید مرکب که مرکب از قید بسیط وادات است . مانند :

یاواش ـ جا (آهسته)، ایکنجی (دوم)، تز ـ جه (زود) .

سوم ـ مرکب از دوکلمه مانند : گوله‌گوله (خندان خندان) ، چکه چکه (کشان‌کشان)، هچ‌وقت(هیچ وقت) الی‌بوش ali bosh (دست خالی)، شك‌سیز(بدون شك) قاچا قاچا (دوان دوان)

17 ـ لهجه‌ترکی آذری‌اززبانهای‌التصاقی‌است langue Agglutinante وکلمات درآن ازدوقسمت مشخص ریشه‌وادات‌تشکیل‌میشود، وادوات پساوندهایی هستند که‌به‌آخرکلمات‌افزوده‌شود وغالباً بخودی‌خودمعنی‌ندارندولی‌درمعنای‌کلمه تغییر میدهند . مانند : لیق (لیخ) : داش‌لیق (سنگلاخ) ،آذربایجان‌لی(آذربایجانی) ، مَردَلی، مَردلی (مردی)، لیگ:گونده‌لیگ (روزانه)،آی‌لیگ (ماهانه)چی: آراباچی(عرابه‌چی)، ایش ish : دولانیش(گردش) ، اوش : قورولوش (ساختمان، سازمان)، چا، چه‌چیق، برای تصغیر: کتابچا، دفترچه،آلاچیق. سیز: علامت نفی است مانند: دادسیز(بیمزه)، پول‌سیز(بی‌پول)، ما، مه: قیزارت‌ـ ما (سرخ‌کرده) ، سوز‌ـ مه(صاف‌شده) . ایکن ikan معنی‌محل‌دهد مانند: بازار دا ایکن(دربازار) (ایکن دخیل ازترکی‌عثمانی‌است که درلجهٔ تبریزی: بازار دا اولاندا، یعنی در بازارگویند)، دك، بمعنی تامانند: تهرانا دك (تاتهران)، (درتبریزی. تهراناجا (جان) . تا تهران گویند .)

ایله ، بمعنی با، مانند :آت ایله گلدیم (با اسب آمدم). ایسه، بمعنی اگر مانند : چالیشار ایسه (اگربکوشد) (ایسه دخیل درترکی است ودر ترکی متداول تبریز بجای آن « چالیش‌سا » گویند) . ساری ، بمعنی سوی ، مانند : سنه‌ساری گلیرم (سوی تو می‌آیم) ، نان (با) :آت نان گلدیم (با اسب آمدم)

18ـ **فعل** ـ ریشه فعل در ترکی‌آذری دوم شخص مفرد فعل امر است که درتصریف ادوات دیگربه‌آن افزوده گردد: مانند : گل gal (بیا) ، گت get(برو)

مصدرـ مصدر ازافزودن ادات « ماخ » (ماق) برآخرفعل امر حاصل‌آید

مانند: گل: گلماخ (آمدن) ـگت :ـگتماخ (رفتن) ، یات : یاتماخ (خوابیدن) دی (ـد) : ـدیماخ (گفتن) ، سوز ـدیماخ (سخن‌گفتن)

اسم مصدر ـعلامت اسم مصدر«لیك» لیق، (لیخ)است که به‌آخرهر اسمی میتوان افزود مانند: دلی(دیوانه): دلی‌لیك، دلی‌لیق(دیوانگی)،گاهی‌باافزودن ادات: ایش،اوش. به‌آخرفعل اسم مصدرحاصل‌شود مانند: ـیری : ـیریش(روش) دور(بایست) : دورش (ایستش، طرزایستادن)

فعل متعدی ـ برای‌آنکه فعل لازمی را متعدی سازند بآخر ریشه فعل ، ادات دیرdir می‌افزایند ، مانند :آل (بگیر): آلدیر(وادار بگرفتن‌کن)

اگرآخرین‌حرف‌فعل‌دارای‌حرکت‌ضمه‌باشد، بجای‌دیر، «دور» dur افزایند مانند: اول eul (بمیر): الدور(بمیران‌وبکش)،گولgul (بخند):گولدور(بخندان). اگرفعل منتهی به‌الف باشد برای سهولت تلفظ « نونی » بین‌آن و ادات « زیر » بیاورند مانند یوللا Yolla (بفرست براه انداز) : یوللاندیر(وادار بفرستادن‌کن)

فعل معلوم ومجهول ـ فعل مجهول ازمتعدی بنا شود و علامت‌آن : اول ul وایل il درآخرریشه‌فعل‌است‌مانند: دی (بزن): دیـول(زده‌شو)، دیدی(زد): دیولدی (زده‌شد) ، آپار(ببر) :آپاریل (برده شو)

اسم‌فاعل– برای ساختن اسم فاعل بریشهٔ افعالی‌که طبق قاعده‌کلی‌به‌هجای کوتاه ختم‌می‌شوند«آن» an، وآنهایی‌که به‌هجای‌بلند ختم‌میشوندآن ân بیفزایند مانند : بولن (داننده) ،آلان (خریدار) قاچ(بگریز). قاچان(گریزان‌وگریزنده).

ساختمان اسم مفعول مانند بنای وجه وصفی‌است‌که ذیلا ذکرآن‌خواهدآمد.

وجه وصفی ـ برای ساختن وجه وصفی بآخرریشهٔ فعل اگر حرکت‌آخر آن«آ» â و«ای» i باشد ادات «میش» (با یاء مجهول)، واگرحرکت‌آخرآن«او» u

باشد«اوش» (باواو مجهول)درآورند ،که وضع وحالت‌رابرساند مانند: قال(بمان) قالمیش (مانده) ،گورgeur (به‌بین):گورمیش (دیده)

فعل امر ـ امر مفرد مخاطب ریشه فعل است وبراساس‌آن دیگر افعال را صرف کنند: گَل (بیا) ـِگد(برو).

برای ساختن فعل امر اگر حرکت‌آخر یا ماقبل‌آخرریشه فعل فتحه ویا کسره باشد پساوندهای ذیل را بدنبال ریشه بیفزایند مانند :

مفرد	جمع
گَلیم (بیایم)	گَلاخ (بیائیم)
گَل (بیا)	گلین (بیائید)(گاهی:گلون)
گَلسین (بیاید)	گَلَ سینلَر(بیایند)

واگرحرکت‌حرف ماقبل‌آخرریشهٔ فعل‌ضمه‌باشد پساوندهای‌ذیل‌افزوده‌شودمانند:

مفرد	جمع
دوتوم (بگیرم) (گاهی:توتوم)	دوتاخ (بگیریم)
دوت (بگیر)	دوتون (بگیرید)
دوتسون (بگیرد)	دوتسونلار(بگیرند)

ماضی مطلق ـ برای ساختن ماضی مطلق اگرحرکت‌آخرریشهٔ فعل فتحه ویا کسره باشد پساوندهای ذیل را بدنبال ریشه بیفزایند مانند :

گلدیم (آمدم)	گلدیخ(آمدیم) (گاهی:گلدوخ)
گلدین (آمدی)	گلدیز(آمدید) (گاهی:گلدوز)
گلدی (آمد)	گلدیلر(آمدند)

واگرحرکت‌آخر ریشه فعل ضمه باشد این پساوندها افزوده شود :

اُخودوم (خواندم) اُخودوخ (خواندیم)
اُخو-دون (خواندی) اُخو-دوز (خواندید)
اُخو-دی (خواند) اُخو-دولار (خواندند)

ماضی استمراری ـ برای ساختن ماضی استمراری از افعالی که حرکت آخر ریشهٔ آنها فتحه یا کسره باشد پساوندهای ذیل را افزایند: ایردیم، ایردین ایردی ، ایردیخ ، ایردیز، ایردی لَر مانند :

گلیردیم (می‌آمدم) گلیردیخ،گلیردوخ (می‌آمدیم)
گلیردین،گلیردون (می‌آمدی) گلیردیز ،گلیردوز (می‌آمدید)
گلیردی (می‌آمد) گلیردیلر (می‌آمدند)

و اگرحرکت آخر ریشه فعل ضمه باشد پساوندهای ذیل افزوده شود : اوردوم ، اوردون ، اوردی ، اوردوخ ، اوردوز، اوردولر، مانند :

بولوردوم (میدانستم) بولوردوخ (میدانستیم)
بولوردون (میدانستی) بولوردوز (میدانستید)
بولوردی (میدانست) بولوردو لَر (میدانستند)

بعضی اوقات این ماضی برای دوام در استمرار بکار رود در این صورت پساوندهای زیربه‌آخرریشه افزوده شود :

گلَردیم همیشه (می‌آمدم) گلَردین (گلردوخ) می‌آمدیم
گلَردین (می‌آمدی) (گاهی:گلردون) گلَردیز (می‌آمدید)
گلَردی (می‌آمد) گلَردیلَر (می‌آمدند)

ماضی نقلی ـ برای ساختن ماضی نقلی اگرحرکت‌آخرریشهٔ فعل فتحه‌یا

کسره باشد پساوندهای ذیل را افزایند: میشَم، میسَن، ایب[دور]میشیخ‌میسیز ایبَلر . مانند :

کَلْمیشم (آمده‌ام)	گلمیشیخ (آمده‌ایم)
کَلْمیسن (آمده‌ای)	گلمیسیز (آمده‌اید)
کَلْیبُدر(آمده است)	گلیبَلر (آمده‌اند)

واگرحرکت‌آخرریشه فعل ضمه باشد ، پساوندهای ذیل افزوده‌گردد:

موَشم (موشام)، موش(موسان)، اوب [دور]، موشوخ، موسوز، اوب‌لار،مانند:

(اخوموشام) اُخوموَشم(خوانده‌ام)	اُخوموشوخ (خوانده‌ایم)
اُخوموَسن (خوانده‌ای)	اُخوموسوز(خوانده‌اید)
اُخوُیب (ُدر) (خوانده‌است)	اُخوُیب‌لار(خوانده‌اند)

ماضی بعید- برای ساختن ماضی بعید بآخر وجه وصفی هرفعل‌بمقتضای حرکت‌آخرریشه پساوندهای ذیل افزوده شود : دیم (دون)، دین(دون)، دی،دیخ (دوخ) ، دیز(دوز) دیلَر (دولر)، مانند:

کَلْمیش دیم(آمده‌بودم)	گلمیش دیخ (آمده بودیم)
گلمیش‌دین (آمده بودی)	گلمیش‌دیز(آمده بودید)
گلمیش‌دی (آمده بود)	گلمیش‌دیلَر(آمده بودند)

اگر وجه وصفی با لفظ ، موش، ختم شود پساوندهای زیرافزوده گردد :

گورموش‌دوم (دیده بودم)	گورموش‌دوخ (دیده بودیم)
گورموش‌دون (دیده بودی)	گورموش‌دوز (دیده بودید)
گورموش‌دی (دیده بود)	گورموش‌دولار(دیده بودند)

ماضی التزامی- برای ساختن‌ماضی‌التزامی درآخر وجه وصفی‌پساوندهای ذیل ازمصدر(اولماخ : شدن) افزوده میشود ازاینقرار:

گلمیش اولام (آمده باشم) گلمیش اولاخ (آمده باشیم)
گلمیش اولاسان (آمده باشی) گلمیش اولاسوز(آمده باشید)
گلمیش اولار (آمده باشد) گلمیش اولا لار (آمده باشند)

گاهی بجای ادوات اولام ، اولاسان ، اولار ، اولاخ ، اولاسوز ، اولالار ،در لهجهٔ متداول تبریز ادوات ذیل را افزوده و : گلمیش اولسام ، گلمیش اولسان ، گلمیش اولسا ، گلمیش اولسوخ ، گلمیش اولسوز ،گلیش اولسالار گویند.

مضارع اخباری ـ برای‌ساختن‌مضارع اخباری که‌دلالت برزمان‌حال کند اگرآخرین حرکت یا حرف با صدای ریشهٔ فعل زبر، زیر ، پیش وای ı واو u باشد – پساوندهای ذیل بدنبال‌آن افزوده‌گردد از اینقرار :

گلیرَم (می‌آیم) گلیریخ (می‌آییم)
گلیرسَن (می‌آیی) گلیرسیز (می‌آیید)
گلیری (می‌آید) گلیرلَر(می‌آیند)

و اگر آخرین حرکت یاآخرین حرف با صدای ریشهٔ فعل او o و آ باشد پساوندهای زیر افزوده شود .

یوموررام (می‌بندم) یوموروخ (می‌بندیم)
یوموررسان (می‌بندی) یوموررسوز (می‌بندید)
یوموری (می‌بندد) یوموررلار (می‌بندند)

برای ساختن مضارع اخباری که دلالت براستقبال‌کند پساوندهای ذیـل بر اصل فعل افزوده گردد :

یومارام (بعد می‌بندم) یوماروخ (بعد می‌بندیم)
یومارسان (بعد می‌بندی) یومارسوز (بعد می‌بندید)
یومار (بعد می‌بندد) یومارلار (بعد می‌بندند)

مضارع التزامی – برای ساختن مضارع التزامی اگر آخرین حرکت یـا آخرین‌حرف باصدای‌اصل‌فعل ، زبر، پیش،زیر، ای ı ، او ü باشد پساوندهای‌ذیل

بدان افزوده گردد از اینقرار:

کَلَم (بیایم)	کَلاخ (بیاییم)
کَلَسَن (بیایی)	کَلَسیز (بیایید)
کَلَه (بیاید)	کَلَه لَر (بیایند)

اگر آخر آن او o یا آ â باشد پساوندهای ذیل افزوده شود:

یوماَم (ببندم)	یوماخ (ببندیم)
یوماسان (ببندی)	یوماسوز (ببندید)
یوما (ببندد)	یومالار (ببندند)

فعل‌مستقبل – برای ساختن فعل مستقبل اگر آخرین‌حرکت یا آخرین حرف باصدای اصل فعل : زبر، پیش ، زیر ، ای ı ، او u باشد پساوندهای ذیل به آخر آن افزوده گردد ازاینقرار :

کَلَه جاقام (خواهم آمد)	گله جاقیخ (جاقیق) خواهیم آمد
کَلَه جاقسان (خواهی آمد)	گله جاقسیز (خواهید آمد)
کَلَه جاق (خواهد آمد)	گله جاقلار (خواهند آمد)

اگرآخرین‌حرف باصدای‌اصل فعل . ُا o ،او u «آ»â باشد پساوندهای‌زیر افزوده شود از اینقرار :

از ریشه : آل (بگیر)

آلاجاقام (خواهم گرفت)	آلاجاقیخ(جاقیق).(خواهیم‌گرفت)
آلاجاقسان (خواهی‌گرفت)	آلاجاقسیز (خواهید گرفت)
آلاجاق [دور] (خواهدگرفت)	آلاجاقلار (خواهند گرفت)

وجه‌شرطی- برای‌ساختن‌وجه‌شرطی‌درتمام‌زمانها، پس‌از«اگر»فارسی‌به‌ندرت لفظ «سه» sa افزوده شود ودرفعل و پساوندهای‌آن تغییری‌داده نمیشود مثلا: اگر

سه گلَم (اگر بیایم) ، اگر سه گلَیردیم (آگرمی‌آمدم) اگر سه گلمیشم (اگر آمده‌ام) ، اگر سه‌گلمیشدیم (اگر آمده بودم) اگر سه‌گله جاقام (اگر خواهم آمد) . گاهی ادات ، سَه ، را بعد از فعل وپساوند بیاورند ازاینقرار: اگرگلم سَه (اگر بیایم) ، اگرگلمیشدیم سَه (اگرآمده بودم) . غالباً ادات «سَه» را بعد از ریشهٔ فعل پیش ازپساوند بیاورند از اینقرار :

اگر گلْسم (اگر بیایم)	اگر گلْساخ (اگربیاییم)
اگر گلْسن (اگر بیایی)	اگر گلْسیز (اگر بیایید)
اگر گلسه (اگربیاید)	اگر گلسه‌لر (اگر بیایند)

فعل‌منفی ـ علامت نفی « نه » یا «ما» است‌که پس از ریشه فعل و پیش از پساوندها درآید .

مانند:گل مه‌یم (نیامدم) ،آلمادین، آلمادون (نگرفتی) برطبق قاعده کلی مه ma بعد از هجاهای کوتاه ، و ما mâ بعد از هجاهای بلند درآید :

گلْمیرَم (نمی‌آیم)	گلمیریخ (یق) (نمی‌آییم)
گلْمیسَن(نمی‌آیی)	گلمیسیز(نمی‌آیید)
گلْمیر (نمی‌آید)	گلمیرلر (نمی‌آیند)

آلماخ :

آلمیرام (نمی‌گیرم)	آلمیریق (المبریخ) : نمی‌گیریم
آلمیسان (نمی‌گیری)	آلمیسیز (نمی‌گیرید)
آلمیر (نمی‌گیرد)	آلمیرلر (نمی‌گیرند)

درسوم شخص‌مفرد وجمع مضارع‌برای استقبال،«ر»پساوند تبدیل‌به«ز»شود، ونیزدرماضی‌استمراری‌نوع‌دوم که‌برای‌دوام دراستمراراست«ر»تبدیل‌به«ز» گردد:

گلْمَزدیم (نمی‌آمدم)	گلمزدیخ (دیق) . نمی‌آمدیم
گلْمزَدین (نمی‌آمدی)	گلمزدیز (نمی‌آمدید)
گلْمزَدی (نمی‌آمد)	گلمزدیلر (نمی‌آمدند)

علاوه برمـَه ومادوفعل‌ناقص‌دِگل(دَ‌یل)Dailو، یوخ، بطورمنفی‌صرف‌شوند:

دَیلَم (دیرَم) (نیستم)	دَیلَوخ(ق)دیروخ. نیستیم
دَیلسَن (دَیرسن) (نیستی)	دَیلسوز،(دیرسوز) (نیستید)
دَیل[دور] (نیست)	دَیللَر(نیستند)

یوخ :

یوخام (نیم)	یوخوخ (ق). نییم
یوخسان (نییی)	یوخسوز(نیید)
یوخدور(نیست)	یوخدولار(نیند)

بجای، دَ‌یل درلهجه تبریزی، دیور، یا، دییر، ودرلهجه مراغه، دییل، بکار میرود .

جمله بندی ـ ترکیب جمله درترکی‌آذری عیناً مانند جمله‌بندی در زبان فارسی‌است یعنی نخست فاعل یا مسندالیه وسپس مسندو مفعول ودرآخرفعل یا حرف رابطه می‌آید ، مانند :

هوا خوش دی (هوا خوش‌است)

من‌اللّهَ شکر اِیدیرَم (من‌خدا را شکرمیکنم)

بیزیم وطنمیزایران‌دور: وطن ما ایران است

من وطنمی سُیورم: من وطنم را دوست دارم

تبریز بویوك شهردیر(تبریزشهر بزرگی است)

سیزین اغلوزمنیم دوستوم دیر (پسرشما دوست من است)[1]

۱ـ مطالب این فصل خلاصه‌ای ازکتاب دستور زبان‌کنونی‌آذربایجان تالیف دانشمند محترم آقای عبدالعلی‌کارنگ طبع تبریز ۱۳۴۰ شمسی ، و مأخوذ از خودآموز زبان آذربایجانی تألیف دکترسلام‌الله جاوید، طبع تهران۱۳۴۳ شمسی، وکتاب تجریداللغات اثرطبع‌آخوند میرزا علی بادکوبی طبع طهران ۱۳۱۴ قمری ، و مبانی دستور زبان آذربایجان تألیف م. ع فرزانه تهران ۱۳۴۴، وساختمان فعل درزبان ترکی از دیده زبانشناسی تالیف دکتر نادر وزین‌پور طبع تهران۱۳۴۰است.

فهرست کتابهای ترکی به‌لهجهٔ آذربایجانی (۱)

کتابهایی‌که به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی دردست است قدیم‌نیست وازسه‌قرن ودویست‌کتاب‌تجاوز نمیکنداین کتابهاورسالات به‌سه‌بخش‌بشرح‌زیر تقسیم‌میشود:

اول – دیوان غزلیات و اشعارکه بهترین نمونه آنرا میتوان دیوان صرّاف واحد ، راجی وخلیفه‌گرمرودی ومعجرشبستری وحیدربابای شهریارنام برد .

دوم – کتابهای نوحه ومراثی‌که غالباً به‌نظم است بجزکتاب‌کلیات دخیل‌که به‌نظم ونثر هردوآمده است . مراثی صافی ، حسینی ، ذهنی و صرّاف ازبهترین آنها بشمارمیرود .

سوم – داستانهای گوناگون که غالباً ترجمه کتابهای هزارویکشب و امیر ارسلان وحمزه وحسین‌کرد وبعضی از داستانهـای شاهنامه و نظامی بزبان ترکی عامیانه است .

اینك فهرست بیشترآنها را بترتیب حروف الفبا دراین مختصرمی‌آوریم[۱]

۱– **ادبی اثرلر** – مجموعه‌ای ازآثارشعرا ونویسندگان‌آذربایجان است‌که در۱۳۲۰ شمسی به‌قطع ۲۲×۱۵ در۳۴ صفحه درتبریزبطبع رسیده است .

۲– **اصلی وکرم** ترجمه و نگارش علی تبریزی بقطع ۲۱×۱۴ در۲۰۰ صفحه که موضوع آن داستانی عشقی درباره دوشخصیت خیالی اصلی وکرم و از انتشارات کتابفروشی بابك خرم‌دین درتبریز است.

دراین داستان اصلی دختری ارمنی وکرم پسری مسلمان است .

۱– ماخذ نگارنده در این فهرست در درجه اول رساله ختم تحصیل شاعر دانشورآقای علی حریرچی‌که درتحت عنوان استقصای فهرست‌آثارموجود درلهجه محلی‌آذربایجان ، درسال ۱۳۳۷ دردانشکده ادبیات‌تبریز بااینجانب گذرانیده‌است،وسپس کتاب دانشمندان‌آذربایجان وتجسسات شخصی است

۳ـ **امثال و حکم درلهجه محلی آذربایجانی** ـ تألیف آقای علی اصغر مجتهدی‌که درسال۱۳۳۴ش بقطع ۲۴ × ۱۶ باکاغذکاهی درتبریز بطبع رسیده‌است.

۴ـ **اوباشدان خوروزی** (خروس صبحگاهی) منظومه ای است از شخصی که نام اختصاری او درپشت کتاب م ـ ب آمده و درسال ۱۳۲۲ ش در ۲۴ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است .

۵ـ **بختیارنامه** – داستان منظومی است اثرطبع فدائی‌که ظاهراً ازشعرای شیروان است و زبان آن با لهجه آذربایجانی اندك فرقی دارد. این کتاب بقطع ۱۷ × ۱۰ در۲۱۰ صفحه درتبریز ازطرف انجمن روابط فرهنگی ایران وشوروی در۱۳۲۴ شمسی بطبع رسیده است

۶ـ **تاریخ زندگانی حضرت یوسف و زلیخا** ـ ترجمه یوسف و زلیخای فارسی است، چاپ سوم آن درسال ۱۳۳۶ ش‌در۸۶ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۴ سانتیمتر درتبریز از طرف موسسه مطبوعاتی فردوسی بطبع رسیده است .

۷ ـ **تحفةالعلومی** ـ اثرطبع میرزا حسین علومی، در ذکر مصائب ومراثی چهارده معصوم که در ۲۲۶ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ در تبریز از طرف کتابفروشی سعادت بطبع رسیده است .

۸ـ **تعبیرات** و اصطلاحات و امثال مشترك فـارسی وآذربایجانی : تـالیف هوشنگ ارژنگی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال نهم ۱۳۳۶ شمسی

۹ـ **تجریداللغات** ـ یانصاب ترکی، اثرطبع آخوند آقا میرزا علی‌بادکوبی که درحاشیه‌آن شرح نصاب و امثال سایره ترکی نیز نوشته شده و در۱۲۷صفحه بقطع ۲۱ × ۱۳ سانتیمتردرسال ۱۳۱۴هجری قمری درتهران باچاپ سنگی‌بطبع رسیده است .

۱۰ـ **تفریح نامه لازمیه** ـ رساله‌ای است که موضوع آن اشعاری تفریحی اثرطبع شاعری بنام میرزا جواداست، درپانزده صفحه بتوسط‌کتابفروشی فردوسی

در۱۳۳۵ درتبریز بطبع رسیده است.

۱۱ـ **توسلات صابر** ـ در مراثی اثر طبع حـاجی میرزا عباسقلی صابر که به‌تصحیح سعدی زمان متخلص به حسینی در۲۹۶صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ در۱۳۳۴ درتبریز بطبع‌رسیده است.

۱۲ـ **ثعلبیّه** ـ داستانی است منظوم وشیرین اثرطبع ملامحمد باقرخلخالی که درعصرناصرالدین شاه ساکن زنجان بود و در۸۸صفحه بقطع ۲۱ × ۱۷ بتوسط کتابفروشی علمیه در۱۳۲۹ باچاپ سنگی درتبریز بطبع رسیده است.

۱۳ـ **جلیل محمد قلی‌زاده** (ملانصرالدین)ـ موضوع این‌رساله‌مقالاتی‌است از نویسندگان آذربایجان درباره جلیل محمدقلی‌زاده مدیرروزنامه ملانصرالدین که از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی درسال ۱۳۲۳ در۴۱ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۵ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است.

۱۴ـ **جوهرالمصائب** ـ درمراثی، اثر طبع تائب، میرزاصادق متخلص به تائب تبریزی‌که جلد اول آن در ۲۸۵ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۶ توسط کتابفروشی مصباحی درتبریزبطبع رسیده است.

۱۵ـ **چهارده معصوم حسینی**ـ درمراثی، اثرطبع سید رضاحسینی(سعدی زمان) که در۲۱۰ صفحه توسط کتابفروشی مصباحی درسال ۱۳۲۴ درتبریز بطبع رسیده است.

۱۶ـ **چهل طوطی** ـ داستان چهل طوطی است به لهجه ترکی آذربایجانی که در۴۸ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر توسط کتابفروشی سعادت مکرر بطبع رسیده است.

۱۷ـ **حدیقةالحقیقه یا مختارنامه** ـ داستان‌کربلا وقصه مختاربن ابی‌عبید ثقفی و معجزات ائمه اطهار که در ۵۸۴ صفحه بقطع ۲۵ × ۱۷ توسط کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده و ترجمه از فارسی است.

۱۸ـ **حکایت نوش آفرین** ـ ترجمه اززبان فارسی‌که درتبریزمکرربطبع رسیده است .

۱۹ـ **حکایت سیمین‌عذار** ـ ترجمه از فارسی که در تبریز مکرر بطبع رسیده است .

۲۰ـ **حیدربابایَه سلام** ـ اثر طبع شاعر شهیر معاصر استاد محمد حسین **شهریار** ، درباره خاطرات‌کودکی خودکه بقطع ۲۰ × ۱۵ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است . جلد دوم آن راکتابفروشی سعدی در۱۳۴۶ منتشرکرده است .

۲۱ـ **خاورنامه** ـ ترجمه داستان خاورنامه است به لهجه ترکی‌آذربایجانی که مترجـم آن معلوم نیست ، ودر۲۱۸ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۹ سانتیمتر تـوسط کتابفروشی فردوسی مکرر درتبریز بطبع رسیده است .

۲۲ـ **خودآموزترکی** ـ که مشتمل بردوکتاب یکی « بضاعة مزجاة » تالیف میرزا خلیل بن عباسقلی، و دیگری نصاب ترکی‌تالیف یحیی بن مصطفی‌الحسینی زنوزی متخلص به مضطر است، که باهتمام سید قاسم هادیان ازطرف کتابفروشی دانش جنب دارالـفنون در ۶۰ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۵ سانتیمتر در تهران بطبع رسیده است .

۲۳ـ **خودآموز زبان آذربایجانی و فارسی** ، تالیف دکتر سلام‌الله جاوید که بقطع جیبی در۱۰۱ صفحه در۱۳۴۳ درتهران چاپ شده است .

۲۴ـ **خودآموز یا مکالمات روزمرّه زبان ترکی آذربایجانی** که تـوسط کتابفروشی فردوسی در۴۸ صفحه بقطع ۱۴ × ۲۰ سانتیمتر درتبریز بطبع رسیده است (۱)

۲۵ـ **داستان امیرحمزه صاحبقران** ـ ترجمه این داستان است بـه لهجه ترکی‌آذربایجانی که‌مترجم‌آن معلوم‌نیست، ودر۹۴صفحه‌بقطع ۲۱ × ۱۴سانتیمتر

۱ـ رجوع شود به دیوان مضطر

توسط کتابفروشی فردوسی در ۱۳۴۱ در تبریز مکرر بطبع رسیده است .

۲۶ـ **داستان قمرالزمان**ـ ترجمه این داستان است به‌لهجه‌ترکی آذربایجانی که توسط کتابفروشی ادبیه وحقیقت تبریز در ۷۹ صفحه بقطع ۲۱ × ۲۱ سانتیمتر درسال ۱۳۳۲ بطبع رسیده و مترجم آن معلوم نیست .

۲۷ـ **داستان کوکه یولداشی‌خواجه رشید** ـ این داستان به قام تمکینی نامی است‌که توسط خود وی در ۳۰ صفحه بقطع ۱۷ × ۱۱ سانتیمتر در ۱۳۳۷ برای سرگرمی کودکان درتبریز بطبع رسیده است .

۲۸ـ **دزد وقاضی بغداد** – این‌قصه ترجمه داستانی‌ازهزارویکشب است که در ۳۲ صفحه بقطع ۱۵ × ۱۰ سانتیمتر توسط کتابفروشی فردوسی در تبریز بطبع رسیده و نویسنده آن معلوم نیست .

۲۹ـ **دستورزبان‌کنونی آذربایجانی** ، تالیف فاضل‌معاصر آقای عبدالعلی کارنگ‌که در ۵۲ صفحه بقطع وزیری درتبریز درسال ۱۳۴۰ شمسی چاپ ومنتشر شده است .

۳۰ـ **دهه عاشورا یا شورش کربلا** ـ درمراثی‌اثرطبع محمد حسین‌صحّاف که در ۱۲۸ صفحه بقطع ۱۹ × ۱۱ سانتیمتر توسط کتابفروشی حقیقت باچاپ سنگی درتبریز بطبع رسیده است .

۳۱ـ **دیوان اعظمی یا شکوفه‌های خونین**ـ اثرطبع بیوك اعظمی‌که درسال ۱۳۴۳ شمسی درتبریز بطبع رسیده است .

۳۲ ـ **دیوان مضطر** ـ اثر طبع جبّار مضطراردبیلی‌که در ۳۷۲ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ باهتمام حسنقلی‌داودی درسال ۱۳۷۰ قمری‌درتبریز بچاپ‌رسیده وموضوع آن احوالات کربلا و مصائب اهل بیت خامس‌آل عباست ، و نام کتاب یادگاری مضطر میباشد .

۳۲ـ **دیوان زائر** ـ درمراثی ومصائب خامس آل‌عبا ، اثرطبع‌کربلائی اسد

زائر محمدی متخلص به زائر که جلد اول آن در ۱۶۷ صفحه بقطع ۱۵×۱۰ و جلد دوم آن بقطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر از طرف کتابفروشی اسدی و جلدسوم و چهارم آن درسال ۱۳۳۵ ازطرف کتابفروشی مصباحی درتبریز بطبع رسیده است .

۳۳ـ **دیوان شهاب** ـ درمراثی ومصائب اهل بیت اثر طبع یوسف شهاب که جلد اول آن در۲۶۴ صفحه بقطع ۱۶×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۲ شمسی وجلد دوم آن در۲۸۸ صفحه درسال۱۳۳۴ درتبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۳۴ـ **دیوان شأنی** ـ درمراثی ائمّه اثرطبع مشهدی‌حسین شأنی‌که جلد اول آن در۱۱۲ صفحه بقطع ۱۵×۹ سانتیمتر در۱۳۷۰ قمری و جلد دوم‌آن در ۹۷ صفحه در۱۳۷۳ قمری ازطرف‌کتابفروشی تهران درتبریز بطبع رسیده است .

۳۵ـ **دیوان عاصی** ـ اثرطبع حسن عاصی ، در مراثی ومصائب ائمّه و اهل بیت پیغمبرص‌که جلد اول‌آن بقطع۱۶×۱۰سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی‌مصباحی در ۱۳۳۳ شمسی وجلد دوم آن در ۲۷۱ صفحه از طرف کتابفروشی سعدی زمان در۱۳۳۸ درتبریز بطبع رسیده است .

۳۶ـ **دیوان‌صافی** ـ درمراثی، اثرطبع‌صافی که جلد اول‌آن‌در۱۶۷ صفحه بقطع۲۰×۱۵ سانتیمتر، وجلد دوم‌آن‌در۱۴۰ صفحه ازطرف کتابفروشی‌سعادت درتبریز بـه چاپ سنگی رسیده است . مرحوم تربیت مینویسدصافی، آقاکریم تبریزی ازخانواده حاجی‌جعفردائی معروف بوده ودر۱۳۴۸ قمری وفات یافت و دیوانش درتبریزچاپ شده است .(۱)

۳۷ـ **دیوان ذهنی یا رسالهٔ حسینیه** ـ درمراثی اثرطبع‌مشهدی‌علی‌اصغر ذهنی ، که در ۱۴۴ صفحه بقطع ۱۶×۱۱ سانتیمتر از طرف‌کتابفروشی علمیه در تبریز بچاپ سنگی رسیده است (۲)

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۱۴ .

۲ ـ « « ص ۱۵۳ .

۳۸ـ **دیوان گلزار ذوقی**ـ درمرائی اثرطبع حاجی محمدابراهیم ذوقی که جلد اول آن در۲۵۷ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی مصباحی در تبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۳۹ـ **دیوان کاشفی با ملحقات** ـ در مرائی ، اثر طبع علی آقازاده متخلص به‌کاشفی که در۱۴۸ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۱ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی صداقت در تبریز بطبع رسیده است .

۴۰ـ **دیوان صحّاف یا کواکب المصائب** ـ در مرائی اثر طبع محمد حسین جنتی مقام متخلص به صحاف که در۲۸۹ صفحه بقطع ۲۰ × ۱۶ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی سروش با چاپ سنگی به ضمیمه اشعار کربلائی حسین متخلص به‌طوری در تبریز بطبع رسیده است .

۴۱ـ **دیوان محمد امین مسمی به‌دلسوز** ـ درمرائی که در۱۷۳ صفحه به‌قطع ۲۱ × ۱۶ درسال ۱۲۹۶ قمری در تبریز بطبع رسیده است . محمد امین تبریزی ملقب به استاد ومتخلص به دلسوز بود ومیرزا سروش و میرزا مظهر معروف از جمله شاگردان او بودند . دیوانش مرکب از اشعار فارسی و ترکی بوده ومکرر در تبریز به چاپ رسیده است (۱)

۴۲ ـ **دیوان سید ابوالقاسم مشهور به مجنون شاه قره‌جه داغی** ـ که مجموعه‌ای ازاشعار شاعراست در۱۳۵ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۶ درسال ۱۳۲۴قمری در تبریز بطبع رسیده است .

۴۳ـ **دیوان راجی** ـ اثرطبع حاجی میرزا ابوالحسن تبریزی(۱۲۴۷ـ۱۲۹۳ قمری)که شاعری خوش‌مزه وشیرین‌بیان بود و دیوانش مرکب از پارسی وترکی مکرر درتبریز چاپ شده و در سال ۱۲۴۷ قمری درهنگام مراجعت از مکه در دریای احمر غرق شد ،

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۱ .

پسر وی عبدالحمید متخلص به ناجی است که او نیز شاعر بوده و دیوانی دارد.(۱)

دیوان راجی در ۲۴۱ صفحه بقطع ۱۶ـ۲۲ سانتیمتر با چاپ سنگی در تبریز بطبع رسیده است.

۴۴- دیوان جیران خانم ـ وی از خوانین محترمه طایفه دنبلی‌ها و از خانواد مشهور آذربایجان بود در شهر تبریز تولد یافت تاریخ تولد و فوت او معلوم نیست. از خویشان او شنیده شد که درهنگام وفات هشتاد سال داشته است. دیوانی دارد مشتمل بر قصاید وغزلیات ومقطعات وترجیعات مرکب از پارسی و ترکی قریب به چهار هزار وپانصد بیت و غالب اشعار او در مدایح مادر و خواهر عباس میرزا نایب‌السلطنه است.

قطعهٔ ذیل را درباره وبای سال ۱۲۴۷ هجری قمری گفته است.

ای خدا شیعیان هلاك شدند — نوجوانان بزیر خاك شدند

مادران دل شکسته و نالان — مرده شورند بهر فرزندان

ای خدا این بلا شدید شده — از فرج خلق نا امید شده (۲)

دیوان ترکی وی در ۱۳۷ صفحه بقطع ۲۱×۱۷ سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران وشوروی درسال ۱۳۲۴ شمسی در تبریز بطبع رسیده است.

۴۵- دیوان میرمرحوم - این دیوان بضمیمهٔ دیوان دلسوز به قطع ۱۶×۲۲ درسال ۱۰۲۸ هجری قمری در تبریز به چاپ سنگی رسیده است.

۴۶- دیوان دلخون - در مراثی، اثر طبع میرزا علی متخلص به دلخون که به قطع ۱۴×۲۱ درسال ۱۳۲۱ شمسی در تبریز بطبع رسیده است.

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۵.

۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۲۶.

۴۷ـ **دلخون دیگری نیز بنام حاجی‌محمد** مشهور به شجاع‌الملك از شعرای قرن سیزدهم در تبریز بوده‌که دراواخر آن قرن با مولانا بزمی‌خویی در طهران مناظره ومشاجره داشته واشعارش بزبان ترکی است (۱)

۴۸– **دیوان دلریش** ـ اثر طبع کربلائی علی‌اصغر معروف به سینه زن، از سخنوران ترکی زبان آذربایجان بود و دسته حسینی دلریش، بنام وی شهرت یافته است .(۲)

اشعار وی بیشتر در مراثی است دیوان وی در ۵۱۷ صفحه بقطع ۲۸ × ۲۰ سانتیمتر درسال ۱۳۲۹ شمسی در تبریز بچاپ رسیده است .

۴۹ـ **دیوان آثار جاویدان** ـ اثر طبع حسین کیاورکه جلد اول آن در ۱۰۳ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۶ از طرف کتابفروشی فردوسی درسال ۱۳۳۴ ش در تبریز بچاپ رسیده است .

۵۰ـ **دیوان نوری** (نوبهار آفاق) – در مراثی‌که در ۱۵۶ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر درسال ۱۳۳۰ در تبریز بطبع رسیده است .

۵۱ـ **دیوان شکوهی** ـ اثر طبع حاجی مهدی تبریزی آینه سازکه در تبریز سکنی‌داشت ودرسال ۱۳۱۴ هجری قمری برحمت ایزدی‌پیوست ـ اشعاراو به‌پارسی وترکی است وکلیات نظم ونثرش در تبریز بچاپ رسیده است :(۳)

۵۲ـ **دیوان شکوهی دیگر** ـ اثر طبع محمدقلی بامیه‌ساز متخلص به‌شکوهی که در ۲۱۰ صفحه بقطع ۲۲ × ۱۶ سانتیمتر درسال ۱۳۳۱ قمری در تبریز بچاپ سنگی رسیده است .

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۵۱ .
۲ ـ » » ص ۱۵۱ .
۳ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۹۹ .

۵۳- **دیوان صرّاف**ـ رضا صراف از سخنوران تبریز است که شغل وی بر خلاف نامش تنباکو فروش بوده است . دیوانش مرکب از پارسی و ترکی است و در سال ۱۳۲۲ قمری بقطع ۲۴ × ۱۶ بچاپ سنگی رسیده است . تاریخ وفات او در سال ۱۳۲۵ هجری قمری بوده است (۱)

۵۴ـ **دیوان علائی** - اثر طبع ابراهیم کماری علائی که بیشتر در مراثی است و در ۱۵۰ صفحه بقطع ۱۸ × ۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی اسدی در تبریز بطبع رسیده است .

۵۵ـ **دیوان رائی** - در مراثی ، اثر طبع میرزا رضا عربی خوان متخلص به رائی که جلد اول آن در ۱۱۶ صفحه بقطع ۱۵ × ۹ در سال ۱۳۳۶ شمسی از طرف کتابفروشی مصباحی در تبریز بطبع رسیده است .

۵۶ـ **دیوان عاصم** - اثر طبع میرزا علی اکبر محدث طباطبائی خیابانی متخلص به عاصم ، در مراثی ، که در ۲۰۰ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر در سال ۱۳۳۶ شمسی به چاپ رسیده است .

۵۷ـ **دیوان عباسیّه شأنی** - درمراثی ، اثر طبع مشهدی حسین شانی که در ۱۹۲ صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر در سال ۱۳۶۹ هجری قمری در تبریز بطبع رسیده است (۲)

۵۸ـ **دیوان میرزا آقاجان اهری** - از شعرای ترکی زبان آذربایجان بود دیوان او در دست نیست .(۳)

۵۹ـ **دیوان اشك ریز** - درمراثی ، اثر طبع ملاحسین از نوحه سرایان ترکی زبان تبریز که در ۱۳۳۳ در باکو وفات یافت (۴)

---

۱ ـ رجوع کنید به دانشمندان آذربایجان ص ۲۳۰ .
۲ ـ رك : دیوان شانی .
۳ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۹ .
۴ ـ « « ص ۴۳ .

۶۰ـ **دیوان افسر** ـ اثرطبع میرزاعبدالله اردوبادی‌که‌ازشعرای دوره‌محمد شاه قاجار بود.(۱)

۶۱ـ**دیوان حکیم‌الهی اردبیلی**ـ ازسخنوران‌ترکی‌زبان‌آذربایجان‌درقرن سیزدهم هجری که درسال ۱۲۹۲ هجری قمری در گذشت .(۲)

۶۲ـ **دیوان‌آقامیرزا علی‌خوئی** – از سخنوران ترکی زبـان آذربایجان وفات او در ۱۲۹۶ هجری قمری بود .(۳)

۶۳ـ **دیوان پرغم** – وی از سخنوران تبریز است و مدتی در بلاد عثمانی و ازمیر میزیست ، دیوانش بعنوان « غم خانه » معروف است و مکرر در تبریز چاپ شده وغزلیاتی شیرین بزبان پارسی وترکی دارد . دیوانش را درسال ۱۲۸۰ هجری قمری تألیف‌کرده است (۴)

۶۴ـ**دیوان پروانه** ـ ملامحمدتقی‌تبریزی‌معروف‌به‌خلّاق‌المعانی‌ومتخلص به پروانه در علوم منطق وهیئت وریاضیات سرآمد عصرخود بود بیشتر اشعار او بزبان ترکی است .(۵)

۶۵ـ **تالاندی** ـ از سخنوران معروف قصبه گرگر (در حوالی جلفا) است ودرناخوشی وبای‌سال ۱۲۸۳ هجری قمری در گذشت . اشعارش بترکی است (۶)

۶۶ـ **دیوان تائب** ـ حاجی‌خداویردی اصلا ازقصبه چورس ازدهستان‌های

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۴۶ .
۲ ـ ایضاً ص ۴۹ .
۳ ـ ایضاً ص ۷۰ .
۴ ـ ایضاً ص ۷۵ .
۵ ـ ایضاً ص ۷۵ .
۶ ـ ایضاً ص ۸۴ .

ماکو بود ودر۱۲۰۱ هجری درهمانجا درگذشت ، دیوانش مرکب ازاشعار پارسی و ترکی است .(۱)

۶۷ـ **دیوان تراب** ـ از سخنوران ترکی زبان آذربایجان در قرن سیزدهم هجری .(۲)

۶۸ـ **دیوان توپچی** ـ محمدعلی‌سلطان ازاهل قریه هریس خانمرود ، از سخنوران اوایل‌قرن‌چهاردهم هجری‌است‌که بپارسی‌وترکی‌هردوشعرمیسرود.(۳)

۶۹ـ **دیوان ثابت تبریزی** ـ حاجی‌محمدعلی بصنعت صحافی‌میگذرانید و در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در شصت سالگی درگذشت ـ دیوانش مرکب ازاشعار ترکی وفارسی است .(۴)

۷۰ـ **دیوان ثابت‌خوئی** ـ ملاحسین از سخنوران قرن چهاردهم در خوی بود و درهمان شهر درگذشت دیوانش مرکب از اشعار پارسی وترکی است .(۵)

۷۱ـ **دیوان‌درویش‌بلبل** ـ میرزا محمدتقی‌تبریزی ازسخنوران‌ترکی‌زبان آذربایجان بشمار میرفته ودرسال ۱۲۶۵ هجری زنده بوده است .(۶)

۷۲ـ **دیوان‌معجزشبستری** ـ آثارمنتخبه میرزا علی‌معجز شبستری که در ۲۵۰ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۵ سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی درسال ۱۳۲۴ درتبریز منتشرشده است .

۷۳ـ **دیوان‌نشاءتبریزی** ـ میرزا عبدالباقی تبریزی متخلص بـه نشاء از احفاد جهانشاه خان قراقویونلواست ودرعلوم ریاضی وسیاق‌نویسی‌دست داشت و

۱ ـ ایضاً ص ۸۴ .
۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۸۵ .
۳ ـ ایضاً ص ۸۷ .
۴ ـ ایضاً ص ۸۹ .
۵ ـ ایضاً ص ۹۰
۶ ـ ایضاً ص ۱۴۹ .

معاصر شیخ محمد علی حزین و آذربیگدلی بود، تاریخ فوتش را در ۱۱۵۸ هجری ضبط نموده‌اند. دیوانی از وی تا دو هزار بیت مرکب از اشعار پارسی و ترکی دردست است (۱)

۷۴ ـ **دیوان نباتی** ـ اثر طبع سید ابوالقاسم نباتی فرزند سید محترم اشتوبینی است که گاهی مجنونشاه وخان‌چوپانی تخلص میکرد. دراوائل حال درقریه اشتوبین که کرسی محال دیزمارقراجه داغ (ارسباران) است نشوونمایافت ومدتی به شهراهرمهاجرت نمود و دربقعه شیخ شهاب‌الدین مشغول ریاضت شد دراواخر عمر به مسقط‌الراس خود مراجعت کرده در ۱۲۶۲ قمری درهمانجا درگذشت. دیوان او متضمن اشعار فارسی و ترکی و کردی است و درتبریز به طبع رسیده است. (۲)

۷۵ـ **دیوان یلدا** ـ یلدای ماکوئی (۱۲۵۸ـ۱۳۱۳) ـ دیوان او مرکب از اشعارپارسی و ترکی است (۳)

۷۶ـ **دیوان فانی تبریزی** ـ میرزا صادق متخلص بـه فانی از سخنوران قرن سیزدهم هجری است و در ۱۲۵۵ هجری تولد یافت و بیشترعمر خودرا در گنجه‌گذرانید، دیوانش مرکب از اشعار فارسی و ترکی است. کتابی بنام خمسه ـ ادبیه، تألیف کرده که قسمتی‌ازآن بطبع رسیده است. (۴)

۷۷ـ **دیوان‌مضطر** ـ میریحیی‌بن مصطفی زنوزی متخلص به‌مضطربپارسی و ترکی شعرمیگفت دیوانش در تبریز چاپ شده است. منظومه مختصری هم بنام مشوّق‌الصبیان از ترکی بفارسی‌درمقابل‌نصاب‌الصبیان‌تالیف‌کرده‌که درسال۱۳۰۸ش

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۷۵.
۲ ـ ایضاً ص ۳۷۱.
۳ ـ ایضاً ص ۴۰۳.
۴ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۲۹۱.

درتبریز باچاپ سنگی بطبع رسیده[۱] ومجدداً درمجموعه‌ای بنام خودآموز ترکی درتهران توسط کتابفروشی دانش (خیابان ناصرخسرو) انتشاریافته است .

۷۸ـ **دیوان شاه اسمعیل** ـ داستان شاه اسمعیل صفوی بترکی به قلم علی تبریزی که در۱۹۶ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۵ سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی آتورپات درتبریز بطبع رسیده است .

۷۹ـ **رستم نامه ترکی** ـ ترجمه رستم نامه بترکی آذربایجانی‌که در۱۳۰ صفحه بقطع ۲۳ × ۱۷سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی سعادت مکرر درتبریزبطبع ـ رسیده است .

۸۰ـ **شانلی آذربایجان قورخولی** ـ دراشعارمتنوعه اثرطبع مهدی‌اعتماد که در۲۱۸صفحه بقطع ۱۱ × ۱۷سانتیمتربسال ۱۳۲۵درتبریز ازطرف‌کتابفروشی سروش بطبع رسیده است .

۸۱ـ **صائب** ـ شرح حال صائب تبریزی ، بقلم مرحوم حاج محمد آقا نخجوانی و ترجمه غلام محمدلی بترکی‌که در۲۳ صفحه بقطع ۲۰ × ۱۴سانتیمتر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در۱۳۲۴ شمسی درتبریزبطبع رسیده است .

۸۲ـ **عاشق غریب ایله شاه صنم** (عاشق‌غریب باشاه صنم) ـکه موضوع آن داستان عشق ورزیدن غریب به شاه صنم است و در ۱۴۴ صفحه بقطع ۲۱ × ۱۴ سانتیمتر از طرف‌کتابفروشی بابك خرم دین درتبریز بطبع رسیده است .

۸۳ـ **قهرمان‌نامه**ـترجمه داستان قهرمان‌نامه بترکی است‌که در۱۱۲صفحه بقطع ۱۴ × ۲۲ سانتیمتر ازطرف کتابفروشی اسدی درتبریز بطبع رسیده است .

۸۴ـ**عقایدالاسلام مقدس اردبیلی**ـ ترجمه میرزا اسمعیل‌بن حاج‌حسین

۱ ـ ایضاً ص ۳۴۸ .

معروف به مسأله‌گو تائب‌تبریزی- بقطع‌خشتی، که درسال۱۳۳۲ باهتمام میرزا شفیع محاسب‌الملك در ۳۲۹ صفحه درتبریز بطبع سنگی رسیده‌است .

۸۵ـ **کتاب سماوریه و آینه‌اخلاق** - منظومه‌ای است‌فکاهی‌اثرطبع مهدی اعتماد ناطقی (اعتمادالشعراء) که در۳۲ صفحه بقطع ۱۵ × ۹ سانتیمتر از طرف کتابفروشی فردوسی درتبریزطبع شده است .

۸۶ـ **کتاب بحرالاحزان** - مراثی ، اثر طبع حاجی غلام نوری قالیچی که در۲۰۰صفحه بقطع ۱۶ × ۱۰ سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی سروش درسال ۱۳۶۰ قمری درتبریز بطبع رسیده است .

۸۷ـ **کتاب‌شیرویه** - ترجمه داستان شیرویه بترکی‌که در۱۴۳صفحه بقطع ۲۵ × ۱۸سانتیمتر درسال ۱۳۳۴ شمسی ازطرف‌کتابفروشی حقیقت درتبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۸۸ـ **کتاب‌مهروماه** - داستانی است بترکی‌آذربایجانی‌که در۸۰ صفحه‌بقطع ۲۱ × ۱۷ سانتیمتر درتبریز بچاپ سنگی رسیده است .

۸۹ـ **کلّیات‌مختارنامه** - ترجمه مختار نامه فارسی‌بترکی‌آذربایجانی‌است که در۵۵۶ صفحه‌به قطع ۲۵ × ۱۸سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

۹۰ـ **کلیات دخیل‌آل عبا** - درمراثی، اثرطبع آخوند ملاحسین‌مراغه‌ای از شعرای قرن سیزدهم هجری‌که اشعارش مشتمل بروقایع‌کربلابزبان‌ترکی‌است، درشش‌جلد مکرردرتبریز بچاپ رسیده،(۱) واخیرادر۶۰۰صفحه‌بقطع ۳۲سانتیمتر درآن شهربنام کلیات دخیل چاپ شده است .

۹۱ـ **کلیات ملانصرالدین** - داستانهای فکاهی ملانصرالدین است‌که در ۷۸

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۱۴۶ .

صفحه بقطع ۱۴×۲۰ سانتیمتر از طـرف کتابفروشی تهران ، در تبریز بطبع - رسیده است .

۹۲ـ **کلیات حکیم لعلی** - اثر طبع میرزا علیخان ایروانی شمس‌الحکماء (۱۲۶۱ـ۱۳۲۵) از شعرا و ادبای دوره قاجار و طبیب مخصوص مظفرالدین شاه ، که لعلی تخلص داشت وسجع مهر او «انّه لعلّی حکیم»(۱) از آیات قرآنیه بود. دیوانش مرکب از اشعار پارسی و ترکی است و مکرر درتبریز بچاپ رسیده(۲)و طبع اخیر آن در۲۱۶صفحه بقطع ۲۲×۱۴سانتیمتر ازطرف شرکت سهامی‌چاپ کتاب آذربایجان طبع شده است .

۹۳ـ **کلیات داستان هفت پیکر بهرام‌گور** - ترجمه و اقتباس ازهفت‌پیکر نظامی به نثرکه در۱۵۲ صفحه به قطع ۲۵×۱۷ سانتیمتر از طـرف کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

۹۴ـ **کلیات هفت جلدی اسکندرنامه** - ترجمه داستان اسکندرذوالقرنین که در۴۶۴ صفحه درسال ۱۳۳۵ ازطرف بنگاه مطبوعاتی فردوسی درتبریزبطبع رسیده است .

۹۵ـ **کلیات مصور الف ولیله**ـ ترجمه داستان‌هزارویکشب‌به لهجه ترکی آذری‌که در۳۶۰ صفحه بقطع ۲۵×۱۷سانتیمتر ازطرف کتابفروشی فردوسی در تبریزبطبع رسیده است .

۹۶ـ **کلیات هفت جلدی امیرارسلان رومی**ـ ترجمه داستان امیرارسلان رومی بترکی‌که در۲۹۲صفحه بقطع ۱۷×۲۲سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی‌فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

---

۱ ـ وانه‌فی‌امّ‌الکتاب لدنیالعلّی حکیم (قرآن ، سوره زخرف آیه ۴۳) .

۲ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۲۱ .

۹۷ـ کلیات دیوان فضولی ـ اثرطبع محمدبن سلیمان فضولی‌ازسخنوران قرن دهم ، اصلا از اکراد آذربایجان بوده، اشعار او بیشتر درلهجه آذربایجانی است و درپارسی وعربی نیزمسلط بوده وبه هرسه زبان شعرگفته ودیوانش‌مکرر چاپ شده است .

ازجمله آثارش: حدیقة السعداء ترکی، ترجمه روضةالشهداء ملا حسین کاشفی است.(۱) کلیات دیوان فضولی مشتمل برغزلیات و ساقی نامه و اشعار گوناگون در ۳۴۸ صفحه از طرف کتابفروشی اختر درسال ۱۳۰۸ قمری بطبع رسیده است .

۹۸ـ کلیات‌کتاب جنگی مسیب نامه ـ ترجمه یکی از داستانهای اسلامی که در۱۳۲۲ صفحه بقطع ۲۰×۱۴ سانتیمتر ازطرف‌کتابفروشی فردوسی‌درتبریز بچاپ رسیده است .

۹۹ـ کنزالحسینی ـ درمراثی ، اثرطبع سعدی زمان متخلص به حسینی‌که جلد اول ودوم آن در۲۵۶ و۲۹۲ صفحه بقطع ۱۶×۱۰توسط‌کتابفروشی‌مصباحی درسالهای ۱۳۳۳ و۱۳۳۵ درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۰ـ کور اوغلی (کورزاده) به‌نظم ونثر، ترجمه علی‌همّت‌زاده‌که در۱۶۰ صفحه بقطع ۲۰×۱۶ سانتیمتر درتهران بطبع رسیده است .

۱۰۱ـ گلزار ذوقی ـ درمراثی، اثرطبع حاج محمدابراهیم ذوقی که جلد اول آن در۳۷۵ صفحه بقطع ۱۶×۱۰ درسال ۱۳۳۳ و جلد دوم آن نیز درهمان سال ازطرف‌کتابفروشی مصباحی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۲ـ گلشن بهار ـ در مراثی ، اثرطبع محمد علی کریم متخلص به ذاکر که جلد اول آن در۲۰۴صفحه‌به قطع ۱۶×۱۰ سانتیمترازطرف مصنّف درتبریز در۱۳۳۶ بطبع رسیده است .

---

۱ ـ دانشمندان آذربایجان ص ۳۰۰ .

۱۰۳ـ **گلشن فیروز یا دیوان نائلی** ، درمراثی، اثرطبع محمد حسین‌نائلی که در ۱۶۰ صفحه بقطع ۱۵×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۶۰ قمری در تبریز از طرف کتابفروشی علمیه بچاپ سنگی رسیده است .

۱۰۴ـ **گلین لر بزکی** (زینت عروسان) اثر طبع سید مهدی‌اعتماد ناطقی مشتمل براشعارانتقادی وتفریحی‌که در۵۰ صفحه‌بقطع۱۵در۹ سانتیمتر در۱۳۳۶ درتهران بطبع رسیده است .

۱۰۵ ـ **گلین‌لرسوزی قینانالار دالینجه** (سخنان عروسان پشت سرمادر شوهرانشان) مشتمل برشعرهای تفریحی اثر طبع میرزا کریم مراغی که در ۳۲ صفحه بقطع ۱۷×۱۱ سانتیمتر از طرف کتابفروشی بادامچی در تبریز بچاپ رسیده است .

۱۰۶ـ **لایلای** ـ مجموعه شعر اثر طبع هزار که اصل آن بکردی است و توسط جعفر خندان به لهجه ترکی آذربایجانی ترجمه شده و بقطع ۲۰×۱۴ سانتیمتر ازطرف انجمن فرهنگی ایران و شوروی درتبریز انتشار یافته است .

۱۰۷ـ **لیلی ومجنون** ـ ترجمه داستان لیلی ومجنون بانضمام داستانهای: عاشق ، عمروگلی ، و ملکشاه‌که در۸۶ صفحه بقطع ۲۱×۱۵ سانتیمتر در ۱۳۳۷ شمسی ازطرف‌کتابفروشی فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۸ـ **لمعات الحسینی** ـ درمدایح پیغمبروائمّه ومراثی ایشان ، اثر طبع سعدی زمان متخلص‌به حسینی‌که در۴۵۱ صفحه بقطع ۱۶×۱۰سانتیمتر ازطرف کتابفروشی سروش در۱۳۳۶ شمسی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۰۹ـ **مبانی دستور زبان آذربایجان** (اصوات وکلمات) ، تالیف م . ع فرزانه ، تبریز ۱۳۴۴

۱۱۰ـ **مجموعه اشك آل** ، نوحه‌های شعرای سلف ومعاصر سراب ، گردآورنده جبار اظهری که در۲۵۶ بقطع ۱۵×۱۰ سانتیمتر ، از طرف کتابفروشی مهرسراب انتشار یافته است .

۱۱۱ – **مختصر پروتستانت** ـ تالیف رایت آمریکایی که در عقاید مذهب پروتستان در۱۹۰۶ دررضائیه بطبع رسیده است .

۱۱۲ـ **مکرزنان** ـ ترجمه داستان مکرزنان‌که ازطرف‌کتابفروشی‌فردوسی درتبریز بطبع رسیده است .

۱۱۳– **نخبه آثار شعرای آذربایجان** ـ در مرائی که در۲۸۸ صفحه بقطع ۱۷×۱۰ سانتیمتر در ۱۳۳۵ شمسی ، از طرف کتابفروشی بنی هاشمی در تبریز منتشر شده است .

۱۱۴ـ **واحدین غزللری وترکی تصنیفلر** ـ مشتمل برغزلیات واحد و ترانه‌های مشهورترکی‌که در۱۶۰صفحه‌بقطع۲۱×۱۵سانتیمترازطرف‌کتابفروشی و بنگاه شادمانی تهران به طبع رسیده است .

۱۱۵ـ **ولقان**ـ رمانی‌است به‌لهجه‌ترکی‌آذربایجانی به‌قلم‌آقای‌علینقی‌کاتبی که در۲۴ صفحه بقطع ۱۱×۲۴ سانتیمتر از طرف‌کتابفروشی چمن‌آرا درتبریز بچاپ رسیده است .

بجز آثارفوق الذکر از آثار ذیل باید نام برد :

۱۱۶–آثارامانی– اشعاربانوامانی در۹۶ صفحه‌کتابفروشی‌نورمحمدی ۱۳۴۲

۱۱۷–انتقام کربلا– اثر ذاکرکریمی در۲۷۲ ، تبریزکتابفروشی‌سعدی۱۳۴۳

۱۱۸–اصغریه – درمرائی ۶۸ صفحه ، تبریزکتابفروشی سعدی ۱۳۴۴

۱۱۹–بهار بی‌خزان(جلداول)– اثرطبع‌حسینی،سعدی زمان در۳۷۵ صفحه ، تبریز ۱۳۴۷

۱۲۰–بزم غم ـ اثرمیرزاحسین‌کریمی در۷۱صفحه‌کتابفروشی ذاکری مراغه ۱۳۴۷

۱۲۱–جلالت‌فاطمیات–اثرمیرزاحسین‌کریمی‌در۶۴صفحه تبریزکتابفروشی سعدی۱۳۴۳

۱۲۲ ـ جلالت زینبیه ـ اثر طبع میرزا حسین کریمی در۷۲صفحه تبریز ، کتابفروشی سعدی ۱۳۴۰

۱۲۳–حسین کرد ـ قصه حسین کرد به ترکی آذری‌که‌ترجمه‌ازفارسی‌است

۱۲۴– حدیقةالمؤمنین ـ درمراثی در ۵۸۴ صفحه تبریز ۱۳۴۸

۱۲۵– جیران خانم اثرلری –آثارجیران‌خانم ، تبریز ۱۳۳۴ شمسی

۱۲۶ ـ **دریی‌نظیر یادیوان حقیر** – اثرطبع خوئی در۲۸۷صفحه ، تبریز کتابفروشی‌مصباحی ۱۳۳۸

۱۲۷–**دیوان صدوقی** – اثرطبع‌سیدکاظم‌صدوقی در۱۳۲صفحه،تبریز۱۳۴۷

۱۲۸–دیوان‌آمال‌منزوی– اثرطبع‌رحیم منزوی‌در۵۸۶صفحه،اردبیل۱۳۴۰

۱۲۹–دیوان نجم الآثار ـ اثر طبع نجمی تبریزی در ۲۸۸ صفحه ، تبریز کتابفروشی بنی‌هاشمی) ۱۳۳۶

۱۳۰–دیوان فاکر – اثرطبع عباسعلی فاکر ، تبریز ۱۳۳۷

۱۳۱–دیوان قاسمی ـ اثرطبع جمال قاسمی در۲۰۵ تبریز۱۳۴۷

۱۳۲–دیوان شبستری ، طبع تبریز

۱۳۳–دیوان هیدجی ، در۲۹۴ صفحه ، طبع تبریزکتابفروشی حقیقت ۱۳۳۵

۱۳۴–دیوان گلشن شهدا ، طبع تبریز درمراثی

۱۳۵–دیوان عاجز ، طبع تبریز ۱۲۸۴ قمری

۱۳۶ـ دُرمکنون یا حسینیه عصری ـ درمرائی اثرطبع‌عصری تهران ۱۳۴۱

۱۳۷ـرباعیات آذری ـ ترجمه رباعیات حکیم‌عمرخیام ، تبریز۱۳۳۴شمسی

۱۳۸ـرنگارنگ (۵ جلد) طبع تبریز ۱۳۴۵-۱۳۳۹

۱۳۹ ـ زبدة المصائب ـ درمرائی ، اثرطبع میرمحمود سید شوری در ۳۰۰ صفحه‌تبریز (کتابفروشی‌صفوی) ۱۳۳۸

۱۴۰ـساختمان فعل درزبان ترکی ـ دکترنادر وزین پور ، تهران ۱۳۴۸

۱۴۱ـسلیم جواهری – داستان سلیم جواهری ترجمه از فارسی طبع تبریز

۱۴۲ـ شاعرلر مجلسی ، طبع تبریز ۱۳۲۴ ش

۱۴۳ ـ شکوفه‌ـای خونین (۲ جلد) ، اثربیوك اعظمی در ۲۳۲ صفحه ، تهران ۱۳۴۷-۱۳۴۳

۱۴۴ـشرعی مسأله‌لر – شرح مسائل شرعی به ترکی

۱۴۵–ضد فاشیست اثرلر – تبریز ۱۳۲۳ ش

۱۴۶ـضروب و امثال ترکی – تبریز ۱۳۰۳ قمری

۱۴۷ـطوفان کربلا ـ اثرطبع قدرت‌الله نادری آذربایجانی‌در۱۳۸ صفحه ، تبریزکتابفروشی اپیکور ۱۳۴۰

۱۴۸ـطوفان اشك ـ درمرائی اثرطبع میرزا حسین‌کریمی ، مراغه ۱۳۴۰

۱۴۹ـعاق‌والدین ـ ترجمه عاق والدین فارسی به ترکی آذری طبع تبریز

۱۵۰–غمهای کربلا ـ اثرحاجی محمد ابراهیم ذوقی درمرائی، ۲۸۸ صفحه تبریز کتابفروشی سعدی ۱۳۴۲

۱۵۱ـ کلیات شاهنامه فردوسی ـ ترجمه بترکی‌آذری، کتابفروشی فردوسی تبریز سال ۱۳۴۳ ش ۳۸۳ صفحه

۱۵۲ـ کلثوم ننه ـ ترجمه کلثوم نه نه آقاجمال‌خوانساری به ترکی آذری ۱۲۱ صفحه ۱۳۲۷ شمسی .

۱۵۳ـ گنجینه ذهنی ـ اثر حاجی‌ذهنی‌زاده در ۲۸۸ صفحه ، تبریز کتابفروشی بنی هاشمی ۱۳۳۷ .

۱۵۴ـ گلشن عمر ـ اثر سید حسن معصومی، ۹۶ صفحه ـ کتابفروشی تهران، تبریز ۱۳۴۷

۱۵۵ ـ گنجینه حسینی ـ اثر طبع حاجی محمد حسین صحّاف ، ۴۷ صفحه ، کتابفروشی فردوسی تبریز ۱۳۴۲.

۱۵۶ـ گلشن عزا ـ اثر میرزا حسین کریمی در ۸۰ صفحه ، مراغه ۱۳۴۲

۱۵۷ـ گلستان خونین ـ درمراثی، اثر طبع مشهدی جمال مراغه‌ای در ۷۲ صفحه، کتابفروشی فردوسی تبریز ۱۳۴۸

۱۵۸ـ گلهای رنگین ـ مشتمل برمجموعه‌ای از اشعار مذهبی

۱۵۹ـ ملك جمشید ـ داستان ملك جمشید به ترکی آذری

۱۶۰ـ معجزات امیرالمومنین ـ بترکی آذری.

۱۶۱ـ محشر عاشورا ، اثر طبع اکر حسینی ۳۵۲ صفحه تبریز ۱۳۴۵

۱۶۲ـ مجموعه اشك آل ـ درمراثی ، اثر خلیل اظهری در ۱۶۳ صفحه تبریز ۱۳۴۴

۱۶۳ـ مکتب کربلا ـ اثر طبع حاجی سید حسین کهنمویی در ۲۸۶ صفحه کتابفروشی سروش تبریز سال ۱۳۳۰ .

۱۶۴ـ نغمه‌های غم ـ اثر طبع حسین حافظی تبریزی در ۲۱۶ صفحه، کتابفروشی تهران ، تبریز ۱۳۴۵

۱۶۵ـ نواهای نینوا ـ اثر طبع سلیمان امینی ، ۱۰۹ صفحه تبریز ۱۳۴۰.

۱۶۶ـ هدیه بنی‌هاشمی درمراثی ۲۷۵ صفحه تبریز ۱۳۳۵ شمسی .

فصل نهم

ابنیه واماکن تاریخی آذربایجان

بخش اول- آثار واطلال تاریخی آذربایجان شرقی(۱)

۱ ـ آثار شهر اردبیل ـ آثار قابل‌توجه این‌شهر عبارت است از بقعه‌شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ومقبره شاه‌اسماعیل صفوی ، و مقبره شیخ جبرائیل پدرشیخ صفی‌الدین‌که شرح هریك باجمال درذیل‌آورده میشود .

این ابنیه تحت شماره ۶۴ و ۶۵ در اداره کل باستانشناسی جزء آثارملی به ثبت رسیده است .

بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی

اساس‌این‌بنادرقرن هفتم هجری‌پی‌افکنده شده وبتدریج به‌آن‌افزوده‌گشته است‌بنای اصلی درزمان شیخ صدرالدین موسی پسر شیخ صفی‌الدین ساخته‌شده،و قسمتی‌از کاشیکاری هم‌درزمان‌او بعمل‌آمده،وآن‌محل‌درآغاز خانقاه‌صوفیان‌بوده‌است

۱ ـ در این‌باب شرحی از آثار آذربایجان غیر از تبریز باجمال ذکر شده است و دربارهٔ آثار تبریز بعداً درکتابی جداگانه بتفصیل صحبت خواهد شد.

قالی سابق بقعه شیخ صفی‌الدین

دراین بقعه یك‌تخته قالی وجود داشته که فعلا در موزه ویکتوریا وآلبرت لندن می‌باشد. آن قالی بزرگی است‌که طول آن ده‌مترونیم و عرض آن قدری کمتر ازپنج مترونیم‌است. ازروی تخمین معین‌کرده‌اندکه این‌قالی ۳۲ میلیون‌گره دارد. دروسط آن‌ترنجی است که دور آن‌رانقشهای‌کوچکی‌که به‌گل‌شاه‌عباسی‌موسوم‌است احاطه نموده و آن نقس مدوریابیضی شکلی‌است‌که وسط آن‌گل ودور آنرا حلقه‌ای از گل باربرگ گرفته و در هرگوشه متن قالی یك چهارم ترنج‌کشیده شده‌است.

یکی ازخصایص این‌قالی بزرگ نمایش قندیل‌مسجدمیباشد که درسرترنج کشیده‌اند، مثل آنکه از آن‌آویزان باشد. متن‌این قالی ازنقش‌گل‌وبرگ پوشیده شده و آنهانقش‌تاك مشبك وپرکاری رابانظم کامل تشکیل میدهند. گلها بارنگهای گوناگون خود روی زمینه سورمه‌ای رنگ برجسته بنظر می‌آید . رنگ قرمز که بازمینه سورمه‌ای تباین دارد زیادشفاف نیست ومایل برنگ قندیل‌است. رنك سبز دراین‌نقشه از رنگهای برجسته است. درحاشیه قالی نقشهای‌کتیبه‌ای است‌که بین‌آن‌ها گل‌لاله عباسی میباشد. مسئله قابل‌توجه آنکه نقش حاشیه‌این قالی‌روی کاشی‌های دیوار صحن‌مسجد اردبیل دیده میشود .

درحاشیه این‌قالی‌نام‌مقصودکاشانی برده شده است معلوم‌نیست که این‌شخص بافنده و یاتقدیم کننده‌آن بوده است. تاریخ این قالی برطبق نوشته ۹۴۲ هجری (۱۵۳۶م)است وازشاهکارهای‌زمان‌صفوی‌است. این‌قالی‌معروف‌کاشانی‌راکه بامرشاه طهماسب صفوی در۹۴۲ برای‌بقعه شیخ‌صفی‌الدین بافته شده‌بود بعدها از این‌بقعه ربودند وبه موزه ویکتوروآلبرت لندن فروختند واکنون درآن موزه‌نگاهداری میشود (۱).

ابنیه مربوط به بقعه شیخ صفی‌الدین عبارت از : سر در بیرون بقعه (عالی‌قاپو)، حیاط‌بزرگ، صحن‌بقعه ومسجدجنت‌سرا، رواق‌مقبره شیخ‌صفی‌الدین

۱ــ کریستی‌ویلسن: تاریخ صنایع ایران‌ص۱۸۹ .

ومقبره شاه‌اسماعیل، حرمخانه، وچینی‌خانه است .

سردر بقعه ـ کتیبه سردر بطول ۱۱٫۷۵ وعرض ۱۰٫۵ مترمی‌باشد. دربالای گوشه‌طرف‌راست آن باخط ریزدرداخل مربعی این‌عبارت نوشته‌شده‌است «عمل‌الفقیر محتاج برحمت خدا یوسف‌شاه ابن‌ملك صفیمای» اصل کتیبه بخط رقاع بنام شاه عباس دوم چنین نوشته شده‌است :

«قداتفق الفراغ من‌هذه‌العمارة الشریفة الرفیعة فی‌ایام دولت‌خاقان‌الاعظم ـ السلطان المعظم مالك رقاب‌العرب و العجم‌السلطان‌بن السلطان شاه عباس‌الثانی ـ الصفوی و الموسوی الحسینی بهادرخان خلّدالله ملکه و سلطانه افاض علی‌العالمین برّه و عدله و احسانه بسعی امیر کبیر المؤیّد بتأییدالملك المنّان نظر علی‌خان المتولّی» .

قسمت آخـر در یك سطر از پایین ببالا باخط ریز سفید رنك چنین آمده است :

«کتبه‌الفقیرالمحتاج اسماعیل نقاش اردبیلی» ۱۰۰۵۷ (۱۰۵۷)،

حیاط بقعهٔ بزرك ـ درضلع شرقی میدان عالی‌قاپو سردری است که سابقاً کاشی‌های معرق داشته ولی فعلاجز چندتا از آنها در جرزهای طرفین‌آن چیزی نمانده است .

حیاط بزرگ بقعه مستطیلی است‌به طول ۹۲ و عرض ۲۶٫۵۰ متر که دارای دوحوض آب‌وباغچه‌های مخصوص‌گل‌کاری بوده‌است، ودیوارهای اطراف آن‌با آجر روی از اره سنگی ساخته شده است.

در ضلع شرقی این‌حیاط سردردیگری است‌که بایك راهرو بی‌سقفی بطول ۱۴٫۳۰ و عرض ۵٫۷۰ متربصحن اصلی بقعه متصل میشود .

از وسط دیوار شمال‌این راهرو دری به محوطه شهیدگاه، واز اطاق وسطی دیوار جنوبی‌آن مدخل دیگری به محوطه معروف به چله خانه یا قربانگاه باز

میدان عالی قاپو
محوطهٔ شهید آگاه
صحن بقعه

میشودکه کاشی‌کاریهای جرزهای آن بکلی ازبین رفته‌است .

صحن بقعه ـ محوطه مستطیلی بطول ۳۰٫۴۰ وعرض ۱۶٫۱۰ و مفروش با تخته‌سنك های صاف است که دروسط آن‌چاه آبی بوده‌است.

در بالای طاق مدخل غربی صحن ،کتیبه‌ای است بخط رقـاع سفید برمتن لاجوردی‌ازشاه عباس‌ثانی که قسمت وسط وپرلوی چپ‌آن باقی وبدین شرح‌است:

«...السلطان‌بن‌السلطان‌الخاقان‌بن‌الخاقان‌شاه‌عباس موسوی الصفوی‌الحسینی بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه وافاض علی‌العالمین برّه واحسانه».روی این‌کتیبه نوشتهٔ دیگری بخط ریز است که قسمتی از آن ریخته شده و بقیه چنین خوانده میشود :

«... مالك رقاب‌العرب والعجم و مروّج مذهب‌الاثنی عشر بتائیدالرحمت... لکفر الطغیان و رفع بنیان‌العدل».

در نمای پایه های طرفین وبالای طاق سردر آیاتی از قرآن کریم نگاشته شده و درآخر کتیبه پایهٔ طرف چپ باخط نسخ‌این عبارات درسه سطر آمده‌است:

« سعی فی‌تجدید هذه‌العمارة الشریفة خلف الاولیاءِ و السالکین و سلالة ـ المشایخ ..... »

درطرف جنوبی صحن بقعة یك اطاق و یك راهرو دهلیز مانند بطول ۱۰ و عرض ۶٫۳۰ متر باسقف ضربی آجری ساخته شده‌که معروف به طاق متولی است ازگوشه غربی‌هم دری به محوطه چله خانه بازمیشود .

درسمت شمال صحن بقعه « مسجد جنّت‌سرا» قراردارد‌که بشکل‌هشت‌ضلعی منتظمی بقطر ۲۰٫۵۰ متر است وسابقاً برروی آن گنبدی بوده که خراب شده و فعلا سقف‌آنرا باتیرو چوب پوشانیده‌اند .

از طرف شرقی صحن، سردر ونمای رواق بقعه و دیوار محوطه معروف به

حیاط حرمخانه یاحیاط مقابرقرارگرفته است .

موقعیت سردر بانمای خارجی رواق و گنبد شیخ صفی‌الدین معروف به ، گنبدالله‌الله جلوه خاصی به ساختمان بنای اصلی داده است .

دیوارنمای رواق، مانند سایر قسمتها با سنك وآجر بناشده و دارای ازارهٔ سنگی است .

جرزهای پنجره‌ها باآجر ساخته شده‌است. نمای رواق دو مرتبه است که هریك‌پنج پنجره دارد،پنجره‌های‌مرتبه زیرین بعرض ۹۳سانتیمتر وارتفاع۷۰ر۱ متر بوده‌کلافه‌ای از تخته داردکه باورقه‌ای از برنج روکشی‌شده و دروسط دارای شبکه های‌آهنی پوشیده‌شده بابرنج‌است. درقسمت فوقانی‌هرپنجره دیوار مشبّکی با کاشیهای معرّق ساخته شده و در بالای هر یك کتیبه معرقی باخط سفید برمتن لاجوردی وجود دارد .

پنجره‌های مرتبه دوم دارای کلافه چوبی و میله‌های آهنی است ودربالای هریك کتیبه‌ای از کاشی معرق هست که در قسمت فوقانی آن کلماتی بخط کوفی زرد رنگ نوشته شده است .

دراطراف پنجره‌ها وکتیبه‌های هردومرتبه‌بنا ، قابی بعرض سی‌سانتیمتر از کاشی معرّق‌نصب ودرقسمت بالای نمای‌کتیبه اصلی‌وبالای‌آن قطار بندی وشرفه‌ای معرق ساخته شده که جلوه مخصوص باین بنای تاریخی داده‌است .

فرمان شاه طهماسب بین پنجره دوم و سوم مرتبه پایین نمای رواق سنك مرمری بعرض ۱٫۳۱ متر و ارتفاع ۱/۱۵ متر دروسط قابی‌ازکاشی معرق بدیوار نصب گشته که فرمانی درباب منع منهیات ازشاه طهماسب اول‌صفوی روی‌آن‌باین شرح نقر شده‌است :

«بعدحمدالله وحسن‌توفیقه‌چون بمیامن‌توفیقات صدرنشین‌اولیاءا لمّه‌معروفه، و برکات تائیدات صاحب تمکین اصفیاءالله المعین، به انوار مهرآثار غرّه غرّای

هدایت‌شعار ولایت دثار نوّاب اعلی‌عالی حضرت سلطان‌السلاطین بالارث‌والاستحقاق ظل‌الله فی‌الافاق السلطان‌بن السلطان ابوالمظفر السلطان شاه طهماسب الصفوی ـ الحسینی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و ابدّاکرامه و احسانه لامع و هویداست، وخطایرفیض مآثر علّیه علویه صفویه تالی‌مشاهد مقدسه وعتبات سدره مرتبه است همچنانکه درآن‌روضات منوّره عمّال ازجرئت اظهاربدعت ممنوع‌شده حکم گشته که جمیع مجاوران و زایران وساکنان ازتکالیف غیر مشروعه مصون بوده، امرخیر اثروفرمان قضا و قدر شرف صدور یافت‌که در دارالارشاد اردبیل و ولایات ، همان قاعده حسنه را منظور داشته ...

شلبافی‌محترفه وهیمه بازار وگوسفند بازار وبرنج بازار وپیشکش‌تمغاوات ومحترفه ورسم الاحتساب طلبی ازساکنان‌وغیرآنجا ننمایند، تابه‌صدوقه ومن‌دخله کان‌آمنا مشاهدعالمیان ومنظورجهانیان گردد،وبعدازشرف‌توبه نصوح وفتح‌ابواب نصرت وفتوح بنابرکمال توجه خاطر انوربترویج شرع مطهر وغایت اهتمام امر بمعروف ونهی‌منکر فرمان قضاجریان عزّ اصداریافت که در دارالارشاد مذکور و ولایات‌بدستوریکه‌درعساکرمنصوره وممالک‌محروسه شرابخانه‌وبنج‌خانه ومعجون خانه‌بوره‌خانه‌وبیت‌اللطف‌وقمارخانه وقوّالی‌وکبوتربازی منع‌شد، ومستوفیان‌کرام خراجات‌آنها را ازدفاتر اخراج نموده‌ومن بعد اطلاقی‌ننمایند، واحدی بامری‌از امورغیر شرعیه مثل ریش تراشیدن وطنبور زدن و نردباختن و بدعت تعزیت ... وداشتن وخدمات امردان درحمامات و ارتکاب امور غیر مشروعه اشتغال‌ننمایند و پیرامون‌نگردند فمن‌بدّله بعدماسمعه فانّماائمه علی‌الذین‌یبدّلونه،وخلاف کننده ازمردودین درگاه‌الهی ومطرودین‌بارگاه شاهی خواهدبود، و د. سلك اولئك‌علیهم‌ لعنةالله والملائکة والناس‌اجمعین منسلك خواهدگشت، و ازمرحمت نسبت بسکنه آنجاباهتمام وافاضت‌وافادت شاهی‌خلیفه...امیرمعین‌الشریعةوالدین‌امیرالاوحدی بظهور پیوست بتاریخ شهرذیحجةالحرام سنه ۹۳۲ کتبه حسن »

کتیبه های عمده سردر و نمای رواق بقعه ـ اول کتیبه پایه هـای اطراف سردر:

۱ ـ پایه طرف راست متصل بنمای رواق :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم هذه‌البقعه الشریفةالقدسیه و العتبةالعلیة القدسیة والروضة الفرد وسیةالتّی اسّستعلی‌التقوی ورضاًلمولی‌اعدّت مجلساً لاجله‌الاولیاء ومغرساً لشجرةطیبة اصلها ثابت وفرعها فی‌السماء ، وهی‌بتلاوة القرآن موصوفة و لملائکةالرحمن محفوفة فانها مضجعة قدوة الاولیاء و مهیعة صفوةالاصفیاء سلطان ارباب القلوب ومقتدی‌الثقلین وبرهان‌الاقطاب لانّه بین‌المشرقین والمغربین‌مصقل مرأة القلوب عن زیغ‌الشبهات و مکمل الصدور بالایات الباهـرات الّذی حازمن کعبةالوصال»

۲ – قسمت بالای سردر زیر دندانه :

«القیام‌بعبادات‌الرجال والاستنار بلمعات‌القرب‌والاتصال‌لازال متمکناًفی‌اعلی درجات الکمال و مشاهداً بالعیان فی وجوه‌الجلال والجمال فاتکاء لغایة جهد متکاء وسادة الارشاد فتشرف»

۳ـ پایه طرف چپ متصل بگوشه دیوار مسجد جنب سرا:

«بقوله‌تعالی و لکل قوم‌هادفیاله من کمال ادرکه من هو فی‌ظل‌الله لاتطلل وناله من جمال شاهد من‌الشهادة قبلة ربّه لاتعّطل فرضوان‌الله اعلی ماالبسها تربة ملابس‌الوّد وما انجیها موسی لمیقات... الخلف ولی‌عهد و الخلیفة من‌بعده خلاصة اولیاءالله الصالحین صدر الحق و الملّة والدین لازال صدادعلی سنا الولایة و شمساً علی سماء الهدایة کما قام مقامه المحمود اسّسها لطوایف الاسلام من الطائفین و العاکفین و الرکّع السجود فیارب‌اجعل هذابلداً و ارزق اهله‌من‌الثمرات من‌آمن بالله والیوم‌الاخر»

دوم – کتیبه‌های سردر :

۱ـ درقسمت‌بالا زیرکتیبه دورهٔ سردر عبارات ذیل درسه خط باکاشی معرّق

نوشته شده‌است. سطراول ودوم باخط سفیدرنك، سطرسوم باخط‌حنائی‌رنگ‌است.
درسطر اول: «قال رسول‌الله انامدینةالعلم و علّی بابها»

سطر دوم ـ مصقل مرآة القلوب عن زیغ‌الشبهات و الذنوب مکمل صدور بالایات» .

سطر سوم ـ سلطان‌المشایخ‌النبیلة و برهان‌الاقطاب لجلیلةالشیخ صفّی»

۲ – کتیبه‌های طرفین وقسمت وسط و بالایی طاق‌سردر . در طرف راست و وسط وپهلوی چپ طاق بزرگ:

۱ـ صیّرهاالله بالایات البینات کمقام ابراهیم من‌دخله‌کان آمناکماان‌جعلها مثال‌الکعبة مثابة للناس وامناً و عظمّها لعظمة امرها و بانیها »

۲ ـ «الباقی للحصین‌المتبرکة ـ زبدةالاصفیاء فی‌العالمین صدرالحق والملّة والدین متع‌الله المسلمین بمیامن برکاته و محاسن خلواته وجعل سعیه حجّة له، » که‌قسمت اول‌باخط حنائی، وقسمت دوم باخط سفیدرنگ‌دربالای قسمت اول‌نوشته شده است .

۳ ـ بالای‌اطاق کوچك پهلوی سمت راست وجبههٔ وسط وبالای طاق‌پهلویی سمت چپ مدخل :

۱ ـ «سلام‌علیکم کتب‌ربکم علی نفسه‌الرحمة» (باخط حنائی‌رنگ)

۲ ـ « جنّات عـدن یدخلونها و من صلح مـن آبائهم و ازواجهم » بـا خط سفید رنگ) .

۳ـ «والملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام‌علیکم بماصبرتم‌فنعم عقبی الدار» (باخط‌سفیدرنگ)

۴ ـ «سلام‌علیکم طبتم فادخلوها خالدین»

۵ – کتیبهٔ پخ طاق مدخل سردر :

«.... تربة شرّفت‌بالشیخ ذی‌الشأن شیخ‌الوری قدوةالاقطاب. . . صفّی‌الدین

سلطان الواصل الکاشف اللحق من...»

جملات و کلمات ریخته کتیبه پخ طاق و مدخل سر در در تعمیرات اخیر بشرح زیر تکمیل شده است .

«هذا باب رحمةالله الواسعة الّتی نزلت الی تربة شرّفت بالشیخ ذی‌الشأن شیخ‌الوری قـدوة الاقطاب الجمیلة الشیخ صفّی‌الدین سلطان الواصل الکاشف – المحلق من ظواهر مقالاته المشهور فی‌الافاق‌الشیخ اسحق رحمةالله‌علیه فمن‌دخله کان آمنا»

سوم – کتیبه درشت زیر قطار بندی نمای رواق در دو سر معرق روی متن لاجوردی :

۱ـ با خط سفید رنگ ، دعای ختم قرآن :

«ربّنا تب‌علینا انّك‌انت‌التوّاب‌الرحیم. اللهمّ‌احینا بالقرآن وامتنا بالقرآن واحشرنا بالقرآن وجوز ناصراط بالقرآن و ادخلنا الجنّته بالقرآن لاتفّرق بیننا و بین القرآن. اللهم اجعل ثواب تلاوتنا من‌کتابك الی ارواح‌آبائنا وامّهاتنا والی ارواح اهل‌القبور»

۲ – باخط حنائی‌رنگ روی خطوط قسمت اول:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم (آیات ۱۷ تا ۲۲ از سورة‌الملك) کلمه تعالی، روی کلمه «قل‌الله» درکنار جرز جنوبی وکلمه «رسول‌الله» روی‌کلمه «صدق» در پهلوی جرزشمالی رواق نوشته شده است.

حیاط مقابر یاحرمخانه – درسمت جنوبی‌بقعه شیخ‌صفی‌الدین ومقبره شاه اسماعیل محوطه‌ای است بطول تقریبی ۱۵ وعرض ۱۱ متر موسوم بحیاط مقابرکه بوسیله دیواری ازصحن بقعه جدامیشود .

درحیاط مقابر متصل بدیوار صحن بقعه ، مقبره کوچکی است منسوب به خلیمه خاتون معروف به تاج خـاتون یاعالمشاه بیگم مادرشاه اسماعیل که نوه

اوزن حسن آق‌قویونلو بود .

در داخل مقبره سنگ مرمری است بطول دو متر و عرض ۴۵ سانتیمتر و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر که در اطراف آن سوره والشّمس وضحیها باخط رقاع زیبانقر شده است :

روی یکی از اضلاع مقابل در ورودی مقبره این عبارت بخط رقاع نوشته شده است .

«هذه مرقدالعفیفةالطاهرة منبع زلال‌الخلافة الباهره عصمةالسلطنة والدنیا والدین خاقان‌بن خاقان تغمدّها الله تعالی بالرحمة والغفران و اسکنها فی‌وادات ـ الجنان سنة سبع وستین و سبعمائه» ۷۶۷

گنبد شیخ‌صفی الدین ـ بنای‌مقبره‌شیخ صفی‌الدین‌برجی است‌استوانه‌ای شکل وگنبدی برفراز آن‌دیده میشودکه بانره‌کاشیهای فیروزه‌رنگ وآجرپوشیده شده ودارای قبه برنجی است .

محیطش ۲۲ متراست وبرروی ازاره سنگی هشت پهلو بارتفاع ۱٫۴۰ متر قرارگرفته وارتفاع آن ازسطح زمین تا جگه گنبد درحدود ۱۷٫۵متری‌باشد در قسمت بالا زیرطاق‌گنبدکتیبه معرّقی بعرض ۹۵ سانتیمتر بادو حاشیه معرق بعرض ۳۰ سانتیمتر دور برج نصب شده‌که عبارات‌آن بشرح زیر است :

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم‌شهدالله انّه‌لااله‌الاهووالملائکة واولوالعلم قائماً بالقسط لااله‌الّا هوالعزیزالحکیم. انّ‌الدین عندالله الاسلام. هوالحیّ لااله‌الّاهو. فادعوه مخلصین‌له‌الدین‌الحمدلله‌رب‌العالمین ذالکم‌اللّه‌ربکم‌لااله‌الّاهوخالق‌کلشیء فاعبدوه وهوعلی‌کلّشیء وکیل‌لاتدرکه الابصار وهویدرك‌الابصار و هواللطیف‌الخبیر وانّك علی‌کل‌شیء قدیر » .

سطح خارجی بدنه‌بنا ، باکلمات‌الله‌والله بانره‌کاشی فیروزه رنگ بین آجر های نره خفته و راسته قرارگرفته پوشیده شده ، و بدینجهت این گنبد مشهور به

«گنبدالله‌الله است .

بنای مقبره از سمت شمال به شاه‌نشین رواق متصل است و در طرف جنوبی پنجره‌ای‌است مشرف به‌حیاط مقابر که سردری ازکاشی‌معرق دارد، و درسمت غربی بدنه‌گنبد در داخل دایره‌ای ازکاشی معرق چنین نوشته شده:

«عمل العبدالفقیر الرّاجی‌الی‌عفوصمد عوض بن‌محمد»

دراین بقعه مقابردیگری ازسایر پادشاهان وشاهزادگان وخوانین صفوی‌و امرای آن دوره باقی‌مانده است. ازجمله قبرمنسوب به مادرشاه اسمعیل، وشیخ‌صدرالدین ، وشیخ جنید و دوتن ازامیران سلطان استاجلو وکردبیک‌که مورخ ـ ۹۴۹ هجری است .

مناظر تزیینی مجموعه این‌بنا چه از داخل و چه از خارج شامل نقاشی و گچبری، قطارسازی ومقرنس‌کاری بارنگ طلایی نیزمیباشد. درزیر گنبد صندوق منبت‌کاری مرقد ،که از نفایس آثار منقول بقعه است ملاحظه میشودکه در حاشیه آن کتیبه‌ای بخط رقاع حك شده‌است .

مقبره شیخ‌صفی‌الدین‌که مانند برج استوانه‌ای شکل باگنبد دوپوش‌ساخته شده بوسیله دری بضلع‌جنوبی شاه‌نشین متصل‌است به مقبره شاه‌اسماعیل‌می‌پیوندد دروسط مقبره صندوق منبت‌کاری شیخ‌که از شاهکارهای هنری عصرصفوی بشمار میرود قرارگرفته، درحاشیه‌اطراف صندوق کتیبه زیربخط رقاع‌ازچوب‌کنده‌کاری و نصب شده‌است .

«هذه مرقدالمنوّرومضجع المتبرّ که الشّیخ‌الربّانی‌والعارف‌الصمدانی، کاشف اسرارالحقیقة محیی‌مراسم‌الطریقة، حامی مفاخرالابرارحاوی مناقب‌اخیارالمکرم بالیقین‌بانطادالخلاق‌علی‌العموم والاطلاق قطب‌العارفین سلطان‌المحققین امام قدوة اولیاءالله‌الواصلین الی‌الفتح صفیّ‌الحق والملّة والدین‌اسحق‌اجری‌الله تعالی‌آثار برکاته فی‌الاطراف والافاق المعّرز القدسیتة المخصوص بارشاد الجینّه والانسّیه »

روی بدنهٔ شمال همین صندوق برنقره با خط رقاع نوشته شده :

«بانی هذالمرقدالعلیّه والمشهد القدسیه‌الوّلی‌الله صفّی‌الحق والدین قدّس سرّه‌العبد موسوی الصفوی». پشت‌سر قبر شیخ صفی‌الدین‌صندوق قبرفرزندش‌سید صدرالدین موسی ، و پشت‌سر اوقبرشیخ ابراهیم‌معروف بشیخ شاه فرزندسلطان خواجه علی سیاه پوش و روبروی صندوق شیخ صفی‌الدین در مقابل پنجره مشرف به حیاط مقابر، صندوق قبر سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل قرار گرفته است .

دوستکامی مسین شیخ اویس

این دوستکامی آبخوری بزرگی و از هدایائی است‌که شیخ اویس ایلکانی (۷۵۶ ـ ۷۷۶) به‌مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی تقدیم‌کرده است . ظرف مزبور ازچهارکتیبه بخط نسخ تزیین یافته که یکی ازآنها درون چهارلوحه بزرگ را روی بدنه ظرف اشغال نموده است .

کتیبه‌های دیگر ساده‌تر و بخط ریزتر نوشته شده‌که مضمون آنها تقریباً مکرر و شبیه به هم است ظاهراً تاریخ ظرف مزبور بایستی بعد از سال ۷۵۸ هجری وبین‌این‌سال و۷۷۶هجری باشد متن نوشته روی این‌دوستکامی‌چنین‌است:

سطر اول : «مماعمل‌برسم‌السلطان الاعظم‌الایلخان المعظّم‌الخاقان‌الاعدل‌ـ الاکرم مالك‌رقاب‌الامم ظلّ لله فی‌العالم‌معزّالدنیاوالدین شیخ اویس‌خلّدالله ملکه و سلطانه »

سطر دوم : «مماعمل برسم‌السلطان‌ظل‌الله فی‌العالم شیخ اویس بهادرخان‌و عظم‌شانه واعلی». متن‌لوحه های کوچك‌بربدنه ظرف در وسط :

سطر سوم : «مماعل برسم‌السلطان الاعظم‌الایلخان المعظم الخاقان‌الاعدل‌ـ الاکرم مالك رقاب‌الامم معزالدنیا والدین شیخ اویس بهادرخان خلّدملکه و سلطانه .

سطر چهارم : الاعظم الایلخان المعظّم الاکبر مالك رقاب‌الامم معزّالدنیا

والدّین شیخ[اویس]خان‌خلّدملکه‌وسلطانه‌فی.... ذکروشانه»[۱] . فریدریش‌زاره F.sarre دراثر خود در باره اردبیل، تاریخ بنای مقبره‌شیخ صفی‌الدین‌را به‌تفصیل نوشته است و ضمن آن گوید : از عرض دست چپ، حیاط بزرگ به مسجدبقعه راه دارد . این مسجد یك هشت ضلعی است که‌گنبدی برفراز آن بوده است واز آن فعلا اثری نیست . در اینجا درکنار منبری که طرف راست در ورودی بوده علمی قرار داشته‌که میگفتند شیخ صدرالدین آنرا بسال ۷۸۱ هجری از مدینه با خود آورده بود .

این مسجد در قرن هفتم ساخته شده است. پس ازمسجد قدیمترین قسمت ساختمان چهار گوشی‌است‌که‌گنبدی برفراز آنست وآن مقبره خانم یعنی بی‌بی-فاطمه زن شیخ صفی‌الدین و دختر شیخ زاهد گیلانی است ، که ده سال پیش از شوهرش بسال ۷۲۴ هجری درگذشت و شیخ صفی‌الدین دستور داد برفراز قبراو گنبدی ساخته شود . سپس مقبره شیخ‌صفی‌الدین به این‌بناکه در اصل مجزا بوده پیوسته‌است. اولئاریوس Olearius مینویسد: که مقبره‌اوتوسط پسرش صدرالدین بناشده و بنای آن ده‌سال بطول انجامیده است . اونظم ونسق‌آن بقعه را از نظر خدّام وملازمان وشمعها ومشعلها تعیین کرده وهمچنین ترتیب خلوتخانه ، محل شستشو و سایر اطاقها را مقرّر نمود. تاریخ این ساختمان در حدود سال ۹۰۶ هجری بوده است .

گویا شیخ صدرالدین استادان‌وصنعتکاران را ازمدینه با خودآورده بوده است [۲] .

بقعه شیخ جبرائیل

بقعه شیخ‌جبرائیل پدرشیخ‌صفی‌الدین‌در دهکده‌کلخوران درسه کیلومتری

(۱) آثار ایران ج ۱ ص ۱۹۴ .

(۲) تشکیل دولت ملی در ایران ــ ص ۱۲ ــ ۱۴ .

شمال اردبیل واقع شده است . ساختمان مقبره بنای چهارگوش آجری است که دارای ایوان و دو رواق وگنبدکاشیکاری است . از لحاظ دارا بودن مقرنسهای گچی وکاشی‌کاری خاص و درمنبت و خطوط عالی اهمیت بسزایی دارد.

این‌بنا شرقی و غربی است که طول آن ۲۹ و عرضش ۱۳٫۲۰ متر می‌باشد.

در قسمت شمال بقدر شش متر برآمدگی یا خروجی داردکه ایوان جلوی بنا محسوب شده و در ورودی برواق در وسط آن قرارگرفته است .

صندوق چوبی ساده‌ای دروسط بقعه قرار گرفته وپوشش داخلی‌گنبددارای مقرنسهای بی‌نظیرگچی است . روی در منبت کاری مدخل‌گنبد اشعار در مناقب شیخ جبرائیل بخط نستعلیق کنده شده‌که قسمت بیشتر آن ریخته و از آنچه باقی مانده بیتی است‌که میتوان تاریخ ساخت آن در را که سال ۱۰۳۰ می‌باشد معلوم نمود . آن ماده تاریخ این است :

قطب‌کمال و هادی دین شیخ جبرئیل ....

تاریخ سال ساختنش چون خرد بخواست .

گویابهشت روی زمین‌است این مقام (۱۰۳۰). این باب روضه شه‌دین قطب اولیاست. در زیریکی از مقرنسهای زیرگنبد این عبارت بچشم میخورد :

« عمل کمترین بندگان شاه طاهربن سلطان محمد نقاش ۱۰۳۱ » . از این تاریخ معلوم میشودکه تعمیر این بنا در زمان شاه‌عباس اول انجام پذیرفته است.

در اطراف صحن این بقعه قبور تاریخی فراوانی بنظر میرسد از جمله ، مقابر: سید حمزه ، سید محمد عراقی ، فیروزشاه است. صورت قبری منسوب‌به سیدحمزه نامی وجود داردکه او را فرزند امام موسی‌کاظم و جدخاندان صفویه پنداشته‌اند. دیگر قبرعوض‌الخواص‌بن فیروزشاه ازاجدادصفویه است.برسنگ قبر او این عبارت نقر شده است :

«هذا مرقد سیدعوض‌الخواص بن‌سید فیروزشاه زرین‌تاج».

روی سنگ قبر دیگر این عبارت نوشته شده :

«هذا مرقد سیّداعرابی»

ظاهراً قبور اجداد شیخ صفی‌الدین اردبیلی از پیش از شیخ جبرائیل‌غالباً ساختگی است و از مقوله نسب‌تراشی صفویه محسوب میشود .

مقبره شاه اسماعیل

این مقبره واقع در شهر اردبیل وچسبیده به بقعه شیخ صفی‌الدین است- قسمت بالای‌مقبره شاه‌اسماعیل بشکل‌برجی استوانه‌ای‌شکل‌است. جبهه‌خروجی متصل به‌گوشه شمال غربی بنای حرمخانه می‌باشد ، بنای اصل بقعه عبارت است از سردر ، رواق یاقندیلخانه و بقعه شاه اسماعیل :

۱ -رواق یاقندیلخانه تالاری است‌بطول ۵ر۱۱ متر وعرض ۶ مترکه‌دارای سقفی آجری و در دوطرف آن چهار اطاق دومرتبه ساخته شده است .

قندیلخانه از نظر طرز ساختمان و تزیین و گچبری جذبه خاصی دارد بخصوص منظره نقاشیهای طلائی رنگ طاق‌سقف‌و دیوارهای غرفه های مرتبه بالایی و رواق رونق مخصوص باین بنا بخشیده است. در قسمت بالای دیوارهای رواق متصل‌به‌پاطاق سقف، باخط نسخ‌سوره، الفتح ،گچ‌بری شده و در وسط‌عرض شمالی این عبارت نوشته شده است .

« عمل استاد ابراهیم . . . . تراش تبریزی ۱۰۳۷ » در گوشه شرقی عرض جنوبی رواق وسط کلمات «للکافرین سعیرا» نوشته شد : «کتبه محمد اسمعیل افشار ۱۳۰۷» .

درگوشه شمال شاه‌نشین بالای درحرمخانه متصل به شبکه نقره این عبارت نوشته شده :

«کتبه میراسدالله بن آقامیر قوام‌الدین روضه خوان» شاه‌نشین بطول۷۰ر۵ و عرض ۸۰ر۴ متر است وکف آن باندازه چهل سانتیمتر ازکف رواق بلندتر-

میباشد که بوسیله شبکه آهنی در داری‌که مفضّض یعنی پوشیده از نقره است‌از رواق جدا میشود . در دیوار های شاه‌نشین چهار در نقره کـوب بسیار زیباکار گذاشته‌اندکه برروی آنها اشعار زیر بخط نستعلیق طلائـی نوشته شده که ماده تاریخ آن ۱۰۶۸ هجری است :

چون بدورشه جهان عباس‌که بود صیت دولتش بدوام .

بهر این آستان عرش نشان — کـه مقام ملائك است مدام
خان‌بن خان قلیج مهرانی — کرد نذر دری ز نقره خام
هاتفی گفت بهر تـاریخش — در بدولت گشاده بـاد مدام

۱۰۶۸

بقعه شاه اسماعیل

این بقعه در قسمت جنوبی طرف شرقی شاه‌نشین واقع و بنای‌کوچك‌چهار ضلعی است‌که باگنبد دوپوشی پوشیده شده است .

در زیراین‌گنبد که سطح داخلی آن بانقاشی‌های طلائی مزین شده‌صندوق نفیس و گرانبهائی قرار گرفته که ازگل و بوته‌های برجسته عاج و خاتمکاری بی‌نظیری بسته شده ، با مفتول های بسیار نازك طلا و فیروزه های ریز تـزیین یافته است ، و از برجسته‌ترین شاهکارهای هنری عصر صفوی بشمار میرود .

در ضلع جنوبی آن وسط گل عاجی با خط ریز نوشته شده : «عمل استاد مقصود علی . . . . . ». ازارهٔ دیوار هـای داخلی بناباکاشیهای خشتی لاجوردی رنگ‌که دارای آثار نقش شاخ و برگهای طلائی است پوشیده شده است .

حرمخانهـ دردیوار شرقی شاه‌نشین در دیگری است که بوسیله راه روی برواق حرمخانه بازمیشود وازاین رواق که بطول ۶/۴۰ وعرض ۴/۳۰ متراست بواسطه دری واردگنبد محوطه زیرگنبدحرمخانه میتوان شد . حرمخانه بشکل طاق مربعی است که هر ضلع آن پنج متر است و با گنبد ساده آجـری پوشیده

شده و محل قبور عده‌ای از زنان و بزرگان خاندان صفوی است بعضی از قبور ازقرار ذیل است .

۱ – قبردختر شیخ صفی‌الدین‌که برصندوق منبت‌کاری روی آن نوشته‌شده: «عمل استاد عثمان‌بن احمد المراغی» .

۲ – قبر دختر شیخ زاهدگیلانی ، فاطمه خاتون‌که زن شیخ صفی‌الدین‌بود و بسال ۷۳۵ درگذشته است .

۳ – قبر سید موسی‌بن سلطان حیدرکه تاریخ وفات او ۷۹۲ هجری است .

۴ – قبر سلطان بـا یزیدبن خواجه حسین الصفوی کـه در ۹۰۸ هجری درگذشته است .

۵ ـ قبر سلام‌الله‌بن خلیل صفوی کـه در جمادی الاخر سال ۹۰۹ هجری درگذشته .

۶ – قبر مرشد قلی‌آقاابن‌الله قلی‌آقا ایشیك‌آقاسی .

چینی‌خانه

چینی‌خانه درسمت‌شرقی رواق‌بقعه واقع شده وآن بنایی است هشت ضلعی که از چهارطرف دارای قسمتهای خروجی طاق‌مانندداست، وقطر آن تقریباهجده متر می‌باشد دراطراف خروجیها،قفسه های‌دیواری‌برای‌نگاهداری‌کتب وظروف تقدیمی‌ازطرف‌پادشاهان‌ساخته‌شده است چینی‌خانه درعهد شاه‌صفی ازروی مرتبه فوقانی عمارت عالی قاپور در اصفهان بناگردیده است .

در وسط سه‌طاق خروجی شمالی وشرقی و جنوبی پنجره‌ای قرارگرفته‌که از طرف داخل در دولنگه تخته‌ای و از خارج نرده آهنی مشرف بـه محوطه شهیدگاه دارد . اولئاریوس Olearius منشی هیأت سفارت دولت هلشتاین یکی از دول آلمان قدیم در دربار صفوی (۱۶۳۶ – ۱۶۳۷) در سفرنامه خود در بـاره چینی‌خانه‌مینویسدکه : درسقف کتابخانه‌اردبیل‌که‌گنبدمانندساخته شده قدحهای

چینی بسیار بزرگ کار چین در نقل دانها گذاشته‌اند . از قراری کـه شنیده‌ام آشپزخانه مقبره شیخ‌صفی روزی هزارتن را غیر از خدمتگزاران غذا میدهد و روزی سه‌بار غذا صرف میشود . غذاها عبارت است از : آش و پلو مخارجی کـه دیوان دولت باین آشپزخانه میدهد روزی پنجاه تومان است .

دوبرابر این مبلغ هم از نذورات مردم عاید این بقعه میشود . و وقت غذا طبلی برای‌خبردادن بمردم میزنند. قبوری که دراردبیل‌است ازاینقرارمی‌باشد: قبر شیخ صفی ، قبر شیخ صـدرالدین پسر او ، قبر شیخ زین‌الـدین پسر شیخ صدرالدین، قبرسلطان حیدر، قبرشیخ حیدر پسر سلطان‌حیدر ، قبرشاه‌اسماعیل پسر شیخ حیدر ، قبرشاه طهماسب پسر شاه اسماعیل قبر اسماعیل ثانی پسرشاه طهماسب ، قبرشاه محمد خدابنده ، قبراسماعیل‌میرزا و حمزه‌میرزا و پسر های شاه‌محمد خدابنده .»

شهیدگاه ـ پس از آنکه شاه‌اسمعیل صفوی در ۹۰۵ بـرای انتقام خون پدرش سلطان‌حیدروجدش‌سلطان جنیدبه‌شروان لشکرکشیدفرخ‌یسار شاه‌شروان راکشته و نعش‌پدرش وسرگردکان صفوی را ازآنجا به اردبیل آورده زیرگنبد ـ اللّه‌اللّه روبروی مرقد شیخ‌صفی‌الدین دفن‌کرد ودیگر اجساد را فرمود درمحوطه خارج‌بقعه درمجاورت‌مقبره‌شیخ دفن‌کردند ازاینروساحت‌مزبور را ازآنروزگار شهیدگاه نامیدند و بعدها به‌گورستان عمومی تبدیل‌گردید . [۱]

اعتمادالسلطنه در مرآت البلدان مینویسد : « این شهر در زمان صفویه زیادمعمور وآبادشد وموقوفات بسیاری برای‌طلاب قرار دادند .کتابخانه‌اردبیل معروف دنیا و اغلب کتب بزبان عربی وقلیلی از آن فارسی و ترکی وجلد های آن غالباً طلا و نقره بوده ، اما حالا چیزی از آن باقی نیست . در زمان‌صفویه

۱ ــ فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ص ۱ ـ ۳ ؛ آثار باستانی وابنیه‌تاریخی آذربایجان ص ۳۳ ـ ۶۰ تألیف اسماعیل دیباج .

مردم از بلاد بعیده بزیارت مقبره شیخ صفی‌الدین می‌آمدند . چندین مسجد و مدرسه در حوالی این مقبره است . درهای این مدارس از نقره می‌باشد ، ضریح مرقد شیخ صفی‌خانم و در چهارگوشه‌گوی های طلانصب کرده‌اند . قنادیل‌طلا و نقره ازسقف گنبد آویخته‌اند . در زمان صفویه این شهر ملجاء وپناه مقصرین ایران بوده هرکه تقصیر بزرگی میکرده باین شهر میگریخته و در مقبره شیخ صفی‌الدین بست می‌نشسته و در امان بوده است . [گویند] یکتای نعلینی از نعال شریفه حضرت‌نبوی(ص)زینت افزای مقبره شیخ صفی‌است .»(۱)

بارتولد مینویسد : «اردبیل‌در سال ۱۸۲۸میلادی بتصرف پاسکویچ‌درآمد و قسمت بزرگ‌کتابخانه بعنوان غنیمت جنگ به پطرسبورغ (لنین‌گراد) ارسال گردید و تا بامروز در کتابخانه عمومی این‌شهرمحفوظ است . در بین‌نسخ خطی تألیفات کمیاب وگرانبهای زیادی وجود دارد » (۲)

خوشبختانه اخیراً طومار جالبی از سیاهه کتب وآثـات البیت بقعه شیخ صفّی‌الدین از قبل ازیغمای قشون مهاجم روس‌که در عهدفتحعلی شاه روی داده بدست‌آمده‌که‌توسط کتابخانه ملی تبریز درنشریه شماره ۱۶ تحت عنوان‌گنجینه شیخ صفی‌باهتمام فاضل محترم‌آقای سیدیونسی‌رئیس آن کتابخانه بچاپ رسیده که و برای تکمیل این فصل ومزیدفایده عیناً آنرا دراین‌کتاب نقل می کنیم :

صفیهٔ صفویه‌حفت بالانوارالقدسیة

عرض

موجودی اجناس و اسباب و متروکات آستانهٔ مقدّسهٔ منّورهٔ متبرکه‌ازقرار بازدید عالیشان رفیع مکان سلالةالسادات‌العظام محمد قاسم بیگ متولی، بیست وپنج رجب‌المرجب ۱۱۷۲ پارس‌ئیل .

۹۷۲ مجلد ۳۰جزو ۲۲۴ ورق ۲۳۰ دانه ۱۳۲۵ عدد ۱۲ فردثوب ۳۳ زرع ۶۹ نیم .... (۳)

۱ ـ مرات‌البلدان ـ ج ۱ ماده اردبیل . ۲ ـ تذکره جغرافیای تاریخی ایران ، ص ۲۶۹ . ۳ ـ جاهای نقطه‌گذاری شده ناخوانات

کتب ـ طلاآلات

۹۷۲ مجلد ۳۰ جزو ۲۲۴ ورق .

مصحف مجید: ۷۴۴ مجلد ۳۰ جزو

سی‌پاره ۲۲۴ مجلد ۲۲۴ ورق

پنجره : ۷ عدد

که در اصل‌گنبد مبارك است عدد

قبه‌که در صندوق مبارك است ۶ عدد

نقره‌آلات :

۷ زوج ۱۴ عدد ۱۰۰ مثقال

ظروف :

چینی‌آلات و غیره بعد از وضع آنچه شکسته و از مالیّت افتاده ۹۵۷ عدد

دروب : ۷ زوج .

نعلبکی :

که درصندوق نصب است ۸ عدد

چینی‌آلات :

۹۴۹ عدد

عقیق ویشم وفادزهر

۶ پیاله

پنجره :

که در میان شاه‌نشین و دارالحفاظ نصب است عدد

معجر :

محرابدار مدّرس حضرت شیخ صدرالدین علیه‌الرحمه عدد

درب مودارلب‌شکسته

شبکهٔ نقره‌که در یکطرف صندوق شاه اسماعیل نصب است ۱۰۰ مثقال

طوق مطلا درگنبد حضرت شیخ عدد

۸۵۷ عدد ۹۲ عدد ۸ عدد .

برنجینه آلات : ۵۰ عدد ۹ دست

۲۰۰۰ عدد چهل‌چراغ ۲ عدد شمعدان ۲۵ عدد پیه‌سوز ۷ عدد

آفتابه‌لگن

۷ دست .... دودست

... چرمی‌زوج صندوقچه صدف عدد

تسبیح : ۲۳۰ دانه

خاکی‌کربلائی ۲۰۰ دانه خوئی ۳۰ دانه

... آبدنوس و غیره ۱۱ عدد

.. آبه‌نوس ۳ عدد ... انداز ۸ عدد

مسینه آلات : ۱۱۷ عدد

... عدد طشت دوعدد قزغان (دیك) ۷ عدد ... دوعدد

سرپوشهٔ قزغان ۳ عدد

. .. عدد .... ۳۷ عدد

دیگ‌دان عدد

بوشقاب ۳ عدد پیه‌سوز دوعدد شمعدان ۱۲ دانه

طوق طلا : ۲ عدد

آهن‌آلات : ۷ عدد

سرعلم مدور مکتب ۷ عدد شمشه که در ایام متبرکه شمع چیده میشود داخل ....

کتب : ۹۷۲ مجلد ۳۰ جزو ۲۲۴ ورق

مصحف مجید : ۷۴۴ مجلد ۳۰ جزو

به خط حضرات معصومین علیهم‌السلام ۳۵ مجلد

به خط مبارك حضرت امیرالمؤمنین علیؑ بن ابیطالب علیه‌السلام بخط کوفی مجدول مذهب کاغذ پوست آهو ازسورهٔ طلاق الی سورهٔ معوّذتین جلد تیماج مقوی ترنجدار بیاض قابلق (پوشش پارچه‌ای) زربفت بوم طلا حاشیه زربفت نقره باف بطانه دارای حریر قرمز بندگلابتون سجاف حاشیه طلاباف مع لفافهٔ سفید . مجلد

بشرح ایضاً آیات مبارکات قرآنی که در ضمن آن قلمی نموده‌اند که خط حضرات ائمّهٔ معصومین است. جلدساغری بیاض برنجدار مع قابلق زربفت دهیك باف لبه‌دار حاشیه زربفت نقره باف بطانه‌دارای زردمع بندگلابتون باف . مجلد

به خط مبارك حضرت حسن علیه‌السلام آیات قرآنی بی‌خط کوفی کاغذ پوست آهو جلد تیماج مع قابلق دهیك نقره باف لبه ابریشم حاشیه زربفت طلاباف سجاف بشرح ایضاً بطانه‌دارای زردبندگلابتون باف مع لفافهٔ سفید . مجلد

بشرح ایضاً بخط امام‌المتقین علی علیه‌السلام به خط کوفی کاغذ پوست آهو ازسورهٔ ملك الی معوذتین جلد تیماج مقوی ترنج دارمع قابلق قطنی سادهٔ مستعمل مجلد

به خط مبارك حضرات ائمه‌معصومین مشتمل به آیات قرآنی جلد تیماج مقوی ترنجدار مع قابلق مخمل مستعمل محرمات . مجلد

به خط مبارك حضرات ائمه‌معصومین مشتمل به آیات قرآنی کاغذ هندی مذهب سرلوحدار جلدمقوی تیماجی مع قابلق قطنی زرد مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بخط مبارك حضرات ائمهٔ معصومین از سورهٔ ملك الی آخر قرآن کاغذ پوست آهو صفحهٔ اول به خط ثلث نوشته شده جلد تیماج بیاضی حاشیه‌دار مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو جلد مطلّس ضربی مشتمل به آیات قرآنی در اول و آخر دو ورق کاغذ قرمز . مجلد

به خط مبارك حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تمام قرآن کاغذ پوست آهو مذهب جلد تیماج بیاض حاشیه ترنجدار سبز اندرون متن مذهّب ترنجدار مع قابلق خطائی سرخ مستعمل . مجلد

به خط حضرات ائمهٔ معصومین تمام قرآن بیاض کاغذ پوست آهو صفحهٔ اول و آخر افتاده جلد تیماج مقوی مع قابلق سبز مخمل مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو مذهب جلد مقوی آهنجامه‌دار مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو مشتمل به آیات قرآنی جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه مطلّس مکتب اندرون ترنجدار مع لفافهٔ حریر سبز مع قابلق مخمل محرمات . مجلد

بشرح ایضاً چند ورق مشتمل به آیات قرآنی بیاض کاغذ پوست آهو جلد مقوی مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً مشتمل بر آیات قرآنی کاغذ پوست آهو از سورهٔ مبارکه تنزیل الی سورهٔ محمد (ص) بیاض جلد مقوی تیماجی ساده مع قابلق مخمل سبز مستعمل . مجلد

بشرح ایضاً یك جزو از آیات قرآنی کاغذ پوست آهو اول و آخر نداردو بیاض بی‌جلد . مجلد

بشرح ایضاً بیاض کاغذ پوست آهو اول و آخر ندارد یك طرف جلد مقوی مجلد

بشرح ایضاً ازسورهٔ اعراف الی سورهٔ یونس کاغذپوست آهو جلدتیماجی ضربی سرلوحدار مذهب . مجلد

بشرح ایضاً اوراق گردیده مذهب کاغذ پوست آهو جلد کهنه تیماجی . مجلد

به خط حضرات ائمهٔ معصومین مشتمل به آیات قرآنی کاغذ پوست آهو مذهب بیاض جلد تیماج ساده . مجلد

به شرح ایضاً اوراق مذهب کاغذ پوست آهو جلدکهنه تیماجی . مجلد

به شرح ایضاً تمام قرآن چند ورق از اول و آخر به‌خط نسخ نوشته شده کاغذ پوست آهو جلد تیماج ترنجدار بغای . مجلد

به شرح ایضاً قرآن بغلی کاغذ پوست آهو در آخرش دو ورق بخط نسخ نوشته شده جلد تیماج ترنجدار . مجلد

به شرح ایضاً بعضی تمام و برخی نصفه جلد تیماج . ۶ مجلد

به شرح ایضاً که اول و آخر ندارد اوراق . دومجلد

به شرح ایضاً ازفاتحه الی آخر قرآن چارکی کاغذ پوست آهو جلد تیماج ساده . مجلد

به شرح ایضاً از اول الی آخر قرآن مذهب سرلوحدار بی‌جلد . مجلد

به شرح ایضاً مشتمل به سوره قرآنی کاغذحنائی مذهب سرلوحدار بغلی جلد تیماج مستعمل . دو مجلد

به شرح ایضاً بغلی تمام قرآن کاغذ هندی حنائی مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار . مجلد

به شرح ایضاً بغلی سرلوحدار از آخرش افتاده جلد تیماج ساده ، مجلد

به خط نسخ و غیره ۲۰ مجلد

به خط نسخ بسیار قطع بزرگ مجدول مذهب کاغذ طغرائی که چهار ورق دراول وسه‌ورق در آخر تمام سرلوحداردمع فالنامه ودعای ختم قرآنی که باسفید آب

نوشته شده به خط شمس‌الدین به عبدالله کاتب جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه و متن ترنجدار اندرون مشبك مطلس حاشیه آیة‌الکرسی بنفش‌مع‌لفافهٔ مخمل . مجلد .

به شرح ایضاً تمام به طلا نوشته شده مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد مطلس ضربی تیماجی ترنجدار حاشیه به شرح ایضاً اندرون ایضاً ترنجدار مشبك مع‌لفافهٔ سبز که همایون پادشاه هند وقف نموده . مجلد

به شرح ایضاً تمام به طلا تحریر شده مجدول مذهب سرلوحدار بـه خط احمدکاتب جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً مکتب اندرون مشبك مـع‌لفافهٔ سبز . مجلد

به شرح ایضاً مترجم مجدول مذهب سرلوحدار که جای ترجمه به سرخی افشان چند ورق از اول و آخر سر لوحدار و در آخر دعای ختم و فالنامه بـه سفیدآب نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون به‌شرح ایضاً مطلس ضربی حاشیه ایضاً مع‌یك طرف لفافه . مجلد

به‌شرح‌ایضاً مجدول مذهب‌سرلوحدار مترجم‌به سرخی‌جلد تیماج‌ترنجدار حاشیه به شرح ایضاً . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب مترجم حاشیه مکتب سرلوحدار مشتمل‌بردو حاشیه سرخ افشان جلد ساغری تـرنجدار مـوقوفهٔ شاه سلطان حسین طاب‌الله ثراه‌مع‌قابلق مستعمل ، مجلد

به شرح ایضاً مترجم افشان به‌طلا مجدول مذهب حاشیه مکتب سرلوحدار تیماج ترنجدار حاشیه ، به شرح ایضاً مطلس ضربی موقوفـهٔ شاه‌سلطان حسین علیه‌الرحمه مع‌قابلق قطنی مستعمل . مجلد

به شرح‌ایضاً مجدول مذهب‌سرلوحدار درهرصفحه سه‌سطر به طلاولاجورد

نوشته شده و درآخر دعای ختم به‌طلانوشته شده جلد تیماج‌مطلس ضربی‌اندرون به شرح ایضاً مشبك ضربی مع‌لفافه وقابلق مخمل مستعمل . مجلد

به شرح ایضاً مترجم متن خطائی حاشیه قرمز مجدول مذهب سرلوحدار جلد ساغری ترنجدار مطلس ضربی‌اندرون به شرح ایضاً ترنجدار ضربی‌موقوفهٔ ابوالقاسم بیگ مع‌لفافه مستعمل . مجلد

به شرح ایضاً مجدول‌مذهب سرلوحدار درهر صفحه دو سطر به‌ثلث نوشته شده در آخر فالنامه دارد به خط محمدکاتب‌جلد تیماج مطلس ضربی اندرون‌به شرح ایضاً ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

به شرح ایضاً مترجم مجدول مذهب سرلوحدار و در آخر یك صفحه به طلا اسم واقف نوشته شده جلد نقاشی بیرون واندرون به طلامحرّر است . مجلد

به خط یاقوت مستعصمی مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار به شرح ایضاً . مجلد

به شرح ایضاً به خط یاقوت مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج بیرون و اندرون مطلس ضربی مع‌لفافه . مجلد

به خط نسخ مجدول مذهّب سرلوحدار که سه‌ورق در اول و سه ورق در آخر سرلوحدارد و درهرصفحه سه سطر ثلث‌جلی نوشته شده در آخر دعای‌ختم وفالنامه به سفیدآب نوشته شده جلدتیماج‌مطلس‌ضربی بیرون و اندرون‌ترنجدار مع‌لفافه . مجلد

به خط ریحان‌مجدول مذهب سرلوحدار وچند ورق در اول و آخر قواعد قرآنی نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی بیرون و اندرون مع‌لفافه . مجلد

به خط نسخ مجدول‌مذهب سرلوحدار که در هرصفحه سه‌سطر به خط‌ثلث جلی نوشته شده جلد تیماج ترنجدار اندرون به شرح ایضاًضربی مشبك . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار در آخر دعای ختم و فالنامه به

سیاهی نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه بشرح ایضاً مع‌لفافه . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ خطائی حاشیه ازمیری و دو صفحه آخر نیز سرلوحدار تیماج مطلس‌ضربی بیرون و اندرون مشبك‌ضربی حاشیه ایضاً مع‌لفافه . مجلد

به‌شرح ایضاًمجدول مذهب سرلوحدار هرصفحه سه‌سطر به خط ثلث‌نوشته شده جلد تیماج مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

به خط ریحان و غیره ؟ ۹۲ مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب سرلوحدار صفحهٔ اول افتاده بسیار ضخیم جلد تیماج کهنه . مجلد

به خط نسخ‌مجدول مذهب سرلوحدار من موقوفهٔ غفران پناه شاه‌طهماسب ماضی جلد مطلس ضربی تیماجی اندرون مشبك ترنجدار مع‌لفافه . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج مقوی مطلس ضربی اندرون ترنجدار مشبك . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج مقوی بیرون اندرون مطلس ضربی ترنجدار مع‌لفافه . مجلد

به‌شرح‌ایضاً مترجم‌به‌سرخی مجدول‌مذهب سرلوحدار جلد تیماج‌ترنجدار بیرون اندرون مشبك . مجلد

به شرح ایضاً مترجم به سیاهی مجدول مذهب سرلوحدار در آخر فالنامه به خط نسخ نثر نوشته شده من موقوفهٔ سلمان جلد تیماج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون ترنجدار مشبك . مجلد

به شرح ایضاً مجدول مذهب دراول دو ورق تمام سرلوح و در آخرسه‌ورق تمام سرلوح ودعای ختم وفالنامه به طلا وسفیدآب نوشته شده جلد تیماج ضربی اندرون به شرح ایضاً متن و حاشیه مشبك ضربی . مجلد

به شرح مجدول مذهّب سرلوحدار به خط محمدامین متن به‌رنگ‌حنائی جلد تیماج ترنجدار بیرون اندرون مشبك اوراق . مجلد

به شرح‌ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن به رنگ حنائی به خط‌محمد امین مزبور جلد ساغری سرخ ترنجدار اوراق . مجلد

به شرح ایضاً مجدول سرلوحدارجلد ساغری‌بیرون اندرون ترنجداراوراق مجلد .

به شرح ایضاً مجدول مذهب درهرصفحه سه سطر ثلث نوشته شده درآخر دعای ختم جلد تیماج کهنه اوراق . مجلد

به خط ریحان مترجَم به سیاهی سرلوحدار بسیار ضخیم جلدِ تیماج کهنه . مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب از سورهٔ مریم‌الی‌آخر قرآن جلد تیماج‌کهنه . مجلد

به خط نسخ بغلی قطع‌کوچك مجدول‌مذهب‌سرلوحدار تیماج مطلّس‌ضربی مع‌یك عدد غلاف فولاد آهنجامه نقره و قابلق مخمل مستعمل . ۳ مجلد

به خط نسخ بغلی ضخیم جلد تیماج ترنجدار . ۴ مجلد

به خط ریحان مذهب سرلوحدار از سورهٔ فاتحه‌الی آخرکهف جلد تیماج ساده . مجلد

به خط ثلث‌مجدول مذهب مترجم به سیاهی حاشیه مکتب از اول فاتحه تا آخر جزو چهارم من موقوفة ارس‌خان . مجلد

به خط نسخ در هر صفحه سه سطر به خط ثلث به طلا تحریر شده مذهب مشتمل به سورهٔ یس‌و چند سورهٔ دیگر به خط عبدالخالق جلد تیماج ترنجدار مجلد .

به خط ریحان‌جلی مجدول‌مذهب از ابتداء سورهٔ یس‌الی آخر سورهٔ‌تغابن به خط محمد خلیلی جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

به خط ریحان مذهب مجدول مترجم به سیاهی‌جلی قطع بزرگ جلدتیماج ساده به خط ابوالفتح . مجلد

به خط ثلث مذهب ضخیم به خط احمد جلد مقوی ساده اوراق شده . مجلد .

به خط ریحان‌مذهب سرلوحدار در آخر نیز دو ورق سرلوحدارد وبه‌خط محمدبن اسمعیل خطاط جلد مقوی ساده . مجلد

به خط ریحان‌جلی مذهب یکورق از اول مجدول از اعراف‌الی‌آخرکهف قطع بزرگ جلد مقوی ساده‌کهنه . مجلد

به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماج اوراق . مجلد

به خط ریحان مترجم به سیاهی مذهب سرلوحدار صفحهٔ اول افتاده جلد مقوی ساده ضخیم کهنه . مجلد

به خط نسخ بعضی از اول و برخی از آخر افتاده قرآن قدیم جلد سادهٔ تیماجی ۲۴ مجلد

به خط نسخ و قرمه مترجم بعضی سرخی و بعضی سیاهی بعضی از اول و بعضی از آخرافتاده همه جلد تیماج‌کهنهٔ ساده . ۸ مجلد

به خط نسخ و ثلث تمامی اوراق بعضی از اول و بعضی از آخر افتاده‌کهنه مجزی و مجلد ۳۰ جلد .

سی‌پاره ۵۹۷ مجلد ۳۰ جزو

به خط نسخ مجدول‌مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ضربی ترنجداراندرون به شوح ایضاً ترنجدار مشبك ممهور به مهرشاه‌اسماعیل علیه‌الرحمه جز آخرش مندرس شده . ۳۰ مجلد

به خط نسخ بسیار قطع کوچك‌در میان محفره جلد مقوی تیماجی‌ترنجدار ۳۰ مجلد

به خط ثلث جلّی‌مترجم به سیاهی‌مجدول مذهّب سرلوحدار تیماجی سرخ به طلا تحریر . ۲۸ مجلد

به خط ریحان جلّی مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ساده به طلا ۲۳ مجلد

به خط ثلث مجدول مذهب بی‌جلد به خط محمد خلیلی ۳۰ جزو

به خط نسخ مجدول به سرخی جلد مقوی تیماجی ساده . ۲۹ مجلد

به خط ریحان‌جلی مجدول مذهب سرلوحدار جلد سیاه . ۲۶ مجلد

بـه خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ترنجدار ساده . ۲۷ مجلد .

به خط ریحان جلی مذهب سرلوحدار به طلا جلد تیماجی سرخ ترنجدار ساده . ۲۳ مجلد

به خط ریحان جلی مذهب مترجم به سرخی سرلوحدار جلد تیماج سرخ. ۲۳ مجلد

به خط نسخ در هرصفحه سه‌سطر ثلث جلی نوشته شده مجدول مذهب‌جلد تیماجی ساده ترنجدار اندرون تیماج سرخ . ۲۹ مجلد

به خط ریحان‌جلی مجدول مذهب سرلوحدار به خط عماد جلد تیماجی‌به طلا تحریر . ۲۸ مجلد .

به‌خط نسخ مذهب‌هرصفحه سه‌سطر به خط‌جلی‌طلا تحریرشده‌جلدتیماجی ساده اندرون تیماج سرخ . ۱۹ مجلد

به خط ریحان جلی مجول مذهب سرلوحدار جلد تیماجی ساده به طلا تحریر سرسورهٔ ایضاً به طلا تحریر شده . ۲۲ مجلد

به خط ریحان جلی به قطع بزرگ مذهب سرلوحدار تیماج ساده . ۸ مجلد

به خط ریحان جلی مذهب سرلوحدار شیرازه برطرف و اوراق شده جلد تیماج ساده . ۲۴ مجلد

به خط ریحان جلی مذهب سرلوحدار جلد تیماج ترنجدار . ۲۸ مجلد

اجزاء به قطعات مختلف بعضی اوراق و برخی مجلد ۲۰۰ مجلد

کتاب ۲۲۸ مجلد و ۲۲۴ ورق ۳۲ مجلد :

خلاصهٔ منهج الصادقین نستعلیق به خط محمدباقر کاغذ سمرقندی جلد تیماج ساده . مجلد

مختلف الشیعه درباب مسائل به خط نسخ کاغذ اکلیری جلد مقوی تیماجی مجلد .

دیوان خسرودهلوی نستعلیق به خط خوشنویس مجدول مذهب سرلوحدار مصور جلد نقاشی بیرون مصور اندرون ترنجدار مشبك . مجلد .

خوارزمشاهی نستعلیق مجدول مذهب دو صفحهٔ اول تمام سرلوح کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون مطلس متن و حاشیه ضربی اندرون متن مشبك حاشیه ضربی . مجلد

رساله‌ای در علم طب از تألیفات محمد زکریا به خط نسخ کاغذ دولت آبادی جلد مقوی بدون ساغری اندرون تیماج . مجلد .

جامع کبیر در علم طب از تألیفات محمد زکریا به خط نسخ طغری جلد مقوی بیرون تیماج اندرون کاغذ ابری . مجلد

باب سیم وهفتم میرخواند نستعلیق مجدول مذهب دو صفحه سرلوحدار کاغذ اکلیری جلد مقوی بیرون اندرون تیماجی لفافه‌دارد . مجلد

کلیات مولانا کاتبی نستعلیق مجدول مذهب کاغذ دولت آبادی جلد مقوی بیرون تیماج سرخ اندرون کاغذ الوان . مجلد

کلیات امیرعلیشیر به‌خط خانعلی مجدول مذهّب پنج‌سر لوحدار کاغذ اکلیری جلد تیماج بیرون‌نقاشی حاشیه ومتن ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌وحاشیه مشبك مع‌لفافه . مجلد

الوصول وتهذیب علاّمه به‌خط‌نسخ فی‌علم‌الاّصول جلد تیماجی‌سیاه. مجلد

مقالات حضرت شیخ علیه‌الرّحمه مجدول مذهّب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون و اندرون مطلس ضربی ترنجدار . مجلد

شرح داودمصری به خط‌نسخ نستعلیق‌کاغذ دفتری جلد تیماجی کهنه.مجلد

شرح شمسیه به خط نستعلیق کاغذ ازمیری مقوی سیاه . مجلد

شرح هیاکل و رسالهٔ زورانسخ‌کاغذ دفتری جلد مقوی‌کهنه . مجلد

اشارات‌به‌خط نسخ ونستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون‌تیماجی.مجلد

تجوید شیخ‌طوسی علیه‌الرحمه به‌خط نستعلیق بیرون تیماجی اندرون‌کاغذ ابری . مجلد

رسالات و غیره ۱۴ مجلد

صریح‌الملك‌درباب‌اسناد وقبالجات املاك ومستغلات موقوفات‌آستانهٔ‌مقدسه به‌خط نستعلیق. ۵ مجلد

رسالهٔ باب درشرح آداب به‌خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی. مجلد

متن‌حکمة‌العین به‌خط نستعلیق جلد تیماج سیاه . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی‌جلد مقوی بیرون ساغری اندرون تیماجی ساده.مجلد

رساله درباب علم‌اخلاق نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی . مجلد

متن‌شافیه به‌خط نسخ کاغذ دفتری جلد مقوی کاغذی . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی جلد تیماجی بیاضی . مجلد

رساله درتصوّف نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی کاغذی . مجلد

رسالهٔ حل موجز نستعلیق کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیاضی . مجلد

ایضاً کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماحی متن ترنجدار . مجلد

تفسیر سورقرآنی به‌خط نسخ کاغذ دفتری جلد مقوی تیماجی سیاه . مجلد

غررودرر به خط نسخ کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی . مجلد

ایضاً کاغذ سمرقندی جلد مقوی بیاضی بیرون متن ترنجدار ضربی مصور اندرون تیماج ساده. مجلد.

مجمع‌الانساب نستعلیق جلد تیماج لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ درعلم اعراب به‌خط نسخ جلد تیماجی . مجلد

بشرح ایضاً کاغذ سمرقندی جلد مقوی ترنجدار اندرون ساده . مجلد

رساله درعلم ریاضی نستعلیق جلد مقوی اندرون کاغذ سفید . مجلد

روضة‌الصفا ۱۲ مجلد.

جلد اول و دوم به‌خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلدمقوی ساده . مجلد

ایضاً جلد اول به‌خط نستعلیق کاغذ دولت آبادی حنائی جلد مقوی‌تیماجی ساده . مجلد.

جلد دوم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده لفافه‌دار. مجلد.

ایضاً جلد دوم‌به‌خط نستعلیق مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد.

جلد سوم به‌خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ اکلیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد .

جلد سوم ایضاً به خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ گجراتی جلد تیماجی بیرون مطلس اندرون‌کنج ترنجدار لفافه‌دار . مجلد

ایضاً جلد سوم به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد

مقوی تیماجی بیرون متن‌حاشیه مطلس ضربی اندوون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد.

ایضاً جلد سوم و چهارم به‌خط نستعلیق‌کاغذ سمرقندی تیماجی بیرون‌ایضاً اندرون کاغذ ابری . مجلد.

جلد چهارم و پنجم وششم‌به‌خط نسخ مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی بیرون متن و کنج ترنجدار ضربی اندرون مشبك . مجلد .

جلد پنجم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون کاغذ ابری . مجلد .

جلد ششم به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده اندرون کاغذ ابری. مجلد.

ایضاً جلد ششم به خط نستعلیق کاغذ سمرقندی جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد .

خمسهٔ نظامی ۱۱مجلد.

نستعلیق به‌خط درویش محمدمجدول مذهب مصور حاشیه کاغذ الوان که پنج‌سرلوح دارد جلدمقوی منبّت مطلّس‌ضربی متن‌وحاشیه مشبّك لفافه‌دار.مجلد

ایضاً مجدول‌مذهب مصور کاغذ حاشیه زرد و در دوصفحه سرلوح داردجلد مقوی بیرون مطلس‌ضربی متن حاشیه‌اندرون متن حاشیه مشبك لفافه‌دار. مجلد

ایضاً مجدول مذهب دوصفحهٔ اول سرلوحدارد ازآخر دو ورق افتاده مصور جلد مقوی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن وحاشیه کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به‌خط قاسم‌بن میرعلی مجدول مذهب مصور کاغذ حاشیه الوان پنج صفحه سرلوح‌دارد جلدمقوی‌بیرون نقاشی‌مصور مکتب اندرون متن حاشیه‌مشبك

لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور کاغذهندی دوصفحه تمام سرلوح داردجلدمقوی تیماجی متن‌کنج‌ترنجدار حاشیه‌مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار.مجلد

ایضاً به خط معظم‌الدین اوحدی مجدول مذهب مصور دراول دوصفحه و در وسط چهارسرلوح‌دارد کاغذازمیری جلد تیماج بیرون متن کنج ترنجدارمطلس اندرون متن مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به‌خط شیخ محمدبن‌فخرالدین مجدول مذهب مصور سرلوحدار جلد مقوی تیماجی ضربی بیرون‌مطلس‌اندرون سرخ‌متن‌کنج ترنجدار مشبك‌لفافه‌دار مسمی به‌مخزن‌الاسرار . مجلد

ایضاً به خط محمد مجدول مذهب پنج صفحه سرلوحدارد کاغذ ازمیری جلد مقوی‌بیرون مطلس متن‌حاشیه ضربی‌اندرون متن‌کنج ترنجدار حاشیه‌مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول مذهب پنج‌صفحه‌سرلوحدارد کاغذ ازمیری جلدمقوی تیماجی بیرون متن وکنج ترنجدار مطلس اندرون بشرح‌ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار ـ حاشیه‌کاغذ افشان الوان و دو صفحه در آخر مصور شکارگاه جلد نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار ضربی‌طولانی. مجلد.

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار مسمی مخزن‌الاسرار جلد مقوی تیماجی ترنجداراندرون‌متن‌وکنج‌ترنجدارمشبك‌لفافه‌دار. مجلد.

مقالات ۴ مجلد نوشتجات ۴مجلد

مقالهٔ خواجه‌عبدالله انصاری‌به‌خط نستعلیق‌به خط محمود بن اسحق‌مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خانبالغ حاشیه الوان مذهب جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مقالهٔ مشارالیه به خط شاه محمود نیشابوری حاشیه کاغذ چهرهٔ افشان

مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی اندرون و بیرون کاغذ ازمیری . مجلد

نستعلیق به‌خط سلطانعلی مشهدی مجدول مذهب حاشیه قرمز سرلوحدار جلد مقوی مطلس ضربی متن‌کنج ترنجدار مع‌لفافه . مجلد

نستعلیق به خط‌سلطان محمدنور مجدول مذهب کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون مطلس ضربی حاشیه‌دار اندرون متن‌کنج ترنجدار حاشیه مشبك. مجلد

ایضاً مقالهٔ مشارالیه به‌خط ملامحمدحسین‌تبریزی‌مجدول مذهب‌سرلوحدار متن کاغذ خانبالغ حاشیه کاغذ سفید نقاشی جلد مقوی اندرون و بیرون کاغذ ابری. مجلد

به خط میرعلی مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ حاشیه‌الوان افشان جلد بیرون تیماجی نقاشی اندرون ایضاً ترنجدار مشبك . مجلد

نستعلیق مجدول‌مذهب سرلوحدارکاغذ ازمیری جلد نقاشی‌که درایام‌رومی برده بودند بعد از چندی میرزا عبدالله آورده به‌سرکار سپرده‌اند . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار ضخیم جلد مقوی متن حاشیه مطلس‌ضربی اندرون متن حاشیه تمام مشبك لفافه‌دار . مجلد

مظهر العجایب ۳۰ مجلد

مظهرالعجایب مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ الوان و افشان به طلا حواشی ایضاً افشان به رنگهای‌مختلف جلدمقوی تیماجی متن حاشیه تمام‌مطلس ضربی اندرون متن‌حاشیه مشبك الوان . مجلد

سبحهٔ جامی مجدول مذهب سرلوحدار مصور دراول دوصفحه ایضاً مصور کاغذ متن‌الوان حاشیه کبودافشان به‌طلا جلد مقوی تیماجی نقاشی اندرون متن کنج ترنجدار مع‌لفافه . مجلد

لوایح به‌خط میرسیداحمد نستعلیق جلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار دو ورق دراول و دوصفحه درآخر مصور جلد مقوی بیرون نقاشی‌مصور اندرون متن‌کنج حاشیه مطلس ضربی . مجلد

... دهکی مذهب مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

... به‌خط میرحیدر مجدول مذهب‌متن حاشیه‌افشان به‌طلا متن‌کاغذخطائی حاشیه‌کاغذ خانبالغ افشان دو صفحه سرلوحدار و دو صفحه در اول مصور است جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه‌مشبك لفافه‌دار. مجلد.

مهرنبوت نستعلیق مجدول‌مذهب مصور دو صفحه سر لوحدار کاغذ هندی جلد تیماجی بیرون متن وحاشیه مطلس‌اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك‌مع‌لفافه مجلد .

تحفهٔ شاهی مجدول‌مذهب سرلوحدار کاغذ خانبالغ‌جلد مقوی‌تیماجی‌متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

خمسه مجدول‌مذهب دوصفحهٔ اول‌تمام سرلوح‌کاغذهندی‌جلد مقوی‌تیماجی به قطع‌کوچك متن‌کنج مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد .

آصفیه نستعلیق‌کاغذ مجدول مذهب سرلوحدار دو صفحه در اول مصور سرلوحدار و جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

انتخاب‌خمسه مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ سفید هندی حاشیه‌کاغذ الوان جلد مقوی تیماجی سبز ترنجدا ر اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

سبحه جامی مجدول مذهب دوصفحه دراول سرلوحدارمصورکاغذ ازمیری به خط روح‌الدین‌جلد مقوی تیماجی بیرون متن‌حاشیه مطلس اندرون متن کنج ترنجدارمع‌لفافه . مجلد .

فضایل مجدول‌مذهب سرلوحدارکاغذ خانبالغ متن افشان به‌طلا جلدمقوی

تیماجی‌متن‌کنج ترنجدارحاشیه ضربی مطلس‌اندرون ایضاًمتن‌کنج مشبك‌لفافه‌دار مجلد .

سبحه‌جامی‌نستعیلق متن‌کاغذ خطائی افشان حاشیه ایضاًکاغذ ابـری افشان مجدول مذهب سرلوحدار مقوی تیماجی‌متن حاشیه مطلس ضـربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

زادالمناقب نستعلیق به‌خط میرمعزالدین‌کاشی‌مجدول‌مذهب سرلوحدارکه درسرهر فصل سرلوحی حاشیه‌کاغذ طغرائی افشان جلد مقوی بیرون متن‌حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مطلس حاشیه مشبك . مجلد

سبحه جامی مجدول مذهّب سرلوحدار نستعلیق به خط محمد معصوم متن کاغذ خطائی‌حاشیه اکلیری جلد مقوی تیماجی متن ترنجدارمطلس اندرون‌ساده مع لفافه . مجلد .

... عشق سلسلةالذهب مجدول مذهب سرلوحدار متن افشان کاغذ خانبالغ نستعلیق به‌خط طاهر جلد مقوی تیماجی بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

شهپر نستعلیق به خط سلطانعلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار صفحهٔ دوم به‌معراج رفتن حضرت رسول(ص) جلد مقوی تیماجی ساده اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد .

بابافغانی نستعلیق‌مجدول مذهب‌کاغذسرخ جلدمقوی تیماجی‌بیرون‌نقاشی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

شاهی مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ هندی حاشیه‌کاغذالوان افشان به طلا مصور به خط زین‌الدین جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی انـدرون متن‌کنج ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد .

گلشن‌راز مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ آبی‌افشان حاشیه‌کاغـذ زرد

افشان نقاشی جلد مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون کاغذ ابری مع لفافه . مجلد

کمال اسماعیل مجدول سرخی از اول و آخر دوسه ورق افتاده جلد مقوی تیماجی ساده اندرون سرخ ایضاً . مجلد .

مهر نبوت مجدول مذهب دوصفحه سرلوحدار به خط کمال الدین حسین کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار نقاشی. مجلد

تحفهٔ جامی نستعلیق به خط میر حسین مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار متن کاغذ خطائی افشان حاشیه نقاشی ترنجدار افشان الوان میان متن حاشیه کاغذ الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج حاشیه ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن حاشیه تمام مشبك لفافه‌دار . مجلد

تحفهٔ جامی ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه کاغذ قرمز افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

... نامه مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه افشان مشجّر مصور الوان اسلیمی خطائی دو صفحه در اول و دو صفحه در آخر مصور به خط احمد حسینی جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه ایضاً مطلس مع لفافه . مجلد

هفت پیکر به قطع کوچك مجدول مذهب مصور کاغذ طغرائی مقوی تیماجی نقاشی اندرون ترنجدار نقاشی مع لفافه . مجلد

لیلی و مجنون مجدول مذهب مصور کنار کاغذ الوان افشان به طلاسر لوحدار جلد مقوی بیرون و اندرون نقاشی ترنجدار به خط سلطان محمد . مجلد

گوی و چوگان به خط شاه طهماسب ماضی چهار ورق در اول مصوری سرلوحدار و چند مجلس نیز در میانه مصور متن کاغذ طغرائی حاشیه کاغذ الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

خسرو وشیرین مجدول مذهّب دوصفحه دراول سرلوح‌دار ودرمیانه‌چندجا سرلوح‌دارد متن کاغذهندی افشان وحاشیه ایضاً الوان وافشان جلد مقوی‌تیماجی متن‌کنج مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

یوسف‌زلیخا مجدول مذهب سرلوحدار در پشت ورق اول نیز سرلوح‌دارد به خط سلطان محمد خندان جلد مقوی تیماجی ساده اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد.

شاهنامه ۷ مجلد

به خط نستعلیق کاغذدولت‌آبادی مجدول مذهب مصور در اول دوصفحه‌تمام سرلوح جلدمقوی تیماجی بیرون مطلس‌ضربی بندرومی‌حاشیه بشرح‌ایضاً اندرون متن کنج ترنجدار حاشیه مطلس ضربی لفافه‌دار . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصور سرلوحدار دوصفحه اول ، مصور متن‌کاغذخطائی حنائی حاشیه‌کاغذ سفید جلد مقوی نقاشی مصور اندرون ترنجدار مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار ضخیم جلد مقوی تیماجی متن‌کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

ایضاً مذهب سرخی سرلوحدار مصور در اول و آخر دو صفحه جنگ‌گاه وصفحهٔ اول افتاده جلد مقوی تیماجی سیاه ساده .

ایضاً مذهب مجدول کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك . مجلد .

ایضاً مجدول مذهب مصورصفحهٔ اول افتاده جلد مقوی متن و حاشیه‌مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك . مجلد.

ایضاً مذهب مجدول سرلوحدارمصور دوسه ورق از آخر افتاده جلدمقوی ساغری سیاه اندرون متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد .

تیمور نامه ۹ جلد .

به خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن و حاشیه افشان متن کاغذ خطائی حاشیه هندی میان متن حاشیه‌الوان به خط محمود بن‌اسحق شهابی جلد مقوی تیماجی متن حاشیه منبت اندرون تمام ترنجدار مشبك مشهور بـه هاتفی لفافه‌دار . مجلد

مسمی‌به ظفرنامه مجدول مذهب‌سرلوحدارکاغذازمیری‌به خطوحیدالدین حسینی جلد مقوی سیاه ساده . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ ازمیری جلد مقوی متن کنج‌ترنجدار اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

مسمی به‌هاتفی مجدول مذهب‌سرلوحدار تیماجی حاشیه سرخ مصورمشجر به طلا تحریر جلد مقوی‌تیماجی نقاشی حاشیه مکتب اندرون‌متن کنج ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد

ظفرنامه به خط نسخ مجدول سرخی جلد مقوی تیماجی ساده ترنجدار . مجلد

ایضاظفرنامه‌مجدول مذهب سرلوحدار به‌خط سلطان محمدکاتب جلدمقوی تیماجی . مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی افشان به طلا به خط محمدبن ملامیر جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون ساده. مجلد

مجدول مذهب مصورسرلوحدار دو صفحه دراول‌سرلوح ویکورق نیزمصور کاغذ ارمیری به خط ابراهیم زرگر جلد مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدارمشبك مع‌لفافه . مجلد

نستعلیق به خط میرعلی حامی‌مجدول مذهب سرلوحدارکاغذازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی اندرون‌کاغذ افشان مع لفافه مجلد .

. . . . . ۲۷ مجلد

. . . . . ۵ مجلد

. . . . . ۴ مجلد

به خط نستعلیق کاغـذ ازمیری جلد مقوی ساغـری ساده مجدول مذهب سرلوحدار به خط سلیمان اندرون طلا متن مشبك . مجلد .

جلد اول به خط نستعلیق کاغذ ازمیری مجدول مذهب سرلوحدار جلدمقوی بیرون ساغری سرخ اندرون تیماجی . مجلد

ایضاً کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی اندرون و بیرون ساده . مجلد

جلد دوم به خط ایضاً مجدول مذهب سرلـوحدار کاغذ هندی جلد مقوی بیرون ساغری ساده اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد

به خط نسخ و نستعلیق جلدمقوی تیماجی سرخ ساده اندرون ایضاً . مجلد

ایضاً به خط نسخ مجدول مذهب کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی اندرون مشبك در پشت ورق اول مهر مذهب مکتب دارد . مجلد

جلد سوم و چهارم به خط ایضاً مجدول مذهب کاغذ اکلیری سرلوحدار جلد مقوی ساغری اندرون تیماجی لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به خط نسخ مجدول سرخی ضخیم جلد مقوی تیماجی بیرون واندرون ضربی ساده . مجلد

جلد پنجم به خط ایضاً مجدول مذهّب سرلوح‌دار کاغذ ازمیری جلدمقوی بیرون ساغری ساده اندرون تیماج لفافه‌دار . مجلد

حافظ ابرو به خط نستعلیق کاغذ اکلیری که انتها ندارد جلدمقوی تیماجی بیرون اندرون ساده به قطع بزرگ لفافه‌دار مجلد

روضة‌الاحباب به خط نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی لفافه‌دار . مجلد .

اسرارالابرار ایضاً به خط غیاث‌الدین کاغذ دولت آبادی جلد مقوی تیماجی ساده اندرون کاغذ سفید . مجلد

مطلع‌الانوار . ایضاً کاغذ ازمیری جلد تیماج مقوی ساده اندرون کاغذ سفید مجلد .

خیرالبشر جلد دوم نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

مرزبان نامه به خط نسخ و نستعلیق مجدول کاغذ ازمیری سرلوحدار جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

ثواب تسبیح ۷ مجلد

مثنوی مولای روم ۷ مجلد

تاریخ مشتمل بـرذکر سلاطین سلف و شکل اقلیم سبعه نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلدمقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدار مطلس‌اندرون ساده لفافه‌دار . مجلد

مثنوی مولای روم ۳ مجلد

تاریخ ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام ۲ مجلد

نستعلیق حاشیه مکتب مجدول مذهب دوسه سرلوحدار وکاغذ هندی جلد تیماج لفافه‌دار . مجلد .

نستعلیق مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدار کاغذ طغرائی جلدمقوی تیماجی بیرون نقاشی متن کنج ترنجدار مصور اندرون مطلس ضربـی متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دوصفحه سرلوحدارد جلد مقوی تیماجی‌بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مطلس . مجلد

ایضاً مجدول سرخی‌کاغذ دولت آبادی جلد مقوی اندرون بیرون تیماجـی لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی سرخ تیماجی لفافه‌دار . مجلد

تاریخ‌شاه‌اسماعیل علیه‌الرحمة مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ الوان افشان حاشیه شرح ایضاً از آخر یك ورق افتاده جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع‌لفافه . مجلد .

جواهرالاخبار به‌خط نستعلیق‌کاغذ اکلیری جلد تیماج متن کنج ترنجدار مطلس ضربی لفافه‌دار اندرون مشبك به خط‌بوداق منشی . مجلد

تاریخ‌چنگیزی ۲ مجلد

به‌خط نستعلیق مجدول‌مذهب سرلوحدارکاغذکشمیری جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون‌کاغذ افشان لفافه‌دار . مجلد

ایضاً مجدول‌مذهب‌کاغذ سمرقندی‌سرلوحدار جلد مقوی‌متن کنج ترنجدار مطلس ضربی . مجلد

تذکرة‌الشعراء ۲ مجلد

نستعلیق به خط کمال‌الدین مذهب سرلـوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن ترنجدار مطلس ضربی اندرون‌کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

ترکی‌نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ طغرائی حاشیهٔ‌کاغذسفید افشان جلد مقوی تیماجی‌بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

دیوان خاقانی وغیره .

خاقانی ۲ مجلد .

نستعلین مجدول‌مذهب بعضی ازحواشی آن‌مکتب سرلوحدار مقوی‌ساغری بیرون اندرون ترنجدار . مجلد

ایضاً نستعلیق سرلوح بسرخی‌نوشته شده متن و بعضی از حاشیه مکتب‌جلد

مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً کنج ترنجدار مشبك مجلد.

اهلی ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار از اول الی آخر در دو صفحه سرلوح بـه طلا جلد مقوی تیماجی بیرون اندرون مطلس ضربی اندرون‌کنج ترنجدار مشبك‌به خط هدایت‌الله کاتب شیرازی . مجلد

مجدول‌مذهّب‌کاغذ سمرقندی جلدمقوی‌تیماجی‌مجلد. کمال‌اسماعیل۲مجلد

مجدول‌مذهب‌سرلوحدارکاغذازمیری جلدمقوی‌تمیاجی متن کنج‌ترنجدار ضربی اندرون متن مشبك لفافه‌دار . مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی سیاه اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

خواجه حافظ شیرازی به‌خط نستعلیق مجدول مذهب به خط شاه‌محمود نیشابوری سرلوحدارکه در ابتدا غزلیات سرلوحداردکاغـذ ازمیری جلد مقوی ساغری سفیدبیرون ترنجدارمطلس‌کنج ایضاً اندرون کنج ترنجدارمشبك‌مجلد .

ملانظام اشترآبادی مجدول مذهب مصور سرلوحدارکاغذ ازمیری مشتمل برچند مجلس غزوات حضرات جلد مقوی تیماجی سیاه ساده . مجلد

مهروو‌فامجدول‌مذهب‌سرلوحدار دوصفحه‌کاغذ خانبالغ حاشیه‌الوان‌افشان میان متن حـاشیه ایضاً کاغذ الوان جلد مقوی ترنجدار تیماجی سرخ متن کنج ترنجدار ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

عماد فارسی به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدارجلد مقوی تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

...؟ نستعلیق جلد مقوی تیماجی سیاه ساده . مجلد

کلیات نزاریکه جای بسم‌الله‌بسرخی نوشته شده‌کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

خلاصة‌الاخبار ۲ مجلد

مجدول مذهب‌سرلوحدار کاغذ طغرائی‌جلد مقوی‌تیماجی متن‌کنج‌ترنجدار مطلس ضربی اندرون ایضاً متن‌کنج ترنجدار مشبك . مجلد

نستعلیق مذهب مجدول سرلوحدار چهار صفحه در اول سرلوحدار مصور مجلس طرب کاغذ ازمیری افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك نقاشی لفافه‌دار . مجلد

تذکره ۲ مجلد

شاه‌طهماسب ماضی‌علیه‌الرحمة بیاض نستعلیق به خط علی‌رضا عباسی مصور مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك دوسه‌ورق مغشوش شده . مجلد

.... نستعلیق کاغذ ازمیری‌جلد مقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدارمطلس‌ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

کلیات‌خواجه‌عمادفقیه به‌خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار دوصفحهٔ اول نیز سرلوحدارد جلد مقوی تیماجی ساده . مجلد

ذخیرهٔ خوارزم‌شاه ضخیم مجدول‌بسرخی به خط نسخ نستعلیق جلد مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدارمطلس ضربی اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

مطلع‌السعدین بـه خط نستعلیق‌کاغـذ ازمیری ضخیم جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار ضربی اندرون ساده مع‌لفافه . مجلد

تاریخ‌ترکی ضخیم مجدول سرخی چند صفحه درپشت کتاب دایره کشیده اسم ولایت نوشته شده جلد مقوی تیماجی ساده بیرون سرخ . مجلد

کیمیای‌سعادت مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ ازمیری جلد مقوی‌تیماجی متن‌کنج ترنجدار ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

ظفرنامه مجدول مذهب دوصفحهٔ اول سرلوحدارکاغذ دولت‌آبادی‌نستعلیق

به خط مرشدکاتب جلدمقوی بیرون‌ساغری سیاه متن‌ضربی‌حاشیه مطلس اندرون متن‌کنج حاشیه ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

مشهدالشهدا نستعلیق به‌خط امامعلی‌مجدول مذهب‌سرلوحدارکاغذازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون متن ترنجدار مذهب سرخ اندرون تیماج . مجلد

بدایع‌الصنایع درعلم‌عروض‌مجدول مذهب‌کاغذ طغرائی‌جلد مقوی‌تیماجی بیرون متن ترنجدار اندرون‌کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

تاریخ‌عالم‌آرامشهوربه‌تاریخ‌شاه‌اسماعیل‌نستعلیق‌مجدول‌مذهب‌سرلوحدار ورق‌کاغذ سرخ‌مهر مکتب به طلا مقوی تیماجی متن کنج ترنجدارمطلس ضربی اندرون ایضاً تیماجی متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

بهجةالمناهج نستعلیق به‌خط مرشد مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك طلا تحریر لفافه‌دار . مجلد

روضه‌الاحباب نستعلیق کاغـذ سمرقندی جلد مقوی بیرون تیماجی ساده اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

ضیاءالعلوم‌به‌خط‌نسخ مجدول‌بسرخی وسیاهی سرلوح‌دارصفحهٔ اول‌مندرس شده در پشت مهر مکتب طلائی دارد جلد مقوی تیماجی ساده متن‌کنح ترنجدار اندرون تیماجی ساده . مجلد

خسرودهلوی ۷ مجلد

نستعلیق به خط سلمان مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ ازمیری جلدمقوی مطلس ضربی متن‌کنج ترنجدار حاشیه‌ایضاً مطلس ضربی مکتب اندرون‌متن‌کنج ترنجدار مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب دو ورق در اول سرلوحدار به‌خط شاه‌محمدنیشابوری مصور جلد مقوی بیرون نقاشی اندرون تمام متن حاشیه مشبك . مجلد

ایضاً کلیات خسرو نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار متن حاشیه مکتب به خط محمود کاتب جلد مقوی تیماجی ترنجدار ساده . مجلد

ایضاً مجدول مذهب متن افشان چلیپا نوشته شده کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی مطلس ضربی اندرون متن حاشیه مشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دو ورق اول تمام سرلوح کاغذ ازمیری به خط منعم‌الدین جلد مقوی بیرون مطلس ضربی حاشیه ایضاً اندرون ایضاً مطلس ضربی متن کنج حاشیه مشبك لفافه‌دار . مجلد

ایضاً به خط غیاث‌الدین مجدول مذهب حاشیه مکتب کاغذ اکلیری سرلوحدار جلد مقوی تیماجی مجلد .

ایضاً متن حاشیه مکتب در اول سه‌سطر بسرخی نوشته شده ضخیم جلد ساغری متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار. مجلد .

دیوان شاه‌خطائی وغیره ۳۳ مجلد .

دیوان شاه خطائی علیه‌الرحمة مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

منتخب دیوان خسرو مجدول مذهب دو صفحهٔ اول سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان وافشان جلد تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار مشبك . مجلد

شیرین‌وخسرو ۲ مجلد

مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان به طلا تحریر نقاشی مصور به خط باباشاه جلد مقوی تیماجی مطلس ضربی اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد

به خط میرعلی مجدول مذهب مصور سرلوحدار متن‌کاغذ هندی حاشیه طغرای افشان الوان جلدمقوی‌تیماجی بیرون متن کنج‌ترنجدار اندرون‌تیماجی متن‌کنج ترنجدار مشبك . مجلد

دل حسن ۲ جلد

نستعلیق به خط فتّاح نیشابوری مجدول مذهب مصور متن کاغذ زردافشان حاشیه سفید افشان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار ضربی اندرون ایضاً ترنجدارمشبك لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به خط محمود نیشابوری مجدول مذهب‌سرلوحدار متن‌کاغذسرخ افشان حاشیه‌سفید افشان‌جلد مقوی تیماجی‌بیرون ساده‌اندرون‌کاغذ آبی‌لفافه‌دار. مجلد .

دیوان شاهی ۳ مجلد

به‌خط خندان مجدول‌مذهب سرلوحدارمصورمتن‌کاغذ خطائی حاشیه‌الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی‌اندرون‌کاغذ افشان لفافه‌دار . مجلد

مجدول مذهب سرلوحدارکه‌رباعیات‌آن چلیپانوشته شده‌کاغذ الوان‌افشان جلد مقوی نقاشی مصور اندرون سرخ ایضاً متن‌کنج نقاشی لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به‌خط سلطان محمدخندان مجدول‌مذهب سرلوحدارکاغذطغرائی جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

گوی‌وچوگان ۳ مجلد

به خط محمود بن اسحق مجدول مذهب دو صفحه سرلوحدار متن کاغذ ازمیری‌حاشیه‌افشان‌الوان‌جلد مقوی‌بیرون‌تیماجی‌ساده‌اندرون متن‌کنج‌ترنجدار مع‌لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به خط محمود مجدول مذهب سرلوحدار مشتمل برچند سرلوح

کاغذ هندی متن حاشیه افشان‌جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون ایضاً متن‌کنج ترنجدار لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق مجدول مذهب مصور سرلوحدار متن‌کاغذ هندی حاشیه طغرائی الوان افشان جلد مقوی تیماجی بیرون متن مصور نقاشی حاشیه مکتب اندرون تیماجی متن‌کنج ترنجدار مشبك نقاشی لفافه‌دار . مجلد

روضهٔ عین‌القضا نستعلیق به‌خط سلطانعلی‌مذهب سرلوحدار دوصفحه در اول تمام سرلوح‌کاغذخانبالغ‌جلدمقوی تیماجی‌بیرون‌متن کنج ترنجدار اندرون تیماجی متن‌کنج ترنجدار به طلا تحریر لفافه‌دار . مجلد

منتخب حدیقهٔ حکیم سنائی به خط شاه محمود مجدول مذهب سرلوحدار متن‌کاغذ آبی حاشیه الوان نقاشی به طلا تحریر جلد تیماجی بیرون متن‌حاشیه نقاشی مصور اندرون ایضاًکنج ترنجدار . مجلد

چهل‌حدیث مجدول ، مذهب ، سرلوحدار به خط نستعلیق در هرصفحه‌سه سطربه طلا وزنگار جلی‌مقوی‌تیماجی بیرون ساده کنج ترنجدار اندرون‌تیماجی متن مشبك . مجلد

لیلی ومجنون به خط خوشنویس مجدول ، مذهب ، سرلوحدار درصفحه مصور حاشیه کاغذ چهرهٔ الوان افشان جلد مقوی ترنجدار اندرون ایضاً مشبك لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ‌ملاسلطانعلیمجدول، مذهب، دوصفحهٔ اول‌سرلوحدارکاغذ خانبالغ حاشیه مصور به طلا تحریر جلد نقاشی مصور اندرون متن کنج ترنجدار مشبك مع لفافه‌دار . مجلد

رسالهٔ دررنظام نستعلیق به خط فریدکاتب مجدول سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده . مجلد

فرج بعد از شدت به خط نسخ مجدول به سرخی‌کاغذ هندی جلد بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده . مجلد.

تعبیرخواب به خط شیخ مجدول به سرخی‌صفحهٔ اول مغشوش جلدمقوی تیماجی متن ترنجدار اندرون ساده . مجلد

ابن‌یمین مجدول به‌سرخی‌نستعلیق دو ورق دراول‌مجدول به‌طلاسرلوحدار کاغذ سمرقندی جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده . مجلد

. . .؟ به خط نستعلیق به‌خط خانی بن‌محمد قاسم‌مجدول مذهب‌کاغذاکلیری جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده . مجلد

تاج‌المعاضد مجدول مذّهب سرلوحدار نسخ بـه خط محمد حسین بـن شرف‌الدین‌کاغذ طغرائی‌جلد مقوی‌تیماجی‌بیرون متن‌کنج ترنجدار مطلس‌ضربی اندرون متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

مجموعهٔ‌هفت دیوان مجدول‌مذهب‌کاغذ هندی جلد مقوی بیرون ساغری سفید متن ترنجدارمشبك اندرون‌تیماجی ترنجدار مشبك طلائی لفافه‌دار .مجلد

خمسهٔ‌نظامی به‌قطع‌کوچك نستعلیق متن‌وحاشیه‌مکتب‌مجدول‌مذهب مصور سرلوحدار جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ساده اندرون تیماج ساده لفافه‌دار . مجلد .

دیوان‌خضرخان نستعلیق به‌خط محمدبن‌ملامیرمجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون ساده لفافه‌دار . مجلد

یوسف‌وزلیخا نستعلیق به‌خط فریدمجدول‌مذهب مصوردوصفحه‌سرلوحدار در پشت صفحهٔ اول مهر مذهب داردکاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجدول

دیوان‌عصمت نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدارکاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی‌متن‌کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی متن کنج ترنجدارمشبك مع‌لفافه . مجلد

دیوان‌خاقانی نستعلیق مجدول مذهب متن حاشیه مکتب سرلوحدار کاغذ

ازمیری جلد مقوی‌تیماجی متن حاشیه ترنجدارمطلس‌ضربی اندرون متن‌حاشیه مشبك به قطع کوچك لفافه‌دار . مجلد

فرهاد وشیرین به قطع‌کوچك مجدول مذهب سرلوحدار مصورکاغذ متن هندی سرخ افشان حاشیه‌کاغذ زرد جلد مقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی اندرون تیماجی متن‌کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

قران‌السعدین به خط نستعلیق مجدول مذهب دو صفحه تمام سرلوح کاغذ طغرائی جلد مقوی‌تیماجی‌بیرون متن کنج ترنجدار اندرون‌کاغذ افشان‌مع‌لفافه. مجلد .

فردوسی و غیره ۲ مجلد

فردوس التواریخ به خط نسخ و نستعلیق کاغذ ازمیری جلد مقوی بیرون ساغری سیاه ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی ساده . مجلد

روضة‌الشهداء به خط نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ هندی جلد مقوی‌بیرون‌ساغری مطلس‌ضربی‌اندرون متن کنج‌ترنجدارتیماجی مشبك‌لفافه‌دار مجلد .

کلیات‌سعدی وغیره ۱۴ مجلد

کلیات سعدی ۱۱ مجلد

نستعلیق به خط شاه محمودکاتب مجدول مذهب سرلوحدار دو صفحهٔ اول تمام سرلوح جلد تیماج بیاضی سرخ‌کاغذ ازمیری . مجلد

ایضاً مجدول مذهب‌سرلوحدار مصورکاغذ ازمیری جلد مقوی نقاشی‌مصور اندرون به شرح ایضاً به خط باباشاه . مجلد

ایضاً مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ ازمیری جلد مقوی تیماجی متن‌کنج ترنجدارمطلس ضربی اندرون‌متن‌کنج ترنجدارمشبك . مجلد

ایضاً مجدول مذهب مصور دوصفحهٔ اول تمام سرلوحدار به خط فریدجلد. مقوی تیماجی بیرون ساده اندرون متن کنج ترنجدار ضربی مشبك . مجلد

ایضاً مجدول به سرخی کاغذ کهنه جلد مقوی ساده به خط عبدالله بن حسین. مجلد.

ایضاً گلستان به خط عشرجلی مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون متن وکنج ترنجدار مشبك. مجلد

بوستان مجدول مذهب سرلوحدارمتن و حاشیه الوان افشان کاغذ هندی جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدارضربی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدارمشبك در زیر وقف مهر برنجی نقاشی دارد یك ورق از آخر افتاده. مجلد

ایضاً بوستان نستعلیق به خط محمد حسین حسینی متن خطائی حاشیه ازمیری مجدول مذهب سرلوحدار جلد مقوی تیماجی بیرون ترنجدار اندرون ساده. مجلد

ایضاً بوستان به قطع کوچك مجدول مذهب سرلوحدار دو ورق در اول چندین جا سرلوح دارد متن کاغذ خطائی حاشیه ازمیری الوان افشان جلد مقوی تیماجی متن و حاشیه تمام ضربی اندرون متن و حاشیه تمام مشبك بند رومی لفافه‌دار. مجلد

ایضاً بوستان نستعلیق به خط باباشاه مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ هندی افشان حاشیه ایضاً الوان افشان جلد مقوی تیماجی متن کنج ترنجدار اندرون ایضاً متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار. مجلد

انتخاب بوستان مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان به رنگهای مختلف میان حاشیه ایضاً کاغذافشان جلد مقوی تیماجی اندرون متن نقاشی حاشیه مکتب به سفیداب اندرون متن کنج ترنجدار ضربی حاشیه مشبك مع لفافه. مجلد

سبحهٔ جامی وغیره ۳ مجلد

منتخب مولاناجامی مجدول مذهب سرلوحدار ابتداء هرغزل سرلوح دارد

به قطع کوچك وزن ثقیل دارد جلد مقوی مصور حاشیه دو سطر مکتب اندرون متن کنج ترنجدار ضربی متن نیز منبت به طلا به انفصال جلد . مجلد

شاهنامه‌ها تفی مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی نستعلیق به خطیاری کاتب جلد مقوی تیماجی متن کنج حاشیه مطلس ضربی اندرون متن کنج حاشیه مشبك لفافه‌دار . مجلد

نود و نه نام مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ الوان حاشیه ایضاً الوان افشان مابین حاشیه متن کاغذ سرخ نقاشی جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی اندرون متن کنج حاشیه ترنجدار مشبك مع لفافه . مجلد

رسالات ۹ مجلد

نستعلیق به خط میراحمد حسینی مجدول مذهب سرلوحدار مصور متن کاغذ طغرائی سفید افشان به طلا حاشیه ایضاً کاغذ آبی نقاشی مصور به طلا مابین متن حاشیه کاغذ سرخ زرد نقاشی به طلا جلد مقوی تیماجی بیرون متن کنج ترنجدار مطلس ضربی اندرون کاغذ ابری لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق به خط شاه محمود مجدول مذهب سرلوحدار هر صفحه سرلوحدارد متن کاغذ خطائی حاشیه الوان افشان مابین متن ، حاشیهٔ ایضاً کاغذ نقاشی به طلا اول و آخر کاغذ سرخ جلد مقوی تیماجی بیرون متن حاشیه نقاشی اندرون تیماجی متن کنج ترنجدار مشبك لفافه‌دار . مجلد

نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ متن خطائی حاشیه ابری الوان محرر به طلا آخر افتاده جلد مقوی بیرون کاغذ سبز افشان اندرون کاغذ ساده . مجلد.

رسالهٔ باهیه نستعلیق مجدول مذهب سرلوحدار کاغذ طغرائی جلد مقوی تیماجی سرخ بیرون ترنجدار اندرون ساده مجلد .

رساله قصیده بخط ملا مالك چهار ورق مجدول مذهب سرلوحدار متن کاغذ الوان حاشیه ایضاً الوان افشان جلد مقوی بیرون کاغذ سبز افشان اندرون کاغذ سرخ افشان لفافه‌دار . مجلد

احادیث صدکلمه هفت‌ورق مجدول مذهب سرلوحدار هر صفحه سه سطر جلی نوشته شده متن‌کاغذ الوان حاشیه ایضاً الوان افشان جلد مقوی بیرون‌کاغذ سبزافشان اندرون‌کاغذ سفید افشان . مجلد

رسالهٔ ده‌نام ابن‌عماد نستعلیق به خط سلطان محمدنور مجدول مذهب‌متن کاغذ خطائی‌حاشیه الوان افشان مابین متن حاشیه ایضاً الوان جلد مقوی بیرون اندرون‌تیماجی ساده لفافه‌دار . مجلد

قصیدهٔ عربی نستعلیق به‌خط محمودبن نظام‌مجدول‌مذهب سرلوحدارهفت ورق به قطع‌کوچك جلدمقوی بیرون تیماجی اندرون‌کاغذ ابری لفافه‌دار. مجلد

شاه‌ودرویش مجدول مذهب‌مصورسرلوحدار متن‌کاغذخطائی‌حاشیه‌چهرهٔ افشان جلد مقوی تیماجی بیرون‌نقاشی متن کنج ترنجدار مطلس ضربی‌اندرون تیماجی متن کنج مشبك لفافه‌دار . مجلد

مرقع ۲۲۴ ورق

به خط نسخ ونستعلیق وثلث مجدول‌مذهب‌حاشیه الوان جلد مقوی‌تیماجی متن کنج ترنجدار اندرون تیماجی ساده لفافه‌دار . ۳۸ ورق

به خطوط مختلف به خطخوشنویسان مجدول مذهب حاشیه‌دارکاغذالوان افشان مصور سرلوحدار جلد مقوی‌تیماجی‌متن‌کنج ترنجدار حاشیه مطلس‌ضربی اندرون ایضاً مشبك نقاشی . ۶۲ ورق

مجدول مذهب به خط خوشنویسان حاشیه الـوان افشان نقاشی به طلا وعکس دو صفحهٔ اول مصورتمام سرلوح جلد مقوی تیماجی بیرون نقاشی مصور مشجراندرون‌تیماجی‌متن کنج ترنجدارمشبك‌الوان‌شیرازه مندرس‌شده. ۳۶ ورق

به‌خطوط مختلفه به‌خط خوشنویان مجدول‌مذهب مصورسرلوحدار حاشیه الوان افشان‌چسبانده‌جلدمقوی تیماجی متن حاشیه مطلس ضربی‌اندرون‌تیماجی متن حاشیه مشبك لفافه‌دار . ۶۸ ورق

خریدهٔ‌نستعلیق به‌خطوط خوشنویسان مجدول‌مذهب‌که در حواشی‌اوراق

به خطوط خفی نوشته‌شده سرلوحدار مصور جلد ساغری‌بیرون متن‌کنج‌ترنجدار مطلس ضربی اندرون تیماجی سرخ ایضاً متن‌کنج ترنجدار مشبك . ۲۰ ورق

طلاآلات ۱۰۰ عدد

پنجره که در اصل‌گنبد مبارك نصب است مع‌دوعدد حلقهٔ ریزه‌که در تحت آن پولك نصب است و چهارچوبه و آستانه سکهٔ طلاگرفته ۱۳ عدد پولك سکهٔ پنجره ۸ پارچه در چهار چوبه و آستانه در تاخت رومیهٔ شوم ولزگی بـرطرف گردیده موافق برآورد تخمیناً موازی ۵۰ برطرف‌گردیده .

قبّه‌که‌درحین استیلای رومی مرحوم متولی سابق‌همراه خود به‌گیلان‌برده بود ثانیاً حسب‌الرقم مبارك مقرر شده که به مرحوم محمد قلیخان سپارد و بعد فوته‌بعد از ممیزی داخل آستانه مقدسه و در صندق مبارك نصب است . ۶ عدد

بزرگ نقرهٔ مطلا مشتمل برهشت عدد برنج‌طلا مرصع به فیروزه ویاقوت ولعل براین موجب . عدد

فیروزه : دانه ۳۰ عدد ریزه ۲۹ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ریزه ۲۰ عدد

لعل سوراخدار ۲ عدد

کوچك نقرهٔ مطلامشتمل برهشت عددبرنج طلا مرصع به فیروزه ویاقوت ولعل . عدد

فیروزه : دانه ۳۳ عدد ، ریزه ۳۳ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۱۹ عدد

لعل‌ایضاً دوعدد

کوچك سرخ ایضاً عدد

فیروزه : دانه ۱۸ عدد ، ریزه ۳۲ عدد

یاقوت : دانه ۲۰ عدد ، ریزه ندارد

لعل سوراخدار دو عدد ، شبه دولای عدد

کوچك سرخ ایضاً عدد

فیروزه : دانه ۱۸ عدد ، ریزه ۳۲ عدد

یاقوت : دانه ۱۸ عدد . ریزه ۱۶ عدد

لعل سرخ ایضاً دو عدد

کوچك مشتمل برهفت عدد برنج مرصّع به یاقوت و فیروزه

فیروزه : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۳۵ عدد

یاقوت : دانه ۱۹ عدد ، ریزه ۱۹ عدد

نقره‌آلات

۷ زوج ۱۱ عدد ۱۰۰ مثقال

دروب ۶ زوج

که در صحن سیم واقعست تنکه نقره‌بند رومی بالا و پائین ترنجدار مکتب به اشعار که یکصد و هفتادونه عددگل میخ دارد نصب است تخمیناً ربع درباب مذکور از قرارممیزی میرزا عبدالله ممیز رومیهٔ شومیه شکسته برده‌اند ، در موقتی را ملاحظهٔ در مزبوربنا را به تقریر عالیحضرت ملا محمد طاهر گذاشته شد . زوج

که در کفش‌کن واقعست مشهور به درب ذوالفقارخان تنکه نقره‌ای دو محرابدارکه زیر تاریخ نقش شکسته مشتمل به درب کوچك دیگر که در میان آن نصب است مع‌حلقهٔ بزرگ که درکوچك نصب شده مع‌چهارچوبه و دو عدد جفت و دو عدد جفت ریزه آنرا رومیّهٔ شکسته برده‌اند . زوج

که در دارالحفاظ واقعست مشهور به درب خدمه تنکه نقره‌ای‌بند رومی چهارچوبه نقره‌گرفته تخمیناً ۴ ... تنکه نقرهٔ آن شکسته . زوج

که در صفهٔ دارالحفاظ واقع ومکان‌متولیان است مشتمل برهشت نقش‌ترنج

طولانی مکتب به تاریخ و ابیات میان ترنج برجسته منبت اصل درب باز نقش شده مع‌دوعدد جفت ریزه و چهارچوبهٔ تنکهٔ نقره‌گرفته و چهار عددگل میخ‌نقره از موقوفات قلیچ‌خان‌طالش . زوج

که درگنبد روبروی صندوق مبارك نصب است مشهور به درآلله ویردی‌خان مشتمل برچهارترنج که درفوق وتحت‌آن نقش‌است‌منبت به‌اشعارمحرابدارترنج مطلامع یکعدد جفت ودوعدد حلقهٔ زنجیر ... وچهارچوبه‌تنکه نقره که یك‌عدد جفت نقرهٔ آن شکسته و چهارگل میخ . زوج

درب تنکه‌نقره‌گرفتهٔ ترنجدارکه شش‌عدد تنکهٔ برنج برجستهٔ مشبك‌مکتب دارد مع‌دوعدد جفت ریزه نقره که سه‌طرف چهارچوبه تنکهٔ نقره‌گرفته و یکی چوب و در دماغه درب سه‌برنج مشبك و سه‌عدد میخ بزرگ حبابی نصب است‌در روضهٔ شاه اسماعیل علیه‌الرحمه . زوج

نعلبك وغیره

نعلبك که در چهار گوشه و وسط صندوق مبارك است ۸ عدد

موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ۴ عدد که درینوقت ملاحظه شده ابوابجمع میگردد ۴ عدد .

پنجره که در میان شاه‌نشین ودارالحفاظ نصب است مع‌یکزوج درب‌پنجره تنکه نقره‌گرفته و چهارچوبه به شرح ایضاًکه درطرهٔ آن سه‌عدد مداخل‌شکسته ومفقود است وسه‌پارچه مابین‌طره شکسته ویك پارچه دیگر درکنار چهارچوبه شکسته تخمیناً ۸۰ . . . از نقرهٔ مذکور شکسته و برطرف شده . عدد

معجر محرابدارکه در مدرس سلطان العارفین شیخ صدرالدین‌علیه‌الرحمة نصب‌است‌که مشتمل‌برچهارقبه‌بوده بعدازممیزی میرزا عبدالله یك‌قبهٔ‌آن‌را دفعهٔ ثانی که رومی آمده برده‌اند و چهارچوبهائی که نقرهٔ گرفته مکتب‌که یك خانهٔ چهارچوبه را مع‌دوپارچه تنکه مکتب در محراب چهارچوبه نقش بوده رومیهٔ شومیه قبل‌ازممیزی‌برده بوده‌اند. عدد

شبکهٔ نقره‌که یك‌طرف صندوق اعلیحضرت نواب جنّت مکان شاه اسماعیل علیه‌الرحمه نصب است . ۱۰۰ مثقال

طوق‌مطلاکه درگنبد مبارك اعلیحضرت شیخ علیه‌الرحمه‌نصب است مشتمل برسه قبه‌که دوقبه مس‌مطلا ویك‌قبهٔ دیگر نقره ... مطلا بریکدیگر وصل‌است تخمیناً ورق نقره ۷۰ مثقال . عدد

بر نجینه‌آ لات

.... دو عدد

مشبك مشتمل برهشت عدد صراحی و هشت‌عدد پایه و دوعدد زنجیر . عدد

ایضاً به شکل مزبورشکسته . عدد

شمعدان ۲۵ عدد

موافق نسخهٔ ممیزی ۱۵ عددکه حال ملاحظه شد ۱۰ عدد

دولوله ۷ عدد

بزرگ ۳ عددکوچك ۳ عدد صدف نشان عدد

یك لوله ۱۵ عدد

مشبك دو عدد بزرگ ساده ۳ عدد نقرهٔکوچك دوعدد میانه وکوچك ۷ عدد کوچك بعد از ممیزی وقف شده دو عدد پای شمعدان شکسته ۳ عدد

پیه سوز ۷عدد

سرلاله‌دار دامن‌دار دوعدد طولانی ۵ عدد

سرلالهٔ هندی خیاره‌مکتب عدد ایضاً عددلاله‌دار عدد بی‌لاله بعد از ممیزی پیدا شده عدد

آفتابه‌لگن هندی ۱۴ عدد

درست ۵ عدد شکسته ۹ عددآفتابه عدد لگن ۴عددآفتابه ۵عدد لگن۴عدد

... معه زیرجام دودست

مقراض ۹ عدد

درست ۲ عدد شکسته ۸ عدد

...کوچك ۲ عدد

... ۳ عدد

به شکل ترنج دو عدد به شکل پنجه یك عدد

زلفین دهن ... میان ... عدد ایضاً کوچك عدد

مسینه‌آلات ۱۲۷ عدد

... طولانی مشتمل برچهار عدد لوله صراحی وچهار عدد پایه مع یکدسته زنجیر عدد

قزغان ۷ عدد

... ۱۸ عدد ... ۲۲ عدد ... ۱۷ عدد ... ۲۳ عدد

... ۱۱ عدد ... ۱۶ عدد

شمعدان ۲۲ عدد

فانوس عدد ایضاً ۱۰ عدد بزرگ عددکوچك ۱۰ عدد

پایهٔ شمعدان عدد

طوق مس مطلا دوعدد

که درگنبد مبارك اعلحیضرت شاه‌اسماعیل نورالله مضجعه نصب است‌مشتمل برفرد تاج برنج مطلا و یك قبضه شمیشرمس‌مطلا که در فوق آن نصب‌است. عدد

که درگنبد چله‌خانهٔ مبارکـه نصب بود بعد از شکست گنبد مـزبور پائین آورده‌اند به شکل ترنج که اسم جلالهٔ مبارکه برومشبك‌گشته . عدد

طشت بزرگ هندی یك عدد ۱۴ من

... و غیره ۱۴ عدد

... کوچك و بزرگ دو عدد

سرپوشهٔ قزغان ۳ عدد

درست دوعدد شکسته عدد

طشت ترکی بزرگ عدد

... سه پاره ساخته شده عدد بوشقاب ۳ عدد

... عدد ... عدد

پیه سوز ۲ عدد

میانه عددکوچك عدد

... ۸۰ عدد

موافق نسخهٔ ۵۴ عددکه ارزیابی آمده ۲۶ عدد

مکتب به طلا عدد ایضاً بزرگ وکوچك ۷۹ عدد

آهن آلات ۷ عدد۳۰۰ عدد

سرعلم مدور مکتب شکسته ۷ عدد

شمشهٔ آهن‌که در ایام متبرکه شمع چیده میشود در ممیزی میرزا عبدالله داخل نسخه نموده . ۳۰۰ عدد

ظروف :

مقرراً حسب‌التصحیح‌که جزو براین اضافه و داخل جمع نشده

چینی‌آلات و عقیق‌ویشم موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ممیز ۹۱۱ عدد

درست مودار ۷۶۲ عدد مکسور شکسته ۱۵۰ عدد

عقیق ویشم .... پیاله ۹ عدد

چینی آلات ۱۰۰۹ عدد

درست مودار ۸۵۹ عدد مکسور شکسته ۱۵۰ عده

عقیق‌ویشم ... پیاله ۹ عدد

المقرر آنچه حال بازدید و ملاحظه شده بعد از وضع مکسور شکسته که با الکلیه ازحیز انتفاع افتاده بود داخل جمع نگردید . ۹۵۷ عدد

چینی آلات ۹۴۹ عدد

درشت ۸۵۷ عدد

ممهور ۸۳۵ عدد بی‌مهر ۲۲ عدد

مودار اب شکسته و پیچدار ۹۳ عدد

مودار ۱۹ عددلب شکسته و پیچدار ۷۳ عددلب شکسته ۵۳ عدد پیچدار ۲۰ عدد

... لب شکسته ۴ عدد

... ۱۵ عدد لب شکسته ۹ عدد پیچدار دوعدد مودار ۴ عدد

نعلبکی ۲۴ عدد

مودار ۵ عدد لب شکسته ۸ عدد پیچدار ۵ عدد

کاسه ۲۱ عدد

مودار ۸ عدد لب‌شکسته ۱۰ عدد پیچدار ۳ عدد

طاس ....

لب‌شکستهٔ بی‌مهر عدد

آفتابه ۸ عدد

مودار بی‌مهر عدد لب‌شکسته و لوله شکسته و دسته شکسته ۷ عدد

تنگ ....

لب‌شکستهٔ ۵ عدد

قلیان .... لب شکستهٔ به شکل فیل دوعدد

پیاله ۸ عدد

مودارعدد لب‌شکسته ۷ عدد

بوشقاب .... پیچدار

عقیق‌ویشم ۸ عدد

چینی آلات ۹۴۹عدد

.... و غیره ۱۷۵عدد

.... ۱۵ عدد

بزرگ ۸ عدد سرپوشدار ۶ عدد بی‌سرپوش دوعدد

وسط ۷ عدد سرپوشدار ۴ عدد بی‌سرپوش ۳ عدد

قزغان ۷۷ عدد

بزرگ ۲۵ عدد

سرپوشدار ۱۸ عدد بی‌سرپوش ۷ عدد

کوچك ۱۳ عدد

سفید ۷ عدد آلا ۱۶ عدد

وسط ۲۳ عدد

کتابی دوعدد

ایضاً ۲۱ عدد

سفید عدد آلا ۱۹ عدد به شکل‌کدو عدد

به شکل شلغم ۷ عدد دهن نقره‌گرفته عدد ساده ۵ عدد

سرپوشدار ۴ عدد بی‌سرپوش عدد

تنگ ۲۰ عدد

لب طلا فیروزه‌نشان عدد سرنقره مطلا دو دسته‌دار عدد

لاجوردی دو عدد سایر ۱۶ عدد سرپوشدار ۳ عدد بی‌سرپوش ۱۳ عدد

.... ۴ عدد

غوری : دودسته‌دار حلقه‌داریك حلقه‌شکسته عدد سایردوعددآبخوری‌عدد

لگن بزرگ ۳ عدد

غوری یکپا شکسته عدد سایر دوعدد

دیك عددپایه غوری مشبك عدد

قلیان ۴ عدد

به شکل فیل دو عدد به شکل جغد عدد فرح‌آور به شکل گربه عدد به شکل نارجیل عدد سایر ۴ عدد

طاس غوری و آلابغدادی ۵ عدد

سرپوشدار عدد آلابغدادی دوعدد

خیاره عدد ساده عدد

پیالهٔ پایه‌دار عدد نمك‌دان مع‌سرپوش عدد

... وغیره ۷۷۲ عدد

بزرگ بزرگ ۲۷ عدد

بزرگ بزرگ ۱۲ عدد

لب شکسته عدد درست ۱۱ عدد

ایضاً لب گردان ۷ عدد

لب شکسته عدد درست ۶ عدد

ایضاً غوری ۸ عدد

.... بزرگ ۷۴ عدد

لب‌گردان ۶۰ عدد سایر ۲۴ عدد

وسط ۷۴ عدد

سفید ۵ عدد غوری ۶ عدد لاجوردی لب شکسته عدد آلا بغدادی ۱۵ عدد .

لب‌گردن ۴۷ عدد

کوچك ۱۰۲ عدد

سفید ۲۴ عدد لب‌گردان ۱۲ عدد

ایضاً ۱۲ عدد غوری ۴ عدد لاجوردی عدد سایر ۳ عدد آلا بغدادی ۵۰ عدد

نقاشی ۲ عدد ایضاً عدد سایر ۴۷ عدد لب گردان آلا بغدادی ۲۴ عدد

... ۶۴ عدد

آلا بغدادی ۲۲ عدد سفید ۳ عدد لب‌گردان ۳۹ عدد

کاسه ۴۲ عدد

بزرگ شربت خوری ۲۳ عدد

سفید ۴ عدد غوری ۲ عدد الابغدادی ۱۷ عدد

وسط ۱۹ عدد

سفید بیرون نقاشی به طلا تحریر عدد سفید ساده عدد سایر ایضاً ۱۷ عدد

شاه‌کاسه ۱۴۶ عدد

میانه ۶۹ عدد

سفیدکنار طلاگرفتهٔ بزرگ وکوچك دو عدد غوری ۳ عدد

اندرون سادهٔ سفید بیرون نقاشی مصور ۶ عدد ایضاً بیرون و اندرون‌نقاشی عدد اندرون بیرون نقاشی آبی سرخ مصور ۳ عدد لاجوردی عدد بیرون . . . . ۲ عدد بیرون نقاشی آبی مصور ۱۱ عدد الابغدادی ۳۰ عدد مکتب‌کوچك ۱۰عدد کوچك ۷۷ عدد

آلابغدادی ۸۴عدد سفید ۳۱ عدد زرد۲۲ عدد لب شکسته عدد سایر۲۱عدد بوشقاب ۱۲۴ عدد

بزرگ ۱۲ عدد

سفید ۳ عدد آلابغدادی ۴ عدد غوری عدد بیرون و اندرون نقاشی ۴ عدد زرد ۱۲ عدد سبز وفیروزه ۳ عدد همه سرخ حاشیه طلادار

سفید ۲۴ عدد ... و سفیدی ۵ غوری دوعدد

کوچك ۶۶ عدد

غوری دوعدد آلابغدادی ۶۱ عدد به شکل ... ۳ عدد

پیاله و غیره ۵۹ عدد

پیاله ۴۰ عدد

به شکل ... مع‌سرپوش ۵ عدد

ماست خوری سفید وزرد وخوری سرنقاشی الابغدادی ۲۸ عدد
درست ۲۷ عدد لب شکسته عدد
گلاب‌خوری بزرگ وکوچك ۷ عدد
بزرگ ۶ عدد کوچك عدد
نعلبکی سفید و آلابغدادی ۱۹ عدد
سرپوشهٔ قزغان و سایر ظروف بزرگ وکوچك ۵۲ عدد
عقیق‌ویشم ... و غیره پیاله ۸ عدد
عقیق به شکل کشکول عددیشم ۵ عدد فادزهر دوعدد منبت به اندام یاس.
دسته به شکل میمون‌که سه‌پایه دارد دو طرف‌آن به شکل‌حیوان نقش‌گشته عدد
به اندام‌گل سرخ دسته به شکل برگ در میان ... نصب است . عدد
دسته به شکل اژدر عدد اندرون و بیرون مکتب لب‌شکسته عدد .
دودسته داردبه شکل حیوان دو عدد به شکل‌کشکول عدد
مذکور ذیل ۱۷۷ عدد ۳۳ ثوب ۶ زوج‌فرد ۶۱ زرع‌نیم ۲۳۰ دانه ۹ پارچه
صندوق‌پوش وغیره ۵۵ عدد ۵ پارچه ۳۲ ثوب زرع نیم صندوق پوش ۳۲
ثوب زرع نیم
متعلق به‌سرکار حضرت شیخ علیه‌الرحمه ۳۱ ثوب زرع‌نیم
زربفت‌بوم طلا مکتب به سورهٔ اذاجاء نصرالله بطانه دارائی حریر دامن.
زربفت سجاف دارائی ساده مستعمل ثوب
مستعمل مندرس گلابتون دوزی حاشیه مکتب بطانه مثقالی سجاف دارائی
ثوب .
مستعمل مندرس خطائی زربفت حاشیه ایضاً مکتب بطانه قدك سجاف‌الجه
دارائی ثوب
مستعمل ابره مخمل قرمز بطانه حریر ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز ثوب

مستعمل مندرس زربفت سه‌بطانه حریر ثوب

مستعمل مندرس از مالیّت افتاده زربفت سیه بطانه حریر ثوب

مستعمل ابره خطائی زربفت بطانه دارائی حریر دوثوب

مستعمل خطائی زربفت قرمز بطانه اطلس زرد سجاف دارائی ثوب

ابره ...گلابتون دوزی‌سقف ... سردامن ... قرمز بطانه‌دارائی حریرسجاف زربفت دامن بطانه زربفت طلاباف بادله‌باف ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز حاشیه مخمل سبز بطانه دارائی سجاف قطنی محرمات از مالیّت افتاده ثوب

ابره مخمل قرمز حاشیه مخمل سبز بطانه دارائی زرد سجاف دارائی زربفت ثوب

مستعمل ابره خطائی زربفت قرمز بطانه‌قدك سجاف دارائی بزرگ‌وکوچك دو ثوب

مستعمل ابره مخمل قرمز بطانه دارائی وقدك بعضی از مالیّت افتاده ۴ثوب

مستعمل مندرس مخمل قرمز ... ابره ثوب

ابره مخمل سیاه بطانه قدك مندرس از مالیّت افتاده ثوب

مستعمل مخمل سبز ... ابره از مالیّت افتاده ثوب

مستعمل مندرس ابره مخمل سبز بطانه قدك و دارائی دوثوب

مستعمل ابره دارائی بطانه قدك‌زرد سجاف صندل‌باف ثوب

مستعمل مندرس ابره مخمل محرمات حاشیه سرخ ایضاً بطانه سفید

مستعمل ابره ...کبود حاشیه قرمز بطانه قدك‌کبود ثوب

ابره ... سبز بطانه قدك ثوب

ابره زربفت خطائی بطانه قدك سجاف الجه مندرس از مالیّت افتاده ثوب

ابره زربفت خطائی محرمات بطانه دارائی زرد ازمالیت افتاده مندرس ثوب

مخمل سبز بی‌مالیت ... زرع نیم

گلیم گلابتون‌باف حاشیه مخمل بطانه وسجاف دارائی‌که قبل از این‌کلیم بوده ثوب

متعلق به‌آستانهٔ سلطان سید جبرئیل علیه‌الرحمه‌دامن قلمکار سقف‌دارائی ثوب .

پرده ۵۵ عدد ۵ پارچه

خطائی زربفت حاشیه سرخ ایضاً مصور ریشه‌دار بزرگ مستعمل عدد

ابره‌خطائی بطانه دارائی سجاف اطلس زرد مستعمل عدد

ابره زربفت دیباباف حاشیه خطائی محرمات بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد .

ابره زربفت بوم دیبابادله حاشیه ایضاًمحرمات بطانه قدك سجاف‌الجه‌عدد.

ابره‌زربفت فرنگی مستعمل حاشیه زربفت مشجربطانه دارائی سجاف‌الجه دو عدد

ابره خطائی سبز حاشیه ایضاً خطائی یکی بطانه قدك سجاف الجه یکی بی‌بطانه دو عدد

ابره زربفت دیباباف حاشیه خطائی محرمات بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد

ابره دارائی زربفت حاشیه زربفت مکتب بطانه قدك سجاف الجه عدد

ابره خطائی زربفت‌زرد حاشیه‌خطائی بطانه قدك سجاف صندلباف مستعمل عدد .

ابره ماهوت گلدوزی متن سفید حاشیه سرخ بطانه اطلس سجاف قطنی ابری عدد

ابره مخمل سرخ حاشیه مخمل سبز بطانه قدك سجاف دارائی عدد

ابره مثقالی مکتب مذهب محراب‌دار بطانه مثقالی سجاف صندلباف عدد

ابره زربفت نیلوفری حاشیه مکتب محرابدار بطانهٔ دارائی سرخ سجاف اطلس عدد

ابره‌گلابتون دوزی حاشیه سرخ ایضاً بطانه دارای سجاف الجه مستعمل مندرس عدد

خطائی زربفت بی‌حاشیه بی‌بطانه ... ابره عدد

کتان مشجرباف مستعمل مندرس بطانه قدك بزرگ بزرگ عدد

به شرح ایضاً مندرس حاشیه مکتب متن مشجر بطانه ایضاً مندرس بزرگ بزرگ عدد

متن خطائی حاشیه مشجر بطانه قدك سجاف صندلباف عدد

زربفت فرنگی متن حاشیه مصور بطانه دارائی مندرس‌کهنه عدد

محرمات ... زرد مستعمل بطانه قدك مندرس سجاف صندلباف عدد

مخمل شمعی حاشیه مخمل سبز مندرس بزرگ عدد

متن سرخ حاشیه سبز مندرس بزرگ عدد

مندرس مندرس از مالیت افتاده‌مخمل زربفت قطنی و غیره بی‌بطانه ۲۷عدد

جامه‌کعبهٔ مندرس از مالیت افتاده عدد

جامه‌کعبهٔ مندرس مستعمل ۳ پارچه

مندرس مندرس شده از مالیت افتاده ۳ عدد

مخمل سرخ مستعمل دوپارچه

جانماز و غیره ۱۲۲ عدد ۶ زوج‌فرد ، ۹ (...) ۶۰ زرع ۲۳۰ دانه ۴ پارچه

جانماز ۲۴ عدد

بوم سرخ محرابدار حاشیه مکتب سفید ریشه ابریشم‌کرمانی عدد
بوم سرخ محرابدار حاشیه سبز مکتب ریشه ابریشم کرمانی عدد
بوم سبز حاشیه سفید مکتب‌محرابدار ریشه ریسمان‌کرمانی عدد
بوم سرخ حاشیه سبز ریشه ابریشم محرابدار مکتب‌کرمانی عدد
بوم سرخ حاشیه سرخ مکتب محرابدار ریشه ریسمان عدد
بوم شمعی حاشیه سرخ ایضاً جای مهر مکتب ریشه ریسمان‌کرمانی عدد
بوم سفید مکتب حاشیه سبز محرابدار خراسانی عدد
بوم شمعی حاشیه سبز محراب مکتب خراسانی عدد
متن حاشیه شمعی محرابدار مکتب خراسانی عدد
متن حاشیه لاجوردی محراب مکتب خراسانی عدد
متن سفید حاشیه سرخ محرابدار جای سجده مکتب خراسانی عدد
متن سرخ حاشیه سیاه محراب مکتب خراسانی عدد
متن سرخ حاشیه سفید محراب مکتب ترکی عدد
متن سفید حاشیه مکتب عمل بحرین بطانه قدك عدد
نمد حاشیه مکتب جامی عددکربلائی مندرس ۷ عدد
نمد مندرس از مالیت افتاده عدد ترکی مندرس سرخ ایضاً عدد
قالی و قالیچه ۵ زوج‌فرد۴ پارچه ۱۱ عدد
قالی ۵ زوج‌فرد ۴ پارچه
بوم قرمز مصور حاشیه منقش حاشیه اندرون سفید بیرون و قرمز ریشه ابریشم تخمیناً طول ۴ زرع عرض دو زرع زوج
بوم لاجورد حاشیه قرمز تخمیناً طولانی زرع مستعمل فرد
بوم قرمز حاشیه سبز جوشقانی مستعمل‌طولاً ۱۳ زرع فرد
بوم سبز نقش نیلوفرگلدان حاشیه قرمزطولاً ۱۱ زرع فرد

بوم بنفش نقش نیلوفر خطائی حاشیه اندرون سرخ بیرون زرد اسلیمی مداخل‌کرمانی زوج

بوم بنفش نیلوفر مصوربند رومی‌کرمانی طولا پنج زرع‌نیم زوج

بوم قرمز مستعمل تخمیناً هفت زرع یکی ترکی یکی .... زرع

قالیچه که از قالیهای بزرگ مندرس باقی مانده ۴ پارچه

قالیچه ۱۱ عدد

ابریشم ابره مخمل مشجر مصور ترنجدار حاشیه قرمز مکتب دو عدد

ابر مخمل مصور حاشیه قرمز مکتب مستعمل از مالیت افتاده دوعدد

گلابتون‌باف نقش نیلوفر خطائی حاشیه ایضاً بزرگ وکوچك دوعدد

گلیم گلابتون‌باف ۵ عدد

نقش نیلوخطائی ۴ عدد

بطانه قطنی مستعمل عدد

. . . الوان‌که دردور دیواراندرون‌گنبد مبارك نصب‌است‌طولاوعرضاً۶۰زرع

صفه‌پوش ابره سدره سرخ بطانه چیت مستعمل مندرس دو عدد

قابلق ۶۱ عدد

زربفت بومآ بی‌بطانه دارائی‌عدد

چکین‌ومخمل ۱۰ عدد

چکین دوخته ۳ عدد مخمل ۷ عدد

... ابره ... سبز حاشیه مداخل کناره نواربطانه نمد مندرس عدد

... ۱۲ عدد

فولاد جوهردار ۱۱ عدد

بزرگ ۴ عدد کوچك ۷ عدد

شیشه دندگی عدد

... ۲۴ عدد موافق نسخهٔ میرزا عبدالله ۱۰ عددکه قبل ازین در اصل نسخه بوده ۴ عدد

ابره شال بطانه نمدکناره‌نوار که در شاه‌نشین فرش است زوج

ابره ... سبزکناره‌نوار بطانه نمد الوان‌که درگنبد مبارك فرش است عدد

ابره ... لاجوردی‌کناره مداخل بطانه نمدپاره‌کناره‌نوارکه در پله شاه‌نشین فرش است عدد

ابره شال بطانه نمدکناره‌نوارکه در دارالحفاظ فرش است دوعدد

ابره‌شال بطانه نمدکناره‌نوارکه در ... صفهٔ دارالحفاظ فرش است ۵ عدد

ابره‌شال سرخ بطانه نمدکه در چینی‌خانه فرش است ۳ عدد

پیش‌انداز ۴۱ عدد

متن زربفت سرخ حاشیه زربفت سبز بطانه ... سبز مستعمل عدد

اطلس قرمزگلابتون دوزی ۳ عدد

بطانه مشجر سجاف قطنی محرمات عدد

بطانه دارائی حریر سجاف ایضاً دو عدد

دست‌انداز ؟

مخمل سرخ بعضی بطانه دارد بعضی بی‌بطانه ۸ عدد

... ۱۹ عدد

آبه‌نوس خاتم‌بندی ۳ عدد

بزرگ عدد کوچك دو عدد

نقاشی‌وچوبی ۲۶ عدد

نقاشی دوعدد چوبی ۲۴ عدد

پیراهن و غیره ۲ عدد ثوب زوج ۲۳۰ دانه

پیراهن ترك سلطان خواجه علی مشهور سیاه‌پوش مستعمل ثوب

... چرمی سلطان خواجه علی زوج

علم مستعمل مندرس ... جامهٔ کعبهٔ معظمه ریشه ابریشم سبز عدد

صندوقچهٔ صدف عدد

تسبیح ۲۳۰ دانه

خاکی کربلائی ۲۰۰ دانه خوئی ۳۰ دانه

عصا آبه‌نوس و غیره

آبه‌نوس مع‌سرچوب آهن عدد ایضاً بی‌سرعدد

صدف‌نشان عدد

صحیح است ، «سگ آستان علی‌طاهر است » (سجع مهر: ملا محمدطاهر)

عالیحضرت فضیلت و کمالات‌منقبت‌ملامحمد طاهر را زیده فضله‌چون‌درین ایام اختلال اوضاع روزگار چند دفعه تفرقگی به‌سکنه اینولایت و خدمهٔ‌سرکار آستانهٔ مقدسه روی داده و ارباب اختیار چند به اینجا آمده هریك چیزی از اجناس واسباب سرکارهویت‌مدارتصرف‌کرده‌اند، در اینوقت‌که بندهٔ درگاه‌بازدید اجناس وکتب سرکار نمود نسبت به نسخه [ای]که عالیشان میرزا عبدالله بعد از فتح قلعهٔ اردبیل‌حسب‌الامر الاعلی ممیزی‌کرده برینموجب قصور وکسورملاحظه شد . و آن عصمت‌پناه

طلا :

پولك ازپنجره‌که درگنبد مبارك حضرت‌شیخ علیه‌الرحمه نصب‌است‌دوعدد، شکست در چهارچوبه آستانهٔ پنجرهٔ مزبور ۳ ...

طلا و فیروزهٔ ریزه ۶ مثقال

نقره :

... تنکه درب صحن دوم‌که درسرکار بوده ۵۲۳۹ ...

قندیل کوچك عدد مهر ... حضرت شیخ عدد

سینی کوچك ۱۳۵ عدد

کتب مذهب ومرقع

مجلد ۲۹ مجلد مرقع ۵ ورق

پیش‌انداز و غیره :

پیش‌انداز عدد قالی دو زوج قالیچهٔکوچك عدد لعل‌فادزهر شکسته عدد

چینی و غیره

پیالهٔ فادزهر مرصع عدد تنگ دهن طلا دوعدد

کاسهٔ فیروزه و قلیان به شکل فیل دوعدد

کاسهٔ فیروزه و قلیان به شکل فیل دوعدد

... آنچه ممیز سابق مکسور قلمی نموده درحشو وضع شده ۵۶

مس :

قزغان بزرگ عدد لنگری و سرپوشی قزغان وکفگیر ۵ عدد

مشعل عدد مس شکسته قزغان جام ۲۰

قدیمی و مخلص این سرکارو ازکیفیت وکمیت قصور وکسور مزبوراطلاع تمامی داده است قصور هریك راکه چه‌وقتی و کدام ارباب اختیار برده حقیقت واقعی‌آنرا بدون ابهام‌قلمی نمایندکه‌استحضاری بهمرسیده ازآن قرارثبت‌نسخهٔ مزبورگردد .

جای مهر «افوّض امری‌الی‌الله عبده‌محمدقاسم الصفوی»

بعرض‌میرساندکه در خصوص بعضی اجناس واسباب سرکار آستانهٔمقدسه که وکلاء سامی درینوقت بازدید نموده نسبت بـه نسخهٔ میرزا عبدالله مشارالیه که سی‌سال قبل ازین ممیزی شده قصور ملاحظه ... صورت‌کسور مزبور رامفصلا قلمی و عرض نماید .

اماکسره طلا و نقره وقتی نادرشاه متوجه تسخیر بغداد ومـوصل بوده از رومی شکست خورده به ایران مراجعت نموده باز قشون رومی پدیـد آمده از اینجهت ... متوهم شده بالتمام متفرق‌گشتند مرحمت پناه‌کلبعلی بیگ متولی و

خدمه یکنفر مجاور کشیکچی در آستانهٔ مقدسه گذاشته خودشان به گیلانات و حوالی رفتند معدودی رومی ازتبریز با جمعی از مردم ...

آمده هرچند نسبت به روضهٔ مطهره و اسباب اوبی‌حرمتی نکرده‌بودنداما از رجّاله واشرار آنها به مجاور مزبور آزار وجراحتی رسیده یکعدد قبهٔکوچك نقره از معجرمدرس شیخ صدرالدین علیه‌الرحمة و یکعدد قالیچهٔ کوچك ریشه ابریشمی مستعمل ودالبرکهنه با دوسه عددمس ... پهنور ولنگری از کشیکخانه برداشته ازینجاروانه، ودر گریوهٔبیشه‌کنار موسی بیگ پیرزاده راکه سابقاًمتولی بوده و یکعدد قالی و یازده عدد بشقاب مس سرکار نیز نزد او بودگرفته بتبریز مراجعت و از آنجا به ولایت روم‌برده بودند از آن تاریخ قالی و اجناس‌مذکور به آستانه نرسیده جمعی از ضعفا وبیوه‌زنان زودتر شهر آمده از خوف اشرار پناه به آستانه آورده صحن بیرون و اندرون کثرت بعد از ورود متولی مرحوم و تمامی خدمه مجاور مذکور صاحب فراش و مجروح بوده سوای قصور مذکور دوعدد پولك وسه‌شکستی در پنجرهٔطلاکه تخمیناً هفت و هشت مثقال میبودکسور ملاحظه شده، خدمهٔ مذکوره متعهداندکه هرگاه‌خدمت وحقوق مجاورمؤمی‌الیه وعذر مستور منظور نشده ارباب اختیار و ممیزی مطالبهٔ کسور نمایند ایشان از عهده بیرون آیند ثانیاً که نادرشاه استعداد بهمرسانیده در تسخیر بغداد بوده میرزا عبدالرزاق‌جهانشاهی ضابط اردبیل وممیز امور آستانه مقدار ۵۲۳۴مثقال نقره‌که در سرکار مضبوط بوده‌که اینجا بی‌مصرفست از متولی مرحوم گرفته به حاجی اعوذخان داده به رشت فرستاده مسکوك ساخته انفاذ نموده و در بازدید عرض‌اسباب سرکارپنج ورق‌مرقع مذهب نیز به‌خط میرعماد برداشت وهنگامیکه سام‌شاه درگیلان جمعیت بهمرسانیده به اردبیل می‌آمد چون نادرشاه در حیات وفوت اومعلوم‌نبودمتولی‌مرحوم‌احتیاط کرده مهرحضرت‌شیخ‌علیه‌الرحمه‌را باسینی کوچك نقرهٔزیرعودسوز وشش‌مثقال طلامع فیروزهٔ ریزه‌که از کنار لوح‌صندوق مبارك شکسته وبا قندیل کوچك در روضه بوده برداشته روانه شد. همان روزها

سام وارد اردبیل و متولی مشارالیه را در راه‌گرفته محبوس آوردند عالیجنابان شجاع‌الدین‌خان و رضا قلیخان و درویش محمدخان طالش که با او در خانهٔ متولی بودند .

میرزا عنایت خدمه را با یکنفر ریکا فرستاده بودندکه از سرکار آستانه مسندی به جهت سام‌شاه مذکور فرستاده شود .

به اطلاع متولی‌مؤمی‌الیه یکعدد پیش‌اندار گلابتون دوزی با یکعددقزغان مس بزرگ به‌سرکار او بردند دیگر و اصل سرکار آستانهٔ مقدسه نگردید .

امّاسبب‌کسورکتب وغیره آنچه‌چون نادرشاه دفعهٔ اول‌که به تسخیر شیروان میرفت‌بعدازززیارت‌به‌سیرچینی‌خانه‌وکتابخانه‌آمده یکعددپیالهٔ فادزهرمرصع را برداشته‌به متولی‌وخوانین‌خطاب‌کردند این پیاله ...که تیمناًازین‌سرکاربرداشتیم به رکابدار خود سپرد به آن تقریب دوعدد تنگ دهن وگردن طلاگرفته ته‌نشان به‌یاقوت ریزه را نیز به رکابدار مذکور داده ، مقالهٔ حضرت شیخ علیه‌الرحمه‌را طلبیده بعد از ملاحظهٔکتب مذهب مصور مقاله را با دوازده مجلد کتاب مقطع برداشت‌که در اسفار مطالعه نماید و به خوانین نیز تکلیف برداشتن‌کتاب نمود از آنجمله میرزا مهدیخان منشی‌باشی نیز سه مجلد برداشت ثانیاً جعفر بیگ قاجار از خراسان به چاپاری آمده به موجب نوشته‌که ملاحظه نمود نیز خمسهٔ نظامی را که بسیار مقطع و مصور بود با یکعدد نسخهٔ دیگر به خط میرعماد خواسته بودند . مرحوم متولی مزبور به قابلق و مشمع و پردهٔکهنه پیچیده در حضور حاکم اردبیلی از چاپار مومی‌الیه ارسال نمود نصرالله میرزاکه درآنوقت طفل و همراه نادرشاه بود یکعدد قلیان به شکل فیل برداشته دفعه‌ثانی نیز بعد از قتل و تنبیه اهل شیروان باینجا آمده یکعددکاسهٔ فیروزهٔ چینی بسیار نفیس را نیز از متولی‌گرفت، وابراهیم‌خان‌برادر نادرشاه‌که بداغستان میرفت‌چندگاهی در خانهٔمتولی مرحوم‌مانده چند پارچه‌چینی که جهت ماحضری وطعام‌وآبخوری

او برده بودند بعضی در دست عملهٔ او شکست یافته در حال فادزهر را به جهت ساختن معجون برکار بودند و پنج‌شش مجلد قرآن به جهت خواندن غلام‌بچه‌ها از متولی‌گرفته بعد ازفوت او در داغستان هیچیك به سرکار نرسیده . وقتی که آزادخان بزیارت آستانه آمد هرچند خود احترام روضه نگهداشتند اما بعضی افاغنه خیرگی نموده در چینی‌خانه را که ملاعثمان معتمداً وسلیم‌خان مهر نموده بودند ، واکرده ازکتب مقطع مذهب ملایار احمد پیشنماز افغان و ملامیراحمد قاضی وگلستان‌خان ده مجلد برداشته چند دفعه عرض شد وکلاء سامی مطلعند که فایده نکرده واپس‌ندادند، و یك جلد تیمورنامهٔ هاتفی مذهب مجدول‌که در حاشیهٔ او دیوان میرزا قاسم‌گونابادی نوشته شده میرزا شفیع وزیر تبریزی‌بر-سبیل امانت از متولی مرحوم‌گرفته تا حال نفرستاده است .

قصور قالی وغیره آنکه بعد از کشته شـدن سام‌شاه ساروخان برادر امیر اصلانخان‌که به اردبیل می‌آمد اکثرکدخدایان متوهم‌شده فرار نموده بودندبعد از ورود او به جهت فرش تعدی میکرده میرزا بهاءالدیـن کلانتر و دوسه نفر بابایان محله آمده بالحاح و سماجت دوعدد قالی سرکار را برده به محض دیر رفتن‌قالی‌کلانترمشارالیه راکشته بابایان‌مزبورگریخته‌اند. عالیحضرت‌شیخ‌الاسلام حال نیزمطلعند دفعه‌ثانی‌نیز حاجی ربان و میرزا علیرضادوعدد قالی برده‌بقشون داده‌اند از ایشان تحقیق نمایندکه از آن تاریخ هیچك به آستانه نرسیده دوسه عدد پردهٔ مستعمل‌که در زمستان که در کشیکخانه ضرور میباشد به مـرور ایام برطرف شده و چینی‌های مکسور که ممیز سابق داخل نسخهٔ وکلاء سامی بعد از ملاحظه چون‌اکثری ازمالیت افتاده بود درحشونسخه جدید وضع ودخل‌نمودند همگی حاضر و به‌جهت ملاحظهٔ طمغا مضبوط است و درسینه‌آلات سرکارکسری نیست مقدار سی‌ویك من‌که بیمصرف بوده حسب‌الصلاح آن صاحبی من‌بـه وزن تبریز از قرار ششصد دینارکه مبلغ هیجده هزارو ششصد دینار بوده فروخته‌شده نزد تحویلدار ...

حاضر است به هرمصرف سرکارکه مقرر نمایند مصروف مینماید و یکعدد منقل طولانی‌که به ارباب نظر در ورود عالیجنابان محمد حسن‌خان و موسی‌خان به جهت ایشان برده و مفقودگشته بود نوشته داده‌که تازه ساخته به‌سرکار سپارد و پنج‌شش من نیز صرف بعضی ضرورهای ... و آفتابه‌لگن ومرمت‌کاری طشت‌و قزغانهاگشته باقی‌مختار ندوماشهدنا الّا بماعلمناصحیح است‌جای‌مهر «سگ آستان علی‌طاهر است» .(۱)

۱ ــ تا اینجا نقل از طومار صورت اثاث‌واشیاء مقبره شیخ‌صفی‌الدین است که بنام« گنجینه شیخ صفی » ازطرب کتابخانه ملی تبریز منتشر بطبع رسیده است

این طومار در ۲۱۸ سال پیش بدستور سید محمدقاسم بیک‌صفوی متولی بقعه‌شیخ‌صفی‌الدین تهیه شده و بطول ۷۵۶ وعرض ۱۲ سانتیمتر و بخط ملامحمد طاهر مستوفی می‌باشد. طومار مزبور از شانزده‌قطعه بهم پیوسته تشکیل شده‌که محل‌الصاق قطعات پس از قیدعبارت «صح‌الوصل» به مهرکاتب به سجع «سگ آستان علی‌طاهراست » ممهور گردیده و ذیل آن نیز به مهرکاتب به سجع مذکور و مهرمتولی به سجع افوض‌امرای الی‌الله عبده‌قاسم صفوی» مهرشده است . مهر دیگری هم در پشت طومار به‌سجع ف ش ی ع «شفیع» دیده میشود .

مسجد جامع اردبیل

این مسجدکه از آثار باشکوه عصر سلجوقی است امروز ویرانه‌ای پیش نیست ، و تحت شماره ۲۴۸، جزء آثار ملی‌کشور به ثبت رسیده است . در سمت غربی مسجد در وسط قبرستان باقی مانده آثار مناره‌ای مشاهده میشودکه گویا مربوط به در ورودی محوطه اطراف مسجد بوده که براثر زلزله ، مانند دیگر قسمتهای مسجدفرو ریخته و ویران شده است .

در دیوار شمال‌شرقی رواق سابق‌مسجد آثار گچ‌بری و قالب‌ریزی درملاط بین آجرها مشاهده میشود که درزیرگچ و خاکی‌که تعمیرات بعدی‌روی دیوارها کشیده‌اند از روزگار سلجوقی باقی مانده است .

این مسجد در شمال شرقی شهر برروی تپه نسبةً مرتفعی واقع است .

در حال حاضر این بنا مرکب است از شبستانی مربع که گنبد آن افتاده و نمازخانه مستطیلی باقی مانده که سقف صاف آن بوسیله دو ردیف تیرچوبی نگاهداری میشود .

در چند متری سمت غربی آن پایه مدور آجر مناره‌ای وجود دارد .

در مقاله‌ای‌که سیرو در مجلدمؤسسه باستانشناسی شرقی فرانسه در ۱۹۴۵ راجع به این مسجد نوشته مینویسد :که شاید این مسجد نخستین‌بار در قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) برخرابه‌ها یك بنای ساسانی ساخته شده و ازیك

شبستان‌گنبددار مربع و تالار طاقدار بلند مرکب بوده است . در حمله مغول به این مسجد خسارت بسیاروارد آمد وگنبد آن درسال ۶۵۰ هجری دوباره ساخته شد . در آن‌زمان بعضی قسمتهای آن باگچ پوشیده و بندکشی دروغی وتویی‌روی آن نقش‌گردید . در اواسط‌قرن هشتم شبستان‌گنبد سفیدکاری شد و محراب‌گچی ساخته شد و روی آن با نقاشی تزیین‌گردید . (۱)

عناصری‌که ازقرن هشتم وجود دارد شامل‌پوشش‌گچی‌سختی‌است‌که سطوح دیوار داخلی اطاق‌گنبد را پوشانیده و محراب مقر نسکاری های‌گچی وتزیینات دیگر نقاشی شده است . نمای داخلی طاقهای‌گوشه‌ای ونغول مدور و دیوارهای تحتانی تزیین شد ه و طرحهای آن برنگ نیلی است‌که با الگو انداخته شده است . تزیینات مزبور شبیه تزیینات داخلی مقبره اوالجایتو وبرج‌ابرقومیباشد، ولی در مسجد اردبیل طرحها دقیق‌تر و ظریفتر و محدود به نواحی معین است .

ویلبرمینویسد . معلوم نیست چنانکه سیروگفته دوره ساختمانی وتزیینی در این‌بنا وجود داشته باشد . سطح‌خارجی‌گنبد با قطعات سفال‌آبی‌که بدون‌نقشه معین در داخل آجرکاری قرار داده شده ، تزیین یافته است . این طرز کار در معماری های دوره سلجوقی دیده میشود ، بنابراین تجدید ساختمان‌گنبد ممکن است پیش از سال ۱۲۰۰ م (۵۹۷ ه) انجام یافته باشد . (۲)

بعلاوه استعمال بندکشی وسواراخگیردروغی دردوره نسبةً طولانی وجود داشته است .

مقبره شیخ شهاب‌الدین در اهر ـ این بقعه بشماره ۱۷۹ جزء آثار ملی کشور به‌ثبت رسیده است .

---

1 - Siroux,m . La Mosquée Djoumeh d'Ardalbil , Bulletin d, l'institut Francais d,Archéologie oriant ale,xlix (1945)

۲ ـ ویلبر: معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان ، ترجمه دکترعبدالله فریارص ۱۴۶ ؛ اسماعیل دیباج : آثارباستانی آذربایجان ص۶۰ ، فهرست بناهای تاریخی ص۳

بقعه ومسجدشیخ‌شهاب‌الدین‌اهری‌محمودبن احمداهری (۵۶۸ه) ازعرفای بزرگ ایران وسرسلسله طبقه شهابیه وحدثیه و ازمشایخ طریقت شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ، تنها اثرتاریخی شهراهر است این‌بنا دارای ایوانی رفیع‌وصحنی‌مفرح وغرفات ، ودومناره‌ورواق‌است . داخل‌مسجددارای‌کاشیکاری‌معرق وپنجره‌مشبك نیز میباشد .

بنای بقعه شیخ شهاب‌الدین بمساحت ۱۴۷۶ مترمربع (۳۶×۴۱ متر) در میان زمینی واقع شده که فعلا باغ شهرداری و تفرجگاه اهالی است .

مدفن شیخ‌که قبرساده آجری است در وسط حیاطی بطول ۲۳/۷۰ متر و عرض ۱۶/۹۰ متروواقع شده و از اطراف با دیواره مشبکی بارتفاع یك مترونیم محصور است وازآثار معماری اواسط دوره صفویه بشمار میرود .

تنها کتیبه تاریخی این بقعه نوشته‌ای است بخط رقاع بالای در ورودی از دالان شرقی‌که برروی سنگ این‌عبارات نقرشده است :

صلوات کبیرة ـ السّلطان العارفین قطب السالکین شیخ المحقّقین سلطان شهاب‌الدین اهری قدّس‌الله روحةالعزیز (۱)

رصدخانه مراغه ـ این‌رصدخانه رادانشمندبزرگ ایرانی‌محمدبن‌محمدبن حسن معروف به‌خواجه نصیرالدین طوسی بامرهلاکوخان مغول در۶۵۷ آغاز به بنا کرد وگروهی از دانشمندان فرزانه درآن کار میکردند وپس ازدوازده سال زحمت‌زیج فارسی معروف به زیج‌ایلخانی راتألیف کردند. این رصدخانه تا سال ۷۰۳ هجری‌آباد بود و در سال مزبور غازان‌خان آنرا بازدید کرد وبعدها براثر زلزله ویران شد وامروزجزیك‌تل خاك ازآن باقی‌نمانده‌است . خواجه درمقدمهٔ

۱ ـ رك :اسماعیل دیباج . آثار باستانی وابنیه تاریخی آذربایجان ص۶۱ ـ ۶۳ ؛ فهرست بناهای‌تاریخی ص ۳

زیج ایلخانی دربارهٔ این بنا چنین مینویسد :

«هلاگو در آن وقت که ولایتهای ملحدان بگرفت ، من بندهٔ کمترین که از طوسم وبولایت ملحدان افتاده بودم بیرون آوردورصد ستارگان فرمود وحکمارا که رصد میدانستند بطلبیدوزمین مراغه را رصد انتخاب کردند وباین بندگی مشغول شدند، وآلتها بساختند و بنای لایق بر آوردند». سپس خواجه از بقایای کتابهایی که درالموت ودیگرجایها از آتش حوادث نجات یافته بوددر جنب رصدخانه کتابخانه‌ای تشکیل دادکه عدد آن کتب را به چهار صد هزار کتاب تخمین زده‌اند و ظاهراً مبالغه‌آمیز باشد . خود خواجه در مقدمهٔ زیخ ایلخانی در بارهٔ آن کتابخانه چنین می‌نویسد : «و بفرمود تا کتابها از شام و بغداد وموصل و خراسان بیاورند و در موضعی که رصد میکردند بنهادند تا آن کار نسق و ترتیب یافت .»

ابن‌شاکر کتبی می‌نویسد : «خواجه در مراغه گنبد ورصدی بزرگ بناکردو خزانه‌ای عظیم در آن پدید آورد و آن را از کتابهایی که از بغداد و شام و جزیره غارت شده بود پر نمو تااینکه در آنجا بالغ برچهارصد هزار جلد کتاب گردآوردو منجمان وفیلسوفان را در آنجا جمع نمود و اوقافی برای آن قرارداد»

دانشمندانی که درکارساختمان رصدخانه مراغه دست‌داشته‌اند عبارت بودند از : مؤیدالدین عرضی ، فخرالدین مراغی ، فخرالدین اخلاطی ، نجم‌الدین دبیران قزوینی . (۱)

شهاب‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی ملقب به «وصّاف الحضرة» (۶۶۳ـ۶۹۸) درکتاب تجزیة الامصار وتزجیة الاعصار معروف به تاریخ وصاف درذکر رصدمراغه چنین مینویسد: «چون پادشاه مملکت‌گیر هلاگوخان کاربغداد واعمال آن و دیگر بلاد مستخلص گردانیدوفراغتی یافت مولاناسلطان الحکماءالمحققین نصیر الملة والدین الطوسی عرضه داشت که اگر ایلخان صواب بیندبرای تجدیداحکام نجومی وتحقیق

۱ — Dogo Diller, 1 . C lt . 2 . Sayi , Ankara 1966

مقاله آقای دکترسیف تحت عنوان : آثارباستانی مراغه ص ۲۴۲ — ۲۴۴

ارصاد ستارگان رصدی سازد و زیجی استنباط کند تا ایلخان را از حوادث آینده مطلع‌سازد. ستاره پادشاه را بنگرد و کیفیت امتداد عمر و حال نقش و توسعه بقای ملك و توالد و تناسل و سفرهای پادشاه را دریابد و حقیقت آن بگوید. ایلخان این سخن را بپسندید و تولیت اوقاف تمام کشور را باو داد و فرمانی نوشت که هرچه به‌جهت ساختن رصد و خریدن اسباب لازم باشد از خزانه باو دهند.

پس به‌حکم فرمان، مؤیدالدین عرضی را از دمشق و نجم‌الدین کاتب صاحب منطق را از قزوین، و فخرالدین مراغی را از موصل، و فخرالدین اخلاطی را از تفلیس احضار کردند، و در سال ۶۵۷ در شمال مراغه بر سر پشته‌ای بلند رصد خانه‌ای در کمال آراستگی بنا فرمود و در فنون نجوم و علم هیأت و مجسطی و ارصاد کواکب نهایت دقت و صداقت بروز داد و صور فلکی و تدویرات و حوامل و دوایر متوهمه و معرفت اسطرلاب و تقاویم ترتیب داد، و منازل قمر و مراتب بروج دوازده‌گانه به‌نحوی ساخته‌شد که هر روز هنگام طلوع پرتو خورشید از سوراخ قبّه بالائی بر سطح عتبه می‌افتاد، و دُرَج (درجه‌ها) و دقائق حرکت وسط آفتاب و کیفیت ارتفاع در فصول چهارگانه و مقادیر ساعات از آنجا معلوم می‌شد و شکل کره‌زمین در نهایت دقت بپرداخت، و ربع مسکون را به‌اقالیم سبعه بخش کرد، و طول ایام و عرض بلد و ارتفاع قطب شمال در مواضع، و صورت وضع اسامی بلدان و هیأت جزایر و دریاها روشن و مبرهن گردانید.

چنان‌که گویی کتاب مسالك و ممالك از نسخه حواشی آن فراهم آورده‌اند، و زیج خانی به‌نام پادشاه تصنیف کرد و چند جدول و نکات حسابی که در دیگر زیجات متقدمان چون کوشیار و فاخر و علائی و شاهی و غیرها موجود نبود در افزود. امّا هنوز رصد خانه به‌پایان نیامده بود که هلاگو را اجل در رسید و در سال ۶۶۳ دار فانی را وداع گفت» (۱)

۱ ــ تاریخ وصاف ص ۵۱ـ۵۲ و تحریر آن ص ۲۹ـ۳۰

پس از مرگ خواجه نصیرالدین محمدبن محمد طوسی در۶۷۲ هجری، پسرش علی‌بن محمد متصدی امر رصدخانه شد. ابن شاکر کُتبی (درگذشته در ۷۶۴) در کتاب فوات‌الوفیات بروایت از شمس‌الدین حریری از حسن بن‌احمد الحکیم حکایت‌کرده که‌گفت:

«بمراغه سفر کردم و برصد خانه‌آنجا رفتم تولیت آنرا جوانی فاضل بنام علی‌بن خواجه نصیرالدین طوسی داشت درآنجا به‌شمس‌الدین بن مؤید عرضی، و شمس‌الدین شروانی، و شیخ کمال‌الدین ایکی، و حسام‌الدین شامی که از منجمان ودانشمندان بودند، برخوردم وبسیاری ازآلات رصد را در آنجا دیدم که از آن جمله آلتی بنام «ذات‌الحلق» بود و آن پنج دایره داشت که از مس ساخته بودند. اولی دائره نصف‌النهار بود که بر زمین نصب کرده بودند، دومی دائره معدل النهار، وسومی‌دائره منطقةالبروج وچهارمی دائره عرض، وپنجمی دائره میل بود. سپس دائره آفتاب را که برآن سمت‌الکواکب میگفتند دیدم (۱)

حمدالله مستوفی درکتاب نزهةالقلوب درباره‌آن رصدخانه چنین مینویسد:

«برظاهرمراغه حکیم‌خواجه نصیرالدین بفرمان هولاگوخان رصدی‌بسته است واکنون خرابست» (۲)

چون‌کتاب‌نزهةالقلوب در سال ۷۴۰ هجری تألیف شده بنابراین رصدخانه مزبور ازپیش‌ازآن تاریخ روی‌بویرانی‌نهاده است. درسال۱۸۸۳ نقشه‌خرابه‌های آن توسط هوتوم شیندلر Houtum Schindldr بـه‌چـاپ رسید. قطعات خراب دیوارها ازنظر معماری دارای اهمیت نیست (۳)

۱ ـ فوات‌الوفیات ج ۲ ص ۱۵۱

۲ ـ نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۱۰۰

۳ ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص ۱۱۷

درسال ۱۳۱۶ شمسی درحین خاکبرداری آن محل ازطرف حکومت آثاری شبیه به‌غار ودخمه‌هایی اززیر خاك پدیدارشد و نیز چند عدد ظرف سفالین‌وکاشی و نیز یك عدد پیسوز روغنی و دوات و غیره کشف شد که زیاد مورد توجه قرار نگرفت (۱)

بنای رصدخانه روی تپه‌بلندی دردوکیلومتری شمال مراغه قرار داشته که ازطرف مشرق وجنوب به‌باغات واراضی شهرمشرف است .

ظاهراً دخمه‌های مزبور به‌هیچوجه ارتباطی با پای رصدخانه ندارد ، و در خلال جنك جهانی اول که لشکر دولت تزاری آذربایجان را اشغال کرده بود ، دخمه‌های مزبور ازطرف سربازان روسی‌برای نگاهداری‌اسلحه ومهمات‌جنگی کنده شده‌است، وآنچه مسلم است بنای رصدخانه دربالای ارتفاعات معروف‌بکوه رصد موجود بوده است (۲)

روی تپه‌مزبورکه اکنون به‌کوره رصد معروف است محوطه وسیعی بوسعت ده‌هزار متر مربع دیده میشود که بنای رصدخانه در وسط‌آن قرار داشته است . این بنادائره‌ای به‌قطرتقریبی بیست‌متردروسط قرارگرفته بوده‌که از چهارطرف بوسیله پیاده روهای سنگ‌فرش شده به‌عرض دومتروطول ۴۰ تا ۵۰ متر باطراف خود مربوط میشده است . چنانکه‌گفتیم از این رصدخانه فعلا اثری جزیك تل خاك وسنگ وآجر چیزی دردست نیست (۳)

گنبد سرخ ـ گنبدسرخ‌که‌تحت شماره ۱۳۴جزءآثارتاریخی به‌ثبت‌رسیده ومردم‌آنراگنبد قرمزگویند قدیمترین‌بنای تاریخی مراغه است این بنا درقسمت جنوبی شهر وسمت غربی جاده هشترود واقع است وبرجی است مکعب شکل که

۱ ـ نصرةالله مشکوتی : ازسلاجقه تاصفویه ص ۲۰۰
۲ ـ آثارباستانی مراغه
۳ ـ اسماعیل دیباج : آثارباستانی‌آذربایجان ص۸۷

هر یك از اضلاع آن ۸٫۴۰ متر میباشد . ازاره بنیان آن از یك نوع سنگ‌سفید ودیواره‌های اصلی باآجر وملاط‌گچ وشن ساخته شده است .

طاق آن‌ضربی است که‌ازجانبی به‌دیوارهای اطراف وازطرفی برپایه‌مربعی بضلع ۶۰ سانتیمتر وارتفاع ۹۰سانتیمترکه در وسط ساخته شده تکیه دارد . این بنا دوطبقه است . قسمت زیرین آن سردابه ومقبره وقسمت زبرین آن که‌محل روی‌قبر باشداطاق مربعی‌است که هریك‌ازاضلاع آن ۵٫۹۵ مترمی‌باشد و کف آن باتخته سنگهای مستطیل مفروش‌گشته است . دیوارهای این قسمت باآجر قرمز ساخته شده وباگنبد پست‌مقرنسی پوشیده گشته است . جلوخان ودرگنبد درطرف شمال ، باهفت‌پله بدورن‌گنبد منتهی میشود .

نمای خارجی مرکب ازطاق‌نماهایی است‌که درهرطرف‌آن دوطاق‌نما که‌از سنگ وآجر سرخ‌رنگ ساخته شده نمودار است . سردر گنبد از لحاظ تزیین باکاشیکاری آبی‌رنگ‌وآجرکاری وگچ‌بری‌ظریف وکتیبه کوفی‌آجری و نقش و نگارهای گوناگون جذّابیت خاصی به‌این بنا داده است.

مردم مراغه‌آنرا «قرمزی‌گنبد» نامند.

این بنا بر طبق کتیبه‌ای که بر سردرآن قرار دارد در یازدهم شوال سال ۵۴۲ هجری بامرشخصی‌بنام عبدالعزیزبن محمودبن سعد ساخته شده است ومتن آن کتیبه چنین‌است :

« امر ببناء هذه القبّه الامیرالرئیس العالم فخرالدین عماد الاسلام قوام آذربایجان ابوالّعز عبدالعزّیزبن محمودبن سعد یدیم‌الله علاه»

دربالای کتیبه دریك‌سطرافقی چنین‌آمده‌است : بنی‌المشهد فی‌الحادی‌عشر من شوال سنة اثنتین والاربعین وخمسمائة، (۵۴۲ هـ)

درحاشیه پهلوی شرقی‌آیه زیرنوشته شده است :

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم لاتقنطوا من رحمةالله .

درحاشیه پهلوی غربی در دوسطر نام معمار آن آمده است :

عمل‌العبدالمذنب‌الرّاجی‌الی عفوالله بنی‌بکرمحمدبن‌بندان‌البناءبن‌المحسن المعمار». ظاهرا این بنا ازابنیه دوره حکومت‌احمد یلیان درمراغه است(۱)

برج مدورآجریـ دومین بنای قدیمی مراغه برج مدورآجری است که مربوط بزمان سلجوقیان می‌باشد و تحت شماره ۱۳۶ جزء آثارتاریخی به ثبت رسیده است.

کتیبه‌ای در بـالای درگاه بنا که دارای قاب هلالی‌است بخط‌کوفی بتاریخ ۵۶۳ هجری دروسط وجود دارد که متن‌آن ازاین قراراست :

دربالا «کـّل نفس ذائقةالموت تـّم‌البناء برجب»

درزیر «سنة ثلث وسـتّین وخمس‌مائة »

دراین بنا قطعات‌کاشی رنـگین بکاررفته ودرقسمت تحتانی برج سردابی‌است که درآنجا قبرصاحب این بنا بوده‌است . ازگنبد و سقف‌آن اثری باقی نیست و صاحب وبانی‌آن نیز معلوم نمی‌باشد . آندره‌گدار می‌نویسد :

این گنبد ظاهراً شبیه برج دفاعی بی‌زینتی است و این مطلب از جمله : «کـّل‌نفس ذائقةالموت » معلوم میشودزیرا فقط‌آنرا دربالای مقابر وآرامگاهی می‌نویسند . بدین ترتیب مسلّم است که این‌گنبد برج دفاعی نبوده بلکه مقبره شخص مجهولی می‌باشد(۲)

۱ـ رك دیباج : آثارباستانی آذربایجان ص۸۸ـ۸۹؛ فهرست بناهای تاریخی ص ۵ ؛ آثار تاریخی ایران مقاله‌گدار ج ۱ ص۵۴ـ۵۷

مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ ص۱۳۵، نصرةالله مشکوتی : ازسلاجقه تا صفویه ؛ دکترعیسی سیف : آثارباستانی شهرستان مراغه .

۲ـ آثار ایران (مقاله‌گدار) ج ۱ ص۵۷ ـ ۵۸ ؛ آثارباستانی آذربایجان ص۹۲، فهرست بناهای تاریخی ص۶ ؛ مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۵ سال دوم ص۱۳۶ ؛ آثار باستانی شهرمراغه .

گنبدکبود ـ این‌گنبد سومین‌بنای تاریخی مراغه است و در تحت شماره ۱۳۵ به‌ثبت رسیده‌است .گنبدکبود برج هشت‌گوش آجری است‌که برروی قاعده سنگی استوار شده درهرضلع آن طاقنماهای آجری‌که توأم با مقرنس‌کاری‌است دیده میشود. درزیر بنا سردابی وجود دارد که گویند قبر مادر هلاگوخان مغول بوده‌است . ساختمان این بنا را به‌اواخر دوره سلجوقی وقرن ششم هجری نسبت میدهند. ازاین جهت انتساب این بنا به قبر مادرهلاگو با وجود شهرتی‌که دارد هنوزمورد تأیید واقع نشده است. زیرامادرهولاگو،سویورکوکتنی‌خاتون مسیحی بود، وهمین‌بس‌است که انتساب این‌قبراسلامی‌را بوی سلب کند وخود هولاگوهم دین‌بودایی داشته وبا دکوزخاتون نوهٔ کشیش‌مشهورمسیحی‌به یوحنا ازدواج‌کرده است، وممکن نیست قبرزنی را که خودش مسیحی‌وشوهرش بودائی‌است به‌صورت مقابراسلامی‌ساخته وبآیات قرآنی‌زینت‌داده‌باشند. بعلاوه‌اباقاپسرهلاگوهم‌بودائی مذهب بوده وبا دیم دخت امپراطورمیشل پالئولاکوس مسیحی ازدواج‌کرده‌است.

اندره‌گدار مینویسد بعقیده من این بنا اصلا از دوره مغول نیست وازروی آن‌آثارمیتوان تاریخش را مربوط بسال ۵۹۳ هجری‌دانست .

سنگ قبری درداخل مقبره بر بدنه دیوار نصب گردیده که درروی‌آن جز آیات: «کل من‌علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام» (قرآن سوره۶۷) چیزی دیگر بنظر نمیرسد.(۱)

گنبد غفاریه ـ چهارمین اثر تاریخی مراغه گنبدی است موسوم به‌گنبد غفاریه‌که وجه تسمیه‌اش همجواری با مدرسه نسبةً جدیدی بنام مدرسهٔ غفاریه میباشد. این‌گنبد درشمال شهر مراغه درکنار رودخانهٔ صوفی‌چای است وشامل‌دو قسمت فوقانی وتحتانی است. قسمت تحتانی بارتفاع دومتر از سنگ مرمرسفید،

۱ـ آثارایران (مقاله‌گدار) ج ۱ ص۵۸ـ۶۱ ؛ آثارباستانی‌آذربایجان‌ص۸۸ـ۹۱؛فهرست بناهای تاریخی ص۶ ؛ مجله‌بررسیهای تاریخی‌سال دوم شماره ۵ ص۱۳۷؛ ازسلاجقه‌تاصفویه ص ۱۹۸ ؛ آثارباستانی شهرمراغه .

وقسمت فوقانی از آجرساخته شده و با کاشی‌های زیبا تزیین یافته‌است. آن نیز مانند سایر ابنیه مراغه بنایی است چهارگوش که بر روی صفحه‌ای سنگی و دخمه‌ای استوارگشته و در چهار سمت بنا ستونهای آجری با نقوش لوزی شکل جلب توجه مینماید. مدخل گنبد بسمت شمال و در هرکدام از اضلاع آن دو طاق‌نما ویك حاشیه‌کتیبه تعبیه شده و تزیینات آن شامل کاشی‌های رنگین سیاه و سفید و آبی و آسمانی‌رنگ میباشد. این بنا تحت شماره ۱۳۷ جزءآثار تاریخی به‌ثبت رسیده است.

نوع خطوطی‌که درقسمت فوقانی این‌گنبد بکاررفته، خط ریحان است‌کتیبه سه سطری که دربالای هلال مرکزی جلو خان بزرگ‌است با اینکه ریخته ومحو شده قابل قرائت است و نشان میدهد که آن بامر سلطان ابوسعید بهادرخان (۷۱۶ـ۷۳۶ ه) ساخته شده است :

«امر بانشاء هذه‌القبّة‌المبارکة فی‌ایام‌السلطان‌الاعظم ظلّ‌اللّه‌فی‌الارض‌سلطان سلاطین‌العرب والعجم ابوسعید بهادرخان خلّداللّه ملکه»

ازکتیبه دوسطری بالای درگاه چیزمختصری باقی‌است وحدس زده میشود، که القاب ونام صاحب بقعه درآن ثبت بوده وباکمال تأسف ازمیان رفته‌استفقط این‌کلمات قابل‌خواندن است :

المقر..... المالکی‌العالی العادلی.....

نقش علامت سه چوکان‌که پشت‌بهم دارند می‌تواند تاحدی ما را بمبانی‌این بنا راهنمائی‌کند، ظاهراً این چوگانهاکه درتزیین بنادیده میشود، نشان‌خانوادگی امیرشمس‌الدین‌قره سنقراست‌که دراصل‌نایب‌السلطنه مصر، وبعداًدرزمان‌ابوسعید بهادر فرمانروای‌ناحیه‌مراغه بوده ودرآن شهر بسال ۷۲۸ وفات یافته‌است. نظیر این علامت در دوجای دیگر ، یکی : درکتیبهٔ مدرسة‌الملکیه امیر ایل ملك در بیت‌المقدس، ودیگری‌درموزهٔ استانبول برروی‌چراغ‌میناکاری‌شده‌ای دیده میشود

که عـلاوه بر علامت‌چوگان اسم ایل‌ملك چوگاندار هم نوشته شده‌است.(۱)

در نمای خارجی پی‌وپایه چند رده ازسنگ‌تراش‌که اندازه بعضی ازقطعات آنها ۱/۵۰ در۷۰ متر است دیده میشود. درچهارگوشه ساختمان نیم‌ستونهایی از آجر زرد وقرمز وجود داردکه به‌طرح مربع مورب چیده شده است، وهمه در داخل قاب دارای طاق نوك‌تیز قراردارند، وروی‌آن‌کتیبه مستطیلی است. در دو طرف سردر نغول باریك فرورفته طاقدار دیده میشودکه سطح‌آن با طرح مشبك هندسی پرشده است. درسه طرف دیگر بنا دو نغول طاقدار وجود داردکه بالای آنها نغول مستطیلی است . در نغول افقی و لچکهای طاق اثر تزیین سفالی دیده میشود . سطح دیوارهای خارجی بشکل معمولی آجرکاری شده است . پلکانی که به سردر منتهی میشده ازبین رفته است . سطح دیوارهـای داخلی ازگچ پوشیده شده و روی‌گچ اثر تزیین رنگی موجود است .

این بنا شباهت بسیاری با مقبره‌های برجی قدیمتر درمراغه دارد.استعمال سنگ‌تراش ازخصوصیات آذربایجان است در طرحهای مشبك هندسی سه رنگ وسفال بدون‌لعاب‌بکاررفته ودربالای‌سردرنواحی کوچکی‌باکاشی‌تزیین‌شده‌است.(۲)

گوی برج (قوی برج) که‌ظاهراً بمعنی‌برج سبز است پنجمین‌اثرتاریخی مراغه‌می‌باشدوامروزبکلی ویران است وتحت شماره ۱۳۸ درفهرست آثار تاریخی ایران‌به‌ثبت رسیده‌است. این‌بنابرجی‌مدورشبیه به‌بنائی‌است که درنزدیکی گنبد کبود درشمال مراغه واقع شده اما ارتفاع‌آن بیشتر است ازکتیبه فوقانی‌چیزی که قابل خواندن باشد برجای نمانده است . زینت خـارجی دیوارها عبارت از نقوش بزرگ لوزی‌شکل است ازآجرکـه خطوط اصلی‌آنها نسبت به متن صاف دیوار قدری برجستگی دارد . تزیینات مدخل تمام ازگچ است وآنرا با کاشی‌ها

۱ـ آثارتاریخی ایران (مقاله گدار) ج ۱ ص۶۲-۶۸ ؛ آثارباستانی‌آذربایجان ص۹۱-۹۲؛ فهرست بناهای تاریخی ص۶ ؛ مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ص۱۴۲؛ ازسلاجقه تا صفویه ص۱۹۹ ؛ آثارباستانی شهرستان مراغه .

۱ـ معماری اسلامی ایران دوره ایلخانان ص۱۸۲

بسیار خرد منبت‌کرده‌اند . این برج از ابنیه سابق قدری تازه‌تر بنظر می‌آید .

زاره Zarre در کتاب تاریخ معماری ایران تاریخ ساختمان آن را درنیمه دوم قرن هشتم هجری دانسته است ولی باحتمال قویتر آن را بایستی درسال ۷۳۱ هجری ساخته باشند. این تاریخ آنرا همعصر گنبد غفاریه قرار میدهد ودرحقیقت کاشیکاری هردو ساختمان به‌هم شبیه است . این برج ازخارج مدور و از داخل کثیرالاضلاع دهگوش است .

در نمای خارجی پایه بنا از سنگ تراش و دیوارهای فوقانی آن از آجر قرمزاست بالای سردر دارای طاق دخولی مستطیل‌شکل‌که دراصل کتیبه‌ای‌داشته می‌باشد . تمام سردر با اشکال هندسی ازکاشی تمام نیمه تزیین شده است .

ازحاشیه دوربالای ساختمان و ازسقف آن چیزی باقی نمانده است‌هرصفحه دیوار داخلی متشکل از یك نغول فرورفته است که شاید طاق‌نوك‌تیز داشته واز آجر ساخته شده بوده است. ساختمان اصلی سردابی داشته است .

تزیین این بنا ازآجر یکدست درسطح ۲۰/۵ در۵/۵ تا ۶ سانتیمتر است بندهای عمودی حد اقل تا ۵ میلیمترمی‌باشد جای خالی بین‌آجرها باآجرلعابی به‌رنگ‌آبی روشن براندازه معمول وتراش پرشده و دارای بندکشی نوك‌تیزاست آجرکاری و طرز سفالها ازنوع اواخر دوره مغول است . تزیین اشکال هندسی ومقیاس واندازه تزیینی واستعمال سفال‌سه‌رنگ شبیه‌کارگنبد غفاریه مراغه‌است وظاهراً بایستی همعصرآن باشد.(۱)

مسجد جامع مرند – این مسجد که تحت شماره ۱۳۹ جزءآثار تاریخی ایران به‌ثبت رسیده بامر ابوسعید بهادر ایلخان مغول درسال۷۳۱ هجری‌درشهر مرند بنا گردیده، وازمجموعه‌آن بنای قرن هشتم تنها محراب‌آن بصورت‌اصلی درشبستان مسجد باقی مانده است . این محراب از لحاظ‌گچبری وشکل‌ساختمان وستونهای مدور با حاشیه‌های مکرر وکتیبه‌های کوفی و رقاع وتناسب اندازه و

۱– ویلبر ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۱۸۷ ؛ آثارایران ج ۱ ص۶۸

ر نقوش ظریف و ریزه‌کاری‌های دقیقی کـه درآن بکاررفته ازآثاربسیار ارزنده دوران مغول بشمار میرود . محراب‌گچ‌بری بعرض ۲/۷۵ وبلندی ۶ متردرقسمت وسط طرف جنوبی شبستان قـرارگرفته وگنبد بالای این قسمت بکلی ریخته که بعداً با تیر پوشیده شده است . در پاطاق این گنبد آثار حاشیه‌گچ بری مشتمل برآیات قرآنی دیده میشود که قسمت عمده‌آن ریخته است .

کتیبه‌های محراب دورتادور حاشیه بخط‌کوفی‌گچ‌بری شده، وکتیبه‌تاریخی آن درهلال بزرگی بالای قسمت اصلی محراب بشرح زیرتحریرگردیده است :

« جدّد من فواضل‌الانعام‌السلطان‌الاعظم مالك‌رقاب‌الامم ابوسعید بهادرخان خلّدالله ملکه فی سنة احدی وثلثین وسبعمائة هجریه »

نام سازنده محراب که استادی‌گچ‌بر باسم نظام بندگیر تبریزی بوده چنین آمده است : «عمل‌العبدالفقیر نظام بندگیر تبریزی»

درداخل هلال ودرپایین دوکتیبه مزبور دربالا بخط رقاع چنین نوشته شده است : « وقف من مال خیرته مدینة مرند علی مصالح هذا المسجدالجامع وشرط التولیةالعبدالضعیف حسین بن محمود بن تاج خواجه»

تاریخ دیگری ازتعمیر این مسجد روی لوحه سنگی در بالای در شبستان جنوبی نصب گشته وچنین نوشته شده است :

امر بتجدید هذه‌العماره‌العبدالفقیرخواجه حسین‌بن سیف‌الدین محمود بن تاج خواجه فی اواخر سنة اربعین وسبعمائه (۷۴۰ ه)

ظاهراً این خواجه حسین‌بن سیف‌الدین محمود همـان متولی مسجد بوده که نام او درکتیبه بالاترآمده است .

این مسجد درمحله قنبرچشمه درسمت شرقی شهر در پشت محوطه عمارت جدید فرمانداری قرار دارد ودر ورودی‌آن در گوشه شمال‌دیوارشرقی‌است.(۱)

۱ــ دیباج : آثارباستانی وابنیه تاریخی‌آذربایجان ص۵۴فهرست بناهای تاریخی‌ص۸؛مرآت البلدان جلد۴ماده جامع مرندص۱۲۰؛ مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۵ ص۱۴۵

مسجد جامع مرند ساختمانی‌است‌کاملا محصوربا نقشه مستطیلی‌که نه‌صحن دارد ونه سردر، ازنظراختلافی‌که با دیگربناها دارد برخی‌برآنندکه این‌مسجد دراصل‌کلیسایی بوده ودرزمان مغول تبدیل به‌مسجدگردیده است. درواقع‌شکل نقشه نتیجه ملحقات و اضافاتی است‌که طی زمان طولانی بعمل‌آمده است.

اطاق‌گنبد مربع‌شکل با سردر در سه سمت در دوره سلجوقیان ساخته شده است . در دوره مغول این اطاق تعمیر وتزیین‌گردیده و بعد یك سلسله دهنه‌های طاقدار درسمت شمال ومشرق ومغرب اطاق‌گنبد ساخته شده ، ودر ازمنه اخیر دیوارهای ساختمان به‌سمت مشرق بسط داده شد، ویك نمازخانه مستطیلی‌اضافه گردیده است . درگوشه شمال غربی ساختمان پایه هشت‌گوش مناره است. درطی قرون متمادی‌گنبد روی طاق فروریخته‌است.(۱)

کاروانسرای مرند ـ این کاروانسرا در ۱۳کیلومتری شمال مرند سر راه تبریز وجلفا واقع شده است پایه‌های‌آن‌که متشکل ازقطعات بزرگ سنگ‌سیاه است وهمچنین بارو وقسمتی از دیوارخارجی به‌کلفتی ۱٫۱۰ هنوز حفظ شده ، ولی اطاقهای درامتداد دیوارهای داخلی ازبین رفته است .

درمحل‌آنرا به هولاگو نسبت میدهند . تاریخ بنای‌آن بایستی درسال ۷۳۱ هجری باشد .

این بنا دارای چندین کتیبه بوده ، ولی درحال حاضر فقط کمی بیشتر از نصف یك کتیبه‌کوفی برصفحه خارجی طاق متقاطع سردر درمحل خود باقی‌است.

وقتی که خانیکف درسال ۱۸۵۷ ازاین بنا دیدن کرد سردر وضع خرابی داشت تکراردوکلمه دراین‌کتیبه وی را برآن داشت که تصورکند متن‌آن شعری فارسی بوده است .

دکتر جورج‌مایلز ، پس‌ازمطالعه نسخه بادست تهیه شده‌کتیبه اظهارمیدارد که متن‌آن بزبان عربی نیست و تصور خانیکف درست بوده است.

۱ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۷۹

این کاروانسرا دراصل ازعالیترین بناهای زمان خود بشمار میرفته وآن‌ـ کاروانسرایی مستطیل شکل باده بارو وسردری عظیم بوده است . سردرآن روبه مشرق است ودرجنوب سردر قسمتی از دیوار خارجی به ارتفاع درحدود ۴ متر باقی مانده است . دیوارها آجر معمولی دارد ، بجزحاشیه بالای آن‌که درحدود ۸۰ سانتیمتر است ، باطرح مربع مورب پی درپی ازآجر معمولـی و تراش ساخته شده است. این بنا به سبك ابنیه شمالی غربی‌ایران است وترکیبی‌ازآجر وسنگ تراش میباشد. وضع سنگهای تراش ولبه داخلی‌طاق وقالبگیری لبه‌آنها وبرآمدگی‌روی سنگ سرطاق، نشانه نفوذ معماری سوریه وآسیای‌صغیراست .

سر در کاروانسرا ۹ متر بالای سطح‌زمین قرارگرفته وصفحه خارجی‌آن‌از نیم ستون زاویه کتیبه‌ای شروع میشود به عرض ۲۵ سانتیمترکه حروف کوفی آن ازسفال بدون لعاب درزمینه کاشی آبی روشن است .

طاق روی‌سر در مدخل‌تقریبا خراب‌شده وتنها قسمتی‌که سالم مانده قسمت داخلی طاق متقاطع است(۱)

مقبره شیخ حیدر درمشکین‌شهر ـ این‌بناکه درتحت شماره ۱۸۴ درجزء آثار تاریخی به ثبت رسیده بنائی است بشکل برجی مدورکه ازآجر ساخته‌شده و ارتفاع آن د/۱۸ متر وقاعده آن ۵ر۳۴ متر می‌باشد . بدنه خارجی آن مزین به کاشیکاری فیروزه‌ای رنگ با اشکال هندسی است . سقف بنا بکلی خراب شده وکاشی‌های بالای بدنه نیزریخته است دردوطرف بدنه آن دو سردر با کتیبه‌های کوفی و ریحانی و حاشیه‌های مقرنس باقی‌مانده که قسمت‌عمده آن ریخته‌است .

ساختمان این بنا را مـربوط به اواخر قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری دانسته‌اند(۲)

باید دانست که جسد شیخ حیدر که در ۸۹۳ بدست شروان شاه و یاراتس

۱ـ معماری اسلامی ایران دردورهٔ ایلخانان ص۱۹۰ـ۱۸۹

۲ـ دیباج آثارباستانی آذربایجان ص۹۲ ؛ فهرست بناهای تاریخی ص۷

کشته شده بود ابتدا در دهکده الفندیار درناحیه دهکندی واقع در ولایت طبرسران شیروان بخاك سپرده شد. هنگامیکه شاه اسماعیل درسال ۹۰۷دومین لشکر کشی خود را به شیروان کرد، در طبرسران امر به نبش قبر پدرش‌کرد و استخوان‌های اورا باخود به‌آذربایجان‌آورد ودرخیاو (مشکین‌شهر) درآرامگاه باشکوهی بخاك سپرد.(۱)

ویلبر مینویسد. این بنا را اهل محل مقبره سلطان حیدر میدانند، قسمتهای باقیمانده‌کتیبه‌ها سخت‌آسیب دیده و کتیبه‌حاوی‌تاریخ‌پیدانشده‌است.

ولی میتوان تاریخ ساختمان‌آنرا درحدود ۱۳۳۰ م (۷۳۱ ه) تعیین کرد.

این فرضیه‌براساس خصوصیات‌ساختمانی ازقبیل نوع‌کاشی و استعمال‌سنگ تراش بامقایسه با ابنیه تاریخدار و جزئیات تزئینی مخصوص درنظر گرفته شده است. بعلاوه‌این‌ساختمان‌دارای خصوصیاتی‌است‌که‌آن‌را به مکتب منطقه‌ای‌معماری که درزمان مغول‌درآذربایجان وجود داشته منسوب‌میدارد. پی وپایه بنااز‌سنگ تراش و پوشش دیوار نمای خارجی از آجر قرمز به ضخامت یك آجر روی زیر سازی قرار داده شده است. سردر مدخل وسه‌پنجره مسدود باقاب محراب شکل برمحور اصلی‌کتیبه جای دارد. سطوح دیوار داخلی دوازده گوش و درقسمت‌بالا به وسیله باریکه‌هایی‌گوشه‌و کمی بالاتر باطاقچه‌های نیمه‌مدور، که بالای‌آن‌ها مقرنس کاری آجری است جلوه داده شده‌است. کاشی قاب محراب شکل سردر، و پنجره‌های مسدود برنگ سیاه آبی روشن و آبی سیر و سفید درقرنیس، و کاشی لعابی شکاف روکار آجری باکاشی‌های مربع آبی روشن‌که طرح سراسری‌و آیات قرانی را تشکیل می‌دهد. کاشیکاری این‌بنا ازکاشیکاری مقبره اولجایتودر سلطانیه کاملتر است. مقرنسکاری روی سر در خیلی شبیه به مقرنسکای محراب مسجد جامع‌اردبیل است پی‌سنگ‌تراش‌این ساختمان را با گروه‌ابنیه‌آذربایجان که تاثیر سوریه و آسیای صغیر درآنها مشهود است مربوط میسازد(۲)

۱ـ تشکیل دولت ملی در ایران ص۱۱۰

۲ـ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص۱۸۸

قلعه جمهور درنزدیکی مشکین‌شهر ـ ایـن قلعه در۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر و در ارتفاعات غربی شعبه‌ای از رود بزرگ قره سو و درسه‌کیلو-متری‌جنوب غربی‌کلیبر برروی‌کوهی بارتفاع ۲۶۰۰ مترساخته شده‌است. چنانکه درقسمت تاریخی‌گفتیم این همان دژی بودکه بابك خرم‌دین درآن مسکن داشته و نام آن در ادبیات اسلامی ، بذ ، آمده است . نام جمهور بایستی مأخوذ از اسم کوههای جمهور باشدکه ازجبال منطقه قره‌داغ (ارسباران) بشمار میرود.ظاهرا تاریخ بنای آن درقرن سوم هجری (۲۰۱ - ۲۲۳ ه) بوده باشد

کلیه باروها وبرجهای مخروطی‌واستوانه‌ای و مدورآن باسنگهای‌تراشیده شده وملاط ساروج بیکدیگر متصل‌گردیده‌است . این بنا مشتمل بر تالارمرکزی وچندین اطاق و تأسیسات مختلف دیگر می‌باشد محوطه‌ای‌که بارو و قصر بابك برفراز آن ساخته شده ، نزدیك به ده هزار متر مربع‌است. برای دخول به این قلعه پس ازرسیدن بدامنه کوه وعبور از کوره‌راههای سربالا درمیان تخته‌سنگها وجنگل بمعبری‌تنگ میرسیم که بین‌دودیواره سنگی‌طبیعی قرارگرفته وبه‌بارو و دروازه ورودی محوطه قلعه منتهی میشود . بین دوازه و محوطه داخلی قلعه نیز گذرگاه تنگی میان‌دیوارهای سنگ وجود داردکه درتکیهٔگاههای طبیعی‌آن درچهارسمت بنای اصلی آثار برجهایی بشکل نیم‌دایره مخصوص دیده‌بانی بنظر میرسد.

ازبقیه آثار دیوارها وپایه‌های تالار چنین معلوم میشود که بنای قصر در دوره آبادی دوطبقه و دربعضی قسمتها سه طبقه و اطاقهای متعددی از اطراف با تالار اصلی مربوط بوده است .

درقسمت‌شرقی قصرآثارساختمانهای دیگری از اطاقها وآب‌انبارها و پله-های سرتاسری نیزدیده‌میشود. این‌بنا امروزبکلی ویران است وهیچ‌اثرمکتوبی

درآن بدست نیامده است(۱)

کلیسای سنت استفانوس درجلفا(۲) این کلیسامجاور آبادی کوچکی بنام دره شام(پاشاکندی) است ودرفاصله‌کمی‌ازمحل‌تلاقی‌رود قطور باارس واقع شده وازابنیه قرن‌نهم میلادی می‌باشد. دیوارها وطاقهاوپوشش‌این‌بناباسنگهای‌سفیدو سیاه رنگ معدنی ساخته‌شده ، نمای خارجی آن دارای نقوش وطاقهایی است‌که بوسیله ستونها و حاشیه‌های زنجیره‌ای شکل برجسته ازیکدیگر جدا میشود . نمای نمازخانه یا قسمت اصلی از بیرون بشکل منشور دوازده ضلعی از سنگ ساخته شده‌که‌دروسط پهلوهای جانبی‌آن‌یك درمیان پنجره‌ای نصب و بوسیله‌سقف شبیه به‌چتر بیست‌وچهار ترکی پوشیده‌گردیده‌است .

این‌کلیسااز‌شاهکارهای هنر معماری ارمنی‌درآذربایجان شرقی بشمارمیرود وازلحاظ‌گنبد هرمی‌شکل ونمای خارجی بنای قابل توجهی است.(۳)

پل دختر درمیانه ـ این‌پل‌که در دامنه شرقی قافلانکوه برروی رودقزل‌ـ اوزن زده شده بود ازپلهای آجری قدیمی است‌که تاریخ ساختمان آنرا میتوان ازقرن هشتم‌هجری دانست و تحت شماره۸۷جزءآثار تاریخی‌ایران به‌ثبت‌رسیده است . آن ازسنگ وآجر ساخته شده ودارای سه‌طاق بزرگ میباشد که برروی آب برهای‌ازسنگی‌قرارگرفته ودرطرفین پایه‌وسطی‌کتیبه‌ای‌ازآجر بشکل‌مربع به خط نسخ وجود داردکه‌بکلی محو شده‌ولی خوشبختانه‌کتیبه دیگری ازسنگ مرمر بخط نستعلیق درسمت چپ‌پل دیده میشود که تاریخ تعمیرآنرا درسال۹۳۳ هجری تعیین مینماید .

---

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۷ ؛کام بخش‌فرد ، قلعه جمهور یا دژ «بذه» ، مجله بررسی های تاریخی سال یکم ۱۳۴۵ شماره ۴ ص ۳ ـ ۱۸ .

۲ ـ St. Slephannos .

۳ ـ دیباج : شهرها و قلعه های آذربایجان ، مجله بررسیهای تاریخی سال دوم شماره ۶)

این پل بامردختری بنام‌شاه بیگم‌دخت محمد بیگ‌موصلو (موصلی)تعمیر گردید و ظاهراً بهمین‌جهت آنرا پل دختر نامیده‌اند .

طاق وسطی این‌پل زیبا و تاریخی را در ۲۰ آذر ۱۳۲۵که یکروز پیش از تاریخ نجات آذربایجان ازتسلط حکومت طاغی پیشه‌وری است ، قوای دمکرات در هنگام عقب نشینی بامین منفجر کردندو اکنون آن بصورت پلی شکسته درآمده و مسلوب‌المنفعه مانـده و بجای آن پل دیگری درکنـار آن از آهن ساخته‌اند(۱)

قلعه‌دختر درمیانه – در دوکیلومتری شمال پل‌دختر قلعه دختر قراردارد که برروی صخره‌ای بزرگ‌بشکل کثیرالاضلاع غیر منظم ازآجر دربالای کوهی ساخته و برگردآن باروئی کشیده بودندکه آثـار آن نمایان است ـ بلندی این بارو تا بپایین در حدود چهارده متر است در دیوار قلعه دو مدخل ساخته‌اند که هر کدام سه متر ارتفاع دارد و دربالای یکی ازآنهـا کتیبه‌ای برسنگ نقرشده بوده که فعلا اثـری از آن باقی نیست . این قلعه را ازآثار قرن ششم هجری دانسته‌اند(۲)

قلعهٔ ضحاك ـ(۳)درنزدیکی ایستگاه خراسانك که درسه کیلومتر و هفتاد متری پس ازخروج ازتونل راه‌آهن‌میانه بمراغه قراردارد برفراز کوهساری‌که تونل مستقیم وطویل‌دوکیلومتری مزبور از دل آن میگذرد ، بقایای ساختمانهای مفصل سنگ وگچی موجود است که بنام قلعهٔ ضحاك خوانده میشود .

۱ ـ آثار باستانی آذربایجان ص ۹۷

۲ ـ آثار باستانی‌آذربایجان ص ۹۷ ـ ۹۸ ؛ مجله بررسی های تاریخی سال دوم شماره ۶ ص ۱۱ مقاله آقای اسماعیل دیبا ج

۳ ـ خلاصه‌ای از مقالهٔ آقای سیدمحمدتقی مصطفوی درکتاب یادنامهٔ ایرانی مینورسکی ص ۱۲۸ ـ ۱۳۵ ، تحت عنوان : « یك اثر تاریخی از دوران ماد تا عهد اسلامی ، قلعهٔضحاك در آذربایجان شرقی .

بنظر میرسد که‌این ویرانه‌های پراکنده‌آثار بسیار قدیمی از دوران‌مادها باشدکه بعدها برروی آن اطلال ساختمانهایی در دوره‌های هخامنشی و اشکانی و ساسانی و ادوار اسلامی بنا شده است . چنانکه در اواخر دوران ساسانیان چهار-طاقی زیبایی درمحل بلندی کنار پرتگاهی ساخته‌اند که دردورهٔ اسلامی‌بصورت دژ بسیار بزرگ کوهستانی و پایگاه وسیعی درآمده است.

درمحلی ازویرانه‌های قلعهٔضحاك گودالی بصورت دهانه چاه بزرگ‌یامخزن آب دیده میشود . آقای محمدتقی مصطفوی مدیر کل اسبق باستانشناسی‌ایران که ویرانه‌های این قلعه را ازنزدیك دیده‌اند حدس میزنند که قدمت این‌آثار به چندهزارسال پیش میرسد .

اثر بسیاردیدنی و قابل‌توجه‌درقلعه‌ضحاك بنای‌بلندآجری عهد ساسانی‌است که بصورت چهارطاقی می‌باشد . این‌بنا ازسه‌جانب باز وازیك طرف بسته است . دوطرف بازآن برلب پرتگاهی درکنار دره‌ای قرار دارد .

طرف بازدیگر تنها راه رسیدن و راه وصول بدرون آنست بنای مزبور به صورت چهارگوش وبابعاد ۹/۷۶ متر در ۹/۷۶ متر ساخته شده است . در چهار-گوشهٔآن پایه‌هایی بابعاد ۲ر۷۰ متر در ۲ر۷۰متر برروی صخره‌ای ازکوه بنیاد نهاده باپوشش ضربی بنا را برفراز چهارپایه استوار ساخته‌اند . پهنای هریك‌از دهانه‌های چهارطرف ۴ر۳۶ متر و ضخامت دیوار دهانه درآن سمت‌که بسته است بالغ بریك‌متر میگردد .

این چهارطاقی نسبت به‌چهارطاقیهای آتشکده‌های عهد ساسانی‌که درسایر نقاط ایران وجود دارد، بلندتر ساخته شده و برخلاف چهارطاقیهای دیگر برای مراسم افروختن‌آتش ازآن استفاده نمی کرده‌اند ، بلکه سایه‌بان و استراحتگاه شاهانه‌ای برلب صخره بلند مشرف بدره و دشتهای اطراف بوده است . ساختمان بنابوسیله‌آجرهای سرخ خام‌خوش‌رنگ‌صورت‌گرفته است و مانند بسیاری‌دیگر

از ابنیه عهدساسانی خصوصاً آثار اواخر آن آجرها را بردیف افقی وقائم‌ترکیب نموده‌اند. اگر درنظر بگیریم که مسافت قلعه ضحاك تاآتشکده آذرکشنسب(در پنجاه کیلومتری شمال شرقی تکاب) بطور مستقیم در حدود صد کیلومتر است میتوان حدس زدکه همزمان‌باجنگهای ایران وروم درزمان خسروپرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) چهارطاقی‌کوشك مانند مورد ذکر ساخته شده است.

بقایای ابنیه و دیوارسنگ وگچی‌قلعه ضحاك ظاهراً از دوران اسلامی‌است و احتمال میرود که درقرن سوم ویاچهارم هجری باشد.

قسمتهایی ازدیوارهای سنگی بسیارکهن درقلعهٔ ضحاك مشاهده میشود که بنظر میرسد از دوران آشوریان و مادها و قرن هشتم و هفتم بیش از میلاد باشد.

چون هنوز دراین مکان کاوشهای‌دقیق باستانشناسی نشده احتمال میرود بر اثر حفاریهای علمی آثاری پیدا شود که بتواند تاریخ دوره های تاریك سرزمین آذربایجان را روشن سازد.

کاروانسرای سرچم ـ درقریه‌سرچم بین زنجان ومیانه وهشتادکیلومتری زنجان ویرانه‌های‌کاروانسرای مهمی‌وجود دارد. ساختمان مزبور برکنار زنجان رود واقع و سردر آن رو به سمت جنوب و رودخانه است. نقشه اصلی عبارت بوده ازصحن بزرگی‌که‌اطاقهایی بدورآن ساخته شده و چهار ایوان برمحورهای اصلی داشته است. ایوان جنوبی ازسردر اصلی راه داشته و سردر ورودی‌دروضع نسبةً خوبی باقی مانده است. باروهای گوشه و سطوح عمودی اطاق متقاطع و مقرنسکاری طاق‌همه ازخصوصیات‌کلی ابنیه ایران است. بندهای آجر بندکشی نشده واحتمال میرودتزییناتی‌که برای نقاطی مانندلچکیهای‌کنار فرورفتگی‌های دیوار وصفحه‌های عمده وبرجسته مقرنسکاری درنظرگرفته‌شده بود، ساخته‌نشده باشد. سردر اصلی وکتیبه آن ازلحاظ سبك بنا باسایر قسمتها فرق دارد، زیرا

سردر ازسنگ سیاه مرمر است .

این خصوصیت ممکن است مستقیماً ازابنیه سوریه آن دوره و مخصوصاًاز بنایی درحلب که تاکنون باقی مانده اقتباس شده باشد . بهترین دلیل آن قالب گیری باریکی است که درلبه خارجی طاق وجود دارد و بالای سنگ سرطاق به هم متصل شده و کتیبه بالای آن قرار دارد. سنگ کاری دقیق و ظریف است اما قطعات آن به اندازهٔ کافی بزرگ نبوده است ، زیرا دربالای طاق و نواحی دیگر وصله کاری زیاد دیده میشود .

چیزی که اکنون ازکاروانسرا مانده چند ایوان مزبور و دروازه است که تاریخ انجام بنا را در ۷۳۳ هجری نشان میدهد .

بقیه بنا که آثارطاقهای بسیار زیبایی در آن میان پیداست ، بدست اهالی محل خراب شده ومصالح آنرا کنده درخانه‌های شخصی خود بکار برده‌اند،ظاهراً درعهد صفویه هم تعمیرات بسیار درآن رخ داده است ازدیواره محیط خارج هم چیزی باقی نیست تمام مصالح آنرا برده‌اند ولی ترس از افتادن بنا و هلاکت و کارگران خوشبختانه موجب شده که در تخریب دروازهٔ بزرگ احتیاط بجاآورند و ازویران کردن قسمتی ازآن صرفنظر نمایند .

اندره گدار این کاروانسرا را ازآقا شمس‌الدین قراسنقرالچرکی‌المنصوری ازامراء ممالیك که درخدمت سلطان ابوسعید بهادر بوده ، دانسته است . بنا بقول حمدالله‌مستوفی ازاینجاراهی ازسمت چپ بمراغه میرفت وراهی ازدست راست بمیانه و تبریز میپیوست . سبك بنا ومقرنسکاری آن ایرانی است .فقط چیزی که مربوط به‌ایران نیست وشاید سلیقه قراسنقر مملوك درآن نفوذی داشته، حاشیه سنگی تیره رنگی است که درزیر طاق تا روی کتیبه بزرگ قراردادن کلید طاق (یعنی سنگ گوشه‌داری که درمرکز طاق قرار میدهند و استواری طاق بسته به آن است) و اسلوب حاشیه که دربالای کلیدگره میخورد وکتیبه را احاطه می نماید ، از سبك

معماری ایران خارج و بسبك معماری شامی است درنتیجه معلوم میشود که این طاق شامی‌درطاق ایران درست‌نیفتاده و درقرار دادن‌کلید مهارتی بکار نرفته‌است. لیکن با وجود این نقص حاشیه سنگ تیره فام و بدنه مرمر سفیدی که بر بنا افزوده‌اند قوّت وتنوع خاص به‌آن بخشیده‌است که بناهای آجری‌فاقدآن هستند

کتیبه‌ای که‌باخط ثلث‌بسیارزیبابردروازه آن‌نوشته شده، نام ابوسعید بهادر خان پادشاه زمان،ووزیراوغیاث‌الدین محمد را درسال۷۳۳ هجری نشان‌میدهد :

«من فواضل صدقات‌السلطان الاعظم علاءالدولة والدین ابوسعید بهادرخان خلّدالله سلطانه واجلّ شانه فی‌هذا الرباط»

« المخدوم الاعظم سلطان الوزراء فی‌العالم غیاث‌الحق والدین محمداعزّالله انصار دولته فی سنة ثلاث وثلاثین و سبعمائة »(۱)

۱ ـ آثار ایران ج ۱ ص ۶۴ ـ ۶۸ ، معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان ص ۱۹۳

بخش دوم

آثار و اطلال تاریخی آذربایجان غربی

آثار مغول در تخت سلیمان ـ دربارهٔ تخت سلیمان در آثار پیش از اسلام آذربایجان گفتگو کردیم اینك به‌بحثی اجمالی درباره آثار مغول آنجامیپردازیم. حمدالله مستوفی درباره این‌بنا چنین مینویسد :

«در ولایت ایجرود (انجرود) قصبه‌ای است مغول آنرا « ستوریق» خوانند برسر پشته‌ای است کیخسروکیانی‌ساخته است، و درآن‌قصبه سرایی است‌بزرگ و در صحن سرای چشمه‌ای است بشکل حوضی بزرگ بلکه مانند دریاچه‌یی ملاحان بقعرش نمیتوانند رسید . دو جوی آب هریك بمقدار آسیا کردانی دایم ازآنجابیرون‌می‌آیدوچون درمی‌بندندآب‌حوض زیاد نمیشود، وچون میگشایند برقرارجاری‌است ودرهیچ موقع‌کم وبیش‌نمی‌باشد واین از نوادراست . ابقای‌خان مغول آن سرای را باحال عمارت آورد ، ودرآن حوالی علفزاری خوبست».(۱)

تخت سلیمان تحت شماره ۳۰۸ جزء آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است.

دراینجا خرابه‌های کاخهای اختصاصی پادشاهان مغول دور تا دور دریاچه تخت سلیمان را فراگرفته و دیگر ساختمان مغولی درصفحه تخت پراکنده‌اند و آنچه تاکنون ضمن حفریات ظاهر شده عبارتست از چهار ایوان باندازه‌ها و ارتفاعات مختلف‌که بطور قرینه سازی در چهارگوشه دریاچه روبروی یکدیگر قرارگرفته‌اند .

---

۱ ـ نزهةالقلوب طبع دبیرسیاقی ص ۷۰ .

فاصله بین ایوانها با پایه و جرزهای کلفت بسبك اسلامی طاق زده شده و بصورت رواق درآمده است . ازطرز بنای مغولان چنین معلوم میشود که آنان به آثار قدیم تخت سلیمان بدیده احترام مینگریستند نه تنها از تخریب آثار باقی مانده جلوگیری کردند ، بلکه درتعمیر آنها هم جدّبلیغ نمودند .

چنانکه برجای گنبد متلاشی شده آتشکده آذرگشنسب گنبدی رفیع بوجود آوردند که با گوشوارههای چندضلعیش گوشوارههای گنبد سلطانیه را در زنجان بخاطر میآورد .

یکی ازخصوصیات ساختمانی مغولان درتخت سلیمان، بکاربردن قلوه سنگهای صلیبی ملاط وساروج میباشد حتی سقف گنبدهای ابنیه خود را باهمین قلوه سنگها وملاط و ساروج طاق زدهاند .

ایوان شمالی ـ این ایوان درشمال دریاچه تخت سلیمان وجنوب آتشکده ساسانی در دهلیزی بطول ۲۰ و پهنای ۱۸٫۵ متر ساخته شده است .

منتهی مغولان درکناردیوارهای قطورسنگی وآجری ساسانی اقدام بساختن دیوارهایی بقطر چهارمتر کرده بدین ترتیب پـایههای ضخیم ایوان شمالی را به قطر دهانه ۱۰ متر بوجودآوردهاندکه طول آن بهمان صورت اولیه عهدساسانی درحدود ۲۰ متر میباشد .

در وسط این ایوان پلههایی به پهنای ۳٫۵ متر ازسنگهای تراشیده ساخته که بساختمانهای رویآتشکده راه داشته است . در طول ۱۲ متری دیوار شرقی راهرویی وجود داردکه ارتفاع آن همان ارتفاع دیوار مزبور است.

این راهرو ازطرف مغرب بهدهلیز حدفاصل بین ایوان شمالی وکاخ اختصاصی اباقاخانی راه مییابد . ابنیه مغول بسبك اسلامی با ایوانهای رواقدار در جلو و ساختمانهای متعددی درپشت آن ساخته شدهاست . ستونهایی بمنظور نگاهداری رواق با پایهای چهارگوش ازسنگ قرمز تعبیه شده است . تعداد این ستونها در

این قسمت از بنا چهارعدد است . قطر سنگهای فرش کف اطاق شش سانتیمتر و سنگهای حاشیه‌دیوار ۴ سانتیمتر است . تالار مرکزی‌که محوطه‌ای بمساحت صد متر مربع میباشددارای‌گنبدی مدور بوده است ـ شاه‌نشین یا جایگاه‌تخت‌سلطنتی درقسمت‌بالای تالاردرمحوطه‌ای بوسعت۴٫۵ مترطول و۳٫۵ مترعرض تااندازه‌ای مجزا ازتالار مرکزی ساخته شده‌است. تزیینات وگچ‌بری‌های این‌شاه‌نشین و تالار بسیار زیاد و قابل توجه است .

درآوردن آب دراین کاخ مغولان ازتنبوشه‌کشی سابق دوره‌ساسانی استفاده کرده‌اند .

اثر معماری این‌کاخ ، مخصوصاً گنبد مدوری که محوطه‌ای بوسعت ۱۰۰ متر مربع را پوشانیده عالیترین شاهکار فن معماری دوره مغول است.

علاوه براطاقهائیکه درجوار ایوان خسرو در سمت جنوبی آن بنا شده به فاصله‌ای درحدود ۳۰ مترفقط رواقهایی وجود داردکه از درگاه‌هایی بسوی غرب تخت سلیمان راه میبابد .

اطاق‌کوکبی هشت ضلعی بسبك بسیار جالب توجهی ساخته شده وگنبدی با قلوه‌سنگهای طبیعی و ملاط وگچ و آهك برآن زده شده است .

تالار بارعام ـ بفاصله ۱۰۰ متری بناهای غربی درياچه و درمغرب تخت سلیمان بنای وسیع‌مربع شکل ستون‌داری‌که بیش از۳۰۰ متر مربع وسعت‌دارد و مدخل‌آن ازطرف جنوب‌به پهنای شش‌متراست باسنگهای قرمزرنگ‌حجاری وتزیین‌شده‌است. درداخل‌تالارچهارپایه ستون مربع‌شکل‌وجوددارد که‌روی‌آنها ستونهای‌قطورازسنگ قرمزاستوارشده‌است. این تالار دارای گنبدی‌عظیم‌بوده و ستونهای‌موجودفقط جنبه تزیینی‌داشته‌است این‌گنبدوطاقهای‌دیگرهمه ضربی و قوسی‌است‌که بااستفاده ازقلوه‌سنگهای‌طبیعی‌آن‌طاقهای هلالی‌را زده‌اند . یکی‌از تزییناتی که مغولان درحجاری وگچ‌بری وکاشی‌کاری ابنیه خود بکار برده‌اندنقش

اژدها است‌که ظاهراً آنرا ازهنر چینی فراگرفته‌اند ازجمله کاشی زیبایی است که منقوش به‌نقش اژدهاست و در خرابه‌های تخت سلیمان پیدا شده‌است اتفاقاً درطی قرون درجنوب تخت سلیمان دربین مزارع از رسوبات املاح معدنی آب دریاچه‌جویی مارپیچ بطورطبیعی بوجود آمده که درحدود ۳۰۰ متر طول‌وگاهی چهارمتر ارتفاع داد، وبعلت شباهت آن‌به‌ماری‌بزرگ درعرف محل اژدهاخوانده میشود . شاید وجود همین‌جوی طبیعی درتخیل این حیوان افسانه‌ای و نقش‌آن برروی کاشی‌های عمارات مغول موثر بوده است(۱)

قسمت شمال تخت سلیمانـ که هنوز کاملا مورد تحقیق قرار نگرفته ، پوشیده ازبقایای ساختمانهایی است که‌قسمت جزئی‌آن مغولی بوده وقسمت‌عمده آن بعد ازمغول ساخته شده است . بعد ازکاخ زمان مغول دراین نقطه از تخت سلیمان یك دهکده وجود داشته که اهالی‌آن درداخل حصار محافظ ، وگروهی نیز درعمارات موجود ومشترك مربوط به‌زمان مغول سکونت داشته‌اند . دراینجا یك‌گورستان‌کوچك بایك امامزاده‌که درکنار خرابه های ایوان آتشکده ساخته شده بوده بچشم میخورد . اززمان رونق این‌دهکده نیز یك‌محراب‌که ازسنگهای شنی قرمز ساخته شده بدست آمده است . تزئینات دیوارهای کاخ‌های مغولی که بطور کلی ازنوع مخصوص ساخته نبوده ، با هنر تزینات مربوط به قرن سیزدهم درایران ، کاملا مطابقت داشته است.(۲)

سه‌گنبد در رضائیهـ – این‌بناکه درتحت شماره ۲۴۲ جزء آثار تاریخی به‌ثبت رسیده ازآثار قرن ششم هجری و دوره سلجوقی است و بفاصله ۵۰۰ متر در سمت جنوب شرقی آن شهر واقع شده و بشکل برجی‌است. درمدخل آن سه

۱ ـ علی‌اکبر سرفراز : تخت سلیمان ۱۱۰ - ۱۱۴ .
۲ ـ مجلد دانشکده ادبیات تهران (شماره چهارم سال ۱۶) مقاله‌کلایس تحت عنوان تخت سلیمان و زندان سلیمان .

کتیبه‌بخط کوفی‌که نقش وخطوط آنرا با سنگ تراشیده‌اند نصب شده‌که دریکی ازآنها تاریخ ماه محرم سال ۵۸۰ هجری خوانده میشود .

اندره گدارمینویسد : «این مقبره باسلوب‌گنبدهای مراغه مرکب ازسکوی سنگی بلندی است حاوی دخمه‌ای‌که دربالای آن بنای آجری برآورده‌اند که شامل اطاق مقبره است مدخل‌آن مثل بقعه مدور مراغه وقوی برج محاط‌دریك قاب پرنقش ونگاری است‌که دربدنه استوانه شکل برج تعبیه‌کرده‌اند»

درگاه ورودی درمیانه طاقنمای مسطحی واقع شده‌که‌قاب مستطیل نامبرده دربالا برآن احاطه دارد . اما چراآنرا سه‌گنبد میخوانند ؟ دربالای دخمه‌واطاق مقبره اثر دوگنبد بیش نمایان نیست ، آیا باید فرض کرد بجای سقف مخروطی شکل‌که درآذربایجان درعهد سلجوقیان براین قبیل ابنیه می‌پوشانیده‌اند ، آیا گنبدسومی‌هم وجود داشته است؟ بنظر من‌این‌فرض‌درست‌نیست، علی‌رغم‌اصطلاح عامه‌که آنرا سه‌گنبد خوانده‌اند بایدگفت سومین‌گنبد ، چه‌این گنبد فقط عبارت از سقفی ساده بوده است .

بعبارت دیگر درداخل این برج دوطاق مجزای ازیکدیگر ساخته شده ، در روی‌گنبد اصلی‌گنبد کوچکتری ساخته‌اندو ازاینرو به سه‌گنبد شهرت یافته است .

بعضی در وجه تسمیهٔ آن‌به سه‌گنبد گفته‌اندکه دوبنای دیگر درمجاورت‌ده چهریق‌درنزدیکی سلماس‌وجود داشته‌که‌مجموعه‌این‌سه‌بناراسه‌گنبدمیخوانده‌اند درجلوخان سه کتیبه بخطکوفی است . یکی بالای در دیگری روی طاقنما،وسوم برفرازقاب مستطیل ،کتیبه‌آخرکه باین‌جمله ختم میشود :

«فی شهر محرم ثمانین وخمس‌مائة» ۵۸۰ هجری. آندره‌گدار. این‌بنارا در ردیف ابنیه مراغه و بین برج مدور (۵۶۳ ه) وگنبدکبود (۵۹۳ ه) قرار میدهدو مینویسد : باوجود اینکه در آن زمان استعمال تزیینات کاشی رواج داشته و در

مقبره مؤمنه خاتون در نخجوان‌که در ۵۸۲ ساخته شده کاشی بکار رفته ، در این مقبره کمترین اثری از رنگ‌آمیزی بنظر نمیرسد . اما نکته دیگر هست که رفع استغراب میکند و آن اینست‌که حروف خطوط و نقوش هندسی سه‌گنبد را با سنگ ساخته‌اند ، و این دلیل است‌که معماران عادت داشته‌اند بعضی قسمتهای تزیین را نسبت به‌خود بنا متفاوت‌بسازند. حال اگر این اختلاف را باکاشی‌مجسم نکرده‌اندچنانکه درمراغه یانخجوان نموده‌اندسبب این بوده‌که در اورمیه‌وسایل کار نداشته‌اند .

دلیل مهارت معمار سه‌گنبد آنست‌که در برجی استوانه‌ای شکل‌قبلاً اطاقی مربع‌تعبیه‌کرده ومجدداً تربیع بنارا باتدابیر معماری‌مبدل به‌تدویر کرده‌آنگاه گنبد را برآن برافراشته است . نکته مهم هنری این بنا گذاشته ازگنبد رفیع‌و مقرنس کاری‌آن‌که درحدود ۹ متر ارتفاع دارد ، رنگ‌آمیزی و تزیینات سنگی است‌که جلوه خاص باین بنا داده است .

بنای سه‌گنبدشباهت بسیاری بابرج علاءالدّین در ورامین نزدیک‌شهرتهران دارد(۱)

مسجد جامع رضائیه ـ این مسجدکه تحت شماره ۲۴۳ جزء آثار تاریخی ایران به‌ثبت رسیده ازبناهای نیمه دوم قرن هفتم هجری است .

از لحاظ موقعیت در وسط بازار واقع است دارای صحن بزرگ و شبستان آجری وسیعی است که قسمت اصلی وسطی آن با گنبد بلندی پوشیده شده است .

محراب مسجد ازنظرگچبری و خطوط درشمار زیباترین آثارهنری‌دوران

۱ـ آثارایران ج ۱ص ۶۹ ـ ۷۰ با فهرست بناهای تاریخی ص۹؛ آثار باستانی‌آذربایجان ص ۸۴ ؛ مجله بررسی‌های تاریخی ج ۵ سال دوم ص ۱۳۷ ؛ معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانان ص ۱۱۲ .

مغول و ارتفاع آن ۷٫۸۲ و عرضش ۵٫۴۸ متر است و درقسمت پایین‌دارای دو ستون گچبری‌می‌باشد . این محراب شبیه به پارچه توری است که باگچبری‌های عالی و شبکه‌های ظریف بافته باشند . دروسط آن کتیبه‌ای است بخط رقاع که چنین خوانده میشود : «عمل‌عبدالمؤمن بن شرفشاه‌النقاش‌التبریزی فی‌شهرربیع‌الاول سنةستة وسبعین وستمائة ....». بنابراین‌آن‌محراب‌درسال۶۷۶هجری‌بدست استادی چیره دست بنام عبدالمؤمن تبریزی گچبری شده است وشایدخود مسجد ازاین تاریخ کهنه‌تر باشد .

ازشکافهای محراب قطعات‌کوچك محراب‌گچی قدیمتر دیده میشود واین محراب دوپنجره راکه مشابه آنها در دیوار های دیگر دارد مسدود کرده است محراب قدیمتر و خود شبستان گنبدازسال ۶۷۶ هجری پیش‌تر است وبایستی‌به دوره سلجوقی تعلق داشته باشد .

درآن زمان مسجد شامل شبستان مربع گنبددار بود که سه طرف آن در ورودی داشت . طاق گنبد با ابنیه عظیم شمال غربی ، که در ساختمانهای قزوین دیده میشودبیشتر ارتباط داردتاباسبك معماری‌ناحیه‌اصفهان. دیوارصفحه‌محراب دارای طاق‌سه‌برگ درمرکز است‌درطرفین نغول ذوذنقه ستونهای نیمه‌مدورقرار داردکه سر ستون شیاردار آن در دو قسمت مجزا است و روی این ستونها نغول طاق نوك تیزکه تقریبا به‌شکل نعل اسب است قرار دارد و بالای حاشیه محدب ساخته شده است . این واحد بایك سلسله تا لب مستطیل‌محدب احاطه شده‌است درزیر نغول اسبی محراب آثار گچبری محراب قدیمتری دیده میشود .

این مسجد درسال ۱۱۸۴ هجری بفرمان رضاقلیخان بیگلربیکی افشارکه برشهر اورمیه حکومت داشت تعمیر شد(۱)

۱ ــ فهرست‌بناهای تاریخی ص ۱۰؛ آثار باستانی‌آذربایجان ص ۸۴؛ معماری اسلامی‌ایران در دورهٔ ایلخانان ص ۱۲۳ .

مسجد جامع مهابادـ بنای‌مسجد ومدرسه‌ای طلبه‌نشین ازدوره‌شاه سلیمان صفوی درمهاباد بجای مانده کـه برسر درآن کتیبه‌ای بخط رقاع بر سنگی از مرمر نقر شد که دلالت براتمام‌آن درسال ۱۰۸۹هجری مینماید ومتن‌آن کتیبه چنین است:

«وفقنی لاتمام هذه‌المدرسه‌الشریفه فی‌ایام دولة‌السلطان‌الاعدل شاه سلیمان الحسینی‌الموسی‌الصفوی بهادر خان خلّدالله تعالی ملکه فی‌سنة ۱۰۸۹ کتبه .... سهراب المکری» این مسجد ازبناهای‌بداق سلطان‌بن‌شیرخان بن شیخ‌حیدرخان مکری است‌که فرمانروای ولایت ساوجبلاغ (مهاباد) بوده و درعهد شاه سلیمان صفوی درسال ۱۰۸۹ آنرا ساخته است(۱)

کلیسای طاطاووس در چالدران ـ این کلیسا که تحت شماره ۴۰۵ جزء ابنیه تاریخی ایران به ثبت‌رسیده در ده قره‌کلیسا درپانزده‌کیلومتری‌شمال‌شرقی سیه‌چشمه و هفت‌کیلومتری شمال راه سیه‌چشمه به‌قره ضیاءالدین ، در دهستان چالدران از بخش سیه چشمه در شهرستان ماکو در ۴۶ درجه و ۳۳ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۹ درجه و ۶ دقیقه عرض جغرافیایی واقع است(۲)

این کلیسا رابنام یکی ازقدیسین قدیم ارمنی تادئوس Tadeos خوانده که بزبانهای اروپایی تادئو tadeo وبزبان عربی و فارسی طاطاووس شده است . (۳) درعرف محل بزبان ترکی آنرا ، قره‌کلیسا ، یعنی‌کلیسای سیاه نامیده‌اند .

موریس دوکوتزیو که در ۱۸۱۷ بایران آمده درسفرنامه خود درباره‌وجه تسمیه این‌کلیسا چنین مینویسد :

«روز ۲۲ آوریل در خاك ارمنستان از کوه «بزابدال» گـذشتیم ، رودخانه

۱ ـ فهرست بناهای تاریخی ص ۱۳ ؛ مرآت‌البلدان ج ۴ ص ۱۰۵ .
۲ ـ فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۴ ص ۲۸۸ ـ ۳۶۶ ؛ فرهنگ آبادی‌های ایران‌ص۳۴۱
۳ ـ هنر معماری در ارمنستان ص ۱۰ .

«بامباك» را که از چند پل بر آن باید گذشت با بهترین منظره مینگریستم . در افق آثار کلیسای شهر کوچك «قره کلیسا» که تپه‌های مستور از کاج بر آن احاطه داشت نمایان بود . وجه تسمیه این شهر تیره رنگی کلیسای آنست که از دور سیاه بنظر میآید، باین سبب آنرا قره کلیسا گویند. باوجودی که این نواحی در عرض جغرافیایی ۴۰ درجه واقع است آب وهوای آن کاملا مانند منطقه وسطای روسیه است . معروفیت این محل عسل وماهی قزل آلای آنست. در ۱۸۰۵ که دولتین ایران وروسیه جنگ میکردند «پرنس سی زیبانوف» فرمانده گرجستان در این محل اردو داشت و نزدیکترین ذخایرش در قره کلیسا بود . بالاخره در کنار رودخانه «بامباك» در جایی که ۱۶۰ ورست باقره کلیسا فاصله داد بدست ایرانیان کشته شد و کتیبه‌ای بر روی قبر اوست . فرمانده قشون ایران در این جنگ ولیعهد (عباس میرزا) بود» .(۱)

قره کلیسا در ۲۵ کیلومتری شمال شرقی سیه‌چشمه در دهستان به‌به‌جیك واقع شده است. آب گرم سیه‌چشمه تقریباً درجنوب زاویه‌سطحی و در دهستان چالدران قرار دارد.(۲)

سبب تسمیه

این کلیسا درزبان ارمنی «سورپ تاوئی وانگ» یعنی کلیسای مقدس طاطاوس خوانده میشود درسبب تسمیه آن در روایات ارمنی چنین آمده است:

پادشاهی بنام « آبگار » که از شاهان دولت اوسرئن بود و در حدود ۴۰ میلادی میزیست و نژاد او به اشکانیان میرسید بدعوت یکی از قدیسین مسیحی

۱ ــ مسافرت بایران در سال ۱۸۱۷ . ترجمه محمود هدایت تهران ۱۳۱۰ شمسی ص ۴۸ و ۴۹ ــ

۲ ــ دکتر جنیدی چشمه های معدنی ایران ص ۳۶۸ .

باسم طاطاوس دین مسیحیت را پذیرفت وبه تبلیغ واشاعه آن دین قیام کرد.(۱)

پس ازوی پادشاهی بنام «سانتروك» برتخت نشست و ازکیش مسیحی بازگشت و طاطاووس را بکشت او را درمحل کنونی این کلیسا بخاك سپردند.

ساندوخت ، دختر سانتروك که حاضر نشد کیش مسیحی راترك گوید او نیز بفرمان پدر بقتل رسید وجسد اورا درکنار طاطاوس قدّیس دفن کردند.

کم کم دین مسیحی درارمنستان رواج یافت و درسال ۳۰۱ میلادی آن کیش بدست گریگوار مقدس در زمان پادشاهی تیرداد دین رسمی آن مملکت شدو بعدها دراین محل بیادبود شهادت طاطاوس و ساندوخت کلیسایی برپا کردند که موسوم « سورپ تادئی وانگ » یعنی کلیسای مقدس طاطاوس گردید. تاریخ ساختن این کلیسا معلوم نیست ممکن است درپیش از اسلام بریکی از ویرانه‌های پرستشگاه مهر بنا گردیده باشد.

برای نخستین باز مورخی بنام «آرتسرونی» که در اواخرقرن نهم میلادی میزیست از آن کلیسا نام میبرد. در آثار قرن دوازده وسیزده مورخی دیگر بنام «زنوب گلاك» از آن نام برده است ازاین ببعد تاقرن پانزدهم بیشتر مورخان وتذکره نویسان آن را در آثار خود بعنوان یك کلیسای با اهمیت یاد کرده‌اند بخصوص که آن محل سرراه کاروانها ولشکرکشی‌های قدیم بود ازاینجهت نام آن دراکثر نوشته‌های ارمنی آن زمان آمده است(۲)

نام قره کلیسا درکتب تاریخ عهدمغول وتیموری

جرماغون سردار اوکتای قاآن مغول درسال ۶۲۸ هجری درتعقیب سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه به ماکو وارمنستان رفت(۳) و ازجاهائیکه از دستبرد او

۱ ــ دکتر مشکور : ایران در عهدباستان ص ۳۶۲ .

۲ ــ رساله خطی سرکیس کاراپتیان .

۳ ــ تحریر تاریخ وصاف ص ۳۴۱ ؛ تاریخ‌الامةالارمنیة ص ۲۲۸

مصون نماند این کلیسا بود .

درتواریخ ارمنی آمده که سپاه مغول در عهد سلطنت اوکتای قاآن ومنکو قاآن و اباقاخان وارغون درسالهای ۱۲۴۲م (۶۴۰ه) و ۱۲۵۱م (۶۴۹ه)و۱۲۶۵م (۶۶۴ ه) و ۱۲۸۵ م (۶۸۴) ه) این کلیسا را غارت کردند.

درزمان سلطنت ارغوان خان (۶۸۳ - ۶۹۰ه) لئون پادشاه کیکیکیه باتفاق یکی ازدانشمندان ارمنی بنام «تورس» برای دیدارشاه مغول به آذربایجان آمدند و قره کلیسا را زیارت کردند و عهد نامه‌ای مبنی بردوستی و عدم تعرض بین ایشان بامضا رسید . دیری نگذشت که در عهد همان ایلخان مغولان به بهانه سرشماری ارمنیان ، آن مردم را تحت شکنجه قرار دادند و قره کلیسا را غارت کرده اسقف آنرا کشتند . خاطره این سرشماری هنوز درتداول مردم ارمنی باقی است چنانکه مادران هنگام ترساندن کودکانشان گویند : « مواظب باش نویسنده آمده است ترا ببرد!» منظور از نویسنده مأمور سرشماری کذائی است .

درسال ۱۳۱۹ میلادی (۷۱۹ هجری) زلزله شدیدی در آن نواحی حادث گشت وخرابی بسیاری باین کلیسا وارد آوردو۷۵ تن ازکسانی راکه درحال عبادت بودند هلاك ساخت . اسقف بسداجی زاکاریاکه ازسال ۱۳۱۵ میلادی بتولیت این کلیسا برگزیده شده بود به تعمیر آن پرداخت و پس از ده‌سال تعمیرات و بازسازی، آن کلیسا درسال ۱۳۲۹میلادی (۷۳۰هجری) باتمام رسید . درتعمیرات جدید سنگ سفید بکار رفت برخلاف بنای سابق که در آن سنگهای سیاه بکار رفته بود. بیادگار این تعمیرات اساسی هنوز کتیبه‌ای بزبان وخط ارمنی از اسقف بسداجی زاکاریا در دیوارکلیسا باقی است و ترجمه ومتن آن چنین است :

«این کلیساکه بنام حواری مقدس تادیوس ساخته شده بود و اززلزله ویران گشت من که اسقف زاکاریا (زکریا) هستم آنرا تعمیر کردم و ازنوساختم».

در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۹ میلادی (۷۴۱ ـ ۷۶۱ ه) درمحل این کلیسا

حوزه‌های علمّیه تدریس مذهبی توسط اسقف ، مسروپ ، دائرگردید.(۱)

درسال ۱۳۴۳ م (۷۴۴ ه) امیر شیخ حسن کوچك چوپانی سپاهی بهمراهی سلیمان‌خان و امیر یعقوب شاه ازامرای روم به‌تسخیر بلاد این سرزمین فرستاد وایشان شکست یافته بازگشتند ، سپس پسر امیرشیخ حسن چوپانی که‌امیر قوچ حسن نام داشت ازپدر جداگشته به قراکلیسا بحدود قبان‌گریخت ومخفی شد.

امیر شیخ‌حسن ازآن حال واقف شده درخفیه کس فرستاد تا اورا گرفته‌به تبریز آورده و محبوس‌گردند(۲)

سطان اویس جلایری درسال ۷۶۸ هجری از موصل به‌صحرای موش در آسیای صغیر رفت و با بیرام خواجه ترکمان جنگ کرده ایل اورا بغارت‌دادو ازآنجا از راه قراکلیسا به‌تبریز بازگشت(۳)

درسال۱۳۸۵میلادی (۷۸۷هجری) قزل‌اوقوکه یکی ازسرداران‌تقتمش‌خان رئیس ایل ذهبی قپچاق بود درحمله به آذربایجان صدمات بسیاری به قراکلیسا رسانیددراین زمان اسقف‌بزرگ آنجا «کارابد» نام داشت . درسال ۱۳۹۷میلادی (۷۹۹ هجری) اسقف بوغوس ارمنی ، اوگیراگوس ویرابچی را به سمت تولیت کلیسا تعیین‌کرد.(۴)

کلاویخوکه‌درسال ۱۴۰۳ (۸۰۶ه) ازطرف هانری سوم امیرکاستیل بسفارت بدربار تیمور آمده بود درسفرنامه خود چنین مینویسد :

«یکشنبه اول ژوئن بهنگام غروب آفتاب بجلوی دژی کـه ماکو نام دارد رسیدیم این محل ازآن کسی است‌که ازکاتولیك‌هاست اما نام او نورالدین است و همه آنان‌که از این دژنگهبانی و پاسداری میکردند کاتولیك بودند .

---

۱ ـ رساله سرکیس‌کاراپتیان

۲ ـ ذیل جامع‌التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو .

۳ ـ حبیب‌السیر ج ۳ ص ۲۴۱

۴ـ اندرانیك هویان : قره‌کلیسا، مجله بررسی‌های تاریخی سال دوم شماره پنجم

اینان اصلا از نژاد ارمنی هستند و بزبان ارمنی سخن میگویند و نیز ترکی و فارسی هم میدانند»[1] ظاهرا کلاویخو در بیان خود ارامنه گریگوری را اشتباهاً کاتولیك پنداشته باشد. امیرتیمور درحمله خود به آذربایجان بگرفتن قلعه ماکو توفیق نیافت و باگرفتن بیست‌سوار با امیرتیمور صلح کرد و شهر ماکو و کلیسای طاطاوس ازخطر قتل و غارت وی نجات یافت . در سالهای ۱۴۴۰ـ۱۴۴۳ میلادی (۸۴۴ ـ ۸۴۷ ه) اسقف آن کلیسا گریگور جلال بیگیان ماکویی بود وسپس در مجموع روحانیان اچمیاد زین(اوچ‌کلیسا) بسمت جاثلیقی ارمنیان برگزیده‌شد.

رستم‌بن مقصودبن حسن بیك‌آق قویونلو (۸۹۷ ـ ۹۰۲) که از شاهان آن سلسله بشمار میرفت درسال ۱۴۹۳ م (۸۹۸ ه) فرمانی برای زکریاکشیش قره کلیسا بعنوان اسقف اوج کلیسا بدین مضمون صادرکرد :

«الحکم‌لله ـ ابوالمظفر رستم بهادر سیوز ومیز سرکیس اوچ‌کلیسا بداندکه زکریا کشیش قراکلیسا ماکویه نمودکه بناواجب و بیحساب مزاحم و متعرض احوال او میشود ، می باید که بدستور قدیم با او عمل نموده بنا واجب وخلاف حکم‌همایون متعرض‌احوال‌او نشود دراین‌باب تقصیر ننماید درعهده دانند(محل مهر. رستم بهادر)، بنواحی بدوستان تحریرا فی ۸ ذی‌قعدة الحرام سنة ثمان و تسعین و ثمانمائه (۸۹۸ ه) .

شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵ ۹۳۰ ه) نسبت به‌مسیحیان‌مهربان بود و دستور داده بود که عمال دولت درموقوفات‌کلیساها دخل وتصرف‌نکنند و ازاوقاف آنها مالیات نطلبند.

خلیفه زاکاریاکه ازسال ۱۵۱۵ تا ۱۵۲۰ جاثلیق بزرگ ارمنیان بود درآن کلیسا تعمیرات اساسی‌بعمل‌آورد و راهی نیزبرای تسهیل رفت وآمد زائران‌بین آنجا و ماکو احداث‌کرد .

---

۱ ـ سفرنامه کلاویخو ترجمه رجب‌نیا ص ۱۵۲ .

شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸۴) که مانند پدرش نسبت به‌ارمنیان محبت داشت در حفظ موقوفات قره‌کلیسا و صیانت آن از تجاوزات عمّال دولت در سال ۱۵۶۲ میلادی (۹۷۰ ه) فرمانی صادر کرد که صورت آن این است :

«شاه‌بابام انارالله برهانه (موضع مهر): شاه ولایت‌طهماسب‌فرمان‌همایون‌شد آنکه چون ازمضمون نشان عالیحضرت خاقان جمجاه سلیمان مکان واسنادقبالات مشروعه مستفادشدکه مزرعه قراکلیسیاه محدودبحدودکدوك انکورك وقرق‌بلاغ و مقبره هناك از راه مالکیت تعلق برعایای آنجا دارد وحق آبه‌مزرعه مذکوراز رودخانه قرین ارکوین ازشش سهم‌سهم مقرر است ، بنابراین بهمان دستور مقرر دانسته‌رعایاء قریه ارکوین مطلقابغیر حق‌وحساب دراملاك واراضی مزرعه‌مذکور مدخل نساخته و پیرامون حقّابه مقرره ایشان نگردد و از دستور سابق و قاعده قدیم‌تجاوز ننمایند . حاجی قاسم سیوچی حسب‌المسطور مقرر دانسته ازمضمون حکم مطاع انحراف نورزد وچون ازقدیم چراغلق قریه فریز ومهله زن وقروق تعلق‌بقراکلیسیاه‌داشته کدخدایان و رعایا درباره‌شاملق اصلا درآن مدخل‌نسازند و از قاعده قدیم و دستور سابق تجاوزننمایند. امارت مآب مقصود بیك ختوسلو امداد نموده مجال تمرد احمدی ندهد وهمه ساله حکم مجدد نطلبند . تحریراً فی شهر رجب‌المرجب ایت‌ئیل».

درزمان شاه عباس‌کبیر(۹۹۶ – ۱۰۳۸)براثرجنگهایی‌که بین‌ایران‌وعثمانی روی داد صدمات بسیاری به‌این‌کلیسا وارد شد بفرمان او برای مستاصل کردن چغال اوغلی سردار ترك دستور داده شد که علوفه وآذوقه را در راه سپاه عثمانی ازبین برده و چاه‌های آب را پر کنند و ارمنیان آن نواحی را که بالغ برسیصد هزار تن بودند بداخل خاك ایران مهاجرت دهند . چون اطراف رود ارس‌خالی ازسکنه شد قراکلیسا محکوم به ویرانی‌گردید .

درسال ۱۶۵۰ میلادی (۱۰۶۰ ه) اسقف آن کلیسا که مگـردیچ نام داشت

به تعمیراتی تازه در آن پرداخت.

در سال ۱۶۵۶ م (۱۰۶۶ ه) که اسقف آن کلیسا ، ایساهاك ماکویی، بود موقوفات تازه به قراکلیسا اضافه شد و سپس کانال آبی را که اسقف زاکاریا در سال ۱۳۰۶ میلادی برای آنجا ساخته بود لای‌روبی‌گردید.

در سال ۱۶۹۱ م (۱۱۰۳ ه) که مصادف با دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی بود اسقفی بنام سرکیس تعمیراتی اساسی درآن کلیسا بعمل آورد و باروی آنرا مجددا بناکرد و دیوارهای آنرا ازنو ساخت.

در زمان آقامحمدخان قاجار (۱۲۰۰ - ۱۲۱۱) بر اثر لشکرکشیهای او به تفلیس و ماوراء ارس‌چون این‌کلیسا سرراه بود صدمات فراوان دید وحتی‌درسال ۱۲۰۱ بدست سپاهیان او غارت شد(۱)

درزمان فتحعلیشاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۶۰) پسرش عباس میرزانایب‌السلطنه برای جلب خاطر ارامنه و اطمینان ازپشت سرخود درجنگ بین‌ایران وروسیه در ۱۲۲۹ هجری (۱۸۱۴ م) یعنی یکسال بعد از عهدنامه‌گلستان این‌کلیسا را از نو تعمیری اساسی‌کرد .

دراین وقت اسقف مقیم آن‌کلیسا «سیمون بنزنونی بود و دراجرای فرمان نایب‌السلطنه‌جدی بلیغ داشت وسنگهای سیاه دیوارها راکه شاید بهمان‌مناسبت آنجاراقره‌کلیسا خوانده‌اند با سنگهای مرمرسفید عوض میکرد. یکی ازشعرای معاصر عباس میرزا بنام نواقطعه شعری درتاریخ تعمیر این‌بنا درعهدآن‌شاهزاده گفته که درکتیبه‌ای از مرمر سفید بخط خوش نستعلیق در پنج سطر نوشته شده و دربالای سر درکلیسا نصب‌گردیده است وآن اشعار این است:

دل به تنگ آمد چو روح الله زتن از امّهات
میل آبا کرد چندی باز مادر زاد گشت

۱ ــ اندرانیك هویان : قره‌کلیسا ، مجله بررسی‌های تاریخی سال دوم شماره ۵ ص ۲۰۷ .

از یکی اصحاب طاطاووس نام این سجده گاه
گشت آباد و خراب از چرخ بی بنیاد گشت
تا زمان دولت فتحعلی شد آنکه او
همچو ابر در فشان دست عطایش راد گشت
از ولیعهدش شهنشاه جهان عباس شاه
کوبه گیتی شهره در انصاف و عدل و داد گشت
آنکه بس ویرانه‌ها چون کوفه درایران‌زمین
فی‌المثل در عهد عدلش غیرت بغداد گشت
جز دل ویران من کو قابل تعمیر نیست
هر خرابی را که دیدی در جهان آباد گشت
کرد از نو این کهن ویرانه را آباد او(۱)
هم خدا راضی شد و هم روح بانی شاد گشت
چون ز فرمان وی و اقدام استادان چند
سخت تر از آهن و محکمتر از فولاد گشت
گفت این مصرع پی تاریخ تعمیرش نوا
وانك طاطاووس باز از داد شه آباد گشت
(۱۲۲۹ ه)

ظاهرا چون ایران بعد ازامضای عهدنامه گلستان فکر میکرد ممکن‌است بزودی ایروان را هم از دست بدهد از روی احتیاط میل داشت مرکز مذهبی خلیفه اعظم ارامنه را از اچمیادزین به‌محل قره‌کلیسا منتقل سازد . بهمین علت به تقلید ساختمان کلیسای اچمیادزین که بنای آن باسنگ سفید است ایرانیان میخواستند این‌کلیسا را به‌معبدی سفید تبدیل‌کرده و ارمنی‌های روسیه وعثمانی

۱ ــ در اصل کتیبهٔ «آبادزو» آمده که غلط است .

راکماکان تحت حمایت و نفوذ مذهبی کلیسایی که درایران است قرار دهند. سیمون بزنونی اسقف قراکلیساچون امید داشت بکمك ایران بمقام خلافت اعظم ارمنیان جهان برسد بتقلید ساختمان کلیسای اچمپادزین دستور داد تخته‌سنگهایی ازمرمر سفید ازقرخ بولاغ (چهل چشمه) و شاورشان به آنجا حمل نمایند وسنگهای سیاه قراکلیسا را تبدیل به سنگهای سفید کنند و فرمان دادهمه‌جا نام او رابردیوارهای منقوش بنای تازه کلیسا نقر نمایند.

اسقف بزنونی بـآرزوی خود نائل نشد زیرا هنوز بنای طبقه اول کلیسا باتمام نرسیده بود که او را بسعایت بعضی از مغرضان ازطرف دولت ایران تبعید کردند .

نائره جنگ بین ایران وروس نیز بالا گرفت، دوره دوم جنگهای ایران و روس (۱۲۴۱ ـ ۱۲۴۳ ه) به معاهده ترکمانچای (۵ شعبان ۱۲۴۳ ه) انجامید . ایروان و نخجوان وارد وباد که ازبعد از عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ه) در تصرف روسیه بود بطور قطعی بآن دولت واگذار شد وارامنه و آسوریها میتوانستند آزادانه به روسیه مهاجرت نمایند .

این مهاجرت ازهمان سال ۱۲۴۳ هجری (۱۸۲۷ میلادی) آغـاز شد و در حدود ۴۵ هزار مسیحی ازایران بروسیه مهاجرت کردند بطوریکه درتبریز فقط هفت خانوار ارمنی باقی ماندند .

درسال ۱۸۳۰ میلادی اسقف نیکوقوس به تولیت قراکلیسا رسید . از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ این کلیسا بهمرکز تجمع انقلابیون وطرفداران جنبش‌های ملی ارامنه مبدل شد. ازسال ۱۹۰۸ تا پیش ازآغازجنگ بین‌المللی اول این‌محل یك مرکز تجمع میهن‌پرستان ارمنی برضد دولت عثمانی بود .

تا اینکه درسال ۱۹۱۸ قشون عثمانی بآذربایجان حمله‌ور شد خانواده‌های ارمنی ساکن اطراف ماکو به قلعه کلیسا پناه برده و بـا عده قلیلی مدت پانزده

روز دربرابر ترکان مقاومت کردند . آنان پس از تمام شدن اسلحه خود شبانه عقب‌نشینی کردند. قشون عثمانی وارد قلعه‌کلیساشد واکثرساکنان غیرنظامی‌آنرا کشته و عده‌ای را نیز باسارت برند.(۱)

پس ازخاتمه جنگ جهانی اول ارامنه مجدداً درسال۱۹۱۹میلادی‌به‌قرا-کلیسا بازگشته و در دهات پیرامون آن اقامت نمودند . این وضع تاسال ۱۹۴۸ میلادی ادامه داشت. ازاین سال ارمنی‌ها براثر تبلیغات دولت شوروی‌بارمنستان مهاجرت‌کردند ، کشیش سرپرست‌کلیسا نیزبه تبریز کوچ کرد و در همانجاوفات یافت . درتابستان سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۱ م) نگارنده این اوراق‌که بدنبال‌کشف‌کتیبه های اورارتو به‌اطراف و اکناف آذربایجان سفر میکرد و ازطریق ماکو وقرا-قویون با دوست محترم خودآقای دکترمهندس منوچهر امیرمکری به‌قراکلیسا رفت ، آن قریه را خالی از سکنه و کلیسا را متروك و نیمی ازگنبد آن شبستان براثرگلوله‌های توپهای‌ترکان ویران‌یافت- اثرخرابیهای قشون عثمانی‌درهمه‌جا مشهود بود ، ولی آنچه راکه باقی مانده چنان عظیم و باشکوه است که شاید در ایران بعداز اسلام کمتر بنای تاریخی سنگی ازلحاظ عظمت وقدمت و ظرافت‌به پای آن برسد . نگارنده در همانسال شرح بازدید ازاین کلیسا را به مدیر کل باستانشناسی وقت‌گزارش داد و درخواست‌کردکه اداره‌کل باستانشناسی‌آنرا جزء آثار تاریخی و باستانی‌کشور ثبت‌نماید و در تعمیر و مرمت خرابیهای آن اقدام عاجل مبذول دارد .

سبك معماری قراکلیسا ـ این کلیسا دربلندی‌کم ارتفاعی واقع است و از طرف مشرق مشرف بردّره‌کم عمقی است و درسطحی بمساحت ۱۵۰×۲۰۰ متر ساخته شده و با دیوارهای برج و بارو دارای محصورگشته و شباهت بسیاری به کلیسای اچمیادزین درایروان دارد .

۱ ـ رساله سرکیس‌کاراپتیان .

تاریخ بنیان‌گذاری آن بدرستی معلوم نیست و قدیمترین سنگنبشته‌ای‌که درجدارآن کشف شده مربوط به‌قرن چهاردهم‌میلادی است ، ولی ازلحاظ‌اسلوب بنا معلوم میشودکه ساختمان‌آن قدیمتر ازقرن مزبور بوده‌است . ساختمان‌قرا-کلیسا از دوکلیسا تشکیل شده است یکی‌کوچکتر که قدیمی‌تر است و کلیسای بزرگترکه بعدا ساخته شده و ازطرف ضلع‌غربی باولی متصل گشته است.

بنا به‌تحقیق دکترمهندس و لفرم‌کلایس Dr.wolfram Kleiss معاون‌مؤسسه باستانشناسی‌آلمان درتهران ، این اثر ازلحاظ شهرسازی دورهٔ قدیم‌بسیارجالب بوده و دیوارهای آن مینیاتور جالب توجهی‌رادرخود محصورمیساخته است ودر مواقع حمله دشمن بصورت دژی محکم درمی‌آمده و تمامی احتیاجات مدافعان ازداخل محوطه‌کلیسامهیا میگشته است. این صومعه دارای یك دریاچه‌مصنوعی و چراگاه جهت حیوانات وکارگاهها مختلف برای تهیه مواد غذایی و غیره بوده است .

اگر بمقطع‌کلیسای طاطاووس نظری بیافکنیم تمام بنا بصورت‌یك‌ساختمان واحد دیده‌میشود و اتصال این‌بناهای مختلف بحدی بامهارت انجام پذیرفته‌است که مثلا بدون درنظرگرفتن طرح و نقشه‌بنا مشکل است دریافت‌که برج‌کلیساو برج ناقوس آن در دوران‌های مختلف ساخته‌شده است . معماران ارمنی طوری درترکیب و تلفیق این ابنیه با یکدیگر استاد بوده‌اندکه بدون دقت کامل تمیز دادن‌آنها ازیکدیگر دشوار است(۱)

برخلاف‌معابد اولیه ارمنی‌که‌بشکل‌مربع است ، این‌کلیسا بصورت‌مستطیل بسبك بازیلیك basilic آمیخته باسبك معماری خاص ارمنی ساخته شده است. در سبك بازیلیك‌که ازآن درساختمان‌کلیساها استفاده میکردند محوطه‌کلیسابصورت مربع مستطیل بود و طول داخلی دیوارهای آن بوسیله دو ردیف ستون مجزا

۱ ــ هنرمعماری در ارمنستان ص ۴۲ ــ ۴۵

می‌شد که روی هم بصورت سه‌کشتی در میامد و کشتی میانه دارای ارتفاع بیشتر وعرض وسیعتری بوده است(۱)

این کلیسا دارای گنبد هرمی شکل دوازده ترك است قسمت شرقی آن از سنگ سیاه وقسمت وسطی و غربی‌آن باسنگ سفید تزیین‌گردیده است.

قسمت شرقی که باسنگ سیاه ساخته شده وتنها قسمتی است که از زلزله ۱۳۱۹میلادی‌محفوظ مانده‌شامل‌محراب‌واطاقهای‌جنبی (بمساحت۷۰ر۴×۴متر) ومحوطه جلوی‌محراب وگنبدی‌کوچك است . محراب و دواطاق جنبی برروی‌سکویی‌است‌که درحدودیك‌متر‌ازسطح زمین‌ارتفاع‌دارد وبا دوردیف‌پلکان‌به‌صحن کلیسا میرسد ساخته شده است. گنبد کوچك دوازده ترکی برروی محوطه‌جلوی محراب بنا گردیده است .

قسمت مرکزی و غربی‌که درطی سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۹ میلادی باسنگ سفید ساخته شده ، شامل ستونها قوسها ، گنبد بزرگ و محل ناقوس کلیسا می‌باشد .

در وسط قسمت مرکزی کلیسا چهار ستون سنگی بابعاد ۲۰ر۱ متر ساخته شده است . هر دوستون بتوسط یك قوس بیکدیگر متصل میشوند . این قوسها برخلاف‌قوسهای‌رومی دروسط سنگ‌کلید ندارند. برروی این قوسها یك تهویزه جناحی زده شده و در وسط دوتهویزه دوفیل پوش ساخته‌اند.

بین قوسها و تهویزه‌ها و فیل پوشها را باسنگ‌هـای حجاری شده با ملاط پوشانیده‌اند .

طالار شبستان بطول ۶۰ر۹ و عرض ۴۰ر۹ متر ازداخل طوری ساخته شده که چهار پایه وسطی درمقابل پایه‌های طرفین خروجیها قرارگرفته است .

درقسمت‌شرقی دیوارشمالی‌کتیبه‌ای‌ازسنگ مرمر بزبان ارمنی‌قدیم‌مشاهده

۱ ـ رسالهٔ سرکیس‌کاراپتیان .

میشودکه مربوط به قرن چهاردهم میلادی است .

بر روی تهویزه‌ها و فیل پوشها طوق پائین ساق گنبد قرار دارد که درپنج ردیف روی هم چیده شده و بر روی آن ساق گنبد قرارگرفته و آن ساق دارای دوازده طاقنما با پنجره است .

در قسمت فوقانی طاقنما ها ، طاق اصلی گنبد قرار دارد ، که بر روی آن گنبد را ساخته‌اند . باین ترتیب سنگینی و فشارگنبد عظیم سنگی کلیسا بر روی فیل پوشها ، تهویزه‌ها و بالاخره برستونها منتقل میشود . کلیه قسمت‌های این کلیسا را از دیوار ، قوس ، ستون گنبد ، وبام با سنگ تراشیده شده ساخته‌اند.

سقف‌کلیسااز طاق گهواره‌ای است ، دیوارهای داخلی‌کلیسا بسیار ساده‌است و نقش برجسته ندارد . ولی دیوارهای خارجی آن دارای تزیینات فراوانی‌است، و میتوان آنرا ازحیث انواع تزیینات به‌چهار قسمت کرد :

۱ – دیوارهای ساده‌که ازکف حیاط آغازشده و هیچ نقشی ندارد .

۲ – طاقنماها و ستونها ، دراین قسمت قوس طاقنماها یکی درمیان‌جناحی است .

در وسط طاقنماها با سنگ یك‌پارچه ، صورت قدّیسان، صلیب‌های پرنقش ونگار گل‌های هشت‌پر و عقابی بال‌گشاده دربالای آن ، سروهای احاطه شده در میان گل وبوته بنظر میرسد . درمحل اتصال قوس‌هایی که برروی طاقنماها قرار گرفته نقش‌برجسته‌برگ‌مانندی بصورت فرشته‌ای دیده میشود. درقسمت فوقانی طاقنماها ، دو ردیف ازاره شده که ردیف سفلای آن با گل و بوته توام با نقش حیوانات تزیین‌گردیده است .

۳ – این قسمت مشتمل بر نقش صلیب‌های برجسته بزرگ است‌که بفاصله هر چهار صلیب صورت برجسته یکی از قدیسان دیده میشود . دراین قسمت پنجره‌هایی برای ورود نور بداخل‌کلیسا ساخته شده است.

۴ـ دراین‌جا مانند قسمت اول دیوار سنگی ساده‌ای است با این تفاوت که چند نقش برجسته قدّیسان و اشکال هندسی چند ضلعی برسنگ سیاه بر جدار آن تزیین شده‌است. مدخل‌اصلی بنا در وسط دیوار غربی قرار گرفته وازهریك از دوطرف دیوارهای شمال و جنوبی دری بحیاط دوربنا باز میشود . برروی سر دراصلی چنانکه درپیش گفتیم کتیبه‌ای برسنگ مرمر ازعباس میرزا نصب شده است .

برج ناقوس عبارت از چهار ستون عظیم است که بـوسیله چهار ناقوس به یکدیگر متصل میشود ، متاسفانه فاصله بین چهار قوس آن برج نیمه تمام باقی مانده است.

بنای این برج را که بلافاصله بعداز سردر درکلیسا آغاز میشود از حیث تزیین دیوارهای آن میتوان به‌سه قسمت تقسیم کرد :

۱ـ پایه ستونها که دارای‌ازاره‌ای پرنقش‌ونگار مرکب از سروهای‌احاطه شده در گل و بـوته و نقش بـرجسته سن ژرژ (سورپ گورگ) در حال کشتن اژدهاست .

۲ ـ دراین قسمت طاقنمایی است باشبه‌ستونهایی‌که برجسته‌تر وقطورتراز شبه‌ستونهای تزیینی طاقنماهای اطراف کلیسا است.

دروسط طاقنماهای‌جنوبی‌وشمالی، نقش برجسته قدیسانی چند دیده میشود که بربالای سر هریك ازآنان صلیبی ساخته‌اند . دروسط دو طاقنمای غربی تنها دو صلیب وجود دارد که اطراف آنها را با حاشیه هـای گل و بـوته دار تزیین کرده‌اند .

۳ ـ قسمت سوم دیوار ساده‌ای است که به‌بام ختم میگردد(۱)

محوطه اطراف بنا ـ دراطراف بنای اصلی حیاط‌کم عرض مستطیلی قرار

۱ ـ اندرانیك هویان : قره‌کلیسا ، مجله بررسی‌های تاریخی سال پنجم .

گرفته که ضلع غربی آن به‌محوطه بزرگی با دیوارهای سنگ چین شده متصل میشود درضلع شمالی و شرقی و جنوبی اطاقهایی با دیوارهای سنگ چین‌جهت انبار وسکونت رهبانان ساخته‌اندکه اکنون برخی از آنها ویران شده ویا پوشش بیشتر آنها ریخته است ، درسمت جنـوب ، خارج ازمحوطه بزرگ ، انبارها و اصطبلهایی‌برای نگاهداری ارزاق ومواشی بناگردیده که بیشتر آنهابکلی‌خراب و ویران شده‌است(۱)

کلیسای سوپ‌سرکیس‌خویـ درقسمتی ازحومهٔ شهرخوی که بنام محله امام زاده معروف است کلیسایی بنام سوپ سرکیس وجود دارد . هیأت کلی بنا عبارت است ازیك مکعب مستطیل‌بعرض ۱۸ متر وطول ۳۲ متر . ارتفاع‌دیوارها ازبیرون‌درحدود پنج‌متراست. این‌کلیسا دارای دودر ورودی است‌که‌دردیوارهای غربی و جنوبی کلیسا قرار دارند . کف داخل کلیسا نسبت به سطح خارجی آن کمی پائین‌ترقرارگرفته ازاینرو برای ورود به کلیسا ازهریك از دودرمی‌بایست ازیك پله‌پایین رفت . درداخل‌کلیسا شش‌ستون سنگی در دو ردیف قرارگرفته ، که درنتیجه‌تالارکلیسارا به‌سه‌قسمت یك فضای میانی عریضتر و دو راهرو جانبی باعرض‌کمتر تقسیم‌نموده‌است. محراب‌کلیسا درجانب‌شرقی‌آن وبطورکامل‌دروسط قرارگرفته ودر دوجانب‌آن دواطاق چهارگوش واقع شده‌است . درمحوط‌محراب هشت ستون‌سنگی‌در دو ردیف مقابل‌هم قراردارد‌وبکمك چهارستون‌جلوبه‌قوس جناغی برپاگردیده است . پوشش راهروهای جانبی بوسیله طاقهای جناغی انجام گرفته، ولی‌سقف میانی کلیسا بکمك‌سه‌گنبدپوشیده شده‌که‌گنبد میانی‌آن‌بزرگتر وبلندتراست. تاریخ بنای‌این‌کلیساطبق‌بعضی‌ازمنابع‌دربین‌قرن‌چهارم‌و نهم میلادی

۲ ـ آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان ص ۲۸؛ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۱ .

یاد شده ، ولی بنا به تحقیقات دانشمندان باستانشناس تاریخ بنای این کلیسا را میتوان تابه‌قرن دوازدهم میلادی عقب‌برد، وچون ازاره‌های سنگی، شکل‌قوسها وگنبدها و وضع آجرکاری‌نمای بیرونی که‌آمیخته‌ای ازشیوه‌گرجی وسبك‌اوایل دوره ایلخانی است میتوان‌آن را بازسازی شده متعلق به اوایل دورهٔ ایلخانیان بشمار آوردکه برروی پایه معبدی باستانی برپا گردیده است(۱)

بقعهٔ میرخاتون درسلماس (شاهپور)

این برج درحومه شهر سلماس در ۱۹۵ کیلومتری تبریز قرار داشت و در زلزله اردیبهشت سال ۱۳۰۹ شمسی‌که درآن منطقه روی داد کاملا منهدم‌گردید و اطلاع درباره‌آن تنها ازیك عکس است که پیش ازسال ۱۹۰۷میلادی‌برداشته شده است .

هر تسفلد معتقد است‌که برج سلماس مقبره دختر امیرارغون‌خان‌رادکانی است که بزنی وزیرتاج‌الدین علیشاه جیلانی‌درآمده بود، وتاریخ‌آن۷۰۰یا۷۱۰ هجری‌است . در کتیبه آسیب دیده آن نامی خوانده نمیشد ولی در عکس برج کلمه «سبعمائه» (هفتصد) بخوبی دیده میشود .

طرز نمای سردر ورودی آن بسیار شبیه به سردر برج خیاو است وممکن است مقبره برجی خیاو از روی‌آن ساخته شده باشد . حاشیه تزیینی بالای طاق مقرنسکاری سردرآن از حصایصی است که بیشتر درمعماری قرن هفتم هجری در آسیای صغیر مرسوم بوده است.

این مقبره شکل برج مدوری را داشته و پایه های آن از سنگ تراش و

۱ ــ مجله باستانشناسی و هنر ایران شماره اول : خلاصه مقاله آقای دکتر پرویز ورجاوند تحت عنوان «کلیسای سوپ سرکیس خوی» .

دیوارهای خارجیش از آجر و بالای آن مقرنس وسقف آن‌مخروطی شکل بوده است . سر دراصلی بارأس مربع با حاشیه محراب مانندی احاطه شده بود و دور آن قالبگیری فرو رفته‌مستطیلی وجود داشته است. بالای قاب سردر نغول‌حاوی کتیبه بود و زیر قرنیس خارجی کتیبه ممتدی قرار داشته‌است که اکنون برجای نیست(۱)

۱ ــ معماری ایران در دورهٔ مغول ص۱۶۸ .

فصل دهم

آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار درمناطق مختلف استان آذربایجان شرقی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
کل استان	۲۵۹۶۴۳۹	۱۳۵۵۶۷۹	۱۲۴۰۷۶۰	۴۸۶۲۰۹
شهرستان تبریز	۸۰۹۴۲۶	۴۱۷۸۴۲	۳۹۱۵۸۴	۱۵۲۸۰۶
شهرستان اردبیل	۲۹۶۳۷۶	۱۵۵۰۵۵	۱۴۱۳۲۱	۵۱۵۹۶
شهرستان اهسباران	۲۸۲۳۷۷	۱۴۷۸۳۴	۱۳۴۵۴۳	۵۴۷۸۶
شهرستان مراغه	۲۵۲۰۶۷	۱۳۳۱۷۵	۱۱۸۸۹۲	۴۷۴۴۰
شهرستان مشگین‌شهر	۲۱۴۴۳۹	۱۱۲۰۱۳	۱۰۲۴۲۷	۳۹۶۲۴
شهرستان میانه	۱۷۳۹۹۸	۹۱۰۸۱	۸۲۹۱۷	۳۲۵۱۰
شهرستان هشترود	۱۶۴۴۸۶	۸۶۸۲۸	۷۷۶۵۸	۳۰۱۵۴
شهرستان مرند	۱۵۳۱۹۵	۸۰۲۸۲	۷۲۹۱۳	۳۰۵۷۱
شهرستان خلخال	۱۳۴۲۲۹	۷۰۲۳۳	۶۳۹۹۶	۲۵۶۷۳
شهرستان سراب	۱۱۵۸۴۶	۶۱۳۳۷	۵۴۵۰۹	۲۱۰۴۹
شهرهای دارای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر				
شهر تبریز	۴۰۳۴۱۳	۲۰۸۵۷۷	۱۹۴۸۳۶	۷۷۰۵۴
شهرهای دارای ۲۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت				
شهر اردبیل	۸۳۵۹۶	۴۳۳۳۸	۴۰۲۵۸	۱۴۵۸۵
شهر مراغه	۵۴۱۰۶	۲۹۶۹۴	۲۴۴۱۲	۱۰۶۹۸
شهرمیانه	۲۸۴۴۷	۱۴۷۸۶	۱۳۶۶۱	۵۳۸۶
«نقاط دارای ۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ نفر» «جمعیت»				
اهسباران	۲۴۰۶۳	۱۲۲۹۱	۱۱۷۷۲	۴۷۸۷
مرند	۲۳۸۱۸	۱۲۹۳۸	۱۰۸۸۰	۴۶۷۰
بناب	۱۹۰۳۰	۹۸۳۰	۹۲۰۰	۳۶۲۴
سراب	۱۷۰۶۳	۹۶۵۴	۷۴۰۹	۲۸۵۱
آذرشهر	۱۵۳۱۸	۷۷۵۱	۷۵۶۷	۳۰۷۲

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار در مناطق مختلف استان آذربایجان شرقی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
اسکو	۱۰۴۵۴	۵۳۳۴	۵۱۲۰	۲۱۵۲
مشگین‌شهر	۸۹۹۰	۴۶۸۲	۴۳۰۸	۱۶۵۶
ملک‌کندی	۸۷۶۰	۴۵۲۴	۴۲۳۶	۱۶۵۱
ممقان	۷۲۹۰	۳۷۹۱	۳۴۹۹	۱۴۲۷
سردرود	۷۲۲۶	۳۷۳۶	۳۴۹۰	۱۴۷۶
خلخال	۱۹۵۵	۳۶۴۴	۳۳۱۱	۱۳۸۷
عجب‌شیر	۶۲۹۸	۳۲۶۳	۳۰۳۵	۱۲۲۵
شبستر	۶۲۲۸	۳۱۲۸	۳۱۰۰	۱۱۶۱
خسروشاه	۵۹۳۷	۳۰۷۷	۲۸۶۰	۱۱۳۰
هریس	۵۸۷۰	۲۹۹۹	۲۸۷۱	۱۱۲۰
گاوگان	۵۷۰۷	۲۹۵۹	۲۷۴۸	۱۰۹۵
جمع نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت	۱۸۴۷۸۷۰	۹۶۵۶۸۳	۸۸۲۱۸۷	۳۴۴۰۰۲

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار در مناطق مختلف استان آذربایجان غربی سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵

مناطق مختلف	جمعیت			خانوار
	جمع	مرد	زن	تعداد
کل استان	۱۰۸۷۱۸۲	۵۷۰۹۴۳	۵۱۶۲۴۰	۱۹۴۲۱۸
شهرستان رضائیه	۲۹۱۸۳۶	۱۵۲۵۶۵	۱۳۹۲۷۱	۵۳۹۳۶
شهرستان میاندوآب	۱۷۶۳۶۹	۹۲۹۸۱	۸۳۳۸۸	۳۲۷۱۳
شهرستان مهاباد	۱۵۱۴۰۷	۷۹۹۱۴	۷۱۴۹۳	۲۳۳۴۵
شهرستان خوی	۱۵۰۱۳۱	۷۹۴۸۰	۷۰۶۵۱	۲۸۲۷۱
شهرستان ماکو	۱۰۰۸۵۴	۵۳۰۴۰	۴۷۸۱۴	۱۹۰۱۹
شهرستان نقده	۶۸۷۶۳	۲۵۸۲۲	۳۲۹۴۱	۱۱۵۱۲
شهرستان شاهپور	۶۷۴۰۰	۳۵۰۶۷	۳۲۳۳۳	۱۱۱۵۷
شهرستان خانه	۴۱۱۷۲	۲۲۲۸۵	۱۸۸۸۷	۶۳۴۹
شهرستان سردشت	۳۹۲۵۰	۱۹۷۸۸	۱۹۴۶۲	۶۹۱۶
شهرهای دارای ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت و بیشتر				
شهر رضائیه	۱۱۰۷۴۹	۵۸۸۴۰	۵۱۹۰۹	۲۲۴۹۶
شهرهای دارای ۲۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفرجمعیت				
شهرخوی	۴۷۶۴۸	۲۴۴۷۲	۲۳۱۷۶	۹۴۳۶
شهرمهاباد	۲۸۶۱۰	۱۵۱۲۰	۱۳۴۹۰	۵۲۱۸
نقاط دارای ۵۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت				
شاهپور	۲۱۷۰۳	۱۱۶۳۳	۱۰۰۷۰	۳۸۵۴
میاندوآب	۱۸۷۶۷	۹۷۰۱	۹۰۶۶	۳۷۲۶
نقده	۱۰۸۰۱	۵۷۱۳	۵۰۸۸	۱۹۳۸
بوکان	۹۳۵۷	۴۹۰۳	۴۴۵۴	۱۸۰۷
ماکو	۷۰۰۰	۳۶۴۵	۳۳۵۵	۱۳۷۲
تکاب	۶۳۱۵	۳۱۸۷	۳۱۲۸	۱۲۲۵
شاهین‌دژ	۶۰۸۹	۳۰۸۴	۳۰۰۵	۱۱۳۱
سردشت	۵۷۵۹	۳۲۹۷	۲۴۶۲	۹۲۲
جمع نقاط کمتر از ۵۰۰۰ نفرجمعیت	۸۱۴۳۸۴	۴۲۷۳۴۷	۳۸۷۰۳۷	۱۴۱۰۹۳

اطلاعات چارچوبی کارگاههای آبادیهای آذربایجان شرقی و غربی در سال ۱۳۴۶

شماره ردیف	نام شهر	نام شهرستان	آذربایجان	جمعیت	کل فعالیت		فعالیتهای صنعتی آب و برق		فعالیت خرده فروشی		فعالیت عمده فروشی		فعالیتهای متفرقه	
					تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان	تعداد کارگاه	تعداد کارکنان
۱	آذرشهر	تبریز	آذرشرقی	۱۵۷۶۲	۷۹۱	۲۵۵۹	۲۸۰	۱۵۴۸	۳۳۸	۲۹۴	۴۰	۱۲۹	۱۳۳	۵۸۸
۲	اهر(ارسباران)	ارسباران	»	۲۴۷۶۰	۱۸۱۵	۳۴۷۴	۷۴۲	۱۶۵۲	۸۹۹	۹۵۸	۵	۷	۱۶۹	۸۵۷
۳	اسکو	تبریز	»	۱۰۷۵۷	۴۲۷	۸۸۵	۱۶۹	۴۴۴	۲۳۳	۲۵۴	۲	۶	۲۳	۱۸۱
۴	اردبیل	اردبیل	»	۸۶۰۲۰	۷۵۷۰	۱۸۰۴۸	۲۳۵۷	۸۸۰۸	۳۴۰۶	۴۰۲۶	۲۹۲	۶۳۰	۱۵۱۵	۴۵۸۴
۵	بناب	مراغه	»	۱۹۵۸۱	۹۵۹	۱۹۱۹	۳۲۹	۸۹۸	۴۶۰	۵۴۱	۲۰	۲۶	۱۵۰	۴۴۶
۶	بوکان	مهاباد	آذرغربی	۹۶۲۸	۵۲۳	۸۲۴	۱۸۰	۳۳۴	۲۸۹	۴۱۰	۵	۵	۴۹	۷۵
۷	تکاب	میاندوآب	»	۶۴۹۸	۵۱۵	۹۶۸	۲۰۵	۵۴۵	۲۲۳	۲۹۱	۲۱	۳۴	۶۶	۹۸
۸	تبریز	تبریز	آذرشرقی	۴۱۵۱۱۲	۲۱۸۶۳	۷۵۲۸۹	۸۱۳۹	۴۰۷۱۵	۸۶۴۸	۱۲۹۷۳	۵۲۱	۱۰۴۳	۴۵۵۵	۲۰۵۵۹
۹	خسروشاه	»	»	۶۱۰۹	۱۶۲	۳۶۵	۹۳	۲۴۲	۳۸	۴۶	—	—	۳۱	۷۷
۱۰	خلخال	خلخال	»	۷۱۵۶	۳۸۸	۶۸۵	۱۳۲	۲۶۸	۲۰۵	۲۷۶	—	—	۵۱	۱۴۱
۱۱	خوی	خوی	آذرغربی	۴۹۰۳۰	۲۵۱۵	۶۹۰۸	۷۲۶	۲۵۱۵	۱۱۵۷	۱۵۳۸	۱۶۲	۵۰۴	۴۷۰	۲۳۵۱
۱۲	رضائیه	رضائیه	»	۱۱۳۹۶۰	۵۶۳۰	۱۵۲۲۹	۱۷۴۴	۵۵۵۳	۲۴۹۶	۳۱۳۹	۱۳۷	۵۹۲	۱۲۵۳	۵۹۴۵
۱۳	سراب	سراب	آذرشرقی	۱۷۵۵۷	۹۴۸	۲۲۳۱	۳۳۵	۱۰۷۶	۵۰۰	۶۰۹	۳۶	۸۵	۷۷	۴۶۱
۱۴	سی‌دوذ	تبریز	»	۷۴۳۵	۳۲۳	۷۴۱	۱۴۷	۴۹۴	۱۶۷	۲۲۶	۹	۲۱	—	—
۱۵	سردشت	سردشت	آذرغربی	۵۹۲۶	۲۵۳	۶۴۶	۱۱۱	۴۰۲	۱۲۵	۱۸۴	۷	۱۸	۱۰	۴۲
۱۶	شاپور(شاهپور)	شاهپور	»	۲۲۳۳۲	۸۹۷	۲۱۷۲	۲۹۷	۷۲۷	۳۸۶	۵۴۲	۹	۳۶	۲۰۵	۸۶۷
۱۷	شبستر	تبریز	آذرشرقی	۶۴۰۸	۳۶۰	۱۰۵۱	۱۳۳	۶۳۷	۱۵۵	۱۸۲	۱۱	۱۷	۶۱	۲۱۵
۱۸	شاهین‌دژ	میاندوآب	آذرغربی	۶۲۶۵	۲۷۰	۶۵۸	۱۲۲	۴۳۴	۱۴۰	۲۰۱	۷	۱۹	۱	۴
۱۹	عجب‌شیر	مراغه	آذرشرقی	۶۴۸۰	۲۹۰	۶۹۷	۱۳۱	۴۶۱	۱۵۰	۲۱۱	۸	۱۹	۱	۶
۲۰	گاوگان	تبریز	»	۵۸۷۲	۲۵۱	۶۲۶	۱۱۴	۴۱۴	۱۳۰	۱۹۳	۷	۱۹	—	—
۲۱	ماکو	ماکو	آذرغربی	۷۲۰۳	۳۵۲	۶۹۰	۶۹	۱۲۳	۱۸۱	۲۰۵	۸	۲۴	۹۴	۳۳۸
۲۲	مرند	مرند	آذرشرقی	۲۴۵۰۸	۱۳۲۷	۴۶۲۸	۴۹۰	۳۱۳۴	۶۱۲	۶۷۸	۳۴	۵۳	۱۹۱	۷۶۳
۲۳	مشکین‌شهر	مشکین‌شهر	»	۹۲۵۰	۶۲۱	۱۱۶۷	۱۴۳	۲۸۳	۲۹۷	۳۶۶	۲۷	۳۷	۱۵۴	۴۸۱
۲۴	ملک‌کندی	مراغه	»	۹۰۱۴	۴۹۱	۸۲۴	۱۱۸	۳۱۰	۳۰۳	۳۵۸	۴	۵	۶۶	۱۵۱
۲۵	ممقان	تبریز	»	۷۵۰۱	۲۳۲	۷۵۴	۹۳	۴۲۵	۷۸	۷۸	۲	۴	۵۹	۲۴۷
۲۶	مهاباد	مهاباد	آذرغربی	۲۹۴۳۹	۱۳۲۸	۲۷۸۶	۴۹۲	۱۰۳۰	۶۵۱	۸۳۰	۴۷	۱۱۶	۱۳۸	۸۱۰
۲۷	میاندوآب	میاندوآب	»	۱۹۴۳۱۱	۸۴۸	۱۵۶۳	۲۵۵	۶۶۶	۴۳۶	۵۰۴	۲۳	۲۶	۱۳۴	۴۰۷
۲۸	مراغه	مراغه	آذرشرقی	۵۵۶۷۵	۲۸۶۷	۶۷۹۸	۸۴۶	۲۷۴۷	۱۲۸۱	۱۴۹۸	۱۲۲	۲۷۰	۶۱۸	۲۲۸۳
۲۹	میانه	میانه	»	۲۹۲۷۱	۱۳۹۹	۲۵۱۴	۳۱۹	۸۰۳	۷۴۳	۹۳۱	۱۰۰	۱۵۷	۲۳۷	۶۲۳
۳۰	نقده	نقده	آذرغربی	۱۱۱۶۴	۴۵۵	۹۲۹	۲۰۶	۶۱۳	۲۳۳	۲۸۱	۱۵	۲۸	۱	۷
۳۱	هریس	تبریز	آذرشرقی	۶۰۴۰	۸۰۲	۱۰۸۲	۶۴۰	۸۸۱	۱۲۳	۱۳۳	۱۸	۱۸	۲۱	۵۰

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	اردبیل	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان انزاب	۵۵۰۲	۳۲۳۶۵	۱۷۰۱۳	۱۵۳۵۲
۲	» یورتچی	۵۲۷۴	۳۱۴۱۵	۱۶۱۹۸	۱۵۲۱۷
۳	» تمرین	۳۹۰۴	۲۲۴۱۵	۱۱۹۴۸	۱۰۴۶۷
۴	» درآباد	۲۷۴۱	۱۵۶۸۳	۸۲۹۲	۷۳۹۱
۵	» دورسون‌خواجه	۳۶۹۶	۲۱۵۷۷	۱۱۳۱۸	۱۰۲۵۹
۶	» سرعین	۲۶۴۷	۱۵۴۱۵	۸۰۹۵	۷۳۲۰
۷	» ویلکیج	۸۱۲۹	۴۵۲۲۹	۲۳۷۲۰	۲۱۵۰۹
۸	» هیر	۵۱۱۹	۲۸۶۸۱	۱۵۱۳۳	۱۳۵۴۸

شماره ردیف	ارسباران	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اهر	۹۸۷۶	۵۱۲۶۴	۲۷۱۲۶	۲۴۱۳۸
۲	» ازمدل شمالی	۳۸۵۰	۱۹۵۸۸	۱۰۰۸۷	۹۵۰۱
۳	» ازمدل‌جنوبی	۳۲۷۱	۱۶۲۰۸	۸۶۱۷	۷۵۹۱
۴	» چهاردانگه	۱۴۸۸	۷۷۰۷	۴۱۵۹	۳۵۴۸
۵	» حسن‌آباد	۱۴۶۸	۷۶۹۸	۴۰۶۸	۳۶۳۰
۶	» دیزمار شرقی	۳۴۸۶	۱۷۰۴۱	۸۹۷۱	۸۰۷۰
۷	» دیزمار غربی	۴۹۳۴	۲۴۲۶۳	۱۲۵۷۹	۱۱۶۸۴
۸	» دیگله	۱۹۱۳	۱۰۰۹۶	۵۳۹۰	۴۷۰۶
۹	» دودانگه	۱۱۱۶	۵۵۱۹	۲۸۷۳	۲۶۴۶
۱۰	» کیوان	۱۴۵۲	۷۵۱۹	۳۸۸۳	۳۶۳۶
۱۱	» کلیبر	۲۳۱۰	۱۱۵۷۳	۶۰۸۸	۵۴۸۵
۱۲	» گرمادوز	۶۲۵۰	۳۳۷۱۷	۱۷۶۲۶	۱۶۰۹۱
۱۳	» میشه‌پاره	۱۳۰۰	۶۶۳۴	۳۳۷۴	۳۲۶۰
۱۴	» مواضع‌خان	۳۲۹۵	۱۸۴۷۳	۹۷۸۰	۸۶۹۳
۱۵	» منجوان	۱۸۷۳	۹۸۸۷	۵۰۳۰	۴۸۵۷
۱۶	» ورگهان	۶۳۷	۳۵۰۶	۱۸۶۰	۱۶۴۶
۱۷	بافت	۱۴۸۱	۷۶۲۱	۴۰۳۲	۳۵۸۹

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیك شهرستان

شماره ردیف	تبریز	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آلان‌برآغوش	۵۶۹۷	۳۱۷۳۹	۱۶۱۳۵	۱۵۶۰۴
۲	» اسکو	۳۳۰۹	۱۶۱۴۹	۸۲۹۳	۷۸۵۶
۳	» آذرشهر	۱۷۸۷	۱۰۲۲۹	۵۴۰۶	۴۸۲۳
۴	» بدوستان	۳۷۶۷	۲۰۵۲۱	۱۰۵۸۲	۹۹۳۹
۵	» بستان‌آباد	۳۸۳۲	۲۱۷۸۶	۱۱۳۸۶	۱۰۴۰۰
۶	» باسمنج	۲۸۵۲	۱۵۴۶۹	۸۰۳۷	۷۴۳۲
۷	» خامنه	۱۹۱۶	۱۰۲۴۵	۵۱۲۱	۵۱۲۴
۸	» خسروشاه	۲۹۱۹	۱۵۷۷۴	۸۱۷۵	۷۵۹۹
۹	» سردرود	۳۱۸۵	۱۸۱۱۰	۹۴۳۷	۸۶۷۳
۱۰	» سهندآباد	۳۹۴۷	۲۳۲۰۰	۱۲۱۵۸	۱۱۰۴۲
۱۱	» سردصحرا	۱۰۱۰	۵۱۵۰	۲۶۹۷	۲۴۵۳
۱۲	» سیس	۲۸۵۹	۱۵۲۸۱	۷۹۰۷	۸۳۷۴
۱۳	» شرآمین	۱۳۳۶	۷۱۳۹	۳۷۰۵	۳۴۳۴
۱۴	» شبستر	۲۰۲۷	۱۰۲۷۰	۵۱۶۸	۵۱۰۲
۱۵	» شرفخانه	۳۸۵۱	۱۹۸۱۲	۱۰۱۵۰	۹۶۶۲
۱۶	» صوفیان	۲۱۲۵	۱۱۴۵۵	۵۸۸۶	۵۵۶۹
۱۷	» طسوج	۲۷۴۳	۱۴۰۱۲	۷۱۹۴	۶۸۱۸
۱۸	» عباسی (عباس)	۳۵۴۷	۱۸۹۱۱	۹۸۱۶	۹۰۹۵
۱۹	» گاوکان	۲۱۸۸	۱۲۰۴۲	۶۱۲۸	۵۹۱۴
۲۰	» مهران‌رود	۶۸۵۲	۳۷۶۷۴	۱۹۴۶۹	۱۸۲۰۵
۲۱	» هریس‌خانمرود	۱۳۷۱	۷۰۱۵	۳۹۴۰	۳۳۷۵

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	خلخال	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان خانه‌بیل	۳۸۴۱	۲۰۴۱۴	۱۰۷۹۲	۹۶۲۲
۲	» خورش رستم	۳۲۸۲	۱۷۱۲۰	۸۹۳۵	۸۱۸۵
۳	» سنجبد	۷۴۶۷	۴۱۲۱۳	۲۱۶۹۴	۱۹۵۱۹
۴	» شاهرود	۳۶۱۱	۱۸۴۳۷	۹۶۲۳	۸۸۱۴
۵	» کاغذکنان	۶۰۸۶	۳۰۰۹۰	۱۵۵۴۵	۱۴۵۴۵

شماره ردیف	سراب	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آغیمون	۳۰۵۳	۱۷۲۲۵	۹۰۴۸	۸۱۷۷
۲	» رازلیق	۲۸۷۱	۱۴۷۹۳	۷۷۱۲	۷۰۸۱
۳	» ابرغان	۴۴۲۷	۲۴۲۳۰	۱۲۷۳۱	۱۱۵۰۹
۴	» ملایعقوب	۲۴۴۷	۱۳۹۸۰	۷۳۶۱	۶۶۱۹
۵	» هریس	۴۱۶۵	۲۱۸۲۳	۱۱۳۲۸	۱۰۴۹۵
۶	» ینگجه	۱۲۳۶	۶۸۳۲	۳۵۱۳	۳۲۱۹

شماره ردیف	مراغه	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان بناجو	۶۸۶۹	۳۶۸۳۵	۱۹۱۲۶	۱۷۷۰۹
۲	» دیزجرود	۴۶۲۳	۲۵۴۶۳	۱۳۱۸۱	۱۲۲۸۲
۳	» سراجو	۹۵۷۶	۵۱۴۸۳	۲۷۱۴۹	۲۴۳۳۴
۴	» گاودول	۹۱۷۵	۵۰۰۹۲	۲۶۴۰۸	۲۳۶۸۴

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی بتفکیك شهرستان

شماره ردیف	مرند	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان حومه	۱۱۲۷۷	۵۶۶۴۳	۲۹۵۳۵	۲۷۱۰۸
۲	» رودقات	۴۰۳۵	۲۱۰۵۹	۱۱۰۲۹	۱۰۰۳۰
۳	» علمدار	۳۹۸۱	۱۸۶۹۲	۹۷۷۵	۸۹۱۷
۴	» هرزندات	۴۱۶۹	۲۰۶۴۹	۱۰۵۸۴	۱۰۰۶۵

شماره ردیف	مشکین‌شهر	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان ارشق	۴۷۳۵	۲۷۱۳۶	۱۴۲۰۶	۱۲۹۳۰
۲	» انکوت	۳۹۴۲	۲۱۹۲۰	۱۱۶۶۲	۱۰۲۵۸
۳	» اجاود	۷۶۰۴	۴۱۰۲۳	۲۱۱۴۳	۱۹۸۸۰
۴	» برزند	۱۵۵۶	۸۸۶۲	۴۵۹۹	۴۲۶۳
۵	» مشگین‌غربی	۵۸۴۶	۳۱۳۷۲	۱۶۴۳۷	۱۴۹۳۵
۶	» مشگین‌شرقی	۵۴۸۴	۲۷۸۹۰	۱۴۶۶۷	۱۳۲۲۳
۷	» مغان	۸۸۰۲	۴۷۲۴۶	۲۴۶۱۶	۲۲۶۳۰

شماره ردیف	میانه	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اوج‌تپه	۴۲۲۸	۲۳۲۱۵	۱۲۱۴۶	۱۱۰۶۹
۲	» پردانان	۵۰۱۳	۲۸۳۶۶	۱۴۸۷۰	۱۳۴۹۶
۳	» تیرچائی‌ترکمان	۴۰۴۱	۲۱۱۶۴	۱۱۱۴۰	۱۰۰۲۴
۴	» کله‌بز	۶۶۸۶	۳۴۰۹۹	۱۷۹۴۰	۱۶۱۵۹
۵	» کندوان	۳۰۸۴	۱۶۰۴۴	۸۳۹۶	۷۶۴۸
۶	» گرمه‌حومه	۴۰۷۳	۲۲۶۶۳	۱۱۸۰۳	۱۰۸۶۰

شماره ردیف	هشترود	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان چهاراویماق	۱۱۹۰۳	۶۲۶۳۸	۳۳۰۵۱	۲۹۵۸۷
۲	» قوری‌چای	۳۴۸۱	۱۹۰۶۲	۱۰۱۱۵	۸۹۴۷
۳	» هشترود	۱۴۲۰۵	۷۹۶۴۴	۴۱۹۸۰	۳۷۶۶۴

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	خانه	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان پیران	۱۱۸۱	۷۲۹۶	۳۷۳۰	۳۵۶۶
۲	» لاهیجان	۳۵۶۹	۲۲۰۸۷	۱۱۵۰۱	۱۰۵۸۶
۳	» منگور	۱۰۳۱	۶۹۴۱	۳۵۲۶	۳۴۱۵

شماره ردیف	خوی	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان الند	۴۵۴	۳۰۰۵	۱۵۵۲	۱۴۵۳
۲	» ایواوغلی	۴۱۳۵	۲۲۰۰۱	۱۱۴۱۲	۱۰۵۸۹
۳	» چورس	۱۰۰۵	۵۴۶۸	۲۸۸۰	۲۵۸۸
۴	» حاجیلار	۱۲۳۸	۶۷۶۳	۳۵۸۳	۳۱۸۰
۵	» رهال	۱۰۸۳	۶۴۷۷	۳۴۷۳	۳۰۰۴
۶	» سکمن‌آباد	۱۹۱۱	۹۹۰۶	۵۱۹۲	۴۷۱۴
۷	» فیروزق	۲۹۷۴	۱۵۴۷۷	۸۱۷۰	۷۳۰۷
۸	» قره‌ضیاءالدین	۱۶۲۱	۸۳۹۳	۴۴۸۶	۳۹۰۷
۹	» قطور	۱۷۸۲	۱۰۶۴۰	۶۷۸۵	۳۸۵۵
۱۰	» ولدیان	۲۶۳۳	۱۴۳۵۳	۷۴۷۵	۶۸۷۸

شماره ردیف	رضائیه	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان قوشچی‌انزل	۳۸۳۳	۲۲۶۸۲	۱۱۸۷۱	۱۰۸۱۱
۲	» باراندوزچای	۵۳۸۰	۲۸۵۱۵	۱۴۷۳۹	۱۳۷۷۶
۳	» برادوست	۱۵۹۷	۱۱۱۹۴	۵۷۷۴	۵۴۲۰
۴	» ترگور	۷۱۹	۵۱۸۵	۲۶۲۱	۲۵۶۴
۵	» بکشلوچای	۳۷۳۸	۱۹۸۱۰	۱۰۳۹۴	۹۴۱۶
۶	» دول	۱۰۳۹	۶۲۸۲	۳۲۸۴	۲۹۹۸
۷	» دشت	۵۶۹	۴۲۴۷	۲۱۰۳	۲۱۴۴
۸	» روضه‌چای	۱۷۹۲	۹۹۶۵	۵۲۶۴	۴۷۰۱
۹	» سومای	۲۱۸۵	۱۴۹۲۶	۷۷۲۳	۷۲۰۳
۱۰	» مرگور	۱۴۳۶	۹۹۹۸	۴۸۲۷	۵۱۷۱
۱۱	» نازلوچای	۹۱۵۳	۴۸۲۸۳	۲۵۱۲۵	۲۳۱۵۸

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیک شهرستان

شماره ردیف	شاهپور	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان شپیران	۵۷۶	۴۱۴۲	۱۸۹۰	۲۲۵۲
۲	» چهریق	۷۳۷	۵۳۴۸	۲۷۱۰	۲۶۳۸
۳	» حومه	۲۷۰۱	۱۵۶۵۸	۸۰۷۳	۷۳۸۵
۴	» شینتال	۲۴۸	۱۸۴۲	۸۹۵	۹۴۸
۵	» کره‌سنی	۱۰۷۲	۷۱۵۳	۳۷۲۷	۳۴۲۶
۶	» کردیان	۲۴۹	۱۵۳۰	۷۴۱	۷۸۹
۷	» لکستان	۱۷۲۱	۱۰۰۲۳	۵۱۹۸	۴۸۲۵

شماره ردیف	سردشت	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آلان	۶۰۹	۳۴۲۳	۱۷۱۰	۱۷۱۳
۲	» باسک‌کولوسه	۴۳۵	۲۱۹۸	۱۰۱۲	۱۱۸۶
۳	» بریاجی	۱۱۶۰	۶۵۰۳	۳۲۷۴	۳۲۲۹
۴	» کلاس	۵۳۱	۲۹۳۱	۱۵۱۲	۱۴۱۹
۵	» گورک‌سردشت	۱۱۲۵	۶۶۵۵	۳۲۹۳	۳۳۶۲
۶	» ملکاری	۹۷۴	۵۵۸۵	۲۸۰۷	۲۷۷۸
۷	» نعلین	۱۱۶۱	۶۱۹۶	۲۸۸۲	۳۳۱۳

شماره ردیف	ماکو	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آواجیق	۱۲۷۳	۶۸۵۷	۳۶۵۹	۳۱۹۸
۲	» بەبەجیك	۱۱۷۲	۵۸۱۵	۳۰۹۴	۲۷۲۱
۳	» چالدران	۳۴۰۹	۱۸۱۹۰	۹۵۴۱	۸۶۴۹
۴	» چایباسار،ارس‌کنار	۴۶۰۴	۲۴۸۴۸	۱۲۹۹۵	۱۱۸۵۳
۵	» چایباسار	۱۷۲۵	۹۲۰۷	۴۷۶۸	۴۴۳۹
۶	» قره‌قویون	۲۴۲۳	۱۲۸۶۳	۶۷۶۰	۶۱۰۳
۷	» قلعه دره‌سی	۱۴۹۹	۸۰۸۶	۴۲۷۷	۳۸۰۹
۸	» کجلران	۱۵۴۱	۷۹۸۸	۴۳۰۱	۳۶۸۷

جمعیت و تعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی بتفکیك شهرستان

شماره ردیف	مهاباد	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آختاچی‌غربی	۲۷۴۹	۱۷۵۲۸	۹۲۱۹	۸۳۰۹
۲	» آختاچی‌شرقی	۲۲۲۱	۱۳۹۱۶	۷۴۶۷	۶۴۴۹
۳	» ایل تیمور	۲۵۵۴	۱۷۷۳۳	۹۲۶۵	۸۴۶۸
۴	» بهی	۳۱۷۷	۱۸۴۹۹	۹۸۲۸	۸۶۷۱
۵	» ویران	۴۹۳۷	۳۴۵۸۰	۱۸۳۹۲	۱۶۱۸۸
۶	» کورك‌مکری	۱۶۸۳	۱۱۱۸۴	۵۷۲۰	۵۴۶۴

شماره ردیف	میاندوآب	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان آجرلو	۳۱۰۶	۱۷۳۶۹	۹۱۲۳	۸۲۴۶
۲	» احمدآبادسفلی	۴۶۱۸	۲۳۹۳۶	۱۲۸۲۹	۱۱۱۰۷
۳	» تکاب	۳۰۹۵	۱۶۴۷۹	۸۷۳۱	۷۷۴۸
۴	» چاردولی	۳۱۴۸	۱۷۳۴۶	۹۱۳۵	۸۲۱۱
۵	» شاهین‌دژ	۴۲۶۷	۲۲۹۱۴	۱۲۱۵۸	۱۰۷۵۶
۶	» مرحمت‌آباد	۸۳۹۸	۴۷۱۵۴	۲۵۰۳۳	۲۲۱۲۱

شماره ردیف	نقده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
۱	دهستان اشنویه	۲۷۸۸	۱۶۴۶۳	۸۵۲۰	۷۹۴۳
۲	» حومه	۶۳۳۳	۳۸۰۲۸	۱۹۸۶۷	۱۸۱۶۱
۳	» دشت‌بیل	۴۵۴	۳۴۷۱	۱۷۲۲	۱۷۴۹

آمار آبان ماه ۱۳۴۵ جمعیت و تعداد خانوار دیهای شهرستان اردبیل

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارخازلو	۸۳	۴۶۰	۲۳۰	۲۳۰
اردی (ایری)	۸۳	۴۶۹	۲۴۳	۲۲۶
اغ‌بولاق‌آقاجان‌خان	۲۷۹	۱۴۶۸	۷۶۲	۷۰۶
اغبلاغ رستمخان	۱۵۵	۹۱۸	۵۰۳	۴۱۵
اغبلاغ مصطفی‌خان	۷۲	۴۲۹	۲۱۴	۲۱۵
آقاباقر (قصاب‌تپه)	۱۲۳	۷۳۷	۳۹۸	۳۳۹
اقجه‌کند	۱۳۶	۸۱۳	۴۳۵	۳۷۸
انزابعلیا	۲۰۲	۱۱۴۷	۵۹۴	۵۵۳
اولغان	۹	۵۳	۳۲	۲۱
بنفشه درق	۹۱	۵۹۳	۳۰۹	۲۸۴
پائین انزاب	۷۵	۴۳۹	۲۲۸	۲۱۱
تازه‌کند رضا آباد	۲۷	۱۹۳	۱۱۱	۸۲
تازه‌کند شریف‌آباد	۷۷	۴۶۸	۲۴۰	۲۲۸
تازه‌کند لقمان‌آباد	۱۰	۴۳	۲۱	۲۲
جابلو	۷۹	۵۱۱	۲۶۹	۲۴۲
جبه‌دار	۱۲۳	۸۰۹	۴۳۷	۳۷۲
ججین	۱۴۵	۷۸۳	۴۱۸	۳۶۵
جندانق(اغ‌بولان‌تولوتا)	۴۲	۲۹۲	۱۶۲	۱۳۰
خلیفه‌لو	۳۷	۲۶۶	۱۴۱	۱۲۵
روئین‌دزق(ننه‌قران)	۱۷۰	۹۲۳	۵۰۶	۴۱۷
زعفران	۶	۳۰	۱۹	۱۱
سامیان	۱۳۳	۱۰۴۶	۵۶۰	۴۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سلطان‌آباد(سالطوار)	۱۴۵	۸۴۶	۴۳۴	۴۱۲
سیدصدرالدین	۱	۵	۳	۲
شهریور (شره‌در)	۱۶۰	۹۲۹	۴۸۵	۴۴۴
صومعه	۱۳۹	۷۵۳	۳۸۴	۳۶۹
طالقشلاقی	۲۸۹	۱۷۲۳	۹۱۳	۸۱۰
قره‌تپه	۴۹	۲۷۲	۱۵۴	۱۱۸
قره‌حسنلو	۵۴	۲۹۴	۱۵۱	۱۴۳
قره‌لر	۱۴۸	۹۰۲	۱۶۷	۴۳۵
کرکرق (یکه‌در)	۱۸۴	۱۰۸۶	۵۳۴	۵۵۲
کلخوران	۴۱۵	۲۵۲۸	۱۳۱۸	۱۲۱۰
گرجان	۱۲۸	۷۳۳	۳۹۲	۳۴۱
گیلان‌ده	۷۱	۵۰۰	۲۵۴	۲۴۶
مختارآباد	۷	۴۳	۲۰	۲۳
مرنی	۲۰۴	۱۱۵۹	۶۱۲	۵۴۷
معصوم‌آباد	۶۹	۳۵۵	۱۸۶	۱۶۹
ملاباشی (اضمه‌خانه)	۲۲۲	۱۲۷۵	۶۸۰	۵۹۵
ملایوسف	۱۳	۶۹	۳۳	۳۶
میجندی	۱۵۴	۸۵۹	۴۷۰	۳۸۹
میرزارحیملو	۲۰	۱۳۶	۶۴	۷۲
میرنی	۵۱	۲۷۳	۱۴۹	۱۲۴
نیار (نی‌پار)	۴۹۰	۲۸۰۱	۱۴۸۱	۱۳۲۰
ینگجه ملا محمدحسن	۱۵۰	۷۸۹	۴۱۴	۳۷۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگجه ملامحمدرضا	۱۰۸	۷۰٤	۳۵۱	۳۵۳
یونجالو	۷٤	٤٤۱	۲۳۲	۲۰۹
جمع دهستان انزاب	۵۵۰۲	۳۲۳٦۵	۱۷۰۱۳	۱۵۳۵۲
اباذر (ابوذر)	۵۰	۲۸۸	۱٤۰	۱٤۸
اجغار	۱۰۳	۵۹٤	۳۰۸	۲۸٦
اغجه‌کهل	۵٦	۳۰۲	۱۵۸	۱٤٤
اقگونی	۵٦	۲۹۸	۱۵٤	۱٤٤
اقچای سفلی	۵۵	۳۰۸	۱۵۷	۱۵۱
اقچای‌علیا	۳۲	۱۹۳	۹۸	۹۵
اقچای‌وسطی(باباعلی‌قشلاقی)	٦٤	۳۵۹	۱۹۱	۱٦۸
امین‌آباد	۷٦	۳۹٤	۱۹۰	۲۰٤
امین لو (امین)	۲۵	۱٦٤	۹۲	۷۲
اوزان‌بلاغ	۳۵	۲٦۸	۱۷۷	۹۱
اینجه	٦۰	۳٤۰	۱۵۳	۱۸۷
باشکند	۹٤	۵۳۵	۲۷۷	۲۵۸
بلقین‌آباد (مالقان‌وا)	۷۳	٤۹۳	۲٦۳	۲۳۰
بوسجین (بولون)	۱۰۵	۵۷۲	۳۰۱	۲۷۱
پارچین	۵۳	۳۲۰	۱٦۲	۱۵۲
پیله‌سهران	٤۵	۲۸۷	۱٤٦	۱٤۱
پیله‌کلین (پیره گلین)	۳۲	۱۹۷	۹۵	۱۰۲
تاجی‌بیوك (قره‌دره)	٤٦	۱۹۹	۹۱	۱۰۸
تازه‌جای‌مقرد(جای‌سوی)	۸۲	٤۵۸	۲٤۲	۲۱٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه قشلاق‌سفلی	۳۹	۲۲۷	۱۰۳	۱۲٤
تازه‌قشلاق‌علیا (تازه‌کند)	۸	۳۱	۱۳	۱۸
تجرق	٤۸	۳۷۱	۱۹۵	۱۷٦
ترکه‌ده	۳۵	۲۹۳	۱٤۲	۱۵۱
تکبلاغی	٤٤	۳۲۱	۱٦۳	۱۵۸
توتونسیز	۱٤۳	۸۳٦	٤۱۵	٤۲۱
جعفرلو	۸۷	٤۹۸	۲٦۰	۲۳۸
جق‌جق سفلی	۹	۵۵	۳۰	۲۵
جق‌جق‌علیا	۱۹	۱٤۹	۸۱	٦۸
جق‌جق وسطی	۲۵	۱٤٤	۷۷	٦۷
جلوگیر	۵۱	٤۰۱	۱۹۵	۲۰٦
جیزقشلاقی	۱۸۱	۹۳٤	٤۹٤	٤٤۰
چهره‌برق	۳۱	۲۱۲	۱۱۸	۹٤
حاجی‌محمود	٤٦	۲٤۲	۱۰۹	۱۳۳
خادملو	۸٦	٤۸۹	۲۵۵	۲۳٤
خانه‌شیر	۱۲۷	۷۳۷	۳۸۲	۳۵۵
خجیم	٦۲	۳٤۵	۱۸٦	۱۵۹
خرائیم	۳۳	۱۸۵	۹۷	۸۸
دابالو	٦۲	۳۸۱	۲۱۳	۱٦۸
داش‌بلاغ	۳۳	۲۱۳	۱۱۳	۱۰۰
دگمه‌داغوان	۲۷	۱۸۸	۹٤	۹٤
دهم‌ستولو	۸٦	٤۸۱	۲٤۱	۲٤۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوشانجق	۷۰	٤۳۸	۲۰۳	۲۳۵
اسراعین	۷۷	٤٦۱	۲۳۹	۲۲۲
سعیدخانلو(داش‌کسری)	٤۹	۳۳۰	۱۸۰	۱۵۰
سقدل	۲۷	۱٦۱	۸٤	۷۷
سقزچی	۸۵	۵۱٤	۲۸۳	۲۳۱
سوقانلو	۵٦	۳۳۹	۱۷۳	۱٦٦
سیاه‌پوش	۳٤	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
شمس‌آباد	۳٤	۲۱۷	۱۱۳	۱۰٤
شیران	۲۰۳	۱۳۳۳	۷۰۰	٦۳۳
سادقلو	۱٦	۱۰٦	۵٦	۵۰
قاسم‌قشلاقی	٤۳	۲۵۵	۱٤۰	۱۱۵
قرخ‌بلاق	۲۷	۱۸۵	۹۳	۹۲
قره‌شیران	۲۰۵	۱۱۳۷	۵۸۸	۵٤۹
قره‌قاشلو	۱۸	۱۳۱	۷۰	٦۱
قلعه‌جوق	۱۰۳	۵۷۹	۲۹۳	۲۸٦
قشاق‌قران	۷۱	٤۱۰	۲۲۱	۱۸۹
قورتولموش	۱۵۹	۷۹٤	۳۷۷	٤۱۷
قیه‌قشلاقی	۸۰	٤۷٤	۲٤۵	۲۲۹
کچل‌آباد	٦۲	۳۸۰	۲۰۲	۱۷۸
کری‌بزرگ	۱۱٤	٦٦۲	۳٤۷	۳۱۵
کلاش	٦۵	٤۱٦	۲۲۵	۱۹۱
کورائین	۲۲۱	۱۱۵۳	۵۵۰	٦۰۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کورعباسلو(موسی‌بوجان)	۱۱۰	۶۸۹	۳۶۱	۳۲۸
کهریز	۶۵	۴۰۳	۲۱۰	۱۹۳
گل‌قشلاقی	۲۸	۱۵۳	۷۳	۸۰
گلستان	۱۳۰	۷۷۳	۴۱۲	۳۶۱
گلی	۷۵	۴۸۷	۲۶۱	۲۲۶
مادیه	۴۱	۲۷۶	۱۴۸	۱۲۸
مجمیر	۸۳	۵۱۹	۲۶۳	۲۵۶
مجیدآباد	۱۲۰	۷۷۷	۳۸۸	۳۸۹
مستان‌آباد	۸۰	۴۹۳	۲۴۰	۲۵۳
مشتقین (مشکین‌چك)	۱۷۴	۱۰۸۷	۵۸۵	۵۰۲
مولان‌سفلی	۱۹	۱۲۳	۶۷	۵۶
مولان‌علیا	۲۶	۱۵۲	۸۱	۷۱
نرلی	۱۳	۸۲	۳۸	۴۴
وکیل‌آباد	۲۴	۱۶۹	۸۲	۸۷
هاوادرق	۴۳	۲۴۶	۱۲۸	۱۱۹
جمع‌دهستان یورتچی	۵۲۷۴	۱۳۴۱۵	۱۶۱۹۸	۱۵۲۱۷
ابریکوه	۱۷۷	۱۰۳۳	۵۴۱	۴۹۲
اجاکند	۶	۳۹	۲۲	۱۷
اسماعیل‌خان گزی	۸	۵۰	۲۸	۲۲
امیرآباد	۸	۵۳	۲۸	۲۵
اوزون‌بینه	۵	۱۹	۱۴	۵
باروق	۲۵۳	۱۵۸۷	۸۴۴	۷۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه‌کندمحمدیه	۸٤	٤۷۱	۲٤٤	۲۲۷
ثمرین	۸۰۹	٤٦۸۸	۲٤۹۳	۲۱۹۵
جمادی	۸۱	٤۷۸	۲۲۹	۲٤۹
جینقرلر	۸	۲٦	۱۹	۷
چراپا	۱۳	٦۸	۳۳	۳۵
چراقرد	۲۸۹	۱۷٤۸	۹۳۷	۸۱۱
چلگزی	۷٦	۳۹۲	۲۰۸	۱۸٤
چوخوریورد	٦	۳۹	۲۳	۱٦
احسنعلی‌کندی	۲۱	۱۲۸	٦۷	٦۱
خشکرود	۷۰	۳۵۵	۱۹۲	۱٦۳
خیارك	۲۱٦	۱۳۵٦	۷۵۵	٦۰۱
دمه‌لر	۹	۳۳	۱۸	۱۵
دیجویجین	۲٤۰	۱۳٤۳	۷۲٦	٦۱۷
شمشیرخانه	۲۳	۱۲۱	۷۰	۵۱
شندرشامی	۸۸	٤٦۹	۲٤۸	۲۲۱
شیخ‌احمد	۲٦۲	۱۵٤۵	۸۲۵	۷۲۰
شیشه‌گران	۵۲	۳۲۷	۱۷۱	۱۵٦
علی‌آباد	۱۰	۵۵	۲٤	۳۱
علی‌قشلاقی	٦۷	۳٤۵	۱۷۱	۱۷٤
قارداش‌خانلو	۱۱	٤٤	۲٤	۲۰
قره‌تپه	۱۰۳	٦۱۱	۳۳۳	۲۷۸
قانسورکندی	۱۵۷	۸۳۸	٤۲٦	٤۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کردقشلاقی	۸۸	۵۱۸	۲۷۷	۲۴۱
کولانکوه	۱۶۳	۹۸۵	۵۳۰	۴۵۵
گندشمین	۳۹۳	۲۰۵۲	۱۰۹۹	۹۵۳
گیگل	۳	۸	۵	۳
مهدی‌خانلو	۱۳	۴۱	۲۴	۱۷
وکیل‌آباد	۹۲	۵۵۴	۳۰۰	۲۵۴
جمع دهستان ثمرین	۳۹۰۴	۲۲۴۱۵	۱۱۹۴۸	۱۰۴۶۷
آتشگاه	۲۸۳	۱۵۴۹	۸۴۰	۷۰۹
اردیموسی	۳۲۴	۱۷۳۹	۸۵۲	۸۸۷
اروانق	۷۴	۴۴۱	۲۳۲	۲۰۹
اسکشهر	۳۱	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
الوچه	۶۱	۳۴۴	۱۸۰	۱۶۴
اندراب	۱۰۱	۶۰۳	۳۱۳	۲۹۰
ایمچه	۲۵۰	۱۳۱۸	۶۹۹	۶۱۹
حسن‌باروق	۸۵	۴۴۴	۲۴۲	۲۰۲
حمل‌آباد	۱۲۱	۶۸۶	۳۶۸	۳۱۸
درآباد	۲۲۵	۱۴۸۰	۷۷۸	۷۰۲
دولتسرا	۴۹	۳۰۴	۱۶۳	۱۴۱
دیولق	۳۲۳	۱۷۷۴	۹۵۶	۸۱۸
شمس‌آباد	۷۷	۴۶۴	۲۴۷	۲۱۷
عموقین	۱۸۱	۱۰۱۵	۵۵۵	۴۶۰
قلعه جوق	۱۴۶	۸۳۳	۴۴۸	۳۸۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرد کندی	۱۱۸	۶۹۵	۳۶۳	۳۳۲
کرول	۷۱	۴۵۸	۲۵۹	۱۹۹
نوران	۱۲۲	۷۴۲	۳۸۱	۳۶۱
ینگجه‌رضابکلو(میچه)	۹۹	۶۰۱	۳۱۶	۲۸۵
جمع دهستان درآباد	۲۷۴۱	۱۵۶۸۳	۸۲۹۲	۷۳۹۱
اسبمرز	۸۲	۴۳۷	۲۲۷	۲۱۰
الداشین (علی‌داش)	۹۹	۴۹۰	۲۵۱	۲۳۹
الوارس	۲۵۷	۱۴۶۱	۷۸۲	۶۷۹
اوجور	۱۱۲	۵۶۷	۲۹۸	۲۶۹
اورتاکند	۵۲	۳۱۶	۱۶۸	۱۴۸
ایرنجی	۱۱۳	۶۹۱	۳۶۳	۳۲۸
ایلانجوق	۱۶۸	۱۰۰۴	۵۲۱	۴۸۳
بروجلو	۵۷	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
بوران	۵۰	۳۱۹	۱۵۹	۱۶۰
پیرنق	۱۴۳	۸۵۸	۴۵۰	۴۰۸
جوراب	۴۶	۲۷۸	۱۵۱	۱۲۷
خانمیالا کندی	۲۹	۱۴۴	۷۳	۷۱
دیمان	۷۴	۴۴۶	۲۴۲	۲۰۴
ساری‌قیه	۱۳۰	۷۹۳	۴۲۲	۳۷۱
سرخاب	۱۱۳	۶۸۷	۳۶۲	۳۲۵
شاه‌بلاغی	۲۸	۱۸۳	۹۹	۸۴
شاه‌نشین	۱۶۴	۱۰۰۳	۵۲۴	۴۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شایق	۱۸۱	۱۱۰۳	۵۵۶	۵۴۷
قره‌تپه	۶۶	۳۴۸	۱۷۸	۱۷۰
قلعه‌سار	۸۳	۴۷۲	۲۴۳	۲۲۹
کمال‌آباد	۱۱۹	۶۲۱	۳۲۴	۲۹۷
کندوان	۷۳	۳۹۴	۲۲۳	۱۷۱
گازر	۲۷	۱۴۲	۸۲	۶۰
گلوجه	۳۹	۲۳۲	۱۲۴	۱۰۸
گوگوچین	۱۰۰	۶۳۲	۳۳۲	۱۰۰
گوگه	۷۰	۴۹۶	۲۷۵	۲۲۱
لامی	۸۵	۴۸۵	۲۵۲	۲۳۳
مزرعه	۲۹	۱۶۸	۸۱	۸۷
میمند	۷۷	۴۱۶	۲۱۹	۱۹۷
نیر	۴۸۲	۲۷۵۹	۱۴۲۳	۱۳۳۶
ورگه‌ساران (گرمه‌سران)	۹۵	۶۲۱	۳۴۶	۲۷۵
ولزاقرد	۱۳۷	۷۱۴	۳۵۷	۳۵۷
ویرسق	۱۵۹	۹۹۷	۵۲۴	۴۷۳
یامچی سفلی	۸۹	۵۵۲	۲۹۸	۲۵۴
یامچی‌علیا	۶۸	۳۹۷	۲۰۴	۱۹۳
جمع ده‌ستان دورسون‌خواجه	۳۶۹۶	۲۱۵۷۷	۱۱۳۱۸	۱۰۲۵۹
ارجستان	۱۰۹	۵۹۰	۳۲۱	۲۶۹
اققلعه	۶۲	۳۹۲	۲۰۸	۱۸۴
الماس	۹۲	۵۲۴	۲۶۲	۲۶۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایلا دره‌سی	۱۲	۵۹	۳۴	۲۵
بینه‌مارسبلان	۹۲	۵۴۳	۳۰۵	۲۳۸
پیرالقر	۱۷۱	۱۰۲۱	۵۱۲	۵۰۹
تازه کندسبلان	۴۵	۲۸۹	۱۵۱	۱۳۸
حکیمقشلاقی	۸۳	۵۰۱	۲۶۶	۲۳۵
خرابه کهل	۱۶	۱۰۱	۵۳	۴۸
دوشنق	۵۵	۳۴۶	۱۸۶	۱۶۰
رضاقلی قشلاقی	۷۸	۴۸۳	۲۵۰	۲۳۳
سامانلو	۳۳	۲۰۵	۱۱۱	۹۴
سرعین	۲۴۶	۱۳۱۴	۶۶۳	۶۵۱
سیین	۱۲۵	۷۱۴	۳۷۵	۳۳۹
شام‌اسبی	۲۷۰	۱۵۰۲	۸۱۶	۶۸۶
عین‌الو	۶۴	۳۶۷	۱۷۹	۱۸۸
قاسمقشلاقی	۱۱۹	۷۰۸	۳۵۷	۳۵۱
قلعه‌یچی	۶۶	۴۰۳	۲۰۲	۲۰۱
کرده‌ده	۱۰۱	۵۸۵	۲۸۰	۳۰۵
کلخوران‌وبند	۱۲۰	۶۴۶	۳۲۵	۳۲۱
کولی	۴۶	۳۱۰	۱۷۸	۱۳۲
گنزق	۲۰۲	۱۱۹۲	۶۶۸	۵۲۴
لاطران	۹۴	۵۹۰	۳۱۲	۲۷۸
وده‌نو	۲۳	۱۳۹	۷۳	۶۶
ورنیاب	۸۳	۵۳۳	۲۸۹	۲۴۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ویله‌دره (بیله‌درق)	۱۵۶	۸۵۴	۴۵۳	۴۰۱
ویندکلخوران	۸۴	۵۰۴	۲۶۶	۲۳۸
جمع‌دهستان سرعین	۲۶۴۷	۱۵۴۱۵	۸۰۹۵	۷۳۲۰
ابیگلو	۳۶۹	۲۱۰۵	۱۱۲۰	۹۸۵
آرپاتپه	۵۴	۳۰۱	۱۴۳	۱۵۸
آقایارلو	۳۶	۲۲۶	۱۱۴	۱۱۲
آلادیزگه	۱۰۰	۵۳۱	۲۷۹	۲۵۲
امین‌خان	۲۲۰	۱۰۷۲	۵۵۸	۵۱۴
اوچ‌بلاغ	۲۵	۱۶۶	۷۷	۸۹
اورنج	۷۵	۴۳۹	۲۴۳	۱۹۶
ایریل	۳۳	۲۱۸	۱۱۱	۱۰۷
بریس	۱۸۸	۹۵۵	۵۱۵	۴۴۰
بویاقچلو	۵۹	۳۴۷	۱۷۵	۱۷۲
پته‌خور	۱۱۳	۶۸۳	۳۳۲	۳۵۱
پیرجوار	۳۴	۱۹۸	۱۰۷	۹۱
پیرزاده	۳۴	۱۸۲	۱۰۵	۷۷
تپه	۶	۳۱	۱۶	۱۵
تفیه	۲۳	۱۱۷	۵۷	۶۰
جگرکندی	۳۹	۲۳۶	۱۱۸	۱۱۸
جله‌گران	۵۷	۳۱۱	۱۶۴	۱۴۷
جید	۱۷۲	۹۲۱	۴۹۴	۴۲۷
چونکنش	۲۴	۱۵۵	۷۴	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حور	٤٠٥	٢٠٧٥	١١٤٢	٩٣٣
خانقاه پائین	٢٢١	١٣٥٩	٧٠٤	٦٥٨
خانقاه‌علیا	١١٥	٦٢٢	٣٢٧	٢٩٥
خانکندی	٥٥	٣٣٩	١٧٣	١٦٦
خشگسیل (آقازمان‌کندی)	١٦	٩٢	٤٥	٤٧
خشه‌حیران	٨٦	٤٩٠	٢٦٥	٢٢٥
خلیل کندی	١٣	٧٩	٣٥	٤٤
خواجه بلاغی	١٢٤	٧١٠	٣٨٤	٣٢٦
خوش‌آباد	٣٠	١٨٣	٩٥	٨٨
دکیرماندرق (درمانده)	٦٧	٤٤٨	٢٤٨	٢٠٠
دلیکلی‌داش	٥٩	٣٠٧	١٧٠	١٣٧
دودران	٩٩	٦٢٨	٣٣٦	٢٩٢
دورجین	٣٨	٢٤٩	١٣٧	١١٢
دولت‌آباد(آخمار)	١٦٨	١٠٠٠	٥٠٧	٤٩٣
رز	٧٠	٣٧٤	٢٠١	١٧٣
ساقصلو(سناحصلی)	٦٣	٣٤٨	١٧٨	١٧٠
سربند	٤٣	٢٥٢	١٢٩	١٢٣
سرخانلو	٧٧	٤٥٧	٢٢٨	٢٢٩
سعیدآباد	٩٩	٥٥٩	٢٨٣	٢٧٦
سقزچی	١٦٤	٧٩٠	٤٠٤	٣٨٦
سلوط	٨٨	٥٤٩	٢٩٨	٢٥١
سولدرق	٢٤	١١٧	٥٧	٦٠

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سولا	۱۳۶	۸۴۹	۴۰۰	۴۴۹
سوها	۲۷۲	۱۴۰۵	۷۴۳	۶۶۲
سیف‌آباد(آقبلاغ)	۹	۵۰	۳۰	۲۰
صالح قشلاقی	۲۴	۱۵۳	۷۷	۷۶
علی بلاغی	۴۱	۲۱۵	۱۲۳	۹۲
علی کمر	۳۶	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
عنبران سفلی	۳۹۲	۲۱۳۳	۱۱۳۲	۱۰۰۱
عنبران علیا	۲۰۴	۱۱۳۵	۶۰۸	۵۲۷
فتح مقصود	۲۸	۱۲۸	۶۷	۶۱
قاضی کندی	۲۰	۱۲۵	۶۴	۶۱
قره چناق	۷۲	۴۱۶	۲۳۲	۲۲۹
قشلاقچایی	۵۷	۳۰۱	۱۵۳	۱۴۸
قلعه	۲۳	۱۳۸	۷۴	۶۴
کریم کندی	۲۵	۱۷۲	۹۳	۷۹
گلش	۲۲۵	۱۱۱۶	۵۸۹	۵۲۷
کلاسر	۲۱۸	۱۳۱۴	۶۶۷	۶۴۷
کنازق	۲۳	۱۴۱	۷۷	۶۴
کولاندرق‌بالا	۲۵	۱۴۶	۸۰	۶۶
کوندرق سفلی	۲۹	۱۷۳	۸۳	۹۰
گرده	۱۴۳	۷۷۰	۴۱۴	۳۵۶
گرمه‌چشمه	۱۲۱	۶۶۵	۳۶۳	۳۰۲
گللو	۱۳۵	۷۸۹	۴۲۰	۳۶۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گودلر	۲٤	۱٤۲	۷٥	٦۷
محمود آباد	۷۷	٤۱٥	۲۱٥	۲۰۰
مسجد محله	۳۹	۲۱۸	۱۱٥	۱۰۳
مهدی پستی	۲۱	۱٤۸	۷٦	۷۲
میرزانق	۱۲٤	٦۸۲	۳۷۱	۳۱۱
میناباد	۲۲٦	۱۳۰۲	٦۹۳	٦۰۹
نظرعلی کندی	۱۸	۱۲٥	۷۰	٥٥
نمین	٤۷۲	۲٥۱٤	۱۳۰۳	۱۲۱۱
ننه گران	۳۳٥	۱۸٥۲	۹۲۹	۹۲۳
نوجه‌ده (نوری)	۷٦	۴۸۸	۲٥۹	۲۲۹
نوده	۸٦	٤۷۲	۲٤٥	۲۲۷
نوشدق	۱۰٤	٥٥۳	۲۸٥	۲٦۸
نیارق	۳۷٦	۱۸۸۸	۱۰۰۸	۸۸۰
هشنه	٦۲	۳٤۳	۱۸۱	۱٦۲
ینگجه	۳۳	۱۷٥	۹٥	۸۰
یوزباشی	۱۳	۹۰	٤۸	٤۲
جمع دهستان و بلگچ	۸۱۲۹	٤٥۲۲۹	۲۳۷۲۰	۲۱٥۰۹
آرالوی بزرگ	۱۰۸	٦٥۱	۳٥۲	۲۹۹
آرالوی‌کوچك	٦۳	۳۷٥	۱۸٥	۱۹۰
آقدرق	۳۳	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
الماکلن(رستم‌قشلاغی)	۲٥	۱٥۳	۸۱	۷۲
آچه (آلچا)	۱۲٤	٦۸٥	۳٦۰	۳۲٥

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
انتق (شاه بلاغی)	۸	۴۰	۲۱	۱۹
انیلو (انیلی)	۱۴۶	۷۹۹	۴۲۸	۳۷۱
ایوریق	۱۴۷	۸۲۸	۴۴۵	۳۸۳
ایقلعه	۱۸	۹۷	۵۱	۴۶
بقراباد (بلقیاد)	۱۷۶	۹۲۱	۴۶۷	۴۵۴
بودالالو (رستم‌قلی‌قشلاقی)	۷۴	۴۵۶	۲۴۶	۲۱۰
بیله درق	۷۸	۵۰۲	۲۵۸	۲۴۴
پراقوم	۱۵۱	۹۲۱	۴۹۵	۴۲۶
پیرزمان (آغ‌خرابه)	۳۲	۱۸۶	۹۹	۸۷
تپراقلو	۱۰۵	۵۶۸	۲۹۹	۲۶۹
جیاوان	۷۰	۳۳۶	۱۷۰	۱۶۶
چنذاب	۶۰	۳۱۸	۱۸۱	۱۳۷
چیملو (درین دره)	۹	۵۸	۳۱	۲۷
حصار (حاصار)	۴۸	۲۴۹	۱۴۹	۱۰۰
حفظ آباد (حصاروا)	۲۲۸	۱۱۸۴	۶۰۵	۵۷۹
حمید آباد	۶۶	۳۵۰	۱۸۲	۱۶۸
حسینه (خانقاه)	۱۰۵	۵۱۷	۲۸۳	۲۳۴
خانقشلاقی	۱۰۵	۵۶۴	۳۰۲	۲۶۲
خلیل‌آباد	۱۵۵	۸۹۰	۴۷۵	۴۱۵
داشبلاغ (نوور)	۲۶	۱۴۷	۷۸	۷۰
دلیلر (ولی‌قلی‌قشلاقی)	۵۳	۳۰۱	۱۶۹	۱۳۲
دمدمه	۳۸	۱۹۵	۹۲	۱۰۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دویل	۸۸	۴۹۹	۲۶۳	۲۳۶
رزگاه	۴۷	۲۸۹	۱۴۶	۱۴۳
رضی‌آباد	۵۱	۳۰۹	۱۶۰	۱۴۹
زردآلو	۹۲	۵۱۸	۲۷۹	۲۳۹
زیوه	۳۳	۱۸۶	۱۰۱	۸۵
سیدآباد (سیدآوا)	۲۱	۱۱۵	۶۷	۴۸
شبلو (شبلی)	۱۰۵	۵۵۱	۲۷۷	۲۷۴
عباس‌آباد	۴۰	۲۵۷	۱۳۶	۱۲۱
فیروزآباد(بروز آواد)	۳۲	۱۷۹	۹۸	۸۱
قره داغلو	۱۷	۱۱۱	۵۶	۵۵
قره‌ولی (باسی یلاق)	۲۰	۱۳۳	۶۰	۷۳
قزل‌قیه	۱۴۳	۷۵۷	۴۰۴	۳۵۳
قشلاق محمد بیك	۷۲	۴۱۶	۲۰۷	۲۰۹
قیه چمن (قی‌چمن)	۴۷	۲۶۹	۱۵۰	۱۱۹
کردلو	۵۲	۲۹۹	۱۵۰	۱۴۹
کرگان (کرگن)	۱۰۰	۶۳۱	۳۰۹	۳۲۲
کریق	۱۶۲	۹۲۹	۵۱۱	۴۱۸
کلتپه ملالی	۷۹	۵۰۹	۲۵۷	۲۵۲
کلخوران (کمرلان)	۱۰۰	۵۳۷	۲۷۸	۲۵۹
کمی‌آباد	۶۰	۳۲۵	۱۸۳	۱۴۲
کورقلعه	۵۶	۳۱۱	۱۶۱	۱۵۰
کوزه توپراقی	۴۲	۲۵۴	۱۳۰	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوهساره	۱۸٤	۱۰۷۳	٥۳۰	٥٤۳
گلین قشلاق	٤٦	۲٤۳	۱۳٤	۱۰۹
گورادل	۶۲	۲۹٤	۱٤٦	۱٤۸
محمودآباد(محمودآواد)	۱۲۲	٦۹۱	۳٥٦	۳۳٥
مسجدلو (مجدی)	۲۷	۱٦۹	۹٥	۷٤
ملااحمد (تلخ آب)	۳۲	۲۰٥	۱۰۹	۹٦
مهماندوست سفلی	٦۲	۳٤۸	۱۹۲	۱٥٦
مهماندوست علیا	۷۱	٤٥۳	۲۳۹	۲۱٤
نوشهر (نوشار)	۱۸٥	۱۰۰۸	٥٤۳	٥٦٥
نیورسفلی	۳	۱۹	۱۰	۹
هل آباد	۱۳۲	٦۹۱	۳٦٦	۳۲٥
هیر	٤۱٤	۲۲۳۱	۱۲۰٤	۱۰۲۷
یانجی(عباسلوقدیمی)	۷۸	۳۸٥	۲۱٦	۱٦۹
جمع دهستان دهیر	٥۱۱۹	۲۸٦۸۱	۱٥۱۳۳	۱۳۰٤۸
ابریق (ایری)	۱٤۳	٦۹۸	۳٦٦	۳۳۲
ابللو	۸۹	٤۲۲	۲۱٥	۲۰۷
آذغان	۲۰٥	۹۳۷	٥۱۱	٤۲٥
اسیابتازه کند	٤	٤	٤	۰
افیل (اهل)	۱٥۳	۷۹۷	٤۳٥	۳٦۲
آقاکندی	۸٤	٤۰۷	۲۰٥	۲۰۲
اقدیوار	۱٥	۸۱	٤۳	۳۸
الپاوت	۱٦	۹۰	٤۸	٤۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
المان جدید	۲۲	۱۰۶	۵۶	۵۰
المان قدیم	۷۶	۳۹۱	۲۱۰	۱۸۱
آلو	۷۲	۴۲۳	۲۳۹	۱۸۴
آلوار	۵۳	۲۵۸	۱۴۶	۱۱۲
انباق جواد	۲۵	۱۳۰	۶۸	۶۲
انباق حاجی‌خان	۲۰	۱۲۰	۷۲	۴۸
انباق سرخای	۴۲	۲۰۹	۱۱۹	۹۰
انجرد	۱۳۷	۶۷۷	۳۶۹	۳۰۸
انداب جدید	۵۲	۲۴۹	۱۳۷	۱۱۲
انداب قدیم	۵۴	۲۷۷	۱۵۴	۱۲۳
اورنگ (اورك)	۱۱۵	۵۵۴	۳۰۴	۲۵۰
اوشدلق	۱۴	۸۷	۴۴	۴۳
ایلکه ده	۷	۳۴	۱۹	۱۵
باباجان	۱۳۱	۷۳۰	۳۸۶	۳۴۴
بالدرن	۳	۱۸	۱۰	۸
باللی قشلاقی	۵۲	۳۳۷	۱۸۳	۱۵۴
برمیس (برس)	۸۳	۳۹۲	۲۰۷	۱۸۵
بره‌یوسفان (برسفان)	۶۰	۲۹۲	۱۵۷	۱۳۵
بسته بکلو	۶۵	۳۳۲	۱۸۶	۱۴۶
بصیر آباد	۳۳	۱۸۵	۱۰۰	۸۵
بهل	۱۰۴	۵۵۵	۲۹۶	۲۵۹
بینق	۲۹	۱۶۴	۸۷	۷۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پارچه قشلاق	۹	۵۳	۳۱	۲۲
پارچه قشلاقی	۱۶	۱۲۵	۶۲	۶۳
پیه‌جیك	۱۴	۷۷	۴۵	۳۲
پیه‌جیك (قشلاق پیه‌جیك)	۲۸	۱۹۳	۱۰۷	۸۶
تازه کند جیلان	۱۶	۸۵	۴۲	۴۳
تازه کند شاوردی	۲۷	۱۲۳	۵۷	۶۶
تازه کند طهماسب	۴۷	۲۳۴	۱۲۵	۱۰۹
تازه کند مسقران	۶۳	۳۱۹	۱۶۸	۱۵۱
جالق	۹	۵۷	۲۷	۳۰
جالیق	۶	۳۵	۱۷	۱۸
جربند	۱۰۰	۴۴۸	۲۳۳	۲۱۵
جلیز	۱۱۸	۵۸۴	۳۰۱	۲۸۳
جوانشیخ	۱۵	۱۰۲	۵۵	۴۷
جای کندی	۸۹	۴۳۸	۲۲۹	۲۰۹
جابان	۸۱	۴۲۳	۲۲۸	۱۹۵
جخماغ بلاغ سفلی (آسیای جخماغ بلاغی)	۲۶	۱۵۸	۸۱	۷۷
جخماغ بلاغ علیا (یوخاری جخماغ بلاغی)	۴۸	۲۹۴	۱۶۴	۱۳۰
چشمه وزان	۹۸	۵۳۶	۲۶۹	۲۶۸
چوپانلر (چوپانلر حسن بیگلر)	۲۸	۱۴۱	۷۱	۷۰
چوپانلار	۱۵۱	۸۲۸	۴۲۲	۴۰۶
چول قشلاقی	۱۳۲	۷۳۵	۴۱۰	۳۲۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جیلان	۲۹	۱۷۶	۹۲	۸٤
حاجی اوغلی(حاجر)	۱۳	۹۱	٥۳	۳۸
حصار	۳٥	۱٥۷	۹۷	٦۰
حصار سفلی	۲	۱۳	۹	٤
خداوردی کندی (سیدلر)	۳۷	۱۸٦	۱۰۰	۸٦
خرم آباد (خرمو)	۹۳	٤۸٥	۲٤۳	۲٤۲
خضر کندی (حذر کندی)	۷۹	۳٥٤	۱۹٦	۱٥۸
خلفیان	۳۸	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
خونیق	۱۷۰	۸٥٤	٤٤۰	٤۱٤
داسلوجه	۷۲	۳۸۹	۲۰۹	۱۸۰
دامن آباد (دنبو)	۷۸	۳٦٤	۱۹۷	۱٦۷
دایلار	۸۷	٤۹۱	۲٦۱	۲۳۰
دغلیان‌سفلی (دغلبان)	٤۹	۲٥۸	۱۳۳	۱۲٥
دغلیان علیا (دغلبان)	۷٥	۳۷٥	۲۰٦	۱٦۹
دمیریه	۱۲	۸۱	٤۱	٤۰
دوپیه آباد	۷۳	۳٦٦	۱۸۲	۱۸٤
دوغان	۳۷	۲۱۸	۱۱۳	۱۰٥
دهستان	۲٤	۱٤۲	۷٥	٦۷
دیزبین	٤٥	۲۱۰	۱۰۳	۱۰۷
دیزج تلخاج	۲۳	۱٤٦	۷۰	۷٦
دیزج چالو (دیزه)	۳۹	۲۰۲	۱۰۷	۹٥
رزین	٦۸	۳۳۳	۱۷۹	۱٥٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
رشت‌آباد جدید(حسینعلی کندی)	۲۲	۱۲۸	۷۲	۵۶
رشت آبادقدیم	۷۸	۳۷۱	۱۹۴	۱۷۷
زکلکسفلی	۴۰	۲۲۰	۱۱۶	۱۰۴
رواسجان (قرنفرخ)	۱۴۴	۷۰۱	۳۶۵	۳۳۶
ریحال (ریجان غزل)	۲۲	۱۴۰	۷۵	۶۵
قزل گچی (ریحان)	۱۲۲	۶۰۸	۳۲۸	۲۸۰
زرگر	۳۲	۱۶۰	۸۲	۷۸
زکلکعلیا	۴۹	۲۹۰	۱۴۴	۱۴۶
زنجیر بلاغ	۹۴	۴۶۹	۲۳۹	۲۳۰
زندآباد	۲۱۰	۱۰۸۶	۵۵۷	۵۲۹
زنك‌آباد (زنگ‌آوا)	۲۰۴	۱۰۲۱	۵۲۲	۴۹۹
زنگملك	۳۸	۱۹۹	۱۰۶	۹۳
زیلیککور بلاغ	۲۴	۱۲۶	۷۲	۵۴
ساری سلو	۴۷	۳۰۰	۱۵۵	۱۴۵
ساری‌یارقان(قره‌اذور)	۷۸	۴۰۰	۲۱۱	۱۸۹
ساطی‌سفلی‌عمران‌خان	۹	۴۰	۲۰	۲۰
ساطی‌سفلی (ساطی‌وسطی)	۱۷	۸۶	۴۵	۴۱
ساطی علیا	۶۵	۳۴۴	۱۷۲	۱۷۲
سامیران	۷۰	۳۴۵	۱۹۷	۱۴۸
سرقین	۷۴	۴۳۳	۲۱۷	۲۱۶
سنقوش‌آباد(شمسوار)	۳۸	۲۱۵	۱۰۴	۱۱۱
سویدلی	۶	۴۳	۱۷	۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیدلر	٤٧	٢٢٩	١٢١	١٠٨
سیه دلان	١٣	٦٨	٣٦	٣٢
شاه مرادلی	٢	١٠	٦	٤
شله‌پران	١٤٦	٧٣٧	٣٩١	٣٤٦
شیخ قشلاقی	١٨	١٣٢	٨٢	٥٠
شیربیت	١٢	٦٢	٣٣	٢٩
شیرین درق	١٧	٩٩	٥٤	٤٥
صفی خانلو	٢٣	١٢٠	٦١	٥٩
صومعه (صوما)	٤٣	٢١١	١٢٣	٨٨
طویله شامی	٤٢	٢٣٩	١١٩	١٢٠
عباس‌آباد	٦	٣٣	١٥	١٨
علیرضا چایی	٧٣	٣٦٠	١٩٧	١٦٣
علی‌آباد	٩٣	٤٥٠	٢٣٧	٢١٣
علی‌آباد(گزکی‌بلاغ)	٤٨	٢٢٩	١٢٣	١٠٦
علی بیك کندی	٥٧	٣٢٩	١٧٦	١٥٣
علی بیك کندی (علی‌بی کندی)	٢٢	١٩٤	١٠٤	٩٠
عنبر کندی	٨	٣٨	٢٢	١٦
قراجه (قرجه)	٢٤	١١٥	٥٩	٥٦
قراجه‌لو	١٧	٩٠	٤٧	٤٣
قرخبلاغ	٢٦	١٢٧	٦٦	٦١
قره بوران	١٢	٥٩	٣٢	٢٧
قره‌قشلاقی	١٢	٨١	٤٧	٣٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه (قزلجا)	٤٤	۲۲۸	۱۲۱	۱۰۷
قشلاق تاتلار	۱۹	۱۰۳	٦۰	٤۳
قشلاق‌چنابگر (کتاب)	۳۰	۱۷۰	۹۰	۸۰
قشلاق حاجیلار	٥	۳۰	۱٦	۱٤
قشلاق‌خیارلو (خیالی)	۳	۱٥	۱۰	٥
قشلاق شاوردی	۷۲	۳۹۷	۲۱۷	۱۸۰
قلعه باشی	۱۷	۹٥	٥۱	٤٤
قلعه ملك	۳۰	۱٥۲	۸۲	۷۰
قلندر	۱۹۸	۱۱۳٤	٥۸٤	٥٥۰
قورشاقلو	٤۲	۲۳٦	۱۳٦	۱۰۰
کاشان	۸۲	۳۷۱	۲۰٥	۱٦٦
کرد احمد سفلی	۲٦	۱٤۲	۷٦	٦٦
کرداحمدعلیا(قم‌کرداحمد)	۱۳	۷۱	۳۹	۳۲
کردلر	۱۲۸	٦۱۷	۳۱۷	۳۰۰
کردلقان (کردلان)	۷۳	۳۷٤	۱۹۳	۱۸۱
کرمانو	۸	٤۸	۳۱	۱۷
کسانق (کاسانا)	۱۳۹	۷۳٤	۳۸۱	۳٥۳
کقالق (کاغالا)	۱۳۳	٦٦٥	۳۳۸	۳۲۷
کلوجه	۳۹	۲۰۳	۱۱۰	۹۳
کلهر (کولوجه)	٥۱	۲۳٤	۱۱٦	۱۱۸
کوربلاغ	۹۰	٤٦٤	۲۳٦	۲۲۸
کوسالار	۷۷	٤۱۲	۲۲۹	۱۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوسه‌لر	۱۷	۱۱۳	۶۳	۵۰
گاودول	۴۸	۲۸۸	۱۴۵	۱۴۳
گرنگاه	۹۴	۴۶۷	۲۳۰	۲۳۷
گلوجه	۳۹	۲۲۱	۱۱۱	۱۱۰
گمشن‌آباد(گمش‌آوا)	۶۱	۳۰۸	۱۶۴	۱۴۴
گنگل‌آباد	۱۰۳	۵۱۲	۲۶۶	۲۴۶
گوراوان بزرگ	۲۰	۸۱	۴۳	۳۸
گوراوان کوچك	۶	۴۹	۲۷	۲۲
گورج کند(گرجی)	۷۴	۳۷۵	۲۰۷	۱۶۸
گوره درق(گوراده)	۵۸	۳۰۷	۱۵۰	۱۵۷
گونجیك	۱۱۲	۵۵۵	۲۹۶	۲۵۹
مالامالارمحمد رضا کندی	۷۳	۳۴۷	۱۷۹	۱۶۸
مردکنان	۴۶	۲۳۴	۱۲۱	۱۱۳
مرزعه حاجی‌عابدینی	۹۶	۴۸۲	۲۶۶	۲۱۶
مزرعه مزارع	۸۴	۴۹۱	۲۵۰	۲۴۱
مصطفی‌چایی	۷۲	۳۸۲	۲۰۹	۱۷۳
معدن‌مس‌مزرعه‌مزارع	۲۴	۹۸	۶۶	۳۲
میزان	۱۰۵	۵۲۰	۲۸۸	۲۳۲
ناظم آباد (مستقلی)	۳۳	۱۸۸	۹۹	۸۹
نجفخانلو	۸	۴۱	۱۸	۲۳
نصیرآباد	۵	۱۷	۸	۹
نقاره‌گوبجدید(نقاران)	۵۱	۲۸۷	۱۶۶	۱۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نقاره کوبقدیم	۳٤	۱۷۹	۸۹	۹۰
نقدوز (نوروز)	۵۸	۲۵۸	۱۳۹	۱۱۹
نهار	۷۹	٤۱۵	۲۳۱	۱۸٤
وردین	۳۷	۱۹۰	۹٤	۹٦
ونه آباد (وناو)	۸۳	٤۳٤	۲۲۷	۲۰۷
هلان (هولون)	٤٦	۲۵۲	۱۳۹	۱۱۳
یاغبستلو	۱۵	۲۹۰	٤٤	٤٦
یاورکندی	٦۸	۳٤۹	۱۹۵	۱۵٤
یایجیلو (یایچلی)	۵٦	۲٤۳	۱۲۵	۱۱۸
یخفروزان	۲۱٤	۱۱۳۵	۵٦۵	۵۷۰
ینگجه	۷	۵۰	۱۹	۳۱
یوزباشلو	۷۲	٤۱۳	۲۳۲	۱۸۱
یوزبنده	۲۵	۱٤۰	۷۱	٦۹
یوسفلو (یوسفلی)	۱۸	۸٦	٤۷	۳۹
جمع دهستان اهر	۹۸۷٦	۵۱۲٦٤	۲۷۱۲٦	۲٤۱۳۸
آقاباباسنگ	٦٤	۳۷۰	۲۰۱	۱٦۹
اقبلاغ سفلی	۱۵۰	۷۸۱	۳۹٦	۳۸۵
الچه قشلاق	۷۲	۳٤۲	۱٦٤	۱۷۸
امیرآباد	۵۱	۲۵۹	۱۳۹	۱۲۰
اوزی	۱۰۵	۵۲۳	۲٦۳	۲٦۰
بجوشین	۵۷	۳۲۹	۱٦٦	۱٦۳
بکرآباد (بکو)	۱۰۰	۵۳۰	۲۸۳	۲٤۷

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بورملك	٤٥	٢٠٨	١١٣	٩٥
بهربيك	٤٨	٢٣٨	١٣٠	١٠٨
بيشك	٥٣	٢٨٩	١٤٧	١٤٢
تازه كند بكرآباد	٥٠	٢٤٧	١٢٦	١٢١
تخمدل	١١٨	٥٨٥	٢٩٨	٢٨٧
جاجان (ججان)	١٣٤	٦٩٨	٣٧٥	٣٢٣
چلناب	٧١	٣٤٢	١٩٠	١٥٢
خوبين ديزج	٥٩	٢٩٤	١٤٨	١٤٦
داشكسن	٧٠	٣٧٣	١٩٢	١٨١
دوريق (دورى)	٨٤	٤٦٧	٢٣٠	٢٣٧
دهليق	٥٣	٢٢٩	٩٨	١٣١
ديزج صفرعلى(ديزه)	٦٩	٣٥٣	١٧١	١٨٢
رستم‌آباد	١٧	٨٣	٤٠	٤٣
روادانق	٧٧	٣٥٠	١٨٥	١٦٥
ساری چمن	٣٩	١٩٩	١١١	٨٨
سرخه‌ديزج	١٠٨	٥٤٩	٢٩٠	٢٥٩
سوبه‌درق	٥٦	٢٤٥	١٢٤	١٢١
سيه كلان	١١٦	٦٠٨	٣٢٢	٢٨٦
صومعه‌دل	١٤٩	٧٠٣	٣٥٧	٣٤٦
علويق (علوى)	١٦٣	٧١٠	٣٣٢	٣٧٨
فرخران	٧١	٣٦٥	١٩٦	١٦٩
قراجه ملك	٣٣	١٥٣	٦١	٩٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیه‌قشلاق	۲۹	۱۳٤	۷۲	٦۲
کاسین	۲۰۲	۱۱۱۷	٥۹۳	٥۲٤
کامبلاش	۳۳	۱٦۸	۹٤	۷٤
کرویق(کروی)	۱۱۳	٦۳۳	۳۱۳	۳۲۰
کلان	٦۰	۲۸٥	۱٤۸	۱۳۷
کهنه‌لو(کهنه‌لی)	۳۹	۲۱٤	۱۰۷	۱۰۷
کیقال	۱۰۳	٥۰٤	۲٦۷	۲۳۷
گشایش(گشش)	۳۳	۱۸۰	۹٤	۸٦
گویجه سلطان	۲۱٥	۱۱۳۲	٥٥٦	٥۷٦
لنبران	۱۸٥	۸۹٦	٤٤۱	٤٥٥
لیلی‌خانه	۲۸	۱۲۹	۷۲	٥۷
لامان	٦٦	۳٤۷	۱۸٦	۱٦۱
مزرعه‌سواره (ظلم‌آباد)	٤۱	۲۱٥	۱۱۷	۹۸
مسقران	۱٦۱	۸۹۲	٤٦٦	٤۲٦
نهریق	۱۱۳	٥٦۰	۳۱٥	۲٤٥
همای سفلی	٥۹	۳۱۸	۱٦٥	۱٥۳
همای‌علیا	۳۳	۱۷۸	۹٤	۸٤
یاشیل	٥٥	۲٦٤	۱۳۹	۱۲٥
جمع‌دهستان ازمدل‌شمالی	۳۸٥۰	۱۹٥۸۸	۱۰۰۸۷	۹٥۰۱
ابخواره (اخارا)	٦۱	۳۰٦	۱٦٦	۱٤۰
اره‌جان	۱۱۰	٥۷٥	۲۹۲	۲۸۳
اشقلو	٦۳	۳٤۲	۱۸۰	۱٦۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آقابابا (آغ‌بابا)	۷۷	۳۹۴	۱۹۳	۲۰۱
اقبلاغ‌علیا	۵۳	۳۳۰	۱۷۰	۱۶۰
الهرد	۶۵	۳۴۵	۱۸۶	۱۵۹
بیرون درق (بزن‌دره)	۴۲	۲۱۰	۱۱۷	۹۳
جای کندی	۱۰۸	۵۵۹	۲۹۱	۲۶۸
چراغلو	۴۸	۲۴۳	۱۳۸	۱۰۵
حماملو	۱۴۴	۶۸۷	۳۷۴	۳۱۳
خلف انصار	۱۱۰	۵۶۲	۳۰۰	۲۶۲
خنسلو	۳۵	۲۰۶	۱۱۰	۹۶
خیرالدین	۶۷	۳۷۵	۲۰۶	۱۶۹
دیزج‌ملك(دیزج کریستن)	۱۲۷	۶۲۰	۳۳۵	۲۸۵
زغن‌آباد	۷۹	۴۰۹	۲۱۵	۱۹۴
سامسام	۴۷	۲۳۴	۱۲۰	۱۱۴
سیغندل	۳۰	۱۴۵	۸۰	۶۵
شاه‌بلاغی بالا	۱۰	۷۰	۴۰	۳۰
شاه‌بلاغی‌پائین	۹	۴۶	۲۲	۲۴
شیخملو	۹۸	۴۵۳	۲۳۸	۲۱۵
صیفار	۱۲۱	۵۷۷	۲۹۲	۲۸۵
قره‌بلاغ	۱۵۸	۷۸۵	۴۱۷	۳۶۸
قره‌قیه	۳۷	۱۷۷	۹۷	۸۰
کمانج‌بالا	۸۱	۴۷۳	۲۶۳	۲۱۰
کمانج پائین (کمان)	۷۱	۳۹۶	۲۱۳	۱۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوره بلاغ	۱۳	۷۳	۳۹	۳٤
گل‌عنبر	٦۸	۲۹۹	۱٦۲	۱۳۷
لجین	۱۱۳	٥٤۲	۳۰۰	۲٤۲
لله‌لو(لله‌لی)	۱۸۰	۸۷۲	٤٥٦	٤۱٦
مشگنبر	۱۰۲	٥٥٥	۲۹٤	۲٦۱
مشیرآباد	۲۰	۱۲۱	۷۰	٥۱
مهترلو (مهترلی)	۱۷۱	۷۹۸	٤۰٦	۳۹۲
میرزاعلی کندی	۱۰۲	٤٥۸	۲٤۷	۳۱۱
نصرت‌آباد(قره کوزی)	٥٥	۲٥۹	۱٥۱	۱۰۸
نصیرآباد (مصرو)	۷۳	۳۳۷	۱۷۳	۱٦٤
وردین	۸٤	٤٤۳	۲٤۱	۲۰۲
ورزقان	۳۸۲	۱٦۳۷	۸۷٤	۷٦۳
هیبتبگلو	٥۷	۲۹٥	۱٤۹	۱٤٦
جمع‌دهستان‌ازمدل جنوبی	۳۲۷۱	۱٦۲۰۸	۸٦۱۷	۷٥۹۱
ارمك	۲۷	۱۳۹	۷۷	٦۲
ازنابخالصه	۹	٤۲	۲۱	۲۱
ازنابسفلی (سعدی‌بیکلو)	۳۲	۱٦۲	۹۱	۷۱
ازنابعلیا	۱۰	٥۷	۳۳	۲٤
ازنان	۸۷	٤۱۸	۲۲۹	۱۸۹
استی‌باغچه	۲٥	۱۳٥	۷٤	٦۱
اقبراز	٦۳	۳۱٥	۱٦٦	۱٤۹
الوچه‌لو	٤	۲۱	۹	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بریهان	۳۸	۱۸۹	۹۶	۹۳
پیراسملو	۱۸	۱۱٤	٥٤	٦۰
تابستانق(تاوستانه)	٥٤	۲٥۳	۱٤۸	۱۰٥
تنباکولوغ	۲۲	۱۳۱	٦۸	٦۳
توبین	۲۹	۱٤٥	۸۰	٦٥
تین	۳۱	۱٥۹	۹۱	٦۸
چارقداشی	۱	۹	٥	٤
جزریك (گرزیك)	۹	٥٥	۳۱	۲٤
خسبك	٥	۳۳	۲۰	۱۳
خوی‌سورق	۲٤	۱۲۲	٦٥	٥۷
ده‌رود (دهری)	۸٤	٤۸٥	۲٦٤	۲۲۱
شیخ‌بهران (شیخ‌مران)	۱٤	۷۰	۳٦	۳٤
عزیزلو (قره‌تپه)	۱۹	٦۷	٤۱	۲٦
عسگرلو(شکرلو)	۱٤	۹۱	٥۳	۳۸
فرخ‌لو(قزقاچی)	٤	۱۹	۱٤	٥
قره‌قیه (شکرلو)	۷٤	۳۸۹	۲۰۹	۱۸۰
قلعه کندی	۲۱	۱۰۰	٥۷	٤۳
قیه‌دیبی	۱۰	۷۰	۳۷	۳۳
کلی‌سفلی (رباخکالی)	٥۰	۲٦۸	۱٤۷	۱۲۱
کلی‌قوزی (باش‌کلی)	۹۳	٥۰۳	۲۷٦	۲۲۷
کویر	۳۲	۱۷٥	۹۷	۷۸
کهران (کوران)	۱۰٤	٤۸۳	۲٥٦	۲۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گاوزاله (گوزالان)	۱۱۳	۵۶۴	۳۰۲	۲۶۲
گوار	۶۲	۳۰۶	۱۵۹	۱۴۷
گورون‌درق (گرون‌دلو)	۳۳	۱۷۹	۱۰۳	۷۶
مردلو (قره‌قیه)	۳۰	۱۵۹	۸۵	۷۴
ملك‌درق (ملك‌دره)	۳۵	۱۷۱	۹۱	۸۰
ملالو	۳۰	۱۴۴	۷۳	۷۱
ممیشلی (قره‌قیه)	۲۹	۱۵۶	۸۰	۷۶
میدانلار(میدان)	۵۷	۲۸۲	۱۴۷	۱۳۵
وروجنی سفلی وعلیا	۵۳	۲۶۶	۱۳۷	۱۲۸
ولی‌بیگلو	۲۱	۱۲۰	۶۲	۵۸
هوای‌درق(هوای‌دره)	۶	۳۰	۱۷	۱۳
هوین	۱۰	۵۷	۳۰	۲۷
یدی‌بلاغ	۷	۵۴	۲۷	۲۷
جمع دهستان چهاردانگه	۱۴۸۸	۷۷۰۷	۴۱۵۹	۳۵۴۸
اجاق کندی	۵۵	۲۸۵	۱۵۴	۱۳۱
آریالیق	۶۵	۳۵۷	۱۹۱	۱۶۶
اردشیر	۱۵	۹۲	۴۴	۴۸
آرزین	۴۳	۲۱۰	۱۰۷	۱۰۳
آقامیرلو	۲۰	۱۰۶	۵۲	۵۴
اوزی	۲۶	۱۵۷	۷۵	۸۲
بالوجه	۴۷	۲۵۵	۱۴۶	۱۰۹
بند دیق	۳۳	۱۸۴	۱۰۳	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بنه‌کاغی	۲۱	۱۴۱	۷۷	۶۴
بیرزین (برازین)	۶۴	۳۱۳	۱۷۲	۱۴۱
تیروان	۲۳	۱۱۱	۵۹	۵۲
حسن بیگلو (حسن بیگلی)	۷۰	۳۳۶	۱۶۴	۱۷۲
حضی کندی	۱۲	۵۸	۲۶	۳۲
خربل	۷۰	۳۸۲	۲۱۵	۱۶۷
خوینرود	۴۵	۲۰۴	۹۷	۱۰۷
خوینری	۱۶	۸۷	۳۵	۵۲
دایممق	۷۲	۳۳۳	۱۸۰	۱۵۳
دمیرچی (حدادان)	۴۲	۱۹۷	۹۹	۹۸
دونگاه	۱۱	۸۲	۵۰	۳۲
دیش گدیگ	۳۸	۱۹۵	۱۰۴	۹۱
دین‌آور (دینه‌ور)	۴۳	۲۱۲	۱۰۵	۱۰۷
رشدین	۱۷	۷۹	۴۱	۳۸
زرین‌رکاب (آبت کندی)	۵۴	۲۸۲	۱۴۸	۱۳۴
سنگین	۵۲	۳۰۲	۱۵۴	۱۴۸
سوره‌جر (سراجو)	۱۱۴	۵۵۲	۲۸۲	۲۴۰
سیدآباد	۱۱	۷۲	۴۰	۳۲
شبخانه	۴۹	۲۳۳	۱۱۹	۱۱۴
شیخ احمد	۴۴	۲۵۳	۱۳۹	۱۱۴
طوق	۲۰	۹۵	۴۹	۴۶
طویل (طبیل)	۳۷	۱۹۶	۱۰۲	۹۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قودلار	۱۸	۸۰	۴۹	۳۱
کلم	۲۳	۱۲۱	۶۴	۵۷
کلانور	۵۳	۳۳۴	۱۷۴	۱۶۰
کوکلور	۱۳	۸۵	۵۱	۳۴
لاله‌بجان	۵۶	۳۲۹	۱۷۳	۱۵۶
موسی کندی	۲۱	۱۰۰	۵۶	۴۴
نبی‌جان	۲۷	۱۷۰	۹۷	۷۳
یارالوجه	۲۸	۱۴۸	۷۵	۷۳
جمع دهستان حسن‌آباد	۱۴۶۸	۷۶۹۸	۴۰۶۸	۳۶۳۰
احمدآباد (احمدآوا)	۵۳	۲۱۵	۱۱۴	۱۰۱
استمال	۱۷۵	۸۵۴	۴۵۴	۴۰۰
اشتبین	۲۱۹	۹۰۸	۴۸۷	۴۲۱
اعقان (آقان)	۱۵	۷۵	۳۹	۳۶
انق (انیق)	۳۰	۱۷۰	۹۸	۷۲
انویق (انوی)	۹۲	۵۱۴	۲۵۴	۲۶۰
اوان	۷۱	۳۱۴	۱۶۳	۱۵۱
اوانسر	۷۴	۴۰۱	۲۱۵	۱۸۶
اورگنین (درگنتن)	۱۶	۸۵	۴۰	۴۵
اوروج	۲۰	۱۱۱	۵۵	۵۶
اولی (اوغلی)	۱۴۱	۶۱۰	۳۳۳	۲۷۷
اویلق (اولی)	۲۱۹	۱۰۴۳	۵۵۰	۴۹۳
بیشك (بش‌اشك)	۷۵	۳۸۴	۲۰۰	۱۸۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیر بلاغی	۲۴	۱۲۹	۶۳	۶۶
تازه کند	۱۳	۸۰	۳۸	۴۲
جعفرآباد (مجر)	۱۳	۷۸	۵۱	۲۷
جوشین	۱۸۹	۸۶۵	۴۴۵	۴۲۰
چای کندی	۲۷	۱۱۶	۶۵	۵۱
چسمقان (چشمقان)	۱۵	۸۶	۴۸	۳۸
خاکوانق (خانقانا)	۲۷	۱۴۸	۸۴	۶۴
خانگاه (خاناکو)	۴۱	۱۵۳	۸۲	۷۱
خایلار	۷	۲۹	۱۴	۱۵
دانارا (دانارنی)	۶۱	۲۷۰	۱۴۰	۱۳۰
دوست آشنا	۱۹	۱۱۹	۶۱	۵۸
سهرون	۹۲	۴۵۹	۲۴۳	۲۱۶
شاهسون	۱۴	۵۹	۳۰	۲۹
شرف آباد (شرفه)	۱۱۸	۶۲۹	۳۳۱	۲۹۸
ضیاکندی (ضیاگاه)	۱۵	۸۳	۴۳	۴۰
علیار	۱۷۶	۱۰۱۳	۵۳۴	۴۷۹
علی بلاغی	۴۱	۱۸۲	۱۰۱	۸۱
قاشوقچی	۶	۲۶	۱۴	۱۲
قره‌چی احمد آباد	۴۳	۲۱۴	۱۱۱	۱۰۳
قره‌چی‌معدن(قورچی‌معدن)	۱۰	۵۳	۲۹	۲۴
قره درق (قره‌دره)	۱۶	۱۰۲	۵۲	۵۰
قره‌قیه	۱۷	۹۴	۴۷	۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق	۱٤	۷٤	٤۰	۳٤
قشلاق نوا کی	۸	٤۸	۲۹	۱۹
قلی کندی	۱۹	۹۰	٤۱	٤۹
قولان	۷۰	۳٤۵	۱۹۵	۱۵۰
کالیجان (کال‌جهان)	٤۳	۲٤۳	۱٤۱	۱۰۲
کبود گنبد(گن‌کمد)	۱۹	۱۰۵	۵۵	۵۰
کرنگان (کرینگان)	۹۸	٤۵۱	۲۳۳	۲۱۸
کاقای (کلسفی)	۲۸	۱۲٦	۷۸	٦٦
کلو	۷۳	۳٦٤	۱۷٦	۱۷۰
کلاله (کالا)	٦۱	۲۷٤	۱٤۹	۱۲۵
کوانیق (کواند)	۳۰	۱۳۱	٦۹	٦۲
گزان‌بند (گیزامه)	۵۸	۳۳۳	۱٦۹	۱٦٤
گلو (گال)	۱۰۱	۵۹۱	۳۰۸	۲۸۳
مردانقم (مردان‌غام)	۱۵۲	٦۷٤	۳۳٤	۳٤۰
مزرعه شادی	۱۱۲	۵٦۷	۲۸٦	۲۸۱
مسن	۹۱	٤۲۷	۲۳٦	۱۹۱
ملك‌طالش	۷۲	۳۵۳	۱۹۰	۱٦۳
نمنق	۷۰	۳۱٦	۱٤٤	۱۷۲
ونستان	۱۰۱	٤۳۹	۲۳٦	۲۰۳
هوشن (هوش زیبا)	۱۷	۷۱	۳۷	۳٤
هیزه‌جان	٦۵	۳٤۸	۱۹۷	۱۵۱
جمع‌دهستان دیزمارشرقی	۳٤۸٦	۱۷۰٤۱	۸۹۷۱	۸۰۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آتش خسرو	٤	۱۷	۱۲	٥
ارزیل	۱٤٤	٦٦۹	۳۳٦	۳۳۳
استرقان	۷۰	۳٥٦	۱۸٦	۱۷۰
الوان	٤٤	۲۰٦	۱۰٤	۱۰۲
اندرگان	۳۷۰	۱٦۳٤	۸٥۸	۷۷٦
اویندیق (اوننديين)	۱۱٦	٥۳۱	۲۷۳	۲٥۸
ایری سفلی	۱٤۲	٦٦۲	۳٤۰	۳۲۲
ایری علیا	۲۱۳	۱۰٦۷	٥٤۰	٥۲۷
بیورق	٦۱	۲۸۸	۱٤٥	۱٤۳
پهناور	۳۳	۱٤٥	۸۱	٦٤
تلگری	۲۳	۱۳۳	۷٥	٥۸
جوانان گروه	۳۳	۱٥۱	۷٦	۷٥
حاجلار کوزی	۱۱	٦۹	۳٤	۳٥
خانه‌سر	۱۱٥	٦۱۸	۳۲۸	۲۹۰
خروانق	۲٤۹	۱۲۹۸	٦۸٦	٦۱۱
داراندانشن	۹۰	٤۳۸	۲۳۸	۲۰۰
دستجرد	۹۹	٤۸۷	۲٤٦	۲٤۱
دوزال	۷٦	۳۸۳	۲۱٥	۱٦۸
سرکش	۱٤۸	٦٦۱	۳۳۸	۳۲۳
سقای	۱۳۱	٦۸۷	۳٦۳	۳۲٤
سونده‌خور	٤۲	۱۸۹	۹٦	۹۳
سیوان	۱٤	۸٥	٤۸	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیه‌رود	۱۷۹	۸۵۷	٤٤۲	٤۱٥
طرزم	۱٥٦	۸٤٤	٤٥٤	۳۹۰
عظیم‌آباد	٦۲	٤۳٤	۲۳۰	۲۰٤
قشلاق حاجیلارکوزی	۸	۳۳	۱۷	۱٦
قشلاق‌هوی(علی‌آباد)	۷	۳٤	۱۹	۱٥
قشلاق یرزآباد	٤	۱٤	۹	٥
کردشت	۸٥	٤۰٤	۲۰٦	۱۹۸
کمارسفلی	۱٤٦	۷۲۲	۳٥۹	۳٦۳
کمار علیا	۱۷۹	۹۱٤	٤٦۰	٤٥٤
کوجان	۷٤	۳٦۸	۱۷۷	۱۹۱
کوره کش	٤۷	۲٤۳	۱۲٥	۱۱۸
کوه کمر	۲۱٤	۱۲۱۳	٦٤٥	٥٦۸
گل‌آخور	۱۲۹	٥٤۹	۲۷۸	۲۷۱
گوراند	۹۲	٤۱۷	۲۰۷	۲۱۰
لیلاب	۱٦۳	۷۱۱	۳۹۲	۳۱۹
مرزآباد	۷۹	۳٦٤	۲۰٥	۱٥۹
مشاهیر	۲۱	۱۳۸	٦۹	٦۹
ملك قضات	٥۳	۲٤٦	۱۲۱	۱۲٥
میانه کرداحمد	۱٦	۸۱	٤٤	۳۷
میلق	۳۸	۱٦۸	۸۹	۷۹
میوه رود	٤٦	۲۳۸	۱۲٦	۱۱۲
نجاق	٥۰	۲۰٤	۱۰۷	۹۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نظر کندی	۳۱	۱۴۰	۷۴	۶۶
نگارستان	۱۱۶	۵۹۳	۳۲۰	۲۷۳
نوجه‌مهر	۷۵	۳۵۲	۱۸۶	۱۶۶
نوردوز	۵	۱۹	۱۰	۹
ودیق	۲۸	۱۴۲	۷۶	۶۶
ورزقان	۸۷	۴۰۴	۲۰۷	۱۹۷
هاوستین	۱۴۴	۶۸۱	۳۵۲	۳۲۹
هریس	۷۷	۳۷۴	۱۸۹	۱۸۵
هلق (هله)	۱۶۸	۸۷۱	۴۱۷	۴۵۴
مزرعه گل	۳۴	۲۰۰	۸۹	۱۱۱
ینگچه	۹۳	۵۱۸	۲۶۰	۲۵۸
جمع دهستان دیزمار غربی	۴۹۳۴	۲۴۲۶۳	۱۲۵۷۹	۱۱۶۸۴
آس جدید	۲۶	۱۴۹	۷۴	۷۵
آس قدیم	۵۵	۲۸۰	۱۳۷	۱۴۳
آق درق سفلی	۳۲	۱۷۲	۸۸	۸۴
اقبلاغ	۳۲	۱۸۳	۹۵	۸۸
اقچه قشلاق جدید	۶۹	۳۵۰	۱۸۸	۱۶۲
اقچه قشلاق قدیم	۳۰	۱۵۸	۸۵	۷۳
اقدرق قدیم علیا	۴۴	۲۰۸	۱۰۶	۱۰۲
امپار	۴۳	۲۲۹	۱۲۵	۱۰۴
انبستیق	۶۲	۳۲۹	۱۷۳	۱۵۶
اوجاخلار	۱	۱۱	۶	۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایدین‌لو	۷۸	۳۷۸	۲۰۷	۱۷۱
باعث آقا	۲۶	۱۴۹	۷۸	۷۱
تازه کند نصیر آباد	۱۵	۹۴	۴۹	۴۵
جانی بیگو	۳۴	۱۷۵	۸۴	۹۱
چیناب	۱۲۳	۵۹۲	۳۲۰	۲۷۲
خوریدرق	۸۱	۴۱۷	۲۱۶	۲۰۱
خداقلی	۷	۳۴	۱۸	۱۶
خلیفه‌لو	۷۰	۳۱۸	۲۰۸	۱۷۳
زردخانه	۷۹	۴۱۹	۲۴۷	۱۷۲
ساری بلاغ	۲۰	۱۰۰	۵۲	۴۸
سلطان آباد	۱۹	۱۰۸	۶۱	۴۷
سیدبنه	۱۵	۸۰	۴۳	۳۷
سینگر آب	۳۰	۱۸۴	۹۹	۸۵
شکرعلی کندی	۱۷	۱۱۷	۶۳	۵۴
قاوشوق	۲۶	۱۵۱	۸۶	۶۵
قره گوزلو	۲۰	۱۲۱	۶۶	۵۵
قلعه جیق	۴۶	۲۳۵	۱۲۷	۱۰۸
قوری گل	۲۷	۱۲۳	۶۵	۵۸
کردلر	۶۳	۳۰۷	۱۶۶	۱۴۱
کنده	۶۶	۳۵۵	۱۸۸	۱۶۷
کوجان	۱۲	۵۸	۳۵	۲۳
گرده سنگ	۵۹	۲۹۳	۱۵۶	۱۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لروم	۸۶	٤٦٦	۲۵۳	۲۱۳
لقمان	۲۷	۱۵۳	۷٤	۷۹
لیملو	۸٤	٤۱۸	۲۲۵	۱۹۳
مجیدآباد	۷٤	٤۱۹	۲۲۰	۱۹۹
مرادلو	۵۱	۲۳۷	۱۲٤	۱۱۳
مزرعه جهانگیر	۳۸	۱۸۹	۱۰۸	۸۱
معروفان	٤	۲۳	۱۰	۱۳
نصیرآباد	٤۱	۲۲۷	۱۱۹	۱۰۸
هلیلو	۸۰	٤۷۸	۲٦۳	۲۱۵
هناباد سفلی	۵۵	۲۹۸	۱۵٤	۱٤٤
هناباد علیا	٤٦	۲٤۸	۱۲۹	۱۱۹
جمع دهستان دیگله	۱۹۱۳	۱۰۰۹٦	۵۳۹۰	٤۷۰٦
آوان	۵٦	۲۹۸	۱۵۵	۱٤۳
اینجار	۱٦۹	۷٤۹	۳۸٦	۳٦۳
بزنیان	۱۹	۹٤	٤۵	٤۹
تازه کند	۳٤	۱۸٦	۹۸	۸۸
تقی کندی	۱٤	٦۱	۲۷	۳٤
جبان	۳۷	۱۹۰	۱۰۵	۸۵
جعفرآباد	۱۵	۷۵	۳۸	۳۷
چرمداش	۱۲	۷۰	۳۹	۳۱
شلوری	۱۰	۵۲	۲۳	۲۹
شیلوند	٤	۲۵	۱۸	۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صوفی	۲	۱۵	۹	۶
قره‌تیکان	۳۲	۱۷۴	۸۰	۹۴
قره‌درویش	۳۸	۱۷۹	۹۶	۸۳
گرگسر	۱۵	۸۶	۴۰	۴۶
محمدآباد	۲۲	۱۶۴	۸۷	۷۷
منجابجدید	۲۹	۱۴۸	۷۴	۷۴
منجابقدیم	۷۱	۳۱۲	۱۶۲	۱۵۰
نقدی	۱۸	۹۰	۵۱	۳۹
نیق	۱۲۴	۷۰۳	۳۸۱	۳۲۲
ویق	۲۲	۱۰۴	۶۱	۴۳
هوای	۹۱	۴۷۲	۲۴۴	۲۲۸
هوراند	۲۸۲	۱۲۷۲	۶۵۴	۶۱۸
جمع دهستان دودانگه	۱۱۱۶	۵۵۱۹	۲۷۸۳	۲۶۴۶
اسیران	۱۵	۸۴	۴۷	۳۷
اشرف	۱۶	۶۶	۳۷	۲۹
آقاکیشی‌لو	۷	۳۹	۲۴	۱۵
آوارسین	۷۹	۴۵۱	۲۲۶	۲۲۵
آوانلو	۱۰	۵۱	۲۳	۲۸
اوغاش	۱۳	۷۴	۴۱	۳۳
بابابیلو	۴۰	۲۴۴	۱۲۷	۱۱۷
بایدیق	۴۲	۱۸۳	۹۷	۸۶
بشاب	۹۰	۴۲۳	۲۱۱	۲۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیرهادیان	۳۰	۱۵۸	۷۰	۸۸
چناقچه	۱۴	۸۹	۴۲	۴۷
خانگاه کندی	۲۰	۱۰۳	۵۳	۵۰
خمارلو	۱۳۱	۵۵۶	۲۸۶	۲۷۰
دایان	۸	۳۸	۱۸	۲۰
ددلو	۱۴	۸۴	۴۷	۳۷
دگی درق	۱۴	۸۹	۴۸	۴۱
زرنق	۵۹	۲۷۲	۱۳۷	۱۳۵
زنبلان	۹۰	۴۴۵	۲۳۱	۲۱۴
سرخه کمران	۱۳	۶۹	۳۴	۳۵
سقه‌سای	۴۰	۱۹۱	۹۹	۹۲
سقین	۳۵	۱۹۱	۱۰۸	۸۳
سولی‌پیر	۱۴	۷۸	۴۱	۳۷
شاه‌حیدر	۱۷	۱۰۵	۵۹	۴۶
شرمیق	۲۳	۱۱۷	۵۶	۶۱
صفرلو	۶۲	۳۲۱	۱۷۲	۱۴۹
طین	۲۷	۱۶۳	۸۵	۷۸
عمارت	۲۵	۱۳۵	۶۴	۷۱
قاسمکندی	۱۸	۱۰۰	۶۰	۴۰
قره گونی	۱۷	۱۱۳	۶۰	۵۳
قلعه‌لو	۱۷	۱۲۱	۶۷	۵۴
قلملو	۱۵	۸۹	۵۰	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کابل‌آباد	۲۲	۸۷	۵۰	۳۷
کارگران	۲۲	۱۲۳	۶۱	۶۲
کرشان	۴۶	۲۳۶	۱۱۷	۱۱۹
گاوآهن	۵۱	۲۶۴	۱۲۲	۱۴۲
لته‌جان	۴۷	۲۶۵	۱۴۲	۱۲۳
لمهونی	۲۲	۱۱۸	۶۱	۵۷
لاریجان سفلی	۴۲	۲۰۲	۹۸	۱۰۴
لاریجان علیا	۲۹	۱۳۱	۶۷	۶۴
لالان‌سفلی	۲۲	۹۱	۵۲	۳۹
لالان‌علیا	۱۵	۹۳	۵۱	۴۲
مشهدی حسن‌لو	۲۱	۱۲۸	۶۰	۶۸
همدان	۳۷	۱۸۶	۱۰۰	۸۶
همدملو	۱۵	۸۹	۴۳	۴۶
همنشین	۲۲	۱۱۶	۶۰	۵۶
هوچ سفلی	۱۷	۱۰۰	۵۶	۴۴
هوچ علیا	۷	۴۸	۲۳	۲۵
جمع دهستان کیوان	۱۴۵۲	۷۵۱۹	۳۸۸۳	۳۶۳۶
ارمنیان	۴۳	۲۳۲	۱۱۵	۱۱۷
اسبه قلیان	۲۹	۱۶۹	۹۹	۷۰
اوزی	۶۲	۲۸۳	۱۵۱	۱۳۲
باغلار	۱۲	۶۱	۳۹	۲۲
بالاسنگ	۱۷	۸۴	۴۰	۴۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
برنه‌دل	٤	٢٥	١٤	١١
پیرکندی	١٢	٦٧	٣٩	٢٨
پیغان	١١٦	٥٠٦	٢٦٣	٢٤٣
جغناب سفلی	٣٧	٢٠١	١١٠	٩١
جغناب‌علیا	٢٣	١١٥	٥٨	٥٧
حیران سفلی	١٣	٧٨	٥٠	٢٨
حیران‌علیا	٣٩	٢٢٨	١١٢	١٠٦
خانه خسرو	٣٢	١٦٣	٨٥	٧٨
دومریق	٦٤	٣٤٣	١٨٧	١٥٦
زاویه	٤٠	٢٠٠	٩٨	١٠٢
زودقوان	٢٨	١٥١	٨٢	٦٩
زیریان	٤٠	١٨١	٩٥	٨٦
سیران	١٣	٨٥	٥٢	٣٣
شجاع‌آباد	١٧	٩٧	٥٤	٤٣
شیروان‌کاغی	١٣	٨١	٤٢	٣٩
صومعه	١١	٧١	٣٩	٣٢
علیقلی	١٠	٥٦	٣١	٢٥
قبادلو	٤٤	١٩٢	١٠٢	٩٠
قشلاق کولاخ	١٦	٨٠	٤٢	٣٨
کبودان	٢٨	١٥٣	٧٧	٧٦
کبیرآباد	١٤	٧٧	٤٦	٣١
کچی‌کاخی	١٠	٥٧	٣١	٢٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کردلر	۵۲	۲۵۸	۱۳۶	۱۲۲
کفش‌اوی	۲۵	۱۵۱	۸۱	۷۰
کلکین	۶	۴۵	۱۹	۲۶
کلیبر	۶۳۱	۲۹۰۵	۱۵۲۷	۱۳۷۸
کلی‌علیا	۶۷	۳۴۸	۱۸۷	۱۶۱
کلاله	۸۱	۳۷۸	۱۹۳	۱۸۵
کهلیك	۱۴	۷۰	۳۹	۳۱
کیارق	۲۱	۹۴	۴۷	۴۷
کلدرق	۳۴	۱۹۰	۹۲	۹۸
گلدور	۵۲	۲۴۰	۱۲۸	۱۱۲
گلوسنك	۴۸	۲۴۵	۱۱۸	۱۲۷
مقاس جدید	۲۵	۱۳۰	۷۱	۵۹
مقاس قدیم	۱۰	۶۱	۳۰	۳۱
ملوك	۴۸	۲۶۱	۱۴۱	۱۲۰
مولود	۱۴	۹۱	۴۱	۵۰
نوجه‌ده شجاعی	۸۰	۳۳۴	۱۵۸	۱۷۶
نوجه‌ده کریمی	۱۱۷	۶۴۸	۳۴۱	۳۰۷
ولندران	۳۱	۱۸۷	۹۹	۸۸
هورمغان سفلی	۱۳	۹۵	۵۵	۴۰
هورمغان‌علیا	۱۳	۶۶	۳۲	۳۴
یوزبند	۱۴۱	۷۴۰	۳۹۰	۳۵۰
جمع دهستان کلیبر	۲۳۱۰	۱۱۵۷۳	۶۰۸۸	۵۴۸۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آبش‌احمد	۲۳۹	۱۲۵٤	٦٦۰	٥۹٤
اتی کندی	۱۳٤	٦۸٥	۳۳۹	۳٤٦
اجاق کندی	٥۷	۲۷۹	۱۲۷	۱٥۲
اجودان‌آباد	٤۷	۲۷۹	۱٥۳	۱۲٦
احمدلوی سفلی	۷	٤۰	۲۱	۱۹
احمدلوی‌علیا	۲٥	۱۳۹	۷۳	٦٦
اسبهار سفلی	۹	٥۳	۲۳	۳۰
اسبهارعلیا	۳۸	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
اسکلی	٥	۲۸	۱۷	۱۱
اسکلی	۹	٦۲	۳٥	۲۷
اصلان‌بکلو	۲۳	۱۱۷	٥۹	٥۸
اغدام	٦	۳۱	۱۹	۱۲
افچی	۱۱	٥۹	۳۳	۲٦
اقامیرلو	۳۹	۲۱۷	۱۱۸	۹۹
امیرآباد	٤۸	۲۷۹	۱۳۲	۱٤۷
اولی‌قشلاق	٤۲	۲۲۷	۱۲۸	۹۹
ایچی‌درق	۲۹	۱٤۹	۷٤	۷٥
ایدر سفلی	٥۳	۳٤٥	۱۸۱	۱٦٤
ایده‌چی	٤٦	۲٤٥	۱۲٥	۱۲۰
ایری‌بوجاق	٤٦	۳۰٦	۱۷۲	۱۳٤
ایللی	۲	۷	٤	۳
باش کلان	۳	۱۸	۷	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باقراوغلی	۳۶	۲۰۸	۱۱۲	۹۶
بالان	۵۱	۲۹۸	۱۴۹	۱۴۹
بسطاملو	۸۰	۴۵۱	۲۲۲	۲۲۹
بغشلو	۱۲	۶۲	۳۰	۳۲
مورچه سفلی	۴۲	۲۹۲	۱۵۴	۱۳۸
بورچه‌علیا	۳۱	۱۶۷	۸۷	۸۰
بیل	۵	۲۸	۱۵	۱۳
پالطلو	۱۷	۸۸	۳۹	۴۹
پاللی‌بکلو	۲۷	۱۳۲	۷۵	۵۷
پرتلو	۱۶	۱۱۰	۵۴	۵۶
پرویزخانلو	۳۵	۱۸۵	۱۰۰	۸۵
پره‌ماشان	۱۱۲	۵۷۳	۲۹۳	۲۸۰
پهلوهرشبی	۷۴	۳۶۹	۱۹۷	۱۷۲
پیراحمدلو	۱۰	۵۱	۲۵	۲۶
پیرلو	۵۸	۳۵۰	۱۹۳	۱۵۷
پیره‌لر	۲۶	۱۳۸	۷۷	۶۱
پیره‌یوسفان سفلی	۲۰	۱۱۵	۶۵	۵۰
پیره‌یوسفان‌علیا	۲۶	۱۸۰	۱۰۳	۷۷
پیری گوری	۱۴	۶۷	۳۲	۳۵
تازه کند	۱۲	۶۴	۳۳	۳۱
جعفرقلی اوشاغی	۵۲	۲۵۵	۱۳۶	۱۱۹
جانقیه	۱۳	۸۶	۴۳	۴۳
جای کندی	۸۲	۴۳۲	۲۲۱	۲۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خناق	۳۶	۱۷۴	۸۹	۸۵
چیره‌قیه	۴	۲۰	۱۳	۷
حدادن	۱۰۳	۵۷۸	۲۸۶	۲۹۲
حسبان	۱۱	۵۵	۲۷	۲۸
حسرتان	۸۹	۴۶۰	۲۴۱	۲۱۹
حسنعلی کدخدالو	۴۳	۲۱۳	۱۱۲	۱۰۱
حسین‌علی‌بگلو	۲۷	۱۶۹	۹۴	۷۵
خالان	۱۲۵	۶۳۶	۳۴۴	۲۹۲
خانباغی	۵۸	۲۷۱	۱۵۷	۱۱۴
خانقاه اوجاق	۴۱	۲۵۸	۱۲۵	۱۳۳
خانقاه قلاهی	۲۳	۱۱۶	۵۸	۵۸
خانکندی	۲۹	۱۵۸	۸۰	۷۸
خانکندی	۳۵	۱۸۴	۱۰۱	۸۳
خلف‌بیگلو	۷۳	۴۱۲	۲۲۸	۱۸۴
خوبیارلو	۱۵	۷۸	۴۴	۳۴
داش‌قیه‌باشی	۲۰	۱۲۰	۶۴	۵۶
داودان	۳۳	۱۸۵	۸۸	۹۷
داودلو	۴۴	۲۱۹	۱۱۴	۱۰۵
درمیشانلو	۶۴	۳۶۰	۱۷۵	۱۸۵
دلیکیارقان	۲۸	۱۷۲	۱۰۲	۷۰
دولان	۳۱	۱۶۰	۸۷	۷۳
دیل‌بیلمن	۶۹	۳۷۹	۱۹۵	۱۸۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
رستمکندی	۱۱	۶۳	۳۶	۲۷
زربیل	۴۰	۲۲۸	۱۱۷	۱۱۱
زیارلو	۱۱	۸۲	۴۸	۳۴
ساری بیگلو	۳۵	۲۰۳	۱۰۰	۱۰۳
ساری یاتاق	۹	۵۹	۳۲	۲۷
سراجو	۲۴	۱۲۱	۶۲	۵۹
سراملو	۳۹	۲۰۷	۱۰۹	۹۸
سردارآباد	۴۰	۲۰۶	۱۱۳	۹۳
سیدلرسفلی	۵۳	۲۴۴	۱۲۹	۱۱۵
سیدلرعلیا	۳۲	۱۴۹	۷۶	۷۳
سیرك	۱۷	۸۱	۴۳	۳۸
شاملو	۴۹	۳۳۳	۱۶۰	۱۷۳
شاه‌بداغلو	۲۴	۱۴۱	۷۱	۷۰
شاه‌ولی	۱۷	۹۹	۵۳	۴۶
شاه‌یوردی	۱	۲	۲	۰
شجاع‌خانلو	۲۷	۱۵۱	۸۴	۶۷
شرفه	۵۵	۲۶۴	۱۴۷	۱۱۷
شیخلان	۳۹	۲۰۱	۹۸	۱۰۳
شیخملو	۱۵	۸۹	۴۴	۴۵
صفی‌خانلو	۶۴	۳۳۲	۱۷۸	۱۵۴
صلاح پیه‌سی	۱۹	۹۰	۴۸	۴۲
عبدالرزاق	۶۳	۳۳۵	۱۷۹	۱۵۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عرب‌شاه‌خان	۱۰۹	۵۹۰	۳۲۰	۲۷۰
عربشاه‌درق	۳۳	۱۶۵	۹۰	۷۵
عزیزبیگلو	۵	۳۱	۱۶	۱۵
عطالو	۲۵	۱۳۸	۷۵	۶۳
علولوعلیا	۵۱	۲۴۶	۱۴۲	۱۲۲
علویرای‌دوشاغی	۵۵	۳۳۹	۱۷۰	۱۶۹
علیشاری	۱۲	۵۱	۲۱	۳۰
علی‌خانلو	۲۱	۱۴۲	۷۷	۶۵
عمران‌آباد	۷	۳۷	۱۷	۲۰
عنابلو	۳۳	۱۸۸	۹۵	۹۳
غران‌چایکندی	۱۲	۷۴	۳۴	۴۰
غمش‌عونی	۱	۴	۲	۲
فتحعلی سلطانلو	۴۱	۲۱۶	۱۱۵	۱۰۱
فرهادلو	۳۱	۱۹۶	۱۰۵	۹۱
قارلوجه	۶۸	۴۰۹	۲۲۱	۱۸۸
قانلو	۱۵	۷۵	۴۱	۳۴
قره‌آغاج	۶	۳۲	۱۶	۱۶
قره‌باجانلو	۲۸	۱۳۷	۶۵	۷۲
قره‌خانلو	۴۷	۲۵۰	۱۲۵	۱۲۵
قره‌داقلو	۵۶	۲۹۲	۱۲۰	۱۵۳
قره‌قاباق سفلی	۴۲	۲۱۷	۲۵۶	۹۷
قرقابان‌علیا	۳۹	۲۱۷	۱۱۷	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل‌یول	۵۹	۳۱۷	۱۵۵	۱۶۲
قشلاق خلفبیگلو	۲۲	۱۹۲	۱۱۳	۷۹
قشلاق‌علی‌یارلو	۴۲	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
قشلاق نجف	۳۹	۱۸۲	۱۰۵	۷۷
قلعه کندی	۸۰	۳۶۰	۱۷۶	۱۸۴
قلیانساز	۱۶	۸۴	۵۰	۳۴
قلی‌بگلو	۵۷	۲۸۱	۱۵۲	۱۲۹
قورتلوجه‌سلفی	۳۸	۱۸۹	۱۰۹	۸۰
قورتلوجه‌علیا	۳۷	۲۱۲	۱۱۶	۹۶
قوشابلاغ	۴۶	۲۱۰	۱۱۳	۹۷
قوشچی	۳۲	۱۶۵	۸۳	۸۲
قوشچی‌بایرام‌خواجه	۴۱	۲۳۸	۱۱۵	۱۲۳
قوش‌قیه‌سی	۴۵	۲۶۶	۱۴۵	۱۲۱
قوطورلو	۲۵	۱۲۸	۶۲	۶۶
قویطول	۱۴	۱۰۰	۴۴	۵۶
قیه‌باشی	۱۵۱	۷۴۸	۳۸۳	۳۶۵
کاغلوگوزلو	۳۲	۱۸۹	۹۰	۹۹
کدخدالو	۴۱	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
کلان	۵۰	۲۸۷	۱۴۹	۱۳۸
کلانتر	۹۱	۴۶۳	۲۳۷	۲۲۶
کمان	۲۷	۱۶۳	۸۱	۸۲
کمسالار	۱۹	۱۲۶	۶۰	۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کیقباد	۴۹	۲۸۲	۱۵۲	۱۳۰
کدایلو	۴۳	۲۴۴	۱۳۴	۱۱۰
گدوکلو	۱۶	۸۷	۳۷	۵۰
گردهزایلی	۴۰	۲۱۵	۱۱۷	۹۸
گوزللی	۳۷	۲۶۱	۱۴۳	۱۱۸
گون گورمز	۷۰	۳۷۰	۱۹۱	۱۷۹
گویاغاج	۳۱	۱۶۵	۸۳	۸۲
للهلو	۱۷	۹۰	۵۱	۳۹
لمهدرقساریدرق	۲۷	۱۲۰	۶۸	۵۲
لاریجان	۱۰۶	۵۰۶	۲۶۲	۲۴۴
متعلق	۶۰	۲۹۱	۱۴۹	۱۴۲
محبعلیلو	۱۱	۶۵	۲۹	۳۶
محمدان	۲۰	۱۲۷	۷۱	۵۶
محمدحسنلو	۱۲	۶۵	۳۲	۳۳
محمدصلاحلو	۳۸	۱۵۲	۸۴	۶۸
محمدلو	۴	۲۷	۱۵	۱۲
محمودآباد	۸۳	۳۹۹	۲۲۷	۱۷۲
محمودعلیلو	۷	۵۳	۲۸	۲۵
مزرعه	۱۵	۶۸	۳۲	۳۶
مزرعه بورچه	۳۹	۲۱۲	۱۰۸	۱۰۴
مزرعه شاملو	۱۱	۷۳	۳۲	۴۱
ملالو	۶	۳۶	۲۱	۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مولان	۱۷۹	۹۲۱	۴۶۱	۴۶۰
میاندرق	۶۹	۳۵۱	۱۸۸	۱۶۳
هاشم‌آباد	۲۲	۱۱۹	۶۰	۵۹
همراهلو	۶	۴۰	۲۱	۱۹
همو	۲۳	۱۲۳	۶۸	۵۵
یلدره‌سی	۹	۶۰	۳۶	۲۴
جمع دهستان گرمادوز	۶۲۵۰	۳۳۷۱۷	۱۷۶۲۶	۱۶۰۹۱
احمدآباد	۲۵	۱۲۳	۶۷	۵۶
اسکلو	۱۱۶	۵۲۱	۲۶۸	۲۵۳
اغویه	۵۴	۳۱۰	۱۶۲	۱۴۸
ایینه‌لو	۲۴	۱۳۸	۶۸	۷۰
بالان	۲۸	۱۶۲	۷۵	۸۷
برزندیق	۶۰	۲۹۱	۱۶۴	۱۲۷
جند	۴۰	۲۳۵	۱۲۸	۱۰۷
چریق	۱۲	۶۶	۳۱	۳۵
ساریدرق	۳۶	۱۸۳	۱۰۶	۷۷
شهریق	۲۸	۱۸۶	۱۰۵	۸۱
شیرنق	۱۹	۹۳	۴۱	۵۲
علویق	۳۲	۱۷۱	۹۲	۷۹
علی‌آباد	۳۴	۱۸۱	۹۶	۸۵
قره‌گونی	۱۶	۷۸	۳۷	۴۱
کاردجین	۱۹	۱۰۹	۵۶	۵۳

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
کرسفلی	۲۷	۱۴۶	۸۰	۶۶
کرعلیا	۳۷	۱۹۴	۱۰۵	۸۹
کلشلو	۱۵	۱۳۳	۶۰	۵۳
کوغمه	۲۸	۱۶۰	۸۹	۷۱
گرمناب	۳۱	۱۵۶	۶۵	۹۱
گویران	۱۴	۹۸	۴۹	۴۹
لته‌ده	۲۴	۱۱۸	۶۱	۵۷
محمودآباد	۸۳	۴۰۵	۲۰۹	۱۹۶
مرزرود	۱۳۲	۵۳۶	۲۶۱	۲۷۵
مزگر	۷۷	۴۰۰	۱۹۴	۲۰۶
مکیدی	۴۴	۲۲۵	۱۱۶	۱۰۹
ناپشته	۱۷	۸۶	۴۷	۳۹
رایقان	۹۱	۴۷۵	۲۰۴	۲۷۱
هجران دوست	۸۴	۴۲۳	۲۱۲	۲۱۱
هجق‌سفلی	۱۵	۷۸	۳۶	۴۲
هجق‌علیا	۶	۳۸	۱۹	۱۸
ینگین‌قشلاق	۳۲	۱۳۷	۷۱	۶۶
جمع دهستان‌میشه‌پاره	۱۳۰۰	۶۶۳۴	۳۳۷۴	۳۲۶۰
آسایشگاه مجذومین	۱	۵۵۰	۳۶۹	۱۸۱
استیار	۳۱	۱۶۰	۸۶	۷۴
اغاج اوغلو	۳۷	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
اغداش	۳۸	۲۰۷	۱۱۷	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
افشرد	۱۱۶	۵۷۶	۲۹۳	۲۸۳
امند	۷۶	۴۶۸	۲۵۴	۲۱۴
باجه باج	۱۱۷	۶۲۶	۳۲۸	۲۹۸
بشیر	۷۸	۴۴۸	۲۲۸	۲۲۰
پاگچین	۳۸	۲۱۰	۱۱۳	۹۷
تازه کندسرند	۶۶	۳۳۸	۱۷۲	۱۶۶
تازه کند نهند	۳۷	۱۹۷	۱۰۴	۹۳
چمن زمین	۴۵	۲۶۷	۱۴۹	۱۱۸
حسین‌آباد	۳۳	۱۷۷	۹۶	۸۱
حشمت‌آباد	۱۶	۸۵	۴۶	۳۹
خواجه	۳۵۱	۱۹۴۷	۱۰۳۴	۹۱۳
دغدغان	۶۸	۳۱۳	۱۶۵	۱۴۸
دیبگلو	۹۹	۵۴۶	۲۸۴	۲۶۲
دیزج‌ور	۱۴	۹۰	۴۷	۴۳
سرخه‌گاو	۶۰	۳۲۴	۱۵۹	۱۶۵
سرند	۱۵۰	۸۴۰	۴۳۹	۴۰۱
سفیدان عتیق	۱۵۶	۸۴۳	۴۳۹	۴۰۴
سول درق	۹	۴۸	۲۶	۲۲
سولوجه	۹	۵۳	۲۷	۲۶
شالی	۱۶	۱۱۱	۵۹	۵۲
عباس‌آباد	۹۰	۵۱۲	۲۷۰	۲۴۲
قشلاق بالا	۲۶	۱۳۷	۸۰	۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق‌پائین	۴۹	۲۸۸	۱۵۸	۱۳۰
قلعه‌لر	۴۱	۲۵۸	۱۳۱	۱۲۷
قهوه‌خانه شوردره	۱	۲	۲	۰
کردلر	۲۱	۱۴۲	۸۰	۶۲
کنزق	۲۶	۱۸۵	۹۱	۹۴
کهلیکبلاغی	۱۶	۸۵	۴۳	۴۲
گلزار	۲۵	۱۱۷	۶۶	۵۱
گلوجه	۸۹	۴۳۰	۲۴۵	۱۸۵
گمند	۶۳	۳۷۲	۱۸۱	۱۹۱
گورچین	۳۴	۱۶۴	۷۶	۸۸
گویج	۱۹۹	۱۰۸۷	۵۴۴	۵۴۳
محمودآباد	۴۹	۲۱۷	۱۱۳	۱۰۴
مرناب	۱۰	۴۶	۲۲	۲۴
مشیرآباد	۴۵	۲۳۵	۱۲۹	۱۰۶
نهند	۲۵۷	۱۲۶۷	۶۹۵	۵۷۲
نیجران	۵۱	۲۷۲	۱۴۹	۱۲۳
ونیار	۱۴	۹۳	۴۹	۴۴
هرزندیق	۳۹	۲۲۹	۱۱۸	۱۱۱
هندوان	۱۰۶	۵۳۶	۲۷۱	۲۶۵
هیق	۱۳۷	۷۵۶	۳۹۳	۳۶۳
ینگی اسپران	۲۴۶	۱۳۹۲	۷۲۸	۶۶۴
جمع دهستان مواضع خان	۳۲۹۵	۱۸۴۷۳	۹۷۸۰	۸۶۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ابراهیمبگلو	۱٤	٦۰	۳۵	۲۵
ابراهیمسمیع	۵٤	۲۵۰	۱۳۲	۱۱۸
ابریق جدید	۳٦	۱۸۲	۸٤	۹۸
احمدلو	٤۱	۲۲۵	۱۰۹	۱۱٦
الهرد	٤۵	۲۲۱	۱۱۱	۱۱۰
الاجوجه	۳۰	۱۵۲	٦۹	۸۳
اوزان	٤۳	۱۸۱	۹٦	۸۵
ایلانکش	۲۳	۱٤۰	۷۵	٦۵
باباعیلو	۱۷	۹۳	۵۷	۳٦
برزگر	۱۷	۸٤	٤۰	٤٤
بویدوز	۱۷	۷۳	۳۸	۳۵
بهروز	۳۳	۱۷۰	۷۷	۹۳
پسیان	۲۰	۱۰۵	۵۰	۵۵
تاتارسفلی	٤۹	۲۵۸	۱۳٦	۱۲۲
تاتارعلیا	۵۰	۲۳۹	۱۳۱	۱۰۸
تازه کند	٤	۲٤	۸	۱٦
تازه کند	۲۹	۱۷۵	۸۵	۹۰
توعلی سفلی	۵۱	۲۹۲	۱۵۷	۱۳۵
توعلی علیا	٦۱	۳۵۱	۱۸٤	۱٦۷
تیموربگلو	٦	۲٦	۱۲	۱٤
جانانلو	۹۷	٤٦۱	۲٦۳	۱۹۸
جعفرآباد	۱۵	۷٤	۳۵	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
چوپه درق	۲۳	۱۱۶	۶۸	۴۸
حیدرکانلو	۷۳	۴۴۶	۲۳۵	۲۱۱
داراغزی	۱۷	۱۰۵	۵۱	۵۴
داش اراسی	۱۹	۱۰۹	۴۲	۶۷
داش‌باشی	۲۹	۱۲۶	۶۷	۵۹
دره‌جیك	۱۵	۹۱	۴۷	۴۴
دریلو	۴۹	۲۷۰	۱۴۰	۱۳۰
دولاب	۱۳	۷۴	۴۰	۳۴
ساری جالو	۴۹	۲۵۰	۱۴۲	۱۰۸
سوتن	۷۷	۳۸۸	۱۹۸	۱۹۰
شجاعیلو	۵۲	۲۷۳	۱۴۷	۱۲۶
شیخ حسینلو	۴۵	۲۲۹	۱۰۴	۱۲۵
صادق بگلو	۲۰	۹۵	۴۳	۵۲
عاشقلو	۷۵	۳۵۴	۱۷۳	۱۸۱
عباس‌آباد	۵۱	۲۸۳	۱۳۱	۱۵۲
قاقالو	۲۷	۱۵۲	۹۰	۶۲
قره توپراغ	۱۰	۴۹	۲۳	۲۶
قره تیکانلو	۱۲	۵۶	۲۹	۲۷
قره قوچ	۲۵	۱۳۶	۵۷	۷۹
قره‌قوچ مین‌باشی	۳	۱۷	۸	۹
کشیش قشلاقی	۱۷	۹۰	۴۲	۴۸
کلاله سفلی	۲۳	۱۲۱	۵۰	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاله علیا	۱۸	۱۰۶	۵۱	۵۵
کنزرود	۲۴	۱۱۴	۶۳	۵۱
کورزه	۴۵	۲۶۳	۱۴۶	۱۱۷
گندمنان	۱۴	۶۷	۲۹	۳۸
لمه ارامنه	۲۳	۱۳۴	۶۱	۷۳
لمه‌اسلام	۲۳	۱۳۰	۶۴	۶۶
محمودکاغی	۲۱	۱۳۶	۷۹	۵۷
مسجدلو	۲۶	۱۴۳	۷۶	۶۷
مشهد حسنلو	۳۲	۱۹۲	۸۹	۱۰۳
مفروضلو	۶۰	۳۱۵	۱۶۹	۱۴۶
وینق	۶۶	۳۹۹	۱۸۵	۲۱۴
همان	۱۸	۸۱	۴۰	۴۱
یوسفلو	۲۷	۱۴۱	۶۷	۷۴
جمع دهستان منجوان	۱۸۷۳	۹۸۸۷	۵۰۳۰	۴۸۵۷
تورانچه	۴۸	۲۷۶	۱۴۹	۱۲۷
حسین کندی	۲۳	۱۳۷	۶۷	۷۰
داش بلاغ	۱۹	۱۲۳	۶۲	۶۱
داش بولاغ مغار	۲۵	۱۳۴	۷۵	۵۹
دوستبیگلو	۴۶	۲۹۶	۱۴۶	۲۵۰
دوشدور	۱۰۱	۵۲۶	۲۶۸	۲۵۸
سوتات	۱۳	۵۵	۲۷	۲۸
سیدقشلاقی	۷	۳۴	۲۰	۱۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شوره‌ناپ	۱۲	۷۱	۴۴	۲۷
شیشه	۴۱	۲۶۰	۱۴۴	۱۱۶
قره‌قشلاق	۱۵	۱۰۳	۶۱	۴۲
قشلاق قلعه‌جیك	۷	۳۲	۱۸	۱۴
گل‌لر	۲۱	۱۰۹	۵۹	۵۰
مغار	۱۰	۶۴	۳۴	۳۰
وجنی	۵۶	۳۰۵	۱۵۸	۱۴۷
ورگهان	۱۸۵	۹۳۲	۵۰۰	۴۳۲
هلان	۸	۴۹	۲۸	۲۱
جمع دهستان ورگهان	۶۳۷	۳۵۰۶	۱۸۶۰	۱۶۴۶
اکبر کندی	۲۱	۱۱۸	۶۵	۵۳
بالان‌صفرعلی	۴۰	۱۹۲	۹۲	۱۰۰
باندلو	۹	۴۷	۲۲	۲۵
برجلو	۱۰	۵۸	۳۷	۲۱
پشتاب	۶۱	۲۹۲	۱۵۹	۱۳۳
تازه کند	۵	۳۱	۱۷	۱۴
جاپان	۷	۴۳	۲۳	۲۰
چرچر	۵	۳۵	۱۷	۱۸
چرچلو	۵۷	۲۸۳	۱۴۵	۱۳۸
دلقناب	۳۴	۱۵۷	۸۶	۷۱
دومولی	۳۸	۲۸۷	۱۵۱	۱۳۶
دیکدرق	۳۰	۱۳۵	۷۹	۵۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زاوین‌سنگ	۷۶	۳۸۵	۲۱۲	۱۷۳
زاویه‌قشلاق	۵۰	۲۳۶	۱۲۱	۱۱۵
شغلان	۳۲	۱۸۲	۹۴	۸۸
علی‌محمددرسی	۳	۱۷	۱۱	۶
قتانلو	۶۷	۲۶۷	۱۴۵	۱۲۲
قره‌آغاج	۱۲۴	۶۱۱	۳۲۰	۲۹۱
قره‌اغاج پشتقلی	۴۸	۲۵۲	۱۷۷	۱۲۵
قورتتپه	۱۰۷	۵۸۲	۳۹۷	۲۸۵
کره‌میدان	۱	۴	۲	۲
کره‌ناب	۵	۲۷	۱۵	۱۲
کله‌دیگه	۲	۱۳	۶	۷
کنجوبه	۱۸۴	۸۲۴	۴۲۹	۳۹۵
کرده‌کل	۲۴	۱۲۷	۶۵	۶۲
کنبران	۱۹	۹۳	۴۸	۴۵
گولان	۴۸	۲۴۹	۱۳۰	۱۱۹
لقلان	۳۹	۱۹۸	۹۹	۹۹
لولی‌بلاغ	۳۱	۲۱۰	۱۰۹	۱۰۱
مشیران	۹۱	۵۲۵	۲۷۵	۲۵۰
ملك‌خاص	۲۲	۱۱۲	۱۴	۴۸
ملاحونی	۲۷	۱۴۵	۸۷	۵۸
نقدی	۶	۲۱	۱۵	۱۱
نواسر	۷۴	۴۱۹	۲۲۷	۱۹۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نیازقلی	۳۱	۱۸۱	۱۰۰	۸۱
ویژه‌ناب	۳۵	۱۷۱	۱۰	۸۱
هرسپاه	۱۸	۸۷	۵۱	۳۶
جمع دهستان بافت	۱۴۸۱	۷۶۴۱	۴۰۳۲	۳۵۸۹
اتمیان سفلی	۴۱	۲۲۲	۱۱۹	۱۰۳
اتمیان علیا	۳۰	۱۸۶	۹۲	۹۴
اتمیان وسطی	۴۸	۲۳۸	۱۳۱	۱۰۷
اجیر آباد	۱۲۱	۷۰۳	۳۷۳	۳۳۰
اردلان	۲۱۷	۱۱۷۰	۵۸۷	۵۸۳
ارزنق	۲۳۴	۱۲۹۳	۶۶۱	۶۳۲
اسدالله کنی	۲	۲۰	۱۰	۱۰
اسنق	۳۴۱	۱۸۲۴	۹۴۷	۸۷۷
الان	۳۶۷	۲۰۹۴	۱۱۱۶	۹۷۸
باروق	۱۸۱	۹۷۳	۵۰۲	۴۷۱
برآغوش	۳۶۲	۲۰۷۷	۱۰۳۰	۱۰۴۷
بهمن آباد	۲۴	۱۷۷	۵۹	۵۸
تازه کند	۱۳	۸۲	۴۲	۴۰
تلخاب	۱۲	۵۰	۲۹	۲۱
جمارآباد	۲۴۸	۱۴۳۱	۷۳۹	۶۹۲
دمیرجی	۱۷۲	۹۶۶	۵۱۰	۴۵۶
دیجان (دجان)	۹۵	۵۴۷	۲۸۵	۲۶۲
دیزج شور	۶۰	۳۱۵	۱۶۵	۱۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیلمشانه	۳۰	۱۹۵	۹۱	۱۰۴
رجل آباد	۷۲	۴۲۹	۲۲۰	۲۰۹
زرنق	۶۶۶	۳۵۲۰	۱۷۱۶	۱۸۰۴
زنجیل آباد	۶۵	۳۳۶	۱۸۳	۱۵۳
سیه دولان	۶۳	۳۴۶	۱۷۲	۱۷۴
شاه باغی	۲۱۰	۱۰۴۷	۵۳۷	۵۱۰
صومعه (صوما)	۲۱۰	۱۰۴۰	۵۲۷	۵۱۳
قاسمکندی(گلی‌کندی)	۵	۲۷	۱۴	۱۳
قره‌بلاغ	۲۶	۱۵۸	۸۴	۷۴
قزلجه خرابه	۸۴	۵۲۰	۲۶۱	۲۵۹
قزلجه سادات	۹۷	۵۴۴	۳۰۳	۲۴۱
قیصریه	۳۳۳	۱۷۸۰	۹۰۲	۸۷۸
کرمجوان	۱۵۲	۹۷۴	۴۹۹	۴۷۵
کیوج	۲۳۲	۱۴۱۳	۷۰۳	۷۱۰
مهربان	۸۴۸	۴۹۰۲	۲۴۲۷	۲۴۷۵
نرمیق(نرمی)	۳۶	۲۰۰	۹۹	۱۰۱
جمع دهستان آلان بر آغوش	۵۶۹۷	۳۱۷۳۹	۱۶۱۳۵	۱۵۶۰۴
اربط	۱۰۷	۴۹۹	۲۶۶	۲۳۳
اسفنجان	۳۹۸	۲۰۰۰	۱۰۴۹	۹۵۱
اسکندان	۱۵۴	۷۲۳	۳۷۵	۳۴۸
اشستان	۹۶	۴۴۱	۲۳۴	۲۰۷
اقچه کهل	۶۲	۲۹۱	۱۳۶	۱۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امقان	۱۵۲	۶۳۶	۳۳۳	۳۰۳
اوچ تپه	۱۵	۸۳	۴۳	۴۰
باویل سفلی	۲۸۵	۱۳۵۶	۶۸۵	۶۷۱
باویل علیا	۲۱۱	۱۰۲۶	۵۱۱	۵۱۵
چراغیل	۷۲	۳۲۰	۱۶۴	۱۵۶
عنصرود	۲۵۶	۱۳۳۱	۷۱۳	۶۱۸
قندیلو	۷۶	۳۵۵	۱۷۴	۱۸۱
کرد آباد	۱۴۵	۷۹۳	۴۱۷	۳۶۷
کلجاه	۳۵۰	۱۶۸۳	۸۲۵	۸۵۸
کندجان (کندوان)	۱۵۷	۷۴۴	۳۷۷	۳۶۷
کوشن	۳	۱۶	۱۱	۵
کوه‌دل	۴۸	۲۴۴	۱۳۲	۱۱۲
کهنمو	۲۸۲	۱۳۶۵	۶۸۶	۶۷۹
گنبرف	۲۵۳	۱۳۷۸	۷۰۵	۶۷۳
مجارشین	۱۸۷	۸۶۵	۴۵۷	۴۰۸
جمع دهستان اسکو	۳۳۰۹	۱۶۱۴۹	۸۲۹۳	۷۸۵۶
امیردیزج (آلکوزه)	۱۰۷	۶۳۸	۳۴۷	۲۹۱
تاج‌الدین	۱۵	۱۰۰	۵۶	۴۴
ترشکوه	۸	۳۴	۱۹	۱۵
چهارروی	۸۷	۶۰۵	۳۲۶	۲۷۹
خان‌امیر	۱۴۷	۷۹۱	۴۳۰	۳۶۱
خراجو	۲۴	۱۲۹	۶۹	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
داش‌المالو	۹۶	۵۴۲	۲۹۳	۲۴۹
دین‌آباد	۱۰۹	۶۳۵	۳۴۳	۲۹۲
صفایش	۷۳	۳۹۳	۲۰۰	۱۹۳
قاضی‌کند	۱۶	۱۰۲	۵۲	۵۰
قدمگاه	۶۶	۳۷۱	۲۰۱	۱۷۰
قرمزگل	۴۸	۲۷۶	۱۴۷	۱۲۹
قوشقرا (قوشتار)	۲۴	۱۲۸	۵۹	۶۹
کلوانق (کلوانا)	۴۵	۲۴۰	۱۱۹	۱۲۱
گواهر	۱۸	۱۰۶	۵۲	۵۴
نادلو	۲۱۰	۱۱۲۹	۵۹۷	۵۳۲
هرکلان علیا و سفلی	۲۸۰	۱۸۷۱	۹۹۲	۸۷۹
یایجی	۹۰	۵۶۸	۲۹۷	۲۷۱
ینگجه	۳۲۳	۱۵۷۱	۸۰۷	۷۶۴
جمع دهستان آذرشهر	۱۷۸۷	۱۰۲۲۹	۵۴۰۶	۴۸۲۳
احمدآباد (لیغلی)	۲۵	۱۶۶	۹۰	۷۶
احمدآباد شهرك	۶۵	۴۱۶	۲۱۴	۲۰۲
اربطان	۲۷۰	۱۴۰۸	۷۰۱	۷۰۷
اسبخان	۲۵	۱۵۹	۷۶	۸۳
آقاعلیلو	۵۵	۲۹۵	۱۳۲	۱۶۳
الباوت	۱۱	۵۳	۲۹	۲۴
بزوان	۷۷	۴۳۶	۲۱۳	۲۳۳
بلوردی	۱۶۲	۸۴۸	۴۶۱	۳۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جانقور	۱۳۲	۶۰۸	۳۲۰	۲۸۸
جغناب	۸۱	۴۹۶	۲۵۴	۲۴۲
جیقه	۲۴۸	۱۳۴۱	۶۷۶	۶۶۵
خرمالو	۱۳۲	۶۸۰	۳۴۹	۳۳۱
خلج	۳۰	۱۶۰	۸۱	۷۹
ساخسلو	۳۷	۱۹۶	۱۱۵	۸۱
سرای	۳۰۶	۱۶۷۷	۸۶۰	۸۱۷
شاملو	۵۷	۳۲۹	۱۶۳	۱۶۶
شهرك پائین	۱۵۵	۸۹۷	۴۶۶	۴۳۱
شهسواری	۸۰	۴۵۴	۲۲۸	۲۲۶
شیخ رجب	۸۸	۴۷۶	۲۵۰	۲۲۶
صومعه	۷۰	۳۸۴	۱۹۹	۱۸۵
طرف	۴۸	۲۳۸	۱۱۸	۱۲۰
عبدالجبار	۹۲	۴۹۱	۲۴۹	۲۴۲
قنراجه	۱۶۴	۸۷۸	۴۴۹	۴۲۹
قره‌دره (احمدآباد)	۱۰	۶۳	۳۷	۲۶
قره‌گونیر	۲۲	۱۳۸	۷۱	۶۷
قزقاپان	۳۲	۱۹۱	۸۹	۱۰۲
گلدیر	۱۱۳	۶۴۵	۳۵۷	۲۸۸
گوید رق تازه کند	۲۲	۱۳۶	۷۲	۶۴
مرکید	۹۸	۵۲۰	۲۵۸	۲۶۲
مقصود لو	۱۵۷	۹۰۶	۴۹۴	۴۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
میان بازار	۳۵	۲۱۶	۱۱۲	۱۰۴
مینق	۳۱۸	۱۶۶۱	۸۶۱	۸۰۰
نمرور	۲۶۷	۱۳۴۵	۷۰۹	۶۳۶
ولیلو	۱۱۴	۶۷۵	۳۴۱	۳۳۴
یارام	۱۳۹	۷۲۲	۳۸۰	۳۴۲
ینگجه	۳۰	۲۱۷	۱۰۸	۱۰۹
جمع دهستان بدوستان	۳۷۶۷	۲۰۵۲۱	۱۰۵۸۲	۹۹۳۹
ابریز (آوروز)	۱۱۴	۶۱۴	۳۱۷	۲۹۷
ابواسحاق	۲۳	۱۶۲	۸۹	۷۳
اتاجان	۳۹	۲۳۸	۱۱۳	۱۲۵
اتباتان	۷۹	۴۳۵	۲۳۹	۱۹۶
اسکی کند	۹۳	۴۹۳	۶۶۶	۲۲۷
اشرف آباد	۲۸	۱۳۷	۷۰	۶۷
اغچه کحل	۳۹	۲۲۷	۱۱۵	۱۱۲
اغور آباد	۱۳۰	۷۱۳	۳۷۷	۳۳۶
انبازدان	۲۱۱	۱۱۵۴	۵۹۲	۵۶۲
ازجان (انارجان)	۵۶	۳۴۷	۱۸۴	۱۶۳
بستان آباد سفلی	۳۲۷	۱۹۲۵	۹۸۰	۹۴۵
بستان آباد علیا	۱۷۴	۱۰۷۹	۵۶۲	۵۱۷
بنه کهل	۱۷۹	۹۹۱	۵۱۹	۴۷۲
بهجت آباد (بچه آباد)	۴۸	۲۷۷	۱۳۶	۱۴۱
پاشیزاوجان	۹۳	۵۲۰	۲۸۴	۲۳۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۳۰	۱۷۶	۹۰	۸۶
چوقان	۳۳	۲۲۱	۱۱۹	۱۰۲
چرزه خون	۱۲۹	۶۲۸	۳۰۷	۳۲۱
حاجی آقا	۲۱۱	۱۰۵۵	۵۵۷	۴۹۸
خشندرق	۶۴	۳۷۵	۱۸۹	۱۸۶
خلیله ده	۴۳	۲۵۰	۱۲۵	۱۲۵
خیرآباد	۳۶	۲۱۲	۱۰۴	۱۰۸
زکلوجه	۶۲	۴۲۱	۲۳۱	۱۹۰
زیرکان	۳۹	۲۴۳	۱۳۴	۱۰۹
سرچشمه	۱۱۴	۶۸۸	۳۵۶	۳۳۲
سین‌آب	۶۵	۳۰۴	۱۵۳	۱۵۱
شیروانه ده	۱۴۷	۹۱۶	۴۷۱	۴۴۵
طوراتپه (طورآتای)	۶۹	۳۷۷	۱۹۲	۱۸۵
علی‌آباد	۳۲	۱۹۷	۱۰۹	۸۸
عین الدین	۱۷۰	۹۷۰	۵۱۹	۴۵۱
قرونا	۴۷	۲۶۳	۱۴۰	۱۲۳
قره بابا	۲۱۵	۱۲۱۴	۶۲۵	۵۸۹
قره کوره	۱۶	۱۰۰	۴۹	۵۱
قلعه	۳۹	۲۲۰	۱۲۸	۹۲
قلعه علیا	۵۵	۳۰۹	۱۵۷	۱۵۲
قورولو	۹۲	۴۹۴	۲۷۸	۲۱۶
قوز لوجه	۲۵	۱۵۵	۸۲	۷۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلو	۸۱	۴۹۳	۲۶۴	۲۲۹
کنگرلو	۵۳	۳۰۸	۱۶۴	۱۴۴
گل قاسم(قول قاشم)	۶۲	۳۴۵	۱۷۳	۱۷۲
گورچین	۴۸	۲۴۰	۱۲۷	۱۱۳
نوشهر	۱۰۴	۶۳۴	۳۴۷	۲۸۷
هلان	۸۵	۴۹۹	۲۵۸	۲۴۱
ینگجه (ینجه)	۳۳	۱۶۷	۹۵	۷۲
جمع دهستان بستان آباد	۳۸۳۲	۲۱۷۸۶	۱۱۳۸۶	۱۰۴۰۰
بارنج (بارش)	۳۳۵	۱۷۰۵	۸۹۳	۸۱۲
باسمج(واشمس)	۸۸۶	۴۶۶۱	۲۴۰۵	۲۲۵۶
باغ یعقوب	۲۰	۹۶	۵۲	۴۴
چوان	۱۳۴	۶۶۸	۳۴۸	۳۱۹
حاجی عبدال	۵۶	۲۷۲	۱۳۹	۱۳۳
دیزج لیلی خانی	۲۸۵	۱۵۹۳	۸۱۹	۷۷۴
زرنق	۱۵۱	۸۴۴	۴۵۳	۳۹۱
شادباد علیا(شلوارجیق)	۱۰۱	۵۹۵	۳۰۰	۲۹۵
شادباد مشایخ (پینه شلوار)	۳۱۰	۱۶۷۸	۸۹۹	۷۳۸
شاهگلی (استخر شاه)	۱۲۷	۶۹۹	۳۶۱	۱۴۸
طویقون	۲۶	۱۷۵	۹۳	۸۲
فتح‌آباد (پتاوا)	۹۳	۵۳۳	۲۶۹	۲۶۴
کرکج	۱۰۲	۶۱۰	۳۱۱	۲۹۹
کندرود	۲۲۶	۱۳۴۰	۶۹۴	۶۴۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان باسمنج	۲۸۵۲	۱۵۴۶۹	۸۰۳۷	۷۴۳۲
خامنه	۴۶۷	۲۴۰۸	۱۱۴۷	۱۲۶۱
داریان (دریان)	۴۷۹	۲۶۰۹	۱۲۹۴	۱۳۱۵
شندآباد	۴۹۹	۲۶۵۳	۱۳۶۶	۱۲۸۷
شنکل‌آباد	۵۸	۲۸۸	۱۵۸	۱۳۰
مرادآباد	۴۱۳	۲۲۸۷	۱۱۵۶	۱۱۳۱
جمع دهستان خامنه	۱۹۶۱	۱۰۲۴۵	۵۱۲۱	۵۱۲۴
اخوله	۱۱۷	۷۲۵	۳۷۷	۳۴۸
ایلخچی	۷۵۷	۴۰۹۱	۲۰۸۳	۲۰۰۸
بارانلوم	۶۶	۴۰۰	۲۱۲	۱۸۸
بایرام	۲۴۲	۱۱۲۴	۵۵۴	۵۷۰
بیگلو (بگل)	۲۴	۱۶۱	۷۶	۸۵
تازه کند	۸۳	۶۵۸	۳۳۷	۳۲۱
حسن‌آباد	۹	۵۰	۳۳	۱۷
خاص‌آباد(خاص وان)	۶۲	۳۴۹	۱۸۴	۱۶۵
خاصه لر	۵۲	۳۴۰	۱۸۷	۱۵۳
خورخور	۸۸	۴۰۵	۲۱۸	۱۸۷
دیزج	۳۵۷	۱۷۵۱	۹۳۰	۸۲۱
زینل اغاج	۷۶	۳۸۲	۲۰۹	۱۷۳
ساتلو (ختای)	۷۱	۳۷۱	۱۸۰	۱۹۱
سرکند یزج	۶۹	۳۵۷	۱۸۸	۱۶۹
شللو	۲۰	۹۴	۴۴	۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عباس‌آباد (خانوخ)	۱۳	٤۳	۲۵	۱۸
علی‌آباد	۱۲	۷٤	۳۸	۳٦
قره تپه (قشلاق)	۲۵	۱۵٤	۸٤	۷۰
قزل دیزج	٦۲	۳۹۲	۲۱۸	۱۷٤
قشلاق	۱٦	۸۹	٤۷	٤۲
کرد لر	۱۷٤	۱۰۲۱	۵۲۲	٤۹۹
گلشنی	۵	۳٤	۱٦	۱۸
لاهیجان	۱۰۹	۵۹٦	۳۱۳	۲۸۳
مرجان لو(میرجانی)	۲۳	۱۳۳	٦۷	٦٦
مهدی نیا(مهدی‌فی)	۳۹	۲۰۹	۱۰۵	۱۰٤
نوجه ده (نوده)	۱۳۵	٦۹۰	۳٦۰	۳۳۰
هزه‌بوران	۱۲۷	۵۷٤	۳۰۹	۲٦۵
ینگی کند	۸٦	۵۰۷	۲۵۹	۲٤۸
جمع دهستان خسروشاه	۲۹۱۹	۱۵۸۷٤	۸۱۷۵	۷۵۹۹
اخ ماقایه	۲۹٤	۱۵۸۷	۸٤۷	۷٤۰
اردوی‌کاتبریز	٤	۲۸۸	۲۱۲	۷٦
اسپس	۳۱	۱٤۱	۷٤	٦۷
الوار سفلی	۱٤٦	۸۹۲	٤۵۹	٤۳۳
الوارعلیا(الوار)	۵۲	۳۵۳	۱۷۵	۱۷۸
اناخاتون	٦۹	٤۱۱	۲۰۳	۲۰۸
باغ‌معروف(بامعروف)	۱۰۷	۵۷۳	۳۱۲	۲٦۱
خلجان	۸۳۳	٤۱٤٤	۲۱۵۵	۱۹۸۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه دریزج	٦٨	٥٦٤	٣٠١	٢٦٣
رواسان	٧٨	٤٣٩	٢٣٢	٢٠٧
سعد بیك	٤	٤٥	٢٤	٢١
سهلان (ماغالان)	١٦١	٩٩٧	٥١٦	٤٨١
شیخ حسن	٩٧	٤٧٨	٢٣٨	٢٤٠
فرودگاه لشکری	١	٣٧	٣٧	٠
قلعه چه	٣٢	١٩٣	٩٢	١٠١
کجاباد	٣٥٣	٢١١٠	١٠٧١	١٠٣٩
کوجان	٨٩	٤٩٧	٢٦٩	٢٢٨
لاله	٣٠٥	١٦١٨	٨٠٦	٨١٢
مایان سفلی(اشاقمایان)	٣١٨	١٧٨٥	٩٣٠	٨٥٥
مایان‌علیا(یوخاری‌مایان)	٩٩	٦٩٤	٣٥٠	٣٤٤
وزنق	٤٤	٢٦٤	١٣٤	١٣٠
جمع‌دهستان‌سردرود	٣١٨٥	١٨١١٠	٩٤٣٧	٨٦٧٣
ابدار	٥٠	٣٢٩	١٧٥	١٥٤
اسباباد	٢٢	١٣٤	٦٧	٦٧
اسپرج‌خون (سفیدخوان)	٢٩٤	١٦٧٩	٨٧١	٨٠٨
اشکه‌دره (اینجه‌دره)	٩٠	٥٤٣	٢٨٢	٢٦٢
اغبلاغ	١٢٢	٨١٧	٤٣٨	٣٨١
اقدره	٢٨	١٥٥	٧٢	٨٣
المالو	٦٧	٣٩٧	٢٠٥	١٩٢
امراله	١٥١	٩٨٥	٥٢٥	٤٦٠

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امین آباد	۲۷	۱۶۱	۸۰	۸۱
ایقیر سفلی	۲۷	۱۷۵	۹۳	۸۲
ایقیر علیا	۳۴	۱۷۲	۸۵	۸۷
باش‌سیز	۱۴۷	۹۱۸	۴۹۵	۴۲۳
بهادر	۲۴	۱۵۲	۸۱	۷۱
بیرق	۳۵۵	۱۹۵۲	۱۰۲۶	۹۲۶
پشیکلو	۱۰۶	۶۲۵	۳۳۸	۲۸۷
تنوراغاج	۶۴	۳۷۶	۱۹۸	۱۷۸
ثمرخزان (زمارخواران)	۴۸	۳۲۸	۱۷۵	۱۵۳
جانقور	۸۷	۵۰۰	۲۶۰	۲۴۰
چیجکلو	۵۱	۳۲۷	۱۷۰	۱۵۷
چین‌بلاغ	۴۹	۳۱۶	۱۶۰	۱۵۶
حسن کهل	۵۹	۳۷۱	۱۹۴	۱۷۷
خیجك (خاجیك)	۷۲	۵۵۲	۲۸۰	۲۷۲
دلی‌قرچی	۴۱	۲۸۸	۱۶۷	۱۲۱
زنگبار	۷۶	۴۳۵	۲۳۶	۱۹۹
ساری‌کونه (ساری‌گونی)	۱۲	۸۵	۴۸	۳۷
شیخ‌جعفر	۱۰	۵۵	۲۷	۲۸
قبله مسجد	۶۰	۳۵۲	۱۷۵	۱۷۷
قره کوشن	۱۰۰	۶۲۶	۳۳۷	۲۸۹
قزانچای	۸۴	۵۱۲	۲۷۱	۲۴۱
قلعه جوق سفلی	۱۶	۱۱۲	۵۹	۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلعه جوق علیا	۲۱	۱۲۹	۶۸	۶۱
قیسناب	۵۸	۳۰۳	۱۵۵	۱۴۸
کیزبین	۷۱	۴۶۵	۲۴۴	۲۲۱
گلشن‌آباد	۳۶	۲۵۷	۱۳۸	۱۱۹
گله‌خانه	۱۰۴	۶۷۳	۳۶۴	۳۰۹
لیگوان	۴۸۱	۲۴۶۵	۱۲۳۸	۱۲۲۷
متنق	۲۴۸	۱۲۱۷	۶۵۷	۵۶۰
نوجه‌ده(نوغری)	۱۳۸	۷۶۶	۴۰۵	۳۶۱
ورگل	۴۷	۳۵۲	۱۸۳	۱۶۹
هراب	۱۰۸	۶۰۴	۳۱۷	۲۸۷
هروی	۲۳۲	۱۳۴۲	۷۰۰	۶۴۲
هیکل‌آباد	۳۰	۱۹۸	۱۰۲	۹۶
جمع دهستان سهندآباد	۳۹۴۷	۲۳۲۰۰	۱۲۱۵۸	۱۱۰۴۲
اسفهلان	۳۸۲	۱۹۶۶	۹۹۷	۹۶۹
اسنجان	۱۴۸	۷۹۹	۴۲۴	۳۷۵
انرجان (انارجان)	۱۲۰	۵۳۶	۲۹۰	۲۴۶
زینجناب	۳۶۰	۱۸۴۹	۹۸۶	۸۶۳
جمع دهستان سردصحرا	۱۰۱۰	۵۱۵۰	۲۶۹۷	۲۴۵۳
اق کهریز	۲۵	۱۶۳	۸۷	۷۶
امیر زکریا	۱۸۶	۹۴۹	۴۹۴	۴۵۵
بیگجه خاتون	۹۵	۴۳۳	۲۳۴	۱۹۹
درویش بقال	۷۱	۳۶۰	۱۹۰	۱۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زنگی	٦٥	۳۷۹	۲۰۹	۱۷۰
زیناب	۷۱	٥۰۸	۲۷۱	۲۳۷
ساربانقلی(روانقلی)	۲۰۹	۱۱۲٤	٥۹٦	٥۲۸
سیس	۷٦۷	٤۰۱۲	۲۰۷۳	۱۹۳۹
علیشاه	۳۷۰	۱۹٥۹	۹۸۷	۹۷۲
غلاملو	٤۹	۲۳۲	۱۱۷	۱۱٥
کندرود	۲۹٤	۱٥٤۹	۷٤۹	۸۰۰
گل‌آباد(کلاوا)	۱۳۹	۸۰۱	٤۱٦	۳۸٥
مکزاده(ملیح‌زاوا)	۱۲٤	٦۷۲	۳٤۸	۳۲٤
نظرلو(نازارلی)	۳۹٤	۲۱٤۰	۱۱۳٦	۱۰۰٤
جمع دهستان سیس	۲۸٥۹	۱٥۲۸۱	۷۹۰۷	۷۳۷٤
الوانق	۱۲۱	٦۲۷	۳۲٥	۳۰۲
ایستگاه‌شیرامین	۷	۳۷	۲۰	۱۷
پیرچوپان	٤۲	۲٥۷	۱۳۸	۱۱۹
چنار	۱۰٥	٥۸۳	۳۰۱	۲۸۲
خانقاه	۲۱٦	۱۱۱٤	٥۷٥	٥۳۹
داش‌کن	٥۱	۲٥۷	۱۲٦	۱۳۱
سیلاب	۱٥٦	۸٦۹	٤۳۳	٤۳٦
شیرامین	٤۲۰	۲۲۰۸	۱۱٥۱	۱۰٥۷
هفتچشمه	۲۱۸	۱۱۸۷	٦۳٦	٥٥۱
جمع دهستان شرآمین	۱۳۳٦	۷۱۳۹	۳۷۰٥	۳٤۳٤
بیس	٤۲۷	۲۳۹٤	۱۲٦۰	۱۱۳٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسن آباد(شاه‌قلعه‌سی)	۱	۳	۳	۰
دیزج خلیل	۶۸۴	۳۳۳۱	۱۶۴۰	۱۶۹۱
شانجان(چنوان)	۱۸۷	۹۴۴	۴۷۲	۴۷۲
نوجن‌ده(نوری)	۲۰۸	۱۰۲۸	۴۹۷	۵۳۱
وایقان	۵۳۰	۲۵۷۰	۱۲۹۶	۱۲۷۴
جمع دهستان شبستر	۲۰۲۷	۱۰۲۷۰	۵۱۶۸	۵۱۰۲
بوراچارلو	۸۵	۴۷۴	۲۵۹	۲۱۵
بهرام‌آباد(خرابی)	۷	۴۲	۲۳	۱۹
تیل	۶۷۶	۲۹۲۹	۱۴۹۰	۱۴۳۹
تیمورلو	۴۳	۲۱۹	۱۱۲	۱۰۷
دیزج‌مهر	۱۰۶	۶۶۷	۳۳۰	۳۳۷
سرای‌ده	۱۵۷	۸۱۵	۴۱۵	۴۰۰
سفیدگنبه	۱۶۱	۷۷۳	۴۱۵	۳۵۸
شرفخانه	۳۴۹	۱۸۴۸	۹۵۶	۸۹۲
شیخولی	۹۴	۴۷۸	۲۴۳	۲۳۵
علی‌بیکلو	۸۹	۴۵۰	۲۳۴	۲۱۶
فرجقلی	۸۶	۴۱۶	۲۰۵	۲۱۱
قانچی	۹۳	۵۶۱	۲۸۴	۲۷۷
قیچان	۹۶	۴۲۲	۲۲۹	۱۹۳
کافی‌الملك	۳۳۰	۱۷۱۶	۸۹۵	۸۲۱
کشك	۱۵۱	۸۱۳	۴۱۲	۴۰۱
کوزه‌کنان	۴۶۱	۲۷۲۰	۱۳۶۹	۱۳۵۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گمیچی‌ده	۲۱۲	۱۰۱۴	۵۳۶	۴۷۸
مشنق	۲۴۰	۱۲۱۴	۶۲۵	۵۸۹
هریس	۲۷۴	۱۴۷۱	۷۳۰	۷۴۱
هفتچشمه	۷۸	۴۳۵	۲۰۷	۲۲۸
یوسف‌آباد	۶۳	۳۳۵	۱۸۱	۱۵۴
جمع‌دهستان‌شرفخانه	۳۸۵۱	۱۹۸۱۲	۱۰۱۵۰	۹۶۶۲
باغ‌وزیر	۶۲	۳۶۱	۱۸۵	۱۷۶
تازه‌کند (تزه کت)	۷۵	۴۲۳	۲۲۴	۱۹۹
چله‌خانه سفلی	۲۴	۱۲۶	۶۰	۶۶
چله‌خانه‌علیا	۵۳	۲۹۷	۱۵۳	۱۴۴
خواجه‌مرجان	۶۱	۳۱۶	۱۴۷	۱۶۹
سرکنددیزج (سرکزه)	۲۴۴	۱۳۶۵	۶۷۳	۶۹۲
سفیدکمر (اتمی کهر)	۳۳۸	۱۹۱۰	۹۸۷	۹۳۲
سگبان(سیوان)	۱۴۲	۷۶۵	۳۷۹	۳۸۶
صوفیان	۷۰۲	۳۶۴۵	۱۸۹۱	۱۷۵۴
علی‌اکبرلو (علی‌اکبر)	۷۲	۳۸۵	۲۰۷	۱۷۸
قمتبه	۵۹	۲۹۰	۱۶۲	۱۲۸
مهتراحمد	۶۹	۴۰۵	۲۱۷	۱۸۸
نعمت‌الله	۱۴۷	۷۷۴	۴۰۶	۳۶۸
هارون‌آباد(هورلان)	۷۷	۳۹۳	۲۰۴	۱۸۹
جمع‌دهستان‌صوفیان	۲۱۲۵	۱۱۴۵۵	۵۸۸۶	۵۵۶۹
الماس	۱۲۲	۵۳۵	۲۷۱	۲۶۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
امستجان	۱۰۴	۵۴۴	۲۹۰	۲۵۴
انگشتوان(انگشتجان)	۴۵	۲۳۱	۱۲۶	۱۰۵
توپچی	۹۱	۴۷۸	۲۴۵	۲۳۳
چشمه کنان	۱۳۸	۶۸۱	۳۴۱	۳۴۰
چهرگان	۳۳۹	۱۶۵۸	۸۶۶	۷۹۲
حیدرآباد	۷۵	۳۱۴	۱۶۱	۱۵۳
دیزج‌شیخ‌مرجان	۵۱۷	۲۷۴۹	۱۳۸۳	۱۳۶۶
طسوج	۷۹۶	۴۱۵۱	۲۱۲۱	۲۰۳۰
قره‌تپه علیا و سفلی	۳۰۸	۱۵۹۷	۸۲۳	۷۷۴
قزلجه	۷۷	۳۸۰	۱۹۸	۱۸۲
قلعه‌مرآغوش	۲۷	۱۵۸	۸۴	۷۴
قلمانسرا(آلماسرای)	۱۰۴	۵۳۶	۲۸۵	۲۵۱
احمدآباد(آهن‌آباد)	۱۰۵	۵۳۰	۲۶۶	۲۶۴
اغ‌بلاغ	۱۰۷	۵۰۶	۲۵۸	۲۴۸
الجلج	۲۰۱	۱۰۲۰	۵۱۴	۵۰۶
امامیه(دواتگر)	۱۰	۶۱	۳۰	۳۱
باباقره	۶۱	۳۷۰	۲۰۲	۱۶۸
باشکند	۶۷	۴۲۴	۲۱۸	۲۰۶
بنفشه‌درق	۶۲	۳۴۹	۱۸۷	۱۶۲
پوستوکا	۵۸	۳۱۵	۱۶۰	۱۵۵
پیرسلطان	۷۰	۳۵۶	۱۹۳	۱۶۳
پیرلوجه	۵۷	۳۱۷	۱۵۹	۱۵۸

نام ده	تعدارخانوار	جمعیت	مرد	زن
تکمه‌داش	۲۷٤	۱٤۰۳	۷٦۵	٦۳۸
جداقیه	۵۸	۳۱۰	۱٦۳	۱٤۷
چرمخواران‌بالا	۹۱	۵۰۹	۲۷۱	۲۳۸
چرمخواران‌پائین	۸٦	٤۰۰	۱۸۸	۲۱۲
چینی‌بلاغ	۸٤	٤٤۷	۲۲۰	۲۲۷
حافظ	۵۳	۲۸۵	۱٤۱	۱٤٤
خشکناب	۳۳	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
داش‌اتان(داش آباد)	۳۸	۲۱۲	۱۱۳	۹۹
دره‌چی	٦۳	۳۲۵	۱۷۱	۱۵٤
زگلوجه	۱۰۲	۵۷۳	۳۰۸	۲٦۵
سرخه	٦۰	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
سرخه	٦۳	۳۹۳	۲۲۵	۱٦۸
سعدی	۵۸	۳۰۸	۱۵۸	۱۵۰
شنگل‌آباد	۱۰۲	۵۵۹	۲۹٦	۲٦۳
عمودیزج	۱۲۵	٦٤۱	۳۱٦	۳۲۵
قاشقهای	۷٦	٤۲۸	۲۱۹	۲۰۹
قایش‌قورشان	۷۳	٤٤۱	۲٤۰	۲۰۱
قرانقیه	۹۱	٤٦٦	۲٤۰	۲۲٦
قره‌بلاغ	۱۵۳	۸۱۷	٤٤۳	۳۷٤
قره‌چمن	۳٤۳	۱۷۷۸	۸٦۹	۹۰۹
قزل‌احمد	۷٦	٤۵۷	۲٤۷	۲۱۰
قزلجه	٦۲	۳٤۵	۱۷٦	۱٦۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیجاق	۵۲	۲۶۷	۱۴۳	۱۲۴
کوخالو	۸۶	۳۹۵	۱۹۹	۱۹۶
گجین	۶۰	۳۳۹	۱۹۰	۱۴۹
گللوجه (گلیجه)	۶۹	۳۹۲	۲۱۳	۱۷۹
گلهین	۷۶	۴۰۴	۲۰۹	۱۹۵
ملامحمود	۲۳	۱۴۷	۸۰	۶۷
نازین‌آباد	۴۸	۲۶۰	۱۳۶	۱۲۴
نوساله	۳۹	۱۸۴	۹۹	۸۵
یله‌قارشو	۶۱	۳۲۰	۱۵۹	۱۶۱
ینگجه	۶۸	۳۶۳	۱۷۷	۱۸۶
جمع دهستان عباسی (عباس)	۳۵۴۷	۱۸۹۱۱	۹۸۱۶	۹۰۹۵
اخی‌جهان (آخرجهان)	۲۱۹	۱۲۱۳	۶۱۳	۶۰۰
افخم‌آباد	۱	۱	۱	۰
ایستگاه‌راه‌آهن	۱۵	۹۴	۴۹	۴۵
باغ‌قم (قم‌باغی)	۱	۱	۱	۰
تیمورلو	۵۹۱	۳۱۹۵	۱۶۳۲	۱۵۶۳
خاصلو	۱۱۱	۶۳۸	۳۰۹	۳۲۹
دستجرد (دستگرد)	۲۶۴	۱۳۷۴	۷۱۱	۶۶۳
دیزج‌چراغ	۴۳	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
دیزج‌حسن	۲۱	۹۵	۴۲	۵۳
سردارآباد	۱	۱۶	۱۶	۰
غله‌زار	۲۷	۱۶۵	۸۸	۷۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فیروز سالار	۲۵۰	۱۲۵۹	۶۵۰	۶۰۹
قاضی جهان	۳۹۸	۲۳۳۴	۱۱۸۹	۱۱۴۵
قراغیل	۱۰۴	۶۰۲	۳۰۱	۳۰۱
قشلاق‌پیازی	۱۱۱	۶۴۷	۲۹۷	۳۵۰
قلعه‌سنج	۲۸	۱۴۰	۷۵	۶۵
کارخانه کنسر وسازی	۱	۳	۳	۰
کبود گنبد(گورونیه)	۱	۷	۷	۰
معدن‌ناجی	۱	۱۳	۱۳	۰
۱۹- جمع‌دهستان‌گاوکان	۲۱۸۸	۱۲۰۴۲	۶۱۲۸	۵۹۱۴
ارپادرسی	۴۱	۲۴۷	۱۲۱	۱۲۶
ارتشتناب	۷۹	۴۵۵	۲۳۸	۲۱۷
استیار	۹۲	۵۹۳	۳۳۰	۲۶۳
اسفنگره	۷۲	۴۹۵	۲۵۹	۲۳۶
اسکندر	۱۳۴	۷۰۸	۳۶۸	۳۴۰
اشتق سفلی (قوچ‌دوله)	۱۶۳	۸۷۳	۴۵۲	۴۲۱
اشتق‌علیا(اوچ‌دوله)	۱۴۷	۷۵۵	۳۹۹	۳۵۶
اکین‌آباد	۴۶	۳۰۷	۱۴۷	۱۶۰
الوار	۱۴۹	۷۴۵	۳۶۹	۳۷۶
الونده	۴۸	۲۷۴	۱۴۹	۱۲۵
الانق(آلانا)	۳۵۶	۱۶۸۷	۸۶۷	۸۲۰
ایرانك	۳۹۵	۱۹۲۴	۹۸۰	۹۴۴
ایمناب(ایمنو)	۶۳	۴۰۱	۱۹۹	۲۰۲

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بخشایش	۷۹۹	٤۰۵۲	۲۰۸۰	۱۹۷۲
بخش‌نو	۳۰	۱۵۵	۷۸	۷۷
تازه کند	۹۱	٤٦۸	۲۳۵	۲۳۳
تازه کند	٦	۳۸	۲۲	۱٦
ترکمبور	۱۳۱	۸۰۷	٤۰۱	٤۰٦
ترکه‌داری	۱۲۳	٦۵۳	۳۱۸	۳۳۵
جانبهان(گانبهان)	۱۲۱	۷۷۰	۳۹٤	۳۷٦
جوقان‌بزرگ	۱۱۰	٦۳۱	۳۲۸	۳۰۳
حصار	٦٦	۳۹۹	۲۰۷	۱۹۲
خاتون‌آباد	٦۸	٤۱۹	۲۱۰	۲۰۹
خیره‌مسجد	۱۰۵	۵۵۸	۲۸٤	۲۷٤
دانشسرای کشاورزی	٦	۱۸۷	۱۸۷	۰
دیزناب	۹۸	۵۳۸	۲۷۹	۲۵۹
زینگش	۱۷	۹٤	٤۸	٤٦
ساران	۸۰	٤۸۵	۲۵۵	۲۳۰
سعیدآباد	٤۰٤	۲۱٤۱	۱۱٤۵	۹۹٦
سکان‌سرای	۲۸٤	۱۸۲۱	۹۲۸	۸۹۳
سیستان‌قدیم	۲۳۹	۱۳۷۸	٦۸۳	٦۹۵
سیستان‌نو	۳۹	۲۲۷	۱۱٤	۱۱۳
شاه‌مرس	۳۵	۲۳۵	۱۲٤	۱۱۱
شبلی	٤۰	۱۸۷	۹۳	۹٤
قرنجه(قاربنجه)	٤۸	۲۹٦	۱٤٦	۱۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه‌میدان	۳۱	۱۷۵	۱۰۲	۷۳
قویچاق	۱۴	۸۶	۴۸	۳۸
کر	۲۷۶	۱۲۷۶	۶۵۶	۶۱۱
کردکندی	۲۷۰	۱۴۱۰	۷۰۷	۷۰۳
گرگان	۲۸۰	۱۶۰۷	۸۰۳	۸۰۴
کلوانق(کلوانا)	۵۰۹	۲۷۷۸	۱۴۳۹	۱۳۳۹
کلوکدره	۲۲	۱۴۰	۸۳	۵۷
کندول	۳۶	۲۰۳	۹۷	۱۰۶
گوار	۲۷	۱۵۳	۷۵	۷۸
ملککیان	۷۶	۴۳۹	۲۲۵	۲۱۴
میاردان	۷۸	۵۳۴	۲۸۱	۲۵۳
نعمت‌آباد	۱۲۱	۶۴۸	۳۴۱	۳۰۷
نوجه‌سادات	۲۴۳	۱۳۰۳	۶۸۵	۶۱۸
نهر	۷۴	۵۱۲	۲۶۹	۲۴۳
یوسف‌آباد	۶۵	۴۱۶	۲۲۱	۱۹۵
جمع دهستان مهران رود	۶۸۵۲	۳۷۶۷۴	۱۹۴۶۹	۱۸۲۰۵
اسماعیل‌کندی	۱۶	۹۴	۵۸	۳۶
اندیس	۹۸	۵۱۹	۲۶۶	۲۵۳
اینجه‌کندی‌چیچك لوقربان	۲۰	۱۲۰	۵۴	۶۶
برازین	۱۶۷	۷۹۴	۴۱۹	۳۷۵
تازه‌کند	۴۴	۲۵۶	۱۳۷	۱۱۹
ترکایش	۹۹	۵۱۴	۲۶۳	۲۵۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جنگل	۷	۴۸	۳۰	۱۸
خانقاه	۸۱	۴۴۷	۲۳۷	۲۱۰
خشکناب	۱۴۲	۶۵۴	۳۲۶	۳۲۸
شیران	۳۲	۱۹۲	۹۹	۹۳
قانقالو	۷	۳۸	۱۹	۱۹
قره‌تریاق	۳	۱۰	۶	۴
قوملو	۱۱	۶۱	۳۴	۲۷
کوراوان	۱۷۲	۸۱۱	۴۲۴	۳۸۷
موسی‌لو	۱۱۱	۵۳۴	۲۷۲	۲۶۲
مهرام	۳۲	۱۸۱	۹۲	۸۹
ناحیه	۶۰	۳۴۴	۱۸۱	۱۶۳
نوجه‌ده	۷۲	۳۳۴	۱۷۲	۱۶۲
نهران	۶۸	۳۲۳	۱۷۳	۱۵۰
هرزه‌ورز	۴۲	۲۱۶	۱۰۸	۱۰۸
هیق	۸۷	۵۲۵	۲۷۰	۲۵۵
جمع دهستان هریس خانمرود	۱۳۷۱	۷۰۱۵	۳۶۴۰	۳۳۷۵
ارسون (درسین)	۶۷	۳۱۳	۱۶۲	۱۵۱
اغبلاغ	۹۵	۵۱۴	۲۷۲	۲۴۲
الهاشمسفلی(الشما)	۹۸	۴۸۰	۲۵۶	۲۲۴
الهاشمعلیا(الشما)	۱۱۰	۵۵۶	۲۹۳	۲۶۳
اناویز(انوس)	۴۱	۲۱۲	۱۱۱	۱۰۱
اندبیل	۲۴۹	۱۴۰۸	۷۲۳	۶۸۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ایلوانق(انیالاوا)	۵۲	۲۵۷	۱۴۳	۱۱۴
بفراجرد (وارهادارد)	۱۸۰	۹۶۳	۵۰۹	۴۵۴
بلیل	۵۶	۲۸۹	۱۵۲	۱۳۷
پروج(پریك)	۱۱۹	۶۶۰	۳۴۳	۳۱۷
ترزنق	۸۳	۵۱۴	۲۷۷	۲۳۷
ترك	۴۲	۲۴۶	۱۳۵	۱۱۱
تولش	۱۵۶	۷۱۴	۳۷۲	۳۴۲
چالگر (چلری)	۵۳	۳۱۹	۱۷۲	۱۴۷
خانقاه‌بفراجرد	۱۸۷	۹۳۲	۵۰۰	۴۳۲
خانقاه‌سادات(فینه)	۷۶	۳۶۳	۲۰۴	۱۵۹
خوجین(فیین)	۴۱۹	۲۱۵۲	۱۱۱۷	۱۰۳۵
زاویه‌سادات	۱۲۱	۶۴۵	۳۲۴	۳۲۱
زردشت‌آباد (گلی‌قهوه‌سی)	۹	۵۹	۳۱	۲۸
سنجبدله(سنجلی)	۷۵	۴۲۴	۲۲۱	۲۰۳
شیخ‌جانلو(شیخ‌خان)	۱۹	۱۲۰	۶۲	۵۸
علی‌آباد(آلوار)	۱۰۱	۵۴۲	۲۸۵	۲۵۷
قره‌اغاج(قره کهل)	۳۹	۲۱۰	۱۱۴	۹۶
قزل‌درق(قزل‌دره)	۴۴	۲۴۹	۱۴۵	۱۰۴
کلی	۱۹۸	۱۰۰۴	۵۲۸	۴۷۶
کهران	۵۰	۲۷۶	۱۵۱	۱۲۵
گاودول	۵۷	۳۱۴	۱۶۶	۱۴۸
گرمخانه	۴۰	۲۳۵	۱۳۵	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کزاز	۷۵	۴۰۱	۲۰۷	۱۹۴
گل‌تپه	۳۵	۱۹۹	۱۰۲	۹۷
گلوجه(گولوجه)	۶۴	۳۵۸	۱۹۲	۱۶۶
گوران‌سراب	۱۲۵	۷۴۳	۳۸۰	۳۶۳
لمه‌دشت	۱۷۶	۸۴۹	۴۳۶	۴۱۳
مجره	۲۵۳	۱۳۸۲	۷۶۲	۶۲۰
مزجین	۱۲۰	۶۳۴	۳۳۵	۲۹۹
نیاخرم (نی‌خر)	۴۳	۲۲۲	۱۱۶	۱۰۶
وارث‌آباد	۳۱	۱۶۴	۹۴	۷۰
یلوجه	۵۱	۳۰۶	۱۶۳	۱۴۳
یوزناب(ایزناب)	۳۲	۱۸۶	۱۰۲	۸۴
جمع دهستان‌خانه‌بیل	۳۸۴۱	۲۰۴۱۴	۱۰۷۹۲	۹۶۲۲
ارجلیك	۲	۱۹	۹	۱۰
اردبیلق	۲۱	۱۰۳	۵۲	۵۱
ازناوسر	۴	۲۵	۱۵	۱۰
اسمرود(اسمری)	۴۵	۲۷۳	۱۳۴	۱۳۹
اقسو	۱۴	۷۱	۳۷	۳۴
امامزاده	۱	۵	۱	۴
اهو	۱۰	۷۲	۳۷	۳۵
برندق	۱۷۵	۹۱۳	۴۹۳	۴۲۰
بورکهیم	۳۵	۲۰۱	۱۱۱	۹۰
بیرق(برگه)	۱۳۵	۶۵۵	۳۶۷	۲۸۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بیله‌ده	۲۱	۱۰۳	٤۸	٥٥
پیشگمان	۱۳	۸۰	٤۹	۳۱
ترازوج (ترزی)	۸۸	٤٥۷	۲۳۸	۲۱۹
جعفرآباد	۹۹	٥۳۱	۲۸۲	۲٤۹
چای‌قوشان	٥	۲٤	۱۱	۱۳
چنار	٥۹	۳۳٤	۱٦۷	۱٦۷
چناران	۱	۱۰	۷	۳
چنارلق	۷٥	۳۷٥	۱۹۲	۱۸۳
چهارخانوار(سقزچی)	۱۸	۸٥	٤٥	٤۰
حاجی‌آباد(بیرق)	۲	٥	۲	۳
حاجی‌آباد	۱	۸	٦	۲
خط پرست	۱۲	٥٦	۲۷	۲۹
خوشنامه	٤۷	۲۸۱	۱۳۸	۱٤۳
دایو	٤۱	۲۲٤	۱۱۷	۱۰۷
دمدول	٥۲	۲٥۸	۱۳٦	۱۲۲
دوستلو	۱٤	۹٦	٦۱	۳٥
دوگر(دور)	۳۷	۱۷۰	۹۱	۷۹
زاویه‌جعفرآباد (زیوه)	۲۳	۱۰۹	٥٤	٥٥
زاویه کیوی	۲٤	۱۲٥	٦٥	٦۰
زندوق	۱۲	۷۷	٤٦	۳۱
ساربانان	۷	٤۲	۲٤	۱۸
سجهرود	٥۷	۳٥٥	۱۸٥	۱۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سفیداب(اسبو)	٤٢	٢٥١	١٣٥	١١٦
سلوا	١٠	٥٩	٢٨	٣١
سوران	٦٨	٣٨١	٢٠١	١٨٠
سوسهاب[1](سوساوا)	٩٦	٥٧٠	٣١٤	٢٥٦
شوره‌خانه	٥	٣٥	١٧	١٨
شیخلر	١	٩	٥	٤
طویستان	٢٤	١٢٤	٦٥	٥٩
غیاثاباد(تننناب)	٨	٤٧	٢٦	٢١
منامن	١٠١	٤٦٨	٢٤٧	٢٢١
قره‌تکان	١٩	١٠٢	٥٤	٤٨
قشلاق‌برندق	٢١	١٠٦	٥٩	٤٧
قهوه‌خانه‌بورکیم	١	٤	٢	٢
قهوه‌خانه دوستعلی	١	١	١	٠
کبودجی(کوجی)	١	٥	٤	١
کرگزلو	٤١	١٩٣	١٠١	٩٢
کرنق	١١٣	٤٤٨	٢٥٠	٢٣٨
کزج(کزن)	٢٠٩	١٠٥٦	٥٢٩	٥٣٦
کمر	٣٢	١٤٨	٨٥	٦٣
کمردرق سفلی	٣	١٨	١٢	٦
کمردرق علیا	٧	٥٦	٣٢	٢٤
کندرق	٥	٣٢	١٧	١٥
گهراز	١٥٧	٨٢٧	٤٢١	٤٠٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کهیك (نولوبولاق)	۱۶	۷۴	۳۸	۳۶
کیوی	۵۴	۲۴۶	۱۰۷	۱۳۹
گل گلاب	۳۱	۱۷۶	۹۴	۸۲
گلوجه	۱۴	۹۶	۳۶	۳۳
محمود آباد (محمودآوا)	۳۳	۱۹۶	۱۰۱	۹۵
مره‌جین	۵۰	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
مزرعه	۲۷	۱۴۰	۷۶	۶۴
میانسرا	۶	۳۵	۱۷	۱۸
نساز	۱۱۸	۶۰۱	۲۱۰	۲۹۱
نوده	۷۳	۳۶۸	۱۹۴	۱۷۴
نیمه هیل	۸۱	۴۰۲	۱۹۹	۲۰۳
ونن	۱۶	۹۲	۵۴	۳۸
ویو	۱۴	۹۰	۴۳	۴۷
هشجین	۵۵۳	۲۸۱۳	۱۴۷۶	۱۳۳۷
هشی	۸۱	۴۱۷	۱۹۹	۲۱۸
جمع دهستان خورش رستم	۳۲۸۲	۱۷۱۲۰	۸۹۳۵	۸۱۸۵
ابلی سفلی	۴۳	۲۳۱	۱۲۴	۱۰۷
احمدآباد	۸۱	۴۳۶	۲۲۸	۲۰۸
ارپاچایی	۸۰	۴۶۰	۲۴۶	۲۱۴
اسفرنجان جدید	۵۳	۲۹۲	۱۵۴	۱۳۸
اسیابموتوری صمدیان	۲	۳	۳	۰
اصفهاباد	۲۶	۱۹۴	۱۰۱	۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اغچه قشلاقی‌سفلی(هورآتلو)	۱۰	٤٥	۲۲	۲۳
اغچه‌قشلاق‌علیا(اصلانی)	٥۷	۲۸٥	۱٤٦	۱۳۹
آفتابه (آفتاوا)	٥۷	۳٤۳	۱۸۳	۱٦۰
افشارعلیا (اوشار)	۳٦	۱۷۳	۸٥	۸۸
اقعلی قشلاقی	۹	۳۸	۱۹	۱۹
اقامیرلو	۸۱	٤٥۰	۲۳۲	۲۱۸
اقباش (آباش)	۱۲۲	٦۱٦	۳۳۹	۲۷۷
اقبلاغ	۸۲	٤۲٦	۲۳۷	۱۸۹
الو	٦۷	٤۲۰	۲۱۹	۲۰۱
الانکش(الیکش)	۸٦	٤۷۲	۲٥۲	۲۲۰
ام‌آباد (اموا)	۳۹	۲۲۸	۱۱٦	۱۱۲
امیرآباد	۳۰	۱۸۳	۹۷	۸٦
واشانق(هاواشان)	٦۰	۳٥۳	۱۸٦	۱٦۷
اوجبلاغ	۳٥	۲۰۰	۱۰۸	۹۲
اوجغازبالا	۸٤	۳۹٦	۲۲۱	۱۷٥
اوجغازپائین‌ـخداقلی‌قشلاقی	۲۲	۱۰٤	٥۲	٥۲
ایبلی علیا	۳۹	۲٥۹	۱٤۹	۱۱۰
ایلخچی	۳٦	۲٤٥	۱۳٦	۱۰۹
باغچه جیق	٥٤	۲۷۹	۱٤٦	۱۳۳
بلوکانلو	۱۳۹	٦۷۸	۳٥۱	۳۲۷
بنماران	۱۲۷	۷٤۳	۳۹۳	۳٥۰
بنه خلخال	٤۰	۲۳٥	۱۳۱	۱۰٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بنیادآباد (مکیلانی)	۱۳۹	۷۵۷	٤۰۳	۳٥٤
بورستان	۹۲	٤۹۹	۲۷۰	۲۲۹
پارس آباد	۲٦	۱٤۰	٦۹	۷۱
پردستلو (پیردستی)	۸٥	٤۷۰	۱۳٦	۲٤۳
پرگو	۹۳	٥٥۲	۳۱٤	۲۳۸
پره‌نی	۳٥	۱۹۱	۱۰٥	۸٦
پیراغاج	۷٥	٤۲۸	۲۳۹	۱۸۹
پیرانلو	۳۹	۱۸۰	۹۲	۸۸
پیریداغ (پیربوداغ)	۷٤	٤٤۱	۲۲۷	۲۱٤
تابکی افشار	۱۰	٥۲	۳۱	۲۱
تبریزق	٦۱	۳۷۰	۱۹۱	۱۷۹
توشمالو	٤۹	۲۸٥	۱٥۹	۱۲٦
جقناب	٦۹	۳۹۸	۲۰۹	۱۸۹
چلمبر	٦۰	۲۹۹	۱۷٤	۱۲٥
حاجی‌آباد	۱۷	۷۹	۳۹	٤۰
خلفلو	۹٤	٥٤٦	۲۹۷	۲٤۹
خلیفه چایی	٦	۲۹	۱۷	۱۲
داود خانی	۳۰	۱٥٦	۷۹	۷۷
دولت آباد	٥٦	۳۳۸	۱٦٦	۱۷۲
رستم آباد	۱۱	۷۱	۳۱	٤۰
زاویه (زاویه‌درج‌آباد)	٦۷	٤۱۷	۲۲۸	۱۸۹
زاویه کرد	۸۲	٤۱۹	۲۲٦	۱۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زرج آباد	۱۸۲	۱۱۹۹	۶۳۳	۵۶۶
زناب	۲۹	۱۷۵	۸۹	۸۶
زند	۲۸	۱۵۸	۸۳	۷۵
سقاواز (ساقواز)	۱۰۱	۵۵۸	۲۸۱	۲۷۷
سکرآباد (سهل‌آباد)	۹۴	۵۰۹	۲۶۹	۲۴۰
سلوکلوگل	۴۰	۲۲۸	۱۲۶	۱۰۲
سنگ آباد	۱۴۲	۸۰۶	۴۱۴	۳۹۲
سوته زار	۵	۲۲	۱۱	۱۱
سوره برق (سوره‌مره)	۵۴	۳۰۳	۱۵۸	۱۴۵
شاهسوارلو	۳۲	۱۵۵	۷۷	۷۸
شرج آباد	۲۹	۱۵۶	۹۱	۶۵
شرف‌آباد (شرف‌آوا)	۱۷	۹۸	۵۲	۴۶
شوپر	۲	۱۳	۶	۷
صوفلو	۹۸	۵۲۹	۲۷۶	۲۵۳
عرصه دوگاه	۶۵	۳۰۴	۱۶۱	۱۴۳
عظیم آباد (تتاوا)	۲۰	۱۱۷	۶۷	۵۰
علی‌آباد (آلوار)	۴۲	۲۴۰	۱۲۷	۱۱۳
علاالدین (آلادین)	۲۷	۱۹۴	۱۰۷	۸۷
غفور آباد	۱۲	۶۷	۳۰	۳۷
فاراب (پرو)	۹۸	۵۳۵	۲۷۰	۲۶۵
فیروزآباد	۱۱۱	۵۴۸	۲۸۹	۲۵۹
قالین قیه	۴۳	۲۷۳	۱۴۴	۱۲۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره قشلاق	٤٤	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
قشلاق	۱۱	٥٤	۲٤	۳۰
قلعه‌جوق (قالاجخ)	٤۰	۲۲۷	۱۲٥	۱۰۲
قوزلو (گوزلو)	۹۳	٥۷٥	۳۱۱	۲٦٤
کجین	٦	۲۷	۱۱	۱٦
کچل‌درق (کچل‌دره)	٦	٤٥	۲٦	۱۹
کرک آباد	۱۱	٥۷	۲۹	۲۸
کرندق	۷۷	٤٤۰	۲۳۱	۲۰۹
گلستان بالا	۱۲۷	٦٤۹	۳۳٦	۳۱۳
گلستان پائین	۷٥	۳٦۹	۱۹۸	۱۷۱
کلار	۳٤	۲۰۸	۱۰٤	۱۰٤
کمق (کمك)	٦۲	۳۳۷	۱۸۲	۱٥٥
کیوی بالا	۲۳٦	۱۲٦۲	٦٦۳	٥۹۹
کیوی سفلی	٥۲۳	۲۷۱۸	۱٤۲۸	۱۲۹۰
گزورسفلی(چای گزور)	٥۲	۲٦۰	۱٤۹	۱۱۱
گزورعلیا(چای گزور)	۹٤	٥۰۹	۲٦۲	۲٤۷
گنجگاه (گنجا)	۱۳٤	۷۳۹	۳۹۰	۳٤۹
گولی جان	۷۷	٤۲٦	۲۲۳	۲۰۳
گیلان دوز	۳۹	۲۸۱	۱٦۳	۱۱۸
لکندشت	۷۰	٤۷۱	۲۲۸	۲٤۳
لکوان (پیدجیك)	۲۰	۱۱٤	٦٤	٥۰
لنبر سفلی	۳۳	۱۸۷	۱۰۰	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لنبر علیا	۱۳۳	۶۸۴	۳۳۹	۳۴۵
مجدر(مژور)	۱۳۰	۷۰۳	۳۷۲	۳۳۱
مراد خانی	۵	۲۹	۱۴	۱۵
مرشت (مرش)	۱۵۹	۸۵۷	۴۴۲	۴۱۵
مشکول	۱۰۴	۵۸۰	۳۱۲	۲۶۸
مصطفی‌لو	۹۱	۴۰۸	۲۰۰	۲۰۸
مورستان	۳۳	۲۰۴	۹۷	۱۰۷
میکائیل آباد	۳۵	۲۰۴	۱۰۵	۹۹
میل اغاردان	۵۰	۲۷۵	۱۵۰	۱۲۵
ناطور	۴۷	۲۴۷	۱۳۰	۱۱۷
ناوند	۴۰	۲۲۹	۱۲۱	۱۰۸
نصیر آباد	۹۵	۵۱۷	۲۶۱	۲۵۶
نواشنق	۳۵	۱۹۱	۹۷	۹۴
نوده	۵۷	۲۷۶	۱۴۶	۱۳۰
نیلق(نیله)	۸۴	۴۵۳	۲۲۴	۲۲۹
نی	۳۹	۲۲۹	۱۱۱	۱۱۸
وچین	۷۹	۴۳۶	۲۴۲	۱۹۴
هریس	۱۳۰	۷۸۱	۳۹۹	۳۸۲
هشین	۸۰	۴۷۷	۲۴۹	۲۲۸
ینکجه قشلاق	۱۸	۱۰۵	۵۲	۵۳
ییلاق لنبر	۲۱	۴۷	۲۷	۲۰
جمع دهستان سنجبد	۷۴۶۷	۴۱۲۱۳	۲۱۶۹۴	۱۹۵۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
احمد آباد	۲۶	۱۰۷	۶۱	۴۶
اسبو	۱۲۱	۶۰۱	۳۰۳	۲۹۸
اسکستان	۲۱۶	۱۰۱۵	۵۴۸	۴۶۷
اسیابعزیزآباد	۱	۲	۱	۱
الکش	۴۹	۲۸۹	۱۴۹	۱۴۰
امامزاده گلوزان	۱۱	۷۲	۳۲	۴۰
اندره	۱۲	۷۴	۴۰	۳۴
تازه کند گلوزان	۳۵	۱۹۳	۹۳	۱۰۰
تازه کند گندم‌آباد	۸	۴۱	۲۳	۱۸
تهرستان	۴	۲۸	۱۶	۱۲
تیل	۱۲۰	۶۴۲	۳۳۴	۳۰۸
جلال آباد	۹	۵۸	۳۰	۲۸
چملو گبین	۸۱	۳۸۱	۱۹۷	۱۸۴
خانقاه گیلوان	۲۵	۱۲۸	۵۷	۷۱
خمس	۵۳۸	۲۶۸۰	۱۴۴۲	۱۲۳۸
درو	۲۴۹	۱۲۰۰	۶۰۹	۵۹۱
دشت اندر	۳۹	۲۰۴	۱۰۷	۹۷
دیـز	۶۲	۳۵۳	۱۷۶	۱۷۷
دیلمه ده(دنمیده)	۴۳	۲۲۱	۱۰۸	۱۱۳
رکن آباد(روبین)	۷	۳۹	۲۲	۱۷
شال (شغال)	۲۵۴	۱۲۹۴	۶۱۴	۶۸۰
شیخ علی لر	۴۰	۲۰۷	۱۰۹	۹۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صومعه رود بار	۱۵	۸۵	۴۹	۳۶
طهارم‌دشت(طارم‌دشت)	۳۶	۱۹۸	۹۶	۱۰۲
عزیزآباد (کرونکش)	۳۶	۱۹۳	۱۰۷	۸۶
علی‌آباد	۱۴	۷۹	۴۲	۳۷
فرج‌آباد	۲۴	۱۳۵	۷۳	۶۲
قشلاق دیز	۲۸	۱۸۳	۹۶	۸۷
قشلاق گیلوان(خلر)	۲۹	۱۸۲	۹۵	۸۷
قلـخ	۱	۶	۴	۲
قهوه‌خانه بیو کخان	۱	۳	۲	۱
قهوه‌خانه کلور	۱	۵	۳	۲
کریـن	۱۷۱	۸۳۲	۴۳۵	۳۹۷
کلور	۵۶۸	۲۸۲۳	۱۴۸۴	۱۳۳۹
کهل	۳۷	۱۹۸	۱۰۴	۹۴
کهلدشت	۳۶	۲۱۶	۱۰۵	۱۱۱
گلوزان	۶	۳۶	۲۰	۱۶
گندم‌آباد	۶۵	۳۷۲	۲۰۸	۱۶۴
گیلوان	۱۳۲	۶۰۶	۳۰۹	۲۹۷
لـرد	۲۶۷	۱۳۷۶	۷۴۲	۶۳۴
ماجولان	۱۴۰	۶۹۹	۳۷۴	۳۲۵
میان‌رودان(میان‌روان)	۶۴	۳۸۱	۲۰۴	۱۷۷
جمع دهستان شاهرود	۳۶۱۱	۱۸۴۳۹	۹۶۲۳	۸۸۱۴
ابابین	۳۱	۱۵۱	۸۱	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
احمد آباد خانلق	۳۱	۱۶۸	۸۳	۸۵
احمد آباد گروس	۹۶	٤۳٤	۲۲۸	۲۰٦
استانجین(استائین)	۱۸۹	۹۱۰	٤۵۱	٤۵۹
اسکوق	۲۳	۱۲۸	٦٤	٦٤
افشار	۲٦	۱۳۸	۷۲	٦٦
اقکند	۳٤۷	۱۵۰۳	۷۷۳	۷۳۰
ام آباد(ام آوا)	٦۵	۳۰٤	۱۵۹	۱٤۵
اندرودعلیا(عشاق اندرود)	٤۰	۱۸۳	۹۰	۹۳
اندرودعلیا(ویخار اندرود)	۳۲	۱۸۵	۸۵	۱۰۰
اورق	۱۱	۷٤	۳۷	۳۷
بادلو	۳٦	۱٦۸	۹۲	۷٦
بارانقار	۱۱۵	۵۵۸	۲۹۹	۲۵۹
باش بلاق	۳۰	۱٦۱	۷۷	۸٤
باش سیز	۱۹	۱۰٤	۵۳	۵۱
باغبانان سفلی	۱۰	۵۲	۲٦	۲٦
باغبانان علیا	۲٦	۱۳۲	۷۱	٦۱
باغچه غاز بالا(باغجقار)	۹٦	٤٤۰	۲۳۳	۲۰۷
بهمن آباد	٦۲	۳۱۵	۱۵۷	۱۵۸
بیرون	۱۲۰	۵۹۸	۳۰۲	۲۹٦
بیرونده	۹۲	۵۲۷	۲۷۵	۲۵۲
تازه کند (گواق)	۲۰	۱۰۸	۵٦	۵۲
تختمشلو	۷۵	٤۰۵	۲۱۱	۱۹٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جزیمق	۶۹	۳۲۳	۱۶۰	۱۶۳
چومالو	۸۷	۴۴۳	۲۲۷	۲۱۶
حاجی سیران	۸۹	۴۹۶	۲۴۶	۲۵۰
حاجی محمود لو	۳۴	۲۰۷	۱۱۴	۹۳
حاجی میر	۸۲	۴۲۷	۲۲۴	۲۰۳
حبش	۱۴	۷۵	۳۷	۳۸
حسن آباد	۵۰	۲۳۳	۱۲۸	۱۰۵
حصارلو	۴۰	۱۵۵	۷۵	۸۰
حماملو سفلی	۶۹	۳۳۳	۱۷۲	۱۶۱
حماملو علیا	۲۸	۱۴۸	۶۶	۸۲
خلف	۹۲	۴۶۷	۲۴۹	۲۱۸
خورده بلاغ	۱۱۶	۶۲۱	۳۱۶	۳۰۵
خیر آباد	۵۵	۲۵۳	۱۱۷	۱۳۶
داش بلاغ	۳۳	۱۵۴	۸۵	۶۹
دنبلی (بلاقلو)	۲۳	۱۱۷	۶۱	۵۶
دورمج (دویچ)	۲۳	۱۴۷	۷۶	۷۱
دیز	۵۲	۲۸۳	۱۴۴	۱۳۹
دیز گوین	۵۱	۲۶۰	۱۲۶	۱۳۴
رشت آباد	۴۶	۲۱۶	۱۰۷	۱۰۹
رشید آباد	۸۷	۴۴۲	۲۳۴	۲۰۸
زرنجین	۴۴	۲۲۹	۱۱۹	۱۱۰
زناری	۹	۳۰	۱۶	۱۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سالار آباد (قرجه‌لر)	۱۹	۱۰۷	۵۳	۵٤
سردرق	۲٤	۱۱۱	۵۸	۵۳
سلیمان بلاغ	٦۳	۳۱۵	۱۵٦	۱۵۹
سلیمان قشلاق	۲۱	۹۰	٤۸	٤۲
سلمانلو	۵٦	۲۵٦	۱۳۲	۱۲٤
سنجده	۲۷	۱۲۵	۵۸	٦۷
سورق	۳٤	۱۷۰	۸۳	۸۷
سهل آباد	۳٤	۱۹٤	۱۰۳	۹۱
شاه علی بیگلو	۳۲	۱۷۵	۹۷	۷۸
شمس آباد	۱۱۲	٦۱۹	۳۱٦	۳۰۳
شهر آباد	۱۵	۷۹	٤۳	۳٦
شهیدلو	٤۵	۲۱۳	۱۱٤	۹۹
شیخلر (مشایخ)	٤۱	۲۱٤	۱۰۳	۱۱۱
شیرین بلاغ	٤۵	۲۰۳	۱۰۳	۱۰۰
طریستان	۱۳	۷۱	۳۹	۳۲
طوین	۵۱	۲۵٦	۱۲۱	۱۳۵
علیاجه	۱۰	٤۱	۲۲	۱۹
قارابسفلی	۵٤	۲٦۲	۱۲۷	۱۳۵
قارابعلیا (باش کرو)	۳۹	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
قاضی کندی	۳۱	۱٦۳	۸۰	۸۳
قاضی لو	۳۰	۱۳۹	۷٦	٦۳
قره اغاجلو	۳٦	۱۵۸	۹۰	٦۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره بلاغ	۱۷٤	٦۹۹	٦٥	۳۳٤
قره‌حاجیلو	۷	٤۷	۲۹	۱۸
قره صفر لو (قشلاق)	٦	۳۲	۱٥	۱۷
قره‌قانلو(قشلاق ماوی)	۱۱	٤۹	۲۳	۲٦
قره قانلو	۳۹	۲۰۲	۱۱٤	۸۸
قره قیه	۱	۲	۱	۱
قزل بلاغ	٤۲	۲۰۱	۱۱۳	۸۸
قزلجا	۱۰	٥۳	۲٥	۲۸
قشلاق	٤۹	۲۳۸	۱۳۲	۱۰٦
قشلاق جلودار	۲۰	۱۱٦	٦۳	٥۳
قلعه اصلانیان	۲۰	۹٥	٥۱	٤٤
قلعه سنگ	۱۹	۱۰۳	٥۰	٥۳
قندر قالو	۱۰۳	٥۲۳	۲۸٤	۲۳۹
قوچغار	۷۱	۳۳٥	۱٦۹	۱٦٦
قوسجین	٦۰	۳۰۰	۱٥۷	۱٤۳
قوشه بلاغ	۱٦۲	۸۰۳	٤۲۳	۳۸۰
کاوان	۲۹	۱٦٤	۹۲	۷۲
کبریك	۲٥	۱۲۱	٥۹	٦۲
کجل	۱۰۷	٦۲۷	۳٥۲	۲۷٥
کلیان	٦۱	۳۰۱	۱٥٥	۱٤٦
کنجین	٥٦	۲۹٤	۱٥۷	۱۳۷
کوهستانق	۲۸	۱٥٦	۷٥	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کهورین	۳۶	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
گاو (گو)	۹۹	۴۳۵	۲۲۳	۲۱۲
گجلیك	۲	۱۴	۹	۵
گل تپه	۶۲	۳۲۸	۱۶۶	۱۶۲
گل تپه حسن آباد	۵۶	۲۶۷	۱۳۹	۱۲۸
گل گلاب	۱۹	۱۰۵	۴۸	۵۷
گل میشه (دورداوله)	۲۰	۱۰۹	۵۲	۵۷
گلوجه	۵۶	۲۶۷	۱۴۴	۱۲۳
گورجق	۱۰۶	۵۱۳	۲۸۳	۲۳۰
لله لو	۱۶۰	۷۱۸	۳۶۳	۳۵۵
مامان	۳۷۱	۱۶۶۷	۸۵۴	۸۱۳
ماوی	۴۵	۲۲۶	۱۱۶	۱۱۰
مظفر لو	۱۱	۶۸	۳۵	۳۳
معدن رشت آباد	۲۱	۷۷	۵۲	۲۵
مهدی آباد	۴	۲۳	۱۱	۱۲
میدجین	۶۹	۳۲۵	۱۵۵	۱۷۰
نزه کوه (دولباغی)	۱۲	۶۶	۳۴	۳۲
وردوق	۷۰	۴۰۸	۲۰۵	۲۰۳
ورمزیارسفلی	۲۶	۱۱۹	۶۶	۵۳
ورمزیار علیا	۴۱	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
وروائین	۲	۸	۵	۳
ولستان	۱۹	۸۱	۴۱	۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یان بلاغ	۷۲	۳۴۱	۱۷۷	۱۶۴
یین کند (ینگی کند)	۱۷	۷۴	۴۱	۳۳
جمع دهستان کاغذکنان	۶۰۸۶	۳۰۰۹۰	۱۵۵۴۵	۱۴۵۴۵
اسفستان	۱۵۷	۱۰۰۴	۵۱۸	۴۸۶
اغمیون	۴۸۵	۲۶۷۵	۱۳۹۷	۱۲۷۸
ایده لو	۷۲	۴۳۰	۲۱۴	۲۰۶
پاپا لو کلانتر غلام	۴۳	۲۷۰	۱۳۶	۱۳۴
پاپالی	۹۰	۴۸۵	۲۵۹	۲۲۶
کوی کارمندان	۱۹۰	۱۱۲۸	۵۷۱	۵۵۷
تازه کند	۳۸	۲۰۳	۱۰۶	۹۷
چله خانه	۲۹	۱۵۰	۷۳	۷۷
حیدر آباد	۱۷	۱۲۸	۷۲	۵۶
خضر آباد	۲۳	۱۲۵	۶۹	۵۶
در آب	۱۱۴	۶۴۸	۳۲۲	۳۲۶
دیبکلو	۲۹	۱۵۵	۸۹	۶۶
ساغرچی	۵۶	۲۹۰	۱۶۰	۱۳۰
سرخه ریز	۵۴	۳۲۳	۱۶۷	۱۵۶
سندان	۷۳	۴۱۱	۲۱۱	۲۰۰
سوین	۱۱۶	۶۲۱	۳۲۰	۳۰۱
سهراب	۳۴۳	۱۸۸۰	۹۸۴	۸۹۶
صندوقلو	۳۶	۲۵۴	۱۴۰	۱۱۴
صومعه	۶۶	۳۵۸	۱۹۸	۱۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فرگوش	۲۲۰	۱۳۴۶	۷۱۸	۶۲۸
قره مسجد	۴۲	۱۹۸	۱۰۶	۹۲
قصرداغ	۲۷	۱۷۱	۹۳	۷۸
کرده مهین	۳۰۰	۱۴۷۹	۷۹۵	۶۸۴
کلیان	۱۵۹	۹۱۹	۴۶۲	۴۵۷
کلی	۱۴	۹۲	۴۶	۴۶
گرخ بلاغ	۵۹	۳۸۷	۲۰۰	۱۸۷
گرگانه	۴۰	۲۳۷	۱۲۳	۱۱۴
مشهدی کندی	۲۸	۱۷۰	۸۹	۸۱
ممکندی	۶۲	۳۰۷	۱۷۷	۱۳۰
میدانچوق	۴۱	۲۳۵	۱۳۶	۹۹
نشتبان	۳۰	۱۵۶	۹۷	۵۹
جمع دهستان آغمیون	۳۰۵۳	۱۷۲۲۵	۹۰۴۸	۸۱۷۷
ابرغان	۳۴۲	۲۱۰۰	۱۱۱۴	۹۸۶
احمد آباد سفلی	۱۲۶	۶۶۸	۳۵۸	۳۱۰
احمد آباد علیا	۴۴	۲۷۱	۱۴۷	۱۲۴
اسماعیل آباد	۱۰۰	۵۹۰	۲۹۰	۳۰۰
اغچه کند	۹۴	۵۰۳	۲۶۷	۲۳۶
اناقز	۲۳۸	۱۳۱۲	۶۸۰	۶۳۲
ایوق	۳۲۳	۱۶۷۵	۸۹۶	۷۷۹
بلفتان	۱۷۵	۹۷۴	۵۲۴	۴۵۰
برنج آباد	۵۸	۳۵۱	۱۹۲	۱۵۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهرمان	۵۵	۳۶۶	۲۰۱	۱۶۵
چرلو	۴۵	۲۲۷	۱۲۱	۱۰۶
چچگلو	۱۱۳	۶۱۳	۳۲۲	۲۹۱
خاکی	۱۷۷	۱۰۲۴	۵۲۵	۴۹۹
داراب	۳۸۴	۱۹۷۳	۱۰۴۵	۹۲۸
دانبران	۲۸۴	۱۵۰۷	۷۹۷	۷۱۰
دوز دوزان	۳۱۵	۱۷۳۲	۸۸۶	۸۴۶
دولت آباد	۱۴۷	۷۹۵	۴۱۰	۳۸۵
دهدولان	۸۸	۴۹۲	۲۵۷	۲۳۵
شربیان	۵۳۴	۲۷۰۳	۱۳۶۲	۱۳۴۱
عباس آباد	۱۷	۹۶	۶۰	۳۶
قارقا	۱۸۲	۸۶۲	۴۵۳	۴۰۹
قریق	۵۶	۲۷۷	۱۴۱	۱۳۶
قزلجه اکراد	۴۹	۳۱۱	۱۵۲	۱۵۹
قوشچی	۱۵۴	۹۲۷	۵۱۰	۴۱۷
قوشه گنبد	۶۸	۴۸۷	۲۶۴	۲۲۳
کهدولان	۱۱۵	۶۴۳	۳۵۳	۲۹۰
لنجوان	۵۸	۳۲۱	۱۴۶	۱۷۵
منکرآباد	۸۶	۴۳۰	۲۴۸	۱۸۲
جمع دهستان ابرغان	۴۴۲۷	۲۴۲۳۰	۱۲۷۲۱	۱۱۵۰۹
ابرس	۱۱۶	۵۷۹	۲۸۶	۲۹۳
اسبقران	۸۰	۴۴۸	۲۰۸	۲۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسطلولجبین	۱۵۵	۸۱۰	۴۱۳	۳۹۷
چقوش	۲۴۲	۱۲۴۰	۶۵۵	۵۸۵
حسنجان کوه	۷۶	۳۹۳	۲۰۰	۱۹۳
دیزج سفید	۱۸	۹۸	۵۱	۴۷
دیزج عظیم	۱۰	۷۰	۳۵	۳۵
رازلیق	۷۵۲	۳۶۵۶	۱۹۵۳	۱۷۰۳
شیرمردان	۴۶	۲۴۳	۱۲۹	۱۱۴
شیره جین	۳۴۳	۱۷۲۸	۸۴۹	۸۷۹
قزلقیه	۸۱	۴۴۳	۲۲۴	۱۹۹
قلعه جوق	۵۰۳	۲۷۶۳	۱۴۴۶	۱۱۳۷
قورخود	۶۵	۳۵۰	۱۸۹	۱۶۱
کندوان	۹۱	۴۵۴	۲۳۰	۲۲۴
کواشین	۶۹	۳۳۵	۱۸۲	۱۵۳
میر کوه حاجی	۵۲	۲۸۰	۱۴۹	۱۳۱
میر کوه علی میرزا	۸۸	۴۴۱	۲۳۰	۲۱۱
میر کوه‌سلطان	۸۳	۴۶۲	۲۶۳	۱۹۹
جمع دهستان رازلیق	۲۸۷۲	۱۴۷۹۳	۷۷۱۲	۷۰۸۱
اردها	۳۳۵	۱۸۶۹	۹۵۸	۹۱۱
اسبقران	۸۵	۴۳۶	۲۲۸	۲۰۸
اقبلاق بهمن	۲۴	۱۴۴	۸۰	۶۴
امامچای	۱۸۰	۱۲۰۶	۶۳۹	۵۶۷
ایرج	۳۰	۱۸۱	۱۰۰	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جلده باخان	۲۳۲	۱۲۲٤	٦٤۲	٥۸۲
حسنجان	۸۰	٤٤۳	۲۳۲	۲۱۱
زیری	۷۹	٤۸۰	۲٦۲	۲۱۸
سلطان آباد	۱۱۱	۷٥۱	۳۹٦	۳٥٥
سنزیق	۱٦۳	۹۳٥	٤۹٦	٤۳۹
شکردره	۷	۳۷	۲۳	۱٤
شوره دل	۷۰	۳۹۷	۲۰۳	۱۹٤
شیخ شرجین	۷۷	٤۷٥	۲٥٦	۲۱۹
طاران	٥٦	۳۲۱	۱٦۲	۱٥۹
عبدالله آباد	۲٦	۱٤٤	٦۹	۷٥
عسکر آباد	۱٦۰	۸٥۹	٤٥۰	٤۰۹
کادیجان	۱۲۲	۷۳۲	۳۹۳	۳۳۹
گوشنق	۱۹	۸۹	٤۹	٤۰
ملایعقوب	۸٦	٤٦۷	۲٤۳	۲۲٤
منقوطای	۱٥۳	۸٤٥	٤٥۰	۳۹٥
ناراب	۷۰	٤۳۱	۲۳۸	۱۹۳
نرمیق	۱۲۲	٦۷۹	۳۳۸	۳٤۱
وانق سفلی	۱۰۷	٥٥۷	۲۹٥	۲٦۲
وانق علیا	٥۳	۲۷۸	۱٥۹	۱۱۹
جمع دهستان ملایعقوب	۲٤٤۷	۱۳۹۸۰	۷۳٦۱	٦٦۱۹
اسبقروشان	٦۰۸	۳۱۹۸	۱٦۷٤	۱۲٥٤
اشتجران	۱۰۰	٤۹٥	۲٦۹	۲۲٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
الله حق	۳۶	۱۸۹	۹۶	۹۳
اندراب	۲۲۴	۱۳۱۶	۶۹۸	۶۱۸
اوغان	۳۰۵	۱۵۲۴	۸۰۷	۷۱۷
ایدرشان	۲۴	۱۴۵	۸۰	۶۵
برکاب	۳۴	۱۳۹	۷۸	۶۱
بیجند	۴۲۰	۲۰۲۲	۱۰۴۰	۹۸۲
توکلدان	۱۰۲	۶۰۰	۳۱۹	۲۸۱
تیر شاب	۳۴	۱۹۸	۱۰۷	۹۱
جهیز دان	۱۶۰	۸۱۶	۳۹۳	۴۲۳
حصار	۲۷	۱۸۸	۹۱	۹۷
دامنجان	۲۱۹	۱۰۹۹	۵۴۵	۵۵۴
دونیق	۸۵	۴۵۷	۲۴۳	۲۱۴
زیراسف	۱۰۵	۴۸۳	۲۶۷	۲۱۶
سرانسرا	۸۰	۴۲۷	۲۲۶	۲۰۱
سردها	۲۷۶	۱۵۴۳	۸۳۸	۷۰۵
شالقون	۲۰۹	۱۰۷۷	۵۵۲	۵۲۵
صومعه ملکشاه	۵۷	۲۶۹	۱۳۹	۱۳۰
قشلاق	۳۷	۱۹۳	۹۸	۹۵
کاودوش‌آباد	۸۶	۴۹۳	۲۴۹	۲۴۴
گنبدان	۳۶	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
گیلك آباد	۱۳۷	۷۴۲	۳۸۱	۳۶۱
مهین	۱۴۶	۷۴۸	۳۸۶	۳۶۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هریس	٤٠٥	٢٠١٨	١٠١٩	٩٩٩
هولیق	١٠٦	٥٦٠	٢٧٦	٢٨٤
هیروان	١٠٧	٦٤٩	٣٣٩	٣١٠
جمع دهستان هریس	٤١٦٥	٢١٨٢٣	١١٣٢٨	١٠٤٩٥
اقبلاع	١٨	٩٣	٥٢	٤١
انگیز	٥١	٢٩٤	١٦١	١٣٣
بالستان	١٥٩	٨٢٥	٤٣٨	٣٨٧
بلاسجین	٨٠	٤٣٤	٢٢٩	٢٠٥
پیرکمان	١٠	٥٣	٢٦	٢٧
چوللـو	٨٠	٤٦٣	٢٤٣	٢٢٠
چهرق	١٠٦	٥٨٢	٣١٩	٢٦٣
خاتون‌آباد	٧٠	٤٠٨	٢١٨	١٩٠
ریزگاه	٤٤	٢١٨	١١٩	٩٩
ساریقیه	٢٨	١٤٠	٧٢	٦٨
شاللو	٥٦	٣١٦	١٥٣	١٦٣
قارخون	٤٣	٢٧٥	١٤٣	١٣٢
قره‌قیه	٥٥	٣٢٤	١٦٨	١٥٦
قزل‌گچی	٢٣٨	١٢٥٧	٦٢٠	٦٣٧
گلجه	٦٣	٣٥٠	١٧٨	١٧٢
ینگجه	١٣٥	٧٠٠	٣٧٤	٣٢٦
جمع دهستان ینگجه	١٢٣٦	٦٧٣٢	٣٥١٣	٣٢١٩

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
آخوند قشلاقی	۲۶۹	۱۵۴۳	۸۱۵	۷۲۸
اغدوش	۹۵	۵۵۱	۲۸۶	۲۶۵
اکبر آباد	۱۳	۶۶	۳۶	۳۰
القور	۲۳۹	۱۲۲۷	۶۴۱	۵۸۶
اهق (آقی)	۲۱۵	۱۰۷۱	۵۵۲	۵۱۹
تازه کنده‌جلفایی(تزه کند)	۶۰	۳۰۱	۱۵۹	۱۴۲
تازه کند خوشه‌مهر	۱۵۹	۸۰۲	۴۲۱	۳۸۱
چل اقایی	۱۴۹	۷۶۸	۳۹۲	۳۷۶
چهار برج جدید	۱۲۳	۵۴۸	۲۹۰	۲۵۸
چهار برج قدیم	۳۹۲	۲۰۲۹	۱۰۶۲	۹۶۷
خانقاه (حسینه)	۱۷۶	۸۹۵	۴۵۵	۴۴۰
خانه برق‌جدید(خانه‌برق مجرلو)	۱۵۲	۸۰۲	۴۳۱	۳۷۱
خانه‌برق‌عیسی‌خانی (جعفرخانی)	۱۰	۵۹	۲۹	۳۰
خانه برق قدیم (شورخانه‌برق)	۷۳	۴۲۲	۲۳۵	۱۸۷
خرمازرد	۱۸۷	۹۳۹	۴۷۶	۴۶۳
خلوند (خلیلوند)	۳۲	۱۹۶	۱۰۵	۹۱
خوشه‌مهر(خواجه‌امیر)	۴۵۳	۲۴۱۴	۱۱۹۶	۱۲۱۸
دوش	۹۸	۵۲۹	۲۷۸	۲۵۱
دیزج‌خوشه‌مهر(دیزج‌پروانه)	۱۱۷	۵۹۱	۳۱۷	۲۷۴
دیزج‌ناولو(دیزج‌بناب)	۱۰۲	۵۴۷	۲۸۴	۲۶۳
روشتبزرگ	۳۵۸	۱۹۳۵	۹۹۶	۹۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
روشت کوچك	۹۲	۴۸۷	۲۳۹	۲۴۸
زاواشت	۲۴۵	۱۳۶۲	۷۳۲	۶۳۰
زورارق (زوارا)	۲۸۴	۱۳۹۴	۷۳۷	۶۵۷
سرج (سیرش)	۱۷۳	۷۹۵	۴۰۴	۳۹۱
شور گل	۸۱	۴۲۶	۲۳۱	۱۹۵
علیخواجه	۵۹	۳۴۸	۱۹۰	۱۵۸
فسندوز	۲۴۱	۱۲۶۱	۶۴۰	۶۲۱
تالادرق	۱	۱	۱	۰
قیچاق	۲۰۸	۱۳۶۵	۷۴۸	۶۱۷
قره جیق	۵۰۲	۲۸۵۰	۱۵۰۲	۱۳۴۸
قره قوزولو	۷۱	۳۷۰	۱۹۰	۱۸۰
قشلاق چلفایی	۱۳۷	۷۸۲	۴۰۸	۳۷۴
قشلاق خانه برق	۹۶	۵۴۶	۲۹۵	۲۵۶
قلعه خالصه (قالا)	۶۰	۳۰۰	۱۵۹	۱۴۱
قیماس خان	۴۳	۲۳۳	۱۲۷	۱۰۶
کوته مهر(کوش کند)	۷۲	۳۸۲	۲۰۲	۱۸۰
کوی‌کارمندان	۷۷۷	۴۳۶۶	۲۱۷۲	۲۱۹۴
ینگی کند خانه‌برق	۱۵۰	۷۳۲	۳۹۰	۳۴۲
ینگی کند خوشه مهر	۱۰۵	۶۰۰	۳۰۳	۲۹۷
جمع دهستان بناجو	۶۸۶۹	۳۶۸۳۵	۱۹۱۲۶	۱۷۷۰۹
اغاجاری	۵۵	۲۹۳	۱۴۸	۱۴۵
اغچه اوبا	۸۵	۴۸۲	۲۴۸	۲۳۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
الینجق	۱۰۰	٤۷۵	۲٤۱	۲۳٤
بازارلو	۸۵	٤۸۲	۲٤۳	۲۳۹
بوکت (بروت)	۱۵۸	۸٦۰	٤۵۷	٤۰۳
بولالو	٤٤	۲٤۲	۱۲۱	۱۲۱
پسیان (پیرموس)	٤۲	۲۵٦	۱۲۳	۱۳۳
تپیکدره (قشلاق تجرق)	۲٦	۱۷۷	۹۷	۸۰
تجـرق	۱۲٤	٦۹۹	۳۵۹	۳٤۰
توتاخانه (توتخانه)	۹۸	٦٤۰	۳۳٤	۳۰٦
جوان قلعه	۹۸	۵۱۸	۲٦۲	۲۵٦
چوپانکره	۸۱	٤۳۲	۲۲۹	۲۰۳
خوری	۹۸	۵۰٤	۲۸۲	۲۲۲
خانیان	۳۵۱	۱۸٤۷	۹۳۱	۹۱٦
خضرلو (قشلاق ونك)	۳٤۰	۱۸۰۰	۹۱۵	۸۸۵
خواجو	۳۳	۲۱۷	۱۱۲	۱۰۵
دانالو	۱۳۲	۷۰۰	۳۵٦	۳٤٤
دیزج حسن بیك	٦٤	۳۲۷	۱۷۱	۱۵٦
رحمانلو	۳۸	۲۳۸	۱۳٤	۱۰٤
زازیان	۱۱۱	٦۱۸	۳۳۱	۲۸۷
زاویه (زیوه)	۳۸	۲۲۸	۱۲۸	۱۰۰
زینتلو (زنبق‌لو)	۲۹	۱٦۱	۸٤	۷۷
شیراز	۲۵٤	۱۳۷٦	۷٦۵	٦۱۱
شیشوان	۵۵۵	۲۹۰۷	۱٤۹۰	۱٤۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صور	۸٤	٤۷۲	۲٤۱	۲۳۱
صومعه	۹٦	٤۹۳	۲۳۹	۲٥٤
قبادلو	٤۷	۲٥۳	۱۳۳	۱۲۰
قره ذکی	۲٦	۱٤٥	۷۷	٦۸
قوزلوجه	۱۲۷	٦۹۰	۳٦٥	۳۲٥
کوخالو	۳٥	۲۰۷	۱۱۱	۹٦
گل تپه	۱٦۷	۱۰۱٥	٥۳۷	٤۷۸
گنبد	۳۷	۲۲۲	۱۱٤	۱۰۸
گوروان	۱۲٥	۷۹۹	٤۲۸	۳۷۱
محمودآباد (پیش‌رباط)	۷۲	۳٦۹	۱۸۲	۱۸۷
مهرآباد	۱٥۰	۸۹۰	٤٥۸	٤۳۲
مهماندار	۱٥۰	۷٦۲	۳٦٤	۳۹۸
مانسا	۹۷	٥۳۱	۲٦۱	۲۷۰
نبرین	۱۰۰	٥٦۸	۳۰۱	۲٦۷
ولینجق	٦۲	۳۲٥	۱٦٥	۱٦۰
هروان	۱۰۷	٦۰۰	۳۰٤	۲۹٦
ینگجه	۱۰۲	٦٤۳	۳٤۰	۳۰۳
جمع دهستان دیزجرود	٤٦۲۳	۲٥٤٦۳	۱۱۱۸۱	۱۲۲۸۲
احمدآباد (آدم‌الدران)	۸٥	٤۷٦	۲٥۹	۲۱۷
آرقون	۳۲	۲۱۱	۱۰۹	۱۰۲
اسفستانج	۷۸	٤٥۱	۲۲۹	۲۲۲
آشان	۲۱۷	۱۱۹٦	٦۱٥	٥۸۱

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
اصفهانجوق	۷۶	۴۱۸	۲۲۹	۱۸۹
اغ‌بلاغ (یاشابیك)	۶۴	۳۸۲	۲۰۶	۱۷۶
اغ‌بلاغ علمدار	۱۷	۱۰۳	۵۵	۴۸
آغچه دیزج	۸۲	۴۶۳	۲۳۴	۲۲۹
آغجه کهل	۱۰۰	۵۶۸	۳۰۸	۲۶۰
اغچه مشهد	۲۳	۱۷۰	۹۵	۷۵
آقاجری	۶۶	۴۴۵	۲۲۵	۲۲۰
اقکند ثمرق	۶۰	۲۷۰	۱۴۲	۱۲۸
اکبر آباد	۱۹	۸۴	۴۷	۳۷
آلماچوان	۱۰۹	۶۹۳	۳۷۰	۳۲۳
المالو	۱۲۱	۶۹۵	۳۷۱	۳۲۴
اوخچی	۶۴	۳۵۵	۱۸۹	۱۶۶
اوزبك	۳۹	۲۴۰	۱۴۸	۹۲
اوزن اوبه	۲۳	۱۲۶	۶۵	۶۱
ایستگاه گل تپه	۸	۳۴	۲۲	۱۲
بابا قاضی	۳۹	۲۰۴	۱۰۶	۹۸
بابا کلك	۶۱	۳۸۸	۲۰۹	۱۷۹
بلوك‌آباد	۱۷۳	۷۹۱	۴۱۲	۳۷۹
بهنق	۸۲	۵۰۱	۲۶۶	۲۳۴
بیانلوجه	۵۶	۳۷۶	۳۰۲	۱۷۳
بالچقلو	۱۱۳	۶۳۲	۳۱۴	۳۱۸
بهر آباد	۳۲۸	۱۶۲۷	۸۳۶	۷۹۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند چلان	۱۳	۷۷	٤۳	۳٤
تازه کند سفلی	۷۵	٤۲۷	۲۱٤	۲۱۳
تازه کند علیا	۷۱	۳٤۵	۱۸۱	۱٦٤
تازه کند علی آباد	۲۵	۱۵۷	۹۱	٦٦
تازه کند قشلاق	۷۱	۳۹۱	۲۰٦	۱۸۵
تازه کند کهلان	۲۳	۱٤۸	۸۲	٦٦
جمال آباد	٤۳	۲۲۷	۱۱۳	۱۱٤
جهانگیر(چنگیز)	٤۸	۲٦۳	۱٤۱	۱۲۲
جیران سفلی	٦۱	۳۰۵	۱۵۸	۱٤۷
جیران علیا	۳۳	۲۰۳	۱۱٤	۸۹
چسبنلو	۹۳	٤۲۷	۲۳٤	۱۹۳
چکان	۱۰٦	۵۲۳	۲۷۲	۲۵۱
جلان سفلی	۱۱۹	٦۱۵	۳۰۵	۳۱۰
چلان‌سفلی(چران‌سفلی)	۹٤	۵٤۰	۲٦۳	۲۷۷
چلان علیا (چوان‌علیا)	۷۰	٤٤۰	۲۳۱	۲۰۹
چلان علیا (جوان)	۸۹	٤۹۰	۲۸۰	۲۱۰
چوان‌باغ	۷۳	۳٦۸	۱۸۷	۱۸۱
چهار طاق (چاتاق)	۱۰	۸۱	٤۵	۳٦
حاجی کرد	۱۷۵	۹٦٤	۵۱۱	٤۵۳
حاجی کندی	٤۲	۲۵۲	۱۲۷	۱۲۵
حمزه آباد	٦	۲۲	۱۰	۱۲
خراجو	۱۷٤	۱۰۱۱	٤۹٦	۵۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خطب	۴۵	۲۳۰	۱۲۵	۱۰۵
خلیفه کندی (علمدار)	۶۳	۳۹۲	۱۹۲	۲۰۰
داش‌آتان(خواجه‌نصیر)	۱۹۸	۱۰۱۰	۵۴۶	۴۶۴
دوبوینی	۳۱	۲۱۹	۱۲۵	۹۴
دیوزرم	۵۳	۲۵۸	۱۴۱	۱۱۷
زنـق	۱۸	۹۴	۵۰	۴۴
ساری قیه	۶۰	۳۶۶	۱۹۹	۱۶۷
سرکارآبادعلیا و سفلی	۶۲	۳۰۶	۱۶۷	۱۳۹
سرکیزه	۹۲	۴۷۰	۲۴۹	۲۲۱
سعیدآباد(قودوخ‌قران)	۲۱	۱۱۲	۶۴	۴۸
سنوکش (سنکش)	۱۳۸	۷۳۵	۳۹۷	۳۳۸
شاه وردی کندی	۳۷	۲۲۳	۱۲۶	۹۷
شلیلوند	۱۱۷	۵۴۷	۲۸۷	۲۶۰
شیخ‌خان	۸۹	۵۳۶	۲۸۷	۲۴۹
صومعه	۴۷	۲۷۶	۱۵۰	۱۲۶
صومعه سفلی (صوما)	۱۸۸	۹۷۲	۵۰۳	۴۶۹
صومعه علیا	۸۶	۴۳۰	۲۲۱	۲۰۹
طالبخان	۱۰۱	۵۳۰	۲۸۸	۲۴۲
عشرت آباد (دلنکی)	۹۶	۴۸۲	۲۶۰	۲۲۲
علمدار	۱۶	۹۰	۵۲	۳۸
علوکندی	۱۶	۱۰۱	۶۱	۴۰
علویان (آلیوان)	۱۷۲	۹۳۸	۴۷۸	۴۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
علی آباد	۳۷	۱۸٤	۹۹	۸۵
قاطر گوترن سفلی	۷٤	۳۹٤	۲۰۳	۱۹۱
قاطر گوترن علیا	۷٤	٤۱۸	۲۳۲	۱۸٦
قراتلو (قرادی)	۹۰	۵۱٦	۲٦۱	۲۵۵
قراجه قیه	۵٦	۳۵۰	۱۸٦	۱٦٤
قرطاول(قی‌طرول)	۱٤۱	٦۷۵	۳٦۱	۳۱٤
قره برقع (قره‌بورقا)	۵۸	۲٤۲	۱٤۰	۱۰۲
قرکند (حجت‌الاسلام)	٦۲	۳۱٤	۱٦٦	۱٤۸
قره کند خطب	۲٤	۱۲٤	٦۰	٦٤
قشلاق	۱۲۷	٦۷۳	۳٦۵	۳۰۸
قطان	۱۹	۱۰۳	۵۵	٤۸
قوز لوجه	٤۷	۲۲۵	۱۲۰	۱۰۵
قیه بلاغی	٦۱	۳۸٤	۲۰۱	۱۸۳
کابل آباد	۷٤	۳۹۲	۲۰۱	۱۹۱
کرج آباد	۱۳۸	٦۷۹	۳٤۸	۳۳۱
کرده ده	۱۱۱	٦۸۳	۳۵٦	۳۲۷
کرمجوان	۱۸۱	۹۰٦	۵۰٦	٤۰۰
کوسه صفر	٦۲	٤۰۲	۲۱۳	۱۸۹
کهجوق(کیدجیه)	۱٦۲	۸۱۹	٤۲۲	۳۹۷
کهق(کهك)	۱۹۵	۱۰٦۸	۵۸۱	٤۸۷
کهلان	۷۹	٤۲٦	۲۱٦	۲۱۰
گشایش	٦۱	۳۲۵	۱٦۸	۱۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گل تپه	۱۸۵	۹۹۰	۵۲۳	٤٦۷
گل لر	۱۱	٦۳	۳۷	۲٦
گلچوان	٤۱	۲۹۳	۱٤۵	۱٤۸
گلی کند	۷٦	۳۸۳	۱۸۳	۲۰۰
گنجی	۱۱	۵٤	۳۱	۲۳
گول (گل)	۷۹	۳۷۷	۱۹۵	۱۸۲
محسن آباد (میرزا خلیل)	٤۱	۱۹۰	۱۰۱	۸۹
مردق	۷٤	٤۰۲	۲۱۸	۱۸٤
مغانجق	۱٦۲	۷۹٤	٤۳۰	۳٦٤
ملاقاسم	٦۰	۳۷٤	۲۰۸	۱٦٦
ممه شیر	۳۳	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
موالوی سفلی	٤۱	۲۱۸	۱۲۷	۹۱
موالوی علیا	٤٤	۲٤۳	۱٤۱	۱۰۲
میمنه	۲۹	۱۳۷	۸۱	۵٦
نرج آباد	۲۸۹	۱٤٦٤	۷۵٦	۷۰۸
نصیر کندی	۱۵	۸۳	٤۲	٤۱
نوا (نووا)	۷۷	٤٦۵	۲۵۹	۲۰٦
ورجوی (وردی)	۵۹۳	۲۹۹۱	۱٤۷۰	۱٤٤۱
هپی	۳۳	۱۸۰	۹۸	۸۲
هرق (هره)	۹۱	٤٤۲	۲٤۲	۲۰۰
هریس	٦٤	۳٦۵	۱۹۵	۱۷۰
یای شهری	۵۷	۳۵۷	۱۹٤	۱٦۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگجه	۱۴۳	۷۰۷	۳۶۹	۳۳۸
جمع دهستان سراجو	۹۵۷۶	۵۱۴۸۳	۲۷۱۴۹	۲۴۳۳۴
ابراهیم حصاری	۴۳	۲۲۸	۱۲۳	۱۰۵
احمد آباد	۴۳	۲۲۱	۱۲۱	۱۰۰
ارپادرسی	۶۴	۳۹۷	۲۲۱	۱۷۶
اروق	۲۳۲	۱۲۸۴	۶۶۷	۶۱۷
آغچه دیزج(دیزه)	۱۸	۹۵	۵۸	۳۷
اغجه مشهد	۵۴	۲۸۰	۱۴۳	۱۳۷
اقجه دیزج	۲۲۱	۱۱۶۴	۶۲۲	۵۴۲
اقکند باروق	۵۸	۳۴۹	۱۷۷	۱۷۲
آقمنار	۱۰۲	۵۵۵	۲۹۸	۲۵۷
آکیس(اکیز)	۷۲	۳۹۹	۲۱۱	۱۸۸
امیر	۵۷	۲۸۸	۱۴۸	۱۴۰
امیر آباد	۱۵	۷۱	۳۸	۳۳
امیر غایب	۳۰	۱۶۳	۹۷	۶۶
اوجبلاغ	۳۹	۲۳۷	۱۲۰	۱۱۷
ایدیشه	۷۴	۴۴۲	۲۲۹	۲۱۳
ایگده‌لوی بزرگ	۶۱	۳۲۶	۱۶۷	۱۵۹
باروق (اباره)	۴۴۹	۳۲۹۸	۱۲۳۷	۱۱۶۱
بایقوت	۲۲۹	۱۱۴۰	۵۷۵	۵۶۵
بایرام کندی	۲۹	۱۷۰	۸۲	۸۸
بنایم	۵۳	۲۷۱	۱۳۱	۱۴۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پرچین بلاغ	٤٤	۲۵۷	۱٤۲	۱۱۵
تازه قلعه	۳۰۹	۱٦۲٦	۸۲۸	۷۹۸
تازه کند حوریلر	۵۵	۳۰۳	۱۵۷	۱٤٦
تازه کندخانکندی	۳۲	۱۲٦	۱۰۹	۹۷
تازه کند شیخ‌الاسلام	۲۵	۱۲٦	٦۸	۵۸
تازه کند قره ناز	۳۲	۱۹۹	۱۰۸	۹۱
تپه اسماعیل‌آباد	۱۲۲	۷۰۰	۳٦۹	۳۳۱
تورچی	۱۰۳	٦۲۲	۳۳۳	۲۸۹
جیقالو	۵۸	۳۰۷	۱۷۱	۱۳٦
چالخاماز	۱٤۲	۸۲۰	٤۲۹	۳۹۱
چاللو (چالی)	۲۰	۱۰۲	٦۳	۳۹
چای باغی	۹۹	٤۸۵	۲۵٤	۲۳۱
چیقلو	۲۵۷	۱۲۹۲	٦۸٤	٦۰۸
حاجی مسیب	۲٦	۱۳۰	۷۱	۵۹
حسن آباد	۷۲	۳۷٦	۱۹۸	۱۷۸
حسین‌آباد (تازه کندلیلان)	۱۳۸	۷٤٦	۳۸۹	۳۵۷
حمید	۷۹	٤۷۲	۲٦٤	۲۰۸
حوریلر	٤۰	۲۲۸	۱۲۷	۱۰۱
داشبلاغ	۳۲	۱۸۵	۹۳	۹۲
دمرجی	۷۰	۳۸۹	۲۱۸	۱۷۱
زمان آباد	۲۱	۱۱۳	٦۵	٤۸
ساری قیه	۳۵	۱۸۲	۱۰۱	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سالار آباد	٤٥	٢٣٣	١٢٣	١١٠
ساینجیق	٣٩	٢٠٠	١١٧	٨٣
سرملو	٣٢	١٦٠	٩٠	٧٠
شرازول (سرهنگ کندی)	١٩	١٠٢	٥٣	٤٩
شرانلو	٣١	١٩٥	١٠٥	٩٠
شریفلو	٣٩	٢٣٣	١٣٣	١٠٠
شورجه باورق	٢٣	١٥٣	٨١	٧٢
شورجه طور آقایی	٣٧	٢١٨	١٢٠	٩٨
شیخ الاسلام	٤٧	٢٣٥	١٢٣	١١٢
شیخ بابا	٥٢	٢٩٦	١٥٣	١٤٣
شیروان شاهلو	٤٦	٢٠٦	١١٥	٩١
شیرین کند	١٨٥	١٠٢٩	٥٤٢	٤٨٧
طور آقایی	٨٣	٤٤٥	٢٤٦	١٩٩
ظلم آباد	٣	٢٠	١٢	٨
عباس آباد	٥٧	٢٩٣	١٤٤	١٤٩
عبدل آباد	٣٨	١٩٤	١١٠	٨٤
علی آباد (ایگدلوی کوچك)	٢٨	١٦٠	٨٧	٧٣
علی بلاغی	٨٣	٤٠٦	٢٠٠	٢٠٦
علی یار کندی	٢٣	١٣٠	٦٩	٦١
فتح‌الله کندی	٢٠	١١٥	٥٦	٥٩
قاشقچی	٥٨	٣٢٧	١٦٣	١٦٤
قربان کندی	٣٥	٢٢٩	١٢٢	١٠٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرمزی بلاغ	۳۵	۲۳۲	۱۲۷	۱۰۵
قره چال	۱۶۹	۹۱۲	۴۸۳	۴۲۹
قره چنان	۳۷	۲۳۳	۱۲۱	۱۱۲
قره خخاو	۸۹	۶۱۰	۳۲۲	۲۸۸
قره خخاو آقکند	۲۴	۱۴۰	۷۱	۶۹
قره سقال	۸۵	۴۹۱	۲۶۲	۲۲۹
قره قشلاق	۷۹	۴۷۸	۲۶۰	۲۱۸
قره گل	۵۱	۲۹۱	۱۵۱	۱۴۰
قره ناز سفلی	۲۲	۱۲۲	۷۱	۵۱
قره ناز علیا	۵۴	۲۷۷	۱۴۷	۱۳۰
قشلاق امیر	۱۰	۶۰	۲۸	۳۲
قشلاق نوروزلو	۴۸	۲۶۸	۱۳۹	۱۲۹
قطام	۱۰۲	۶۱۰	۳۲۷	۲۸۳
قلعه جوق	۲۲۲	۱۰۹۴	۵۸۰	۵۱۴
قلی کندی	۳۹	۲۲۴	۱۱۱	۱۱۳
قندهار	۶۰	۳۳۴	۱۷۹	۱۵۵
قوذلو	۶۹	۳۷۸	۲۰۹	۲۶۹
قوریجان (قویجان)	۲۷۷	۱۲۹۴	۶۸۴	۶۱۰
قوزچی اولن	۳۴	۱۷۲	۹۲	۸۰
قوشبلاغ	۳۴	۲۱۶	۱۱۷	۹۹
قوشقیه	۷۱	۴۵۸	۲۳۴	۲۱۵
کوره بلاغ	۴۶	۲۲۱	۱۱۰	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کدکلو	۸۵	۴۹۷	۲۵۷	۲۴۰
گل‌سلیمان (گل‌صمد خان)	۱۸۰	۱۰۱۶	۵۲۳	۴۹۳
گوران قشلاقی	۶۶	۳۲۲	۱۶۶	۱۵۶
گویدرق سفلی	۱۵	۱۰۵	۶۰	۴۵
گویدرق علیا	۱۴	۱۰۶	۵۱	۵۵
لطف‌آباد (شیطان آباد)	۲۹	۱۴۴	۷۸	۶۶
لکلر	۳۱۴	۱۶۵۲	۸۷۲	۷۸۰
لیللان	۵۰۸	۲۷۹۴	۱۴۵۵	۱۳۳۹
لیلی داغی	۳۵	۲۰۴	۱۱۷	۸۷
مبارک‌آباد(داغدی‌یولقونی)	۲۶۲	۱۳۷۳	۷۰۳	۶۷۰
مجید آباد	۱۱۰	۵۷۱	۳۱۲	۲۵۹
محسن آباد (جینقره)	۶۴	۳۳۴	۱۸۳	۱۵۱
ملا سراب	۶۶	۴۰۲	۲۲۵	۱۷۷
مندلسر	۲۱	۱۱۶	۶۲	۵۴
منصور آباد	۷۳	۴۱۲	۲۱۴	۱۹۸
موسی درق	۷۲	۳۹۲	۱۹۵	۱۹۷
مهماندار سفلی	۵۶	۳۳۶	۱۸۰	۱۵۶
مهماندار علیا	۱۳	۸۹	۵۰	۳۹
میدانجق	۱۵۲	۸۳۵	۴۳۵	۴۰۰
میرزا نظام	۲۴	۱۲۵	۷۱	۵۴
ناخرجی بلاغی	۱۴	۶۷	۴۲	۲۵
نادرگلی	۱۲۶	۷۰۴	۳۷۶	۳۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصرت‌آباد (تازه کند)	۴۹	۲۶۱	۱۲۸	۱۳۳
نصرت‌آباد امیر غایب	۲۱	۱۰۳	۵۷	۴۶
نوروزلو (نصیر کندی)	۶۲	۳۵۵	۱۸۳	۱۷۲
یوز باش کندی	۹۸	۵۹۷	۳۱۹	۲۷۸
یولقونلوی جدید	۱۶۰	۸۸۸	۴۶۵	۴۲۳
یولقونلوی قدیم	۵۲	۲۵۴	۱۲۵	۱۲۹
جمع دهستان گاودول	۹۱۷۵	۵۰۰۹۲	۲۶۴۰۸	۲۳۶۸۴
ابرغان	۲۶۱	۱۲۸۷	۶۸۹	۵۹۸
اربطان	۱۵۶	۹۰۵	۴۷۲	۴۳۳
اردکلو	۲۷۶	۱۲۱۸	۶۲۳	۵۹۵
ارسی	۲۳۵	۱۲۸۳	۶۶۶	۶۱۷
ارلان	۲۴۹	۱۲۱۳	۶۵۰	۵۶۳
اسداغی	۱۲۴	۵۷۰	۲۹۶	۲۷۴
اغیار	۵	۲۲	۱۲	۱۰
انامق	۲۴۰	۱۳۷۱	۶۹۰	۶۸۱
ایستگاه پیام	۷	۲۴	۱۳	۱۱
ایلاتزنجیر (فرخدار)	۴۱	۲۰۲	۱۰۹	۹۳
ایلات یالقوزاغاج	۱۶۵	۷۹۲	۴۴۰	۳۵۲
باروج (باری)	۲۰۰	۱۰۲۰	۵۴۰	۴۸۰
باغلار ارلان	۲۲	۹۱	۵۰	۴۱
بخش کند	۱۸	۸۳	۴۱	۴۲
بناب	۷۵۰	۳۱۸۲	۱۶۳۵	۱۵۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نبگین	۶۳	۳۳۴	۱۷۶	۱۵۸
بهرام	۱۴۰	۸۰۷	۴۴۵	۳۶۲
کوی کارمندان	۶۱	۳۴۰	۱۷۵	۱۶۵
پیام (یام)	۲۰۰	۱۲۳۶	۶۳۰	۶۰۶
پیر بالا	۱۲۸	۵۹۵	۳۰۵	۲۹۰
تازه کنداخوند(تزه کند)	۳۱۰	۱۴۸۹	۷۲۱	۷۶۸
جامه بزرگ	۹۸	۵۰۹	۲۷۹	۲۳۰
جواش	۱۳۵	۷۴۳	۳۸۵	۳۵۸
حسین خلیفه	۱۵	۷۹	۴۱	۳۸
حصار با مچی	۹	۵۱	۲۹	۲۲
درویش محمد	۵۱	۲۶۹	۱۳۴	۱۳۵
دولت آباد	۴۲۳	۲۰۷۴	۱۰۷۸	۹۹۶
دیده بان (دردوان)	۱۱۹	۵۰۰	۲۵۶	۲۴۴
دیزج حسین بیك	۳۵۴	۱۸۲۰	۹۶۶	۸۵۴
دیزج یکان	۴۳۱	۲۲۸۴	۱۲۴۳	۱۰۴۱
دیزجعلیا	۳۷۴	۲۰۲۲	۱۰۴۰	۹۸۲
رو مقویسی	۱۷	۱۰۳	۵۱	۵۲
زنجیره	۲۱۸	۱۱۹۱	۶۵۰	۵۴۱
ساری تپه	۸۲	۴۵۲	۲۳۳	۲۱۹
سرخه (سرو)	۲۶	۱۴۰	۷۰	۷۰
عیش آباد	۸۶	۴۵۳	۲۴۱	۲۱۲
فارفار	۹۸	۵۲۷	۲۶۹	۲۵۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قراجه فضل‌الله	۱۸۵	۱۰۰۱	۵۳۹	۴۶۲
قراجه محمد	۱۳۵	۵۵۹	۲۹۲	۲۶۷
قره تپه	۱۲۹	۵۹۵	۲۹۰	۳۰۵
قزل قشلاق	۵۰	۲۳۹	۱۲۵	۱۱۴
قلندر	۷	۴۴	۲۶	۱۸
قمش اغل	۴۸	۳۰۸	۱۶۰	۱۴۸
قوش قیه سی	۲۷	۱۶۴	۷۹	۸۵
قهوه خانه قرخ‌لار	۱	۱	۱	۰
گزافر	۴۱	۲۲۹	۱۲۵	۱۰۴
کشکساری	۷۴۱	۳۷۵۶	۱۹۵۴	۱۸۰۲
کندلج (کل)	۴۰۹	۲۱۳۶	۱۱۰۷	۱۰۲۹
گوگجه سلطان	۶۹	۳۷۲	۲۰۷	۱۶۵
کوهناب (گونو)	۱۱۱	۵۷۱	۲۸۰	۲۹۱
گلجار	۱۳۰	۶۶۴	۳۳۴	۳۳۰
گلعذار	۴۲	۲۰۷	۱۱۵	۹۲
گله‌بان	۲۶۸	۱۱۹۰	۵۷۷	۶۱۳
گوشه درق (شودره)	۸۹	۳۹۸	۲۰۳	۱۹۵
لیوار (لودار)	۳۴۹	۱۷۱۷	۸۷۴	۸۴۳
محبوب آباد (ماه بابا)	۱۷۲	۱۰۳۰	۵۵۶	۴۷۴
مرکید	۲۵۴	۱۱۶۸	۶۱۶	۵۵۲
معدن سنگ‌نجیره	۱	۱	۱	۰
ملا یوسف	۱۵۶	۷۵۳	۴۰۰	۳۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نوجه ده شیخلار	۹٤	٤۳۱	۲۲۰	۲۱۱
دانلوجق	۷۵	۳۵۹	۱٤۹	۱٦۵
هوجقان (هجوان)	۳۳٦	۱٤٦۲	۷٤٤	۷۱۸
یالقوزاغاج	۲۵٤	۱۲۷۹	٦۸۲	۵۹۷
یا مچی	۹۱۷	٤۵۷۵	۲۳۳۸	۲۲۳۷
جمع دهستان حومه	۱۱۲۷۷	۵٦٦٤۳	۲۹۵۳۵	۲۷۱۰۸
النجق	٤۰۸	۲۰۳۳	۱۰۵۷	۹۷٦
الوجه ملك	۳٤	۲۱۲	۱۱۵	۹۷
امند	۲۷۹	۱٤۹۱	۷۳۸	۷۵۳
اندبیل	۱٦۲	۸۷۳	٤۷۲	٤۰۱
اوقلی	۲٦	۱۵۸	۸۸	۷۰
اولی	۱۰۸	۵۹۱	۳۰۱	۲۹۰
ایوند	۲۵٤	۱۲۹٦	٦۵۵	٦٤۱
پردول	۵۷	۳۰۹	۱٤٤	۱٦۵
تازه کند	۲۷	۱۵۲	۹۲	٦۰
ترپ	۱٦٤	۸۸۷	٤٦۰	٤۲۷
چراغلو	۳۱	۱٦۹	۸۸	۸۱
دوگیجان	۲۱۹	۱۱۷۵	٦۱٦	۵۵۹
زبرلو	۳۰	۱۳۱	۷۲	۵۹
زرقان	۳۱۷	۱۵۱٦	۸۰٤	۷۱۲
زین آباد (زین اوا)	۱۲۰	٦۷۵	۳٤٤	۳۳۱
سار	۱۵۹	۹۱۳	۵۱۲	٤۰۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساری قیه	۱۵	۸۲	۴۳	۳۹
شوردرق	۱۷۰	۸۱۵	۴۳۵	۳۸۰
سهرقه (شهرل)	۴۵	۲۲۰	۱۱۱	۱۰۹
قره اغاج	۹۹	۴۵۴	۲۳۵	۲۱۹
قینر	۱۲۴	۶۳۸	۳۴۸	۲۹۰
کروس	۱۵۶	۷۲۹	۴۲۰	۳۷۲
کلاش	۷۴	۳۹۲	۱۹۰	۲۰۲
کلان کیس	۵۰	۲۵۲	۱۲۱	۱۳۱
کهل	۱۵۰	۸۴۵	۴۳۹	۴۰۶
گزنق	۵۷	۲۸۶	۱۵۷	۱۲۹
لا	۱۲۹	۶۱۲	۳۱۹	۲۹۳
مجید آباد (تازه کند)	۳۲	۱۷۵	۶۹	۷۹
مرودیزج (مروزا)	۳۰	۱۷۵	۹۷	۷۸
مزرعه	۱۸۲	۹۷۹	۵۰۳	۴۷۶
منور	۷۸	۴۱۶	۲۲۳	۱۹۳
موجمبار	۸۳	۴۳۲	۲۴۰	۱۹۲
نوچه ده درق	۳۲	۱۵۹	۸۵	۷۴
ورکش	۱۰۲	۵۷۱	۳۱۹	۲۵۲
هرزنق	۳۲	۱۸۳	۹۰	۹۳
جمع دهستان رودقات	۴۰۳۵	۲۱۰۵۹	۱۱۰۲۹	۱۰۰۳۰
احمد آباد	۴۰	۱۷۷	۹۰	۸۷
ارسی	۱۸۷	۸۸۷	۴۴۵	۴۴۲
اغبلاغ	۸۴	۴۳۱	۲۳۵	۱۹۶
افشار (اوشار)	۱۶۱	۷۴۴	۳۹۷	۳۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند (تزه کند)	۴۳	۱۸۸	۱۰۳	۸۵
جلفا	۳۰۵	۱۳۰۹	۷۲۳	۵۸۶
حیدر آباد	۱۵	۸۶	۴۹	۳۷
داران	۳۰۲	۱۵۵۱	۸۳۸	۷۱۳
داران شامی	۱۱	۶۵	۳۷	۲۸
زاویه (زیوه)	۹۹	۴۵۵	۲۳۵	۲۲۰
سیلگرد	۸۵	۴۰۲	۲۰۳	۱۹۹
سیدسران (سه‌سران)	۳۰۶	۱۴۲۲	۷۷۴	۶۴۸
شاهمار(حق‌وردی‌آباد)	۸۳	۳۸۴	۲۰۳	۱۸۱
شجاع	۱۶۶	۸۳۹	۶۳	۴۰۵
طالب گل	۱۸	۹۲	۵۱	۴۴
علمدار	۹۴۹	۴۵۶۰	۲۳۳۱	۲۲۲۹
قره‌بلاغ (قره‌بلاخ)	۱۵۲	۶۵۱	۳۳۶	۳۱۵
قشلاق	۲۷۵	۱۲۷۷	۶۴۷	۶۳۰
قلعه زیر (کله‌ریز)	۱۸	۸۰	۴۶	۳۴
کلیدداغی (کلید کوتان)	۱۶	۶۷	۳۶	۳۱
گرگر علیا	۹۸	۴۹۲	۲۴۹	۲۴۳
گل قزج	۹۷	۴۸۰	۲۶۹	۲۱۱
لیوارجان (لوارجان)	۲۶۶	۱۲۶۰	۶۳۹	۶۲۱
مرازاد	۱۲۹	۴۷۳	۲۴۷	۲۲۶
مینجان آباد	۱۳	۴۸	۲۳	۲۵
نوشیروان (نیشران)	۶۳	۲۷۲	۱۳۸	۱۳۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان علمدار	۳۹۸۱	۱۸۶۹۲	۹۷۷۵	۸۹۱۷
ایستگاه الکی	۵	۱۹	۶	۱۳
بایر سفلی (بوبره)	۹۲	۲۴۶	۲۲۷	۲۱۹
بایر علیا (بوبره)	۶۵	۳۰۷	۱۵۵	۱۵۲
پیراسحق (پیرساق)	۸۷	۴۱۶	۲۱۸	۱۹۸
چراگاه امیر	۷	۳۹	۲۲	۱۷
چرچر	۶۶	۳۳۶	۱۷۵	۱۶۱
درق (دره)	۵۵	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
دیزج قربان	۲۴۰	۱۱۸۳	۶۲۱	۵۶۲
زال	۲۲۴	۹۵۲	۴۸۷	۴۶۵
زمهریر	۱۳۶	۷۹۵	۴۱۰	۳۸۵
زنوز	۹۱۹	۴۵۵۷	۲۲۹۶	۲۲۶۱
زنوزق	۲۵۴	۱۳۶۴	۷۰۰	۶۶۴
عریان تپه (ایران‌دبی)	۲۰۰	۱۱۵۹	۵۹۱	۵۶۸
قره بلاغ	۴۹	۲۲۷	۱۱۰	۱۱۷
قره گوز	۷۷	۳۵۱	۱۷۷	۱۷۴
کرداب (کری)	۱۳۲	۷۰۵	۳۶۴	۳۴۱
گله‌خان (گندم‌خانه)	۶	۴۰	۲۰	۲۰
گلین قیه	۴۷۷	۲۱۴۴	۱۰۸۶	۱۰۵۸
معدن چینی	۱	۱	۱	۰
میاب (میو)	۳۴۸	۱۶۹۵	۹۰۳	۷۹۲
میزاب (میزار)	۵۷	۳۲۴	۱۶۱	۱۶۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هرزندجدید (چای‌پرزن)	٤٦٧	٢٢٦٨	١١٦٠	١١٠٨
هرزند عتیق	٢٠٥	٩٤٨	٥٠٢	٤٤٦
جمع دهستان هرزندات	٤١٦٩	٢٠٦٤٩	١٠٥٨٤	١٠٠٦٥
اصل کند (اصل کندی)	٣١	١٦٠	٧٨	٨٢
ایلات اینانلو (خلخال)	٢٣	١٢٧	٧٤	٥٣
بهشت دره سی	٢	١٠	٥	٥
چایکسن	٩٠	٤٥٥	٢١٧	٢٣٨
سعدی (یکان سعدی)	١٦٠	٧٧٩	٤٣٨	٣٤١
شامقلوسفلی(شامقلوعتیق)	٢٤	١٣٨	٧٣	٦٥
شامقلی‌علیا(شامقلوجدید)	٥٣	٣٢٣	١٥٤	١٦٩
اقوچعلی کهریز (قوچعلی کندی)	٢	١٣	٦	٧
قیصر	٢	١٥	٧	٨
مرکید خرابه	٢٩	١٣٩	٨٠	٥٩
مزرعه سیدلور(سیدلی)	٣٨	٢١٤	١٠٦	١٠٨
مزرعه یراموش (ینگجه‌یراموش)	٦	٢٤	١٠	١٤
مغولو (مغلی)	٥١	٢٢٨	١١٣	١١٥
موتورابوارد (حیدرآباد)	٤	١٣	٧	٦
مولو (مولی)	٣٥	١٧٣	٩٩	٧٤
نور آباد (شعیب)	٣٠	١٥٤	٨٧	٦٧
یکان‌علیا(داش‌یکان)	٤٦١	٢٥٣٥	١٣٧٩	١١٥٦
یکان‌کهریز (کهریزیکان)	٥٧٢	٢٨٥٦	١٤٨٤	١٣٧٢
ینگجه سادات	٤٠	٢٣١	١١٢	١١٩

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان یکانات	۱۶۵۳	۸۵۸۷	۴۵۲۹	۴۰۵۸
ابدارلو	۳۱	۱۶۱	۹۳	۸۶
اندوتان	۲۸	۱۵۵	۹۱	۶۴
اردوخان کندی	۱۶	۹۲	۴۳	۴۹
اغبلاغ سفلی	۱۱	۷۱	۳۹	۳۲
اغبلاغ علیا	۱۸	۱۱۷	۵۷	۶۰
اغبلاق کدو کسفلی	۶۰	۳۷۰	۱۹۱	۱۷۹
اقدوه لو	۴۲	۲۲۱	۱۱۶	۱۰۵
اققاسملو	۴۶	۲۵۸	۱۳۳	۱۲۵
اققلعه	۳۳	۱۷۸	۹۷	۸۱
اقا بیکلو	۶	۳۰	۱۷	۱۳
آقا مراد	۹	۶۳	۳۵	۲۸
الکران	۵۳	۲۹۱	۱۴۴	۱۴۷
المای علیا و سفلی	۵۷	۳۷۸	۱۹۹	۱۷۹
امیر کندی	۲۴	۱۳۳	۷۶	۵۷
اوتپاشا علیا	۳۵	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
اوجاق قلی	۵	۳۲	۱۸	۱۴
ایمجه	۱۵	۱۱۵	۶۶	۴۹
ایمیر	۴۱	۲۳۳	۱۲۵	۱۰۸
بایر امبدنی	۶۸	۳۶۶	۱۸۹	۱۷۷
بر گچای	۳۶	۱۹۵	۱۰۳	۹۲
بلوط کندی	۱۱	۶۶	۳۲	۳۴

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
بهادر لو	۱	۸	۵	۳
بیك باغلو	۲٤	۱٤۰	۷۵	٦۵
پستکندی	۲۱	۱۱٦	۵۸	۵۸
پیرالوان	٦٤	۳۸۹	۲۱۲	۱۷۷
پیرعلیلو	۳۹	۲۳۹	۱۲۷	۱۱۲
تازه کند	۲٤	۱۵۳	۸۵	٦۸
تقی دیزج	۲۰۰	۱۱۹۷	٦۱۵	۵۸۲
تکبلاغ	۲٦	۱۷۹	۹۷	۷۹
تکدام	٤	۲۳	۱٤	۹
طهماسب آباد	٦	۲۹	۱۳	۱٦
جبارلو	٤۹	۲٦۵	۱٤۰	۱۲۵
ججه‌لو	۱۷	۷۳	۳۸	۳۵
جمایران	۱۰۰	۵۸۷	۳۰٦	۲۸۱
چاتقیه	۵٤	۲۷۱	۱۳٦	۱۳۵
چاخرچمن	۳۷	۲۳۸	۱۱٤	۱۲٤
چبنلو	۲۳	۱۱٤	۵۸	۵٦
چوبان قشلاقی	٤	۱۵	۱۱	٤
حاجی بالا اوغلان	۵	۲۵	۱٤	۱۱
حاجی سیفلو	۲۱	۱۱۱	۵۵	۵٦
حاجی نورکندی	۷	٤٤	۲۳	۲۱
جبارکندی	۹	٤۵	۲۰	۲۵
حسن‌لو	۱۹	۹۲	۵٦	۳٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین خان کندی	۱٤	۹۷	۵۸	۳۹
حماملو	۲۳	۱۲۷	٦۱	٦٦
حیدر آباد	٤۰	۲۰۱	۱۰۸	۹۳
خانمالو	۱۱	٦۲	۳۱	۳۱
خرابه رزی	۲۵	۱۵۹	۷۳	۸٦
خرابه قادرلو	۷	۵۲	۲۷	۲۵
خلج	۱٦	۱۱۸	٦۲	۵٦
خلیفه داود	۱٦	۸۳	٤۸	۳۵
خلیفه لو	۹۹	۵۳۱	۲۷۸	۲۵۳
داشلجه	۳۱	۲۰۷	۹۹	۱۰۸
دوره بیگلو	۳۷	۲۰۰	۱۰٦	۹٤
دمقلی	۲۰	۱۲۸	٦۹	۵۹
دوچی سفلی	۱٦	۸۸	٤٤	٤٤
دوشانبلاغی	۲۷	۱۵٤	۸۰	۷٤
دوه چی	۵۹	۳٤٦	۱۸۷	۱۵۹
ذکی‌لو	۲۷	۱۵۸	۸۲	۷٦
رحیمبیگلوی سفلی	۱۰۱	۵۵۱	۲۸۸	۲٦۳
رحیمبیگلوی علیا	۳۹	۲۲۷	۱۱۸	۱۰۹
رزی	۱۸۰	۹۵۵	۵۱۵	٤٤۰
ساوج بلاغ	۲۸	۱٦۰	۸۱	۷۹
سبحانلو	۱۹	۱۰۹	۵۹	۵۰
سد دره سی	۳	۲۱	۱۰	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سعادت بلاغی	٤	١٤	٩	٥
سهرابلو	٣٢	١٧٧	١٠٦	٧١
سید بیکلو	٨١	٤٣٢	٢١٧	٢١٥
شریف بیکلو	٧٤	٤٤٣	٢٢٤	٢١٩
شمسیر	٣٠	١٦٨	٩٠	٧٨
شورگل	١٣	٦٤	٣٧	٢٧
شیخ عظیم‌لو	٣٣	١٨٧	٩٧	٩٠
شیخ محمدلو	٢١	١٣١	٦٦	٦٥
طاقچه داش	٣١	١٦٠	٨٨	٧٢
طومار درسی سفلی	١٢	٦٨	٣٥	٣٣
طومار درسی علیا	١٢	٧٠	٢٨	٤٢
عالی بیگلو	٤	٢١	١١	١٠
عالی کهریزی	٧	٤٨	٢٥	٢٣
عباس کندی	١٠	٦٨	٣٩	٢٩
علیشان سوئی	١٣	٨٧	٤٧	٤٠
علی کهریزی	١٠	٥١	٢٦	٢٥
عمارت لوعلیا	٣٢	١٩٩	١١٢	٨٧
غاری مزرعه سی	٢٣	١٣٣	٦٢	٧١
قاسم کندی	١٦	٩٠	٥٠	٤٠
قامچی قیه	٢٠	١١٥	٥٦	٥٩
قانلو بلاغ	٥٢	٢٦٩	١٤٥	١٢٤
قره‌چی سفلی	٣٨	١٩٩	١١٢	٨٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره چی علیا	۵۲	۳۱۱	۱۶۵	۱۴۶
قره خان لو	۱۴	۶۸	۳۹	۲۹
قره گل	۵۷	۳۴۱	۱۸۴	۱۵۷
قره لو	۴۸	۲۸۰	۱۵۴	۱۲۶
قره ملهم	۱	۹	۵	۴
قره ولیلو	۴۸	۲۷۶	۱۳۶	۱۴۰
قشلاق محمد قلی	۶۶	۳۵۳	۱۹۸	۱۵۵
قشلاق میر سلطان لو	۹	۴۷	۲۴	۲۳
قلدور کهلی	۹	۵۸	۳۶	۲۲
قلند قشلاقی	۳۶	۱۹۲	۱۰۴	۸۸
قلی بیگلو	۹۲	۴۷۴	۲۶۶	۲۰۸
قورلو	۳۵	۱۸۹	۱۰۴	۸۵
قوشه سفلی	۷۲	۴۱۸	۲۳۹	۱۷۹
قوشه علیا	۳۳	۲۲۳	۱۱۱	۱۱۲
کاظملو	۱۲	۶۴	۳۴	۳۰
کرمشاهلو	۷۸	۴۶۹	۲۳۹	۲۳۰
کعبه بیگلو	۱۱	۵۵	۳۰	۲۵
کفتاره	۱۸	۱۲۶	۶۱	۶۵
کلی سفلی	۲۷	۱۶۹	۹۶	۷۳
کلی علیا	۵۰	۲۸۵	۱۴۷	۱۳۸
گل تپه	۷۳	۴۶۹	۲۲۴	۲۴۵
گلسن گورسن	۱۰	۵۰	۲۶	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گلی بلاغ زرگر	۷۲	۳۸۰	۱۹۰	۱۹۰
گنلو	۶	۲۶	۱۲	۱۴
گوده کهریز	۵۹	۳۹۶	۲۰۸	۱۸۸
گون پایاق علیا	۶۱	۳۴۰	۱۷۹	۱۶۱
گیچی بلاغی سفلی	۴۶	۲۹۲	۱۵۰	۱۴۲
گیچی بلاغی علیا	۳	۲۶	۱۸	۸
لله لو	۱۰۴	۵۷۰	۲۹۵	۲۷۵
لنگه بیز	۵۸	۳۱۰	۱۶۷	۱۴۳
لورون	۸۵	۴۵۵	۲۴۵	۲۱۰
مازافای	۵۳	۲۸۹	۱۴۷	۱۴۲
محمد جانلو	۳۱	۲۰۳	۹۷	۱۰۶
مرادلو	۹۵	۵۷۵	۲۹۰	۲۸۵
ملی بلاغی	۱۳	۸۸	۴۷	۴۱
ملالو	۱۶	۱۰۳	۵۶	۴۷
میرحسینلو	۲۶	۱۴۲	۷۲	۷۰
نرچلو	۱۹	۸۵	۴۵	۴۰
نصیر کندی	۱۶	۹۴	۴۳	۵۱
نقدی کندی	۳۰	۱۸۴	۸۷	۹۷
نقر لو	۴۳	۲۴۷	۱۳۳	۱۱۴
نوری کندی	۳	۲۳	۱۳	۱۰
هفتچشمه	۲۳	۱۰۶	۴۸	۵۸
یاجیلو	۶۶	۴۰۹	۲۰۳	۲۰۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یزن آباد	۱۵۱	۸۷٤	٤۳۷	٤۳۷
جمع دهستان ارشق	٤۷۳۵	۲۷۱۳٦	۱٤۲۰٦	۱۲۹۳۰
ادمدره سی سفلی	۳٤	۱۸۳	۸۹	۹٤
ادمدره سی علیا	۵۸	۲۸۳	۱۵۰	۱۳۳
اروج علیلو	۵۳	۲٦۹	۱٤۷	۱۲۲
اقتپه	۲۳	۱۱۸	۵۷	٦۱
آقا محمد بیگلو	٦	٦۷	۳۲	۳۵
آقا محمد بگلو	۷٦	٤۱٦	۲۲۵	۱۹۱
اللهیار لو	۲۲	۱۲۹	۷۲	۵۷
عالی قاپو	۷	٤٦	۲۹	۱۷
اوچبلاغ	٦۲	۳۰۷	۱٦٤	۱٤۳
ایلخچی	۳٦	۱۹۳	۱۰۰	۹۳
پشتکوه	۳۱	۱۸٦	۱۰۷	۷۹
پنجعلی خرابه سی	۵۷	۳۱۰	۱۷۲	۱۳۸
پیر علیلو	۵۵	۳۲۸	۱۷۲	۱۵٦
تازه کند	۸۹	٤۹۸	۲٦۲	۲۳٦
تکبلاغ	٤٦	۲۵٦	۱۲۸	۱۲۸
توبلقا	۲۰	۱٤۳	۷٦	٦۷
تولاچی	٤۹	۲۸۲	۱٤۲	۱٤۰
تولان	۱۰	٤۹	۲۵	۲٤
جبی لو	۳۵	۱۹۰	۱۱۰	۸۰
جدا	۷۰	۳٦۲	۲۰۱	۱٦۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جواد لو	۲۸	۱۶۰	۷۹	۸۱
جومیلو	۳۰	۱۹۱	۱۰۳	۸۸
چاتقشلاق	۵	۲۸	۱۵	۱۳
چنار	۱۳	۹۱	۵۰	۴۱
خان محمد لو	۵۷	۳۱۴	۱۷۴	۱۴۰
داشبلاغ کنده	۷۳	۴۸۸	۲۶۶	۲۲۲
داشدی درق	۱۶	۸۴	۴۷	۳۷
داشقاپو	۱۸	۹۴	۵۱	۴۳
داغکند	۲۰	۱۰۶	۵۱	۵۵
دانیال	۳۰	۱۷۳	۸۴	۸۹
درکاهلو	۴۵	۲۲۸	۱۱۶	۱۱۲
دلیکداش	۱۷	۸۷	۴۶	۴۱
دلیکیارقان	۵	۴۲	۲۵	۱۷
دمیرچی خرابه سی	۶۷	۴۲۹	۲۲۱	۱۹۸
زیوه	۱۱۱	۵۶۷	۲۷۶	۲۹۱
ساریلار	۱۱	۴۹	۲۶	۲۳
ساری قیه	۴۱	۲۰۸	۱۰۴	۱۰۴
سامانلو	۷۸	۴۶۶	۲۴۹	۲۱۷
سردی	۳۴	۱۸۸	۱۰۱	۸۷
سرو اغاجی	۶۴	۳۵۳	۱۸۴	۱۶۹
سلوکقشلاق	۳	۶	۴	۲
سید محمد لو	۲۴	۱۱۳	۵۳	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
شاعر لر	۶۰	۲۸۶	۱۵۹	۱۲۷
شوردرق سفلی	۴۸	۲۹۲	۱۵۳	۱۳۹
شوردرق علیا	۴۵	۲۴۶	۱۲۶	۱۲۰
شورستان	۲۱	۱۱۳	۶۰	۵۳
شهباز لو	۲۳	۱۲۱	۶۰	۶۱
شیخ رضی	۲۳	۱۴۴	۸۱	۶۳
صلوات	۱۰۹	۵۸۱	۳۲۳	۲۵۸
عباس علیلو	۴۸	۲۸۳	۱۵۰	۱۳۳
عباس علی آ کن	۱۹	۱۱۸	۵۷	۶۱
عسکر خانلو	۲۹	۱۷۹	۹۶	۸۳
عسکر کندی	۴	۳۳	۱۴	۱۹
قاری قشلاقی	۲۸	۱۴۱	۷۲	۶۹
قربانلو	۳۰	۱۷۰	۸۵	۸۵
قره اغاج سفلی	۷۹	۴۳۴	۲۲۷	۲۰۷
قره اغاج علیا	۴۰	۲۳۶	۱۲۴	۱۱۲
قره جه‌اغل	۱۰	۶۵	۳۷	۲۸
قره خان بیگلو	۹۲	۵۲۳	۲۷۱	۲۵۲
قزل قیه	۲۰	۱۱۳	۶۰	۵۳
قشلاق بریان	۱۶	۹۱	۵۰	۴۱
قشلاق جدا	۲۵	۱۶۷	۸۵	۸۲
قلیج خانلو	۲۷	۱۶۶	۸۷	۷۹
قلی درق	۲۶	۱۳۷	۶۷	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قورتلو	٤٥	٢٦٢	١٤٣	١١٩
قورتلو قشلاق	١	٩	٥	٤
قوز لو	٢٣	٩٣	٥١	٤٢
قهرمانلو	١٩	٩٩	٥٤	٤٥
قیل لولی	٣١	١٩٤	٩٠	١٠٤
کچی قشلاق	٨	٥٧	٣٥	٢٢
کدخدا لو	٢١	١٢٥	٦٢	٦٣
کرد کندی	٣٧	٢١٦	١١٧	٩٩
کلانتر	٣٩	٢١٧	١١١	١٠٦
کنده کندی	١٧٧	٨٦٧	٤٧٥	٣٩٢
کورماللو (کوراماللو)	١٠٧	٥٤٩	٣٠٧	٢٤٢
کهنه کند	٢٤	١٢٦	٦٩	٥٧
کینو	٢٢	١٢٧	٦١	٦٦
گرمی انکوت	٦٢	٣٢٩	١٧٦	١٥٣
گلین بلاغی	٣٤	٢١١	١١٨	٩٣
گلی درق	٤١	٢٣٦	١٢٤	١١٢
گلی درق سفلی	٢٠	١٠٤	٥٨	٤٦
گلی درق علیا	١٨	١٠٣	٥٧	٤٦
گوده کهریز	٨٥	٤٧١	٢٥٣	٢١٨
گونی کند	٣٢	١٦٨	١٠١	٦٧
لکر آباد سفلی	٤٢	٢٣٤	١١٤	١٢٠
لکر آباد علیا	٣٧	٢١٤	١١٧	٩٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
لکوان	۲٤	۱٤۷	۷۷	۷۰
لاچین دره سی	۳٦	۲۲۷	۱۳۷	۹۰
مال قشلاق	۳۵	۱۸۳	۹٦	۸۷
مراللو	٤٦	۲۷۱	۱۵۵	۱۱٦
مردان	۲۵	۱۲۲	٦۷	۵۵
مسجد لو	۲۷	۱۵۲	۸٦	٦٦
ملا لو	٤۵	۲٤٦	۱۳۰	۱۱٦
میر جعفر لو	٤۲	۱۸۱	۹۱	۹۰
میرزا حسن کندی	۷٦	٤٤٦	۲۳٤	۲۱۲
نصیر کندی	۳۹	۲۲۹	۱۲٦	۱۰۳
نولی	۱۲	٦۲	۳۵	۲۷
هدیلو	۳۸	۲۱۵	۱۱٤	۱۰۱
هیبت سفلی	۱۱	۷٤	۳۹	۳۵
هیبت علیا	۱۹	۱۱۹	٦۷	۵۲
هیزان	٤۵	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
یل سویی	٤٦	۲٤٦	۱۳۲	۱۱٤
جمع دهستان انکوت	۳۹٤۲	۲۱۹۲۰	۱۱٦٦۲	۱۰۲۵۸
اجاق الازار	٦٤	۳۳۹	۱۵۸	۱۸۱
ارانچی	۷۱	۳۸٤	۱۹۱	۱۹۳
ارمار	۲٦	۱۳۹	٦٦	۷۳
اروج آباد	۱٤	۸۲	٤۵	۳۷
ازاد لو	۷۹	٤٤۵	۲۲٤	۲۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اژدرلو	۳۲	۱۸۳	۹۷	۸۶
اغ حسن بیگلو	۴۳	۲۱۱	۱۰۹	۱۰۲
افسوران	۶۴	۳۰۴	۱۵۹	۱۴۵
القناب	۳۸	۲۴۸	۱۳۴	۱۱۴
الیله	۱۰۴	۵۴۶	۲۶۳	۲۸۳
الیله سر	۳۳	۱۸۸	۹۸	۹۰
الی درق	۸	۴۰	۲۶	۱۴
امراهلو	۶۹	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
انبیربیگلو	۶۳	۳۴۶	۱۷۳	۱۷۳
انکورد	۱۰	۵۴	۲۹	۲۵
اوج اغاج	۳۶	۱۶۶	۸۵	۸۱
اوچه	۴۰	۲۴۷	۱۲۴	۱۲۳
اولی کندی	۶۸	۳۴۱	۱۶۹	۱۷۲
اوماسلان علیا	۱۰۸	۵۳۷	۲۵۰	۲۸۸
ایزمارهعلیا	۱۸۴	۹۱۴	۴۷۱	۴۴۳
ایزماره سفلی	۱۷	۱۱۴	۶۰	۵۴
ایلخانلار	۱۸	۱۱۰	۶۰	۵۰
ایلخچی سفلی	۶۲	۳۴۸	۱۷۳	۱۷۵
ایلخچی علیا	۴۱	۱۹۲	۹۴	۹۸
اینی سفلی	۴۷	۲۶۴	۱۲۰	۱۴۴
اینی علیا	۹۷	۵۳۰	۲۷۷	۲۵۳
اینی وسطی	۶۱	۳۴۲	۱۸۸	۱۵۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابی کند	۳۷	۲۵۲	۱۳۱	۱۲۱
باقرلو	۳۲	۱۷۷	۸۹	۸۸
بشیرلو سفلی	۶	۳۶	۱۸	۱۸
بشیر لوعلیا	۲۶	۱۷۸	۸۵	۹۳
بنه	۱۰۱	۵۳۴	۲۶۹	۲۶۵
بورك آباد	۱۷	۹۵	۴۷	۴۸
بهرام آباد	۲	۱۵	۵	۱۰
بیعرق	۲۹	۱۶۳	۹۳	۷۰
بیکباغی	۲۹	۱۷۰	۹۳	۷۷
بیلداشی	۱۱۸	۶۱۱	۳۳۲	۲۷۹
بیله درق	۳۳	۱۹۹	۹۶	۱۰۳
بیوك آقالو	۲۱	۱۱۲	۶۱	۵۱
پرچین سفلی	۱۰۸	۵۴۰	۲۸۸	۲۵۲
پرچین علیا	۲۴	۱۸۱	۹۲	۸۹
پرمهر	۱۲۸	۶۴۰	۳۲۳	۳۱۷
پیره خلیل	۳۰	۱۶۷	۹۳	۷۴
تازه‌کند	۲۱	۱۵۲	۸۳	۶۹
تازه کندلنگان	۹	۵۶	۳۲	۲۴
تازه کندموران	۲۸	۱۷۱	۱۰۲	۶۹
تپه	۶۸	۴۰۹	۱۹۹	۲۱۰
تپه باشی	۱۰	۵۰	۲۸	۲۲
تکدام اجارود	۱۳	۵۴	۳۰	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تنگ	۳۰	۱۴۸	۷۶	۷۲
تولون	۱۵۳	۸۶۳	۴۶۳	۴۰۰
تولیر	۳۸	۱۸۶	۹۸	۸۸
جنگان	۲۰	۱۳۳	۷۳	۶۰
چغونکنشن	۸۴	۴۴۴	۲۲۶	۲۱۸
چلك	۸۹	۴۶۴	۲۴۲	۲۲۲
چوبدرق سفلی	۱۵	۸۸	۵۴	۳۴
چوبدرق علیا	۲۱	۱۲۱	۶۱	۶۰
چونه خانلو	۲۸	۱۶۳	۷۶	۸۷
حجت آباد	۲۴	۱۰۴	۵۸	۴۶
حسن کندی	۴۵	۲۶۱	۱۳۱	۱۳۰
حمزه خانلو	۵۶	۳۱۶	۱۵۶	۱۶۰
حسن کندی	۱۹	۱۲۴	۵۹	۶۵
حواس کندی	۴۸	۲۸۶	۱۴۰	۱۴۶
خان بلاغی	۵۵	۲۶۳	۱۴۳	۱۲۰
خان یوردی	۱۱	۷۷	۴۲	۳۵
داش بلاغ	۲۷	۱۳۷	۷۴	۶۳
داشدبی	۳۳	۱۵۴	۸۱	۷۳
درمانلو	۵۶	۲۶۷	۱۳۳	۱۳۴
درویش گورتمز	۶۲	۳۴۹	۱۷۳	۱۷۶
دریامان	۶۱	۳۵۰	۱۹۸	۱۵۲
درین کبود	۲۳	۱۲۵	۷۰	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دمیرچی سفلی	۸۸	٤٥۹	۲۲۹	۲۳۰
دمیرچی علیا	۱۱	۷٥	٤۱	۳٤
دیزج	۱٤۲	۸۰۳	٤۱۳	۳۹۰
رحیملو	٤٦	۲٥۸	۱٤۱	۱۱٦
رحیملوموران	۱٥	۸۰	٤۱	۳۹
رمضانلو	۹	٦۸	۳۳	۳٥
زنگبار	٤٦	۲٤٦	۱۳۲	۱۱٤
زنگیر	۱٤٤	۷٦۷	۳۷۹	۳۸۸
زهرا	٤٦	۲۳۹	۱۰۸	۱۳۱
ساری درق	۲٦	۱٥٤	۸٤	۷۰
ساری نصیر لو	٦	٥۰	۳۰	۲۰
سلیمانلو	۲٦	۱۲٥	۹٦	٥٦
سلاله	۷٥	۳٤۳	۱۸۳	۱٦۰
سیاوش‌کندی	۲٦	۱٤٥	۷٤	۷۱
سیدکندی	٤٥	۲۳۳	۱۲۳	۱۱۰
سیدلرزهرا	۲٤	۱۱۲	٦۳	٤۹
سینه‌سر	۲٥	۱۳٦	۹٦	٦۷
سیه	٦	۳٦	۲۲	۱٤
شاون سفلی	۳۷	۱۸۲	۸۹	۹۳
شاون علیا	۳۰	۱٥۲	٤۷	٦۹
شکراب	۹٥	٥۲٤	۲۷٥	۲٤۹
شکرلوی‌سفلی	۱۳	۸٥	٤۷	۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شکر لوی علیا	۵۲	۲۹۹	۱۵۷	۱۴۲
شور بلاغ	۶۹	۳۵۳	۱۷۵	۱۷۸
شور درق انی	۷۷	۳۳۷	۱۷۳	۱۶۴
شور قوشونی	۷	۳۹	۱۹	۲۰
شیخلر	۱۶	۸۸	۴۵	۴۳
شیلوه سفلی	۳۳	۱۷۴	۹۶	۷۸
شیلوه علیا	۳۸	۲۴۲	۱۲۶	۱۱۶
صفر لو	۱۶	۸۹	۴۷	۴۲
عبا بیگلو	۸۲	۴۲۲	۲۲۲	۲۰۰
عزیز لو	۱۸	۸۸	۴۴	۴۴
عطا لو	۱	۱۵	۹	۶
علی ویرد یلر	۱۸	۸۳	۴۲	۴۱
غفار کندی	۴۲	۱۳۱	۶۷	۶۴
فرضی کندی	۱۰	۳۹	۲۳	۱۶
قره بلاغ	۱۴	۹۹	۴۶	۵۳
قره قشلاق	۱۵	۷۸	۴۳	۳۵
قره یاتاق	۴۳	۲۱۹	۱۱۳	۱۰۶
قزل گونی	۱۹	۱۱۶	۶۷	۴۹
قشلاق	۱۷	۷۹	۴۹	۳۰
قشلاق ایلخچی سفلی	۲۵	۱۳۱	۷۶	۵۵
قشلاق ایلخچی علیا	۳۵	۱۹۷	۹۴	۱۰۳
قشلاق قوز لو	۴۴	۲۱۵	۱۰۷	۱۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق مازان سفلی	۲۶	۱۶۰	۸۰	۸۰
قشلاق مازان علیا	۱۵	۱۰۵	۵۷	۴۸
قشلاق میرلطفعلی	۳۳	۱۷۲	۹۳	۷۹
قنبرلو	۶۱	۳۲۷	۱۶۴	۱۶۳
قوزلو	۴۸	۲۷۶	۱۴۱	۱۳۵
قهرمانلو	۲۵	۱۶۱	۷۷	۸۴
کچللر	۱۵	۸۶	۴۴	۴۲
کریملو	۱۳	۹۶	۵۱	۴۵
کله سرسفلی	۱۹	۱۴۱	۷۰	۷۱
کله سرعلیا	۴۱	۲۳۴	۱۱۵	۱۱۹
کلان	۹۷	۴۹۲	۲۷۰	۲۲۲
کلانسرا	۱۵۳	۷۶۷	۳۸۲	۳۸۵
کمرقیه	۱۶	۹۴	۵۱	۴۳
کودلر	۹۶	۶۰۹	۳۲۶	۲۸۳
کول اتان	۱۳	۶۵	۳۶	۲۹
گرمی	۸۷۷	۴۵۹۴	۲۳۶۰	۲۲۳۴
گیگل	۴۳	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
گیلارلو	۴۱	۲۳۹	۱۳۳	۱۰۶
لجایر	۱۶	۱۰۶	۵۰	۵۶
لسکه درق	۲۲	۱۲۷	۷۰	۵۷
لله باغی	۱۹	۱۳۴	۶۱	۷۳
لنکان	۷	۴۳	۲۲	۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ماه پری	۹	۵۰	۲۹	۲۱
مجیدلو	٤۲	۲۲۰	۱۱٤	۱۰٦
مزرعه شاهمیر	۳۰	۱٦٦	۷۹	۸۷
مشهد لو	۲۹	۱۵۳	۷۹	۷٤
مغوان	٦۰	۳۰٤	۱٦۲	۱٤۲
مهدی خانلو	۲٤	۱۱٤	۵٤	٦۰
مهره	۸۳	٤۲۷	۲۱۵	۲۱۲
میخوش	۷۸	٤۰٦	۲۲۵	۱۸۱
میراب	۸	٤۸	۲۲	۲٦
نقاره	۳۸	۲۰۹	۱۱٤	۹۵
تمیرداش	۲۸	۱۵٤	۸۳	۷۱
وان سفلی	۱۰۷	۵۲۸	۲۵۱	۲۷۷
وان علیا	٤۹	۲۹۱	۱۵۱	۱٤۰
وانستانق	۱۰۷	۵۳۸	۲۷۲	۲٦٦
هاجاکند	۳٤	۲۰۹	۱۰٤	۱۰۵
هاچاکندتازه	٤۱	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
هادی بیگلو	٤۳	۲۲۱	۱۱۲	۱۰۹
همه شان	۲۰	۱۱۱	۵٦	۵۵
یدی درق	۵	۳۵	۱۹	۱٦
یل دکرمانی	۳٤	۱۷۷	۹۲	۸۵
جمع دهستان اجاود	۷٦۰٤	٤۱۰۲۳	۲۱۱٤۳	۱۹۸۸۰
احد بیگلوارزنق	٤	۲۵	۱۵	۱۰

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
ارزنه	۴۶	۲۶۹	۱۴۱	۱۲۸
اسماعیل کندی‌برزند	۴۶	۲۴۷	۱۲۸	۱۱۹
اقاوردیلو	۱۶	۹۴	۴۵	۴۹
اقداش	۸	۴۶	۲۶	۲۰
اقداش	۲۶	۱۵۶	۷۶	۸۰
پلنلو	۱۶	۷۵	۳۴	۴۱
تکبلاغ شرفه	۱۷	۸۴	۴۴	۴۰
تکدام	۱۷	۱۰۶	۴۸	۵۸
تکه‌چی	۳۹	۲۰۵	۹۷	۱۰۸
تکانلو	۵۳	۳۳۶	۱۸۳	۱۵۳
توسانلوی برزند	۴۴	۲۵۲	۱۲۴	۱۲۸
جهان گیرلو	۷۹	۴۲۸	۲۲۱	۲۰۷
چنار	۵۰	۳۱۸	۱۷۱	۱۴۷
حاج احمد کندی	۲۳	۱۱۴	۵۸	۵۶
حسین خانلو	۱۸	۱۱۷	۶۱	۵۶
خانعلی دره‌سی	۲۴	۱۱۱	۵۲	۵۹
داشبلاغ برزن	۷	۳۵	۱۷	۱۸
دامداباجا	۷۶	۴۲۲	۲۲۰	۲۰۲
درکاهلوی برزند	۱۹	۱۰۴	۴۹	۵۵
دمیرجی دره‌سی سفلی	۲۷	۱۴۵	۷۴	۷۱
دمیرجی دره‌سی علیا	۴۶	۲۵۹	۱۴۱	۱۱۸
زرگربرزند	۷۱	۴۱۴	۲۱۴	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شامیل‌آباد	۱۵	۶۸	۳۶	۳۲
شرفه	۶۴	۳۴۴	۱۸۷	۱۵۷
شعبانلو	۱۹	۱۲۱	۶۲	۵۹
شهماربیگلو	۶۰	۳۴۱	۱۸۲	۱۵۹
صالح بیگلو	۱	۶	۴	۲
طاوس دره‌سی	۶۴	۳۶۰	۱۹۴	۱۶۶
علی محمد لو	۳۲	۱۷۱	۸۶	۸۵
قاسمکندی برزند	۱۰۳	۵۶۴	۳۰۳	۲۶۱
قباله	۲۲	۱۵۸	۷۸	۸۰
قطار سفلی	۵	۴۶	۲۰	۲۶
قطار علیا	۲۳	۱۳۴	۶۳	۷۱
قلعه برزند	۴۴	۲۶۴	۱۴۵	۱۱۹
ماراللوی کلبلوی	۵۷	۳۰۶	۱۷۰	۱۳۶
محمد تقی	۴۶	۲۹۲	۱۴۶	۱۴۶
مزرعه علیای خانلار	۱۵	۷۴	۳۸	۳۶
مزرعه علی گشادفکری	۴۵	۲۶۱	۱۴۱	۱۲۰
منصورلو	۱۴	۷۴	۳۵	۳۹
میکاییل دره‌سی	۳۲	۱۹۲	۱۰۳	۸۹
نریمان	۴۱	۲۵۷	۱۲۹	۱۲۸
نصراله بیگلو	۴۰	۲۴۱	۱۱۶	۱۲۵
نوراله بیگلو	۴۲	۲۲۶	۱۲۲	۱۰۴
جمع دهستان برزند	۱۵۵۶	۸۸۶۲	۴۵۹۹	۴۲۶۳

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
آتشگاه	۲۳	۱۲۷	۵۵	۷۲
احمدآباد	۱۷۲	۹۰۶	۴۸۸	۴۱۸
احمد بیگلو	۱۵۸	۸۴۰	۴۱۴	۴۲۶
اسماعیل‌آباد	۱۲	۷۱	۴۱	۳۰
اغ بلاغ	۱۰۳	۵۹۶	۳۱۳	۲۸۳
اقچه‌لو	۵۶	۳۰۹	۱۶۸	۱۴۱
الوچ	۷۲	۳۹۳	۲۱۱	۱۸۲
اندزق	۱۳۶	۶۶۳	۳۳۳	۳۳۰
انزان	۱۱۴	۶۰۶	۳۳۲	۲۷۴
اوارسی	۷۱	۳۸۴	۱۹۸	۱۸۶
اهل ایمان	۴۶	۲۵۴	۱۴۵	۱۰۹
بارزیل	۷۰	۳۸۸	۲۰۷	۱۸۱
بالوجه	۲۷۳	۱۶۱۸	۸۴۹	۷۶۹
بالوقیه	۴۰	۲۳۳	۱۳۲	۱۰۱
بلوسی	۴۴	۲۴۷	۱۴۶	۱۰۱
بهرامکندی	۲	۸	۳	۵
پریخان	۴۱۱	۲۲۴۵	۱۱۶۲	۱۰۸۳
تازه کند حاج خان	۱۲	۸۲	۴۸	۳۴
تازه کند نصیر	۲۲	۱۲۴	۵۹	۶۵
تازه کند یوزباشی	۱۲	۶۱	۲۸	۳۳
تبنق	۷۰	۴۰۵	۲۰۶	۱۹۹
جاجان	۶۵	۳۸۵	۲۱۶	۱۶۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جبدرق	۲۳۳	۱۲۴۸	۶۵۳	۵۹۵
جلیل کندی	۷	۳۲	۱۹	۱۳
جمال آباد	۹۰	۴۶۳	۲۴۰	۲۲۳
حبشی	۴۹	۲۴۶	۱۲۶	۱۲۰
حصار	۴	۱۹	۶	۱۳
حیق	۱۲۰	۵۸۱	۳۱۴	۲۶۷
خان کندی	۹۵	۵۷۰	۲۸۸	۲۸۲
خراوان	۶۱	۳۴۸	۱۷۴	۱۷۴
خرم آباد	۱۰۶	۵۵۹	۲۹۷	۲۶۲
خنجر	۳۳	۱۸۱	۹۴	۸۷
خورشید آباد	۵۴	۲۷۸	۱۵۵	۱۲۳
دستگیر	۶۰	۲۷۴	۱۵۷	۱۱۷
دله‌زیر	۲۹	۱۷۳	۸۲	۹۱
دمیرچی کندی	۱۱	۵۵	۳۱	۲۴
دوشانلو	۸۳	۴۳۳	۲۲۵	۲۰۸
دوکش	۲۱۹	۱۱۷۱	۵۹۸	۵۷۳
دیبکلو	۷۱	۳۴۷	۱۷۸	۱۶۹
دیزو	۶	۳۵	۱۸	۱۷
زیرزمین	۳۴	۱۹۶	۱۰۷	۸۹
ساچلو	۲۴	۱۲۵	۶۱	۶۴
سارخانلو	۴۳	۲۱۳	۱۱۸	۹۵
ساوجبلاغ	۲۲	۱۲۰	۶۶	۵۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سبلان کندی	۴۰	۱۹۴	۹۹	۹۵
سولاخلو	۳۱	۱۴۹	۷۳	۷۶
شیخلار	۴۵	۲۱۸	۱۲۱	۹۷
صاحبدیوان	۵۹	۲۸۴	۱۴۵	۱۳۹
علمدار	۸۰	۴۱۸	۱۹۹	۲۱۹
عور	۲۳۰	۱۲۵۲	۶۴۰	۶۱۲
قرخ بلاغ	۱۴	۱۰۱	۴۸	۵۳
قره باغلار	۴۹	۲۸۰	۱۵۹	۱۲۱
قره درویش	۱۳۲	۷۴۴	۳۸۴	۳۶۰
قره گل	۲۹	۱۴۷	۷۳	۷۴
قصابه	۲۱۷	۱۲۰۰	۶۲۸	۵۷۲
قورتتچه	۱۱۵	۶۲۴	۳۳۴	۲۹۰
قوزلوچه	۵۴	۳۱۰	۱۷۷	۱۳۳
کرگشه	۱۰۷	۵۶۷	۳۰۵	۲۶۲
کلهور	۳۳	۱۶۳	۹۲	۷۱
کلانپا	۶۹	۳۸۲	۲۰۷	۱۷۵
گوجنق	۱۸۹	۱۰۶۹	۵۵۵	۵۱۴
گوندزلو	۲۹	۱۷۰	۹۰	۸۰
کوه کنار	۶۰	۳۱۴	۱۶۰	۱۵۴
گل‌لرمحمدحسین	۳۰	۱۵۰	۸۱	۶۹
مزرعه جهان	۶۴	۳۲۸	۱۶۴	۱۶۴
مزرعه خلف	۱۲۱	۵۸۵	۳۱۵	۲۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مسجد لو	۵	۳۵	۱۹	۱۶
منجقچی	۱۵	۷۵	۴۲	۳۳
مویل	۸۸	۵۱۲	۲۷۴	۲۳۸
نصیرآباد	۲۲۵	۱۰۸۵	۵۶۶	۵۱۹
نهرسلولدوز	۵۲	۲۶۳	۱۳۵	۱۲۸
نیاز	۱۲	۶۲	۳۰	۳۲
ویجنده	۱۵۷	۷۵۴	۳۹۲	۳۶۲
ینگجه	۵۷	۳۲۵	۱۶۹	۱۵۶
جمع دهستان مشکین غربی	۵۸۴۶	۳۱۳۷۲	۱۶۴۳۷	۱۴۹۳۵
ارباب	۱۸۷	۸۷۳	۴۳۶	۴۳۷
ارجق	۲۸۱	۱۳۶۸	۷۰۷	۶۶۱
اقچه قشلاق	۴۴	۲۳۱	۱۲۱	۱۱۰
اقدرق	۵۴	۲۹۴	۱۶۴	۱۳۰
الرده	۲۴	۱۵۱	۷۹	۷۲
الی	۲۴۰	۱۲۷۷	۶۷۷	۶۰۰
انار	۴۱۴	۱۸۶۳	۱۰۰۷	۸۵۶
بابیان	۲۳	۱۲۵	۶۷	۵۸
باریس	۲۷	۱۴۵	۷۱	۷۴
بجق	۱۰۶	۵۶۱	۲۹۹	۲۶۲
بنه‌لو	۳۴	۱۸۴	۹۱	۹۳
پاشالو	۲۴	۱۳۴	۷۱	۶۳
پیرازمیان	۸۳	۴۷۳	۲۵۴	۲۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تکدام	۳	۱۵	۸	۷
جاموش‌اولن سفلی	۲۰	۲۵۵	۸۶	۶۹
جاموش‌اولن علیا	۱۹	۱۰۸	۵۵	۵۳
جلایر	۹۲	۵۳۶	۲۷۷	۲۵۹
چپقان	۱۱۳	۷۲۱	۳۷۸	۳۴۳
چناقبلاغ	۴۸	۲۶۵	۱۴۷	۱۱۸
حاتمکندی	۲	۱۵	۶	۹
حاجلو	۴۹	۲۳۷	۱۲۲	۱۱۵
حاجی گنجعلی	۷	۴۲	۲۳	۱۹
داشبلاغ	۲۰	۱۰۲	۵۵	۴۷
داشگسن	۶۲	۳۲۶	۱۶۹	۱۵۷
دده بیگلو	۱۳۴	۷۴۲	۳۷۹	۲۶۳
سارابانلار	۱۳۲	۶۷۹	۳۶۲	۲۱۷
سواره	۲۱	۱۲۷	۶۵	۶۲
شاطر گنبدی	۱۶	۸۸	۴۸	۴۰
شوشبلاغ	۶۳	۳۵۵	۱۷۹	۱۷۶
شهاب‌الدین	۱۸	۹۵	۵۵	۴۰
شیخ لو	۶۴	۳۵۶	۱۸۶	۱۷۰
علی‌آباد	۹۷	۴۸۲	۲۵۰	۲۳۲
علی محمدلو	۱۵	۸۳	۴۳	۴۰
فخرآباد	۲۶۹	۱۲۰۹	۶۵۷	۵۵۲
قادرلو	۴۸	۲۵۳	۱۳۶	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره قپه	۳۰۰	۱۵۳۳	۷۸۳	۷۵۰
قلچقلو	٤٤	۲٤٥	۱۳۹	۱۰٦
قوزلو	٦٥	۳۰۲	۱۵۱	۱۵۱
قهوه خانه عسکر	۱	٥	۲	۳
قیلپنلوی سفلی	۱٥	۸۲	٤٦	۳٦
قیلپنلوی علیا	۳۳	۱٦۷	۹۲	۷٥
کنکرلو	۸۷	٤۹۹	۲٥۲	۲٤۷
کوربلاغ	٥۹	۳٦۲	۱۹۱	۱۷۱
کویچ	۱۲٤	٥٤٦	۲۷٦	۲۷۰
کهلیکبلاغی	۱۱	٥۸	۳٥	۲۳
کلرتقی	٤۸	۲٦۲	۱۳۰	۱۳۲
لحاق	۱۳۹	٦۹۷	۳٦۱	۳۳٦
لعل گنج	۲٦	۱٥۹	۸۷	۷۲
لگران	۹۳	٥۱۹	۲٦٦	۲٥۳
لمبر	۱۰۷	٥۱٤	۲۷٦	۲۳۸
لنج‌آباد	٦۰	۳٤٥	۱۸۰	۱٦٥
لاهرود	۸٤۲	۳۹۹٤	۲۱۱۳	۱۸۸۱
مختارکندی	۹	٦۰	۳۲	۲۸
مسدرق	۳۸	۲۰۸	۱۱۳	۹٥
میر علی‌لو	۱۰٤	٥۲۸	۲۸۲	۲٤٦
نقدی سفلی	۳۳	۱٥۹	۷۸	۸۱
نقدی علیا	۳٦۷	۱۸۳٦	۹۷٥	۸٦۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
وراغول	۲۶	۱۴۰	۷۷	۶۳
جمع دهستان مشکین‌شرقی	۵۴۸۴	۲۷۸۹۰	۱۴۶۶۷	۱۳۲۲۳
ابراهیم آباد	۲۰۴	۱۰۵۱	۵۴۵	۵۰۶
ابراهیم آباد بیکزاد	۹۶	۵۵۴	۲۹۷	۲۵۷
ابراهیم آباد قدیم	۶	۳۵	۲۳	۱۲
ابراهیم آباد جدید	۱۰۲	۵۲۹	۲۶۰	۲۶۹
اجاق قشلاق	۶۱	۴۰۸	۱۹۶	۲۱۲
اسد قشلاق	۲۰	۱۲۹	۶۶	۶۳
اسد کندی	۲۵	۱۱۹	۶۰	۵۹
اصلاندوز	۱۶۹	۸۰۴	۴۱۹	۳۸۵
اق قاپاق اخر	۳۳	۱۷۰	۸۷	۸۳
اق قاپاق پائین	۳۸	۱۵۸	۸۲	۷۶
اق قاپاق سفلی	۹	۶۴	۳۴	۳۰
اق قاپاق علیا	۴۱	۱۶۵	۹۸	۶۷
اقا مالی قشلاقی	۷	۵۴	۳۱	۲۳
الله قلی کندی	۱۰	۵۸	۳۱	۲۷
امیر خانلو	۸	۳۹	۲۲	۱۷
انجیرلو	۷۱	۴۱۲	۱۹۵	۲۱۷
اوجاق قشلاق	۱۱	۷۸	۴۳	۳۵
اوچ درق	۹	۴۰	۲۵	۱۵
اوچبلاغ	۳۷	۲۰۲	۱۰۱	۱۰۱
اودلو	۸۳	۴۵۱	۲۵۱	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوروتلو	۱۷	۵۸	۳۲	۲۶
اوزون تپه	۲۴	۱۳۸	۶۵	۷۳
اوش دره سی	۴	۲۰	۸	۱۲
اولتان	۱۵۸	۸۱۹	۴۲۷	۳۹۲
ایاز آباد	۱۰	۵۸	۲۶	۳۲
ایده لو	۵۴	۳۲۷	۱۶۰	۱۶۷
ایران آباد	۲۷۶	۱۴۶۱	۷۴۵	۷۱۶
ایران آباد جدید	۳۶	۲۱۹	۱۰۶	۱۱۳
ایستگاه هوا شناسی	۱	۲	۱	۱
بابا شکندی	۲۷۸	۱۵۲۷	۷۸۶	۷۴۱
بالا بیگلو جدید	۳۸	۱۹۵	۱۰۹	۸۶
بخشعلی کندی	۹	۵۹	۳۴	۲۵
بران سفلی	۵۱	۲۹۷	۱۴۶	۱۵۱
بران علیا	۸۹	۴۶۹	۲۴۷	۲۲۲
بهرام آباد	۳۴	۱۷۶	۸۳	۹۳
بیگباغلو	۱۰	۵۱	۲۷	۲۴
بیله سوار	۶۳۴	۳۵۵۳	۱۸۴۴	۱۷۰۹
بیوکخانلو	۷۵	۳۷۴	۲۰۱	۱۷۳
پارا قشلاق	۵۵	۲۷۶	۱۳۵	۱۴۱
پاره قشلاق علیا	۲۸	۱۷۴	۹۴	۸۰
پاره قشلاق سفلی	۴	۲۲	۱۴	۸
پارس آباد	۵۴۷	۲۷۳۳	۱۴۴۵	۱۲۸۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پتلمی‌کندی	۲۱	۹۹	٤٦	٥۳
پلنکلو	۱۱	٦۹	۳٥	۳٤
پوتلکان	۸۱	٤۲۷	۲۱۳	۲۱٤
پیرایواتلو	۷۷	٤٤۸	۲٤۰	۲۰۸
تازه کن دعربلو	۱٦۷	۸۰۸	٤۲٤	۳۸٤
تازه‌کند جدید	٤۷	۲۲۳	۱۰۸	۱۱٥
تربتکن دی	٥۹	۳۲۳	۱۷۹	۱٤٤
تکچی	۱۱۹	٥۲٦	۲۷۲	۲٥٤
تکه	٤۰	۱۸۱	۸۹	۹۲
تیمورکندی	۱	۷	٦	۱
جهان خانلو	٥۹	۳٥۷	۱۹٥	۱٦۲
جعفر قلی‌کندی	۲۷	۱۳۷	۷٤	٦۳
چالماکندی	۷۳	۳۷۷	۱۸۹	۱۸۸
چنار	۱۸	۱۱۸	٦۲	٥٦
چناق بلاغ	۱٤	٦٦	۳۲	۳٤
چناق سفلی و علیا	۱٥٦	۷۷٥	٤۰۸	۳٦۷
حاجی ابراهیمخان	۳	۲۸	۱۳	۱٥
حاجی آقا کندی	٤٥	۲٦٤	۱۳٤	۱۳۰
حاجی بابا خان	۸	٥۰	۲۷	۲۳
حاجی بالا بیکلو	۱۸	۱۱٤	٥۷	٥۷
حاجی جعفر کندی	۷	۲۱	۱۰	۱۱
حاجی سیابکندی	۲۱	۱۳۲	۷۲	٦۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی عباس	۱۱	۷۲	٤٦	۲٦
حاجی قدرت کندی	۱۳	۸٦	٥۳	۳۳
حاجی ماهی خان	٤	۲۰	۱۱	۹
حاجی‌میروردی کندی	۲۷	۱٦٤	۸٥	۷۹
حاجی هوار کندی	۱۰	٥٥	۳۳	۲۲
حسن خان درسی	٥۷	۳۱٥	۱٦٥	۱٥۰
حسین آباد	۳۳	۱۸٥	۹۹	۸٦
حسینعلی کندی	٦	٤۰	۲۸	۱۲
خاکریز	٤٦	۲٦٥	۱۳۷	۱۲۸
خان بابا کندی	٦۸	۳٥٤	۱۸۹	۱٦٥
خان قشلان کندی	۳۹	۲۰۲	۱۰٦	۹٦
خانلار قشلاقی	۹	٥٤	۲۹	۲٥
خلفلو حاجی ولی‌خان	۱۹	۱۱٤	٦۱	٥۳
خلفلو حسین آباد	۲۱	۱٥۸	۸۹	٦۹
خلیل آباد	۱٤	٦٥	۳۰	۳٥
خور خور سفلی	۲٦	۱٤٥	۷۱	۷٤
خور خور علیا	۲٥	۱٥۱	۷٤	۷۷
داش بلاغ	۱۲	۸٤	٤۹	۳٥
داود قشلاقی	۳۸	۲۱٥	۱۱٦	۹۹
درین قویو	۳۰	۱٥٦	۸۲	۷٤
دمیر چیلو	۳۱	۱۸۲	۹۸	۸٤
دوه درسی	۱۷	۹٤	٤٥	٤۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یکدداش	۱۳	۸۰	٤٦	۳٤
رحمان دجانلو	۱٤	۷۷	۳۵	٤۲
روح کندی	۱۱۰	٦٤٦	۳٤۷	۲۹۹
زال کندی	۳۰	۱۵۰	۷۲	۷۸
زالی کندی	۲۷	۱۲۵	۷۱	۵٤
زرگر	۱۱۱	۵٤۸	۲۹۱	۲۵۷
ساری بلاغ	۱۵	۸٤	٤٦	۳۸
ساری قشلاق	۷	۳۸	۱۹	۱۹
سر بند	۵	۱۷	۱۱	٦
سر خای پیگلو	۱٤	۵۸	۳۱	۲۷
سری	۹	۵٦	۳۱	۲۵
سلطان قشلاقی	۳	۲۱	۱۰	۱۱
سلمان آباد	۵	۲۹	۱۵	۱٤
سمو کلو	۵۳	۳۲۲	۱٦۲	۱٦۰
سهراب آباد	۸	۵۰	۲۳	۲۷
سیدلر	۵	۲۳	۱۲	۱۱
شابی کندی	۳۲	۱۷۵	۱۰۰	۷۵
شاه آباد	۳۱۰	۱۷۱۳	۸۹۲	۸۲۱
شاه تپه سی	٦٦	۳۹٦	۲۰۷	۱۸۹
شاهین آباد	۱	۲٤	۹	۱۵
شورگل سفلی	۵۲	۳۰۸	۱۵۲	۱۵٦
شورگل علیا	۷	٤۷	۲٤	۲۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شور کوبی	۷	۸۰	۴۰	۴۰
شیخلر	۶	۳۳	۱۷	۱۶
صونا قیشلاقی	۳	۱۵	۵	۱۰
طومار کندی	۴۵	۲۶۱	۱۳۹	۱۲۲
عالیشان قشلاق	۱۹	۱۰۸	۵۷	۵۱
عباس آباد سفلی	۴	۲۴	۱۳	۱۱
عباس آباد علیا	۱۹	۱۰۳	۶۱	۴۲
عربلو کندی	۱۷	۹۴	۴۸	۴۶
علیرضا آباد	۱۲۸	۷۰۰	۳۵۸	۳۴۲
علیرضا آباد قدیم	۱۴۵	۶۷۹	۳۳۸	۳۴۱
عمران آباد	۱۱	۵۶	۲۸	۲۸
عنبرلو	۳	۲۸	۱۸	۱۰
عیوض‌لو	۵۰	۲۸۸	۱۵۵	۱۳۳
فولاد قویی	۱۷۳	۹۰۵	۴۷۳	۴۳۲
فهله کر پیجلو	۴۹	۲۳۷	۱۲۷	۱۱۰
فیروز آباد	۴۷	۲۴۱	۱۱۷	۱۲۴
قارشقا تپه سی سفلی	۴	۳۰	۱۹	۱۱
قارشقا تپه سی علیا	۴	۲۸	۱۴	۱۴
قاطریوران	۱۰	۵۹	۳۰	۲۹
قباد کندی	۳۶	۱۷۳	۸۱	۹۲
قره تکانلوی سفلی	۱۵	۷۴	۳۹	۳۵
قره تکانلوی علیا	۲۱	۱۰۴	۵۵	۴۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره‌توره‌تکلوی(تکلوی آباد)	۳۸	۱۸۲	۹۳	۸۹
قره داغلو	۷٤	٤۱۰	۲۱۱	۱۹۹
قره سقال	۲	۱۳	۸	٥
قرهقاسملو	۱٥۰	۷٦۱	۳۹۰	۳۷۱
قریبحاجی	۲٦	۱۲۷	۷۰	٥۷
قزقلعه سی	٦۷	٤۱۰	۲۱٤	۱۹٦
قشلاق اوچبلاغ	۸	٤٤	۲٤	۲۰
قشلاق حاجی‌الله وردی	۳	۲٦	۱٥	۱۱
قشلاق نر	۳	۲٤	۱٦	۸
قشلاق نریمان	۲	۱۲	٥	۷
قطار آباد	٤۲	۱۸۹	۹۳	۹٦
قوطور بلاغی	٥۲	۳۳۷	۱۷٤	٦۳
قویتول	۲	۱٤	٦	۸
گلی بلاغ سفلی	٤۲	۲۲۷	۱۳٤	۹۳
کورلار	۱٤	۷۹	۳۹	٤۰
گل تپه	۱۲	۸۰	٤٥	۳٥
گلی بلاغ علیا	٤۹	۲۸۹	۱٤۰	۱٤۹
گوشلو	۱۷۹	۸۷۱	٤٤۷	٤۲٤
گوگتپه	۱۸٥	۹٦۸	٤۸۲	٤۸٦
گون پاپاق	٦٤	۳۰٦	۱٦٥	۱٤۱
لیمولو	۳٦	۲۲۹	۱۲۳	۱۰٦
مایه دره سی	۷	٤۲	۲۰	۲۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مجید آباد	۸۶	٤٦٨	۲٥۲	۲۱٦
مجیدلو	٤۷	۲۹۱	۱٥۷	۱۳٤
محمد رضا لو	۸٤	٤۳۹	۲۲۷	۲۱۲
مراد علی کندی	۲۱	۱۲۹	۷٥	٥٤
مراد لو	۷۲	۳٤۸	۱۹٤	۱٥٤
مرتضی قشلاقی	٥	۳۳	۱۳	۲۰
مرتع ولی خورخور	۳	۱۳	٥	۸
مزرعه سراقشلاق	۱۲	٦۸	۳۸	۳۰
مزرعه قره سقال	٤	۱۷	۸	۹
مست علی بیگلو	۲۰	۱۲۰	٥۸	٦۲
مقصود کندی	٤۱	۲۳۹	۱۱۹	۱۲۰
مقصود لوسفلی	۱۹	۹۲	٤٤	٤۸
مقصود لو علیا	۱۲	٦۷	۳٥	۳۲
مللو کندی	۳٥	۱۷٦	۹۷	۷۹
ملا کندی	۱۰۱	٥۱۳	۲۷۲	۲٤۱
میرنشام	۲	۱۱	٦	٥
نظرعلی بلاغی	۸۹	٤۷۲	۲٤٥	۲۲۷
نورشکند	۲۰	۱۰۷	٥۳	٥٤
نورمحمد کندی سفلی	۱۱	٥۳	۳۲	۲۱
نورمحمد کندی علیا	۱۹	۸۹	٥۹	۳۰
نوروز آباد	۲۳	۱٥٥	۹٤	٦۱
جاها کندکیم	۲۰	۱۱٥	٥۹	٥٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هامار کندی	۷۰	۲۹٤	۱۹۷	۱۹۷
هزار قشلاقی	٤	۲۲	۱۳	۹
هیبتجهان‌خانملو	٤	۲۸	۱۵	۱۳
یامبلاخ	٥٤	۲۹۷	۱٤۸	۱٤۹
یانبلاخ قشلاق	٥	٤۳	۲۹	۱٤
یوسف آباد	۳٦	۱۸٥	۱۱۰	۷٥
یوشانلو شام	۱۳	٦۱	۲۸	۳۳
جمع دهستان مغان	۸۸۰۲	٤۷۲٤٦	۲٤٦۱٦	۲۲٦۳۰
اتدرسی	۳۸	۲۲۰	۱۰۰	۱۲۰
اغجه دربند	۳۹	۱۹٥	۱۰۱	۹٤
اقشارجیق(اوشارجیق)	۸٥	٤٥۷	۲۲۹	۲۲۸
اقورن	۷٦	٤۱۰	۲۱٤	۱۹٦
الاتیمور	۹۹	٥۱٥	۲٦۷	۲٤۸
اوجموش (اوشموش)	٤۹	۲۸۰	۱۳۹	۱٤۱
اورنجق (اورنجه)	۸٥	٤٥٥	۲۳٤	۲۲۱
ایستگاه شیخ صفی	۱۳	٥٤	۲۷	۲۷
برجوان (بجوان)	٦۲	۳۲٥	۱۷۹	۱٤٦
بیاتبالا	۲۱	۱۱۷	٦۰	٥۷
بیات سفلی	۹۸	٥۹٦	۳۱۸	۲۷۸
بیجرئی (بجر لو)	٥٦	۲۸۱	۱٥۳	۱۲۸
بیکبلاغ	٦۳	۳۲۹	۱۷۰	۱٥۹
پور سخلو	۱۰۳	٥۳٥	۲۷٥	۲٦۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۳۵	۱۷۸	۸٤	۹٤
جعفر آباد (نفلی)	۲٦	۱۵۵	۸۹	٦٦
جیر انبلاغ	۱۰۷	۵٦۷	۲۹۳	۲۷٤
چیقلو	۱٦۲	۸۸۱	٤۷۳	٤۰۸
خاتون آباد	۱۷۱	۱۰۷٤	۵٦۵	۵۰۹
خواجه غیاث	۱۷۸	۹۳۰	٤۸۲	٤٤۸
داش بلاغ	۷٤	۳۷۸	۲۰۲	۱۷٦
رضا خانلو سفلی (دوزکنه)	۲۵	۱۰۵	٤۸	۵۷
رضا خانلو علیا	۱٤	٦۷	۳۲	۳۰
زردین سفلی	۲۹	۱۷۱	۹۰	۸۱
زردین علیا	۳۷	۱۸۳	۹۳	۹۰
سرخه گاو(سرخه گو)	۷۷	٤۱۳	۲۲۱	۱۹۲
سلطان احمد لو	۲۱	۱۳۲	۷۱	٦۱
سونج بالا	٤۹	۲٤۲	۱۳۰	۱۱۲
سونج پایین	۸۵	٤۳۱	۲۲۹	۲۰۲
سید لر (سید در)	۷۲	۳۹۷	۲۰۳	۱۹٤
شال	۱۸	۱۰۹	۵٤	۵۵
شمی کندی (قزلجاقشلاق)	۱۰	۵۵	۲۸	۲۷
شورجه قاسم	۱	٤	۲	۲
شیخ احمد لو	۱۸۵	۹٦۹	۵۰۱	٤٦۸
شیخ طبق	۱۸۸	۱۰٤۰	۱٦۳	٤۷٤
طاوس لو	۳٦	۱۸۸	۱۲۲	۸۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عبدالرحمن لو	۳٤	۱٦۷	۸۸	۷۹
قاسمدره	۱۷	۱۱۱	٥٦	٥٥
قاضی ولی (غزوعلی)	۸٤	٤۷۳	۲٦٥	۲۰۸
قیاق تپه	۱۷۳	۱۱٥۲	٦۰۳	٥٤۹
قره اغاج	۹	٥۷	۲۹	۲۸
قره تپه	۷۷	٤۲۱	۲۰۹	۲۱۲
قره‌جه قیا	۷۷	٤۰٥	۲۱۱	۱۹٤
قلعه جوق نجفقلی خان	۱۳۲	۷۱۳	۳۸۰	۳۳۳
قلعه جیق الفلو	٦۸	۳٤٦	۱۸۱	۱٦٥
قلیشچی(قلیچ چی)	۱۰۷	٥۷٦	۲۹۰	۲۸٦
قمقان	۱۰٤	٤۹۱	۲٤٤	۲٤۷
قهرمانلو	٦٥	۳۷۲	۱۹٤	۱۷۸
کرده ده	۳۱	۱٥٥	۸۱	۷٤
کسجین	۱۱٦	٦٤٥	۳٤٤	۳۰۱
کلوجه غمی	۱۱۷	۸۳۲	٤٤۷	۳۸٥
کوهسالار سفلی	٤۸	۲۳۳	۱۲۱	۱۱۲
کوهسالار علیا	۸۱	٤۰٥	۲۰۸	۱۹۷
کوگدرق (کوگدره)	۱٥۳	۹۰٦	٤٦۷	٤۳۹
کونلو	۱٥٤	۷۹۸	٤۲۷	۳۷۱
ناولیق	۹٥	٥۱۹	۲۷۳	۲٤٦
جمع دهستان اوچ تپه	٤۲۲۸	۲۳۲۱٥	۱۲۱٤٦	۱۱۰٦۹
ازومچی (اسلام آباد)	۱۲٤	۷۲۸	۳۹٥	۳۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اشنار (اوشنار)	۱۲۳	۷۱۶	۳۶۳	۳۵۳
بالسین شریف آباد	۱۹۰	۱۰۱۰	۵۲۳	۴۸۷
بقر آباد (بولقاوا)	۱۰۸	۵۷۱	۲۹۷	۲۷۴
بلقه تیمور (بله تجر)	۱۰۲	۵۸۱	۳۲۲	۲۵۹
بلوکان	۹۶	۶۳۲	۳۳۰	۳۰۲
ترکمان چای(ترکمان)	۷۱۱	۴۱۱۷	۲۱۴۲	۱۹۷۵
تندری (تندرلو)	۵۵	۳۳۱	۱۷۳	۱۵۸
تیر آباد (باشسز)	۱۷۵	۹۷۲	۵۲۱	۴۵۱
چاناق بلاغ (چناق بلاغ)	۷۱	۳۷۱	۱۹۵	۱۷۶
دستجرد	۲۰۲	۱۱۷۰	۶۲۱	۵۴۹
زرین قیا	۱۳۷	۸۵۲	۴۰۶	۴۴۶
سانیان سفلی (سلیان سفلی)	۱۸۵	۹۶۸	۵۰۳	۴۶۵
صومعه سفلی	۸۵	۴۷۷	۲۴۹	۲۲۸
صومعه‌علیا (یوخاری صوما)	۴۰۹	۲۱۰۲	۱۱۲۷	۹۷۵
غریبد وست	۱۹۸	۱۱۴۶	۵۶۹	۵۷۷
قراجه قیا	۸۸	۵۰۸	۲۷۳	۲۳۵
کارکاس (قرقشه)	۹۳	۵۲۰	۲۸۵	۲۳۵
کلهر	۳۱۰	۱۶۱۸	۷۹۴	۸۲۴
ملا حاجی	۱۹۶	۱۱۴۸	۶۱۶	۵۳۲
مهمان	۶۰	۳۱۲	۱۶۲	۱۵۰
مهماند وست	۹۶	۵۱۹	۲۵۸	۲۶۱
نودلق (نودله)	۱۲۲	۶۹۶	۳۷۶	۳۲۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ورزقان	۴۰۹	۲۳۲۹	۱۲۵۶	۱۰۷۳
ورنکش	۳۱۶	۲۰۱۰	۱۰۸۲	۹۲۸
یالقوز اغاج	۲۰۶	۱۰۷۸	۵۷۸	۵۰۰
ینگجه	۱۴۶	۸۸۴	۴۵۴	۴۳۰
جمع دهستان پردانان	۵۰۱۳	۲۸۳۶۶	۱۴۸۷۰	۱۳۴۹۶
اشلق (اشك)	۲۹۳	۱۵۴۷	۸۰۶	۷۴۱
اشلنده	۶۷	۳۵۵	۱۸۸	۱۶۷
النجارق	۲۳۱	۱۱۷۹	۶۲۶	۵۵۳
اونلیق (اونیك)	۱۶۸	۸۶۹	۴۵۷	۴۱۲
ایورق	۱۴۳	۷۷۲	۴۰۸	۶۳۴
بالسین	۴۰۴	۱۹۸۳	۱۰۲۳	۹۶۰
بالوجه	۸۵	۴۱۲	۲۰۳	۲۰۹
برزلیق	۹۶	۵۲۲	۲۷۱	۲۵۱
برنجق (برنجه)	۴۹	۲۸۶	۱۵۶	۱۳۰
تجره رود(چوخوریورت)	۵۲	۲۶۸	۱۴۱	۱۲۷
چرن	۱۲۴	۷۲۴	۳۹۱	۳۳۳
چنار	۳۹	۲۰۵	۱۱۵	۹۰
خلیفه لو	۱۷	۹۲	۴۸	۴۴
خواجه ده	۱۱۱	۵۴۱	۲۸۱	۲۶۰
دیشاب	۴۳	۱۹۸	۱۰۱	۹۷
سرخه حصار (سلخصر)	۳۵	۲۴۶	۱۲۵	۱۲۱
شیویار (شور)	۱۲۹	۶۲۹	۳۲۱	۳۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
صومعه کبودین	۱۰۳	۵۷۲	۳۱۷	۲۵۵
قشلاق موسی بیك	۴۲	۲۴۴	۱۲۸	۱۱۶
قشلان برزلیق	۵۹	۳۰۲	۱۵۴	۱۴۸
قشلاق‌سلمانی(کلبورت)	۲۴	۱۴۳	۷۹	۶۴
قشلاق سوپورگه (قشلاق سوپورگلو)	۴۵	۲۰۶	۱۰۶	۱۰۰
کذرج	۱۶۲	۸۳۲	۴۵۹	۳۷۳
کسلان	۱۱۷	۵۸۷	۳۲۱	۲۶۶
کلاله (کالا)	۴۸	۲۷۴	۱۴۶	۱۲۸
گاولیق (گاولیك)	۵۳	۲۹۶	۱۵۰	۱۴۶
گاوینه رود (گونری)	۱۸۸	۹۸۸	۵۲۳	۴۶۵
گنگدوك (گنگدك)	۵۱	۲۷۳	۱۳۹	۱۳۴
ماهی اباد	۱۲۹	۷۴۹	۴۱۱	۳۳۸
مونق	۱۱۰	۵۲۷	۲۷۷	۲۵۰
نشق (نشه)	۱۵۳	۸۶۵	۴۴۸	۴۱۷
نقاباد (نقاب)	۱۲۰	۵۸۴	۳۲۱	۲۶۳
نقلان (بلانیق)	۸۰	۵۰۳	۲۷۲	۲۳۱
نودوزق (نوادیز)	۱۰۲	۵۱۷	۲۵۹	۲۵۸
ونجان	۱۸۱	۸۹۶	۴۷۶	۴۲۰
یلمسی	۱۷۸	۹۷۸	۴۹۳	۴۸۵
جمع دهستان تیرچائی ترکمان	۴۰۴۱	۲۱۱۶۴	۱۱۱۴۰	۱۰۰۲۴
ابك	۶۴	۳۴۰	۱۷۸	۱۶۲
اچاچی	۴۲۱	۲۲۵۳	۱۱۶۷	۱۰۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارباط	۱۳۶	۷۲۸	۳۹۲	۳۳۶
ارس (آراض)	۱۳۲	۶۸۵	۳۵۷	۳۲۸
اقدرك	۴۹	۲۴۴	۱۲۶	۱۱۸
اقطورق (اقطوره)	۲۹	۱۵۳	۸۶	۶۷
اقجه قشلاق	۴۳	۲۲۰	۱۰۹	۱۱۱
اکرم آباد (ارتولی)	۳۶	۱۷۳	۸۳	۹۰
الله داد	۴۵	۲۳۱	۱۱۹	۱۱۲
امیر آباد	۳۰	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
ایدمیر	۷۲	۳۳۱	۱۷۷	۱۵۴
ایده لو	۲	۵	۲	۳
ایستگاه پل دختر	۷	۳۸	۱۵	۲۳
ایستگاه راه‌آهن‌قرانلو	۸	۴۲	۲۱	۲۱
ایستگاه راه‌آهن‌میانه	۱۱۲	۶۴۶	۳۲۳	۳۲۳
باشمان	۱۴۰	۷۶۶	۴۱۸	۳۴۸
باغچغازپایین	۲۹	۱۲۵	۶۰	۶۵
باش کندی	۱۶	۸۱	۴۷	۳۴
بلانلیق	۹۲	۴۳۶	۲۳۱	۲۰۵
بوداغ بیك	۸۹	۴۵۲	۲۴۳	۲۰۹
یوشانلو	۲۸	۱۴۶	۷۰	۷۶
تازه کند بالا	۱۱۷	۶۵۷	۳۳۴	۳۲۳
تازه کند بزتپه	۴۶	۲۴۹	۱۳۱	۱۱۸
تازه کند میانه	۵۲	۳۱۲	۱۶۷	۱۴۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تالوار بلاغی (دیم‌تالوار)	۵۳	۲۶۸	۱۴۲	۱۲۶
جمال آباد	۱۹	۹۸	۴۹	۴۹
جهاندوز (جهان دیز)	۱۱۶	۵۵۸	۲۸۹	۲۶۸
چای تالوار (بجروان)	۶۸	۳۲۴	۱۶۹	۱۵۵
چای ینك‌آباد	۱۴۷	۸۱۲	۴۵۰	۳۶۲
چخمور	۷۶	۳۵۵	۱۸۴	۱۷۱
چولا قلو	۸۴	۳۷۳	۱۹۲	۱۸۱
حصارقرنگو	۳۷	۲۲۳	۱۱۹	۱۰۴
خانیوردی	۵۴	۲۹۰	۱۵۳	۱۳۷
خطب	۵۲	۲۸۳	۱۵۵	۱۲۸
خلیفه کمال	۳۹	۱۹۰	۱۰۹	۸۱
داش‌کسن	۳۲	۱۹۸	۹۶	۱۰۲
درین دره	۱۲۲	۵۵۸	۲۸۹	۲۶۹
دمیرچی	۵۱	۲۵۱	۱۳۲	۱۱۹
دوزنان	۱۷۴	۸۵۰	۴۷۲	۳۷۸
زاویه (زیوه)	۹۱	۴۴۴	۲۵۶	۱۸۸
زرده ملك	۴۴	۲۲۴	۱۱۵	۱۰۹
زرشلو	۷۳	۳۸۱	۲۰۸	۱۷۳
زرنق (زرنه)	۲۳	۱۰۳	۴۷	۵۶
ساری کند	۶۰	۲۸۳	۱۴۶	۱۳۷
سبز	۲۱۵	۱۱۲۸	۶۱۴	۵۱۴
سمکلو (سومکلو)	۳۹	۱۸۳	۹۶	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیاه کمر	۵۸	۲۹۷	۱۵۳	۱۴۴
شیخدر آباد (شیخدارآوا)	۵۵۵	۲۷۹۴	۱۴۵۷	۱۳۳۷
طغار	۹۷	۴۷۹	۲۴۸	۲۳۱
طلیمکندی	۲۳	۱۰۷	۵۹	۴۸
طوق (طاوا)	۲۳۲	۱۱۵۲	۶۱۳	۵۳۹
عجمی کله بوز	۷۷	۳۹۷	۲۱۸	۱۷۹
عقیل (عاقل)	۲۲	۱۲۲	۶۱	۶۱
فراهیه (فرهی)	۱۸	۱۰۷	۵۴	۵۳
قره طورق	۱۵۳	۷۴۳	۳۹۸	۳۴۵
قالوجه (قالجا)	۴۱	۱۷۰	۸۸	۸۲
قرجه ارباط	۱۲	۵۲	۲۵	۲۷
قره اور	۱۶	۹۶	۵۴	۴۲
قره بلاغ	۶۲	۳۳۸	۱۷۷	۱۶۱
قره‌جه (قاراجه)	۷۰	۳۲۷	۱۷۲	۱۵۵
قره‌زیارت(قارازیارت)	۵۰	۲۴۷	۱۳۳	۱۱۴
قواق سفلی	۳۹	۱۹۷	۹۸	۹۹
قواق علیا	۴۲	۲۲۶	۱۲۰	۱۰۶
قواق عمولر	۱۰	۵۳	۲۹	۲۴
قویجاق	۱۷۸	۸۶۱	۴۶۲	۳۹۹
قویلار	۴۶	۲۳۶	۱۲۸	۱۰۸
کرامه(گرمه)	۵۹	۳۰۲	۱۵۴	۱۴۸
کرکچی	۱۹	۱۰۶	۵۹	۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کولا	۵۳	۳۰۲	۱۵۷	۱۴۵
کریم‌آباد	۷۱	۲۹۶	۱۵۴	۱۴۲
کلوچه	۲۷۷	۱۳۴۰	۷۰۶	۶۳۴
کنگاور (سلطان‌آباد)	۶۰	۲۹۵	۱۵۶	۱۳۹
که	۶۴	۳۴۹	۱۷۰	۱۷۹
کهریز	۳۸	۲۱۰	۱۰۵	۱۰۵
گرجاغ (گورجاق)	۴۳	۲۲۰	۱۱۵	۱۰۵
گرده لاین	۵۰	۲۳۲	۱۲۰	۱۱۲
گلبوس(گلباسان)	۱۰۸	۶۶۰	۳۳۳	۳۲۷
گلن‌گدر	۱۹۱	۱۰۰۲	۵۱۵	۴۸۷
گلوجه اسلام	۱۳۹	۶۶۸	۳۴۳	۳۲۵
گلوجه یدی بلاغ	۲۶	۱۲۸	۶۹	۵۹
گوگرچینلوگورچینیك	۳۷	۱۷۰	۹۴	۷۶
لاهرود	۱	۴	۱	۳
مزمین	۱۱	۵۱	۲۸	۲۳
نودوزآباد	۵۴	۲۷۵	۱۴۲	۱۳۳
نیم ایستگاه شال	۱	۹	۵	۴
هلاج علیا	۱۳	۷۶	۳۹	۳۷
یدی بلاغ	۷۳	۳۴۸	۱۸۷	۱۶۱
ینك‌آبادیم(داغ‌نیگ‌آباد)	۳۳	۱۸۳	۹۸	۸۵
جمع دهستان کله بز	۶۶۸۶	۳۴۰۹۹	۱۷۹۴۰	۱۶۱۵۹
افضل (اوزال)	۱۳۴	۶۵۲	۳۲۴	۳۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوین	۲۲۵	۱۱۱۵	۵۸۹	۵۲۶
برزق (بحرزق)	۲۴	۱۳۲	۶۸	۶۴
برنلیق‌حسین‌خان(گروس)	۵۶	۳۳۰	۱۷۲	۱۵۸
برنلیق مددخان	۱۳۳	۶۳۴	۳۲۷	۳۰۷
بناروان (قرخ‌بلاغ)	۱۱۳	۶۲۸	۳۳۱	۲۹۷
تازه کند	۱۱	۷۵	۴۴	۳۱
تازه کند دیوانعلی	۱۹	۱۲۸	۷۹	۴۹
ترك	۵۳۶	۲۶۷۸	۱۴۱۶	۱۲۶۲
ترناب	۸۲	۴۲۶	۲۲۶	۲۰۰
چرور	۱۵۱	۷۹۳	۴۳۵	۳۵۸
حاجی همتلو	۵۲	۳۴۱	۱۶۶	۱۷۵
خانقاه (خانیه)	۱۰۵	۵۹۱	۳۰۷	۲۸۴
ولیقر	۶۰	۳۵۶	۱۷۷	۱۷۹
دیزج(دیزج‌مددخان)	۱۵۶	۸۲۹	۴۴۳	۳۸۶
زرنکش	۹۹	۵۰۹	۲۷۶	۲۳۳
سفیدخانی آیدگوز)	۱۷۷	۸۰۵	۴۱۶	۳۸۹
سنقزآباد	۹۲	۵۳۰	۲۸۰	۲۵۰
سوین	۹۲	۴۵۱	۲۳۰	۲۲۱
سیه منصور	۶۰	۳۶۰	۱۹۱	۱۶۹
طارون (طارم)	۱۳۲	۶۶۱	۳۲۹	۳۳۲
عالی بیگلو (آلی‌بیگی)	۷۹	۸۰۴	۲۱۵	۱۹۳
علی قشلاقی	۱۳	۶۱	۲۹	۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
فندقلو	۱۵۱	۷۳۶	۳۸۸	۳۴۸
قره‌حاجی‌سفلی(اشاقی‌قره‌حاجلی) قره‌حاجی‌علیا(قره‌حاجی‌یوخاری)	۳۷	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
کندوان	۴۰	۲۴۶	۱۲۱	۱۲۵
کمین	۱۴۹	۷۹۸	۴۱۸	۳۸۰
گوگارخاج	۴۱	۲۰۰	۱۰۴	۹۶
همپا	۱	۱۰	۵	۵
هندلان	۷	۴۴	۲۲	۲۲
	۵۲	۳۱۳	۱۶۵	۱۴۸
جمع دهستان کندوان	۳۰۸۴	۱۶۰۴۴	۸۳۹۶	۷۶۴۸
ارمولداق	۲۰۵	۱۱۲۳	۵۸۷	۵۴۵
استور	۲	۸	۴	۴
استور	۴۷	۲۵۱	۱۱۷	۱۳۴
اکبرآباد	۴۳	۲۵۹	۱۲۷	۱۳۲
امیرآباد	۲۵	۱۴۰	۷۵	۶۵
باطلاق	۴۱	۲۲۴	۱۲۷	۹۷
باغ‌دره‌سی	۲۳	۱۳۳	۷۰	۶۳
بسیط	۲۱	۱۱۶	۵۷	۵۹
بنیادآباد (قرق‌آباد)	۳۶	۱۹۰	۹۷	۹۳
پاورس	۷۸	۴۸۹	۲۶۶	۲۲۳
تجرق (تجر)	۱۴۰	۷۸۶	۴۱۲	۳۷۴
توپقره	۲۸	۱۶۴	۸۲	۸۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
توشمنلو	۱۲۱	۷۳۸	۳۸۵	۳۵۳
تین (طوین)	۱۱۹	۵۹۳	۳۱۶	۲۷۷
چتابحسین خانی	۱۰۸	۶۰۵	۳۱۷	۲۸۸
چتابکریمخان	۶۰	۳۰۱	۱۵۸	۱۴۳
چخماقلو	۱۴	۸۹	۵۳	۳۶
چرکینلو	۱۴۰	۷۴۳	۳۴۶	۳۵۷
چهارخانوار(دورت‌اولر)	۱۷	۸۹	۴۳	۴۶
حاج خلیل	۶۵	۳۷۰	۱۸۰	۱۹۰
حاجی یوسفلوی سفلی	۴۵	۲۷۵	۱۴۲	۱۳۳
حاجی یوسفلوی‌علیا	۱۰۷	۶۴۳	۳۵۰	۲۹۳
حسن خانباغی	۴۳	۲۴۱	۱۲۶	۱۱۵
حصار میدان داغی	۱۱۲	۶۵۶	۳۳۲	۳۲۴
خلیفه باغی	۴۱	۲۵۷	۱۳۹	۱۱۸
خناوند (خناوان)	۴۰	۲۲۰	۱۱۴	۱۰۶
خوبستان	۱۹۵	۱۰۳۴	۵۳۳	۵۰۱
داوند	۷۱	۴۵۱	۲۲۸	۲۲۳
دوه داشی	۶۷	۴۳۴	۲۱۹	۲۱۵
ذاکیر	۴۳	۲۰۷	۱۱۹	۸۸
ساری غمیش‌چشمه‌گیش	۱۰۶	۵۳۴	۲۸۷	۲۴۷
ساوجبلاغ (سوج بلاغ)	۵۴	۲۸۴	۱۳۵	۱۴۹
سورباخ (سورباغ)	۸۹	۴۶۳	۲۴۵	۲۱۸
سیدلر	۶۱	۳۴۵	۱۷۰	۱۷۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیف‌الدین(قشلاق‌شکر السلطان)	۱۳	۱۰۰	۵۰	۵۰
شته (سوطی)	۵۶	۳۳۴	۱۶۷	۱۶۷
قراجه میدانداغی	۲۹	۱۶۷	۹۰	۷۷
قره قیه	۵۷	۲۸۲	۱۲۷	۱۵۵
قزل یاتان	۵۸	۲۹۷	۱۶۱	۱۳۶
قهوه خانه یله قارشو	۱	۳	۲	۱
کلکش	۲۱	۱۱۵	۶۳	۵۲
کهبنان (کوبلان)	۱۱۰	۵۷۴	۲۹۴	۲۸۰
گاوانی (یاوانی)	۳۶	۲۴۴	۱۳۱	۱۱۳
گله گاه (گله گه)	۵۴	۳۰۴	۱۶۶	۱۳۸
گوندوغدی(قندوقندی)	۲۶۹	۱۴۸۵	۷۸۱	۷۰۴
لیوانلو	۱۱۵	۶۸۷	۳۶۰	۳۱۷
محمود آباد	۵	۳۶	۱۶	۲۰
مروشین	۱	۷	۵	۲
مروشین	۵۵	۳۴۰	۱۸۰	۱۶۰
ملك	۹۴	۵۳۳	۲۸۲	۲۵۱
نی باغی	۱۳۹	۶۹۹	۳۵۷	۳۴۲
وگند	۴۵	۲۴۹	۱۳۵	۱۱۴
ولین	۳۱	۲۴۸	۱۲۵	۱۲۳
وهل	۲۸	۱۷۳	۸۵	۸۸
هش آباد	۶۴	۳۴۶	۱۹۱	۱۵۵
هفت‌چشمه(هفته‌چشمه)	۷۷	۴۰۸	۲۳۰	۱۷۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یال قشلاقی	۱۷	۱۱۳	۵۸	۵۵
یلهقارشو	۵۹	۲۹۹	۱۶۰	۱۳۹
ینگجه	۱۶۳	۸۷۳	٤٤٦	٤۲۷
ینگی کند	٦۰	۳۰۲	۱۵۲	۱۵۰
جمع دهستان گرمه حومه	٤۰۷۳	۲۲٦٦۳	۱۱۸۰۳	۱۰۸٦۰
ابدالار	۲۰	۱۱٤	۵۲	٦۲
ابگرم	۸۳	۳۸۷	۲۰۹	۱۷۷
احمد آباد	۵۲	۲۵۷	۱٤۲	۱۱۵
اخساغلار	۲٤	۱٤٦	۸۳	٦۳
اریط	۳۰	۱۷۰	۸۳	۸۷
ارياچای	۱۰۹	۵۸۱	۲۹۹	۲۸۲
ارزهخوران	۹۰	٦۰۹	۳۲٤	۲۸۵
ارسکنای سفلی	۳۷	۱۹۹	۱۰۵	۹٤
ارسکنای علیا	۲۲	۱۱۲	٦۸	۵٤
آسیا بضیابی	۲	۳	۳	۰
اغ داغ رود	۱۰	۵۸	۳۳	۲۵
اغاجان کندی	۱۷	۹۲	٤٤	٤۸
اغجهریش	۸۳	٤۳۷	۲۲٦	۲۱۱
اغجه اوغلان	۳۸	۱۸۰	۹۳	۸۷
اغچه مشهد	۱۰۱	٤۷٤	۲٤۸	۲۲٦
اق اطاق	۱۱۲	٦۰۵	۳۱۵	۲۹۰
اقبلاغ کورانلو	۹۲	۵۳۰	۲۹۰	۲٤۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اقدشن	۱۳	۷٤	۳۷	۳۷
التمچی	٥٦	۲۳۸	۱۲٦	۱۱۲
القور	۷٦	٤۰٥	۲۱۸	۱۸۷
الوچین	۲۱	۱۱۱	٥۷	٥٤
الله کندی	۱۳	٥۰	۲٤	۲٦
الاکین	۲۹	۱٥۷	۹۲	٦٥
امیرآباد (قلعه‌جوق)	۱۷	۱۰۲	٥۲	٥۰
امین آباد	٤۰	۱۹۹	۱۰۲	۹۷
انا بلاغی	۳۲	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
اوچبلاغ	۲٦	۱۳۲	٦٥	٦۷
اوجدرق	۲۷	۱۳۲	٦۷	٦٥
اوجدرق (اوشدره)	٥۹	۳۲۸	۱۸۰	۱٤۸
اورتاسو	٥۲	۲٦٦	۱۳۷	۱۲۹
اورجك	۳۳	۱۸٤	۹۱	۹۳
اوریادجیق	٥۱	۲٥۰	۱۳٥	۱۱٥
ایده غمش	۲۲	۱۰۱	٥۰	٥۱
ایستگاه شاهپور	٦	۲۷	۱۳	۱٤
ایستگاه هشترود	۸	۲۸	۱۸	۱۰
ایشلق کندی	٥۳	۲۹۰	۱٤۹	۱٤۱
ایمیشجه	۱٤۱	۷۰۹	۳٤۷	۳٦۲
بابونه سفلی	۲۰	۱۰٦	٥٥	٥۱
بابونه علیا	۲۰	۹۷	٥٦	٤۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابونه وسطی	۱۹	۸۳	۴۲	۴۱
بارداقاچی	۶۲	۳۷۴	۱۹۷	۱۷۷
یارگاه	۱۴	۶۶	۳۹	۲۷
باغلوجه	۴۴	۲۲۳	۱۲۰	۱۰۳
بایجوق (باری جوق)	۳۲	۱۸۹	۱۰۵	۸۴
بایرامکندی	۳۱	۱۶۷	۹۵	۷۲
بایزید	۴۳	۲۲۷	۱۲۰	۱۰۷
بزینی چراغ مردان	۱۸	۹۶	۴۷	۴۹
بزینی‌یداق (بیزینی‌بوداخ)	۵۸	۲۸۶	۱۶۳	۱۲۳
بگدی باغ	۶۷	۲۸۷	۱۲۸	۱۵۹
بلقان	۵۶	۳۱۷	۱۶۴	۱۵۳
بناردالان (انباردان)	۱۷	۸۹	۴۷	۴۲
بناکوه (داغ کند)	۲۱	۱۰۵	۵۹	۴۶
بنفشه درق (بنفشه‌دژ)	۱۹	۹۱	۵۳	۳۸
بنیادکندی	۳۰	۱۵۹	۸۸	۷۱
بیك کندی	۴۲	۲۱۷	۱۱۹	۹۸
بیلگرکندی	۴۳	۲۳۹	۱۲۷	۱۱۲
پالچقلو	۴۵	۲۰۰	۱۰۴	۹۶
پاییزکاه	۲۷	۱۵۸	۸۲	۷۶
پیرسقا	۵۳	۳۱۳	۱۷۷	۱۳۶
پیرعزیز	۵۲	۲۳۷	۱۲۲	۱۱۵
پیرقلی	۵۲	۲۹۳	۱۵۵	۱۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پیك	۷٤	۳۳۳	۱۸۱	۱۵۲
تازه کند	۱۸	۱۱۸	٦۱	۵۷
تازه کند	۱٦	۹۲	۵۲	٤۰
تخت سفلی	٤۵	۲۳۵	۱۲۷	۱۰۸
تخت علیا	٤٤	۲۱۵	۱۱٤	۱۰۱
تریان قشلاق (توریان)	۳۱	۱۵۷	۷۹	۷۸
تکان	۲۷	۱۳۳	۷۹	۵٤
تکانلو سفلی	۵۳	۲۸۱	۱۵۳	۱۲۸
تکانلو علیا	٤۰	۱۸٤	۹٤	۹۰
تکمه تپه	۳۹	۲۱۲	۱۰۸	۱۰٤
توخلی چاق	۱٤	۹۰	٤۲	٤۸
تیمور آباد	۲۳	۱۱۹	٦۸	۵۱
جارچی کندی علیا(جارچی کندی کو)	٤۰	۲۱۸	۱۲۸	۹۰
جداقیه	٤٦	۲٤۹	۱۱۲	۱۳۷
جرللو	۱۷	۷۳	۳۷	۳٦
جعفر آباد	۲	۱٤	۷	۷
جوقان	۱٦	۷۹	۳۳	٤٦
جوکتو(چوکتو)	۱۰۵	۵۱۰	۲۷٤	۲۳٦
چرچره	۳۸	۱۹۷	۹۵	۱۰۲
چوبدارکندی(چودارکندی)	۲٦	۱۳۲	۷٤	۵۸
چوگانلو	٦۸	۳۷۳	۲۰۱	۱۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی آباد(دلك‌بلاغ)	۳۶	۱۹۶	۹۶	۱۰۰
حاجی کندی سفلی	۳۷	۱۸۰	۹۵	۸۵
حاجی کندی علیا	۳۸	۱۸۶	۹۹	۸۷
حسین الان (اغداغ)	۳۹	۲۰۹	۱۰۲	۱۰۷
حسینی سفلی	۳۳	۱۶۶	۸۶	۸۰
حسینی علیا	٤٦	۲۸۵	۱۳۸	۱٤۷
حصار	۸	۳۷	۲۰	۱۷
حمام	۳۷	۱۹۹	۱۰۷	۹۲
حیدر آباد (مرادلو)	۳٤	۱۷۸	۹۱	۸۷
خاتون کنای	۵۵	۳۰۷	۱۶۲	۱٤۵
خادمکندی	٤۱	۲۵۲	۱۳۲	۱۲۰
خانخانم	۷۸	٤۳۳	۲۲۸	۲۰۵
خرمدرق (خورام)	۵۰	۳۱۸	۱۷۵	۱٤۳
خضر گوران سفلی- (خدر گوران‌سفلی)	۱۲	٦٦	۳۳	۳۳
خضر گوران علیا(خدر ـ گوران علیا)	۳۲	۱٦۵	۸۳	۸۲
خلج	۲٤	۱٤۷	۷۹	٦۸
خندق	۲٦	۱۳٤	٦۲	۷۲
خواجه شاهی	۹۹	۵۲۵	۲۷۲	۲۵۳
خواجه‌لرسفلی(خرداکند)	۳۱	۲۸۲	۹۵	۸۷
خواجه لرعلیا (وزن‌گوزه)	۵۹	۳۲۹	۱۷۵	۱۵٤
خواجه‌لروسطی(آراکند)	۵۰	۳۰۸	۱٦۵	۱٤۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه محمود	۳۶	۱۸۶	۹۷	۸۹
خوبیار	۲۰	۹۳	۵۰	۴۳
خورشید	۴۰	۲۰۳	۱۰۵	۹۸
خیر آباد	۸۹	۴۹۴	۲۵۱	۲۴۳
داشبولاغ (داشبلاغ)	۶۹	۳۸۷	۲۰۶	۱۸۱
داشکسن	۴۵	۲۴۴	۱۳۱	۱۱۳
دانقازان	۳۴	۱۸۳	۱۰۱	۸۲
دبردان سفلی	۴۹	۲۳۳	۱۲۳	۱۱۰
دبردان علیا	۳۳	۱۷۷	۹۲	۸۵
دلاکفبری	۴۳	۱۸۰	۹۵	۸۵
دوه میدانی	۷۲	۳۷۵	۱۹۲	۱۸۳
دوه یاتاقی (شاقی)	۱۱۵	۶۲۳	۳۳۲	۲۹۱
دوه تایاقی	۳۶	۱۹۳	۹۶	۹۷
دیبکلو(دیبکلوی آب گرم)	۱۳	۷۸	۴۲	۳۶
دین اوغلی	۴۶	۲۴۳	۱۳۰	۱۱۳
دین یدرق	۲۷	۱۳۷	۷۳	۶۴
ذاکرکندی	۷۲	۳۸۴	۲۱۱	۱۷۳
رودکیچی(دوزایچ)	۳۱	۱۷۰	۹۷	۷۳
زاویه (زیوه)	۹۱	۴۶۰	۲۵۱	۲۰۹
زرین ده	۲۴	۱۲۹	۷۷	۵۲
ساری اغل	۳۵	۲۱۲	۱۱۷	۹۵
ساری قمیش (ساروقمیش)	۲۸	۱۴۲	۷۳	۶۹

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
سخت دل	۳۵	۱۹۱	۱۰۲	۸۹
سریك	۵۶	۲۹۰	۱۴۷	۱۴۳
سلطان آباد	۷۰	۳۵۹	۱۸۸	۱۷۱
سوغانجی(چارچی کندی)	۲۶	۱۳۲	۶۸	۶۴
سوغانچی‌رود(مهمان بلاغی)	۴۸	۲۶۲	۱۳۵	۱۲۷
سوغانچی کوه	۸۸	۴۸۶	۲۵۵	۲۳۱
شاهقلی‌کندی	۶۱	۳۳۶	۱۸۴	۱۵۲
شعبان(شعبان کهل)	۲۴	۱۴۹	۸۵	۶۴
شکر بلاغی	۳۵	۱۸۷	۱۰۲	۸۵
شورتپه	۳۲	۱۵۷	۸۹	۶۸
شورجه‌الله امانلو	۵۰	۲۷۰	۱۳۸	۱۳۲
شورجه امام جمعه	۷۰	۳۵۶	۱۸۴	۱۷۲
شور درق	۴۰	۲۳۷	۱۳۱	۱۰۶
شور قره کند	۸۱	۴۲۸	۲۲۵	۲۰۳
شور قشلاق	۳۶	۱۹۰	۹۴	۹۶
شیر علی	۱۲	۶۰	۲۶	۳۴
شیویار علیا	۱۰۱	۵۰۹	۲۷۷	۲۳۲
صوفی احمد	۲۵	۱۲۰	۶۱	۵۹
صومعه	۳۴	۱۷۲	۸۸	۸۴
طالب	۵۰	۲۵۶	۱۳۵	۱۲۱
طالش کندی	۳۳	۱۵۳	۸۰	۷۳
طالار	۴۶	۲۶۴	۱۴۰	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ظلم آباد	۶۳	۳۱۲	۱۷۱	۱۴۱
عربشاه	۱۰۴	۵۷۲	۳۰۱	۲۷۱
علی بیك کندی	۳۲	۱۵۷	۸۰	۷۷
علی بیکلوی سفلی	۴۹	۲۵۹	۱۳۴	۱۲۵
علی بیکلوی علیا	۴۷	۲۲۷	۱۳۱	۹۶
علی جولا	۲۵	۱۲۹	۶۱	۶۸
علی کندی	۲۹	۱۶۰	۸۵	۷۵
عمواوغلی‌سفلی(عمواوغلن سفلی)	۹۱	۴۲۹	۲۲۷	۲۰۲
عمو اوغلی علیا	۵۹	۲۷۶	۱۵۰	۱۲۶
قورتیمز	۱۴	۶۸	۳۶	۳۲
قراجه قیا اکرام	۲۸	۱۴۵	۸۴	۶۱
قراگنبد سفلی	۲۸	۱۳۵	۷۰	۶۵
قراگنبد علیا	۳۶	۲۰۹	۱۰۴	۱۰۵
قرخ بلاغ	۵۹	۳۱۹	۱۶۴	۱۵۵
قرخ سقر	۸۶	۴۴۷	۲۴۹	۱۹۸
قرمز باغ	۴۹	۲۱۰	۱۱۲	۹۸
قره اغاج	۱۶۴	۸۹۰	۴۶۷	۴۲۳
قره اغاج	۲۰	۹۳	۵۰	۴۳
قره اغاج کوچك	۲۳	۱۲۴	۶۴	۶۰
قره داش	۲۰	۱۲۱	۶۶	۵۵
قره سقز	۳۶	۲۰۷	۱۰۴	۱۰۳
قره صوفی	۳۱	۱۷۶	۱۰۰	۷۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره کند	۵۵	۲۵٤	۱۳٤	۱۲۰
قره گل	۳۱	۱٦۹	۸٤	۸۵
قره گنای سفلی	٤۵	۲۷۱	۱٤۱	۱۳۰
قره گنای علیا	٤۷	۲٦۷	۱٤۲	۱۲۵
قره گنای وسطی (گشتان)	۳۸	۲۲۲	۱۲٤	۹۸
قره ولی	۵۲	۲۵۳	۱۳۰	۱۲۳
قزل آباد	۷۳	٤۹٤	۲۵۳	۲٤۱
قزلجه قشلاق	۱۰	۵٤	۳۱	۲۳
قزل جه کرد کندی	۲٦	۱۵۳	۷۵	۷۸
قزل داغ	۳۵	۱۸۱	۹۳	۸۸
قزل قلعه	۵۲	۲٦۵	۱۳۳	۱۲۳
قزل قلعه موسالاند(قزل‌ـ قلعه رشیدی)	۷۲	۳۷۵	۲۰۵	۱۷۰
قزل قیه	۳۰	۱٦۳	۹۲	۷۱
قزل لجه ارشد	٤۷	۲٤۳	۱۳٤	۱۰۹
قزلق	۲۷	۱۳۹	٦۷	۷۲
قطانقو	٦۰	۳۵۳	۱۷٦	۱۷۷
قطعه	۲۱	۱۲٦	۷۰	۵٦
قزلارزه‌خواران(قلعه معدن)	٤۹	۲۱۷	۱۰۹	۱۰۸
قلعه حسین آباد	۵٤	۲٦۲	۱٤۰	۱۲۲
قلیج خانکندی	٦۱	۳۱۳	۱٦۳	۱۵۰
قمر کندی	۳۷	۲۰۵	۱۱۰	۹۵
قمشلو (کمشلو)	٤۷	۲٤۹	۱۳٤	۱۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قوتچی	۳۰	۱۵۲	۷۵	۷۷
قوجور سفلی	۲۳	۱۲۷	۷۲	۵۵
قوجور علیا	۱۸	۱۰۵	۵۷	٤۸
قوجه کندی	٦۵	۳۵٦	۱۷۷	۱۷۹
قوج احمد	٤۷	۲٤۹	۱۳٦	۱۱۳
قوچی کندی	۵۰	۳۰۰	۱۷۰	۱۳۰
قوزلو	۳۰	۱۵٤	۷٤	۸۰
قوشقوان علیا	۳۸	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
قوشقوان وسطی	۱٦	۷٦	٤۳	۳۳
قوملو	۱۳	۷۸	٤۷	۳۱
قویجوق	٤۸	۲٦۹	۱٤۷	۱۲۲
قویدلن (قوتی دلن)	۵۷	۲۷۰	۱۳۹	۱۳۱
قویون قشلاقی	٦۳	۳٤۲	۱۷۹	۱٦۳
قینرچه سفلی	۲٦	۱۵۸	۸٤	۷٤
قینرچه‌علیا (گیزچه‌علیا)	۱٤	۷۳	۳٦	۳۷
قیه قشلاق	۳۵	۱۸۷	۹۷	۹۰
کرد کندی	٤۹	۲۷۰	۱٤۳	۱۲۷
کریم‌آباد	۳٦	۱۹۰	۱۰٤	۸٦
گل ویرن	۵۸	۲۷۷	۱۵۲	۱۲۵
کلبعلی کندی	۷۱	۳۷۵	۲۰۳	۱۷۲
کلبکندی	۵۷	۳۰۲	۱۵۷	۱٤۵
کلیسا	٦۸	۳٤۱	۱۸٤	۱۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاته قره صوفی	۲۰	۹۲	٤۷	٤٥
کورجه	۲۷	۱۳۰	٦۷	٦۳
کوگ علی (کوگ دالا)	٤۱	۲۱۲	۱۱۱	۱۰۱
کهریز	۲۷	۱٥۸	۷۹	۷۹
کهنه‌قشلاق(کونه گشلاخ)	۳۹	۱۹۰	۱۰۹	۸۱
گرامی	۳۸	۲۰٥	۱۰۳	۱۰۲
گردالو	٤۳	۲۱۹	۱۲۲	۹۷
گرنه قارشو	۱۸	۹۱	٤۹	٤۲
گل	٤٤	۲۰۷	۱۰۸	۹۹
گل‌تپه	٥٤	۲۷۰	۱۲٤	۱٤٦
گلوجه‌امیرانلو	٥۱	۲۷۸	۱٤۸	۱۳۰
گلوجه سفلی	۱۷	۸٤	٤۷	۳۷
گلوجه علیا	۳۰	۱٥۱	۸۲	٦۹
گلی	۱۰۱	٥۰۱	۲٦٤	۲۳۷
گلی باغ	۲۷	۱٥۷	۸۲	۷٥
گنبد	۲٤	۱۳٥	۷۲	٦۳
گوراسر سفلی	۲۷	۱۳۰	٦۹	٦۱
کویجه قلعه	۱٦۸	۹۳۰	٤٦٤	٤٦٦
ماخ	٤۲	۲۳۰	۱۱۳	۱۱۷
ماخوله علیا	۲۲	۱۲٤	٦۱	٦۳
مجیر آباد	۲٥	۱۳۱	٦٥	٦٦
مخدومکندی	۳۲	۱۸۱	۱۰۲	۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مراد خانکندی	۳۹	۱۹۵	۹۸	۹۷
مریم	۳۸	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
مسنلو	۴۳	۲۱۶	۱۱۹	۹۷
مصطفی کندی	۲۱	۱۲۲	۷۵	۴۷
مکنو	۲۲۵	۱۱۲۶	۶۱۳	۵۱۳
ملاحمزه	۳۹	۱۸۳	۹۰	۹۳
منشکه	۱۸	۸۷	۴۷	۴۰
مولوچرانمردان (مولیچر اخمردا)	۶۹	۳۳۵	۱۸۲	۱۵۳
مولوی‌کورانلو (مولی)	۲۰	۱۰۱	۵۱	۵۰
مهدیخان کندی	۳۶	۱۷۳	۹۳	۸۰
مهمانلو	۵۰	۲۵۸	۱۴۴	۱۱۴
میرزا بیك کندی	۳۴	۱۶۸	۹۴	۷۴
میرزاقلی کندی(میرساقلی کندی)	۲۶	۱۲۱	۵۶	۶۵
ناچیت	۵۲	۲۸۳	۱۴۹	۱۳۴
ناچیدهولاورانلو	۷۷	۳۷۸	۲۰۱	۱۷۷
نبی صوفی	۶۰	۳۱۷	۱۶۷	۱۵۰
نرگس آباد	۶۸	۳۲۴	۱۷۰	۱۵۴
نصیر آباد سفلی	۱۴۱	۶۷۶	۳۶۰	۳۱۶
نصیر آباد علیا	۸۳	۴۶۷	۲۵۶	۲۱۱
نیاز کندی	۱۱	۵۸	۳۱	۲۷
وران قیه	۵۴	۲۸۴	۱۴۸	۱۳۶
ورقه سفلی	۲۰	۱۱۱	۵۶	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ورقه علیا	۱۲۰	۶۸۲	۳۶۵	۳۱۷
ورقه وسطی	۱۷	۸۹	۵۰	۳۹
وفادار	۱۶	۸۴	۴۸	۳۶
یار بلاغی	۳۴	۱۸۰	۸۱	۹۹
یالی قورت	۶۹	۳۷۷	۲۱۷	۱۶۰
یانبلاغی	۴۵	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
یانیق	۷۷	۳۸۱	۱۹۸	۱۸۳
یساول	۵۷	۲۷۳	۱۳۲	۱۴۱
یله قارشو	۲۳	۱۳۳	۷۳	۶۰
جمع دهستان چهاراویماق	۱۱۹۰۳	۶۲۶۳۸	۳۳۰۵۱	۲۹۵۸۷
اغبلاغ سفلی	۲۱	۱۱۶	۶۵	۵۱
اغبلاغ علیا	۳۳	۲۰۹	۱۱۹	۹۰
اغجه ریش	۵۹	۳۱۵	۱۶۶	۱۴۹
اقکندی	۵۴	۳۲۳	۱۷۹	۱۴۴
اقبلاع هشترود	۶۹	۳۵۳	۱۸۹	۱۶۴
اقزیارت	۱۰۲	۵۱۹	۲۸۳	۲۳۶
اللو	۲۰	۱۱۴	۶۳	۵۱
الاچیق	۸۲	۴۸۷	۲۶۰	۲۲۷
اورتا قشلاق علیا	۴۸	۲۶۱	۱۴۵	۱۱۶
ایدلو	۲۴	۱۳۹	۷۵	۶۴
ایده‌لو (ایگویو)	۳۶	۱۸۰	۱۰۳	۷۷
بادام لو	۳۱	۱۷۷	۹۴	۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باغ پری	٤٦	٢٠٤	١٠٧	٩٧
بالی قیه	٤٨	٣١٠	١٦١	١٤٩
برج سفلی	٦٨	٤٠٢	٢١١	١٩١
برج علیا	٧٦	٤٢٢	٢٢٤	١٩٨
بلبل (بیل بیل)	٤٢	٢٣١	١٣٠	١٠١
پارالار (پاراسر)	٦٤	٣٣١	١٦٩	١٦٢
تازه کند	١٦	٩٣	٤٨	٤٥
تازه کند صولتی	٢٦	١١٥	٦٤	٥١
تازه کند نصیر پور	٣٨	١٩٥	١٠٥	٩٠
تکمه داش	٣٨	٢٠٧	١١١	٩٦
جعفر آباد	١٩	٨٩	٤٨	٤١
جلیل آباد	٣٢	١٥٠	٨٦	٦٤
جوکی بیژن	٢٩	١٥٧	٨١	٧٦
جوکی تیور کندی	٨	٤٤	٢٤	٢٠
جوکی محمد رضا	١٣	٧٣	٣٦	٣٧
جوکی وسط	٢٩	١٩٩	٩٩	١٠٠
جهانگیر کندی	٣٢	١٩٠	١٠١	٨٩
چاللو	٤١	٢٢١	١١٣	١٠٨
چالو بادلانلو	٣١	١٦٨	٩٠	٧٨
چبقلو	٧٩	٤٣٢	٢٣٨	١٩٤
چنا غبلاغ سفلی	٢٩	١٥٠	٧٦	٧٤
چنا غبلاغ علیا	٣٥	١٥٥	٨٢	٧٣

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی باقر کندی	۲۱	۱۱۸	۶۳	۵۵
حبش	۵۴	۲۵۵	۱۳۴	۱۲۱
خطیب سفلی	۳۱	۱۷۱	۸۵	۸۶
خلیفه کندی هژیری	۸۵	۴۷۱	۲۵۶	۲۱۵
داشبلاغ خرابه کلك	۶۲	۲۹۶	۱۵۳	۱۴۳
داش التی	۳۹	۱۹۶	۹۷	۹۹
داش بلاغ	۷۰	۳۷۱	۱۹۱	۱۸۰
دراج سفلی	۴۸	۲۸۷	۱۴۸	۱۳۹
دراج علیا	۶۹	۳۶۱	۱۹۳	۱۶۸
درین سو	۸۲	۵۳۹	۲۸۵	۲۵۴
ساروجه	۴۸	۲۸۸	۱۵۱	۱۳۷
ساری قشلاق سفلی	۸	۶۳	۳۷	۲۶
ساری قشلاق علیا	۱۴	۷۷	۴۳	۳۴
سلطان آباد	۷۲	۴۰۹	۲۱۷	۱۹۲
سید کندی	۳۱	۱۷۶	۹۳	۸۳
شختلو	۲۱	۱۱۴	۶۳	۵۱
شهنواز سفلی	۴۱	۱۹۷	۹۷	۱۰۰
شهنواز علیا	۳۵	۱۸۷	۹۶	۹۱
شهنوازوسطی(شهنواز)	۴۸	۲۴۹	۱۴۱	۱۰۸
شیخ لرسفلی	۳۳	۱۷۱	۸۶	۸۵
شیخ لر علیا	۱۶	۸۶	۴۵	۴۱
شیر شیر	۱۷	۹۶	۵۱	۴۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیرین کند	۱۶	۸۴	۵۰	۳۴
طالبچمن	۵۴	۲۹۰	۱۵۳	۱۳۷
فتح‌اله بلاغی	۳۳	۱۸۸	۱۰۵	۸۳
قارقا (قرقه)	۸۳	۴۴۸	۲۳۸	۲۱۰
قره قلعه	۱۰	۵۷	۳۱	۲۶
قمتپه	۳۸	۱۸۷	۹۵	۹۲
قواقلو	۲۸	۱۴۹	۷۲	۷۷
قوشا لار	۱۵	۸۲	۴۰	۴۲
قوشا بلاغ	۵۶	۳۰۴	۱۵۷	۱۴۷
قوش قیه سی	۳۳	۱۸۵	۹۷	۸۸
قویون قشلاق	۳۱	۱۹۰	۱۰۲	۸۸
قینرجه	۱۸	۹۶	۵۳	۴۳
گل ایتر	۲۴	۱۲۶	۷۰	۵۶
(گل تپه صولتی)	۶۱	۳۷۱	۱۹۹	۱۷۲
گوجه قملاق	۷۰	۳۸۲	۲۰۳	۱۷۹
گوگورتان	۲۷	۱۲۴	۶۵	۵۹
گونه با خان	۵۵	۲۹۳	۱۴۵	۱۴۸
گویجه قلعه سفلی	۳۱	۱۷۷	۹۰	۸۷
گویجه قلعه علیا	۱۴	۸۷	۴۳	۴۴
لاله زار	۳۷	۲۰۰	۱۰۶	۹۴
مولی	۴۰	۲۲۴	۱۱۳	۱۱۱
مین باشا ساری	۳۴	۲۰۸	۱۰۶	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصیر آباد	۲۷	۱۵۳	۷۷	۷۶
هزاران سفلی	۱۶	۹۷	۶۰	۳۷
هزاران علیا	۱۹	۱۲۶	۶۲	۶۴
یاغلی بلاغ	۳۷	۲۰۴	۱۱۴	۹۰
یانبلاغی	۴۸	۲۶۵	۱۴۰	۱۲۵
یله‌قا رشوق سفلی	۱۷	۹۹	۵۵	۴۴
یلقار شوق علیا	۱۳	۶۷	۳۴	۳۳
یو گورگ	۴۲	۲۰۲	۱۰۲	۱۰۰
یونجلو	۳۴	۱۹۱	۱۰۵	۸۶
یهرچی	۵۷	۲۹۷	۱۶۳	۱۳۴
جمع دهستان قوری چای	۳۴۸۱	۱۹۰۶۲	۱۰۱۱۵	۸۹۴۷
آتش بیگ	۱۱۶	۶۲۰	۳۴۸	۲۷۲
اجاقکندی	۲۹	۱۳۴	۵۹	۷۵
ارشدآباد	۳۷	۲۶۶	۱۲۵	۱۴۱
ارقنه (آرقانا)	۹۹	۵۳۷	۲۸۶	۲۵۱
آسایش	۷۸	۴۲۶	۲۲۰	۲۰۶
اشمق(اشمه)	۳۴	۲۲۲	۱۰۸	۱۱۴
اغجه رود (آقاجری)	۲۰۵	۱۲۱۱	۶۴۲	۵۶۹
اغچه کندی	۹۴	۵۲۴	۲۸۵	۲۳۹
اغچه کهل‌رجبانلو	۹۱	۵۳۷	۲۷۴	۲۶۳
اغچه کهل زمانی	۴۴	۳۰۳	۱۶۹	۱۳۴
اقبلاغ	۲۷	۱۴۶	۸۳	۶۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اقبلاغ	۵۰	۲۵٤	۱۳۱	۱۲۳
اقداغ علیا	۳۵	۱۸۰	۹٦	۸٤
اکوز گنبد	۸۷	٤٦۵	۲٤۰	۲۲۵
الاقیه	۵۷	۳۰٦	۱٦۰	۱٤٦
اوشندل	۱۵۰	۷۲٦	۳۷۳	۳۵۳
ایاز	۵۷	۳۳٤	۱۹۰	۱٤٤
ایده‌لوی خلیفه لوی	۱٦۱	۷۵۱	٤۰٦	۳٤۵
ایده‌لی‌خان	۳۲	۱۹۲	۱۰۱	۹۱
ایستگاه بابك	۱۱	۵۷	۲۵	۳۲
ایستگاه سراجو	۷	۲۷	۱۷	۱۰
ایلخچی	۳۹	۲۲۹	۱۱٦	۱۱۳
باباکندی رود	۱۵٤	۹۰٦	٤۵۹	٤٤۷
باباکندی کو	۳۱	۱۵۰	۸۰	۷۰
باباگرگر	۲۱	۱۰۲	۵۳	٤۹
باتمانقلیچ سفلی	۷٤	٤٦۷	۲٤٦	۲۲۱
باشبلاغ	۳۲	۲۱۰	۱۲۲	۸۸
باش‌باتمانقلیچ (باش‌کند)	۱٤	۱۰۸	۵۷	۵۱
باشماق	۱۳۰	۵۹٤	۳۱٦	۲۷۸
یاش خلچ	۳۹	۱۸۹	۱۰۰	۸۹
باغجه جق	۲۲	۱۵۵	۷٤	۸۱
بایقراکوه	۱٦۰	۸۰٦	٤٤۲	۳٦٤
بایقره رود	۹۳	۵۳۸	۲۷۸	۲٦۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بره ده	۷۷	٤٦٧	۲۳۷	۲۳۰
بزوجیق	۱٤۲	۸۰۳	٤۳٦	۳٦۷
بسیط	۸٤	٤۹۹	۲۸۰	۲۱۹
بلقان حسن کندی	۵۹	۲۸۷	۱۵۰	۱۳۷
بیات	۵۹	۳۵٦	۱۹٦	۱٦۰
بیك بلاقی	٦۰	۳٦۲	۱۸٦	۱۷٦
بیك کندی	۱۰۰	۵۷۱	۲۸۵	۲۸٦
پاشا بیگ	۱٤۹	۸۰۰	٤۲۳	۳۷۷
پوستین دوز	۵۳	۳۲۵	۱۷۳	۱۵۲
تارقلی	۵۵	۳۵۳	۱۷۳	۱۸۰
تازه کند	۳۳	۲۰۳	۱۰۸	۹۵
تبگلو (تبخل)	۱۸	۱۵٤	۸٤	۷۰
ترخانلار	۵۱	۲۹۵	۱٤۷	۱٤۸
تکانلی	۳٦	۲۰۳	۱۰۹	۹٤
تلخاب	۷۷	٤۵۷	۲۳۲	۲۲۵
تلمخان	۱۰۲	۵۰۸	۲۷٤	۲۳٤
تمتراب(تارتاران)	٦۱	۳٤۷	۱۸۸	۱۵۹
تنه ده	٦۷	۳۸۸	۲۱۸	۱۷۰
توت آغاج	۸۲	٤٦۹	۲٤۹	۲۲۰
تهره بند	۹۲	۵۹۵	۳۱۸	۲۷۷
جبیند	۵۲	۲۷۷	۱٤۸	۱۲۹
جغر	٤۷	۲٦۹	۱٤۳	۱۲٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جغل سفلی	۵۵	۲۷۱	۱۳۵	۱۳۶
جغل علیا	۴۷	۲۲۹	۱۲۷	۱۰۲
جووریم	۲۲	۱۵۷	۹۴	۶۳
جیران درق	۴۴	۲۹۸	۱۶۸	۱۳۰
چپانلی (شعبانلو)	۲۲	۹۹	۵۴	۴۵
چپنی	۵۶	۳۲۰	۱۷۱	۱۴۹
چراغچی	۱۲۳	۷۷۳	۴۱۰	۳۶۴
چرتقلی	۷۹	۴۳۴	۲۲۷	۲۰۷
چرلو (چرلی)	۵۸	۳۰۹	۱۶۶	۱۴۳
چگن (چین)	۵۶	۲۶۸	۱۴۱	۱۲۷
حاجی کندی رود	۵۲	۲۷۵	۱۵۲	۱۲۳
حسن کندی رود	۱۳۴	۷۴۵	۳۸۰	۳۶۵
حسن کندی کوه	۲۱	۱۴۰	۷۵	۶۵
حسینلو	۴۰	۲۳۷	۱۳۴	۱۰۳
خراسانلو	۲۲۶	۱۱۸۵	۶۰۲	۵۸۳
خلیفه کندی حاتم	۷۶	۵۴۷	۲۹۸	۲۴۹
خواجه غور	۶۳	۳۶۹	۱۸۹	۱۸۰
خورجستان	۱۲۹	۷۰۴	۴۰۰	۳۰۴
داشبلاغ	۱۰۸	۵۲۱	۲۶۶	۲۵۵
دامناب	۲۳۵	۱۲۳۲	۶۲۰	۶۱۲
دربند	۶۲	۳۳۷	۱۸۱	۱۵۶
دشمنلو	۴۸	۲۶۸	۱۴۸	۱۲۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دلو حسن	۵۸	۳۲۷	۱۷۹	۱۴۸
دمیرچی	۱۶	۷۲	۴۰	۳۲
دوده	۱۳۶	۷۲۷	۳۶۸	۳۵۹
دوشر	۵۵	۲۹۸	۱۵۲	۱۴۶
دولمه	۲۲	۱۰۱	۴۹	۵۲
دهلان (تزگچی)	۹۵	۵۳۷	۲۸۹	۲۴۸
دهناب	۵۶	۲۷۷	۱۳۳	۱۴۴
دیبکلو	۴۰	۲۴۹	۱۳۲	۱۱۷
دیزج رضاقلی بك	۱۳۹	۷۱۹	۳۸۲	۳۳۷
ذولقدر	۴۸	۲۵۸	۱۳۰	۱۲۸
ذولبین	۲۰۵	۱۱۲۲	۶۱۳	۵۰۹
زنجیر آباد	۳۰	۱۵۷	۸۲	۷۵
سارقیه (ساری قیه)	۵۵	۲۴۴	۱۲۳	۱۲۱
سراسکند سفلی	۵۰	۳۴۶	۱۸۷	۱۵۹
سراسکند علیا	۳۳	۲۳۵	۱۳۰	۱۰۵
سعادتلو	۱۳۶	۷۴۹	۴۰۴	۳۴۵
سلطان آباد	۲۴	۱۸۵	۱۰۵	۸۰
سلطان که (سوتنگه)	۹۱	۵۰۸	۲۶۴	۲۴۴
سلمان کندی	۱۸	۱۱۰	۶۲	۴۸
سلوك	۱۳۸	۸۱۲	۴۲۰	۳۹۲
سیر سفلی	۵۷	۳۵۰	۱۸۶	۱۶۲
سیر علیا	۴۹	۲۶۹	۱۴۸	۱۲۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیر وسطی	۳۲	۱۸٤	۱۰۰	۸٤
سیف‌الدین رود	۱۲۱	٦۱۲	۳۲۱	۲۹۱
سیف الدین کوه	۷۵	۳۷٤	۲۰٤	۱۷۰
سیه دولان	۳۹	۲۰۱	۱۰۹	۹۲
شبده (شیب‌ده)	۲۰	۱۳۲	٦٦	٦٦
شیخ الاسلام	٤۰	۲۵٦	۱۳۱	۱۲۵
شیخ بیگلو	۷۱	۳۹۱	۲۱۱	۱۸۰
صوفی حسن	٦۳	٤۵۸	۲۵۳	۲۰۵
صوفی لار	۸۲	٤۸۲	۲٤۸	۲۳٤
صومعه سنگ	٦۱	۳۲۳	۱۷۰	۱۵۳
صیدی بیك	۱۱۱	۷٤۱	۳۹٤	۳٤۷
طاستغار	۹۰	٤٦۹	۲۵۵	۲۱٤
طاقچه جق	٤۸	۳٤۷	۱۹۲	۱۵۵
عجمی	۱۰۵	۵۸۷	۳۰۵	۲۸۲
عربلو	٦۸	۳۲۷	۱۷۵	۱۵۲
عرقطو	۸٤	۵۵۲	۲۸۸	۲٦٤
عزیز آباد	۵۹	٤۱۸	۲۲۷	۱۹۱
عزیز کندی	۱۵۳	۸۸۰	٤۵٦	٤۲٤
علیجان	۱۰۱	۵۸۷	۳۱۷	۲۷۰
علی آباد سفلی	۱۱۱	۵۵٦	۲۸٤	۲۷۲
علی آباد علیا	۱۳۲	٦۹۷	۳۷۹	۳۱۸
علی گاو (علی گو)	۳۰	۱۹٦	۱۰٦	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عمران کندی	۷۶	۴۷۶	۲۵۰	۲۲۶
عین آباد	۹۴	۴۹۶	۲۶۷	۲۲۹
قازانقوزان	۴۷	۲۶۶	۱۵۶	۱۱۰
قاضی کندی	۸۰	۴۲۴	۲۲۴	۲۰۰
قانی دره	۴۹	۲۹۴	۱۵۷	۱۳۷
قراجه قیای پناهی	۷۴	۳۹۷	۲۰۶	۱۹۱
قرادیو	۴۸	۳۰۵	۱۶۰	۱۴۵
قراین	۴۳	۲۶۲	۱۵۵	۱۰۷
قربان کندی	۸	۴۶	۲۰	۲۶
قره اغاج رود	۴۰	۳۰۴	۱۶۷	۱۳۷
قره اغاج کوه	۴۷	۲۵۷	۱۴۲	۱۱۵
قره بلاغ (قره‌بالغ)	۵۶	۲۸۷	۱۵۳	۱۳۴
قره بولاغ	۴۹	۲۷۸	۱۴۰	۱۳۸
قره چای حاج علی	۱۰۲	۶۶۵	۳۶۵	۳۰۰
قره‌چای‌نقشی(قره‌چای نقشینه)	۶۰	۳۴۷	۱۸۱	۱۶۶
قره سقال (قره‌سقل)	۸۳	۳۸۵	۲۰۶	۱۷۹
قره غورت	۴۱	۲۰۵	۱۰۴	۱۰۱
قره قیه	۲۸	۱۴۳	۷۲	۷۱
قره کلك	۱۳۰	۷۰۸	۳۸۴	۳۲۴
قزل بلاغ	۷۰	۳۷۲	۱۸۷	۱۸۵
قزلجه قرانقو	۲۴	۱۲۲	۵۹	۶۳
قزللو	۵۹	۳۴۸	۱۸۲	۱۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قشلاق	۱۵	۸۵	۴۲	۴۳
قطعات	۶	۳۴	۱۸	۱۶
قلعه‌جوق (قلعه جیق)	۷۵	۴۱۶	۲۰۳	۲۱۳
قویز	۱۰۰	۵۲۱	۲۶۳	۲۵۸
قورتقیه سی	۴۳	۲۲۲	۱۱۵	۱۰۷
قوروقچی	۱۱۶	۶۸۳	۳۵۴	۳۲۹
قوری درق	۱۴	۸۱	۴۳	۳۸
کتله کمر	۴۸	۲۲۸	۱۲۱	۱۰۷
کلبکندی	۶۵	۳۵۳	۱۸۳	۱۷۰
کلقان	۹۳	۴۵۰	۲۲۲	۲۲۸
کله گرد	۱۳۳	۷۰۰	۳۶۱	۳۳۹
کله نو	۲۷	۱۶۸	۸۱	۸۷
کماجری	۵۶	۳۶۵	۱۸۰	۱۸۵
کورملا	۴۹	۳۳۷	۱۷۱	۱۶۶
کهل بلاغ	۴۱	۲۲۴	۱۲۲	۱۰۲
کهل بلاغ	۳۳	۲۲۲	۱۲۰	۱۰۲
گر گر	۲۵	۱۸۴	۹۱	۹۳
گشایش	۶۱	۲۸۱	۱۴۱	۱۴۰
گل اخر	۱۶۴	۱۰۸۰	۵۸۸	۴۹۲
گل تپه‌رود	۶۰	۳۲۳	۱۷۴	۱۴۹
گلوجه‌حسن بیك (گلوجه سید سر)	۵۲	۳۳۴	۱۶۶	۱۶۸
گلوجه سعید	۹۳	۵۶۹	۳۰۳	۲۶۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گلوجه محمدخان	۸۵	٤٤٤	۲۳٤	۲۱۰
گله ده رود	۱۱۷	٦٥٤	۳۳٤	۳۱۰
گله ده کوه	٥٦	۲۹۲	۱٥٦	۱۳٦
گلی بلاغ (گنده بیل)	۱۷	۹۰	٤۲	٤۸
گنبد	۷۷	٤٤۸	۲۳۸	۲۱۰
گنج آباد سفلی	٤۱	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
گنج آباد علیا	٤٦	۲۳۸	۱۲٤	۱۱٤
گنجینه کتاب (گره‌گنه)	۲۳۱	۱۲۲۳	٦۱٦	٦۰۷
گوپکتپه	۳۱	۱۷۰	۹۹	۷۱
گوجور (قوجور)	۱۹	۱۰۳	٤۸	٥٥
گورجین‌لو	۳۲	۱٦٦	۹۳	۷۳
گوندوغدی	٥٥	۳۷٥	۲۰٥	۱۷۰
گویجه قنداق(قملك)	۹۱	٥۰۸	۲٥۷	۲٥۱
لکلر	٦۳	۲۹۲	۱٥٦	۱۳٦
لامشان (لمشان)	۱۲٦	٦٦٥	۳٥٥	۳۱۰
مجید آباد (وای وای)	۷	٥۰	۲٦	۲٤
مسعود آباد	۳٤	۱۹۷	۱۰۳	۹٤
مشك آباد جدید	۳٥	۲۰٥	۱۰۸	۹۷
مشك آباد قدیم	۳٥	۱۸۹	۹۰	۹۹
مشکین جیق	۱۰٤	٦۳۸	۳٤۱	۲۹۷
مغامیر	۱۰۲	٦۱٤	۲۹۱	۳۲۳
ملاجیق	۱۳۳	٦٥۳	۳۳٤	۳۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ملا قاسم	٤٤	٢٦٨	١٤٩	١١٩
ملا قیه سی	١٣	٨٤	٤١	٤٣
مندر بلاغی	٢٠	١١١	٥٨	٥٣
منصور آباد	٩١	٥٩٢	٣٠٦	٢٨٦
مهردار	٧٥	٤١٧	٢١٩	١٩٨
نخود آباد	٩٦	٥٠٦	٢٧٢	٢٣٤
نظرکهریزی	١٢٧	٦٥١	٣٦٦	٢٨٥
نیم‌ایستگاه آتشبغ(آتشبغ)	٦	٤٨	٢٥	٢٣
وظیفه خوران	٢٦٦	١٣٨٤	٧٣٩	٦٤٥
ولی کندی	٩٠	٤٥٤	٢٣٨	٢١٦
یابنلاغی	٨	٤٩	٢٦	٢٣
نبلاغی سفلی	٩	٥٧	٣٠	٢٧
یساول	٥٣	٣٢٧	١٦٦	١٦١
یلی دره سفلی	٣٣	١٧٨	٩٣	٨٥
یلی دره علیا	٤٦	٢٤٥	١٣١	١١٤
یلی دره علیا ینگجه	٩٨	٥٣٩	٢٦٩	٢٧٠
ینگی کندی	٤٠	٢٤٢	١٢٧	١١٥
جمع دهستان هشترود	١٤٢٠٥	٧٩٥٤٤	٤١٩٨٠	٣٧٦٦٤
برد رشن سفلی	٨	٦٨	٣٧	٣١
برد رشن علیا	٢٨	٢١٦	١١٦	١٠٠
برزوك	١٤	١٠٦	٥٢	٥٤
بلبان	٢١	١٣٦	٦٤	٧٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بله سور سفلی	۷۹	۵۱۷	۲۷۶	۲۴۱
بله سور علیا	۴۹	۳۰۱	۱۵۴	۱۴۷
تودان	۱۶	۱۰۰	۵۱	۴۹
چخماق	۱۳	۸۳	۴۶	۳۷
چکمه زر	۲۲	۱۷۰	۸۴	۸۶
چنگسر	۲۰	۱۱۵	۵۶	۵۹
دیزج الند	۵۲	۳۷۴	۱۹۲	۱۸۲
طوره	۳۸	۲۲۵	۱۲۵	۱۰۰
قزل اغل	۲۳	۱۳۰	۶۸	۶۲
قور شاقلو	۹	۵۳	۲۴	۲۹
کرکوش	۳۸	۲۵۸	۱۳۴	۱۲۴
یارپاقلو	۲۴	۱۵۳	۷۳	۸۰
جمع دهستان الند	۴۵۴	۳۰۰۵	۱۵۵۲	۱۴۵۳
ارسی	۵۳	۲۶۷	۱۴۲	۱۲۵
اعتضادیه	۷۴	۳۲۴	۱۶۲	۱۶۲
اغشلو	۹۵	۵۲۳	۲۶۹	۲۵۴
اکری بوجاق	۲۲۰	۱۲۲۴	۶۳۷	۵۸۷
ایو اوغلی	۶۹۳	۳۳۹۲	۱۷۵۷	۱۶۳۵
باغدرق	۱۲۸	۶۹۶	۳۵۱	۳۴۵
بیزنده	۱۶۱	۷۸۰	۳۹۳	۳۸۷
بیلوار	۱۶۰	۹۵۳	۵۱۱	۴۴۲
پارچی	۱۳۱	۸۰۱	۴۲۲	۳۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پکاچك	۱۷۲	۸۸۵	٤٦٥	٤٢٠
پیر کندی	۲٤۳	۱۳۲۲	٦۹٥	٦۲۷
تپه باشی	٤٥	۲۲۸	۱۰٥	۱۲۳
جعفر آباد علیا	۲۸	۱٥۷	۹٦	٦۱
حیدر آباد	٥٤	۲۷۹	۱۳۷	۱٤۲
دیزج جمشید خان	٦۲	۳٦۷	۲۰۹	۱٥۸
زارعان	۱۹۳	۸۰٥	٤۳۰	۳۷٥
زاغه	۱٤	۷٦	٤٤	۳۲
سراب	۱٥۷	۸٥٦	٤٤٤	٤۱۲
سرابدال	۸۳	٤۱۸	۲۲۳	۱۹٥
سگت لو	٥۱	۳۰۱	۱٤۳	۱۸٥
سیه باز	۲۹۰	۱٥۸٥	۸۲۰	۷٦٥
عسکر آباد تازه کند	۷۰	۳۱۹	۱٥۷	۱٦۲
قانی قیه	٦	۳۰	۱۷	۱۳
قز قلعه	۱۹۲	۱۰٦۲	٥٤۰	٥۲۲
قوز لجه	۳۰	۱۷۲	۸۲	۹۰
کرد نشین	۱۱٦	٥٥٥	۲۸۰	۲۷٥
کشکزر	۳٦	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
گوهران	۱۳٥	۷۷۳	٤۰۱	۳۷۲
مظفر آباد	٤٤	۲٥۱	۱۲۲	۱۲۹
ملهدان	۹۰	٤۸۹	۲٤۹	۲٤۰
ممده	۱٤	۲۹	٥٤	۳۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نوایی	۵۸	۳۱۱	۱۴۹	۱۶۲
ویشلق سفلی	۷۷	۴۱۳	۲۲۹	۱۸۴
ویشلق علیا	۱۲۰	۶۱۷	۳۴۰	۲۷۷
پاریمقیه	۹۴	۴۶۷	۲۲۴	۲۴۳
جمع دهستان ایو اوغلی	۴۱۳۵	۲۲۰۰۱	۱۱۴۱۲	۱۰۵۸۹
آخرلو	۱۹	۱۳۵	۷۱	۶۴
ایگده لو سفلی	۷	۳۲	۱۶	۱۶
ایگده لو علیا	۱۴	۷۷	۴۵	۳۲
بهستان	۵۶	۲۹۵	۱۵۸	۱۳۷
چر کندی	۸۸	۴۷۷	۲۶۴	۲۱۳
حسین‌علی‌خان کهریزی (چودس اصلان آباد)	۴۳۴	۲۲۴۴	۱۱۷۹	۱۰۶۵
حمزیان سفلی	۳۵	۲۰۳	۱۰۷	۹۶
حمزیان علیا	۳۶	۱۹۵	۱۰۴	۹۱
خانقاه	۷۴	۴۳۱	۲۲۷	۲۰۴
دل کندی	۴۲	۲۸۶	۱۵۲	۱۳۴
علی آباد	۱۴	۸۰	۳۷	۴۳
فیض آباد	۱۸	۱۱۹	۶۱	۵۸
قره کهریز سفلی	۳۱	۱۷۱	۹۱	۸۰
قره کهریز علیا	۱۰	۶۰	۲۷	۳۳
قمشکان بالا	۲۱	۱۱۴	۵۸	۵۶
قنات میرزا جلیل	۸۸	۴۵۸	۲۳۹	۲۱۹
قوزلو خانقاه	۱۸	۹۱	۴۴	۴۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان چورس	۱۰۰۵	۵۴۶۸	۲۸۸۰	۲۵۸۸
اسمعیل کهریزی	۲۹	۱۵۸	۹۴	۶۴
الهوردی کندی	۳۶	۲۰۷	۱۱۹	۸۸
بوبول آباد	۴۳	۲۴۵	۱۳۲	۱۱۳
بیگدرویش	۶۸	۳۸۷	۲۰۵	۱۸۲
پیر یادکار	۵۱	۲۷۳	۱۵۳	۱۲۰
تاج خاتون	۴۸	۲۸۶	۱۶۵	۱۲۱
چمل بیل	۳	۱۴	۸	۶
حاجیلار	۱۷۶	۹۴۹	۴۹۰	۴۵۹
حاجی احمد آباد	۳	۲۰	۱۲	۸
حاجی احمد کندی	۶۱	۳۷۲	۱۸۷	۱۸۵
حسین آباد کندی	۷	۴۵	۲۳	۲۲
حسین بکلو	۶۶	۳۷۵	۱۹۸	۱۷۷
دیزج حاتمخان	۵۷	۳۲۴	۱۵۹	۱۶۵
زنگلان سفلی	۱۳۲	۷۱۱	۳۸۰	۳۳۱
زنگلان علیا	۷۰	۳۶۹	۲۰۵	۱۶۴
شور کهریز	۱۵	۷۳	۳۳	۴۰
شیرین بلاغ	۲۸	۱۶۳	۹۶	۶۷
طاهر آباد	۱۱	۴۹	۲۸	۲۱
عبدالحسین آباد	۲	۱۷	۱۰	۷
علی اکبر کندی	۱۳	۶۲	۳۳	۲۹
قراتپه	۲۲	۱۲۲	۶۲	۶۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزلجه گل	۲۲	۱۰۷	۵٤	۵۳
قوچاش	۱٤	۸٤	٤۵	۳۹
مارکان	۲۵۹	۱۳۳۲	٦۷۹	٦۵۳
یوسف آباد	۲	۱۹	۱۳	٦
جمع دهستان حاجیلار	۱۲۳۸	٦۷٦۳	۳۵۸۳	۳۱۸۰
اباطی	٤۳	۲۸۰	۱٤۸	۱۳۲
اغداش	۳۰	۱۸۳	۱۰۲	۸۱
امیر بیك	۷۲	٤۲۸	۲۱٤	۲۱٤
با صفا	۲	۸	۵	۳
بختیاران	٤٦	۲۸٦	۱۵۹	۱۲۷
بزگوش	۲٦	۱۵۲	۸۲	۷۰
بویلا پوش	۱٤	۱۰۰	۵۱	٤۹
بیلوردی	۳۸	۲۱۳	۱۱٤	۹۹
چاوشقلی	٤۹	۲۸۰	۱٦۲	۱۱۸
حصار	٤	۲۷	۱۷	۱۰
حصار سفلی	۲۰	۱۲۱	۷۰	۵۱
خان دیزج	٤۵	۳۰۳	۱٦۰	۱٤۳
خویمن	۵۹	۳۵۸	۱۸۷	۱۷۱
دلجلو	۳۱	۱۹۳	۱۱۰	۸۳
رهال	۹۹	۵۱۷	۲۷۰	۲٤۷
زاویه شیخلو	۳۳	۲۰۸	۱۰۸	۱۰۰
سعلکده	۷۸	٤٤۲	۲۳٤	۲۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیوان	۷۳	۳۹۸	۲۲۲	۱۷۶
شیرین کندی	۳۸	۲۲۳	۱۲۲	۱۰۱
قراتپه	۴۱	۲۳۷	۱۳۳	۱۰۴
کرتای	۵۹	۳۶۵	۱۹۱	۱۷۴
کور پیران	۲۵	۱۶۵	۸۸	۷۷
گنبد	۲۵	۱۴۴	۷۱	۷۳
هندوان	۱۶	۱۶۱	۹۵	۶۶
یزدیکان	۱۱۷	۶۸۵	۳۵۸	۳۲۷
جمع دهستان رهال	۱۰۸۳	۶۰۴۷۷	۳۴۷۳	۳۰۰۴
اریکلو	۵۱	۲۶۹	۱۴۱	۱۲۸
اغباش	۵۶	۲۹۸	۱۴۹	۱۴۹
اغبلاغ	۱۶	۱۰۰	۴۲	۵۸
اغبلاغ سفلی	۳۷	۲۱۳	۱۱۴	۹۹
اغبلاغ علیا	۴۰	۱۹۲	۱۰۰	۹۲
اقتوپراق	۲۲	۱۱۸	۶۶	۵۲
اورته کند	۶	۳۸	۱۸	۲۰
دمدم	۶	۴۵	۲۶	۱۹
دون بکی	۱۶	۹۱	۵۲	۳۹
دیبك	۱۵	۷۸	۴۲	۳۶
زاویه	۱۶۳	۸۱۹	۴۴۶	۳۷۳
زرو آباد	۱۳۶	۷۴۳	۳۹۷	۳۴۶
سنت	۱۵	۸۸	۴۷	۴۱

نام ده	تعدارخانوار	جمعیت	مرد	زن
شگفتی	۳٤	۱۸٤	۸۷	۹۷
شوریك	٦۷	۳۹٥	۱۹۸	۱۹۷
علی شیخ	٥۸	۲۸۸	۱٤٤	۱٤٤
قارنجه	۲۰	۱۲۰	٦۸	٥۲
قره اغاج	٥٦	۳۲۱	۱٦۸	۱٥۳
قره قوش سفلی	٥۰	۲٥۹	۱٤۷	۱۱۲
قره قوش علیا	۳۷	۲۰٦	۱۱٤	۹۲
قزاولن	۱۲	۷٥	٤۳	۳۲
قزل داش سفلی	۱۰	٤۳	۲۷	۱٦
قزل داش علیا	٤۹	۲۳۰	۱۲۰	۱۱۰
قزلجه	٦۱	۳۳۷	۱٦٤	۱۷۳
قورد یك سفلی	۱۰۷	٤۷۲	۲۳٥	۲۳۷
قورد یك علیا	۹٦	٤۱۸	۲۰۷	۲۱۱
قورقان	۹	٥٤	۲٦	۲۸
قیز سفلی	۳۷	۲٥۷	۱٤۳	۱۱٤
قیز علیا	۲٥	۱٤٥	۷٤	۷۱
کاپوت	٤۲	۲٥۲	۱۳۲	۱۲۰
کلوانس	۱۹٦	۹۳۱	٤۷۷	٤٥٤
کلیسا	۱۲	٦۸	۳۳	۳٥
کوم	٦	٤۰	۲۳	۱۷
گرمدرق	٦٦	۳۱۱	۱٦۲	۱٤۹
گلدور	٦۰	۳٤۹	۱۹٥	۱٥٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گوله پیران	۱۱	۶۳	۳۰	۳۳
محمد شیری	۵	۲۷	۱۷	۱۰
ممش‌خان	۷۵	۳۲۱	۱۷۵	۱۴۶
میدان سفلی	۴۵	۲۳۸	۱۳۸	۱۰۰
میدان علیا	۶۷	۲۹۳	۱۵۱	۱۴۲
هودر	۱۸	۱۱۷	۵۴	۶۳
جمع دهستان سکمن آباد	۱۹۱۱	۹۹۰۶	۵۱۹۲	۴۷۱۴
احمد آباد	۹	۴۷	۲۷	۲۰
اغدرق	۲۵	۱۴۰	۷۲	۶۸
القویروق	۲۳	۱۴۳	۷۶	۶۷
باغ رجب	۵	۳۲	۱۷	۱۵
بدل آباد	۴۶۳	۲۳۷۷	۱۲۵۸	۱۱۱۹
بدلان	۵۲	۲۸۲	۱۴۲	۱۴۰
بطچی	۳۳	۱۶۱	۸۳	۷۸
پسکسفلی	۱۷۵	۹۴۶	۴۷۹	۴۶۷
پیر موسی	۱۴۲	۷۵۹	۳۸۲	۳۷۷
تپه باشی	۱۱۱	۵۸۶	۲۹۴	۲۹۲
جهنم دره	۳	۱۸	۱۰	۸
حاجتکده	۱۴	۸۷	۵۱	۳۶
حصار	۲۷	۱۷۲	۸۹	۸۳
خانقاه	۱۱۵	۵۲۳	۲۶۳	۲۶۰
داش پسك	۵	۳۴	۲۳	۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیزج	۱۷	۸۳	٤۱	٤۲
زاویه حسن‌خان	۱۱۳	٥۸۰	۳۱۳	۲٦۷
روند	٤۳	۲۲٥	۱۱٤	۱۱۱
سوسوز	٦	۳۲	۱۷	۱٥
شبیون کندی	٥۷	۲۹۹	۱٤۹	۱٥۰
صوفی کندی	۱۸	۱۰۹	٥۷	٥۲
فیرورق	۷۷٦	۳۸۸۷	۲۰۹۰	۱۷۹۷
قرج یاسار	٥۸	۲۹۹	۱٥۸	۱٤۱
قریس	۹٥	٥۲۰	۲۷٦	۲٤٤
قشلاق	۱۳٥	٦٤۲	۳۳٤	۳۰۸
کتین اوی سفلی	۸	٥۰	۲٦	۲٤
کتین لوی علیا	۲٥	۱۳۲	٦٦	٦٦
کوچك	٦	٥۰	۲۸	۲۲
وار	۲٥۲	۱٤٦٤	۸۰۱	٦٦۳
ینگجه	۱٦۳	۷۹۸	٤۳٤	۳٦٤
جمع دهستان فیروزق	۲۹۷٤	۱٥٤۷۷	۸۱۷۰	۷۳۰۷
آجای	۳۳	۱۷٦	۹٤	۸۲
بادکی	۹٥	٤۸۱	۲٦۲	۲۱۹
بسطام	۸۷	٤۱۰	۲۱۰	۲۰۰
بیگجوان	٦۱	۲۹۳	۱٥٦	۱۳۷
چر	۱۰	٥۰	۲٥	۲٥
چومران	۱۱	٥۸	۳۱	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین آباد	۱۵	۶۷	۴۰	۲۷
حسین آباد	۷	۳۲	۱۸	۱۴
دامداما	۸	۳۸	۲۰	۱۸
دورت اغاغ	۲	۲۰	۷	۱۳
سالطه	۳۳	۱۶۴	۷۷	۸۷
سلو کلو	۱۷	۹۹	۵۲	۴۷
شورجه حسین آباد	۳۱	۱۳۸	۷۳	۶۵
شوربك	۱۸	۱۱۲	۵۹	۵۳
قره ضیاالدین	۷۷۶	۴۰۱۳	۲۱۹۷	۱۸۱۶
قره کندی	۷۴	۳۹۶	۲۰۲	۱۹۴
قمشگان سفلی	۱۶	۷۰	۴۰	۳۰
قناتبا قربیگ	۴۳	۲۲۰	۱۱۵	۱۰۵
قورول سفلی	۲۸	۱۶۲	۸۷	۷۵
قورول علیا	۴۳	۲۲۹	۱۱۰	۱۱۹
کامل آباد	۳۳	۱۸۵	۱۰۵	۸۰
کسیان	۵۹	۳۰۸	۱۵۳	۱۵۵
گوزدکن	۲۹	۱۵۰	۸۰	۷۰
مارقشه	۲۳	۱۲۰	۶۵	۵۵
میرزاحسام	۱۷	۱۰۴	۵۱	۵۳
نعلبند	۱۶	۸۸	۴۴	۴۴
یتیم اغلی	۳۷	۲۱۰	۱۱۳	۹۷
جمع دهستان قره‌ضیاءالدین	۱۶۲۱	۸۳۹۳	۴۴۸۶	۳۹۰۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
استران	۷۶	۵۲۱	۲۷۷	۲۴۴
المالو	۴۶	۲۹۴	۱۴۶	۱۴۸
بابکان	۳۷	۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰
بله جیك	۳۵	۲۱۴	۱۲۱	۹۳
بیابلو	۱۶	۹۴	۴۹	۴۵
تاریمیش	۱۳	۸۴	۴۳	۴۱
ترس آباد	۲۲	۱۱۷	۶۴	۵۳
چالیان	۲۶	۱۵۹	۸۸	۷۱
حبش سفلی	۷۵	۴۰۴	۲۱۱	۱۹۳
حبش علیا	۶۲	۳۴۸	۱۹۲	۱۵۶
خان سفلی	۱۱	۵۸	۵۸	۰
رازی	۵۲	۲۹۰	۱۹۲	۹۸
راویان	۵۷	۳۷۵	۱۸۲	۱۹۳
راه‌آهن‌شرفخانه‌قطور	۱۵۳	۸۲۹	۸۲۲	۷
راه‌آهن‌شرفخانه‌قطور	۷۶	۶۰۴	۶۰۲	۲
زری	۱۰۵	۵۶۲	۳۱۷	۲۴۵
سنور	۳	۷	۵	۲
شرکت رانکین پور	۱۳۵	۷۰۵	۷۰۵	۰
شرکت‌نوکارقطعه‌شش	۲۰	۷۵	۷۵	۰
شریف آباد	۱۶	۱۲۹	۶۷	۶۲
صوفی شکفتی	۱۰	۶۹	۳۷	۳۲
علی سرمه	۳۵	۲۲۰	۱۲۷	۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره کول	۷	٤٥	۲٥	۲۰
قشقا بلاغ	۱۲	۷۳	۳٥	۳۸
قطعه هفت راه آهن قطور	٥	٤۰	٤۰	۰
قطور	۲۱٤	۱۱۳۰	٦٥٥	٤۷٥
قیله لق	۲۳	۱٥٤	۷۷	۷۷
کرناویك	٤٥	۲٦۹	۱۲۷	۱٤۲
کروتان آباد	۲۲	۱۳۹	۷۹	٦۰
کلتسفلی	۲٤	۱٦٥	۸۳	۸۲
کلتعلیا	۲٥	۱٥۳	۷٦	۷۷
کتکرین	۱۲	۹۱	٥۳	۳۸
کوکرد	۸۹	٥٥٦	۲۷٤	۲۸۲
کیوران	٥۰	۲۸۸	۱٥۰	۱۳۸
مخین	٦۱	۳٤۹	۱۷۹	۱۷۰
میرعمر	٤۷	۳۱۳	۱۷۱	۱٤۲
هسته جیك	۲۹	۲۰۱	۱۰۷	۹٤
هندوان	۳٦	۲۹٦	۱٦٤	۱۳۲
جمع دهستان قطور	۱۷۸۲	۱۰٦٤۰	٦۷۸٥	۳۸٥٥
اسمعیل کندی	۹	٥٥	۳٤	۲۱
اغبلاغ	٦۱	۲۹۲	۱٥۰	۱٤۲
اغچه قشلاق	۲۸	۱٦۰	۸٦	۷٤
امامکندی	۲۰	۱۱۳	٥٦	٥۷
امینه ده	۳۸	۲۲۷	۱۲٥	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بلاماچ	۳۶	۲۲۳	۱۱۷	۱۰۶
بیرامکندی	۳۹	۲۳۱	۱۲۴	۱۰۷
تکلك	۸۷	۴۰۳	۲۲۳	۱۸۰
جهراق	۱۳	۷۶	۴۰	۳۶
چشمه	۵۷	۳۳۷	۱۶۴	۱۷۳
حاشیه رود	۱۳۹	۷۰۷	۳۳۹	۳۶۸
خاکمردان	۸۰	۴۶۶	۲۴۱	۲۲۵
خنجرخان	۲۱	۱۳۳	۷۵	۵۸
دیزج مرتضی قلی‌کندی	۷۱	۴۱۷	۲۱۴	۲۰۳
دیزج هریك	۳۷	۱۹۷	۱۰۶	۹۱
دیزجدیو	۴۶۲	۲۵۱۹	۱۳۲۶	۱۱۹۳
سعید آباد	۱۲۳	۷۱۳	۳۶۴	۳۴۹
سید تاج الدین	۲۸۰	۱۵۴۱	۷۸۸	۷۵۳
شعبانلو	۶۳	۳۳۸	۱۷۰	۱۶۸
شوراب	۵۶	۳۱۱	۱۷۰	۱۴۱
شور بلاغ	۷۶	۴۹۷	۲۷۲	۲۲۵
عذب	۸۱	۴۴۷	۲۲۰	۲۲۷
علیرضاآباد	۸	۳۴	۱۶	۱۸
فریدون آباد	۳	۱۷	۱۰	۷
فنائی	۶۹	۳۳۶	۱۷۳	۱۶۳
قایلوق	۵۵	۲۶۴	۱۳۷	۱۲۷
قرباجلو	۶	۳۴	۱۸	۱۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره شعبان	۸۹	٤۲٦	۲۲۸	۱۹۸
وروق	۱۷۸	۹۳۳	٤۷۹	٤٥٤
گدگکندی	۳	۱۷	۷	۱۰
معدن نمك	٥	۷	۷	۰
ملاجند	٦۰	٤۳٥	۲۳۸	۱۹۷
ولدیان	۲۸۰	۱٤٤۷	۷٥۸	٦۸۹
جمع دهستان ولدیان	۲٦۳۳	۱٤۳٥۳	۷٤۷٥	٦۸۷۸
آب گرم	۷۸	٥٤۰	۲٦۹	۲۷۱
اداره راه	۱	۱	۱	۰
آق زیارت	۳۹	۲٦۲	۱٥۷	۱۰٥
امام کندی	۳۸	۱۸٤	۷۹	۸۷
باری	۷۰	۳۸٦	۲۰٦	۱۸۰
بلارغو	۳۱	۲۰۱	۱۰۸	۹۳
بهله	٤۱	۲٦۹	۱۲۸	۱٤۱
تزخراب	٤۱	۲۱۳	۱۲۰	۹۳
تمر	۱٦٤	۹۲۹	٤۷٦	٤٥۳
تندروك	۱۳	۹۱	٤۷	٤٤
جبل کندی	٥٦	۲۹۷	۱٦٤	۱۳۳
جمال آباد	۱۱۳	٦٥۲	۳۲۸	۳۲٤
حاجی بایرام	۲۰	۱٥٤	٦٤	۹۰
حماملار	٤۲	۲٤۸	۱۲۸	۱۲۰
خان تختی	٦۱	۳٥۰	۱۸۹	۱٦۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خرم آباد	۲۹	۲۲۳	۱۱۳	۱۱۰
دلادل	۲٤	۱۵۰	۷۲	۷۸
زنگ آباد	۲۱	۱۳۹	٦٦	۷۳
ریندشت	٦۵	٤۱٦	۲۱۷	۱۹۹
سلطان آباد	۲٤	۱۲۲	٦۸	۵٤
سینجلیك	۵	۳٦	۱۸	۱۸
شریف آباد	۱۲	۷۰	۳۸	۳۲
علی آباد	٦	۳۳	۱۵	۱۸
علی‌کان	۳۲	۲٦۸	۱۳۳	۱۳۵
قره باغ	۳۷٤	۲۵۱۱	۱۲۹٤	۱۲۱۷
قلقاچی	۱۵۷	۸۲۷	٤۱٦	٤۱۱
قوشجی	۳۲۲	٦۱٦۸	۱۱۲۵	۱۰٤۳
قولنجی	۳٤۱	۲۲۰۱	۱۱٦۱	۱۰٤۰
نمیجوق	۲۱	۱۳۷	۷۳	٦٤
قهرمان	۱٦	۹۸	۳٦	٦۲
قهوه خانه‌عزیز	۱	۱	۱	۰
قهوه خانه علی	۳	۱٤	۷	۷
کاسب	۳۸	۲٤٦	۱۲٦	۱۲۰
کانی شوریك	۷	٤۳	۱۸	۲۵
کای نسپی	۱۸	۸۷	۳۸	٤۹
کوره بالا	٤٤	۲۵۸	۱۲۲	۱۳٦
کوره پایین	٤۲	۲۸۹	۱۵٦	۱۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوی کارمندان	۳۲۹	۱۲۲۲	۷۰۵	۵۱۷
کهریز	۲۸۳	۱۴۹۸	۸۲۵	۶۷۳
گل تپه	۹۹	۶۳۱	۳۳۰	۳۰۱
گلانیك سفلی	۱۶	۱۲۹	۶۳	۶۶
گلانیك علیا	۲۰	۱۴۲	۷۲	۷۰
گورجین قلعه	۲۰۶	۱۳۳۰	۷۰۸	۶۲۲
گولان	۶۶	۳۲۵	۱۷۲	۱۵۳
ماکو کندی	۳۶	۲۰۴	۱۱۱	۹۳
محمودان	۳	۲۸	۱۲	۱۶
مغول	۳۹	۲۲۱	۱۱۵	۱۰۶
مقیطالو	۱۰۰	۵۲۰	۲۸۲	۲۳۸
میسیك	۱۹	۱۰۶	۴۹	۵۷
میناس	۶۲	۳۲۸	۱۷۴	۱۵۴
نجف آباد	۱۲۶	۷۳۵	۳۸۱	۳۵۴
نورالدین آباد	۷	۷۷	۳۸	۳۹
نوسر	۱۲	۷۲	۳۹	۳۳
جمع دهستان قوشچی‌انزل	۳۸۳۳	۲۲۶۸۲	۱۱۸۷۱	۱۰۸۱۱
اردشاهی	۹۵	۴۲۵	۲۱۶	۲۰۹
آق بلاغ	۱۵	۱۱۱	۶۴	۴۷
القیان	۲۴	۱۳۸	۷۳	۶۵
انگمان	۱۷	۱۲۳	۶۱	۶۲
اوچ لر	۱۲	۵۸	۳۴	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوزان	٦٨	٣٦٧	١٩٥	١٧٢
اوزان	٦٢	٣٢٢	١٧٨	١٤٤
ایلذگی	٢	١٨	٩	٩
بابا رود	٦٠	٢٥١	١٠٩	١٤٢
باراندوز	١٤٦	٧٥٠	٣٨٨	٣٦٢
باروژ	٢٠	٨٧	٥٤	٣٣
بالا نج	١١٦	٥٥٩	٢٩٨	٢٦١
بربران	١٣	٩١	٥٣	٣٨
برهانلو	٢٨	١٥٥	٨٣	٧٢
بزرگ آباد	١٨٠	٨٥٥	٤٥٧	٣٩٨
بتدایی	٢٨	١٤٩	٧٧	٧٢
بیات	١٣	٧٢	٣٨	٣٤
تازه کند	١٠١	٥٥٩	٢٧٧	٢٨٢
تازه کند جمال خان	١٧	٩٧	٥٠	٤٧
تبت	١٠١	٥١٩	٢٥٧	٢٦٢
تپه‌ترکمان	٤٥	٢٣٨	١٢٠	١١٨
تپه مکی	١٥٠	٧٦٥	٣٩٨	٣٦٧
ترکمان	٣٥	٢١٤	١١٢	١٠٢
تزخراب	٧٦	٤٢١	٢٢٢	١٩٩
تکیه	٤١	١٧٣	٨٣	٩٠
توپوز آباد	٤٥	٢٢٦	١١٥	١١١
تولکان	٤٤	٢٣٧	١٣٠	١٠٧

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تومتر	۱۳۱	۷۰۵	۳۶۹	۳۳۶
جبل کندی	۹۱	۵۵۰	۲۸۸	۲۶۲
جرنی	۳۳	۲۳۵	۱۱۸	۱۱۷
جعفریان	۶	۴۲	۱۸	۲۴
جیران سفلی	۲۴	۱۳۷	۷۹	۵۸
جیران علیا	۶۳	۴۰۵	۲۱۶	۱۸۹
چاورش	۱۴	۸۱	۲۶	۵۵
چهل چشمه	۱	۱۰	۵	۵
حسن آباد	۴۸	۲۳۴	۱۳۴	۱۰۰
حسو کندی	۱۸	۱۱۲	۶۱	۵۱
حصاراق بلاغ	۳۹	۲۹۶	۱۴۵	۱۵۱
حصار ترکمان	۴۰	۲۳۶	۱۲۴	۱۱۲
حصار گاپوچی	۱۴	۹۲	۵۰	۴۲
حیدرلو	۴۷	۲۶۹	۱۳۹	۱۳۰
خرم آباد	۴۲	۲۴۲	۱۱۵	۱۲۷
خضر آباد	۸۴	۴۳۸	۲۱۶	۲۲۲
خطا پلو	۴۵	۲۵۲	۱۳۷	۱۱۵
خنجر قشلاقی	۲۳	۱۴۶	۷۶	۷۰
در برود	۶۸	۳۵۰	۱۶۹	۱۸۱
درین قلعه	۱۶	۱۳۴	۷۲	۶۲
دو لاما	۹۲	۴۷۶	۲۶۲	۲۱۴
دیدان علیا	۳۶	۲۰۵	۱۰۳	۱۰۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دیدان سفلی	۷۱	۳۲۷	۱۷۳	۱۵٤
دیزج تکیه	۲۱٤	۹۸۳	۵۰۸	٤۷۵
دیزج رحیمپور	۱۷	۱۰۷	٦٤	٤۳
دیزج فتحی	۹	٤۸	۲۷	۲۱
زویك	٤۰	۲۲۵	۱۲۱	۱۰٤
سارالان	٦٤	۳۲٦	۱۷۰	۱۵٦
ساری بگلو	۳٤	۲۰۰	۹۹	۱۰۱
ساری بگلوموسی	٤۱	۲۳٦	٦۱٦	۱۲۰
ساعتلو	۵۳	۲۸۹	۱۵٤	۱۳۵
ساعتلو کوه	۲۰	۱۲۰	٦٦	۵٤
سرد رود	۱۸	۹٦	٤۵	۵۱
سیدن	۱۱	۹۰	٤۰	۵۰
سیر	۲۵	۱۳٤	٦۵	٦۹
سیلان	٦	٤٤	۲۲	۲۲
شاهین آباد	۲۱	۱۰۵	۵۰	۵۵
شبان کندی	۱۰	۵٤	۲۸	۲٦
شمس حاجیان	٦۸	۳۳۹	۱۷۸	۱٦۱
شیخ لرمزارع	۲۲	۱۱۷	۵۷	٦۰
شیرو کندی	۸	٤٦	۲۲	۲٤
شیطان آباد	۱۹	۱۰۱	۵۳	٤۸
صمد آباد	۱۰	۵۳	۲۷	۲٦
طالب آباد	۲۰	۸۰	٤۱	۳۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
طرز لو	۱۰	٤۷	۲۱	۲٦
عربلو	۷۰	۳٥۸	۱۹۳	۱٦٥
علی آباد	۳۲	۱٦٥	۸۷	۷۸
علی آباد	٦۰	۳۲٦	۱۸٤	۱٤۲
عیسی لو	۳۹	۲۲۹	۱۲۰	۱۰۹
غریب حسن	٤	۲٦	۱٤	۱۲
غریب کندی	۱٥	۷۷	۳۸	۳۹
فق بیکلو	٦۰	۳۱٦	۱٤٦	۱۷۰
فولادلو	۱۱	٤٥	۲۷	۱۸
قاسملو	٥٥	۳۲۰	۱۷۳	۱٤۷
قرالر اقاتقی	٥٦	۲۸۲	۱٤۳	۱۳۹
قرالرحاج قاسم	۲۸	۱٤۱	٦۹	۷۲
قره اغاج	۱٦۲	۸۹۱	٤۷۱	٤۲۰
قره‌لر گورخانه	٤٦	۲۳۸	۱۲۱	۱۱۷
قطلو	٥۲	۲۸۱	۱٤۸	۱۳۳
قلعه جوق	۳۹	۱۹۷	۹۹	۹۸
قهوه خان	۱	۱	۱	۰
قهوه خانه محمودآباد	٦	۲٤	۱٥	۹
کارخانه آجرپزی الله‌اکبر	۱۳	٤٤	۲۸	۱٦
کارخانه آجرسازی خانه	۱۱	۳۸	۳۲	٦
کارخانه آجرسازی اتحاد	۱۲	٤٥	۲۸	۱۷
کارخانه آجرسازی‌خورشید	۲	٥	۳	۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کاروانسرا	۲۶	۱۳۳	۶۷	۶۶
کرانی	۳۳	۱۲۶	۶۲	۶۴
کلیسا سیر	۹	۵۸	۳۳	۲۵
کوسه آباد	۲۲	۱۷۰	۸۰	۹۰
کوکیا	۷۰	۳۸۴	۱۷۸	۲۰۶
گرگتپه	۴۱	۲۰۱	۱۱۰	۹۱
کزنه کش	۱۴	۱۰۷	۵۳	۵۴
گلدانلو	۷۷	۳۵۰	۱۸۴	۱۶۶
گور شالی	۲۵	۱۳۸	۷۴	۶۴
گوی تپه	۲۸۷	۱۳۷۳	۷۱۳	۶۶۰
مبارك آباد	۲۶	۱۶۳	۹۷	۶۶
محمود آباد	۶۰	۳۴۰	۱۸۳	۱۵۷
مراد علی بالا	۵۹	۲۹۰	۱۳۲	۱۵۸
مراد علی پایین	۴۹	۲۴۲	۱۲۰	۱۲۲
مراد کندی	۲۲	۱۴۹	۸۰	۶۹
مقدم	۷۲	۳۷۷	۱۹۰	۱۸۷
منددول	۱۴	۱۲۰	۵۷	۶۳
میرزا علی آباد	۱۳	۵۰	۲۸	۲۲
میر شکارلو	۹۴	۴۷۸	۲۳۶	۲۴۲
نای بین	۷۹	۴۴۸	۲۱۰	۲۳۸
نرلر	۱۹	۱۳۲	۵۹	۷۳
نژ دره	۲	۲۵	۱۳	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نظر آباد افتخار	۲۰	۱۳۰	۵۳	۵۰
نظر آباد مجید	۱۹	۱۱۱	۵۵	۵۶
نوروز بلاغی	۲۴	۱۱۸	۶۳	۵۵
نیولو	۶۴	۳۲۲	۱۶۳	۱۵۹
ورمزیار	۲۰	۱۲۶	۷۱	۵۵
هوندوك	۶	۳۸	۱۵	۲۳
جمع دهستان بارا ندوز جای	۵۳۸۰	۲۸۵۱۸	۱۴۷۳۹	۱۳۷۷۶
اختیان بزرگ	۱۷	۱۲۹	۶۴	۶۵
اختیان کوچك	۱۲	۸۸	۴۲	۴۶
آویك	۶	۵۲	۲۳	۲۹
اربیلان	۱۷	۱۰۵	۴۷	۵۸
اسکندر آباد	۳۴	۲۷۳	۱۳۷	۱۳۶
آسیاب چره	۲	۴	۳	۱
اسین گران	۸	۶۲	۲۸	۳۴
الوسان	۸	۶۷	۳۲	۳۵
اودلان سفلی	۱۵	۱۵۷	۸۹	۶۸
اودلان علیا	۹	۵۳	۳۴	۱۹
ایشکه سو	۳۰	۲۲۹	۱۲۵	۱۰۴
بانی	۲۵	۱۹۲	۱۰۲	۹۰
بصریك	۹	۶۶	۳۰	۳۶
بهیك	۲۲	۱۷۹	۹۴	۸۵
بیگوز	۶	۵۲	۲۴	۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
پرگل	۱۳	۹۷	۴۸	۴۹
پسان	۲۴	۱۵۷	۸۵	۷۲
پست	۷	۵۴	۳۱	۲۳
تازه کند	۱۰	۶۴	۳۰	۳۴
تبیك	۲	۲۶	۱۳	۱۳
تبیك	۱۴	۹۲	۵۴	۳۸
تمتمان	۵	۳۵	۲۰	۱۵
چر	۳۶	۲۶۲	۱۴۰	۱۲۲
چره	۱۶	۱۱۷	۶۶	۵۱
حاجی محمود چمان	۱۱	۱۰۷	۵۵	۵۲
حسبستان	۱۶	۱۰۷	۴۷	۶۰
خانیك	۲۲	۱۶۲	۸۹	۷۳
خرابه سنجی	۴۵	۳۱۴	۱۶۶	۱۴۸
خلیان	۲۸	۱۷۴	۹۵	۷۹
خوش الان	۴۳	۲۲۸	۱۵۳	۱۳۵
دربند	۱۳	۱۱۲	۵۳	۵۹
دمان	۶	۳۸	۱۸	۲۰
ربط	۱۹	۱۴۰	۷۴	۶۶
روند سفلی	۸	۵۵	۲۸	۲۷
روند علیا	۸	۵۷	۲۶	۳۱
زنکگان	۳۰	۱۷۹	۹۶	۸۳
سرو	۷۶	۴۹۳	۲۷۵	۲۱۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سنجی	۳۸	۲۷۲	۱۵۶	۱۱۶
سوریان	۱۰	۶۹	۴۰	۲۹
سیگفتیك علیا	۲۰	۱۴۹	۷۸	۷۱
شهرویران	۲	۱۶	۵	۱۱
صوفی‌کانی	۹	۶۶	۳۷	۲۹
عمر آباد	۳۱	۲۰۸	۹۷	۱۱۱
قرنسا	۳۴	۲۱۳	۱۰۷	۱۰۶
قره آغاج	۲۱	۱۳۱	۵۸	۷۳
قصریك	۷	۴۷	۲۱	۲۶
کارگاه راه سازی	۱	۳۵	۳۵	۰
کانسبی	۱۶	۱۲۶	۵۸	۶۸
کانی شوریك	۱۸	۱۰۶	۵۲	۵۴
کاولان	۹	۷۶	۳۹	۳۷
کریم آباد	۱۰	۶۸	۳۲	۳۶
کلن کانی	۱۴	۱۴۰	۷۲	۶۸
کلیکنی	۳۱	۲۱۱	۱۰۸	۱۰۳
کورانه	۴۲	۲۴۵	۱۳۰	۱۱۵
کورته کویل	۱۱	۷۸	۳۹	۳۹
گل شیخان	۲۸	۲۲۶	۱۱۵	۱۱۱
گنگچین	۱۷۹	۱۱۸۳	۵۹۷	۵۸۶
گوران آباد	۱۹	۱۲۳	۶۲	۶۱
گوندگ	۳۴	۲۱۳	۹۶	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مارمیشو	۱۸	۱۱۵	۵۹	۵۶
مافران	۲۱	۱۵۵	۸۴	۷۱
مجروسه	۱۲	۹۲	۴۹	۴۳
مرکوش	۲۴	۱۵۲	۷۴	۷۸
مستکان	۳۱	۲۲۳	۱۱۰	۱۱۳
مسکین	۲۹	۱۸۴	۹۴	۹۰
ملونه	۳۳	۳۰۸	۱۵۰	۱۵۸
میرداود	۱۶	۱۰۰	۵۵	۴۵
نوجوان	۲۱	۱۳۸	۷۲	۶۶
نی چلان	۵۹	۳۹۱	۲۰۵	۱۸۶
هفتساران	۴۷	۳۱۱	۱۵۸	۱۵۳
هلانیك	۴	۲۷	۱۴	۱۳
هنگروان	۲۶	۱۵۹	۸۰	۷۹
جمع دهستان برا دوست	۱۵۹۷	۱۱۱۹۴	۵۷۷۴	۵۴۲۰
ارزین	۱۲	۸۵	۴۲	۴۳
اشیك	۱۳	۹۴	۵۰	۴۴
اق بلاغ	۱۱	۸۵	۴۹	۳۶
انبی	۸۹	۶۳۳	۳۱۸	۳۱۵
اودی	۱۸	۱۴۴	۷۰	۷۴
بالولان	۳۲	۲۲۶	۱۱۲	۱۱۴
برزین	۱۹	۱۲۶	۵۷	۶۹
تالین	۲۹	۱۶۸	۹۵	۷۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تولکی	۲٤	۱۹٦	۱۰۵	۸۱
تولی	۳۰	۲۳۹	۱۲۳	۱۱٦
تیبان	۲۳	۱٦۵	۸۷	۷۸
چمان	۱۵	۹۵	٤۸	٤۷
حکی	۳۹	۲۵۲	۱۲۵	۱۲۷
خانقاه	۲۹	۱۷۳	۷٤	۹۹
دوبره	۲٤	۱٦۵	۹۰	۷۵
دوستالان	۹	٦۳	۳۲	۳۱
سولیك	۱٦	۱۲٤	٦۲	٦۲
شیبان	۳۰	۲۷۱	۱۲۹	۱٤۲
شیخ شمزین	٤٤	۲۸٦	۱۵۰	۱۳٦
کرانه	۳٦	۲۳۵	۱۱۷	۱۱۸
کرده بلیچ	۳۸	۳۳۳	۱۷۰	۱٦۳
موانا	۱۱۵	۸۸۱	٤٤٦	٤۳۵
هالولان	۲٤	۱٤٦	۷۰	۷٦
جمع دهستان ترگور	۷۱۹	۵۱۸۵	۲٦۲۱	۲۵٦٤
احمد رسول	۳	۲٤	۱۷	۷
اسلاملو	۱۱۲	٦۰٤	۳۰۰	۳۰٤
اغچه قلعه	٤٦	۲۲٤	۱۱۵	۱۰۹
المان آباد	٤۰	۲۳۰	۱۲۱	۱۰۹
الیاس آباد	۱۳۵	۷۹٦	٤۱٦	۳۸۰
امامزاده	۹۷	٤۵۲	۲۳۳	۲۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اوبا	۱۶	۸۶	۳۹	۴۷
اوعلی	۱۶	۱۰۴	۵۱	۵۳
ایدنلو	۵۸	۲۸۶	۱۴۷	۱۳۹
ایگدیر	۵۹	۳۱۶	۱۶۳	۱۵۳
یاراجیق	۳۵	۱۹۰	۱۰۶	۸۴
یالدرلو	۸۶	۲۲۴	۲۱۶	۲۰۸
براشان	۲۵	۱۴۵	۷۷	۶۸
یزوج	۱۸	۹۷	۵۰	۴۷
بند	۱۰۴	۶۹۷	۳۶۱	۳۳۶
بندر گلمانخانه	۱۲	۴۱	۳۲	۹
بویونویوقونلو	۶۷	۳۶۵	۱۸۹	۱۷۶
بهنق	۵۸	۳۰۶	۱۵۷	۱۴۹
بیرلان	۱۵	۷۲	۳۸	۳۴
پشتگل	۴۴	۲۷۸	۱۴۹	۱۲۹
پلاژ اختصاصی تمدن	۱	۴	۲	۲
پلاژ برادران	۱	۱	۱	۰
پلاژ شهرداری	۱	۵	۵	۰
ترمنی	۴۸	۲۶۶	۱۴۳	۱۲۳
حارچیلو	۹۳	۴۶۱	۲۵۲	۲۰۹
جان وسلو	۲۱	۱۵۸	۷۹	۷۹
چوبتراش	۵۸	۲۹۲	۱۵۵	۱۳۷
چهره گشا	۴۴	۲۳۲	۱۳۲	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی پیرلو	۴۲	۲۱۷	۱۰۴	۱۱۳
حصار ترمنی	۷	۳۰	۱۷	۱۳
حصار حاجی لار	۹۱	۴۸۲	۲۵۳	۲۲۹
حصار داغباغی	۴۵	۲۲۹	۱۱۴	۱۱۵
خطایلو	۴۳	۲۳۱	۱۲۶	۱۰۵
دارقالو	۶۲	۳۴۴	۱۸۱	۱۶۳
دیزج خیار	۱۱	۵۷	۲۵	۳۲
دیزج نقاله	۱۰	۴۷	۲۷	۲۰
دیگاله	۱۷۳	۸۸۵	۴۵۲	۴۳۳
ریحان آباد	۱۱۴	۵۰۴	۲۷۶	۲۲۸
ریکان	۷۸	۳۸۹	۱۹۸	۱۹۱
ساراجوق	۲۷	۱۴۲	۷۴	۶۸
سنگرمیرعبدالله	۳۳	۱۶۳	۸۵	۷۸
سه قبیله	۶	۲۱	۱۵	۶
شرکترونق	۲	۱۱	۸	۳
شلمکان	۳۰	۱۹۹	۹۹	۱۰۰
صدقه	۴۴	۱۹۹	۱۱۳	۸۶
طسمالو	۶۳	۲۰۲	۱۶۵	۱۳۷
عرشلو	۲۷	۱۶۲	۸۷	۷۵
علی کومی	۱۸	۹۷	۵۰	۴۷
عیسی کان	۹	۴۸	۲۹	۱۹
قامت	۳۳	۱۸۷	۹۳	۹۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرجه لر	۲۰	۹۷	۵۵	۴۲
قره اغاج	۲۵	۱۳۱	۷۱	۶۰
قره حسنلو	۷۵	۳۹۴	۲۰۴	۱۹۰
قشلاق محمدشریف	۲۴	۱۴۸	۸۰	۶۸
قشلاق محمد قلی	۱۵	۶۱	۳۲	۲۹
قشلاق میرزاعلی	۲۹	۱۴۸	۷۹	۶۹
قطورلار	۹۷	۴۸۹	۲۶۹	۲۲۰
قلیلو	۲۸	۱۹۱	۱۰۱	۹۰
کردلر	۱۹۱	۱۰۸۷	۵۷۰	۵۱۷
کشتیبان	۲۱۴	۱۰۴۲	۵۳۲	۵۱۰
کلیسا کندی	۲۳	۱۳۲	۷۰	۶۲
گباران	۴۹	۲۵۸	۱۲۶	۱۳۲
گلپاشین	۶۹	۲۷۳	۱۶۲	۱۲۱
گلمانخانه	۸۲	۴۱۶	۲۱۶	۲۰۰
لشنلو	۴۲	۱۸۴	۹۵	۸۹
مراجل احمدی	۲۸	۱۱۰	۵۹	۵۱
مشك آباد سفلی	۱۸	۹۶	۵۷	۳۹
مشك آباد علیا	۱۹	۸۵	۴۹	۳۶
میاوق	۲۰۴	۱۲۰۰	۶۳۳	۵۶۷
ندامتگاه شهربانی	۲	۲۱	۱۷	۴
وزیر آباد	۲۶	۱۱۰	۵۷	۵۳
هسپستان	۳۱	۱۸۲	۸۹	۹۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینکیجه قاضی	۵۰	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
یوالار	۹۶	۵۹۸	۳۰۳	۲۹۵
جمع دهستان بکشلو چای	۳۷۳۸	۱۹۸۱۰	۱۰۳۹۴	۹۴۱۶
بالستان	۹۲	۵۱۰	۲۷۱	۲۳۹
برده کشك	۱۵	۱۰۴	۵۲	۵۲
پیرعلی	۹	۶۰	۳۴	۲۶
جلبر	۵۴	۲۸۷	۱۴۱	۱۴۶
داش اغول	۱۱۴	۶۴۹	۳۴۳	۳۰۶
دربند	۱۹	۱۶۲	۹۰	۷۲
دلی	۳۲	۲۲۰	۱۱۹	۱۰۱
دیزج	۱۱۰	۶۷۲	۳۴۸	۳۲۴
رشکان	۱۲۳	۶۷۷	۳۵۲	۳۲۵
زیوه	۲۵	۱۷۱	۸۹	۸۲
ژار آباد	۲۶	۱۷۲	۹۵	۷۷
سامورتی	۷۹	۴۷۰	۲۴۳	۲۲۷
سلطان آباد	۹	۷۳	۴۱	۳۲
شیطان آباد	۱۲۹	۷۴۱	۳۸۲	۳۵۹
قمش لو	۹	۷۹	۴۱	۳۸
کنعان ایل	۴۲	۲۱۷	۱۱۳	۱۰۴
کنعان رعیت	۲۴	۱۶۷	۸۵	۸۲
ناری	۴۰	۲۸۲	۱۴۸	۱۳۴
نازناز	۱۵	۱۱۹	۷۰	۴۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ناناس	۵۱	۳۰۲	۱۵۲	۱۵۰
نصیر آباد	۲۲	۱۴۸	۷۵	۷۳
جمع دهستان دول	۱۰۳۹	۶۲۸۲	۳۲۸۴	۲۹۹۸
بد کار	۱۱	۹۶	۴۸	۴۸
برده سور	۵	۴۳	۲۳	۲۰
پشتگله	۷	۵۹	۲۸	۳۱
پیرهادی	۸	۴۶	۱۷	۲۹
تویی	۱۵	۸۴	۴۳	۴۱
جرمی	۲۱	۱۳۳	۶۹	۶۴
حلفله	۶	۲۱	۱۲	۹
خری	۱۶	۱۳۰	۶۸	۶۲
خوشا کو	۲۰	۱۶۲	۸۱	۸۱
دربند	۴۲	۲۷۱	۱۴۴	۱۲۷
درگز	۴۳	۳۱۲	۱۴۹	۱۶۳
دولاپسیان	۲۶	۲۰۹	۹۷	۱۱۲
راژان	۷۲	۶۳۷	۳۲۳	۳۱۴
زری خان	۵	۳۲	۱۴	۱۸
زنگلان	۲۱	۱۶۱	۸۳	۷۸
سلیمیك	۱۸	۱۴۵	۷۶	۶۹
سیده سر	۴	۱۴	۷	۷
سیلوانا	۷۰	۵۲۰	۲۶۵	۲۵۵
قره اوی	۸	۶۷	۳۷	۳۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قصریك	۱۳	۹۵	٤٤	٥۱
کای	۲۳	۱۷۹	۸۷	۹۲
کوجار	٦٤	٤٤۸	۲۳۳	۲٥۰
میر آباد	۱۹	۱۰۷	٤٦	٦۱
نوشان	۱۸	۱۳٦	٦٤	۷۲
هلوری	۱٤	۱۰۰	٤٥	٥٥
جمع دهستان دشت	٥٦۹	٤۲٤۷	۲۱۰۳	۲۱٤٤
آجر پزی برق	٥	۱۳	۱۳	۰
اشنا آبادی	۹۰	٤٦٤	۲٤۲	۲۲۲
الواج	٤٥	۳۱٤	۱٥۸	۱٥٦
انهر سفلی	۳۷	۱۷۱	۸۹	۸۲
انهر علیا	۱۳۷	۷٤۲	۳۸٥	۳٥۷
باچیك	۲٦	۱۸۳	۹۳	۹۰
بادکی	۳۳	۱۷۲	۹۳	۷۹
بالا حوق	٤۰	۱۹٦	۱۰۷	۸۹
بخش آباد	۱٤	۸٤	٥۳	۳۱
پیر مراد	۳۳	۲۰۳	۱۰۱	۱۰۲
تازه کند	۱۱	٥٤	۲٥	۲۹
تازه کند	۷	٥۲	۲۷	۲٥
تیز خراب	۷۰	۳٥۹	۱۸٤	۱۷٥
جهتلو	٤٦	۲٥۱	۱۳۳	۱۱۸
حصار میرحسین	٤	۱۷	۸	۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خاتون جان	۱۳	۷٤	٤۰	۳٤
خانقاه	۳۲	۲۱۱	۱۱۰	۱۰۱
خلیفه تان	۲۵	۱۷٤	۹۳	۸۱
درهٔ زم	۳۰	۱٤۲	۷٤	٦۸
دیزج سیاوش	۹۰	٤۷٦	۲۵۰	۲۲٦
زینالو	۸٤	٤۳۱	۲۲٤	۲۰۷
سقان	۲۳	۱۲٦	٦۹	۵۷
سنجلیك	۷	۵۸	۲٦	۳۲
سنگر برزوخان	۳٦	۲۰۲	۱۰۵	۹۷
سنکر بیگلربیك	۱٤	۷۵	۳۷	۳۸
سیدآقا	۱	۳	۲	۱
سیدآقا کوزه کنانی	۱	۳	۲	۱
شرکت سنگ	۲	۱۱	۹	۲
طرزلو	۳۰	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
طرزلو ارخ‌الش	۱۳	۸۷	٤۵	٤۲
قره حسنلو	۱۳۹	۷۵۹	٤۰۱	۳۵۸
قصریك	٤۹	۲۷۳	۱۵۲	۱۲۱
قوزیوند	۲٦	۱٤۲	۷۲	۷۰
کاتالان	۳۱	۱۵۰	۸۲	٦۸
کانی قیزان	۲٤	۱٤٤	۷٦	٦۸
کجین	۱۵۷	۹٤۳	٤۸٦	٤۵۷
کلهر	٤۳	۳۰٤	۱۵۹	۱٤۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوره اجر بهمن	۱۰	۴۲	۳۸	۴
کوره طسوجی	۲	۹	۷	۲
کوره طلوع	۱۷	۵۰	۳۸	۱۲
کوره مشفقی	۱	۷	۷	۰
لرنی	۳۰	۱۸۲	۹۰	۹۲
لور	۷۰	۳۶۱	۱۸۸	۱۷۳
موساتد امیروری	۹	۹	۹	۰
میر آباد	۲۲	۱۴۸	۷۰	۷۸
ناصر آباد	۶	۵۴	۳۳	۲۱
نوروز آباد	۱۴	۶۷	۳۰	۳۷
ولینده سفلی	۱۷	۱۰۹	۵۸	۵۱
ولینده علیا	۵۹	۳۳۱	۱۹۱	۱۴۰
یورقانلوی	۶۷	۳۲۲	۱۶۷	۱۵۵
جمع دهستان روضه‌چای	۱۷۹۲	۹۹۶۵	۵۲۶۴	۴۷۰۱
اسکندیان	۲۳	۱۳۰	۵۹	۷۱
آسیاب	۱	۲	۲	۰
اق سقل	۸۰	۵۲۳	۲۷۸	۲۴۵
اوری بیك	۱۵	۹۵	۴۹	۴۶
باژرگه	۳۴	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
بلوان	۶۸	۵۰۱	۲۷۸	۲۲۳
بچه جیك	۳۷	۲۸۱	۱۳۷	۱۴۴
بردوك	۳۷	۲۶۳	۱۴۰	۱۲۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
برده رش	۲۵	۱۵۵	۷۵	۸۰
بردیان	۳۳	۲۶٤	۱۳٤	۱۳۰
بردیزی سفلی	۷	٤۵	۲۵	۲۰
بردیزی علیا	۲٤	۱۸٤	۹۵	۸۹
برسپیان	۱٦	۱۱۵	۵۸	۵۷
بستك آباد	۳۱	۲۱۸	۱۱۳	۱۰۵
پیرانجون	۵۸	۳۷٦	۱۹۷	۱۷۹
تازه کند	۱۸	۱۲۳	٦۹	۵٤
جنر	۳۱	۲۵۳	۱۳٦	۱۱۷
جلفران	٤۷	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
جوجه هی	٤٦	۳۳۰	۱۷۳	۱۵۷
جهنی	۵۹	٤۰٤	۲۱۱	۱۹۳
حسن آباد	۳۳	۲٤۲	۱۱۵	۱۲۷
حسنلو	٤۲	۲٦۵	۱۳۷	۱۲۸
حلقوش	۲۸	۱٦۲	۹۸	٦٤
خانیك	۲۱	۱۸۱	۸۵	۹٦
خرگوش	۸۲	۵۵۰	۲۵٦	۲۹٤
خواجه ابراهیم	٤	۲٤	۱۳	۱۱
رك آباد	۲۸	۱۷۷	۹۵	۸۲
ساکان	۲۹	۲۰۵	۱۰۳	۱۰۲
سرومان آباد	۳۵	۲۹۲	۱٤۸	۱٤٤
سلطانی	۱۱	۸۱	۳۹	٤۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سیارك	٥	٤٧	٢١	٢٦
سیدان	٨٩	٤٩٦	٢٥٥	٢٤١
سین آباد	٥٤	٤٢٠	٢٤٥	١٧٥
صوفیان	٤٢	٢٩٨	١٤٧	١٥١
غازان	٤٩	٣٢٣	١٦٨	١٥٥
فیروزیان	٤١	٢٣٩	١٠١	١٣٨
قصریك	٥٥	٣٨٦	١٩٦	١٩٠
قورمیك	٤٤	٢٧٥	١٣٨	١٣٧
قونی	٤٠	٢٧٢	١٣٧	١٣٥
کانسپی	٤١	٢٨١	١٤٤	١٣٧
کانسپی	١٤	٩٠	٥٠	٤٠
کانی رش	٥٤	٣٥٢	١٨٧	١٦٥
کفشن	١	٧	٤	٣
کلران	٩	٦٠	٢٩	٣١
کوران	٣٠	٢٠٢	٩٩	١٠٣
کونی میران	١٧	١٣٨	٧٧	٦١
کچی	٦٢	٤٥٥	٢٣٢	٢٢٣
گله خر	٥٥	٣٩٠	١٩٥	١٩٥
گنبد	٨١	٥٤٦	٢٨٣	٢٦٣
گوادل	٦	٤٠	١٩	٢١
مرنه	٣٠	٢٠٠	١١٠	٩٠
مستکان	٣٤	٢٣٥	١٢٩	١٠٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ممکان	۹۳	۵۷۹	۳۱۱	۲۶۸
منگول	۳۰	۲۰۵	۱۰۵	۱۰۰
میر آباد	۳۴	۲۸۰	۱۵۵	۱۲۵
هشتیان	۸۰	۴۷۵	۲۶۳	۲۱۲
هوسین	۵۷	۴۴۹	۲۳۱	۲۱۸
ینگجه	۳۵	۲۳۱	۱۱۰	۱۲۱
جمع دهستان صومای	۲۱۸۵	۱۴۹۲۶	۷۷۲۳	۷۲۰۳
اورسی	۴۳	۲۶۹	۱۲۸	۱۴۱
باوان	۳۳	۲۸۹	۱۳۵	۱۵۴
برازان	۴۹	۳۵۵	۱۶۷	۱۸۸
بیراسب	۳۲	۲۰۶	۹۲	۱۱۴
بی‌بکران	۵	۴۲	۲۳	۱۹
تازه کند	۷	۳۷	۲۰	۱۷
توپوز آباد	۹	۷۶	۳۲	۴۴
چلی آباد	۳۴	۱۹۴	۷۶	۱۱۸
حلج	۴۱	۲۷۸	۱۲۷	۱۵۱
حلستانه	۲۰	۱۲۰	۶۵	۵۵
خوراسب	۱۷	۱۲۶	۶۳	۶۳
دکانا	۱۰	۷۴	۲۸	۴۶
دیزج	۱۲۱	۷۲۷	۳۸۶	۳۴۱
رزگه	۳۵	۲۵۷	۱۲۳	۱۳۴
زراژه	۱۲	۸۹	۳۴	۵۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زیوه	٦٢	٤٠٩	٢٢٨	١٨١
ژر آباد	٤٦	٣٤٩	١٧٦	١٧٣
ملیان	٧	٤٢	٢٢	٢٠
سورکان	٣٨	٢٢٠	٩٧	١٢٣
سوسن آباد	٢٨	١٧٧	٦٩	١٠٨
سوله دوگل	٩	٧٣	٣٦	٣٧
سه گرگان	٣٣	٢١١	٩٢	١١٩
سیودین آباد	٤	٣١	١٠	٢١
شکل آباد	١٤	٩٥	٤٧	٤٨
شیخ زرد	٨	٤١	١٤	٢٧
شیرکان	٣٦	٢٧٦	١٢٤	١٥٢
علیه	٢٤	١٧٢	٦٦	١٠٦
فلکان	٢٧	١٥٩	٦٧	٩٢
قارانه	٢٦	١٧١	٩١	٨٠
کانسپی	٣	١٩	٨	١١
کانی تاپر	٢	١٦	٩	٧
کانی دستار	٩	٥١	٣٠	٢١
کایر	٥٢	٣٩٣	٢١٣	١٨٠
کحل آباد	٢	١١	٧	٤
کحله	١٣	٩١	٢٩	٦٢
کسیان	٥٢	٤٣٦	٢٢٠	٢١٦
کل‌بهی	٦	٣٤	١٢	٢٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کلاسه	۲۱	۱۱۸	۵۶	۶۲
گردوان	۵۱	۴۰۸	۲۰۳	۲۰۵
گردیك	۴۰	۲۴۱	۱۲۲	۱۱۹
گردیك ناصر	۱۰	۹۹	۴۹	۵۰
لرزینی	۳۶	۲۷۷	۱۳۶	۱۴۱
لاجانی	۸	۴۷	۱۷	۳۰
ملاباسك	۲۳	۱۴۳	۸۰	۶۳
ممکان	۲۴	۱۹۰	۸۷	۱۰۳
منصور آباد	۱۹	۱۲۴	۴۲	۸۲
میر آباد	۲۴	۱۹۷	۱۰۱	۹۶
ناری	۲۰	۱۲۹	۶۴	۶۵
نرگی	۶۹	۵۲۹	۲۵۹	۲۷۰
نوی	۲۴	۱۸۳	۸۳	۱۰۰
هاشم آباد	۶۴	۴۸۱	۲۵۲	۲۲۹
هفت آباد	۳۴	۲۱۶	۱۱۰	۱۰۶
جمع دهستان مرگور	۱۴۳۶	۹۹۹۸	۴۸۲۷	۵۱۷۱
اباجلوی سفلی	۵۴	۴۳۵	۲۲۸	۲۰۷
اباجالوی علیا	۴۹	۳۰۷	۱۷۱	۱۳۶
اده بزرگ	۸۲	۳۱۴	۱۵۴	۱۶۰
ارمود اغاج	۲۴	۹۵	۳۹	۵۶
ارناسا	۵۳	۲۹۵	۱۵۱	۱۴۴
امیر آباد	۳	۱۸	۱۱	۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
انگنه	۱۴۸	۷۵۶	۴۱۰	۳۴۶
اوچ ایولر	۱	۶	۳	۳
اوخچلار	۱۲	۷۸	۳۹	۳۹
اوزارلو	۳۶	۱۶۸	۹۰	۷۸
اوصالواله وردی	۱۲۲	۵۹۶	۳۱۰	۲۸۶
اوصالوی کاظم	۷۱	۳۷۰	۱۹۲	۱۷۸
ایلو	۵۸	۳۳۳	۱۷۰	۱۶۳
ایروانلو	۳۲	۱۸۰	۱۰۲	۷۸
باباگنجه	۲۷	۱۸۶	۸۲	۱۰۴
باربن	۴۵	۲۱۵	۱۱۳	۱۰۲
باشلان پوشلی	۸۸	۴۶۶	۲۶۳	۲۰۳
بدلیو	۹۴	۴۷۸	۲۵۶	۲۲۲
برنج آباد	۷۳	۳۵۵	۱۸۳	۱۷۲
بزلو	۱۶	۹۰	۵۰	۴۰
بلو	۳۶۱	۱۸۳۸	۹۴۸	۸۹۰
بوربور	۲۰	۱۲۷	۷۴	۵۳
بهلول آباد	۴۴	۳۱۵	۱۵۵	۱۶۰
بهی صفر	۷۳	۳۷۱	۱۹۴	۱۷۷
پر	۹۸	۵۱۴	۲۸۵	۲۲۹
تازه کند افشاری	۱۶	۹۶	۵۰	۴۶
تازه کند جنیزه	۴۸	۲۹۳	۱۴۹	۱۴۴
تازه کند قاطرچی	۶۷	۳۳۳	۱۷۵	۱۵۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند قشلاق	٦٧	٣٣٧	١٦٧	١٧٠
تقلید آباد	٧٠	٣٦٤	٢٠٣	١٦١
تکالو	٣٥	١٩٤	٩٦	٩٨
توپراق قلعه	١٤٧	٨٩٣	٤٥٣	٤٤٠
جنیزه	٣٠	١٨٧	١٠٨	٧٩
چمکی	٣٠	١٤٢	٧٠	٧٢
چناقلو	٧٠	٣٩٦	٢٠١	١٩٥
چنقرالوی پل	١٦٠	٨٠٦	٤١٤	٣٩٢
چنقرالوی یکان	٣٦٧	١٨٤٥	٩٦٩	٨٧٦
چیچکلو باش قلعه	٤٤	٢٥٦	١٣٤	١٢٢
چیچکلو منصور	٢٥	١٤٢	٧٢	٧٠
حاجی آباد	٧٢	٣٣٢	١٧٣	١٥٩
حاجی پیرلو	٢٥	١٤١	٧٢	٦٩
حصار باباگنجه	١٦	٨٨	٤٨	٤٠
حصار بهرامخان	٧٩	٣٨٤	٢١٢	١٧٢
حصار خرابه	٨	٥٥	٢٩	٢٦
حصار سپرغان	٧٥	٣٧٩	٢٠١	١٧٨
حیدر لو	٥٧	٣٠٨	١٧٠	١٣٨
حیدر لوی بیگلر	١٤٧	٨٠٢	٣٩٧	٤٠٥
خالد آباد	٩٩	٥٢٢	٢٥٩	٢٦٣
خانشان	١٥٥	٨٨٢	٤٥٧	٤٢٥
خانقاه سرخ	٢٠٤	١٠٥٨	٥٦٦	٤٩٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خداوردیخان کندی	۵۲	۲۷۸	۱۳۲	۱۴۶
دانقرالو	۴۳	۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰
دایلاغ	۹	۶۰	۲۶	۳۴
دد ساقی	۱۵	۸۶	۴۶	۴۰
دستجرد	۹۳	۴۶۷	۲۴۱	۲۲۶
دویران	۵۶	۲۹۱	۱۶۰	۱۳۱
رحیم آباد	۶۰	۲۹۹	۱۶۲	۱۳۷
زایه کندی	۲۳	۱۰۲	۴۸	۵۴
زده لو	۲۹	۱۶۹	۸۹	۸۰
زوبالان	۲۲	۱۱۱	۵۷	۵۴
زیرمانلو	۵۸	۳۰۲	۱۵۶	۱۴۶
ساختمان مزرعه‌توتون	۳	۳۰	۲۷	۳
ساریجالو	۹۱	۴۲۹	۲۱۳	۲۱۶
ساری بگلوارالق	۳۹	۲۰۹	۱۱۳	۹۶
ساری بیگلوی چراغ	۹۵	۵۰۹	۲۴۷	۲۶۲
ساعتلوی بگلر	۱۸۳	۸۹۰	۴۶۹	۴۲۱
ساعتلوی منزل	۱۲۴	۶۰۲	۳۲۵	۲۷۷
سالماسالو	۷	۳۵	۱۵	۲۰
سیرغان	۶۲	۲۶۷	۱۳۵	۱۳۲
سلیم‌کندی قلعه لر	۱۸	۱۳۴	۶۶	۶۸
سیدلو	۵۴	۲۸۴	۱۳۶	۱۴۸
شاه میرزا کندی	۱۹	۱۱۰	۵۸	۵۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شور کند	۳۶	۲۱۹	۱۱۴	۱۰۵
شیخ تیمور	۲۰	۱۱۵	۵۸	۵۷
شیخ سرمست	۱۱۱	۶۰۹	۳۳۷	۲۷۲
شیر آباد	۴۱	۱۳۹	۷۰	۶۹
شیطان آباد سپرغان	۴۶	۲۱۷	۱۱۲	۱۰۵
صفرقلیخان کندی	۱۸	۸۷	۴۶	۴۱
طلا تپه	۲۰۵	۱۰۶۵	۵۴۸	۵۱۷
عباس آباد	۱۴	۷۵	۳۶	۳۹
عبدالله کندی	۲۸	۱۱۲	۴۸	۶۴
عربلویکان	۳۰	۱۶۵	۸۵	۸۰
عربلوی اقالو	۲۱	۱۰۷	۵۹	۴۸
عربلوی بیشه	۳۹	۲۱۱	۱۱۴	۹۷
عربلوی دره	۵۱	۲۳۶	۱۲۹	۱۰۷
عسگر آباد تپه	۱۱۲	۶۳۷	۳۵۶	۲۸۱
عسگرآباد کوه	۱۲۵	۶۴۹	۳۳۲	۳۱۷
علی بیگلو	۱۶۲	۸۷۸	۴۳۹	۴۳۹
علی کندی	۳۲	۱۷۱	۸۷	۸۴
عیسی‌لو سفلی‌حیدرلو	۱۶	۸۹	۵۲	۳۷
عیسی لو علیا	۴۴	۲۲۰	۱۱۴	۱۰۶
غفاربهی	۹۲	۶۰۲	۳۲۳	۲۷۹
فرودگاه نوساز	۱	۵۵	۵۵	۰
فقی بیگلو	۴۴	۱۹۵	۹۷	۹۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قازان علی	۲۴	۱۰۹	۵۸	۵۱
قاطرچی	۶۹	۳۳۹	۱۷۸	۱۶۱
قایانلو	۵	۱۹	۹	۱۰
قره بقلو	۱۲۸	۷۳۰	۳۸۳	۳۴۷
قره جلو	۶۶	۲۷۶	۱۳۰	۱۴۶
قره قویونلو	۹	۵۱	۲۶	۲۵
قره قیز	۱۷	۷۷	۳۶	۴۱
قره کوز حاجی	۴۰	۲۲۷	۱۲۱	۱۰۶
قره کوز حسن آقا	۴۷	۲۹۸	۱۶۰	۱۳۸
قره کوز سلیم آقا	۳۳	۱۷۱	۸۶	۸۵
قره لرطسوجی	۲۵	۱۴۱	۷۶	۶۵
قره لر لطف اله	۲۱	۱۲۱	۶۸	۵۳
قره لرمیرزا حسین‌قلی	۱۸	۸۰	۴۱	۳۹
قزل حا جیلو	۳۰	۱۴۶	۶۴	۸۲
قزل عاشق	۶	۲۷	۱۴	۱۳
قشلاق شکر	۱۸	۸۹	۳۷	۵۲
قشلاق کلوان	۹	۷۱	۳۵	۳۶
قصور	۴۳	۲۳۱	۱۲۰	۱۱۱
قلچلو	۳۳	۱۷۳	۹۴	۷۹
قلعه	۳۹	۲۲۶	۱۱۵	۱۵۱
قلعه اسماعیل آقا	۴۲	۲۸۷	۱۵۲	۱۳۵
قلعه سردار	۲۷	۱۴۰	۷۰	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلعه عزیز	۳۵	۱۹۴	۱۰۴	۹۰
قهرمانلو سفلی	۶۹	۳۵۴	۱۸۴	۱۷۰
قهرمانلو علیا	۳۶	۱۸۶	۹۱	۹۵
قهوه خانه	۱	۹	۳	۶
کارخانه‌قند	۱۷۸	۹۷۳	۵۲۶	۴۴۷
کچلعلی سفلی	۷۲	۴۰۷	۲۱۳	۱۹۴
کچلعلی علیا	۱۲۱	۶۳۲	۳۱۰	۳۲۲
کچه باشی	۳۵	۲۱۵	۱۱۳	۱۰۲
کجهلو حاجی آقا	۳۷	۱۹۱	۹۰	۱۰۱
کریم آباد	۱۰۲	۵۰۵	۲۶۰	۲۴۵
کگلر	۴۳	۲۴۴	۱۳۳	۱۱۱
کلوان	۱۵	۶۳	۳۵	۲۸
کوسه احمد	۳۲	۱۸۶	۸۴	۱۰۲
کوسی	۴۱	۱۹۸	۱۱۰	۸۸
کوله	۵۶	۲۷۹	۱۵۳	۱۲۶
گرخلو	۱۱	۶۲	۳۲	۳۰
گرم آباد	۶۹	۳۴۸	۱۷۲	۱۷۶
گزنق	۱۲۶	۶۴۷	۳۴۶	۳۰۱
گلمرز سفلی	۱۰	۵۰	۲۶	۲۴
گلمرز علیا	۷۸	۴۱۴	۲۱۵	۱۹۹
گنج آباد	۴۷	۲۶۷	۱۴۷	۱۲۰
گویجعلی اصلان	۳۷	۱۹۵	۱۰۵	۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گویجعلی تپه	۱۱	٦٤	۳۳	۳۱
گویجه یاران	۲۹	۱٦۷	۸۹	۷۸
گیجلر	۱۱٤	٥۷۷	۲۹۸	۲۷۹
لك	۱۰۸	٥٦۷	۳۰۰	۲٦۷
للهواتله خان	۳	۲٥	۱٥	۱۰
لله لوی تراب	۷۳	٤۳۱	۲۱۸	۲۱۳
لوی هام	۳۷	۱۷۹	۹۷	۸۲
مرنگلو	۱٦	۹٦	٥۰	٤٦
مرنگلو	۱۱۱	٦۰٥	۳۰٥	۳۰۰
موسی آباد	۱۸	٥٥	۲۷	۲۸
نازلو	۱٤٤	۷٤٦	۳۸۷	۳٥۹
نخجوان تپه	٤٤	۱۷۸	۸۲	۹٦
ولی آباد خالصه	۲	۲۰	۹	۱۱
یغمور اغلی	۸۷	٤٦٦	۲۳٥	۲۳۱
ینگجه	٤٥	۲۰۸	۱۰۹	۹۹
یورغون آباد سفلی	۱٦	۷٦	۳۹	۳۷
یورغون آباد علیا	۳۸	۲۱۱	۱۱۳	۹۸
یورقانلوی جنیزه	۱۷	۸٦	۳٤	٥۲
جمع دهستان نارلو چای	**۹۱٥۳**	**٤۸۲۸۳**	**۲٥۱۲٥**	**۲۳۱٥۸**
ارتانس	٤	۳۹	۱٥	۲٤
اسبی دره	۲٦	۲۰۱	۱۱۰	۹۱
استوره	۲٥	۱۷۷	۸۳	۹٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
استونراش	۱۹	۱۵۶	۶۸	۸۸
بالکان	۲۴	۱۳۳	۶۷	۶۶
برازی	۲۰	۱۶۶	۸۷	۷۹
پیرمند	۹	۶۷	۲۸	۳۹
حرکیان	۴۸	۳۱۴	۱۲۲	۱۹۲
خناوین	۲۳	۲۰۴	۱۰۵	۹۹
دالازی بزرگ	۷۷	۵۵۴	۲۲۲	۳۳۲
دالازی کوچك	۶	۳۷	۱۴	۲۳
دشوانك	۲	۲۰	۸	۱۲
دوستان	۴۸	۳۱۷	۱۶۷	۱۵۰
شمیرین	۷	۴۶	۱۴	۳۲
شیروانی	۴۷	۳۰۷	۱۲۱	۱۸۶
قصریك	۱۲	۱۰۲	۴۶	۵۶
قصریك	۷	۷۶	۳۱	۴۵
کالیك	۱۶	۱۴۱	۵۱	۹۰
کلارش بالا	۳۴	۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰
کلارش پائین	۲۹	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
گریکان	۳۲	۲۱۵	۹۸	۱۱۷
لوزیك	۱۱	۶۵	۳۴	۳۱
وارکران	۴	۳۵	۱۸	۱۷
هشتراك	۴۶	۳۲۸	۱۸۵	۱۷۰
جمع دهستان شپیران	۵۷۶	۴۱۴۲	۱۸۹۰	۲۲۵۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اجواج	۲۷	۱۹۷	۱۰۵	۹۲
اسبشه	۱۲	۸۹	۳۸	۵۱
اشنك	۳۵	۲۵۰	۱۲۹	۱۲۱
اصلانیك	۲۵	۱۸۲	۸٤	۹۸
اقبرزه	۲۸	۲۱٦	۱۱٤	۱۰۲
برقزن	۲۱	۱۱۳	۵٤	۵۹
بروشقالان	٤۸	۳۸۸	۱۹۷	۱۹۱
بهیك	۲۵	۱۷۷	۹٤	۸۳
چهریق سفلی	۱۸	۱۰٤	۵۸	٤۷
چهریق علیا	۳۷	۲۲۱	۱۲۳	۹۸
حقویران	۲٦	۲۱۲	۱۱۵	۹۷
خورخورا	۲۲	۲۰۳	۹٤	۱۰۹
دریك	۲۰	۱۲٦	٦۸	۵۸
دشوان	۱۳	۹۲	٤۲	۵۰
زرین دره	٦	۵۵	۲٦	۲۹
زنگو	۱۱	۹۱	٤۳	٤۸
زولا	۲۷	۲۲۱	۱۲۲	۹۹
سنجی	۲٦	۱٦٦	۸۲	۸٤
سوسن آباد	۱۸	۱۳۲	٦۹	٦۳
صوفی آباد	۸	۷۲	۳۷	۳۵
علی بلاغی سفلی	۱۹	۱۰۳	٤۹	۵٤
علی بلاغی علیا	۱۲	۸۰	۳۷	٤۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل کند	۲۱	۱۶۵	۸۱	۸۴
قصریك	۱۷	۱۱۸	۶۱	۵۷
کاپیك	۳۹	۲۸۸	۱۴۶	۱۴۲
کتبان	۱۳	۹۳	۵۶	۳۷
کهریز	۱۳	۸۰	۴۲	۳۸
گبر آباد	۲۸	۱۷۰	۸۵	۸۵
گزیك	۹	۶۵	۲۹	۳۶
لیلوس	۱۷	۱۴۱	۶۰	۸۱
ماته خرپه	۱۵	۱۳۰	۶۰	۷۰
میر آباد	۱۸	۱۵۶	۸۰	۷۶
نظر آباد	۲۷	۲۰۲	۱۰۹	۹۳
هبلران	۱۹	۱۳۱	۶۶	۶۵
همت آباد	۱۱	۸۷	۴۳	۴۴
یونجه لوق	۶	۳۲	۱۳	۱۹
جمع دهستان چهریق	۷۳۷	۵۳۴۸	۲۷۱۰	۲۶۳۸
اخیان	۱۲	۷۶	۳۶	۴۰
اولق	۸۴	۶۱۲	۳۲۸	۲۸۴
باغچه جیك	۱۱۰	۶۲۹	۳۱۵	۳۱۴
برگشاد	۵۸	۳۵۵	۱۸۱	۱۷۴
پته ویر	۳۷	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
پکاجیك	۶۷	۳۵۸	۱۹۱	۱۶۷
تازه شهر	۵۹۷	۳۳۴۳	۱۸۰۲	۱۵۴۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حصار	۳	۲۰	۱۰	۱۰
خانگاه	۳۹	۲۵۰	۱۴۳	۱۰۷
خسرو آباد	۶۰	۲۷۶	۱۴۵	۱۳۱
درزه کنان	۴۳	۲۳۵	۱۱۹	۱۱۶
درشگ	۷۶	۴۱۷	۲۱۲	۲۰۵
زیو جیك	۶۱	۳۹۳	۲۱۳	۱۸۰
سرنق	۱۰۸	۶۵۴	۳۵۷	۲۹۷
سوره	۲۷۷	۱۴۴۳	۷۴۸	۶۹۵
شورگل	۹۸	۵۱۷	۲۷۶	۲۴۱
عبدل آباد	۱۰	۶۱	۳۴	۲۷
قلعه سر	۸	۶۰	۳۴	۲۶
کوچشمك	۶۱	۳۹۰	۲۱۴	۱۷۶
گاباخ تپه	۸	۴۵	۲۶	۱۹
گلستان	۱۲۹	۸۸۰	۴۵۶	۴۲۴
گلغدان	۱۳۱	۷۶۱	۴۱۰	۳۵۱
گولان	۹	۴۶	۲۸	۱۸
مقانجوق	۳۴۴	۲۰۹۵	۱۰۷۸	۱۰۱۷
ملهم	۱۲۸	۸۳۳	۴۳۵	۳۹۸
هفتوان	۱۴۳	۷۱۲	۳۷۵	۳۳۷
جمع دهستان حومه	۲۷۰۱	۱۵۶۵۸	۸۲۷۳	۷۳۸۵
جاندار	۱۶	۱۱۳	۵۸	۵۵
حاجی جغان	۳۳	۲۵۳	۱۲۰	۱۳۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
درکه	۱۶	۱۲۱	۵۴	۶۷
شنتان سفلی	۱۴	۹۵	۵۲	۴۳
شنتان علیا	۲۵	۱۹۵	۸۶	۱۰۹
شیوه	۱۱	۸۴	۴۰	۴۴
کسیس	۹	۶۲	۳۳	۲۹
کشکاویچ	۲۲	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
کوزه زش	۵۲	۳۸۷	۱۹۹	۱۸۸
کوم	۱۹	۱۳۸	۶۳	۷۵
گرما ویچ	۳۱	۱۹۴	۸۸	۱۰۶
جمع دهستان شینتال	۲۴۸	۱۸۴۳	۸۹۵	۹۴۸
اوریان	۴۷	۳۵۱	۱۷۸	۱۷۳
ایان	۵۲	۳۶۳	۱۸۶	۱۷۷
پیه جوق	۱۱	۹۴	۵۱	۴۳
چهار ستون	۲۹	۲۵۸	۱۲۱	۱۳۷
چیچك	۶۲	۴۳۹	۲۳۱	۲۰۸
دیرعلی	۲۵	۲۱۵	۱۱۹	۹۶
ربکاباد	۳۲	۲۵۳	۱۳۸	۱۱۵
سرای ملك	۵۱	۳۶۴	۱۸۸	۱۷۶
سیلاب	۱۵۰	۸۶۰	۴۴۳	۴۱۷
شکر یازی	۱۵۱	۹۳۷	۴۹۳	۴۴۴
شوریك	۶۶	۳۴۶	۱۸۹	۱۵۷
شیدان	۲۲	۱۳۶	۷۴	۶۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیرکی	۳۲	۲۴۰	۱۳۱	۱۰۹
کانیان	۸۱	۴۹۱	۲۴۵	۲۴۶
گل آدم	۹	۶۶	۳۰	۳۶
گوپه	۱۷	۱۶۱	۸۱	۸۰
گولان	۱۸	۱۹۴	۶۱	۵۳
لشکران	۲۷	۱۵۶	۸۲	۷۴
مافی کندی	۳۴	۲۳۸	۱۲۲	۱۱۶
وردان	۷۲	۵۰۱	۲۵۵	۲۴۶
هودر	۵۷	۳۹۶	۲۱۸	۱۷۸
ینگجه	۲۷	۱۷۴	۹۱	۸۳
جمع دهستان کره سنی	۱۰۷۲	۷۱۵۳	۳۷۲۷	۳۴۲۶
الیاسی	۲۶	۱۴۹	۶۹	۸۰
بزیزان	۹	۶۴	۳۲	۳۲
بهار آباد	۱۷	۱۲۵	۶۲	۶۳
ثمر آباد	۱۶	۱۰۷	۵۱	۵۶
جنگه سر	۱۳	۸۴	۴۰	۴۴
داراب	۲۹	۱۴۵	۷۵	۷۰
دیلمان دریك	۸	۵۶	۲۸	۲۸
سیاوان	۲۰	۱۱۴	۵۳	۶۱
سیوه دره	۲۲	۱۴۱	۶۸	۷۳
شیرنی	۱۵	۸۳	۳۲	۵۱
قذر آباد	۱۴	۱۰۳	۵۵	۴۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گردیان	۱۵	۹۷	۴۷	۵۰
لك آباد سفلی	۵	۲۷	۱۵	۱۲
لك آباد علیا	۲	۱۹	۶	۱۳
لوره شیرین	۴	۲۶	۱۳	۱۳
لولیك سفلی	۱۰	۶۱	۲۹	۳۲
لولیك علیا	۱۲	۶۴	۳۴	۳۰
وریك	۱۱	۵۷	۲۸	۲۹
هرین	۱	۸	۴	۴
جمع دهستان گردیان	۲۴۹	۱۵۳۰	۷۴۱	۷۸۹
اخته خانه	۶۳	۳۶۵	۱۸۲	۱۸۳
اغ اسماعیل	۴۷	۲۶۳	۱۴۳	۱۲۰
مخشکندی	۷۱	۴۰۸	۲۱۰	۱۹۸
چوپانلوی سفلی	۳۱	۲۰۱	۱۰۲	۹۹
چوپانلوی علیا	۲۷	۱۵۶	۷۸	۷۸
حبشی	۱۹۵	۱۱۱۱	۵۸۶	۵۲۵
حمزه کندی	۸۹	۵۴۷	۲۸۹	۲۵۸
خاندام	۵۲	۲۷۳	۱۵۱	۱۲۲
سلطان احمد	۲۰۸	۱۳۳۷	۶۷۳	۶۶۴
صدقیان	۱۸۴	۱۰۱۱	۵۳۰	۴۸۱
قره قشلاق	۲۰۸	۱۶۶۶	۸۴۹	۸۱۷
قزلجه	۷۵	۳۷۸	۲۰۰	۱۷۸
کنگرلو	۱۵۱	۹۱۵	۴۶۲	۴۵۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یالقور اغاج	۱۳۳	۷۲۸	۳۸۲	۳٤٦
یوشانلو	۱۰٦	٦٦٤	۳٦۱	۳۰۳
جمع دهستان لکستان	۱۷۲۱	۱۰۰۲۳	٥۱۹۸	٤۸۲٥
ارخاشان	۲۹	۱٥٦	۸٥	۷۱
اروجکندی	٥٦	۳۰٤	۱٥۱	۱٥۳
اغبلاغ	۱۷	۸٥	٤۹	۳٦
بدولی	٤٦	۲٤٦	۱۳۲	۱۱٤
بیك کندی	٤۸	۲۸۹	۱٤٥	۱٤٤
پیراحمد کندی	۸۲	٤۲۰	۲۲٥	۱۹٥
جمال کندی	٤۱	۲۱۱	۱۱٥	۹٦
جنکتپه	۳۱	۱۷٥	۹۸	۷۷
جوزر	۲۰	۹۷	٥٦	٤۱
جیغ جیغ	۷	۳۹	۲۲	۱۷
خالحال سفلی	۳۲	۲۰۳	۱۰٤	۹۹
خالحال علیا	۱٥	٦۹	۳٤	۳٥
دلکویردی	٤۰	۲۱۹	۱۲۳	۹٦
سارمساق	٤	۲۰	۸	۱۲
ساری اجاق	٤۳	۲۲۰	۱۱٥	۱۰٥
سلمان آباد	۲۲	۱٤۰	۷۳	٦۷
سلیمان اغل	۲۰	۱۲۷	٦۸	٥۹
سیران	٥	۲۹	۱۱	۱۸
شادلوی سفلی	۷۷	٤۲۳	۲۳۳	۱۹۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شاه بندلو	٤٠	۲۲٥	۱۲۳	۱۰۲
شکفتی	۳	۱۸	۱۱	۷
صوفعلی	۲۹	۱٥۷	۸۹	٦۸
طهماسب کندی	۱۱	٦۸	۳۹	۲۹
عرب دیزه سی	۹۰	٥۲۳	۲۷۹	۲٤٤
عرب کندی	۳	۱٤	۷	۷
علوجنی	٤٠	۱۸۸	۱۰۰	۸۸
علی آباد	۲٤	۱۱۷	٦٦	٥۱
قربان کندی	۳٦	۱۹۳	۱۰٤	۸۹
قزل بلاغ	٤۱	۲۰٥	۱۰۹	٦٦
قلی دیزج	۳۱	۱۱۰	۱۰٥	۸٥
قندلو	۳	۲۱	۱۰	۱۱
قیان کندی	۳۷	۱۹۲	۱۰٥	۸۷
کلیسا کندی	۲۲۲	۱۱۳۰	٥۹۰	٥٤۰
گشتاز	۳	۱٥	۸	۷
نادو	۱٤	۷۱	٤۰	۳۱
نفطتو	۱۱	٥۸	۲۷	۳۱
جمع دهستان آواجیق	۱۲۷۳	٦۸٥۷	۳٦٥۹	۳۱۹۸
ارکوین	٤٥	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
اغداش	۳۰	۱۱۸	٦۳	٥٥
اغمزار	۱۸	۸۷	٤۸	۳۹
اغمزار ملك کندی	۱۰	٤۱	۲۳	۱۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بابا احمد	۲۹	۱۲۶	۶۵	۶۱
بایطمیش	۲۵	۱۲۱	۷۱	۵۰
بندلی	۱۶	۶۶	۳۶	۳۰
تازه کند	۶	۳۳	۱۷	۱۶
تازه کند میر آباد	۴۸	۲۱۸	۱۲۶	۹۲
جفال	۴۰	۲۱۲	۱۰۹	۱۰۳
جلقاوا	۹	۴۳	۲۰	۲۳
حسن کندی	۱۲	۶۰	۳۶	۲۴
داشکسن	۶	۳۷	۲۰	۱۷
داشلی بلاغ	۷	۳۱	۱۹	۱۲
دره کندی	۱۷	۷۹	۳۷	۴۲
دوه اغلی	۲۲	۹۷	۴۸	۴۹
دیل بیلمز	۶	۴۹	۲۵	۲۴
ساختمان	۶	۴۰	۱۹	۲۱
شاه منصور	۱۷	۸۳	۴۸	۳۵
شطو	۴۱	۲۱۳	۱۰۹	۱۰۴
شکر بلاغی	۲۲	۹۵	۵۴	۴۱
شور بلاغ	۲۰	۹۳	۵۲	۴۱
شهر آباد	۲۱	۱۱۶	۶۸	۴۸
صونا بلاغ	۲۷	۱۱۲	۶۷	۴۵
عباس بولاغی	۱۹	۹۴	۴۸	۴۶
عباس کندی	۲۹	۱۵۲	۷۸	۷۴

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
عبدالرزاق	۶	۳۵	۱۹	۱۶
عرفات	۲۷	۱۳۳	۶۵	۶۸
علی مردان	۱۷	۷۸	۴۴	۳۴
قرخ بلاغ	۴۱	۱۸۹	۱۰۶	۸۳
قرنقو	۸۵	۴۱۸	۲۲۵	۱۹۳
قره اغاج	۹	۳۹	۱۵	۲۴
قره بویا	۸	۴۹	۲۳	۲۶
قره تولکی سفلی	۱۱	۷۱	۳۹	۳۲
قره تولکی علیا	۹	۴۶	۲۲	۲۴
قره کلیسا	۱۵	۸۱	۴۱	۴۰
قورناب سفلی	۱۴	۷۰	۳۶	۳۴
قورناب علیا	۱۵	۸۰	۴۳	۳۷
قوشا بلاغ سفلی	۱۸	۸۹	۴۷	۴۲
قوشا بلاغ علیا	۳۷	۲۲۹	۱۰۵	۱۲۴
قولار	۱۹	۱۰۷	۵۱	۵۶
قیز خاجلو	۳۳	۱۴۸	۸۲	۶۶
کران سفلی	۱۸	۷۹	۴۲	۳۷
کران علیا	۲۹	۱۳۰	۷۹	۵۱
کفیل	۱۴	۷۵	۳۸	۳۷
کولوس	۱۲	۶۶	۳۸	۲۸
گورش	۲۵	۱۴۰	۷۱	۶۹
مجنون	۵	۲۵	۱۳	۱۲

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
محمد آقا سفلی	۱۶	۷۷	٤٤	۳۳
محمد آقا علیا	۱۲	۸۱	٤۲	۳۹
محمد صالح	۲۰	۸۸	٤۳	٤٥
مشهد کندی	۱۱	٦٥	۳۳	۳۲
ملا اسماعیل	۱٥	۹٦	٤٦	٥۰
نیاز	۳٦	۱۸۱	۱۰۳	۷۸
پایچی	۱۰	٥۱	۳۱	۲۰
یومری داش	۳۷	۱۷٤	۹۳	۸۱
جمع دهستان به به جیك	۱۱۷۲	٥۸۱٥	۳۰۹٤	۲۷۲۱
اباراباش	۱۲	٦۰	۲۸	۳۲
آب گرم	۳۸	۱۹٥	۱۱۲	۸۳
اغبلاغ خالد	۱۹	۹۱	٤۸	٤۳
اغبلاغ میدان	۲۰	۱۰۷	٦۳	٤٤
اغدوز	۱۸	۱۱۱	٦۲	٤۹
اغدیزج	۱۱	٥۸	۳۲	۲٦
اغورل	۱۲	۷۲	۳۸	۳٤
اما مقلی علیا	۳۹	۱۹۱	۹۹	۹۲
امامقلی کند سفلی	٤٤	۱۹٤	۹٥	۹۹
انبار سفلی	۱۸	۱۰۱	٤٥	٥٦
انبار علیا	۷	٤۹	۲۸	۲۱
انبار ماران	٥	٤٥	۲٦	۱۹
ایزلو	۱۱	٦۹	۳۲	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اینجه سفلی	۲۹	۱۴۳	۷۸	۶۵
انجه سلیم علیا	۲۷	۱۵۷	۷۷	۷۰
اینجه صلاح سفلی	۲۷	۱۴۲	۶۶	۷۶
اینخه صلاح علیا	۹	۴۸	۲۴	۲۴
بابانو	۷۲	۳۷۳	۲۰۶	۱۶۷
بابانور	۱۹	۱۱۹	۶۷	۵۲
بارون	۴۹	۲۳۵	۱۳۱	۱۰۴
بایجان	۱۸	۱۰۰	۵۶	۴۴
بغلی یجی سفلی	۲۰	۱۱۲	۵۹	۵۳
بغلچی علیا	۱۷	۱۰۲	۶۰	۴۲
بکو کندی	۱	۸	۳	۵
بوزقلعه	۸	۵۸	۳۱	۲۷
پائیز آباد	۹	۴۸	۲۵	۲۳
تات کندی	۲۶	۱۵۰	۷۵	۷۵
تازه کند	۴۲	۲۱۰	۱۰۹	۱۰۱
تختروان سفلی	۱۷	۱۰۰	۵۴	۴۶
تختروان علیا	۲۰	۹۵	۵۱	۴۴
تغنت سفلی	۳۷	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تغنت علیا	۵۰	۲۶۶	۱۳۷	۱۲۹
تقی کندی	۱۲	۷۶	۳۶	۴۰
تولکی تپه سی	۳۶	۱۹۴	۸۸	۱۰۶
جبارلو	۳۸	۱۹۳	۱۰۹	۸۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جگن	۱۶	۸۹	۴۴	۴۵
جلیل کندی	۱۷	۸۱	۵۰	۳۱
چاوش	۱۷	۸۱	۴۳	۳۸
چوخور کند	۳۰	۱۹۴	۱۰۹	۸۵
حاجیه قیه	۱۵	۸۶	۳۸	۴۸
حراملو	۳۳	۱۸۰	۹۶	۸۴
خان امیر	۱۰	۵۵	۲۶	۲۹
خان بغلچی	۱۵	۷۵	۳۹	۳۶
خان صدر	۸	۴۶	۲۶	۲۰
خضرلو	۶۵	۳۳۳	۱۶۸	۱۶۵
دارد رسی	۳۲	۱۷۷	۹۸	۷۹
دلیکداش	۲۵	۱۵۷	۸۰	۷۷
دمیرچی	۶	۱۸	۱۰	۸
دوشان تپه سفلی	۱۰	۷۴	۴۰	۳۴
دیبك	۵۰	۲۵۳	۱۲۳	۱۳۰
روض	۱۰	۵۴	۲۶	۲۸
ریحان لوی سفلی	۹	۴۶	۲۶	۲۰
ریحان لوی علیا	۴۷	۲۴۶	۱۲۸	۱۱۸
ریحانلوی کربلایی علی	۱۲	۶۱	۳۱	۳۰
زاویه سفلی	۹۳	۴۵۶	۲۳۷	۲۱۹
زاویه علیا	۳۱	۱۶۶	۸۸	۷۸
زلول	۷	۴۲	۱۸	۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زنکره	۷	۵۳	۳۱	۲۲
سازاغل	۸	٤٤	۲٤	۲۰
سعدل	۱۱۸	٦۱۲	۳۱٦	۲۹٦
سگریك	۲۵	۱۵۹	۷۹	۸۰
سیه چشمه	۷۰۲	۳۵۱٤	۱۸٦۳	۱٦۵۱
شاه‌گلن	۱۵	۹۱	٤۷	٤٤
شاهسوار	۱۳	٦٤	۳۵	۲۹
شریگلو	٦	٤۲	۲٤	۱۸
شیخ سلوی سفلی	۳۳	۱۹۷	۹۸	۹۹
شیخ سلوی علیا	٤٤	۲۷۲	۱۳٤	۱۳۸
صدر	۱۱	۵۷	۲۹	۲۸
صفو	۱۳	۷۲	٤۳	۲۹
عباس کندی	٤۳	۲۲۷	۱۱۹	۱۰۸
عمو خانزه سفلی	۸	۵٤	۲۷	۲۷
عمو خانزه علیا	۱۱	۷۰	۲۷	٤۳
عنتر کندی سفلی	۲٤	۱۰۷	۵۰	۵۷
عنتر کندی علیا	۲۷	۱۲۱	٦٤	۵۷
عیسی گولی	۳۷	۲۳٤	۱۲۸	۱۰٦
قادو کندی	٦۲	۳۱۳	۱۵۹	۱۵٤
قاشقا بلاغ سفلی	۱۳	۷۹	٤۰	۳۹
قاشقابلاغ علیا	٤	۲۹	۱٦	۱۳
قرجه ورن سفلی	٦٦	۳۱۵	۱٦۹	۱٤٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قرجه ورن علیا	۷	٤٥	۲٦	۱۹
قرمزی داش	۱۰	٥٦	۳۱	۲٥
قرمزی داش	۲۸	۱٤۱	۷۲	٦۹
قره اغل	۳٦	۱۷٦	۹۷	۷۹
قره بلاغ	۹	٤۸	۲۷	۲۱
قره‌چی بلاغ	۱۳	٦٦	۳۹	۲۷
قزلسوری	٤۸	۲٤۰	۱۲۷	۱۱۳
قلعه بخاج	۲۹	۱۸۱	۹۱	۹۰
کربلایی اسدالله کندی	٥	۲٥	۱۱	۱٤
کرد کندی	٤٦	۲٤۱	۱۳۰	۱۱۱
گدوك کندی	۱۰	٦۹	۳۹	۳۰
گرگره	۹	٤۹	۲۷	۲۲
گل اشاقه	٥۲	۲۸۹	۱٥۳	۱۳٦
گل سعید	۱۳	۷۷	۳٦	٤۱
گول	۳٥	۲۰۰	۱۱۱	۸۹
مادلوی چالدرا	۲۱	۱۱٤	٥۸	٥٦
مادلوی گدوك	۱۲	٦۰	۳۳	۲۷
مجنون سفلی	۱۹	۱۱۱	٥٥	٥٦
مجنون علیا	۳۸	۱۸۳	۹٥	۸۸
مخمور	۱۹	۱۰۳	٥۷	٤٦
مخور	۳۸	۲۱۸	۱۱۳	۱۰٥
مزرعه	۲۷	۱٥۱	۷۲	۷۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
مسجد لوی سفلی	۵	۳۴	۱۷	۱۷
مسجد لوی علیا	۶	۳۵	۱۹	۱۶
معصوم کندی	۱۹	۸۶	۴۱	۴۵
ملحملوی‌سفلی	۱۳	۶۹	۳۲	۳۷
ملحملوی علیا	۱۸	۱۲۲	۶۶	۵۶
من دلیق	۷	۴۴	۲۳	۲۱
میدان	۱۶	۹۲	۵۱	۴۱
میرزا خان	۱۰	۴۷	۲۸	۱۹
نادر آباد	۶	۴۵	۲۳	۲۲
ناور	۵۱	۲۹۷	۱۵۴	۱۴۳
نبی کندی	۲۰	۱۱۶	۵۹	۵۷
وکیل	۱۵	۱۰۳	۵۳	۵۰
یکماله سفلی	۱۴	۸۹	۴۹	۴۰
جمع دهستان چالدران	۳۴۰۹	۱۸۱۹۰	۹۵۴۱	۸۶۴۹
آداغان	۷۲	۴۰۶	۲۱۸	۱۱۸
اروج محمد	۸۰	۴۱۷	۲۱۴	۲۰۳
آغ اوتلوق	۲۴	۱۴۹	۷۲	۷۷
اغگل	۶۸	۴۲۱	۲۱۱	۲۱۰
آقا میری کندی	۵۰	۲۷۳	۱۴۹	۱۲۴
اینجه سفلی	۵	۳۷	۲۴	۱۳
اینجه علیا	۳	۱۹	۶	۱۳
بهلول آباد	۲۰۲	۹۷۸	۵۰۶	۴۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهلول کندی	۳۰	۱۴۳	۷۴	۶۹
بیان چولی عجم	۷۳	۴۳۸	۲۳۹	۱۹۹
بیانچولی کرد	۴	۱۹	۱۳	۶
پزی	۳۳	۱۸۶	۹۴	۹۲
پلاشت	۳۶۷	۱۹۹۰	۱۰۴۴	۹۴۶
پناه کندی	۷۵	۳۵۳	۱۸۲	۱۷۱
پورناك	۱۹۵	۱۰۲۳	۵۱۸	۵۰۵
پیله سوار	۲۳	۱۳۶	۷۹	۵۷
تازه کند	۲۶	۱۲۸	۷۷	۵۱
تپه باشی پورناك	۴۵	۲۵۳	۱۲۸	۱۲۵
تپه باشی نماز	۴۸	۲۳۲	۱۱۸	۱۱۴
تیمور آباد	۷۰	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
جمال آباد	۴	۲۸	۱۷	۱۱
حاجی صوفی	۱۸	۹۵	۴۵	۵۰
حسولزگی	۴	۲۱	۱۴	۷
حسینعلی کندی عجم	۵۱	۲۵۶	۱۳۴	۱۲۲
حسینعلی کندی کرد	۱۳	۹۵	۵۱	۴۴
حسینعلی کندی نظمی	۱	۶	۳	۳
حمزه آباد	۷	۲۵	۱۲	۱۳
خلج عجم	۷۱	۳۵۵	۱۸۲	۱۷۳
خلج کرد	۳۱	۲۲۶	۱۲۱	۱۰۵
خوك	۸۳	۴۸۶	۲۵۴	۲۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دایلان	٤٨	۲۷۹	۱٤۹	۱۳۰
دلکه سفلی	٥٥	۲۹۷	۱٥۸	۱۳۹
دلکه علیا	٥۸	۳٥۸	۲۰۰	۱٥۸
دم سفلی	٦۲	۳٦۳	۱۷۳	۱۹۰
دم علیا	٦	۳۱	۱٦	۱٥
ذکیرلو	۳۹	۲۲٤	۱۱٦	۱۰۸
زنگنه	٥٤	۲٥٤	۱٤۱	۱۱۳
ساختمان	۱٤	۸٥	٤۲	٤۳
ساریسو	۲۱	۱۲٥	٦۹	٥٦
شاه آباد	٥۱۹	۲۷٦۲	۱٤۱٤	۱۳٤۸
شتلو	٥٤	۲٦۳	۱٥۰	۱۱۳
شور بلاغ سفلی	۲۳	۱۳٦	۷٤	٦۲
شور بلاغ علیا	۲۱	۱۲٦	۷۰	٥٦
شوطلو	٥۲	۲٥٥	۱۳۳	۱۲۲
عالی کندی	۲	۲۱	۱۱	۱۰
عشق آباد	۳٦	۱۸۹	۱۰۰	۸۹
عظیم کندی	۸۳	٤۸٦	۲٤۲	۲٤٤
علی نظر	۱٤۳	۷۲۱	۳۹۳	۳۲۸
فتاح	۹۲	٤٥۹	۲۳٥	۲۲٤
قابان باسان	٤۸	۲۸۸	۱٤٥	۱٤۳
قارقلوق سفلی	٥٦	۳۲٦	۱٦۷	۱٥۹
قارقلوق علیا	۸٦	٤٤٦	۲٤٦	۲۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره ایاق	۸۷	٤۷۸	۲۳۹	۲۳۹
قره خوجالو	۱۸	۸۳	۳۹	٤٤
قره قویون	۳۵	۱۹۳	۱۰۸	۸۵
قزل ارخ سفلی	۱۰	۵٤	۲۷	۲۷
قزل ارخ علیا	۳۰	۱۹٦	۱۱۷	۷۹
قشلاق جل	۸	٤٦	۲۷	۱۹
قلنجلانمش	۱۹	۱۲٦	۷۰	۵٦
قوتان	۷۲	۳۷۷	۱۹۸	۱۷۹
قوردالدرن عجم	۵٦	۲٦٦	۱۳٤	۱۳۲
قوردالدرن کرد	۱۵	۱۲۵	٦٦	۵۹
قیر کندی	۷۰	۳۵۷	۱۹٤	۱٦۳
قیقاج	٤۲	۲۵۷	۱۳٦	۱۲۱
کش ارخی	۷۹	٤۳۱	۲۳۰	۲۰۱
کندال	٤۱	۲۰۳	۱۰۷	۹٦
کولوس	۱۹	۱۱۳	۵۳	٦۰
کیره کندی	۲۵	۱۳۷	٦۰	۷۷
کینکور	٤۹	۲۷۵	۱٤٤	۱۳۱
گدای	۹۳	٤۹۲	۲٤۵	۲٤۷
لولا کلدی	۱۱۷	۵۹۹	۲۸۸	۳۱۱
مرادلوی سفلی	۵۷	۲۸٦	۱٤٦	۱٤۰
مراد لوی علیا	٤٦	۲۳۹	۱۳٤	۱۰۵
مراد لوی وسطی	۲۸	۱۵۷	۸۷	۷۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ملا احمد	۳۲	۱۷۹	۹۶	۸۳
ملا کندی	۶۰	۳۲۳	۱۸۴	۱۳۹
میرزا خلیل	۲۵	۱۴۲	۷۴	۶۸
میرزا کندی	۳۰	۱۴۸	۷۹	۶۹
میسی کندی	۱۳	۸۱	۴۷	۳۴
نظر خان	۳۶	۲۲۳	۱۱۹	۱۰۴
ورمزیار	۱۴	۷۳	۳۷	۳۶
یعقوبعلی کندی	۳۲	۱۵۰	۸۲	۶۸
جمع دهستان چایباسار ارس کنار	۴۶۰۶	۲۴۸۴۸	۱۲۹۹۵	۱۱۸۵۳
اولنلر	۶۴	۳۰۵	۱۵۵	۱۵۰
ایلان قره	۷	۳۷	۱۹	۱۸
بابور عجم	۷۱	۳۵۵	۱۸۷	۱۶۸
بابور کرد	۱۰	۵۹	۲۴	۳۵
بری	۵۰	۲۵۸	۱۳۴	۱۲۴
بلجك	۴۴	۲۲۴	۱۱۴	۱۱۰
بهلوله	۲۶	۱۲۷	۷۳	۵۴
پنحرلو	۵۳	۲۸۳	۱۵۶	۱۲۷
تاتار	۱۴	۷۹	۴۳	۳۶
تاجدو	۷	۴۴	۲۳	۲۱
تازه کند ایلانقره	۷	۳۵	۱۸	۱۷
تازه کند تلیمخان	۱۰	۷۶	۳۸	۳۸
تلیمخان	۳۷	۲۱۴	۱۱۴	۱۰۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جگن عجم	۹	۶۱	۳۴	۲۷
جگن کرد	۲۳	۱۳۷	۸۳	۵۴
حاجی حسن	۱۲	۷۱	۳۲	۳۹
حسوشکی	۷	۴۴	۲۳	۲۱
حصار	۱۵	۸۵	۴۴	۴۱
حورمه	۲۲	۱۳۳	۶۵	۶۸
خرز	۳۵	۱۸۴	۱۰۳	۸۱
خلخله	۳۲	۱۸۰	۸۷	۹۳
دوه یاتان	۸	۵۶	۲۷	۲۹
دیزج ساریسو باسار	۸۸	۴۴۷	۲۲۳	۲۲۴
رند	۱۳۰	۶۶۷	۳۶۸	۲۹۹
سارینج	۱۳	۶۳	۳۲	۳۱
سالبند	۱۴	۵۹	۲۹	۳۰
شور اغل	۷	۴۹	۲۰	۲۹
شوراغل قادرقامو	۵	۳۵	۱۸	۱۷
شیطان آباد	۱۱	۶۱	۲۴	۳۷
عجمی	۹	۵۴	۲۲	۳۲
علی حاجی	۱۴	۹۰	۴۴	۴۶
علی فرج	۸	۳۶	۱۸	۱۸
علی قندو بالا	۱۳	۷۶	۳۱	۴۵
علی قندو پائین	۳	۱۸	۱۱	۷
عیسی خان	۱۹	۸۷	۴۵	۴۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
غله زاغاسی	۱۹	۸۱	۳۹	٤۲
قره بلاغ	۲۲	۱۳۰	۷۳	٥۷
قره تپه	۱٥۳	٦۹۹	۳٥۱	۳٤۸
قزل داغ	۱۰٤	٥۱٤	۲۷٤	۲٤۰
قزل نیش	۱٦	۹۱	٥۱	٤۰
قشلاق حاجو	۱٥	۷۳	٤۰	۳۳
قشلاق شوریك	٦	۳۰	۱٦	۱٤
قشلاق گریك	۲۲	۱۲۹	٦۹	٦۰
قلعه جوق	٤	۲۸	۱۳	۱٥
قم	٤۱	۲٥۷	۱۲۷	۱۳۰
قوچعلی	۱۲	٦۹	۳۳	۳٦
قوش	۳۱	۱۸٦	۹۷	۸۹
کلیك	۱۱	٤۲	۲۱	۲۱
کهریز چای باسار	۹	٦۱	۳۱	۳۰
گدائی	۸	٤۹	۲۲	۲۷
گل‌عالی	۱۰	٥٤	۲۷	۲۷
محمود اوغلی	۱۰	٦۱	۲٦	۳٥
مخلملو	۱۰	٥٤	۳۱	۲۳
مخند	۳۷	۲۱۰	۱۱۲	۹۸
ملا حسن	۲٦	۱۸۲	۹٥	۸۷
موس	۸	۳٤	۱۳	۲۱
موليك سفلی	۱۳	۸٥	٥۳	۳۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
موليك عليا	۷	٤۲	۱۸	۲٤
ولی کندی	۳۵	۱٦۸	۸۹	۷۹
هاسون بزرگ	۷۵	۳۸٦	۲۰۷	۱۷۹
هاسون کوچك	۱۲	۸۸	٤۰	٤۸
هندوار	۹۸	۵۲٦	۲٦۹	۲۵۷
يخلقان	۱٤	۸۹	۵۰	۳۹
جمع دهستان چاپاسار	۱۷۲۵	۹۲۰۷	٤۷٦۸	٤٤۳۹
اريالق	۲۳	۱۰٤	۵٦	٤۸
اسماعيل کندی	۲۱	۱۱۷	٦۹	٤۸
اغبلاغ سوقار	٤۳	۲۲۰	۱۱۱	۱۰۹
اغبلاغ قره قويون	٤۳	۲۵٤	۱۳٦	۱۱۸
اغدونلو	۱۰	۵۵	۳۲	۲۳
ايشگه سو	۳۳	۱۹٤	۱۰۷	۸۷
اينجه قديم	۵۷	۳۳٦	۱۸٦	۱۵۰
باش کهريز	۹۲	٤۵۳	۲٤۱	۲۱۲
بايرامکندی	۱٦	۷٦	۳۷	۳۹
پير شه	۳۰	۱۵۷	۷۸	۷۹
تازه کند	۱۸۰	۸۹۰	٤۷۷	٤۱۳
گوراکل	۵۵	۲٦۹	۱۳۸	۱۳۱
جعفر کندی	۹	۵۳	۳۰	۲۳
جگن	۱۹	۹۲	٤٤	٤۸
حاجی کندی	۱۱	۷۲	۳٦	۳٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسن کندی	۲۷	۱۱۵	۵۸	۵۷
خرابلو	۵٤	۲۸۱	۱٤٤	۱۳۷
خضرلو سفلی	۸٤	٤٤۹	۲٤٤	۲۰۵
خضرلو علیا	۱۲	٦۰	۳۳	۲۷
داش فشل	۵۲	۲٦۵	۱۳۷	۱۲۸
دانا بلاغ	۲۱	۱۵۹	۸۹	۷۰
موز اغل	٤۵	۱۸۳	۹٦	۸۷
زنجیزه	۲۷	۱۵۰	۷۹	۷۱
سلیمان کندی	٦٦	۳۳۹	۱۹۱	۱٤۸
سنق	۲٤	۱۲۰	۵۹	٦۱
سید احمد	۹	۵۱	۳۱	۲۰
شاه بلاغی	۷۵	٤۱۳	۲۱۵	۱۹۸
شریف کندی	۸۲	۳۹۹	۲۰۱	۱۹۸
شمو سیلابی	۲۹	۱۳۹	۷٤	٦۵
شیخسلو	۵۵	۲۹۷	۱۵۳	۱٤٤
صبیرخان	۱٤	۷۳	٤٤	۲۹
صمد یوردی	۱٤	۱۲۷	٦۳	٦٤
صوفی	۲۷۱	۱۳۲۳	٦٦۱	٦٦۲
طوره	٤۳	۲٤٦	۱۲۱	۱۲۵
عزت آباد	۲۵	۱۳۱	٦٦	٦۵
علیار	۱۲	٦۱	۳۵	۲٦
فشل	٦۵	۳۹۲	۲۰۹	۱۸۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قباق بلاغ	۲۵	۱۴۵	۷۳	۷۲
قره زمین	۸۸	۴۵۰	۲۳۳	۲۱۷
قره کهریز	۸	۳۳	۱۹	۱۴
کچوی سفلی	۲۸	۱۴۵	۷۵	۷۰
کچوی علیا	۳۰	۱۴۱	۷۵	۶۶
کور ابلاغ	۵۳	۳۱۵	۱۶۱	۱۵۴
محمد کریم کندی	۲۴	۱۳۱	۶۸	۶۳
محمود کندی	۲۶	۱۶۵	۸۷	۷۸
مخور	۲۱۵	۱۲۰۳	۶۴۳	۵۶۰
مرگن عزیز آباد	۵۱	۲۹۵	۱۵۷	۱۳۸
مرگن قدیم	۳۴	۱۹۳	۱۰۳	۹۰
مرگن وسط	۴۶	۲۷۸	۱۵۰	۱۲۸
ملك‌لو	۳۰	۱۶۲	۸۵	۷۷
ملاکندی	۱۷	۹۲	۵۰	۴۲
جمع دهستان قره قویون	۲۴۲۳	۱۲۸۶۳	۶۷۶۰	۶۱۰۳
اغبلاغ چمنلو	۴۷	۲۶۵	۱۴۴	۱۲۱
بازرگان	۱۵۸	۷۸۳	۴۱۰	۳۷۳
باش کند	۳۳	۱۸۴	۱۱۰	۷۴
باغچه جوق	۸۸	۵۰۰	۲۶۰	۲۴۰
بایندر	۲	۱۳	۴	۹
پرخور دبك	۲۳	۱۳۴	۸۱	۵۳
تازه کند قلعه دره‌سی	۳۶	۱۸۵	۹۹	۸۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تخته دوزی	۱۹	۱۲۳	۶۱	۶۲
ترکمه	۱۱	۷۴	۴۴	۳۰
تریان	۱۹	۱۰۱	۵۱	۵۰
تکمه	۴۸	۲۵۷	۱۳۶	۱۲۱
تیکمه کرد	۳۰	۱۹۲	۹۷	۹۵
جان عزیز	۳۱	۱۵۶	۸۳	۷۳
چمنلو	۲۷	۱۴۱	۷۶	۶۵
حسوشری	۱۵	۸۹	۴۶	۴۳
خرمن یری	۵۹	۳۵۰	۱۸۳	۱۶۷
دانالو	۷۳	۳۸۳	۲۱۴	۱۶۹
دانالوی کوچك	۴۲	۲۲۹	۱۱۴	۱۱۵
درگاه قلی	۶	۴۳	۲۴	۱۹
سعید آباد	۳	۱۷	۹	۸
سنگر	۶۵	۳۰۸	۱۷۲	۱۳۶
شاطر	۱۵	۷۸	۳۸	۴۰
شاه آباد	۲	۱۴	۶	۸
شیخ جان	۱۱	۷۸	۴۱	۳۷
قره خاج	۷۹	۴۶۹	۲۳۷	۲۳۲
قلعه جوق	۸۳	۴۵۵	۲۵۵	۲۰۰
قورشکاك	۲۲	۱۳۰	۶۵	۶۵
قورلو بلاغ	۵	۳۱	۱۸	۱۳
کاریانقران	۲	۱۴	۹	۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کشمش تپه	۸۸	٤۲۰	۲۲۷	۱۹۳
کوسج	۱٤	٦۷	۳٦	۳۱
کهریز	٦	۳۳	۱۱	۲۲
کهریز قلعه دره سی	۱۱	٦۲	۳۵	۲۷
گاموس	۸	٤۷	۲٦	۲۱
گجوت	۹٦	۵۱۲	۲٦٤	۲٤۸
گرکش	۷	۳۷	۱۸	۱۹
گل مرسی	٦	۲۸	۱۹	۹
مارا کومی	۱۱	۵۹	۳۰	۲۹
مایل کندی	۲۷	۱٤۰	۷۷	٦۳
محمد کندی	۱٤	٦۵	۳۵	۳۰
مصطفی قلعه سی	٤	۲۰	۱۳	۷
میلان	٤۹	۲٦۱	۱۳۱	۱۳۰
نایب کندی	٦	۳۸	۱۹	۱۹
یاریم قیه سفلی	۵۸	۳۰۷	۱٦۱	۱٤٦
یاریم قیه علیا	۲۳	۱۰٤	٤۹	۵۵
یاریم قیه وسطی	۱۷	۹۰	۳۹	۵۱
جمع دهستان قلعه دره سی	۱٤۹۹	۸۰۸٦	٤۲۷۷	۳۸۰۹
الهویردی کندی	۲۲	۱۰۳	۹۵	٤٤
اورتا کندی	۵۸	۳۱۹	۱۷۱	۱٤۸
ایلانلو	٦۰	۲۹۸	۱۵٦	۱٤۲
اینجه دره سی	٦	۳٦	۱۷	۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بایجان کجلرات	٤١	١٨٢	٩٤	٨٨
تپه سی دلیك	٢٩	١٧٥	٩٧	٧٨
ترشاب	٥	٢٧	١٣	١٤
تره مش	٣٤	١٨٥	٩٣	٩٢
تکداغ	١	٥	٥	٠
چخماقلی	٣٠	٢٠٩	١١٨	٩١
حسن کندی	٣٠	١٦٠	٨٢	٧٨
خزانگاه	٢	٥	٤	١
دودای	٢٥	١١٧	٦١	٥٦
دیوانخانه	٥٤	٣١٢	١٧٧	١٣٥
شبلوی سفلی	٢٦	١٥١	٧٥	٧٦
شبلوی علیا	١٨	١٠٦	٥٦	٥٠
شیخ حمزه لو	٤	٢٧	١٦	١١
شیر محمد	٥	٣٥	١٧	١٨
عباسعلی کندی	٤	٣١	١٧	١٤
عزیز کندی	٤٢	٢٥١	١٤٣	١٠٨
قره اغاج	١٥٠	٧٥٢	٤٣٩	٣١٣
قره ناز	١٤	٦٥	٣٣	٣٢
قزل قشلاق	١٧٢	٨٣٤	٤٤٦	٣٨٨
قزل ونك	٥	١٣	٩	٤
قلعه جوق	١٥	٨٨	٤٧	٤١
قنبر کندی عجم	٤١	٢٢٣	١٢١	١٠٢

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قنبر کندی کرد	۲۱	۱۳۲	۷٤	٥۸
قوچ کندی	٦٤	۲۸۸	۱٥۲	۱۳٦
قورشاقلو	۱۸	۸٦	٤۳	٤۳
قیاس	۳۱	۱٥٦	۸۹	٦۷
کجلر	۲٥	۱۱۸	٥۷	٦۱
کرم آباد	۱۳	۸۲	٤۱	٤۱
کلید	۱۷	٦۸	۳٦	۳۲
گیون	۲٤	۱۲۲	۷۲	٥۰
نازك سفلی	۹۷	٥۱٥	۲۷۱	۲٤٤
نازك علیا	۳۱۹	۱٦۱۱	۸٥۱	۷٦۰
ویران باغ	۱۹	۱۰۱	٤۹	٥۲
جمع دهستان کجلران	۱٥٤۱	۷۹۸۸	٤۳۰۱	۳٦۸۸
اغلیان	۲۸	۱۸٤	۹۳	۹۱
آقا بلاغی	۷٤	٤٦۱	۲۳٥	۲۲٦
اوتمیش	۸٥	٥٤٤	۲۷۲	۲۷۲
باچوند	٤۲	۲٤٦	۱۳۳	۱۱۳
باستا مسفلی	٦	۳۲	۱۹	۱۳
برده رشان	۸	٥۸	۲۹	۲۹
برهان	٤۱	۳۰۰	۱٦٤	۱۳٦
بند مجید خان	۲	۹	۳	٦
پیرولی باغی	٥٥	۳۲۷	۱۷۳	۱٥٤
پیکار آباد	۱٥	۹۰	٥۳	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حاجی علی کند	۸۶	۶۲۱	۳۱۳	۳۰۸
حاجی کند	۵۳	۳۱۷	۱۶۸	۱۴۹
حاجی لك	۱۲۱	۷۰۱	۳۷۳	۳۲۸
حسین آباد	۳۰	۲۲۹	۱۱۱	۱۱۸
حسین مامه	۶۴	۳۸۲	۲۰۶	۱۷۶
خاتون خاس	۲۸	۱۸۴	۷۹	۱۰۵
خان کندی	۶۵	۴۳۷	۲۳۰	۲۰۷
خانقاه	۲۷	۱۶۵	۹۲	۷۳
خراسانه	۲۱	۱۲۱	۷۰	۵۱
داره گردله	۲۳	۱۵۳	۷۶	۷۷
درمان	۴۶	۳۲۸	۱۷۳	۱۵۵
دواشهری	۲۹	۱۹۲	۱۱۴	۷۸
سبزی	۵۲	۳۶۵	۱۹۴	۱۷۱
سحولان	۳۹	۲۶۸	۱۵۹	۱۰۹
سردار آباد	۷۲	۴۴۹	۲۳۲	۲۱۷
سریل آباد	۴۴	۲۲۸	۱۲۳	۱۰۵
سنحاق	۷۷	۵۰۰	۲۶۸	۲۳۲
سیجان بلاغ	۱۴	۱۰۳	۴۸	۵۵
سید آباد عزیز کند	۲۲	۱۵۲	۷۷	۷۵
شرفکند	۳۱	۱۸۹	۹۴	۹۵
شوریجه	۱۳	۸۰	۴۸	۳۲
شیخ علی	۲۷	۱۸۸	۹۸	۹۰

نام ده	تعدادخانوار	جمعیت	مرد	زن
عزیز کند	٤٥	۲۹۸	۱٤۹	۱٤۹
علی آباد	٦	۳٤	۲۲	۱۲
عیسی کند	٦۱	۳٤۸	۱۸٤	۱٦٤
غوث آباد	۳۰	۱۸۱	۹۹	۸۲
قادر آباد	۲۲	۱۳۸	۷۳	٦٥
قارنجه بزرگ	۷٤	٤۸٥	۲۳٤	۲٥۱
قارنجه کوچك	۷	٥٦	۲۷	۲۹
قازان سر	۲٦	۱٦٤	۸۳	۸۱
قپان کندی	۱٤۲	۹۰۰	٤۷٤	٤۲٦
قره گل	۷٤	٥۱۲	۲٦۲	۲٥۰
قلعه جوغه	٤۱	۲٤٤	۱۲۹	۱۱٥
قنطره	٦۹	٤۷٥	۲٥۳	۲۲۲
قورغان	٤۷	۳۰٦	۱۷۰	۱۳٦
کانی رش	٦۸	٤۳۰	۲۳٤	۱۹٦
کانی طومار	٤۹	۲۳۹	۱۳۱	۱۰۸
کانی فقه	٤	۲۱	۱۳	۸
کانی کوتر	۲۷	۱۷۱	۹۰	۸۱
کپه کند	۱۸	۱٦۱	۸۹	۷۲
کلبرضا خان	۲٤٦	۱٥۱۲	۷۹۸	۷۱٤
کلیجه	۱۰٥	۷۰۲	۳٥۷	۳٤٥
کوچك اطمیش	۲۸	۱٦٥	۸٤	۸۱
کهریزه علی آقا	۳۱	۲۰٦	۱۱۲	۹٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کهنه ملالر	۳۰	۱۹٤	۱۰۷	۸۷
مقصود یان	۳	۱٤	۸	٦
ملالر	٦۹	٤۳۱	۲۳۰	۲۰۱
منوچهر	۲۸	۱٦۳	۹۳	۷۰
نیشك آباد	۱۳	۱۰۹	٤۹	٦۰
یاد آباد سفلی	۲٤	۱۳۸	۷٦	٦۲
یاد آباد علیا	۲۲	۱۲۸	٦۹	٥۹
جمع دهستان آختاچی عربی	۲۷٤۹	۱۷٥۲۸	۹۲۱۹	۸۳۰۹
اسبوغه	۳٤	۲۲٦	۱۲۳	۱۰۳
اشکوتان	۳٦	۱۹۷	۱۰٦	۹۱
اقتتر	٦۰	٤۱٥	۲۲۰	۱۹٥
امیر آباد	۹	۷۸	٤٦	۳۲
انبار	۹۱	٦۲۰	۳٤۹	۲۷۱
اوچ تپه	۹٦	٥۷۸	۳۲۲	۲٥٦
بوغداد اغی	۳۰	۱۸٥	۹۸	۸۷
تازه قلعه	٦٦	٤٥٥	۲٤٥	۲۱۰
تب	۳۱	۱۹٤	۱۱۰	۸٤
تبت	٥۱	۳۱۸	۱۷۷	۱٤۱
جمبوغه	٥۷	۳٦۸	۲۰٤	۱٦٤
چاور چین	۲۳	۱٦۳	۸۹	۷٤
حصار	٤۰	۲۲۹	۱۲٦	۱۰۳
حصار بلاغی	٤۱	۲٦٤	۱٤۲	۱۲۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حمامیان	۱۱۱	۶۳۸	۳۴۷	۲۹۱
داربسر	۵۳	۴۰۹	۲۲۲	۱۸۷
داش بند	۸۸	۵۶۴	۲۹۲	۲۷۲
دنگیز علیا	۵۳	۲۹۸	۱۶۳	۱۳۵
سید آباد قاجر	۳۵	۲۰۸	۱۱۲	۹۶
سیف‌الدین سفلی	۲۹	۱۶۱	۸۶	۷۵
سیف‌الدین علیا	۲۹	۱۶۵	۹۳	۷۲
شهری کندی	۸۵	۵۱۹	۲۶۳	۲۵۶
شیخ‌لر	۵۶	۳۳۳	۱۶۳	۱۷۰
طاهر آباد	۲۴	۱۲۲	۶۲	۶۰
عباس آباد	۳۹	۲۴۷	۱۲۷	۱۲۰
عبدالله تپه سی	۲۵	۱۲۸	۶۸	۶۰
علی آباد	۶۲	۴۱۹	۲۱۶	۲۰۳
علی‌کند	۱۳	۱۱۲	۷۱	۴۱
قاجر	۵۶	۳۵۰	۱۷۶	۱۷۴
قازلیان	۴۸	۲۸۲	۱۴۳	۱۳۹
قره کند	۴۲	۲۸۲	۱۶۴	۱۱۸
قره موسالو	۶۷	۳۸۴	۲۰۲	۱۸۲
قلیچ	۱۳	۶۹	۴۳	۲۶
کانی اشقاق	۱۹	۱۲۲	۶۳	۵۹
کانی پنکه	۱۰	۵۵	۳۵	۲۰
کانی پنکه	۲۴	۱۸۷	۹۶	۹۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی حکی	٤	۱۷	۱۰	۷
کل تپه بوکان	٤۱	۲٦۸	۱٤٦	۱۲۲
کوسه	٥۰	۲۸۷	۱٥۳	۱۳٤
کهریزان	۱۹	۱۱۰	٦۲	٤۸
کهریز سردار	۳۰	۲۱۲	۱۱۳	۹۹
کهریزه محمود آقا	۲۱	۱٤۱	۷٥	٦٦
کول مرزینك	٥۸	۳٥۹	۱۸۸	۱۷۱
لکز	٥۷	۳٥۷	۱۹٤	۱٦۳
محمود آباد	٤۰	۲۷۱	۱٤۱	۱۳۰
میر آباد	٤٦	۲۳۱	۱۲۱	۱۱۰
ناچیت	۸٤	٤۹۲	۲٦۷	۲۲٥
نوبار	٦۲	٤۰٤	۲۱۰	۱۹٤
ینگیجه	٦۳	٤۲۳	۲۲۳	۲۰۰
جمع دهستان آختاچی شرقی	۲۲۲۱	۱۳۹۱٦	۷٤٦۷	٦٤٤۹
اجی درهم	۳۹	۲۳٤	۱۲۳	۱۱۱
اسکی بغداد	٦۷	۳٦۲	۱۹۷	۱٦٥
اشی کلان	۲٦	۱٥۹	۷۹	۸۰
افان	٤۱	۲۹۸	۱٥۹	۱۳۹
اقا سور	۱۹	۱٥۰	۸٥	٦٥
امید	۳٦	۲٥۲	۱٤۸	۱۰٤
ایل تیمور	۳۳	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
باش بلاغ	٤۷	۲٤۰	۱۲۷	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باغچه	۱۰٤	٥۲۰	۲۷۹	۲٤۱
باگردان سفلی	۱٥	۱۳۰	۷۳	٥۷
باگردان علیا	۸	۷٤	۳٦	۳۸
بدوان	۲	۲۹	۱٦	۱۳
براجو	٤٤	۲٤۳	۱۲٦	۱۱۷
برایمه	۱۸	۱۷۳	۹۲	۸۱
بنکوین	۲٦	۱٤۹	٦٦	۸۳
بیرم	٦۸	٤٤۳	۲۲۸	۲۱٥
بیطاس	۲۸	۲۳٤	۱۳٤	۱۰۰
بیطاس علیا	۲	۳۲	۲۲	۱۰
پالکه	٥	٥۰	۳۲	۱۸
پائیز آباد	٤	۱۱	٦	٥
پیر میکاییل	۱٥	۱٤۳	۷۸	٦٥
تقی جوس	۲	۱٤	٥	۹
ثمبه	۳۱	۲۰٤	۱۰٤	۱۰۰
چومان سفلی	۲	۱۷	۹	۸
چومان علیا	۱	۱٤	۱۰	٤
چهار دیوار	۳۷	۲۳٤	۱۲۲	۱۱۲
چهارگاه	۲٦	۲۳۱	۱۱٦	۱۱٥
حاجی مامیان	۲۸	۲۳۷	۱۲٤	۱۱۳
حسن چپ	۱۰	۸۱	٤۱	٤۰
حمزه آباد	۲۱	۱۳۰	٦٦	٦٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خاتون استی	۱۵	۱۳۲	۶۷	۶۵
خالدلیل	۳۹	۲۶۵	۱۳۹	۱۲۶
خانقاه	۱۲	۸۳	۴۳	۴۰
خره جو	۱۲	۹۱	۴۲	۴۹
خلیفان	۳۳	۲۳۹	۱۳۶	۱۰۳
خلیفه	۱۲	۱۱۰	۵۵	۵۵
داغه	۳	۲۵	۱۴	۱۱
درویشان	۵۰	۲۷۹	۱۴۵	۱۳۴
دوسا	۱۹	۱۲۳	۶۷	۵۶
دول بهار	۱۰	۶۲	۳۸	۲۴
دول پنیه	۸	۶۶	۲۹	۳۷
ده بکر	۶۲	۴۶۸	۲۴۰	۲۲۸
رفته	۹	۶۲	۳۳	۲۹
زندان دره	۱	۲۷	۱۶	۱۱
زیره	۲۳	۲۰۳	۱۰۰	۱۰۳
سرباغچه	۲۳	۱۲۷	۶۲	۶۵
سرتنگ	۷	۴۶	۲۵	۲۱
سرطان	۲۵	۱۵۵	۷۶	۷۹
سرو	۶	۵۸	۲۶	۳۲
سرهولان	۵	۳۹	۲۳	۱۶
سلوك	۲۰	۱۷۲	۹۶	۷۶
سلیم	۲۷	۱۹۳	۱۰۶	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سلیمساغول	۳٤	۲۵۱	۱٤۵	۱۰٦
سیاقول سفلی	۲۲	۱۵٦	٦۱	۹۵
سیاقول علیا	۳۷	۲۸۱	۱۵۲	۱۲۹
سیمینو	۱۳	۱۲٦	۷۲	۵٤
شاه گلدی	۲۵	۱۳۲	٦۹	٦۳
شمر آباد	۷	٤۹	۲۷	۲۲
شهر زور	۳۰	۲۷۷	۱۳۸	۱۳۹
شیخ یوسف	۱٦	۱۳٦	۷۱	٦۵
شیخان	۱٤	۱۰۸	۵۸	۵۰
طراقه	٤۰	۲۲۲	۱۱٦	۱۰٦
علم آباد	۳۸	۲۱۳	۱۰۵	۱۰۸
عیش آباد	۲۹	۱۷۹	۹۹	۸۰
عین ملان	۹	۷۵	٤۰	۳۵
قادر آباد	۲۷	۱۳۸	٦۵	۷۳
قرالی	۷۵	٤٦۹	۲٤٦	۲۲۳
قره چلان	۱۸	۱۲٦	٦۵	٦۱
قره داغ	۲۲	۱۲۲	۵٦	٦٦
قزل گنبد	۳۱	۱۸۱	۸۵	۹٦
قشقوته سفلی	۱۱	۹٦	۳۳	٦۳
قشقوته علیا	۹	٦۳	۳۲	۳۱
قلعه تپه	۷۷	٤٦۰	۲۵۵	۲۰۵
قلعه جوغه	۳٦	۳۲۲	۱۷۸	۱٤٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قله تسنان	۵	۲۶	۹	۱۷
قماریه	۸	۷۶	۳۶	۴۰
قمیش آباد	۱	۱۳	۸	۵
فوزه لوجه	۳۰	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
قویطال	۴۳	۲۸۰	۱۵۴	۱۲۶
قهوه خانه امید	۱	۲۲	۱۱	۱۱
قهوه‌خانه‌حاجی‌مامیان	۱	۹	۳	۶
قهوه خانه سیاهگل	۱	۱۲	۶	۶
قهوه خانه سید قادر	۱	۴	۱	۳
کامم	۳۱	۲۵۴	۱۲۴	۱۳۰
کانی سیب	۶۹	۴۷۶	۲۵۱	۲۲۵
کانی میران	۲۰	۱۳۸	۷۴	۶۴
کاویس	۳	۲۶	۱۲	۱۴
کله زند آباد	۱	۱۴	۹	۵
کله زند آباد	۲	۱۱	۴	۷
کوتر	۲۹	۲۰۷	۹۹	۱۰۸
کوخان	۵	۴۳	۱۹	۲۴
کوکه	۳۹	۲۱۱	۱۱۴	۹۷
کوله	۴	۴۰	۲۵	۱۵
کهنه کولینان	۵	۳۰	۱۷	۱۳
کیتکه	۴۸	۳۳۰	۱۷۳	۱۵۷
کراوی	۹	۶۱	۳۴	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرده بردان	۱۸	۱۷۵	۸۶	۸۹
کلیان	۱۹	۱۵۸	۸۳	۷۵
کلینان	۳۸	۳۰۱	۱۵۸	۱۴۳
گنجعلی	۹	۹۰	۵۰	۴۰
گنه دار	۱۹	۱۳۱	۷۵	۵۶
گوشله دره	۴۱	۳۰۶	۱۶۲	۱۴۴
گوملیان	۱۸	۱۵۶	۷۶	۸۰
کیاد روان	۲۲	۲۰۹	۹۷	۱۱۲
لمونج	۱۴	۱۰۰	۵۵	۴۵
لاسه‌کلان	۳۴	۱۹۱	۱۰۷	۸۴
مازله	۱۴	۸۹	۴۵	۴۴
محمود آباد	۶	۳۵	۲۰	۱۵
مرانعه	۲۲	۲۱۶	۱۱۱	۱۰۵
مرلفه	۱۲	۱۰۴	۴۲	۶۲
مزرعه	۶	۵۹	۳۰	۲۹
موسی دای گوژا	۴	۳۳	۱۹	۱۴
میرده	۴۲	۲۵۸	۱۴۰	۱۱۸
میرگرو	۶	۵۱	۲۸	۲۳
نیالان	۸	۶۲	۲۷	۳۵
جمع دهستان ایل تیمور	۲۵۵۴	۱۷۷۳۳	۹۲۶۵	۸۴۶۸
احمد آباد	۳۵	۲۱۲	۱۰۷	۱۰۵
اربانوس	۴۰	۲۴۰	۱۲۹	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ارمنی بلاغی	۵۸	۳۹۵	۲۱۲	۱۸۳
اغجوان	۹۰	۵۹۹	۳۰۷	۲۹۲
اقبلاغ	۷۱	۴۳۰	۲۳۰	۲۰۰
اوزن قشلاق	۴۱	۲۳۶	۱۱۸	۱۱۸
اویته‌چی	۴۳	۲۴۹	۱۲۵	۱۲۴
ایلانی	۳۳	۲۰۲	۹۷	۱۰۵
باغچه	۴۵	۲۶۱	۱۴۵	۱۱۶
برده زرد	۱۵۸	۸۱۷	۴۴۸	۳۶۹
ترکاشه	۸۹	۴۸۹	۲۵۸	۲۳۱
ترکمان کندی	۶۱	۳۶۱	۲۰۵	۱۵۶
تکان تپه	۱۱۰	۵۴۷	۳۰۴	۲۴۳
جانبلاغ	۳۱	۱۷۳	۹۳	۸۰
جوانمرد	۱۱۷	۶۹۱	۳۶۴	۳۲۷
چوگاتلو	۲۷	۱۷۴	۸۳	۹۱
حاجی آباد	۹۲	۵۵۳	۲۹۵	۲۵۸
حسین آباد	۱۷	۱۰۳	۶۱	۴۲
حیدر مست	۱۸	۱۰۰	۵۸	۴۲
داشاغل	۴۸	۲۷۰	۱۵۷	۱۱۳
درزیولی	۵۸	۳۲۱	۱۸۲	۱۳۹
درویش علی	۵۰	۲۶۰	۱۲۸	۱۳۲
دوکچی	۴۳	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
رحیمخان	۱۵۶	۹۴۷	۴۷۱	۴۷۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساروقا میش	۵۷	۲۷۶	۱۵۳	۱۲۳
ساری قمیش	۷۰	۴۳۵	۲۳۵	۲۰۰
سراب	۱۵۱	۸۹۸	۴۸۶	۴۱۲
سقزلو	۲۵	۱۵۱	۷۶	۷۵
سوماقان	۱۲	۷۲	۴۱	۳۱
سه کانیان	۳۱	۱۸۰	۹۱	۸۹
عبدالله آباد	۴۰	۲۳۳	۱۳۲	۱۰۱
غیبعلی	۱۲	۶۲	۳۴	۲۸
قاتانقور	۳۰	۱۶۰	۸۸	۷۲
قدیم	۵۴	۲۷۸	۱۴۳	۱۳۵
قره براز	۵۰	۲۸۳	۱۶۳	۱۲۰
قشلاق	۲۹	۱۶۱	۸۳	۷۸
قلعه‌چی	۴۸	۲۶۷	۱۵۱	۱۱۶
قلعه رسول سیت	۶۳	۴۲۸	۲۱۸	۲۱۰
قورمیش	۶۳	۳۳۴	۱۸۸	۱۴۶
قویلو	۸۰	۴۹۹	۲۵۷	۲۴۲
کانی اشته	۷	۵۸	۲۴	۳۴
کانی‌الله سیده	۱۴	۷۷	۴۲	۳۵
کانی سبزه	۱۹	۱۵۲	۷۲	۸۰
کانی سنحود	۲۰	۱۱۱	۶۱	۵۰
کانی سهراب	۴۴	۲۰۸	۱۲۰	۸۸
کانی سیران	۳۲	۱۶۰	۸۹	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی علی کرده	٤١	٢٥٩	١٣٣	١٢٦
کانی قلعه	٢٢	١٤٥	٨٤	٦١
کانی کوزله	١٧	٩٥	٤٩	٤٦
کانی گرگه	٤٥	٢٨٠	١٤٠	١٤٠
کانی مملی	٢١	١٤٢	٧٥	٦٧
کرکره	٢٥	١٤٧	٧٦	٧١
کلتکه	٣٧	٢٢٢	١١٨	١٠٤
کوکتپه	٤٣	٢٥٢	١٣٥	١١٧
گااینجه	٤٩	٢٦٧	١٤٨	١١٩
گامیشان	٢٦	١٦٨	٨٥	٨٣
گل تپه قریش	٦٠	٤٢١	٢١١	٢١٠
گول	٢٧	١٧٧	٩٧	٨٠
گول آباد	٨	٥٤	٣٢	٢٢
اورتهکند	٣٢	١٧٨	٩٤	٨٤
هواره برزه	٢٩	١٤٣	٧٥	٦٨
یایسی کند	٣١	١٧٣	٨٩	٨٤
یکشوه	٧٧	٤٦٣	٢٤٦	٢١٧
ینگی کند	١٠٥	٥٧٨	٣٠٤	٢٧٤
جمع دهستان بهی	٣١٧٧	١٨٤٩٩	٩٨٢٨	٨٦٧١
ارمناکشفلاق حاجی حسین	٣٨	١٩٢	١٠٢	٩٠
ارمنك	٤٠	٢٢٤	١٠٦	١١٨
آزاد	٧٠	٤٦٠	٢٣٤	٢٢٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسماعیل کندی	۲۶	۲۵۱	۱۴۱	۱۱۰
اگریقاش	۲۰۱	۱۳۱۸	۷۰۰	۶۱۸
البلاغ	۳۰	۲۱۷	۱۲۴	۹۳
امین آباد	۱۱	۸۵	۴۷	۳۸
اوزان دره سفلی	۱۸	۱۲۷	۶۴	۶۳
اوزان دره علیا	۳۶	۲۴۶	۱۲۰	۱۲۶
بادام	۳۳	۲۲۰	۱۳۱	۸۹
برد میش	۲۲	۱۵۱	۸۷	۶۴
برده رشان	۴۱	۲۷۲	۱۲۸	۱۴۴
بصری	۱۶	۸۳	۴۹	۳۴
بفرون بزرگ	۴۸	۳۷۳	۱۹۵	۱۷۸
بفرون کوچك	۲۱	۱۶۸	۸۵	۸۳
بوزه	۲۳	۱۹۰	۹۹	۹۱
پایین دره	۳۷	۳۲۷	۱۷۳	۱۵۴
پشتپ	۳۳	۲۵۲	۱۴۶	۱۰۶
پیر بلا	۲۰	۱۲۰	۶۲	۵۸
تازه کند	۳۹	۲۴۷	۱۴۵	۱۰۲
تازه کند	۷۸	۴۱۵	۲۱۹	۱۹۶
تکان لوجه	۳۱	۱۸۴	۹۴	۹۰
تلخات	۶۱	۴۱۳	۲۲۰	۱۹۳
تلخا بقشلاق	۳۴	۲۰۳	۹۹	۱۰۴
تنگه بالکه	۲۹	۱۸۹	۹۴	۹۵

نام ده	تعدارخانوار	جمعیت	مرد	زن
توت اغاج	۲۳	۱۶۹	۹۶	۷۳
تورشکان	۱۴	۹۴	۴۷	۴۷
چوخان	۷۱	۴۹۰	۲۵۳	۲۳۷
چوملك	۳۱	۲۲۲	۱۲۰	۱۰۲
حاج خوش	۶۹	۵۱۳	۲۸۱	۲۳۲
حاجی آباد	۷	۳۸	۱۲	۲۶
حاجی حسن	۷۹	۵۰۳	۲۷۴	۲۲۹
حرتوانان	۱۰	۸۶	۴۲	۴۴
حسن آباد	۳	۱۱	۴	۷
حمزه آباد	۳۷	۳۰۸	۱۷۳	۱۳۵
خاتون باغ	۶۸	۴۸۵	۲۶۴	۲۲۱
خانقاه	۵۰	۳۲۴	۱۶۶	۱۵۸
خطائی	۶۵	۳۹۳	۲۱۶	۱۷۷
خورخوره	۸۲	۶۹۵	۳۹۰	۳۰۵
خیر آباد	۷۸	۵۶۲	۳۰۳	۲۵۹
داره لك	۱۰۸	۸۷۲	۴۶۷	۴۰۵
داشخانه	۵۵	۴۲۵	۲۳۳	۱۹۲
داش تیمور سفلی	۲۵	۱۹۷	۱۰۷	۹۰
داش تیمور علیا	۲۳	۱۵۴	۸۱	۷۳
دایماب	۴۶	۳۹۴	۲۲۷	۱۶۷
دریاس	۵۷	۴۶۶	۲۲۵	۲۱۱
دلکداش	۵۳	۳۵۹	۱۹۲	۱۶۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوستعلی	۲۵	۱۷۷	۹۰	۸۷
دولت آباد	٤۱	۲۵۳	۱۳۲	۱۲۱
رسول آباد	٤۷	۳۹۷	۲۲۰	۱۷۷
زنگ آباد	۱٤	۱۰۰	۵۱	٤۹
زینال کندی	۸۲	٤۵۵	۲۳۰	۲۲۵
ساربانان	۱۳	۹٦	۵۰	٤٦
سید آباد	۲۱	۱۲۲	٦٦	۵٦
سیستکعلیا	۱۰	۸۱	٤٤	۳۷
سیلکه	۱٦	۱۲۵	۷۰	۵۵
شکمدریده	۱۸	۱۱۹	٦۱	۵۸
شیرین آباد	۲۵	۱٦۳	۸۱	۸۲
شیلان آباد	۲۲	۱۸۳	۱۰۵	۷۸
عبدالله آباد	۱۸	۱۳۳	۷۷	۵٦
قاضی آباد	۳۹	۲۷٤	۱۳۳	۱٤۱
قجی آباد	۳۱	۲٤۵	۱٤٦	۹۹
قره بلاغ	۲۵	۱۹۳	۱۰۵	۸۸
قره داغ	۸۳	۵۲۳	۲۸۰	۲٤۸
قره قشلاق	۱٤٤	۹۳۳	٤۸۱	٤۵۲
قزل قلعه	۷۲	۵۲۳	۲۵٤	۲٦۹
قزل قوپی	۱۰۵	۸۷۷	٤٦۳	٤۱٤
قزلجه سفلی	۲۱	۱۵۰	۷۷	۷۲
قزلجه علیا	۲۵	۲۱۰	۱۰٦	۱۰٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره خان	۳٤	۲۸۷	۱٤۸	۱۳۹
قشلاق حاجی حسن	٥۱	۲٥۹	۱۲۲	۱۳۷
قشلاق حاجی حسن	٥۳	۲۱	۱٥	٦
قلعه حسن	٥۹	٤٤۸	۲۳۷	۲۱۱
قلات	۱۰	۸٦	۳۸	٤۸
قمقلعه	۱۷۱	۱۲٤٦	٦٥۰	٥۹٦
قلقله	٤۳	۲۹۱	۱٥۷	۱۳٤
قوپی بابا علی	۳۷	۳۱۷	۱۷۹	۱۳۸
قهوه خانه امیر آباد	۱	٦	۱	٥
کانی صوفی رشید	٥	۳٦	۱۸	۱۸
کوره پزی قمقلعه	۷	۳٥	۲۲	۱۳
کوسه کهریز	۱	۸	۳	٥
کوسه کهریز	۱۲۸	۹۱۳	٥۱۰	٤۰۳
کهریزه	٥۰	۳٦۰	۱۷۷	۱۸۳
کهریزه‌علی‌بایزند	٦	٤۷	۲٦	۲۱
کهنه ده	۱۸	۱٥۳	۷۹	۷٤
کهنه ده	٤۹	۲۸۸	۱٤۹	۱۳۹
کابازله	٤٦	۲۹۷	۱۷۲	۱۲٥
گاپیش	۳٦	۳۰۹	۱٦۹	۱٤۰
گردگروی	٤٦	۳۰۷	۱٥۹	۱٤۸
گرده رش	۳٤	۲٥٤	۱۱۸	۱۳٦
گرد یعقوب	۳٥	۲٤۲	۱۳۱	۱۱۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کرلان	۸۳	٤٤۳	۲۲٤	۲۱۹
گنج آباد	۳۹	۲٥۰	۱٤٦	۱۰٤
کوکتپه	۱۳۳	۱۰۰۰	٥۲۲	٤۷۸
کولی	۱٦	۱۳۹	۷۱	٦۸
لج	۷۱	٦۳۱	۳٤۹	۲۸۲
لیك آباد	۳٤	۳۳۲	۱۹۹	۱۳۳
لاچین	٤۷	۲٦۸	۱٥۰	۱۱۸
ماسو	۹۲	۷٦۰	۳۹۳	۳٦۷
مرجان آباد	٦٥	٤۲۷	۲۱٦	۲۱۱
ملاکندی	۸٦	٥٦٦	۲۹۹	۲٦۷
منصور	٤٥	۳۷۹	۱۸۹	۱۹۰
منصورکندی	۲٥	۱٥۷	۸٥	۷۲
ویس آقا	٥۸	۳۸۳	۲۰۰	۱۸۳
یغلعلی تپه	۲۲٦	۱۱۸۸	٦۳٤	٥٥٤
یوسفکند	٦۰	٤۲۳	۲٤٦	۱۷۷
جمع دهستان ویران	٤۹۳۷	۳٤٥۸۰	۱۸۳۹۲	۱٦۱۸۸
ابراهیم حصار	۲۱	۱۳٤	٦۲	۷۲
اصحاب	۷	٦۸	۳٦	۳۲
اقوطمان	۳۸	۲٦۱	۱٤۳	۱۱۸
اوزن طاش	٤۸	۳۲۷	۱٦۲	۱٦٥
باغ شیخان	۲۷	۱۸٥	۹۸	۸۷
بهرام آباد	۲۲	۱٤٤	۷۲	۷۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
باش برد	۱۶	۱۱۵	۵۹	۵۶
پیربهاالدین	۱۷	۱۰۵	۵۲	۵۳
خور خوره	۳۹	۲۴۷	۱۲۹	۱۱۸
زاویه کوه	۳۹	۲۱۰	۱۱۷	۹۳
زنده قول	۲۶	۱۸۳	۸۷	۹۶
زیراندول	۴۲	۲۰۶	۹۷	۱۰۹
سرد کوهستان	۴۷	۲۹۲	۱۳۰	۱۶۲
سلامت	۵۳	۲۸۰	۱۴۰	۱۴۰
سونیاس	۶۸	۳۹۹	۲۰۷	۱۹۲
شکربیك	۱۲	۹۲	۵۶	۳۶
قالوباسودلان	۷۸	۵۲۳	۳۷۲	۲۵۰
قالوزندان	۷۸	۵۰۶	۲۵۳	۲۵۳
قالو شیخان	۵۴	۳۲۴	۱۷۵	۱۴۹
قره قاج	۱۸	۱۴۷	۸۰	۶۷
قوری چای بالا	۳۰	۲۴۵	۱۳۱	۱۱۴
قوری چای سفلی	۴۹	۳۴۵	۱۹۳	۱۵۲
قوزلو سفلی	۵۱	۳۲۳	۱۶۴	۱۵۹
قوزلو علیا	۸۱	۵۱۳	۲۶۷	۲۴۶
کارك	۱۵	۱۰۷	۴۹	۵۸
کانی رش	۲۵	۱۵۷	۷۶	۸۱
کانی دراز	۵۰	۳۲۰	۱۷۳	۱۴۷
کانی سفید	۱۳	۸۲	۳۶	۴۶

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی شینکه	۹	۷۰	۴۳	۲۷
کاولان سفلی	۱۹	۱۰۷	۵۴	۵۳
کاولان علیا	۲۷	۲۰۸	۱۰۱	۱۰۷
کل تپه	۴۴	۳۱۴	۱۶۸	۱۴۶
کوران	۳۹	۲۳۹	۱۱۵	۱۲۴
کویر کانی	۲۱	۱۳۵	۵۲	۸۳
کهنه ده	۲۲	۱۸۲	۹۵	۸۷
کی سلان	۱۶	۱۰۴	۵۵	۴۹
گاگش سفلی	۳۱	۲۹۲	۱۵۹	۱۳۳
گاگش علیا	۲۷	۲۵۰	۱۴۰	۱۱۰
گاومیشان	۳۷	۲۱۶	۱۰۵	۱۱۱
گرد شیلان	۲۹	۱۹۹	۹۳	۱۰۶
گرگه	۱۲	۹۰	۴۴	۴۶
کلولان سفلی	۸۳	۵۴۷	۲۷۲	۲۷۵
کلولان علیا	۲۳	۱۹۶	۱۰۳	۹۳
کندمان	۳۱	۱۷۹	۸۹	۹۰
مازکه	۳۴	۲۰۷	۸۶	۱۲۱
محمود آباد	۷	۵۳	۳۳	۲۰
موسی	۱۹	۱۱۴	۵۳	۶۹
میری سه	۲۲	۱۶۴	۴۵	۶۹
هرمه	۲۰	۱۶۰	۹۵	۶۷
یار علی	۲۹	۲۰۲	۱۱۵	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
یاغیان	۱۸	۱۱۶	۴۸	۶۸
جمع دهستان کورک‌مکری	۱۶۸۴	۱۱۱۸۴	۵۷۲۰	۵۴۶۴
احمد آباد قشقا گوزه	۳۷	۱۸۵	۹۵	۹۰
اددرسی	۴۴	۲۹۲	۱۵۰	۱۴۲
اربطسفلی	۶۹	۳۶۴	۱۸۷	۱۷۷
اربط علیا	۵۷	۳۰۴	۱۶۸	۱۳۶
اسماعیل کندی	۵۲	۳۰۸	۱۵۶	۱۵۲
اقبلاغ	۷۵	۴۰۳	۲۰۷	۱۹۶
اقبال	۵۶	۲۹۰	۱۵۸	۱۳۲
اقکند	۲۳	۱۳۱	۷۰	۶۱
الی	۴۳	۲۲۲	۱۱۷	۱۰۵
امان‌کندی	۳	۱۵	۱۰	۵
اورتادرق	۵۱	۳۱۵	۱۶۰	۱۵۵
اولا مچی	۸۴	۴۹۲	۲۴۶	۲۴۶
ایشقلو	۸	۵۲	۲۸	۲۴
ایشکه	۴۵	۲۳۸	۱۲۸	۱۱۰
باداملو	۳۵	۲۲۴	۱۲۳	۱۰۱
باش آچوق	۳۹	۲۴۲	۱۱۹	۱۲۳
باش بلاغ	۶۳	۳۴۲	۱۸۶	۱۵۶
بزخراب	۸۴	۴۲۶	۲۲۳	۲۰۳
بیوکبولاغ	۷۶	۴۱۷	۲۱۸	۱۹۹
پاره سفلی	۱۹	۱۰۲	۵۱	۵۱

نام ده	تعداد خانوار	مرد	جمعیت	زن
پاره علیا	۱۱	۵۶	۳۲	۲۴
پتکلو	۱۷	۱۲۳	۶۵	۵۸
تازه کند	۲۵	۱۲۷	۶۸	۵۹
تازه کند	۲۵	۱۳۴	۷۰	۶۴
تکاغاج	۸۹	۴۶۱	۲۴۷	۲۱۴
توپاغاج	۱۸	۹۲	۳۹	۵۳
جان اقا	۴۳	۲۳۸	۱۱۹	۱۱۹
جبیگلو	۳۱	۱۶۴	۸۷	۷۷
چاقیر احمد	۲۶	۱۳۴	۶۸	۶۶
چوپلوجه	۱۳۰	۷۵۸	۳۷۶	۲۸۲
حاجی کندی	۷۰	۴۷۶	۲۴۷	۲۲۹
حصارلو	۴۰	۲۰۸	۱۱۲	۹۶
حیدر باغی	۸۰	۴۶۹	۲۶۳	۲۰۶
داش التی	۳۲	۱۵۳	۸۶	۶۷
زاغه	۴۸	۳۱۸	۱۶۳	۱۵۵
زمان آباد	۳۳	۲۰۱	۱۰۱	۱۰۰
سوغانچی	۴۳	۲۳۶	۱۲۰	۱۱۶
شختلو	۱۲	۶۶	۴۰	۲۶
شورجن	۸۳	۳۹۹	۲۲۶	۱۷۳
قبانکندی	۷۷	۴۰۸	۲۱۵	۱۹۳
قره بوغاز	۳۲	۱۸۸	۱۰۵	۸۳
قطار داش	۳۴	۱۶۲	۸۲	۸۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قلی کندی	۳۰	۱۹۱	۱۰۳	۸۸
قمشلو	۲۸	۱۲۶	۶۷	۵۹
قواخلو	۳۳	۱۸۶	۱۰۷	۷۹
قوچ کندی	۲	۱۰	٤	٦
قوری درق	۵۵	۳۱۵	۱٤٦	۱٦۹
قولانجیق	۲۷	۱۵۵	۷۹	۷٦
قوروقچی	۱۱۳	٦۲٤	۳۲٦	۲۹۸
گوداش	۷۵	۳۸٤	۱۹۸	۱۸٦
گوزللو	۲۲	۱۳۳	۷۰	٦۳
گوزلو سفلی	٤۹	۲۳۲	۱۳۱	۱۰۱
گوزلو علیا	٤۰	۲۳۰	۱۲۹	۱۰۱
گوعی	۵۵	۲۹۲	۱٤٤	۱٤۸
لاله لو	۳۷	۲۱۱	۱۱۵	۹٦
محمد آباد	۳٤	۲۰۸	۱۱۷	۹۱
محمد قلی قشلاق	۷۲	٤٤٤	۲۳٦	۲۰۸
مسجد	۳۰	۱۷۸	۸۸	۹۰
ممه‌کند	۷۵	٤۰۹	۲۱۷	۱۹۲
نجار	۷۱	۳۷۷	۱۹۷	۱۸۰
نختلو	۷۳	٤٤۷	۲۳۰	۲۱۷
یاستی کند	۷۰	۳۹٦	۲۰٤	۱۹۲
یلکلو	۳۰	۱٤۰	۷٤	٦٦
یلی بلاغ	۲۵	۱٦۸	۹۲	۷٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ینگیجه	۱۷	۹۷	۵۶	۴۱
ینگی آباد	۳۶	۲۲۱	۱۱۸	۱۰۳
یوسفکند	۴۵	۲۶۰	۱۴۴	۱۱۶
جمع دهستان آجرلو	۳۱۰۶	۱۷۳۶۹	۹۱۲۳	۸۲۴۶
قوشخانه علیو	۴۳	۲۰۴	۱۰۲	۱۰۲
احمد آباد سفلی	۲۱۱	۱۱۴۰	۶۲۹	۵۱۱
احمد آباد علیا	۱۱۰	۵۴۰	۲۹۰	۲۵۰
اسدکندی	۵۱	۲۷۷	۱۴۸	۱۲۹
اغبلاغ همدانی	۴۸	۲۵۸	۱۴۴	۱۱۴
اقبلاغ علیا	۹۰	۴۵۹	۲۲۸	۲۳۱
اقدره سفلی	۳۳	۲۱۵	۱۱۴	۱۰۱
اقدره علیا	۷۹	۳۶۹	۱۹۲	۱۷۷
اقدره وسطی	۵۰	۲۳۱	۱۱۳	۱۱۸
الوچلوی بالا	۳۴	۱۷۲	۸۷	۸۵
الوچلوی سفلی	۷۳	۳۳۳	۱۸۱	۱۵۲
امین آباد	۳۹	۲۲۴	۱۳۲	۹۲
انکورد	۱۲۰	۵۹۶	۳۲۳	۲۷۳
اوچ حصار	۳۸	۱۸۴	۹۴	۹۰
بابا نظر	۱۵۸	۸۲۰	۴۳۸	۳۸۲
باش برات	۶۵	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
برنجه	۲۵	۱۴۰	۷۸	۶۲
ترمکچی	۳۵	۲۳۲	۱۱۹	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تندرلو	۱۸	۸۲	۴۳	۳۹
تومارکندی	۴۶	۲۳۴	۱۲۷	۱۰۷
چراغ تپه سفلی	۱۷۲	۸۴۲	۴۳۱	۴۱۱
چراغ تپه علیا	۷۵	۳۳۴	۱۷۲	۱۶۲
چوپلو	۲۱۸	۱۲۰۸	۶۵۶	۵۵۲
چهار طاق	۱۲۹	۷۲۳	۳۸۲	۳۴۱
حسن آباد	۱۶۳	۸۹۳	۴۷۹	۴۱۴
خارخار	۴۳	۲۲۳	۱۲۷	۹۶
دل دل بلاغی	۱۲	۷۶	۳۸	۳۸
زره شوران	۱۱۶	۵۶۷	۲۸۵	۲۸۲
زنهار	۲۰	۹۳	۵۴	۳۹
شیرمرد	۱۱۷	۶۲۸	۳۴۹	۲۷۹
طاس	۲۷	۱۴۴	۷۹	۶۵
فاقلو	۴۸	۲۶۳	۱۴۵	۱۱۸
قازان‌کندی	۲۰	۱۱۱	۶۱	۵۰
قراولخانه	۷۷	۳۶۳	۲۰۱	۱۶۲
قره بلاغ	۱۳۳	۶۴۰	۳۴۵	۲۹۵
قره عمر	۶۸	۳۱۹	۱۷۶	۱۴۳
قره ناز	۳۹	۲۴۱	۱۲۳	۱۱۸
قزل قشلاق	۴۱	۲۲۶	۱۲۶	۱۰۰
قوشخانه سفلی	۷۴	۳۴۲	۱۸۰	۱۶۲
قوشه بلاغ	۷۲	۴۱۵	۲۰۶	۲۰۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قیزجه	۱۶۷	۷۷۲	۴۰۵	۳۶۷
قیزقابان سنگ	۱۹۵	۹۸۸	۵۵۰	۴۳۸
کوسه پیری	۳۰	۱۷۰	۹۲	۷۸
گنبد	۷۹	۳۹۵	۱۹۵	۲۰۰
گوگردچی	۴۱	۲۱۱	۱۱۲	۹۹
گوله گوله	۹۴	۴۷۰	۲۵۶	۲۱۴
گوی ی اغاج	۱۵۹	۸۴۰	۴۶۵	۳۷۵
مایین بلاغ	۷۰	۳۹۵	۲۱۷	۱۷۸
نبی کندی	۲۲۰	۱۳۰۲	۷۰۳	۵۹۹
نصرت آباد	۱۶۷	۸۰۲	۴۳۲	۳۷۰
همپا	۱۸۷	۹۵۶	۵۲۷	۴۲۹
یار عزیز	۱۲۰	۵۹۴	۳۱۵	۲۷۹
ینگی کند	۵۹	۳۲۹	۱۷۸	۱۵۱
جمع دهستان احمد آباد سفلی	۴۶۱۸	۲۳۹۳۶	۱۲۸۲۹	۱۱۱۰۷
اقلعه	۴۲	۲۰۲	۱۱۴	۸۸
اقا بیك	۲۴	۱۰۹	۵۶	۵۳
الا سقل	۴۴	۲۰۵	۱۱۶	۸۹
اوغول بیك	۲۸۴	۱۵۱۴	۸۰۰	۷۱۴
باد خرید	۳۳	۱۸۱	۹۸	۸۳
باد محمود	۷۷	۴۱۲	۲۱۶	۱۹۶
بدرلو	۵۷	۳۵۱	۱۸۵	۱۶۶
پهلوان	۴۹	۲۸۶	۱۴۵	۱۴۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تاشه کبود	۳۹	۲۳۸	۱۳۰	۱۰۸
تپه بور	٤۷	۲۹۸	۱٦۲	۱۳٦
تمای	۱٤۰	۷۵۱	۳۹۹	۳۵۲
چهار قلعه	۳۲	۱٦٦	۹۱	۷۵
چیدره	۷۷	٤۸۲	۲٦۲	۲۲۰
حاجی بابا بختیار	۹۹	۵۱۱	۲۷۷	۲۳٤
حاجی بابای علیا	۹٤	٤۷۹	۲٦۷	۲۱۲
حاجی بابای سفلی	٤۱	۲۰۸	۱۰۷	۱۰۱
داشبلاغ	۱۱۰	۵۳۳	۲۷۹	۲۵٤
درویش رش	۳۱	۱٤٦	۸۵	٦۱
دورباش	۲۳۲	۱۱۳۱	۵۹۸	۵۳۳
ساریجلو	۵۲	۲۹٤	۱٤۳	۱۵۱
ساری قورخان	۲۹	۱٦۲	۸۹	۷۳
سبیل	۱۸۰	۱۰۲۱	۵۱۲	۵۰۹
علی آباد نخود دره	٤۵	۱۹۹	۱۱٦	۸۳
فیض آباد	۵۳	۲٦٦	۱٤۲	۱۲٤
قجور	۹۰	٤٦۸	۲۲۵	۲٤۳
ترافیه	۱۰۲	۵۵٦	۲۹۳	۲٦۳
فرخلو	۱٤۰	۷۸۹	٤۰۷	۳۸۲
قره بابا	۲٦	۱۵٤	۸٤	۷۰
قزقپان ترك	۵۹	۲۸۹	۱۵۷	۱۳۲
قلعه جق	۹۰	٤۷۲	۲۵۹	۲۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قوجه	۹۹	۵۰۹	۲۹۲	۲۱۷
کریم آباد	۲۵	۱۳۷	۶۵	۷۲
گزدره	۶۱	۳۳۵	۱۸۵	۱۵۰
گلدره پایین	۳۹	۱۸۷	۹۶	۹۱
گلدره علیا	۹۹	۵۸۰	۳۲۰	۲۶۰
نخود دره	۲۸	۱۳۵	۷۰	۶۵
یحرلو	۴۴	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
یولقون اغاج	۲۸۲	۱۵۰۱	۷۷۶	۷۲۵
جمع دهستان تکاب	۳۰۹۵	۱۶۴۷۹	۸۷۳۱	۷۷۴۸
احمد آباد	۱۱۸	۶۶۹	۳۵۶	۳۱۳
احمد بیگ	۲۱	۱۲۷	۶۴	۶۳
آخی جان	۴۸	۲۶۴	۱۳۲	۱۳۲
اشتی بلاغ	۴۷	۲۴۶	۱۴۳	۱۰۳
اغجه‌لو	۴۷	۲۸۲	۱۴۶	۱۳۶
اغچه مسجد	۱۰۱	۵۶۶	۲۸۶	۲۸۰
الی چین	۸۰	۴۱۰	۲۲۱	۱۸۹
الاگوز	۳۴	۱۷۴	۹۰	۸۴
اوبا بلاغی	۲۱	۱۱۷	۶۷	۵۰
اوزان سفلی	۴۴	۲۴۹	۱۲۷	۱۲۲
اوزان علیا	۲۷	۱۵۶	۸۲	۷۴
اینچه	۳۳	۱۸۸	۹۷	۹۱
پرویز آباد	۲۲	۱۱۸	۶۴	۵۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تازه کند	۲۹	۱۵٤	۷۷	۷۷
جوشاتو سفلی	۱۵	۸۳	٤۱	٤۲
جوشاتو علیا	۳۸	۲۱۰	۱۰۸	۱۰۲
چپو	٤۸	۲٤٦	۱۳۳	۱۱۳
چچگلو	۳۷	۲۱٤	۱۱۸	۹٦
حیدر آباد	۱۵	۷۷	٤۱	۳٦
خلج	۳۱	۱۵۲	۷۸	۷٤
خلوت	۷۰	۳٦٤	۱۸٤	۱۸۰
داود لوی پایین	۱۲	٦۰	۳۱	۲۹
داود لوی علیا	٤	۲۲	۱۰	۱۲
دمیرچی	۲٤	۱۳۳	۷۲	٦۱
رضا قشلاق	٦۲	۳۱۲	۱۷۵	۱۳۷
زارنجی	۸۰	٤۳۰	۲۳۱	۱۹۹
زینالو	۲۱	۱۳۰	٦۵	٦۵
سعید آباد	۳۰	۱۵۲	۸۲	۷۰
سوری	۷۵	٤۷۳	۲٤۳	۲۳۰
ظاهر کندی	۸۹	۵٤۱	۲۷٦	۲٦۵
عباس بولاقلی	۵۰	۲۸۳	۱۵۷	۱۲٦
عثمان اولن	۱۸	۹۱	۵۱	٤۵
قالقانی	۵۲	۲۸۱	۱٤۱	۱٤۰
قتور	۷۷	٤۰۱	۲۰۰	۲۰۱
قره اغلان	۵۵	۲٤۷	۱۳۰	۱۱۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره بلاغ سفلی	۱۵	۸۵	۵۲	۳۳
قره بلاغ علیا	۵۱	۳۱۱	۱۶۸	۱۴۳
قره تپه	۱۱۷	۶۳۳	۳۱۴	۳۱۹
قره قیونلو	۶۶	۳۸۱	۲۰۴	۱۷۷
قره قیه	۵۳	۳۲۳	۱۶۹	۱۵۴
قزل بلاغ	۱۷	۱۰۰	۵۰	۵۰
قشلاق بختیاری	۴۰	۲۲۲	۱۱۳	۱۰۹
قوزلو سفلی	۲۳	۱۳۴	۷۶	۵۸
قوزلو علیا	۲۷	۱۵۲	۷۷	۷۵
قیزجه	۶۷	۳۴۸	۱۸۰	۱۶۸
کشاورز	۲۵۶	۱۲۰۹	۶۴۳	۵۶۶
کوسج	۴۰	۲۲۵	۱۰۹	۱۱۶
کهریز	۴۶	۲۲۳	۱۱۵	۱۰۸
کهل سفلی	۴۵	۳۰۰	۱۵۵	۱۴۵
کهل علیا	۲۹	۲۱۰	۱۲۲	۸۸
گول	۲۸	۱۶۵	۸۸	۷۷
گولی	۱۴	۷۹	۴۴	۳۵
للك آباد	۲۸	۱۵۷	۷۸	۷۹
محمود جیق	۳۲۵	۱۸۲۵	۹۹۰	۸۳۵
محمود جیق کهنه	۳۹	۲۱۵	۱۰۸	۱۰۷
مغمول	۳۳	۱۶۹	۸۸	۸۱
ملهلو	۲۸	۱۴۲	۷۴	۶۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
حسین آباد	۲۱	۱۳۲	۷۹	۵۳
نوروز آباد	۲۸	۱۸۵	۹۳	۹۲
نوروزلو	۳۳	۲۱۵	۱۱۵	۱۰۰
ینگی آباد	۵٤	۲۹۰	۱۵۲	۱۳۸
ینگی ارخ	۵۰	۲۸۹	۱٦۰	۱۲۹
جمع دهستان چاردولی	۳۱٤۸	۱۷۳٤٦	۹۱۳۵	۸۲۱۱
احمدآباد داشکسن	۱۹	۱۲۵	٦۹	۵٦
اطاقلو	۲۷	۱٤۳	۷٦	٦۷
اغاجاری	٤٤	۲۳۳	۱۳۰	۱۰۳
اق تپه	۵٤	۲۵۹	۱۳۹	۱۲۰
الی بالتا	۷۳	۳٦۳	۱٦۸	۱۹۵
اوخچی	۲۸	۱۲۷	٦٦	٦۱
اینجه	٤۸	۲۳۵	۱۲٤	۱۱۱
باغ سفلی	۳۵	۱۷۸	۹۸	۸۰
باغ علیا	۲٦	۱۷۵	۸۹	۸٦
باغ لوجه	۲٦	۱٤۵	۷۹	٦٦
باغچه میشو	۵۰	۲٤۹	۱۲۷	۱۲۲
بایرام قلعه سی	۱۹	۹۸	٤۷	۵۱
برده نقشینه	۱٦	۸۵	٤٦	۳۹
بکتولی بالا	۲٦	۱۳٦	۷۱	٦۵
بلوز	۳٤	۲۰٦	۱۱۹	۸۷
بوغلمیش	۲٤	۱۵۲	۷۲	۸۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بهرام قلعه سی جدید	٤٤	۲۳۱	۱۱۵	۱۱٦
بی‌بی کندی	۵۸	۳٦٦	۱۸۷	۱۷۹
پیچاقچی	۳۳	۲۰٤	۱۱۹	۸۵
تازه آباد	۱۹	۱۰۵	٦۲	٤۳
ترکدره	۲۸	۱٦۰	۷۹	۸۱
ترکویران	٤۱	۲۳۱	۱۱٦	۱۱۵
چراغ ابدال	۳۸	۱۹۵	۹۵	۱۰۰
چمپان	۸	۳۷	۲۱	۱٦
حاجی آباد	۸٤	٤٦۰	۲٦۲	۱۹۸
حسن آباد	۹	۵٦	۲۸	۲۸
حسنلو	۵٦	۲۹۹	۱٦٤	۱۳۵
حسین آباد	۳٤	۱٦٤	۸۸	۷٦
حصار	۷۵	۳۷۹	۱۹۸	۱۸۱
حمزه قاسم	۸٦	٤۰۳	۲۱۷	۱۸٦
خاتون آباد	۲۰	۱۰۵	٦۰	٤۵
خانقلی	٦۳	۳۲٤	۱٤۷	۱۷۷
خرمده	۳۹	۲۰۰	۹۰	۱۱۰
خزائی سفلی	۱۸	۹۵	۵۱	٤٤
خزائی علیا	۵۲	۲۷٦	۱٤۳	۱۳۳
خواجه‌لو	٤۲	۲۷۱	۱۳۹	۲۳۲
خولینه	۳۰	۱۵۱	۸۱	۷۰
داشکسن	۸۳	٤٤۱	۲٤٦	۱۹۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دولو	۳۶	۲۱۹	۱۲۵	۹۴
دولا نقر	۳۵	۱۸۳	۱۰۰	۸۳
زید کندی	۲۹	۱۳۰	۶۸	۶۲
سارج آباد	۹	۶۹	۳۷	۳۲
ساروجه سفلی	۱۹	۱۰۳	۶۰	۴۳
ساروجه علیا	۶۸	۳۹۲	۲۱۳	۱۷۹
ساری باغ	۲۱	۱۱۴	۵۸	۵۶
سانجود	۵۲	۲۹۷	۱۴۵	۱۵۲
سلیمان آباد	۶۱	۳۱۱	۱۶۶	۱۴۵
صفاخانه	۱۶۳	۷۷۹	۴۱۹	۳۶۰
صفیارخان	۲۳	۱۵۶	۹۰	۶۶
طومار اغاج	۵۳	۲۴۲	۱۳۴	۱۰۸
عباس آباد	۲۶	۱۵۴	۸۲	۶۳
عقربلو	۹	۴۷	۲۷	۲۰
علی آباد	۲۴	۱۴۲	۷۴	۶۸
فتح آباد	۵۹	۲۹۶	۱۶۲	۱۳۴
قازانلو	۸۶	۴۹۸	۲۷۵	۲۲۳
قاضی اخوی	۴۸	۲۷۲	۱۴۶	۱۲۶
قرخان	۱۹	۱۱۷	۶۳	۵۴
قره زاغ	۶۴	۳۶۱	۱۸۱	۱۸۰
قزکورپی	۶۷	۳۰۶	۱۶۱	۱۴۵
قزل قبر	۴۶	۲۵۳	۱۴۵	۱۰۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قزل قیه سفلی	۳۰	۱۵۷	۷۹	۷۸
قزل قیه علیا	۶۷	۳۹۴	۲۱۲	۱۸۲
قزل قیه وسطی	۳۵	۲۰۹	۱۱۱	۹۸
قلعه قورینه	۴۰	۲۲۱	۱۱۴	۱۰۷
قوزلو افشار	۲۱۷	۱۱۵۵	۶۳۲	۵۲۳
قوزلوجه	۳۱	۱۵۹	۷۷	۸۲
قویاجق	۳۷	۱۹۲	۹۴	۹۸
کران	۱۶	۹۶	۴۵	۵۱
کردکندی	۸۳	۴۷۰	۲۵۳	۲۱۷
کرکره	۲۵	۱۲۳	۷۱	۵۲
گچی قلعه سی	۲۰	۱۳۳	۶۹	۶۴
گدللو	۳۷	۲۰۵	۱۱۲	۹۳
گل چرمیك	۳۰	۱۵۰	۷۹	۷۱
گوزهل بلاغ	۷۶	۴۳۱	۲۱۵	۲۱۶
مامالو	۸۲	۴۴۴	۲۵۰	۱۹۴
محمود آباد	۱۴	۶۷	۳۷	۳۰
محمود آباد سفلی	۲۳	۱۲۴	۶۹	۵۵
مدجل	۳۵	۱۸۷	۹۵	۹۲
مستان آباد	۲۵	۱۳۸	۶۷	۷۱
منبر	۱۰۳	۵۴۸	۲۹۳	۲۵۵
موشان دره	۲۹	۱۶۱	۸۴	۷۷
ناصر آباد	۴۶	۲۴۴	۱۲۹	۱۱۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
وبس آباد	۱۲	٦۷	۳٦	۳۱
هاچه سو	۲۲۹	۱۲۵۳	٦۵۵	۵۹۸
هولاسو	۲۸۰	۱۵٤۰	۸۱۸	۷۲۲
یمین آباد	۳۳	۱٤٤	۷٦	٦۸
ینگجه	۸٦	٤۰۸	۲۲۷	۱۸۱
جمع دهستان شاهین دژ	٤۲٦۷	۲۲۹۱٤	۱۲۱۵۸	۱۰۷۵٦
ابراهیم آباد	۷۸	۳۹۰	۲۱٦	۱۷٤
اپلانلی تپه	۲۷	۱۵۳	۸۰	۷۳
امیر آباد	۱۰۳	۵۵۰	۳۰۵	۲٤۵
اوچ تپه قلعه	۲۵٤	۱٤٦۷	۷٦۰	۷۰۷
او چتپه‌کرد	۱۳٦	۷۸۲	٤٤۵	۳۳۷
اوزن اوبه	٦۲	۳۲۲	۱۸۱	۱٤۱
ایستگاه کشاورزی	۱۱	۵۳	۳۲	۲۱
بگتاش	۲۷٤	۱۳۲۰	٦۸۳	٦۳۷
بهی‌کندی	۱۰۵	۵٤۹	۲۹۱	۲۵۸
تازه‌کند تپه رش	٤۳	۳۰۰	۱٤۷	۱۵۳
تازه کند حاجی حسن	۲٤	۱۲٦	۷۱	۵۵
تازه کند للکلو	۵٤	۳٤٦	۱۹۱	۱۵۵
تپه رش	۲۸	۲۸۲	۱۳٦	۱٤٦
تپه صارمی	۱۹	۱۲۹	۷۰	۵۹
تقی آباد	۲۵۲	۱۳٤۵	۷۳٤	٦۱۱
جارجلو	۹۸	۵۳۲	۲۹۷	۲۳۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جعفر آباد	۵۵	۳۴۷	۱۵۱	۱۵۶
جعفر آباد چلیك	۶۲	۳۲۸	۱۷۷	۱۵۱
جواد حصاری	۱۱۳	۶۴۹	۳۵۵	۲۹۴
چغانلو	۴۵	۲۷۲	۱۲۹	۱۴۳
چلیك	۱۳۱	۶۹۹	۳۵۸	۳۴۱
حاجی بهزاد	۱۵۵	۸۹۵	۴۷۷	۴۱۸
حاجی حسن سفلی	۵۷	۲۸۹	۱۵۹	۱۳۰
حاجی حسن علیا	۵۴	۳۰۷	۱۵۶	۱۵۱
حاصل قویی افشار	۱۰۹	۶۴۵	۳۵۵	۲۹۰
حسن آباد	۷۰	۳۷۰	۱۹۰	۱۸۰
حسن آباد پایین	۲۳	۱۵۶	۸۴	۷۲
حسن کندی	۶۰	۳۵۹	۱۸۶	۱۷۳
حسین آباد	۳۲	۱۵۵	۸۱	۷۴
حیدر آباد	۲۲۴	۱۱۵۱	۶۲۶	۵۲۵
حیران	۲۶	۱۶۴	۸۴	۸۰
خزینه انبار جدید	۸۱	۴۱۳	۲۲۱	۱۹۲
خزینه انبار قدیم	۳۷	۱۸۲	۹۲	۹۰
داش تپه	۸۵	۵۵۰	۲۸۳	۲۶۷
دلمه	۱۰	۵۵	۳۰	۲۵
دوچی	۶۱	۳۴۹	۱۸۳	۱۶۶
رابری	۹۴	۴۹۷	۲۵۷	۲۴۰
زنجیر آباد	۹۱	۵۰۹	۲۵۹	۲۵۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ساتلمیش توپخانه	۳۹	۲۳۷	۱۳۲	۱۰۵
ساتلمیش علی‌قلی‌خان	۳	۲۰	۹	۱۱
ساتلمیش محمد آباد	۲۳	۱۳٤	۷۱	٦۳
ساتیلمیش محمدلو	۱۲٤	٦۸٤	۳٦۷	۳۱۷
سلیمان خان	۱	۷	٤	۳
سوگلی تپه	۲۷۵	۱٤۸۵	۷۸٦	٦۹۹
شاه آباد	۵۲	۲۹٤	۱٤۸	۱٤٦
شاه تپه	۱۳۷	۷۱٤	۳۷۹	۳۳۵
شبیلوی سفلا	۱۰٤	٦۷۰	۳٦۱	۳۰۹
شبیلوی علیا	۱۱۳	٦۷٦	۳٤٤	۳۳۲
شعبانلو	۱۲۲	٦٤۸	۳٤۲	۳۰٦
شلیله‌وند	۲٤۲	۱٤۲۷	۷۳۷	٦۹۰
شوکورکندی	۵۰	۲۹۵	۱٦۳	۱۳۲
شین آباد	۲۳	۱٤۰	٦۹	۷۱
عسکر آباد	۲	۵۱	۲٦	۲۵
علی بیگلو	۱۲۷	۷۰۲	۳۸٦	۳۱٦
فیروز آباد	۱۱۳	٦۰۳	۳۲۲	۲۸۱
قاریاغدی	۱۷٦	۸۸٦	٤۸٦	٤۰۰
قجلو	۱۱۹	۷۳۱	۳۳۸	۲۹۳
قرمز خلیفه سفلی	۵۳	۲۹۸	۱۵۰	۱٤۸
قرمز خلیفه علیا	۵۰	۲۹۹	۱٦۳	۱۳٦
قرهٔ پاپاق	٤۰	۲۵٤	۱٤۰	۱۱٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قره تپه	٥٦	٣٢٩	١٧٠	١٩٥
قره ورن	٤٤٩	٢٥٣١	١٣١٣	١٢١٨
قلعه‌کوچك	٢٨	١٨٤	١٠٢	٨٢
کانیه سر	٣٩	١٩٤	١١٠	٨٤
کرد کندی	٢٦	١٤٨	٧٨	٧٠
کور آباد	٥٩	٣٨٩	٢١٤	١٧٥
کوسهلر سفلی	٣٠	١٧٤	٨٨	٨٦
کوسهلر علیا	٣٩	٢٦٢	١٣٥	١٢٧
گاو میشگلی	١١٨	٦٧٣	٣٧٣	٣٠٠
گرده رشت	١٢١	٦٧٤	٣٥١	٣٢٣
گرگتپه خالصه	٣٥٠	١٧٥٢	٩٢٩	٨٢٣
گرگتپه لله	٢٣	١٣١	٧٣	٥٨
گوگجلو	١٥١	٩٣٠	٤٨٦	٤٤٤
للکلو	١٣٠	٧٤٣	٣٨٩	٣٥٤
مراد خانلو	٤٤	٢٧١	١٤٧	١٢٤
مروان کندی	٢٥	٢٣٩	١٣٥	١٠٤
مشیر آباد	٢٧	٢٠٨	١٠٧	١٠١
مظفر آباد	٩٨	٥٨٢	٣٢٩	٢٥٣
ملك آباد	٧٩	٤٤٤	٢٢٩	٢١٥
ملا شهاب الدین	٢٣١	١٣٧٥	٧١٣	٦٦٢
ممه دل	١٧٤	١١٥٥	٦٠٩	٥٤٦
نبی کندی	٣٨	٢١٤	١٠٦	١٠٨

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
نصیر کندی	۱۲۰	۵۸٤	۲۹۸	۲۸٦
نظام آباد	۱۰۹	۵۸٦	۳۱۳	۲۷۳
ولی آباد	٤۷	۲٤۵	۱۲۷	۱۱۸
یاریجان سفلی	۸۵	٤٤۲	۲۳۲	۲۱۰
یاریجان خالصه	۱٤۷	۷۸٦	٤۳۳	۳۵۳
یاریجان علیا	۱۲۷	٦۸۳	۳۲۷	۳۱۱
یاریجان للهخان	۲۵	۱۲۱	۵۹	٦۲
یورباشکندی	۱٦۲	۹٦۳	۵۱۸	٤٤۵
جمع دهستان مرحمت‌آباد	۸۳۹۸	٤۷۱۵٤	۲۵۰۳۳	۲۲۱۲۱
اشنویه	۸۲٤	٤۲۵٤	۲۱۵۲	۲۱۰۲
الکا آباد	۷	۳۸	۱۷	۲۱
امیر آباد	۳۹	۲۰۹	۱۰۹	۱۰۰
بالاگیر	٤۱	۲۲۵	۱۱۳	۱۱۲
بطریان	۹	٤۸	۲۵	۲۳
بمضرته	٤۸	۲۹۰	۱۵٦	۱۳٤
بیژ آباد	۳۵	۲۱٤	۱۱۱	۱۰۳
پروانه	۱۵	۹۹	۳۸	٦۱
پوش آباد	۲۷	۱۸۲	۹۱	۹۱
پولیه	۵	۱۷	۷	۱۰
پیروت آباد	۲٦	۱٤۷	۷۹	٦۸
پی قلعه	۹	٤۵	۲۵	۲۰
تاج الدین آباد	۲٦	۱۲۸	٦۷	٦۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تاژان دره	۳۳	۲۲۷	۱۲۳	۱۰٤
جاشیران	۳۳	۲۱۹	۱۳٤	۸۵
جبرئیل آباد	۷	٤۱	۲٤	۱۷
چبر آباد	۳۲	۱٦۸	۸٤	۸٤
چشمه گل	۳۱	۱٦۵	۹۲	۷۳
چهار بت	۱٦	۱۱۸	٦٤	۵٤
حسن آباد	٦۱	۳۰۸	۱۵۹	۱٤۹
حسن نوران	۷۵	٤۷۹	۲۵۹	۲۲۰
حق	۷٤	٤٦۰	۲۳٤	۲۲٦
خاله آباد	۳۸	۲۲٤	۱۱۹	۱۰۵
خاندلر	۲۵	۲۱٦	۱۰٤	۱۱۲
خورشت	۳۸	۲۲٤	۱۲۲	۱۰۲
دنخه	۱۷	۹۹	٤۷	۵۲
دورود	۲۵	۱٦٦	۷۹	۸۷
ده شمس	۷۵	٤۷۸	۲۳۱	۲٤۷
ده شمس کوچك	۱۱	۷۷	٤۲	۳۵
ده گرجی	۵٤	۳٤۷	۱٦۷	۱۸۰
زمه	۲٤	۱۵۹	۸۲	۷۷
سبیان	۱۳	۵٤	۲۵	۲۹
سر دره	۳۳	۲۳۳	۱۱۱	۱۲۲
سر گیز	٤۷	۲۹۰	۱۵٦	۱۳٤
سعید آباد	۱۵	۷٤	٤٤	۳۰

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سنگان	۸۸	۵۷۵	۲۹۸	۲۷۷
سوجه	۳۸	۲۶۶	۱۳۲	۱۳۴
شاهوانه	۴۵	۳۱۴	۱۷۹	۱۳۵
شیخ عثمان	۲۱	۱۰۹	۵۸	۵۱
شیخان	۶۰	۳۶۲	۱۸۱	۱۸۱
علی آباد	۶۲	۴۰۲	۲۲۹	۱۷۳
قره سقل	۲۲	۱۴۸	۷۱	۷۷
قزن آباد	۱۷	۸۴	۴۶	۳۸
کانی سرخ	۲۱	۱۵۴	۸۲	۷۲
کسیل آباد	۱۳	۸۲	۴۳	۳۹
کورش آباد	۳۴	۲۱۶	۱۱۵	۱۰۱
کهنه قلعه	۴۴	۲۶۹	۱۵۵	۱۱۴
گرد کاشان	۳۴	۱۶۷	۹۱	۷۶
گرگ آباد	۴۱	۲۳۳	۱۲۰	۱۱۳
گند اویله	۳۷	۲۴۰	۱۲۵	۱۱۵
میر آباد	۳۷	۳۷۷	۱۹۱	۱۸۶
نالوس	۱۴۴	۹۷۶	۴۹۱	۴۸۵
نرزیوه	۷۲	۳۸۷	۲۱۶	۱۷۱
نقران سفلی	۵	۳۱	۱۶	۱۵
نقران علیا	۳	۱۷	۱۰	۷
نلیوان	۶۲	۳۳۲	۱۷۹	۱۵۳
جمع دهستان اشنویه	۲۷۸۸	۱۶۴۶۳	۸۵۲۰	۷۹۴۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اخصار	۱۱	۸۳	٤۰	٤۳
اده	۲٤	۱۷۳	۸۰	۹۳
ارنه	۳٤	۲۵۸	۱۲۹	۱۲۹
اسماعیل آباد	۱۲	۵۵	۳۰	۲۵
اقطویله	۲۰۲	۱۲۰۵	٦۳٤	۵۷۱
اقا بگلو	۱۱٦	۷٤۱	۳۷۹	۳٦۲
اقچه زیوه	۵۵	۲۷۵	۱٤۸	۱۲۷
الاگوز سفلی	۲۹	۱۵۷	۷٤	۸۳
الاگوز علیا	۳۳	۱۸۵	۹۸	۸۷
امینلو	٤٤	۲۳٤	۱۲٦	۱۰۸
بارانی عجم	٤۷	۲۵۷	۱۳۰	۱۲۷
بارانی کرد	٤۳	۲۷۸	۱۵۱	۱۲۷
بالقچی	۸٤	۵۲۸	۲٦۵	۲٦۳
بچانلو	۲٦	۱۳۹	۷۷	٦۲
برده زرد	۷	۱۸	۱۱	۷
بندر حیدر آباد	۱	۲	۲	۰
بهرام آباد	۱۷	۱۱۷	۷۰	٤۷
بهمن آباد	۱۱۵	۵۳۹	۲۸۸	۲۵۱
بیضا آباد	۲۲	۱۵۳	۷۸	۷۵
بیگمقلعه	۲۱۱	۱۳۰٦	٦۹٦	٦۱۰
پناه آباد	۳۸	۱۹۰	۱۰۰	۹۰
پیه جیك	۱۳	۸۹	۵۲	۳۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
تابیه	۱۹	۱۱۱	۶۲	۴۹
تازه قلعه	۱۰۸	۶۳۹	۳۳۴	۳۰۵
تازه کند جبل	۷۴	۴۱۶	۲۲۴	۱۹۲
تازه کند دیم	۷۷	۴۳۰	۲۳۹	۱۹۱
تپوز آباد	۵۰	۲۷۶	۱۳۷	۱۳۹
تلخاب	۱۵	۶۸	۳۱	۳۷
چاکسنجو	۶	۳۹	۲۰	۱۹
چقال مصطفی	۴۱	۳۴۷	۱۸۰	۷۶۱
چیانه	۱۵۵	۹۵۰	۴۹۷	۴۵۳
حاجی باغلو	۱۸	۱۰۹	۵۵	۵۴
حاجی فیروز	۳۴	۲۰۳	۱۰۲	۱۰۱
حسنلو	۲۲۸	۱۲۸۰	۶۸۰	۶۰۰
حلبی	۶۰	۳۹۰	۱۹۹	۱۹۱
حیدر آباد	۱۱	۵۴	۲۶	۲۸
حسن خانه	۵۲	۲۸۸	۱۴۸	۱۴۰
خلیفان	۷۳	۴۸۸	۲۵۹	۲۲۹
خلیفلو	۹۰	۶۴۹	۳۱۸	۳۳۱
داشکسن	۳۹	۱۹۰	۱۰۲	۸۸
در بسر	۲۳	۱۴۳	۷۳	۷۰
در بند	۴۷	۲۶۸	۱۳۲	۱۳۶
درگه ارسخان	۱۲۰	۶۹۸	۳۶۰	۳۳۸
درگه سنگ	۳۴	۲۶۸	۱۴۴	۱۲۴

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دلمه	٤٨	٣٢١	١٨٦	١٣٥
دمرچی	٨	٥٧	٢٩	٢٨
دورگه لطف‌الله	٦٣	٣٨٧	٢٠٨	١٧٩
دولت آباد	٦٢	٣٢٤	١٦٨	١٥٦
دیزج	٣١	٢٨٠	١٣٩	١٤١
دیلان چی ارخی علیا	٢٩	١٩١	٩٧	٩٤
دیلان چی ارخی سفلی	٤١	٢٢٥	١١٦	١٠٩
دلیلان	٢٤	١٦٧	٧٨	٨٠
راهد هنه	٢٢٦	١٣٨١	٧١٦	٦٦٥
زینه ور	٢٠	٩٣	٥٤	٣٩
ساخسی تپه	٣٤	٢٣٣	١١٩	١١٤
سارال علیا و سفلی	٣٩	٢٤٤	١٢٨	١١٦
شرف‌الدین	١٥	٨٧	٣٦	٥١
شفیع قلعه	٦	٣٥	٢١	١٤
شونقار	٥٩	٣٠٩	١١٦	١٤٣
شهریار	٢٦	١٣٠	٦٠	٧٠
شیخ احمد	٨٤	٥١٨	٢٦٩	٢٤٩
شیخ معروف	٢١	١٤٣	٦٨	٧٥
شیروانشاهلو علیا	٥٤	٢٩٠	١٥٣	١٣٧
شیرین بلاغ	٢٧	١٤٧	٧٢	٧٥
شیطان آباد	٣٦	٢١٣	١١١	١٠٢
ظلم آباد	٣٩	٢١٤	١١٨	٩٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
عباس آباد	۳۲	۱۵۲	۸۱	۷۱
عجملو	۳۰	۱۹۸	۱۰۶	۹۲
عظیم خانلو	۳۷	۱۸۵	۹۸	۸۷
علی آباد	۶۳	۳۳۶	۱۸۱	۱۵۵
علی ملك	۵۵	۴۱۵	۲۱۴	۲۰۱
غلات	۵۷	۳۶۹	۱۹۱	۱۷۸
فرح زاد	۱۶۰	۸۵۶	۴۱۵	۴۴۱
قارنا	۶۵	۵۰۹	۲۷۷	۲۳۲
قره بلاغ	۳۳	۱۸۹	۹۸	۹۱
قره قشلاق	۱۴۳	۹۲۹	۴۸۹	۴۴۰
قره قصاب	۶۸	۴۵۸	۲۴۳	۲۱۵
قلعه جوق	۱۰۱	۵۴۲	۲۸۰	۲۶۲
قلات	۱۸	۱۱۵	۶۵	۵۰
کاروانسرا	۸۴	۴۷۰	۲۴۴	۲۲۶
کاموس	۲۰	۱۴۴	۸۱	۶۳
کانی مامسید	۳۱	۲۱۰	۱۰۳	۱۰۷
کوزه گران بزرگ	۹۴	۵۵۷	۲۸۹	۲۶۸
کوزه گران کوچك	۱۳	۸۱	۴۲	۳۹
کویك	۶۴	۳۷۷	۱۹۹	۱۷۸
کهریزه شکاك	۵۴	۳۲۷	۱۷۳	۱۵۴
کهریزه عجم	۱۴۲	۷۵۱	۳۹۱	۳۶۰
کهل	۸۰	۴۶۳	۲۵۴	۲۰۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گرده قیط	۷۲	۵۰۰	۲۷۰	۲۳۰
گل	۸۰	۵۱۱	۲۷۰	۲۴۱
گلوان	۷۲	۴۹۳	۲۴۶	۲۴۷
گوران آباد پاشایی	۵۰	۲۶۸	۱۳۹	۱۲۹
گوران آباد قاضی	۲۶	۱۴۰	۶۸	۷۲
گوران آباد قزاق	۳۳	۱۹۵	۱۰۱	۹۴
گورخانه	۶۲	۳۰۴	۱۶۴	۱۴۰
لواشلو	۲۷	۱۵۱	۷۸	۷۳
مجید آباد	۲۹	۱۶۲	۷۵	۸۷
محمد شاه سفلی	۹۰	۴۹۲	۲۶۷	۲۲۵
محمد شاه علیا	۴۹	۳۹۹	۱۹۸	۲۰۱
محمد یار	۱۶۸	۹۱۲	۴۵۷	۴۵۵
مملیان	۳۸	۲۷۹	۱۴۹	۱۳۰
ممیند	۱۲۶	۷۸۸	۴۲۴	۳۶۴
مهماندار	۳۷	۳۲۲	۱۵۹	۱۶۳
میر آباد	۶۴	۴۲۷	۲۲۶	۲۰۱
نرژه مس	۱۰	۷۷	۴۳	۳۴
نظام آباد	۱۰۰	۵۵۵	۲۹۵	۲۶۰
وزنه	۵۶	۳۳۸	۱۸۸	۱۵۰
یاد گارلو	۱۱۳	۵۹۹	۳۲۶	۲۷۳
یونسلو	۳۲	۲۰۸	۱۰۹	۹۹
جمع دهستان حومه	۶۳۳۳	۳۸۰۲۸	۱۹۸۶۷	۱۸۱۶۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اسلاملو	۲۵	۱۷۳	۷۹	۹٤
اقبلاغ	٦۵	٤۷۲	۲٤۳	۲۲۹
الیان	۱٤	۱۳۰	۷۲	۵۸
برد مشك	۵	۳۱	۱۳	۱۸
برده سپی	۱	٤	۰	٤
ترسه بلاغ	۲۱	۱۵۲	۷۲	۸۰
چاپان	۵	۳۸	۱٤	۲٤
دوریه	۵۱	۳۸۷	۱۸۰	۲۰۷
دوستك	۱۹	۱۳۹	٦۹	۷۰
رشگند	۱۵	۱۲۰	۵۹	٦۱
سندگر	۲۵	۱۵٤	۷٦	۷۸
سدگانه	۲۵	۲۱٤	۱۰۲	۱۱۲
سیاوان	۳۰	۲۳۱	۱۱۹	۱۱۲
شیوه برو	۲۲	۱۵٤	۷۲	۸۲
عین‌الروم	۳	۲۵	۱۰	۱۵
کلاس	۲	۱۸	۱۰	۸
گرکگل	۲۲	۱۸۵	۹۷	۸۸
گل ماوران	۷	٦۸	۳۳	۳۵
گلاز	۳۷	۳٤۷	۱۸٦	۱٦۱
گنده ملا عیسی	۳۳	۲۳۹	۱۲٤	۱۱۵
لولکان	۲۷	۱۹۰	۹۲	۹۸
جمع دهستان دشت بیل	٤۵٤	۳٤۷۱	۱۷۲۲	۱۷٤۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ابلس پیران	۸	٦٥	۳۷	۲۸
امین آباد	۱۷	۱۰۲	٥٥	٤۷
بادین آباد	٥۰	۳۰٥	۱٥٥	۱٥۰
بن دره	۳٦	۲۱۰	۱۰٤	۱۰٦
تمرچین	۱۷	۱۰۳	٥۳	٥۰
جران	۳٦	۱۹٦	۹۷	۹۹
چیانه	٤۸	۲۹۳	۱٥۲	۱٤۱
خواجه علی	٥	۲۹	۱٤	۱٥
دلاوان	۳٤	۲۳۳	۱۱٦	۱۱۷
دیلزه	٤٦	۲۹۳	۱٥۳	۱٤۰
زرگتن	۱۹٥	۱۰۹۰	٥٤٦	٥٤٤
زیدان	۱۸	۱۲٤	٦٥	٥۹
زیوه	٥۹	۳۳۷	۱۷۰	۱٦۷
سگرکان	۱۲	٥۹	۲۹	۳۰
سوره ده	۱۲	۸۱	۳۳	٤۸
سوغانلو	۷۳	٤۷۰	۲٥۸	۲۱۲
سید آباد	۱	۱۰	٤	٦
شین آباد	۱۰٥	۸٤۲	٤۳٤	٤۰۸
قلعه تراش	٤٥	۳٤۰	۱۸۱	۱٥۹
قلعه موت آباد	۲۱	۱۱۰	٥۷	٥۳
قلقله	۳	۲٤	۱۰	۱٤
قلات	٥	٤۱	۲۲	۱۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قمتره	۲۸	۱۷۵	۸۹	۸۶
قیز قاپان	۱۶	۱۱٤	٦۲	٥۲
کله کین	٥۰	۲۹٦	۱۳۸	۱٥۸
کهنه خانه	۳٤	۲۲۸	۱۲۰	۱۰۸
کهنه لاهیجان	٤۸	۳۰٤	۱٦۹	۱۳٥
گاس کاسك	۷۲	۳٤٥	۱٤۸	۱۹۷
گردیم خانه	۱٥	۷۸	٤٤	۳٤
گل اوا	۲۱	۱۰٥	٥٦	٤۹
ملابدر	٤	۲۳	۱۳	۱۰
نمنجی	۳٤	۲۰٥	۱۱۲	۹۳
واتمان	۱۳	٦٦	۳٤	۳۲
جمع دهستان پیران	۱۱۸۱	۷۲۹٦	۳۷۳۰	۳٥٦٦
ابلس	۱۲	۷٤	۳۸	۳٦
احمد غریب	۸	۸۰	۲۹	٥۱
اشنو زنگ	٦٤	٤٤۳	۲٤۹	۱۹٤
اندیزه	٥٦	۳۹۳	۲۰۲	۱۹۱
بابا خالد آباد	۲۸	۱۷۸	۹٤	۸٤
باباکر آباد	۱۳	۸۷	٤٥	٤۲
بازار که	۷	۷٤	۳٥	۳۹
بالیان	۱٥	۱۲٥	٦۳	٦۲
برده گل	۳٥	۲۳۹	۱۲۲	۱۱۷
برکامران	٤۷	۲٦۷	۱٤۲	۱۲٥

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کوی کارمندان پسوه	۲۴۴	۸۹۶	۴۹۲	۴۰۴
کوی کارمندان جلدیان	۱۶۵	۶۶۵	۳۵۲	۳۱۳
کوی کارمندان خانه	۴۱۳	۱۶۶۸	۸۷۳	۷۹۵
پسوه	۱۱۵	۹۷۴	۵۳۵	۴۳۹
پیرکانی	۱۱	۱۰۰	۴۹	۵۱
توان	۳۷	۲۳۹	۱۲۴	۱۱۵
توژاله	۲۹	۲۳۴	۱۲۸	۱۰۶
جلدیان	۱۴۹	۱۰۳۸	۵۴۱	۴۹۷
حاجی قلدا	۲۲	۱۲۲	۵۹	۶۳
حمزه آباد	۲۲	۱۱۵	۶۲	۵۳
خالدار	۳۶	۲۰۷	۱۰۸	۹۹
خرابه	۵۲	۲۷۱	۱۶۱	۱۱۰
خرنج	۶۳	۴۸۵	۲۶۳	۲۲۲
خره برده‌شان	۱۵	۹۴	۵۶	۳۸
دریکه	۸۹	۵۰۵	۲۶۹	۲۳۶
درویش آباد	۱۳	۱۰۳	۵۳	۵۰
دشتقوره	۳۴	۳۰۳	۱۵۹	۱۴۴
دلکا	۱۹	۱۶۶	۸۵	۸۱
دوآب	۱۹	۱۱۶	۵۹	۵۷
زنگ آباد	۶۴	۳۹۰	۲۰۸	۱۸۲
زنی روك	۴	۲۴	۱۰	۱۴
زین وینجیان	۳۴	۱۷۱	۸۴	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
زیو که	۲۵	۱۴۹	۸۳	۶۶
سروکانی	۱۱۹	۷۰۰	۳۷۹	۳۲۱
سرینجاوه	۴۳	۳۰۴	۱۵۷	۱۴۷
سنحاله	۲۳	۱۴۹	۷۰	۷۹
سوفیان	۷۰	۴۹۵	۲۵۱	۲۴۴
سید آباد	۶	۲۵	۱۳	۱۲
سیلوه	۸۷	۶۱۳	۳۱۰	۳۰۳
شاه واله	۷۵	۵۶۸	۲۶۸	۳۰۰
شلیمجاران	۴۶	۳۰۷	۱۵۶	۱۵۱
شوه برسی	۹	۵۸	۲۵	۳۳
قبه	۱۶	۱۲۲	۵۷	۶۵
قره خضر	۳۴	۲۳۱	۱۰۶	۱۲۵
قره معدوده	۳	۱۵	۹	۶
قلاتیان	۱۴	۹۲	۴۸	۴۴
قوریچای	۳۷	۲۳۲	۱۱۴	۱۱۸
قهوه خانه عبدالله	۱	۹	۳	۶
کاسه گران	۳۶	۲۶۳	۱۳۷	۱۲۶
کانی اشکوت	۱۶	۱۱۱	۵۵	۵۶
کانی باغ	۳۵	۲۰۲	۱۰۸	۹۴
کانی برد	۷	۷۲	۳۰	۴۲
کانی بلاغ	۲۶	۲۳۱	۱۱۳	۱۱۸
کانی رش	۲۱	۱۸۶	۱۰۵	۸۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کانی زرد	۷	٤٥	۲۳	۲۲
کانی مولا	۲۲	۱۸۱	۹۷	۸٤
کله سیپیان	۲۸	۲۱٤	۱۱٤	۱۰۰
کله کوله پائین	٦	٤۸	۲۷	۲۱
کله کوله بالا	٤	۲۹	۱٤	۱٥
کلیچ	٥٤	۳۸٦	۱۹٥	۱۹۱
کندره	۳۳	۲٤٦	۱۲٥	۱۲۱
کنده قولان سفلی	۱۰	۷۳	۳۹	۳٤
کنده قولان علیا	۱۰	٥٤	۳۳	۲۱
کوره	۹	٦۰	۲٦	۳٤
کیله سفلی	۱۹	۱۱٦	٥٤	٦۲
کیله علیا	۳٥	۲۷۱	۱۳٦	۱۳٥
گردا سه	۱٦	۱٥٦	۹۱	٦٥
گردا شوان	۲٤	۱٤٦	۷٦	۷۰
گرد سور	٤۳	۳۰۰	۱۳۹	۱٦۱
گرد کسپیان	٦۱	٤٥۲	۲٤٥	۲۰۷
گرد کشانه	۱۰۷	٥٤۸	۲۸۸	۲٦۰
گرد کولان	۱۲	۱۱۰	٥۱	٥۹
گرد گوران	۱۸	۱۰٦	٥٤	٥۲
گرده بن	٥۱	۳۳۱	۱۷۰	۱٦۱
گرگل بالا	۲٤	۲۱٤	۱۰٦	۱۰۸
گرگل پائین	٤٥	۳٥۲	۱۹۸	۱٥٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گنه دار	۱۵	۱۱۱	۶۵	۴۶
گیل حسن	۲۳	۱۴۳	۷۰	۷۳
لیك آباد	۶۳	۴۰۷	۲۰۸	۱۹۹
لیگبین	۶۰	۳۶۲	۱۷۲	۱۹۰
لاوین	۵۰	۳۷۳	۱۹۸	۱۷۵
ماشکان	۱۲	۹۰	۴۱	۴۹
هاوارابی	۱۲	۹۳	۵۰	۴۳
هفتشین	۱۳	۹۰	۵۰	۴۰
جمع دهستان لاهیجان	۳۵۶۹	۲۲۰۸۷	۱۱۵۰۱	۱۰۵۸۶
ابخور دار	۱۴	۱۰۹	۵۵	۵۴
بادین آباد	۱۵	۸۲	۴۳	۳۹
باوله بالا	۶	۳۹	۲۰	۱۹
بازرگان	۲۰	۱۵۴	۶۷	۸۷
باستان بك	۲۱	۱۲۸	۶۷	۶۱
باوله پائین	۷	۴۴	۲۵	۱۹
باوله سیدن	۵	۲۷	۹	۱۸
بدر آباد	۵	۳۳	۱۳	۲۰
بردشان	۲	۸	۴	۴
برده کراه	۱۵	۸۷	۳۲	۵۵
بکس	۴۳	۲۳۶	۱۳۳	۱۰۳
پانه سر	۶	۵۷	۳۰	۲۷
پردانه	۲۶	۱۲۳	۶۶	۵۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ترکشان	۱۳	۹۹	٤۹	٥۰
ترکش سفلی	٤٥	۲۸۹	۱۳٤	۱٥٥
ترکش علیا	۸	٥٦	۳٥	۲۱
حجران	۱٦	۱۳۲	٦۷	٦٥
خریاپ	۹	٤۱	۲٤	۱۷
خرچمن دره	۱۸	۱۰٦	٥۹	٤۷
خری عاقلان	۱۸	۱۱۲	٥٤	٥۸
دشت گندمان	۸	۳۲	۱٤	۱۸
دوچومن	۱۸	۱۲۳	٦۰	٦۳
دولی گران	۷	٥۷	۱۹	۳۸
دو لانیا	۷	٤۹	۲۸	۲۱
زاویه قوره	۱۰	۷۰	۳۳	۳۷
زویان	۸	٤٦	۲۱	۲٥
سرتز	٦	۳٥	۱۹	۱٦
سر چاوه	۱٤	۸۱	٤۷	۳٤
سلوس	۱٦	۱۰۳	٥٦	٤۷
سیبگدا بالا	۷	٥٦	۲۸	۲۸
سیبگدا پایین	۹	٥۳	۲۸	۲٥
شالی آباد	۱۲	٦٥	۳۹	۲٦
شختان	۲۹	۲۳۹	۱۱۲	۱۲۷
شکر آباد	۱٦	۹٥	٤٦	٤۹
شهر ستن	۳۳	۲٥۱	۱۳۸	۱۱۳

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
قادر آباد	۷	٤۱	۲٥	۱٦
قباد بگیان	۱٥	۱۳۲	٦٥	٦۷
قلات	۲۷	۲۱۰	۹۳	۱۱۷
کانی اشکوتان	۲۸	۱۷۷	۹۰	۸۷
کانی خلیل	۳	۲۸	۱٦	۱۲
کانی سیب	۹	٤٦	۲٥	۲۱
کانی شینکه	٥	٥۳	۲٤	۲۹
کانی کلیه	۱۲	۹٥	٥٤	٤۱
کانی کیلان	٤	۳۳	۱۷	۱٦
کانی نوبته	۷	٤۰	۲٥	۱٥
کرمدار	۱۱	٥۷	۲۹	۲۸
کلفت	۱۳	۹۱	٤٥	٤٦
کنه کج	۲٤	۱۷۷	۹۱	۸٦
کنه مشله	۱٤	۹۱	٤۹	٤۲
کوپر	٥٤	۳٦٦	۱۹۱	۱۷٥
گاز گاز	۱۷	۸٦	٤۸	۳۸
گرد احمد	۱٦	۱۰۷	٥٦	٥۱
گرد با ساك	۳٤	۲۱۱	۱۱٤	۹۷
گرد مراد بیگی	٤	٤٦	۲۱	۲٥
گرد نعلین	۱۷	۱۲۳	٦۰	٦۳
گرده سین	۱۰	۸۲	۳۳	٤۹
کلك	۱۷	۱۱٦	٦٤	٥۲

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کنه دارمنیگور	۱۵	۱۰۹	٤٥	٦٤
کیر شیطان	۱۳	۱۰۲	٦۰	٤۲
مام هیبه	۱۳	۱۰۰	٥۳	٤۷
میشده سفلی	۳٤	۲۳۷	۱۱٦	۱۲۱
میشده علیا	۱۳	٦۸	۲۸	٤۰
ورمیشان	٦	٥۲	۳۰	۲۲
هنك آباد	۷۳	٥۱٦	۲۷۱	۱٤٥
یاقوش	٤	۳۲	۱٤	۱۸
جمع دهستان منگور	۱۰۳۱	٦۹٤۱	۳٥۲٦	۳٤۱٥
ارزنه	٤۱	۲۲۹	۱۰۲	۱۲۷
اشکان سفلی	۳	۱٤	۷	۷
اشکان علیا	۳۰	۱۷۳	۹۰	۸۳
بالتان	۳	۱۹	۱۱	۸
بژوه	۱۲۲	٦٤۷	۳۲٤	۳۲۳
بشگه	۲	۱۷	۸	۹
بناوه	۱۰	٥۸	۳۱	۲۷
بی توش	۸۳	٤٥٥	۲۳٥	۲۲۰
تانچی	۱	۳	۱	۲
تیتسفلی	۱۱	٤٦	۲٦	۲۰
تیتعلیا	۹	٥۹	۲۷	۳۲
خوار میر	۱٥	٥٤	۳۰	۲٤
دنیاران	۱۲	٦۱	۳٦	۲٥

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دولکان	٤٧	٢٤٧	١٢٨	١١٩
دوله	٩	٥٤	٣٣	٢١
دوله سیب	٢	٩	٤	٥
دوله میر	٢	١٦	٦	١٠
دیگه	٦	٤٠	٢٠	٢٠
رجا که	٣	٢١	١٠	١١
رشکان سفلی	١٣	٧٢	٤٠	٣٢
رشکان علیا	٤	١٩	٩	١٠
زرد کانی سفلی	٦	٣٤	١٨	١٦
زرد کانی علیا	٤	١٩	١١	٨
سنجوه	٣٠	١٧٣	٨٦	٨٧
شیرانی	٨	٤٤	٢٠	٢٤
کار کژان	٣	٢٣	٩	١٤
کاکوس	٣	١٤	٦	٨
کاوژان	٨	٥٠	١٨	٣٢
کخ روتان	٢	١٢	٧	٢٤
گاکه	٨	٤٥	٢١	٢٤
گرتك	١	٢١	٥	١٦
گرده گروه	٥	٢٨	١٣	١٥
گرمابسفلی	١٦	٩٨	٤٦	٥٢
گرمابعلیا	٧	٥٦	٢٦	٣١
گویزل	٥	٣٧	١٧	٢٠

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
گویزیله	۲	۹	۵	٤
ماوندا	۱	۲	۱	۱
مریشکه	۲	۱۳	۸	۵
مزرعه	۸	٦۲	۲۹	۳۳
مزن آباد	۳۸	۲۱٤	۱۰۹	۱۰۵
مله گوشی	۱	٤	۱	۳
میدان	٦	۳۲	۱۳	۱۹
میر کاسه	۱۰	۷٤	٤۱	۳۳
یردان	۷	٤۵	۲۲	۲۳
جمع دهستان آلان	٦۰۹	۳٤۲۳	۱۷۱۰	۱۷۱۳
المان	۲	۹	۷	۲
چاله	۳	۱۵	۷	۸
چوم	۸	٤۳	۲٤	۱۹
چومپو	۳	۲۰	۵	۱۵
خانه خل بالا	۷	٤۲	۱۸	۲٤
خانه خل پائین	۸	۳۸	۱۷	۲۱
دار مرجان	۳	۱۸	۱۰	۸
دارمیشان	۳	۱۷	۹	۸
دشتبانوان	۲	۱۱	٤	۷
رزکه	۱٤	۹۱	۳۷	۵٤
زلان	۳	۲۳	۹	۱٤
زیره مرگ	۲٤	۱۳۵	٦٤	۷۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
ستوان	٤	۲۷	۱۱	۱٦
شلماش	٦۸	۳۷۲	۱٦٤	۲۰۸
شیخه سور	۲	۱۳	۷	٦
شیره خوره	۱	٤	۱	۳
قصه خدریان	۲	۱۲	٦	٦
کانی بید	۲۰	۸۵	٤۷	۳۸
کانی سیب	۱	۸	۳	۵
کریوه	٤	۲۵	۹	۱٦
کرلوسه بالا	٤۳	۲۲٤	۱۰۹	۱۱۵
کولوسه پائین	۵۹	۲٦۲	۱٤۳	۱۱۹
کرویس	٤۳	۲۲۵	۱۰۰	۱۲۵
کلسپی	۹	۵۷	۲۰	۳۷
گنج زیوه	۱	۱۱	٤	۷
مهرگان	۳	۱۸	۷	۱۱
نیسك آباد	۳٤	۱۵۲	٦۵	۸۷
نیو کردار	۱۲	٤۵	۱٦	۲۹
وزچك	۳۳	۱۳۱	۵٦	۷۵
یاسین آباد	۱٦	٦۵	۳۳	۲۳
جمع دهستان باسك کولوسه	٤۳۵	۲۱٦۸	۱۰۱۲	۱۱۸٦
ابراهیم آباد	۵	۲٦	۱٤	۱۲
اسپمیره	۱۸	۱۰۳	۳۹	٦٤
اشترمل	۹	٦۵	۳۱	۳٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
اشقله گوز	٤	١٥	٨	٧
ایگری قاران	٩	٥٩	٣٢	٢٧
بارسکدو	١٠	٦٨	٤١	٢٧
باسك خرابان	١	٧	٢	٥
باسکرود	٤	١٥	٦	٩
باغ	١٧	١١١	٥٩	٥٢
بانو	١٠	٥٨	٢٩	٢٩
باوه	١٢	٧٣	٣٢	٤١
برده سپیان	١٠	٤٤	٢٠	٢٤
بزیله	١٧	١١٥	٥٠	٦٥
بناوه	٤٤	٢٦٦	١٣٦	١٣٠
بهشاسب	٤٦	٢٥٩	١٣٦	١٢٣
بیران	٣٩	٢٣٣	١٠٠	١٣٣
بیوران بالا	٧٩	٤٧٧	٢٤٢	٢٣٥
بیوران سفلی	١١١	٦١٦	٣٠٨	٣٠٨
ترشیان	١٦	٥٩	٣١	٢٨
چا پاره	٩	٣٧	١٩	١٨
چاکه	١	٧	٥	٢
خره اغل	١١	٥٣	٢٦	٢٧
خره چاکی	٢	١٤	٦	٨
درمان آباد	٤	٢١	٧	١٤
دوله بید	٨	٤٩	٢٦	٢٣

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
دوله گرم	۴۸	۲۶۵	۱۴۱	۱۲۴
راشی	۹	۳۹	۲۲	۱۷
رشته هرمی	۱۳	۶۶	۳۸	۲۸
زره با کمر	۱	۵	۲	۳
ژاژو که	۱۵	۹۹	۴۶	۵۳
سر چاوه	۴	۳۲	۱۵	۱۷
سند ولان	۶	۳۵	۱۶	۱۹
سیوتال	۲۱	۱۲۶	۵۸	۶۸
سوره چوم	۱۰	۹۱	۵۳	۳۸
شیبانه	۱۲	۷۷	۳۲	۴۵
شینو	۱۸	۱۱۷	۶۳	۵۴
شیواشان	۲۷	۱۳۱	۷۲	۵۹
شیوه ابراهیم	۲۷	۱۳۳	۸۱	۵۲
شیوه صل	۲۶	۱۱۷	۵۷	۶۰
قفه سلیمان	۷	۴۱	۱۷	۲۴
قازان	۵	۲۴	۱۴	۱۰
قلعه رشه	۹۳	۵۲۷	۲۶۷	۲۵۹
قوله سویر	۱۳	۹۴	۴۲	۵۲
کاژه	۱۸	۱۳۱	۷۲	۵۹
کانن بید	۱	۵	۳	۲
کانی رش	۱۴	۵۷	۳۱	۲۶
کانی سیب	۷	۴۱	۲۰	۱

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
کاوله کن	۹	۳۹	۱۷	۲۲
کوخ خال عباس	۱	۹	۳	٦
کولکورش	٦	۳۷	۱۸	۱۹
کهنه شینو	۱	۹	٦	۳
کیفر آباد	٤	۲۸	۱۲	۱٦
گلینه	۱۲	٥۱	۳۱	۲۰
گلینه کوچك	۸	٤٤	۲۱	۲۳
گود مریشك	۹	٤٥	۲۲	۲۳
گورانگان	٥۱	۲٦۰	۱۳۱	۱۲۹
گودلان بالا	۳	۲۲	۱۱	۱۱
گودلان سفلی	۱۰	٤٤	۱۸	۲٦
مراد	۱	۳	۲	۱
مراغان	٤٥	۲۳٥	۱۱۷	۱۱۸
میرشیخ حیدر	٤۹	۲۳۳	۱۲٥	۱۰۸
نیو نمام	۲	۹	٦	۳
ورتندو	۲	۱۲	٤	۸
هلوی	٤۰	۲۳۸	۱۲۲	۱۱٦
هوار سلیمان	۱٦	۸۲	٤۰	٤۲
جمع دهستان بریاجی	۱۱٦۰	٦٥۰۳	۳۲۷٤	۳۲۲۹
بالان	۹	٤٤	۲۳	۲۱
بانه زیر	۳۷	۲۲۱	۱۱۷	۱۰٤
بری سو	۲۳	۱۱٥	٦۱	٥٤

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بصره	۳٤	۱۸۸	۹٦	۹۲
بناویله بزرگ	۳۰	۱۷۰	۸۷	۸۳
بناویله کوچك	۳۰	۱۷۱	۸٦	۸۵
دارساوین	۱۹	۱۳۳	٦۷	٦٦
ربط	۳۰	۱۷۹	۸٤	۹۵
سرچشمه	۱۷	۹۳	۵۷	۳٦
شالکه	٦	۳۵	۱۷	۱۸
قلعه	۲۳	۱۱۰	۵۵	۵۵
قهوه خانه سرچشمه	۱۰	۳۰	۱٦	۱٤
کانی گوز	۲۱	۱۰۳	۵٤	٤۹
کندکه	۲۰	۱۰۲	۵٤	٤۸
لیلانه	۵۳	۲٦۳	۱۳۵	۱۲۸
ماولو	۲۵	۱۲٦	۵٦	۷۰
مرانه	٦	۳۸	۲٤	۱٤
ملك آباد	۳۸	۲۰۵	۱۱٦	۸۹
واتمان آباد	۱٦	۸۳	۳۹	٤٤
هند آباد	٤۵	۲۷۷	۱٤۸	۱۲۹
یوسفکل	۳۹	۲٤۵	۱۲۰	۱۲۵
جمع دهستان کلاس	۵۳۱	۲۹۳۱	۱۵۱۲	۱٤۱۹
باریکایی	۲۲	۱٤۰	۷۰	۷۰
بروه	۱٦	۷۷	٤۱	۳٦
بلاو	۲٤	۱۲٤	۵۹	٦۵

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
بناویله حاجی مینه	۲۶	۱۴۵	۷۶	۶۹
پاراستان	۵۶	۳۲۷	۱۵۸	۱۶۹
پلژیرد	۹	۴۸	۲۴	۲۳
جان داران	۲۸	۱۸۱	۸۸	۹۳
چبیرند	۱۶	۱۱۷	۵۸	۵۹
جمکه	۷	۵۰	۲۱	۲۹
چوالان	۲۸	۱۴۵	۶۱	۸۴
چومل	۹	۵۰	۲۷	۲۳
خاله آباد	۳	۲۰	۸	۱۲
خلیصان	۳۴	۱۹۵	۱۰۵	۹۰
دشتی	۱۸	۱۱۴	۵۷	۵۵
دوله تو	۳۳	۱۹۹	۹۵	۱۰۴
زرکتان	۲	۱۸	۹	۹
زمزیران	۴۵	۲۵۸	۱۱۸	۱۴۰
سارتکه	۳۷	۲۳۹	۱۱۴	۱۲۵
سرخاب	۱۰	۶۲	۳۸	۲۴
سویرو	۲۷	۱۷۴	۹۳	۸۱
سید آباد	۱	۸	۳	۵
سیسیر	۶۴	۴۶۹	۲۵۰	۲۱۹
شلمان	۲۵	۱۲۹	۵۵	۷۴
شموله	۳۹	۲۲۷	۱۱۲	۱۱۵
شندره	۲۵	۱۵۳	۸۵	۶۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شیخ عیسی	۱٤	٦٥	۳٥	۳۰
شیوه چو	۱٦	۷۷	٤۰	۳۷
قامیشه	۱٥	۷٥	٤٤	۳۱
کاکوزه بالا	۷	۳٤	۱۹	۱٥
کال دره	۱۳	٦۸	۳۱	۳۷
کانی اسپان	۷	٤٥	۲٤	۲۱
کتان	٦	٤۸	۲۹	۱۹
کخ قلعه سمور	٦	۲۹	۱٦	۱۳
کله‌کاوی	۲۲	۱۲۷	٥٤	۷۳
کنه ورچه	۱۲	۸٦	٤٦	٤۰
کاکوژه	٦	۳۳	۱۲	۲۱
کرژال بالا	۹	٤۳	۱٥	۲۸
کرك آباد	٥	۲٦	۱۳	۱۳
کوله	٥۱	۳۱٦	۱٥۱	۱٦٥
ماما زینه	۲٦	۱٤۳	۷٥	٦۸
میرگه پیرگه	۱۰	٦۱	۲۲	۳۹
میونه	۱۷	۱۱۲	٦۳	٤۹
نستان	۸۰	۳۸۳	۱٦۳	۲۲۰
نلوسه	۲٦	۲۱٥	۱۰۲	۱۱۳
نو آباد	٥۹	۳٦۹	۱۸٥	۱۸٤
ورگیل	۳۸	۲۱۷	۱۱۲	۱۰٥
ولیو	۳۳	۱۹٦	۱۰۰	۹٦

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
هرمز آباد	۱۹	۱۰۳	۵۳	۵۰
همو ان	۲٤	۱۱۸	٦٤	۵٤
جمع دهستان گورك سردشت	۱۱۲۵	٦٦۵۵	۳۲۹۳	۳۳٦۲
احمد بریو	٤۹	۲٦۵	۱۳۳	۱۳۲
اش حاجی	۳	۱٦	۷	۹
اغلان	٤٤	۲۳۸	۱۱۸	۱۲۰
باس آباد	٤۵	۲۹۱	۱۵۰	۱٤۱
برده سور	۱۱	٦۰	۲۲	۳۸
بنو خلف	٤۵	۲۷۷	۱٤۰	۱۳۷
بویانه	۲۲	۹۸	٤۱	۵۷
توژال	۲۵	۱۸٦	۹٦	۹۰
توی	۱۲	۹۳	۵۱	٤۲
خیله	۲	۱۱	۷	٤
دشتی طلا	۳	۱۷	۸	۹
دیگه	۲۷	۱٤۰	۵٤	۸٦
دیوالان	۵۲	۲۷٤	۱۳٤	۱٤۰
زله	۱۲	۷۱	۳٤	۳۷
زوران	٤۱	۲۵۵	۱٤۳	۱۱۲
زیوه	۷۵	٤٤۷	۲٤۰	۲۰۷
سر شیو	۲۵	۱۳۷	٦۸	٦۹
سلکتان	۱۵	۸۲	٤۸	۳٤
سوره بان	۸	٤۹	۲۱	۲۸

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
شادمان	۷	۳۹	۱۶	۲۳
شمه شیخه	۶	۳۴	۱۵	۱۹
کان زرد	۴۵	۲۷۹	۱۳۲	۱۴۷
کخ باشقلانه	۲	۱۲	۶	۶
کرزال پائین	۱۰	۶۳	۳۵	۲۸
کودله	۱۹	۱۰۳	۵۶	۴۷
کور بناب	۲۷	۱۳۴	۶۹	۶۵
کونه مشکه	۳۵	۲۲۴	۱۱۲	۱۱۲
کهنه زوران	۳	۱۹	۹	۱۰
گل کند	۳۴	۲۱۸	۱۰۰	۱۱۸
کلو	۱۲	۶۲	۳۹	۲۳
ملا شیخ	۵۷	۳۱۵	۱۷۷	۱۳۸
ممند داوا	۶	۳۲	۱۶	۱۶
نارست	۹	۴۴	۱۸	۲۶
نژاوه	۷	۳۶	۱۸	۱۸
نلاس	۴۰	۲۲۳	۱۰۹	۱۱۴
نوچولان	۲۲	۹۶	۴۵	۵۱
نیشکولان	۱۴	۸۶	۴۷	۳۹
واشمزین	۱۷	۱۲۲	۵۴	۶۸
واوان	۳۵	۱۸۷	۸۴	۱۰۳
ورده	۴۶	۲۱۸	۱۱۲	۱۰۶
ورده پهن	۵	۳۲	۲۳	۹

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
جمع دهستان ملکاری	۹۷٤	٥٥۸٥	۲۸۰۷	۲۷۷۸
اشخال	۳۷	۲۱٤	۹۲	۱۲۲
اشدینه	٤	۱٤	۸	٦
ال مران	۸	٤٥	۲٥	۲۰
الواتان	٦۸	۳۸۹	۱۷۳	۲۱٦
الاوان	۳۲	۲۲۰	۱۲٥	۹٥
بایزمرا	٤	۱۸	٦	۱۲
برینه	۱۹	۸۸	٤۳	٤٥
بیبلوکه	۲۱	۱۰۳	٤٦	٥۷
بیبلینك	۳	۲۲	۱۰	۱۲
توژان	٥	۳٦	۱۹	۱۷
چکو	۳٥	۲۳۳	۱۰۹	۱۲٤
حسن آباد	٤	۳٦	۱۹	۱۷
داربران	٦	۳٤	۱۸	۱٦
دارمکون بالا	۲٥	۱۳۱	٥۱	۸۰
دارمکون پائین	۸	٤۱	۲۲	۱۹
داود آباد	٤۱	۱۸۲	۷٤	۱۰۸
دوله تو	٦٦	۲۸۷	۱۲۳	۱٦٤
زیوه	۷	۳۸	۱۸	۲۰
سالاره	۳	۲۰	٦	۱٤
ساوان	۱۱	٦٤	۲٤	٤۰
سپید اره	۱۲	٥۱	۲٤	۲۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
سپید اره	۱۹	۱۰۰	٤٤	٥٦
سپیکان	٤۲	۲۲٥	۱۱۱	۱۱٤
سرمرگان	۱۲	٦٥	۲٥	٤۰
سرمرگان	٦	۳۸	۲۲	۱٦
سوستان سفلی	۱۷	۱۰۹	٦٥	٤٤
سیره مرگ	٥	۱۷	٥	۱۲
سیونا	۲۷	۱۳٦	٦٥	۷۱
شوانشان	٤	۲٥	۱۲	۱۳
شیواوکان	۱٥	۱۰۰	٤٦	٥٤
شیوه مران	۱۸	۱۲۱	٤۹	۷۲
قلعه تاسیان	۳۱	۱٥۹	۸٤	۷٥
کاولان	۱٤	۹۲	۳٤	٥۸
کچل آباد	۱۸	۸۷	٤٦	٤۱
کنه مشکه	۲٥	۱۳۷	٦٥	۷۲
کردینه بالا	۳	۱٥	٤	۱۱
کردینه پائین	٤	۱۲	٤	۸
کرو	٤٦	۲۷٥	۱۳۰	۱٤٥
کوره شیر	۱۰	۳۹	۱۹	۲۰
کوزیله	۳۳	۱٦۲	٦۲	۱۰۰
کومان	٥۳	۲٥۳	۱۲۸	۱۲٥
مامکاوه	٤۹	۱۸۸	۷٥	۱۱۳
مزرعه	۳۰	۱۸۱	۹٤	۸۷

نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
موسلان	۱۰۵	۳۶۸	۱۷۶	۱۹۲
میرآباد	۷۹	۳۹۵	۱۸۷	۲۰۸
نبی آباد	۲۵	۱۳٤	٦۹	٦۵
نسك آباد	۱۱	٦۳	۳٤	۲۹
نوکان	۵	۲۵	۱۲	۱۳
نیزه سفلی	۱۸	۱۲۰	۵۲	٦۸
نیزه علیا	۲۳	۱۳٦	٦۳	۷۳
نیوژ	۲۵	۱۵۳	٦٦	۸۷
جمع دهستان نعلین	۱۱٦۱	٦۱۹٦	۲۸۸۳	۳۳۱۳

فصل یازدهم

کتابشناسی آذربایجان

آثار ایران ـ ازنشریات اداره کل عتیقات ۲ ج ۱۳۱۴ ـ ۱۳۱۸ شمسی

آذری ـ سیدعلی : **قیام‌خیابانی** پیشوای تجدد آزادی ایران در تبریز ، تهران ۱۳۲۹ ش

آقسرائی ـ محمودبن محمد؛ **مسامرة‌الاخیار** ومسایرة الاخبار، آنقره ۱۹۴۴

ابراهیمی‌وفائیـجلال: **آثار تاریخی‌شهرستان‌میانه**، ماهنامه‌ادارهٔ کل‌آموزش وپرورش آذربایجان شرقی ، ج ۱ ش ۳

ابن‌الاثیر ـ عزالدین ابوالحسن : **الکامل فی‌التاریخ** ، طبع بیروت ۱۳ ج ، ۱۹۶۷

ابن‌اسفندیارـ بهاءالدین‌محمد: **تاریخ‌طبرستان**تألیف سال۶۱۳ ه ، باهتمام ـ مرحوم عباس اقبال آشتیانی، ۲ ج تهران ۱۳۲۰

ابن‌بزاز ـ توکلی‌بن اسمعیل ؛ **صفوة‌الصفا** (مواهب‌السنیة فی‌مناقب‌الصفویه) ، چاپ سنگی بمبئی ۱۳۲۹ قمری.

ابن‌بطوطه ـ شرف‌الدین ابوعبدالله‌محمد : **تحفة‌النظار**فی‌غرائب‌الامصار وعجائب الاسفار طبع پاریس ۴ ج ، ۱۸۵۳ ـ ۱۸۵۹ ، وطبع قاهره ۱۳۲۲ ه ۲ ج

ابن بی‌بی ـ الحسین‌بن محمدجعفری : **الاوامر العلائیة** فی‌الامورالعلائیة، چاپ عکسی ، آنکارا ۱۹۵۶

ابن‌حوقل ـ ابوالقاسم محمدبن حوقل: **صورة‌الارض** ۲ ج ، لیدن ۱۹۳۹ م

ابن‌خرداذبه ـ ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله : **المسالک‌والممالک** ، لیدن ۱۸۸۹م

ابن رسته ـ ابوعلی احمدبن‌عمربن‌رسته: **الاعلاق‌النفیسه**، تألیف سال ۲۹۰ ه ، لیدن ۱۸۹۲

ابن‌شاکر کتبیـ محمدبن شاکربن‌احمدالکتبی: **فوات‌الوفیات** ، ۲ جاسلامبول ۱۲۹۹ ه .

ابن‌عبدالحق ـ صفی‌الدین‌عبدالمؤمن : **مراصدالاطلاع** فی‌اسماءالامکنةوالبقاع ۴ ج ـ لیدن ۱۸۵۰ ـ ۱۸۶۴

ابن‌العبری ـ ابوالفرج‌بن‌اهرون : **تاریخ مختصرالدول** ، بیروت ۱۸۹۰م

ابن‌الفقیه ـ ابوبکراحمدبن محمد همدانی : مختصر کتاب البلدان ، لیدن ۱۸۸۵م
ابن‌الفوطی ـ کمال‌الدین ابوالفضل : **مجمع‌الاداب** فی‌معجم‌الالقاب ، ۴ ج، ـ بغداد ۱۹۶۲
ابن مسکویه ـ احمدبن محمدبن یعقوب : تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم ۳ ج ، چاپ عکسی ، لیدن ۱۹۰۹
ابن الندیم ـ ابوالفرج محمدبن اسحق : **کتاب الفهرست** ، طبع لیپزیك ـ ۱۸۷۱ ـ ۱۸۷۲ م .
ابوبکر طهرانی : کتاب **دیاربکریه** ، ۲ ج طبع آنکارا ، ۱۹۶۲ ـ ۱۹۶۴م
ابودلف ـ مسعربن‌المهلهل : **الرسالةالثانیه** ، قاهره ۱۹۵۵
ابوالفدا ـ الملك‌المؤید ، اسماعیل‌بن‌ابی‌الفداء ؛ **المختصرفی‌اخبارالبشر** ، ۴ ج ، طبع آستانه ۱۲۸۶ ه ، **تقویم‌البلدان** ، پاریس ۱۸۴۰م
ابویوسف ـ القاضی ابویوسف یعقوب‌بن‌ابراهیم : **کتاب‌الخراج**، بولاق ۱۳۰۲ه
ادیب‌طوسی (محمدامین) ، **نمونه‌ای ازفهلویات قزوین** وزنجان و تبریزدر قرن هفتم ، **فهلویات مغربی تبریزی ، فهلویات زبان آذری** در قرن هشتم ونهم ، **فهلویات ماما عصمت** وکشفی بزبان آذری، (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال هفتم و هشتم ونهم ۱۳۲۹ ـ ۱۳۳۵)
زبان هرزندات مرند ، مجله ماهتاب سال اول‌ص۲۷۰ـ۲۷۶ ،
ارژنگی ـ هوشنگ: **تعبیرات واصطلاحات** وامثال‌مشترك فارسی وآذربایجان نشریه دانشکدهٔ ادبیات تبریز سال ۹ و ۱۰
اروج‌بیك بیات: **دون ژوان ایرانی**، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران۱۳۳۸
اسامی دهات کشور(نشریه اداره‌کل آمار ج ۱ تهران ۱۳۲۹)
اسکندر بیك‌ترکمان منشیـ تاریخ **عالم‌آرای‌عباسی**، ۲ج تهران۱۳۳۴ ش
الاصطخریـ ابواسحق‌ابراهیم‌بن‌محمد ـ **صورالاقالیم**، لیدن۱۹۲۷ **کتاب‌الاقالیم** طبع عکسی گوتا (آلمان شرقی) ؛ **مسالك‌وممالك** اصطخری (ترجمه فارسی)، تهران ۱۳۴۰ ش
اعتضادالسلطنه ـ علیقلی‌میرزا: **فتنهٔ باب**، باهتمام دکتر عبدالحسین‌نوائی تهران ۱۳۳۳ ش .
اعتمادالسلطنهـ محمدحسن‌خان: **منتظم‌ناصری**۳ج، تهران ۱۲۹۸ ـ ۱۳۰۰ق
اقبال آشتیانیـ عباس: زبان‌ترکی درآذربایجان مجله یادگارسال‌دوم شماره سوم، تاریخ مغصل ایران ، تهران کتابفروشی خیام ، **تاریخ مغول** ، تهران ۱۳۴۱ ش؛ حیدر

خان عمواوغلی، یادگار ، ج ۳ شماره ۵ ،
شرح‌حال مرحوم شریف‌زاده وبرادر او ، یادگار ، ج ۳ شماره ۱۰ ،
بردارکردن ثقةالاسلام ، یغما سال ۷ (نقل از شهدای مشروطیت)؛ خلخال، یادگار ج ۲ ش ۹

امانی (دکتر) . **بررسی‌های‌دموگرافیک** دربارهٔ اقلیتهای‌مذهبی‌ایران(نشریه اداره‌کل آمارعمومی)

امیرخیزی ـ اسمعیل :**قیام‌آذربایجان** و ستارخان، تبریز ۱۳۳۹ش

امین‌سبحانی ـ رضا : تاریخچه ووجه تسمیه مدارس تبریز ، ج اول ۱۳۳۷ ش

امین‌احمدرازی : تذکره هفت‌اقلیم ۲ ج کلکته ۱۹۱۸ ـ ۱۹۳۹

امینی ـ رضا ، **اردبیل** اطلاعات ماهانه ج ۲ ش۲

اولیا چلبی : **سیاحتنامه** (قسمت آذربایجان و تبریز) ترجمه حاج حسین آقا نخجوانی، تبریز ۱۳۳۸ ش ، **سیاحت‌نامه** طبع استانبول ۱۹۱۴ م

ایرانشهر : نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران ، ۲ ج تهران ۱۳۴۲ ـ ۱۳۴۳

ایزدیار : آذربایجان وزبان آذری ، مجله ارمغان سال ۲۴: ۶۸ـ۹۶

بادکوبی ـ آخوند میرزاعلی : **تجریداللغات** ، تهران ۱۳۱۴ ق

بارتلد ـ تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه‌سردادور ، تهران ۱۳۰۸

بازرگان ـ فریدون : راجع به مرحوم حیدرخان عمواوغلی ، یادگارج ۳ ش۸

براون ـ (ادوارد) : **تاریخ‌ادبیات‌ایران** (از فردوسی تاسعدی) ترجمه و تحشیه فتح‌الله مجتبائی تهران ۱۳۴۲، **الادب‌فی‌ایران** من‌الفردوسی الی‌سعدی، الدکتور امین ـ الشواربی ، مصر، ۱۹۵۴ ؛ از **سعدی تا جامی** ، ترجمه و تحشیه علی‌اصغر حکمت طبع دوم ۱۳۳۹ ش ؛ تاریخ ادبیات ایران از **صفویه تا مشروطیت** ، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی ، طبع دوم تهران ۱۳۲۹ ش.

البلاذری ـ ابوالعباس احمدبن یحیی، **فتوح‌البلدان** . لیدن ۱۸۷۶م

البدرینی ـ بدرالدین ابوالضیاء : **تراجم‌الاعیان فی ابناءالزمان**

بهزاد :کریم طاهرزاده : **قیام آذربایجان** درانقلاب مشروطیت ایران تهران ۱۳۳۴ ش

بهرنگی ـ صمد : **پسوند در زبان‌کنونی آذربایجان** ، راهنمای‌کتاب، سال۶ ۲۲۰ـ۲۲۲ـ ۷۵۱، دستورکنونی‌آذربایجان، راهنمای‌کتاب ۵:۷۴۷ـ۷۵۱، ماضی ومضارع درجریان درزبان‌کنونی آذربایجان، فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳ـ۷۲۰، ۷۶ .

بهنام ـ عیسی : گنبدسرخ مراغه ، هنرومردم، ج ۱ شماره۸ .

بیانی (دکترشیرین) - **تاریخ آل جلایر** ، تهران ۱۳۴۵ش
پطروشفسکی : کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول ۲ ج ، ترجمه کریم کشاورز ، تهران ۱۳۴۴ ش
پیرزاده ـ شیخ‌حسین‌بن ابدال‌زاهدی : **سلسلة‌النسب‌صفویه**، برلن۱۳۰۳ش
جاوید ـ دکترسلام‌الله ، **خودآموز زبان آذربایجانی** تهران ۱۳۴۲ ،
خلاصه تاریخ‌مشروطیت ایران ، فداکاران فراموش شده، ورسالاتی دیگردرباره رجال‌آذربایجانی دورهٔ مشروطیت .
پسیان ـ نجفقلی : مهابادخونین تاکرانه های ارس
ترابی‌طباطبائیـسیدجمال‌الدین: **نقش‌هاونگاشته‌های‌مسجدکبود** تبریز ، تبریز۱۳۴۸ ، **سکه‌های‌اسلامی دورهٔ ایلخانی** وگورکانی، تبریز ۱۳۴۷
تقی‌زاده ـ سید حسن : **تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان** ، نشریه کتابخانه ملی تبریز ، ج ۱ ش ۱
تربیت ـ محمدعلی : **دانشمندان آذربایجان** ، تهران ۱۳۱۴ ش
ثقة‌الاسلام‌شهیدـمیرزاعلی‌آقا: **تاریخ‌امکنه‌شریفه ورجال برجسته** تبریز ، تبریز ۱۳۳۲ ش
جرجس‌بن‌العمید (الشیخ‌المکین ابن‌فضل‌الله‌العمری) :
تاریخ‌المسلمین من‌صاحب‌شریعة‌الاسلام ابی‌القاسم محمدالی‌الدولة الاتابکیة، لیدن ۱۶۲۵
جمال‌الدین بن‌الحسنالازدی : **نبذةمن‌الجزءالثانی** من‌اخبارالدول‌المنقطعه‌ـ (الدولة الساجیة بالجبال)
جنابیان ـ شاهرخ : چند ترانه از شاهپور (سلماس)، مجله سخن ۱۵:۳
جنیدی ـ دکتر محمد جواد : **چشمه های معدنی ایران** : ج ۱ طبع دانشگاه تبریز ۱۳۴۸ ش
جوینیـعطاملك: **تاریخ جهانگشا**، به‌تصحیح مرحوم محمدقزوینی۳ج،طبع‌اروپا،
حافظ‌ابرو ـ عبدالله‌خوافی: **ذیل‌جامع‌التواریخ‌رشیدی**، باهتمام دکتر خانبابا بیانی ، تهران ۱۳۱۷
حدودالعالم‌من‌المشرق الی‌المغرب : طبع‌دانشگاه تهران ۱۳۴۰ ش
حسن‌بن‌محمد : تاریخ‌قم ، باهتمام سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران ۱۳۱۳ش
حکیم ـ محمدتقی : گنج‌دانش طبع طهران ۱۳۰۵ قمری

حمدالله‌مستوفی . **نزهت‌القلوب** ، طبع بمبئی ۱۳۱۱ ، وباهتمام دکترمحمد ـ دبیرسیاقی ۱۳۳۶ ش

حمدالله مستوفی : تاریخ گزیده ، باهتمام دکتر عبدالحسین نوائی ، تهران ۱۳۳۹ .

خرزندی زیدری‌نسوی ـ محمد: **سیرت‌جلال‌الدین** ، به‌تصحیح استادمجتبی مینوی ، تهران ۱۳۴۴

الخطیب‌البغدادی ـ ابوبکراحمدبن‌علی : **تاریخ‌بغداد** ، ۱۴ ج ، بیروت .

خواجه افندی ـ سعدالدین ، **تاج‌التواریخ** ، استانبول ۱۲۷۶ه

الخوارزمی ـ ابوعبدالله محمدبن‌احمد . **مفاتیح‌العلوم** ، لیدن ۱۸۹۵

الخوارزمی ـ ابوجعفر محمد بن موسی: **صورة‌الارض** ، وین ۱۹۲۶.

خواند میرـ غیاث‌الدین: **حبیب‌السیر** فی‌اخبارافرادالبشر، ۴ج، تهران۱۳۳۳

خیامپور ـ دکتر عبدالرسول : **فرهنگ سخنوران** ، تبریز ۱۳۴۰

دائرة‌المعارف الاسلامیه (ترجمه عربی)

درویش احمد ـ عاشق پاشازاده : **تواریخ آل عثمان** ، استانبول ۱۳۳۲ ه

دریانی ـ احمد : نقش چندکاشی ازمسجدکبود ، مجله **سرو** ج۱ ش۱

دولت آبادی ـ عزیز : **زبان‌کنونی آذربایجان** : معلم امروز ج۲ ، نشریه دانشکده ادبیات وهنر ج۶ : ۴۸۸-۴۹۲ ؛ منشاء یك ضرب‌المثل آذربایجانی : معلم امروز ج۴ ص۱۹۶-۱۹۷ .

دولتشاه سمرقندی ـ امیردولتشاه بن علاءالدوله : **تذکرة الشعراء** ، باهتمام محمد لوی عباسی ، تهران ۱۳۳۷ ش

دهقان ـ علی : **سرزمین زردشت** ، درتاریخ آذربایجان غربی ورضائیه ،تهران ۱۳۴۹

دیاکونف (ا. م) : **تاریخ ماد** ، ترجمه‌کریم‌کشاورز ، تهران ۱۳۴۵

دیباج ـ اسماعیل : **راهنمای تاریخ آذربایجان شرقی** ، تبریز۱۳۳۴ ش ؛ **آثارباستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان** تهران ۱۳۴۶ ؛ دیباج وکارنك : راهنمای تبریز ۱۳۴۲ ش .

ذکاءـ یحیی : یك دوبیتی آذری از شیخ صفی الدین اردبیلی ، مجله دانش ج۳ ص ۳۸۴-۳۸۵

الذهبی ـ شمس‌الدین : **دول‌الاسلام** ۲ج ، حیدرآباد ۱۳۳۳ه

ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی ، باهتمام سهیلی خوانساری تهران ۱۳۱۷ ش

رامیان ، تمدن ، تـکش : **بزرگان و سخن سرایـان آذربـایجان غربی** ، **راهنمای شهرستانهای ایران** ، تهران ۱۳۴۶ ش

رجب نیا ـ مسعود : **ترجمهٔ سفرنامه کلاویخو** ، تهران ۱۳۳۷ ش

رجوی ـ کاظم دیلمقانی: **تاریخ وجغرافیای سلماس**

رزم آرا ـ سرتیپ علی : **جغرافیای نظامی آذربایجان** خاوری و باختری ، تهران ۱۳۲۰ ش

رشید الدین فضل‌الله : دورهٔ **جامع التواریخ رشیدی**

روحی انارجانی : رساله روحی انارجانی درآداب وعادات مردم تبریز، بامقدمه سعید نفیسی ، جلد دوم فرهنگ‌ایران‌زمین‌تهران۱۳۳۳؛ وتحقیق‌دیگردرباره‌آن رساله تحت عنوان: زبان مردم تبریز باهتمام دکترماهیار نوابی ، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات تبریز .

روملو ـ حسن : **احسن‌التواریخ**، باهتمام‌چارلس نارمن سیدن، کلکته ۱۹۳۱م ؛ قسمت دوم باهتمام دکترعبدالحسین نوایی ، طبع بنیاد فرهنگ .

ریاحی ـ محمد امین : **منارشمس تبریزی** درخوی وقاضی رکن‌الدین خویی، مجله یغما ج۱۱ : ۵-۱۱

زامباور : **معجم الانساب** و الاسرات الحاکمه فی التاریخ الاسلامی ، تـرجمه : الدکتور محمد حسن بك وحسن احمد محمود ، ۲ ج ، قاهره ۱۹۵۱-۱۹۵۲

زاهدی ـ دکتر حبیب : چشمه‌های آهکزا در آذربایجان شرقی (نشریه دانشکده ادبیات تبریز شماره ۹۰ و۹۱) ۱۳۴۸ .

زنوزی ـ محمد حسن : **ریاض الجنه** (نسخه خطی‌کتابخانه ملی تبریز)، **بحر-العلوم** (نسخهٔ خطی‌کتابخانه ملی تبریز)

ساعدی ـ غلامحسین : **ایلخچی** ـ یك ده صوفی‌نشین در آذربایجان تهران ۱۳۴۲ ش ؛ **خیاو یا مشکین شهر** ۱۳۴۴ ش

سامی ـ شمس‌الدین محمد : **قاموس الاعلام** (ترکی) ۶ج استانبول ۱۳۰۶ ه

ستوده دکترحسینقلی : **تاریخ آل مظفر** ، ۲ج ، طبع دانشگاه تهران ۱۳۴۶ ـ ۱۳۴۷

السخاوی ـ شمس‌الدین : الضوء اللامع لاهل القرن التاسع ، ۱۲ ج بیروت (طبع افست)

السمعانی ـ عبدالکریم بن محمد : **کتاب الانساب** ، لیدن طبع عکسی ۱۹۱۲

سلطان‌القرائی ـ جعفر : میرزا حسن زنوزی خویی ، مجله پیام نو ج ۷ ص۶ ؛ محل قبرعزیزخان سردارکل ، یادگار ج۴ ش۴ .

شیروانی ـ زین العابدین : **بستان السیاحه** ، طبع رحلی ، اصفهان ۱۳۴۲ ق ، **حدایق‌السیاحه** (چاپسنگی)
شرف‌الدین علی یزدی : **ظفر نامه** ، ۲ج کلکته ۱۸۸۷م
صابیلی ـ دکتر آیدین : **رصدخانه مراغه** ، مجله‌دانشکده‌ادبیات ، تهران سال سوم ۱۳۳۵ شماره ۴
صفوت : **داستان دوستان** ، تبریز ۱۳۱۸ ش
صفوی ـ سید جمال الدین : اردبیل ، نشریه فرهنگ اردبیل ، ۱:۳،۱۰،۲۸،
صنیع‌الدوله ـ محمد حسن خان : **مرآت البلدان** ۴ ج
طاهرزاده ـ کریم : **قیام آذربایجان** در انقلاب مشروطیت ایران ، رك بهزاد.
طباطبائی تبریزی ـ محمد رضا : **تاریخ اولاد الاطهار** ، تبریز ۱۳۰۴ ق
طباطبائی ـ مصطفی : آذربایجان ، مجله ایرانشهر ج۲ : ۵۷۹–۵۸۵
الطبری ـ محمد بن جریر : **تاریخ الرسل و الملوك** ۱۳ج ، لیدن ۱۸۷۶–۱۹۰۱
عابد ـ عابد علی : شروان اورملجقه علافی، اورینتل ، ج۲۹ ش۱ و۲ (بزبان اردو)
عباسی ـ محمد : **سیاحت نامه شوالیه شاردن** ـ ۱۰ ج
عبدالرزاق سمرقندی : **مطلع السعدین ومجمع البحرین** ، ۲ ج باهتمام محمد شفیع ، لاهور ۱۹۴۶–۱۹۴۹
علائی ـ علی‌اکبر: **آرامگاه شیخ صفی‌الدین**، هنر ومردم ، دوره جدید، شماره ۱۸ : ۲۰–۲۳
عمیدی نوری ـ ابوالحسن : **آذربایجان دموکرات** ، تهران ۱۳۲۲
غنی ـ دکترقاسم : **تاریخ عصرحافظ** یا تاریخ فارس و مضافات، تهران۱۳۲۱ش
غنی‌زاده ـ محمود . تاریخ آذربایجان ، ایرانشهر، ۲: ۱۷۴–۱۸۲
فخری‌هروی : **تذکره روضة‌السلاطین**، به تصحیح‌دکترعبدالرسول‌خیامپور، تبریز ۱۳۴۵ ش.
فرزانه ـ م. ع : **مبانی دستور زبان آذربایجان** ، تهران ۱۳۴۴
فرساد وتقی زاده : نظری بتاریخ و درس عبرت (فتح قفقاز یاکلید تسخیر ایران وهند) کاوه ج۱ ش۱۲ و۱۵ و۱۷
فره وشی (مترجم همایون) : **سفر نامه مادام دیولافوا** ، تهران ۱۳۳۲
فرهنگ آبادیهای کشورـج۲و۳ آذربایجان‌غربی‌وشرقی،طبع مرکزآمارایران.
فرهنگ جغرافیایی ایران ـ استان سوم و چهارم (آذربایجان) ـ دائره جغرافیایی ارتش
فصیحی خوافی : **مجمل فصیحی**، باهتمام محمود فرخ ۳ج، مشهد۴۱–۱۳۳۹

فضل‌الله روزبهان : تاریخ عالم‌آرای امینی (نسخه خطی)
فقیه ـ آتورپاتکان و نهضت ادبی ، تهران
فیروز ـ توفیق : **منطقه قالی بافی آذربایجان** ، تهران (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) ۱۳۴۸ شمسی
قاضی احمد غفاری : تاریخ جهان‌آرا ، طبع تهران کتابفروشی حافظ ؛ تاریخ نگارستان ، طبع بمبئی ۱۲۷۵ ق .
قاضی نورالله شوشتری : مجالس المؤمنین ، تهران ۱۲۹۹ ق
قدامة بن جعفر : الخراج وصفة الکتابة ، لیدن ۱۸۸۹ م
القرشی ـ یحیی بن آدم : **کتاب الخراج** ، لیدن ۱۸۹۶
القزوینی ـ زکریاء : **آثار البلاد و اخبارالعباد** ، لیدن ۱۸۴۸ ، طبع بیروت ۱۳۸۰ ه .
قزوینی ـ علامه محمد : **دورهٔ یادداشتهای قزوینی** طبع دانشگاه تهران
قطران : دیوان قطران تبریزی به تصحیح حاج محمد آقا نخجوانی ، تبریز ۱۳۳۳ش .
کاتب‌چلبی ـ مصطفی بن‌عبدالله (حاجی خلیفه) : **تقویم‌التواریخ و جهان‌نما** ، که هردو آنها را بترکی نگاشته ودراستانبول بطبع رسیده است .
کاتبی ـ حسینقلی : آذربایجان ووحدت ملی ، تبریز ۱۳۲۱ ش
کاری ـ جملی: **سفرنامه کاری**، ترجمهٔ دکترعباس نخجوانی وعبدالعلی کارنگ تبریز ۱۳۴۸ .
کارنگ ـ عبدالعلی : **تاتی وهرزنی** ، تبریز ۱۳۳۳ ؛ **دستور زبان کنونی آذربایجان** . تبریز ۱۳۴۰ ش ؛ **تاریخ تبریز** ، ترجمه و تحشیه مقاله مینورسکی در دائرةالمعارف قدیم اسلامی ، تبریز۱۳۳۷ ؛
خاطراتی از شرق ، ترجمه رساله دوروتی‌اسمیت ، تبریز ۱۳۴۴ ش ؛
تبریز (ترجمه مقاله‌ای ازکتاب جهان‌نمای‌کاتب‌چلبی) ، تهران مجله معلم سال اول ۱۳۲۵ ؛ **خلخالی** ، یك‌لهجه از آذری ، تبریز ۱۳۳۴ ؛ تاریخ دنبلیان ، معلم امروز ج ، ۳ ؛ ترانه‌ای چند ازآذربایجان(خلخال) ، مجله سرو ، ج ۱ش ۱
کاشانی ـ ابوالقاسم‌عبدالله : **تاریخ اولجایتو** ، به‌اهتمام مهین‌همبلی (حاجیان‌پور) ، تهران بنگاه ترجمه ونشرکتاب ۱۳۴۸ش .
کاشغری ـ محمود ، **دیوان لغات‌الترك** ، ۳ ج ، استانبول ۱۳۳۳ ق
کاویان‌پور ـ سروان احمد : **تاریخ رضائیه** ، تهران ۱۳۴۴ ش ،

تاریخ عمومی آذربایجان . تهران ۱۳۴۶ ش .
کتاب اسامی دهات کشور ج اول ، نشریه وزارت کشور ۱۳۲۹ش
کتبی ـ محمود : **تاریخ آل‌مظفر** ، باهتمام‌عبدالحسین نوائی ، تهران۱۳۳۴ش
کربلائی ـ حافظ حسین کربلائی : **روضات‌الجنان و جنات‌الجنان** ، ۲ ج تهران ۱۳۴۴ ـ ۱۳۴۹ ، باهتمام آقای جعفرسلطان‌القرائی .
کریمی ـ بهمن : **جغرافیای تاریخی مفصل‌غرب ایران** ، تهران۱۳۱۶ش
کسروی ـ احمد : **آذری‌یا زبان‌آذربایگان** ، تهران۱۳۱۸ش ؛
تاریخ هجده سالهٔ آذربایجان ، ۶ ج ۱۳۱۳ ـ ۱۳۲۰ ش ،
شهریاران‌گمنام ۳.ج ، تهران۱۳۰۸ـ۱۳۰۷ ؛ **مقالات‌کسروی**، (گردآوردهٔ یحیی‌ذکاء) تهران ۱۳۳۴ ش ؛ نامهای شهرها ودیه‌های ایران ۲ ج ، تهران۱۳۲۲ش .
کلاویخو : سفرنامه‌کلاویخو ، رك : رجب‌نیا
کلایس : **تخت‌سلیمان و زندان سلیمان** ، مجله دانشکده‌ادبیات، تهران سال شانزدهم شماره ۴
کیوان ـ مصطفی : **خوی وسلماس** ، مجلهٔ یغما ، سال ۱۹ ، ۵۵۴-۵۵۵
کیهان مسعود : **جغرافیای مفصل ایران** ، ۳ . ج تهران ۱۳۱۰ـ۱۳۱۱ ش
گزارشهای باستانشناسی ـ از انتشارات اداره‌کل باستانشناسی ایران ، ۴جلد ۱۳۲۹ ش
گنجینهٔ شیخ‌صفی : طومار صورت اثاثمقبره شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی ، باهتمام آقای سیدیونسی ـ طبع‌تبریز ۱۳۴۸
گورگیس‌عواد : **مدینةالموصل** ، بغداد ۱۹۵۹
گیرشمن ـ رمان : **هنر ایران در دوران هخامنشی**، ترجمه دکترعیسی‌بهنام تهران ۱۳۴۶
لسترنج (گی) **الخلافة الشرقیة** ، ترجمه : گورگیس عواد بعربی ، بغداد ۱۹۵۴ ؛ **جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی** ، ترجمه احمد عرفان بفارسی ، تهران بنگاه ترجمه ونشرکتاب .
لمتون ـ مالك وزارع در ایران ، ترجمه دکتر منوچهر امیری ، تهران ۱۳۳۹
لین‌پول ـ استانلی : **طبقات سلاطین اسلام** ، ترجمه عباس اقبال آشتیانی ، تهران ۱۳۱۲
مارکوارت : یك‌کنفرانس‌علمی‌دربارهٔ‌آذربایجان، مجله‌ایرانشهر، ۴: ۳۹۵-۴۰۴

مجتهدی ـ دکتر مهدی : **رجال آذربایجان** در عصر مشروطیت ، تهران ۱۳۲۷ ش

المحبی ـ محمدامین بن فضل‌الله : **خلاصة‌الاثر فی اعیان** القرن‌الحادی عشر ، ۴ج، دمشق ۱۲۸۴

محمدشفیع ـ محمد : **مکاتبات رشیدی** ، لاهور ۱۹۴۷ م

محیط طباطبائی ـ محمد : چگونه به‌ستارخان پـاداش دادند ، دورهٔ دوم مجله محیط ش ۶ ؛ مدینة‌الشعرای تبریز ، مجله محیط دورهٔ ۲ ش ۵ ؛ در پیرامون زبـان فارسی (زبان تبریزی) مجله‌آموزش وپرورش ج ۸ ش ۱۰

مخبر ـ محمدعلی : **مرزهای ایران** ، تهران ۱۳۲۴ ش

مدرس ـ علی‌اصغر : **رصدخانه‌مراغه** وزیج‌ایلخانی ، نشریه‌کتابخانه ملی‌تبریز، ش ۳ ؛ ۵ـ۳۷

مرتضوی ـ دکتر منوچهر : **تحقیق در بارهٔ دورهٔ ایلخانان** ، تبریـز ، کتابفروشی تهران ؛ نکته‌ای چند در زبان هرزنی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریـز ۶ . ۳۰۴ـ ۳۱۴ ؛ فعل درزبان هرزنی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ، ۱۴:۴۵۳و۱۵،۶۱.

مرعشی ـ سید ظهیرالدین : **تاریخ طبرستان و رویان و مازندران** ، باهتمام برنهاردان ، سن‌پطرزبورگ ۱۸۵۰ م ؛ **تاریخ گیلان** ودیلمستان باهتمام رابینو ۱۳۳۰ش

مستوفی ـ عبدالله : **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه** ، ۵ ج ، تهران ۱۳۲۴

مشکور ـ دکتر محمدجواد : **تاریخ اورارتو** ، تهران ۱۳۴۵ ؛ **دوسنگبشته اورارتی** ازآذربایجان، مجله راهنمای‌کتاب ۱۳۴۵ شماره۶ ؛ **ایران درعهد باستان** چاپ دوم تهران ۱۳۴۷ ؛ **تاریخ اجتماعی** ایران‌درعهد باستان ، دانشسرای عالی ۱۳۴۷ش.

مشکوتی ـ نصرت‌الله : **ازسلاجقه تاصفویه** تهران ۱۳۴۳ ش

مفخم پایان ـ لطف‌الله ، **فرهنگ آبادیهای ایران** ، تهران ۱۳۳۹

المقدسی ـ شمس‌الدین ابوعبدالله : **احسن التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم** لیدن ۱۹۰۶ م

مقدم ـ دکتر صادق : **آبهای معدنی آذربایجان** وآب لجن دریاچه رضائیه ، تهران ۱۳۴۴ ش

مقدم ـ دکتر محمد : یك سند تاریخی ازگویش‌آذری ، ایران‌کوده ، ش۱۰.

ملای‌حشری : **روضة‌الاطهار** یا تاریخ ملاحشری تبریز ۱۳۰۳ ق

ملجائی : **مسجد جهانشاه** ، مجله ماهتاب ۱: ۲۳ـ۲۵ ؛ **مسجدوارك‌علیشاه**، ماهتاب ۱: ۶۰ـ۶۲

ملکی ـ جمشیدعبادالله زاده : **اردبیل‌شهرمقدس** . تهران طبع‌امیرکبیر۱۳۴۶

منجم‌باشی : **صحائف‌الاخبار** (ترکی) ۳ ج استانبول ۱۲۸۵ ه ق
مولاناولیاءالله : **تاریخ رویان** ، با هتمام دکتر منوچهر ستوده ، طبع بنیاد فرهنگ .
مولوی ـ محمدعلی : میرزا فضلعلی آقا مجتهد مولوی تبریزی ، یادگار ج ۴ ش ۷/۶ : ۱۱۰
مهران ـ محمد : **آذربایجان کنونی** (نشریه دانشکده ادبیات تبریزسال اول)
مینورسکی ـ **فصول‌من‌تاریخ‌الباب وشروان** ، باب‌الشدادیه من‌جامع‌الدول لاحمدبن لطف‌الله‌ملقب بمنجم باشی (الفقرةالرابعه) .
تذکرةالملوك ، متن وشرح در دوجلد باهتمام محمد دبیرسیاقی، ومسعود رجب‌نیا تهران ۱۳۳۳ ـ ۱۳۴۳ ؛ **تاریخ تبریز** ، رك : کارنك
نابدل ـ علی‌رضا : **قصه‌آقاکواه** (متل آذربایجانی) ، کتاب هفته ش ۱ : ۱۲۷ ـ ۱۲۸
نادر میرزا : تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز چاپ سنگی تهران ۱۳۲۳ق
ناصح ـ محمدعلی : **ترجمه‌سیرةجلال‌الدین** ، تهران ۱۳۲۴ش
ناصرخسرو قبادیانی ـ حمیدالدین : **سفرنامه** باهتمام دکتر محمد دبیر سیاقی تهران ۱۳۳۵ ه .
نخجوانی ـ حاج حسین‌آقا : **چهل مقاله** ، تبریز ۱۳۴۳ ؛ **موادالتواریخ** ـ تهران ۱۳۴۳.
نخجوانی ـ محمد: **محمدبن‌البعیث** وزبان‌آذری ، مجله یادگار ج ۳ ، ش ۷/۶ـ ۱۳۷ـ۱۳۹
نشریه دانشکده ادبیات تبریز ـ ازسال ۱۳۲۶ تاکنون
نشریه کتابخانه ملی‌تبریز
نصرت ماکوئی ـ محمد رحیم : **تاریخ انقلاب آذربایجان و خوانین** ماکو . قم
نظام‌الدین شامی : **ظفرنامه** ۲ ج ، بیروت ۱۹۳۷ وپراك ۱۹۵۶
نفیسی ـ سعید : **بابك‌خرم‌دین‌دلاور‌آذربایجان** ، تهران ۱۳۲۳ش
رساله‌روحی انارجانی ، فرهنگ ایران زمین ۲، ۳۲۹ـ۳۷۲
نوایی ـ دکتریحیی : ماهیار: **زبان‌کنونی‌آذربایجان** ، ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات تبریز دوره‌پنجم شماره۲
نوایی ـ دکترعبدالحسین. حیدر عمو اوغلی و محمدامین رسول‌زاده ، یادگار ج ۵ ش۱/۲، ۴۳
نوری ـ ابوتراب . **ترجمه‌سفرنامه‌تاورنیه** ، تهران ۱۳۳۱ ق
نیکیتین (ب) : **ایرانی‌که‌من‌شناخته‌ام** ، ترجمه علی‌محمد فره‌وشی ، تهران ۱۳۲۹ ش

واعظ چرندابیـ عباسقلی، زعیم‌الدوله تبریزی، یغما، ۱۰، ۸۰-۸۷
واندنبرك (لوئی) : **باستان شناسی ایران باستان**، ترجمه دکتر عیسی‌بهنام، دانشگاه تهران ۱۳۴۵
وحید قزوینی ـ محمد طاهر: **عباسنامه** (تاریخ شاه عباس ثانی) باهتمام‌ابراهیم دهکان، اراك ۱۳۲۹ ش
ودیعی ـ دکتر کاظم : **هیئت علمی فرانسه** در ایران (مطالعات جغرافیایی ژان دمرگان) تبریز ۱۳۳۸ ؛ جلددوم : **جغرافیای غرب** ایران، تبریز۱۳۳۹ ش
وزین‌پورـ دکترنادر: **ساختمان فعل درزبان‌ترکی**ازدیدهٔ زبانشناسی، تهران ۱۳۴۰ ش
وزیرـ**محمدبن محمدبن عبدالله** النظام‌الحسینی : **العراضه فی‌الحکایة** ـ السلجوقیة لیدن ۱۹۰۹م
وصاف‌الحضره : شهاب‌الدین عبدالله شیرازی: تجزیةالامصار **وتزجیةالاعصار**، **یا تاریخ وصاف**، تهران چاپ رحلی‌وعکسی ۱۳۳۸ ش
ویجویه‌ای ـ محمدباقر : **بلوای تبریزیا تاریخ‌انقلاب‌آذربایجان**، تبریز ۱۳۲۶ ق.
ویلبر ـ دونالد : **معماری اسلامی در دوره ایلخانان**، ترجمه دکتر عبدالله فریار، بنگاه ترجمه ونشرکتاب ۱۳۴۶ش
ویلسن ـ کریستی : **صنایع ایران**، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران۱۳۱۷ش
زلزله درایران(نامه علمی‌وفنی‌سازمان برنامه، اسفند ۱۳۱۳ و فروردین۱۳۳۷)؛ مسجد جامع رضائیه، مجله مهر ۵: ۱۰۸۳ ـ ۱۰۸۵
هادی حسن : شروان درقرن ششم هجری، مجموعهٔ مقالات ص۱۱۰-۱۲۱
همائی ـ جلال‌الدین . **آثارتاریخی تبریز**، مجله مهر ج ۱ . ۱۳۱۲ش
همدمی ـ محمد : **تاریخ‌محمد همدمی**، استانبول ۱۲۹۷ هـ
هنری فیلد: مردم شناسی ایران، ترجمه دکترفریار، تهران ۱۳۴۲
هوتسما : مختصر سلجوقنامه، طبع لیدن ۱۹۰۲ م
هینتسـ والتر: **تشکیل دولت ملی درایران**، حکومت آق قوینلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاوس جهانداری تهران ۱۳۴۶ ش
یاقوت حموی ـ ابوعبدالله یاقوت‌بن عبدالله : **معجم‌البلدان**، ۶ ج، لایپزیك ۱۸۶۶ ـ ۱۸۷۳
الیعقوبی ـ احمدبن ابی‌یعقوب :**کتاب‌البلدان**، لیدن ۱۸۹۷م
یغمائی ـ حبیب : رشدیه پیرمعارف، مجله‌آموزش وپرورش ۱۴، ۵۴۳ ـ ۵۴۶

منابع خارجی

Abbot, K. E. Narrative of a Journey From Tabriz along the shores of the caspian sea to Tehran, 1843 - 4 (Foreign Office Miscellanea, 251,40)

Abbot, N. Arabic Papyri on The Reign of Al-Mutawakkil.

ZDMGB. 92, 1938

Abu Dulaf, Mis'ar ibn Muhalhil's Travels in Iran. V. Minorsky, Cairo, 1955

Alekperov, A. K, Icledovania po archeologuii i aitnografii Azerbaidjana, Baku 1960 (بروسی)

Allen W. E. D. A History of Georgian People, London, 1932

Alexander, de Rhodes, Divers Voyage en la Chine et autres royaumes avec son retour en Europe par la Perse et l'Armenie. Paris. 1681

Archaeologische Mitteilungen aus iran, Neue folge Band 2. 1969. Herausgeben von Deutschen Archäologischen institut Abtilung Teheran

Avril, P. Voyage en divers étas d'Europe et d'Asie . . . , Paris, 1692.

Athar - e Iran, Tome III, Paris 1938.

Bahrami, A. Tabriz aux XVII éme Siecle, D'Aprés Les voyageurs (These, Paris, 1964)

Bang, W. Und Gabain A. V. Türkische Turfan-Text, V, SPAW, 1931,

Barbier de meynard, C. A. C. Dictionire géographique hitorique, et litéraire de la perse contrée adjacentes, extrait du Mo'djem el Boul dan de yacout, paris 1861.

Barbier de Meynard, C. A. C. and **Guyard,** S. Trois comédies traduits du dialete Azeri en persan, paris, 1886.

Barthold, V. La découverte de l'Asie, paris, 1946

Barthld, V. Afshin; Darband; Gandja, E I.

Basmadjan, K. Chronologie de l'Hstoire d,Arménie. Revue de l'Orient Chretien, XIX, 1914

Bergln, M. Dedekorkut kitabli, 1958.

Boullaye le Gouz, F. de M. de la. Les Voyages et observations de Sieur de la Boullaye le Gouz . . . Paris 1657.

Boyle J. A. Gandja, E I (N. ed), T, 2, p. 997 .

Bretanski, L. S. Zodchtectvo Azerbaidjana **XII-XYVV** Ieromecto V Archetektouri Perednevo Vostoka' Moskva, 1966.

Bretanski. L. Salam zadé Istoria Architektouri Azerbaidjana, Moskva 1963

Brokgawz دائرة المعارف قدیم روسی

Brosset M. Rapports sur un Voyage Archéologique dans la Ge - orgie et dans l'Arménie, st. P. 1850.

Brosset, M Histoire de la Ceorgie, st. p. 1849;

Deux historiens Armeniens Oukhtanes d'Ourha, xes. 20 livre. St. P, 1871.

Brown, E. G. The Persian Revolution of 1905 _ 1909. Cambridge. 1910;

The Babis of persia. J.A.A.S. 1889;

The tarikh - i - Jadid, Cambridge, 1893;

Some notes on the literature and doctrines of the Hurufit sect. J. R. A. S, 1898;

A literary history of persia, 4 vols. Cambridge 1902-1928

The Persian Constitutionalists. Proccent. Asian Soc. 1908, XX 1 Nov.

Buniyatof, Ziya. Azerbayjan, Baku, 1965

Burton - Brown, T. Recent Archaeological work in Azarbaijan, Asiatic Review, 1951.

Burton - Brown, T. Excavation in Azarbaijan, London, 1948.

Bury, I. B. History of Eastern Roman Empire, Londeon, 1912.

Caferoglu, A. Adhari, E I, Nouvellc Edition, T. 1, P. - 197_200

Chardin, J. Journal du chvealier chardin en perse, inde, orientales par la Mer Noire. 4 Vol, Amesterdam, 1735;

Voyage du chevalier chardin, en perse et autre lieux de l'Orient 10 Vol, paris 1811,

Chahnazarian, V. Histoire des Guerres et des Conquets des Arabes en Arminie, Paris 1857.

Chavanne, Documents sur les Toukiou Occidentaux. st. Petesb. 1930

Chesneau, J, Voyage de Paris à Constantinopole, Celui de perse, Paris, 1759;

La Voyage de M. d'Aramon (1547), Schefer, Paris, 1887.

Contenau, G. La Civilisation de l,Iran au IVe milénaire avant notre ére, paris, 19 6.

Curzon, Lord. G. N. Persia and the Persian Question 2 Vol. 1892

Czegledy K. Khazar raids in trans Caucasia in 742-744 Ad. Acta Orientalia, T, XI. f. L - 3. Budapest, 1960.

Debvoise, N. C. A Political History of Parthia, Chicago, 1938

Deguignes. J. Histoire générale des Huns, des Turks, des Mongols, et des autres Tatares Occidentaux, Ouvrage tiré des Livres Chinois, 4 Vol, Paris 1756-58.

De Morgan, J, Mission scientifique au Caucase. 2 vol. Paris, 1889;

Relation sommaire d'un voyage en perse et dans le kurdistan, 1889 - 91;

Mission Scientifique. Cartes des rives méridionales de la mer caspienne, du kurdistan, du Moukrie de l'Elam. 1895;

Mission scientifiique en perse. paris, 1894-1904;

La féodalité en perse, son origine, son developpevent, son éta actuel

Dieulafoy, Jane. La Perse, la chaldée le Susianne Relation de Voyage. Paris, 1887.

Doefer, Gerhard. Türkishe Und Mongolische Element in New presichen wiesbaden 3 Vol 1963-1965.

D'Ohsson. C. Histoire des Mongols. 4 Vol, La Haye, 1834-1835 mes iii (Mongols is Persia)

Dowsesett, C. J. F. A Neglected Passage in the History of Caucasian Albanians, Bsoas, XIXI 3, 1917

Dulaurier, E. Les Mongols d'aprés les historiens Arméniens. Jouranl Aisatique 5 th series, XI (1858)

Dumèzil, G. Un Chrètichte Perdu: les Albanais du Caucase. Melange Asiatiques, paris, 1940-41.

Dunlop D. M. The History of the Jewish Khazars. Princeton, 1954

Dupré, A. Voyage en Perse, fait dans les années 1807,1808, et 1809, 2 Vol, Paris 1819.

Flandin, E. et Coste, p. Voyage en Perse. 8 Vol. Paris,1843-54.

Fredy Bémont. Les Villes de l'Iran, Paris 1969.

Frye R. N. Ardabil, Ei, (Ned) T, I, P. 646;

Barzand, EI (N. ed) T. I, P. 1104.

Gabriel, A. Momument Turc d, Anatolie, 2 Vol, Paris 1931-1934.

Gardane, Alfred de. Mission du Général Gardane en Perse sous le Premier Empire, 1865.

Gardane. Ange de. Journal d'un Voyage dans la Turquie d'Asie et la Perse, Paris 1809.

Gazarin, M. Armenien Unter der Arabischen Herrschaft, Marburg, 1902.

Gobineau, Comte A. de. Trois ans en Asie, de 1855 à 1858 2 Vol. Paris 1859 et 1922;

Mémoire sur l'ètat social de la Pesse actuelle. 1856.

Godard, A. Les Monument de Maragha, Société des Etudes Iraniennes et l'art Persan, Paris, 1934

Grey, A Narrative of italians Travels in Persia in The fifteenth and Sixteenth Centuries, London, 1873

Grousset, R. Histoire de l'Arménic Paris, 1948;

L'empire mongol Paris, 1941.

Günther, R. T. Contributions to the geography of Lake Urmi and its neighbourhood, Geogr. J, 1899,XIV, PP. 504-21;

Contributons to the natural history of Lake Urmi, N. W. Persia and its neighbourhood. J. Linn. Soc. Zool, 1900,XXVII, PP. 345-453

Hazard, H. W. Atlas of Islamic Histary, Princeton, 1959

Herbert, Thomas, Travels in persia, 162 - 9 (Broadway Travellers Series), 1928.

Historical Atlas of the Muslim Peoples, Amsterdam, 1957.

Horzny, B. Histoire de l'Asie Antérieure, Paris, 1947

Howorth, H H. History of the Mongols. 1876-1888. Part III: the Mongols of Persia Part IV : supplement and Indices, 1927.

Huart, C. Memoire sur la fin de la dynastie des ilékaniens. J. Asiat, Paris, 1876 séri 7;

Les Mosâfrides de l'Adherbaidjan, Cambridge, 1922 (From A _ Volume ... presented to E. G. Brsowne PP. 228-56) ;

Texts persans relatifs à la secte ds Houroufis (Gibb Memorial series, Vol IV. 1909;

Sadjiedes EI, IV

Jackson, A. V. W. Persia past and present, New york, 1906;

From Constantinopole to the home of Omar Khayyam, New york, 1911.

Jaubert, A. Voyage en Arménie et en perse, fait dans les années 1805-1806, paris 1821;

Histoire de la dynastie des kadjars. J. Asiat, 1834, XIII, p. 122;

Observations sur l'histoire des Mongols de la perse. 1839.

John Bell of Antermony, Travels from st. petersburg in Russia to divers parts of Asia, 2 vol. Glasgow, 1763,

Jean Catholicos, Histoire d' Arménie, M. Saint - Martin, Paris 1841.

Kazem Beg, M. Derbend-Name, st-p.1851.

Keddie, N. Religion and Rebelion in Iran, London, 1966

Document The Background of The constitutional Movment in (Middle East Journal, Automn 1960)

Kermer, A. V. The Orient under the Caliphs, Calcutta, 1920

Ker Porter, R. Trasvels in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylon... During the years 1817,1818,1819, and 1920. 2 vol. 1821-2.

KhanyKov. N. V. Tremblement de terre observé à Tèbriz en sept. 1856.

Notices physiques et géogr, apby sur l'Azerbaidjan. Bull-Phil, Acad. st Petersburg, 1858, pp. 337-52. (cf. ibid, 1855, p. 251);

Mémoire sur les inscriptions musulmanes du Caucase. J. asiat, -

1862, XX, PP. 57-15-155;

Map of Azerbaijan, Compiled principally from personal observa — tion and surveys in 1851-5, XIV. map, no III;

Mémoire sur l'ethnographie de la Perse, 1866;

Routes in Persia (Saqqiz-Sehneh), in continuation of the surway of Azerbaijan to the environs of Ecbatana (1852), Berlin, 1872.

Klaproth, J H. Von, Tableau historique, Céographique ethnogra phique et Politique du Caucase et des provinces limitrophes entre la Russie et la Perse, paris 1827;

Travels in the caucasus and Georgia performed in the years 1807 and 1808, By Command of the Russian goverment, London 1814.

Kotwicz. W. En marge des letters des il-Khans de Perse ret- rouvés par Abel-Rémusat, Lwow, 1933

Quelque mots encore sur les lettres des l l-khans perse retrouv – ées par Abel-Rémusat, wilno, 1936.

Kramers. J. H. Les khazar, Anaelector Orieentalia, V. I. Leiden, 1954;

The Military Colonisation of Caucasus and Armenia under the Sasaniedes, Bsos, VIII 2-3, 1936

Lane - Poo'e. Stanley. The Mohammadan dynasties. Paris, 1925. Russian Translation with addtions by V. Bartold, St. Petersburg, 1899;

The Arabian historians on Mohammadan numimatics. Numisma - tic Chronicle, Ser. IV, 1884;

The Coins of the Eastern khalifeuts in British Museum. London, 1875.

Laurent - Vibert, R. Byzance et les turcs Seldjoucide dans l'Asie Occidantale, Paris, 1913 - 1914

Lenczowskl, G. Russia and the west in Iran, Ithaca; 1949.

Lucas, Paul. Voyage du Sieuer Paul Lucas au Levant, Vol II, Contenant la des desoription de la Perse, paris 1731.

Marco-polo. La Description du Monde, Tradui par, Louis Hanm- bis, Paris 1955.

Margoliouth, D S. The Russian Seisure of Barda'a in 943 A. P. Bsos, 1918

Marquaurt, J.Erânshahr nach der Geographie des ps. Moses xorenac'i. Berlin 1901

Mayer, Bibliography of Moslem Numismatic, London 1954.

Minorsky, V. Dvizheniye (Persian labur in Trans - Caucasia) Sborn. Kons. Dones, 1905, fasc. III;

Poyezdka v Maraghu (A Trip to Maragha and the region of Tatavi and jaghatai) izv. Shtaba kawkaz. Voyen. Okruga, Tiflis, 1907, no 20. PP. 34-56;

Poyezdka, V Makinskoye Khanstvo (A Trip to Maku). Materialy poizuch. vostoka, St. Petersburg, 1909, I, PP. 1-62;

Drevosti Maku (The Antiquities of Maku). Petrograd, 1916 (Vostochnyi Sbornik, II);

Turco-Persan delimitation. From the iz. Imp. Russ. Geog. Obshch. 1916 Lii;

Kela - Shin, the Stele of Topuzawa and the ancient monuments in the region of Lake Urmia. Zap. Vost;

la perse entre la Turquie et Veniz, 1933.

Studies in Caucasian History, Cambridge, 1953.

Ardabil, Barzand, Ganza, Khoy, Maragha, Marand, Niriz, Salmàs, Sa'udj-Bulak (Mahabad), (Shiz Sisar, Tabriz, Urmiya, Ushnü (Articles in E I)

Persia in Ad 1479-1490. An Abridged Tranlation of Fadlullah, b. Ruzbihan Khunjis «Tarikh-i Alam-arayi Amini», London, 1957.

La Géorgie (Revue internationale de Sociologie, Janvies Paris 1923, PP. 54 - 8, mai 1923, PP. 275-8).

Sain - Kal'a Sakkiz, Shàhi-Sewan, Shakák, Shakaki, Shekki, Lankoran, Tàt, Tawakku b.Bazdèz, Tiflis, Uzun-Hasan, Nakhchuwàn (Articles inEI);

Decouverte D'inscriptions Pehlévie à Derbend, JA, Avril 1929.

Transcaucasia, J. A. Jueillet 1930;

La Dominaton des Daïlamites. Publication de la Société des Etueles Iraniennes, Paris, No, 3.

The khazars and The Turks in the Akàm al-Marjàn, BSOS, IX/1, PP. 141-150

A soyurghàl of Qàsim B. Jahàngir Aqqoyunlu (903 / 1498). BSOS. 1X/4, PP. 927-960

The Turkish Dialect of The Khalaj, BSOA, X12,PP 417-437

Tadhkirat al-Muluk. A Manual of Safavid Administration. Gibb Memorial Series, n. S, XVI, 218+130 PP, JRCAS, January, 1944.

Roman and Byzantine Campaigns in Atropatene, BSOAS, 1944, X1,2, PP. 243-265.

Caucasisca in the History of Mayyàfariqin, BSOAS, 1948, XX/4, PP. 27-35.

in Collaboration with C. Cahen: Le Recuell Transcaucasien de Mas_ud b. Nàmdàr (12e siècle), in Journal Asiatique, 1949, No 1, PP. 286-336

Cawcasica II: The Georgin Maliks of Ahar. The Princes orbeli in Persia. In BOSAS (Bulletin of the School of Oriental and african Studies), 1951, XIII/4, PP. 868-877.

Caucasica III: The Alan Capital Magas and the Mongol Campaigns, in BOSAS, XIV/2, PP. 221 - 238;

Caucasica IV: Sahl b. Sumbât . The Caucasian vassals of Marzuban in 344/935. in BSAS, xv/3, pp.504 _ 29

Studies in caucasian History: New light on the Shaddadis of Ganija;

(2) The shaddadids of Ani

The Clan of the Qara-Qoyunlu, in Mélanges F. Koprúlü, Istanbul, 1953

Jihàn _ Shàh Qara _ Qoyunlu and his Poetry, BSOAS, 1954, XV 1/2

Adharbaidjàn, in E I (Second edition)

The Aq-qoyunlu and Land Reforms, BSOAS, 1955, XVII/3,449-462.

A Histosy of Sharwan and Darband in The Ioth Centurz, 1958 Cambridge

The last years of the Georgian monarchy, in BSOAS, 1958, XXI/3, PP. 639-41.

Moreau, G. Le Gouz de la Boullaye, Paris, 1956

Morier, J. A journey Throught Persia, Armenia, and Asia Minar, to Constantinopole, in the year 1808 and 1809.

Voyage en Perse, en Arménie, en Asie Minor, 1808-1809. 3 Vol Paris, 1813.

A Second Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor to Constantinopole, 1810 - 16. 1818.

Second voyage en Perse ... 1810 - 1816, 2 Vol, Paris 1818.

Movses Dasxurancl, The History of the Caucasian Albanians, London, 1961

Olearius, A. Relation de Voyage en Moscovie, Tartaris et Perse de Adam Olearius ... Paris 1639.

Otter, J. Voyage en Turquie et en Perse. vo l. 1748

Pétis de la Croix, F. Extraits des Voyages de Pétis de la Griox, en 1670-1680 Paris, 1810.

Philippe, Voyage d, Orient, Traduitdu Latin, Lyons, 1669.

Poulet, A. Nouvelles relations du Levant 2 Vol, Paris, 1668.

Prawdin, M. The Mongol Empire, London, 1953

Rabino, H.L Coins Medals, and Seals of Shahs of Iran. London, 1945

Ramsay, W. M. The Historical Geography of Asia Minor, Amsterdam, 1962

Rawlinson, H. C. Notes on a Journey from Tabriz through Persian Kurdistan, to the ruins of Takhti - Soleiman. J. R. G. S. 1841X

Ross. E. Denison. The early years of Shah Ismail, founder of the Sefavi dynasty. J.R.A S, 1896,249-340.

Rostovtzeff, Carvan Cities, Oxford, 1932

Sadighi. G.H. Les Monuments Religieux Iraniens, paris 1938

Saimt-Martin, M. I. Memoires historiques et geographiques sur l'Arméné. II, Paris, 1919

Sanson, N. voyage, Ou relation de l'état présent du royaume de Perse. Paris 1695.

Sarre, F. Reise von Ardebil nach Zendschan im nordwestlichen Persien. Gotha, 1899, Bd, XIV, PP. 215-17

Transkaukasien, Persien, Mesopotamien, Transkaspien. Land u. Leute. Berlin, 1899

Ardabil, Grambosche d. Schech Safis, unter Mitwirkung B. Schulz, 1904.

Sarwar, Gh. History of Shah Ismail, Aligrh. 1939.

Siroux, M. La Mosqpuée Djoumeh d'Ardabil, Bulletin de l'intitut francais d, Archéologie Orientale, XLIX (1945)

Suler, B. Les Mongols dans l'histoire, Paris 1961

Sumer Faruk Azerbaycan'in türlesmesi tarihine ümumi bir bakis, TTKB, C. XXI, sayi 83, 1957.

Kara Koyunlular 1 Cilt, Ankara, 1967

Strange G. le. The Lands of Eastern Caliphate. Cambridge, 1930

Stern, S. M. (ed): Document from Islamic chanceries. First series Oxford, 1965. (Oriental Studies, 3)

Stuart, W. Journal of residence in Northern Persia, and the adjacent provinces of Persia, 1854.

Tavernier, J. B. The Six Voyages of John Baptista Tavernier ... through Turkey in to Persia and the East Indies, 1678.

Les six voyages de Jean Bapt. Tavernier ... en Turquie, en perse, et aux Indes, 3 Vol. Paris 1712.

Taylor, W. C. The History of Mohammedanism and its sects, London, 1839

Tectander, Description du Voyage en perse par Etienne Kakache de Zaboukanny en 1602.

Thomas, W. and Roy, S. A. [Trans], Travels to Tana and Persia, By: Josafa, Basbaro and Ambrogio Contarini, London, 1873

Tiesenhausen, V. The mosque of Ali-Shah in Tabriz (according to al-Aini). zap. Vost. Otd, 1886,I, PP, 114-118 (in Russian).

Tirmizi B. M. Zoroastrians and their fire Temples in Iran and adj oining Countries from the 9 - th to the 14-th Centuries as gleaned from Arabic geographical woks, IC. XXIII, N 4, 1950

Vandenberghe, Louis. Archéologie de l'Iran Ancien Leiden, 1958

Vasmer, Chronologie der Arabischen Statthalter von Armenien etc. (750-887), Vienne, 1931.

Voyage ou relation de la perse avec un disertation sur les moeurs, religion et gouvernement de ce État. Paris, 1668.

Voyage en Turquie, en Perse, en Arménie, et en Barbarie par un Missionaire de la Compagnie de Jésus. Paris, 1729

Voyage en Perse fait dans les années 1807, 1808, 1809. 2 Vol Paris, 1819.

Watson, R. Grant. A History of Persia from the beginnig of thc nineteenth Century to the year 1858, ..., London 1866.

Wigram, The Assyrians and their Neibours, London. 1929.

Wilber, D. N. The Parthian Structure of Takhti Sulayman Antiquity, 1938.

Wilber, D. N. The Architecture of Islam Iran the Ilkhànid Period, New Jersey. 1955

Wilber D. N. Preliminary Report On Takhti-Sulayman. III. Summary Description of Extant Structures, Bull, Am. Inst. Iranian Art and Archaeology, V. 2 (1937)

Wilbraham, R. Travels in the transcaucasian provinces of Russia, and along the ... lakes of Van and Urmiah in ... 1837. London 1839.

Wilson, J. C. The Masjid Jami' of Rizai_ya, Bull. Am. Inst. Iranian Art and Archaeology, V. 1 (1937).

Wilson, S. G. The Russian Occupaton of northern Persia. Mos - lem world, 1913, III, pp. 339-49

Wright, E. M. Babak of Badhdh and al-Afshin during the years 816-841 A. D. The Moslem World, V. 38, N. 1-2, 1948

Yar-Shater, E. A. Granmar of Southern Tati Dialects, Mouton, 1969.

The Tati Dialects of Ràmand, A Locust's Leg, Studies in honour of S. H. Taqizadeh, (London 1962)

The Use of Postpositions in Southern Tati (yàdnname - Minorsky, Tehran, 1969)

The Tati Dialects of Tarom (W. B. Henning Memorial Volume) London, 1970

The Use of Feminine Gender in Southern Tati Dialects (Pagliaro Memorial Vol III, Roma, 1969)

Zambaur, E. Manuel de Généalogie, et de Chronologie pour l'_ Histoire de l'Islam Hanovre, 1927

Zekivelidi Togan, A. Islàm Ansiklopedisi, 2 Cilt, Istanbul, 1946 P. 91_119 (Art. Azerbaycan)

فصل دوازدهم

تصاویری از آذربایجان



۱ ــ سراب مدخل امام زاده موسی بن جعفر



۲ـ تصویری از امامزاده تازه شهر، دهی از دهستان حومه شاهپور



۳ ــ خوی ـ عکس دروازه قدیم شهر



۴ ــ خوی ــ صورت شیر بر دروازه قدیم شهر



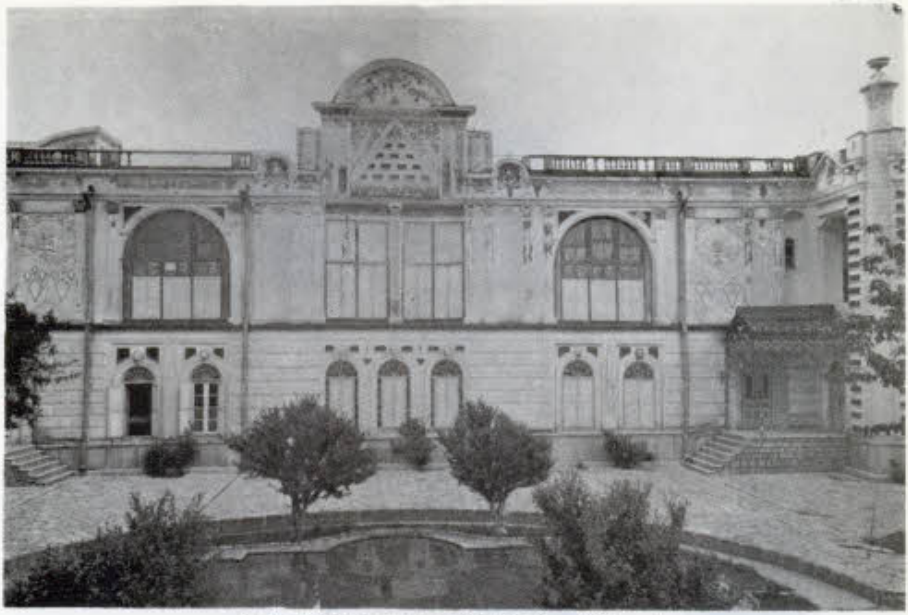
۵ ــ خوی قوچی سنگی که بر یك قبردوره اسلامی قرار داره



۶ ــ مقبره‌ای بصورت برج ازدهستان کلخوران‌بخش مرکزی شهرستان اردبیل



۷ ــ سر در مسجد سردار در رضائیه



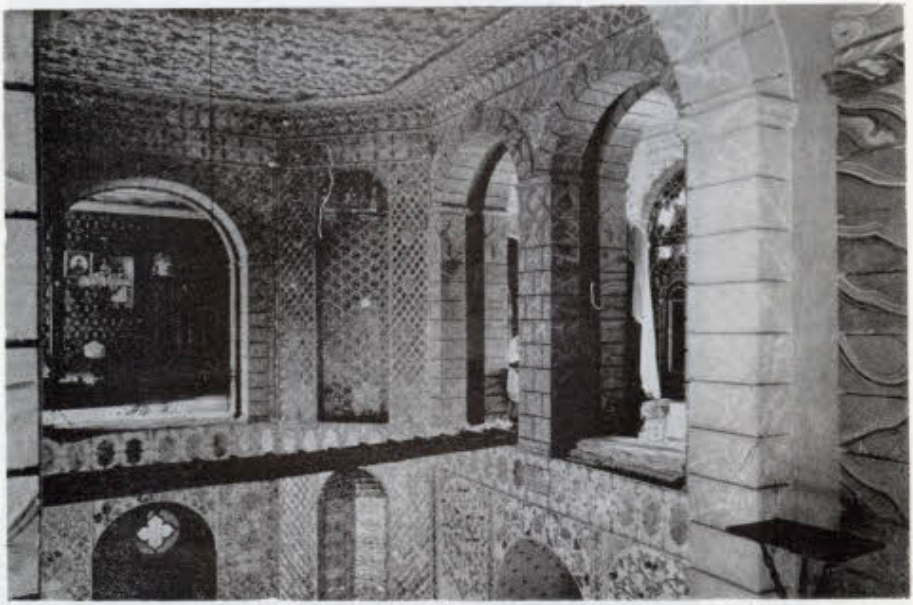
۸ ــ ماکو ــ قصری درقسمت غربی شهر(باغجه جوق)



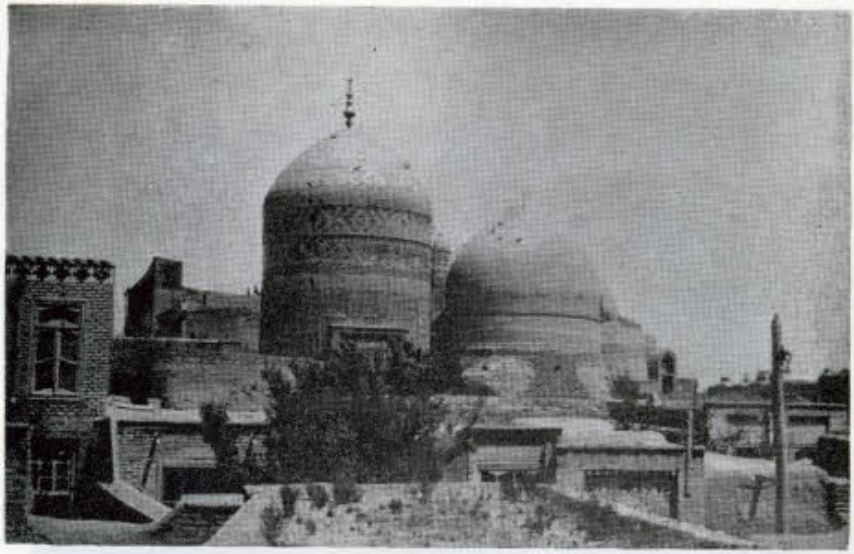
۹ ــ کتیبه‌هایی بخط ارمنی بر دیواره پلی در سه‌کیلو متری شرق ماکو



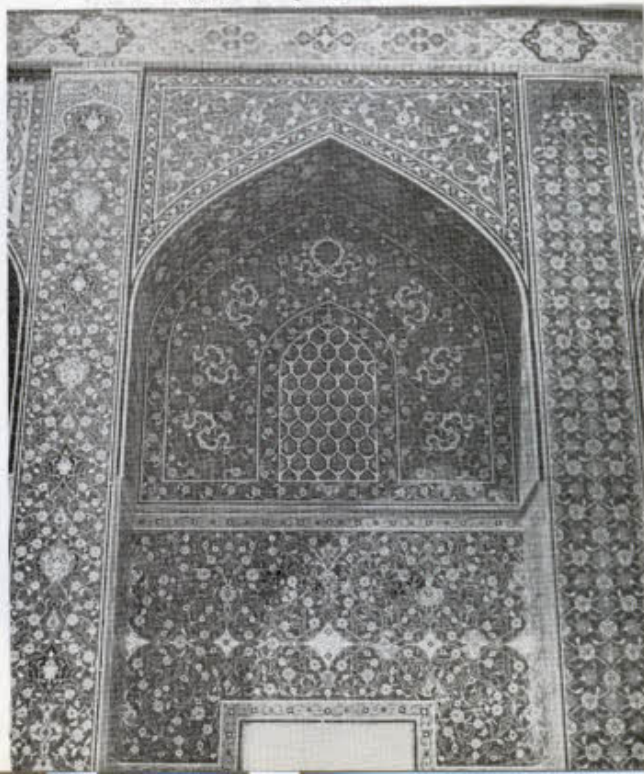
۱۰ ــ پلی در سه کیلو متری شرق ماکو



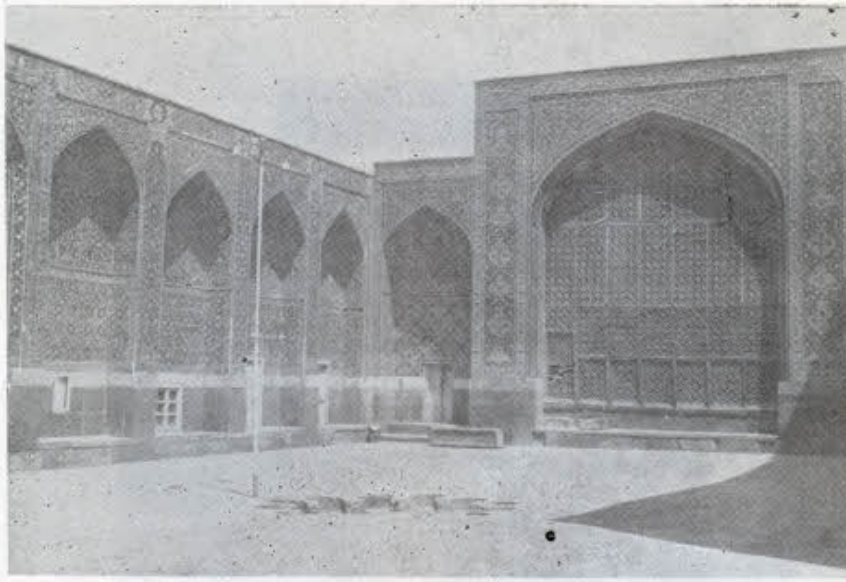
۱۱ ــ ماکو ــ قصری در قسمت غربی شهراز داخل



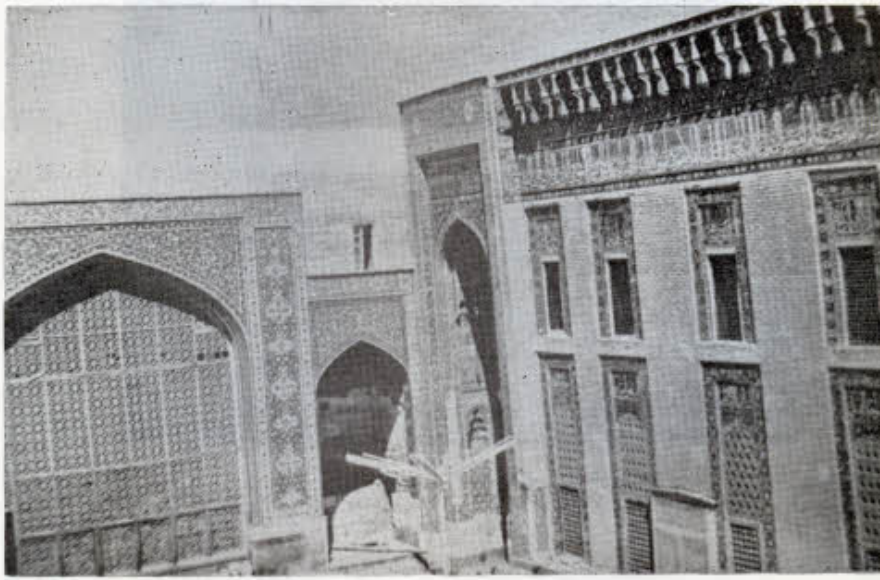
۱۲ ــ بقعه شیخ صفی در اردبیل قرن هفتم تا یازدهم ه.



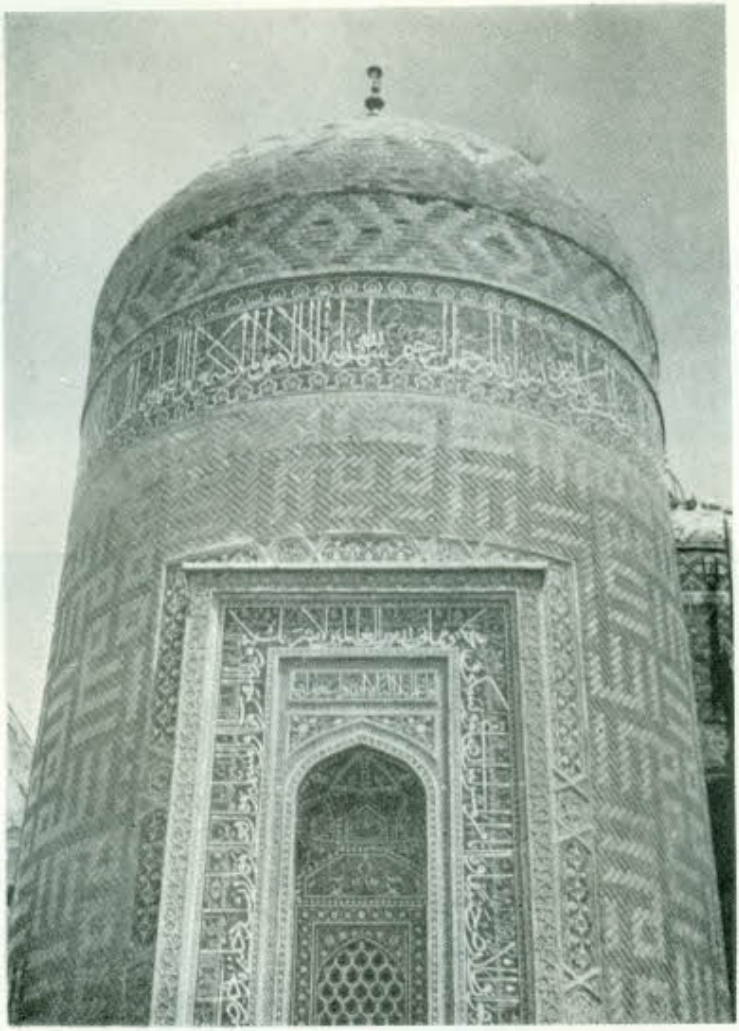
۱۳ ــ مقبره شیخ صفی الدین
اردبیلی یکی از سر درها



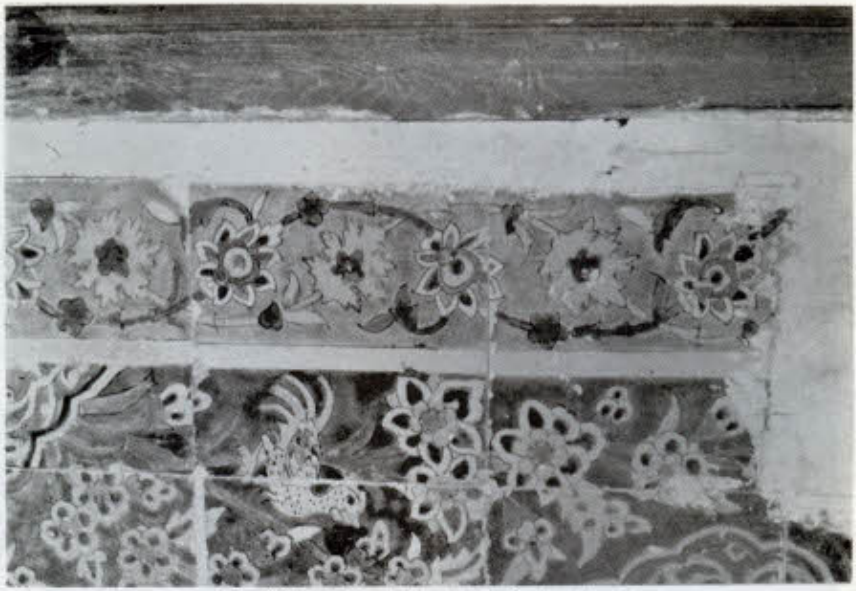
۱۴ ــ گوشه‌ای از بقعهٔ شیخ صفی الدین اردبیلی ــ اردبیل



۱۵ ــ گوشه‌ای از بقعه شیخ صفی در اردبیل



۱۶ ــ گنبد الله الله شیخ صفی در اردبیل



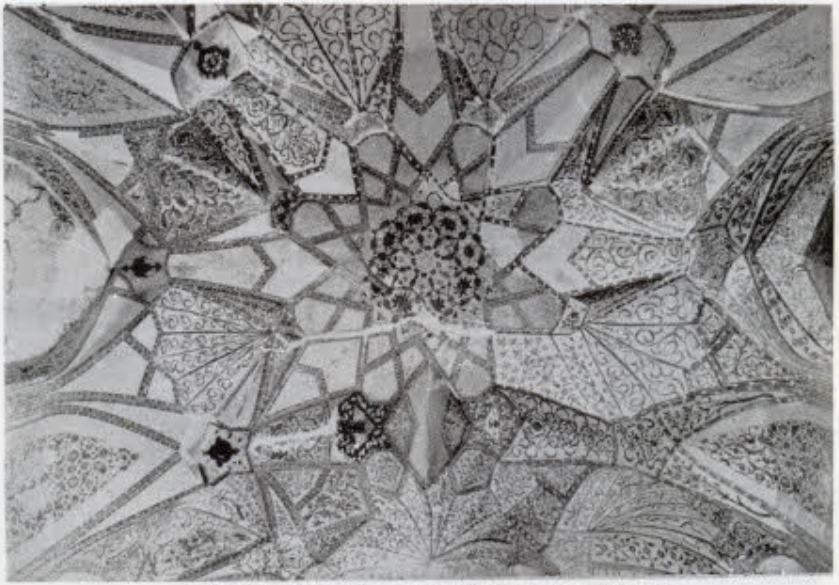
۱۷ ــ اردبیل. مقبرهٔ شیخ صفی الدین ـ کاشی‌های دیواری



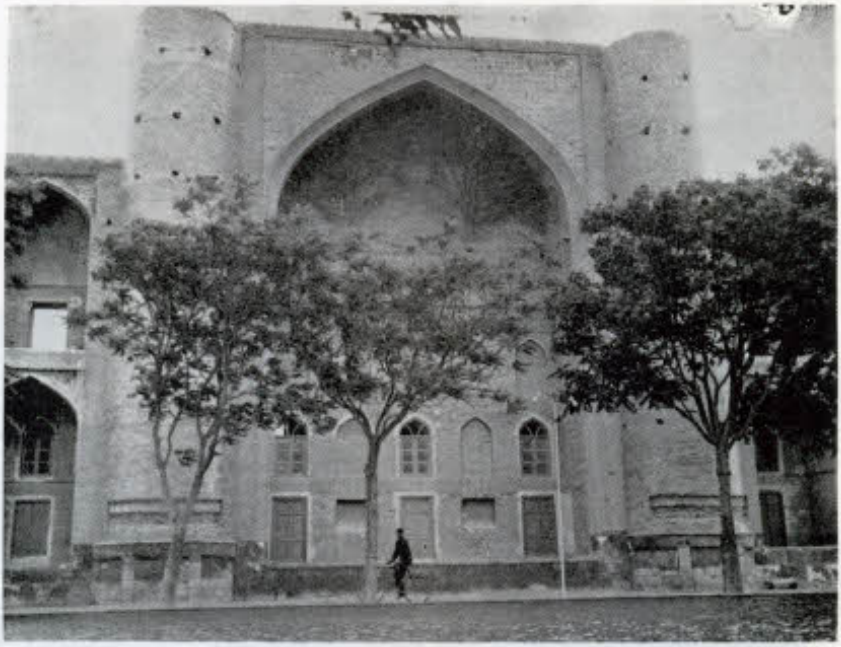
۱۸ ــ کلخوران ــ مقبرهٔ شیخ جبرائیل ـ سه کیلو متری اردبیل



۱۹ ــ بقعهٔ کلخوران درنزدیکی اردبیل ـ درجنوبی



۲۰ ــ بقعهٔ کلخوران درنزدیکی اردبیل ـ برجستگی‌های سقف رواق



۳۱ ــ ایوان مقبره شیخ شهاب‌الدین دراهر



۳۲ ــ اهر - مقبره شیخ شهاب‌الدین ــ عکس برداری از داخل رواق



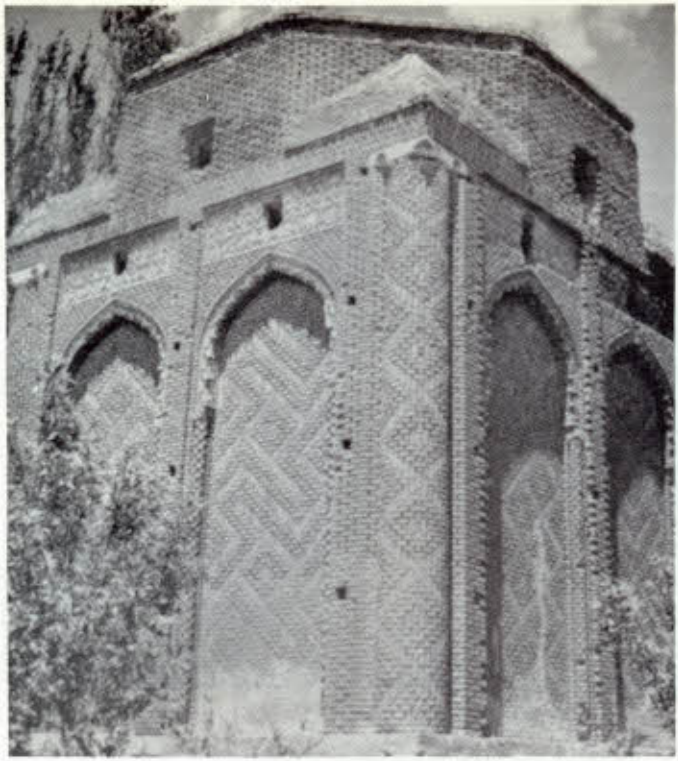
۳۳ ــ عمارت شهرداری رضائیه



۲۴ - اهر ــ مقبره شیخ شهاب الدین



۲۵ - مراغه - اطاقکهای سنگی که درون صخره‌ای تراشیده‌اند



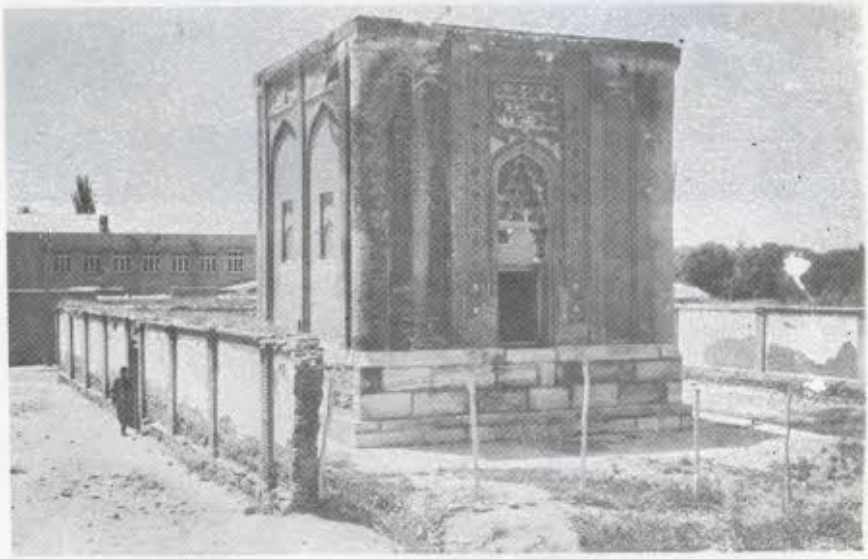
۳۶ ـ گنبد سرخ مراغه



۳۷ ـ برج مدور از طرف مشرق



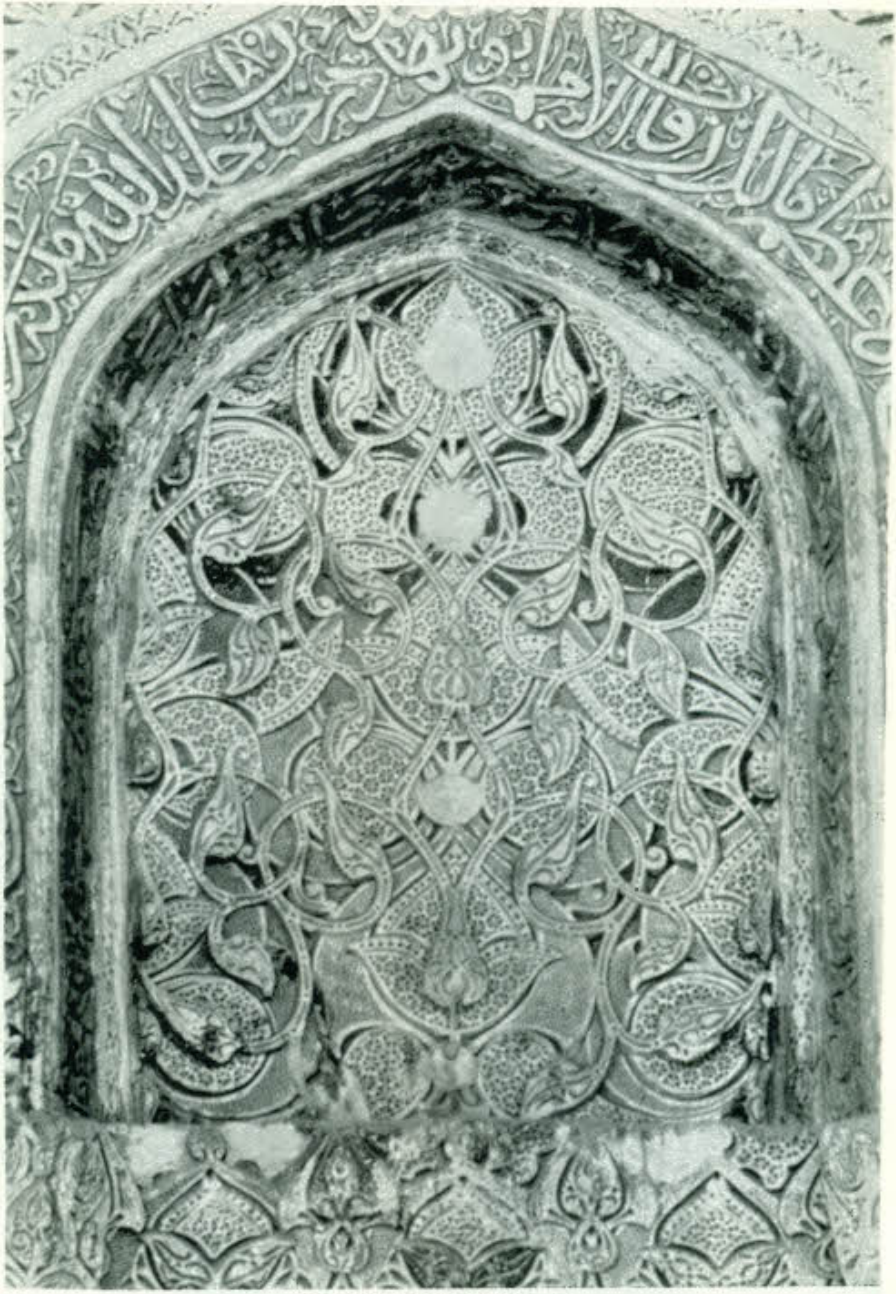
۲۸ ـ گنبد کبود در مراغه



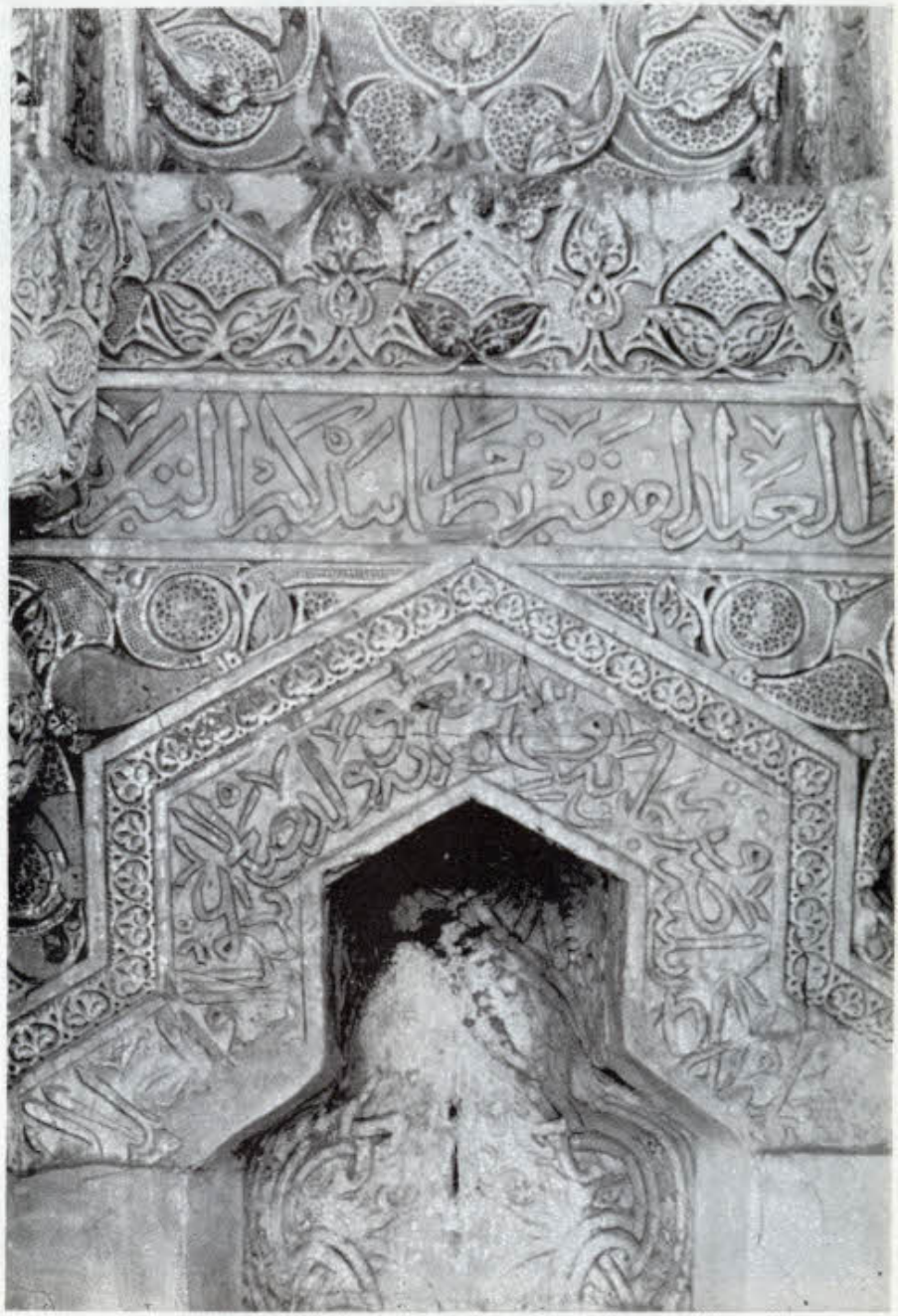
۲۹ ـ گنبد غفاریه درمراغه



۳۰ ـ امامزاده حسن ـ مراغه



۳۱ ـ مرند بالای محراب مسجد جمعه



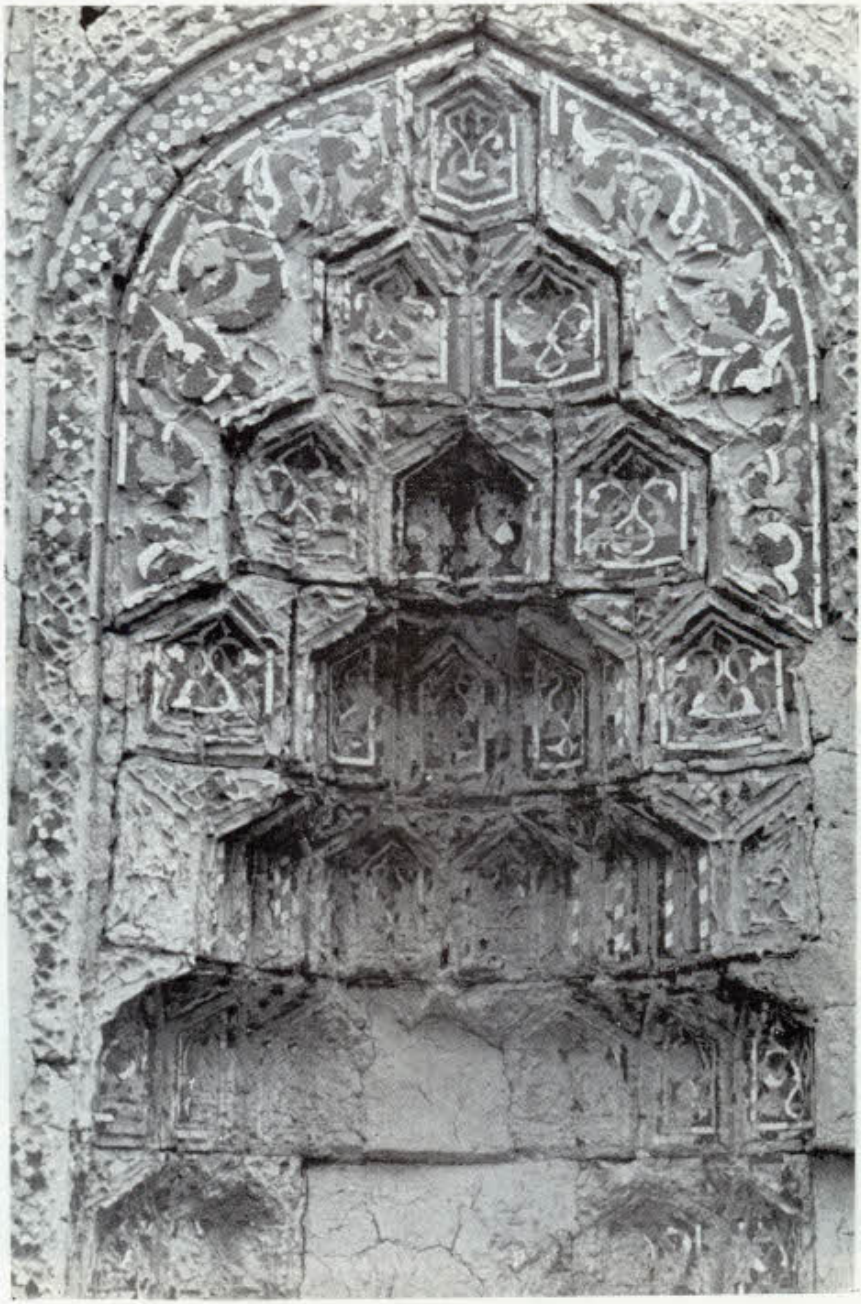
۳۲ ـ مرند ـ مسجد جمعه ـ محراب



۳۳ ـ مرند ـ محراب مسجد جمعه ـ قسمتی از ستون درکنار محراب



۳۴ ـ سنگ قبری ارمنی ـ در نزدیکی قراکلیسا



۳۵ ـ مشکین شهر ـ برج مقبرهٔ سلطان حیدر



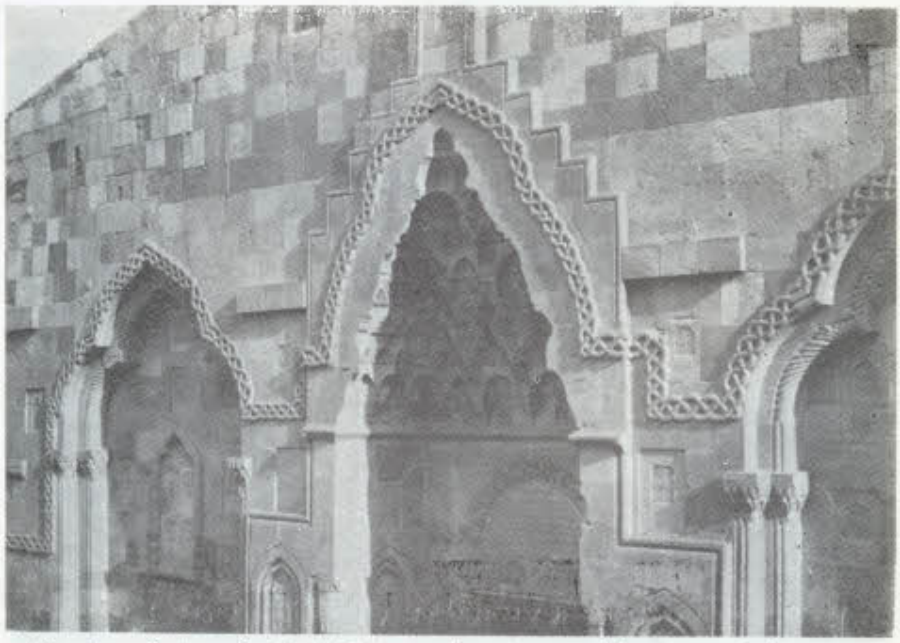
۳۶ - تبریز ــ موزهٔ ارامنه ــ یقهٔ لباس متعلق به کلیسای استفانوس .



۳۷ - تبریز - موزهٔ ارامنه ــ حیوان افسانه‌ای ازمرمرازکلیسای استفانوس



۴۳ ـ رواق کلیسای استافانوس



۴۴ ـ مقرنس‌های مرمری برنگهای سبز و زرد و سفید و سرخ کلیسای (استپانوس مقدس) دره شام جلفا



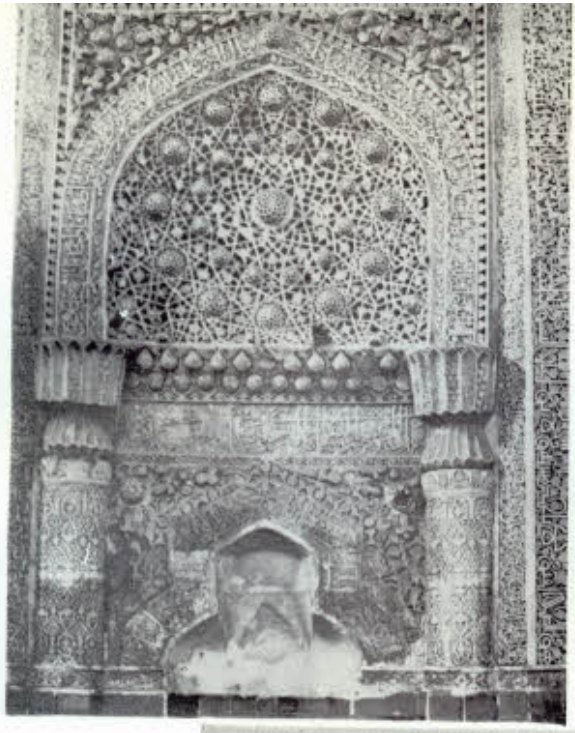
۴۴ ـ کاروانسرایی بین میانه و معبرشبلی



۴۵ ـ نقاب قلعه دختر در نزدیکی میانه



۳۹ ـ سنقر ـ مقبره‌ای بصورت برج درسنقر آباد ـ ده جزء دهستان کندوان بخش ترک شهرستان میانه



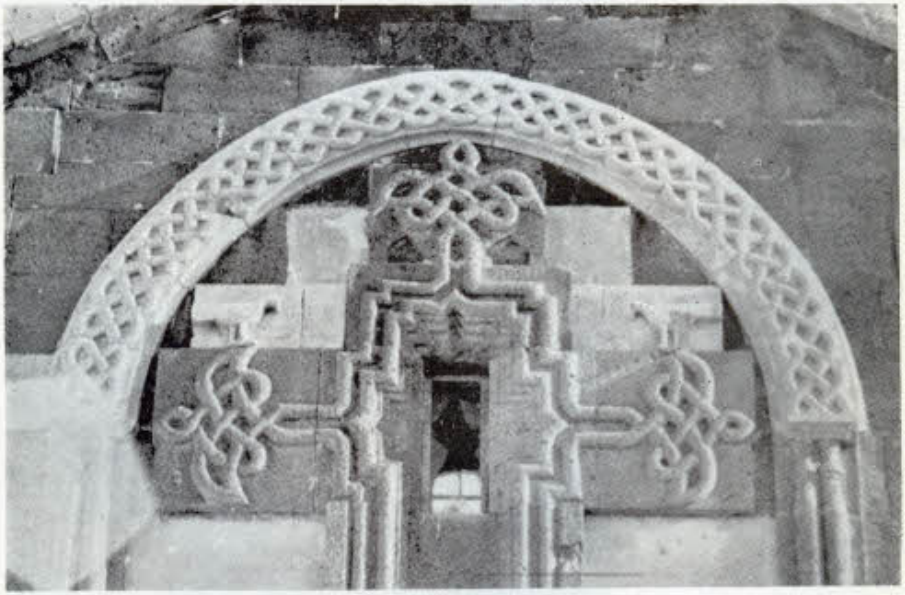
۴۷ ـ گوشه‌ای از مسجد جامع رضائیه



۴۸ ـ گنبد مسجد جامع رضائیه



۴۹ ـ کلیسای طاطاوس (ماکو) قرن نهم میلادی



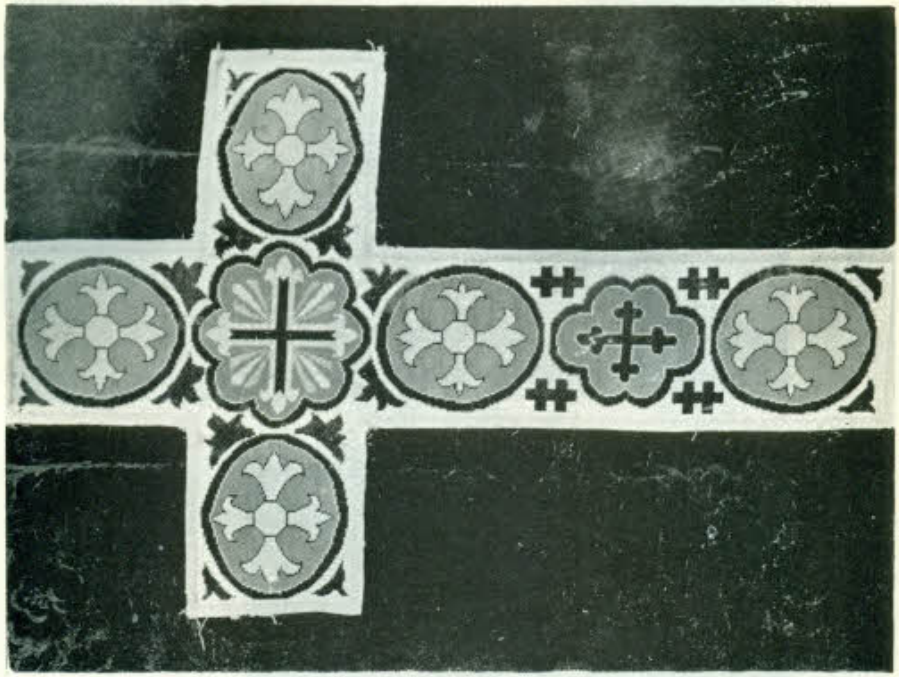
۵۰ ـ قره‌کلیسا ، یکی‌از کنده‌کاریهای زیبا برروی سنگ



۵۱ - کتیبهٔ فارسی برسر درقره کلیسا



۵۲ - ازحجاریها وکنده‌کاریهای
روی سنگ (قره‌کلیسا)



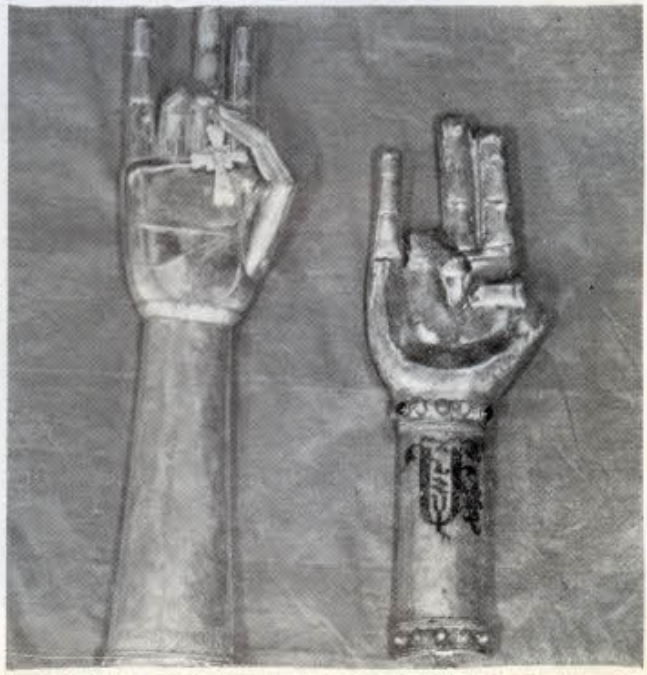
۵۳ - تبریز ــ موزه ارامنه ــ صلیب پارچه‌ای که قسمتی از البسه کشیشان ارمنی است .



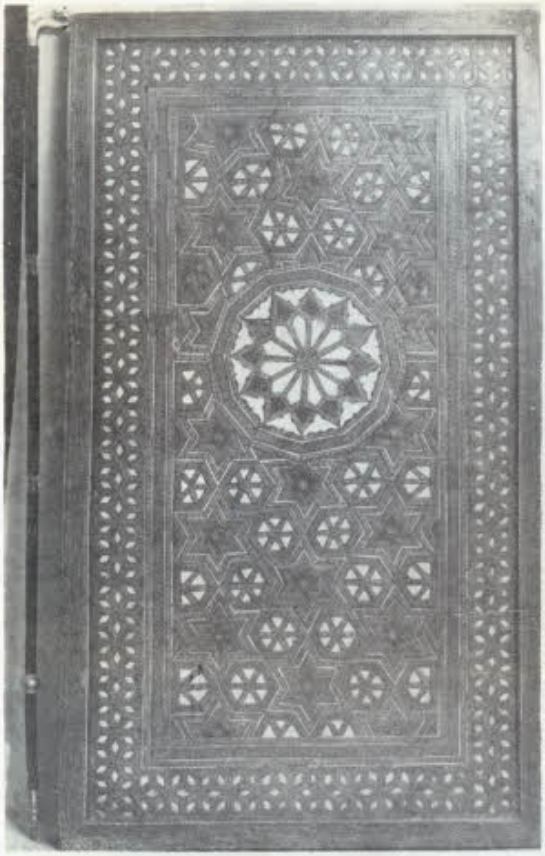
۵۴ - رواق کلیسای طاطاوس (قره‌کلیسا)



۵۵ . تبریز ــ موزهٔ ارامنه ــ صلیب کشیش کلیسای طاطاوس .



۵۶ ــ تبریز موزه ارامنه ــ شبیه دو دست که ازکلیسای طاطاوس آورده شده است



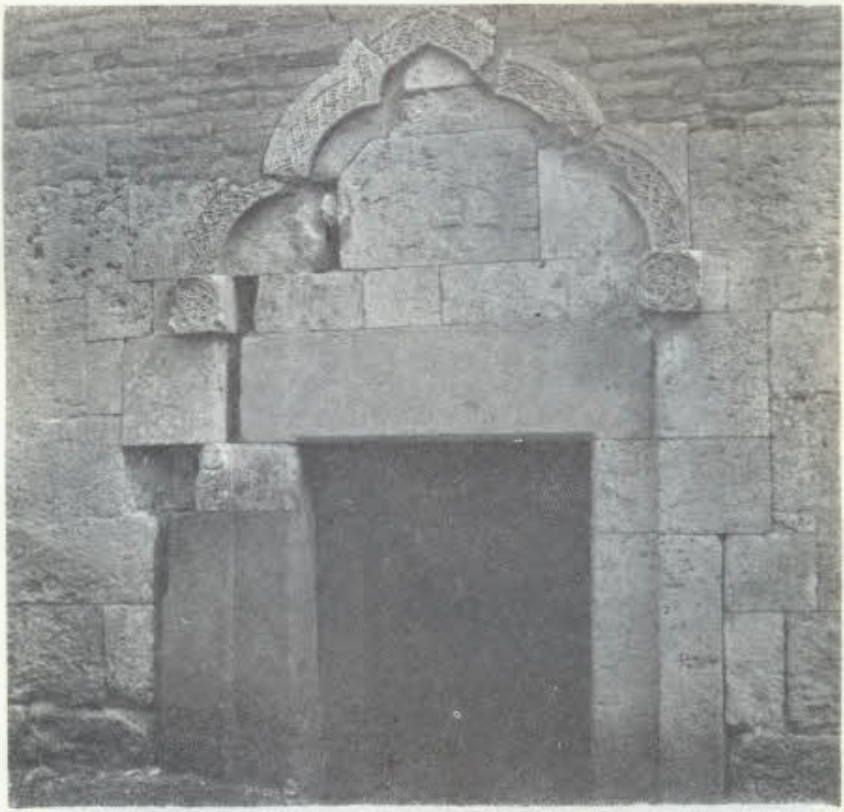
۵۸ ـ تبریز موزهٔ ارامنه ـ در جنوبی عبادت‌گاهی سنگی که از کلیسای طاطاوس(قره کلیسا) آورده شده است .



۵۷ ـ تبریز ـ موزهٔ ارامنه ـ عصای کشیش کلیسای سنت ـ بارتولموس



۹۵ ـ تبریز موزهٔ ارامنه ـ ناقوس مفرغی کلیسای طاطاوس که درآن جای گلوله دیده میشود



۶۰ ـ در غربی سنگی کلیسای صورب سرکیس خوی و تزئینات آن



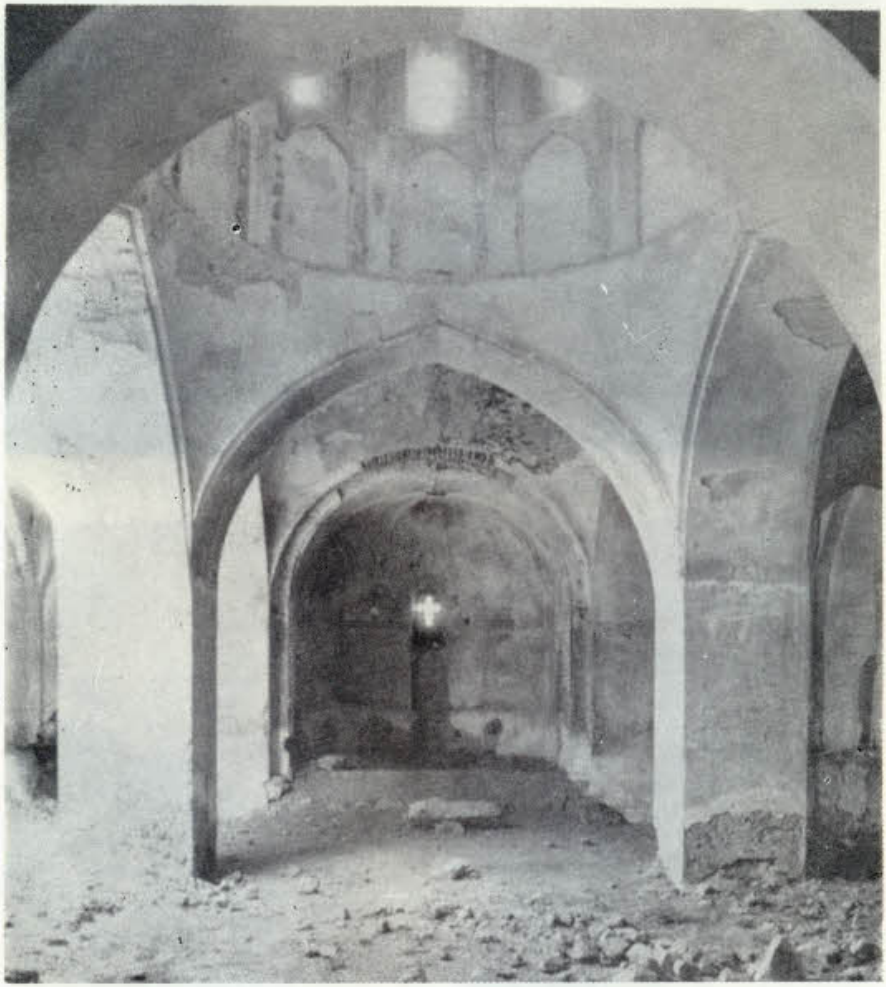
۶۱ ـ بقعه میر خاتون در سلماس



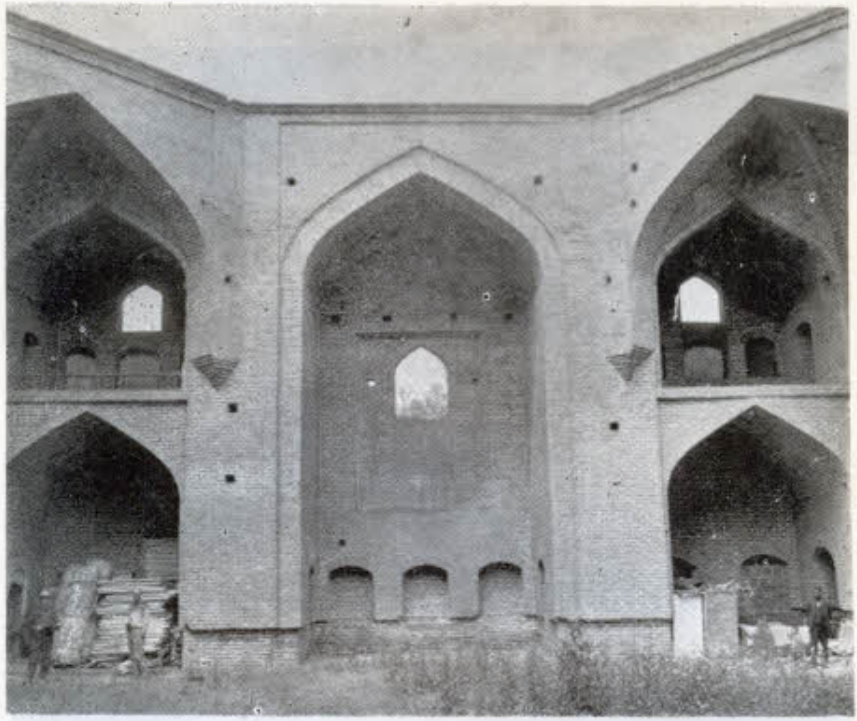
۶۲ ـ خوی ـ کلیسای محله ـ رواق کلیسا



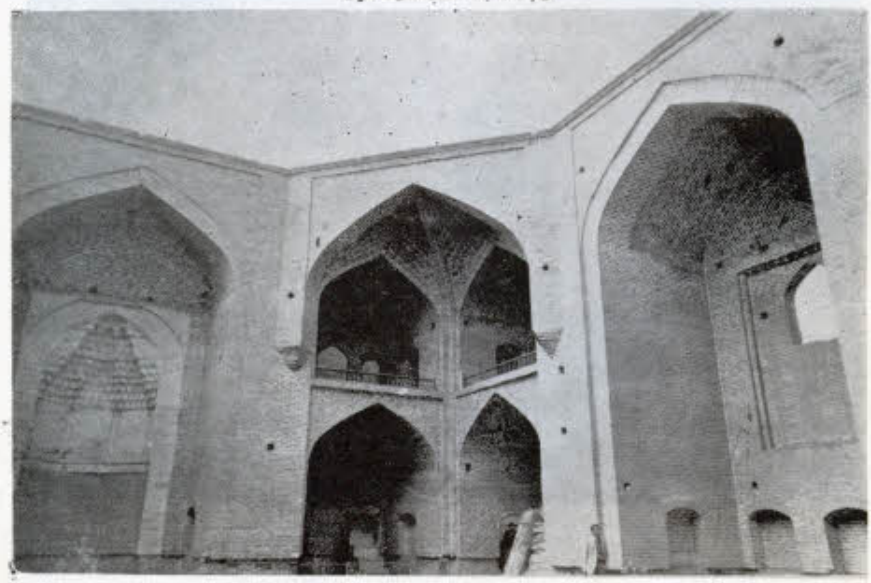
۶۳ ـ مهله‌زان (ماغلان) ، نمای خارجی یك‌کلیسای ارمنی ـ دهی ازدهستان اواوغلی بخش حومهٔ شهرستان خوی



۶۴ ـ مهله‌زان ـ نمای داخلی کلیسای ارمنی ، محراب روبرواق .



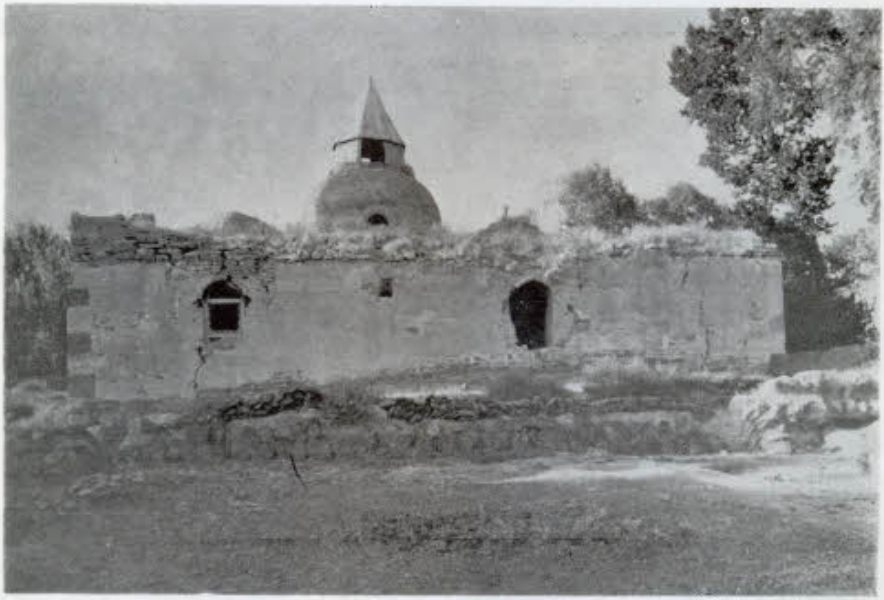
۶۵ ـ مسجد مطلب خان ـ خوی



۶۶ ـ خوی ـ قسمت دیگری از مسجد مطلب خان



۶۷ ـ دیرپخت ـ کلیسای ارمنی از دهستان چهریق بخش شاهپور



۶۸ ـ اختان ـ کلیسای ارمنی ـ اختان از حومهٔ بخش شاهپور



۶۹ ـ هفتوان ـ رواق یك‌کلیسای ارمنی از دهستان حومه بخش شاهپور در شهرستان خوی



۷۰ ـ موجومبار ــ کلیسای ارمنی ــ موجومبار ـ از دهستان رودقات بخش مرکزی شهرستان مرند



۷۱ ـ موجومبار ــ دیرکوهستانی ارمنی ازدهستان رودقات بخش مرکزی شهرستان مرند



۷۲ ـ تصویر درورودی کلیسای موجومبارکه ازسنگ تراش ساخته شده است .



۷۳ ـ نمای عمومی کلیسای موجومبار در قسمت عقب عکس تعدادی از خانه‌های روستایی نیز دیده می‌شود



۷۴ ـ مسجد مهر آباد ـ بناب



۷۵ ـ پلی در قسمت شمالی اردبیل ـ جاده‌ای که بسوی آستارا میرود.



۷۹ ــ خرابه‌های کاروانسرایی در بیست کیلو متری جنوب غربی اهر



۸۰ ــ کاروانسرایی خرابه در ۳۷ کیلو متری جنوب غربی اهر



۸۱ ــ پل وینار درحوالی کاروانسرایی بهمین نام درکنار جاده اهروتبریز



۸۲ ــ بقایای کاروانسرایی در ده سرو از دهستان برادوست در حومه رضائیه



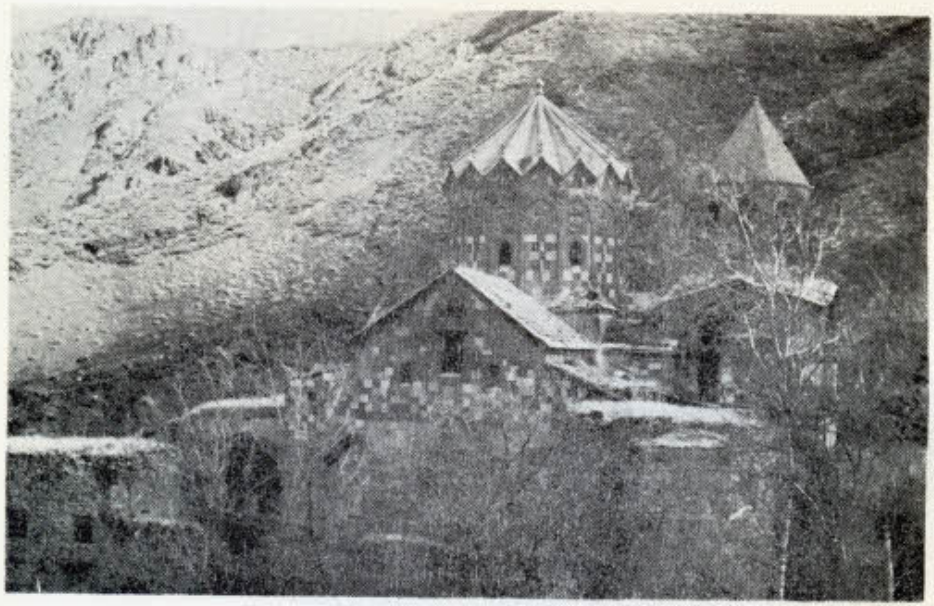
۸۳ ــ بردوك ــ از دهستان سومای رضائیه (مقبره ویران شده)



۸۴ ــ علدار (نزدیك خوی) ــ تصویری از یك امامزاده ویران



۸۵ ــ بر دوك ــ در بخش صومای رضائیه (سنگهای قبر)



۸۶ ــ منظره‌ای از کلیسای استپانوس



۸۷ ــ زنگ جدید قره کلیسا که اخیراً آنرا دزدیده‌اند

فهارس چهارگانهٔ تاریخ آذربایجان

۱ ـ فهرست اسامی اشخاص و طوایف و قبیله ها وعشیره‌ها و ایل ها و خاندانها و دودمانها

۲ ـ فهرست اسامی جایها و کوهها و رودها و دریاها و دریاچه‌ها

۳ ـ فهرست کتابها و رساله‌ها و ماهنامه‌ها و مقاله‌ها

٤ ـ فهرست مطالب

۱ = فهرست اسامی اشخاص وطوایف وقبایل و مشایر و ایلات

آ

آبا ۴۲۲
آبگار ۴۱۶
آبیش Abich ۵۴
آتاکسیاس ۱۰۲
آتروپات ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۱۷
آترو پاتن ۱۱۷ ، ۱۱۸
آتش آذرخره ۱۱۸
آتش آذر جشنسف ۱۱۸ ، ۱۱۹
آتش پرستان هندی ۱۴
آتش جمشید ۱۱۸
آتش کیخسرو ۱۱۸
آتش ماجسنسف ۱۱۸ ، ۱۱۹
آتورپات (رك: آذربد) ۹۷ ، ۹۸
آثروان (رك : مغان) ۱۰۴
آجرلو (ایل -) ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴
آخسری ۹۲
آخوند ملاحسین مراغه‌یی ۲۹۷
آخوند میرزاعلی بادکوبی (رك : آخوند آقامیرزاعلی باکوبی) ۲۸۲ ، ۲۸۴
آدا دنراری سوم ۷۷
آدم (نام شاعری) ۲۱۹
آذرباذبن ایران‌بن اسودبن سام‌بن نوح ۲۰۸
آذرباذبن بیورسف ۲۰۸
آذربایجان ملی حکومتی (رك : حکومت ملی آذربایجان) ۱۷۵
آذربایجانی (زبان و خط ولهجه و مردم و...) ۱۰۱ ، ۱۸۱ ، ۱۹۹ ، ۲۰۹ ، ۲۱۵ ، ۲۵۲ ، ۲۵۶ ، ۲۶۱ ، ۲۷۴
آذربایجانیان ۴۱ ، ۲۵۲ ، ۲۶۲
آذربد (نگاهبان آتش) ۹۵ ، ۹۷
آذر بیکدلی ۲۹۵
آذرخوش (آذرخش) ۱۱۶
آذرگشنسب (رك : آتشکدهٔ آذرگشنسب) ۱۱۰ ، ۱۲۵
آذرمیدخت ۱۲۸
آذری (زبان و لهجه وخط ...) ۳۱ ، ۲۰۴ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹ ، ۲۱۱ ، ۲۲۴ ، ۲۳۴ ، ۲۳۸ ، ۲۴۰ ، ۲۵۶ ، ۲۶۱ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۷۲
آذری (سیدعلی -) ۷۹۵
آذری فهلوی ۲۶۳

آذریه ۲۰۹
آراکس (رود-) Araxes ۱۰۱
آرامی (خط و زبان و مردم ـ) ۷۸ ، ۴۱ ، ۱۱۴ ، ۱۹۹
آرانی ۵ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷
آرتا Arta (رك : رته Rta) ۱۰۶
آرتا خیاس ۹۹
آرتاکسیاس ۶
آرتاوازدس ۱۰۱
آرتاوازده (رك: آرتا واسدس) ۱۰۲
آرتاواسدس ۱۰۰
آرتسرونی (رك : آرتاوازده) ۴۱۷
آرجرونی ۱۵۴
آرگیشتی ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۵
آرگیشتی‌ایردو ۸۴
آرگیشتی دوم ۸۳ ، ۸۴
آرگیشتی روساهینی (رك : آرگیشتی دوم) ۸۴ ، ۸۵
آروناش‌شیل ۸۷
آریو برزن ۱۰۰ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳
آریایی (رك : آریا) ۵ ، ۶۵ ، ۷۰ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۱ ، ۹۷ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۹۷
آزا Aza ۷۹
آزادخان افغان ۱۷۴ ، ۳۸۲
آسارحادون ۸۸ ، ۸۹
آسایش اوغلی ۲۴۹
آسایش‌لو (ایل -) ۲۴۷
آسوریان ۷۱ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۴۲۴
آسوریان آذربایجان ۱۹۸
آسیانی ۷۰ ، ۷۱ ، ۸۱
آسیایی ۱۸۱
آشوربانی‌پال ۷۳ ، ۹۲
آشورنصیراپال ۷۶
آشور نصیراپال دوم ۷۵
آشوری ۴۱ ، ۶۴ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۵ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۸ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶
آشوریان (رك : آشوری) ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۱۲۲ ، ۴۰۵
آشوریان (رك : کلدانیان) ۴۲ ، ۱۹۶
آغامحمدخان قاجار(رك : آقامحمدخان قاجار) ۱۷۴
آقاجریان (رك : تاجرمان) ۲۸
آقاجمال خوانساری ۳۰۴
آقاچری (عشایر -) ۲۳۷
آقاشمس‌الدین قراسنقرالچرکی‌المنصوری ۴۰۶
آقاکریم تبریزی (رك : صافی) ۲۸۸
آقا محمد خان قاجار (رك : آغا محمدخان قاجار) ۴۲۲
آقامسیح شیروانی ۲۶۰
آقسرایی (محمودبن محمد) ۷۹۵
آقسنقر ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۶
آقسنقر (رك : احمدیلیان) ۱۶۰
آق قویونلو ۱۷۳ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۹
آلارو (ایل-) ۱۸۲
آلارودیان ۸۶
آلان (قوم-) ۱۲۷
آللهوردی‌خان ۳۶۳
آلب ارسلان سلجوقی ۱۵۷ ، ۱۵۹
آلبانی‌ها ۵ ، ۱۰۶
آل‌باوند ۱۳۸
آل بویه ۳۹
آلپاووت (عشایر-) ۱۵ ، ۲۴۴ ، ۲۵۰

آلپلو (طایفهٔ ـ) ۲۵۰
آل جلایر ۱۷۳
آلمانی ۱۲۰ ، ۲۰۳ ، ۲۴۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۶۶
آماردها (رك، مرداها) ۶۹
آمریکایی ۴۲ ، ۱۱۱
آمن هوتپ چهارم ۸۷
آمن هوتپ سوم ۸۷
آنتونی جنکینسن ۲۳
آنتونیوس ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲
آنتیوخوس سلوکی ۹۹
آندره‌گدار ۶۴ ، ۳۹۲
آنوبانی‌نی ۷۱ ، ۷۲
آوارها ۱۲۶
آی‌تنمش ۱۶۹
آیدین (ایل‌ـ) ۱۵

ا

اباحه (فرقهٔ ـ) ۱۳۸
اباقا(پسرهلاکو) ۵۳ ، ۱۷۲ ، ۲۳۸ ، ۴۰۹ ، ۴۱۸
ابخاز (قوم‌ـ) ۱۲۶
ابراهیم (ـ خلیل‌الله) ۱۳۳
ابراهیم‌بن لیث‌بن الفضل ۱۴۲
ابراهیم‌بن مرزبان ۱۵۱ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵
ابراهیم پاشا ۱۷۳
ابراهیم خان (برادر نادرشاه) ۳۸۱
ابراهیم زرگر ۳۴۶
ابراهیم (ـ شیبانی) ۱۶۳
ابراهیمی وفایی ۷۹۶
ابراهیم کماری علایی ۲۹۲
ابراهیم‌ینال ۱۵۵ ، ۲۴۶
ابن‌اثیر (یاابن‌الاثیر) ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۷۹۵
ابن‌اسفندیار ۷۹۵
ابن‌العبری ۸۹۵
ابن‌الفقیه ۲ ، ۱۷ ، ۷۹۶
ابن‌الفوطی ۷۹۶
ابن‌الواضح الیعقوبی ۲۰۴
ابن بزاز ۲۱۸ ، ۲۴۱ ، ۷۹۵
ابن بشکین ۳۰ ، ۲۳۶
ابن بطوطه ۲۳۹ ، ۷۹۵
ابن‌بی‌بی ۲۳۸ ، ۷۹۵
ابن‌حوقل ۸ ، ۹ ، ۱۲ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۴۳ ، ۱۴۵ ، ۱۵۱ ، ۲۰۴ ، ۷۹۵
ابن خرداذبه ۸ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۷۹۵
ابن دلوله ۱۴۵
ابن‌رسته ۷۹۵
ابن‌شاکر کتبی ۳۸۷ ، ۳۸۹ ، ۷۹۵
ابن‌عبدالحق ۷۹۵
ابن‌عبدالرزاق ۱۴۷
ابن‌عماد ۳۶۰
ابن‌مسکویه ۵۵ ، ۱۴۵ ، ۱۴۸ ، ۷۹۶
ابن‌مقفع (یاابن‌المقفع) ۲۰۵ ، ۲۰۸
ابن‌ندیم (یاابن‌الندیم) ۱۴۹ ، ۲۰۶ ، ۷۹۶
ابن‌یمین ۳۰۶
ابوالحسن علی‌بن‌الحسین (رك ، المسعودی ، مسعودی) ۲۵۷
ابوالحسن علی‌بن یحیی‌الارمنی ۱۴۲
ابوالحسن علی‌لشکری شدادی ۱۵۶
ابوالخلیل ۱۵۸
ابوالساج دیودادبن یوسف دیو دست ۱۴۳ ، ۱۴۴
ابوالعلای معری ۲۰۹
ابوالفتح ۳۳۴
ابوالفداء ۲ ، ۱۸ ، ۵۳ ، ۷۹۶
ابوالفرج (پسرمفلح‌الیوسفی) ۱۴۴
ابوالفرج اصفهانی ۱۳۷

ابوالقاسم بیك ۳۳۱
ابوالقاسم عبدالله ۱۶۶
ابوالقاسم علی‌بن‌جعفر ۱۴۶
ابوالقاسم نباتی ۲۲۵
ابوالقاسم یوسف بن ابوالساج ۱۴۳
ابوالقاسم یوسف‌بن دیوداد ۱۴۴
ابوالمسافر فتح‌بن محمدالافشین ۱۴۳
ابوالمسافر محمدالافشین ۱۴۳
ابوالمسافر محمدبن افشین‌بن دیو داد (رك ، ابوعبیدالله محمدبن افشین‌بن دیو داد) ۱۴۴
ابوالمظفر رستم بهادر (رك ، رستم‌بن مقصودبن حسن‌بیك آق‌قویونلو) ۴۲۰
ابوالهیجا (رك : ابوالهیجاءبن ربیب‌الدوله) ۱۵۶
ابوالهیجا (حسین‌بن محمد رواد) ۱۵۱
ابوالهیجاء بن ربیب‌الدوله ۱۵۵ ، ۱۵۶
ابوالهیجاء حسین (-روادی) ۱۶۵
ابوالهیجا منوچهر ۱۵۷ ، ۱۶۶
ابوبکر (- پسرحاجی حسن زه‌تاب) ۲۱۱
ابوبکر (رك: ابوبکربن‌محمد) ۱۷۱
ابوبکر (- پسر جهان پهلوان) ۱۶۸
ابوبکربن محمد (- نصرةالدین) ۱۷۱،
ابوبکر طهرانی ۷۹۶
ابوبکر محمدبن رائق ۱۴۴
ابوجعفر المنصور ۱۴۱
ابوجعفربن عبدالله ۱۴۷
ابوجعفرمنصوری (رك : ابوجعفرالمنصور) ۱۴۱
ابودلف ۱۵۷، ۷۹۶
ابودلف (رك، امیرگولتن) ۱۵۱ ، ۱۶۳
ابودلف (- شیبانی) ۱۶۳
ابودلف مسعربن المهلهل ۱۷ ، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۱۶
ابوسالم دیسم‌بن ابراهیم کرد (-کردی) ۱۴۳ ، ۱۴۵
ابوسعد ۳۹
ابوسعید بهادر (رك: سلطان ابوسعید بهادر) ۳۹۴
ابوسعید بهادر ایلخان مغول ۳۹۶
ابوسعیدبهادرخان (رك: سلطان ابوسعیدبهادر) ۱۷۲ ، ۳۳۹ ، ۳۹۷ ، ۴۰۷
ابوسعید محمدبن یوسف‌المروزی ۱۴۲
ابوطاهر قرمطی ۱۴۴
ابوعبدالله حذیفةبن یمان عبسی ۱۴۰
ابوعبدالله محمدبن احمدخوارزمی ۲۰۶
ابوعبدالله نعیمی ۱۴۷
ابوعبیدالله محمدالافشین (رك ، ابوالمسافر محمدالافشین) ۱۴۳
ابوعلی بلعمی ۱۳۵
ابومنصور وهسودان‌بن محمد (رك ، و هسودان) ۱۵۲ ، ۱۶۶
ابونصر مملان ۱۵۷ ، ۱۶۶
ابویوسف ۷۹۶
اتابك ابوبکر ۱۶۲ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰
اتابك ازبك (اوزبك) ۱۶۲ ، ۱۷۰
اتابکان ۱۶۷ ، ۱۷۰
اتابکان آذربایجان ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱
اتابك ایلدگز ۱۶۱ ، ۱۶۲
اتابك خاموش ۱۶۲
اتابك خاموش‌بن اوزبك ۱۷۱
اتابك طغتکین ۱۶۰
اتابك قزل ارسلان (رك ، قزل‌ارسلان) ۱۶۸
اتابك محمد پهلوان (رك : محمدپهلوان) ۱۶۱
اتابك نصرةالدین ابوبکربن محمدجهان‌پهلوان ۱۶۹
اتوزایکی جوانشیر ۲۴۳

اثیرالدین اخسیکتی ۱۷۰
احمد ۳۳۴
احمدبن جنید ۱۵۱
احمد پاشا ۲۵۴
احمد حسینی ۳۴۴
احمد کاتب ۳۳۰
احمدیل ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۱۶۶
احمدیل‌بن ابراهیم‌بن و هسودان روادی کردی ۱۵۹ ، ۱۶۶
احمدیلیان ۱۵۹ ، ۱۶۲ ، ۳۹۲
ادات‌لو (ایل‌ـ) ۱۸۳
ادادنیراری (یا: آدادنیراری) ۷۵ ، ۸۸
ادادنیراری سوم ۹۲
ادوارد براون ۲۶۰
ادیب طوسی (استاد‌ـ) ۲۱۲ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷ ، ۲۲۱ ، ۲۶۳، ۷۹۶
اذرباذبن ایران بن الاسودبن سام‌بن نوح ۲۰۸
اذربیه (رك : آذری) ۲۰۹
ارامنه ۳ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۲۶ ، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴ ، ۴۲۵،۸۴۳ ،۸۵۲، ۸۵۳ ، ۸۵۴
ارامنهٔ تبریز ۱۹۸
ارانشاه ۷
ارانشاه (رك : لیرانشاه) ۷
ارتاکزس دوم ۱۰۲
ارتا واسداس (رك : ارتاوازده) ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳
ارتبان (رك ، اردوان دوم) ۱۱۷
ارتودکس ۴۲
ارته بازان ۹۹
ارته وازده دوم ۱۰۰
اردبیلی (رك : اردبیل) ۲۲ ، ۱۴۵ ، ۱۷۳ ، ۲۲۴ ، ۳۸۱
اردشیر ۱۲۳
اردشیر بابکان ۳۴
اردشیر اول ۱۲۳
اردشیر اول هخامنشی ۱۰۹
اردشیردوم ۱۰۹
اردك‌لو (طایفهٔ ـ) ۲۵۰
اردوان ۱۰۳ ، ۱۲۳
اردوان دوم (رك ، ارتبان) ۱۱۷
اردوی‌بادی (مهاجر ـ) ۱۶
ارژنگی (هوشنگ ـ) ۷۹۶
ارس‌خان ۳۳۳
ارسلان آبه (رك : نصرةالدین ارسلان آبه خاصبك) ۱۶۱
ارسلان احمدیلی ۱۶۹
ارسلان جاذب ۱۵۲ ، ۱۵۳
ارسلان(پادشاه‌ارمن) ۱۲۵
ارشك (پادشاه ارمن) ۱۲۵
ارغون (رك : ارغون‌خان) ۴۱۸
ارغون‌خان ۱۷۲ ، ۴۸
ارقاجرانان (رك ، تاجرمان) ۲۸
ارمنی (زبان وادبیات وخط و دین‌ـ) ۴ ، ۶ ، ۱۰ ، ۱۵ ، ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۱۰ ، ۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۸ ، ۱۵۶ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۰۲ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۸۳ ، ۴۰۲ ، ۴۱۵ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۱۸ ، ۴۲۰ ، ۴۲۴ ، ۴۲۶ ، ۸۲۶ ، ۸۵۲ ، ۸۵۷ ، ۸۵۸ ، ۸۶۰ ،۸۶۱ ، ۸۶۲
ارمنیان (رك ، ارمنی ، ارمنـان ، ارمنی‌ها ، ارامنه) ۲۸ ، ۳۴ ، ۸۶ ، ۱۵۱ ، ۱۹۷ ، ۴۱۸ ، ۴۲۰ ، ۴۲۱ ، ۴۲۴
ارمنیان آذربایجان ۱۹۷
ارمنیان ایران ۱۹۶
ارمنیان جنوب ۱۹۷
ارمنیان شمال ۱۹۷
ارمنی‌ها(رك: ارمنیان ، ارامنه ، ارمنان) ۴۱ ،

۸۶ ، ۴۲۳ ، ۴۲۵
ارموی‌دار (رك : ارمیه) ۴۱
ارمیای نبی ۸۹
اروپایی ۲۲۴ ، ۴۱۵
اروج‌بیك‌بیات ۷۹۶
ارياد ۲۴۷
ازبك (پسر جهان‌پهلوان) ۱۶۸
ازد (رك : یمن ، قبیلهٔ ــ) ۱۴۹ ، ۱۵۱
ازمیری۳۳۲ ، ۳۳۶ ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ، ۳۴۰ ،
۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۴۷ ،
۳۴۸ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۵۲ ، ۳۵۳ ،
۳۵۴ ، ۳۵۵ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸
اسپاراپت موشل ۱۲۴
اسپاکا (رك : ایشپاکای) ۸۸
اسپانیایی ۱۰۰
اسپرلو (قبیلهٔ ــ) ۲۴۴
اسپیت‌وارازتیروچ جاویدان خسرو ۱۲۸
اسپیرهلو (ایل ــ) ۲۴۷
استاجلو (ایل ــ) ۱۵ ، ۱۸۰ ، ۱۸۱ ، ۲۳۸ ،
۲۴۲ ، ۲۴۴ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ،
۳۱۶
استاد ابراهیم... تراش تبریزی ۳۲۰
استادعثمان‌بن احمدالمراغی ۳۲۲
استاد مقصودعلی ۳۲۱
استالین ۳ ، ۱۷۴
استپانوس ۸۴۴ ، ۸۷۱
استرابن ۴ ، ۶ ، ۵۳ ، ۹۹ ، ۱۰۴ ، ۱۰۶ ،
۱۰۸
استراتگ (فرمانده‌قشون) ۹۹
استفانوس مقدس (رك: استپانوس)۸۴۴، ۸۴۵
اسدی طوسی ۱۵۷
اسفندیاذ (رك : اسفندیار) ۱۳۴
اسفندیار (برادر رستم فرخزاد) ۱۲۹ ، ۱۳۵
اسفندیار (رك : اسفندیاذ) ۱۳۴
اسقف زاکاریا (رك : بسداجی زاکاریا) ۴۱۸
اسکندر ۹۵ ، ۹۶ ، ۱۰۹
اسکندر (رك : میرزا اسکندر) ۲۱۱
اسکندربیك ترکمان منشی ۷۹۶
اسکندر ذوالقرنین ۲۹۸
اسکندر رومی ۹
اسکندر مقدونی ۱۰۶
اسکیت (رك : سکاها) ۸۸
اسلام ۱۹ ، ۲۵ ، ۳۶ ، ۹۱ ، ۱۳۴ ، ۱۳۶ ،
۱۳۸ ، ۱۴۵ ، ۱۹۲ ، ۱۹۶ ، ۲۰۳ ،
۲۳۶ ، ۴۰۸ ، ۴۱۷ ، ۴۲۵
اسلامی (فرهنگ ودین وسپاه ولشکر وتمدن ــ)
۸ ، ۱۱ ، ۱۵ ، ۱۹ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۴۰ ،
۵۶ ، ۱۰۷ ، ۱۳۷ ، ۱۶۷ ، ۱۹۴ ،
۲۰۳ ، ۲۰۴ ، ۲۳۶ ، ۲۵۴ ، ۲۹۹ ،
۳۹۳ ، ۴۰۱ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵ ، ۴۰۹
اسلیمی خطایی ۳۴۴
اسماعیل‌آقا سمیتقو ۴۶
اسماعیل‌ثانی (پسرشاه طهماسب صفوی) ۳۲۳
اسماعیل دیباج (رك : دیباج) ۳۸۰ ، ۳۲۳ ،
۳۸۵ ، ۳۸۶ ، ۳۹۰ ، ۴۰۳
اسماعیل میرزا (پسرشاه طهماسب صفوی) ۹
اسماعیل میرزا (پسر شاه محمد خدابنده) ۳۲۳
اسماعیل نقاش اردبیلی ۳۰۷
اسماعیلی ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۹
اسماعیلیان ۱۲۹
اسودبن سام‌بن نوح ۲۰۸
اشرف افغان ۱۷۴
اشعث (رك : اشعث‌بن‌قیس) ۱۳۷
اشعث‌بن قیس ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۲۰۴
اشکانیان ۴ ، ۹۹ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۲۰ ، ۲۰۳ ،
۲۰۴ ، ۴۱۶
اصانلو (طایفهٔ ــ) ۲۵۰
اصطخری(الاصطخری)۵، ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۲۵ ،

۳۹ ، ۵۳ ، ۱۳۸ ، ۲۰۵، ۷۹۶
اطعانی (ایل_) ۱۹۰
اعتضادالسلطنه ۷۹۶
اعتمادالسلطنه ۹ ، ۱۳ ، ۲۵ ، ۳۲۳، ۷۹۶
اعتمادالشعراء (رك ، مهدی اعتمادی ناطقی) ۲۹۷
اعراب ۷ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹
افاغنه ۱۷۴
افشار (ایل_) ۱۸۰ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵ ، ۲۳۸، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲
افشار دویرانی (ایل_) ۱۸۵
افشارصائین قلعه (ایل_) ۱۸۵
افشارها (عشیرهٔ_) ۲۴۵
افشارهای ترك ۱۸۱
افشین ۳۸ ، ۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳،
افضل‌الدین خاقانی شروانی ۱۷۰
افغان ۲۵۱
افلاطون ۱۰۷
افلاطونی (فلسفهٔ_) ۱۰۷
اقبال‌آشتیانی ۱۷۰، ۷۹۶
اقوام ایرانی ۱۵
اکبرحسینی ۳۰۴
اکبی فقولوئی‌لو(ایل_) ۲۴۸
اکتای‌قاآن ۱۷۲
اکدی ۷۱ ، ۷۶ ، ۸۸
اکراد ۳۴
اکراد آذربایجان ۲۹۹
اکسودات ۹۵
اکلیری(کاغذ_) ۳۳۶ ، ۳۳۷ ، ۳۳۸ ، ۳۴۷، ۳۴۹ ، ۳۵۳ ، ۳۵۶
اگوستوس ۱۰۳
الاذربیجدیه (رك، آذربایجان) ۲۰۹
الاذربیجیه (رك ، آذربایجان) ۲۰۹
الاذربیه (رك : آذربایجان) ۲۰۹
الاذریه ۲۰۸
الارقیان ۲۱۸
الاسودبن سام‌بن‌نوح (رك ، اسودبن سام‌بن‌نوح) ۲۰۸
الاشعث‌بن قیس (رك : اشعث‌بن‌قیس) ۲۰۴
الایلخان (رك ، شیخ‌اوس) ۳۱۷
الیرانشاه (رك : لیرانشاه) ۷
الجاودانیة ۲۰۴
الخاقان (رك : شیخ‌اویس) ۳۱۷
الرانی (زبان ـ) ۵
الرانیه (رك ، الرانی) ۲۰۵
السلطان‌بن السلطان‌بن ابوالمظفرالسلطان شاه طهماسب الصفوی‌الحسینی بهادرخان۳۱۱
السلطان‌بن السلطان‌الخاقان‌بن الخاقان شاه ـ عباس‌موسوی الصفوی‌الحسینی بهادرخان ۳۰۹
السلطان‌بن السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان ۳۰۷
الشیخ اسحق ۳۱۴
الشیخ صفی (رك ، شیخ صفی‌الدین اردبیلی) ۳۱۳
الشیخ صفی‌الدین (رك ، الشیخ صفی) ۳۱۳ ، ۳۱۴
العجم (رك ، عجم) ۳۰۷ ، ۳۰۸
العجم‌الاذریه ۲۰۴
الفارسیة ۲۰۵
الفرس (رك : ایران) ۲۰۶
الفهلویه (رك ، فهلوی) ۲۰۶ ، ۲۰۸
القائم بامرالله عباسی ۱۵۶

الکساندر (پسر آنتونیوس) ۱۰۲
اللان شاه ۸
المسترشد بالله ۱۶۰
المسعودی ۲۰۷
المعتز (خلیفهٔ عباسی) ۱۴۳
المعتزبن‌المتوکل ۱۴۲
المقتدر بالله عباسی ۱۴۳
المقدسی (رك : مقدسی) ۲۰۶
الولید (رك : الولیدبن عقبة) ۲۰۶
الولیدبن‌عقبه ۲۰۴
الیعقوبی (رك ، یعقوبی) ۱۷
الیگومیوسن۱۷
امام شافعی ۲۱۰
امامعلی ۳۵۲
امان (طایفهٔ‌ـ) ۱۹۴
امانی (دکتر‌ـ) ۲۰۲ ، ۷۹۷
امبازوك ۱۲۶
امجعفر (رك ، زبیده) ۴۰
اموارلی (عشیرهٔ‌ـ) ۲۴۴
اموی ۲۳ ، ۱۴۱
امیرآغوش ۱۶۱
امیراحمدیل (رك : احمدیلیان) ۱۵۹ ، ۱۶۰
امیرارسلان ۲۸۳
امیرارسلان رومی ۲۹۸
امیرارغون‌خان رادکانی ۴۳۱
امیراصلان خان ۳۸۲
امیرالاوحدی ۳۱۱
امیرالمؤمنین (رك ، علی «ع») ۳۲۷ ، ۳۲۸
امیرایل ملك ۳۹۴
امیرپیشکین ۱۶۱
امیرتیمور(رك ، امیرتیمورگورکان) ۱۰ ، ۵۶ ، ۲۳۷ ، ۴۲۰
امیرتیمور گورکان (یا گورکانی) ۹ ، ۱۷۳ ، ۲۴۱
امیرخیزی (اسمعیل‌ـ) ۷۹۷
امیرشمس‌الدین قره سنقر ۳۹۴
امیرشیخ حسن چوپانی (رك ، شیخ‌حسن کوچك چوپانی) ۴۱۹
امیرطوس (رك ، ارسلان جاذب) ۱۵۳
امیرعشایری (طایفهٔ‌ـ) ۱۹۳
امیرقرواش عقیلی ۱۵۶
امیرقطب‌الدین اسماعیل یاقوتی ۱۵۹
امیرقوچ حسن ۴۱۹
امیرلو (خانوادهٔ‌ـ) ۱۶
امیرمحمود (رك : سلطان محمودغزنوی)۱۵۲، ۱۵۳
امیر وهسودان ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷
امیر وهسودان‌بن ممالان (رك ، امیروهسودان) ۱۵۵
امیریعقوب‌شاه ۴۱۹
امین‌سبحانی (رضا‌ـ) ۷۹۸
امین‌احمدرازی ۷۹۷
امینی (رضا ـ) ۷۹۷
اندرانیك هویان ۴۱۹ ، ۴۲۲ ، ۴۲۹
اندره‌کدار (رك ، کدار) ۴۹۳، ۴۰۶
انقلاب مشروطیت ۲۰۸
انگلبرت‌کمپفر ۲۴۲
انگلیسی ۶۵ ، ۶۸
انوشیروان ۱۱۶، ۱۱۸ ، ۱۱۹، ۱۲۶، ۲۲۸
انوشیروان (پسرقباد) ۱۳۸
انوشیروان ساسانی ۱۲
اوپیوس ستاتیانوس ۱۰۰
اودلو (ایل‌ـ) ۱۸۲
اورارتو (قوم‌ـ) ۷۰ ، ۷۱، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲، ۸۶ ، ۹۱ ، ۱۲۲، ۴۲۵
اررامر (طایفهٔ ـ) ۱۹۶
اورتوکوریبانتی ۸۹

اورل اشتین ۶۲ ، ۹۴
اورها ۷۰
اوزبك (رك ، اوزبك‌بن محمد جهان پهلوان) ۱۷۱
اوزبك‌بن محمد جهان پهلوان (مظفرالدین ـ) ۱۷۱
اوزدمیرزاده‌عثمان پاشا ۱۷۴
اوزن حسن آق قویونلو ۳۱۵
اوستایی ۵ ، ۱۰۶
اوسرئن ۴۱۶
اوصانلو (عشیرهٔ ـ) ۲۴۵
اوصانلوی مقدم (عشیرهٔ ـ) ۲۴۵
اوغوزون (رك ، غزها) ۲۴۵
اوکتای‌قاآن ۴۱۷ ، ۴۱۸
اوکتاویانوس ۱۰۱
اوگیراگوس ویرابجی ۴۱۹
اولجایتو ۳۸۵ ، ۴۰۰
اولوسونو ۷۹ ، ۸۰
اولیاچلپی ۱۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۷۹۷
اولئاریوس ۳۱۸ ، ۳۲۲
اوم مان ماندا ۸۷
اهل‌بیت پیغمبر ۲۸۸
اهل‌بیت خامس آل‌عبا ۲۸۷
اهل تسنن ۱۹۱
اهلی ۳۵۰
اهورامزدا ۱۰۶
ایبری ۵ ، ۷۰
ایبری‌ها (رك ، گرجیان) ۸۶
ایتغمش ۱۶۲
ایران‌بن الاسودبن سام‌بن نوح ۲۰۸
ایرانزو ۷۸ ، ۷۹
ایرانشاه (رك : ایرانشاه) ۷
ایران‌کوده ۲۲۱
ایرانی (زبان وادبیات وهنروسپاه وفرهنگ ـ) ۳ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۷ ، ۹۲ ، ۹۵ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۰۴ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۲۹ ، ۱۳۴ ، ۱۴۴ ، ۱۸۱ ، ۱۹۱ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۲۲ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۴۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۳۸۶ ، ۴۰۶
ایرانیان(رك ، ایرانی ، ایرانی‌ها) ۲۲ ، ۴۱ ، ۸۸ ، ۱۱۰ ، ۱۲۴ ، ۱۲۸ ، ۱۳۷ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۰۲ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۲۶ ، ۲۳۴ ، ۲۵۳ ، ۲۶۰ ، ۴۱۶ ، ۴۲۳
ایرانیان آذری ۲۰۴
ایرانیان غربی ۱۹۹ ، ۲۰۱
ایرتا ۱۰۶
ایزدیار ۷۹۷
ایساهاك ماکویی (اسقف ـ) ۴۲۲
ایسپیرلو (ایل‌ـ) ۲۵۰
ایشپاکا (رك ، اسپاکا) ۸۹
ایشپاکای (رك ، اسپاکا) ۸۸
ایشپواینی ۸۵
ایشخان (امیر-) ۱۲۸
ایشکوزا (رك ، سکاها) ۷۸ ، ۸۹
ایگرمی درت (طایفهٔ ـ) ۲۵۰
ایلبك‌لو (عشیرهٔ-) ۲۴۵
ایل‌بیگی‌ها ۱۸۰
ایل تیمور ۱۹۶
ایلخان ۳۸۷ ، ۳۸۸
ایلخانان ۲۵ ، ۵۳ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۲۳۷ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۴۱۸
ایلخانان مغول ۲۶ ، ۱۷۲ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱

ایلخانلوها ۲۴۵
ایلخانی (رك : ایلخانان مغول) ۱۷۲ ، ۳۸۶، ۴۳۱
ایلخانیان ۴۳۱
ایلخانی‌زاده (طایفهٔ ـ) ۱۹۴
ایلخچی (ایل ـ) ۱۸۲
ایلدگز (رك: اتابك ایلدگز) ۱۶۱
ایلدگز (رك : شمس‌الدین ایلدگز) ۱۶۸
ایلدگز (رك ، بنی‌ایلدگز) ۱۷۱
ایل‌ذهبی ۱۷۲ ، ۴۱۹
ایلکانی (رك، آل‌جلایر) ۱۷۳
ایلکانیان ۲۴۱
ایل‌ملك چوگاندار (رك ، امیرایل‌ملك) ۳۹۵
ایمرلی (ایل ـ) ۱۵
اینازلو (ایل ـ) ۲۴۸
ایناللو (ایل ـ) ۱۸۲
اینانج (شحنهٔ ری) ۱۶۸
اینانلو (ایل ـ) ۱۸۳ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶، ۲۵۰
اینانلوها (رك ، اینانلو) ۱۸۲ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶
ایندرا ۸۷
ایوا (ترکمانان ـ ، رك ، ییوا) ۲۳۶
ایوانیه (رك، ایوا، ییوا) ۲۳۶
ائورمشدا (رك: اهورامزدا) ۱۰۶
ایوری (ایل ـ) ۱۹۰

ب

باباشاه ۳۵۳ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸
بابافقیه احمد اسپستی ۲۱۱
بابافغانی ۳۴۳
باباقورقوت ۲۵۵
بابك (رك ، بابك خرمدین ، بابك خرمی) ۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۴۳ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۲۰۴
بابك خرمدین ۱۳۸ ، ۱۴۹ ، ۲۸۳ ، ۲۹۶، ۴۰۱
بابك خرمی (رك : بابك خرمی) ۲۴ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۲۰۴
بابلیان ۸۸
باپیرآقایی (ایل ـ) ۱۹۵
باچماکف ۲۲۹
بادکوبی (آخوند میرزاعلی ـ) ۷۹۷
بارتلد (بارتولد) ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۶، ۱۱۶ ، ۲۵۴ ، ۳۲۴ ، ۷۹۷
بارتولمه ۵۳
بارزیوس ۱۲۶
باریاکس ۹۵
بازرگان (فریدون ـ) ۷۹۷
بازیلیك(سیك ـ) ۴۲۶
باسك‌کوله (ایل ـ) ۱۹۴
باش‌اوغوز (عشیرهٔ ـ) ۲۴۵
باقرخان ۱۷۵
بانواماتی ۳۰۱
بانومریم (رك ، مارت مریم) ۱۹۹
بایدو ۱۷۲
بایندر (قبیلهٔ ـ) ۱۵
بخت‌نصر (رك ، فرهادبن‌گودرز) ۴۰
بختیاری (قبیلهٔ ـ) ۱۸۱
بداق سلطان‌بن شیرخان‌بن شیخ‌حیدرخان‌عکری ۴۱۵
بدرینی (البدرینی) ۷۹۷
بدشخ ۱۲۴
بدیرلو (ایل ـ) ۱۸۵
براشکان شاه ۸
براون (ادوارد ـ) ۷۹۷
برچلو (ایل ـ) ۲۴۸
برچلی (عشایر ـ) ۲۳۷
بردیا ۹۴

برسم (درخت گز) ۱۰۹
برنا ۱۰۶
بروکی (ایل‌ـ) ۱۸۸
برکیارق ۱۶۲
برویی (ایل‌ـ) ۱۸۸
بریاجی (ایل‌ـ) ۱۹۴
بزچلو (ایل‌ـ) ۲۴۸
بزمی‌خویی (مولانا‌ـ) ۲۹۱
بزنونی (رك : سیمون بزنونی) ۴۲۴
بس (قبیلهٔ ـ) ۱۹۸
بساط ۲۵۴
بسداجی زاکاریا (اسقف ـ) ۴۱۸
بسطام‌بن عمروالتغلبی ۱۴۱
بطلمیوس ۴ ، ۵۳،۶ ، ۷۷
بعیث بن‌محمد ۱۶۳
بغ (خدا) ۱۰۶
بغا (غلام معتصم) ۱۱
بغدادی ۳۶۹ ، ۳۷۰
بغیث (رك . حلبس) ۱۵۰
بکتیمور (امیرخلاط) ۱۷۱
بکیربن‌عبدالله ۲۹ ، ۱۳۵
بکیربن‌عبیدالله ۱۳۴
بگ (رك ، بغ) ۱۰۶
بگتاشی‌های ترك ۲۵۸
بگدلو (طایفهٔ ـ) ۲۴۹
بلاذری(البلاذری)۱۸ ، ۳۶ ، ۱۱۶ ، ۱۳۵ ، ۲۰۴ ، ۲۲۸، ۷۹۷
بلاش اول اشکانی ۹۹
بلاش سوم اشکانی ۱۰۴
بلخکانلو (ایل‌ـ) ۱۸۵
بلك ۸۶
بلنجر (قوم‌ـ) ۱۲۷
بندو ۷
بندوی (رك ، وندوی) ۱۲۷
بنی‌امیه ۱۳۷
بنی‌ایلدگز ۱۷۱
بنی‌بکرمحمدبن بندان الهناءبن‌المحسن‌المعمار ۳۹۲
بنی‌تغلب ۱۳۷
بنی‌رواد (رك ، روادیان) ۱۶۵
بنی‌ساج (رك ، ساجیان) ۱۴۴
بنی‌سلار (رك ، بنی‌سالار) ۱۶۴
بنی‌عباس ۱۴۴
بنی‌قرامان ۲۳۸
بنی‌مرزبان ۱۶۴
بنی‌مسافر ۱۶۴
بوتان (ایل‌ـ) ۱۹۰
بودایی ۳۹۳
بورتون برون ۶۴ ، ۶۵
بوغوس ارمنی (اسقف‌ـ) ۴۱۹
بوقا ۱۵۵
بهاءالدین ابوطالب ۱۶۱
بهارلو (ایل‌ـ) ۱۵ ، ۲۳۸ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹
بهرام (پدرخسروشیر) ۱۱۲ ، ۱۱۶
بهرام (برادر رستم فرخزاد) ۱۲۹
بهرام (رك ، بهرام‌بن فرخزاد) ۱۳۵
بهرام (رك ، بهرام‌گور) ۱۲۵
بهرام (رك ، بهرام چوبین) ۱۲۷
بهرام‌بن فرخزاد ۱۳۵
بهرام چوبین ۷ ، ۱۲۷
بهرام گورساسانی ۳۲ ، ۱۲۵ ، ۲۹۸
بهرنگی (صمد‌ـ) ۷۹۷
بهمن‌کریمی ۴۴
بهنام (عیسی ـ) ۷۹۷

بیات (ایل ـ) ۱۵ ، ۱۸۰ ، ۲۴۳ ، ۲۴۵ ، ۲۴۷ ، ۲۵۰
بیانی (دکتر شیرین -) ۷۹۸
بیبورتلو (ایل ـ) ۲۴۷
بی‌بی‌فاطمه (زن شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی) ۳۱۸
بیرام (خواجهٔ ترکمان) ۴۱۹
بیرون ترکی (امیرقم) ۱۱۹
بیزانسی ۱۲۱ ، ۱۲۸
بیک‌باطو (ایل-) ۱۸۲
بیکدلی‌ها (طایفهٔ ـ) ۲۴۴
بیکدیلو (ایل-) ۱۸۱ ، ۲۴۵
بیک‌زاده (ایل-) ۱۹۱
بیگلو (ایل-)۱۸۲
بیگلودورسون (ایل-) ۱۸۲
بیوك اعظمی ۲۸۷ ، ۳۰۳

پ

پاپ ۶
پادر (ایل-) ۱۵
پارت ۹۹
پارتاتوآ (پارتاتوا) ۸۹
پارتها ۱۰۰ ، ۱۰۷
پارتی ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۱۷ ، ۲۰۳
پارتیان (رك ، پارتیها) ۱۰۱ ، ۱۰۲
پارتیها (رك ، پارتیان) ۹۹ ، ۱۰۲
پارس‌ها ۱۰۸
پارسواها ۷۷
پارسی(زبان ونژاد وفرهنگ وادب ...) ۱۱۷ ، ۱۵۰ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۲۵ ، ۲۵۱ ، ۲۶۹ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۲ ، ۲۹۴ ، ۲۹۸ ، ۲۹۵ ، ۲۹۹
پارسی ادبی ۹۷
پارسیان ۱۴ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۴
پارسیان زرتشتی هند ۱۴
پارسی باستان ۵۳ ، ۱۰۰ ، ۱۱۰
پارسی جدید ۹۷
پارسی دری ۲۰۸
پارسی میانه ۹۷ ، ۱۱۰
پارکوروس ۱۰۳
پازند ۱۳۰ ، ۱۳۳
پاسکویچ ۳۲۴
پاکر ۹۹
پایبورت‌لو (ایل-) ۲۵۰
پرایونلو (ایل-) ۱۸۲
پردیکاس ۹۵ ، ۹۶
پرناك (طایفهٔ ـ) ۲۵۰
پرنا ۱۰۶
پرنس زیبانوف ۴۱۶
پرنو ۱۰۶
پروانه (رك ، خلاق‌المعانی) ۲۹۳
پروتستان (پرتستان) ۴۲ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۳۰۱
پروتستان (پرتستان آمریکایی) ۴۲
پرویز ورجاوند (دکتر-) ۴۳۱
پس‌آتاکاردار(ایل-) ۱۹۰
پس‌آقاعبدوی (ایل-) ۱۹۰
پسیان (نجفقلی -) ۷۹۸
پشتدریها (ایل-) ۱۹۵
پطروشفسکی ۷۹۸
پلوتارك ۱۰۹
پلیستوسن ۵۱ ، ۵۵
پلینوس ۶
پورداود ۱۲۰ ، ۱۲۸
پورسونلو ۲۴۵
پولاتلو (ایل-) ۱۸۲

پومپه ۵
پومپه پئوس ۱۰۰
پهلوان محمد (پسرایلدگز) ۱۶۱
پهلوی (زبان وخط ـ) ۱۰۷ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۲۰۴ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۹ ، ۲۱۰ ، ۲۳۹
پهلوی (رك : فارسی‌میانه) ۱۰۰
پهلوی (رك : فهلوی) ۲۰۳
پهلوی (سلسلهٔ-) ۱۷۵
پهلوی ساسانی ۱۲۳ ، ۱۲۹
پهلوی شمالی ۲۰۳
پهلوی مغیر ۲۱۰
پهله (رك : پهلوی ، فهلوی) ۲۰۳ ، ۲۰۶
پیترو دولاواله ۲۲۶ ، ۲۳۴
پیتون ۹۶
پیران (ایل-) ۱۹۳ ، ۱۹۴
پیرحاجی‌حسن (رك : حاجی‌حسن زه‌تاب) ۲۱۱
پیرزاده (شیخ‌حسین‌بن‌ابدال زاهدی ـ) ۷۹۸
پیروز ساسانی ۶
پیره‌نو شیروان ۲۱۸
پیشه‌وری ۴۰۳
پیغمبراسلام (رك : محمد «ص») ۱۹۲
پیکلو (ایل-) ۲۴۸
پیله سوار (نام امیری) ۳۹

ت

تات (رك : تت) ۱۵ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴
تاتار ۲۵۳
تاتارهای آذربایجانی ۱۸۱ ، ۲۵۳
تاتارهای آسیایی ۱۸۱
تات‌های قفقاز ۲۳۴
تاتی (لهجهٔ ـ) ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۴۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳
تاتی ارمنی (لهجهٔ ـ) ۲۲۸
تاتی قفقازی (لهجهٔ ـ) ۲۲۷
تاتی وهرزنی (رك : عبدالعلی کارنگ) ۲۲۹ ، ۲۳۳
تاتی یهودی ۲۲۸
تالاندی ۲۹۳
تاج‌الدین‌علیشاه(رك : تاج‌الدین علیشاه‌جیلانی) ۳۴
تاج‌الدین علیشاه جیلانی ۳۰ ، ۴۳۱
تاج حیدری (رك : قزلباش) ۲۴۲
تاج خاتون ۳۰۸
تاج‌خاتون (رك : حلیمه خاتون) ۳۱۴
تاجرمان (رك : آقاجریان) ۲۸
تاجیك ۲۱۰ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۵۱
تاجیکان ۲۱۰ ، ۲۵۳
تادئو (رك : تادئوس ۴۱۵
تادئوس (یا : تادیوس ، رك : طلاووس) ۴۱۵ ، ۴۱۸
تازی (رك : عربی) ۱۵۰ ، ۲۰۵
تامارا ۱۶۹
تامسن (ژنرال-) ۳
تائب (رك : میرزاصادق) ۲۸۵
تائب‌تبریزی (رك : تائب ، میرزا صادق) ۲۸۵
تبارزه (رك : تبریزیان) ۲۱۳
تبریزی (رك : تبریزیان) ۲۶۵ ، ۲۶۹ ، ۲۸۲
تبریزیان(رك : تبریزی) ۱۴۶ ، ۲۱۳ ، ۲۲۲
تت (رك : تات) ۲۲۶
تخته قاپو(اسکان) ۱۸۱ ، ۱۸۴ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵

تخومه (قبیلهٔ ـ) ۲۰۱
ترابی طباطبایی (سیدجمال‌الدین -) ۷۹۸
تربیت (رك ، دانشمندان آذربایجان) ۲۸۸ ، ۷۹۸
تریان Trers ۸۸
ترك (رك ، ترکان) ۲ ، ۳ ، ۱۳ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۳۳ ، ۵۹ ، ۱۵۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۶۷ ، ۱۸۱ ، ۲۱۰ ، ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۴ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۶ ، ۲۵۹ ، ۲۶۳ ، ۳۷۷ ، ۴۲۱
ترکان (رك ، ترکها ، ترك) ۳ ، ۴۱ ، ۱۲۷ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۷۴ ، ۲۱۰ ، ۲۲۶ ، ۲۳۵ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۷ ، ۲۶۰ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶
ترکان (قبیلهٔ ـ) ۱۵
ترکان آق قویونلو ۲۴۱
ترکان ازبك ۲۴۱
ترکان ایران ۲۴۵
ترکان خوارزمی ۲۳۷
ترکان رومی (رك، روملو) ۲۳۷
ترکان شامی (رك ، شاملو) ۲۳۷
ترکان عثمانی ۳ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۹۶ ، ۱۹۹ ، ۲۵۰
ترکان غز ۲۴۵
ترکان قاجار ۲۳۷
ترکان قراقویونلو ۲۴۱
ترکان موصلی (رك ، موصللو) ۲۳۷
ترکمان (رك ، ترکمانان) ۲۷ ، ۱۵۷ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۴۱۹
ترکمانان (رك ، ترکمان ، ترکمانها) ۳۷ ، ۱۵۳ ، ۲۳۶ ، ۲۴۱ ، ۲۴۴ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰
ترکمانان مقدم ۲۴۴
ترکمانچای (عهدنامهٔ ـ) ۴ ، ۱۶
ترکمانها (رك ، ترکمانان) ۲۴۵
ترکمانی ۱۷۳
ترکمن (رك : ترکمان) ۱۵ ، ۲۳۷ ، ۲۴۹ ، ۲۵۳ ، ۲۶۱
ترکمنها (رك ، ترکمانها) ۱۹۷
ترکها (رك ، ترکان) ۲۵۲
ترکهای ایران ۲۵۳
ترکی (رك ، ترك ، زبان ولهجهٔ -) ۳ ، ۲۷ ، ۱۸۱ ، ۱۸۴ ، ۱۹۸ ، ۲۲۲ ، ۲۲۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۹ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۵ ، ۲۷۴ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۱ ، ۳۲۳ ، ۳۶۶ ، ۳۷۵ ، ۳۷۶ ، ۴۰۲ ، ۴۱۵ ، ۴۲۰
ترکی آذربایجانی ۱۸۱ ، ۲۶۱ ، ۲۶۳ ، ۲۷۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ،
ترکی آذری (زبان ـ) ۱۵۶ ، ۲۰۸ ، ۲۲۱ ، ۲۲۴ ، ۲۳۵ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۴ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۹ ، ۲۷۲ ، ۲۷۴ ، ۲۸۲ ، ۲۹۸ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴
ترکی آناطولی ۲۶۴
ترکی ترکمنستان ۲۶۴

ترکی جنوبی ۲۶۴
ترکی سواحل کریمه ۲۶۴
ترکی شبه‌جزیرهٔ بالکان ۲۶۴
ترکی شرقی ۲۳۷
ترکی عثمانی ۲۶۱ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۷۰ ، ۲۷۴
ترکی غربی ۲۵۸
ترکی غز ۲۳۷
تزاری(روسیهٔ ـ) ۳۹۰
تشوب ۷۰
تشیع (رك . شیعه) ۲۲
تغتمش‌خان (یا، تقتمش‌خان) ۱۷۳ ، ۴۱۹
تقی‌زاده (سیدحسن-) ۷۹۸، ۸۰۱
تکلبه (ایل-) ۱۸۲
تکلو (ایل-) ۱۸۰ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹
تکله ۱۸۲
تکه (ایل-) ۲۴۵
تکیله ۲۴۵
تلقاز (طایفهٔ-) ۲۴۹
تمکینی (رك، داستان کوکه یولداشی خواجه ـ رشید) ۲۸۷
تمیستوکلس ۱۰۹
تورس ۴۱۸
توشراتا ۸۷
توما ۱۲۸
ته‌ای شه‌با ۸۴
تهوب (قبیلهٔ-) ۱۹۸
تیاری (قبیلهٔ ـ) ۱۹۸ ، ۲۰۱
تیرپانلو(عشیرهٔ -) ۲۴۵
تیرداد ۴۱۷
تیگران ۱۰۰ ، ۱۰۲
تیگلات پالاسار سوم ۷۸ ، ۸۱
تیمور (رك ، امیرتیمورگورکان ، لنگ) ۱۰، ۱۵ ، ۱۷۳ ، ۱۹۹ ، ۲۳۷ ، ۲۴۶ ، ۴۱۷ ، ۴۱۹
تیموریان ۲۴۴
تئوفانس ۶ ، ۱۲۸
تئوفانس می‌تی‌لن ۵
تئوفیل (پسرمیخائیل) ۱۴۰

ث

ثابت‌النهروانی ۱۴۱
ثقةالاسلام شهید (میرزاعلی‌آقا) ۷۹۸

ج

جاگیرلو (ایل-) ۲۵۰
جامی (منسوب به تربت جام) ۳۷۵
جاودانیان قدیم ۲۰۴
جاویدان (دکترسلام‌الله -) ۷۹۸
جاویدان‌بن سهیل ۱۳۷
جبار اظهری ۳۰۱
جبارمضطر اردبیلی ۲۸۷
جراح‌بن عبدالله‌الحکمی ۱۴۱
جرجس‌بن‌العمید ۷۹۸
جرماغون ۱۷۲ ، ۴۱۷
جریربن عبدالله بجلی ۱۳۶
جستان‌بن مرزبان ۱۶۴
جشن‌نوروز ۱۹۰ ، ۱۹۳
جعفراوغلو ۲۵۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۶
جعفربن‌محمد امیرمرند ۱۶۳
جعفربن منصور ۴۰
جعفربیگ قاجار ۳۸۱
جعفرپیشه‌وری ۱۷۵
جعفرخندان ۳۰۰
جعفرلو (ایل-) ۱۸۲
جغتای (ایل-) ۲۴۹
جغتایی ۲۴۱
جگیرلی (ایل-) ۱۵

جلال‌الدین(رك: جلال‌الدین خوارزمشاه) ۱۷۰
جلال‌الدین خوارزمشاه ۱۷۰ ، ۱۷۱
جلالی (ایل-) ۱۶ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹
جلایریان ۲۴۱ ، ۲۴۴
جلایریان مغول ۲۴۶
جلو (قبیلهٔ ــ رك ، جیلون) ۱۹۸ ، ۲۰۱
جلودارلو (ایل-) ۱۸۲
جلیل محمدقلی‌زاده ۲۸۵
جمال‌الدین اشهری ۱۷۰
جمال‌الدین‌بن الحسن الازدی ۷۹۸
جمال قاسمی ۳۰۲
جمری قرامان اوغلی محمدبك ۲۳۸
جمعه‌لو (طایفهٔ-) ۱۸۵
جمعیت انجیلی ۴۲
جنابیان (شاهرخ -) ۷۹۸
جنگ جهانی اول (یاجنگ‌اول‌جهانی ، یاجنگ بین‌المللی‌اول) ۳، ۱۷۵، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۹ ، ۲۰۰
جنگ جهانی دوم ۱۷۶
جنیدی (دکترمحمدجواد-) ۴۱۶ ، ۷۹۸
جنی‌کانلو (ایل-) ۱۸۵
جوانشیر (ایل-) ۱۵ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴
جورج مایلز (دکتر-) ۳۹۸
جوشقانی ۳۷۵
جوینی (عطاملك -) ۷۹۸
جهان پهلوان (رك ، نصرة‌الدین محمد جهان - پهلوان) ۱۶۸
جهانشاه خان قراقویونلو ۲۹۶
جهانشاه‌لو (طایفهٔ -) ۱۸۵
جیران‌خانم (رك ، جیران‌خانم اثرلری) ۲۹۰، ۳۰۲
جیلانی ۲۱۰
جیلوں (قبیلهٔ ــ ، رك ، جلو) ۱۹۸

چ

چپینی (قبیلهٔ ــ) ۱۵
چارلزبرنی (مستر-) ۶۸
چاریقلو (عشیرهٔ -) ۲۴۵
چامچیان ۱۵۴
چرچیل ۱۷۶
چرکویی شپیرانی (ایل-) ۱۹۰
چنال اوغلی ۴۲۱
چفتی داغ (رك ، یهودیان‌کوهستانی) ۲۲۷
چکنی (عشیرهٔ-) ۲۴۵
چلبیان‌لو (ایل-) ۱۸۱
چلبیانلوها ۱۶
چمشگزك‌لو (ایل-) ۲۴۷
چوپانیان ۱۷۳
چهارده معصوم ۲۸۴
چهارشنبه سوری(جشن-) ۱۸۶ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳
چهتریه (رك ، کستریه)۱۲۳
چئوشلو (ایل-) ۲۴۷

ح

حاتم‌بن هرثمة‌بن اعین ۱۴۲
حاجی اعوذخان ۳۸۰
حاجی‌جعفردائی ۲۸۸
حاجی حسن زه‌تاب ۲۱۱
حاج‌حسین‌آقا نخجوانی ۲۱۰ ، ۲۱۴
حاجی خداویردی ۲۹۳
حاج (حاجی) خواجه‌لو (ایل-) ۱۸۲ ، ۱۸۳
حاجی ذهنی‌زاده ۳۰۴
حاجی‌ربان ۳۸۲
حاجی سیدحسین کهنمویی ۳۰۴
حاجی علیلو (ایل-) ۱۸۱
حاجی غلام نوری قالیچی ۲۹۷
حاجی قاسم سیوجی ۴۲۱
حاجیلرلو (طایفهٔ-) ۲۴۵
حاجی محمد (رك: دلخون) ۲۹۱
حاج محمدآقا نخجوانی ۲۹۶
حاجی‌محمدابراهیم ذوقی ۲۸۹ ، ۲۹۹، ۳۰۳
حاجی‌محمدحسین صحاف ۳۰۴

حاجی محمد علی (رك ، دیوان ثابت تبریزی) ۲۹۴
حاجی مهدی تبریزی آینه ساز ۲۹۱
حاجی میرزا ابوالحسن تبریزی ۲۸۹
حاج میرزا حسین‌خان سپهسالار ۴۶
حاجی میرزا عباسقلی صابر ۲۸۵
حافظ ۲۱۳
حافظ ابرو (عبدالله خوافی) ۵۵ ، ۵۶ ، ۳۴۷، ۴۱۹ ، ۷۹۸
حافظ حسین کربلایی تبریزی ۲۱۱
حبیب‌بن مسلمهٔ فهری ۳۶
حبیبی ۲۵۸
حدثیه ۳۸۶
حذیفه (رك ، حذیفة‌بن‌الیمان) ۱۳۶
حذیفة‌بن‌الیمان ۱۳۵ ، ۱۴۰
حسام‌الدین شامی ۳۸۹
حسن ۳۱۱
حسن (امام دوم‌شیعیان) ۱۴۱
حسن‌اوغلی (رك ، عزالدین پورحسن) ۲۵۶
حسن‌بن احمدالحکیم ۳۸۹
حسن‌بن محمد ۷۹۸
حسن بیگلو (ایل‌ـ) ۱۸۱
حسن‌عاصی ۲۸۸
حسنعلی‌خان امیرنظام‌گروسی ۴۶
حسنقلی داودی ۲۸۷
حسن‌گلو (ایل‌ـ) ۱۸۱
حسنلو ۲۴۹
حسین (رك ، محمدبن‌رواد) ۱۵۱
حسین حافظی تبریزی ۳۰۴
حسین خانلو (ایل‌ـ) ۱۸۲
حسین‌کرد ۲۸۳ ، ۳۰۲
حسین‌کیاور ۲۵۲
حسینگلو (ایل‌ـ) ۱۸۲
حسینی (رك ، سعدی زمان) ۲۸۵ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۲
حسینی (رك ، سید عمادالدین نسیمی حروفی) ـ ۲۵۸
حسینی (رك، مراثی حسینی) ۲۸۳
حسوخلف (ایل‌ـ) ۱۸۵
حکومت استالینی شوروی ۱۷۵
حکیم عمرخیام ۳۰۳
حکیم (محمدتقی ـ) ۷۹۸
حکیم ناصرخسرو قبادیانی ۲۰۷
حلیمه خاتون (رك ، تاج‌خاتون) ۳۱۴
حلبس(یاجلبس، رك، امیرمرند) ۱۵۰، ۱۶۳،
حمدالله مستوفی ۲ ، ۵ ، ۸ ، ۹ ، ۱۵ ، ۱۹، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۳ ، ۱۲۰، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۳۸۹ ، ۴۰۶ ، ۴۰۸، ۷۹۹
حمدویة‌بن علی‌بن‌الفضل‌السعدی ۱۴۲
حمزه (رئیس‌ایل حمزه‌لو) ۲۴۹
حمزه (رك ، داستان حمزه) ۲۸۳
حمزهٔ اصفهانی ۹
حمزه‌لو (ایل‌ـ) ۲۴۸
حمزه میرزا (پسرشاه محمدخدابنده) ۳۲۳
حمزه میرزاحشمت‌الدوله ۴۶
حنفی (فرقهٔ ـ) ۳۱ ، ۲۱۰ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰
حیدرانلو(ایل‌ـ) ۱۸۸ ، ۱۹۶
حیدربابا ۲۸۳

خ

خاتون (زن خاقان هیاطله) ۱۲۵
خاقان ۴۲۱
خاقان (رك ، فتحعلی‌شاه) ۲۵
خاقان‌بن خاقان ۳۱۵
خاقان هیاطله ۱۲۵

خالد (امیرمرند) ۱۶۳
خالدی(خدای مردم اورارتو) ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵
خامس‌آل‌عبا ۲۸۷
خامسلو (ایل-) ۱۸۲
خان‌بن خان قلیج مهرانی ۳۲۱
خان چوپانی (رك ، مجنونشاه) ۲۹۵
خاندان دنبلی ۱۷۴
خاندان صدقه ۱۶۴
خاندان صفوی ۳۲۲
خانعلی ۳۳۷
خانم (رك : بی‌بی‌فاطمه) ۳۱۸
خانی‌بن محمد قاسم ۲۸۱
خانیکف ۳۹۸
خایلندورك (رك ، هونهای سفید)
ختایی (رك ، خطایی) ۳۵ ، ۲۳۹
خدابنده‌لو(عشیرهٔ-) ۲۴۵
خدر (طایفهٔ -) ۱۹۴
خراسانی ۲۰۷ ، ۳۷۵
خرزندی زیدری‌نسوی (محمد) ۷۹۹
خرم‌دینان (رك ، خرمیه) ۱۳۷ ، ۱۳۸
خرمه (زن مزدك) ۱۳۸
خرمیان (رك : خرم دینان) ۱۳۸
خرمیه (رك ، خرم‌دینان) ۱۳۷ ، ۱۳۸
خزر (قوم-) ۱۲۶ ، ۲۳۶
خزرها ۲۳
خزویی (ایل -) ۱۸۸
خسرو ۴۱۰
خسرو (رك ، خسروپرویز) ۱۲۷
خسرو (ازشاهزادگان آذربایجان) ۱۱۷
خسرو (پادشاه ارمنستان) ۱۲۳
خسرو (رك ، خسرو شیر) ۱۱۷
خسروانوشیروان ۷ ، ۱۲۷ ، ۱۳۸
خسروپرویز ، ۷ ، ۴۶ ، ۱۲۷ ، ۴۰۵
خسرو دهلوی ۳۵۲
خسروشیر (پسربهرام) ۱۱۲ ، ۱۱۶
خشتره (رك ، ساترایی) ۹۴
خشتره (حکومت وقدرت) ۱۰۶
خشترپوان (رك، ساتراب، ساتراپ) ۹۴، ۱۲۴
خشتریت (شاه ماد) ۹۴
خطایی (رك ، ختایی) ۳۲۸ ، ۳۳۱ ، ۳۳۲، ۳۴۲ ، ۳۴۳ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۵۳ ، ۳۵۴ ، ۳۵۹ ، ۳۶۰ ، ۳۷۱ ، ۳۷۲ ، ۳۷۳ ، ۳۷۶
خطایی (معاصر پادشاهان آق‌قویونلو) ۲۵۹
خطایی(رك: شاه‌اسماعیل‌صفوی) ۲۴۳ ، ۲۵۹، ۲۶۰
خطیب بغدادی ۷۹۹
خطیب تبریزی ۲۰۹
خلاق‌المعانی (رك : پروانه) ۲۹۳
خلج (ایل -) ۱۵ ، ۱۸۰ ، ۲۴۶
خلخالی (مرحوم-) ۲۱۳، ۸۰۲
خلخالی (لهجهٔ-) ۲۳۳ ، ۲۳۴
خلیفهٔ دوم (رك ، عمربن‌خطاب) ۱۳۴
خلیفه‌زاده (ایل -) ۱۹۰
خلیفهٔ صادق ۲۱۹
خلیفهٔ گرمرودی ۲۸۳
خلیفه‌لو (ایل-) ۱۸۲
خلیفه لومردان (ایل -) ۱۸۲
خلیکانلو (ایل-) ۱۸۵ ، ۱۸۸
خلیل اظهری ۳۰۴
خمسلی (قبیلهٔ -) ۲۴۳
خندان ۳۵۴
خنوس (رك : خینیس) ۲۴۹
خواجه (رك، خواجه نصیرالدین طوسی) ۳۸۷، ۳۸۸
خواجه افندی (سعدالدین) ۷۹۹
خواجه حافظ شیرازی (رك ، حافظ) ۳۵۰
خواجه‌حسین‌بن‌سیف‌الدین محمودبن تاج‌خواجه ۳۹۷
خواجه عبدالله‌انصاری ۳۴۰

خواجه‌لو (ایل-) ۱۸۲
خواجه نصیرالدین‌طوسی ۳۸۶ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰
خوارج ۱۴۵
خوارزمشاهی ۲۳۵
خوارزمشاهیان ۲۳۶
خوارزمی (ابوعبدالله محمدبن احمد) ۷۹۹
خوارزمی (ابوجعفر محمدبن‌موسی) ۷۹۹
خواندمیر (غیاث‌الدین) ۷۹۹
خوره‌زاد ۱۲۸ ، ۱۲۹
خورنه (رك: فر) ۱۰۶
خوشنویس ۳۳۶ ، ۳۵۵
خوشنویسان ۳۶۰
خویی (رك ، دربی‌نظیر) ۳۰۲
خویی (رك ، خوی) ۳۲۶
خیام پور (دکتر عبدالرسول) ۷۹۹
خیذربن کاوس (رك ، افشین) ۱۴۰
خینیس (رك : خنوس) ۲۳۹

د

داده اکسوس (رك ، رودجیحون) ۹۵
داریوش (رك ، داریوش بزرگ) ۹۴
داریوش (رك ، داریوش سوم) ۹۵
داریوش (ازپادشاهان آذربایجان) ۱۰۰
داریوش بزرگ ۹۴
داریوش سوم ۹۵ ، ۱۰۹
دالمن ۶۷
دالیان (قبیلهٔ-) ۸۰
دان(برنهاردن) ۸۰۴
داود ۱۶۱
داود (رك ، سلطان محمود سلجوقی) ۱۶۰
داودختر ۹۴
داهه‌ها (قبایل-)۱۰۳
دایان آشور ۷۷
دبیرسیاقی (دکتر محمد-) ۲ ، ۱۸ ، ۱۵۲ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۳۸۹ ، ۴۰۸، ۸۰۶
دپه‌کوز ۲۵۴
دخیل (رك ، کلیات دخیل) ۲۸۳
دده (رك : دده عمر) ۲۵۷ ، ۲۵۸
دده عمر ۲۵۷
دده‌عمرالایدینی (رك ، دده‌عمر) ۲۵۷
دده قورقود ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵
دروئی ۲۰۰
درویش احمد (عاشق پاشازاده) ۷۹۹
درویش توکلی‌بن اسماعیل ۲۱۷
درویش محمد ۳۳۹
درویش محمدخان طالش ۳۸۱
دری (رك ، زبان فارسی دری) ۲۰۶ ، ۲۰۷، ۲۰۸
دریانی (احمد) ۷۹۹
دریك‌بد (رك ، دریك پت) ۱۲۸
دریك‌پت (رئیس دربار) ۱۲۸
دز (قبیلهٔ ــ) ۱۹۸ ، ۲۰۱
دستهٔ حسینی دلریش ۲۹۱
دقیقی ۲۰۷
دکوزخاتون (زن هولاکوخان) ۳۹۳
دگر (ایل-) ۱۵
دل‌آغازدار (ایل-) ۱۸۲
دلایی (ایل-) ۱۸۸
دلخون (رك ، حاجی محمد) ۲۹۱
دلخون (رك ، میرزاعلی)۲۹۰
دلسوز (رك ، محمدامین تبریزی) ۲۸۹
دلی‌کانلو (ایل-) ۱۸۲ ، ۱۸۴
دلیم‌بن حارثهٔ انصاری ۱۴۱
دمورگان (رك ، ژان دومورگان) ۸۶ ، ۹۴
دمیرچلو (ایل-) ۱۸۲
دمیرچیلو (ایل-) ۱۸۳
دنبلی‌ها (طایفهٔ ــ) ۲۹۰
دنسترویل ۲
دوخانیکف ۱۹۹ ، ۲۳۴
دودکانلو (ایل-) ۱۸۸
دوك (لقب‌اشراف اسپانیا) ۲۴۷
دوگودیلر ۳۸۷

دولت آبادی ۳۳۶ ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ۳۴۵ ، ۳۴۷ ، ۳۴۸ ، ۳۵۱
دولت‌آبادی (عزیز) ۷۹۹
دولتشاه (رك، دولتشاه‌سمرقندی) ۲۵۶ ، ۲۵۷
دولتشاه سمرقندی ۲۵۶ ،۷۹۹
دولت صفوی ۲۵۰
دولت عثمانی ۱۷۴
دولو (عشیرهٔ-) ۲۴۵
دولیکوسفال (مستطیل‌الرأس)۱۹۷
دومورگان (رك ، دمورگان) ۶۷
دون ژوان ایرانی ۲۴۷
دویران (ایل-)۱۸۵
دویرانها (ایل-) ۱۸۵
دهقان (علی) ۷۹۹
دهبکری (ایل -) ۱۹۴
دیااکو (رك ، دیااوکو) ۷۴
دیااوکو (رك ، دیوکس) ۹۳
دیاکونف (یا ، دیاکونوف)۶۶، ۷۱،۷۳، ۸۹، ۹۴ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱،۷۹۹
دیباج (رك ، اسماعیل دیباج) ۱۱۳ ، ۱۱۵ ، ۳۹۲ ، ۳۹۷ ، ۳۹۹ ، ۴۰۲ ، ۷۹۹
دیتس (زبان‌شناس آلمانی) ۲۵۴
دیرنیق (رك : دیرنیق آجرونی) ۱۴۸
دیرنیق آجرونی ۱۴۸
دیزهلو (قبیلهٔ -) ۱۵
دیسم (رك ، دیسم‌کرد) ۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷، ۱۴۸
دیسم‌کرد ۱۴۵
دیسم‌بن شادلویه (رك، ابوسالم دیسم‌بن ابراهیم کردی) ۱۴۵
دیلم ۱۴۶
دیلمان ۱۴۶
دیلمیان (رك ، دیلم ، دیلمان) ۱۵۱
دیم (زن اباقا) ۳۹۳
دین‌زردشتی ۱۰۵ ، ۱۰۷
دین‌زروانی ۱۰۷
دین‌مسیح ۱۹۹
دینوری ۱۳۸
دیودادبن محمد ۱۴۴
دیوکس (رك ، دیااوکو) ۹۳

ذ

ذات‌الخلق(نام‌آلتی نجومی) ۳۸۹
ذاکر (رك ، محمدعلی‌کریم) ۲۹۹
ذاکرکریمی ۳۰۱
ذکاء (یحیی) ۷۹۹
ذوالفقارخان ۳۶۱
ذوالقدر (ایل-) ۱۵ ، ۱۸۰ ، ۱۸۱، ۲۳۸، ۲۴۲ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰
ذوالقدیر (رك ، ذوالقدر) ۲۴۹
ذوالقرنین یمانی ۱۲
ذوالقعده (ایل-) ۱۸۵
ذهبی (شمس‌الدین) ۷۹۹
ذهنی (رك ، مراثی ذهنی) ۲۸۳

ر

رابرت دایسون ۶۴
رائی (رك : میرزارضا عربی خوان) ۲۹۲
راجی (نام‌شاعری) ۲۰ ، ۲۸۳
رادلف ساموئیلوویچ ۲۶۴
رامیان ۸۰۰
راولینسون ۴۶ ، ۸۶ ، ۹۴
راوندی (رك ، راحة‌الصدور) ۱۶۲
رایت آمریکایی ۳۰۱
ربیب‌الدوله ۱۵۶
رته (رك ، آرتا) ۱۰۶
رجب مینا ۲۲۶
رجب‌نیا(دکترمسعود-) ۴۲۰،۸۰۰،۸۰۴،۸۰۵
رجوی (کاظم دیلمقانی) ۸۰۰
رحیم منزوی ۳۰۲
رزم‌آرا (سرتیپ‌علی) ۸۰۰
رسول (رك ، رسول‌الله) ۱۹۴ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵، ۳۴۳

رسول‌الله (ص) ۲۹ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴
رستم (رك ، رستم فرخزاد) ۱۲۸ ، ۱۲۹
رستم‌بن مقصودبن حسن‌بیك آق‌قویونلو ۴۲۰
رستم‌بهادر (رك ، ابوالمظفر) ۴۲۰
رستم فرخزاد ۱۲۸، ۱۳۴
رشیدالدین فضل‌الله ۸۰۰
رشید یاسمی ۲۶۰
رضاتجدد ۲۰۶
رضاشاه‌کبیر ۳۴ ، ۴۲،۴۶ ، ۱۷۵ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵
رضاصراف ۲۹۲
رضاقلیخان ۳۸۱
رضاقلیخان بیگلربیگی افشار ۴۱
رکن‌الدوله (رك . رکن‌الدولهٔ دیلمی) ۱۴۷ ، ۱۴۸
رکن‌الدولهٔ دیلمی ۱۴۷
رکن‌الدین ابوالمظفر ارسلانشاه‌بن‌طغرل ۱۶۸
رواد ۱۴۹
رواد (رك ، مثنای ازدی) ۱۴۸
روادبن‌المثنی ۱۶۵
روادبن محمد ۱۶۵
روادی (رك ، رواديان) ۱۴۸، ۱۵۱ ، ۱۵۲، ۲۳۵
رواديان(رك، روادی ، بنی‌رواد)۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۹ ، ۱۶۵
رواديان ازدی ۱۴۸
رواديان تبریز ۱۶۵
رواديان عرب (رك ، رواديان ازدی) ۱۴۸
رواديان‌کردی ۱۴۸
روحی ارباب ۷۱
روح‌الدین ۳۴۲
روح‌الله (رك ، عیسی «ع») ۴۲۲
روحی انارجانی ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۴۳، ۸۰۰
روزولت ۱۷۶
روز سیزده (جشن‌ـ) ۱۹۲
روس (مردم ـ) ۳ ، ۱۵ ، ۲۲
روسا ۷۹ ، ۸۴ ، ۸۵
روسا (رك ، روسای دوم) ۸۳ ، ۸۴
روسای اول ۷۹ ، ۸۲
روسای دوم ۸۳
روساهینی ۸۴ ، ۸۵
روسها (رك : روس) ۱۰ ، ۱۶ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶
روسی ۱۱۶ ، ۲۵۴ ، ۳۹۰
روشنی (رك . دده عمر) ۲۵۷
روملو (حسن) ۸۰۰
روملو (رك . ترکان رومی ، ایل ـ) ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۶ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰
رومی (رك . رومیان) ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۴، ۲۲۶ ، ۳۴۱ ، ۳۵۸ ، ۳۶۱ ، ۳۶۲ ، ۳۶۳ ، ۳۷۶ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۴۲۷
رومیان(رك، رومی) ۴ ، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶
رومیه (رك ، رومیان) ۳۶۱ ، ۳۶۲، ۳۶۳
ریاحی (دکترمحمد امین) ۸۰۰
ریتون ۶۷
ریچارد تایپر ۲۴۶
ریکا ۳۸۱

ز

زاخاریاس رتور ۷
زاره ۱۲۳ ، ۳۹۶
زاکاتالا (قبیلهٔ ـ) ۱۵
زاکاریا (اسقف ، رك : زکریا) ۴۲۰ ، ۴۲۲
زامباور۱۴۳،۱۴۴، ۱۴۵ ، ۱۶۵،۱۷۱،۸۰۰
زاهدی (دکتر حبیب) ۸۰۰
زموآ ۷۱
زائر (رك، کربلایی اسدزائرمحمدی) ۲۸۸
زبان آذربایجانی ۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۶۱
زبان آذری ۲۰۴ ، ۲۰۹ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۵ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳
زبان اردبیلی ۲۱۸

زبان ارمنی ۴۲۷
زبان پارسی (رک ، زبان فارسی) ۲۵۱
زبان تبریزی ۲۱۸
زبان ترکی ۲۲۲ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۸ ، ۲۶۱ ، ۲۹۱ ، ۲۹۳
زبان ترکی آذربایجانی ۲۶۳ ، ۲۶۶
زبان‌ترکی آذری ۲۵۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵،۲۶۶، ۲۶۷
زبان ترکی عثمانی ۲۶۱ ، ۲۶۵
زبان ترکی عامیانه ۲۸۳
زبان ترکی غربی ۲۵۸
زبان غزی ۲۵۲
زبان‌فارسی (رک: زبان پارسی) ۲۸۲، ۲۵۱، ۲۵۲ ، ۲۶۲ ، ۲۸۶
زبان فارسی دری ۲۰۸
زبان فهلوی آذری ۲۰۳ ، ۲۱۷ ، ۲۴۳ ، ۲۵۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴
زبان قدیم آذربایجان ۲۴۲
زبان کلدانی جدید ۱۹۹
زبیده (رک، ام‌جعفر) ۴۰
زرتشت ۱۰۷ ، ۱۰۹
زرتشتیگری ۱۰۷
زرتوشتوم ۱۰۷
زردشت (رک : زرتشت) ۴۰ ، ۴۱ ، ۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۸
زردشتی ۹۵ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷
زردشتیان ۱۰۶ ، ۱۰۷
زرگرلو (ایل‌ـ) ۱۸۲ ، ۱۸۳
زروانی ۱۰۷
زریق (رک ، علی‌بن صدقه) ۱۴۲ ، ۱۵۱
زرین (طایفهٔ‌ـ) ۱۹۴
زرا (ایل‌ـ) ۱۹۲
زکریا (رک: زاکاریا ، بسداجی زاکاریا)۴۱۸، ۴۲۰
زکریای قزوینی ۲۳۸
زکی ولیدی ۱۶ ، ۱۲۶ ، ۲۳۸ ، ۲۴۵
زلوتارف ۲۵۳
زندیه ۱۷۴
زنگه‌زور(قبیلهٔ ـ) ۱۶
زنوب گلاک ۴۱۷
زنوزی (محمدحسن) ۸۰۰
زنی (امیرروبین‌دز) ۱۶۷
زیج‌ایلخانی ۳۷۶ ، ۳۸۷
زیج فارسی ۳۸۶
زیگی لی ۱۲۶
زین (طایفهٔ‌ـ) ۱۹۴
زین‌الدین ۳۴۳

ژ

ژان‌دمرگان، ژان دمورگان (رک ، دمورگان و دومورگان) ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۲۰۲ ، ۲۶۱
ژزوئیت (رک ، مسیحیان یسوعی ، یسوعی‌ها) ۴۲ ، ۲۰۱
ژووین (رک . یوویانوش) ۱۲۴

س

سابرها ۱۲۵
سابیر ۱۲۶
ساتراب ، ساتراپ (رک ، خشتره‌پوان) ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۱۲۴
ساترایی های سلوکی ۹۶
ساجیان ۱۴۳ ، ۱۴۴
سادات (ایل ـ) ۱۹۲
ساربانلار (ایل‌ـ) ۱۸۲
ساردوری (رک ، سردوری) ۸۲ ، ۸۳

ساردوری دوم ۸۰ ، ۸۱
سارگون(رک، سارگون دوم) ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۲
سارگون دوم ۷۴ ، ۷۹ ، ۸۲
ساروخان ۳۸۲
ساریجان بگلو(ایل) ۱۸۲
ساری‌جعفرلو (ایل ـ) ۱۸۳
ساسانی (رک : ساسانیان) ۱۲ ، ۱۸ ، ۵۳ ، ۱۱۲ ، ۱۱۶ ، ۱۲۱ ، ۱۲۳ ، ۱۹۹ ، ۳۸۴ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵ ، ۴۰۹ ، ۴۱۰
ساسانیان (رک : ساسانی) ۴ ، ۱۰۷ ، ۱۲۱ ، ۲۰۳ ، ۲۳۴ ، ۴۰۴
ساسپیریان ۸۶
ساعدی (غلامحسین) ۸۰۰
ساکاسنا (ساکاشایانا) ۸۸
ساکان (ایل ـ) ۱۸۵
ساگارتیان ۶۹
سالاریان (رک ، بنی‌سالار) ۱۶۴
سالماناسارسوم (سالمانسا رسوم) ۷۶ ، ۷۷
سامانی ۱۴۵
سام (رک ، سام شاه) ۳۸۱
سام‌بن نوح ۲۰۸
سام شاه ۳۸۰ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲
سامورامات (رک ، ملکه سمیرامیس) ۷۷
سامی ۷۰ ، ۸۱ ، ۱۹۸ ، ۲۰۱
سامی (رک ، سام شاه) ۳۸۲
سامی (شمس‌الدین محمد) ۸۰۰
سامی‌ها ۱۹۸
ساندوخت ۴۱۷
سانتروک ۴۱۷
سانسون ۲۲۶
سبؤس ۱۲۸
ستاتیانوس (رک ، اوپیوس ستاتیانوس) ۱۰۰
ستارخان ۱۷۵
ستر Star ۱۰۶
ستوده (دکتر حسینقلی) ۸۰۰
ستوده (دکتر منوچهر ـ) ۱۱ ، ۱۸
ستوریق ۱۲۰
سخاوی (شمس‌الدین) ۸۰۰
سرجان ملکم ۲۴۸
سرخ جامگان (رک ، محمره) ۱۳۷
سرکیس (اسقف ـ) ۴۲۰ ، ۴۲۲
سرکیس‌کاراپتیان ۴۱۷ ، ۴۱۹ ، ۴۲۵ ، ۴۲۷
سرمت‌ها ۹۶
سروزولچلو ۱۴۷
سریانی ۵ ، ۴۱ ، ۹۷ ، ۱۱۶ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹
سری چالو (عشیرهٔ ـ) ۲۴۴
سعادلو (خوانین-) ۲۸
سعدی ۲۱۳
سعدی‌زمان (رک، حسینی) ۲۸۵، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۲
سعدی شیرازی ۲۵۶
سعیدبن‌العاصی ۱۳۶
سعیدبن ساریهٔ خزاعی ۱۳۷ ، ۱۴۱
سعیدبن عمروبن اسدالحرشی ۱۴۱
سعید نفیسی ۲۱۳ ، ۲۲۱
سینه زن (رک ، کربلایی علی‌اصغر) ۲۹۱
سکاها ۴ ، ۶۳ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۳
سکایی ۶۳ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱
سکاییان(رک ، سکاها) ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۳ ، ۹۶
سلام‌الله جاوید (دکتر-) ۲۸۲ ، ۲۸۶
سلام‌الله خلیل صفوی ۳۲۲
سلاجقه (رک ، سلجوقیان) ۱۵۷
سلجوق (رک، سلطان محمود سلجوقی) ۱۶۰
سلجوقی(رک، سلجوقیان) ۱۵۲ ، ۱۶۸ ، ۱۷۱ ، ۲۳۵ ، ۲۳۷ ، ۳۸۴ ، ۳۸۵ ، ۳۹۳ ، ۴۱۱

سلجوقیان(رک ، سلجوقی) ۳۷ ، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱ ، ۱۶۵ ، ۱۶۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۱ ، ۳۹۲ ، ۳۹۸ ، ۴۱۲
سلچلو (ایل-) ۲۴۸
سلدوز ۱۹۲
سلطان‌ابوسعید بهادرخان ۲۱۰، ۳۹۴ ، ۴۰۶
سلطان احمد تکودار ۱۷۲
سلطان‌القرایی (جعفر) ۸۰۰
سلطان اویس جلایری ۴۱۹
سلطان بایزیدبن خواجه حسین‌الصفوی ۳۲۲
سلطان بایزیدخان ثانی ۲۵۸
سلطان جلال‌الدین (رک ، سلطان جلال‌الدین-خوارزمشاه) ۱۷۰ ، ۲۳۷
سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه ۱۶۲ ، ۱۷۰ ، ۱۷۲ ، ۴۱۷
سلطان جنید ۳۲۳
سلطان حیدر (پدرشاه اسماعیل) ۲۴۲، ۳۱۷، ۳۲۳ ، ۴۰۰
سلطان خواجه علی سیاه‌پوش ۳۱۷
سلطان خواجه علی مشهور ۳۷۷
سلطان سلیم ۲۶۰
سلطان سلیم خان ۲۵۸
سلطان سلیم عثمانی ۱۷۳
سلطان سید جبریل ۳۷۳
سلطان شهاب‌الدین اهری (رک ، شیخ‌شهاب - الدین اهری) ۳۸۶
سلطان طغرل (رک ، طغرل) ۱۶۰
سلطان طغرل‌بن‌محمد ۱۷۱
سلطان طغرل سوم سلجوقی ۱۶۲
سلطان عثمانی (رک ، مرادخان ثالث) ۱۷۴
سلطان علی ۳۴۳ ، ۳۵۵
سلطان علی مشهدی ۳۴۱
سلطان غیاث‌الدین سلیمان شاه‌بن محمد ۱۶۸
سلطان محمد ۳۴۴
سلطان محمد (رک : سلطان محمدبن سلجوقی) ۱۶۱
سلطان محمدبن محمود سلجوقی ۱۶۱
سلطان محمدخدابنده ۱۷۴
سلطان محمدخدابنده اولجایتو ۱۷۲
سلطان محمد خندان ۳۴۵ ، ۳۵۴
سلطان محمدکاتب ۳۴۶
سلطان محمدنور ۳۴۱ ، ۳۶۰
سلطان محمود(رک، امیرمحمود، سلطان‌محمود غزنوی) ۱۵۳
سلطان محمود (رک ، غازان خان مغول) ۳۹
سلطان محمودبن محمد ۱۷۱
سلطان محمود سلجوقی ۱۶۰
سلطان محمود غازان ۱۷۲
سلطان محمودغزنوی ۱۵۲ ، ۲۳۵
سلطان مسعود (رک ، سلطان مسعود سلجوقی) ۱۶۸
سلطان مسعود سلجوقی (رک ، سلطان مسعود) ۱۶۱ ، ۱۶۷
سلطان مسعود غزنوی ۱۵۵ ، ۱۶۵ ، ۲۳۵
سلطان‌یعقوب (رک ، سلطان یعقوب‌آق‌قویونلو) ۲۵۹ ، ۲۵۹ - ۲۶۰
سلطان یعقوب آق قویونلو ۲۵۷ ، ۲۵۸
سلغلو (رک ، سلچلو) ۲۴۸
سلمان ۳۳۲ ، ۳۵۲
سلوکی ۹۶ ، ۹۸
سلیمان ۳۴۷ ، ۴۲۱
سلیمان امینی ۳۰۴
سلیمان اول ۱۷۳
سلیمانخان ۴۱۹
سلیم‌خان ۳۸۲
سماک (رک ، سماک‌بن حزشهٔ انصاری) ۱۳۵
سماک‌بن‌الحارث ۱۴۰
سماک‌بن حزشهٔ انصاری ۱۳۴ ، ۱۳۵
سمباط (سمباط باگراتونی) ۱۴۳

سمباط خسروشنوم ۱۲۸
سمرقندی ۳۳۶ ، ۳۳۷ ، ۳۳۸ ، ۳۳۹ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، ۳۵۲ ، ۳۵۶
سمعانی (عبدالکریم‌بن‌محمد) ۲۰۹ ، ۸۰۰
سمیتقو (ایل-) ۱۹۰
سنت استفانوس ۴۰۲
سنت مارتن ۵۳
سنگ یادگار ۸۵
سنگریم (امیر آرجرونی) ۱۵۴
سنی (فرقهٔ -) ۲۴ ، ۳۴ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۱۷۳ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۲۴۲
سنی شافعی ۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵
سن ژرژ (رك : سورپ گورگ) ۴۲۹
سورپ سرکیس ۴۳۰
سورپ گورگ (رك : سن‌ژرژ) ۴۲۹
سوری (رك ، آشوریان) ۷۷
سوکلان (طایفهٔ -) ۲۵۰
سولدروز (قبیلهٔ-) ۲۴۴
سویورکوکتنی خاتون (مادر هلاکوخان مغول) ۳۹۳
سهراب‌المکری ۴۱۵
سهل (رك : سهل‌بن جاویدان) ۱۳۸
سهل‌بن جاویدان ۱۳۸
سهل‌بن سنباط ۱۴۰
سیاه‌پوش (رك ، سلطان خواجه علی مشهور) ۳۷۷
سیدابوالقاسم نباتی ۲۹۵
سیداحمدکسروی ۱۶۵
سیداعرابی ۳۲۰
سیدبن‌انس ۱۵۱
سیدجلال‌الدین طهرانی ۱۱۹
سیدحسن معصومی ۳۰۴
سیدحمزه ۳۱۹
سیدرضا حسینی (رك ، سعدی‌زمان) ۲۸۵
سید صدرالدین موسی ۳۱۷
سید ظهیرالدین مرعشی ۸۰۴
سیدعمادالدین نسیمی حروفی ۲۵۸
سیدعوض‌الخواص‌بن فیروز شاه زرین تاج ۳۱۹
سیدقاسم هادیان ۲۸۶
سیدکاظم صدوقی ۳۰۲
سیدلر (ایل-) ۱۸۲
سیدلو (ایل-) ۱۸۲
سیدلوها (عشایر-) ۲۴۴
سید محترم اشتوبینی ۲۹۵
سید محمدتقی مصطفوی ۴۰۳
سیدمحمد عراقی ۳۱۹
سیدمحمدعلی خان تربیت ۲۲۹
سیدمحمد قاسم بیك صفوی ۳۸۳
سیدموسی‌بن سلطان حیدر ۳۲۲
سیدمهدی اعتماد ناطقی ۳۰۰
سیدیونسی ۳۲۴
سیرو ۳۸۴ ، ۳۸۵
سیف (دکتر-) ۳۸۷
سیف‌الدولهٔ حمدانی ۱۴۸
سیف قاضی ۱۷۷
سیمون بزنونی (اسقف-) ۴۲۴
سیمون بنزنونی (رك : سیمون بزنونی) ۴۲۲

ش

شاپور (سردار واسپورگان) ۱۵۴
شاپور اول ۳۴ ، ۱۲۳
شاپور دوم ۱۱۰ ، ۱۲۴ ، ۱۲۹ ، ۱۳۱
شاردن ۲۴۲
شافعی (فرقهٔ -) ۲۲ ، ۲۵ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۳۷ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ،

۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱
شاکنو Shaknu ۷۵
شامشی اداد پنجم ۷۷
شاملو(ایل-، رک ، ترکان‌شامی) ۱۵ ، ۱۸۰ ،
۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ،
۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۶۹
شاملوهای قزلباش ۲۴۶
شامی ۲۶۹ ، ۴۰۷
شاوتکین ۲۳۶
شاه‌اسماعیل (رک ، شاه اسماعیل صفوی ، شاه -
اسماعیل‌بن سلطان حیدر صفوی) ۲۲ ،
۱۷۳ ، ۱۸۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۵۰ ،
۲۶۰ ، ۳۰۷ ، ۳۰۸ ، ۳۱۴ ، ۳۱۶ ،
۳۱۷ ، ۳۲۰ ، ۳۲۱ ، ۳۲۳ ، ۳۲۶ ،
۳۳۴ ، ۳۶۳ ، ۳۶۴ ، ۳۶۵ ، ۴۰۰
شاه اسماعیل‌بن سلطان حیدرصفوی (رک ، شاه
اسماعیل‌صفوی) ۲۵۹
شاه اسماعیل دوم ۱۷۴
شاه اسماعیل صفوی ۱۷۳ ، ۲۵۸ ، ۲۹۶ ،
۳۰۵ ، ۳۲۳ ، ۴۲۰
شاه‌اسماعیل صوفی ۲۲۶
شاه بایام ۴۲۱
شاه بیگم ۴۰۳
شاه خدابنده ۲۵۰
شاهدلوها (عشایر-) ۲۴۴
شاهرخ (رک ، میرزا شاهرخ) ۲۱۱
شاهرخ تیموری ۲۵۸
شاهپور (پسراردشیر اول) ۱۲۳
شاهپور اول ساسانی (رک ، شاپور) ۳۶
شاهپور دوم ۶
شاهپور دوم ساسانی (رک ، شاپور دوم) ۶ ،
۱۲۴ ، ۱۲۹
شاهپور شاهان ۱۳۲
شاه سلیمان‌الحسینی‌الموسوی الصفوی‌بهادرخان
۴۱۵
شاه سلطان حسین ۳۳۰
شاه سلیمان صفوی ۲۲۶ ، ۴۱۵ ، ۴۲۲
شاهسون ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۲۴۴ ،
۲۴۵ ، ۲۴۶
شاه‌صفی ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۳۲۲
شاه طاهربن سلطان محمد نقاش ۳۱۹
شاه طهماسب ۲۵۰ ، ۲۶۰
شاه‌طهماسب (رک ، شاه‌طهماسب اول صفوی)
۱۷۳ ، ۳۱۰ ، ۳۲۳ ، ۳۳۲ ، ۳۴۴ ، ۳۵۱
شاه‌طهماسب اول صفوی ۱۷۳ ، ۲۴۹ ، ۳۱۰
شاه‌طهماسب‌صفوی(رک ، شاه طهماسب) ۹ ، ۲۳ ،
۳۰۶ ، ۴۲۱
شاه‌عباس (رک ، شاه‌عباس اول) ۲۲ ، ۱۸۲ ،
۲۴۳ ، ۲۵۱
شاه‌عباس اول (رک ، شاه‌عباس بزرگ) ۲۸ ،
۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۳۱۹
شاه‌عباس بزرگ (رک ، شاه‌عباس‌کبیر) ۲۴۳ ،
۴۲۱
شاه‌عباس ثانی (رک : شاه‌عباس دوم) ۳۰۹
شاه عباس دوم (رک : شاه عباس ثانی) ۴۵ ،
۳۰۷
شاه‌عباس‌کبیر(رک ، شاه‌عباس بزرگ) ۱۷۴ ،
۴۲۱
شاه‌محمد خدابنده ۲۲۱ ، ۳۲۳
شاه‌محمد نیشابوری ۳۵۲
شاه‌محمود ۳۵۵ ، ۳۵۹
شاه‌محمود (شیبانی) ۱۶۳
شاه محمود کاتب ۳۵۷
شاه محمود نیشابوری ۳۴۰ ، ۳۵۰
شاهنشاه ایران (رک ، پهلوی) ۱۷۶
شاهی (منسوب به شاه) ۳۸۸
شبلی (رک ، معبرشبلی) ۸۴۷
شجاع‌الدین خان ۳۸۱
شجاع‌الملک(رک ، دلخون، حاجی‌محمد) ۲۹۱

شدادیان (رک ، روادیان کردی) ۱۴۸
شراة ۵۵
شرف‌الدین شفروهٔ اصفهانی ۱۷۰
شرف‌الدین علی‌یزدی ۳۷ ، ۸۰۱
شرفلو (طایفهٔ -) ۲۴۹
شروانشاه ۱۱ ، ۳۹۹
شروانشاه (رک ، علی‌بن جشم) ۷
شروانشاه(رک ، یزیدبن‌مزیدبن زائدهٔشیبانی) ۱۴۲
شروین‌بن سرخاب۱۳۷
شطرانلو (ایل-) ۱۸۴
شفیع ۳۸۳
شقاقی (طایفهٔ -) ۲۴۶
شکاک (ایل -) ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۶
شکوهی (رک ، محمد قلی بامیه ساز) ۲۹۱
شلمانصر ۷۶ ، ۸۸ ، ۹۲
شمس‌الحکماء (رک ، میرزا علیخان ایروانی) ۲۹۸
شمس‌الدین ابوعبدالله البشاری والمقدسی ۲۰۶
شمس‌الدین ایلدگز ۱۶۷ ، ۱۷۱
شمس‌الدین‌بن عبدالله کاتب ۳۳۰
شمس‌الدین‌بن مؤیدعرضی ۳۸۹
شمس‌الدین حریری ۳۸۹
شمس‌الدین سامی ۴۵ ، ۶۸ ، ۲۲۶
شمس‌الدین شروانی ۳۸۹
شمس‌الدین‌لو (طایفهٔ-) ۲۵۰
شمس‌اداد پنجم ۹۲
شمع (طایفهٔ-) ۱۹۴
شورای امنیت ملل‌متحد ۱۷۶
شولتز ۸۶
شهاب‌الدین عبدالله فضل‌الله شیرازی ۳۸۷
شهابیه ۳۸۶
شهب (لقب مرزبان آذربایجان) ۱۲۳ ، ۱۲۴
شهریار(محمدحسین - ، شاعر معروف تبریزی) ۲۸۳
شیبانی ۱۶۳
شیخ ابراهیم (رک ، شیخ‌شاه) ۳۱۷
شیخ‌الاسلام ۳۸۲
شیخ‌الاسلام‌سعیدصفی‌الدین(رک، شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی) ۲۱۰
شیخ‌اویس (رک ، شیخ‌اویس ایلکانی) ۳۱۷ ، ۳۱۸
شیخ‌اویس ایلکانی (رک ، شیخ اویس) ۳۱۷ ، ۳۱۸
شیخ جبرائیل۳۰۵،۳۱۸،۳۱۹ ، ۳۲۰،۸۳۱
شیخ جمال‌الدین ذاکر ۲۵۶
شیخ جنید ۲۴۲ ، ۳۱۶
شیخ حسن کوچك چوپانی ۴۱۹
شیخ حسین پیرزاده‌بن ابدال زاهدی ۲۱۹
شیخ‌حیدر (پسرسلطان حیدر) ۳۲۳ ، ۳۹۹
شیخ‌حیدرخان مکری ۴۱۵
شیخ خان ۷۲
شیخ زاهد (رک ، شیخ زاهدگیلانی) ۲۱۸
شیخ زاهدگیلانی ۳۱۸ ، ۳۲۲
شیخ‌زین‌الدین (پسرشیخ صدرالدین) ۳۲۳
شیخ شهاب‌الدین ۲۹۵ ، ۳۸۵ ، ۸۳۳،۳۸۶، ۸۳۵
شیخ شهاب‌الدین اهری ۳۸۶
شیخ صدرالدین ۲۱۸ ، ۳۱۶ ، ۳۱۸، ۳۲۵، ۳۶۳ ، ۳۸۰
شیخ‌صدرالدین موسی ۳۰۵
شیخ صدرالدین (پسرشیخ صفی‌الدین اردبیلی) ۳۲۳
شیخ‌صفی(رک ، شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی)۳۰۸،

۳۲۳ ، ۳۲۴، ۸۲۸
شیخ‌صفی‌الدین (رک : شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی) ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۱۰ ، ۳۱۴ ، ۳۱۵ ، ۳۱۶ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳۲۰ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳ ، ۳۸۳
شیخ صفی‌الدین اردبیلی (رک : شیخ صفی ، شیخ صفی‌الدین) ۲۲ ، ۱۷۳ ، ۲۱۰ ، ۲۱۸ ، ۲۲۱ ، ۲۴۱ ، ۳۰۵ ، ۳۰۸ ، ۳۱۷ ، ۳۲۰ ، ۳۸۶، ۸۲۸ ، ۸۲۹
شیخ‌عبیدالله شمدینان ۴۶
شیخ‌عزالدین پورحسن اسفراینی(رک: عزالدین پورحسن) ۲۵۶
شیخ کانلو (ایل-) ۱۸۸
شیخ‌کمال‌الدین ایکی ۳۸۹
شیخلو (ایل-) ۱۸۲
شیخ محمدبن فخرالدین ۳۴۰
شیخ‌محمدعلی حزین ۲۹۵
شیرخان‌بن شیخ حیدرخان مکری ۴۱۵
شیرگیر (پسرآقسنقر) ۱۶۶
شیروانی (زین‌العابدین) ۸۰۱
شیروانی (مهاجر-) ۱۶
شیرویه (رک . قباد دوم) ۱۲۸ ، ۲۹۷
شیکرمی (ایل-) ۱۹۰
شیلانلو (عشیرهٔ-) ۱۶
شیعه (فرقهٔ-) ۲۴، ۳۱، ۱۷۳ ، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۲ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۹۰
شیوای‌نی ۸۴

ص

صائب تبریزی ۲۶۰
صافی (رک : مراثی صافی) ۲۸۳ ، ۲۸۸
صایبلی (دکتر آیدین) ۸۰۱
صحاف (رک : محمد حسین جنتی) ۲۸۹
صدرالدین (پسرشیخ صفی‌الدین‌اردبیلی) ۳۱۸
صدرقاضی ۱۷۷
صدقه (صدقه مولی‌الازد) ۱۵۱
صدقه (رک : زریق) ۱۶۴
صدقةبن دبلیس ۱۶۰
صدقةبن علی ۱۴۹
صدقةبن علی‌بن صدقة ۱۵۰ ، ۱۶۴
صراف واحد ۲۸۳
صعلوکان ۱۴۵
صفر (صقر؟) شیبانی ۱۶۳
صفوت ۸۰۱
صفوی(سلسلهٔ-) ۱۷۳ ، ۲۱۹ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲، ۲۲۴ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۷ ، ۲۵۰ ، ۳۰۶ ، ۳۱۶ ، ۳۲۱ ، ۳۲۲ ، ۳۲۳
صفوی (سیدجمال‌الدین) ۸۰۱
صفویه (سلسلهٔ-) ۲۲ ، ۴۴ ، ۱۸۰ ، ۲۱۱ ، ۲۲۶ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۹ ، ۲۵۱ ، ۲۵۳ ، ۲۶۰ ، ۳۱۱ ، ۳۱۹ ، ۳۲۰ ، ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۴۰۶
صفی صافی (رک : شیخ صفی‌الدین اردبیلی) ۲۱۹
صقر (امیرمرند) ۱۶۶
صنم (رک : عاشق غریب‌ایله شاه صنم) ۲۹۶
صنیع‌الدوله (محمد حسن‌خان) ۸۰۱
صوری خانه ۱۴
صوفی ۲۴۳
صوفیان روملو ۲۴۲
صوفیه (صوفیان) ۲۱۱ ، ۲۱۷ ، ۲۵۷، ۳۰۵
صوفیهٔ روشنیان ۲۵۷

ض

ضحاک ۴۰۳ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵
ضیاءالملک ۳۷

ط

طابلو (ایل-) ۱۸۵

طاطاووس ۴۱۵ ، ۴۱۷ ، ۴۲۳
طاطاووس قدیس (رك، طاطاووس) ۴۱۷
طالش (مردم) ۱۵ ، ۳۳ ، ۲۴۰
طالش میکائیلو (ایل-) ۱۸۲
طالشی ۲۱۰
طاهرزاده (کریم) ۸۰۱
طاهر (رك ، ملامحمد طاهر) ۳۷۸ ، ۳۸۳
طاهری ۱۴۵
طباطبایی تبریزی (محمدرضا) ۸۰۱
طباطبایی (مصطفی) ۸۰۱
طبری (محمدجریر -) ۲۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۲۷ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۵۰ ، ۸۰۱
طغتکین ۱۵۷
طغرل (رك ، سلطان محمود سلجوقی) ۱۶۰
طغرل (رك، طغرل اول سلجوقی) ۱۵۹ ، ۱۶۰
طغرل اول سلجوقی ۲۴۶
طغرل (رك : طغرل بیك سلجوقی) ۱۶۰
طغرل‌بن ارسلان‌سلجوقی ۱۷۱
طغرل بیك سلجوقی ۱۵۷
طغرل دوم ۱۶۷
طغرل سلجوقی ۱۵۵
طغرل‌سلجوقی (رك، طغرل‌بیك سلجوقی) ۱۵۷
طغرل‌سوم سلجوقی ۱۶۲ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹
طوری (رك : کربلایی حسین) ۲۸۹
طوسی (رك ، خواجه نصیرالدین طوسی) ۳۸۷
طهماسب (رك ، طهماسب صفوی) ۴۲۱

ظ

ظهیرالدین سلار (سالار) بختیار ۱۶۵
ظهیرالدین محمد فاریابی ۱۷۰

ع

عابد (عابدعلی) ۸۰۱
عادل‌بن یوسف تبریزی ۲۱۶
عاصم (رك ، دیوان عاصم) ۲۹۲
عالمشاه‌بیگم(رك، حلیمه خاتون ، تاج‌خاتون) ۳۱۴
عباس (رك ، شاه‌عباس دوم) ۴۵
عباس اقبال آشتیانی ۲۲۱ ، ۲۴۲
عباس‌شاه (رك ، عباس میرزا) ۴۲۳
عباس‌شه (رك : عباس دوم) ۴۵
عباسعلی فاکر ۳۰۲
عباس میرزا (نایب‌السلطنهٔ فتحعلیشاه) ۲۹۰ ، ۴۱۶ ، ۴۲۲ ، ۴۲۹
عباسی (محمد) ۸۰۱
عباسی (خلیفهٔ ، خلفای-) ۳۸ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴
عباسی (طایفهٔ-) ۱۹۴
عباسیان (رك ، بنی‌عباس) ۱۹ ، ۱۳۷
عبدالحمید (رك : ناجی) ۲۹۰
عبدالحی حبیبی ۱۵۳
عبدالخالق ۳۳۳
عبدالرزاق سمرقندی ۸۰۱
عبدالعزیزبن محمودبن سعد ۳۹۱
عبدالعلی کارنگ ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۸۲ ، ۲۸۷
عبدالقادربن الحافظ مراغه‌ای ۲۱۶
عبدالله‌بن المقفع ۲۰۶
عبدالله‌بن حسن همدانی ۱۴۳
عبدالله‌بن حسین ۳۵۸
عبدالله فریار (دکتر-) ۳۸۵
عبدالمؤمن‌بن شرفشاه‌النقاش التبریزی ۴۱۴
عبدلو (طایفهٔ-) ۲۴۹
عبدالملك‌بن هشام ۱۳
عبدالملك مروان ۱۴۱
عبری ۸۷
عبیدالله (رك ، شیخ عبیدالله شمدینان) ۴۶
عبیدالله‌بن العباس ۱۴۱
عتبه (رك ، عتبة‌بن فرقد) ۱۳۵ ، ۱۳۶
عتبة‌بن فرقد ۱۳۵
عتبة‌بن فرقدسلمی (رك ، عتبة‌بن فرقد) ۱۳۶
عتبی (قبیلهٔ-) ۱۵۰

عثمان (رک ، عثمان‌بن عفان) ۱۳۶
عثمان بیکی (ایل-) ۱۹۵
عثمان پاشا ۲۵۰
عثمانی (دولت، کشور ، ملت ، پادشاه -) ۳، ۵۶ ، ۴۶
عثمانیان (رک ، عثمانی ، عثمانی‌ها) ۲۵۱
عثمانیها (رک ، عثمانیان) ۴۶
عجم (رک ، العجم) ۲۰۶ ، ۳۹۴
عجیف‌بن عنبسه ۱۴۲
عرب (رک ، العرب، تازی) ۱ ، ۴ ، ۵، ۱۰، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۴، ۴۱، ۴۸ ، ۱۰۷ ، ۱۱۲، ۱۲۱، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۷ ، ۱۳۹ ، ۱۴۸، ۱۵۰، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۳۹۳
عرب‌گرلو (طایفهٔ-) ۲۴۹
عرب‌لو (ایل-) ۱۸۲
عربها ۱۱۶
عربی (زبان وخط ومردم و فرهنگ-) ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۱۹ ، ۲۶ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۰ ، ۱۲۵ ، ۱۴۸ ، ۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۱۷ ، ۲۲۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۹ ، ۲۶۰ ، ۲۶۲ ، ۲۶۱ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۹۹ ، ۳۲۳ ، ۳۹۸ ، ۴۱۵
عزالدین اسفراینی (رک ، عزالدین پورحسن) ۲۵۶
عزالدین‌بن عادل‌بن یوسف تبریزی ۲۱۶
عزالدین پورحسن ۲۵۶
عصمت (ازسرداران بابك خرم‌دین) ۱۵۰
عقبة‌بن ابن‌معیط ۱۳۶
علاءالدوله ۱۵۳
علاءالدین ۱۶۹
علاءالدین (رک ، برج علاءالدین) ۴۱۳
علاءالدین کرپا ارسلان ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۶
علاءالدین کرپا ارسلان احمدیلی ۱۷۰
علاءبن احمدالازدی ۱۴۲
علایی ۳۸۸
علایی (علی‌اکبر) ۸۰۱
علی(ع) ۱۴۱ ، ۳۱۳ ، ۳۲۷ ، ۳۷۸ ، ۳۸۳
علی (امیر نریز) ۱۶۴
علی (رک ، صدقه) ۱۵۱
علی‌آقا زاده (رک : کاشفی) ۲۸۹
علیار (طایفهٔ-) ۱۹۴
علی‌اصغر مجتهدی ۲۸۴
علی‌اکبر سرفراز ۴۱۱
علی‌بابالو (ایل-) ۱۸۲
علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) ۱۳۷ ، ۳۲۷
علی‌بن جشم (رك ، شروانشاه) ۷
علی‌بن خواجه نصیرالدین طوسی ۳۸۹
علی‌بن صدقة (رك ، زریق) ۱۴۲
علی‌بن محمد (پسر خواجه نصیرالدین طوسی) ۳۸۹
علی‌بن میشکی ۱۴۷ ، ۱۴۸
علی‌بن هشام ۱۴۲
علی‌تبریزی ۲۸۳ ، ۲۹۶
علی حریرچی ۲۸۳
علی‌رضا عباسی ۳۵۱
علیشاه (رك ، علیشاه جوشکابی) ۲۱۸
علیشاه جوشکابی ۲۱۸
علی صدقه ۱۶۴
علی‌محولو (ایل-) ۱۸۵
علینقی کاتبی ۳۰۱
علی همت‌زاده ۲۹۹
عماد ۳۳۵
عماد فارسی ۳۵۰
عمادکاتب ۱۶۱
عمر (عمربن خطاب) ۱۱۶ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶
عمر (امیر نریز) ۱۶۴

عمویی (ایل-) ۱۸۸
عمیدی‌نوری (ابوالحسن) ۸۰۱
عوض الخواص بن فیروزشاه ۳۱۹
عوض‌بن‌محمد ۳۱۶
عیداضحی (رك ، عیدقربان) ۱۸۵
عیدخدر نبی (رك : عیدخضر نبی) ۱۸۶
عیدخضر نبی (رك ، عیدخدر نبی) ۱۸۶
عیدفطر ۱۸۳ ، ۱۸۶ ، ۱۹۰ ، ۱۹۲ ، ۱۹۴
عیدقربان ۱۸۳ ، ۱۸۶ ، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۴،
عید نوروز (رك ، جشن‌نوروز) ۱۸۳ ، ۱۸۶ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳، ۱۹۴
عیسویان ۲۵
عیسی‌بن محمدبن ابی‌خالد ۱۴۲ ، ۱۴۹
عیسی سیف (دکتر-) ۳۹۲
عیسی‌لو (ایل-) ۱۸۲
عیسوی ۲۶۰
عیلامی ۷۲
عیلامی‌ها ۷۱

غ

غازان (رك ، سلطان محمود غازان) ۱۷۲
غازان‌خان ۲۵ ، ۳۸۶
غازان‌خان مغول ۳۹
غازانی (رك ، غزانی) ۲۵
غرشمال (رك ، قره‌چی) ۱۸۱
غریب (رك ، عاشق غریب‌ایله شاه‌صنم) ۲۹۶
غز (ترکان-) ۱۵۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۲۳۵ ، ۲۳۷ ، ۲۴۵ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶
غزان (رك ، غز) ۲۴۶ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ،
غزان‌خان (رك ، غازان‌خان) ۲۵
غزانی (رك ، غازانی) ۲۵
غزنویان ۱۵۷
غزها ۲۵۵
غزی (رك ، غز) ۲۲۵ ، ۲۵۲
غلام سمیرمی (رك ، شمس‌الدین ایلدگز) ۱۷۱
غلام مجمدلی ۲۹۶
غنی (دکتر قاسم) ۸۰۱
غنی‌زاده (محمود) ۸۰۱
غیاث‌الدین ۳۴۸ ، ۳۵۳
غیاث‌الدین محمد ۳۴۸ ، ۳۵۳

ف

فابر (مستر-) ۸۵
فاخر ۳۸۸
فارسی (زبان‌وخط ودستور وفرهنگ و لهجهٔ-) ۵ ، ۲۶ ، ۵۶ ، ۹۷ ، ۱۱۸ ، ۱۳۳ ، ۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۷ ، ۲۲۵ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۰ ، ۲۳۴ ، ۲۳۸ ، ۲۴۳ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۹ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۶ ، ۲۷۲ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۲۸۹ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۲۳ ، ۳۸۶ ، ۳۸۹ ، ۴۱۵ ، ۴۲۰
فارسی دری (رك ، زبان فارسی دری) ۲۸ ، ۲۰۷
فارسی میانه (رك : پهلوی) ۱۰۰
فاطمه خاتون (رك ، بی‌بی‌فاطمه) ۳۲۲
فانی (رك ، میرزاصادق) ۲۹۵
فتاح نیشابوری ۳۵۴
فتحعلی‌شاه (رك ، فتحعلی‌شاه قاجار) ۲۵، ۲۸ ، ۱۷۴، ۳۲۴
فتحعلی‌شاه قاجار ۴ ، ۱۶ ، ۱۸۵ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳
فخرالدین اخلاطی ۳۸۷ ، ۳۸۸
فخرالدین مراغی ۳۸۷ ، ۳۸۸
فخری هروی ۸۰۱

فدایی ۲۸۴
فر (رك ، خورنه) ۱۰۶
فرا اورتس ۷۴
فرانسوی (هیئت و خاورشناس—) ۴ ، ۷۲ ، ۱۰۰ ، ۲۶۰ ، ۲۶۶
فرخان زیبندی ۱۳۴
فرخ ملك زاده (دکتر-)
فرخ هرمزد (رك ، رستهم فرخزاد) ۱۲۸
فرخ یسار ۳۲۳
فردوسی (رك، حکیم ابوالقاسم فردوسی) ۱۲۵، ۳۵۷
فرزانه (م.ع.) ۲۸۲ ، ۳۰۰، ۸۰۱
فرساد ۸۰۱
فرقهٔ دمکرات آذربایجان ۱۷۶ ، ۱۷۷
فرنگان ۱۶۰
فرنگی ۳۷۴
فرنه (رك ، فر) ۱۰۶
فرهاد (رك، فرهاد چهارم) ۱۰۱
فرهادبن گودرز ۴۰
فرهاد پنجم ۱۰۳
فرهاد چهارم ۱۰۰ ، ۱۰۱
فره ورتیش (رك ، دیوکس) ۹۳ ، ۹۴
فره‌وشی (مترجم همایون) ۸۰۱
فرید ۳۵۶ ، ۳۵۷
فرید ریش‌زاده ۳۱۸
فریدکاتب ۳۵۵
فصیحی خوافی ۸۰۱
فضل‌الله (رك: فضل‌الله استرابادی حروفی) ۲۵۸
فضل‌الله استرابادی حروفی ۲۵۸ ، ۲۵۹
فضل‌الله روزبهان ۸۰۲
فقیه ۸۰۲
فلك‌الدین (پسر خاصبك ارسلان آبه) ۱۶۱ ، ۱۶۶
فلك‌الدین احمد ۱۶۷
فلیشر (دانشمند آلمانی) ۲۵۳ ، ۲۵۴
فنك (ایل-) ۱۹۰
فوستوس بیزانطی ۱۲۴
فون‌هامر ۲۵۹
فهلوی (زبان‌ولهجه‌وخط- ، رك : پهلوی) ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۲۹ ، ۲۳۹، ۲۴۰ ، ۲۵۱
فهلوی آذری ۲۰۲ ، ۲۰۴ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۱۰ ، ۲۱۳ ، ۲۱۶ ، ۲۲۱ ، ۲۳۸ ، ۲۴۰ ، ۲۵۲ ، ۲۶۳
فهلویات آذری ۲۱۴ ، ۲۲۴ ، ۲۵۱
فهله (رك ، پهله) ۲۰۶
فیروزبن یزدگردبن بهرام‌گور ساسانی ۳۲
فیروز توفیق ۸۰۲
فیروز ساسانی (رك ، پیروز ساسانی) ۷ ، ۲۲، ۲۳ ، ۳۱۹
فیلیپ حتی ۷۰
فیلیپ عرب ۱۲۳

ق

قاجار (ایل ، سلسلهٔ ، طایفهٔ عشیرهٔ—) ۱۵، ۱۶، ۱۸۰ ، ۲۲۲ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۲ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۹۸
قاجاریه (سلسلهٔ-) ۳ ، ۱۷۴ ، ۲۵۱
قاچار ۲۴۹
قادری (طایفهٔ—) ۱۹۳
قاراداقلو (ایل -) ۲۵۰
قاسم‌بن میرعلی ۳۳۹
قاسم صفوی (رك ، سید محمد قاسم‌بیك صفوی) ۳۸۳
قاضی احمد غفاری ۸۰۲
قاضی محمد ۱۷۷
قاضی نورالله شوشتری ۸۰۲
قباد ۱۱۹
قباد (پسر میرزا اسکندر) ۲۱۱
قباد (پسرفیروز ساسانی) ۷ ، ۹ ، ۱۰ ، ۳۲ ، ۱۳۶، ۱۲۵ ، ۱۲۶
قباد (برادر رستم فرخزاد) ۱۲۸

قباد دوم (رك ، شیرویهٔ) ۱۲۸
قبایل کلدانی ۱۹۸
قبچاق (قپچاق ، قبیلهٔ-) ۱۶۷ ، ۱۷۳
قتلغ اینانج ۱۶۸ ، ۱۶۹ ، ۱۷۱
قتیبه خاتون ۱۶۸
قدامة‌بن‌جعفر ۸۰۲
قدرت‌الله نادری آذربایجانی ۳۰۳
قرآنی (منسوب به قرآن) ۲۲۹ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۹۳، ۳۹۷، ۴۰۰
قراباغ (ایل-) ۱۵
قراباغی (مهاجر-) ۱۶
قراتکین (رك ، کرادکین) ۱۵
قراچورلو (عشیرهٔ-) ۲۴۵
قراچورلوها (عشایر-) ۲۴۴
قراسانلو (طایفهٔ-) ۱۸۵
قراسنقر ۱۶۱
قراسنقر (رك : آقاشمس‌الدین قراسنقرالچرکی المنصوری) ۴۰۶
قراقویون (عشیرهٔ-) ۲۴۵
قراقویونلو ۴۴، ۱۷۳ ، ۲۱۱ ، ۲۳۷ ، ۲۴۱، ۲۴۸
قراقویونلوها ۲۴۴ ، ۲۴۵
قرامان بگلو (ایل-) ۱۸۲
قرامان‌لو (ایل-) ۱۵ ، ۲۴۶
قرامانیان ۲۳۷
قرامطه (رك ، قرمطیان) ۱۴۵
قرامطهٔ بحرین ۱۴۴
قرایوسف قراقویونلو ۲۱۱
قرخ‌لو(قبیلهٔ -) ۲۳۳
قردویی (ایل-) ۱۸۸
قرشی (القرشی - یحیی‌بن‌آدم) ۸۰۲
قرغلو (ایل-) ۲۴۸ ، ۲۵۰
قرمطیان (رك : قرامطه) ۱۴۴
قرمنلو (ایل-) ۲۴۷
قره‌بجقلو (ایل-) ۲۴۸ ، ۲۴۹
قره‌برکلو (ایل-) ۱۸۵
قره‌پاپاق (ایل-) ۱۹۲ ، ۱۹۶
قره‌پاپاق‌ها ۱۹۲
قره‌چماق‌لو (ایل-) ۲۴۸ ، ۳۴۹
قره‌چورلو (رك: قراچورلو) ۱۸۱ ، ۱۸۲
قره‌چی(رك ، کولیهای آذربایجان) ۱۸۱
قره‌قویونلوها (رك ، قراقویونلوها) ۲۴۹
قزاق (قبیلهٔ-) ۱۵
قزاق‌لو (ایل-) ۲۵۰
قزاق‌ها ۲۴۴
قزل (امیرترکان ری) ۱۵۵
قزل‌ارسلان (رك : اتابك خاموش) ۱۷۰
قزل‌ارسلان(رك ، مظفرالدین‌عثمان‌قزل‌ارسلان) ۱۶۸
قزل‌ارسلان(رك : قزل‌ارسلان‌عثمان‌بن‌ایلدگز) ۱۷۱
قزل ارسلان عثمابن ایلدگز (مظفرالدین)۱۷۱
قزل‌اوقو ۴۱۹
قزل‌ایاغ (عشیرهٔ-) ۲۴۵
قزلباش (ایل-) ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۲۲۶ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸
قزلباشها (رك ، قزلباش) ۲۴۵
قزلباشیه (رك ، قزلباشها) ۲۴۳
قزل‌کچی‌لو(عشیرهٔ-) ۲۴۵
قزوینی‌القزوینی (رك ، آثارالبلاد) ۲۰، ۸۰۲
قزوینی (علامه‌محمد) ۸۰۲
قطران (قطران تبریزی) ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸، ۸۰۲
قفقازی (منسوب به قفقاز) ۷۰ ، ۷۲ ، ۸۱
قلق جانلو (ایل-) ۱۸۴
قلیچ‌خان طالش ۳۶۳

قلیکی (ایل -) ۱۸۸
قلیلو (ایل -) ۱۸۲
قندکانلو (ایل -) ۱۸۵
قوام (رك : قوام‌السلطنه) ۱۷۶
قوام‌السلطنه ۱۷۶
قوتلار (ایل -) ۱۸۲
قوچه‌بیگلو (ایل -) ۱۸۲
قوذازشاهین (ایل -) ۱۸۲
قورچی ۲۴۳
قورچیان ۲۴۳
قوزانلو ۲۳۸
قوسی ۲۶۰
قوم‌خزر ۱۲
قویلارحصار (طایفهٔ -) ۲۵۰
قوینیوریلو (ایل -) ۲۴۸
قهرمانی (طایفهٔ -) ۱۹۴
قیس‌بن‌سعد بن عباده ۱۴۱

ك

کاتب چلپی (مصطفی‌بن‌عبدالله - حاجی خلیفه) ۸۰۲
کاتبی (حسینقلی) ۸۰۲
کاتولیك (مذهب، فرقهٔ -) ۴۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۴۱۹، ۴۲۰
کاتولیك (رك : کاتولیك) ۴۱۹
کادوسیان ۶۸، ۶۹، ۹۷
کادیااونی ۸۳
کارابد (اسقف-) ۴۱۹
کارابروك (قبیلهٔ -)
کاراداغلو (عشیرهٔ -) ۲۴۵
کارادکین (قبیلهٔ -) ۱۵
کارادولاق (عشیرهٔ -) ۲۴۵
کاراهوبانلو (عشیرهٔ -) ۱۴۴
کارابوند (قبیلهٔ -) ۱۵
کارباباخلو (عشیرهٔ -) ۲۴۵
کاری (جملی) ۸۰۲
کارل‌ریتر ۲۴۴
کارنگ (عبدالعلی) ۸۰۲
کازاتلوها ۱۸۲
کاسپیان ۶۹، ۹۷
کاسپی‌ها ۱۰۵، ۱۰۶
کاسیان ۶۹
کاشانی ۳۰۶
کاشانی (ابوالقاسم عبدالله) ۸۰۱
کاشفی (رك : علی‌آقازاده) ۲۸۹
کاشغری (محمود) ۲ ۸
کاظم‌بیك ۲۲۸
کاظم‌داشی ۵۶
کاظم‌زاده ایرانشهر ۲۱۹
کالاچلو (عشیرهٔ -) ۲۴۵
کالکولیتیك ۶۲
کامبخش‌فرد ۱۲۹، ۴۰۲
کامرون ۸۶
کانلو (ایل -) ۱۸۸
کاوانلو ۲۳۸
کاویان‌پور (سروان‌احمد) ۸۰۲
کتبی (محمود) ۸۰۲
کجابیکلو (ایل -) ۱۸۲، ۱۸۳
کجراتی ۳۳۸
کجل (لهجهٔ -) ۲۳۴
کچلانلو (ایل -) ۱۸۸
کربلایی (منسوب به کربلا) ۳۲۶، ۳۷۵، ۳۷۸
کلابلایی (رك : روضات الجنان‌وجنات‌الجنان) ۲۵۷، ۲۵۸، ۸۰۳
کربلایی اسدزائر محمد (رك : زائر) ۲۸۷، ۲۸۸
کربلایی‌حسین (رك : طوری) ۲۸۹
کربلایی علی‌اصغر (رك : سینه‌زن) ۲۹۱

کرپاارسلان (رك : علاءالدین کرپا ارسلان) ۱۶۲
کرد(مردم ولشکر وایل‌وعشیرهٔ ـ) ۱۵،۱۶، ۱۱۳ ، ۱۲۵ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ، ۱۷۷، ۱۸۴ ، ۱۹۵ ، ۲۴۶
کردان (رك : کرد) ۹ ، ۱۵ ، ۱۴۵،۱۴۶، ۱۴۷ ، ۱۵۰ ، ۱۹۵ ، ۱۹۸ ، ۲۲۶
کردان (کردهای) آذربایجان ۱۹۵
کردان دبکری ۴۵
کردان مکری ۴۵
کردان هذبانی ۱۵۵
کردبیك ۳۱۶
کردها (رك : کردان) ۴۳ ، ۲۰۱
کردی ۱۶ ، ۱۸۴ ، ۱۹۰ ، ۱۹۵ ،۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۹۵ ، ۳۰۰
کرزن ۲۰۰
کرکی‌روز (رك : کوریاکوس) ۹
کرمانی ۳۷۵ ، ۳۷۶
کروزوس ۱۲۸
کره‌سنی (ایل ـ) ۱۹۰
کریستنسن ۱۱۰ ، ۱۲۳
کریستی‌ویلسن ۳۰۶
کریم‌خان (رك : کریم‌خان زند) ۱۷۴
کریم‌خان‌زند ۱۷۴
کریم‌کشاورز ۷۱
کریمی (بهمن) ۸۰۳
کستریه (رك : چهترپه) ۱۲۳
کسروی (رك : کسروی تبریزی) ۱۵۶،۲۵۱
کسروی تبریزی ۱۶۴، ۲۱۵ ، ۲۲۱،۸۰۳
کشفی ۲۱۵
کشمیری ۳۴۹
کلاس (طایفهٔ ـ) ۱۹۵
کلاسی (ایل ـ) ۱۹۵
کلانتر (رك : میرزا بهاءالدین‌کلانتر) ۳۸۲
کلاویخو ۲۷ ، ۴۱۹ ، ۴۲۰، ۸۰۳
کلایس ۴۱۱ ، ۸۰۳
کلبلی‌بیك ۳۷۹
کلدانی ۱۹۸ ، ۲۰۱
کلدانیان (رك : آشوریان) ۱۰۷ ، ۱۹۶
کلدانیان آذربایجان ۱۹۸ ، ۱۹۹
کلده‌یی (آثار ـ) ۷۲
کلده‌یی‌ها ۱۹۸
کلنل استوارت ۱۹۶
کلوش (ایل ـ) ۱۸۲
کله‌سر (ایل ـ) ۱۸۲
کلیشانلو (ایل ـ) ۱۸۴
کلیکانلو (ایل ـ) ۱۸۸
کلئوپاتر (ملکه ـ) ۱۰۱ ، ۱۰۲
کمال‌اسماعیل ۳۴۴ ، ۳۵۰
کمال‌الدین ۳۴۹
کمال‌الدین حسین ۳۴۴
کمال‌الدین خجندی ۲۱۷
کنت (لقب اشراف اسپانیا) ۲۴۷
کنتربری ۴۲
کنت‌کورث ۱۰۹
کنگرلو (ایل ـ) ۱۶ ، ۲۴۹
کنگرلوها (عشایر ـ) ۱۶ ، ۲۴۴
کنگلی (ایل ـ) ۱۵
کنودتزون ۹۸

کوتشمید ۱۰۴
کوتی (رك : گوتی) ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۴
کوتیان (رك : گوتی‌ها) ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳
کوتی‌ها (رك : گوتی‌ها ، کوتیان) ۶۶ ، ۷۲ ، ۷۳
کورابازلو (ایل -) ۱۸۳
کورت‌بگلوها (عشیرهٔ -) ۲۴۵
کوردمیر ۱۵
کورش ۹۴
کورعباسلو (ایل -) ۱۸۲
کوریاکوس ۹
کوریون ۸
کوزانلو (ایل -) ۱۸۲
کوسه بیزلو (ایل -) ۲۴۸
کوشیار ۳۸۸
کوفی (منسوب به‌کوفه) ۳۲۷ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ ، ۴۱۲
کوکتاش ۱۵۵
کولیهای آذربایجان (رك : قره‌چی) ۱۸۱
کومان (قبیلهٔ -) ۱۵
کومانلو (ایل -) ۱۵
کومله (حزب -) ۱۷۷
کوه‌گیلو (ایل -) ۲۴۸
کوهودزانی‌لو (رك : هرزندی) ۲۲۹
کیاکزار (رك : هوخ شتره) ۸۹
کیاکسار (رك : هوخ شتره) ۹۳
کیخسرو ۱۱۷ ، ۱۱۸
کیخسروکیانی ۱۲۰ ، ۴۰۸
کیش‌زردشت ۱۱۰
کیشتر ۱۰۶
کیکلو (ایل -) ۱۸۲
کیمری (رك : گیمی‌ری) ۸۸
کیمریان (رك : کیمری) ۸۸ ، ۸۹
کیمیریان (رك : کیمریان) ۸۸
کیوان (مصطفی) ۸۰۳
کیوس (برادر انوشیروان) ۱۳۸
کیوسیه ۱۳۸
کیهان (مسعود) ۸۰۳

گ

گارگاراچیك‌ها ۵
گالی (رك : فرانسوی) ۱۰۰
گبرگی ۱۳۸
گجراتی ۱۴
گدار (مسیو - ، رك : آنـدره گدار) ۷۹ ، ۹۰ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵
گرابنی ۴۷
گرجی ۱۶۱ ، ۲۲۸ ، ۴۳۱
گرجیان (رك : گرجی ، گرجیها) ۳۶ ، ۸۶ ، ۱۵۱ ، ۱۵۴ ، ۱۶۸ ، ۱۷۰
گرجیها (رك : گرجیان) ۷۱
گردیزی (رك : زین‌الاخبار) ۱۵۲
گروه ۱۷۸
گریگوار مقدس ۴۱۷
گریگور جلال‌بیگیان ماکویی ۴۲۰
گریگوری (فرقهٔ قدیم مسیحی) ۱۹۶ ، ۴۲۰
گزنفون ۱۰۹
گلدنر ۵
گلستان (عهدنامهٔ - ، معاهدهٔ -) ۴ ، ۱۶
گلستان‌خان ۳۸۲

گل‌شاه‌عباسی ۳۰۶
گل‌لاله‌عباسی ۳۰۶
گل‌ها ۶۹
گنبدالله‌الله (رك : شیخ صفی‌الدین اردبیلی) ۳۱۰ ، ۳۱۶ ، ۳۲۳
گندوزلوها ۱۸۱
گوتشمید ۱۰۲ ، ۱۰۳
گوتی (رك : کوتی ، کوتیان ، کوتیها) ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۱۰۵
گوتیوم (رك : کوتی‌ها) ۷۳
کوتیان (رك : کوتیان) ۷۲
گوتی‌ها (رك : کوتی‌ها) ۷۳
گودرز ۱۰۳
گور (ایل ـ) ۱۹۴
گورك (ایل ـ) ۱۹۴
گورگیس‌عواد ۸۰۳
گوماتای‌مغ (رك : گئوماتای‌مغ) ۹۴
گون‌پاپا (ایل ـ) ۱۸۳
گیب (مستر ـ) ۲۵۸
گیخاتو ۱۷۲
گیرشمن (رمان) ۶۴ ، ۶۷ ، ۹۰ ، ۸۰۳
گیسی‌دی (رك : کیمری) ۸۸
گیك‌لو (ایل ـ) ۱۸۳
گیلانی ۲۱۰
گیلگامش ۶۵
گیلی ۱۴۵
گیورگی سوم ۱۶۹
گیوك خان ۱۷۲
گئوماتای‌مغ ۹۴

ل

لارنس‌لاکهارت ۲۳
لازار ۲۰۰
لازاری (راهبان ـ) ۴۲
لایارد ۱۸۱
لزکی ۱۵
لزگی ۳۶۱
لسترنج ۱۵ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۶ ، ۸۰۳
لشکرستان (رك : پسرابن‌دلوله) ۱۴۵
لشکری ۱۴۵ ، ۱۴۶
لعلی (رك : میرزاعلی‌خان ایروانی) ۲۹۸
لمان‌هوپت ۸۶
لمتون ۸۰۳
لولوبوم (رك : لولوبیان) ۷۱
لولویی (رك : لولوبیان) ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۹۱
لولوبیان (رك : لولوبوم ، لولویی) ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۶ ، ۹۷
لولویی‌ها (رك : لولوبیان) ۷۳
لولویوم (رك : لولوبیان) ۷۱
لولویی ۱۰۵
لوئی‌واندنبرگ ۴۶ ، ۸۶ ، ۹۴ ، ۱۱۱
لهجهٔ آذربایجانی (رك : زبان ترکی آذری) ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۲۹۹
لهجهٔ‌آذری (رك : زبان آذری، فهلوی‌آذری) ۲۶۵ ، ۲۶۶
لهجهٔ‌تاتی ۲۶۲

لهجهٔ تبریزی ۲۱۷ ، ۲۲۱ ، ۲۷۴ ، ۲۸۲
لهجهٔ ترکی آذربایجانی ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۰۰، ۳۰۱
لهجهٔ ترکی آذری ۲۵۳ ، ۲۵۶ ، ۲۷۴
لهجهٔ جغتایی ۲۴۱
لهجهٔ مراغه ۲۸۲
لهجهٔ مردم تبریز (رك : لهجهٔ تبریزی) ۲۲۱، ۲۲۲
لهجه‌های آذری ۲۵۲ ، ۲۶۳
لهجهٔ هرزنی ۲۶۲
لهمان هوپت (رك : لمان هوپت) ۱۲۳
لیدی ۹۳
لیرانشاه ۷
لین‌پول (استانلی) ۸۰۳
لئون ۴۱۸

م

ماتمریم (رك : مارت‌مریم) ۱۹۹
ماتینیان ۹۷
ماتیه‌نیان (رك : میتانیان) ۸۶
ماد (دولت و پادشاهان و قوم و لشکر ومردم وقبایل -) ۱۸ ، ۱۹ ، ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۳، ۷۶ ، ۸۱ ، ۸۷ ، ۹۰ ، ۹۵ ، ۱۰۰
مادشرقی ۹۲
مادکوهستانی ۱۲۳
مادها ۴۶ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۸۶ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۱ ، ۹۳ ، ۱۰۶ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵
مادی (رك : مـاد) ۷۲ ، ۷۸ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۷ ، ۱۰۲ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷
مادی ایرانی ۹۲
مادیس ۸۹
مادی قدیم ۲۰۳
مادیها (رك : مادها) ۹۵ ، ۹۷ ، ۲۰۳
مارت‌مریم (رك : مات‌مریم) ۱۹۹
مارشمعون ۱۹۹
مارشیمون (رك : مارشمعون) ۱۹۹
مارك آنتونیوس (رك : آنتونیوس) ۱۰۱
مارکوارت ، ۵۳ ، ۱۰۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۷ ، ۱۲۵ ، ۱۲۹ ، ۲۰۳ ، ۲۰۴ ، ۸۰۳
مارکوس وروس ۱۰۴
مارکی (لقب اشراف اسپانیا) ۲۴۷
مارلنسکی ۱۳
ماریا ۸۷
ماریان‌نی ۸۷
ماریانی ۷۰
ماشتك ۵
ماکان‌کاکی ۱۴۵
ماماعصمت (رك: ماماعصمت تبریزی) ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۵
ماماعصمت تبریزی ۲۱۱
مامدی (ایل -) ۱۹۰
مامش (ایل -) ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶
مأمون ۲۰ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۱
مانایی‌ها ۷۴
مان‌تنه (رك : مان‌ناها) ۵۳
مانلی ۵۴
مانتا (قوم ، قبیلهٔ -) ۶۴ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۸ ، ۸۰ ، ۸۸ ، ۱۲۲
مانتاها (رك : مان‌تنه ، مانتا) ۵۳ ، ۶۳، ۷۳ ، ۸۶ ، ۹۰

مانتایی (رك : مانتا) ۷۴ ، ۷۵ ، ۹۱، ۹۴ ، ۱۰۵
مانتاییان (رك : مانتاها) ۹۷
مان‌ها ۷۴
ماه‌اسفند (رك : ماه‌عید) ۱۹۳
ماه‌عید (رك : ماه‌اسفند) ۱۹۳
ماه‌کستر‌په (رك : چهتر‌په) ۱۲۳
ماهیارنوابی (دکتر -) ۲۱۲ ، ۲۲۱ ، ۲۶۳
ماهی فقیهلو (رك : اکبی‌فقولویی‌لو) ۲۴۸
م . ب . ۲۸۴
متامورفیك ۴۸
متفقین ۳
متوکل (رك : متوکل عباسی) ۱۴۳ ، ۱۵۰
متوکل عباسی ۱۴۹
متوکلی ۱۱۹
مثنای‌ازدی ۱۴۸
مجتهدی (دکتر مهدی -) ۸۰۴
مجسطی ۳۸۸
مجنونشاه (رك : خان چوپانی) ۲۹۵
مجنونشاه‌قره‌جه‌داغی ۲۸۹
مجوس (رك : مغ) ۱۱۲ ، ۱۱۶ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹
مجوسان (رك : مغان) ۱۰۶ ، ۱۰۷
مجید و هرام ۲۴۶
مجیرالدین بیلقانی ۱۷۰
محبی (المحبی ، محمدامین‌بن فضل‌الله) ۸۰۴
محرم برگین (دکتر-) ۲۵۵
محمد (رك : رسول ، رسول‌الله ، پیغمبراسلام «ص») ۳۲۸
محمد ۳۴۰
محمد (امیرنریز) ۱۶۴
محمد (امیرمرند) ۱۶۳
محمد (رك : بغیث) ۱۵۰
محمد (رك : رواد) ۱۴۹
محمد (رك : محمدبن ابی‌الساج) ۱۴۳
محمد (رك : محمد بن‌یزید) ۷
محمد (رك : محمدجهان پهلوان) ۱۷۱
محمد (رك : مملان) ۱۵۱
محمدامین ۳۳۳
محمد اسماعیل افشار ۳۲۰
محمدباقر ۳۳۶
محمدبن ابی‌الساج ۱۴۲
محمدبن‌اسحق الندیم ۲۰۵
محمدبن‌اسماعیل خطاط ۳۳۴
محمدبن حاتم‌بن هرثمه ۱۴۲
محمدبن‌محمدبن‌حسن(رك:خواجه‌نصیرالدین طوسی) ۳۸۶
محمدبن حمیدالطوسی(طوسی) ۱۴۲ ،۱۴۹، ۱۵۱
محمدبن رواد ۱۴۹ ، ۱۵۱ ، ۱۶۵
محمدبن روادبن محمد ۱۶۵
محمدبن سلیمان فضولی ۲۹۹
محمدبن‌صول ۱۴۱
محمدبن عزالدین‌بن عادل‌بن یوسف تبریزی (رك : محمد شیرین) ۲۱۶
محمدبن علی‌سلوق ۱۴۳
محمدبن عمربن علی‌بن‌مـرا الطائی‌الموصلی ۱۴۳
محمدبن‌مروان ۱۴۱
محمدبن مروان‌الحکم ۴۰

محمدبن‌ملامیر ۳۴۶ ، ۳۵۶
محمدبن یزید (رك : ارانشاه) ۷
محمدبیك موصللو(موصلی) ۴۰۳
محمدتقی مصطفوی ۴۰۴
محمد جهان پهلوان‌بن ایلدگز (شمس‌الدین ابوجعفر) ۱۷۱
محمدحسن‌خان ۳۸۳
محمدحسن‌خان قاجار ۱۷۴
محمدحسین‌بن شرف‌الدین ۳۵۶
محمدحسین جنتی (رك : محمدحسین صحاف) ۲۸۹
محمدحسین حسینی ۳۵۸
محمدحسین شهریار (رك : شهریار) ۲۸۳
محمدحسین صحاف ۲۸۷
محمدحسین نائلی ۳۰۰
محمدخان قزوینی ۲۲۹
محمدخانلو (ایل ـ) ۱۸۱
محمدخلیلی ۳۳۴ ، ۳۵۳
محمدزکریا ۳۳۶
محمدشاه قاجار ۲۹۳
محمد شفیع (محمد) ۸۰۴
محمدشیرین (رك : مغربی) ۲۱۶،۲۱۷
محمدعباسی ۲۵۶
محمدعلی سلطان ۲۹۴
محمدعلی‌شاه ۱۷۵
محمدعلی‌کریم (رك : ذاکر) ۲۹۹
محمدقاسم الصفوی ۳۷۹
محمدقاسم بیگ‌متولی ۳۲۴
محمدقلی بامیه‌ساز ۲۹۱
محمدقلی‌خان ۳۶۱
محمدکاتب ۳۳۱
محمدمعصوم ۳۴۳
محمره (رك : خرمیه) ۱۳۷
محمود (رك : سلطان محمود سلجوقی) ۱۶۰
محمود (رك : محمودبن اسحق) ۳۵۴
محمود (رك : محمودالارقی) ۲۱۸
محمودالارقی ۲۱۸
محمودبن احمد اهری ۳۸۶
محمودبن اسحق ۳۴۰ ، ۳۵۴
محمودبن اسحاق شهابی ۳۴۶
محمودبن‌الحسین‌کاشغری ۲۲۵
محمودبن نظام ۳۶۰
محمودکاتب ۳۵۳
محمودلو (ایل ـ) ۲۴۸
محمود نیشابوری ۳۵۴
محمود هدایت ۴۱۶
محیط طباطبایی (محمد ـ) ۸۰۴
محیی‌الدین (مولانا ـ) ۲۱۸
مختاربن ابی‌عبیدثقفی ۲۸۵
مخبر (محمدعلی) ۸۰۴
مدا (رك : مدایا) ۸۷
مدایا (رك : مدا) ۸۷
مدرس (علی‌اصغر) ۸۰۴
مدیکوس (رك : مارکوس وروس) ۱۰۴
مدین (رك : میدیان) ۸۷
مذهب‌الاثنی‌عشر (رك : شیعه) ۳۰۹
مذهب حروفی ۲۵۸
مرادخان ثالث ۱۷۴
مرادلو (ایل ـ) ۱۸۲
مربن‌علی ۱۶۴
مرتضوی (دکتر منوچهر) ۸۰۴
مرجانیثا (بزرگ‌کشیشان) ۴۴
مرداس ۱۳۸

مردانشاه (رك : خوره‌زاده) ۱۲۸
مرداویج (رك : مرداویج زیاری) ۱۴۵
مرداویج زیاری (رك : مرداویج) ۱۴۵
مرداها (رك : آماردها) ۶۹
مرزبان ۱۴۷ ، ۱۴۸
مرزبان (پسرمحمدبن مسافر) ۱۴۶
مرزبان اول ۱۴۳
مرزبان‌بن اسماعیل ۱۶۵
مرزبان‌بن محمد ۱۶۴
مرشد ۳۵۲
مرشدقلی آقا ابن‌الله‌قلی آقا ایشیك آقاسی ۳۲۲
مرندی ۲۷۴
مروان‌بن‌الحکم ۴۰
مروان‌بن‌محمد ۱۴۱
مروان‌بن‌محمدبن مروان‌بن‌الحکم ۴۰
مروت (طایفهٔ ـ) ۱۹۴
مریم (ع) ۱۱۴ ، ۳۳۳
مزدك ۱۱۹ ، ۱۳۸
مزدکی (رك : مزدك) ۱۳۷ ، ۱۳۸
مسأله‌گوتائب تبریزی (رك : میرزا اسماعیل ابن‌حاج‌حسین) ۲۹۷
مساوات ۳
مستوفی (عبدالله) ۸۰۴
مسروپ (اسقف ـ) ۴۱۹
مستعلی بکلو (ایل ـ) ۱۸۲
مسعود ۱۶
مسعود (رك : سلطان محمود سلجوقی) ۱۶۰
مسعود (رك : سلطان مسعود سلجوقی) ۱۶۷
مسعودی (رك : مروج الذهب) ۷ ، ۱۱۶
مسلمان (رك : مسلمانان) ۲۸۳
مسلمانان (رك : مسلمان) ۱۳۶ ، ۱۵۶
مسلمة‌بن عبدالملك ۱۴۱
مس‌مغان (بزرگ مغان) ۱۰۷
مسیح (عیسی ـ) ۸۰ ، ۱۹۹
مسیحی (رك : مسیحیان) ۴۱ ، ۴۲ ، ۱۱۴ ، ۱۹۰ ، ۱۹۶ ، ۲۰۱ ، ۲۲۸ ، ۲۶۰ ، ۳۹۳ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۲۴
مسیحیان (رك : مسیحی) ۴۲۰
مسیحیان آذربایجان غربی ۲۰۲
مسیحیان آرامی‌نژاد ارمیه ۴۱
مسیحیان ایران ۱۹۹
مسیحیان بیزانس ۲۳۶
مسیحیان گرجی ۲۳۶
مسیحیان (مسیحی) نسطوری ۴۱ ، ۴۲
مسیحیان نسطوری آسوری ۲۰۰
مسیحیان‌یسوعی ۴۲
مسیحیت ۴۱۷
مشروطه (حکومت ـ) ۵۷
مشروطیت ۱۷۵ ، ۱۸۰
مشروطیت ایران ۲۵۱
مشکور (دکترمحمدجواد ـ) ۶۴ ، ۷۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۹۴ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۳۸ ، ۴۱۷ ، ۸۰۴
مشکوتی (نصرة‌الله) ۸۰۴
مشهدی‌جمال مراغه‌ای ۳۰۴
مشهدی‌حسین شأنی ۲۸۸ ، ۲۹۲
مشهدی‌علی اصغر ذهنی ۲۸۸
مصرکانلو (ایل ـ) ۱۸۵
مصمغان (رك: مس‌مغان ـ بزرگ مغان) ۱۰۵ ، ۱۰۷

مصری (منسوب به مصر) ۶۴ ، ۱۰۲ ، ۱۰۸
مصریان (رك : مصری) ۸۷
مضطر (رك : یحیی‌بن مصطفی‌الحسینی‌زنوزی) ۲۸۶ ، ۲۹۵
مطهربن طاهرالمقدسی ۱۴۰
مظفرالدین اوزبك ۱۶۹
مظفرالدین‌شاه ۲۹۸
مظفرالدین عثمان قزل‌ارسلان ۱۶۸
مظفرالدین کوکپیری ۱۶۹
معالی (نام شاعری) ۲۲۰
معتصم (رك : معتصم عباسی) ۱۱ ، ۱۵۰
معتصم‌عباسی ۳۸ ، ۱۴۰
معتمد (خلیفهٔ عباسی) ۱۴۳
معجرشبستری ۲۸۳
معز (پسر خلیفهٔ عباسی)
معزالدوله (رك : معزالدولهٔ دیلمی) ۱۴۸
معزالدولهٔ دیلمی ۱۴۸
معظم‌الدین اوحدی ۳۴۰
معلم‌دفعت ۲۵۴
معین (دکتر محمد ـ) ۲۱۱ ، ۲۱۸
مغ (رك : مجوس) ۱۰۴ ، ۱۰۹
مغان (رك: مغ ، مجوس) ۹۷ ، ۱۰۴، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰، ۱۱۲ ، ۱۱۷
مغانلو (ایل ـ) ۱۸۲
مغربی (رك : محمدشیرین) ۲۱۶ ، ۲۱۷
مغروز (قبیلهٔ ـ) ۱۶
مغول (رك : مغولان) ۲۶ ، ۳۹ ، ۵۳، ۵۵، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۲۱۰ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۶ ، ۲۴۹ ، ۳۸۵ ،
۳۸۶ ، ۳۹۳ ، ۳۹۶ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸، ۴۰۰ ، ۴۰۸ ، ۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۴ ، ۴۱۷ ، ۴۱۸
مغولان (رك : مغول،مغولها) ۱۰، ۲۴، ۳۶، ۱۶۲ ، ۱۷۰ ، ۲۳۷ ، ۲۴۱ ، ۴۰۹ ، ۴۱۰ ، ۴۱۸
مغولها (رك : مغولان ، مغول) ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۵
مغولی (رك : مغول) ۲۵۲ ، ۴۰۸ ، ۴۱۱
مغها (رك : مغان) ۱۱۰
مغیره (رك : مغیرةبن‌شعبه) ۱۳۶
مغیرةبن‌شعبه ۱۳۵ ، ۱۳۶
مفتوح‌العنوه ۱۳۶
مفخم‌پایان (لطف‌الله) ۸۰۴
مفلح‌الیوسنی ۱۴۴
مقدسی (المقدسی ـ شمس‌الدین‌ابوعبدالله) ۸ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۸۰۴
مقدم (دکتر محمد) ۸۰۴
مقدم (دکتر صادق) ۸۰۴
مقدونی ۹۶
مقدونیان ۹۵
مقدونیها (رك : مقدونیان) ۹۷
مقصودبیك‌ختوسلو ۴۲۱
مقصودکاشانی ۳۰۶
مکری (قبیلهٔ ـ) ۱۹۶
مگردیج (اسقف ـ) ۴۲۱
ملاپناه واقف (رك : واقف) ۲۶۰
ملاحسین (رك : دیوان ثابت‌خویی) ۲۹۴
ملاحسین (رك : دیوان اشك‌ریز) ۲۹۲
ملاحسین‌کاشفی ۲۹۹
ملاحشری ۸۰۴
ملاعثمان ۳۸۲
ملامالك ۳۵۹

ملامحمد باقر خلخالی ۲۸۵
ملامحمدتقی تبریزی ۲۹۳
ملامحمد حسین تبریزی ۳۴۱
ملامحمد طاهر (رك : طاهر) ۳۶۲ ، ۳۷۸
ملامحمد طاهر مستوفی(رك : ملامحمدطاهر) ۳۸۳
ملامیراحمدقاضی ۳۸۲
ملانصرالدین(رك : جلیل‌محمدقلی‌زاده)۲۸۵
ملانصرالدین(رك: کلیات ملانصرالدین)۲۹۷
ملانظام استرابادی ۳۵۰
ملایاراحمد پیشنماز افغان ۳۸۲
ملجائی ۸۰۴
ملحدان (رك : اسماعیلیه) ۳۸۷
ملکاری (ایل ـ) ۱۹۵
ملك‌الشعرای‌اء (رك : حبیبی) ۲۵۸
ملکشاه (پسر سلطان طغرل) ۱۶۹
ملکشاه سلجوقی ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۲۳۶
ملك‌صدرالدین ۱۷۲
ملکه سیمیرامیس (رك : سامورامات) ۷۷
ملکی (جمشید عباداللهزاده) ۸۰۴
ملیکشیویلی ۸۲
ممکانلو (ایل ـ) ۱۸۹
مملان (رك : محمدابن ابوالهیجاء حسین) ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۶۵
مملان‌بن وهسودان ۱۶۵
منانی ۷۴
منجم‌باشی ۲۳۶ ، ۲۴۸ ، ۸۵۰
منجیك ۲۰۷
مندوله (ایل ـ) ۱۸۸
منصور (رك : منصور دانا) ۱۵۵
منصوردانا ۱۵۵
منصورعباسی ۱۴۹ ، ۱۵۰
منکجور ۱۴۲
منکوری (قبیلهٔ ـ) ۱۹۶
منکوقاآن ۴۱۸
منگور (ایل ـ) ۱۹۴
منوا ۴۶ ، ۸۵
منوچهر امیرمکری (دکتر مهندس ـ) ۴۲۵
منعم‌الدین ۳۵۳
موتا (سردار ایرانی) ۱۳۴
موتاریس‌آشور ۷۷
مودروس ۳
مودود ۱۵۹
موریس دوکوتزیو ۴۱۵
موریکیوس ۱۲۷
موسوی الصفوی ۳۱۷
موسی (پیامبر) ۳۱۲
موسی‌بیگ ۳۸۰
موسی‌خان ۳۸۳
موسی‌خورن ۵
موسی‌کاظم (امام هفتم شیعیان)۳۱۹
موسیوکلایس ۱۲۰
موشل ۶
موصللو (قبیلهٔ ـ، رك : ترکان‌موصلی) ۲۳۷، ۲۳۸ ، ۲۴۳
موفق (برادر معتمد خلیفهٔ عباسی) ۱۴۳
موقری‌گوریك (ایل) ـ ۱۹۰
مولانا (رك : مولاناجلال‌الـدین محمد بلخی رومی) ۲۲۵
مولانا اولیاءالله۸۰۵
مولاناجامی۳۵۸
مولوی (محمدعلی) ۸۰۵

مؤمنه‌خاتون(دختر بکتیمور) ۱۷۱
مؤمنه خاتون ۱۷۱ ، ۴۱۳
مونازس ۱۰۱
مونس‌خادم ۱۴۳
مؤیدالدین‌عرضی ۳۸۷ ، ۳۸۸
مهان‌کشفی (رك : کشفی) ۲۱۵
مهدی اعتماد (رك : مهدی اعتماد ناطقی) ۲۹۶
مهدی اعتماد ناطقی (رك : اعتمادالشعراء) ۲۹۷
مهر ۴۱۷
مهران ۷
مهران (محمد) ۸۰۵
مهرداد ۱۰۰
میتانو ۸۷
میتانی ۸۷ ، ۸۸
میتانیان (رك : ماتیه‌نیان) ۸۶
میتانی‌ها (رك : میتانیان) ۸۶ ، ۸۷
میترا ۸۷
میتراش‌شیل ۸۷
میخائیل ۱۴۰
میدیان (رك : مدین) ۸۷
میراحمد حسینی ۳۵۹
میراسدالله‌بن‌آقامیر قوام‌الدین روضه‌خوان ۳۲۰
میرانشاه ۱۷۳
میرحسین ۳۴۴
میرخواند ۳۳۶
میرزا اسکندر ۲۱۱
میرزا اسماعیل‌بن حاج‌حسین ۲۹۶
میرزا بهاءالدین‌کلانتر ۳۸۲
میرزا جواد ۲۸۴
میرزا حسین علومی ۲۸۴
میرزاحسین‌کریمی ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴
میرزا خلیل‌بن عباسقلی ۲۸۶
میرزا رضا عربی‌خوان ۲۹۲
میرزا سروش ۲۸۹
میرزا شاهرخ ۲۱۱
میرزا شفیع محاسب‌الممالك ۲۹۷
میرزا شفیع وزیر تبریزی ۳۸۲
میرزا صادق (رك : تائب) ۲۸۵
میرزا صادق (رك : فانی) ۲۹۵
میرزا عبدالباقی تبریزی ۲۹۴
میرزا عبدالرزاق جهانشاهی ۳۸۰
میرزا عبدالله ۳۶۲
میرزا عبدالله(رك : میرزا عبدالله ممیز)۳۶۳، ۳۶۴ ، ۳۶۶ ، ۳۷۷ ، ۳۷۸ ، ۳۷۹
میرزا عبدالله اردوبادی ۲۹۳
میرزا عبدالله ممیز ۳۶۲ ، ۳۶۳ ، ۳۶۶
میرزا علی (رك : دلخون) ۲۹۰
میرزا علی‌اکبر محمدطباطبایی خیابانی ۲۹۲
میرزا علیخان ایروانی(رك : شمس‌الحکماء) ۲۹۸
میرزاعلی‌رضا ۳۸۲
میرزاعلی معجرشبستری ۲۹۴
میرزا عمر ۱۷۳
میرزا عنایت ۳۸۱
میرزاقاسم‌گنابادی ۳۸۲
میرزاکریم مراغی ۳۰۰

میرزا محمدتقی تبریزی (رك : دیوان درویش بلبل) ۲۹۴
میرزا مظهر ۲۸۹
میرزا مهدیخان منشی‌باشی ۳۸۱
میرسیداحمد ۳۴۱
میرعلی ۳۴۱ ۳۵۴
میرعلی حامی ۳۴۶
میرعماد ۳۸۰ ، ۳۸۱
میرمحمود سیدشوری ۳۰۳
میرمعزالدین ۳۴۳
میرمیران ۱۶۸
میریحیی‌بن مصطفی زنوزی ۲۹۵
میشل پالئولاکوس مسیحی ۳۹۳
میلان (ایل ـ) ۱۸۸
مین‌نیت (نوعی گندم) ۷۴
مینورسکی ۱۱، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۵۱،۵۴، ۹۸ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۳۷ ، ۲۴۳ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۴۰۳ ، ۸۰۵

ن

نابدل (علی‌رضا) ۸۰۵
ناجی (رك : عبدالحمید) ۲۹۰
نادرافشار (رك : نادرشاه‌افشار) ۲۵۱
نادرشاه (رك : نادرشاه افشار) ۳۷۹ ،۳۸۰، ۳۸۱
نادرشاه‌افشار ۱۷۴
نادر میرزا ۵۶ ، ۱۴۰ ، ۸۰۵
نادروزین‌پور (دکتر ـ) ۲۸۲ ، ۳۰۳
نارام ـ سین ۷۲
ناسن‌لو (ایل ـ) ۱۸۲
ناسیتا ۸۷
ناشت‌تین‌نه ۸۷
ناصح (محمدعلی) ۸۰۵
ناصر (خلیفهٔ عباسی) ۱۶۸
ناصرالدین‌شاه ۴۶ ، ۲۰۱ ، ۲۸۵
ناصرخسرو ۲۰۷ ، ۲۹۶
ناصرخسرو قبادیانی ۱۵۲ ، ۸۰۵
نایب‌السلطنه (رك : عباس‌میرزا) ۴۲۲
نبوپولاس‌سار ۹۳
نبوی (رك : رسول ، رسول‌الله ، محمد) ۳۲۴
نجفقلی‌خان ۱۷۴
نجم‌الدین دبیران قزوینی ۳۸۷
نجم‌الدین کاتب ۳۸۸
نجم تبریزی ۳۰۲
نخجوانی (حاج‌حسین‌آقا) ۸۰۵
نرسه‌هرمزد ۱۲۹ ، ۱۲۹ـ ۱۳۰ ، ۱۳۲
نسطوری ۴۱ ، ۱۲۹ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹
نسطوری آسوری ۲۰۰
نسطوریان(رك : نسطوریها) ۴۲، ۲۰۰، ۲۰۱
نسطوریان آذربایجان ۲۰۰
نسطوری‌ها ۱۹۸ ، ۲۰۱
نسوی (رك : سیرهٔ جلال‌الدین) ۱۶۲
نشاء (رك : میرزا عبدالباقی تبریزی) ۲۹۴
نشاط ۲۶۰
نصرالله میرزا ۳۸۱
نصرةالدین ارسلان آبه‌خاصبك ۱۶۱ ، ۱۶۶
نصرةالدین محمد جهان‌پهلوان ۱۶۷ ، ۱۶۸
نصرةالله مشکوتی ۳۹۰، ۳۹۲
نصرت ماکویی (محمد رحیم) ۸۰۵
نظرعلی‌خان المتولی ۳۰۷
نظام‌الدین‌شامی ۸۰۵
نظام‌بندگیر تبریزی ۳۹۷
نظامی ۲۸۳
نظامی گنجوی ۳ ، ۱۵۷ ، ۱۶۲

نعمتی (ایل -) ۱۹۰
نعیم (رك : نعیم‌بن‌مقرن) ۱۳۵
نعیم‌بن مقرن ۱۳۴ ، ۱۳۵
نفیسی (سعید) ۸۰۵
نلدکه ۲۵۴
نوا (نام شاعری در زمان عباس‌میرزا) ۴۲۲ ، ۴۲۳
نوایی(دکتریحیی‌ماهیار-)۲۲۲ ، ۱۵۱، ۸۰۶
نوح (پیامبر) ۷۶
نوحا (قبیلهٔ -) ۱۵
نورآداد ۷۶
نورالدین(رك : قره‌کلیسا) ۴۱۹
نوری (ابوتراب) ۸۰۵
نوری‌پاشا ۳
نهادین (رك : مینانی‌ها) ۸۷
نیك‌دیارا ۷۶
نیکوقوس (اسقف -) ۴۲۴
نیکیتین (ب) ۸۰۵
نینوا ۹۳

و

واچه ۶
واجد(رك: واجدین‌غزللری و ترکی تصنیفلر) ۳۰۱
وارخونی (رك : آوارها) ۱۲۶
واردن ۱۰۳
واردانیها ۸
وارسکها (رك : وارسکلر)
وارونا ۸۷
واسیل (امپراطور روم شرقی) ۱۵۴
واعظ چرندابی (عباسقلی) ۸۰۶
واقدی ۱۳۶
واقف ۲۶۰
واندنبرگ (لویی) ۶۶ ، ۶۷ ، ۸۰۶
وجناء (رك : رواد) ۱۴۹
وجناءبن رواد ۱۵۰ ، ۱۶۵
وحیدالدین حسینی ۳۴۶
وحید قزوینی (محمد طاهر -) ۸۰۶
ودادی ۲۶۰
ودایی ۸۷
ودیعی (دکترکاظم -) ۸۰۶
ورسق (ایل -) ۲۴۸
ورشوند (ایل -) ۱۸۵
وزین‌بور (دکتر نادر -) ۸۰۶
وزیر(محمدبن‌محمدبن عبدالله‌النظام‌الحسینی) ۸۰۶
وستام ۷
وشمگیر ۱۴۵ ، ۱۴۶
وصاف‌الحضرة (شهاب‌الدین عبدالله شیرازی) ۳۸۷، ۸۰۶
ولادیمیر مینورسکی (رك : مینورسکی)۱۱۴، ۱۷۶
ولفرم‌کلایس (دکتر مهندس -) ۴۲۶
ولید (رك : ولیدبن عقبةبن ابی‌معیط) ۱۳۶
ولیداول اموی ۱۴۱
ولیدبن عقبة (رك : ولیدبن‌عقبةبن‌ابی‌معیط) ۲۰۴
ولیدبن‌عقبةبن‌ابی‌معیط ۱۳۶ ، ۱۴۱
وندوی (رك : بندوی) ۱۲۷
ونن (برادر اردوان‌سوم) ۱۰۳
ونن اشکانی ۱۰۳
ونن‌دوم ۱۰۳
وهسودان (رك : مملان) ۱۴۷ ، ۱۵۲
وهسودان (رك : وهســودان مملان) ۱۵۴ ، ۱۵۵
وهسودان رك : امیروهسودان) ۱۵۵ ، ۱۵۶، ۱۵۷
وهسودان‌بن محمد ۱۶۴

وهسودان بن مملان ۱۵۲ ، ۱۵۴ ، ۱۶۵ ،
ویجویه‌ای (محمد باقر) ۸۰۶
۲۳۵
ویدازنا ۹۴
ویستهم (رك : وستم) ۷ ، ۱۲۷
ویگرام ۲۰۰
ویلبر (دونالد) ۳۸۵ ، ۳۹۶ ، ۴۰۰ ، ۸۰۶
ویلن (کریستی) ۸۰۶

ه

هاتفی ۳۴۶
هادی‌حسن ۸۰۶
هارون (رك : هارون خارجی) ۱۴۵
هارون‌الرشید ۲۰ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰
هارون خارجی ۱۴۵
هازانو ۷۵
هامی (مسیو -) ۷۲
هانری سوم ۴۱۹
هخامنشی ۴ ، ۴۶ ، ۷۲ ، ۹۰ ، ۹۴ ، ۹۵ ،
۱۰۶ ، ۱۰۹ ، ۱۲۳ ، ۱۹۷ ، ۴۰۴
هخامنشیان ۹۲
هدایت‌الله کاتب شیرازی ۳۵۰
هراکلیوس ۴۶ ، ۱۲۷
هران ۸
هرتسفلد ۴۶ ، ۹۴ ، ۴۳۱
هرزند ۲۲۹
هرزندی ۲۲۹
هرزنی ۲۱۲ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳
هرکی (ایل -) ۱۹۱ ، ۱۹۶
هرکی سرهاتی (ایل -) ۱۹۱
هرکی سیدان (ایل -) ۱۹۱
هرکی میدان (ایل -) ۱۹۱
هرمز (رك : هرمزبن انوشیروان) ۱۲۷
هرمز (رك : هرمزداد) ۱۱۷
هرمز (پسر خسروشیر) ۱۱۲
هرمزان ۱۲۹
هرمزبن انوشیروان ۱۲۷
هرمزبن خسروشیر ۱۱۶
هرمزداد (رك : هرمزکار) ۱۱۷
هرمزدشاه ۱۳۲
هرمزکار (رك : هرمزداد) ۱۱۷
هرمندا ۲۴۷
هرودت ۸۶ ، ۸۹ ، ۹۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۶ ،
۱۰۷ ، ۱۰۸
هروزنی ۸۷ ، ۸۸
هزار (رك : لایلای) ۳۰۰
هزوارش ۱۳۰ ، ۱۳۳
هشام‌بن‌عبدالملك ۲۳
هلاکو (رك : هلاکوخان مغول) ۱۷۲ ، ۳۸۷
هلاکوخان مغول ۳۸۶ ، ۳۸۷
هلاگو (رك : هلاکو) ۳۸۸
هلاگوخان مغول (رك : هلاکوخان مغول)
۳۹۳
هلشتاین (دولت -) ۱۰۶
هلنیسم ۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷
همام (رك : همام تبریزی) ۲۱۳ ، ۲۱۴
همام تبریزی ۲۱۳
همایون (پادشاه‌هند) ۳۳۰
همایی (جلال‌الدین) ۸۰۶
همدانی ۱۱۸
همدمی (محمد) ۸۰۶
همونلو (ایل -) ۱۸۲
هنارپاجیك (ایل -) ۱۹۰
هندواروپایی ۸۱ ، ۸۷ ، ۸۸

هند و ایرانی ۸۷
هندی ۱۴ ، ۳۲۷ ، ۳۳۰ ، ۳۳۸ ، ۳۴۰ ، ۳۴۲ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۴۷ ، ۳۵۴ ، ۳۵۵ ، ۳۵۶ ، ۳۵۷ ، ۳۵۸ ، ۳۶۴ ، ۳۶۵
هنری فیلد ۱۸۱ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۹۰ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۸۰۶
هو ـ او ـ اور ۷۰
هوتما ۸۰۶
هوتوم شیندلر ۹۴ ، ۳۸۹
هوخشتره (رك :کیاکزار ، کیاکسار) ۸۹ ، ۹۳ ، ۹۴
هورا (رك : اورها) ۷۰
هورستی ۴۷
هورلی ۷۰
هوری ۷۰
هوریان ۷۰ ، ۸۶
هورین ۷۲
هوری‌ها ۶۴ ، ۷۰ ، ۷۳ ، ۸۶ ، ۸۷
هوشنگ ارژنگی ۲۸۶
هونها ۷ ، ۱۲۶
هونهای سایبر ۱۲۶
هونهای سفید ۱۲۵
هونهای کوبان ۱۲۶
هونی ۸
هولاکو (رك : هلاکو ، هلاگو) ۵۵ ، ۳۹۳ ، ۳۹۸
هولاگو (رك : هولاگوخان) ۵۳
هولاگوخان (هلاگوخان مغول) ۵۵ ، ۳۸۹
هیاطله ۱۲۵
هیبار ۷۰
هیتی ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۷۰ ، ۸۱ ، ۸۷
هینتس (والتر) ۲۴۶ ، ۸۰۶

ی

یأجوج و مأجوج ۱۲
یاقوت (رك : معجم‌البلدان) ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۵۳ ، ۱۱۶ ، ۱۳۸ ، ۲۰۹ ، ۸۰۶
یاقوت حموی (رك : یاقوت) ۱ ، ۲۰۸ ، ۸۰۶
یاقوت مستعصمی ۳۳۱
یحیی (رك : رواد) ۱۴۹
یحیی‌بن خالد برمکی ۱۴۱
یحیی‌بن رواد ۱۴۹ ، ۱۵۱ ، ۱۶۵
یحیی‌بن مصطفی‌الحسینی زنوزی ۲۸۶
یدی اویماق (ایل ـ) ۱۸۲
یزدگرد (رك : یزدگردسوم) ۱۲۸
یزدگرد بهرام‌گور ساسانی ۳۲
یزیدبن حاتم ۱۴۹
یزیدبن مزید (رك : شروانشاه) ۱۴۲
یزیدبن‌مزیدبن‌زائدهٔ شیبانی (رك :شروانشاه) ۱۴۲
یسوعی‌ها (رك : ژزوئیت‌ها) ۲۰۱
یعقوب (رك : یعقوب‌لیث ۱۴۳
یعقوب‌لیث ۱۴۳
یعقوب اردبیلی ۲۱۵
یعقوبی (الیعقوبی) ۱۴۹ ، ۸۰۶
یغمایی(حبیب) ۸۰۶

یکتای نعلینی ۳۲۴
یك‌کدلو (ایل ـ) ۱۸۳
یکه‌لو (ایل ـ) ۱۸۲
یلدای ماکویی ۲۹۵
یلماچ (عشیرهٔ ـ) ۲۴۵
ینگه عروس ۱۸۶ ، ۱۹۱
یهود ۲۲۶
یهودی ۲۰۲
یهودیان ۲۰۲ ، ۲۲۷
یهودیان آذربایجان ۲۰۲
یهودیان آذربایجانی‌غربی ۲۰۲
یهودیان‌کوهستانی ۲۲۷
یوا (ایل ـ) ۱۵
یوتاپا ۱۰۲
یوتچو (ایل ـ) ۱۸۲
یوتچی‌رضا بیگلو (ایل ـ) ۱۸۲
یوحنا ۳۹۳
یوسف (پیامبر) ۱۵۸
یوسف (رك : ابوالقاسم یوسف‌بن ابوالساج) ۱۴۳ ، ۱۴۵
یوسفانلوها ۱۶
یوسف‌بن الساج ۱۴۵
یوسف‌بن محمد ۱۴۲
یوسف تبریزی ۲۱۶
یوسف شاه‌بن ملك صفیمای ۳۰۷
یوسف شهاب ۲۸۸
یولیانوس ۱۲۴
یونانی ۵ ، ۶ ، ۹ ، ۴۶ ، ۵۳ ، ۹۳ ، ۹۸ ، ۱۰۴ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۴ ، ۱۹۷
یونانیان۷۷ ، ۸۸ ، ۹۷ ، ۱۰۷
یونانی بیزانسی ۹۷
یونانی قدیم ۹۷
یونس (ع) ۳۲۹
یوویانوس (رك : ژووین) ۱۲۴
ییوا (رك : ایوا) ۲۳۶

۲ - فهرست اسامی جایها و کوه‌ها و رودها

آ

آب اوجان (رود ـ) ۲۵
آب شرون (شبه جزیرهٔ ـ) ۱۴
آبشوران (شبه جزیرهٔ ـ) ۲۲۷
آبشوره ۳
آبشوران (شبه‌جزیرهٔ ـ) ۱۵
آتروپاتکان (رك : آذربایجان) ۱۱۸
آتروپاتن (رك : آذربایجان) ۶ ، ۹۵ ، ۹۹ ، ۱۰۵
آتروپاتنه ۹۷ ، ۹۸
آتش‌بیك ۵۸
آتشکدهٔ آذرخوش (رك : آذرخوش) ۱۱۱
آتشکدهٔ آذرگشنسب (ـ آذرگشنسپ) ۱۱۰ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۵ ، ۱۲۷ ، ۴۰۵ ، ۴۰۹
آتشکدهٔ ساسانی ۴۰۹
آتشکدهٔ شیز (رك : آتشکدهٔ آذرگشنسب) ۱۱۴ ، ۱۲۵
آتشکده های ایران ۱۱۰
آتورپاتاکان (رك : آتورپاتکان) ۹۷
آتورپاتکان ۹۸
آتورگشنسب (رك : آذرگشنسپ) ۱۱۷
آجرلو (رك : کشاور) ۵۹ ، ۷۴۸
آجی‌چای (رك : تلخه رود) ۵۰ ، ۵۵ ، ۶۹
آختاجی ۱۹۶
آختاچی شرقی ۷۲۹
آختاچی غربی ۷۲۷
آخیسکا ۲۴۴
آدرابیغانن ۹۷
آدیابن ۹۹
آذرباذکان (رك : آذربایجان) ۹۷
آذربایجان (رك : آتروپاتکان ، آتروپاتن ، آتروپاتنه، آتورپاتکان، آتورپاتاکان) ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۶ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۷ ، ۴۸ ،

۴۹ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۵۶ ، ۵۷ ،
۶۲ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ،
۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ،
۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ،
۸۶ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۹۳ ،
۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ،
۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ،
۱۰۵ ، ۱۰۷ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ،
۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰ ، ۱۲۲ ،
۱۲۴ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ،
۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ،
۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ،
۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۶ ،
۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ،
۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷ ،
۱۵۸ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ،
۱۶۲ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ،
۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ،
۱۷۴ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۰ ،
۱۸۱ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ،
۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ،
۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹ ،
۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۱۳ ، ۲۲۱ ، ۲۲۴ ،
۲۲۵ ، ۲۲۸ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۳۷ ،
۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ،
۲۴۳ ، ۲۴۴ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ،
۲۵۳ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ،
۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۳ ، ۲۸۳ ، ۲۸۵ ،
۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ،
۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۵ ، ۳۹۰ ، ۳۹۱ ،
۳۹۵ ، ۴۰۰ ، ۴۰۳ ، ۴۰۵ ، ۴۰۸ ،
۴۱۲ ، ۴۱۸ ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۴ ،
۴۲۵ ، ۴۳۰ ، ۴۳۳
آذربایجان شرقی ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۶ ،
۲۸ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ،
۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۸۳ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵ ،
۲۰۰ ، ۳۰۵ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۳۳ ،
۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۳۷
آذربایجان شمالی ۸۹ ، ۱۶۸
آذربایجان شودوی ۲ ، ۴ ، ۱۵، ۲۲۷
آذربایجان غربی ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۵۷ ،
۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۵ ، ۱۹۵ ،
۱۹۹ ، ۴۰۸ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۶۴۸
آذربایجان کوچك (رك : قراباغ) ۱۶
آذربایگان (رك : آذربایجان) ۹۷ ، ۱۳۵
آذربرزین‌مهر (آتشکدهٔ -) ۱۲۰
آذربیجان (رك : آذربایجان) ۲۰۶ ، ۲۴۶
آذرجشنسف (رك : آذرگشنسپ) ۱۸
آذرخوش (رك : آتشکدهٔ آذرگشنسپ) ۱۱۱
آذرشهر(رك :دهخوارقان) ۲۷ ، ۵۸، ۴۳۳،
۴۳۶ ، ۵۰۹
آذرفرنبغ (آتشکدهٔ -) ۱۲۰
آذرگشسب ۱۱۷ ، ۱۱۸
آذرگشنسب ـ گشنسپ (آتشکدهٔ ـ) ۱۰۵ ،
۱۱۷ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰
آراپها (رك :کرکوك) ۷۲
آرارات (رك : اورارتو) ۸۰
آرارات (کوه ـ) ۴۴ ، ۴۸ ، ۵۱ ، ۵۲

آدارات بزرگ ۴۸ ، ۵۲
آدارات کوچك ۴۸ ، ۵۲
آدازیاش ۷۶
آران (رك : اران) ۵ ، ۱۲ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۳۶
آرسیانشی ۷۵
آرکانی (رك : فرات جنوبی) ۹۹
آرکاکس ۶ ، ۷
آرمائیت ۷۹
آرهو ۸۴
آستارا ۲۳ ، ۴۰ ، ۵۰ ، ۸۶۴
آسیا ۴ ، ۸۹
آسیای صغیر ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۱۲۶ ، ۱۷۳ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۲ ، ۲۵۷ ، ۳۹۹ ، ۴۰۱ ، ۴۱۹ ، ۴۳۱
آسیای غربی ۸۸
آسیای مرکزی ۲۴۹
آسیای مقدم ۸۸ ، ۹۶
آسیای میانه ۹۵ ، ۹۶
آسیای وسطی ۲۳۷ ، ۲۴۱
آشور ۶۹ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۶ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲
آشور قدیم (رك : جزیره) ۱
آغبلاغ (رك : دشت بیل) ۶۱
آغ بولاغ ۱۹۱
آغدره ۱۱۳
آغ کند ۵۹
آغمیون ۵۸ ، ۸۴ ، ۵۴۷
آفتاچی (رك : اطمیش) ۶۰
آفتاچی لوکان ۶۰
آقااولر ۶۷
آقاعلی ۱۱۳
آق‌چای (رود ـ) ۴۹
آق‌داش ۱۵
آق‌داغ (کوه ـ) ۶۹
آقدام ۲۴۱
آق‌کدوك (کوه ـ) ۶۹
آلاداغ (کوه ـ) ۵۲ ، ۲۳۷
آلادین ۲۳۳
آلارق ۲۱۸
آلازان ۵
آلان (رك : بیتوش) ۶۰ ، ۱۲۷ ، ۱۹۶ ، ۷۸۲
آلان برآغوش ۵۸ ، ۵۰۷
آلبانس ۵
آلبانی ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۷۲،۸
آلبانیا ۴
آلبانی ها ۶
آلتان ۱۹
آلزانیك ۱۲۴
آلمان ۴۶ ، ۲۵۳ ، ۳۲۲
آمادای ۷۶
آمد ۶
آمریکا ۱۱۱
آمل ۱۲۵
آناطولی ۱۵۵ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۶ ، ۲۵۸ ، ۲۶۴

آناطولی‌شرقی ۸۰
آنبی ۱۹۲
آنتارپاتی ۹۸
آنجرود (رك : ایجرود) ۱۲۰
آندراپاتی‌آنو (آندراپاتیانو) ۹۸
آندیا ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۴ ، ۷۷ ، ۷۸
آنکارا ۲۵۵ ، ۳۸۷
آنیاپاشتانیا ۸۰
آوراجیق (رك : کلیساکندی) ۶۰ ، ۷۰۳
آورین‌داغ (کوه‌های ـ) ۶۸

ا

اباقاخان مغول ۱۲۰
ابایان محله ۳۸۲
ابخاز ۸ ، ۱۲۶
ابرشهره (رك : همشهره) ۴۰
ابرغان ۵۸ ، ۵۴۸
ابرقو ۳۸۵
ابش احمد (رك : گرمادوز) ۵۸
ابهر ۱۴۳ ، ۱۷۲ ، ۱۷۴
ابهررود ۱۸۵
ابیورد (رك : باورد) ۱۵۳
اپاهونیك ۹۹
اتحادجماهیر شوروی ۳
اتره‌پتکن ۹۷
اجارود (رك : میلداشی) ۵۸
اجان (رك : اوجان) ۲۵
اجاود ۵۹۲
اجن (رك : اوجان) ۱۷
اچمیادزین (رك : اوچ‌کلیسا) ۴۲۰ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵
احمدآباد ۶۱ ، ۱۱۳
احمدآباد (نزدیك عزیزکندی) ۱۱۳
احمدآباد سفلی ۷۵۰
اختتان ۸۶۰
اخلاط ۲۳۶
اخنی ۵
ادارهٔ کل آمارعمومی ۲۰۲
ادارهٔ کل باستانشناسی ۳۰۵ ، ۴۲۵
اذربیجان (رك : آذربایجان) ۲۰۴ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶ ، ۲۰۸
اران (رك‌آران) ۱ ، ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۴ ، ۳۶ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۱۲۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۵۱ ، ۱۵۶ ، ۱۶۴ ، ۱۶۸ ، ۱۷۲ ، ۱۷۴ ، ۲۳۶ ، ۲۶۰
اربل ۴۳ ، ۹۵ ، ۱۶۹ ، ۲۳۶
ارپاچای ۱۸۴
ارپها ۸۷
ارجاق ۳۱ ، ۳۲
ارجق (رك : ارجاق) ۳۲
ارجق (رك : مشکین خاوری) ۵۹
ارچاق (رك : ارجاق) ۱۷
اردان ۱۷۱
اردبیل ۷ ، ۱۲ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۸ ، ۷۸ ،

۷۹ ، ۱۱۶ ، ۱۲۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ،
۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ،
۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۶۱ ، ۱۶۴ ، ۱۶۷ ،
۱۷۰ ، ۱۷۳ ، ۱۷۹ ، ۱۸۲ ، ۱۸۴ ،
۱۸۵ ، ۲۱۰ ، ۲۱۵ ، ۲۳۶ ، ۲۴۰ .
۲۴۴ ، ۲۵۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ،
۳۱۱ ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۳۲۰ ، ۳۲۲ ،
۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۳۷۸ ، ۳۸۰ ، ۳۸۱ ،
۳۸۲ ، ۳۸۴ ، ۳۸۵ ، ۴۰۰ ، ۴۳۳ ،
۴۳۶ ، ۴۴۴ ، ۴۴۵ ، ۴۶۰ ، ۸۲۵–
۸۶۵
اردبیل (رود ـ) ۲۱ ، ۴۹
اردلان ۱۲۵
اردوباد ۱۹ ، ۲۹ ، ۴۱۴
اردویل (رك : اردبیل) ۱۷
ارزنجان ۱ ، ۲۴۲
ارزنه ۱۹۵
ارزین ۲۲۹
ارس(رود ـ)۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ،
۱۶ ، ۱۹ ، ۲۱ ، ۲۴ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ،
۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۰ ،
۴۴ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۶۸ ، ۸۰ ،
۸۲ ، ۸۸ ، ۹۱ ، ۹۹ ، ۱۰۱ ، ۱۲۵ ،
۱۴۰ ، ۱۴۹ ، ۱۶۹ ، ۱۷۳ ، ۱۸۱ ،
۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۲۳۷ ،
۲۴۴ ، ۴۰۲ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲
ارسباران (رك : قره‌چه‌داغ) ۵۸ ، ۱۴۰ ،
۱۴۹ ، ۱۷۹ ، ۱۸۱ ، ۲۹۵ ، ۴۰۱ ،
۴۳۳ ، ۴۳۶ ، ۴۳۷ ، ۴۶۱– ۵۰۶
ارسباران شرقی ۱۸۱
ارسباران غربی ۱۸۱ ، ۱۸۲
ارسکنار ۶۰ ، ۷۱۵
ارشته‌یانا ۷۵
ارشق (رك : رضی) ۵۹ ، ۵۸۱
ارکوین ۴۲۱
ارم (رك : اورمیه ، ارمیه) ۱۳۶ ، ۱۸
ارماویر ۱۹
ارمن (رك : ارمنستان) ۲ ، ۱۲۴
ارمنستان ۱ ، ۲ ، ۴ ، ۶ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ،
۱۹ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۴۸ ، ۵۲ ، ۷۰ ، ۸۰ ،
۸۶ ، ۹۳ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ،
۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ،
۱۳۶ ، ۱۴۰ ، ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ،
۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۱ ،
۱۵۴ ، ۱۵۶ ، ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۲۸ ،
۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۴ ، ۲۴۹ ، ۴۱۵ ،
۴۱۷ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶
ارمنستان بزرگ ۹۹
ارمنستان پارس ۱۲۴
ارمیا (رك : اورمیه) ۴
ارمیت (رك : ارومیه) ۴۱
ارمینیه (جزیرهٔ ـ) ۱۳ ، ۱۳۹ ، ۲۰۵
ارمیه (رك : ارومیه) ۱۷ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۳ ،
۲۱۲ ، ۲۱۳
ارن (رك : اران) ۵
ارنار ۱۷ ، ۳۲
اروپا ۸۸ ، ۲۲۵ ، ۲۳۴ ، ۲۷۳ ، ۲۰۵ ،
۲۰۶ ، ۲۰۸ ، ۲۳۹

ارومی (رك : ارومیه ، ارمیه ، ارم) ۴۱ ، ۱۴۹ ، ۱۶۴
ارومیه (رك : ارومی ، ارمیه) ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲
ازمدل ۸۲
ازمدل جنوبی ۴۷۳
ازمدل شمالی ۴۷۱
ازمیر ۲۹۳
اسپانیا ۲۴۷
استانبول ۱۶، ۱۲۶ ، ۱۶۷ ، ۲۲۵ ،۲۲۶، ۲۴۵ ، ۲۵۴ ، ۳۹۴
استان‌سوم (رك: آذربایجان شرقی) ۲۸ ،۳۲، ۳۶ ، ۵۸ ، ۱۱۶ ، ۱۱۹
استی بولاغ ۲۳۶
اسروشنه ۱۴۳
اسفراین ۲۵۶
اسکندریه ۱۰۱
اسکو ۵۸ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۵۰۸
اسکو (رك : اوشکایا) ۸۰
اسکی بغداد ۶۰
اسنوند (کوه ـ) ۱۱۷ ، ۱۱۸
اسنه (رك : اشنویه) ۱۷
اسی‌سو ۱۱۳
اشترل ۱۹۵
اشتوبین (رك : دیزمارخاوری) ۵۸ ، ۲۹۵
اشکه درق (رك : سهندآباد) ۵۸
اشگه‌سو ۲۳۶
اشنو (رك : اشنویه ، اشنه) ۱۷ ، ۴۲ ، ۴۳، ۴۵ ، ۱۶۲
اشنویه (رك : اشنو ، اشنه) ۴۲ ، ۴۳ ، ۶۰، ۶۱ ، ۶۲ ، ۸۵ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ،۷۶۵
اشنه (رك : اسنه ، اسنویه) ۱۷ ، ۴۳
اصفهان ۲۲ ، ۲۸ ، ۱۵۳ ، ۱۶۹ ، ۱۹۶ ، ۱۹۸، ۲۰۳ ، ۲۰۶ ، ۲۵۰ ، ۲۶۰ ، ۳۲۲ ، ۴۱۴
اطمش ۱۱۳
اطمیش (رك : آقتاچی) ۶۰
افرازه رود (رك : مراغه) ۲۰
اقالیم‌سبعه ۳۸۸
اقسرا ۱۱
اقلیم‌الرحاب ۱۹
اقلیم‌پنجم ۱ ، ۹ ، ۱۰
اکد ۷۲
البذ (رك : بذ) ۱۸ ، ۲۰۴
البرز (کوه ـ) ۴۷
البرکة (رك : استخر) ۱۱۶
البستان ۲۴۹
الحارث (رك : الحویرث ، آرارات بزرگ ، کوه ـ) ۴۸ ، ۵۲
الحویرث (رك : الحارث ، آرارات کوچك ، کوه ـ) ۴۸ ، ۵۲
الران (رك : اران) ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۲۰۵
السیاسیحین (رك : سسکان) ۲۲۸
الفندیار ۴۰۰
اللیران (رك : لیران) ۷
الموت ۱۷۰ ، ۳۸۷
النجق (قلعهٔ ـ) ۳۷ ، ۲۱۱ ، ۲۳۸
الند (رك : دیزه) ۵۹ ، ۸۹ ، ۶۴۹

الوان (رود ـ) ۵
الوانك (رك : اران) ۵
الوان ـکا ۴
الیزابت‌پل (-پول) ۳ ، ۱۰
الیزان (رك : لیران) ۷
الیشتر ۶۴
الیشر ۶۵
امامزاده تازه‌شهر ۸۲۲
امامزاده حسن (مراغه) ۸۳۸
امامزاده موسی‌بن جعفر ۸۳۰
امپراطوری روس (کشور ـ) ۲
امریکا ۱۹۹
امند (رك : رودقات) ۵۹ ، ۲۱۶
انار ۳۱
انارجان ۲۲۱
انبار ۱۴۴
انجرود (رك : ایجرود) ۴۰۸
انجمن تدقیق آثـار اسلامی وملی استانبول ۲۵۴
انجمن‌روابط فرهنگی ایران و شوروی۲۸۴، ۲۸۵ ، ۲۹۰ ، ۲۹۴ ، ۲۹۶ ، ۳۰۰
اندبیل ۵۹
اندرآب ۱۷
اندرآبساد ۲۱
اندراب (رك : اندرآب) ۸
اندراب (رود ـ) ۳۰
اندرتاش ۴۶
اندره‌گدار ۴۱۲
انزاب ۴۴۶
انزل (رك : قره‌باغ) ۳۴ ، ۶۰
انکوت ۵۸۵
انکورك ۴۲۱
انگلستان (رك : انگلیس) ۴۲
انگلیس (رك : انگلستان) ۱۷۵
انگوت ۵۸
اوآئوش (کوه ـ) ۷۹
اواوغلی (رك : رهال) ۲۹ ، ۵۹ ، ۸۵۷
اوایشدیش ۷۴ ، ۷۵
اوتای ۴
اوتی ۶ ، ۷ ، ۹۹
اوجان ۱۷ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۵۸ ، ۲۳۷
اوچ‌تپه (رك : خاتون‌آباد) ۵۹ ، ۶۱۱
اوچ‌کلیسا (رك : اچمیادزین) ۴۲۰
اورارتو(کشور وسرزمین ـ) ۴۶ ، ۶۸ ، ۷۱، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۹۱
اورامان ۵۱ ، ۷۰
اورمی (رك : اورمیه) ۴۱ ، ۱۵۰ ، ۱۶۲
اورمیه (رك: اورمی ، ارمیه ، دریاچهٔرضائیه) ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۷ ، ۳۳ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۶۸ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۴، ۷۵ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۰ ، ۸۱،۸۲، ۸۸ ، ۹۰ ، ۱۰۰ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۴ ، ۱۱۷ ، ۱۲۴ ، ۱۳۶ ، ۱۹۷، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۴۴ ، ۲۴۶ ، ۲۶۴ ، ۴۱۳
اورمیه (شهر ـ) ۲۱

اورمیه رود ۵۱
اوزان ۱۱۳
اوزومدل ۵۸
اوشتبین (قریهٔ ـ) ۲۲۵
اوش‌کایا ۸۰
اوشولو ۸۴
اولخو ۸۰
اوئیش دیش (رك : اوایشدیش) ۷۸ ، ۷۹
اهر ۱۷ ، ۲۱ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲،۳۳ ،
۵۰، ۵۸ ، ۸۲ ، ۱۴۰ ، ۱۴۹،۱۵۱ ،
۱۸۲ ، ۲۲۵ ، ۲۴۰ ، ۲۹۵ ، ۳۸۵ ،
۳۸۶ ، ۴۰۱ ، ۴۳۶ ، ۴۶۹ ، ۸۳۳ ،
۸۳۵ ، ۸۶۷ ، ۸۶۸
اهر (رود ـ) ۲۱ ، ۳۰
اهواز ۴۳
ایالت جبال ۱ ، ۱۹ ، ۲۱
ایجرود (رك : آنجرود ، انجرود) ۱۲۰ ،
۴۰۸
ایر (رك : سوسی) ۵۸
ایران ۱ ، ۳ ، ۴ ، ۶ ، ۷ ، ۹ ، ۱۱،۱۲ ،
۱۴ ، ۱۶ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۷ ، ۲۹ ،
۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۴۲ ، ۴۴ ،
۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۱ ، ۵۷ ، ۶۳ ،
۶۵ ، ۶۶ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ،
۷۸ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۳ ،
۹۷ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ،
۱۰۵ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ،
۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۱۹ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ،
۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ، ۱۳۴ ،
۱۳۵ ، ۱۳۷ ، ۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۵۷ ،
۱۵۸ ، ۱۷۰ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ،
۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۰ ، ۱۸۱ ،
۱۸۳ ، ۱۸۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ،
۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۶ ،
۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۲۱۷ ، ۲۲۶ ، ۲۳۴ ،
۲۳۵ ، ۲۳۶ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۱ ،
۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۰ ،
۲۵۱ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۶ ، ۲۶۰ ،
۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ،
۲۹۰ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۳۰۰ ، ۳۲۴ ،
۳۷۹ ، ۳۸۶ ، ۳۹۵ ، ۳۹۹ ، ۴۰۴ ،
۴۰۵ ، ۴۰۶ ، ۴۰۷ ، ۴۱۱ ، ۴۱۵ ،
۴۱۶ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴ ،
۴۲۵ ، ۴۳۰
ایران بلخ (رك : باختر) ۱۱۰
ایران‌زمین ۲۰۶ ، ۴۲۳
ایرانشاه ۱۱۳
ایران قدیم ۱۱۹
ایرانویج اوستایی ۵
ایروان ۹ ، ۱۶ ، ۸۳ ، ۱۷۴ ، ۱۹۲ ،
۲۴۴ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵
ایزیرتو ۷۳ ، ۷۹ ، ۸۹ ، ۹۲
ایشك آدمسی (رك : جزیزهٔ ایشك)
ایشکمسو (رك : برادوست) ۶۰
ایشلیق (رك : تیرجایی) ۵۹
ایل‌تیمور (رك : اسکی بغداد) ۶۰ ، ۷۳۴
اینچه ۱۱۳
ایوان‌خسرو ۴۱۰

ایوان شمالی ۴۰۹
ایواوغلی ۳۶ ، ۶۵۱
ایوه ۲۴۹

ب

باب‌الاکراد (رك : دروازه‌کردان) ۸
باب‌الابواب (رك : دربند) ۸ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۳۹ ، ۱۴۷
بابل ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۶ ، ۱۰۹ ، ۱۱۰
بابوله ۱۹۲
باجروان ۱۷ ، ۱۸ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۱۳۶،۴۰
باختر (رك : بلخ) ۱۱۰
بادخر ۱۱۳
بادکوبه (رك : باکویه) ۱۳ ، ۱۴
باذان فیروز (رك : اردبیل) ۲۲
باراندوز (رك : باراندوزچای) ۵۱ ، ۶۰
باراندوزچای ۴۳ ، ۵۰ ، ۶۰
باراندوزچای (رود ـ) ۵۵ ، ۶۷۰
باری ۱۱۳
بازرین (کوه ـ) ۱۹۳
باژگاه ۱۱
باسار (رك : قره‌تپه) ۶۰
باسك (رك : قلطه) ۶۰
باسك‌کولوسه ۷۸۳
باسك‌کوله ۱۹۶
باسمنج ۵۸ ، ۵۱۴
باسوروپدان ۹۹ ، ۱۰۰
باش‌بلاغ ۱۱۳
باش‌قلعه ۱۰۲
باکو (رك : بادکوبه) ۳ ، ۴ ، ۸ ، ۱۴ ، ۱۵، ۱۶ ، ۲۲۷ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۹۲
باکویه ۸ ، ۱۳ ، ۱۴
بانکان ۵
بامباك (رودخانهٔ ـ) ۴۱۶
بانه ۴۵
بانه (کوه ـ) ۵۰
باورد (رك : ابیورد) ۱۵۲ ، ۱۵۳
باغچه‌جوق (شهر ـ) ۸۲۶
باغچه‌میشه ۱۱۳
باغلوجه ۱۱۳
باغ‌نوروز ۱۲۹
بافت ۵۰۶
بایزید ۴۹
بحرین ۱۴۴ ، ۳۷۵
بحرقزوین (رك : دریای‌کاسپین وخزر) ۲
بحیرهٔ ارمیه (رك : بحیرهٔ‌چی‌چست ، دریاچهٔ رضائیه) ۵۳ ، ۵۴
بحیرهٔ‌تلا (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
بحیرهٔ اورمیه (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
بحیرهٔ‌چی‌چست ۳۴ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۵۳
بحیرهٔ طروج (رك : دریاچهٔ رضائیه ، بحیرهٔ چی‌چست) ۵۳
بحیرهٔ طسوج (رك : دریاچهٔ چی‌چست) ۵۳
بدوستان (رك : سرای) ۵۸، ۵۱۱
بذ ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۹ ، ۲۰۴
بذ (دژ ـ) ۴۰۱ ، ۴۰۲
برادوست (رك : ایشکه‌سو) ۶۰ ، ۱۹۲ ، ۶۷۳ ، ۸۶۸

براندوز (رك : بروت) ۲۰۰
برج ابرقو ۳۸۵
برج‌خیاو ۴۳۱
برج سلماس (رك : بقعهٔمیرخاتون) ۴۳۱
برج‌علاءالدین ۴۱۳
برج‌مدور ۴۱۲ ، ۸۳۶
برج‌مدورآجری ۳۹۲
بردسیر ۵۱
بردع (رك : برذعه) ۸ ، ۹ ، ۲۰۵
بردعه (رك : برذعه) ۲۳۷
بردوك ۸۶۹
برده‌دار (رك : برذعه) ۹
برده‌سور (رود ـ) ۵۵
بردیج ۸
برذعه (رك : بردعه ، پرتو) ۱ ، ۲ ، ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۹ ، ۳۹ ، ۴۴ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۲۰۵
برزق (رك : برزه) ۲۱
برزنج ۳۹
برزند ۷ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۵۹۵
برزه (رك : برزق) ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۱۱۸
برکه (رك : استخر) ۱۱۸ ، ۱۱۹
برگری ۱۵۶
برگشاد ۲۵۸
برگشلو (رك : امامزاده) ۶۰ ، ۶۴
برلاس (نهر ـ) ۱۰
برلین ۲۱۹
بروانان (رك : ورنکش) ۵۹
بروت (رك : براندوز) ۲۰۰
بروسا (رك : بروسه) ۲۵۷
بروسه (رك : بروسا) ۲۵۷
بریاجی ۱۹۶ ، ۷۸۶
بریاحی (رك : بزیلا) ۶۰
بریتانیا (رك : انگلستان) ۸۵
بزابدال (کوه ـ) ۴۱۵
بزغوش (رك : بزگوش) ۲۴
بزقوش (رك : برغوش) ۵۰
بزقوش (کوه ـ) ۵۲
بزگوش (جبال ، رك : برغوش) ۲۴
بزیلا (رك : بریاحی) ۶۰
بستان‌آباد ۲۶ ، ۵۸ ، ۵۱۳
بسطام (ده ـ) ۸۳
بسفرجان (رك : وسفورگان) ۳۶
بسوا (رك : بسوی) ۴۲
بسوی (رك : بسوا) ۴۲ ، ۴۳
بغازکوی ۷۰ ، ۸۷
بغداد ۵۵ ، ۱۴۰ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۶۰ ، ۱۷۲ ، ۲۰۷ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۷ ، ۴۲۳
بقعهٔ شیخ‌صفی ۸۲۸ ، ۸۲۹ ، ۸۳۰
بقعهٔ کلخوران ۸۳۲
بقعهٔ میرخاتون ۴۳۱ ، ۸۵۶
بکشلو ۶۷۸
بلاساکان (رك : بلاسجان) ۷
بلاسجان (رك : بلاساکان) ۷ ، ۸ ، ۱۷
بلاسجین (رك : بلاسجان) ۸
بلاسی‌سید (کوه ـ) ۱۹۳

بلاش ۸
بلاشجان ۸
بلاسکان (رك : بلاسجان) ۸
بلاشگان ۸
بلخ ۱۲۷
بلخاب ۱۷ ، ۴۰
بلخان ۱۵۳
بلکاروچای ۷
بلنجر ۱۲۷
بلوانکرج (رك :قرجه داغ) ۱۸ ، ۱۳۶
بلوچستان ۵۷ ، ۲۰۸
بله‌جار ۱۱۳
بمبئی ۱۴
بناب ۵۹ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶
بناجو ۵۹ ، ۵۵۴
بنبارداغ ۵۲
بندرآق‌گنبد ۵۷
بندر باکو (رك : باکویه) ۱۳
بندرحیدرآباد ۵۷
بندرخان‌تختی ۵۷
بندردانالو ۵۷
بندرشرفخانه ۵۷
بندرگلمانخانه ۵۷
بنگاه ترجمه ونشرکتاب ۱۳۸
بنگاه مطبوعاتی فردوسی ۲۹۸
بنیاد فرهنگ ۱۳۵ ، ۱۵۳
بوشتو ۷۷ ، ۸۱
بوقو ۸۴
بوکان ۶۰ ، ۱۱۳ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶
بهار ۲۴۹
به‌به‌جیگ (رك : محمد صلاح) ۶۰ ، ۴۱۶ ، ۷۰۶
بهی (رك : تکان‌تپه) ۶۰ ، ۱۹۶ ، ۷۳۷
بیاای‌نی (رك : اورارتو) ۸۳ ، ۸۴
بیت‌اللحم ۱۱۲
بیت‌المقدس ۱۱۲ ، ۳۹۴
بیتوش (رك : آلان) ۶۰
بیخ ۵
بیزانس ۱۲۶ ، ۲۳۶
بیستون ۹۴ ، ۱۰۶
بیلقان ۸ ، ۱۰ ، ۴۰ ، ۱۲۴ ، ۱۲۹
بیله‌سوار (رك : پیلسوار) ۳۹
بین‌النهرین ۵، ۴۳، ۴۸، ۶۴، ۷۰، ۷۲، ۸۷

پ

پاباله ۱۱۳
پاتیتکاران (رك : بیلقان) ۱۲۴
پارس(رك : فارس) ۷۷، ۹۵ ، ۱۰۸ ، ۱۲۴
پارسوا ۷۶ ، ۷۷
پاریس ۴۲ ، ۷۲ ، ۸۸
پاره‌لار (رك : قوری‌چای) ۵۹
پاسکویچ (ژنرال ـ) ۲۲
پاشاکندی (رك : دره‌شام) ۴۰۲
پالتاکاران ۶
پامفلیه ۲۴۵
پائی‌تاکران (رك : بیلقان) ۹۹ ، ۱۲۹
پایین بلاغ ۱۹۴
پرا اسپا ۱۱۰
پرتو ۷

پردانان ۶۱۳
پرستشگاه‌مهر ۴۱۷
پره (رك : فرورق) ۵۹
پسوا (رك : بسوی) ۴۲ ۴۳
پطرسبورغ (رك : لنینگراد) ۲۳ ، ۳۲۴
پل‌خداآفرین ۲۹
پل‌دختر ۲۶ ، ۱۷۶ ، ۴۰۲ ، ۸۴۵،۴۰۳ ، ۸۶۵
پلدشت ۶۰ ، ۸۶۶
پل‌ضیاءالملك ۳۷
پله۸۶۶
پنت ۹۹
پنسیلوانیا ۶۴
پولوآدی ۸۳
پونتیك (جبال ـ) ۴۷
پهلوی (زبان وخط ـ) ۱۲۵
پیران ۱۹۶
پیران (رك : شین‌آوا) ۶۰ ، ۷۷۳
پیروزکواذ ۷
پیشکین (رك : مشکین) ۳۰ ، ۳۱
پیشکین‌گرجی (رك : مشکین‌گرجی) ۳۱
پلیسوار (رك : بیله‌سوار) ۳۹

ت

تابسران ۲۲۷
تاتائو (رود ـ) ۴۵ ، ۴۶ ، ۵۰ ، ۵۵ ، ۱۹۶
تارم (رك : طـارم) ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۶۴ ، ۱۸۵
تاروبران ۹۹
تاروئی (رك : تبریز) ۸۰
تاروئی تارماکیس ۸۰
تازه‌شهر ۸۲۲
تازه قلعه ۱۱۳
تازه‌کند (رك : قره‌قون) ۶۰
تازه‌کند انگوت (رك : انگوت) ۵۸
تاش‌تپه (رك : داش‌تپه) ۸۵
داش‌تپه (رك : تاش‌تپه) ۹۴
تاش‌کپرو ۶۷
تالاربارعام ۴۱۰
تبریز ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۵ ، ۵۷ ، ۶۷ ، ۶۹ ، ۸۰ ، ۱۰۱ ، ۱۱۳ ، ۱۲۲ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۲ ، ۱۵۵ ، ۱۶۰ ، ۱۶۵ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۷۹ ، ۱۹۸ ، ۲۰۰ ، ۲۰۲ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۴ ، ۲۱۶ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۶ ، ۲۲۹ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۳ ، ۲۵۰ ، ۲۵۷ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۳۸۷ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴ ،

۳۰۵ ، ۳۲۴ ، ۳۸۰ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ،
۳۹۸ ، ۴۰۶ ، ۴۱۹ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵ ،
۴۳۱ ، ۴۳۳ ، ۴۳۶ ، ۴۳۸ ، ۵۰۶،
۵۲۸ ، ۸۴۳ ، ۸۵۲ ، ۸۵۴ ، ۸۶۸
تپهٔ حسنلو ۶۳
تپهٔ سیالك ۶۵
تپهٔ گیان ۶۲ ، ۶۴ ، ۶۶
تختسلیمان ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴،
۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ،
۱۲۲ ، ۴۰۸ ، ۴۰۹ ، ۴۱۰ ، ۴۱۱
تختسلیمان ۵۲
ترتر (رود ــ ، رك : ترثور) ۹
ترجان (رك ، تورخان) ۶۰ ، ۱۹۶
ترکاور ۲۰۰
ترکستان ۳۵ ، ۱۵۲ ، ۲۳۹ ، ۱۵۷
ترکستان ایران (رك : خوی) ۳۵ ، ۲۳۹
ترکش (رك : منگور) ۶۰
ترکمانچای(قریهٔ ــ)۴ ، ۱۶ ، ۲۷ ، ۱۷۵،
۴۲۴
ترکمانکندی ۱۱۳
ترکمنستان ۲۶۴
ترکیه ۲ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۷ ،
۴۹ ، ۵۱ ، ۷۰ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹،
۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۲۴۶ ، ۲۵۴،
۲۵۶
ترگور (رك : موانا) ۶۰ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ،
۶۷۴
تروا (جنگ ــ) ۱۰۹
تروه ۱۹۵
تریالتی ۶۵
تریپارادیس ۹۶
تسوج (رك : طسوج) ۳۳ ، ۵۸
تسکین بخش ۱۵
تغمر ۳۷
تفلیس ۸ ، ۳۹ ، ۱۷۰ ، ۳۸۸ ، ۴۲۲
تکاب ۶۱ ، ۱۱۱ ، ۱۱۳ ، ۱۲۰ ، ۴۰۵ ،
۴۳۵ ، ۷۵۲
تکانتپه (رك : بهی) ۶۰
تکلفه ۱۷ ، ۳۱ ، ۳۲
تل‌العبید ۶۵
تل‌العمارنه ۸۸
تلخه‌رود (رك : آجی‌چای) ۵۰ ، ۵۵
تمرخان‌شورا ۲۲۷
توایشدو ۸۴ ، ۸۵
تورجان ۱۱۳
تورخان (رك : ترجان) ۶۰
توروس (جبال ــ) ۴۷
توزلار (رك : ده‌ترکمانان) ۲۷
توشپا ۸۳ ، ۸۴
توی ۱۷
تهران ۲۱ ، ۳۵ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۶۳ ، ۱۷۵ ،
۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۵ ، ۱۹۶ ، ۲۰۵ ،
۲۱۵ ، ۲۵۶ ، ۲۷۴ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ،
۲۸۶ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۳ ، ۴۱۱ ،
۴۱۳ ، ۴۱۶ ، ۴۲۶
تیرجایی (رك : ایشلیق) ۵۹
تیرچایی ترکمان ۶۱۴
تیزخود ۹۶

تیسفون ۱۲۸
تیگران ۶
تیلا (رك : تبلا) ۸

ث

ثمرثور (رك : ترتر ، رود ـ) ۸ ، ۹
ثمرین ۴۵۱

ج

جابرسا ۱۳
جابروان (رك : جابروقان) ۱۷ ، ۱۸
جابروقان (رك : جابروان) ۱۷
جایباسار ۷۱۸
جامع‌مرند ۳۹۷
جبال ۲۱
جبال (ایالت ـ) ۱۴۴
جرجان ۱۵۳
جزیره ۱۴۲ ، ۱۵۶ ، ۳۸۷
جزیره (رك : آشورقدیم) ۱
جزیرهٔ آرزو ۵۶
جزیرهٔ اسپیر ۵۶
جزیرهٔ ایشك (رك : جزیرهٔ آدمسی) ۵۶
جزیرهٔ شاهو (رك : جزیرهٔشها) ۵۳
جزیرهٔشاهی ۵۳ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۱۵۰
جزیرهٔشها (رك . جزیرهٔ شاهو) ۵۳
جزیرهٔ گوسفند (رك : قویون آدمسی) ۵۶
جغتو (رود ـ ، رك : زرینه‌رود) ۴۵ ، ۵۰ ، ۵۵ ، ۶۸ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۱۹۶
جلفا (ـ ی آذربایجان) ۲۸ ، ۴۹ ، ۵۹ ، ۲۹۳ ، ۳۹۸ ، ۴۰۲ ، ۸۴۴ ، ۸۴۵
جلفا (ـ ی اصفهان) ۲۸ ، ۱۹۸
جمال‌الدین (کوه ـ) ۵۰
جماهیر شوروی (رك : اتحادجماهیرشوروی) ۴۴
جمهوری شوروی آذربایجان ۸۸
جنبذق ۲۰
جندیشاپور ۱۴۳ ، ۱۴۴
جنزه (رك : گنجه) ۸ ، ۱۰ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۶۵
جنیان ۱۱۳
جواد (رك : باژگاه) ۱۱ ، ۱۵
جولاهه (رك : جلفا) ۲۸
جهریق ۶۱
جیحون (رود ـ ، رك : داده‌اکسوس) ۱۲۵ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳
جیغاتو (رود ـ) ۱۷۲

چ

چاراویماق ۵۸
چاردولی ۷۵۵
چالدران ۴۴ ، ۴۹ ، ۶۰ ، ۱۷۳ ، ۲۵۰ ، ۴۱۵ ، ۴۱۶ ، ۷۱۱
چای‌باسار (رك : شوط) ۶۰
چای‌باسار ارس‌کنار ۷۱۵
چای‌پار ۸۳
چای‌پاره ۴۴
چای‌کندی ۲۲۹
چپدره ۱۱۳
چراغلی ۱۱۳
چشمه‌کش (رك : گرم) ۵۹

چشمه‌های معدنی ایران ۴۱۴
چناب (رك : دیکله) ۵۸
چوخورکند ۱۸۸
چور (گردنهٔ دربند) ۷
چورس (قصبهٔ -) ۲۹۳ ، ۶۵۲
چویلو ۱۱۳
چهاراویماق ۶۳۵
چهاردانگه ۵۸ ، ۴۷۵
چهار دولی (رك : محمود جیق) ۵۹
چهریق ۴۱۲ ، ۶۹۷ ، ۸۶۰
چهل‌چشمه (کوه -) ۵۰
چی‌چست (رك : دریاچهٔ‌چی‌چست ، اورمیه ، دریاچهٔ رضائیه) ۲۰ ، ۲۳ ، ۳۳ ، ۳۴ ۴۱ ، ۵۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸

ح

حاج‌بابا ۱۱۳
حاجیلار ۶۵۳
حارت (رك : الحارث) ۴۸
حارنا ۶۸
حسن‌آباد (رك : حسن بیگلو) ۵۸
حسن‌آباد ۱۱۳ ، ۴۷۷
حسن‌بیگلو (رك : حسن‌آباد) ۵۹
حسن‌زمینی ۶۷
حسن‌علی ۶۲
حسنلو ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۶ ، ۱۲۲
حسنو ۲۲۴ ، ۲۲۹
حلب ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۲۳۷ ، ۲۴۵ ، ۴۰۶
حله ۱۶۰
حمیر ۱۳
حومه ۵۷۰ ، ۶۹۸ ، ۷۷۰
حویرت (رك : الحویرث) ۴۸
حیدرآباد ۱۳
حیره ۱۲۸

خ

خابور ۸۷
خاتون‌آباد (رك : اوچ‌تپه) ۵۹
خادیری ۸۱
خارخار ۷۶
خامنه ۵۸ ، ۵۱۴
خان‌اندبیل (رك : اندبیل) ۵۹
خانبالغ ۳۴۰ ، ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ ، ۳۵۰ ، ۳۵۵
خانجی ۷۵
خان‌خاصبك ۴۲
خانقاه ۱۹۱
خانمرود ۵۸
خانه ۶۱ ، ۴۳۵ ، ۴۴۱ ، ۷۷۲ ، ۷۸۰
خانه‌بیل ۵۳۰
خانه‌داغ ۵۲
خاورمیانه ۸۷
خداآفرین ۲۹ ، ۳۳ ، ۵۸
خداآفرین (پل -) ۲۱
خراسان ۱۱ ، ۱۹ ، ۵۷ ، ۱۰۵ ، ۱۲۰ ، ۱۲۵ ، ۱۲۸ ، ۱۴۷ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۸۱ ، ۲۴۰ ، ۲۴۹ ، ۲۵۶ ، ۳۱۱ ، ۳۸۷
خراسانك ۴۰۳
خرقان ۱۷

خرم (ده ـ) ۱۳۸
خروسلو (رك : صلوات) ۵۸
خزر ۱۲ ، ۱۲۶ ، ۱۶۷ ، ۲۳۶ ، ۲۴۵
خسرو ۲۷
خسروشاه ۱۷ ، ۵۸ ، ۶۷ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۵۱۵
خلاط ۱۷۱
خلخال ۱۷ ، ۲۳ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۴ ، ۲۲۴ ، ۲۳۳ ، ۲۴۴ ، ۴۳۳ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۴۳۹ ، ۵۲۸ ، ۵۳۶
خلخال (رك : هروآباد) ۵۹
خلیاثا ۱۷
خلیل‌لو ۱۵
خمارلو (رك : کیوان) ۵۸
خمسه (رك : زنجان) ۲ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۲۴۵
ختان ۸
خواجه (رك : مواضع‌خان) ۵۸
خواجه داودکپرو ۶۷
خواجه‌لر ۱۱۳
خوارزم ۱۰۵ ، ۱۵۳ ، ۲۳۷
خورش رستم (رك : هشجین) ۵۹ ، ۵۳۳
خوروین ۶۳
خوزستان ۱۴۳ ، ۱۹۶ ، ۲۰۸
خونج (رك : خونه) ۱۷ ، ۲۵
خونه (رك : خونج) ۱۷
خوی ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۵۲ ، ۵۷ ، ۵۹ ، ۶۸ ، ۸۰ ، ۸۳ ، ۱۷۰ ، ۱۷۴ ، ۱۷۸ ، ۲۳۶ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۴ ، ۲۹۴ ، ۴۳۰ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۱ ، ۴۴۸ ، ۶۶۲ ، ۸۲۲ ، ۸۲۳ ، ۸۵۶ ، ۸۶۹
خوی (رود ـ) ۳۵ ، ۴۹
خوی (کوه ـ) ۵۲
خوی‌چوخوری (رك : خوی) ۳۵
خوی‌نرو ۲۲۹
خیاو (رك : مشکین‌شهر) ۱۷ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۵۹ ، ۱۲۹ ، ۴۰۰ ، ۴۳۱

د

داخرقان (رك : دهخوارقان) ۱۷ ، ۲۵ ، ۲۷
دارالارشاد اردبیل ۳۱۱
دارالفنون ۲۸۶
دارالملك آذربایجان (رك : مراغه) ۲۰
داربو ۸۱
دارمرزین ۱۷
داسن ۱۲۴
داش‌تپه (رك : تاش‌تپه) ۴۶ ، ۹۴
داش‌کن (رك : قره‌لر) ۶۱
داش‌کند ۱۱۳
داش‌هرزن (رك : هرزندعتیق) ۲۲۹
داغ‌روین ۵۵
داغستان ۲ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲
داگارا ۷۶
دالی ۷۰
دالیان ۶۹
دانالو (بندر ـ)
دانالوی بزرگ (رك : قلعه دره‌سی) ۶۰
دانشکدهٔ ادبیات تبریز ۲۸۳

دبیل ۲۰۵
دجله ۴۵ ، ۴۹
دخارقان (رك : دهخوارقان) ۲۷
درآباد ۴۵۲
درآورد ۱۷
درآورد (رود ـ) ۳۳
دربند (رك : باب‌الابواب) ۸ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۲۶ ، ۱۳۵ ، ۱۴۷ ، ۲۲۷ ، ۲۳۶
دربندداریال ۱۲۵ ، ۱۲۶
دربندشابران ۲۲۸
دربندقفقاز ۲۴۴
درگوی‌چای ۲۵۸
دروازه‌کردان (رك : باب‌الاکراد) ۹
درویش‌علی ۱۱۳
دره‌شام (رك : پاشاکندی) ۴۰۲
دره‌قلعه‌سی ۸۶۶
دریاچهٔ ارمیه (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۵
دریاچهٔ ارومیه (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۷ ، ۳۳ ، ۴۹ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۱۰۰ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۴ ، ۱۱۷ ، ۱۲۴ ، ۱۵۰ ، ۲۴۶
دریاچهٔ‌چی‌چست (رك : دریاچهٔ‌اورمیه،دریاچهٔ رضائیه) ۲۰ ، ۳۳ ، ۱۱۷ ، ۱۱۸
دریاچهٔ خوارج ۵۳
دریاچهٔ شاهی (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
دریاچهٔ رضائیه (رك : دریـاچهٔ چی‌چست ، دریاچه اورمیه ، دریاچهٔ شاهی ، دریاچهٔ اورمی) ۲۱ ، ۲۷ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۵ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۲ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۷ ، ۸۵ ، ۹۴
دریاچهٔ شور (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۳۳ ، ۵۳
درچهٔ شها (رك : دریاچهٔ شاهی) ۵۳
دریاچهٔ شیز (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۱۱۴
دریاچهٔ طسوج (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
دریاچهٔ کبود ۵۲
دریاچهٔ گوگچه ۸۰ ، ۲۳۷
دریاچهٔوان ۵۲ ، ۷۰ ، ۹۹ ، ۱۵۶
دریای احمر ۲۸۹
دریای برآمدن خورشید ۷۷
دریای‌خزر (رك : دریای‌کاسپین) ۲ ، ۵ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۵ ، ۲۳ ، ۳۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۶۹ ، ۷۷ ، ۹۹ ، ۱۰۰
دریای‌سیاه ۴۸ ، ۸۸
دریای‌کاسپین (رك : دریای خزر) ۲
دریای‌گیلان ۴۰
دزمار(قلعهٔ ـ) ۱۷ ، ۲۹
دزلق ۲۴۱
دستمان ۱۲۶
دسکیاور۱۸
دشت ۶۰ ، ۶۸۱
دشت‌بیل (رك : آغبلاغ) ۶۰ ، ۶۱ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۷۷۱
دشت رضائیه ۵۱
دشت قپچاق ۱۷۳

دشتمغان ۳۰ ، ۴۷ ، ۱۸۱ ، ۱۸۲
دکن ۱۳
دگارو ۶
دلامیر ۵۲
دماغهٔ حصار ۵۱
دماوند (کوه‌ـ) ۲۱ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷
دمشق ۷۸ ، ۳۸۸
دمیرچی ۲۲۹
دوخالیان ۶۷
دودانگه ۵۸ ، ۴۸۵
دورسون خواجه ۴۵۳
دول (رك : دیزج دول) ۶۰ ، ۶۷۹
دوین ۱۷ ، ۱۲۸ ، ۱۵۱ ، ۱۶۹
ده‌تازه‌کند ۶۸
ده‌ترکمانان (قریهٔ ـ) ۲۷
دهخوارقان ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۷ ، ۵۰ ، ۵۸ ، ۱۷۲ ، ۲۴۰
دهستان ۱۵۳
دهکندی ۴۰۰
ده‌نخیرجان (رك : دهخوارقان) ۲۷
دیاربکر ۱۵۶ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷
دیاله (رود ـ) ۵۲ ، ۶۹ ، ۷۱ ، ۸۱
دیجویجین ۵۸
دیرخرقان ۱۷
دیریخت ۸۶۰
دیزجرود ۵۹ ، ۵۵۶
دیزج مرگور ۱۹۲
دیزمار ۲۹ ، ۲۲۹ ، ۲۹۵
دیزمار باختری (یـا : دیزمارغربی) ۵۸ ، ۴۷۹
دیزمارخاوری (یـا : دیزمار شرقی ، رك : اشتوبین) ۵۸ ، ۲۲۵ ، ۲۲۹
دیکله(یا : دیگله ، رك : چناب) ۵۸، ۴۸۲، ۴۸۴
دیلزی (رك : شپیران) ۶۱
دیلم ۱
دیلمقان ۵۱ ، ۵۵
دینخواه (رك : دینخینه) ۶۲
دینخینه (رك : دینخواه) ۶۲
دیواندره ۱۱۳
دینور (رك : ماه‌نهاوند) ۱۸ ، ۱۱۲ ، ۱۲۵، ۲۰۳
دیوك ۷۸

ر

رازلیق ۵۸ ، ۸۴ ، ۵۴۹
رأس‌عین (رك : خابور) ۸۷
ران (رك : اران) ۵
رانی (رك : اران) ۵
رباط ۵۱
رحمت‌آباد ۱۹۶
رحیم‌خان ۱۱۳
رستاق‌ارم ۱۸
رستاق‌السلق ۱۸
رستاق‌سراة ۱۸
رستاق‌سندبابا (رك : رستاق‌سندپایه) ۱۸
رستاق‌سندپایه (رك : رستاق‌سندبابا) ۱۸
رستاق مایبهرج (رك : مایبهرج) ۱۸

رشت ۳۸۰
رضائیه (رك : ارومیه) ۲۱ ، ۲۷ ، ۳۳ ، ۳۴
۳۵ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۸ ،
۴۹، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶،۵۷
۶۰، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۹ ، ۷۰،۷۷
۸۵ ، ۹۴ ، ۱۵۰ ، ۱۷۸ ، ۱۹۰ ،
۱۹۷ ، ۲۰۰ ، ۳۰۱ ، ۴۱۱ ، ۴۱۳،
۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۲ ، ۶۶۲ ، ۶۹۳،
۸۲۵ ، ۸۳۴ ، ۸۴۶ ، ۷۴۹ ، ۸۶۸ ،
۸۶۹ ، ۸۷۰
رصدخانهٔ مراغه ۳۸۶ ، ۳۸۷
رضائیه (دریاچهٔ ـ) ۵۲
رضی (رك : ارشق) ۵۹
رغه (رك : ری) ۱۰۷
روتومنی ۸۴
رواندوزبك ۸۵
رودآستارا ۵۰
رودآق‌چای ۴۹
رودارس (رك : ارس) ۱۴۶ ، ۱۴۸، ۲۲۸ ،
۲۳۶
رودانددرآب ۵۰
رودتاتائو ۵۰
رودخانهٔ صوفی‌چای ۳۹۳
رود دهخوارقان ۵۰
رودزاب ۲۰۱
رودزنگه‌مار ۴۹
رودقات ۲۱۶ ، ۵۷ ، ۸۶۲
رودقرانقو ۵۰
رودکوکچای ۲۲۸
رودگوگ‌گنبد ۵۰
رودماکو ۴۹
رودمرند ۴۹
روس (رك: اتحاد جماهیر شوروی) ۲ ، ۱۳،
۱۶ ، ۴۶ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۳۲۴ ،
۴۲۴
روسا (شهر ـ) ۸۳
روس‌تزاری (رك : روس) ۱۳
روسیه (رك : روس) ۲ ، ۴ ، ۱۵ ، ۲۷، ۴۲
۱۸۸ ، ۲۲۷ ، ۴۱۶ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ،
۴۲۴
روسیهٔ آسیا ۴
روضه‌چای (رك : زینالو) ۶۰ ، ۶۸۲
روقات (رك : امند) ۵۹
روم ۴ ، ۱۱ ، ۴۶ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲،
۱۰۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۷ ، ۱۲۸ ،
۱۵۶ ، ۲۴۶ ، ۲۵۶ ، ۳۸۰ ، ۴۰۵ ،
۴۱۹
روم شرقی ۴۱ ، ۱۴۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۴
رومیه (رك : اورمیه) ۴۱
روندولان ۱۹۲
رویین(ر . رك : رویین‌دژ)
رویین‌دژ(رك :رویین‌دز) ۱۶۲ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰
رهال ـ ۶۵۴
ری(رك : رغه)۲۵، ۹۱،۹۵، ۱۰۴، ۱۰۵ ،
۱۰۷ ، ۱۳۴ ، ۱۳۸ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴،
۱۴۶ ، ۱۴۸ ، ۱۵۵ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹ ،
۱۷۳ ، ۲۰۳ ، ۲۰۶ ، ۲۰۸

ز

زاب‌سفلی ۷۵
زاب‌صغیر (رك : کالو) ۴۵ ، ۵۱
زاب‌کوچك ۶۹
زاغان (کوه ـ) ۸۴
زاغی (کوه ـ) ۸۲
زاگرس (کوه) ۴۷ ، ۷۱ ، ۸۶ ، ۹۰ ، ۹۱
زاگروس (رك : زاگرس) ۷۰
زاموآ ، زاموا ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷
زاموی‌جنوبی ۷۸
زپه‌اوتن (رك : دریاچهٔ رضاتیه) ۵۳
زرآوند ، زراوند ۱۷ ، ۱۲۴
زره‌شوران ۱۱۳
زرینجه ۱۱۳
زرینه‌رود (رك : جغتو) ۵۰
زکیرتو ۷۴
زنجان ۱ ، ۲ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۱۱۲ ، ۱۴۳ ، ۱۷۲ ، ۲۰۸ ، ۲۴۵ ، ۲۸۵ ، ۴۰۵ ، ۴۰۹
زنجان رود ۴۰۵
زندان سلیمان ۱۲۲ ، ۱۲۳ ، ۴۱۱
زنگه ۴۴
زنگمار (رك : ماکوچای) ۴۴ ، ۴۹
زنگیان ۱۷ ، ۲۹
زنوز ۱۷ ، ۲۹ ، ۳۶ ، ۵۹ ، ۲۲۴
زنوز (رود ـ) ۳۶
زورآباد (رك : سکمن‌آباد) ۵۹
زولورود ۵۱
زیبیه ۷۹
زیرمران ۱۹۵
زیکیرتو ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۸ ، ۷۹
زینالو (رك : روضه‌چای) ۶۰
زیویه (رك : زیبیه) ۷۴ ، ۷۹ ، ۸۹

س

سابرحاست (رك : شابورخاست) ۱۷ ، ۱۸
ساترودان ۱۷
سارگن ۷۱
ساری‌چای (رود ـ) ۴۴
ساری‌سو ۶۰
ساری‌سوباسار ۸۶۶
ساگارتی (رك : زیکرتو) ۷۴
سالامیس ۱۰۹
سالیان ۳
سام (کوه ـ) ۱۹۳
سان‌گی‌بوتو ۶۸ ، ۸۰ ، ۸۲
ساوجبلاغ (رك : مهاباد) ۴۵ ، ۵۵ ، ۴۱۵
ساوجبلاغ (رود ـ) ۴۵ ، ۵۵
ساوجبلاغ‌مکری ۴۵
ساوه ۱۲۰ ، ۲۴۶
سبلان (کوه ـ جبال) ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۸۱ ، ۲۱۸
ستوریق (رك : ایجرود) ۴۰۸
سرا ۱۱۳

سراب (رك : رستاق سراة ، سراو ، سراة)۸، ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۳۰ ، ۵۸ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۱۳۶، ۱۷۹ ، ۲۴۴ ، ۲۴۶ ، ۳۰۱ ، ۴۳۳ ، ۴۳۶ ، ۴۳۹ ، ۵۳۶ ، ۵۵۳ ، ۸۲۱ ، ۸۶۵
سراة (رك : سراب) ۲۴ ، ۱۳۶
سراجو (رك : گل‌تپه)۵۹ ، ۵۶۲
سراکند ۵۸
سراو (رك : سراب) ۱۷ ، ۲۳ ، ۲۴
سراو (رود ـ) ۲۳ ، ۲۵
سرای (رك : بدوستان) ۵۸
سراهند (کوه ـ) ۲۱
سرپل‌زهاب ۷۱ ، ۷۲
سرتکلو ۱۱۳
سرچار ۱۱۳
سرچشمه ۲۰۱
سرچم ۴۰۵
سرخاب ۲۱۷
سرخس ۱۵۲ ، ۱۵۳
سردرود ۵۸ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۵۱۶
سردشت ۴۵ ، ۶۰ ، ۱۷۸ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۲ ، ۷۸۰ ، ۷۹۴
سردصحرا ۵۱۸
سرعین ۴۵۵
سرو (رك : سراو) ۲۴
سروق (نام‌جوی) ۱۲۰
سکان (رك : السیاسیحین) ۲۲۸
سعیدآباد ۱۱۳
سفیدرود (رك : قزل‌اوزن) ۲۸ ، ۴۹ ، ۵۱ ، ۶۹ ، ۷۴ ، ۷۸
سقز ۲۱ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۹ ، ۸۹ ، ۱۱۳
سقز (کوه ـ) ۵۰
سقین دل ۸۲
سکدلو (رك : سکدی) ۲۳۶
سکدی (رك : سکدلو) ۲۳۶
سکمن‌آباد (رك : زورآباد) ۵۹ ، ۱۹۰ ، ۶۵۶
سگمن‌آباد (رك : سکمن‌آباد) ۴۴
سلدوز ۴۳ ، ۴۵ ، ۶۰ ، ۶۳ ، ۲۰۰
سلطانیه ۱۷۲ ، ۱۷۴ ، ۲۴۵ ، ۴۰۰
سلماس (رك : شاهپور ، شاپور) ۱۷ ، ۱۸ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۶۱ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۹۷ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ ، ۴۱۲ ، ۴۳۱ ، ۸۵۷
سلوانا ۶۰
سلوکیه (سرزمین‌وکشور ـ) ۱۰۳
سمنان ۲۰۸
سنجاباد (رك : سنجبد) ۱۸۴
سنجبد (رك : سنجاباد) ۵۹ ، ۱۸۴ ، ۵۳۸
سنجبده (رود ـ) ۲۷ ، ۲۶
سنجد ۱۱۳
سنقر ۱۸ ، ۸۴۸
سنقرآباد ۸۴۸
سناگر ۸۸۶
سنندج ۱۱۳ ، ۷۹

سنه (رك : سیسر) ۱۸ ، ۱۲۵
سوبارتو ۷۲
سوبمباکه ۱۰۱
سورپ‌تاوئی‌وانگ (رك : کلیسای‌تاتاووس) ۴۱۶ ، ۴۱۷
سوردب سرکیس (کلیسای ـ) ۸۵۶
سوریگاش ۷۵
سوری‌مادی (رك : پارسوا) ۷۷
سوریه ۷۰ ، ۲۳۷ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۳۹۹ ، ۴۰۰ ، ۴۰۶
سوماری ۳۷
سومای‌وچرا ۲۰۰
سومر ۷۲
سهرورد ۱۱۲
سه‌گنبد ۴۱۳
سه‌گنبد (در رضائیه) ۴۱۱ ، ۸۴۶
سهند (کوه ـ) ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۵ ، ۶۹ ، ۷۹ ، ۸۰
سهندآباد (رك : اشکه‌درق) ۵۸ ، ۵۱۸
سیالك ۶۳ ، ۶۴
سیاه‌قمیش ۱۳۳
سیاه‌کوه ۲۱
سیرك (رك : هیرك) ۸
سیس ۵۸ ، ۵۱۹
سیسجان ۱۲۶
سیسر (رك : سنه) ۱۸ ، ۲۱ ، ۱۲۵
سیلاب (رك :کره‌سی) ۶۱
سیمرم ۱۴۷
سیواس ۱۵۵ ، ۲۳۸
سیه‌چشمه ۶۰ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۴۱۵

ش

شابران ۸ ، ۱۱
شابورخاست (رك : سابرخاست) ۱۷
شاپور (رك : سلماس) ۱۲۳ ، ۲۰۰ ، ۴۳۷
شاپور (رك : شاهپور) ۱۷۸ ، ۴۳۷
شاپورخاست (رك : سابرخاست) ۱۸
شادار ۳۲
شال (رود ـ) ۲۶ ، ۲۷
شام ۱۳۷ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰ ، ۲۳۷ ، ۲۴۶ ، ۲۶۹ ، ۳۸۷
شام جلفا ۸۴۴
شاورشان ۴۲۴
شاها (قلعهٔ ـ) ۵۵
شاهپور (رك : سلماس ، شاپور) ۳۴ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۱۷۸ ، ۱۹۰ ، ۴۳۱ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۲ ، ۶۹۳ ، ۷۰۲ ، ۸۲۲ ، ۸۶۰ ، ۷۶۱
شاهرود ۱۷ ، ۵۹
شاهرود (نزدیك طوالش) ۲۴۰ ، ۵۴۰
شاه‌فیروز ۳۲
شاهی ۵۳ ، ۸۱ ، ۸۳
شاهین‌دژ ۵۷ ، ۶۱ ، ۱۱۳ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۷۵۹
شاهین‌دژ (رك : صاین قلعه) ۱۸۵
شبستر ۳۳ ، ۳۶ ، ۵۸ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۵۲۰
شبه‌جزیرهٔ بالکان ۲۶۴
شپیران (رك : دیلزی) ۶۱ ، ۶۹۵

شپیکان (رك : شیچیگان) ۱۱۸ ، ۹۴۸
شرآمین ۵۱۹
شراة (رك : دریاچهٔ خوارج) ۵۳
شرقاط ۵۱
شروان ۴ ، ۷ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۶
۳۹ ، ۱۲۶ ، ۱۴۷ ، ۱۷۲ ، ۳۲۳
شرفخانه (بندر) ۳ ، ۳۳ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۲۱
شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان ۲۹۸
شطره ۱۹۲
شکشن ۶
شکولادره ۶۷
شکه (رك : شکی) ۵
شکی (رك : شکه) ۵ ، ۷ ، ۸ ، ۱۶
شماخا (رك : شماخی) ۱۱
شماخی (رك : شماخا ، شماخیه) ۳ ، ۸ ، ۱۱
۱۵ ، ۳۹
شماخیه (رك : شماخی) ۸
شمس‌آباد ۲۳۴
شمکور ۸ ، ۱۱ ، ۱۶۹
شمنیك‌داغ (کوه ــ) ۵۲
شمیری ۸۱
شوروی (رك : روس ، روسیه ، اتحادجماهیر
شوروی) ۳ ، ۱۰ ، ۲۳ ، ۲۹ ، ۳۳ ،
۳۶ ، ۳۷ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۴۷ ، ۴۹ ، ۸۸
۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۸۵ ، ۲۲۷ ، ۲۸۴ ،
۲۸۵ ، ۲۹۰ ، ۲۹۶ ، ۳۰۰ ، ۴۲۵
شوش ۶۶ ، ۹۵
شوشا ۵ ، ۹
شوشه ۹
شوط (رك : چای باسار) ۶۰
شهاپیوان (رك : خشترپوان) ۱۲۴
شهراسلام (رك : اوجان) ۲۵
شهرچای (رك : اورمیه رود) ۵۱ ، ۵۲
شهرداری رضائیه ۸۳۴
شهرزور ۱۳۶
شهرویران (رك : لج) ۶۰ ، ۱۹۶
شهیدگاه
شیخدرآباد ۵۹
شیچیکان (رك : آتشکدهٔ آذرگشنسب) ۱۱۸
شیرامین ۵۸
شیرشیر ۶۷
شیرمرد ۱۱۳
شیروان ۱۰ ، ۲۴۴ ، ۲۶۰ ، ۲۸۴ ، ۳۸۱ ،
۴۰۰
شیز (رك : چی‌چست ، گنزك) ۱۷ ، ۱۸ ،
۹۸ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۲ ، ۱۱۴ ،
۱۱۶ ، ۱۱۸ ، ۱۲۰ ، ۱۲۵ ، ۱۲۶ ،
۱۲۷
شیزکان (رك : شیز) ۱۱۸
شیلر ۴۵
شین‌آوا (رك : پیران) ۶۰
شینطال: (شینتال)، رك : صدقیان ۶۱ ، ۶۹۹

ص

صاحب (دهکدهٔ ــ) ۷۹ ، ۱۱۳
صافی (رود ــ رك : صوفی‌چای) ۱۹ ، ۲۰ ،
۵۰
صائین قلعه (رك : شاهین‌دژ) ۱۸۵

صحرای گاوباری ۳۹
صحرای موش ۴۱۹
صدقیان (رك : لکستان) ۶۱
صفاهان ۱۱
صلوات (رك : خروسلو) ۵۸
صوفیان ۵۸ ، ۵۲۱
صوفی‌چای (رود ـ) ۲۰ ، ۵۵
صوما صومـای ۳۴ ، ۶۰ ، ۶۸۵ ، ۸۶۹ ، ۸۷۰
صومعهٔ ماکو ۱۹۷

ط

طاق بستان ۱۱۶
طالش ۲ ، ۲۳ ، ۲۸ ، ۳۷ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۲۱۰
طالش (رك : گادوسیان) ۹۹
طالش (کوه ـ) ۵۲
طالقان ۱۲۸
طارم رك : تارم) ۱ ، ۱۸۵
طبرسران ۴۰۰
طروج (رك : طسوج) ۳۳
طسوج (رك : طروج) ۳۳ ، ۵۳ ، ۲۳۹
طغرل ۱۶۱
طوالش ۲۴۰
طوج (رك : طسوج) ۱۷ ، ۳۳
طوس ۱۱ ، ۱۵۳ ، ۳۸۷
طهران (رك : تهران) ۲۹۱ ، ۲۸۲

ع

عباسی (رك : قره‌چمن) ۵۸ ، ۵۲۴
عجب‌شیر ۵۹ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶
عثمانی ۴۶ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۵ ، ۲۰۰ ، ۲۵۰ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۵ ، ۲۹۳ ، ۴۲۱ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴ ،
عراق ۱۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۵۱ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۹۴ ، ۱۵۶ ، ۱۶۲ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹ ، ۱۷۱ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۲۰۰ ، ۲۲۸ ، ۲۴۱
عراق‌عجم ۲ ، ۹۱
عرضستان ۲۱۸
عزیزکند ۱۱۳
علمدار ۳۶ ، ۲۲۹
علمدار (کوه ـ) ۳۶
علمدار (رك : گرگ) ۵۹ ، ۸۶۹
علی‌آباد ۱۱۳
علی‌مردان ۱۱۳
عمق ۱۹۴ ، ۱۹۵
عمیدآباد ۲۰
عیلام ۷۳ ، ۷۴ ، ۸۱

ف

فارس ۵۷ ، ۹۴ ، ۱۲۰ ، ۲۲۸ ، ۲۴۶
فازیس ۹۹
فای‌نی‌تیس ۹۹
فتیق ۲۲۷
فخرآگاه ۹۴
فراآسپا ،فرا اسپا (رك : وره ، قلعهٔ ـ) ۱۱۰ ، ۱۲۰
فراذه‌اسپه (اسپ‌پیروز) ۱۱۰
فرات (رود ـ) ۸۰
فرات جنوبی ۹۹

فرادهاسپه ۱۰۰
فراسپا (رك : فرا اسپا) ۱۱۰
فراگل ۱۱۳
فرانسه ۱۹ ، ۵۱ ، ۱۷۶ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۲۶۶ ، ۳۸۴ ، ۳۸۵
فراوه ۱۵۳
فراهاسب ۱۰۰ ، ۱۱۰
فردجان (رك : مزدجان) ۱۱۹
فرسپا ۱۰۰
فرورق (رك : پره) ۵۹
فریز ۴۲۱
فضلون ۱۷
فغان ۳۷
فلسطین ۷۰
فهلیان فارس ۹۴
فیداگران (رك : بیلقان) ۱۰
فیروزق ۶۵۷
فیروزآباد ۲۷

ق

قابان (رك : قاپان) ۴۵
قاپان (رك : قابان) ۴۴
قادرچای (رك : قادررود) ۵۰
قادررود (رك : قادرچای) ۵۱
قارص ۱۶ ، ۲۴۶ ، ۲۴۸
قافلانکوه (رك : گیزیل بوغدا) ۵۲ ، ۶۹ ، ۷۷ ، ۱۸۵ ، ۴۰۲ ، ۸۶۵
قاهره ۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۱۴۳
قبان ۴۱۹
قبله (رك : کابالا) ۷ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۲۶
قبله (رك : کوله) ۶
قبه ۲۲۷
قپچاق ۱۶۸ ، ۶۱۹
قپلانتو ۷۹
قحطان (قصبهٔ ـ) ۲۳۶
قراباغ (رك : قره‌باغ) ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۶ ، ۹ ، ۱۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵
قراجه‌داغ (رك : قره‌جه‌داغ) ۲۹۵
قراجه‌داغ (رود ـ) ۴۹
قراداغ (کوه ـ ، رك : قره‌داغ) ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۵ ، ۶۸ ، ۱۹۷
قراقویون ۴۲۵
قراکلیسا (رك: قره‌کلیسا ، کلیسای طاطاوس) ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۲ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶ ، ۴۲۱ ، ۸۴۱
قراکوه ۸۵
قرامان ۲۴۶
قرجه‌داغ (رك : بلوانکرج) ۱۸
قرخ بولاخ (= چهل‌چشمه) ۴۲۴
قرسو (رود ـ) ۴۴
قرق بلاغ ۴۲۱
قرمزی‌گنبد (رك : گنبدسرخ) ۳۹۱
قروق ۴۲۱
قره‌آغاج ۵۹
قره‌باغ (رك : انزل) ۶۰
قره‌تپه (رك : باسار) ۶۰ ، ۶۷
قره‌جه‌داغ (رك : ارسباران) ۱۴۰
قره‌چمن (رك : عباسی) ۵۸

قره‌داغ (رك : ارسباران) ۳۳ ، ۴۰۱
قره‌داغ (کوه ـ) ۵۲ ، ۱۸۳
قره‌سو (رود ـ) ۴۰۱ ، ۲۳ ، ۴۹ ، ۶۸ ، ۱۸۱ ، ۱۸۲
قره‌سوی سفلی (رود ـ) ۴۴
قره‌ضیاءالدین ۵۹ ، ۸۳ ، ۴۱۵ ، ۶۵۸
قره‌قون (رك : تازه‌کند) ۶۰ ، ۷۲۱
قره‌کلیسا(قراکلیسا ، رك : کلیسای‌طاطاووس) ۴۱۵ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۱۸ ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۱ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۴۲۹ ، ۸۵۰ ، ۸۵۱ ، ۸۵۲ ، ۸۷۱
قره‌کند ۱۱۳
قره‌لر (رك : داش‌کن) ۶۱
قره‌موسالی ۱۱۳
قره‌نار ۱۱۳
قریةالمراغه (رك : مراغه) ۲۰
قریهٔ‌گورانه ۱۹۲
قزل‌اوزن (سفیدرود) ۲۶ ، ۴۹ ، ۶۹ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۱ ، ۱۶۱ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۲۳۳ ، ۴۰۲
قزل‌جه ۲۳۶
قزل‌داغ ۸۶۶
قزل‌قبر ۱۱۳
قزل قلعه ۱۱۳
قزل‌قیار ۱۱۳
قزوین ۲۲ ، ۲۳ ، ۶۳ ، ۹۸ ، ۱۳۴ ، ۱۴۳ ، ۱۵۵ ، ۱۷۳ ، ۲۴۴ ، ۲۴۵ ، ۲۵۰ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴
قصربابك (رك : بذ) ۴۰۱
قصریك ۶۰
قطور (رك : قوتور) ۱ ، ۵ ، ۶۸ ، ۸۰ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۴۰۲ ، ۶۶۰
قطور (رود ـ) ۴۰۲
قطور (کوه ـ) ۵۲
قطورچای (رود ـ) ۴۹
قفقاز ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۵ ، ۷ ، ۹ ، ۱۱ ، ۶۳ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۸۰ ، ۸۸ ، ۹۶ ، ۹۹ ، ۱۲۶ ، ۱۶۷ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۳ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴
قفقاز (جبال ـ) ۴۷
قلطه (رك : باسك) ۶۰
قلعهٔ اردبیل ۳۷۸
قلعهٔ‌بذ ۱۴۰
قلعهٔ برزند ۵۸
قلعهٔ پسو (رك : لاهیجان) ۶۰
قلعهٔ تاسیان (رك : نعلین) ۶۰
قلعهٔ تخت‌سلیمان ۱۱۵
قلعهٔ‌تلا ۵۵
قلعهٔ جمهور (رك : بذ) ۴۰۱ ، ۴۰۲
قلعهٔ‌حاجی ۵۱
قلعهٔ دختر (ـ میانه) ۴۰۳ ، ۸۴۶ ، ۸۴۷
قلعهٔ دره‌سی (رك: دانالوی بزرگ) ۶۰ ، ۷۲۲
قلعهٔ سفید ۱۱۳
قلعهٔ‌شاهی ۱۵۰
قلعهٔ شوشه ۱۰
قلعهٔ ضحاك ۴۰۳ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵
قلعهٔ طلا (رك : قلعهٔ‌تلا) ۵۴

قلعهٔ‌کاخ ۹
قلعهٔ‌کهران ۱۷
قلعهٔ یك‌در ۱۵۰
قم ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰
قندیل (کوه ـ) ۴۵
قندیل‌داغ ۵۲
قنسرین ۱۴۳
قوبا ۳
قوتور (رك : قطور) ۸۰
قوری‌چای (رك : پاره‌لار) ۵۹ ، ۶۳۹
قوزلو ۲۳۶
قوشاکند ۱۱۳
قوشچی‌انزل ۶۶۴
قوشه‌داغ ۵۲
قونیه ۱۲۶ ، ۲۳۸
قوی‌برج (رك : گوی‌برج) ۳۹۵ ، ۴۱۲
قویون‌آده‌سی (جزیرهٔ ـ) ۵۶
قیلاخانه ۶۷

ك

کابالا (رك : قبله) ۱۲۶
کاپادوکیا (رك : کاپادوکیه) ۱۲۶
کاپادوکیه (رك : کاپادوکیه) ۱۰۶ ، ۱۰۹
کادوسیان ۹۹
کاردماناژورا ۶
کارمیربلور ۸۳
کاروانسرای سرچم ۴۰۵
کاروانسرای مرند ۳۹۸
کاسپیانه ۶
کاشان ۶۳ ، ۶۴
کاغذکنان ۵۹ ، ۲۳۳ ، ۵۴۶
کاکن ۱۹۴
کالانیا ۱۲۶
کالو (رك : کیالو) ۴۵
کامبیچان (رك : کامبیزن) ۵، ۶
کامبیزن (رك : کامبیچان) ۶
کاوالاك ۷
کبلکا (رك : کولك) ۶
کبله ۶
کبود (رك : کبودان) ۵۳
کبودان (رك : دریاچهٔ‌کبود) ۵۲
کپه‌اوتن (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
کپه‌اوته (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
کتابخانهٔ احمد پاشا ۲۵۴
کتابخانهٔ اردبیل ۳۲۲ ، ۳۲۳
کتابخانهٔ سلطنتی آلمان ۲۵۳
کتابخانهٔ ملی ۲۱۶
کتابخانهٔ ملی تبریز ۳۲۴ ، ۳۸۳
کتابفروشی آتورپارت ۲۹۶
کتابفروشی اپیکور ۳۰۳
کتابفروشی اختر ۲۹۹
کتابفروشی ادبیه ۲۸۷
کتابفروشی اسدی ۲۸۸ ۲۹۲ ، ۲۹۶
کتابفروشی بابك‌خرم‌دین ۲۸۳ ، ۲۹۶
کتابفروشی بادامچی ۳۰۰
کتابفروشی بنی‌هاشمی ۳۰۱ ، ۳۰۲ ، ۳۰۴
کتابفروشی تهران ۲۸۸ ، ۲۹۸ ، ۳۰۴
کتابفروشی چمن‌آرا ۳۰۱

کتابفروشی حقیقت ۲۸ ، ۲۹۷ ، ۳۰۲
کتابفروشی دانش ۲۸۶ ، ۲۹۶
کتابفروشی ذاکری ۳۰۲
کتابفروشی سروش ۲۸۹ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۳۰۰ ، ۳۰۴
کتابفروشی سعادت ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۸۸ ، ۲۹۶
کتابفروشی‌سعدی ۲۸۶، ۲۸۸ ، ۳۰۱،۳۰۲، ۳۰۳
کتابفروشی صداقت ۲۸۹
کتابفروشی صفوی ۳۰۳
کتابفروشی علمیه ۲۸۵ ، ۲۸۸ ، ۳۰۰
کتابفروشی فردوسی ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۲۸۷ ، ۲۹۱ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۳ ، ۳۰۴
کتابفروشی مصباح ۲۹۹
کتابفروشی مصباحی ۲۸۵ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، ۳۰۲
کتابفروشی مهرسراب ۳۰۱
کتابفروشی نورمحمدی ۳۰۱
کتابفروشی و بنگاه شادمانی تهران ۳۰۱
کجل (قریهٔ ـ) ۲۳۳ ، ۲۳۴
کجلران ۷۲۴
کدیو (رود ـ ، رك : گویو) ۲۷
کدوك ۴۲۱
کده ۱۹۴
کر (رك : کور) ۵
کر (رود ـ) ۸ ، ۹ ، ۱۴ ، ۳۹
کربلا ۲۸۵ ، ۲۸۷ ، ۲۹۷
کربلای احمد ۱۱۳
کرج (رك : دستمان) ۱۲۶
کردستان ۲ ، ۳۴ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۵ ، ۷۱، ۷۴ ، ۸۷ ، ۹۱ ، ۹۴ ، ۱۹۹ ، ۲۰۸
کردستان عراق ۸۷
کردون ۹۹
کرفتو (غار ـ) ۴۶
کرکر (قلعهٔ) ۳۷
کرکوك ۷۲ ، ۸۷
کرکی (بازار ـ) ۹
کرمان ۵۷ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴
کرولار ۲۳۴
کرمسی (رك : سیلاب) ۶۱
کرمسنی ۷۰۰
کریمه ۲۶۴
کرینگان (قریهٔ ـ)
کسپین ۹۹
کشاور (رك : آجرلو) ۵۹ ، ۱۱۳
کشورمغان (رك : مادآتروپاتن) ۱۱۰
کعبهٔ معظمه ۳۷۸
کلاس (رك : بنادیلهٔ بزرگ) ۶۰ ، ۱۹۶ ، ۷۸۷
کلاسور ۲۲۹
کلانتر (شهر ـ) ۲۱
کلت ۶
کلخـوران ۵۸ ، ۳۱۸ ، ۸۲۵ ، ۸۳۱ ، ۸۳۲
کلده ۱۹۹
کلوال ۲۲۸

کلور ۵۹
کلولان خوارو (رك : کورگ)
کله‌بز (رك : کله‌بوز) ۶۱۸
کله‌بوز (رك : شیخدرآباد) ۵۹
کله‌شین (گردنهٔ ـ) ۵۲
کلیبر ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۵۸ ، ۲۴۰ ، ۴۰۱ ، ۴۸۹
کلیسا (رك : قرهٔ کلیسا) ۴۲۴ ، ۴۲۵ ، ۴۲۹
کلیسای کندی (رك : آواجیق) ۶۰
کلیسای اچمیادزین ۴۲۳ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵
کلیسای ارتودکس ۴۲
کلیسای دره‌شام ۸۴۵
کلیسای سنت استفانوس (ـ استپانوس) ۴۰۲ ، ۸۴۳ ، ۸۴۴ ، ۸۷۱
کلیسای سنت‌بارتولموس ۸۵۴
کلیسای سورپ سرکیس‌خوی ۴۳۰ ، ۸۵۶
کلیسای طـاطـاووس ۴۱۵ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۲۰ ، ۴۲۶ ، ۸۵۰ ، ۸۵۲ ، ۸۵۳ ، ۸۵۴ ، ۸۵۵
کلیسای محله ۸۵۷
کلیسای مسیحیان ایران ۱۹۹
کلیسای نسطوری ۱۹۹
کناربروژ ۶۰
کنجگاه ۵۹
کندوان ۵۹ ، ۶۲۰ ، ۸۴۸
کوبا ۱۵
کوبان ۱۲۶
کور (رود ـ ، رك : کر) ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۸۰ ، ۱۱ ، ۸۰ ، ۸۸ ، ۱۲۵
کورایم ۵۸
کورچك ۱۲۴
کورکمکری ۷۴۵
کوفه ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۴۲۳
کولك (رك : قبله) ۶
کولسره ۱۷ ، ۱۸
کون‌کبوتر (کوه ـ) ۵۱
کوه‌اسنوند ۱۱۷
کوه‌سران ۱۹۳
کوه‌مرمر ۱۱۳
کوی‌آغاج ۱۱۳
کهنه ۱۹۳
کهن هرزن (رك : هرزن عتیق) ۲۲۹
کیالو (رك : کالو) ۴۵
کیرتیارا ۷۶
کیروآباد ۳ ، ۱۰
کیروف‌آباد (رك : گنجه) ۸۸
کیلی‌شین ۸۵
کیلیکیه ۹۳ ، ۴۱۸
کی‌نابا (رك : نسیر) ۷۶
کیوان (رك : خمارلو) ۵۸ ، ۴۸۷
کیوی‌پایین ۵۹

گ

گاودول (رك : ملك‌کندی) ۵۹ ، ۵۶۷
گاوگان ۵۸ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۵۲۵
گتسکا (رك : گنجك) ۱۱۰
گجرات ۱۴

گجلرات ۶۰
گدیو (رود ـ ، رك : کدیو ـ) ۲۶
گرجستان ۲ ، ۴ ، ۸ ، ۳۹ ، ۱۲۶ ، ۱۶۹ ، ۴۱۶
گردکانلو ۲۳۶
گردیان ۶۱ ، ۷۰۱
گرگان ۱۲۵ ، ۲۰۸
گرگر (قصبهٔ ـ) ۱۷ ، ۲۹۳
گرگر (رك : علمدار) ۵۹
گرم (رك : چشمه‌کش) ۵۹
گرمادوز (رك : ایش احمد) ۵۸ ، ۴۹۷
گرمرود ۱۷ ، ۲۶ ، ۲۴۰ ، ۲۴۴
گرمه‌حومه ۶۲۳
گرمی ۲۳ ، ۳۲ ، ۳۹ ، ۵۸
گروزنی ۲۲۷
گروس ۱۸۵
گروداغ ۵۰
گرکا (رك : گنزك) ۹۸
گشتاسفی ۲۱۰
گل‌تپه (رك : سراجو) ۱۱۳
گلخید ۹۹
گلستان (کاخ ـ) ۴ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۴۴۴
گلین‌قیه ۲۲۴ ، ۲۲۹
گنبدسرخ (رك : گنبد قرمز) ۳۹۰ ، ۸۳۶
گنبد سلطانیه ۴۰۹
گنبد غفاریه ۳۹۳ ، ۳۹۶ ، ۸۳۷
گنبد قرمز (رك : گنبد سرخ) ۳۹۰ ، ۸۳۶
گنبدکبود ۳۹۳ ، ۳۹۵ ، ۴۱۲ ، ۸۳۷
گنجك (رك : شیز ، گنزك) ۱۱۰ ، ۱۱۸ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷
گنجورخسرو (رك : دهخوارقان) ۲۷
گنجه (رك : کیروف‌آباد ، جنزه ، شیز) ۳ ، ۸ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۶ ، ۸۸ ، ۱۵۶ ، ۱۶۰ ، ۱۶۵ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۲۲۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۹ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ، ۲۹۵
گنچونه (رك : یافت) ۵۸
گنزك (رك : جنزه ، شیز ، گنجك) ۱۸ ، ۹۸ ، ۱۲۷ ، ۱۲۹
گنزکه (رك : شیز) ۱۱۴
گنزك (رك : شیز ، گنجگ) ۱۱۰
گور باباعلی ۱۱۳
گورچین قلعه (رك : گوگرچین) ۵۴
گورستان سرخاب ۲۱۷
گورقلعه ۵۷
گورگ (رك : کلولان خوارو) ۶۰
گورگ‌سردشت (رك : پرستان) ۶۰ ، ۱۹۶ ، ۷۹۰
گورگ نعلین ۱۹۶
گوسون ۲۳۴
گوکچای (رك : گوگچای) ۲۲۷
گوگارك ۶ ، ۱۲۴
گوگان (قصبهٔ ـ) ۵۰
گوگاو ۵
گوگجای (رك : گوکجای) ۱۵
گوگچه (دریاچهٔ ـ) ۸۰
گولتن ۱۵۱ ، ۱۶۳

گومات ۱۹۵
گوی‌آغاج ۶۱
گوی‌برج (رك : قوی‌برج) ۳۹۵
گوی‌تپه ۶۴ ، ۶۶
گویو (رود -) ۲۷
گئوگامل ۹۵
گیتوهانی ۸۴ ، ۸۵
گیردو ۸۴ ، ۸۵
گیزیل بوند (رك : قافلانکوه) ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۷
گیلان ۱ ، ۲ ، ۱۷ ، ۴۰ ، ۲۰۸ ، ۳۶۱ ، ۳۸۰
گیلانات ۳۸۰
گیلزان ۶۸ ، ۷۶ ، ۷۷

ل

لارنده ۲۳۸
لاسیو ۱۹۴
لاسیه ۲۴۵
لاهیج ۲۲۸
لاهیجان ۴۶ ، ۵۱ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶ ، ۲۲۸ ، ۷۷۷
لاهیجان (کوه -) ۱۹۵
لاهیجان (رك : قلعهٔ پسوه) ۶۰
لجشته اولیجك (رك : لاهیج) ۲۲۸
لرداغی ۶۷
لشکله ۱۸
لکستان (رك : صدقیان) ۶۱ ، ۷۰۲
لندن ۳۰۶
لنکران ۳
لنینگراد ۲۳ ؛ ۳۲۴
لولو (رك : لولوبیان) ۶۹ ، ۷۱
لولویی ۷۵
لیب‌لی‌اونی ۸۳
لیدن ۲۰۹
لیدی (رك : لیدیه) ۸۹
لیدیه (رك : لیدی) ۹۳ ، ۱۲۸
لیران ۷ ، ۲۰ ، ۱۱۴ ، ۱۱۶ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰

م

ماجشنسف (رك : ماه‌گشنسپ) ۱۱۸ ، ۱۱۹
ماخان (رك : مهله‌زان ــ مهله زن) ۸۵۷ ، ۸۵۸
ماخوزده ۱۱۷
ماد (کشور و سرزمین ــ) ۶۸ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۶ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۹۴ ، ۹۶ ، ۹۸ ، ۱۰۱ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷ ، ۱۱۰ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹
مادآتروپاتن (رك: آذربایجان) ۶۸ ، ۱۰۴ ، ۱۱۰
مادآتروپاتن (رك : مادکوچك) ۹۲ ، ۹۵ ، ۹۹ ، ۱۰۲
مادآذربایجان ۹۲ ، ۱۲۸
مادای (رك : ماد) ۶۹
مادبزرگ (رك : مادسفلی) ۹۱ ، ۹۲ ، ۹۴ ، ۹۶ ، ۹۹
مادسفلی (رك : مادبزرگ) ۹۲ ، ۹۶
مادشرقی ۸۲

مادقدیم (رك : ایالت جبال) ۱
مادکوچك (رك : مادآتروپاتن) ۹۱ ، ۹۲ ، ۸۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱
ماری‌کند ۴۹
مارگیانه (رك : دریاچهٔ رضائیه) ۵۳
مازندران ۱۲۵ ، ۲۰۸
ماست‌کوه ۳۷
ماشیا ۱۸
ماکرتون ۱۲۴
ماکو (رك : ماکویه) ۱۶ ، ۳۵ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۵۲ ، ۶۰ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۱۷۸ ، ۱۸۵ ، ۱۹۷ ، ۲۴۵ ، ۲۹۴ ، ۴۱۵ ، ۴۱۷ ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۲ ، ۷۰۲ ، ۴۲۴ ، ۸۲۶ ، ۸۵۰ ، ۸۶۶
ماکو (رود ـ) ۴۹ ، ۴۳۵
ماکو (کوه ـ) ۵۲
ماکوچای (رك : زنگمار) ۴۴
ماکویه (رك : ماکو) ۴۳ ، ۴۲۰
مانتا ۶۳ ، ۶۹ ، ۷۴ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۱۰۵
ماوراء ارس ۱۶ ، ۱۶۹ ، ۴۲۲
ماوراء ارس (رك ، اوتای Otay) ۴
ماوراءالنهر ۱۲۷ ، ۱۴۳ ، ۱۵۲ ، ۱۵۷ ، ۲۳۵ ، ۲۴۰
ماوراءخزر ۲۴۵
ماوراء رود ارس ۹۱
ماوراء قفقاز ۲ ، ۹۶ ، ۹۹ ، ۱۶۷
ماه (رك : ماد) ۱۲۵
ماه‌گشنسب (رك : ماجشنسف) ۱۱۸
ماه‌نهاوند (رك : دینور ۲۰۳ ، ۲۰۶
مایبهرج ۱۷ ، ۱۲۵
مایپهرج (رك : مایبهرج) ۱۸
مای‌پهرك (رك : مایبهرج) ۱۲۵
مترسی ۲۲۸
متوکلیه ۱۱
مجلس‌شورای ملی ۱۹۷ ، ۲۰۲
محلهٔ امامزاده (رك : خوی) ۴۳۰
محلات ۱۲۰
محلهٔ قنبرچشمه ۳۹۷
محمدصلاح (رك : به‌به جیگ) ۶۰
محمودآباد ۳۹ ، ۴۰
محمودجیق (رك : چاردولی) ۵۹ ، ۱۱۳
مخلوجا ۱۱۳
مدائن ۱۳۸
مدرسةالملکیه ۳۹۴
مدرسهٔ غفاریه ۳۹۳
مدیترانه (دریای ـ) ۲۵۲
مدینه ۱۲۹ ، ۲۱۸
مراغه ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۵۰ ، ۵۵ ، ۵۷ ، ۵۹ ، ۷۸ ، ۱۱۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۹ ، ۱۵۵ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۹ ، ۱۷۲ ، ۱۷۹ ، ۲۰۲ ، ۲۱۰ ، ۲۱۶ ، ۲۳۷ ، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۴ ،

۲۴۶ ، ۲۶۶ ، ۲۸۲ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ،
۳۰۴ ، ۳۸۶ ، ۳۸۷ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹ ،
۳۹۰ ، ۳۹۱ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۴ ،
۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۴۰۳ ، ۴۰۶ ، ۴۱۲ ،
۴۱۳ ، ۴۳۳ ، ۴۳۶ ، ۴۳۷ ، ۴۳۹ ،
۵۵۳ ، ۵۶۶ ، ۸۳۵ ، ۸۳۶ ، ۸۳۷ ،
۸۳۸ ، ۸۴۰
مرحمت‌آباد ۵۵ ، ۶۱ ، ۷۶۳
مرخوز ۱۱۳
مردان‌قم (رك : مردان نعیم) ۱۷ ، ۲۹
مردان نعیم (رك : مردان قم) ۲۹
مردی رود ۵۰
مرزرود (رك : میشه‌پاره) ۵۸
مرعش ۲۴۹
مرگاور ۲۰۰
مرگ ۲۲۹
مرگور (رك: هاشم‌آباد) ۶۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ،
۶۷۸
مرمرداغ ۵۲
مرند ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۳ ، ۳۵ ،
۳۶ ، ۳۷ ، ۵۲ ، ۵۷ ، ۵۹ ، ۶۸ ،
۸۰ ، ۱۵۰ ، ۱۵۷ ، ۱۶۳ ، ۲۲۹ ،
۳۹۶ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸ ، ۴۳۳ ، ۴۳۶ ،
۴۴۰ ، ۵۶۷ ، ۵۷۳ ، ۸۳۹ ، ۸۴۱ ،
مرند (رود ـ) ۴۹
مرو ۱۱
مرورود ۱۵۲
مزجان ۱۲۰
مزدجان (رك : فـردجان) ۱۱۸ ، ۱۱۹ ،
۱۲۰
مزدقان ۱۲۰
مسجد جامع اردبیل ۳۸۴ ، ۴۰۰
مسجد جامع رضائیه ۴۱۳ ، ۸۴۹
مسجد جامع‌مرند ۳۹۶ ، ۳۹۸
مسجد جامع مهاباد ۴۱۵
مسجدجمعهٔ مراغه ۸۳۹ ، ۸۴۰
مسجد سردار رضائیه ۸۲۵
مسجد مطلب‌خان ۸۵۹
مسجد مهرآباد (ـ بناب) ۸۶۴
مشکین‌شهر (رك : مشکین‌شهر) ۴۰۱
مسکو ۱۷۶
مسی Messi ۶۸ ، ۷۶
مشکین (رك : پیشکین) ۳۱ ، ۱۷۰ ، ۲۴۰
مشکین بـاختری (یا : مشکین غربی ، رك :
مشکین‌شهر ، قصابیه) ۳۱ ، ۵۹ ، ۵۹۸
مشکین خاوری یـا : مشکین شرقی ، (رك :
مشکین‌شهر ، ارجق) ۳۱ ، ۳۲ ، ۶۰۱
مشکین‌شهر (رك : خیاو) ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ،
۵۹ ، ۱۲۹ ، ۱۷۹ ، ۱۸۲ ، ۳۹۹ ،
۴۰۰ ، ۴۳۳ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶ ، ۴۴۰ ،
۵۷۵ ، ۶۰۸ ، ۸۴۲
مشکین گرجی ۳۱
مشگین (رك : مشکین) ۱۷ ، ۳۸
مشی ۷۵
مصداقی ۱۸۴
مصر ۸۸ ، ۱۰۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۸ ، ۲۰۴ ،
۲۰۶ ، ۲۰۹ ، ۲۳۷ ، ۲۳۹ ، ۲۵۷ ،
۳۹۴

معبرشبلی (رك : شبلی) ۸۴۷
معره ۲۰۹
مغان (رك : موغان ، موغان) ۷ ، ۱۷ ، ۳۷، ۳۹ ، ۶۰۹
مغان (دشت ـ) ۱۲۵ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ،۱۸۵، ۲۳۷ ، ۲۴۶
مغرب ۲۱۶
مقاملی ۱۱۳
مقبرهٔ سلطان‌حیدر ۴۰۰ ، ۸۴۲
مقبرهٔ شیخ جبرائیل ۸۳۱
مقبرهٔ شیخ‌حیدر ۳۹۹
مقبرهٔ شیخ شهاب‌الدین ۸۳۳ ، ۸۳۵
مقبرهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۲۲ ، ۸۲۸ ، ۸۳۱
مقبرهٔ مؤمنه‌خاتون ۴۱۳
مکاری (رك : ملاشیخ) ۶۰
مکری (سرزمین ـ) ۴۶
مکه ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۲۸۹
ملازکرد ۸
ملاشیخ (رك : مکاری) ۶۰
ملاکندی ۱۱۳
ملالار ۱۱۳
ملایعقوب ۵۸ ، ۵۵۰
ملکاری ۱۹۶ ، ۷۹۲
ملك ۲۲۹
ملك‌کندی (رك : گاودل) ۵۹ ، ۴۳۴، ۴۳۶
ممقان ۵۸ ، ۴۳۴ ، ۴۳۶
منجوان (رك : ونیق) ۵۸ ، ۵۰۳
منچستر ۶۹
منگور (رك : ترکش) ۶۰ ، ۱۹۶ ، ۷۸۰
مواضع‌خان (رك : خواجه) ۵۸ ، ۵۰۰
موانا (رك : ترگور) ۶۰ ، ۱۹۱
موجومبار ۸۶۲ ، ۸۶۳
موردی‌چای (رود ـ) ۵۵
مورشهیدان (کوه ـ) ۵۲
موزهٔ ارامنه ۸۴۳ ، ۸۵۲ ، ۸۵۳ ، ۸۵۴ ، ۸۵۵
موزهٔ ایران باستان ۸۳
موزهٔ بریتانیا ۸۵
موزهٔ ویکتوریا و آلبرت ۳۰۶
موساسینا ۷۶
موسی‌آباد ۱۷
مؤسسهٔ آمریکائی هنر و باستانشناسی ایران ۱۱۱
مؤسسهٔ باستانشناسی آلمان ۴۲۶
مؤسسهٔ باستانشناسی شرقی فرانسه ۳۸۴
مؤسسهٔ مطبوعاتی فردوسی ۲۸۴
موصل ۴۳ ، ۱۳۶ ، ۱۴۵ ، ۱۴۸ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، ۱۵۶ ، ۳۷۹ ، ۳۸۷ ، ۳۸۸، ۴۱۹
موغان (رك : موقان ، مغان) ۲ ، ۳۷ ، ۳۸، ۱۴۵ ، ۱۵۷
موقان (رك : موغان ، مغان) ۱ ، ۱۷ ، ۱۸، ۳۷ ، ۱۳۶
مونا (رود ـ) ۸۴ ، ۸۵
مهاباد ۲۱ ، ۴۲ ، ۴۵ ، ۵۰ ، ۵۵ ، ۵۷ ، ۶۰ ، ۱۱۳ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۴۱۵ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۳ ، ۷۲۵ ، ۷۴۵

مهرآباد (ـ بناب) ۸۶۴
مهرانرود ۲۵ ، ۲۶ ، ۵۲۷
مهربان ۵۸
مهله‌زان ـ مهله‌زان‌ماخلاسان ۴۲۱، ۸۵۷، ۸۵۸
میاغه (رك : مراغه) ۲۶۶
میانج (رك : میانه) ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۶
میانج (رود ـ) ۲۶
میاندوآب ۵۰ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۸۵ ، ۱۱۰ ، ۱۱۳ ، ۱۷۸ ، ۱۹۶ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶، ۴۴۳ ، ۷۴۵ ، ۷۶۲
میانه (رك : میانج) ۱۷ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۹ ، ۶۹ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۱۳۶ ، ۱۷۹ ، ۲۴۴ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۰۵ ، ۴۰۶ ، ۴۳۳ ، ۴۳۶ ، ۴۴۰ ، ۶۰۹ ، ۶۱۸ ، ۸۴۵ ، ۸۴۶ ، ۸۴۷ ، ۸۴۸
میرخاتون (بقعه ـ) ۸۵۶
میره‌له ۱۱۳
میشوداع ۳۶
میشه‌پاره (رك : مرزرود) ۵۸ ، ۴۹۸
میلداشی (رك : اجارود) ۵۸
میمند ۱۷ ، ۱۳۶
مین‌گه‌چا (مینگه‌چائو ـ) ۳ ، ۸۸

ن

ناچیت ۱۱۳
نارنج قلعه ۱۳
نازك (رك : گجلرات) ۶۰
نازلو ۶۰
نازلوچای ۶۹۴
نازلورود ۵۱
ناژه Nagé ۷۵
نالچك ۲۲۷
نبات (رود ـ) ۴۴
نجف ۱۷ ، ۲۰۴
نخجوان (رك : نخجوان) ۲ ، ۹ ، ۱۵ ، ۱۹، ۳۶ ، ۳۷ ، ۴۹ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸، ۱۷۰ ، ۲۲۸ ، ۲۴۰ ، ۴۱۳ ، ۴۲۴ ، ۸۴۵
نخجوان (رك : نخجوان) ۳۶
نخوارگان (رك : دهخوارقان) ۲۷
نریر ۱۷
نریز ۱۸ ، ۱۹ ، ۱۶۴ ، ۱۳۶
نسا ۱۵۲
نسیر (کوه ـ) ۷۶
نشان‌کوه ۵۲
نشتیبان ۸۵
نشوی (رك : نخجوان) ۱۷ ، ۳۶ ، ۳۷
نصرت‌آباد ۱۱۱ ، ۱۱۳
نصیرکندی ۱۱۳
نعلین (رك : قلعه تاسیان) ۶۰ ، ۷۹۴
نقجوان (رك : نخجوان) ۳۶
نقده ۶۰ ، ۶۱ ، ۱۷۸ ، ۴۳۵ ، ۴۳۶ ، ۴۴۳ ، ۷۶۳ ، ۷۷۱
نقش‌جهان (رك : نخجوان) ۳۷
نمین ۲۳ ، ۴۰ ، ۵۸ ، ۶۷ ، ۲۱۵
نوخی ۳
نوذر ۱۷

نورسیراکان ۱۲۴
نورین ۱۷
نوزو ۸۷
نهاوند ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۶ ، ۱۲۸
نهربرلاس ۱۰
نیر ۵۸ ، ۸۶۵
نیسای ۹۵
نیستان ۲۲۹
نیگچه ۸
نیلان ۱۷
نینو ۸۹۱
نیهورکان ۱۲۴

و

واجروذ ۱۳۴
واسپورکان ۱۲۶
واسپورگان (رك : واسپورکان) ۱۵۴
واشوگانی ۸۷
وان ۷۰ ، ۹۹ ، ۱۹۹ ، ۲۳۷
وان (دریاچه ـ) ۵۲ ، ۸۰
واجالیك ۶۷
ورامین ۱۸۵ ، ۴۱۳
وراوی ۳۰ ، ۳۱
ورثان ۸ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۴۰ ، ۱۴۷
ورثان (رك : وردانه‌کرت) ۱۲۴ ، ۱۴۷
وردان ۱۲۵
وردانه‌کرت (رك : ورثان) ۱۲۵
ورزقان ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۳ ، ۳۶ ، ۵۸ ، ۸۲ ، ۱۵۱
ورگهان ۵۸ ، ۵۰۴
ورنکش (رك : بروانان) ۵۹
وره Vera ۱۱۰
وزگیر ۱۹۱
وسپورگان (رك : واسپورگان) ۱۰۰ ، ۱۰۲
وسفورگان (رك : بسفرجان) ۳۶
وسطان ۱۵۴
ولایات پهله‌قدیم ۲۰۳
ولایات گشتاسفی ۱۴
ولدیان ۳۳ ، ۳۶ ، ۵۹ ، ۶۶۲
ولران ۱۱۶
ولیگج ۳۲
ونیز ۲۲
ویران ۷۴۲
ونیق (رك : منجوان) ۵۸
ویلگج ۴۵۸
وینار (پل ـ) ۸۶۸

ه

هادربایجان (رك : آذربایجان) ۹۷
هاشم‌آباد (رك : مرگور) ۶۰
هرزن ۲۲۹
هرزند ۲۲۴
هرزندات (رك : هرزند جدید) ۵۹ ، ۲۲۹ ، ۵۷۴
هرزند جدید (رك : هرزندات) ۵۹
هروآباد (رك : خلخال) ۲۶ ، ۲۸ ، ۵۹
هریس خانمرود ۵۸ ، ۵۲۸
هشاوا ۲۳۳
هشتادسر (کوه ـ) ۱۴۰

هشترود ۵۰ ، ۵۸ ، ۲۴۴ ، ۳۹۰ ، ۴۳۳ ،
۴۴۱ ، ۶۱۹ ، ۶۴۸
هشترود (رود ـ) ۲۶
هشجین (رك : خورش‌رستم) ۵۹
هشتسر (رك : هشتادسر) ۱۴۰
هشتیان ۶۰
هفتوان ۸۶۱
همدان ۷۹ ، ۹۴ ، ۱۲۳ ، ۱۲۵ ، ۱۳۴ ،
۱۴۵ ، ۱۵۵ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۸ ،
۱۶۹ ، ۱۸۵ ، ۲۰۳ ، ۲۰۶ ، ۲۴۹
همشهر ۳۹۵
هند (رك : هندوستان) ۱۴ ، ۸۱ ، ۸۷ ،
۱۲۳ ، ۲۱۷ ، ۲۲۹
هندوستان (رك : هند) ۱۵۲
هوراند ۳۳ ، ۵۸ ، ۱۴۰
هولاکوخان (قلعه ـ)
هومل (کوه ـ) ۱۹۵
هیر Hêr ۵۸ ، ۱۲۴
هیرك (رك : سیرك) ۸

ی

یاداحمد (قصبه ـ) ۲۳۷
یازی بلاغ ۱۱۳
یافت (رك : گنجونه) ۵۸ ، ۱۴۰
یالقوز آغاج ۲۳۶
یامچی ۵۹
یکانات (رك : یکان‌کهریز بالا) ۵۹
یکان‌کهریز بالا (رك : یکانات) ۵۹
یکدور (قلعه ـ) ۵۵
یلغوز آغاج (رك : یالقوز آغاج) ۲۴۱
یلقان‌تپه (رك : یورغان‌تپه) ۸۷
ینگجه ۵۸ ، ۸۴ ، ۵۵۲
ینگی‌کند ۱۸۵
یمن ۱۴۹
یورتچی ۴۴۹
یورغان‌تپه (رك : یلقان‌تپه) ۸۷
یورقل ۱۱۳
یوزآغاج ۲۴۱
یونان ۴ ، ۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷

۳ - فهرست کتابها و رساله‌ها و ماهنامه‌ها و مقاله‌ها

آ

آب‌های معدنی آذربایجان و آبهای لجن‌دریاچهٔ رضائیه ۸۰۴
آتوزپاتکان و نهضت ادبی ۸۰۲
آثارالبلاد واخبارالعباد ۲۰ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۸۰۲
آثار امانی (رك : بانوامانی) ۳۰۱
آثار ایران ۲۱۸ ، ۳۹۳ ، ۳۹۷ ، ۴۰۷ ، ۴۱۳ ، ۷۹۵
آثار باستانی آذربایجان ۱۱۲ ، ۳۸۵ ، ۳۹۰ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵ ، ۳۹۹ ، ۴۰۳ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴ ، ۴۱۵
آثار باستانی شهرستان مراغه ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵
آثار باستانی مراغه ۳۸۷ ، ۳۹۰
آثارباستانی وابنیهٔ تاریخی آذربایجان ۳۲۳ ، ۳۸۶ ، ۳۹۷ ، ۴۳۰
آثار تاریخی ایران (ك ، مقالهٔ گدار) ۳۹۲ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۴۰۲ ، ۴۱۳
آثار تاریخی تبریز ۸۰۶
آثار تاریخی شهرستان میانه ۷۹۵
آثارملی ایران ۴۰۸
آذربایجان وزبان آذری ۷۹۷
آذری (مقالهٔ) ۲۶۰ ، ۲۶۶
آذربایجان دموکرات ۸۰۱
آذربایجان ووحدت ملی ۸۰۲ ، ۷۹۸
آذری یازبان آذربایگان ۸۰۳
آسوریان وهمسایه‌های ایشان ۲۰۰
آصفیه ۳۴۲
آناهیتا ۱۲۰

الف

احادیث صدکلمه ۳۶۰
احسن‌التقاسیم فی‌معرفه‌الاقالیم ۸ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۸ ، ۸۰۴
احسن التواریخ ۸۰۰
ادبی اثرلر ۲۸۳
اردبیل ۷۹۷
ازسعدی تاجامی ۲۱۷ ، ۲۵۸ ، ۷۹۷
از سلاجقه تا صفویه ۳۹۰ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵ ، ۸۰۴
از فردوسی تاسعدی ۷۹۷

اساس فقه اللغهٔ ایرانی ۵
اسامی دهات کشور ۱۹۶ ، ۷۹۶
اسرار الابرار ۳۴۸
اسرار فاتحه ۲۱۷
استقصای فهرست آثار موجود در لهجهٔ محلی آذربایجان (رساله ـ) ۲۷۳
اشارات ۲۳۷
اصغریه ۳۰۱
اصلی و کرم ۲۸۳
اطلاعات ماهانه ۷۹۷
اغانی ۱۳۷
الاعلاق النفیسه ۷۹۵
الانساب (رك. زامباور) ۱۶۵
الانساب سمعانی ۲۰۹
الاوامر العلائیة فی الامور العلائیة ۷۹۵
البدء والتاریخ ۱۴۰
التنبیه والاشراف ۱۱۶ ، ۲۰۷
الخراج وصفة الکتابه ۸۰۲
الخلافة الشرقیه ۸۰۳
الرسالة الثانیه ۱۷ ، ۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۷۹۶
العراضه فی الحکایة السلجوقیه ۸۰۶
الضوء اللامع لاهل القرن التاسع ۸۰۰
الفهرست ۱۴۹ ، ۲۰۵ ، ۲۰۶
الکامل (کامل) فی التاریخ ۷۹۵
المختصر فی اخبار البشر ۷۹۶
المسالك و الممالك (ك : اصطخری) ۸ ، ۱۶ ، ۱۷
المسالك والممالك (رك ، ابن خرداذبه) ۱۸ ، ۷۹۵
الوصول وتهذیب علامه فی علم الاصول ۳۳۷
امثال وحکم در لهجهٔ محلی آذربایجانی ۲۸۴
انتخاب بوستان ۳۵۸
انتخاب خمسه ۳۴۲
انتقام کربلا ۳۰۱
انجیل ۱۱۴
انجیل متی ۱۱۴
اوباشدان خوروزی (خروس صبحگاهی) ۲۸۴
اوستا ۵۳ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۱۸
اوشتبینیه (قصیده ـ) ۲۲۵
ایران باستان ۱۰۹ ، ۱۱۰
ایران در زمان ساسانیان ۱۱۰ ، ۱۲۳ ، ۱۲۸
ایران درعهد باستان ۱۲ ، ۶۴ ، ۹۴ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۲۵ ، ۴۱۷ ، ۸۰۴
ایرانشهر (کتاب ـ) ۸ ، ۴۸ ، ۵۵ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۱۰۰ ، ۱۱۱ ، ۱۲۵ ، ۱۲۹ ، ۱۹۵ ، ۲۰۳ ، ۲۰۴ ، ۷۹۷
ایران کوده ۸۰۴
ایران و پرسش ایرانی ۲۰۰
ایرانی که من شناخته‌ام ۸۰۵

ب

بابافغانی ۳۴۳
باب الشدادیه من جامع الدول ۸۰۵
باب سیم و هفتم میرخواند ۳۳۶
بابك خرمدین دلاور آذربایجان ۸۰۵
باستانشناسی ایران ۶۴ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۸۶ ، ۱۱۱ ، ۸۰۶
بحر العلوم ۸۰۰
بختیارنامه ۲۸۴
بدایع الصنایع درعلم عروض ۳۵۲
بررسی تاریخ و هنر کوتیان و لولوبیان (مقالهٔ ـ) ۷۲
بررسی دموگرافیك درباره اقلیت های مذهبی ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۷۹۷

برهان قاطع ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۸
بزرگان وسخن‌سرایان آذربایجان غربی ۸۰۰
بستان‌السیاحة ۸۰۱
بساط دپه‌کوزی اولدردکی ۲۵۴
بضاعة مزجاة ۲۸۶
بلدان (کتاب‌ـ) ۱۷
بلوای تبریز یاتاریخ انقلاب آذربایجان۸۰۶
بندهش ۱۱۷ ، ۱۱۸
بوستان ۳۵۸
بهار بی‌خزان ۳۹۲
بهجة‌المناهج ۳۵۲
بهرام نامه ۱۵۷ ، ۱۶۲

پ

پسوند در زبان کنونی آذربایجان ۷۹۷

ت

تاتی وهرزنی (رك ، عبدالعلی کارنگ) ۲۲۵ ، ۲۲۶ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶
تاج‌التواریخ ۷۹۹
تاج‌المعاضد ۳۵۶
تاریخ آذربایجان ۸۰۱
تاریخ آسوریان تبریز ۲۰۰
تاریخ آسیای صغیر ۸۸
تاریخ آل‌مظفر ۸۰۰ ، ۸۰۳
تاریخ آل‌جلایر ۸۹۸
تاریخ ابی‌بی‌بی ۲۳۸
تاریخ اجتماعی ایران در عهدناصرالدین ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۱۰ ، ۸۰۴
تاریخ ادبیات ادوارد برون ۲۶۰ ، ۷۹۷
تاریخ‌الامة الارمنیه ۴۱۷
تاریخ المسلمین ۷۹۸
تاریخ اورارتو ۷۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۰۴
تاریخ‌الرسل والملوك ۸۰۱
تاریخ‌امکنه شریفه ورجال برجسته ۸۹۸
تاریخ انقلاب آذربایجان وخوانین ماکو۵ ۸۰
تاریخ اولجایتو ۸۰۲
تاریخ اولاداظهار ۸۰۱
تاریخ ایران باستان ۷۱ ، ۷۳ ، ۸۹ ، ۹۴
تاریخ ائمهٔ معصومین ۳۴۸
تاریخ درذکر سلاطین سلف وشکل اقالیم سبعه ۳۴۸
تاریخ بغداد ۷۹۹
تاریخ تبریز ۵۶ ، ۱۴۰ ، ۱۷۷ ، ۸۰۵
تاریخ ترکی ۳۵۱
تاریخ جهان‌آرا ۸۰۲
تاریخ جهانگشا ۷۹۷
تاریخ چنگیزی ۳۴۹
تاریخچه و وجه تسمیهٔ مدارس تبریز ۷۹۷
تاریخ وجغرافی دارالسلطنهٔ تبریز ۸۰۵
تاریخ رضائیه ۸۰۲
تاریخ رویان ۸۰۵
تاریخ زندگانی حضرت یوسف وزلیخا ۲۸۴
تاریخ سوریه ۷۰
تاریخ‌شاه‌اسماعیل (رك ، تاریخ عالم‌آرا) ۳۵۲، ۳۴۹
تاریخ شعرای عثمانی ۲۵۹
تاریخ صفویه ۱۸۰
تاریخ صنایع ایران ۳۰۶
تاریخ طبرستان ۷۹۵
تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۸۰۴
تاریخ طبری ۱۲۵ ، ۱۲۷ ، ۱۳۴ ، ۸۰۱
تاریخ عالم‌آرای امینی ۸۰۲
تاریخ‌عالم‌آرا(رك، تاریخ شاه‌اسماعیل) ۳۵۲ ، ۷۹۶

تاریخ عصر حافظ ۸۰۱
تاریخ‌عمومی آذربایجان ۸۰۳
تاریخ قم ۱۱۸ ، ۱۱۹ ، ۷۹۸
تاریخ گزیده ۷۹۹
تاریخ گیلان ودیلمستان ۸۰۴
تاریخ ماد ۶۶ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۸۲ ، ۷۳ ، ۷۵ ، ۸۰ ، ۸۲ ، ۸۶ ، ۸۸ ، ۹۲ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۱۰۷ ، ۱۱۰ ، ۷۹۹
تاریخ محمد همدمی ۸۰۶
تاریخ مختصرالدول ۷۹۵
تاریخ مذاهب اسلام ۱۳۸ ، ۱۴۰
تاریخ معماری ایران ۳۹۸
تاریخ مغول ۷۹۶
تاریخ مفصل ایران ۱۷۰ ، ۷۹۶
تاریخ ملاحشری ۸۰۴
تاریخ نگارستان ۸۰۲
تاریخ وجغرافیای سلماس ۸۰۰
تاریخ وصاف ۳۸۷ ، ۳۸۸ ، ۸۰۶
تاریخ هجده سالهٔ آذربایجان ۸۰۳
تاریخ هرودت ۱۰۸
تبریز ۸۰۲
تجارب‌الامم و تعاقب‌الهمم (رك : ابن‌مسکویه) ۱۴۸ ، ۷۹۶
تجریداللغات ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۷۹۷
تجزیة الامصار وتزجیه‌الاعصار ۳۸۷ ، ۸۰۶
تجوید شیخ طوسی ۳۳۷
تحریر تاریخ وصاف ۳۸۸ ، ۴۱۷
تحفة‌العلومی ۲۸۴
تحفة‌النظار فی‌غرایب الامصار و عجایب‌الاسفار ۷۹۵
تحفه سامی ۲۵۸
تحفه شاهی ۳۴۲
تحقیق دربارهٔ ایلخانیان ۸۰۴
تخت سلیمان و زندان سلیمان (مقاله-) ۳۱۱، ۸۰۳
تذکره ۳۵۱
تذکرة‌الشعراء ۳۴۹
تذکرة‌الشعرای دولتشاه ۲۵۶ ، ۷۹۹
تذکرة‌الملوك ۸۰۵
تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ۲۱ ، ۲۳ ، ۳۲۴
تذکرهٔ روضة‌السلاطین ۸۰۱
تذکرهٔ هفت اقلیم ۸۹۷
تراجم‌الاعیان فی‌ابناءالزمان ۷۹۷
ترجمه‌الفهرست ابن‌ندیم ۲۰۶
ترجمهٔ تاریخ طبری ۱۳۵
ترجمهٔ سفرنامه تاورنیه ۸۰۵
ترجمهٔ سیرة جلال‌الدین ۸۰۵
ترجمه مسالك‌الممالك ۲۰۵
تشکیل دولت ملی در ایران ۳۱۸ ، ۴۰۰ ، ۸۰۶
تعبیرات و اصطلاحات وامثال مشترك فارسی و آذربایجانی ۲۸۴ ، ۷۹۹
تعبیر خواب ۳۵۶
تفریح نامه لازمیه ۲۸۴
تقویم‌البلدان ۲ ، ۱۸ ، ۵۳ ، ۷۹۶
تقویم‌التواریخ وجهان‌نما ۸۰۲
تواریخ آل‌عثمان ۷۹۹
تورات ۷۴ ، ۸۷
توسلات صابر ۲۸۵
تیمورنامه ۳۴۵
تیمورنامه هاتفی ۳۸۲

ث

ثعلبیه ۲۸۶

ثواب تسبیح ۳۴۸

ج

جام جهان‌نما ۲۱۷
جامع‌التواریخ رشیدی ۸۰۰
جامع کبیر درعلم طب ۳۳۶
جغرافیای تاریخی سرزمینهای شرقی ۱۵ ، ۲۵ ، ۳۷ ، ۸۰۳
جغرافیای مفصل ایران ۸۰۳
جغرافیای مفصل تاریخی‌غرب ایران ۳۴ ، ۴۴ ، ۷۹۷ ، ۸۰۳ ، ۸۰۶
جغرافیای نظامی آذربایجان خاوری و باختری ۸۰۰
جلالت زینبیه ۳۰۲
جلالت فاطمیان ۳۰۲
جلیل محمدقلی‌زاده (رساله‌ـ) ۲۷۵
جواهرالاخبار ۳۴۹
جوهرالمصائب ۲۸۵
جهان‌نما ۸۰۲
جیران‌خانم اثرلری ۳۰۲

چ

چشمه‌های معدنی ایران ۱۲۲ ، ۷۹۸
چهارده معصوم حسینی ۲۸۵
چهارمقاله حکیمانه باباقورقوت ۲۵۵
چهرهٔ آدمی ۷۲
چهل حدیث ۳۵۵
چهل طوطی ترکی ۲۸۵
چهل مقاله ۸۰۵

ح

حافظ ابرو (تاریخ‌ـ) ۳۴۷
حبیب‌السیر فی‌اخبار افرادالبشر ۴۱۹ ، ۷۹۹
حدایق‌السیاحة ۸۰۱
حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب ۱۱ ، ۱۸ ، ۷۹۸
حدیقة‌الحقیقة (رك ، مختارنامه) ۲۸۵
حدیقة‌السعداء ترکی ۲۹۹
حدیقة‌المومنین ۳۰۲
حسین‌کرد (قصه‌ـ) ۳۰۲
حسینیه عصری (رك ، درمکنون) ۲۰۳
حکایت سیمین‌عذار ۲۸۶
حکایت نوش‌آفرین ۲۸۶
حیدر بابای شهریار ۲۸۳
حیدربابایه سلام (حیدربابای شهریار) ۲۸۶
حیدرعمواوغلی ومحمدامین رسول‌زاده (مقاله‌ـ) ۸۰۵

خ

خاطراتی از شرق ۸۰۲
خاورنامه ۲۸۶
خریدهٔ نستعلیق ۳۶۰
خسرو وشیرین ۳۴۵
خلاصه‌الاثرفی اعیان‌القرن الحادی عشر ۸۰۴
خلاصة‌الاخبار ۳۵۱
خلاصهٔ تاریخ مشروطیت ایران ۷۹۸
خلاصهٔ منهج‌الصادقین ۳۳۶
خمسه ۳۴۲
خمسه ادبیه ۲۹۵
خمسه نظامی ۳۳۹ ، ۳۵۶ ، ۳۸۱
خودآموز زبان آذربایجانی ۲۸۲
خودآموز ترکی ۲۸۶
خود آموز ترکی (رك، مشوق‌الصبیان) ۲۹۶
خودآموز زبان آذربایجانی و فارسی ۲۸۶ ، ۷۹۸
خودآموززبان یامکالمات‌زبان ترکی‌آذربایجانی ۲۷۶
خوارزمشاهی ۳۳۶

خوی وسلماس (مقاله-) ۸۰۳
خیا ویامشکین شهر ۸۰۰
خیرالبشر ۳۴۸

د

داستان اسب‌کیخسرو ۱۱۸
داستان اسکندر ذوالقرنین ۲۹۸
داستان امیرارسلان رومی ۲۸۳ ، ۲۹۸
داستان‌امیرحمزهٔ صاحبقران ۲۸۶
داستان چهل‌طوطی ۲۸۶
داستان حسین‌کرد ۲۸۳
داستان حمزه ۲۸۳
داستان خاورنامه ۲۸۶
داستان دده قورقود ۲۵۳ ، ۲۵۴
داستان دوستان ۸۰۱
داستان سلیم جواهری ۳۰۳
داستان شیرویه ۲۹۷
داستان قمرالزمان ۲۸۷
داستان قهرمان نامه ۲۹۶
داستان‌کشته شدن دیه‌کوز به دست بساط ۲۵۴
داستان‌کوکه یولداشی خواجه‌رشید ۲۸۷
داستان مکر زنان ۳۰۱
داستان ملك جمشیدفارسی ۳۰۴
دانشمندان (رك ، دانشمندان آذربایجان) ۲۶۰
دانشمندان آذربایجان ۲۱۵ ، ۲۱۷ ، ۲۵۹ ، ۲۶۰ ، ۲۸۳ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۳۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۷۹۸
دائرةالمعارف اسلامی ۲ ، ۴ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۴۲ ، ۵۱ ، ۵۴ ، ۱۲۶ ، ۱۷۶ ، ۲۲۸ ، ۲۳۶ ، ۲۳۸ ، ۲۴۵ ، ۲۵۶ ، ۲۵۹ ، ۷۹۹
دائرةالمعارف اسلامی ترکی ۲۳۶
دائرةالمعارف الاسلامیه ۱۴۵
دائرةالمعاری اسلامی عربی ۲۶۰
دائرةالمعارف اسلامی فرانسوی ۲۶۰
دائرةالمعارف اسلامی ۲۵۶ ، ۲۶۶
دائرةالمعارف فارسی ۴۶ ، ۵۵
دائرةالمعارف قدیم اسلامی ۸۰۲
دائرةالمعارف قدیم روسی ۲۲۷
دده قورقود ۲۲۵
دده قورقودك حکیمانه دورت مقاله سی ۲۵۵
درالفرائد فی‌معرفه‌التوحید ۲۱۷
دربندنامه (رك ، کاظم‌بیك) ۴۲۸
دربی‌نظیر (رك ، دیوان‌حقیر) ۳۰۲
درمکنون (رك ، حسینیه عصری) ۳۰۳
دزد وقاضی بغداد ۲۸۷
دستور زبان کنونی آذربایجان ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۸۰۲
دل‌حسن ۳۵۴
دو سنگنبشتهٔ اورارتی از آذربایجان (مقاله-) ۸۵ ، ۸۴
دول‌الاسلام ۷۹۹
...دهکی ۳۴۲
دون ژان ایرانی ۷۹۶
دهه‌عاشور یاشورش‌کربلا ۲۸۷
دیاربکریه ۷۹۶
دینکرد ۱۱۸
دیوان‌آثار جاویدان ۲۹۱
دیوان آقامیرزا علی‌خویی ۲۹۳
دیوان آمال منزوی ۳۰۲
دیوان ابن‌یمین ۳۵۶
دیوان اشعار شاه‌اسماعیل صفوی (رك ، خطایی) ۲۴۳

دیوان اشك ریز ۲۹۲
دیوان اعظمی یاشکوفه‌های خونین ۲۸۷
دیوان افسر ۲۹۳
دیوان اهلی ۳۵۰
دیوان پرغم ۲۹۳
دیوان پروانه ۲۹۳
دیوان تائب (رك : حاجی خداوردی) ۲۹۳
دیوان تراب ۲۹۴
دیوان جیران خانم (رك ، جیران خانم) ۲۹۰
دیوان توپچی ۲۹۴
دیوان ثابت تبریزی ۲۹۴
دیوان ثابت خویی ۲۹۴
دیوان جیران خانم ۲۹۰
دیوان حقیر (رك : دربی‌نظیر) ۳۰۲
دیوان حکیم‌الهی اردبیلی ۲۹۳
دیوان خاقانی ۳۴۹ ، ۳۵۶
دیوان خسرو دهلوی ۳۳۶
دیوان خضرخان ۳۵۶
دیوان خلیفه گرمرودی ۲۸۳
دیوان درویش بلبل ۲۹۴
دیوان دقیقی ۲۰۷
دیوان دلخون ۲۹۰
دیوان دلریش ۲۹۱
دیوان دلسوز (رك ، دلسوز) ۲۹۰
دیوان ذهنی یا رساله حسینیه ۲۸۸
دیوان رائی ۲۹۲
دیوان راجی ۲۸۳ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰
دیوان زائر ۲۸۷
دیوان‌سیدابوالقاسم مشهور به مجنون شاه‌قره‌جه داغی ۲۸۹
دیوان سید عمادالدین نسیمی حروفی
دیوان شانی ۲۸۸ ، ۲۹۲
دیوان شاه اسماعیل (رك : شاه اسماعیل‌صفوی) ۲۹۶
دیوان شاه خطایی ۳۵۳
دیوان شاهی ۳۵۴
دیوان شکوهی (رك ، حاجی مهدی تبریزی آیینه ساز ۲۹۱
دیوان‌شکوهی (رك ، محمدقلی بامیه‌ساز) ۲۹۱
دیوان شهاب ۲۸۸
دیوان صافی ۲۸۸
دیوان صحاف یاکواکب‌المصائب ۲۸۹
دیوان صدوقی ۳۰۲
دیوان‌صراف (رك : رضاصراف) ۳۸۳
دیوان صراف واحد ۲۸۳
دیوان عاجز ۳۰۲
دیوان عاصم ۲۹۲
دیوان عاصی ۲۸۸
دیوان عباسیه شانی ۲۹۲
دیوان عزالدین پورحسن ۲۵۶
دیوان عصمت ۳۵۶
دیوان علایی ۲۹۲
دیوافانی تبریزی ۲۹۵
دیوان قاسمی ۳۰۲
دیوان قطران تبریزی ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۸۰۲
دیوان کاشفی باملحقات ۲۸۹
دیوان کمال اسماعیل ۳۴۴ ، ۳۵۰
دیوان‌گلزار ذوقی ۲۸۹
دیوان گلشن شهدا ۳۰۲
دیوان لغات‌الترك ۲۲۵ ، ۸۰۲
دیوان محمدامین (رك ، دلسوز) ۲۸۹
دیوان محمد شیرین مغربی ۲۱۷
دیوان مضطر ۲۸۶ ، ۲۸۷

دیوان مضطر (رك : میریحیی‌بن مصطفی زنوزی ۲۹۵
دیوان معجرشبستری ۲۸۳ ، ۲۹۴
دیوان منجیك ۲۰۷
دیوان میرحیدری ۳۴۲
دیوان میرزاآقاجان اهری ۲۹۲
دیوان میرزاقاسم‌گونابادی ۳۸۲
دیوان میرمرحوم ۲۹۰
دیوان نائلی (رك ، گلشن فیروز) ۳۰۰
دیوان نباتی ۲۹۵
دیوان نجم‌الاثار ۳۰۲
دیوان‌نشاء تبریزی ۲۹۴
دیوان نوری ۲۹۱
دیوان هیدجی ۳۰۲
دیوان یلدا ۲۹۵

ذ

ذخیرهٔ خوارزمشاهی ۳۵۱
ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی ۷۹۹
ذیل جامع‌التواریخ رشیدی ۴۱۹ ، ۷۹۸

ر

راحه‌الصدور (رك ، راوندی) ۱۶۲
راهنمای تاریخ آذربایجان شرقی ۷۹۹
راهنمای شهرستانهای ایران ۸۰۰
رباعیات آذری ۳۰۳
رباعیات حکیم عمرخیام ۳۰۳
رجال آذربایجان درعصرمشروطیت ۸۰۴
رحله ابن‌بطوطه ۲۳۹
رساله آذری (-کسروی) ۲۲۱ ، ۲۱۵ ، ۲۳۶ ، ۲۴۱ ، ۲۵۱
رسالات ۲۵۹
رساله باب درشرح آداب ۳۳۷
رساله باهیه ۳۵۹
رساله حل موجز ۳۳۷
رساله خطی سرکیس کاراپتیان ۴۱۸
رساله درباب علم‌اخلاق ۳۳۷
رساله درتصوف ۳۳۷
رساله درعلم اعراب ۳۳۸
رساله درعلم ریاضی ۳۳۸
رساله درفن موسیقی ۲۱۶
رساله درنظام ۳۵۵
رساله روحی انارجانی ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۴۳ ، ۸۰۰
رساله زبان باستان آذربایگان (رك ، کسروی تبریزی) ۲۱۵
رساله زبان‌مردم تبریز درپایان سدهٔ دهم‌وآغاز سده یازدهم هجری ۳۲۲
رساله زورا ۳۳۷
رساله سرکیس کاراپتیان ۴۱۹ ، ۴۲۵ ، ۴۲۷
رساله قصیده ۳۵۹
رساله ملاسلطانعلی ۳۵۵
رساله‌یی درعلم طب ۳۳۶
رستم‌نامه ترکی ۲۹۶
رستم‌نامه فارسی ۲۹۶
رشدیه پیرمعارف (مقالهٔ-) ۸۰۶
رصدخانه مراغه وزیج‌ایلخانی ۸۰۲ ، ۸۰۴
رنگارنگ ۳۰۳
روزنامهٔ ایزوستیا ۱۱۶
روزنامه ملانصرالدین ۲۸۵
روضات‌الجنان و جنات‌الجنان ۹۷ ، ۲۱۱ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۸۰۳
روضه‌الاحباب ۳۵۲ ، ۳۴۷
روضه‌السلاطین ۲۵۹

روضة‌الشهداء ۳۵۷
روضة‌الشهداء ملاحسین کاشفی ۲۹۹
روضة‌الصفا ، ۱۷۰ ، ۳۳۸
روضهٔ عین‌القضا ۳۵۵
ریاض‌الجنه ۸۰۰
ریگ ودا ۱۰۷

ز

زاد اسپرم ۱۱۸
زاد المناقب ۳۴۳
زبان ترکی در آذربایجان (مقالهٔ) ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۷۹۶
زبان کنونی آذربایجان (مقاله) ۲۵۱ ، ۲۶۳ ، ۸۰۵
زبان هرزندات مرند ۷۹۶
زبدة‌المصائب ۳۰۲
زلزله درایران ۸۰۶
زین‌الاخبار گردیزی ۱۵۳
زیج‌خانی ۳۸۸

س

ساختمان فعل درزبان ترکی ۳۰۳ ، ۸۰۶
ساختمان فصل درزبان ترکی‌ازدیدهٔ زبانشناسی ۲۸۲، ۸۰۶
سازمان‌اداری حکومت‌صفویه (رك: مینورسکی) ۲۲۶ ، ۲۴۳ ، ۲۴۹
سالنامه‌های آشوری۷۳
سالنامه‌های اورارتویی ۷۳
سبحهٔ جامی ۳۴۱ ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ ، ۳۵۸
سرزمین زرتشت ۷۹۹
سفرنامه (رك ، سفرنامه ناصرخسرو) ۲۰۷
سفرنامهٔ آنتونی‌جنکینسن ۲۲
سفرنامهٔ ابودلف (رك ، الرسالة‌الثانیه) ۱۱۲ ، ۱۱۷
سفرنامهٔ تاورنیه ۸۰۵
سفرنامه کارری ۸۰۲
سفرنامه کلاویخو۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۸۰۰ ، ۸۰۳
سفرنامه مادام دیولافوآ ۸۰۱
سفرنامه ناصرخسرو ۱۵۲ ، ۲۰۷ ، ۸۰۵
سفرنامه اولئاریوس ۳۲۲
سکه‌های‌اسلامی دوره ایلخانی وگورکانی ۷۹۸
سلجوقنامه ۲۳۸
سلسلة‌النسب صفویه ۲۱۸ ، ۷۰۸
سلیم جواهری ۳۰۳
سنگنبشتهٔ اورارتی ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۴
سنگنبشتهٔ بیستون ۱۰۶
سنگنبشتهٔ داش‌تپه ۸۵
سنگنبشتهٔ رازلیق ۸۴
سنگنبشتهٔ شاپور دوم ساسانی ۱۲۹ ، ۱۳۱
سنگنبشته کیلی‌شین ۸۵
سنگنبشته نشتیبان ۸۴
سیاحت‌نامه (رك : اولیاچلپی) ۲۶۱ ، ۷۹۷
سیاحت نامه شوالیه شاردن ۸۰۱
سی‌پاره (رك ، قرآن) ۳۲۵
سیرهٔ جلال‌الدین ۱۶۲ ، ۷۹۹ ، ۸۰۵

ش

شاعرلر مجلسی ۳۰۳
شانلی آذربایجان قورخولی ۲۹۶
شاهسون قره‌قویونلو- آق‌قویونلو) ۲۴۶
شاهنامه ۲۸۳ ، ۳۴۵
شاهنامه فردوسی ۳۵۷
شاهنامه‌هاتفی ۳۵۹
شاه و درویش ۳۶۰
شرح داود مصری ۳۳۷

شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه ۸۰۴
شرح شمسیه ۳۳۷
شرعی مسأله‌لر ۳۰۳
شرح هیاکل ۳۳۷
شروان درقرن ششم هجری ۸۰۶
شکوفه های خونین ۳۰۳
شهپر ۳۴۳
شهرها وقلعه های آذربایجان (مقاله‌ـ) ۴۰۲
شهرهای نامی ایران (کتاب‌ـ) ۲۳
شهریاران‌گمنام (کتاب‌ـ) ۳۱ ، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۶۲ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ، ۸۰۳

ص

صائب (شرح حال صائب تبریزی) ۲۹۶
صحائف‌الاخبار ۸۰۵
صریح‌الملك درباب اسناد و قبالجات املاك و مستغلات موقوفات آستانه مقدسه ۳۳۷
صفوة‌الصفا ۲۱۸ ، ۲۴۱ ، ۷۹۵
صفوة‌الصفای درویش توکلی‌بن اسماعیل۲۱۷ ، ۷۹۵
صفویه تامشروطیت ۷۹۷
صنایع ایران ۸۰۶
صورالاقالیم ۷۹۶
صورة‌الارض ۱۲ ، ۱۷ ، ۱۴۵، ۲۰۵، ۷۹۵، ۷۹۹

ض

ضد فاشیست اثرلر ۳۰۳
ضروب وامثال ترکی ۳۰۳
ضیاءالعلوم ۳۵۲

ط

طبری (تاریخ-) ۱۲۸
طبقات سلاطین اسلام ۸۰۳
طوفان اشك ۳۰۳
طوفان کربلا ۳۰۳

ظ

ظفرنامه ۳۴۶ ، ۳۵۱ ، ۸۰۱ ، ۸۰۵
ظفرنامه تیموری ۳۷

ع

عاشق (داستان‌ـ) ۳۰۰
عاشق غریب‌ایله شاه صنم ۲۹۶
عاق والدین ترکی ۳۰۳
عاق‌والدین فارسی ۳۰۳
عالم‌آرا (رك : تاریخ شاه‌اسماعیل) ۲۴۷
عالم‌آرای‌عباسی ۲۴۸ ، ۲۴۹
عباسنامه (تاریخ شاه‌عباس ثانی) ۸۰۶
عصری (رك ، حسینیه عصری) ۳۰۳
عقایدالاسلام مقدس اردبیلی ۲۹۶
عماد فارسی ۳۵۰
عمروگلی (داستان ـ) ۳۰۰
عهدنامه گلستان ۴۲۲ ، ۴۲۳ ، ۴۲۴

غ

غارگنجینه‌ها ۱۱۷
غرر و درر ۳۳۸
غم‌خانه (رك ، دیوان پرغم) ۲۹۳
غمهای‌کربلا ۳۰۳

ف

فتنه باب ۷۹۶
فتوح‌البلدان (ـبلاذری) ۱۸ ، ۱۳۷ ، ۲۰۴ ، ۷۹۷
فرج بعداز شدت ۳۵۵

فردوس‌التواریخ ۳۵۷
فرهاد وشیرین ۳۵۷
فرهنگ آبادیهای کشور ایران ۳۲ ، ۴۱۵ ، ۸۰۱ ، ۸۰۴
فرهنگ ایران زمین ۲۲۱ ، ۸۰۱ ، ۸۰۲ ، ۸۰۴ ، ۸۰۵
فرهنگ پهلوی ۲۰۴
فرهنگ‌جغرافیایی ایران ۸ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۶ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۴۱۵ ، ۸۰۱
فرهنگ سخنوران ۷۹۹
فصول من‌تاریخ الباب والشروان ۸۰۵
فوات الوفیات ۳۸۹ ، ۷۹۵
فهرست آثار تاریخی ایران ۳۹۵
فهرست ابن‌اثیر ۱۴۰
فهرست بناهای تاریخی ۳۸۵ ، ۳۸۶ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۳۹۹ ، ۴۰۲ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴ ، ۴۱۵
فهرست بناهای تاریخی واماکن باستانی‌ایرانی ایران ۳۲۳ ، ۴۳۰
فهلویات ۲۱۵
فهلویات آذری مغربی ۲۱۶
فهلویات زبان‌آذری درقرن هشتم ونهم(مقاله‌ـ) ۲۱۶ ، ۲۲۱ ، ۷۹۶
فهلویات شیخ صفی‌الدین اردبیلی ۲۲۱
فهلویات‌ماماعصمت وکشفی به زبان آذری ۲۱۵ ۷۹۶
فهلویات مغربی ۲۱۷ ، ۷۹۶
فهلویات مغربی‌تبریزی (مقاله‌ـ) ۲۱۷ ، ۷۹۶

ق

قاموس الاعلام ترکی (رك ، شمس‌الدین سامی) ۴۵ ، ۲۲۶ ، ۸۰۰
قاموس لغات ترکی ۱۶۷
قرآن ۸۷ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۶۲ ، ۲۹۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۲ ، ۳۱۴ ، ۳۲۷ ، ۳۲۸ ، ۳۲۹ ، ۳۳۳ ، ۳۳۴ ، ۳۸۲ ، ۳۹۳
قران‌السعدین ۳۵۷
قصه آقاکواه ۸۰۵
قصیده عربی ۳۶۰
قهرمان‌نامه ۲۹۶
قیام آذربایجان وستارخان ۷۹۷
قیام خیابانی ۷۹۵
قیام مشروطیت در انقلاب آذربایجان ۷۹۷ ، ۸۰۱

ك

کاناکوگ کتابخانه سلطنتی آلمان ۲۵۳
کامل ابن‌اثیر ۱۴۰
کاوش های علمی حسنلو ۶۴
کتاب ارمیای‌نبی ۸۹
کتاب اسامی دهات کشور ۴۴ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۸۰۳
کتاب الاقالیم ۱۸ ، ۷۹۶
کتاب‌الانساب ۲۰۹
کتاب البلدان یعقوبی ۲۰۴ ، ۸۰۶
کتاب التیجان فی‌ملوك حمیر ۱۳
کتاب‌الخراج ۷۹۶ ، ۸۰۲
کتاب‌الفهرست ۷۹۶
کتاب الانساب ۲۰۹ ، ۸۰۰
کتاب بحرالاحزان ۲۹۷
کتاب دده قورقود به زبان طایفه غزه ۲۵۴
کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغـوزان
کتاب سماوریه وآینه اخلاق ۲۹۷

کتاب شیرویه ۲۹۷
کتاب مجوس ۱۱۸
کتاب مسالك و ممالك ۳۸۸
کتاب منجم باشی ۲۴۸
کتاب مهروماه ۹۹۷
کتابهای پهلوی ۱۱۸
کتاب هفته ۸۰۵
کتیبه بغازکوی ۷۰
کتیبه بیستون ۹۴
کتیبه پهلوی ۱۳۰
کتیبه پهلوی ساسانی ۱۲۳
کتیبه های آشوری ۷۱ ، ۹۸ ، ۱۰۶
کتیبه‌های اورارتو ۷۴ ، ۴۲۵
کتیبه‌های سارگن ۷۱
کتیبه‌های هخامنشی ۱۰۶
کشاورزی و مناسبات ارضی درایران عهدمغول ۷۰۸
کلثوم ننه ترکی ۲۰۴
کلثوم ننه فارسی ۳۰۴
کلیات امیرعلیشیر ۳۳۷
کلیات‌حکیم لعلی ۲۹۸
کلیات داستان هفت پیکر بهرام‌گور ۲۹۸
کلیات دخیل ۲۸۳ ، ۲۹۷
کلیات دخیل آل‌عبا ۲۹۷
کلیات دیوان فضولی ۲۹۹
کلیات خسرو ۳۵۳
کلیات خواجه عمادفقیه ۳۵۱
کلیات سعدی ۳۵۷
کلیات شاهنامه فردوسی ترکی ۳۰۳
کلیات کتاب جنگی مسیب نامه ۲۹۹
کلیات نزاری ۳۵۰
کلیات مختارنامه ۲۹۷
کلیات مصور الف لیلة ولیله ۲۹۸
کلیات ملانصرالدین ۲۹۷
کلیات مولانا کاتبی ۳۳۶
کلیات هفت‌جلدی اسکندر نامه ۲۹۸
کلیسای سوپ سرکیس (مقاله‌ـ) ۴۳۱
کنزالحسینی ۲۹۹
کوراوغلی ۲۹۹
کیمیای سعادت ۳۵۱

گ

گاتاها ۱۰۷
گرشاسب‌نامه ۱۵۷
گزارشهای باستانشناسی ۶۴ ، ۷۰۳
گلزار ذوقی ۲۹۹
گلستان ۳۵۸
گلستان خوتین ۳۰۴
گلشن‌بهار ۲۹۹
گلشن راز ۳۴۳
گلشن عزا ۳۰۴
گلشن عمر ۳۰۴
گلشن فیرور (رك ، دیوان نائلی) ۳۰۰
گلهای رنگین ۳۰۴
گلشن لربزکی ۳۰۰
گلین‌لرسوزی قینانالار دالینجه ۳۰۰
گنبد سرخ مراغه ۷۹۷
گنج دانش ۷۹۸
گنجینه حسینی ۳۰۴
گنجنه ذهنی ۳۰۴
گنجینه زیویه ۸۹

گنجینه سقز ۷۵
گنجینه شیخ صفی ۳۲۴ ، ۳۸۳ ، ۸۰۳
گوی وچوگان ۳۴۴ ، ۳۵۴

ل

لایلای (رك : هزار) ۳۰۰
لمعات‌الحسینی ۳۰۰
لندن ۲۰۰
لیلی ومجنون ۳۰۰ ، ۳۴۴ ، ۳۵۵

م

مالك وزارع درایران ۸۰۳
مبانی دستور زبان آذربایجان ۲۸۲ ، ۳۰۰ ، ۸۰۱
متن حکمة‌العین ۳۳۷
متن شافیه ۳۳۷
مثنوی مولای روم ۳۴۸
مجله ارمغان ۷۹۷
مجالس المؤمنین ۸۰۲
مجلهٔ آموزش‌وپرورش ۸۰۴
مجله انجمن انسانشناسی ۷۲
مجله ایرانشهر ۸۰۱ ، ۸۰۳
مجله باستانشناسی وهنرایران ۴۳۱
مجله بررسی‌های تاریخی ۷۲، ۲۴۶ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۱۳ ، ۴۱۹ ، ۴۲۲، ۴۲۹
مجله پیام ۸۰۰
مجله دانش ۷۹۹
مجلهٔ دانشکده ادبیات تهران ۱۲۲ ، ۴۱۱ ، ۸۰۱
مجله راهنمای کتاب ۸۵
مجله سرو ۷۹۹
مجله کاوه ۸۰۱
مجله مجیط ۸۰۴
مجله ماهتاب ۷۹۶
مجله موسسه باستانشناسی شرقی فرانسه ۳۸۴
مجله هنر ومردم ۱۳۰ ، ۷۹۷
مجله یادگار ۲۲۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۷۹۶ ، ۸۰۰ ، ۸۰۱ ، ۸۰۵
مجله یغما ۷۹۹ ، ۸۰۰ ، ۸۰۳، ۸۰۵ ، ۸۰۶
مجمع‌الاداب فی‌معجم الالقاب ۷۹۶
مجمع‌الانساب ۳۳۸
مجمل فصیحی ۸۰۱
مجموعه اشك آل ۳۰۱ ، ۳۰۴
مجموعه هفت دیوان ۳۵۶
محشر عاشورا ۳۰۴
محمدبن البعیث وزبان آذری ۸۰۵
مختارنامه (رك : حدیقة‌الحقیقة) ۲۸۵
مختارنامه فارسی ۲۹۷
مختصرپروتستانت ۳۰۱
مختصر سلجوقنامه ۲۳۸ ، ۸۰۶
مختصر کتاب‌البلدان ۲ ، ۱۷ ، ۷۹۶
مختلف‌الشیعه ۳۳۶
مخزن‌الاسرار ۳۴۰
مرآت‌البلدان ۱۰ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۶ ، ۲۵ ، ۳۲۳ ، ۳۲۴ ، ۳۹۷ ، ۴۱۵ ، ۸۰۱
مراثی حسینی ۲۸۳
مراثی ذهنی ۲۸۳
مراثی صافی ۲۸۳
مراثی صراف ۲۸۳
مراصدالاطلاع فی‌اسماء الامکنه والبقاع ۷۹۵
مـردم شناسی ایران ۱۸۱ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۹۰ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۲۹ ، ۲۳۴ ، ۲۵۲ ، ۸۰۶

مرزبان نامه ۳۴۸
مرزهای ایران ۸۰۴
مرقع ۳۶۰
مروج‌الذهب ۷ ، ۱۱۶
مسافرت به ایران ۴۱۶
مسالك والممالك (رك: الاصطخری) ۱۷ ، ۲۵ ، ۲۰۵ ، ۷۹۶
مسالك وممالك ۱۳۸
مسامرة‌الاخیار ومسایرة‌الاخبار ۷۹۵
مشوق‌الصبیان ۲۹۷
مشهدالشهدا ۳۵۲
مصحف مجید (رك : قرآن) ۳۲۵ ، ۳۲۷
مطالعات جغرافیایی ژان دمرگان ۸۰۶
مطلع‌الانوار ۳۴۸
مطلع‌السعدین ومجمع‌البحرین ۳۵۱ ، ۸۰۱
مظهرالعجایب ۳۴۱
معاهدهٔ ترکمان چای ۴۲۳
معجزات امیرالمؤمنین ۳۰۴
معجم‌الانساب ۱۴۵ ، ۱۸۱ ، ۸۰۰
معجم‌الانساب و الاسرات الحاکمه فی‌التاریخ ـ الاسلامی ۱۴۳ ، ۸۰۰
معجم‌البلدان ۱ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۶ ، ۲۰ ، ۲۲ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۳۰ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۵۳ ، ۱۱۶ ، ۱۳۸ ، ۲۰۸ ، ۸۰۶
معلم امروز ۷۹۹ ، ۸۰۲ ، ۸۰۶
معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانیان ۳۸۵ ، ۳۸۹ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ ، ۴۰۰ ، ۴۰۷ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴ ، ۷۰۶
معماری ایران در دورهٔ مغول ۴۳۲
مفاتیح‌العلوم ۲۰۶ ، ۷۹۹
مقالات حضرت شیخ ۳۳۷
مقالات کسروی ۸۰۳
مقاله خواجه عبدالله انصاری ۳۴۰ ، ۳۴۱
مقاله‌گدار (رك ، آثار تاریخی ایران) ۳۹۱ ، ۳۹۲ ، ۳۹۳ ، ۳۹۵
مکاتبات رشیدی ۸۰۴
مکتب کربلا ۳۰۴
مکرزنان ۳۰۱
ملك جمشید ترکی (داستان ـ) ۳۰۴
ملکشاه (داستان ـ) ۳۰۰
منتخب حدیقه سنایی ۳۵۵
منتخب دیوان ناصر خسرو ۳۵۳
منتخب مولانا جامی ۳۵۸
منتظم ناصری ۷۹۶
منطقه قالی بافی آذربایجان ۷۰۲
منتهی الارب ۲۰
مدینه الموصل ۵۰۳
موادالتواریخ ۴۵ ، ۸۰۵
مهابادخونین تاکرانه‌های ارس ۷۹۸ ، ۸۰۵
مهزنبوت ۳۴۲ ، ۳۴۴
مهرو وفا ۳۵۰

ن

نام‌های شهرها ودیهای ایران ۸۰۳
نبذة من‌الجزءالثانی من اخبارالدول المنقطعة ۷۹۸
نخبه آثار شعرای آذربایجان ۳۰۱
نزهةالساسانیه ۲۱۷
نزهة القلوب ۲ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۸ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰

۴۱ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۱۲۰ ، ۲۱۰ ، ۲۱۳ ،
۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۳۸۹ ، ۴۰۸ ، ۷۰۰
نشریه آمار عمومی ۱۹۹ ، ۲۰۲ ، ۷۹۶
نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۲۱۰ ، ۲۱۲ ،
۲۱۴ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ،
۲۵۱ ، ۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۸۴ ، ۷۹۶ ،
۸۰۴ ، ۸۰۵ ، ۸۰۶
نشریه کتابخانه ملی تبریز ۷۹۸ ، ۸۰۰ ، ۸۰۵
نشریهٔ فرهنگ اردبیل ۸۰۱
نصاب الصبیان ۲۹۵
نصاب ترکی (رك : تجرید اللغات) ۲۸۴
نصاب ترکی (رك : یحیی بن مصطفی الحسین
زنوزی) ۲۸۶
نغمه های غم ۳۰۴
نقش‌ها ونگاشته‌های مسجد کبود تبریز ۸۹۸
نمونه‌یی ازفهلویات قزوین وزنجان وتبریز در
قرن هفتم (مقاله) ۲۱۵ ، ۷۹۶
نمونه‌یی چند ازلغت آذری (رك ، ادیب طوسی)
۲۶۳
نواهای نینوا ۳۰۴
نوبهار آفاق (رك ، دیوان نوری) ۲۹۱
نودونه نام ۳۵۹
نوشته های خصوصی آسوری ۲۰۰

و

واحدین غزللری وتری تصنیفلر ۳۰۱
وضع ایران کنونی (کتاب ـ) ۳۲۶
ولقان ۳۰۱

ه

هاتفی ۳۴۶
هدیه بنی‌هاشمی ۳۰۴
هزارویك شب ۲۸۳ ، ۲۸۷ ، ۲۹۸
هفت پیکر ۳۴۴
هفت پیکر نظامی ۲۹۸
هلال‌شعار اسلام (مقاله - رك ، بارتولد) ۱۱۶
هنرایران ۶۴ ، ۹۰
هنرایران درماد وهخامنشی ۶۴ ، ۸۰۳
هنرایران در دورهٔ ماد وهخامنشی ۶۷ ، ۷۱ ،
۹۰
هنرمعماری درارمنستان ۴۱۵ ، ۴۲۶
هیئت علمی فرانسه در ایران ۱۹۸ ، ۱۹۹ ،
۲۰۲ ، ۲۹۱ ، ۸۰۶

ی

یادداشت های قزوینی ۴۸ ، ۲۲۹ ، ۸۰۲
یادگاری مضطر (رك ، دیوان مضطر) ۲۸۷
یادنامهٔ ایرانی مینورسکی ۴۰۳
یسنا ۱۰۷
یشتها ۱۲۰ ، ۱۲۸
یك اثر تاریخی از دوران ماد تا عهد اسلامی
(مقاله ـ) ۴۰۳
یك‌سند تاریخی ازگویش آذری ۸۰۴
یوسف وزلیخا ۳۴۵ ، ۳۵۶
یوسف وزلیخای ترکی ۲۵۰
یوسف و زلیخای فارسی ۲۸۴

٤ = فهرست مطالب

مطلب	صفحه
فصل اول	۱ـ۴۶
جغرافیای تاریخی آذربایجان	
	۱
حدود آذربایجان	۱ـ۲
آذربایجان شوروی	۲ـ۷
بلاسجان	۷-۸
اران در دوره اسلامی	۸ـ۱۰
شهر بیلقان	۱۰
گنجه	۱۰ـ۱۱
باژگاه	۱۱
شمکور	۱۱
شروان	۱۱ـ۱۳
بندر باکو	۱۳
عشایر آذربایجان شوروی	۱۵ـ۱۶
نام‌شهرهای قدیم آذربایجان	**۱۶ـ۱۹**
مراغه	۱۹-۲۱
اردبیل	۱۱-۲۳

مطلب	صفحه
سراب	۲۳ـ۲۴
بذ	۲۴
اوجان	۲۴-۲۶
میانه	۲۶-۲۷
دهخوار قان (آذرشهر)	۲۷
خلخال	۲۷ـ۲۸
جلفا	۲۸ـ۲۹
خدا آفرین	۲۹ـ۳۰
اهر	۳۰-۳۱
مشکین (شهر)	۳۱
خیاو	۳۱ـ۳۲
تکلفه	۳۲
ارجاق	۳۲
کلیبر	۳۳
طسوج	۳۳
سلماس	۳۳ـ۳۶
خوی	۳۴ـ۳۵
مرند	۳۵ـ۳۶
نخجوان	۳۶ـ۳۷
موغان	۳۷-۳۸

مطلب	صفحه
باجروان	۳۸
برزند	۳۸
برزنج	۳۹
محمودآباد	۳۹
همشهره	۴۰
ورثان	۴۰
ارمیه	۴۰-۴۲
بسوی (پسوا)	۴۲-۴۳
اشنو ، اشنویه	۴۳
ماکویه ، ماکو	۴۳-۴۵
مهاباد	۴۵-۴۶
فصل دوم	۴۷-۶۱
جغرافیای آذربایجان	**۴۷**
الف ـ زمین شناسی	۴۷-۴۸
ب ـ جغرافیای طبیعی	۴۸-۴۹
رودهای آذربایجان	۴۹-۵۱
کوههای آذربایجان	۵۱-۵۲
دریاچهٔ رضائیه	۵۲-۵۵
جزیره کوهستانی شاهی	۵۵-۵۷
بندرهای مهم این دریاچه	۵۷
تقسیم آذربایجان به دواستان	۵۷
جدول شهرستانها وبخشها و دهستانهای استان سوم (آذربایجان شرقی)	۵۸-۶۱
فصل سوم	۶۲-۶۳
باستانشناسی آذربایجان	**۶۲-۶۲**
حسنلو	۶۳-۶۴

مطلب	صفحه
گوی تپه	۶۴-۶۶
آثار ماکو	۶۶-۶۷
گورهای طالش	۶۷
قره‌تپه	۶۷-۶۸
اقوام باستانی درآذربایجان	۶۸-۷۰
هوریان	۷۰
لولوبیان	۷۱
کوتیان	۷۳-۸۱
قوم مانئا	۷۳-۷۵
آشوریها در آذربایجان	۷۵-۸۰
تسخیر قلعه تبریز	۸۰
قوم اوراتو درآذر بایجان	۸۰-۸۲
آثار اورارتو درآذربایجان	۸۲
سنگنبشته اورارتویی	۸۲-۸۳
۲ ـ سنگنبشته ده بسطام	۷۳-۸۴
۳ ـ سنگنبشته رازلیق	۸۴-۸۵
۴ ـ سنگنبشته نشتیبان	۸۵
۵ - سنگنبشته داش تپه	۸۵-۸۶
سرانجام اورارتو	۸۶
میتانیها	۸۶-۸۸
سکائیان	۸۸-۸۹
گنجینه زیویه	۸۹-۹۰
فصل چهارم	۹۱-۱۳۳
آذربایجان در پیش از اسلام	**۹۱**
آذربایجان درزمان‌پادشاهان ماد	۹۱-۹۴
آذربایجان در دوره هخامنشی	۹۴-۹۵
مادآتروپاتن یاآتروپاتن	۹۵-۹۷
وجه تسمیه آذربایجان	۹۷-۹۸

مطب	صفحه
خاندان آتروپات	۹۸–۱۰۳
آذربایجان تحت حکومت اشکانی	۱۰۳–۱۰۴
مغان در آذربایجان	۱۰۴–۱۱۰
آتشکده آذرگشنسب (قلعه تخت سلیمان)	۱۱۰–۱۲۳
آذربایجان درعهد ساسانی	۱۲۳–۱۲۹
سنگنبشته‌ای ازعهد شاپور دوم ساسانی	۱۲۹–۱۳۱
دسنویس متن سنگنبشته پهلوی عهدشاپور دوم	۱۳۱–۱۳۳
فصل پنجم	۱۳۴–۱۷۹
آذربایجان پس از اسلام	۱۳۴
فتح آذربایجان به دست عرب	۱۳۴–۱۳۷
بابك خرم‌دین	۱۳۷–۱۴۰
جدول فرمانروایان آذربایجان در دوره تسلط عرب	۱۴۰–۱۴۴
جدول‌خاندان بنی‌ساج وآذربایجان	
مراغه ، اردبیل ، بزدعه	۱۴۴–۱۴۵
دیسم‌کرد درآذربایجان	۱۴۵–۱۴۸
روادیان	۱۴۸
روادیان ازدی	۱۴۸–۱۴۹
فرمانروایان مرند	۱۵۰
فرمانروایان اورمی	۱۵۰–۱۵۱
دنباله خاندان روادیان	۱۵۱–۱۵۲
آمدن قبایل چادرنشین ترك به آذربایجان	۱۵۲–۱۵۶
جنگهای مسلمانان بارومیان	۱۵۶–۱۵۷
ابودلف شاه‌نخجوان	۱۵۷

مطب	صفحه
سلجوقیان وترکان	۱۵۷–۱۵۹
احمد یلیان	۱۵۹–۱۶۲
جدول خاندان امیران شیبانی	۱۶۳
جدول خاندان صدقه دراورمی	۱۶۴
جدول‌خاندان بنی‌سلار (سالاریان)	۱۶۴–۱۶۵
جدول خاندان روادیان تبریز	۱۶۵–۱۶۶
جدول خاندان امیران احمد یلی	۱۶۶–۱۶۷
اتابکان آذربایجان	۱۶۷–۱۶۸
جهان پهلوان	۱۶۸
قزل ارسلان	۱۶۸–۱۶۹
اتابك ابوبکر	۱۶۹
مظفرالدین اوزبك	۱۶۹–۱۷۰
اتابك خاموش	۱۷۰
جدول‌خاندان اتابکان آذربایجان یا بنی‌ایلدکز	۱۷۱
خلاصه تاریخ آذربایجان از مغول تاعصر حاضر	۱۷۱–۱۷۷
جدول آمار جمعیت آذربایجان غربی	۱۷۷
جدول آمار جمعیت آذربایجان شرقی	۱۷۹
فصل ششم	۱۸۰–۲۰۲
طوایف و ایلات آذربایجان	
ایلات آذربایجان شرقی	۱۸۰–۱۸۱
آداب و رسوم ایلات آذربایجان شرقی	۱۸۳–۱۸۴
ایلات خلخال	۱۸۴–۱۸۵
ایلات آذربایجان غربی	۱۸۵
رسوم وعادات	۱۸۵–۱۸۷

مطلب	صفحه
مرگ وسوکواری	۱۸۷
اقلیت های مذهبی آذربایجان	۱۹۶
آسوریان کلدانیان آذربایجان	۱۹۸ـ ۱۹۹
آسوریان ایران	۱۹۹- ۲۰۲
یهودیان آذربایجان	۲۰۲
فصل هفتم	۲۰۳ـ۲۳۴
زبان فهلوی آذری	۲۰۳ـ ۲۰۴
نام فهلوی آذری در کتب قدیم اسلامی	۲۰۴ـ۲۱۰
چند نمونه از زبان آذری تاپیش صفویه	۲۱۱ـ۲۲۱
رساله روحی انارجانی	۲۲۱ـ۲۲۴
لهجه های آذری	۲۲۴ـ۲۱۵
لهجه تاتی	۲۲۵ـ۲۲۹
لهجه تاتی قریه‌ٔ کرینگان	۲۲۹ـ۲۳۳
لهجه‌خلخالی	۲۳۳ـ۲۳۴
فصل هشتم	۲۳۵ـ۴۰۴
زبان ترکی آذری	۲۳۵
ترکان در عصر سلجوقی و خوارزمشاهی	۲۳۵ـ۲۳۷
ترکان درعصر مغول وتیمور	۲۳۷--۲۴۱
ترکان درعصر صفوی	۲۴۲ـ۲۴۶
نام قبایل ترك	۲۴۴- ۲۴۶
فهرست طوایف قزلباش	۲۴۶
فهرست ایلات ترك در عصرصفوی	۲۴۷- ۱۵۰
نتیجه نفوذ قبایل ترك در عصر صفوی	۲۵۰ـ ۲۵۲

مطلب	صفحه
جمعیت شناسی ترك	۲۵۲ـ ۲۵۳
آثار ترکی آذری	۲۵۳
داستان دده قورقود	۲۵۳--۲۵۶
عزالدین پورحسن	۲۵۶--۲۵۷
دده‌عمر	۲۵۷--۲۵۸
سید عمادالدین نسیمی حروفی	۲۵۸
حبیبی	۲۵۸--۲۵۹
خطایی	۲۵۹
خطایی	۲۵۹--۲۰۶
زبان مردم تبریز درعهدشاه‌صفی	۲۶۰--۲۶۱
مشخصات ترکی آذری	۲۶۱--۲۶۴
بعضی از اختصاصات ترکی آذری	۲۶۴--۲۶۶
دستور زبان ترکی آذری	۲۶۳--۲۶۹
جدول حالات اسم	۲۶۹
علامت تصغیر	۱۶۹
علامت نسبت	۲۷۰
صفت تفضیلی	۶۷۰
ضمایر منفصل	۲۷۰
مبهمات	۲۷۲
حرف موصول	۲۷۲
عدد	۲۷۲--۲۷۴
قید	۲۷۳--۲۷۴
ادات	۲۷۴
فعل	۲۷۴--۲۷۵
اسم مصدر	۲۷۵
فعل متعدی	۲۷۵
فعل معلوم ومجهول	۲۷۵
اسم فاعل	۲۷۶
وجه وصفی	۲۷۵--۲۷۶
فعل امر	۲۷۶
ماضی مطلق	۲۷۶--۲۷۷

مطلب	صفحه
ماضی استمراری	۲۷۷
ماضی نقلی	۲۷۷–۲۷۷
ماضی بعید	۲۷۸
ماضی‌التزامی	۲۷۸–۲۷۹
مضارع اخباری	۲۷۹
مضارع التزامی	۲۷۹–۲۸۰
فعل مستقبل	۲۸۰
وجه شرطی	۲۸۱–۲۸۲
فعل منفی	۲۸۱–۲۸۲
جمله بندی	۲۸۲
فهرست کتابهای ترکی به‌لهجهٔ آذربایجانی	۲۸۳–۳۰۴
فصل نهم	۳۰۵–۴۰۷
ابنیه واماکن تاریخی آذربایجان	۳۰۵
بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی	۳۰۵
قالی سابق بقعه شیخ صفی‌الدین	۳۰۶–۳۰۷
سردربقعه بزرك	۳۰۷
حیاط بقعه بزرگ	۳۰۷–۳۰۹
صحن بقعه بزرك	۳۰۹–۳۱۰
فرمان شاه‌طهماسب	۳۱۰–۳۱۱
کتیبه‌های عمده سردر ونمای رواق بقعه	۳۱۲–۳۱۴
حیاط مقابر یاحرمخانه	۳۱۴–۳۱۵
گنبد شیخ‌صفی‌الدین	۳۱۵–۳۱۷
دوستکامی مسین شیخ اویس	۳۱۷–۳۱۸
بقعهٔ شیخ جبرائیل	۳۱۸–۳۲۰
مقبره شاه‌اسماعیل	۳۲۰–۳۲۱

مطلب	صفحه
بقعهٔ شاه‌اسماعیل	۳۲۱
حرمخانه	۳۲۱–۳۲۲
چینی‌خانه	۳۲۲–۳۲۳
شهیدگاه	۳۲۳–۳۲۴
صفیه‌صفویه حفت‌بالانوار القدسیه	۳۲۴–۳۸۳
مسجد جامع اردبیل	۳۸۴–۳۸۵
مقبرهٔ شیخ شهاب‌الدین دراهر	۳۷۵–۳۸۶
رصدخانهٔ مراغه	۳۸۶–۳۹۲
برج مدور آجری	۳۹۲
گنبد کبود	۳۹۳
گنبد غفاریه	۳۹۳–۳۹۵
گوی برج (قوی برج)	۳۹۵–۳۹۶
مسجد جامع مرند	۳۹۶–۳۹۸
کاروانسرای مرند	۳۹۸–۳۹۹
مقبرهٔ شیخ حیدر درمشکین‌شهر	۳۹۹–۴۰۰
قلعه جمهور درنزدیکی مشکین شهر	۴۰۱–۴۰۲
کلیسای سنت استفانوس درجلفا	۴۰۲
پل دختر درمیانه	۴۰۲–۴۰۳
قلعه دختر درمیانه	۴۰۳
قلعهٔ ضحاك	۴۰۳–۴۰۵
کاروانسرای سرچم	۴۰۵–۴۰۷
بخش دوم	۴۰۸
آثار و اطلال تاریجی آذربایجان غربی	۵۰۸
آثار مغول درتخت سلیمان	۴۰۸–۴۱۱
سه‌گنبد در رضائیه	۴۱۱–۴۱۳
مسجد جامع رضائیه	۴۱۳–۴۱۴

مطلب	صفحه
مسجد جامع مهاباد	۴۱۵
کلیسای طاطاووس درچالدران	۴۱۵-۴۱۶
نام قره‌کلیسا درکتب تاریخ عهد مغول وتیموری	۴۱۷-۴۲۵
سبك معماری قره‌کلیسا	۴۲۵-۴۲۹
محوطه اطراف بنا	۴۲۹-۴۳۰
کلیسای سوپ سرکیس‌خوی	۴۳۰-۴۳۱
بقعه میرخاتون در سلماس (شاهپور)	۴۳۱-۴۳۲

فصل دهم ۴۳۳-

آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان ۴۳۳-۷۹۴

جمعیت ثابت برحسب جنس و تعداد خانوار در مناطق‌مختلف آذربایجان شرقی	۴۳۳
جمعیت‌ثابت برحسب جنس وتعدادخانوار درمناطق مختلف‌استان آذربایجان غربی	۴۳۵
اطلاعات چارچوبی کارگاه های آبادیهای آذربایجان شرقی وغربی	۴۳۶
جمعیت وتعداد خانوار دهستانهای آذربایجان شرقی به تفکیك شهرستان	۴۳۷
جمعیت وتعداد خانوار دهستانهای آذربایجان غربی به تفکیك شهرستان	۴۴۱
جمعیت و تعداد خانوار دیهای شهرستان اردبیل	**۴۴۴**
جمع دهستان انزاب	۴۴۶
جمع دهستان یورتچی	۴۴۹
جمع دهستان ثمرین	۴۵۱
جمع دهستان درآباد	۴۵۲
جمع دهستان دورسون خواجه	۴۵۲
جمع دهستان سرعین	۴۵۵
جمع دهستان ویلکیج	۴۵۸
جمعیت و تعداد خانوار های دیهای ارسباران	**۴۶۱**
جمع دهستان هیر	۴۶۱
جمع دهستان اهر	۴۶۱
جمع دهستان از مدل شمالی	۴۷۱
جمع دهستان از مدل جنوبی	۴۷۳
جمع دهستان چهار دانگه	۴۷۵
جمع دهستان حسن‌آباد	۴۷۷

جمع دهستان دیزمار شرقی ۴۸۹
جمع دهستان دیزمار غربی ۴۸۲
جمع دهستان دیگله ۴۸۴
جمع دهستان دودانگه ۴۸۵
جمع دهستانهای کیوان ۴۸۷
جمع دهستانهای کلیبر ۴۸۹
جمع دهستان گرمادوز ۴۹۷
جمع دهستان میشه پاره ۴۹۸
جمع دهستان مواضع خان ۵۰۰
جمع ذهستان و رگهان ۵۰۴
جمع دهسان بافت ۵۰۶
جمعیت و تعداد دیهای خانوار های تبریر ۵۰۶
جمع دهستان آلان برآغوش ۵۰۷
جمع دهستان اسکو ۵۰۸
جمع دهستان آذرشهر ۵۰۹
جمع دهستان بدوستان ۵۱۱
جمع دهستان بستان آباد ۵۱۳
جمع دهستان خامنه ۵۱۴
جمع دهستان خسروشاه ۵۱۵
جمع دهستان سردرود ۵۱۶
جمع دهستان سهند آباد ۵۱۸
جمع دهستان سردصحرا ۵۱۸
جمع دهستان سیس ۵۱۹
جمع دهستان شرآمین ۵۱۹
جمع دهستان شبستر ۵۲۰
جمع دهستان شرفخانه ۵۲۱
جمع دهستان صوفیان ۵۲۱
جمع دهستان عباسی (عباس) ۵۲۴
جمع دهستان گاوکان ۵۲۵
جمع دهستان مهران رود ۵۲۷
جمعیت و تعداد ده های شهرستان خلخال ۵۲۸
جمع دهستان هریس خانمرود ۵۲۸

جمع دهستان خانه بیل	۵۳۰
جمع دهستان خورش رستم	۵۳۳
جمع دهستان سنجبد	۵۳۸
جمع دهستان شاهرود	۵۴۰
جمع دهستان کاغذ کنان	۵۴۶
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان سراب	**۵۴۶**
جمع دهستان آغمیون	۵۴۷
جمع دهستان ابرغان	۵۴۸
جمع دهستان رازلیق	۵۴۹
جمع دهستان ملایعقوب	۵۵۰
جمع دهستان هریس	۵۵۲
جمع دهستان ینگجه	۵۵۳
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان مراغه	**۵۵۳**
جمع دهستان بناجو	۵۵۴
جمع دهستان دیزجرود	۵۵۶
جمع دهستان سراجو	۵۶۲
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان مرند	**۵۶۹**
جمع دهستان گاو دول	۵۶۷
جمع دهستان حومه	۵۷۰
جمع دهستان رودقات	۵۷۱
جمع دهستان علمدار	۵۷۳
جمع دهستان هرزندات	۵۷۴
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان مشکین‌شهر	**۵۷۵**
جمع دهستان یکانات	۵۷۵
جمع دهستان ارشق	۵۸۱
جمع دهستان انکوت	۵۸۵
جمع دهستان اجاود	۵۹۲
جمع دهستان برزند	۵۹۴
جمع دهستان مشکین غربی	۵۹۸
جمع دهستان مشکین شرقی	۶۰۱
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان میانه	**۶۰۹**
جمع دهستان مغان	۶۰۹
جمع دهستان اوچ تپه	۶۱۱

جمع دهستان پردانان ۶۱۳
جمع دهستان تیرچایی ترکمان ۶۱۴
جمع دهستان کله‌بز ۶۱۸
جمعیت تعداد خانوار ده های شهرستان هشترود ۶۹۱
جمع دهستان گرمه حومه ۶۲۳
جمع دهستان چهار اویماق ۶۳۵
جمع دهستان قوری چای ۶۳۹
جمع دهستان هشترود ۶۴۸
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان خوی در آذربایجان غربی ۶۴۸
جمع دهستان الند ۶۴۹
جمع دهستان ایواوغلی ۶۵۱
جمع دهستان چورس ۶۵۲
جمع دهستان حاجیلار ۶۵۳
جمع دهستان رهال ۶۵۴
جمع دهستان سکمن آباد ۶۵۶
جمع دهستان فیروزق ۶۵۷
جمع دهستان قره ضیاءالدین ۶۵۸
جمع دهستان قطور ۶۶۰
جمع دهستان ولدیان ۶۶۲
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان رضائیه ۶۶۲
جمع دهستان قوشچی انزل ۶۶۴
جمع دهستان باراندوز جای ۶۷۱
جمع دهستان برادوست ۶۷۳
جمع دهستان ترگور ۶۷۴
جمع دهستان بکشلوچای ۶۷۸
جمع دهستان دول ۶۷۹
جمع دهستان دشت ۶۸۰
جمع دهستان روضه چای ۶۸۲
جمع دهستان صومای ۶۷۵
جمع دهستان مرگور ۶۸۷
جمع دهستان نازلوچای ۶۹۴

جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان شاهپور ۶۹۴
جمع دهستان شپیران ۶۹۵
جمع دهستان چهریق ۶۹۷
جمع دهستان حومه ۶۹۸
جمع دهستان شینتال ۶۹۹
جمع دهستان کره سنی ۷۰۰
جمع دهستان گردیان ۷۰۱
جمع دهستان لکستان ۷۰۲
جمعیت و تعدادخانوار ده های شهرستان ماکو ۷۰۲
جمع دهستان آواجیق ۷۰۳
جمع دهستان به‌به جیك ۷۰۶
جمع دهستان چالدران ۷۱۱
جمع دهستان چایباسار ارس‌کنار ۷۱۵
جمع دهستان چایباسار ۷۱۸
جمع دهستان قره‌قویون ۷۲۰
جمع دهستان دره سی ۷۲۲
جمع دهستان کجلران ۷۲۴
جمعمت و تعداد خانوار ده های شهرستان مهاباد ۷۲۵
جمع دهستان آختاچی غربی ۷۲۷
جمع دهستان آختاچی شرقی ۷۲۹
جمع دهستان ایل تیمور ۷۳۴
جمع دهستان بهی ۷۳۷
جمع دهستان ویران ۷۴۲
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان میاندوآب ۷۴۵
جمع دهستان کورك مکری ۷۴۵
جمع دهستان آجرلو ۷۴۸
جمع دهستان احمدآباد سفلی ۷۵۰
جمع دهستان تکاب ۷۵۲
جمع دهستان چاردولی ۷۵۵
جمع دهستان شاهین دژ ۷۵۹
جمع دهستان مرحمت‌آباد ۷۶۳
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان نقده ۷۶۳

جمع دهستان اشنویه ۷۶۵
جمع دهستان حومه ۷۷۰
جمع دهستان دشت بیل ۷۷۱
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان خانه ۷۷۲
جمع دهستان پیران ۷۷۳
جمع دهستان لاهیجان ۷۷۷
جمع دهستان منکور ۷۸۰
جمعیت و تعداد خانوار ده های شهرستان سردشت ۷۸۰
جمع دهستان آلان ۷۸۲
جمع دهستان باسك کولوسه ۷۸۳
جمع دهستان بریاجی ۷۸۶
جمع دهستان کلاس ۷۸۷
جمع دهستان گورك سردشت ۷۹۰
جمع دهستان ملکاری ۷۹۲
جمع دهستان نعلین ۷۹۴

کتابشناسی آذربایجان ۷۹۵–۸۱۷
عکس‌ها و تصاویر ۸۱۹ - ۸۷۱
فهرست‌ها ۸۷۵–
صواب‌نامه ۹۸۹–

صواب نامه

صفحه	سطر	خطا	صواب
۵	۳	Abanoi	Albanoi
۷	۱۸	Arax	Arcax
۷	۱۸	با پایتخت	پا پایتخت
۸	۷	نیکجه	ینکجه
۹	۵	یکشبه	یکشنبه
۱۶	۱۷	میگزید	میگزیدند
۱۷	۲۳	سعربن مهلهل	مسعربن مهلهل
۲۳	۱۶	کرمی	گرمی
۲۴	۱۰	برغوش	بزغوش
۳۰	۹	یك منزل	یك منزلی
۴۱	۸	دارمی	وارمی
۴۸	۱۲	Metamosphique	Metamorphique
۵۲	۵	مغرف	مغرب
۵۶	۱۷	احمیت	اهمیت
۵۷	۵	شهرستانها مهاباد	شهرستانهای مهاباد
۵۷	۷	بندآق گنبد	بندر آق گنبد
۶۰	۱۵	خونه مهاباد	حومهٔ مهاباد
۶۲	۹	هشت کیلو	هشت کیلومتری
۶۲	۸	اورل‌اشنین	اورل اشتین
۶۲	۱۲	Chalcolithipue	Chalcolithique
۶۸	۱	ده تازه کنند	ده‌تازه کند

صفحه	سطر	خطا	صواب
۶۸	۱۳	قرسو	قره‌سو
۷۰	۹	مجاروت	مجاورت
۷۰	۲۳	اوراتو	اورارتو
۸۱	۹	اورارتور	اورارتو
۷۵	۱۷	لولویی	لولوبی
۷۵	۷	اوئیدیش	اوایشدیش
۷۶	۱۴	برنیست	برنبست
۷۹	۱۴	آرمانیت	آرمائیت
۸۱	۱۵	اوراتوها	اوراتورها
۸۱	۱۸	اورأتو	اورارتو
۸۲	۱۹	اورارتو	اورارتوها
۸۷	۷	هندوارویایی	هندواروپایی
۸۸	۱۱	آنان راه‌گیسی‌ر ا	آنان راکیمی ری
۸۸	۲۱	منایع	منابع
۹۳	۲۰	اوراتورا	اورارتورا
۹۴	۱۲	(ساترایی)	(ساترایی)
۹۹	۱۴	ازماویر	ارماویر
۱۰۱	۱۸	شنافت	شتافت
۱۰۸	۱۵	باوحود	باوجود
۱۱۰	۲۲	ایران باستان	ایران درعهد باستان
۱۲۰	۲۱	اباتاخان	اباقاخان
۱۲۸	۳	Krorus	Krosus
۱۳۵	۲۱	حذیقه	حذیفه
۱۴۳	۱۱	ابولمسافر	ابوالمسافر
۱۴۴	۷	ابولمسافر	ابوالمسافر
۱۴۴	۲۰	تا ۴۵۸	تا ۲۵۸
۱۵۲	۴	نختگاه	تختگاه
۱۶۲	۱۰	رواندی	راوندی
۱۶۶	۱۰	خاصیك	خاصیك
۱۷۴	۲۳	دوه قاجاریه	دوره قاجاریهٔ
۱۷۵	۸	محمدغلی‌شاه	محمدعلی‌شاه
۱۷۵	۲۰	شورری	شوروی
۱۸۲	۱۰	قره سودو	قره‌سو
۱۸۲	۱۳	سیدلر	سیدلو

صفحه	سطر	خطا	صواب
۱۹۲	۱۰	عید نوروز	جشن عیدنوروز
۱۹۳	۵	آتش افروزند	آتش می‌افروزند
۱۹۸	۱۱	نسطوری و کلده‌ای‌ها	نسطوری و کلدانی
۲۰۲	۲۱	آثار عمومی	آمار عمومی
۲۰۶	۲۳	مفاتیح الوم	مفاتیح‌العلوم
۲۰۷	۲۳	التنبیةالاشراف	التنبیه‌والاشراف
۲۱۱	۱۷	بزرگر	برزگر
۲۱۸	۴	قدس‌سره	قدس سره
۲۱۸	۲۲	بلخیص	تلخیص
۲۲۰	۵	قالوابلا	قالوابلی
۲۲۵	۶و۹و۱۱	اوشتبتین	اوشتبین
۲۲۸	۱۹	آنها	آنجا
۲۳۳	۲۳	تاتی وهرنی	تاتی وهرزنی
۲۳۷	۱	جمله	حمله
۲۴۰	۱	کلبیر	کلیبر
۲۴۱	۱۶	تظم	تظلم
۲۴۹	۱۳	شاه طهمسبا	شاه طهماسب
۲۴۹	۱۵	حنسلو	حسنلو
۲۴۹	۲۴	اداری صفوی	اداری حکومت صفوی
۲۵۵	۸	بابا باقورقوت	بابا قورقوت
۲۵۵	۹	عمل کرد	عمل می‌کردند
۲۵۸	۱۵	سلیم‌خان‌در	سلیم خان
۲۶۶	۲	Evülwe عمانی	Evüne عثمانی
۲۶۸	۸	تقبل	ثقیل
۲۷۰	۱و۹	تفصیلی	تفضیلی
۲۷۱	۱۶	بیزوئوزوموز	بیزئوزوموز
۲۷۲	۱۰	(چند؟)	چه قدر؟
۲۸۰	۵	دیل	ذیل
۲۸۰	۱۳	خوامی‌آمد	خواهی آمد
۲۸۳	۲۰	استقضای	استقتصای
۲۹۰	۵	خانواد	خانواده

صفحه	سطر	خطا	صواب
۳۰۴	۱۲	مجمه‌ای	مجموعه‌ای
۳۰۴	۱۵	اکر	اکبر
۳۰۶	۶	نقس	نقش
۳۰۶	۱۶	و این بیت نوشته شده ،	
		جزآستان توام در جهان پناهی نیست	
		سرمرابجز این در حواله گاهی نیست	
		عمل من‌بنده درگاه مقصودکاشانی ۱	
۳۱۰	۴	اراره	ازاره
۳۱۴	۱۲	الجنته	الجنه
۳۱۶	۲۳	المعرز	المعزز
۳۱۶	۲۳	الجینه	الجنیه
۳۲۲	۱۸	عالی‌قاپور	عالی‌قاپو
۳۲۴	۱۲	آثات‌المیت	اثاث البیت
۳۲۴	۱۶	که وبرای	که برای
۳۳۰	۱	به عبدالله	بن‌عبدالله
۳۳۳	۷	آخز	آخر
۳۳۳	۹	ضجیم	ضخیم
۳۵۵	۱۵	درصفحه	دوصفحه
۳۶۰	۲۱	خوشنویان	خوشنویسان
۳۶۱	۱۰	صندق	صندوق
۳۶۵	۱۸	شمیشر	شمشیر
۳۶۶	۲۴	باالکلیه	بالکلیه
۳۸۳	۸	ازطرب	ازطرف
۳۸۴	۲	پیش	بیش
۳۸۵	۱۰	اوالجایتو	اولجایتو
۳۸۵	۲۱	Ardalbil	Ardabil
۳۸۶	۱۴	قدس‌اللهروحة	قدس‌الله روحه
۳۸۷	۱۳	پرنمو	پرنمو
۳۸۹	۱۹	Schindldr	Schindler
۳۹۶	۱۳	ازآخر	از آجر
۳۹۷	۱۳	خیرته	جزیة
۳۹۹	۲۲	ویاراتس	و یارانش

۱ــ پس معلوم میشود که بافنده آن مقصودکاشانی بوده است. از افادات دانشمند محترم آقای سیدمحمدتقی مصطفوی .

صفحه	سطر	خطا	صواب
۴۰۰	۲۰	آیات قرانی	آیات قرآنی
۴۰۰	۲۱	مقرنسکای	مقرنسکاری
۴۰۱	۱۴	دوازه	دروازه
۴۰۲	۱۶	ازسنگی	سنگی
۴۰۲	۲۲	slephannos	stephannos
۴۰۳	۱۶	یس از	پس‌از
۴۰۶	۱۳	وهلاکت و	وهلاکت
۴۰۷	۱۰	سبعملائة	سبعمائة
۴۰۹	۲۱	اباقاخای	اباقاخان
۴۱۳	۱۰	گذاشته	گذشته
۴۱۳	۲۱	بافهرست	، فهرست
۴۱۷	۱	نیلیع	تبلیغ
۴۱۸	۵	ارغوان خان	ارغون خان
۴۱۸	۵	کیکیکیه	کیلیکیه
۴۱۹	۸	سطان	سلطان
۴۲۱	۱۵	احمدی	احدی
۴۲۳	۳	فتحملی شد	فتحملی‌شه
۴۲۵	۳	برند	بردند
۴۲۵	۲۱	بارودارای	بارودارى
۴۲۶	۱۱	کارگاهها	کارگاههای
۴۲۶	۲۰	بازبلیك	بازیلیك
۴۲۹	۷	چهارناقوس	چهارقوس
۴۲۹	۲۳	اندرانهك	اندرانیك
۴۳۱	۱۷	حصایصی	خصایصی
۴۶۱تا۴۵۲	۱	اردبیل	ارسباران
۴۶۲	۹و۱۰	انداب	اندراب
۵۳۸	۱	لینر	لنبر
۴۹۱	۱	مورچه سفلی	بورچه سفلی
۵۴۳	۵	سلمانلو	سلیمانلو
۵۷۳	۱	مراند	مرند
۵۹۳	۶	پلنلو	پلنگلو
۶۱۰	۱۰	۳۰	۳۵
۶۱۰	۲۲	۱۶۳	۵۶۶
۶۱۰	۲۳	۱۲۲	۱۰۶
۶۲۱	۱	میانه	هشترود
۶۳۱	۱۳	۱۲۳	۱۳۲

صفحه	سطر	خطا	صواب
۶۴۸	۱۴	نبلاغی سفلی	یانبلاغی سفلی
۶۵۴	۲۲	زروآباد	زورآباد
۶۷۷	۱۴	۲۷۳	۳۸۳
۳۷۹	۲۱	سلیمیك	سلیمیك
۶۸۰	۴	۴۴۸	۴۸۸
۶۸۰	۴	۲۵۰	۲۵۵
۶۸۲	۸	موساتد امیر وری	مؤسسه دامپروری
۶۸۳	۹	پیرانجون	پیرانجوق
۶۸۸	۸	ایلو	ایبلو
۷۲۷	۱۰	آختاجی عربی	آختاجی غربی
۷۳۷	۲۲	ارمناکشفلاق	ارمناك قشلاق
۷۳۸	۱۵	یاین دره	پاین دره
۷۴۱	۵	۵۳	۳
۷۵۴	۱۱	قیزجه	قیسزجه
۷۸۰	۳	کنه‌دارمینگور	کنه‌دارمنگور
۸۰۶	۲۰	محله مهر	مجله مهر
۸۶۶	۲	صخرای	صخره‌ای
۸۶۸	۲	کارونسرایی	کاروانسرایی
۸۶۹	۲	علدار	علمدار

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰٤
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰٤
۳	شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
٤	کشف دو لوح تاریخی در همدان (تحقیق پر فسورهرتسفلد ـ ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
٥	سه‌خطابه در بارهٔ آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلدوهانی‌بال)	مهرماه ۱۳۰٦
٦	کشف الواح تاریخی تخت جمشید(پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس‌محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰	رسالهٔ جودیه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱	رسالهٔ نبض ابن‌سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوةاستاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقایان دکتر محمد معین و سید محمد مشکوة استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱٤	ریاضیات‌دانشنامهٔ‌علائی‌ابن‌سینا(بتصحیح آقای‌مجتبی‌مینوی‌استاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱٥	الهیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱٦	رسالهٔ نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمیداستاددانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رسالهٔ در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمهٔ‌رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (از آقای دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–
۱۹	معراج‌نامهٔ‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای‌دکترغلامحسین‌صدیقی‌استاد دانشگاه)	
۲۰	رسالهٔ تشریح اعضاء ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–
۲۱	رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب به‌ابن‌سینا (بتصحیح‌آقای‌دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	–

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۲۲	ظفرنامه منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	۱۳۴۸
۲۳	رسالهٔ کنوزالمعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۴	رسالهٔ معیارالعقول، جزئیل‌ازابن سینا(بتصحیح آقای‌جلال الدین‌همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رسالهٔ حی بن یقطان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن‌سینا (بتصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمهٔ مجلداول جشن نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمهٔ اشارات و تنبیهات (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رسالهٔ فارسی و عربی از ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی با مداد)	بهمن‌ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن‌نامهٔ ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگره ابن‌سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن نامهٔ ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگره ابن‌سینا بزبانهای آلمانی وانگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشگر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر ومقابله خیام (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶	شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری .)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	درهٔ نادره تألیف میرزا مهدی‌خان (باتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
٤١	شرح احوال ونقد وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	١٣٤٠
٤٢	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	١٣٤٠
٤٣	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	١٣٤٠
٤٤	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس شورای ملی)	١٣٤١
٤٥	جهانگشای نادری تالیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار)	١٣٤١
٤٦	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تالیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (بامقدمه و تصحیح وتحشیهٔ آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	١٣٤٢
٤٧	نادرهٔ ایام، حکیم عمرخیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	١٣٤٢
٤٨	اقلیم پارس (آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی فارس) - تألیف سید محمدتقی مصطفوی	١٣٤٣
٤٩	سفارش نامهٔ انجمن آثار ملی	اردیبهشت ١٣٤٤
٥٠	یادنامهٔ شادروان حسین علاء	١٣٤٤
٥١	ذخیرهٔ خوارزمشاهی، تألیف زین‌الدین ابو ابراهیم اسمعیل جرجانی - سنهٔ ٥٠٤ هجری - (باهتمام وتصحیح وتفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی - دکتر محمد شهراد - دکتر جلال مصطفوی) (کتاب نخستین)	٢٥ شهریور ١٣٤٤
٥٢	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح بخط خود استاد - مقدمه و شرح حال بخط وخامهٔ استاد امیری فیروز کوهی	١٣٤٥
٥٣	عرائس الجواهر ونفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ٧٠٠ هجری بامقدمه وکوشش آقای ایرج افشار	١٣٤٥
٥٤	ری باستان - مجلد اول مباحث جغرافیائی شهری بعهد آبادی تألیف آقای دکتر حسین کریمان	١٣٤٥
٥٥	خیامی نامه جلد اول تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ١٣٤٦
٥٦	فردوسی وشعر او تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ١٣٤٦
٥٧	خرد نامه تألیف ونگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ١٣٤٧

شماره	فهرست انتشارات انجمن آثار ملی	تاریخ انتشار
۵۸	فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی امام شوشتری	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتاب شناسی فردوسی – فهرست آثار و تحقیقات دربارهٔ فردوسی و شاهنامه تدوین آقای ایرج افشار	مردادماه ۱۳۴۷
۶۰	روز بهان نامه بکوشش آقای محمدتقی دانش پژوه	اسفندماه ۱۳۴۷
۶۱	کشف الابیات فردوسی جلد اول بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	خردادماه ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ماه ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت الله مهراز	آبان ماه ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذرماه ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش دکتر جعفر شعار	دیماه ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر – برگردانندهٔ بفارسی سید محمد علی امام شوشتری	دیماه ۱۳۴۸
۶۸	یادگار های یزد تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ماه ۱۳۴۸
۶۹	ری باستان مجلد دوم تألیف دکتر حسین کریمان	خرداد ماه ۱۳۴۹
۷۰	از آستارا تا آستار باد (جلد اول بخش اول) آثار و بنا های تاریخی گیلان بیه پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ماه ۱۳۴۹
۷۱	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه ها بمناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ماه ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوف ری – محمدبن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۴	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ماه ۱۳۴۹
۷۵	یادنامه شادروان سید حسن تقی زاده باهتمام حبیب یغمائی	دی ماه ۱۳۴۹
۷۶	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین‌الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی سنهٔ ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی ـ (کتاب دوم)	دی ماه ۱۳۴۹